ماه خدا

پژوهشی جامع
درباره ماه مبارک رمضان از دیدگاه قرآن و حدیث

محمدی ری‌شهری

جلد ۲-۱

پایگاه: رسول احمدی

ترجمه: جواد محدثی

ماه خدا پژوهشی جامع درباره ماه مبارک رمضان از نگاه قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان و نام پدیدآور : ماه خدا پژوهشی جامع درباره ماه مبارک رمضان از نگاه قرآن و حدیث/ محمد ری شهری، با همکاری رسول افقی ؛ ترجمه جواد محدثی.

مشخصات نشر : قم: دارالحدیث، 1383.

مشخصات ظاهری : 2ج.

فروست : مرکز تحقیقات دارالحدیث؛ 86.

شابک : دوره: 964-7489-93-5 ؛ دوره، چاپ سوم 978-964-7489-93-5 : ؛ 58000ریال: ج.1: 964-7489-91-9 ؛ 70000 ریال (ج.1، چاپ دوم) ؛ ج.1،چاپ سوم 978-964-7489-91-1 : ؛ ج.2: 964-7489-92-7 ؛ ج.2، چاپ سوم 978-964-7489-92-8 :

یادداشت : فارسی-عربی.

یادداشت : ج.1 و 2 (چاپ دوم: 1385).

یادداشت : ج.1 و 2 (چاپ سوم: 1389).

موضوع : رمضان -- جنبه های قرآنی

موضوع : رمضان -- احادیث

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 14

شناسه افزوده : افقی، رسول، 1345 -

شناسه افزوده : محدثی، جواد، 1331 -، مترجم

رده بندی کنگره : BP188/م37م2 1383

رده بندی دیویی : 297/354

شماره کتابشناسی ملی : 1047425

ص: 1

جلد 1

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

پیش گفتار

اشاره

پیش گفتارستایش ، از آنِ پروردگار جهانیان است . و سلام و درود بر بنده برگزیده اش محمّد ، و دودمان پاک و اصحاب نیک و خجسته او باد ! از نگاه اسلام ، فلسفه خلقت انسان و هدفِ در نظر گرفته شده برای او ، رسیدن به کمال مطلق است . از این رو ، آنچه در منابع و متون اسلامی به عنوان رمز و راز بعثت پیامبران الهی آمده است (همچون : عدالت ، علم و آزادی) ، مقدّمه تربیت انسان و رسیدن او به مرتبه «انسان کامل» است . بر پایه این شناخت ، برای آنان که اسلام را باور دارند و به این آیینْ دل بسته اند ، سزاوار است که از هر فرصتی برای رسیدن به این هدف والا ، بهره بگیرند . در این میان ، ماه رمضان برای خداجویان سالک ، فرصتی است بی همتا ، که اگر به خوبی مورد استفاده قرار بگیرد ، به تعبیر قرآن کریم که می فرماید : «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ» ؛ (1) شب قدر ، بهتر از هزار ماه است . می توان یک شبه ، راه هزار ماهه را پیمود . خداوند سبحان ، در این ماه بافضیلت ، میهمانی ویژه ای را برای تربیت روح ترتیب داده است ، به گونه ای که می تواند در حیات معنوی انسان تحوّلی پدید آورد

.

1- .قدر ، آیه 3 .

که او را به سعادت ابدی برساند و کامیابی همیشگی را برایش تضمین کند . نکته مهم در این مسیر ، آن است که انسانی که تصمیم دارد به دنیای این ضیافت گسترده وارد شود ، بداند : به کجا می رود؟ معنای میهمانی الهی چیست و چگونه باید وارد آن شود؟ چه باید انجام دهد و چگونه مسئولیّت خویش را ادا کند؟ و چگونه از آن بیرون آید؟ شناخت همه اینها ضروری است تا انسان از این میهمانی ، به نحو شایسته بهره مند گردد . این کتاب ، گامی در این مسیر است و به پرسش های یادشده ، با بهره گیری از قرآن کریم و متون حدیثی ، پاسخ های کافی می دهد .

روش کتابروش ما در بررسی و کاوش و مستندسازی مباحث در این مجموعه ، متّکی به عناصر زیر است : 1 . از دیدگاه ما ، احادیثی که از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده اند ، در واقع ، حدیث پیامبر خدایند ، همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود : «ما از طرف خدا و پیامبر او سخن می گوییم» (1) و نیز امام صادق علیه السلامفرمود : «سخن من ، سخن پدرم است و سخن پدرم ، سخن جدّم است و سخن جدّم ، سخن حسین است و سخن حسین، سخن حسن است و سخن حسن ، سخن امیر مؤمنان و سخن امیر مؤمنان ، سخن پیامبر خداست و سخن پیامبر خدا ، سخن خداوند متعال است» . (2) کلمه «سنّت» که در عنوان این کتاب آمده است ، برای بیان همین نکته و مفهوم است که در کتاب ، از همه احادیثِ روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او ، یکسان بهره گرفته شده است .

.

1- .رجال الکشّی : 2 / 490 / 401 ، بحار الأنوار : 2 / 250 / 62 .
2- .الکافی : 1 / 53 / 14 ، منیه المرید : 373 ، الإرشاد : 2 / 186 ، بحار الأنوار : 2 / 179 / 28 . ر . ک : اهل بیت در قرآن و حدیث : 1 / 261 « حدیث آنها همان حدیث پیامبر خداست» .

2 . کوشیده ایم در حدّ توان ، همه روایات مربوط به هر موضوع را از منابع گوناگون شیعه و اهل سنّت ، به طور مستقیم ، استخراج و گردآوری کنیم و با بهره گیری از نرم افزارهای رایانه ای ، آنها را روی برگه های مخصوص تنظیم نماییم تا زمینه گزینش کامل ترین ، موثّق ترین و کهن ترینِ آنها فراهم آید . در مورد استفاده از دعاها نیز جز در مواردی اندک ، تنها از ادعیه ای که مستند به معصومان است ، بهره گرفته ایم . 3 . سعی کرده ایم تا از آوردن روایات تکراری پرهیز نماییم ، جز در این موارد : الف) آن جا که نکته مهمّی در تفاوت واژه ها و اصطلاحات ، نهفته بوده است . ب) در مواردی که متن حدیث ، در متون شیعه و اهل سنّت ، تفاوت داشته است . ج) آن جا که متن روایت ، بیش از یک سطر نبوده و مربوط به دو باب بوده است . 4 . در مواردی که متن های رسیده از پیامبر خدا و امامان علیهم السلام ، متعدّد بوده اند ، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در متن ، و نشانی روایات ائمّه دیگر با ذکر عنوان و مأخذ ، در پانوشت می آید ، مگر آن که روایت آنان ، نکته تازه ای داشته باشد که آن نیز در متن آورده می شود . 5 . در هر موضوع ، پس از ذکر آیات مربوط به آن ، روایات معصومان به ترتیب زمانی (از پیامبر خدا تا امام مهدی علیه السلام) آورده می شوند ، مگر آن که روایتی در تفسیر آیاتِ مذکور باشد (که در این صورت ، پیش از روایات دیگر می آید) ، یا آن که تناسب موضوعی روایات ، ترتیب دیگری را ایجاب کند . 6 . در آغاز هر روایت ، تنها نام پیامبر صلی الله علیه و آله یا امامی را آورده ایم که حدیث از او نقل شده است ، مگر آن که راوی ، فعل آنان را نقل کرده ، یا سؤال و جوابی در میان بوده و یا راوی ، سخنی را در متن حدیث آورده باشد که کلام پیامبر صلی الله علیه و آله یا آن امام نیست . 7 . به خاطر تعدّد نام ها و لقب های پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام ، نام واحدی را برگزیده ایم که به صورت ثابت در اوّل روایت می آید و بر شخص مورد نظر ، دلالت می کند .

.

8 . در پانوشت ها ، منابع احادیث ، به ترتیب معتبرترینِ آنها تنظیم شده است ؛ لیکن گاه به دلیلی که بر محقّقان پوشیده نیست (از جمله : پرهیز از تکرار ، اختلاف منابع یا راوی و یا شخصی که از او روایت شده) ، این ترتیب را پس از نخستین منبع ، مراعات نکرده ایم . 9 . هر گاه دسترسی به منابع اوّلیه ممکن باشد ، حدیث مستقیما از آنها نقل می شود . آن گاه نشانیِ بحار الأنوار (در احادیث شیعه) و کنز العمّال (در احادیث اهل سنّت) به عنوان دو منبع اساسی و جامع حدیث شیعه و اهل سنّت ، افزوده می شود . 10 . پس از ذکر منابع ، گاه با نشانه «ر.ک» ، به منابع دیگر ارجاع داده می شود؛ چرا که متن ارجاعی ، با متن نقل شده تفاوت بسیار دارد؛ ولی در عین حال ، با متن اصلی و موضوع بحث ، مرتبط است . 11 . ارجاع به ابواب دیگر این کتاب ، به خاطر تناسب و اشتراک محتوایی میان احادیث آنهاست . 12 . هدف از «درآمد»هایی که برای فصل های کتاب ، نوشته شده یا توضیحات و استنتاج هایی که در پی احادیث آمده است ، ارائه چشم انداز کلّی روایات آن بخش یا آن فصل است . گاه هم به توضیح و تبیین برخی از مفاهیم دشوار و پیچیده احادیث ، پرداخته شده است . 13 . مهم ترین نکته در این شیوه ، کوشش در حدّ توان برای تأیید اطمینان آور صدور احادیث هر باب از معصوم است که به کمک قرائن عقلی و نقلی برای اثبات محتوای احادیث ، صورت پذیرفته است . در پایان ، بر خود لازم می دانم مراتب سپاس و قدردانی خود را از همه سروران فاضل و محقّقان عزیز و بزرگوار در مرکز تحقیقاتِ دارالحدیث که در پدید آوردن و عرضه این اثر نفیس ، کوشش هایی ستودنی داشته اند ، ابراز دارم ، بویژه از فاضل گران قدر جناب آقای رسول اُفقی که بار سنگین این کار را بر دوش داشتند و برادر فاضل آقای مرتضی خوش نصیب که در آماده سازی بخشی از آن ، سهیم بوده اند .

.

همچنین از فاضل گران مایه جناب آقای جواد محدّثی که با ترجمه دقیق ، روان و زیبای این کتاب ، زمینه بهره مندی پارسی زبانان را فراهم ساختند ، صمیمانه سپاس گزارم . از خدای سبحان برای همه این عزیزان در راه برافراشتن رایت فرهنگ اسلامی و همکاری در نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و سخنان نورانی آنان ، توفیق بیشتر خواستارم . ربّنا ! تقبّل منّا ؛ إنّک أنت العزیز الحکیم . محمّد محمّدی ری شهری 8 ربیع الثانی 1425 7 خرداد 1383 28 می 2004

.

ص: 12

..

درآمد

اشاره

درآمدواژه «رمضان» از ریشه «رَمَضَ» است ، به معنای بارانی که اوّل پاییز می بارد و هوا را از خاک و غبارهای تابستان پاک می کند و یا به معنای داغیِ سنگ از شدّت گرمای آفتاب . (1) امّا درباره این که چرا این نام بر یکی از ماه های سال ، گذاشته شده است ، زمخشری (م 528 ق) گوید : اگر گویی : «چرا ماه رمضان را به این نام نامیده اند؟» ، گویم : روزه در ماه رمضان ، عبادتی دیرین است ، و گویا عرب ها این نام را به خاطر داغ شدنشان از حرارت گرسنگی و چشیدن سختی آن ، نهاده اند ، همچنان که به آن «ناتق (رنج آور)» هم گفته اند ؛ چون سختی روزه ، آنان را به رنج و زحمت می افکند . و گفته اند : چون نام ماه ها را از زبان قدیم نقل کرده اند ، آنها را با زمان هایی که در آنها قرار داشتند ، نامیده اند و این ماه ، در روزهای

.

1- .ر . ک : تفسیر الفخر الرازی : 5 / 89 والعین : 327 . یادآوری این نکته لازم است که فخر رازی ، این دو معنا را در اشتقاق «رمضان» ، از خلیل بن احمد فراهیدی نقل کرده است؛ لیکن پوشیده نماند که معنای نخست ، در بیشتر فرهنگ های لغت نیامده است . از سوی دیگر ، در تهذیب اللغهی ازهری آمده است : «ابر و بارانِ رمضی یعنی ابر و بارانِ آخر تابستان و اوّل پاییز که چون گرما و حرارت خورشید را به خود می گیرند ، رمضی نامیده شده اند» (تهذیب اللغه : 2 / 1469) .

آیا «رمضان» نام خداست؟

گرم و داغ بوده است . (1) شماری از روایات ، این نام گذاری را به سبب نقشی دانسته اند که ماه رمضان در پاکسازی آئینه جان از آلودگی های گناهان و پاکسازی روان از زنگار خطاها دارد . از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت است :

إنّما سُمِّیَ رَمَضانُ ؛ لِأَنَّهُ یُرمِضُ الذُّنوبَ ؛ (2)

این ماه را رمضان نامیده اند : چون گناهان را می زداید .

این وجه در نام گذاری ، از یک سو با ریشه لغویِ «رمضان» و از سوی دیگر با برکات ، رهاوردها و آثار آن ، هماهنگ و متناسب است .

آیا «رمضان» نام خداست؟شماری از احادیث شیعه و اهل سنّت ، صراحت دارند که «رمضان» از نام های خدای سبحان است . (3) از این رو ، نهی شده که آن را بدون افزودنِ واژه «ماه» به کار برند ، (4) همان گونه که سزاوار نیست انسان بگوید : این ، رمضان است ؛ رمضان آمد ؛ رمضان رفت ؛ رمضان را روزه گرفتم ؛ و . . . و هر که چنین بگوید ، باید به عنوان کفّاره این سخن ، صدقه بدهد و روزه بگیرد . (5) لیکن این روایات ، با مشکلات متعدّدی رو به رویند ؛ زیرا هم سندشان مخدوش

.

1- .الکشّاف : 1 / 113 . ونیز ، ر . ک : معجم مقاییس اللغه : 2 / 440 ، المصباح المنیر : 231 ، النهایه : 2 / 264 ، أساس البلاغه : 252 ، مفردات ألفاظ القرآن : 366 ، مجمع البحرین : 2 / 732 .
2- .برای آگاهی از منابع حدیث ر . ک : ص 52 ح 34 .
3- .ر . ک : السنن الکبری : 4 / 339 / 7904 ، الفردوس : 5 / 52 / 7433 ، کنز العمّال : 8 / 484 / 23742 و ح 23743 ؛ الکافی : 4 / 70 / 2 ، کتاب من لایحضره الفقیه : 2 / 172 / 2050 ، معانی الأخبار : 315 / 1 ، بصائر الدرجات : 311 / 12 ، بحار الأنوار : 96 / 376 / 1 .
4- .ر . ک : منابع پاورقی قبلی . و همچنین : الکافی : 4 / 70 / 1 ، کتاب من لایحضره الفقیه : 2 / 172 / 2051 ، معانی الأخبار : 315 / 2 ، فضائل

الأشهر الثلاثه : 93/73 ، الجعفريّات : 241 و ص59، الإقبال : 1/29 ، بحار الأنوار : 96/377/2 و ح 3 .
5- .ر . ک : الجعفريّات : 241 و ص 59 ، النوادر ، راوندى : 208 / 407 ، الإقبال : 1 / 29 ، بحار الأنوار : 96 / 377 / 3 .

نام های ماه رمضان

است و هم دلالتشان نارساست ، با این توضیح که : اوّلاً ، هیچ یک از روایات مورد اشاره ، از نظر سند ، معتبر نیستند . ثانیا ، با مراجعه به روایاتی که به شمارش نام های خداوند پرداخته اند ، دیده می شود که چنین نامی در میان آنها نیست . ثالثا ، در بسیاری از روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نقل شده است ، کلمه«رمضان» بدون آن که واژه«ماه» در اوّل آن باشد، به کار رفته است و بسیار بعید است که راویان، از پیش خود، مضاف را از همه این روایات ، حذف کرده باشند . (1)

نام های ماه رمضاناحادیث اسلامی ، «ماه رمضان» را با نام ها و صفات متعدّدی توصیف کرده اند که همه آنها عظمت این ماه را نشان می دهند و بیانگر نقش مثبت ، ژرف و سازنده آن در رشد ، بالندگی و فراهم آوردن سعادت دنیوی و اخروی انسان اند . از جمله این نام ها و صفات ، موارد زیرند : 1 . ماه خدا ، (2) 2 . ماه بزرگ تر خدا ، (3) 3 . ماه میهمانی خدا ، (4) 4 . ماه نزول قرآن ، (5) 5 . ماه تلاوت قرآن ، (6) 6 . ماه روزه گرفتن ، (7) 7 . ماه مسلمانی ، (8) 8 . ماه پاک کننده ، (9) 11 . ماه آزادسازی ، (10)

.

1- .ر . ک : المیزان فی تفسیر القرآن : 2 / 26 .
2- .ر . ک : ح 5 و ح 10 13 و ح 210 و ح 218 و ح 225 و ح 227 و ح 232 وح 466 .
3- .ر . ک : ح 8 .
4- .ر . ک : ص 41 (ویژگی های ماه رمضان / ماه میهمانی خدا) .
5- .ر . ک : ص 49 (ویژگی های ماه رمضان / نزول قرآن ، در شب قدر) . و ح 225 .
6- .ر . ک : ح 225 و ح 226 . وص 327 (زیاد قرآن خواندن) .
7- .ر . ک : ح 7 و ح 225 و ح 226 .
8- .ر . ک : ح 7 .

9- . 9 . ماه خالص سازی ، . ر . ک : ح 7 . 10 . ماه نماز ، ر . ک : ح 7 و 226 .
10- .ر . ک : ص 59 (برکات ماه رمضان / آزادی از آتش دوزخ) . و ح 225 و ح 227 و ح 466 .

12 . ماه صبر ، (1) 15 . ماه آمرزش ، (2) 16 . ماه رحمت ، (3) 17 . ماه توبه ، (4) 18 . ماه بازگشت ، (5) 19 . ماه استغفار ، (6) 20 . ماه دعا ، (7) 22 . ماه اطاعت ، . ر . ک : ح 225 . 23 . ماه مبارک ، (8) 24 . ماه بزرگ ، (9) 25 . ماهی که خداوندْ [در آن ،]روزیِ مؤمن را می افزاید ، (10) 26 . سَرور ماه ها ، (11) 27 . عید اولیای خدا ، (12) 28 . بهار قرآن، (13) 29 . بهار فقیران ، (14) 30 . بهار مؤمنان (15) ، 31 . ماه مسابقه (16) ، و 32 . ماه روزی یافته . 17

ویژگی ها و برکات ماه رمضان

.

1- .ر . ک : ح 8 .
2- . 13 . ماه مواسات(همدردی) ، . ر . ک : ح 219 و 220 . 14 . ماه برکت ، ر . ک : ح 223 و ح 225 و ح 227 و ح 231 .
3- .ر . ک : ح 225 و ح 227 و ح 231 و ح 460 .
4- .ر . ک : ح 225 و ح 231 و ح 460 .
5- .ر . ک : ح 225 227 و ح 231 و ح 460 .
6- .ر . ک : ح 225 و 226 .
7- . 21 . ماه عبادت ،
8- .ر . ک : ح 26 و ح 59 و ح 220 .
9- .ر . ک : ح 220 و ح 224 .
10- .ر . ک : ح 219 220 .
11- .ر . ک : ص 43 (ویژگی های ماه رمضان / سرور ماه ها) . وح 21 وح 221 وص 177 ح 230 .
12- .ر . ک : ح 446 .
13- .ر . ک : ح 12 و ح 466 .
14- .شیخ مفید گوید : این ماه ، طبق حدیثی که از پیامبر خدا نقل شده است ، «سَرور ماه ها» و طبق حدیثی که از اهل بیت علیهم السلامنقل شده است ، «بهار مؤمنان» است و ماهی است که صالحان ، آن را

«مِضمار (هدف یا نقطه پایان مسابقه)» می نامیده اند (مسارّ الشیعه : 20) .
15- .ر . ک : پاورقی قبلی . وح 798 و 799 .
16- .ر . ک : ح 72 .

ماه رمضان ، ویژگی های مهمّی دارد که ریشه برکات بزرگ این ماه و پایه نعمت های بی شمار آن هستند . (1) شُکوه ، عظمت و برکات مادّی و معنوی ای که از این ماه ، نصیب اهل ایمان می شود ، از نگاه احادیث اسلامی ، قابل توصیف نیستند و اگر مسلمانان شناخت درستی از برکات این ماه بافضیلت داشتند و مواهب و دستاوردهای بزرگ آن را می دانستند ، آرزو می کردند که سراسر سال ، رمضان باشد . حدیث پیامبر خدا در این مورد ، چنین است :

لَو یَعلَمُ العِبادُ ما فی رَمَضانَ ، لَتَمَنَّت أن یَکُونَ رَمَضانُ سَنَةً ؛ (2)

اگر بندگان بدانند که در رمضان ، چه [نعمت ها و آثاری]هست ، آرزو می کنند که رمضان ، یک سال باشد .

از میان ویژگی های فراوانی که این ماه دارد ، به اختصار به دو نمونه به خاطر اهمّیتی که دارند اشاره می کنیم و یادآور می شویم که این کتاب ، در واقع ، شرح و تفصیل همین دو ویژگی است :

1 . آغاز سالاز ویژگی های مهمّ ماه رمضان ، که در روایات اهل بیت علیهم السلام (3) بر آن تأکید شده ، این است که این ماه ، آغاز سال است . در پرتو این نکته ، دو سؤال پیش می آید : اوّل . معنای «آغاز» سال و مقصود از آن چیست؟ دوم . عرب ها ، «محرّم» را آغاز سال قرار داده اند و سنّت آنان ، هم اکنون نیز بر این جاری است ؛ که محرّم را آغاز رسمی سال هجری می شمارند . با این همه ، چرا در روایات اسلامی ، ماه رمضان به عنوان آغاز سال ، شناخته شده است؟

.

1- .در بخش مربوط به نام های این ماه (ص 15 و 16) و در بخش «ویژگی های ماه رمضان» و «برکات ماه رمضان» (ص 39 تا 78) به بعضی از این ویژگی ها و برکات ، اشاره شده است .
2- .برای آگاهی از منابع حدیث ر . ک : ص 32 ح 2 .
3- .ر . ک : ص 43 (ویژگی های ماه رمضان / آغاز سال) .

سیّد ابن طاووس (م 664 ق) در این زمینه می نویسد : بدان که من روایات را درباره این که «محرّم ، آغاز سال است یا ماه رمضان؟» مختلف یافتم ؛ لیکن آنچه از عمل علمای بزرگ و معتبرمان و تألیفات علمای گذشته دریافتم ، این است که به طور مشخّص ، آغاز سال ، «ماه رمضان» است . شاید ماه روزه (رمضان) ، آغاز سال در مورد عبادات اسلامی است و محرّم ، آغاز سال در مورد تاریخ ها و کارهای مهمّ مردم . (1) لیکن ما به روایتی برنخوردیم که محرّم را آغاز سال بدانند . از این رو ، آنچه در سخن سیّد ابن طاووس درباره تعارض میان دو دسته روایات (که برخی ، آغاز سال را محرّم و برخی ماه رمضان می دانند) آمده است ، درست به نظر نمی رسد . آری ، طبق گفته علاّمه مجلسی ، مشهور میان عرب ها ، آن است که آغاز سالشان «محرّم» است؛ (2) امّا این که چرا روایات اهل بیت علیهم السلام با این سنّت جاریِ عرب ها مخالفت کرده و «ماه رمضان» را آغاز سال دانسته اند ، پس از روشن شدن معنای «آغاز سال» ، روشن می شود .

معنای آغاز سالظاهرا «آغاز سال» معنای حقیقی ندارد ، بدین معنا که شروع زمان به صورت تکوینی ، لحظه خاصّی ندارد تا تنها همان لحظه ، آغاز سال به شمار آید و نه لحظات دیگر . به نظر می رسد که این «آغاز» ، از جمله امور اعتباری است که در پی تنوّع و تعدّد اعتبارها ، معانی گوناگونی می یابد . (3) با این حساب ، هر روزی به اعتباری خاص می تواند آغاز سال یا پایان آن باشد و

.

1- .الإقبال : 1 / 32 .
2- .ر . ک : بحار الأنوار : 58 / 376 .
3- .ر . ک : بحار الأنوار : 58 / 376 وجواهر الکلام : 5 / 25 .

آنچه میان اقوام مختلف به عنوان آغاز سالشان وجود دارد و با هم مختلف است ، این گونه تفسیر می شود . به عنوان نمونه ، ایرانیان باستان ، نخستین روز از ماه فروردین (برابر با 21 مارس میلادی) را آغاز سال ، برگزیده و آن را عید شمرده اند و این سنّت ، هنوز هم دایر است ، در حالی که عرب ها ، روز اوّل محرّم را آغاز سال خود دانسته اند و مسیحیان نیز روز میلاد حضرت مسیح علیه السلام را آغاز سالشان قرار داده اند .

آغاز سال و تجدید حیات معنویوقتی مفهوم «آغاز سال» را در پرتو فرهنگ اسلامی بررسی می کنیم ، چنین می یابیم که این پدیده ، به اعتبارهای گوناگونی وابسته است . برخی از متون دینی تأکید دارند که ماه رمضان ، آغاز سال است ؛ (1) برخی از آنها «شب قدر» را آغاز سال دانسته اند ؛ (2) و برخی نیز «عید فطر» را اوّل سال ، (3) تعیین کرده اند . همچنان که آغاز فروردین ، شروع سال طبیعی است (چون در این هنگام ، زمین ، جامه نو می پوشد و درختان ، سبز می شوند) ، ماه رمضان هم آغاز سال انسانیّت از نگاه اسلام است؛ چرا که در این ماه عزیز ، حیات معنویِ اهل سیر و سلوک ، تجدید می شود و آنان که در مسیر حرکت به سوی کمال مطلق اند ، جانشان شکوفا شده ، آماده دیدار خداوند می شوند . از این رو ، می توان گفت که «فروردین» ، آغاز تجدید حیات مادّی برای گیاهان در دنیای طبیعت و «ماه رمضان» ، آغاز تجدید حیات معنویِ انسان در عالم انسانیّت است . امّا روایتی که «شب قدر» را آغاز سال می داند ، به این اعتبار است که آن شب ، آغاز سالِ تقدیر است و همه مقدّرات یک سال ، در آن رقم زده می شود .

.

1- .ر . ک : ص 43 (ویژگی های ماه رمضان / آغاز سال) . و ص 933 ح 801 .
2- .ر . ک : ص 755 (فضایل و ویژگی های شب قدر / آغاز و پایان سال است) .
3- .ر . ک : ص 933 ح 801 .

روایتی هم که «عید فطر» را آغاز سال می شمارد ، به این اعتبار است که آن روز ، اوّلین روز سالی است که خوردن و نوشیدن در آن حلال می شود آن گونه که در متن روایت ، تصریح شده است (1) و یا برای این است که عید فطر ، آغاز دور تازه ای از زندگی انسان و از سرگیری اعمال است ، پس از این که گناهانش در کوره گداخته روزه ذوب گردیده و از پرونده اعمالش کاملاً زدوده و ریشه کن شده اند .

2 . میهمانی الهیدومین ویژگی برجسته ای که در فضای این ماه بافضیلت جلوه گر است ، وجود زمینه ها و ظرفیت هایی است که برای میهمانی خدای سبحان فراهم آمده اند ، آن گونه که پیامبر خدا در توصیف این ویژگی فرمود :

هُوَ شَهرٌ دُعیتُم فیهِ إلی ضِیافَهِ اللّهِ ، وَ جُعِلتُم فیهِ مِن أهلِ کَرامَهِ اللّهِ ؛ (2)

ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت گشته اید و از اهل کرامت خدا قرار داده شده اید .

در حقیقت ، این ویژگی ، ریشه ویژگی اوّل ، بلکه سرچشمه همه ویژگی ها و برکات این ماه مبارک است . به عبارت دیگر ، می توان گفت که میهمانی الهی در این مقطع زمانی ، و غذاهای معنوی ویژه ای که خداوند برای پذیرایی از میهمانانش در چنین ضیافتی فراهم ساخته است ، ریشه تحوّلات ژرف معنوی ای است که در این ماه بافضیلت ، بر زندگی انسان سایه می افکنند ، و سفره ای است گسترده برای همگان که هر کس ، می تواند از برکات بی شمار آن برخوردار شود .

معنای میهمانی خدانخستین سؤالی که درباره دومین ویژگیِ این ماه مطرح است ، معنای میهمانی خدای سبحان در این ماه و میزبانی او از دوستانش است . مگر همه مردم در همه

.

1- .ر . ک : ص 933 ح 801 .

2- .ر . ک : ص 161 ح 218 . وص 41 (ویژگی های ماه رمضان / ماه میهمانی خدا) .

اوقات ، میهمانان خدا نیستند که بر سر سفره الهی فرود آمده اند ؟ به علاوه ، پایه میهمانی ، همان خوردنی و آشامیدنی ای است که میزبان برای میهمان فراهم می کند . پس ، این چه ضیافتی است که پرهیز از خوردن و آشامیدن ، نخستین شرط آن است؟ پاسخ این سؤال ، از تحلیل واقع بینانه حقیقت انسان و شناخت بنیادهای وجودی او به دست می آید . انسان از نگاه اسلام ، ترکیبی از جسم و جان است . همان گونه که جسم انسان برای تداوم وجود خویش نیازمند غذاهای مادّی است ، هویّت و حقیقت انسانیِ او نیز نیازمند غذاهای معنوی از سنخ خود است . روشن است که خداوند سبحان ، میهمانی رمضان را برای پذیرایی از جسم و وجود مادّیِ دوستانش فراهم نساخته است؛ چرا که بدن های آنان ، مثل همگان ، در ضیافت همیشگی خدایند ، و به تعبیر سعدی شیرازی : ادیم زمین ، سفره عام اوستچه دشمن بر این خوان یغما ، چه دوست (1) این ، در حالی است که اغلب دشمنان خدا از این سفره گسترده ، بیش از دیگران بهره می برند . نتیجه ، این که : ارزش پذیرایی از جسم و تأمین خواسته های مادّی ، هرگز به پای تأمین نیازهای معنوی نمی رسد ، بخصوص که قرآن کریم تصریح می کند : اگر بیم آن نبود که همه مردم به کفر بگروند، کافر به بالاترین امکانات مادّی ، نایل می شد : « وَ لَوْلاَ أَن یَکُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَ حِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن یَکْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُیُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَیْهَا یَظْهَرُونَ * وَ لِبُیُوتِهِمْ أَبْوَ بًا وَ سُرُرًا عَلَیْهَا یَتَّکِ?ونَ * وَ زُخْرُفًا وَ إِن کُلُّ ذَ لِکَ لَمَّا مَتَعُ الْحَیَوهِ الدُّنْیَا وَ الْأَخِرَهُ عِندَ رَبِّکَ لِلْمُتَّقِینَ » ؛ (2) اگر بیم آن نبود که مردم [در ، گم راهی] امّتِ واحد شوند ، برای

.

1- .بوستان سعدی : ص 3 .
2- .الزخرف ، آیه 33 35 .

خانه های کسانی که به خداوندْ کافر می شوند ، سقف هایی از نقره و نردبان هایی قرار می دادیم که از آن بالا بروند * و برای خانه هایشان درها و تخت هایی که بر آن تکیه زنند ، قرار می دادیم * و [نیز] انواع زیورها را . همانا همه اینها کالای زندگی دنیایی است و سرای آخرت نزد پروردگارت برای تقواپیشگان است . در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آمده است :

لَو أنَّ الدُّنیا کانَت تَعدِلُ عِندَ اللّهِ عز و جل جَناحَ بَعُوضَةٍ ، ما سَقَی الکافِرَ ، وَ الفاجِرَ مِنها شَربَةَ مِن ماءٍ ؛ (1)

اگر نبود این که دنیا در نزد خدا برابر با بال پشه ای هم نیست ، هرگز در آن ، یک جرعه آب نیز به کافر و فاجر نمی نوشاند!

خدای متعال در میهمان سرای رمضان ، جان ها و روح های دوستانش را به ضیافت فرا خوانده است ، نه بدن ها و وجود مادّی آنان را ، و این ، ضیافتی است که جز او ، کسی ارزش آن را نمی داند . از این رو خدای سبحان فرموده است : الصَّومُ لی وَ أنَا أجزی بِهِ ؛ (2) روزه ، از آن من است و من خود ، پاداش آن را می دهم . از سوی دیگر ، شرایط و آداب این میهمانی ، باید هماهنگ با ضیافت جان باشد و طعام و نوشیدنی آن ، هماهنگ با ضیافت روح و هدف از آن نیز پدید آوردن تحوّل روحی و تجدید حیات معنوی انسان و تقویت بنیه روانی او . در این زمینه ، عالم ربّانی مرحوم شیخ رضا (فرزند فقیه و فیلسوف و عارف بزرگوار ، شیخ محمّدحسین اصفهانی) در الرساله المجدیّه در شرح این سخن

.

1- .الأمالی ، طوسی : 531 / 1162 ، مکارم الأخلاق : 2 / 368 / 2661 ، تنبیه الخواطر : 2 / 56 ، تحف العقول : 40، الأمالی، صدوق : 305/348 ، التمحیص : 49 / 79 ؛ سنن الترمذی : 4 / 560 / 2320 ، المستدرک علی الصحیحین : 4 / 342 / 7848 در دو منبع اخیر ، «و الفاجر» وجود ندارد ، کنز العمّال : 3 / 195 / 6132 .
2- .برای آگاهی از منابع حدیث ر . ک : ص 100 ، ح 108 .

پیامبر صلی الله علیه و آله که : «در این ماه ، به میهمانی الهی دعوت گشته اید و از اهل کرامت الهی قرار داده شده اید» ، چه زیبا نوشته است که : بدان ! این میهمانی ، پذیرایی از جسم نیست و بدن تو به این میهمانی دعوت نشده است ؛ چرا که تو در ماه رمضان ، در همان خانه ای ساکن هستی که در ماه شعبان ساکن بودی و غذای تو ، همان نان و آب گوشتی است که در ماه های دیگر سال می خوردی ، [با این تفاوت که] در روزهای این ماه ، از خوردن آن منع شده ای ؛ بلکه روح توست که میهمان این ضیافت است و به منزل و غذایی دیگر دعوت شده است که روحانی و هماهنگ با روح است . دعوت به ماه رمضان ، دعوت به بهشت است و غذاهای این میهمانی نیز از نوع غذاهای بهشتی است . هر دو ، میهمان خانه خدایند؛ لیکن نام میهمان سرا در این جا «ماه رمضان» است و نامش در آن جا «غرفه های بهشتی» . این جا غیب است و آن جا مشهود و عیان؛ این جا تسبیح و تهلیل است و آن جا چشمه سلسبیل ؛ این جا نعمت های پوشیده و اندوخته هستند و آن جا «میوه ای از آنچه بر می گزینند * و گوشت بریان پرنده ای که میل دارند» (1) . پس نعمت ها در هر جهان با پوشش همان جهان ، آشکار می شوند و گاهی هم هست که نعمت ها در همین دنیا برای پیامبران و معصومان ، به شکل آن جهانی ، آشکار می شوند . آنچه در روایات بسیاری آمده که : پیامبر خدا برای فاطمه زهرا علیهاالسلام یا امام حسن و امام حسین علیهماالسلاممیوه ای از میوه های بهشت یا جامه ای از جامه های بهشت آورد ، گواه این مطلب است . بلکه بالاتر از این ، گاهی این امور برای شیعیان خاص نیز فراهم

.

1- .واقعه ، آیه 20 و 21 .

می آید ، البتّه به تناسب وسعت وجود و مرتبه ای از کمال که به آن رسیده اند . بارها و بارها از نزدیک ترین خویشانِ سببی و نسبی خود (1) شنیده ام که می گفت : «در یکی از روزهای ماه رمضان ، مشغول خواندن زیارت امین اللّه در مرقد امیر مؤمنان در نجف بودم . چون به این عبارتِ زیارت رسیدم که : «مائده های رحمت برای آنانی که از خوان نعمتت روزی می طلبند ، آماده است و سرچشمه های سیرابی برای تشنگان ، پُر آب است» ، در همان حال که در معنای آن تأمّل و اندیشه می کردم ، ناگهان سفره ای برایم آشکار شد که طعام ها و نوشیدنی های گوناگون بر آن چیده شده بود ، آن چنان که تا آن زمان ، تصوّرش را هم نکرده بودم . من مشغول خوردن از غذای آن بودم و در همان حال به یک مسئله فقهی نیز می اندیشیدم . حالتی شگفت و دهشت زا بود ! در واقع ، حقیقت غذا[ی روح] ، همین است که روزه را باطل نمی کند ...» . شراب طهور در زندگی دنیا ، محبّت خداست و بهترین وقتی که برای فراهم ساختن آن مغتنم است ، همین ضیافتی است که ساقی اش ، همان میزبانش است . هرگز مپندار که تعبیرات این بنده ، خیالات و اوهام شاعران یا شطحیّات صوفیان افراطی است . هرگز مباد که از زبان قرآن و حدیث ، فراتر روم یا در اعتقاداتم از آنچه خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله گفته و به آن فرمان داده اند ، پیش تر روم؛ بلکه مقصود ، سخنِ همان

.

1- .به نظر می رسد که مقصود وی ، پدر بزرگوارش شیخ محمّدحسین اصفهانی (کُمپانی) باشد .

خدایی است که در سوره «هل أتی» می فرماید : «خداوند به آنان شراب طهور می نوشاند» (1) . (2) از چنین نگاهی به ضیافت رمضان و میهمانی خدا در این ماه شریف ، مباحث کتابی که پیش روی شماست ، به پنج بخش تقسیم می شود ، به نحوی که هم اکنون بدان اشاره می کنیم :

بخش اوّل : اهمّیت میهمانی الهیبخش نخست کتاب ، به بررسی اهمّیت ضیافت رمضان و ارزش این میهمانی از نگاه اسلام ، پرداخته است . پژوهشگر ، از مباحث این بخش ، شناختی اجمالی به ویژگی ها و برکات این میهمانی پیدا می کند . همچنین فصل چهارم این بخش ، آثار منفی محرومیّت از برکات این ماه و پیامدهای ویرانگری را که شخص محروم مانده از بهره این میهمانی را فرا می گیرد ، بیان می کند.

بخش دوم : آمادگی برای ورود به میهمانی خداروشن است که انسان ، بدون داشتن آمادگی های لازم و شرایط و زمینه های ضروری برای ورود به این میهمانی ، نمی تواند به این ضیافت الهی وارد شود و از آن در جهت تجدید حیات معنوی که اصلی ترین هدف خلقت انسان و نقطه اوج فلسفه وجودی اوست بهره مند گردد . بررسی این آمادگی ها و شرایط و زمینه های لازم برای ورود به میهمانی الهی ، هدف اصلی در بخش دوم کتاب است . شناخت ، نخستین شرط اساسی برای ورود به محدوده ضیافت الهی است . این

.

1- .اشاره است به حدیث امام صادق علیه السلام در مورد آیه مذکور، که فرمود: «آنان را از هر چیزی جز خدا پاک می سازد؛ چرا که هر کس به چیزی از موجودات ، آلوده گردد ، پاک نیست ، مگر به خدای متعال» (مجمع البیان : 10 / 623) .
2- .جامع الدرر (نوشته عالم ربانی و استاد اخلاق حجت الاسلام والمسلمین حاج سید حسین فاطمی رضوان اللّه تعالی علیه) : 335 337 به نقل از رساله مجدیّه .

شناخت ، افق گسترده ای دارد که از شناخت معنای میهمانی خدا آغاز می شود و تا شناختِ : فلسفه روزه ، ارزشی که روزه و روزه دار از آن برخوردارند ، نقش روزه در حیات مادّی و معنوی انسان ، و نیز مراتب این ضیافت ربّانی ، امتداد می یابد . میهمانان خدا ، بدون شناخت و آگاهی از این مسائل ، نمی توانند برای بهره مندی از ضیافت الهی و برخورداری از دستاوردهای آن ، آماده شوند . اهمّیت این شناخت ، در محدوده ای گسترده و در بر دارنده تمام این مسائل ، فصل اوّل از بخش دوم کتاب را با عنوان «شناخت میهمانی خدا» ، به خود اختصاص داده است . نکته مهمّ دیگری که اهمّیت بسیار دارد ، ضرورت برنامه ریزی برای آماده سازی مسلمانان جهت ورود به میهمان سرای رمضانی است . بررسی سیره اهل بیت علیهم السلامدر این زمینه ، نشان می دهد که آن بزرگواران به این موضوع ، توجّهی خاص داشته اند . برای اثبات این مدّعا و محتوای این اندیشه ، ملاحظه خطبه های پیامبر خدا و امام علی علیه السلام که در آستانه ماه رمضان و با هدفِ آماده سازی و استقبال از آن بیان کرده اند ، کافی است . فصل سوم این بخش ، به این سخنان اختصاص دارد . مطالعه این خطبه ها ، مسئولیّت رهبران سیاسی ، دینی و فرهنگی را در کشورهای اسلامی در مورد آماده ساختن مسلمانان برای ورود به میهمان سرای الهی و بهره گیری از برکات و آثار آن ، دو چندان می کند . افزون بر این ، برای آمادگی جهت ضیافت الهی ، تنها شناخت ، کافی نیست ؛ بلکه مجموعه ای از اعمال و دعاهایی که به همین خاطر بیان شده اند و این هدف را تأمین می کنند ، ضروری اند . در دو فصلِ : سوم و چهارم از بخش دوم ، به این مسئله پرداخته شده است .

بخش سوم : آداب میهمانی خدا .

آداب میهمانی الهی را می توان به سه دسته زیر تقسیم کرد : دسته اوّل . آدابی که توجّه و پایبندی به آنها ، شرط حتمی برای ورود به میهمانی الهی است . این دسته ، عبارت است از پرهیز از مفطِرات روزه (1) به قصد قربت . جایگاه بررسی این دسته از آداب (احکام) ، فقه است و چون «رساله های عملیّه» آنها را به نحو مبسوط بیان کرده اند ، نیازی به طرح تفصیلی این مباحث در این مجموعه نیست . دسته دوم . آدابی که رعایت آنها ، شرط ضروری برای بهره برداری انسان از این ضیافت الهی در جهت تجدید حیات معنوی خویش و رسیدن به تکامل روحی است . بخش سوم این کتاب ، بیان این گونه آداب را ، پیش از بازگو نمودن سایر آداب روزه داری ، در ذیل عنوان «مهم ترین آداب» (2) عهده دار است . آنچه جامع همه آداب این دسته است ، پرهیز از محرّمات الهی است . از این رو ، در گزارش خطبه معروفی که پیامبر صلی الله علیه و آله در آستانه ماه رمضان فرمود ، آمده است که امام علی علیه السلام در اثنای آن پرسید :

یا رَسولَ اللّهِ ، ما أفضَلُ الأَعمالِ فی هذَا الشَّهرِ ؟

ای پیامبر خدا ! بهترینِ کارها در این ماه چیست؟

پیامبر خدا پاسخ داد :الوَرَعُ عَن مَحارِمِ اللّهِ ؛ (3)

«پرهیز از محرّمات الهی» .

.

1- .مفطِرات روزه ، عبارت اند از : یک . خوردن و آشامیدن ، دو . جِماع (آمیزش) ، سه . استمنا ، چهار . دروغ بستن به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام ، پنج . رساندن غبار غلیظ به حلق ، شش . فرو بردن تمام سر در آب ، هفت . باقی ماندن بر حال جنابت یا حیض یا نفاس تا اذان صبح ، هشت . اماله کردن با چیزهای روان ، نه . قی کردن عمدی .
2- .ر . ک : ص 245 .
3- .برای آگاهی از متن کامل حدیث و منابع آن ر . ک : ص 160 ح 218 و ص 244 ح 263 .

در تبیین پاسخ پیامبر ، می توان گفت که گناهان ، آفاتی هستند که حیات معنوی انسان را تهدید می کنند و مانع شکوفایی آن می شوند . از این رو ، با وجود گناهان که مانع رشد معنوی انسان اند روزه هرگز نمی تواند موجب تحوّل معنوی در انسان شود . بنا بر این ، روزه دارِ مبتلا به آفت گناه ، از روزه اش بهره نمی برد و به تعبیر پیامبر خدا :

رُبَّ صائِمٍ حَظُّهُ مِن صِيامِهِ الجوعُ وَ العَطَشُ ، و رُبَّ قائِمٍ حَظُّهُ مِن قِيامِهِ السَّهَرُ ؛ (1)

چه بسا روزه داری که بهره اش از روزه خویش ، گرسنگی و تشنگی است و چه بسا نمازخوانی که بهره اش از سحرخیزی ، بیدار ماندن است!

امام علی علیه السلام نیز در این زمینه می فرماید :كَم مِن صائِمٍ لَيسَ لَهُ مِن صِيامِهِ إلاَّ الجوعُ وَ الظَّمَأُ ، و كَم مِن قائِمٍ لَيسَ لَهُ مِن قِيامِهِ إلاَّ السَّهَرُ و العَناءُ ، حَبَّذا نَومُ الأكياسِ و إفطارُهُم ؛ (2)

چه بسا روزه داری که از روزه اش جز گرسنگی و تشنگی ، بهره ای ندارد و چه بسا نمازخوانی که از نمازش جز بیداری و رنج ، بهره ای نمی برد . خوشا خواب و خوراکِ خردمندان هوشیار! (3)

بنا بر این ، پرهیز از مفطِرات روزه ، شرط ورود به میهمانی الهی است و پرهیز از گناهان ، شرط بهره وری از برکات آن .

.

1- .الأمالی ، طوسی : 166 / 277 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 144 / 158 ، بحار الأنوار : 96 / 289 / 4 ؛ سنن ابن ماجه : 1 / 539 / 1690 ، سنن الدارمی : 2 / 757 / 2620 ، مسند ابن حنبل : 3 / 307 / 8865 ، السنن الکبری : 4 / 449 / 8313 ، المعجم الکبیر : 12 / 292 / 13413 ، کنز العمّال : 3 / 473 / 7490 و 7491 .
2- .نهج البلاغه : حکمت 145 ، خصائص الأئمّه علیهم السلام: 104 ، روضه الواعظین : 383 ، بحار الأنوار : 96 / 294 / 22 .

3- .مقصود از «هوشیاران» در این جا ، عالمان عارف اند؛ چرا که عبادت آنان ، با عقاید صحیحشان ، مطابق است (شرح نهج البلاغه : 18 / 334) .

دسته سوم . آدابی که مراعات آنها ، شرط رسیدن به بهره وری کامل از میهمانی الهی است . اگر از بخش سوم ، باب اوّل را استثنا کنیم ، ابواب دیگر این بخش که بیشترین مقدار از حجم کتاب را تشکیل داده اند به این دسته از آداب می پردازند . تلاش شده تا همه عناصری که در متون و منابع اسلامی ، به تحقّق این نوع بهره وری از میهمانی الهی نقش دارند ، گردآوری شوند؛ لیکن باید توجّه داشت که اینها آداب استحبابی اند و هر کس می تواند به اندازه توان و حال و فرصتی که دارد ، از آنها بهره مند گردد .

بخش چهارم : بهترین شب های میهمانی خداشب قدر ، برترین ، سودمندترین و بابرکت ترین شب ماه مبارک رمضان است . قرآن کریم ، این شب را چنین توصیف می کند : «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ؛ (1) شب قدر ، بهتر از هزار ماه است» . این آیه قرآن ، دلالت می کند که این شب ارزشمند ، برکات و بخشش های زیادی برای اهل مراقبت دارد ؛ برکاتی که بالاتر از برکات کارهای شایسته در هزار ماه (یعنی کمی بیشتر از عمر متوسّط یک انسان) هستند . از این رو ، پیامبر خدا فرمود :

شَهرُ رَمَضانَ سَيِّدُ الشُّهورِ ، و لَيلَةُ القَدرِ سَيِّدَهُ اللَّيالی ؛ (2)

ماه رمضان ، سرور ماه هاست و شب قدر ، سرور شب هاست .

بر این اساس ، در این مجموعه ، بخشی مستقل با هدف بیان معارف مربوط به این شب و آداب آن ، اختصاص یافته است .

.

1- .قدر ، آیه 4 .
2- .بحار الأنوار : 40 / 54 / 89 به نقل از کنز الفوائد .

بخش پنجم : آداب خروج از میهمان سرای الهیخروج از میهمان سرای الهی نیز آداب خاصّی دارد ، همان گونه که ورود به دایره این میهمانی ارجمند ، آدابی دارد . مراعات این آداب و پایبندی به آنها ، در جبران کاستی هایی که در طول اقامت انسان در این میهمان سرا وجود داشته ، سهم دارد و نقاط ضعف و کمبودهای آن را جبران می کند و امکان بیشتری در بهره مندی از برکاتش به او می دهد تا در خدمت تقویت بُعد روحی و بنیه معنوی خویش باشد . بخش پنجم کتاب ، به بیان و شرح این آداب ، اختصاص دارد . آنچه در این زمینه توجّه برانگیز و دارای درس ها و نکات آموزنده است ، سیره اهل بیت علیهم السلامدر وداع با ماه میهمانی الهی است . با توجّه به این نکات و دیدگاه ها ، این کتاب با الهام از آیات و آموزه های قرآن کریم و احادیث شریف ، برای پرداختن به این ماه ضیافت الهی و مبارک ، شکل کلّی و چارچوب مسائل را در پنج بخش یادشده سامان داده است .

.

اشاره

بخش اوّل : فضایل ماه خدا

.

الفصل الأوّلعَظَمَهُ شَهرِ رَمَضانَ وحُرمَتُهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله عِندَ حُضورِ شَهرِ رَمَضانَ :سُبحانَ اللّهِ ! ماذا يَستَقبِلُكُم !؟ وماذا تَستَقبِلونَ !؟ قالَها ثَلاثا . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :لَو يَعلَمُ العِبادُ ما فى رَمَضانَ لَتَمَنَّت أن يَكونَ رَمَضانُ سَنَةً . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لَو عَلِمتُم ما لَكُم فى رَمَضانَ لَزِدتُم للّهِ شُكرا . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :لا يَكونَنَّ شَهرُ رَمَضانَ عِندَكُم كَغَيرِهِ مِنَ الشُّهورِ ؛ فَإِنَّ لَهُ عِندَ اللّهِ حُرمَةً وفَضلاً عَلى سائِرِ الشُّهورِ ، ولا يَكونَنَّ شَهرُ رَمَضانَ يَومُ صَومِكُم كَيَومِ فِطرِكُم . (4)

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : 140 / 150 ، بحار الأنوار : 96 / 347 / 13 نقلاً عن القطب الراوندى فى النوادر ؛ صحيح ابن خزيمه : 3 / 189 / 1885 ، المعجم الأوسط : 5 / 158 / 4935 كلّها عن أنس . وانظر ص 56 ح 48 .
2- .فضائل الأشهرالثلاثه: 140/151 عن ابن مسعود، بحارالأنوار: 96/346/12 نقلاً عن القطب الراوندى فيالنوادر نحوه؛ صحيح ابن خزيمه : 3/190/1886 ، المعجم الكبير: 22/389/967 ، شُعَب الإيمان : 3/313/3634 كلّها عن أبى مسعود الغفارى ، مسند أبى يعلى : 5/124/5251 عن ابن مسعود ، كنز العمّال : 8/476/23715 .
3- .ثواب الأعمال : 93 / 12 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 81 / 63 ، الأمالى للصدوق : 103 / 79 ، روضه الواعظين : 375 كلّها عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : 8 / 183 / 147 .
4- .فضائل الأشهر الثلاثه : 95 / 78 عن محمّد بن أبى عمير عن غير واحد عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 96 / 340 / 5 .

فصل یکم : عظمت و احترام ماه رمضان

فصل اوّل : عظمت و احترام ماه رمضانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله به هنگام فرا رسیدن ماه رمضان :«سبحان اللّه ! چه چیز به استقبال شما می آید؟ ! و شما چه چیز را استقبال می کنید؟ !» . پیامبر صلی الله علیه و آله این را سه بار فرمود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر بندگان می دانستند که در رمضان چه [برکاتی] هست ، آرزو می کردند که رمضان ، یک سال باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر می دانستید که در رمضان برای شما چه [نعمت ها و برکاتی]هست ، از خداوندْ بیشتر سپاس گزاری می کردید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان پیش شما مثل ماه های دیگر نباشد؛ چرا که نزد خداوند ، احترام و بر سایر ماه ها برتری دارد . در ماه رمضان ، روزِ روزه داری شما مثل روزِ خوردنتان نباشد ! (ادب و حرمت این ماه را نگه دارید) .

.

الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله خَطَبَنا ذاتَ يَومٍ فَقالَ : «أيُّهَا النّاسُ ، إنَّهُ قَد أقبَلَ إلَيكُم شَهرُ اللّهِ بِالبَرَكَهِ وَالرَّحمَهِ وَالمَغفِرَهِ ، شَهرٌ هُوَ عِندَ اللّهِ أفضَلُ الشُّهورِ ، وأيّامُهُ أفضَلُ الأيّامِ ، ولَياليهِ أفضَلُ اللَّيالى ، وساعاتُهُ أفضَلُ السّاعاتِ ...» . (1)

عنه عليه السلام مِن خُطبَتِهِ فى أوَّلِ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ :أيُّهَا النّاسُ ، إنَّ هذَا الشَّهرَ شَهرٌ فَضَّلَهُ اللّهُ عَلى سائِرِ الشُّهورِ كَفَضلِنا أهلَ البَيتِ عَلى سائِرِ النّاسِ ، وهُوَ شَهرٌ يُفَتَّحُ فيهِ أبوابُ السَّماءِ وأبوابُ الرَّحمَهِ ، ويُغَلَّقُ فيهِ أبوابُ النّيرانِ ، وهُوَ شَهرٌ يُسمَعُ فيهِ النِّداءُ ويُستَجابُ فيهِ الدُّعاءُ ويُرحَمُ فيهِ البُكاءُ ، وهُوَ شَهرٌ فيهِ لَيلَهٌ نَزَلَتِ المَلائِكَهُ فيها مِنَ السَّماءِ فَتُسَلِّمُ عَلَى الصّائِمينَ وَالصّائِماتِ بِإذنِ رَبِّهِم إلى مَطلَعِ الفَجرِ ... . أيُّهَا النّاسُ ، إنَّ شُموسَ شَهرِ رَمَضانَ لَتَطلُعُ عَلَى الصّائِمينَ وَالصّائِماتِ ، وإنَّ أقمارَهُ لَيَطلُعُ عَلَيهِم بِالرَّحمَهِ ، وما مِن يَومٍ ولَيلَهٍ مِنَ الشَّهرِ إلاّ وَالبِرُّ مِنَ اللّهِ تَعالى يَتَناثَرُ مِنَ السَّماءِ عَلى هذِهِ الاُمَّهِ ... . عِبادَ اللّهِ ، إنَّ شَهرَكُم لَيسَ كَالشُّهورِ ؛ أيّامُهُ أفضَلُ الأيّامِ ، ولَياليهِ أفضَلُ اللَّيالى ، وساعاتُهُ أفضَلُ السّاعاتِ ... . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ عِندَ دُخولِ شَهرِ رَمَضانَ :الحَمدُ للّهِ الَّذى هَدانا لِحَمدِهِ ، وجَعَلَنا مِن أهلِهِ ؛ لِنَكونَ لِإِحسانِهِ مِنَ الشّاكِرينَ ، ولِنَجزِيَنا عَلى ذلِكَ جَزاءَ المُحسِنينَ . وَالحَمدُ للّهِ الَّذى حَبانا بِدينِهِ ، وَاختَصَّنا بِمِلَّتِهِ وسَبَّلَنا فى سُبُلِ إحسانِهِ لِنَسلُكَها بِمَنِّهِ إلى رِضوانِهِ ، حَمدا يَتَقَبَّلُهُ مِنّا ، ويَرضى بِهِ عَنّا . وَالحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَ مِن تِلكَ السُّبُلِ شَهرَهُ رَمَضانَ ، شَهرَ الصِّيامِ ، وشَهرَ الإِسلامِ ، وشَهرَ الطَّهورِ ، وشَهرَ التَّمحيصِ وشَهرَ القِيامِ ... . (3)

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : 77 / 61 ، الأمالى للصدوق : 84 / 4 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 1 / 295 / 53 ، الإقبال : 1 / 26 كلّها عن الحسن بن علىّ بن فضّال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 96 / 356 / 25 . انظر تمامه فى ص 160 ح 218 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : 107 / 101 عن مسعده الربعى عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عليهم السلام . انظر تمامه فى ص 176 ح 230 .

3- .الصحيفه السجّاديّه : 165 الدعاء 44 ، مصباح المتهجّد : 607 / 695 ، الإقبال : 1 / 111 كلاهما نحوه . انظر تمامه فى ص 216 ح 258 .

امام علی علیه السلام :روزی ، پیامبر خدا برای ما خطبه خواند و فرمود : «ای مردم! ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش ، به شما روی آورده است؛ ماهی که نزد خدا برترینِ ماه ها ، روزهایش بهترینِ روزها ، شب هایش برترینِ شب ها ، و ساعاتش بهترینِ ساعت هاست ...» .

امام علی علیه السلام در خطبه خویش در اوّلین روز ماه رمضان :ای مردم! این ماه ، ماهی است که خداوند ، آن را بر ماه های دیگر برتری داده است ، همچون برتری ما بر دیگر مردم . و ماهی است که درهای آسمان و درهای رحمت ، در آن گشوده می شوند و درهای دوزخ در آن بسته می شوند . و ماهی است که نِدا[ی خداوند متعال] در آن شنیده می شود ، دعا در آن مستجاب می گردد و گریه مورد ترحّم قرار می گیرد . و ماهی است که در آن ، شبی وجود دارد که فرشتگان در آن شب از آسمان فرود می آیند و بر مردان و زنان روزه دار ، به اذن پروردگارشان ، تا دمیدن صبح ، سلام می دهند ... . ای مردم! خورشید و ماه های ماه رمضان بر مردان و زنان روزه دار ، با رحمت می تابد و هیچ روز و شبی از این ماه نیست ، مگر آن که از سوی خدای متعال ، بر این امّت ، نیکی فرو می بارد ... . بندگان خدا! این ماه شما ، همچون ماه ها[ی دیگرتان] نیست؛ روزهایش برترینِ روزها ، شب هایش برترینِ شب ها و ساعاتش بهترینِ ساعت هاست ... .

امام سجّاد علیه السلام در دعای خود به هنگام ورود ماه رمضان :ستایش ، خدایی را که ما را به ستایش خود ، رهنمون ساخت و ما را از اهل حمد خویش قرار داد تا سپاس گزار نیکی او باشیم و بدین سبب ، به ما پاداش نیکوکاران را عطا کند . سپاس ، خدایی را که ما را بی منّت ، برخوردار از دین خود ساخت و ما را برای آیین خویش ویژه ساخت و راه های احسان خود را برای ما هموار ساخت تا با منّت او ، این راه ها را پیموده ، به رضوان او برسیم؛ سپاسی که از ما بپذیرد و با آن از ما خشنود گردد . سپاس ، خداوندی را که ماه رمضان خود را یکی از آن راه ها قرار داد ، ماه روزه داری ، ماه اسلام ، ماه پاک کننده ، ماه آزمون و پاک شدن از گناه ، و ماه قیام برای عبادت ... .

.

عنه عليه السلام مِن دُعائِهِ عِندَ وَداعِ شَهرِ رَمَضانَ :السَّلامُ عَلَيکَ يا شَهرَ اللّهِ الأَكبَرَ ، ويا عيدَ أولِيائِهِ . السَّلامُ عَلَيکَ يا أكرَمَ مَصحوبٍ مِنَ الأوقاتِ ، ويا خَيرَ شَهرٍ فِي الأيّامِ وَالسّاعاتِ. السَّلامُ عَلَيکَ مِن شَهرٍ قَرُبَت فيهِ الآمالُ ونُشِرَت فيهِ الأعمالُ . السَّلامُ عَلَيکَ مِن قَرينٍ جَلّ قَدرُهُ مَوجوداً ، وأفجَعَ فَقدُهُ مَفقوداً ، ومَرجُوٍّ آ لَمَ فِراقُهُ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ لِرَمَضانَ حَقّا وحُرمَةً لا يُشبِهُهُ شَىءٌ مِنَ الشُّهورِ . (2)

وانظر : ص 60 (جوامع بركاته وخصائصه) . ص 160 (تأهيل الناس لضيافه اللّه) .

.

1- .الصحيفه السجّاديّه : 171 الدعاء 45 ، مصباح المتهجّد : 642 / 718 ، الإقبال : 1 / 422 كلاهما نحوه ، المزار الكبير : 619 ، البلد الأمين : 480 ، المصباح للكفعمى : 845 ، بحار الأنوار : 98 / 172 / 1 . انظر تمامه فى ص 878 ح 765 .
2- .الكافى : 2 / 617 / 2 وج 4 / 154 / 1 ، تهذيب الأحكام : 3 / 64 / 215 كلّها عن علىّ بن أبى حمزه .

امام سجّاد علیه السلام در دعای خویش به هنگام وداع با ماه رمضان :بدرود ، ای ماه بزرگ تر خدا و ای عید اولیای الهی! بدرود ، ای بهترین اوقاتی که همراهت بودیم و ای بهترین ماه در میان روزها و ساعت ها! بدرود ، ای ماهی که برآمدن آرزوها در آن ، نزدیک شد و کارها[ی نیک] در آن ، گسترش یافت! بدرود ، ای همنشینی که تا بود ، قدر و بهایش بزرگ بود و چون از دست می رود ، فقدانش دردناک است و [ای] مایه امیدی که جدایی از آن ، ناراحت کننده است!

امام صادق علیه السلام :ماه رمضان ، حق و حرمتی دارد که هیچ یک از ماه ها شبیه آن نیست .

ر . ک : ص 61 (مجموعه برکات و ویژگی های ماه رمضان) ص 161 (آمادگی برای میهمانی خدا) .

.

الفصل الثانيخَصائِصُ شَهرِ رَمَضانَ2 / 1شَهرُ اللّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :شَعبانُ شَهرى ، وشَهرُ رَمَضانَ شَهرُ اللّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :شَهرُ رَمَضانَ شَهرُ اللّهِ ، وشَهرُ شَعبانَ شَهرى ؛ شَعبانُ المُطَهِّرُ ، ورَمَضانُ المُكَفِّرُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :رَمَضانُ شَهرُ اللّهِ ، وهُوَ رَبيعُ الفُقَراءِ . (3)

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : 44 / 20 ، الأمالى للصدوق : 71 / 38 كلاهما عن العلاء بن يزيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : 419 عن الإمام الرضا عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، الإقبال : 3 / 293 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين : 441 ، دعائم الإسلام : 1 / 283 ، بحار الأنوار : 97 / 68 / 4 .

2- .كنز العمّال : 8 / 466 / 23685 نقلاً عن ابن عساكر وج 12 / 323 / 35216 نقلاً عن الديلمى وكلاهما عن عائشه .

3- .ثواب الأعمال : 84 / 5 ، النوادر للأشعرى : 17 / 2 كلاهما عن إسماعيل بن أبى زياد عن الإمام الصادق عليه السلام ، فضائل الأشهر الثلاثه : 58 / 37 عن إسماعيل بن أبى زياد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ، الجعفريّات : 58 ، النوادر للراوندى : 134 / 174 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 97 / 75 / 26 .

2 / 1 ماه خدا

فصل دوم : ویژگی های ماه رمضان2 / 1ماه خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شعبان ، ماه من است و ماه رمضان ، ماه خداست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان ، ماه خداست و ماه شعبان ، ماه من است ؛ شعبانِ پاک کننده و رمضانِ پوشاننده [و جبران کننده گناهان] .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رمضان ، ماه خداست . این ماه ، بهار فقیران است .

.

الإمام علىّ عليه السلام :شَهرُ رَمَضانَ شَهرُاللّهِ، وشَعبانُ شَهرُ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله، ورَجَبٌ شَهرى. (1)

2 / 2شَهرُ ضِيافَهِ اللّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى وَصفِ شَهرِ رَمَضانَ :هُوَ شَهرٌ دُعيتُم فيهِ إلى ضِيافَهِ اللّهِ ، وجُعِلتُم فيهِ مِن أهلِ كَرامَهِ اللّهِ ، أنفاسُكُم فيهِ تَسبيحٌ ، ونَومُكُم فيهِ عِبادَهٌ ، وعَمَلُكُم فيهِ مَقبولٌ ، ودُعاؤُكُم فيهِ مُستَجابٌ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ يُنادِى المُنادى : أينَ أضيافُ اللّهِ؟ فَيُؤتى بِالصّائِمينَ ... فَيُحمَلونَ عَلى نُجُبٍ مِن نورٍ ، وعَلى رُؤوسِهِم تاجُ الكَرامَهِ ، ويُذهَبُ بِهِم إلَى الجَنَّهِ . (3)

الامام علىّ عليه السلام مِن خُطبَتِهِ فى أوَّلِ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ :أيُّهَا الصّائِمُ ، تَدَبَّر أمرَكَ ؛ فَإنَّكَ في شَهرِكَ هذا ضَيفُ رَبِّكَ ، أنظُر كَيفَ تَكونُ في لَيلِكَ ونَهارِكَ؟ وكَيفَ تَحفَظُ جَوارِحَكَ عَن مَعاصى رَبِّكَ؟ أنظُر ألاّ تَكونَ بِاللّيلِ نائِما وبِالنَّهارِ غافِلاً ؛ فَيَنقَضِىَ شَهرُكَ وقَد بَقِىَ عَلَيكَ وِزرُكَ ؛ فَتَكونَ عِندَ استيفاءِ الصّائِمينَ أجورَهُم مِنَ الخاسِرينَ ، وعِندَ فَوزِهِم بِكَرامَهِ مَليكِهِم مِنَ المَحرومينَ ، وعِندَ سَعادَتِهِم بِمُجاوَرَهِ رَبِّهِم مِنَ المَطرودينَ . (4)

.

1- .المقنعه : 373 ، مسارّ الشيعه : 56 ، مصباح المتهجّد : 797 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : 77 / 61 ، الأمالى للصدوق : 84 / 4 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 1 / 295 / 53 ، الإقبال : 1 / 26 كلّها عن الحسن بن علىّ بن فضّال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 96 / 356 / 25 . انظر تمامه فى ص 160 ح 218 .
3- .مستدرک الوسائل : 4 / 22 / 4079 نقلاً عن تفسير أبى الفتوح الرازى .
4- .فضائل الأشهر الثلاثه : 108 / 101 عن مسعده الربعى عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عليهم السلام . انظر تمامه فى ص 176 ح 230 .

امام علی علیه السلام :رمضان ، ماه خداست؛ شعبان ، ماه پیامبر خداست و رجب ، ماه من است .

2 / 2ماه میهمانی خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیف ماه رمضان :آن ، ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت شده اید و در آن ، از اهل کرامت خدا قرار داده شده اید . نفَس هایتان در آن ، تسبیح است ؛ خوابتان در آن ، عبادت است ؛ عمل [خیرِ]شما در آن ، پذیرفته است ؛ و دعای شما در آن ، مستجاب است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون روز قیامت شود ، منادی ندا می دهد : «کجایند میهمانان خدا؟» . پس ، روزه داران را می آورند ... ، آنان را بر مَرکب هایی عالی از [جنس]نور سوار می کنند ، و در حالی که تاج کرامت بر سر آنان است ، آنان را به بهشت می برند .

امام علی علیه السلام در خطبه خویش در اوّلین روز از ماه رمضان :ای روزه دار! در کار خود بیندیش ، که تو در این ماه ، میهمان پروردگار خویش هستی! بنگر که در شب و روزت چگونه ای و چگونه اعضای خود را از نافرمانی پروردگارت نگه می داری! بنگر! مبادا در شب ، خواب باشی و در روز ، غافل . پس ، این ماه بگذرد و [بار] گناهت بر دوشت مانده باشد و آن گاه که روزه داران پاداش های خود را می گیرند ، از زیانکاران باشی و آن گاه که آنان از کرامت مولایشان نصیب می برند ، از محرومان باشی و آن گاه که آنان از سعادت همسایگی با پروردگارشان برخوردار می گردند ، تو از رانده شدگان باشی!

.

الإمام الباقر عليه السلام :شَهرُ رَمَضانَ شَهرُ رَمَضانَ ، وَالصّائِمونَ فيهِ أضيافُ اللّهِ وأهلُ كَرامَتِهِ ، مَن دَخَلَ عَلَيهِ شَهرُ رَمَضانَ فَصامَ نَهارَهُ وقامَ وِردا مِن لَيلِهِ وَاجتَنَبَ ما حَرَّمَ اللّهُ عَلَيهِ ، دَخَلَ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسابٍ . (1)

2 / 3سَيِّدُ الشُّهورِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :شَهرُ رَمَضانَ سَيِّدُ الشُّهورِ . (2)

الإمام الرضا عليه السلام :إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ زُفَّتِ الشُّهورُ إلَى الحَشرِ يَقدُمُها شَهرُ رَمَضانَ عَلَيهِ مِن كُلِّ زينَهٍ حَسَنَهٍ ، فَهُوَ بَينَ الشُّهورِ يَومَئِذٍ كَالقَمَرِ بَينَ الكَواكِبِ ، فَيَقولُ أهلُ الجَمعِ بَعضُهُم لِبَعضٍ : وَدِدنا لَو عَرَفنا هذِهِ الصُّوَرَ! فَيُنادى مُنادٍ مِن عِندِ اللّهِ جَلَّ جَلالُهُ : «يا مَعشَرَ الخَلائِقِ ، هذِهِ صُوَرُ الشُّهورِ الَّتى عِدَّتُها عِندَ اللّهِ اثنا عَشَرَ شَهرا فى كِتابِ اللّهِ يَومَ خَلَقَ السَّماواتِ وَالأَرضَ ، سَيِّدُها وأفضَلُها شَهرُ رَمَضانَ ، أبرَزتُها لِتَعرِفوا فَضلَ شَهرى عَلى سائِرِ الشُّهورِ ، و لِيَشفَعَ لِلصّائِمينَ مِن عِبادى وإمائى واُشَفِّعَهُ فيهِم» . (3)

2 / 4أوَّلُ السَّنَهِالإمام علىّ عليه السلام :إنَّ أوَّلَ كُلِّ سَنَهٍ أوَّلُ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ . (4)

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : 123 / 130 عن زياد بن المنذر .
2- .شرح الأخبار : 1 / 223 / 207 ، الفضائل : 125 كلاهما عن سلمان ، بحار الأنوار : 40 / 54 / 89 ؛ فضائل الأوقات للبيهقى : 89 / 205 ، شُعَب الإيمان : 3 / 314 / 3637 وص 355 / 3755 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : 8 / 482 / 23734 .
3- .فضائل الأشهر الثلاثه : 110 / 102 عن عبد اللّه بن عامر عن أبيه .
4- .الإقبال : 1 / 193 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 97 / 350 .

2 / 3 سَرور ماه ها

2 / 4 آغاز سال

امام باقر علیه السلام :ماه رمضان ، ماه رمضان! روزه داران در آن ، میهمانان خدا و اهل کرامت الهی اند . هر کس ماه رمضان بر او وارد شود و او روزش را روزه بگیرد و بخشی از شبش را به عبادت و نماز بایستد و از آنچه خداوند بر او حرام کرده ، پرهیز کند ، بدون حساب وارد بهشت می شود .

2 / 3سَرور ماه هاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان ، سَرور ماه هاست .

امام رضا علیه السلام :چون روز قیامت شود ، ماه ها را به رستاخیز می آورند ، در حالی که ماه رمضان ، که با هر زیور نیکویی آراسته است ، پیشاپیش آنهاست . آن روز ، ماه رمضان در میان ماه ها ، همچون ماه در میان ستاره هاست . مردمی که آن جا گرد آمده اند ، به یکدیگر می گویند : دوست داشتیم که این چهره ها را می شناختیم! منادی ، از سوی خدای متعال ندا سر می دهد که : «ای همه آفریدگان! اینها ، سیمای ماه هایی است که نزد خداوند ، از روزی که آسمان ها و زمین را آفرید ، شمارشان در کتاب خدا دوازده تاست . سَرور و برترِ آنها ، ماه رمضان است . آن را آشکار ساختم تا برتری ماه مرا بر ماه های دیگر بشناسید و تا برای مردان و زنانی که بنده من اند ، شفاعت کند و من هم شفاعتش را درباره آنان بپذیرم» .

2 / 4آغاز سالامام علی علیه السلام :آغاز هر سال ، نخستین روز از ماه رمضان است .

.

عنه علیه السلام مِن خُطبَهٍ لَهُ :أتاکُم شَهرُ رَمَضانَ ، وهُوَ سَیِّدُ الشُّهورِ ، وأوَّلُ السَّنَهِ ... . (1)

الإمام الصادق علیه السلام :شَهرُ رَمَضانَ رَأسُ السَّنَهِ . (2)

تهذیب الأحکام عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق علیه السلام :إذا سَلِمَ شَهرُ رَمَضانَ سَلِمَتِ السَّنَهُ . وقالَ : رَأسُ السَّنَهِ شَهرُ رَمَضانَ . (3)

الکافی عن عمرو الشامیّ عن الإمام الصادق علیه السلام قال : «إِنَّ عِدَّهَ الشُّهُورِ عِندَ اللّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِی کِتَبِ اللّهِ یَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَ تِ وَالأَرْضَ » (4) ؛ فَغُرَّهُ الشُّهورِ شَهرُ اللّهِ عَزَّ ذِکرُهُ وهُوَ شَهرُ رَمَضانَ . (5)

الکافی عن علیّ بن رِئابٍ عن الإمام الکاظم علیه السلام :«اُدعُ بِهذَا الدُّعاءِ فی شَهرِ رَمَضانَ مُستَقبِلَ دُخولِ السَّنَهِ» وذَکَرَ أ نَّهُ مَن دَعا بِهِ مُحتَسِبا مُخلِصا لَم تُصِبهُ فی تِلکَ السَّنَهِ فِتنَهٌ ولا آفَهٌ یُضَرُّ بِها دینُهُ وبَدَنُهُ ، ووَقاهُ اللّهُ عَزَّ ذِکرُهُ شَرَّ ما یَأتی بِهِ تِلکَ السَّنَهَ . [وذَکَرَ الدُّعاءَ] . (6)

.

1- .الإرشاد : 1 / 14 ، إعلام الوری : 1 / 310 ، المناقب لابن شهرآشوب : 2 / 271 ، روضه الواعظین : 150 کلّها عن الأصبغ بن نباته ، بحار الأنوار : 41 / 315 / 40 .
2- .الإقبال : 1 / 32 عن هشام بن سالم ، بحار الأنوار : 58 / 376 / 7 .
3- .تهذیب الأحکام : 4 / 333 / 1046 ، الإقبال : 1 / 31 .
4- .التوبه : 36 .
5- .الکافی : 4 / 65 / 1 ، تهذیب الأحکام : 4 / 192 / 546 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 87 / 66 ، الأمالی للصدوق : 118 / 105 ، الإقبال : 1 / 31 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 99 / 1843 ، بحار الأنوار : 58 / 376 / 9 .
6- .الکافی : 4 / 72 / 3 ، تهذیب الأحکام : 3 / 106 / 266 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 102 / 1848 ، بحار الأنوار : 58 / 376 / 8 . انظر تمامه فی ص 232 ح 261 .

امام علی علیه السلام در خطبه ای :ماه رمضان ، شما را فرا رسیده است ؛ ماهی که سَرورِ ماه هاست و آغاز سال است ... .

امام صادق علیه السلام :ماه رمضان ، سَرِ سال است .

تهذیب الأحکام به نقل از هشام بن سالم ، از امام صادق علیه السلام :«هر گاه ماه رمضانْ سالم باشد ، [همه]سالْ سالم است» . و فرمود : «سَرِ سال ، ماه رمضان است» .

امام صادق علیه السلام به نقل از عمرو شامی : «همانا شمار ماه ها نزد خداوند ، دوازده ماه است در کتاب خدا ، روزی که آسمان ها و زمین را آفرید» . آغاز این ماه ها ، (1) ماه خدای متعال است و آن ، ماه رمضان است .

الکافی به نقل از علی بن رئاب :امام کاظم علیه السلام فرموده : «در ماه رمضان ، در پیشواز ورود سال ، این دعا را بخوان» و فرموده است که هر کس این دعا (2) را به خاطر خدا و خالصانه بخواند ، در آن سال ، فتنه و آفتی که به دین و بدنش زیان برساند ، به او نمی رسد و خدای متعال ، او را از شرّ آنچه در آن سال پیش آید ، نگه می دارد .

.

1- .در متن عربی ، «غُرّه الشهور (آغاز ماه ها)» آمده است . «غُرّه» هر چیز ، به معنای اوّل آن است ، (که در احادیث نیز آمده : ماه رمضان ، آغاز سال است) ، یا مراد از آن ، برترین و کامل ترینِ ماه هاست ، همچنان که در النهایه آمده است : «غرّه هر چیز ، آن است که ارزشمندتر باشد» . غرّه ، به معنای سفیدی هم آمده است . پس احتمال آن نیز هست . بر این اساس ، تعبیر یادشده ، یعنی : ماهی که با انوار معنوی ، پُرفروغ است . البتّه معنای اوّل ، درست تر است (بحار الأنوار : 58 / 376) .
2- .برای دیدن دعا ، ر . ک : ص 233 ، ح 261 .

2 / 5فيهِ لَيلَةُ القَدرِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :قَد جاءَكُم شَهرُ رَمَضانَ ؛ شَهرٌ مُبارَكٌ ... فيهِ لَيلَةُ القَدرِ خَيرٌ مِن ألفِ شَهرٍ ، مَن حُرِمَها فَقَد حُرِمَ . (1)

سنن أبى داود عن عبد اللّه بن عمر :سُئِلَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وأنَا أسمَعُ عَن لَيلَةِ القَدرِ ، فَقالَ : «هِىَ فى كُلِّ رَمَضانَ» . (2)

مسند ابن حنبل عن أبى مرثد :سَأَلتُ أبا ذَرٍّ قُلتُ : كُنتَ سَأَلتَ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهعَن لَيلَةِ القَدرِ؟ قالَ : أنَا كُنتُ أسأَلَ النّاسِ عَنها (3) ، قالَ : قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، أخبِرنى عَن لَيلَةِ القَدرِ أ فى رَمَضانَ هِىَ أو فى غَيرِهِ؟ قالَ : «بَل هِىَ فى رَمَضانَ» . قالَ : قُلتُ : تَكونُ مَعَ الأنبِياءِ ما كانوا فَإذَا قُبِضوا رُفِعَت ، أم هِىَ إلى يَومِ القِيامَهِ؟ قالَ : «بَل هِىَ إلى يَومِ القِيامَهِ» . (4)

وانظر : ص 774 (أىّ ليله هى) .

.

1- .تهذيب الأحكام : 4 / 152 / 422 ، الأمالى للمفيد : 112 / 2 و301 / 1 ، الأمالى للطوسى : 74 / 108 و ص 149 / 246 كلّها عن أبى هريره ، بحار الأنوار : 97 / 17 / 34 ؛ سنن النسائى : 4 / 129 ، مسند ابن حنبل : 3 / 8 / 7151 وص 412 / 9502 ، المصنّف لابن أبى شيبه : 2 / 419 / 1 كلّها عن أبى هريره .
2- .سنن أبى داود : 2 / 54 / 1387 ، السنن الكبرى : 4 / 506 / 8526 . وانظر ص 742 ح 613 .
3- .يعنى أشدّ الناس مسألةً عنها .
4- .مسند ابن حنبل : 8 / 117 / 21555 ، المستدرک على الصحيحين : 1 / 603 / 1596 وج 2 / 578 / 3960 ، السنن الكبرى : 4 / 505 / 8525 .

2 / 5شب قدر ، در ماه رمضان استپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان ، شما را فرا رسیده است؛ ماهی مبارک ... که در آن ، شب قدر است که بهتر از هزار ماه است . محروم ، کسی است که از آن شب ، محروم بماند .

سنن أبی داوود به نقل از عبد اللّه بن عمر :از پیامبر خدا درباره شب قدر پرسیدند و من هم می شنیدم . فرمود : «آن ، در هر ماه رمضانی هست» .

مسند ابن حنبل به نقل از ابو مرثد :از ابو ذر پرسیدم : آیا از پیامبر خدا درباره شب قدر پرسیده ای؟ گفت : «من از همه مردم ، بیشتر ، پرسشگر آن بودم . گفتم : ای پیامبر خدا! مرا از شب قدر آگاه ساز که آیا در رمضان است یا در غیر آن؟ فرمود : بلکه در رمضان است . گفتم : آیا همراه با پیامبران است ، تا وقتی که باشند و چون پیامبران بمیرند ، شب قدر هم برداشته می شود ، یا آن که شب قدر تا روز قیامت هست؟ فرمود : بلکه تا روز قیامت هست » .

ر . ک : ص 775 (شب قدر ، چه شبی است؟) .

.

2 / 6فيهِ نُزولُ القُرآنِالكتاب«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًی لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَتٍ مِّنَ الْهُدَی وَالْفُرْقَانِ» . (1)

الحديثرسول اللّه صلی الله عليه و آله :أُنزِلَ القُرآنُ فی ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ . (2)

الإمام الرضا عليه السلام :إنَّ شَهرَ رَمَضانَ هُوَ الشَّهرُ الَّذی أنزَلَ اللّهُ تَعالی فيهِ القُرآنَ ، وفيهِ فَرَّقَ بَينَ الحَقِّ وَالباطِلِ ، كَما قالَ اللّهُ عز و جل : «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًی لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَتٍ مِّنَ الْهُدَی وَالْفُرْقَانِ» . (3)

الكافی عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلْتُهُ عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ » وإنَّما أُنزِلَ فی عِشرينَ سَنَةً بَينَ أوَّلِهِ وآخِرِهِ؟ فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : «نَزَلَ القُرآنُ جُملَةً واحِدَةً فی شَهرِ رَمَضانَ إلَی البَيتِ المَعمورِ ، ثُمَّ نَزَلَ فی طولِ عِشرينَ سَنَةً» . (4)

.

1- .البقره : 185 .
2- .الكافی : 2 / 629 / 6 عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام .
3- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 116 / 1 ، علل الشرايع : 270 كلاهما عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار : 6 / 80 / 1 .
4- .الكافی : 2 / 628 / 6 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 87 / 67 ، الأمالی للصدوق : 119 / 106 ، تفسير القمی : 1 / 66 ، تفسير العيّاشی : 1 / 80 / 184 عن إبراهيم ، بحار الأنوار : 97 / 25 / 61 .

2 / 6نزول قرآن در شب قدرقرآن«ماه رمضان ، ماهی که قرآن در آن فرود آمده است تا هدایتی برای مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و جداسازی [میان حق و باطل] باشد» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :قرآن ، در بیست و سوم ماه رمضان ، فرو فرستاده شده است .

امام رضا علیه السلام :همانا ماه رمضان ، ماهی است که خداوند متعال ، قرآن را در آن نازل کرد و حق و باطل را در آن از هم جدا ساخت ، آن گونه که خداوند فرموده است : «ماه رمضان ، ماهی که قرآن در آن فرود آمده است تا هدایتی برای مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و جداسازی [میان حق و باطل]باشد » .

الکافی به نقل از حفص بن غیاث :از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند : «ماه رمضان ، ماهی که قرآن در آن فرود آمده است» پرسیدم ، در حالی که قرآن از اوّل تا آخرش ، در بیست سال نازل شده است . امام صادق علیه السلام فرمود : «قرآن همه اش یکباره در ماه رمضان به بیت معمور (1) نازل شد . سپس در طول بیست سال [به تدریج] نازل گشت» .

.

1- .گفته اند که «بیت معمور (خانه آباد)» در آسمان چهارم و برابر کعبه است . از غرق شدن ، شِکوه کرد و خداوند هم آن را به آسمان فرا برد و پایه اش باقی ماند . هر روز ، هفتاد هزار فرشته وارد آن می شوند و (جز همان یک نوبت) دیگر بار به سوی آن باز نمی گردند . «معمور» ، یعنی آباد ، و آبادی آن ، از زیادی فرشتگانی است که آن را در بر می گیرند (مجمع البحرین : 2 / 1269) .

2 / 7فيهِ نُزولُ الكُتُبِ السَّماوِيَّهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :نَزَلَت صُحُفُ إبراهيمَ فى أوَّلِ لَيلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وأُنزِلَتِ التَّوراهُ لِستٍّ مَضَينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وأُنزِلَ الإنجيلُ لِثَلاثَ عَشرَهَ لَيلَهً خَلَت مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وأُنزِلَ الزَّبورُ لِثَمانِيَ عَشرَهَ خَلَونَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وأُنزِلَ القُرآنُ فى ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :نَزَلَتِ التَّوراهُ فى سِتٍّ مَضَت مِن شَهرِ رَمَضانَ ، ونَزَلَ الإنجيلُ فِى اثنَتَى (2) عَشرَهَ لَيلَهً مَضَت مِن شَهرِ رَمَضانَ ، ونَزَلَ الزَّبورُ فى لَيلَهِ ثَمانِيَ عَشرَهَ مَضَت مَن شَهرِ رَمَضانَ ، ونَزَلَ القُرآنُ فى لَيلَهِ القَدرِ . (3)

.

1- .الكافى : 2 / 629 / 6 عن حفص بن غياث ، تفسير العيّاشى : 1 / 80 / 184 عن إبراهيم وفيه «لأربع وعشرين من رمضان» بدل «فى ثلاث وعشرين ...» وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 97 / 25 / 61 ؛ السنن الكبرى : 9 / 317 / 18649 ، المعجم الأوسط : 4 / 111 / 3740 ، تفسير الطبرى : 2 / الجزء الثانى / 145 ، أسباب نزول القرآن : 20 / 14 كلّها عن واثله بن الأسقع وفيها «لأربع وعشرين خلت» بدل «فى ثلاث وعشرين» ، كنز العمّال : 2 / 16 / 2962 .
2- .فى المصدر «اثنى» والتصحيح من بحار الأنوار .
3- .الكافى : 4 / 157 / 5 ، تهذيب الأحكام : 4 / 194 / 552 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 159 / 2026 كلّها عن أبى بصير ، المقنعه : 309 وليس فيه «ونزل الزبور فى ليله ثمانى عشره مضت من شهر رمضان» ، بحار الأنوار : 11 / 59 / 64 .

2 / 7نزول کتب آسمانی در شب قدرپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :صُحُف ابراهیم ، در شب اوّل ماه رمضان نازل شد . تورات ، شش [شب] از ماه رمضانْ گذشته ، نازل شد . انجیل ، سیزده شب از ماه رمضانْ گذشته ، نازل شد . زبور ، هیجده [شب] از ماه رمضانْ گذشته ، نازل شد . و قرآن ، در بیست و سوم ماه رمضان ، نازل گشت .

امام صادق علیه السلام :تورات ، شش [شب] از ماه رمضانْ گذشته ، نازل شد . انجیل ، دوازده شب از ماه رمضانْ گذشته ، نازل شد . زبور ، هجده شب از ماه رمضانْ گذشته ، فرود آمد . و قرآن ، در شب قدر نازل گشت .

.

الفصل الثالثبَرَكاتُ شَهرِ رَمَضانَ3 / 1غُفرانُ اللّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّما سُمِّىَ رَمَضانُ ؛لِأَ نَّهُ يُرمِضُ الذُّنوبَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :أتَدرونَ لِمَ سُمِّىَ شَعبانُ شَعبانَ؟ لِأَ نَّهُ يَتَشَعَّبُ مِنهُ خَيرٌ كَثيرٌ لِرَمَضانَ ، وإنَّما سُمِّىَ رَمَضانُ رَمَضانَ ؛ لِأَ نَّهُ تُرمَضُ فيهِ الذُّنوبُ أى تُحرَقُ . (2)

الدرّ المنثور عن عائشه :قيلَ لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه و آله : يا رَسولَ اللّهِ ، ما رَمَضانُ؟ قالَ : «أرمَضَ اللّهُ فيهِ ذُنوبَ المُؤمِنينَ وغَفَرَها لَهُم» . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ رَمَضانَ وقامَهُ إيمانا وَاحتِسابا غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ ، ومَن قامَ لَيلَةَ القَدرِ إيمانا وَاحتِسابا غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ . (4)

.

1- .الفردوس : 2 / 60 / 2339 ، كنز العمّال : 8 / 466 / 23688 نقلاً عن محمّد بن منصور السمعانى وابن منده فى أماليهما ، الدرّ المنثور : 1 / 444 نقلاً عن ابن مردويه وكلّها عن أنس .
2- .مستدرک الوسائل : 7 / 484 / 8710 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب ؛ كنز العمّال : 8 / 591 / 24293 نقلاً عن أبى الشيخ فى الثواب والديلمى عن أنس .
3- .الدرّ المنثور : 1 / 444 نقلاً عن ابن مردويه والأصبهانى .
4- .سنن الترمذى : 3 / 67 / 683 ، صحيح البخارى : 2 / 672 / 1802 ، صحيح مسلم : 1 / 524 / 175 ، سنن أبى داود : 2 / 49 / 1372 وليس فيها «وقامه» ، فضائل الأوقات للبيهقى : 40 / 57 كلّها عن أبى هريره ؛ فضائل الأشهر الثلاثه : 105 / 94 عن ابن عبّاس وص 142 / 154 وليس فيه ذيله ، الأمالى للطوسى : 150 / 247 كلاهما عن أبى هريره وليس فيهما «وقامه» ، بحار الأنوار : 96 / 366 / 42 وج 97 / 17 / 35 .

3 / 1 آمرزش الهی

فصل سوم : برکات ماه رمضان3 / 1آمرزش الهیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رمضان را به این خاطر رمضان نامیده اند که گناهان را می سوزاند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آیا می دانید که چرا شعبان را شعبان نامیده اند؟ چون از آن ، خیر فراوان برای رمضان ، منشعب می شود ، و رمضان را به این خاطر رمضان نامیده اند که گناهان در آن ، سوزانده می شوند .

الدرّ المنثور به نقل از عایشه :به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند : ای پیامبر خدا! رمضان چیست؟ فرمود : «خداوند در آن ، گناهان مؤمنان را می سوزاند و می آمرزد » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس رمضان را از روی ایمان و برای خدا و پاداش او ، روزه بگیرد و به عبادت برخیزد ، گناهان گذشته اش آمرزیده می شود ؛ و هر کس شب قدر را از روی ایمان و به امید پاداش الهی ، به عبادت بایستد ، گناهان گذشته اش بخشوده می گردد .

.

عنه صلى الله عليه و آله :شَهرُ رَمَضانَ شَهرٌ فَرَضَ اللّهُ عز و جل عَلَيكُم صِيامَهُ ؛ فَمَن صامَهُ إيمانا وَاحتِسابا خَرَجَ مِن ذُنوبِهِ كَيَومَ وَلَدَتهُ اُمُّهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ رَمَضانَ وخَتَمَهُ بِصَدَقَهٍ ؛ وغَدا إلَى المُصَلّى بِغُسلٍ ، رَجَعَ مَغفورا لَهُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :يَأمُرُ اللّهُ مَلَكا يُنادِي فى كُلِّ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ فِى الهَواءِ : أبشِروا عِبادى! فَقَد وَهَبتُ لَكُم ذُنوبَكُمُ السّالِفَهَ ، وشَفَّعتُ بَعضَهُم فى بَعضٍ فى لَيلَهِ القَدرِ ، إلاّ مَن أفطَرَ عَلى مُسكِرٍ أو حِقدٍ عَلى أخيهِ المُسلِمِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ رَمَضانَ شَهرٌ افتَرَضَ اللّهُ عز و جل صِيامَهُ ، وإنّى سَنَنتُ لِلمُسلِمينَ قِيامَهُ ؛ فَمَن صامَهُ إيمانا وَاحتِسابا خَرَجَ مِنَ الذُّنوبِ كَيَومَ وَلَدَتهُ اُمُّهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ رَمَضانَ ؛ وعَرَفَ حُدودَهُ ؛ وتَحَفَّظَ مِمّا كانَ يَنبَغى لَهُ أن يَتَحَفَّظَ فيهِ ، كَفَّرَ ما قَبلَهُ . (5)

.

1- .تهذيب الأحكام : 4 / 152 / 421 عن عبد الرحمن بن عوف عن أبيه ، عوالى اللآلى : 3 / 132 / 1 ، بحار الأنوار : 96 / 375 / 63 .
2- .ثواب الأعمال : 102 / 1 عن أنس ، بحار الأنوار : 90 / 363 / 15 ؛ المعجم الأوسط : 6 / 57 / 5784 عن أبى هريره ، كنز العمّال : 8 / 482 / 23733 .
3- .الدعوات : 207 / 561 ، بحار الأنوار : 97 / 5 / 5 .
4- .مسند ابن حنبل : 1 / 413 / 1688 ، سنن ابن ماجه : 1 / 421 / 1328 ، سنن النسائى : 4 / 158 ، مسند أبى يعلى : 1 / 395 / 862 كلّها عن عبد الرحمن بن عوف نحوه ؛ مستدرک الوسائل : 7 / 397 / 8516 نقلاً عن القطب الراوندى فى النوادر عن عبد الرحمن عن أبيه عنه صلى الله عليه و آله وفيه «شهر فرض اللّه صيامه وسنّ قيامه ...» .
5- .مسند ابن حنبل : 4 / 110 / 11524 ، صحيح ابن حبّان : 8 / 220 / 3433 ، السنن الكبرى : 4 / 501 / 8505 ، مسند أبى يعلى : 2 / 19 /

1053 كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، الزهد لابن المبارک (الملحقات) : 24 / 98 عن عطاء بن يسار ، كنز العمّال : 8 / 481 / 23727 ؛ فضائل الأشهر الثلاثه : 131 / 138 عن أبى سعيد الخدرى .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان ، ماهی است که خداوند ، روزه آن را بر شما واجب ساخت . پس هر کس آن را از روی ایمان و به امید پاداش الهی روزه بدارد ، از گناهانش بیرون می آید ، همچون روزی که مادرش او را زاده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس رمضان را روزه بدارد و آن را با صدقه به پایان ببرد و با غسل به نمازگاه برود ، آمرزیده باز می گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند به فرشته ای فرمان می دهد که در هر روز از ماه رمضان در هوا ندا دهد : «ای بندگان من ! مژده ! گناهان گذشته شما را بخشیدم و شفاعت شما را درباره یکدیگر در شب قدر قبول کردم ، مگر آن که با شراب افطار کرده باشد ، یا از برادر مسلمانش کینه در دل داشته باشد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا رمضان ، ماهی است که خداوند ، روزه آن را واجب کرده است و من قیام [برای نماز] را در آن ، سنّت قرار داده ام . پس هر کس آن را از روی ایمان و به خاطر ثواب الهی روزه بدارد ، از گناهانْ خارج می شود ، همچون روزی که مادرش او را زاده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس رمضان را روزه بدارد و حدود آن را بشناسد و خود را از آنچه سزاوار خویشتنداری در این ماه است ، نگه بدارد ، گناهان پیشین را پاک کرده است .

.

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ مَن تَمَسَّکَ فی شَهرِ رَمَضانَ بِسِتِّ خِصالٍ غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذُنوبَهُ : أن یَحفَظَ دینَهُ ، ویَصونَ نَفسَهُ ، ویَصِلَ رَحِمَهُ ، ولا یُؤذِیَ جارَهُ ، ویَرعی إخوانَهُ ، ویَخزُنَ لِسانَهُ . أمَّا الصِّیامُ فَلا یَعلَمُ ثَوابَ عامِلِهِ إلاّ اللّهُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :شَهرُ رَمَضانَ یُکَفِّرُ ما قَبلَهُ إلی شَهرِ رَمَضانَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ رَمَضانَ إلی رَمَضانَ کَفّارَهٌ لِما بَینَهُما . (3)

عنه صلى الله عليه و آله کانَ یَقولُ :الصَّلَواتُ الخَمسُ ؛ وَالجُمُعَهُ إلَی الجُمُعَهِ ؛ ورَمَضانُ إلی رَمَضانَ ، مُکَفِّراتٌ ما بَینَهُنَّ إذَا اجتُنِبَ الکَبائِرُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قامَ رَمَضانَ إیمانا وَاحتِسابا غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ . (5)

فضائل الأوقات عن أنس :لَمّا أقبَلَ شَهرُ رَمَضانَ قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «سُبحانَ اللّهِ ! ماذا تَستَقبِلونَ !؟ ماذا یَستَقبِلُکُم !؟» . فَقالَ عُمَرُ بنُ الخَطّابِ : بِأبی أنتَ وأُمّی یا رَسولَ اللّهِ ! وَحیٌ نَزَلَ أو عَدُوٌّ حَضَرَ؟ قالَ : «لا ، ولکِن شَهرُ رَمَضانَ یَغفِرُ اللّهُ تَعالی فی لَیلَهٍ لِکُلِّ أهلِ هذِهِ القِبلَهِ» . قالَ : وفِی القَومِ رَجُلٌ یَهُزُّ رَأسَهُ : بَخ بَخ ! فَقالَ لَهُ النَّبِیُّ صلى الله عليه و آله : «کَأنَّهُ ضاقَ صَدرُکَ بِما سَمِعتَ !» قالَ : لا وَاللّهِ ، لا یا رَسولَ اللّهِ ، لکِن ذَکَرتُ المُنافِقَ . فَقالَ النَّبِیُّ صلى الله عليه و آله : «المُنافِقُ کافِرٌ ، ولَیسَ لِلکافِرِ فی ذا شَیءٌ» . (6)

.

1- .مستدرک الوسائل : 7 / 370 / 8443 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب .
2- .المعجم الکبیر : 8 / 261 / 8016 عن أبی اُمامه ، کنز العمّال : 8 / 466 / 23686 نقلاً عن ابن أبی الدنیا فی فضل رمضان عن أبی هریره وج 7 / 318 / 19056 .

3- .مستدرک الوسائل : 7 / 400 / 8524 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب ؛ المعجم الکبیر : 6 / 38 / 5445 عن أبی سعید الخدری وفیه «صیام» بدل «إنّ» ، کنز العمّال : 8 / 482 / 23736 .
4- .صحیح مسلم : 1 / 209 / 16 ، مسند ابن حنبل : 3 / 362 / 9208 ، السنن الکبری : 10 / 315 / 20759 کلّها عن أبی هریره ، کنز العمّال : 7 / 284 / 18894 .
5- .صحیح البخاری : 1 / 22 / 37 وج 2 / 707 / 1904 ، صحیح مسلم : 1 / 523 / 173 ، سنن أبی داود : 2 / 49 / 1371 ، سنن الترمذی : 3 / 172 / 808 ، سنن ابن ماجه : 1 / 420 / 1326 کلّها عن أبی هریره .
6- .فضائل الأوقات للبیهقی : 43 / 66 ، شعب الإیمان : 3 / 309 / 3621 ، صحیح ابن خزیمه : 3 / 189 / 1885 ، المعجم الأوسط : 5 / 158 / 4935 کلاهما نحوه ؛ فضائل الأشهر الثلاثه : 140 / 150 ، بحار الأنوار : 96 / 347 / 13 نقلاً عن القطب الراوندی فی النوادر .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا هر کس در ماه رمضان ، شش کار را با قوّت انجام دهد ، خداوندْ گناهانش را می آمرزد : دین خود را حفظ کند ، خویشتن را نگه دارد ، به خویشاوندانش نیکی کند ، همسایه اش را نیازارد ، حال برادرانش را مراعات کند و زبان خویش را در کام نگه دارد . امّا روزه ! پس پاداش روزه دار را جز خداوند نمی داند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :[روزه] ماه رمضان ، همه گناهان پیش از آن را تا رمضان [دیگر ،] پاک می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رمضان تا رمضان ، کفّاره (پاک کننده) [گناهانِ] میان این دو رمضان است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمود :نمازهای پنجگانه ، نماز جمعه تا نماز جمعه و رمضان تا رمضان ، پاک کننده گناهان میان آنهایند ، هر گاه که از گناهان کبیره پرهیز شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ماه رمضان را از روی ایمان و به امید پاداش الهی [به عبادت] برخیزد ، گناهان گذشته اش آمرزیده می شود .

فضائل الأوقات به نقل از انس :چون ماه رمضان فرا رسید ، پیامبر خدا فرمود : «سبحان اللّه ! به استقبال چه چیزی می روید؟! و چه چیزی به استقبال شما می آید؟!» . عمر بن خطّاب گفت : پدرم و مادرم به فدایت ، ای پیامبر خدا! وحیی نازل شده است ، یا دشمنی روی آورده است؟ فرمود : «نه؛ ولی در ماه رمضان ، خداوند در یک شب ، همه اهل این قبله (مسلمانان) را می آمرزد» . در میان مردم ، مردی بود که سرش را تکان می داد و می گفت : به به! پیامبر خدا به او فرمود : «گویا از آنچه شنیدی ، سینه ات دچار تنگی شد!» . گفت : نه ، ای پیامبر خدا! ولی من به یاد منافقان افتادم . پیامبر خدا فرمود : «منافق ، کافر است و کافر را در این مسئله ، بهره ای نیست» .

.

3 / 2العِتقُ مِنَ النّارِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :سُمِّىَ شَهرُ رَمَضانَ شَهرَ العِتقِ ؛ لِأَنَّ للّهِ فى كُلِّ يَومٍ ولَيلَةٍ سِتَّمِئَةِ عَتيقٍ ، وفى آخِرِهِ مِثلَ ما أعتَقَ فيما مَضى . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ للّهِ تَعالى فى كُلِّ لَيلَةٍ مِن رَمَضانَ سِتَّمِئَةِ ألفِ عَتيقٍ مِنَ النّارِ (2) ، فَإِذا كانَ آخِرُ لَيلَةٍ أعتَقَ اللّهُ بِعَدَدِ كُلِّ مَن مَضى . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ للّهِ فى كُلِّ يَومِ جُمُعَةٍ سِتَّمِئَةِ ألفِ عَتيقٍ مِنَ النّارِ كُلُّهُم قَدِ استَوجَبوها ، وفى كُلِّ ساعَةٍ مِن لَيلٍ أو نَهارٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ألفَ عَتيقٍ مِنَ النّارِ كُلُّهُم قَدِ استَوجَبوها ، ولَهُ يَومَ الفِطرِ مِثلُ ما أعتَقَ فِى الشَّهرِ وَالجُمُعَةِ . (4)

.

1- .النوادر للأشعرى : 18 / 2 عن إسماعيل بن أبى زياد عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 96 / 381 / 6 .
2- .قال البيهقى فى فضائل الأوقات : والمراد بالعدد المذكور فى مثل[ه] عند علمائنا الكثره دون أعيان العدد المذكور فى الخبر ، وكلّ ذلک واللّه أعلم فيمن عرف حدود هذا الشهر وحفظ حقوقه .
3- .شُعَب الإيمان : 3 / 303 / 3604 ، فضائل الأوقات للبيهقى : 44 / 69 كلاهما عن الحسن ، كنز العمّال : 8 / 479 / 23719 .
4- .مستدرک الوسائل : 7 / 484 / 8710 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

3 / 2آزادی از آتش دوزخپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان را ماه آزادسازی نامیده اند ؛ چون خداوند در هر روز و شب ، ششصد آزادشده دارد و نیز در آخر ماه ، به اندازه آنچه در [روزها و شب های] گذشته آزاد کرده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، در هر شب [ماه] رمضان ، ششصد هزار آزادشده از آتش دارد . (1) پس چون آخرین شب فرا رسد ، خداوند به شمار همه آنچه پیش تر آزاد کرده ، آزاد می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند را در هر روز جمعه ، ششصد هزار آزادشده از آتش است که همه آنان شایسته آن اند ؛ و [خداوند را] در هر ساعت از شب یا روز ماه رمضان ، هزار آزادشده از آتش است که همه آنان شایسته آن اند ؛ و او را در روز فطر ، به اندازه آزادشدگان در این ماه و جمعه است .

.

1- .بیهقی در فضائل الأوقات گفته است : نزد علمای ما ، مقصود از عدد یادشده ، «فراوانی» است ، نه همان عدد یادشده در روایت . و همه اینها که خدا داناتر است برای کسی است که حدود این ماه را بشناسد و حقوق آن را نگه دارد .

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ للّهِ عز و جل عِندَ كُلِّ فَطرَةٍ (1) عُتَقاءَ مِنَ النّارِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ للّهِ عز و جل فى كُلِّ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ عُتَقاءَ وطُلَقاءَ مِنَ النّارِ إلاّ مَن أفطَرَ عَلى مُسكِرٍ ، فَإِذا كانَ فى آخِرِ لَيلَةٍ مِنهُ أعتَقَ فيها مِثلَ ما أعتَقَ فى جَميعِهِ . (3)

عنه عليه السلام :إذا كانَ أوَّلُ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ غَفَرَ اللّهُ لِمَن شاءَ مِنَ الخَلقِ ، فَإِذا كانَتِ اللَّيلَةُ الَّتى تَليها ضاعَفَهُم ، فَإِذا كانَتِ اللَّيلَةُ الَّتى تَليها ضاعَفَ كُلَّ ما أعتَقَ ، حَتّى آخِرِ لَيلَةٍ فى شَهرِ رَمَضانَ تَضاعَفَ مِثلَ ما أعتَقَ فى كُلِّ لَيلَةٍ . (4)

وانظر : العنوان الآتى (جوامع بركاته وخصائصه) . ص 160 (تأهيل الناس لضيافه اللّه) .

3 / 3جَوامِعُ بَرَكاتِهِ وخَصائِصِهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله فى فَضلِ شَهرِ رَمَضانَ :هُوَ شَهرٌ أوَّلُهُ رَحمَةٌ ، وأوسَطُهُ مَغفِرَةٌ ، وآخِرُهُ الإِجابَةُ وَالعِتقُ مِنَ النّارِ . (5)

.

1- .الفطره : المرَّةُ من الإفطار .
2- .فضائل الأوقات للبيهقى : 44 / 67 عن أبى اُمامه .
3- .الكافى : 4 / 68 / 7 ، تهذيب الأحكام : 4 / 193 / 551 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 98 / 1838 ، الأمالى للصدوق : 113 / 91 كلّها عن محمّد بن مروان ، بحار الأنوار : 96 / 362 / 31 .
4- .الإقبال : 1 / 28 عن محمّد بن مروان ، المصباح للكفعمىّ : 836 نحوه .
5- .الكافى : 4 / 67 / 4 ، تهذيب الأحكام : 3 / 58 / 198 وج 4 / 153 / 423 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 95 / 1831 ، الخصال : 259 / 135 ، ثواب الأعمال : 91 / 7 كلّها عن أبى الورد عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : 96 / 342 / 6 ؛ صحيح ابن خزيمه : 3 / 192 / 1887 ، شُعب

الإيمان : 3 / 306 / 3608 كلاهما عن سلمان وفيهما «وآخره عتق من النار» ، كنز العمّال : 8 / 477 / 23714 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدا را به هنگام هر نوبت افطار ، آزادشدگانی از آتش است .

امام صادق علیه السلام :خدا را در هر شب ماه رمضان ، آزادشدگان و رهاشدگانی از آتش است ، مگر کسی که با شراب افطار کند . پس چون آخرین شبِ آن فرا رسد ، به اندازه همه کسانی که در این ماه آزاد کرده است ، آزاد می کند .

امام صادق علیه السلام :چون شب اوّل ماه رمضان شود ، خداوند ، از آفریدگان ، هر که را بخواهد ، می آمرزد . پس چون شب بعد فرا رسد ، دو برابر آنان را می آمرزد . شب بعد ، دو برابر همه آنانی را که آمرزیده و آزاد کرده است ، می آمرزد ، تا [آن که در]آخرین شب ماه رمضان ، دو برابر آنچه در هر شب آزاد کرده است ، از آتش آزاد می کند .

ر . ک : عنوان بعدی (مجموعه برکات و ویژگی های ماه رمضان) ص 161 (آمادگی برای میهمانی خدا) .

3 / 3مجموعه برکات و ویژگی های ماه رمضانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره فضیلت ماه رمضان :ماهی است که آغاز آن رحمت ، میانه آن آمرزش و پایان آن اجابت [دعا] و آزادی از آتش است .

.

عنهِ صلى الله عليه و آله : إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ فُتِّحَت أبوابُ الرَّحمَهِ ، وغُلِّقَت أبوابُ جَهَنَّمَ ، وسُلسِلَتِ الشَّياطينُ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله مِن خُطبَتِهِ فى آخِرِ جُمُعَهٍ مِن شَعبانَ :يا مَعشَرَ النّاسِ ، إذا طَلَعَ هِلالُ شَهرِ رَمَضانَ غُلَّت مَرَدَهُ الشَّياطينِ ، وفُتِّحَت أبوابُ السَّماءِ وأبوابُ الجِنانِ وأبوابُ الرَّحمَهِ ، وغُلِّقَت أبوابُ النّارِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا جاءَ رَمَضانُ فُتِّحَت أبوابُ الجَنَّهِ ، وغُلِّقَت أبوابُ النّارِ ، وصُفِّدَتِ الشَّياطينُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله يُبَشِّرُ أصحابَهُ :جاءَكُم رَمَضانُ ، جاءَكُم شَهرٌ مُبارَكٌ اِفتَرَضَ اللّهُ عَلَيكُم صِيامَهُ ، تُفَتَّحُ فيهِ أبوابُ الجِنانِ ، وتُغَلَّقُ أبوابُ الجَحيمِ ، وتُغَلُّ فيهِ الشَّياطينُ ، فيهِ لَيلَهٌ خَيرٌ مِن أَلفِ شَهرٍ ، مَن حُرِمَ خَيرَها فَقَد حُرِمَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ أوَّلُ لَيلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ نادَى الجَليلُ تَبارَكَ وتَعالى : « ... يا جَبرَئيلُ ، انزِل عَلَى الأَرضِ فَغُلَّ فيها مَرَدَهَ الشَّياطينِ حَتّى لايُفسِدوا عَلى عِبادى صَومَهُم» . (5)

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : 142 / 153 عن أبى هريره .
2- .الكافى : 4 / 67 / 6 ، تهذيب الأحكام : 4 / 193 / 550 وليس فيه «وأبواب الجنان» ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 97 / 1833 ، ثواب الأعمال : 89 / 2 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 80 / 62 كلّها عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : 96 / 360 / 27 .
3- .صحيح مسلم : 2 / 758 / 1 ، الموطّأ : 1 / 311 / 59 ، سنن النسائى : 4 / 126 ، مسند ابن حنبل : 3 / 277 / 8692 ، السنن الكبرى : 4 / 339 / 7906 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 8 / 461 / 23662 ؛ فضائل الأشهر الثلاثه : 141 / 152 عن أبى سهل نافع بن مالک عن أبيه عن الإمام الباقر عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله .
4- .فضائل الأوقات للبيهقى : 37 / 45 ، سنن النسائى : 4 / 129 وفيه «وتغلّ فيه مرده الشياطين» ، مسند ابن حنبل : 3/ 8 / 7151 وص412 /

9502 ، المصنّف لابن أبی شیبه : 2 / 419 / 1 ؛ تهذیب الأحکام : 4 / 152 / 422 ولیس فیه «وتغلق فیه أبواب الجحیم» ، الأمالی للمفید : 112 / 2 وص 301 / 1 کلّها عن أبی هریره نحوه ، بحار الأنوار : 96 / 366 / 41 .

5- .بحار الأنوار : 96 / 348 / 51 نقلاً عن القطب الراوندی فی النوادر ، الأمالی للمفید : 230 / 3 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 126 / 133 ؛ شعب الإیمان : 3 / 335 / 3695 ، فضائل الأوقات للبیهقی : 64 / 29 ، تاریخ دمشق : 52 / 291 کلّها عن ابن عبّاس نحوه ، کنز العمّال : 8 / 586 / 24281 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون ماه رمضان وارد شود ، درهای رحمت ، گشوده ، و درهای دوزخ ، بسته شوند و شیاطین به بند کشیده شوند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خطبه خویش در آخرین جمعه ماه شعبان :ای گروه مردم ! هر گاه هِلال ماه رمضان برآید ، شیاطینِ سرکش به بند کشیده می شوند ، درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت ، گشوده ، و درهای آتش ، بسته می شوند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون رمضان آید ، درهای بهشت باز می شوند ، درهای آتش بسته می گردند و شیاطین ، به زنجیر و بند کشیده می شوند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مُژده دادن به یاران خویش :رمضان ، شما را فرا رسیده است . ماهی مبارک ، شما را فرا رسیده که خداوند ، روزه داریِ آن را بر شما واجب ساخته است . در این ماه ، درهای بهشت ، گشوده و درهای جهنّم ، بسته می شوند و شیاطین به بند کشیده می شوند . در آن ، شبی است که بهتر از هزار ماه است . هر کس از خیر آن محروم شود ، به یقین ، محروم مانده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون شب اوّلِ ماه رمضان شود ، خدای باعظمت ندا دهد : «... ای جبرئیل ! به زمین فرود آی و شیاطین سرکش را به بند کش تا روزه بندگانم را بر آنان تباه نسازند» .

.

عنه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ أوَّلُ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ صُفِّدَتِ الشَّياطينُ ومَرَدَهُ الجِنِّ ، وغُلِّقَت أبوابُ النّارِ فَلَم يُفتَح مِنها بابٌ ، وفُتِّحَت أبوابُ الجَنَّهِ فَلَم يُغلَق مِنها بابٌ ، ويُنادى مُنادٍ : «يا باغِىَ الخَيرِ أقبِل ! ويا باغِىَ الشَّرِّ أقصِر ! وللّهِ عُتَقاءُ مِنَ النّارِ» . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ أوَّلُ لَيلَةٍ مِن رَمَضانَ فُتِّحَت أبوابُ الجِنانِ كُلُّها فَلَم يُغلَق مِنها بابٌ واحِدٌ الشَّهرَ كُلَّهُ ، وغُلِّقَت أبوابُ النّارِ فَلا يُفتَحُ مِنها بابٌ واحِدٌ الشَّهرَ كُلَّهُ ، وغُلَّت عُتاهُ الجِنِّ ، ونادى مُنادٍ فِى السَّماءِ كُلَّ لَيلَةٍ إلَى انفِجارِ الصُّبحِ : «يا باغِىَ الخَيرِ هَلُمَّ ! ويا باغِىَ الشَّرِّ انتَهِ ! هَل مِن مُستَغفِرٍ يُغفَرُ لَهُ؟ هَل مِن تائِبٍ يُتابُ عَلَيهِ؟ هَل مِن سائِلٍ فَيُعطى؟ هَل مِن داعٍ فَيُستَجابُ لَهُ؟ وللّهِ عِندَ وَقتِ كُلِّ لَيلَهِ فِطرٍ مِن رَمَضانَ عُتَقاءُ يُعتِقُهُم مِنَ النّارِ» . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :لَمّا حَضَرَ شَهرُ رَمَضانَ قامَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ ، ثُمَّ قالَ : «أيُّهَا النّاسُ ، كَفاكُمُ اللّهُ عَدُوَّكُم مِنَ الجِنِّ وَالإنسِ ... ألا وقَد وَكَّلَ اللّهُ عز و جلبِكُلِّ شَيطانٍ مَريدٍ سَبعينَ مِن مَلائِكَتِهِ ، فَلَيسَ بِمَحلولٍ حَتّى يَنقَضِىَ شَهرُكُم هذا ، ألا وأبوابُ السَّماءِ مُفَتَّحَهٌ مِن أوَّلِ لَيلَهٍ مِنهُ ، ألا وَالدُّعاءُ فيهِ مَقبولٌ» . (3)

.

1- .سنن الترمذى : 3 / 66 / 682 ، سنن ابن ماجه : 1 / 526 / 1642 ، المستدرک على الصحيحين : 1/421/1532 ، السنن الكبرى : 4 / 500 / 8501 ، صحيح ابن حبّان : 8/222/3435 ، صحيح ابن خزيمه : 3 / 188 / 1883 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 8 / 462 / 23664 و ص 469 / 23703 ؛ بحار الأنوار : 96 / 350 / 20 نقلاً عن القطب الراوندى فى النوادر .

2- .تاريخ بغداد : 1/284/128 عن ابن عبّاس ، فضائل الأوقات للبيهقى : 44 / 68 وليس فيه «وغلّقت أبواب النار فلا يفتح منها باب واحد الشهر كلّه» ، شُعَب الإيمان : 3/304/3606 كلاهما عن عبد اللّه بن مسعود ، كنز العمّال: 8 / 469 / 23704 ؛ مستدرک الوسائل : 7 / 436 / 8604 نقلاً عن درر اللآلى عن ابن مسعود .

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 98 / 1837 ، ثواب الأعمال : 90 / 5 ، الإقبال : 1 / 72 وفيهما «سبعه» بدل «سبعين» ، بحار الأنوار : 96 / 371 / 56 ؛ كنز العمّال : 8 / 583 / 24274 نقلاً عن الأصبهانى فى الترغيب .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون اوّلین شب ماه رمضان شود ، شیاطین و سرکشانِ جنْ به بند کشیده شوند و درهای آتش ، بسته شوند؛ پس ، هیچ دری از آنها گشوده نگردد . و درهای بهشت ، باز شوند؛ پس هیچ دری از آنها بسته نگردد ، و ندا دهنده ای ندا می دهد : «ای جویای خیر! روی آور ، و ای جویای شر! کوتاه بیا (دست بردار) ! و خدا را آزادشدگانی از آتش است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون اوّلین شب [ماه] رمضان شود ، همه درهای بهشت ، گشوده شوند . پس در همه این ماه ، حتّی یک در از آنها بسته نگردد ؛ و درهای آتش ، بسته شوند و در همه ماه ، حتّی یک در از آنها گشوده نگردد؛ و سرکشانِ جنْ به بند کشیده شوند و هر شب تا دمیدن صبح ، منادی در آسمان ندا دهد : «ای جویای خیر! پیش آی ، و ای جویای شر! دست بردار . آیا استغفارکننده ای هست تا آمرزیده شود؟ آیا توبه کننده ای هست که توبه اش پذیرفته گردد؟ آیا خواهنده ای هست تا عطا شود؟ آیا دعا کننده ای هست تا دعایش پذیرفته گردد؟ و خدا را به هنگام هر شبِ عید فطری از رمضان ، آزادشدگانی است که آنان را از آتش ، آزاد می کند» .

امام علی علیه السلام :چون ماه رمضان فرا رسید ، پیامبر خدا ایستاد و خدا را ستایش و درود گفت . سپس فرمود : «ای مردم! خداوند ، دشمن شما را از جن و انس ، کفایت کرد ... . آگاه باشید! خداوند بر هر شیطان سرکشی ، هفتاد فرشته گماشت . او رها نمی شود تا این ماهتان سپری گردد . آگاه باشید که درهای آسمان از نخستین شب این ماه ، گشوده اند و دعا در آن ، پذیرفته است» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رَجَبٌ شَهرُ اللّهِ الأَصَبُّ (1) ، يَصُبُّ اللّهُ فيهِ الرَّحمَةَ عَلى عِبادِهِ ، وشَهرُ شَعبانَ تَنشَعِبُ فيهِ الخَيراتُ . وفى أوَّلِ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ تُغَلُّ المَرَدَةُ مِنَ الشَّياطينِ ، ويُغفَرُ فى كُلِّ لَيلَةٍ سَبعينَ ألفا ، فَإذا كانَ فى لَيلَةِ القَدرِ غَفَرَ اللّهُ بِمِثلِ ما غَفَرَ فى رَجَبٍ وشَعبانَ وشَهرِ رَمَضانَ إلى ذلِكَ اليَومِ ، إلاّ رَجُلٌ بَينَهُ وبَينَ أخيهِ شَحناءُ ، فَيَقولُ اللّهُ عز و جل : أنظِروا هؤُلاءِ حَتّى يَصطَلِحوا . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ شَهرَ رَمَضانَ فَحَفِظَ فَرجَهُ ولِسانَهُ وكَفَّ أذاهُ عَنِ النّاسِ ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذُنوبَهُ ما تَقَدَّمَ مِنها وما تَأَخَّرَ ، وأعتَقَهُ مِنَ النّارِ ، وأحَلَّهُ دارَ القَرارِ ، وقَبِلَ شَفاعَتَهُ فى عَدَدِ رَملِ عالِجٍ مِن مُذنِبى أهلِ التَّوحيدِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ أوَّلُ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، نَظَرَ اللّهُ إلى خَلقِهِ ، وإذا نَظَرَ اللّهُ إلى عَبدٍ لَم يُعَذِّبهُ أبَدا ، وللّهِ فى كُلِّ لَيلَةٍ ويَومٍ ألفُ ألفِ عَتيقٍ مِنَ النّارِ ، فَإذا كانَت لَيلَةُ تِسعٍ وعِشرينَ أعتَقَ اللّهُ فيها مِثلَ جَميعِ ما أعتَقَ فِى الشَّهرِ كُلِّهِ،فَإذا كانَت لَيلَةُ الفِطرِ ارتَجَّتِ المَلائِكَةُ وتَجَلَّى الجَبّارُ بِنورِهِ مَعَ أنَّهُ لا يَصِفُهُ الواصِفونَ ، فَيَقولُ المَلائِكَةُ وهُم فى عيدِهِم مِنَ الغَدِ : يا مَعشَرَ المَلائِكَةِ ، يوحى إلَيهِم : «ما جَزاءُ الأجيرِ إذا وَفّى عَمَلَهُ؟» تَقولُ المَلائِكَةُ : يُوَفّى أجرَهُ ، فَيَقولُ اللّهُ تَعالى : «أُشهِدُكُم أنّى قَد غَفَرتُ لَهُم» . (4)

.

1- .فى المصدر : «الأصمّ» ، والأصحّ ما أثبتناه كما فى بعض نسخ المصدر الخطّيه وبحارالأنوار .
2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 71 / 331 عن دارم بن قبيصه عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار : 97 / 36 / 16 .
3- .الأمالى للصدوق : 71 / 38 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 44 / 20 كلاهما عن العلاء بن يزيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، روضه الواعظين : 441 ، بحار الأنوار : 96 / 356 / 24 .
4- .الترغيب والترهيب : 2 / 98 / 18 نقلاً عن الأصبهانى ، كنز العمّال : 8 / 471 / 23707 نقلاً عن ابن صصرى فى أماليه وكلاهما عن أبى هريره .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رجب ، ماه ریزش (رحمت) خداست و در آن ، رحمت خدا بر بندگانش فرو می ریزد ، و در ماه شعبان ، خیراتْ منشعب می شوند . در نخستین شب ماه رمضان ، شیاطینِ سرکش به بند کشیده می شوند و هر شب ، هفتاد هزار نفر آمرزیده می شوند . پس چون شب قدر شود ، خداوند ، به همان اندازه که در رجب و شعبان و ماه رمضان تا آن روز آمرزیده است ، می آمرزد ، مگر کسی را که میان او و برادرش دشمنی باشد ، که خداوند متعال می فرماید : «[آمرزشِ]اینان را به تأخیر اندازید تا با هم آشتی کنند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ماه رمضان را روزه بدارد و پاک دامنی ورزد و زبانش را حفظ کند و آزارش را به مردم نرساند ، خداوند ، گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد و از آتش آزادش می کند و در سرای ابدی جایش می دهد و شفاعت او را درباره موحّدان گنهکار به تعداد کوه های به هم پیوسته (1) ، می پذیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون شب اوّل ماه رمضان شود ، خداوند به آفریدگانش [با عنایت] می نگرد و هر گاه خداوند به بنده ای [از روی عنایت] بنگرد ، هرگز عذابش نمی کند . و خدا را در هر شب و روزی هزار هزار آزادشده از آتش است . پس چون شب بیست و نهم شود ، [خداوند ،] در آن شب ، به اندازه همه آنچه در همه ماه آزاد ساخته است ، آزاد می کند و چون شب عید فطر شود ، فرشتگان به جنبش می آیند و خدای شکوهمند ، با فروغ خود تجلّی می کند ، به گونه ای که ستایشگران نمی توانند او را بستایند . پس [خداوند] به فرشتگان در حالی که در تدارک عید فردایشان اند وحی می فرماید : «ای گروه فرشتگان! پاداش کارگری که کار خود را کامل انجام دهد ، چیست؟» . فرشتگان گویند : پاداش کامل داده می شود . خدای متعال می فرماید : «شما را گواه می گیرم که آنان را آمرزیدم» .

.

1- .رَمْلُ عالِج ، که در متن عربی حدیث آمده است ، به کوه های به هم پیوسته ای گفته می شود که از یک سو به «دهناء (کویر ربع الخالی)» و از سوی دیگر به «نَجد (سرزمینی کوهستانی در شمال جزیره العرب)» منتهی

می شود و بسیار وسعت دارد (المصباح المنیر : 425) . عوالج الرمال نیز به معنای ماسه هایی است که بر هم انباشته می شوند (النهایه : 3 / 287) .

عنه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ أوَّلُ لَيلَةٍ مِن رَمَضانَ فُتِّحَت أبوابُ السَّماءِ فَلا يُغلَقُ مِنها بابٌ حَتّى يَكونَ آخِرُ لَيلَةٍ مِن رَمَضانَ ، فَلَيسَ مِن عَبدٍ مُؤمِنٍ يُصَلّى فى لَيلَةٍ مِنها إلاّ كَتَبَ اللّهُ لَهُ ألفا وخَمسَمِئَةِ حَسَنَةٍ بِكُلِّ سَجدَةٍ ، وبَنى لَهُ بَيتا فِى الجَنَّةِ مِن ياقوتَةٍ حَمراءَ لَها سِتّونَ ألفَ بابٍ ، لِكُلِّ بابٍ مِنها قَصرٌ مِن ذَهَبٍ مُوَشَّحٍ بِياقوتَةٍ حَمراءَ ، فَإذا صامَ أوَّلَ يَومٍ مِن رَمَضانَ غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ إلى مِثلِ ذلِكَ اليَومِ ، ومَن شَهِدَ رَمَضانَ استَغفَرَ لَهُ كُلَّ يَومٍ سَبعونَ ألفَ مَلَكٍ مِن صَلاةِ الغَداةِ إلى أن تَوارى بِالحِجابِ ، وكانَ لَهُ بِكُلِّ سَجدَةٍ سَجَدَها فى شَهرِ رَمَضانَ بِلَيلٍ أو نَهارٍ شَجَرَةٌ يَسيرُ الرّاكِبُ فى ظِلِّها خَمسَمِئَةِ عامٍ . (1)

الخصال عن جابر بن عبد اللّه عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أُعطِيَت اُمَّتى فى شَهرِ رَمَضانَ خَمسا لَم يُعطَهُنَّ اُمَّةٌ نَبِيٍّ قَبلى : أمّا واحِدَةٌ : فَإذا كانَ أوَّلُ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ نَظَرَ اللّهُ عز و جل إلَيهِم ، ومَن نَظَرَ اللّهُ إلَيهِ لَم يُعَذِّبهُ أبَدا . وأمَّا الثّانِيَةُ : فَإنَّ خُلوفَ أفواهِهِم حينَ يُمسونَ عِندَ اللّهِ عز و جل أطيَبُ مِن ريحِ المِسكِ . وأمَّا الثّالِثَةُ : فَإنَّ المَلائِكَةَ يَستَغفِرونَ لَهُم فى لَيلِهِم ونَهارِهِم . وأمَّا الرّابِعَةُ : فَإنَّ اللّهَ عز و جل يَأمُرُ جَنَّتَهُ أن استَغفِرى وتَزَيَّنى لِعِبادى ، فَيوشِكُ أن يَذهَبَ عَنهُم نَصَبُ الدُّنيا وأذاها ويَصيروا إلى جَنَّتى وكَرامَتى . وأمَّا الخامِسَةُ : فَإذا كانَ آخِرُ لَيلَةٍ غُفِرَ لَهُم جَميعا . فَقالَ رَجُلٌ : فى لَيلَةِ القَدرِ يا رَسولَ اللّهِ؟ فَقالَ : ألَم تَرَ إلَى العُمّالِ إذا فَرَغوا مِن أعمالِهِم وُفّوا؟ ! (2)

.

1- .فضائل الأوقات للبيهقى : 40 / 60 ، شُعب الإيمان : 3 / 314 / 3635 وفيه «مِن شهر رمضان واستغفر» بدل «ومَن شهد رمضان استغفر» وكلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : 8 / 470 / 23706 .

2- .الخصال : 317 / 101 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 90 / 69 وفيه «إذا عملوا كيف يؤتون اُجورهم» بدل «إذا فرغوا ...» وص130 / 136 ، الأمالى للطوسى : 496 / 1087 نحوه ، بحار الأنوار : 96 / 364 / 36 وص 368 / 45 ؛ مسند ابن حنبل : 3 / 144 / 7922 عن أبى هريره نحوه ، شُعب الإيمان : 3 / 303 / 3603 ، فضائل الأوقات للبيهقى : 38 / 47 ، كنز العمّال : 8 / 472 / 23709 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون اوّلین شب [ماه] رمضان شود ، درهای آسمان ، گشوده شوند . پس هیچ دری از آنها بسته نمی شود تا آن که آخرین شب رمضان فرا رسد . هیچ بنده مؤمنی در شبی از آن ، نماز نخوانَد ، مگر آن که خداوند برای هر سجده ، هزار و پانصد حسنه بنویسد و برایش خانه ای از یاقوت سرخ که شصت هزار در دارد ، در بهشت بنا کند که برای هر دری قصری طلایی و آراسته به یاقوت سرخ است . پس چون اوّلین روز [ماه] رمضان را روزه بگیرد ، همه گناهان گذشته اش تا مثل آن روز ، آمرزیده شود . و هر کس به [ماه] رمضان برسد ، هر روز ، هفتاد هزار فرشته از نمازِ بامداد تا آن گاه که [خورشیدْ] پوشیده در حجاب شود ، برای او آمرزش می طلبند . و برای او در برابر هر سجده ای که شب یا روز در ماه رمضان به جا آورده است ، درختی خواهد بود که سوار ، در [امتداد] سایه آن [باید]پانصد سال راه برود .

الخصال به نقل از جابر بن عبد اللّه ، از پیامبر خدا :«به امّت من در ماه رمضان ، پنج چیز داده شده که به امّت هیچ پیامبری پیش از من داده نشده است : یکی ، آن که : چون نخستین شب ماه رمضان شود ، خداوند [با نظر رحمت] به آنان می نگرد و خداوند به هر کس [چنین] بنگرد ، هرگز عذابش نمی کند . دوم ، آن که : بوی ناخوش دهان آنان ، آن گاه که به شب وارد شوند ، نزد خداوند متعال از بوی مشک ، خوش بوتر است . سوم ، آن که : فرشتگان در هر شب و روزشان ، برای آنان آمرزش می طلبند . چهارم ، آن که : خداوند متعال به بهشتِ خود فرمان می دهد که : استغفار کن و خود را برای بندگانم بیارای . نزدیک است که رنج و آزار دنیا از آنان زدوده شود و به بهشت من و کرامت من روی آورند . امّا پنجم ، آن که : چون آخرین شب فرا رسد ، همه آنان آمرزیده می شوند» . مردی گفت : در شب قدر ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «مگر نمی بینی که کارگران ، چون از کارهای خود فارغ می شوند ، مزد کامل می گیرند؟» .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ الجَنَّة تُزَخرَفُ لِرَمَضانَ مِن رَأسِ الحَولِ إلى حَولٍ قابِلٍ ، فَإذا كانَ أوَّلُ يَومٍ مِن رَمَضانَ هَبَّت رَيحٌ تَحتَ العَرشِ مِن فَوقِ الجَنَّةِ عَلَى الحورِ العينِ ، فَيَقُلنَ : يا رَبِّ ، اجعَل لَنا مِن عِبادِكَ أزواجا تَقَرُّ بِهِم أعيُنُنا وتَقَرُّ أعيُنُهُم بِنا . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الجَنَّةَ لَتُنَجَّدُ وتُزَيَّنُ مِنَ الحَولِ إلَى الحَولِ لِدُخولِ شَهرِ رَمَضانَ ، فَإذا كانَ أوَّلُ لَيلَةٍ مِنهُ هَبَّت ريحٌ مِن تَحتِ العَرشِ يُقالُ لَهَا المُثيرَةُ تَصفِقُ وَرَقَ أشجارِ الجِنانِ وحِلَقَ المَصاريعِ ، فَيُسمَعُ لِذلِكَ طَنينٌ لَم يَسمَعِ السّامِعونَ أحسَنَ مِنهُ ، وتَبرُزنَ الحورُ العينُ حَتّى يَقِفنَ بَينَ شُرَفِ الجَنَّةِ ، فَيُنادينَ : هَل مِن خاطِبٍ إلَى اللّهِ عز و جل فَيُزَوِّجَهُ؟ ... . ويَقولُ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى فى كُلِّ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ثَلاثَ مَرّاتٍ : «هَل مِن سائِلٍ فَاُعطِيَهُ سُؤلَهُ؟ هَل مِن تائِبٍ فَأتوبَ عَلَيهِ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ فَأغفِرَ لَهُ؟ مَن يُقرِضُ المَلىءَ غَيرَ المُعدِمِ ، وَالوَفِيَّ غَيرَ الظّالِمِ»؟ وإنَّ للّهِ تَعالى فى آخِرِ كُلِّ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ عِندَ الإفطارِ ألفَ ألفِ عَتيقٍ مِنَ النّارِ ، فَإذا كانَت لَيلَةُ الجُمُعَةِ ويَومُ الجُمُعَةِ أعتَقَ فى كُلِّ ساعَةٍ مِنهُما ألفَ ألفِ عَتيقٍ مِنَ النّارِ ، وكُلُّهُم قَدِ استَوجَبُوا العَذابَ ، فَإذا كانَ فى آخِرِ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ أعتَقَ اللّهُ فى ذلِكَ اليَومِ بِعَدَدِ ما أعتَقَ مِن أوَّلِ الشَّهرِ إلى آخِرِهِ . فَإذا كانَت لَيلَةُ القَدرِ أمَرَ اللّهُ عز و جل جَبرَئيلَ عليه السلام ، فَهَبَطَ فى كَتيبَةٍ مِنَ المَلائِكَةِ إلَى الأرضِ ... فَيُجاوِزانِ المَشرِقَ وَالمَغرِبَ ، ويَبُثُّ جَبرَئيلُ عليه السلام المَلائِكَةَ فى هذِهِ اللَّيلَةِ ، فَيُسَلِّمونَ عَلى كُلِّ قائِمٍ وقاعِدٍ ، ومُصَلٍّ وذاكِرٍ ويُصافِحونَهُم ويُؤَمِّنونَ عَلى دُعائِهِم حَتّى يَطلُعَ الفَجرُ ، فَإذا طَلَعَ الفَجرُ نادى جَبرَئيلُ عليه السلام : يا مَعشَرَ المَلائِكَةِ ، الرَّحيلَ الرَّحيلَ ، فَيَقولونَ : يا جَبرَئيلُ ، فَمَاذا صَنَعَ اللّهُ تَعالى فى حَوائِجِ المُؤمِنينَ مِن اُمَّةِ مُحَمَّدٍ؟ فَيَقولُ : إنَّ اللّهَ تَعالى نَظَرَ إلَيهِم فى هذِهِ اللَّيلَةِ فَعَفا عَنهُم وغَفَرَ لَهُم إلاّ أربَعَةً : ... مُدمِنَ الخَمرِ ، وَالعاقَّ لِوالِدَيهِ ، وَالقاطِعَ الرَّحِمِ ، وَالمُشاحِنَ . فَإذا كانَت لَيلَةُ الفِطرِ وهِيَ تُسَمّى : «لَيلَةَ الجَوائِزِ» أعطَى اللّهُ العامِلينَ أجرَهُم بِغَيرِ حِسابٍ ، فَإذا كانَت غَداةُ يَومِ الفِطرِ بَعَثَ اللّهُ المَلائِكَةَ فى كُلِّ البِلادِ ، فَيَهبِطونَ إلَى الأرضِ ويَقِفونَ عَلى أفواهِ السِّكَكِ ، فَيَقولونَ : يا اُمَّةَ مُحَمَّدٍ ، اُخرُجوا إلى رَبٍّ كَريمٍ ؛ يُعطِي الجَزيلَ ويَغفِرُ العَظيمَ . فَإذا بَرَزوا إلى مُصَلّاهُم قالَ اللّهُ عز و جل لِلمَلائِكَةِ : «مَلائِكَتى ، ما جَزاءُ الأجيرِ إذا عَمِلَ عَمَلَهُ؟» فَتَقولُ المَلائِكَةُ : إلهَنا وسَيِّدَنا ، جَزاؤُهُ أن تُوَفِّيَ أجرَهُ . فَيَقولُ اللّهُ عز و جل : «فَإنّى اُشهِدُكُم مَلائِكَتى ، أنّى قَد جَعَلتُ ثَوابَهُم عَن صِيامِهِم شَهرَ رَمَضانَ وقِيامِهِم فيهِ رِضاىَ ومَغفِرَتى» . ويَقولُ : «يا عِبادى ،

سَلونی ، فَوَعِزَّتی وجَلالی لا تَسألونّی الیَومَ فی جَمعِکُم لاِخِرَتِکُم ودُنیاکُم إلاّ أعطَیتُکُم ، وعِزَّتی لَأستُرَنَّ عَلَیکُم عَوراتِکُم ما راقَبتُمونی ، وعِزَّتی لَأَجَرتُکُم ولا أفضَحُکُم بَینَ یَدَی أصحابِ الخُلودِ ، اِنصَرِفوا مَغفورا لَکُم ، قَد أرضَیتُمونی ورَضیتُ عَنکُم» . فَتَفرَحُ المَلائِکَهُ وتَستَبشِرُ ویُهَنِّئُ بَعضُها بَعضا بِما یُعطِی اللّهُ هذِهِ الاُمَّهَ إذا أفطَروا. (2)

.

1- .فضائل الأوقات للبیهقی : 41 / 62 عن ابن عمر وص 42 / 63 ، صحیح ابن خزیمه : 3 / 190 / 1886 ، المعجم الکبیر : 22 / 389 / 967 ، شُعب الإیمان : 3 / 313 / 3634 کلّها عن أبی مسعود ، کنز العمّال : 8 / 478 / 23715 ؛ فضائل الأشهرِ الثلاثه : 141 / 151 عن ابن مسعود ؛ بحار الأنوار : 96 / 346 / 12 نقلاً عن القطب الراوندی فی النوادر عن أبی مسعود نحوه .
2- .الأمالی للمفید : 230/3 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 126/133 نحوه ، الإقبال : 1/23 ، بحار الأنوار : 96/338/1 ؛ فضائل الأوقات للبیهقی: 64/129، تاریخ دمشق: 52/291 کلّها عن ابن عبّاس، کنز العمّال: 8/585/24281.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، از سَرِ سال تا سال آینده برای رمضان آراسته می شود . پس چون اوّلین روز [مَاه] رمضان شود ، نسیمی از زیر عرش از بالای بهشت بر حوریان بهشتی می وزد . می گویند : «پروردگارا ! برای ما از بندگانت ، همسرانی قرار بده که چشم ما بدانان ، و چشم آنان به ما روشن گردد !» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا بهشت برای ورود ماه رمضان ، از سال تا سال ، آراسته و زینت می شود . پس چون نخستین شب ماه رمضان شود ، نسیمی از زیر عرش می وزد که به آن ، «مُثیره (برانگیزنده)» گویند . برگ درختان بهشت و حلقه های درهای بهشت به صدا در می آیند و از حرکت آنها آهنگی شنیده می شود که شنوندگان ، زیباتر از آن را نشنیده اند . حوریان بهشتی سر بر می آورند و میان سر درهای بهشت می ایستند و بانگ بر می آورند : «آیا خواستگاری به درگاه خدا هست تا خداوند ، او را همسر دهد؟...» . و خدای متعال در هر شب از ماه رمضان ، سه بار می فرماید : «آیا خواهنده ای هست که خواسته اش را برآورم؟ آیا توبه کننده ای هست که توبه اش را بپذیرم؟ آیا آمرزش خواهی هست که او را بیامرزم؟ کیست که به توانگر مورد اعتماد و وفاکننده بی ستم ، قرض دهد؟» (1) . و خداوند را به هنگام افطار در آخر هر روز از ماه رمضان ، هزار هزار آزاده شده از آتش است . پس چون شب جمعه و روز جمعه شود ، خداوند در هر ساعتی از آنها ، هزار هزار نفر را از آتش ، آزاد می کند که همه آنان سزاوار عذاب اند . پس چون آخرین روز ماه رمضان شود ، خداوند در آن روز ، به شمار آنچه از اوّل تا آخر ماه ، آزاد کرده است ، آزاد می کند . پس چون شب قدر شود ، خداوند به جبرئیل علیه السلام فرمان می دهد و او و گروهی از فرشتگان ، به زمین فرود می آیند ... . آنان از شرق و غرب ، عبور می کنند و در آن شب ، جبرئیل ، فرشتگان را پخش می کند . پس بر هر ایستاده و نشسته ای و نمازگزار و ذکرگوینده ای سلام می کنند و با آنان دست می دهند و دعاهای آنان را تا طلوع فجر ، آمین می گویند . پس چون سپیده بدمد ، جبرئیل ندا می دهد : «ای گروه فرشتگان ! کوچ ، کوچ !» . [فرشتگان] می گویند : ای جبرئیل ! پس خداوند با حاجت های مؤمنان از امّت محمّد ، چه می کند؟ می گوید : «خدای متعال در این شب به همه آنان نگریست و همه را بخشود و آمرزید ، مگر چهار نفر را : ... شرابخوار ، عاق والدین شده ، قطع رحم کننده و کینه توز» . پس چون شب عید فطر شود که به

آن «لَیْلَهُ الْجَوائِز (شب جایزه ها)» گویند خداوند ، مُزد عمل کنندگان را بی حساب می دهد . پس چون صبح روز فطر شود ، خداوند ، فرشتگان خود را به همه شهرها می فرستد . آنان به زمین فرود می آیند و سرِ راه ها و گذرگاه ها می ایستند و می گویند : «ای امّت محمّد! به سوی پروردگار کریم خویش بیرون آیید که پاداش فراوان می دهد و گناه بزرگ را می آمرزد» . پس چون به نمازگاه های خویش برآیند ، خداوند به فرشتگان می فرماید : «فرشتگان من! مزد کارگری که کارش را انجام دهد ، چیست؟» . فرشتگان گویند : ای معبود و سرور ما! پاداش او ، آن است که مزدش کامل داده شود . پس خداوند می فرماید : «شما فرشتگانم را گواه می گیرم که من پاداش روزه داری و نمازشان را در ماه رمضان ، رضایت و آمرزش خود قرار دادم» و می فرماید : «ای بندگان من! از من بخواهید . به عزّت و جلالم سوگند ، امروز در این اجتماع خود ، برای دنیایتان چیزی نمی خواهید ، مگر آن که به شما می دهم . به عزّتم سوگند ، تا وقتی مرا مراقب خود بدانید ، عیب های شما را می پوشانم . به عزّتم سوگند ، شما را پناه می دهم و شما را پیشِ اصحاب خلود (جاودانگی) رسوا نمی سازم . باز گردید که آمرزیده اید . مرا راضی کردید؛ من هم از شما راضی شدم» . پس فرشتگان به خاطر پاداشی که خداوند به این امّت ، هنگام افطار ، عطا می کند ، خوش حال می شوند و به یکدیگر مژده و تهنیت می گویند .

.

1- .یعنی خدا که از بنده اش قرض می خواهد ، توانگر است و به وعده خود وفا می کند .

ص: 72

. .

ص: 73

. .

الكافى عن جابر :كانَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام يُبَكِّرُ إلَى المَسجِدِ يَومَ الجُمُعَهِ حينَ تَكونُ الشَّمسُ قَدرَ رُمحٍ ، فَإذا كانَ شَهرُ رَمَضانَ يَكونُ قَبلَ ذلِکَ . وكانَ يَقولُ : «إنَّ لِجُمَعِ شَهرِ رَمَضانَ عَلى جُمَعِ سائِرِ الشُّهورِ فَضلاً كَفَضلِ شَهرِ رَمَضانَ عَلى سائِرِ الشُّهورِ» . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ أبوابَ السَّماءِ تُفَتَّحُ فى رَمَضانَ ، وتُصَفَّدُ الشَّياطينُ ، وتُقبَلُ أعمالُ المُؤمِنينَ؛ نِعمَ الشَّهرُ رَمَضانُ؛كانَ يُسَمّى_'feعَلى_'feعَهدِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله: المَرزوقَ. (2)

وانظر : ص 122 (بركات ضيافه اللّه) .

.

1- .الكافى : 3 / 429 / 8 ، تهذيب الأحكام : 3 / 244 / 660 ، ثواب الأعمال : 62 / 1 وليس فيه صدره ، بحار الأنوار : 96 / 376 / 1 .
2- .الكافى : 4 / 157 / 2 ، تهذيب الأحكام : 3 / 59 / 201 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 160 / 2029 ، ثواب الأعمال : 92 / 9 كلّها عن علىّ بن أبى حمزه ، بحار الأنوار : 96 / 372 / 57 .

الکافی به نقل از جابر :امام باقر علیه السلام صبح روزهای جمعه ، آن گاه که خورشید به اندازه یک نیزه برآمده بود ، به مسجد می رفت و چون ماه رمضان می شد ، پیش از آن می رفت و می فرمود : «فضیلت جمعه های ماه رمضان بر جمعه های دیگر ماه ها ، همچون فضیلت ماه رمضان بر ماه های دیگر است» .

امام صادق علیه السلام :در [ماه] رمضان ، درهای آسمان گشوده می شوند ، شیاطین به بند کشیده می شوند و اعمال مؤمنان پذیرفته می شود . رمضان ، خوب ماهی است! در روزگار پیامبر خدا به ماه رمضان ، «مرزوق (روزی یافته)» می گفتند .

ر . ک : ص 123 (برکات میهمانی خدا) .

.

ص: 76

..

سخنی درباره به بند کشیده شدن شیطان ها در ماه رمضان

اشاره

سخنی درباره به بند کشیده شدن شیطان ها در ماه رمضاندر بسیاری از احادیث این باب ، به این نکته اشاره شده بود که در ماه رمضان ، شیاطین به بند کشیده می شوند . در این زمینه پرسش هایی پدید می آید ، از قبیل این که : شیطان کیست؟ در نظام حکیمانه خلقت ، چرا به شیطان اجازه داده شده که انسان را گم راه سازد؟ مرز تسلّط شیطان بر انسان تا کجاست؟ چرا خداوند ، در ماه رمضان ، شیاطین را به بند می کشد و از تأثیر گم راهگرانه آنان جلوگیری می کند؛ ولی در ماه های دیگر ، آنان را آزاد می گذارد؟ و سرانجام ، اگر این گونه روایاتْ درست اند ، چگونه شماری از روزه داران ، در این ماه ، مرتکب گناه می شوند؟ پاسخ تفصیلی و کافی به این پرسش ها ، مجالی دیگر می طلبد ؛ (1) امّا آنچه به طور اجمال می توان گفت ، این است که : در دیدگاه اسلامی ، شیاطین ، موجوداتی نامرئی از جنس جن اند که از شعور ، آگاهی ، آزادی و قدرتِ انتخاب برخوردارند ؛ لیکن با سوء استفاده از آزادی خود ، با زیبا جلوه دادن زشتی ها و تحریک هوس های نامشروع انسان ، به گم راه ساختن و فریب دادن او می پردازند .

.

1- .در موسوعه میزان الحکمه ، در ذیل مدخل «شیطان» ، به پاسخ تفصیلی این سؤال ها و بررسی ابعاد این موضوع خواهیم پرداخت ، إن شاء اللّه .

علّت به بند کشیده شدن شیاطین در ماه رمضان

1 . طبیعت پیشگیرانه روزه

امّا در ورای این نقش اغواگرانه ای که شیاطین در نظام آفرینش بازی می کنند ، حکمتِ : شکوفایی استعدادهای پنهانی انسان ، تربیت در حدّ انسان کامل ، و آماده ساختن او در سایه مقاومت در برابر این لغزشگاه ها و فریب ها ، نهفته است . این ، در حالی است که مرز سلطه شیاطین بر انسان ، از حدّ تحریک و وسوسه فراتر نمی رود . از این رو ، آنان انسان را به زشتی ها دعوت می کنند؛ لیکن نمی توانند او را به ارتکاب زشتی ها وا دارند . (1) با این توضیح ، آنچه در این مورد باید بررسی شود ، دو مسئله است : نخست . به بند کشیده شدن شیاطین در ماه رمضان . دوم . بررسی عوامل پنهان در ورای انجام دادن گناهان در این ماه ، با آن که شیاطین در بندند و نقش گم راهگرانه ندارند .

علّت به بند کشیده شدن شیاطین در ماه رمضانتحلیل و بررسی روایات دینی در موضوع به بند کشیده شدن شیاطین و جلوگیری از آنها در ماه رمضان ، دو علّت را نشان می دهد ، با این توضیح که علّت دوم در طولِ علّت اوّل است :

1 . طبیعت پیشگیرانه روزهروزه به طور طبیعی ، زمینه ای را که شیطان بر اساس آن ، انسان را به گم راهی می کشاند ، از بین می برد . به تعبیر دقیق تر ، زنجیری که در ماه رمضان ، شیطان را به بند می کشد، چیزی جز خودِ روزه نیست. از این رو، در حدیث پیامبر خدا آمده است:

إنَّ الشَّیطانَ لَیَجری مِنِ ابنِ آدَمَ مَجرَی الدَّمِ فَضَیِّقوا مَجارِیَهُ بِالجُوعِ ؛ (2)

.

1- .در قرآن آمده است : «چون کار داوری به پایان می رسد ، شیطان می گوید : خداوند به شما وعده راست داد . و من به شما وعده دادم ؛ امّا تخلّف کردم . من بر شما سلطه ای نداشتم ، جز آن که شما را دعوت

کردم . شما هم پذیرفتید . پس مرا سرزنش نکنید و خودتان را ملامت کنید»(ابراهیم ، آیه 22) .
2- .إحیاء علوم الدین : 1 / 347 ؛ المحجّه البیضاء : 5 / 148 ، عوالی اللئالی : 1 / 273 / 97 و ص 325 / 66 ، بحار الأنوار : 70 / 42 . و نیز بدون جمله : « فضیّقوا مجاریه بالجوع» در منابع زیر آمده است : صحیح البخاری : 6 / 2624 / 6750 ، سنن ابن ماجه : 1 / 566 / 1779 ، مسند ابن حنبل : 4 / 313 / 12593 و ص 568 / 14044 ، سنن الدارمی : 2 / 776 / 2680 .

شیطان در انسان جاری می شود ، همچون جریان خون . پس با گرسنگی ، مجاری او را تنگ کنید .

این حدیث ، به روشنی بر این نکته دلالت دارد که روزه به طور طبیعی ، مانع تسلّط شیطان بر انسان می شود . زنجیری که روزه دارد ، نه تنها شیطان را به بند می کشد ، بلکه کشش های نفْس امّاره را هم مهار می کند ، آن را به اسارت در می آورد و جلوی سلطه آن را بر انسان می گیرد ، و به فرموده امیر مؤمنان علیه السلام :

نِعمَ العَونُ عَلی أسرِ النَّفسِ وَ کَسرِ عادَتِهَا التَّجَوُّعُ ؛ (1)

گرسنگی ، چه خوب یاوری برای اسیر کردن نفْس و شکستن عادت آن است !

بر این اساس ، همه روایاتی که در ستایش گرسنگی و نقش آن در خودسازی و تربیت نفْس ، وارد شده اند ، هدف آنها ایجاد مانع طبیعی در برابر سلطه شیطان بر انسان و نگهداری انسان از کشش ها و اغواگری های نفْس و نیز آزادسازی نیروهای عقلی و شکوفاسازی استعدادهای انسانی است ، آن گونه که از این دو روایت که از مجموعه احادیث این گونه برگزیده ایم روشن می شود . (2) پیامبر خدا فرمود :

جاهِدوا أنفُسَکُم بِالجُوعِ وَ العَطَشِ ، فَإِنَّ الأجرَ فی ذلِکَ کَأَجرِ المُجاهِدِ فی سَبیلِ اللّهِ ؛ (3)

به وسیله گرسنگی و تشنگی ، با نفس خویش جهاد کنید ؛ چرا که پاداش آن ، مثل پاداش جهادکننده در راه خداست .

نیز فرمود :أحیوا قُلُوبَکُم بِقِلَّهِ الضِّحکِ وقِلَّهِ الشَّبَعِ ، وَ طَهِّروها بِالجُوعِ

.

1- .عیون الحکم و المواعظ : 494 ، غرر الحکم : 9944 .
2- .برای آگاهی بیشتر از این گونه روایات ، ر . ک : ص 135 (برکات میهمانی خدا / حکمت) و ص 137 (تقرّب به خدا) و ص 145 (بهشتی

شدن) .
3- .إحياء علوم الدين : 3 / 124 ؛ المحجّه البيضاء : 5 / 146 .

2 . عنایت ویژه خداوند

علّت سود نبردن از به بند کشیده شدن شیاطین

اشاره

تَصفو[تَصفُ] وَ تَرِقُّ ؛ (1)

دل های خود را با کم خندیدن و کم خوردن ، زنده کنید و آن را با گرسنگی ، پاک سازید تا صاف و رقیق شود .

2 . عنایت ویژه خداوندافزون بر پشتوانه ای که روزه به طور طبیعی برای روزه داران جهت جلوگیری از سلطه شیطان و اغواگری های او پدید می آورد ، این برنامه عبادی ، خود به خود ، زمینه ساز شمول عنایت های خدا بر آنان می گردد . آنچه در روایات با عنوان به بند کشیدن شیاطین در این ماه آمده است ، به همین نکته اشاره دارد . به عبارت دیگر ، عنایت الهی گزاف نیست تا سؤال شود : چرا خدای سبحان ، مانع سلطه شیطان نمی شود و در بقیّه ماه ها بین انسان و سلطه او فاصله نمی اندازد؟ هرگز؛ بلکه ریشه این توفیق و عنایت الهی ، در انتخاب خود انسان و ورود او به میهمان سرای رمضان ، نهفته است .

علّت سود نبردن از به بند کشیده شدن شیاطیندر چارچوب تحلیلی که گذشت که می رساند در این ماه ، شیاطین نسبت به انسان و دست کم نسبت به روزه داران ، سلطه ندارند سؤال اساسی دومی مطرح می شود؛ چرا که می بینیم گاهی روزه داران هم در این ماه دچار غفلت و گناه می شوند . تشریع کفّاره هایی که برای درمان این حالت هاست نیز گواه آن است . سیّد ابن طاووس رحمه الله در تصویر این نکته می گوید : یکی از دینداران از من پرسید : «من از به بند کشیده شدن شیاطین بهره چندانی نمی برم ؛ چون همان حالت غفلت را که پیش از ماه رمضان داشتم ، دارم و گویا فرقی نکرده است و با زنجیر شدن یاران شیطان ، از آن کاسته نشده است ...» . (2)

.

1- .إحياء علوم الدين : 3 / 129 ؛ المحجَّه البيضاء : 5 / 154 .
2- .سيّد ابن طاووس ، پنج جواب برای این سؤال بیان می کند که هیچ کدام قانع کننده نیست ، مگر پاسخ اخیر که همراه با توضیحاتی در متن می آید (ر . ک : الإقبال : 1 / 73) .

1 . شیطان ، به تنهایی زمینه ساز گناهان نیست .

2 . در بند بودن شیطان ها ، نسبی است .

دو پاسخ به این پرسش می توان داد :

1 . شیطان ، به تنهایی زمینه ساز گناهان نیست .این پاسخ ، بر این نکته استوار است که خطاها و گناهانی که از انسان سر می زند ، تنها به شیطان و اغواگری او مربوط نمی شود ؛ بلکه دو منشأ اساسی دیگر هم دارد : نفْس امّاره ، و زنگارهای متراکمی که پیامد گناهان پیشین اند و دل را آلوده و سیاه ساخته اند . در واقع ، عنایت الهی ای که در ماه رمضان شامل انسان می شود ، تنها تأثیر عامل نخستین را که مربوط به شیطان است ، از بین می برد؛ امّا دو عامل دیگر همچنان نقش ایفا می کنند و جهت زمینه سازی برای انحراف انسان و سر زدن گناهان از او و غافل ماندن وی ، کافی اند . بر فرض که روزه بتواند همه کشش های نفْس امّاره را بپوشاند و تأثیر آن را در کشاندن انسان به طرف خطاها و گناهان از بین ببرد ، زنگارهای متراکم از گناهان گذشته ، کافی اند که برای روزه دار ، خطرآفرین باشند و او را در معرض غفلت و گناه قرار دهند .

2 . در بند بودن شیطان ها ، نسبی است .از تحلیل گذشته روشن شد که زنجیری که شیطان را به بند می کشد ، از خود روزه ماه رمضان فراهم می شود و نه از چیز دیگری . بنا بر این ، هر چه روزه مستحکم تر و کامل تر باشد ، زنجیری که شیطان را به بند می کشد و جلوی نفْس امّاره را می گیرد ، محکم تر خواهد بود و از میزان غفلت و انحراف های ناشی از آن ، خواهد کاست . بر این پایه ، می توان گفت : روزه آنان که در ماه رمضان ، گناهانی مرتکب می شوند ، روزه کاملی نیست .

.

الفصل الرابعالتَّأكيدُ عَلَى استِثمارِ بَرَكاتِهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ الشَّقِيَّ مَن حُرِمَ غُفرانَ اللّهِ فى هذَا الشَّهرِ العَظيمِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيِّ مَن خَرَجَ عَنهُ هذَا الشَّهرُ ولَم يُغفَر ذُنوبُهُ ، فَحينَئِذٍ يَخسَرُ حينَ يَفوزُ المُحسِنونَ بِجَوائِزِ الرَّبِّ الكَريمِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنِ انسَلَخَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ولَم يُغفَر لَهُ فَلا غَفَرَ اللّهُ لَهُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :رَغِمَ أنفُ رَجُلٍ دَخَلَ عَلَيهِ رَمَضانَ ثُمَّ انسَلَخَ قَبلَ أن يُغفَرَ لَهُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله عِندَ دُخولِ شَهرِ رَمَضانَ :إنَّ هذَا الشَّهرَ قَد حَضَرَكُم ، وفيهِ لَيلَةٌ خَيرٌ مِن ألفِ شَهرٍ ، مَن حُرِمَها فَقَد حُرِمَ الخَيرَ كُلَّهُ ، ولا يُحرَمُ خَيرَها إلاَّ مَحرومٌ . (5)

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : 77 / 61 ، الأمالى للصدوق : 154 / 149 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 1 / 295 / 53 كلّها عن الحسن بن علىّ بن فضّال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار : 96 / 356 / 25 .

2- .فضائل الأشهر الثلاثه : 73 / 53 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 1 / 293 / 46 ، الأمالى للصدوق : 109 / 82 كلّها عن الحسن بن علىّ بن فضّال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، روضه الواعظين : 372 ، بحار الأنوار : 96 / 362 / 30 .

3- .الإقبال : 1 / 454 .

4- .سنن الترمذى : 5 / 550 / 3545 ، مسند ابن حنبل : 3 / 61 / 7455 ، صحيح ابن حبّان : 3 / 189 / 908 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 16 / 37 / 43830 ؛ جامع الأحاديث للقمّى : 83 ، بحار الأنوار : 74 / 86 / 100 .

5- .سنن ابن ماجه : 1 / 526 / 1644 ، مشكاه المصابيح : 1 / 614 / 1964 كلاهما عن أنس ، كنز العمّال : 8 / 534 / 24028 وانظر المصنّف لعبد الرزّاق : 4 / 175 / 7383 .

فصل چهارم : تأکید بر بهره وری از برکات ماه رمضان

اشاره

فصل چهارم : تأکید بر بهره وری از برکات ماه رمضانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدبخت ، کسی است که در این ماه بزرگ ، از آمرزش الهی محروم بماند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بدبخت واقعی ، کسی است که این ماه از او بگذرد؛ ولی گناهانش آمرزیده نشوند . پس آن گاه که نیکوکاران به جوایز پروردگار کریمشان دست می یابند ، او زیانکار (بازنده) می گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس از ماه رمضان بیرون آید ، ولی آمرزیده نشود ، پس خدا او را نیامرزد!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ناتوان و خوار [باد] کسی که ماه رمضان بر او وارد شود و پیش از آن که آمرزیده شود ، بیرون رود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به هنگام ورود ماه رمضان :همانا این ماه ، شما را فرا رسیده است . در آن ، شبی است بهتر از هزار ماه . هر کس از آن محروم ماند ، از همه خیر محروم مانده است و جز محروم ، از خیر آن بی بهره نمی ماند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ جَبرَئيلَ أتانى فَقالَ : مَن أدرَکَ شَهرَ رَمَضانَ ولَم يُغفَر لَهُ فَدَخَلَ النّارَ فَأبعَدَهُ اللّهُ ، قُل : آمينَ ، فَقُلتُ : آمينَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أدرَکَ شَهرَ رَمَضانَ فَلَم يُغفَر لَهُ فَأَبعَدَهُ اللّهُ ، ومَن أدرَکَ لَيلَةَ القَدرِ فَلَم يُغفَر لَهُ فَأبعَدَهُ اللّهُ . (2)

اُسد الغابه عن أنس :اِرتَقَى النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله عَلَى المِنبَرِ دَرَجَةً فَقالَ : «آمينَ» ، فَقيلَ لَهُ : عَلامَ أمَّنتَ يا رَسولَ اللّهِ؟ فَقالَ : «أتانى جِبريلُ فَقالَ : رَغِمَ أنفُ مَن أدرَکَ رَمَضانَ فَلَم يُغفَر لَهُ ؛ قُل : آمينَ» . (3)

السنن الكبرى عن أبى هريره :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله ارتَقَى المِنبَرَ فَقالَ : «آمينَ آمينَ آمينَ» . فَقيلَ لَهُ يا رَسولَ اللّهِ ، ما كُنتَ تَصنَعُ هذا ! فَقالَ : «قالَ لى جِبريلُ عليه السلام : رَغِمَ أنفُ عَبدٍ دَخَلَ عَلَيهِ رَمَضانُ فَلَم يُغفَر لَهُ ، فَقُلتُ : آمينَ . ثُمَّ قالَ : رَغِمَ أنفُ عَبدٍ ذُكِرتَ عِندَهُ فَلَم يُصَلِّ عَلَيکَ ، فَقُلتُ : آمينَ . ثُمَّ قالَ : رَغِمَ أنفُ عَبدٍ أدرَکَ والِدَيهِ أو أحَدَهُما فَلَم يَدخُلِ الجَنَّةَ ، فَقُلتُ : آمينَ» . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن لَم يُغفَر لَهُ فى شَهرِ رَمَضانَ فَفى أىِّ شَهرٍ يُغفَرُ لَهُ؟ ! (5)

.

1- .صحيح ابن حبّان : 3 / 188 / 97 عن أبيهريره ، المعجم الكبير : 2 / 244 / 2022 ، الفردوس : 1 / 405 / 1635 كلاهما عن جابر بن سمره ، كنز العمّال : 16 / 37 / 43831 ؛ المقنعه : 308 عن الإمام الباقر عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، دعائم الإسلام : 1 / 269 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 96 / 342 / 6 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : 115 / 109 عن الحسن بن علىّ بن فضّال عن الإمام الرضا عليه السلام .
3- .اُسد الغابه : 1 / 296 / 258 .
4- .السنن الكبرى : 4 / 500 / 8054 ، الأدب المفرد : 194 / 646 ، فضائل الأوقات للبيهقى : 45 / 73 .

5- .ثواب الأعمال : 96 / 12 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 86 / ذيل ح 63 ، الأمالى للصدوق : 107 / 79 ، روضه الواعظين : 378 كلّها عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : 8 / 185 / 147 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل نزد من آمد و گفت : «هر کس ماه رمضان را دریابد و آمرزیده نشود و وارد آتش شود ، پس دور باد از رحمت خدا! بگو : آمین» . من هم گفتم : آمین .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ماه رمضان را دریابد ، ولی آمرزیده نشود ، پس دور باد از رحمت خدا! و هر کس شب قدر را دریابد ، ولی آمرزیده نشود ، پس دور باد از رحمت خدا!

اُسد الغابه به نقل از انس :پیامبر صلی الله علیه و آله یک پله بر منبر بالا رفت و فرمود : «آمین» . گفتند : برای چه «آمین» گفتی ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «جبرئیل نزد من آمد و گفت : ناتوان و بی بهره باد کسی که رمضان را دریابد و آمرزیده نشود! بگو : آمین » .

السنن الکبری به نقل از ابو هریره :پیامبر خدا بر منبر رفت و فرمود : «آمین ، آمین ، آمین» . گفتند : ای پیامبر خدا! چنین نمی کردی! فرمود : «جبرئیل به من گفت : محروم و ناتوان باد کسی که ماه رمضان بر او وارد شود ، پس آمرزیده نگردد! . پس گفتم : آمین . سپس گفت : محروم باد بنده ای که نزد او یاد شوی و بر تو صلوات نفرستد! . پس گفتم : آمین . سپس گفت : محروم باد بنده ای که پدر و مادرش یا یکی از آن دو را دریابد و [با نیکی کردن بر آنان]وارد بهشت نشود! . پس گفتم : آمین» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در ماه رمضان آمرزیده نشود ، پس در کدام ماه آمرزیده می شود؟ !

.

عنه صلى الله عليه و آله :قَد جاءَكُم شَهرُ رَمَضانَ ؛ شَهرٌ مُبارَكٌ ... فيهِ لَيلَهُ القَدرِ خَيرٌ مِن ألفِ شَهرٍ ، مَن حُرِمَها فَقَد حُرِمَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن لَم يُغفَر لَهُ فى شَهرِ رَمَضانَ لَم يُغفَر لَهُ إلى قابِلٍ (2) ، إلاّ أن يَشهَدَ عَرَفَهَ . (3)

تعليقأحاديث هذا الفصل هى تحذير وإنذار فى ظاهرها ، وهى بشاره فى باطنها ، خاصّةً أحاديث النَّبى صلى الله عليه و آله الّتى يدعو فيها على من لم تشمله المغفره الإلهيه فى هذا الشهر الكريم وينعته بالشقاء . ولذا جاء عن العالم الربانى ملكى تبريزى (ت 1343ق) رضوان اللّه عليه قوله : « ومن أبلغ ما ورد فى البشاره لشهر رمضان دعاء النَّبى صلى الله عليه و آله على من لم يُغفر له فيه ، حيث إنّه صلى الله عليه و آله قال : « مَنِ انسَلَخَ عَنهُ شَهرُ رَمَضانَ وَلَم يُغفَر لَهُ فَلا غَفَرَ اللّهُ لَهُ » فإنّ هذا الدعاء بلحاظ أنّه صلى الله عليه و آله بُعث رحمه للعالمين ، بشاره عظيمه لسعه الرحمه وعموم الغفران فى الشهر ، وإلاّ لم يكن مع كونه رحمه للعالمين يدعو لمسلم ولو كان مذنبا » . (4)

.

1- .تهذيب الأحكام : 4 / 152 / 422 ، الأمالى للمفيد : 112 / 2 وص 301 / 1 ، الأمالى للطوسى : 74 / 108 وص 149 / 246 كلّها عن أبى هريره وزادوا فيها «يردّد صلى الله عليه و آله ذلک ثلاث مرّات» ، بحار الأنوار : 97 / 17 / 34 ؛ سنن النسائى : 4 / 129 ، مسند ابن حنبل : 3 / 8 / 7151 وص 412 / 9502 ، المصنّف لعبد الرزّاق : 4 / 175 / 7383 ، شُعب الإيمان : 3 / 301 / 3600 كلّها عن أبى هريره وفيها «من حرم خيرها فقد حرم» .
2- .يقال : عامٌ قابِل ؛ للذى يُقبِل بعد العام الماضى (مجمع البحرين : 3 / 1435) .
3- .الكافى : 4 / 66 / 3 ، تهذيب الأحكام : 4 / 192 / 548 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 99 / 1841 ، الإقبال : 1 / 28 كلّها عن هشام بن الحكم ، المقنعه : 309 ، دعائم الإسلام : 1 / 269 ، بحار الأنوار : 96 / 6 / 342 .
4- .المراقبات : 103 .

نکته

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان ، شما را فرا رسید ، ماهی مبارک ... . در آن ، شب قدر است که بهتر از هزار ماه است . محروم ، کسی است که از آن بی بهره بماند .

امام صادق علیه السلام :هر کس در ماه رمضان آمرزیده نشود ، تا سال آینده آمرزیده نمی شود ، مگر آن که روز عرفه را درک کند .

نکتهظاهر احادیث این فصل ، هشدار و بیم دادن است؛ امّا باطن آنها بشارت است ، بویژه احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله که کسانی را که در این ماه ، مشمول آمرزش الهی نمی شوند ، نفرین می کند و آنان را بدبخت می شمارد . از این رو ، عالم ربّانی مرحوم آیه اللّه میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (م 1343 ق) می گوید : از رساترین نکاتی که در بشارت به ماه رمضان روایت شده ، نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله بر کسانی است که در این ماه آمرزیده نمی شوند ، آن جا که فرموده است : «آمرزیده مباد کسی که ماه رمضان از او بگذرد و آمرزیده نشود!» . از آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله رحمتی برای جهانیانْ برانگیخته شده است ، این نفرین ، بشارت بزرگی به رحمت گسترده و فراگیریِ آمرزشِ الهی در این ماه است ، وگرنه ایشان با آن که رحمتی برای جهانیان است ، هرگز مسلمانی را نفرین نمی کند ، هر چند فردی گنهکار باشد . (1)

.

1- .المراقبات ، ص 103 .

ص: 88

..

اشاره

بخش دوم : آمادگی برای میهمانی خدا

.

الفصل الأوّلمَعرِفَهُ ضِيافَهِ اللّهِ1 / 1وُجوبُ الصِّيامِالكتاب« يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ » . (1)

الحديثالإمام زين العابدين عليه السلام :إنَّ اللّهَ افتَرَضَ خَمسا ولَم يَفتَرِض إلاّ حَسَنا جَميلاً : الصَّلاةَ ، وَالزَّكاةَ ، وَالحَجَّ ، وَالصِّيامَ ، وولِايَتَنا أهلَ البَيتِ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام :بُنِيَ الإسلامُ عَلى خَمسٍ : إقامِ الصَّلاهِ ، وإيتاءِ الزَّكاهِ ، وحَجِّ البَيتِ ، وصَومِ شَهرِ رَمَضانَ ، وَالوِلايَهِ لَنَا أهلَ البَيتِ . (3)

.

1- .البقره : 183 .
2- .بشاره المصطفى : 108 عن حسين بن زيد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، بحار الأنوار : 23 / 105 / 4 وانظر الكافى : 8 / 271 / 399 .
3- .الخصال : 278 / 21 عن أبى حمزه الثمالى ، الكافى : 2 / 21 / 7 عن عبد اللّه بن عجلان وج 4 / 62 / 1 ، تهذيب الأحكام : 4 / 151 / 418 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 74 / 1770 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 119 / 117 كلّها عن زراره نحوه ، بحار الأنوار : 27 / 103 / 69 وج 68 / 376 / 21 .

1 / 1 وجوب روزه گرفتن

فصل اوّل : شناخت میهمانی خدا1 / 1وجوب روزه گرفتنقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته (واجب) شده است ، آن گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند ، نوشته شده بود . باشد که پروا کنید!» .

حدیثامام سجّاد علیه السلام :خداوند ، پنج چیز را واجب کرده است و جز نیکو و زیبا ، واجب نکرده است : نماز ، زکات ، حج ، روزه و ولایت ما اهل بیت .

امام باقر علیه السلام :اسلام بر پنج پایه بنا شده است : برپا داشتن نماز ، پرداختن زکات ، حجّ خانه خدا ، گرفتن روزه ماه رمضان و ولایت ما اهل بیت .

.

عنه علیه السلام :بُنِیَ الإِسلامُ عَلی خَمسٍ : عَلَی الصَّلاهِ ، وَالزَّکاهِ ، وَالصَّومِ ، وَالحَجِّ ، وَالوِلایَهِ . ولَم یُنادَ بِشَیءٍ کَما نودِیَ بِالوِلایَهِ . (1)

الإمام الصادق علیه السلام :بُنِیَ الإِسلامُ عَلی خَمسٍ دَعائِمَ : عَلَی الصَّلاهِ ، وَالزَّکاهِ ، وَالصَّومِ ، وَالحَجِّ ، ووِلایَهِ أَمیرِ المُؤمِنینَ وَالأَئِمَّهِ مِن وُلدِهِ ، صَلَواتُ اللّهِ عَلَیهِم . (2)

عنه علیه السلام :ما کَلَّفَ اللّهُ العِبادَ إلاّ ما یُطیقونَ ، إنَّما کَلَّفَهُم فِی الیَومِ وَاللَّیلَهِ خَمسَ صَلَواتٍ ، وکَلَّفَهُم مِن کُلِّ مِئَتَی دِرهَمٍ خَمسَهَ دَراهِمَ ، وکَلَّفَهُم صِیامَ شَهرِ رَمَضانَ فِی السَّنَهِ . (3)

عنه علیه السلام :یُسأَلُ المَیِّتُ فی قَبرِهِ عَن خَمسٍ : عَن صَلاتِهِ ، وزَکاتِهِ ، وحَجِّهِ ، وصِیامِهِ ، ووِلایَتِهِ إیّانا أهلَ البَیتِ . (4)

عنه علیه السلام :أوَّلُ ما یُسأَلُ عَنهُ العَبدُ إذا وَقَفَ بَینَ یَدَیِ اللّهِ عز و جل : الصَّلَواتُ المَفروضاتُ ، وعَنِ الزَّکاهِ ، وعَنِ الصِّیامِ المَفروضِ . (5)

عنه علیه السلام :إذا جِئتَ بِالخَمسِ الصَّلَواتِ لَم تُسأَل عَن صَلاهٍ ، وإذا جِئتَ بِصَومِ شَهرِ رَمَضانَ لَم تُسأَل عَن صَومٍ . (6)

.

1- .الکافی : 2 / 18 / 3 وص 21 / 8 کلاهما عن فضیل بن یسار وص 18 / 1 ، الأمالی للطوسی : 124 / 192 نحوه ، المحاسن : 1 / 445 / 1033 کلّها عن أبی حمزه الثمالی ، بحار الأنوار : 68 / 332 / 8 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : 86 / 65 وص 112 / 106 ، الأمالی للصدوق : 340 / 404 کلّها عن المفضّل بن عمر ، بحار الأنوار : 68 / 376 / 22 وج 96 / 257 / 39 .
3- .المحاسن : 1 / 461 / 1069 ، تهذیب الأحکام : 4 / 154 / 426 کلاهما عن هشام بن سالم ، الخصال : 531 / 9 عن إسماعیل بن مهران وکلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 5 / 41 / 66 وص 305 / 19 .
4- .الکافی : 3 / 241 / 15 عن أحمد الخراسانی رفعه ، بحار الأنوار : 6 / 265 / 111 وج 31 / 659 / 217 .

5- .فضائل الأشهر الثلاثه : 110 / 103 ، الأمالى للصدوق : 328 / 388 كلاهما عن عمّار بن موسى ، روضه الواعظين : 349 ، بحار الأنوار : 27 / 167 / 2 .
6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 205 / 614 عن معمّر بن يحيى .

امام باقر علیه السلام :اسلام بر پنج پایه بنا شده است : نماز ، زکات ، روزه ، حج ، و ولایت . و به هیچ چیز همچون ولایت ، ندا داده نشده است .

امام صادق علیه السلام :اسلام بر پنج پایه استوار شده است : نماز ، زکات ، روزه ، حج ، و ولایت امیر مؤمنان و امامان از فرزندان او . درود خدا بر آنان !

امام صادق علیه السلام :خداوند ، بندگان را به چیزی که تاب نیاورند ، موظّف نکرده است . همانا آنان را در شبانه روز ، به پنج نماز ، موظّف ساخته است و از هر دویست درهم ، به پنج درهم مکلّف نموده و در سال ، به روزه ماه رمضان تکلیف کرده است .

امام صادق علیه السلام :از مرده در قبر درباره پنج چیز سؤال می شود : نمازش ، زکاتش ، حجّش ، روزه اش ، و ولایتش نسبت به ما اهل بیت .

امام صادق علیه السلام :[در قیامت ،] آن گاه که بنده در پیشگاه خداوند می ایستد ، نخستین چیزی که از او می پرسند ، نمازهای واجب ، زکات و روزه واجب است .

امام صادق علیه السلام :هر گاه نمازهای پنجگانه را انجام داده باشی ، از نماز دیگر سؤال نمی شوی ، و چون روزه ماه رمضان را گرفته باشی ، از روزه دیگر سؤال نمی شوی .

.

الإمام الرضا عليه السلام فيما جَمَعَهُ الفَضلُ بنُ شاذانَ مِن كَلامِهِ فى عِلَلِ الفَرائِضِ :فَإِن قيلَ : فَلِمَ اُمِروا بِصَومِ شَهرِ رَمَضانَ ؛ لا أقَلَّ مِن ذلِكَ ولا أكثَرَ؟ قيلَ : لِأَ نَّهُ قُوَّهُ العِبادِ الَّذى يَعُمُّ فيهِ القَوِىُّ وَالضَّعيفُ . وإنَّما أوجَبَ اللّهُ الفَرائِضَ عَلى أغلَبِ الأَشياءِ وأعَمِّ القُوى ، ثُمَّ رَخَّصَ لِأَهلِ الضَّعفِ . وإنَّما أوجَبَ اللّهُ ورَغَّبَ أهلَ القُوَّهِ فِى الفَضلِ ، ولَو كانوا يَصلُحونَ عَلى أقَلَّ مِن ذلِكَ لَنَقَصَهُم ، ولَوِ احتاجوا إلى أكثَرَ مِن ذلِكَ لَزادَهُم . (1)

عنه عليه السلام أيضا :فَإِن قالَ : فَلِمَ جُعِلَ الصَّومُ فى شَهرِ رَمَضانَ خاصَّةً دونَ سائِرِ الشُّهورِ؟ قيلَ : لِأَنَّ شَهرَ رَمَضانَ هُوَ الشَّهرُ الَّذى أنزَلَ اللّهُ تَعالى فيهِ القُرآنَ ، وفيهِ فَرَّقَ بَينَ الحَقِّ وَالباطِلِ ، كَما قالَ اللّهَ عز و جل : «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِى أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ » ، وفيهِ نُبِّئَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله ، وفيهِ لَيلَهُ القَدرِ الَّتى هِىَ خَيرٌ مِن أَلفِ شَهرٍ ، وفيها يُفرَقُ كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ ، وهُوَ رَأسُ السَّنَهِ يُقَدَّرُ فيها ما يَكونُ فِى السَّنَهِ مِن خَيرٍ أو شَرٍّ ، أو مَضَرَّهٍ أو مَنفَعَهٍ ، أو رِزقٍ أو أجَلٍ ؛ ولِذلِكَ سُمِّيَت : «لَيلَهَ القَدرِ» . (2)

1 / 2حِكمَهُ الصِّيامِالإمام علىّ عليه السلام :حَرَسَ اللّهُ عِبادَهُ المُؤمِنينَ بِالصَّلَواتِ وَالزَّكَواتِ ومُجاهَدَهِ الصِّيامِ فِى الأيّامِ المَفروضاتِ ؛ تَسكينا لِأَطرافِهِم ، وتَخشيعا لِأَبصارِهِم ، وتَذليلاً لِنُفوسِهِم ، وتَخفيضا لِقُلوبِهِم ، وإذهابا لِلخُيَلاءِ عَنهُم ، ولِما فى ذلِكَ مِن تَعفيرِ عِتاقِ الوُجوهِ بِالتُّرابِ تَواضُعا ، وَالتِصاقِ كَرائِمِ الجَوارِحِ بِالأَرضِ تَصاغُرا ، ولُحوقِ البُطونِ بِالمُتونِ مِنَ الصِّيامِ تَذَلُّلاً . (3)

.

1- .علل الشرايع : 270 / 9 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 117 / 1 كلاهما عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار : 6 / 80 / 1 وج 96 / 370 / 51 .
2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 116 / 1 ، علل الشرايع : 270 / 9 كلاهما عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار : 96 / 370 / 51 .
3- .نهج البلاغه : الخطبه 192 .

1 / 2 حکمت روزه گرفتن

امام رضا علیه السلام در مجموعه ای که فضل بن شاذان از سخن ایشان درباره حکمت واجبات ، گرد آورده است :پس اگر بگویند : «چرا به روزه ماه رمضان فرمان یافته اند ، نه کمتر از آن و نه بیشتر؟» ، گفته می شود : برای آن که انجام دادن این مقدار روزه در توان بندگان است و نیرومند و ناتوان را فرا می گیرد . همانا خداوند ، واجبات را بر پایه چیزهای غالب تر و نیروهای فراگیرتر ، مقرّر داشته و سپس ناتوانان را رخصت داده است . خداوند بر توانمندان واجب ساخته و به بیشتر ، تشویق کرده است ؛ و اگر شایسته کمتر از آن بودند ، از تکلیفشان می کاست و اگر به بیش از آن نیاز داشتند ، بر تکلیفشان می افزود .

امام رضا علیه السلام در همان مجموعه :اگر بگویند : «چرا تنها در ماه رمضان روزه واجب شده است و نه ماه های دیگر؟» ، گفته می شود : زیرا ماه رمضان ، ماهی است که خداوند در آن ، قرآن را نازل کرده و در آن میان حق و باطل ، جدایی انداخته است ، آن چنان که خداوند فرموده است : «ماه رمضان ، ماهی که قرآن در آن فرود آمده است تا هدایتی برای مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان باشد» . محمّد صلی الله علیه و آله نیز در این ماه به پیامبری رسیده است . و در آن ، شب قدر است که بهتر از هزار ماه است . در آن شب ، هر امر حکمت آمیزی مقدّر (جدا) می شود و آن ، سرآغاز سال است و آنچه در طول سال از خیر و شر ، زیان و سود ، یا مقدار روزی و مدّت عمر خواهد بود ، در آن شب ، مقدّر می شود . از این رو به آن ، «شب قدر» گویند .

1 / 2حکمت روزه گرفتنامام علی علیه السلام :خداوند ، بندگان مؤمن خویش را با نمازها ، زکات ها و تلاش برای روزه گرفتن در روزهای واجب شده ، نگهداری کرده است تا اعضایشان آرامش یابد و چشمانشان خشوع پیدا کند و جان هایشان رام گردد و دل هایشان متواضع شود و غرور از آنان زدوده گردد ، به سبب حکمت هایی که در آنهاست ، چون : خاکی شدن چهره های عزّتمند از روی تواضع ، به زمین چسبیدن اعضای شریف از روی فروتنی ، و چسبیدن شکم ها به پشت ها از روی رام شدن .

.

عنه علیه السلام :فَرَضَ اللّهُ الصِّیامَ ابتِلاءً لِاِخلاصِ الخَلقِ . (1)

فاطمه علیهاالسلام :فَرضَ [اللّهُ] (2) ... الصِّیامَ تَثبیتا لِلإخلاصِ . (3)

الإمام الحسین علیه السلام فی بَیانِ عِلَّهِ الصِّیامِ :لِیَجِدَ الغَنِیُّ مَسَّ الجوعِ فَیَعودَ بِالفَضلِ عَلَی المَساکینِ . (4)

الإمام الصادق علیه السلام أیضا :إنَّما فَرَضَ اللّهُ عز و جل الصِّیامَ لِیَستَوِیَ بِهِ الغَنِیُّ وَالفَقیرُ ؛ وذلِکَ أنَّ الغَنِیَّ لَم یَکُن لِیَجِدَ مَسَّ الجوعِ فَیَرحَمَ الفَقیرَ ؛ لِأَنَّ الغَنِیَّ کُلَّما أرادَ شَیئا قَدَرَ عَلَیهِ ، فَأرادَ اللّهُ عز و جل أن یُسَوِّیَ بَینَ خَلقِهِ ، وأن یُذیقَ الغَنِیَّ مَسَّ الجوعِ وَالأَلَمِ ؛ لِیَرِقَّ عَلَی الضَّعیفِ فَیَرحَمَ الجائِعَ . (5)

الإمام الرضا علیه السلام مِمّا کَتَبَهُ إلی مُحَمَّدِ بنِ سِنانٍ فی جَوابِ مَسائِلِهِ :عِلَّهُ الصَّومِ لِعِرفانِ مَسِّ الجوعِ وَالعَطَشِ ؛ لِیَکونَ ذَلیلاً مُستَکینا مَأجورا مُحتَسِبا صابِرا ، وَیَکونَ ذلِکَ دَلیلاً لَهُ عَلی شَدائِدِ الآخِرَهِ مَعَ ما فیهِ مِنَ الاِنکِسارِ لَهُ عَنِ الشَّهَواتِ ، واعِظا لَهُ فِی العاجِلِ ، دَلیلاً عَلَی الآجِلِ ؛ لِیَعلَمَ شِدَّهَ مَبلَغِ ذلِکَ مِن أهلِ الفَقرِ وَالمَسکَنَهِ فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ . (6)

.

1- .نهج البلاغه : الحکمه 252 .
2- .أثبتنا ما بین المعقوفین من کتاب من لایحضره الفقیه وبحار الأنوار وفی الاحتجاج : «جعل اللّه ...» .
3- .علل الشرایع : 248 / 2 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 3 / 568 / 4940 وفیه «تبیینا» بدل «تثبیتا» وکلاهما عن زینب بنت الإمام علیّ علیه السلام ، الاحتجاج : 1 / 258 / 49 عن عبد اللّه بن الحسن المثنّی عن آبائه علیهم السلامعنها علیهاالسلام ، بحار الأنوار : 96 / 368 / 47 .
4- .المناقب لابن شهرآشوب : 4 / 68 ، بحار الأنوار : 96 / 375 / 62 .
5- .کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 73 / 1766 ، علل الشرایع : 378 / 2 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 102 / 88 وفیه «لیحسن علی الضعیف ویطعم الجائع» ، الإقبال :1 / 30 کلّها عن هشام بن الحکم ، مجمع البیان : 1 / 490 ولیس فیه «أن یسوّی بین خلقه» .

6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 73 / 1767 ، علل الشرايع : 378 / 1 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 91 / 1 ، بحار الأنوار : 6 / 97 / 2 وج 96 / 370 / 52 .

امام علی علیه السلام :خداوند ، روزه را واجب فرمود ، تا آزمونی برای اخلاص آفریدگان باشد .

حضرت فاطمه علیهاالسلام :روزه برای استوارسازی اخلاص ، واجب شده است .

امام حسین علیه السلام درباره حکمت روزه داری :تا ثروتمند ، رنج گرسنگی را بچشد ؛ پس بر بینوایان نیکی کند .

امام صادق علیه السلام درباره حکمت روزه داری :خداوند متعال ، روزه را واجب ساخته است تا ثروتمند و تهی دست ، برابر شوند؛ چون [بدون روزه] ثروتمند ، رنج گرسنگی را نمی چشید تا به فقیر ترحّم کند؛ زیرا ثروتمند هر گاه چیزی را بخواهد ، بر آن تواناست . پس خدای متعال خواست تا میان بندگانش برابری پدید آورد و ثروتمند هم طعم گرسنگی و رنج را بچشد تا بر ناتوان ، رقّت قلب یابد و بر گرسنه ترحّم نماید .

امام رضا علیه السلام از جمله آنچه در پاسخ سؤال های محمّد بن سنان نوشته است :روزه داری ، برای شناخت رنج گرسنگی و تشنگی است و برای آن است که هر روزه داری فروتن ، شکسته ، پاداش یافته و دارای نیّت الهی و شکیبا باشد و اینها راهنمای او بر سختی های قیامت گردند ، علاوه بر این که برای روزه دار ، حالت فرو شکستن شهوات پدید می آید و او را در دنیا پند می دهد و راهنمایی بر آخرت است ، تا بداند که فقیران و بینوایان در دنیا و آخرت ، چه سختی هایی می کِشند .

.

عنه عليه السلام فِيما جَمَعَهُ الفَضلُ بنُ شاذانَ مِن كَلامِهِ فى عِلَلِ الفَرائِضِ :فَإِن قيلَ : فَلِمَ اُمِروا بِالصَّومِ؟ قيلَ : لِكَى يَعرِفوا أَلَمَ الجوعِ وَالعَطَشِ ، ويَستَدِلّوا عَلى فَقرِ الآخِرَهِ ، ولِيَكونَ الصّائِمُ خاشِعا ذَليلاً مُستَكينا ، مَأجورا مُحتَسِبا عارِفا، صابِرا عَلى ما أَصابَهُ مِنَ الجوعِ وَالعَطَشِ؛ فَيَستَوجِبَ الثَّوابَ مَعَ ما فيهِ مِنَ الإِمساكِ عَنِ الشَّهَواتِ ، ولِيَكونَ ذلِكَ واعِظا لَهُم فِى العاجِلِ ، ورائِضا لَهُم عَلى أداءِ ما كَلَّفَهُم، ودَليلاً لَهُم فِى الأجرِ، ولِيَعرِفوا شِدَّهَ مَبلَغِ ذلِكَ عَلى أهلِ الفَقرِ وَالمَسكَنَهِ فِى الدُّنيا فَيُؤَدّوا إلَيهِم ما فَرَضَ اللّهُ لَهُم فى أموالِهِم . (1)

عنه عليه السلام فى عِلَّهِ الصَّومِ :اِمتَحَنَهُم بِضَربٍ مِنَ الطّاعَهِ كَيما يَنالوا بِها عِندَهُ الدَّرَجاتِ؛ لِيُعَرِّفَهُم فَضلَ ما أنعَمَ عَلَيهِم مِن لَذَّهِ الماءِ وطيبِ الخُبزِ، وإذا عَطِشوا يَومَ صَومِهِم ذَكَروا يَومَ العَطَشِ الأكبَرِ فِيالآخِرَهِ، وزادَهُم ذلِكَ رَغبَهً (2) فِى الطّاعَهِ. (3)

الكافى عن حمزه بن محمّد :كَتَبتُ إلى أبى مُحَمَّدٍ [العَسكَرِىِّ عليه السلام] : لِمَ فَرَضَ اللّهُ الصَّومَ؟ فَوَرَدَ الجَوابُ : «لِيَجِدَ الغَنِىُّ مَضَضَ الجَوعِ فَيَحِنَّ عَلى الفَقيرِ» . (4)

.

1- .علل الشرايع : 270 / 9 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 116 / 1 وفيه «الانكسار» بدل «الإمساک» و«الآجل» بدل «الأجر» وكلاهما عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار : 6 / 79 / 1 وج 96 / 369 / 51 .
2- .فى المصدر : «رقبه» ، وما أثبتناه من بحار الأنوار .
3- .المناقب لابن شهرآشوب : 4 / 355 ، بحار الأنوار : 6 / 113 / 6 .
4- .الكافى : 4 / 181 / 6 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 73 / 1768 ، الأمالى للصدوق : 97 / 75 وفيهما «مسّ الجوع فيَمُنّ على الفقير» .

امام رضا علیه السلام در مجموعه ای که فضل بن شاذان از سخنان ایشان درباره حکمت واجبات ، گرد آورده است :پس اگر گفته شود : «چرا مأمور به روزه شدند؟» ، گفته می شود : تا رنج گرسنگی و تشنگی را بشناسند و نشانی بر نیاز آخرت بیابند و تا روزه دار ، خاشع ، فروتن ، شکسته ، پاداش یافته ، امیدوار به اجر الهی و عارف گردد و بر گرسنگی و تشنگی ای که به او می رسد ، شکیبا شود تا شایسته پاداش گردد ، به علاوه خودداری از برآوردن خواسته های نفْس ، و برای این که روزه ، در دنیا مایه پند آنان شود و سبب تمرین آنان بر انجام دادن تکلیف های خدا و راهنمای آنان در پاداش گردد و تا بدانند که چه سختی هایی بر فقیران و بینوایان در دنیا می گذرد؛ پس آنچه را خداوند برای فقیران در اموال آنان واجب ساخته ، به آنان بپردازند .

امام رضا علیه السلام درباره حکمت روزه :خداوند ، از آن رو بندگان را با انواع طاعت ها آزموده است که نزد خداوند به درجاتی برسند ، تا ارزش آنچه را خداوند از لذّت آب و گوارایی نان ، روزیِ آنان ساخته است ، دریابند و هر گاه در روزِ روزه داری خود تشنه شوند ، به یاد روز تشنگی بزرگ در قیامت بیفتند و این ، مایه رغبت بیشتر آنان در طاعت گردد .

الکافی به نقل از حمزه بن محمّد :به امام عسکری علیه السلام نوشتم : چرا خداوند ، روزه را واجب ساخته است؟ چنین جواب آمد : «تا ثروتمند ، سختی گرسنگی را دریابد و بر نیازمند ، دلسوزی کند» .

.

1 / 3فَضلُ الصِّيامِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :جَعَلَ اللّهُ ... قُرَّةَ عَينى فِى الصَّلاهِ وَالصَّومِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :قالَ حَبيبى جَبرَئيلُ : إنَّ مَثَلَ هذَا الدّينِ كَمَثَل شَجَرَهٍ ثابِتَهٍ ؛ الإِيمانُ أصلُها ، وَالصَّلاهُ عُروقُها ، وَالزَّكاهُ ماؤُها ، وَالصَّومُ سَعَفُها . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :ثَلاثَهٌ مِن رَوحِ اللّهِ : التَّهَجُّدُ فِى اللَّيلِ بِالصَّلاهِ ، و لِقاءُ الإِخوانِ ، وَالصَّومُ . (3)

لقمان عليه السلام فى مَوعِظَتِهِ لِابنِهِ :يا بُنَىَّ ، السَّفينَهُ إيمانٌ ، وشِراعُهَا التَّوَكُّلُ ، وسُكّانُهَا الصَّبرُ ، ومَجاذيفُهَا الصَّومُ وَالصَّلاهُ وَالزَّكاهُ . (4)

1 / 4الصَّومُ لِلّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :قالَ اللّهُ عز و جل : «الصَّومُ لى ، وأنَا أجزى بِهِ» . (5)

.

1- .مكارم الأخلاق : 1 / 83 / 141 ، بحار الأنوار : 16 / 249 .
2- .علل الشرايع : 249 / 5 عن أنس ، بحار الأنوار : 6 / 109 / 2 وج 68 / 380 / 30 وانظر جامع الأخبار : 108 / 191 والفردوس : 4 / 145 / 6447 .
3- .دعائم الإسلام : 1 / 269 ، الأمالى للطوسى : 172 / 291 عن بحر السقّاء وفيه «إفطار الصائم» بدل «الصوم» ، بحار الأنوار : 96 / 257 / 41 .
4- .الاختصاص : 336 عن الأوزاعى ، بحار الأنوار : 13 / 427 / 22 نقلاً عن جعفر بن الحسين المؤمن القمّى فى كتابه النوادر .
5- .تهذيب الأحكام : 4 / 152 / 420 عن الفضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 75 / 1773 ، الكافى : 4 / 63 / 6 عن أبى الصباح عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «عليه» بدل «به» ؛ صحيح البخارى : 6 / 2723 / 7054 وص 2741 / 7100 ، مسند ابن حنبل : 3 / 16 / 7199 كلّها عن أبى هريره وص 13 / 7177 ، صحيح مسلم : 2 / 807 / 165 ، السنن الكبرى : 4 / 454 / 8333 ، مسند أبى

يعلى : 1 / 469 / 1001 كلّها عن أبى هريره وأبى سعيد الخدرى ، سنن النسائى : 4 / 159 عن الإمام علىّ عليه السلام .

1 / 3 فضیلت روزه

1 / 4 روزه برای خداست

1 / 3فضیلت روزهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، فروغ دیدگانم را در نماز و روزه قرار داده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :حبیب من جبرئیل گفت : «مَثَل این دین ، همچون «مَثَل درختی ثابت و استوار است . ریشه اش ایمان است و رگ هایش نماز . آب آن ، زکات است و شاخ و برگش ، روزه» .

امام صادق علیه السلام :سه چیز از رحمت خداست : شب زنده داری و نماز گزاری در شب ، دیدار با برادران ، و روزه گرفتن .

لقمان علیه السلام در موعظه خویش به پسرش :فرزندم ! ایمان ، کِشتی است . بادبان آن ، توکّل است ؛ سُکّان آن ، صبر است ؛ و تیرک های بادبان آن ، نماز و روزه و زکات اند .

1 / 4روزه برای خداستپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند فرموده است : «روزه ، برای من است و خودم پاداش آن را می دهم» .

.

عنه صلى الله عليه و آله :كُلُّ عَمَلِ ابنِ آدَمَ يُضاعَفُ ؛ الحَسَنَةُ عَشرُ أمثالِها إلى سَبعِمِئَهِ ضِعفٍ ، قالَ اللّهُ عز و جل: «إلاَّ الصَّومَ فَإِنَّهُ لى، وأنَا أجزيبِهِ،يَدَعُ شَهوَتَهُ وطَعامَهُ مِن أجلى». (1)

عنه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ تَعالى : «كُلُّ عَمَلِ ابنِ آدَمَ لَهُ ؛ فَالحَسَنَهُ بِعَشرِ أمثالِها إلى سَبعِمِئَهِ ضِعفٍ ، إلاَّ الصِّيامَ هُوَ لى وأنَا أجزى بِهِ ، إنَّهُ يَترُكُ الطَّعامَ وشَهوَتَهُ مِن أجلى ، ويَترُكُ الشَّرابَ وشَهوَتَهُ مِن أجلى ؛ فَهُوَ لى وأنَا أجزى بِهِ» . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : تَبارَکَ وتَعالى قالَ اللّهُ : «كُلُّ عَمَلِ ابنِ آدَمَ هُوَ لَهُ غَيرَ الصِّيامِ ؛ هُوَ لى ، وأنَا أجزى بِهِ» . وَالصِّيامُ جُنَّهُ العَبدِ المُؤمِنِ يَومَ القِيامَهِ كَما يَقى أحَدَكُم سِلاحُهُ فِى الدُّنيا . ولَخُلوفُ فَمِ الصّائِمِ أطيَبُ عِندَ اللّهِ عز و جل مِن ريحِ المِسكِ . وَالصّائِمُ يَفرَحُ بِفَرحَتَينِ : حينَ يُفطِرُ فَيَطعَمُ ويَشرَبُ ، وحينَ يَلقانى فَأُدخِلُهُ الجَنَّهَ» . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :عَلَيکَ بِالصَّومِ ؛ فَإِنَّهُ مَحضٌ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ :الصَّومُ عِبادَهٌ بَينَ العَبدِ وخالِقِهِ ، لا يَطَّلِعُ عَلَيها غَيرُهُ ، وكَذلِکَ لا يُجازى عَنها غَيرُهُ . (5)

وانظر : ص 96 ، ح 96 و 97 .

.

1- .صحيح مسلم : 2 / 807 / 164 ، سنن الترمذى : 3 / 136 / 764 نحوه ، سنن ابن ماجه : 2 / 1256 / 3823 وليس فيهما «يدع شهوته وطعامه من أجلى» ، سنن النسائى : 4 / 162 ، مسند ابن حنبل : 3 / 518 / 10179 وفيه «شرابه» بدل «شهوته» ، السنن الكبرى : 4 / 454 / 8332 ؛ فضائل الأشهر الثلاثه : 143 / 156 كلّها عن أبى هريره ، معانى الأخبار : 409 / 91 عن أنس وكلاهما نحوه .
2- .سنن الدارمى : 1 / 451 / 1719 ، مسند أبى يعلى : 5 / 358 / 5921 كلاهما عن أبى هريره ، مسند ابن حنبل : 3 / 69 / 7497 عن عبد اللّه عن أبيه وكلاهما نحوه .

3- .الخصال : 45 / 42 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 134 / 142 وزاد فيه «من النار» قبل «يوم القيامه» وكلاهما عن ابن عبّاس ، روضه الواعظين : 383 .
4- .كنز العمّال : 8 / 450 / 23609 نقلاً عن شُعب الإيمان عن عثمان بن مظعون .
5- .شرح نهج البلاغه : 20 / 296 / 385 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کار آدمی زاده ، چند برابر می شود . کار نیک ، ده برابر تا هفتصد برابر می شود . خداوند فرموده است : «مگر روزه ، که برای من است و خودم پاداش آن را می دهم ، [که روزه دار ،] خواسته دل و خوراکش را به خاطر من وا می گذارد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند می فرماید : «هر کار آدمی زاده ، برای خود اوست . کار نیک ده برابر تا هفتصد برابر می شود ، مگر روزه داری ، که آن برای من است و خودم پاداش آن را می دهم . روزه دار ، غذا و علاقه به آن را به خاطر من ترک می کند و نوشیدنی و علاقه به آن را به خاطر من رها می نماید . پس ، آن برای من است و خودم ، پاداش آن را می دهم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای متعال فرموده است : «هر کار آدمی زاده برای خود اوست ، مگر روزه داری ، که برای من است و من خودم پاداش آن را می دهم . روزه ، سپر بنده مؤمن در روز قیامت است ، همان گونه که در دنیا هر یک از شما را سلاحش حفاظت می کند . بوی ناخوش دهان روزه دار نزد خدا از بوی مشک ، خوش بوتر است . روزه دار ، دو بار خوش حال می شود : هنگامی که افطار می کند و می خورد و می نوشد و آن گاه که مرا دیدار می کند . پس ، او را وارد بهشت می کنم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر تو باد روزه ، که عبادتی ناب است!

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان :روزه ، عبادتی میان بنده و آفریدگار اوست . کسی جز آفریدگار ، از آن آگاه نمی شود و کسی جز پروردگار ، پاداش آن را نمی دهد .

ر . ک : ص 97 (حدیث 96 و 97) .

.

ص: 104

. .

سخنی در شرح حدیثِ : «روزه ، برای من است»

اشاره

سخنی در شرح حدیثِ : «روزه ، برای من است»ابو حامد غزّالی در شرح این حدیث ، گفته است : این که روزه برای خداست و این شرافت را یافته که به خداوند ، نسبت داده شود (هر چند همه عبادات ، برای اوست ، همچنان که کعبه این شرف را یافته که خانه او باشد ، در حالی که همه زمین برای اوست) دو معنا دارد : نخست ، این که : روزه ، پرهیز و ترک است و عملی پنهان است و در آن ، کاری نیست که دیده شود . به خلاف همه عبادت ها که در معرض دید مردم انجام می شوند ، روزه ، عبادتی است که جز خدا آن را نمی داند؛ چرا که کاری است باطنی که همان صبر است . دوم ، این که : روزه ، سرکوبی دشمن خداست؛ چون ابزار شیطان ملعون ، شهوت ها هستند و شهوات با خوردن و آشامیدن ، نیرو می یابند . از این رو ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است :

إنَّ الشَّیطانَ لَیَجری مِنِ ابنِ آدَمَ مَجرَی الدَّمِ ؛ فَضَیِّقوا مَجارِیَهُ بِالجوعِ ؛ (1)

شیطان ، همچون خون ، در وجود آدمی جاری می شود ، پس

.

1- .برای آگاهی از منابع حدیث ر . ک : ص 78 ، پاورقی 2 .

گذرگاه های او را با گرسنگی ، تنگ کنید ... .

از آن جا که بخصوصِ روزه ، سرکوبی شیطان و بستن و تنگ ساختن گذرگاه های اوست ، شایسته است که ویژه خدا گردد؛ زیرا سرکوبی دشمن خدا ، یاری نمودن خداست ، و یاری رسانیِ خداوند به بنده اش ، در پیِ یاری کردن بنده به خداست. خداوند فرموده است : «إِن تَنصُرُواْ اللَّهَ یَنصُرْکُمْ وَیُثَبِّتْ أَقْدَامَکُمْ» ؛ (1) اگر خدا را یاری کنید ، خدا یاری تان می کند و گام هایتان را استوار می سازد . پس شروع تلاش ، از بنده است و پاداش دادن به هدایت ، از خدا . از این رو فرموده است : «وَ الَّذِینَ جَهَدُواْ فِینَا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنَا» ؛ (2) و آنان که در راه ما جهاد کنند ، ما راه های خود را به آنان نشان می دهیم . و فرموده است : «إِنَّ اللَّهَ لاَ یُغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمْ» ؛ (3) خداوند ، سرنوشت یک ملّت را عوض نمی کند ، تا وضع خودشان را تغییر دهند . این تغییر ، با شکستن شهوات انجام پذیر است ؛ چون شهوت ها ، چراگاه های شیاطین اند و تا وقتی سرسبز باشند ، رفت و آمد آنها بریده نمی شود و تا در رفت و آمدند ، جلال خداوند بر بنده آشکار نمی شود و بنده از دیدار خدا محروم می ماند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

.

1- .محمّد ، آیه 7 .
2- .عنکبوت ، آیه 69 .
3- .رعد ، آیه 11 .

لَولا أنَّ الشَّياطينَ يَحومونَ عَلى قُلوبِ بَنى آدَمَ ، لَنَظَروا إلى مَلَكوتِ السَّماءِ ؛

اگر نبود این که شیاطین ، دور و بر دل های آدمی زادگان می چرخند ، آدمیان به ملکوت آسمان می نگریستند . (1)

از این رو ، روزه درِ عبادت و سپر ایمنی گشته است . در کتاب النهایهی ابن اثیر آمده است : مردم ، در تأویل این حدیث و این که : «چرا خداوند ، روزه و پاداش آن را مخصوص خود ساخته است ، هر چند همه عبادت ها و پاداش آنها ، از سوی خدا و بر عهده اوست؟» ، بسیار گفته اند . آنان در این باره وجوهی را ذکر کرده اند که محور همه آنها ، این است که : روزه ، رازی میان خدا و بنده است و کسی جز او ، از آن آگاه نمی شود . پس بنده ، روزه دار واقعی نمی شود ، مگر آن که در اطاعت ، اخلاص داشته باشد . گرچه همان طور است که گفته اند ، ولی عبادات دیگری هم هستند که در پنهان بودن ، مثل روزه اند ، مانند : نماز بی وضو و نماز در جامه نجس و این گونه اعمال پنهانی که همراه با عبادات اند و جز خدا و نمازگزار ، آنها را نمی داند . بهترین چیزی که در تأویل این حدیث شنیده ام ، این است که : همه عبادت هایی که بندگان با انجام دادن آنها به خداوند ، تقرّب می جویند (مانند : نماز ، حج ، صدقه ، اعتکاف ، دعا ، نیایش ، قربانی و انواع عبادت های دیگر) ، مشرکان نیز با همانها خداهای خویش و آنچه را شریک خدا قرار داده بودند ، پرستیده اند؛ امّا هرگز شنیده نشده است که گروهی از مشرکان و پیروان مذاهب در دوران های پیشین ، معبودهای خود را با «روزه» پرستیده باشند و بدین وسیله به آنها تقرّب جسته باشند .

.

1- .المحجّه البیضاء : 2 / 125 ؛ إحیاء علوم الدین : 1 / 346 .

روزه ، به عنوان عبادت ، تنها از سوی ادیان آسمانی ، شناخته شده است . از این رو ، خداوند فرموده است : «روزه ، برای من است و خودم پاداش آن را می دهم» ، یعنی : در آن ، کسی شریک من نگشته است و با آن جز من ، پرستش نشده است . پس در این هنگام ، خودم پاداش آن را بر عهده می گیرم و به کسی دیگر ، چه فرشتگان مقرّب و چه غیر آنان ، وا نمی گذارم ؛ تا اندازه ای که به من اختصاص یابد . (1) امّا آنچه اخیرا در تفسیر این حدیث رایج شده که حدیث مذکور چنین قرائت می شود : «الصَّوم لِی وَ أنَا أجْزی به ؛ روزه برای من است و من یعنی خداوند متعال جزا داده می شوم به آن» ، تا آن جا که ما جستجو کردیم ، هیچ یک از حدیث شناسان گذشته ، آن را چنین قرائت نکرده و از آن ، چنین معنایی نفهمیده است .

.

1- .النهایه : 1 / 270 .

ص: 109

شناخت میهمانی خدا .

1 / 5قيمَهُ الصّائِمِالكتاب«التَّل ءِبُونَ الْعَبِدُونَ الْحَمِدُونَ السَّل ءِحُونَ الرَّ كِعُونَ السَّجِدُونَ الْأَمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنكَرِ وَ الْحَفِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ » . (1)

« إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَتِ وَ الْقَنِتِينَ وَ الْقَنِتَتِ وَ الصَّدِقِينَ وَ الصَّدِقَتِ وَ الصَّبِرِينَ وَالصَّبِرَ تِ وَ الْخَشِعِينَ وَ الْخَشِعَتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَ الْمُتَصَدِّقَتِ وَ الصَّل ءِمِينَ وَالصَّل ءِمَتِ وَ الْحَفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحَفِظَتِ وَ الذَّ كِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَ الذَّ كِرَ تِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا » . (2)

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله حظحظخ فى قَولِهِ تَعالى : « التَّائبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائحُونَ » : السّائِحونَ وهُمُ الصّائِمونَ (3) . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ للّهِ مائِدَةً عَلَيها ما لا عَينٌ رَأَت ، ولا اُذُنٌ سَمِعَت ، ولا خَطَرَ عَلى قَلبِ بَشَرٍ ، لا يَقعُدُ عَلَيهَا إلاَّ الصّائِمونَ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :نَومُ الصّائِمِ عِبادَهٌ ، ونَفَسُهُ تَسبيحٌ . (6)

.

1- .التوبه : 112 .
2- .الأحزاب : 35 .
3- .فى الحديث : «سياحه هذه الاُمّه الصيام» ، قيل للصائم : سائح ؛ لأنّ الّذى يسيح فى الأرض متعبّد يسيح ولا زادٍ له ولا ماء،فحين يجد يطعم . والصائم يُمضى نهاره لا يأكل ولا يشرب شيئاً فشُبّه به (النهايه : 2/433).
4- .الكافى : 5 / 15 / 1 ، تهذيب الأحكام : 6 / 130 / 224 كلاهما عن أبى عمرو الزبيرى عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 69 / 356 ؛ المستدرک على الصحيحين : 2 / 365 / 3288 ، شُعب الإيمان : 3 / 293 / 3578 كلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : 2 / 7 / 2904 .
5- .المعجم الأوسط : 9 / 170 / 9443 عن أنس ، كنز العمّال : 8 / 452 / 23620 .
6- .ثواب الأعمال : 75 / 2 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، قرب الإسناد : 95 / 324 عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام

عنه صلى الله عليه و آله ، الجعفريّات : 58 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، دعائم الإسلام : 1 / 270 ، الكافى : 4 / 64 / 12 ، تهذيب الأحكام : 4 / 190 / 540 كلاهما عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ؛ حليه الأولياء : 5 / 83 عن ابن مسعود ، الفردوس : 2 / 124 / 2645 عن أسامه بن زيد .

1 / 5ارزش روزه دارقرآن«[مؤمنانْ] توبه كنندگان ، پرستشگران ، ستايشگران ، سياحتگران (روزه داران) (1) ، ركوع كنندگان ، سجده كنندگان ، امر به معروف و نهى از منكر كنندگان و نگهبانان حدود الهى اند و مؤمنان را بشارت بده» .

«همانا خداوند براى مردان و زنان مسلمان و مؤمن ، پرستشگر ، راستگو ، صابر ، خاشع ، صدقه دهنده ، روزه دار ، پاك دامن ، و مردان و زنانى كه خدا را بسيار ياد مى كنند ، آمرزش و پاداشى بزرگ فراهم ساخته است» .

حديثپيامبر خدا صلى الله عليه و آله درباره آيه : «[مؤمنانْ] توبه كنندگان ، پرستشگران ، ستايشگران، سياحتگران ... اند» : سياحتگران ، همان روزه داران اند . (2)

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :خداوند ، سفره اى دارد كه بر آن نعمتى است كه نه چشمى ديده ، نه گوشى شنيده و نه بر دل بشرى گذشته است . بر سر اين سفره ، جز روزه داران نخواهند نشست .

پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :خواب روزه دار ، عبادت است و نَفَس او ، تسبيح است .

.

1- .درباره اين معنا ، ر . ك : حديث 114 .
2- .در حديث است : «سياحت اين امّت ، روزه است» . اين كه به روزه دار ، «گردشگر» گفته شده ، به خاطر شباهتى است كه ميانشان وجود دارد؛ زيرا كسى كه در زمين سياحت مى كند ، عبادت پيشه اى است كه بى توشه و آب مى گردد و هر گاه چيزى بيابد ، مى خورد . روزه دار هم روزش را بدون خوردن و نوشيدن مى گذراند .

عنه صلى الله عليه و آله : نَومُ الصّائِمِ عِبادَهٌ ، وصَمتُهُ تَسبيحٌ ، وعَمَلُهُ مُضاعَفٌ ، ودُعاؤُهُ مُستَجابٌ ، وذَنبُهُ مَغفورٌ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الصّائِمَ لا يَجرى عَلَيهِ القَلَمُ حَتّى يُفطِرَ ، ما لَم يَأتِ بِشَىءٍ يَنقُضُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ عز و جل : « ... لِلصّائِمِ فَرحَتانِ : فَرحَهٌ حينَ يُفطِرُ ، وفَرحَهٌ حينَ يَلقى رَبَّهُ» . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :لِلصّائِمِ فَرحَتانِ : فَرحَهٌ عِندَ فِطرِهِ ، وفَرحَهٌ يَومَ القِيامَهِ ، يُنادِى المُنادى : «أينَ الظّامِئَهُ أكبادُهُم؟ وعِزَّتى ، لَأُروِيَنَّهُمُ اليَومَ» . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ، لَخُلوفُ فَمِ الصّائِمِ أطيَبُ عِندَ اللّهِتَعالى مِن ريحِ المِسكِ. (5)

عنه صلى الله عليه و آله :آمُرُكُم بِالصِّيامِ ؛ فَإِنَّ مَثَلَ ذلِكَ كَمَثَلِ رَجُلٍ فى عِصابَهٍ مَعَهُ صُرَّهٌ فيها مِسكٌ ، فَكُلُّهُم يَعجَبُ أو يُعجِبُهُ ريحُها ، وإنَّ ريحَ الصّائِمِ أطيَبُ عِندَ اللّهِ مِن ريحِ المِسكِ . (6)

.

1- .شُعب الإيمان : 3 / 415 / 3937 وح 3939 وليس فيه «وذنبه مغفور» ، الفردوس : 4 / 248 / 6734 وفيه «نفسه»بدل«صمته» وكلّها عن عبد اللّه بن أبى أوفى وج 2/397/3761 عن ابن عمر نحوه ؛ كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 76 / 1783 ، ثواب الأعمال : 75 / 3 عن الحسين بن أحمد عن أبيه ، الدعوات : 27 / 45 ، عدّه الداعى : 117 كلّها عن الإمام الصادق عليه السلام وفيها «متقبّل» بدل «مضاعف» وليس فيها «وذنبه مغفور» .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : 55 / 33 وص 116 / 111 كلاهما عن سليمان المروزى عن الإمام الرضا عليه السلام والأخير من دون إسناد إليه صلى الله عليه و آله وفيه «فينقض صَومه» .

3- .صحیح البخاری : 6/2723/7054 وج 2/673/1805 نحوه ، صحیح مسلم : 2 /807/164 ، سنن ابن ماجه: 1 / 525 / 1638 کلّها عن أبی هریره ؛ الکافی : 4 / 65 / 15 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 120 / 120 کلاهما عن أبیالصباح الکنانی، کتاب من لا یحضره الفقیه: 2/76/1780 کلّها عن الإمام الصادق علیه السلاممن دون إسناد إلیه صلی الله علیه و آله.
4- .مسند زید : 203 عن الإمام زین العابدین عن أبیه عن جدّه علیهم السلام .
5- .صحیح البخاری : 2 / 670 / 1795 وج 5 / 2215 / 5583 ، صحیح مسلم : 2 / 807 / 164 ، سنن الترمذی : 3 / 136 / 764 ، سنن ابن ماجه : 1 / 525 / 1638 کلّها عن أبی هریره ؛ کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 75 / 1773 ، الخصال : 45 / 42 عن ابن عبّاس .
6- .سنن الترمذی : 5 / 148 / 2863 ، مسند ابن حنبل : 6 / 90 / 17170 وص 239 / 17815 وفیهما «کلّهم یجد ریح المسک» ، صحیح ابن حبّان : 14 / 125 / 6233 ، المستدرک علی الصحیحین : 1 / 583 / 1534 کلاهما نحوه وکلّها عن الحارث الأشعری .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خواب روزه دار ، عبادت است ؛ سکوتش تسبیح است ؛ عملش دو برابر است ؛ دعایش مستجاب است و گناهش آمرزیده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر روزه دار ، قلم [ثبت گناهان] جاری نمی شود (1) تا آن که افطار کند ، [البتّه] تا وقتی که آنچه روزه را باطل می کند ، انجام نداده باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند می فرماید : «... روزه دار ، دو خوش حالی دارد : یکی خوش حالی او ، هنگامی که افطار می کند ؛ و دیگری خوش حالی او هنگامی که با پروردگارش دیدار می نماید» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه دار ، دو خوش حالی دارد : خوش حالی او به هنگام افطارش ، و خوش حالی او در روز قیامت ، [آن گاه] که منادی ندا می دهد : «کجایند صاحبان جگرهای سوخته و تشنه؟ به عزّتم سوگند ، امروز سیرابشان می کنم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سوگند به آن که جانم در دست اوست ، بوی ناخوش دهان روزه دار نزد خدای متعال ، خوش بوتر از بوی مُشک است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شما را به روزه داری فرمان می دهم . مَثَل روزه ، مَثَل مردی است که در میان گروهی است و با خود ، کیسه ای مُشک دارد . همه خرسندند که [یا خود ،] مشک دارند و یا بوی خوش مُشک ، آنان را خرسند می کند . بوی روزه دار ، نزد خدا از بوی مُشک ، خوش بوتر است .

.

1- .بی تردید ، این حدیث و امثال آن ، مجوّز ارتکاب گناه نیستند و مقصود ، آن است که روزه ، مانع از انجام دادن گناهان می گردد و در نتیجه گناهی در پرونده روزه دار ، ثبت نمی شود .

عنه صلى الله عليه و آله :ثَلاثُ دَعَواتٍ مُستَجاباتٌ : دَعوَهُ الصّائِمِ ، ودَعوَهُ المُسافِرِ ، ودَعوَهُ المَظلومِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :أولِياءُ اللّهِ عَلَيهِمُ العَناءُ ، مَشحَبَهٌ ألوانُهُم مِنَ السَّهَرِ ، وَمُنحَنِيَهٌ أصلا بُهُم مِنَ القِيامِ ، قَد لَصِقَت بُطونُهُم بِظُهورِهِم مِن طولِ الصِّيامِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن عَرَفَ اللّهَ وعَظَّمَهُ ؛ مَنَعَ فاهُ مِنَ الكَلامِ ، وبَطنَهُ مِنَ الطَّعامِ ، وَعَفا نَفسَهُ بِالصِّيامِ وَالقِيامِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن يَومٍ إلاّ ومَلَكٌ يُنادى فِى المَقابِرِ : مَن تَغبِطونَ؟ فَيَقولونَ : أهلَ المَساجِدِ ؛ يُصَلّونَ ولا نَقدِرُ ، ويَصومُونَ ولا نَقدِرُ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :لَو دافَعتَ نَومَکَ يا غافِلاً بِالقِيامِ ، وقَطَعتَ يَومَکَ بِالصِّيامِ ، وَاقتَصَرتَ عَلَى القَليلِ مِن لَعقِ الطَّعامِ ، وأحيَيتَ مُجتَهِدا لَيلَکَ بِالقِيامِ ؛ كُنتَ أحرى أن تَنالَ أشرَفَ المَقامِ . (5)

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : 143 / 157 عن أبى هريره .
2- .التحصين لابن فهد : 22 / 39 عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل .
3- .الكافى : 2 / 237 / 25 عن عيسى النهريرى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للصدوق : 380 / 482 عن عيسى النهريرى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ، مشكاه الأنوار : 122 / 288 و ص 221 / 615 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين : 320 وص474 وفيها «عنى» بدل «عفا» ، بحار الأنوار : 69/288/23 .
4- .مستدرک الوسائل : 3 / 363 / 3786 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
5- .البلد الأمين : 318 ، المصباح للكفعمى : 497 وفيه «لو دافعت يومک يا غافلاً بالصيام» وكلاهما عن الإمام العسكرىّ عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 94 / 109 / 14 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه دعا ، مستجاب است : دعای روزه دار ، دعای مسافر و دعای ستم دیده .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر [بدن های] اولیای خدا آثار رنج است : از شب بیداری ، رنگ پریده اند ؛ از نماز ، خمیده قامت اند ؛ و به سبب روزه داریِ درازمدّت ، شکم هایشان به پشتشان چسبیده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس خدا را بشناسد و عظمتش را دریابد ، دهانش را از سخن و شکمش را از غذا ، نگه می دارد و با روزه و نماز ، خویشتن داری می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ روزی نیست ، مگر آن که فرشته ای در گورستان ها ندا می دهد : «به حال چه کسی رشک می برید؟» . می گویند : به حال مسجدیان . آنان نماز می خوانند ؛ ولی ما نمی توانیم ، و روزه می گیرند ؛ ولی ما نمی توانیم .

امام علی علیه السلام :ای غافل! اگر با نماز ، خوابت را کنار بزنی و با روزه روزت را سپری کنی و به خوراکی اندک بسنده کنی و شب خودت را تلاشگرانه با نمازْ زنده بداری ، سزاوار آنی که به برترین جایگاه ، دست یابی .

.

الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ المُؤمِنَ إذا قامَ لَيلَهُ ثُمَّ أصبَحَ صائِما نَهارَهُ لَم يُكتَب عَلَيهِ ذَنبٌ ، ولَم يَخطُ خُطوَةً إلاّ كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِها حَسَنَةً ، ولَم يَتَكَلَّم بِكَلِمَهِ خَيرٍ إلاّ كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِها حَسَنَةً ، وإن ماتَ فى نَهارِهِ صُعِدَ بِروحِهِ إلى عِلِّيِّينَ ، وإن عاشَ حَتّى يُفطِرَ كَتَبَهُ اللّهُ مِنَ الأوّابينَ . (1)

عنه عليه السلام :إنَّ للّهِ تَعالى مَلائِكَةً مُوَكَّلينَ بِالصّائِمينَ ، يَستَغفِرونَ لَهُم فى كُلِّ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ إلى آخِرِهِ ، ويُنادونَ الصّائِمينَ كُلَّ لَيلَهٍ عِندَ إفطارِهِم : «أبشِروا عِبادَ اللّهِ ! فَقَد جُعتُم قَليلاً وسَتَشبَعونَ كَثيرا ، بورِكتُم وبورِكَ فيكُم» . حَتّى إذا كانَ آخِرُ لَيلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ نادى : «أبشِروا عِبادَ اللّهِ ! غُفِرَ لَكُم ذُنوبُكُم ، وقُبِلَ تَوبَتُكُم ، فَانظُروا كَيفَ تَكونونَ فيما تَستَأنِفونَ» . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :خُلوفُ فَمِ الصّائِمِ أفضَلُ عِندَ اللّهِ مِن رائِحَهِ المِسكِ . (3)

عنه عليه السلام :أوحَى اللّهُ عز و جل إلى موسى عليه السلام : «ما يَمنَعُکَ مِن مُناجاتى؟» فَقالَ : يا رَبِّ ، اُجِلُّکَ عَنِ المُناجاهِ لِخُلوفِ فَمِ الصّائِمِ . فَأوحَى اللّهُ عز و جل إلَيهِ: «يا موسى،لَخُلوفُ فَمِ الصّائِمِ أطيَبُ عِنديمِن ريحِ المِسكِ». (4)

عنه عليه السلام :مَن صامَ للّهِ عز و جل يَوما فى شِدَّهِ الحَرِّ فَأَصابَهُ ظَمَأٌ ، وَكَّلَ اللّهُ بِهِ ألفَ مَلَکٍ يَمسَحونَ وَجهَهُ ويُبَشِّرونَهُ ، حَتّى إذا أفطَرَ قالَ اللّهُ عز و جل لَهُ : «ما أطيَبَ ريحَکَ ورَوحَکَ ! مَلائِکَتِى ، اشهَدوا أنّى قَد غَفَرتُ لَهُ» . (5)

.

1- .المقنعه : 375 عن محمّد بن مسلم وص 305 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : 72 / 52 ، الأمالى للصدوق : 108 / 81 كلاهما عن محمّد بن مسلم ، روضه الواعظين : 372 ، بحار الأنوار : 96 / 361 / 28 .
3- .ثواب الأعمال : 75 / 4 عن عبد اللّه بن سنان ، بحار الأنوار : 96 / 253 / 22 .

4- .الكافى : 4 / 64 / 13 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 121 / 122 كلاهما عن ابن أبى عمير عن بعض أصحابنا ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 76 / 1779 ، بحار الأنوار : 13 / 345 / 31 .
5- .الكافى : 4/64/8 وص 65/17 ، ثواب الأعمال : 76 / 1 ، الأمالى للصدوق : 683/935، فضائل الأشهر الثلاثه: 120/119 كلّها عن يونس بن ظبيان ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2/76/1781 ، بحار الأنوار : 96/247/5 .

امام باقر علیه السلام :مؤمن ، چون شب را به عبادت برخیزد و روز را روزه بدارد ، برایش گناهی نوشته نمی شود و هیچ گامی بر نمی دارد ، مگر آن که خداوند برای او حسنه ای می نویسد ، و هیچ سخن نیکی نمی گوید ، مگر آن که خداوند برای او حسنه ای می نویسد ، و اگر همان روز بمیرد ، روحش را به والاترین درجاتِ بالا می برند ، و اگر زنده بماند تا آن که افطار کند ، خداوند او را در میان توبه گران می نویسد .

امام باقر علیه السلام :خدای متعال ، فرشتگانی را بر روزه داران ، گماشته است که در هر روز از ماه رمضان تا پایان آن برای آنان استغفار می کنند و هر شب ، هنگام افطار روزه داران ، به آنان خطاب می کنند : «بشارت باد بر شما ، ای بندگان خدا! اندکی گرسنه شدید و بسیار ، سیر خواهید شد . برکت یافتید و مایه برکت گشتید» ، تا آخرین شب ماه رمضان شود . [پس] ندا می دهد : «مژده باد شما را ، ای بندگان خدا! گناهانتان آمرزیده و توبه تان پذیرفته شد . پس بنگرید در اعمالی که آغاز می کنید ، چگونه اید» .

امام صادق علیه السلام :بوی ناخوش دهان روزه دار ، نزد خداوند ، برتر از بوی مُشک است .

امام صادق علیه السلام :خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد : «چه چیز مانع مناجات تو با من است؟» . گفت : پروردگارا! از این رو که بوی دهان روزه دار ، ناخوش است ، از مناجات با تو سر باز می زنم . خداوند به او وحی کرد : «ای موسی! بوی ناخوش دهان روزه دار نزد من ، خوش تر از بوی مُشک است» .

امام صادق علیه السلام :کسی که در گرمای سخت ، روزی را برای خدا روزه بدارد و تشنه شود ، خداوند ، هزار فرشته را بر او می گمارد که چهره اش را لمس می کنند و بشارتش می دهند ، تا آن گاه که افطار کند ، که خداوند به او می فرماید : «چه خوش است بوی تو و نشاط تو! فرشتگان من! گواه باشید که او را آمرزیدم» .

.

عنه عليه السلام :إذا رَأَى الصّائِمُ قَوما يَأكُلونَ أو رَجُلاً يَأكُلُ ، سَبَّحَت (1) كُلُّ شَعرَةٍ مِنهُ (2) . (3)

سعد السعود فى ما نَقَلَهُ مِنَ الزَّبورِ :مَعشَرَ الصُّوّامِ ، بَشِّرِ الصّائِمينَ بِمَرتَبَهِ الفائِزينَ . (4)

1 / 6دُعاءُ المَلائِكَهِ لِلصّائِمِالإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله قالَ : «إنَّ اللّهَ عز و جل وَكَّلَ مَلائِكَتَهُ بِالدُّعاءِ لِلصّائِمينَ» . وقالَ : «أخبَرَنى جَبرَئيلُ عليه السلام عَن رَبِّهِ أ نَّهُ قالَ : ما أَمَرتُ مَلائِكَتى بِالدُّعاءِ لِأَحَدٍ مِن خَلقى إلاَّ استَجَبتُ لَهُم فيهِ» . (5)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن صائِمٍ يَحضُرُ قَوما يَطعَمونَ إلاّ سَبَّحَت لَهُ أعضاؤُهُ ، وكانَت صَلاهُ المَلائِكَهِ عَلَيهِ ، وكانَت صَلاتُهُم استِغفارا . (6)

.

1- .فى المصدر : «سبّت» وهو تصحيف ، والصحيح ما أثبتناه كما فى فضائل الأشهر الثلاثه .
2- .لعلّ المراد منه أنّه يعطى ثواب ذلک ، أو أنّ شهوته للطعام لمّا أثّرت فى جميع بدنه وأُثيب بقدر ذلک فكأنّه سبّحت جميع أعضائه (مرآه العقول : 16 / 204) .
3- .الكافى : 4 / 65 / 16 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 119 / 118 كلاهما عن السمّان الأرمنى .
4- .سعد السعود : 50 ، بحار الأنوار : 77 / 40 / 8 .
5- .الكافى : 4 / 64 / 11 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 121 / 123 ، المحاسن : 1 / 149 / 214 كلّها عن مسعده ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 76 / 1778 ، المقنعه : 304 ، بحار الأنوار : 96 / 253 / 26 .
6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 87 / 1805 ، ثواب الأعمال : 77 / 1 ، الأمالى للصدوق : 683 / 936 كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 96 / 247 / 4 .

1 / 6 دعای فرشتگان برای روزه دار

امام صادق علیه السلام :هر گاه روزه دار ، گروهی را ببیند که غذا می خورند ، یا مردی را ببیند که غذا می خورد ، هر موی او خدا را تسبیح می گوید (1) .

سعد السعود از جمله آنچه از سخن خداوند در زَبور نقل کرده است :روزه داران را مژده باد به درجه رستگاران !

1 / 6دعای فرشتگان برای روزه دارامام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام : پیامبر خدا فرمود : «خداوند ، فرشتگان خود را برای دعا به روزه داران ، گماشته است» و فرمود : «جبرئیل از طرف خداوند ، مرا خبر داد که خداوند فرمود : هرگز فرشتگانم را مأمور دعا برای هیچ یک از بندگانم نکردم ، مگر آن که دعایشان را درباره او مستجاب ساختم » .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ روزه داری در میان گروهی که غذا می خورند ، حاضر نمی شود ، مگر آن که اعضایش تسبیح می گویند و درود فرشتگان بر او خواهد بود . درود فرشتگان ، همان استغفار است .

.

1- .شاید مراد ، این باشد که ثواب آن به او داده می شود ، یا چون میل به غذا در همه بدن او تأثیر می گذارد ، به همان اندازه به او ثواب داده می شود ، گویا همه اعضایش تسبیح خدا گفته اند .

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الرَّجُلَ الصّائِمَ إذا جالَسَ القَومَ وهُم (1) يَطعَمونَ ، صَلَّت عَلَيهِ المَلائِكَةُ حَتّى يُفطِرَ الصّائِمُ . (2)

سنن ابن ماجه عن اُمّ عماره :أتانا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقَرَّبنا إلَيهِ طَعاما ، فَكانَ بَعضُ مَن عِندَهُ صائِما ، فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «الصّائِمُ إذا اُكِلَ عِندَهُ الطَّعامُ صَلَّت عَلَيهِ المَلائِكَةُ» . (3)

سنن ابن ماجه عن بريده :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لِبِلالٍ : «الغَداءُ يا بِلالُ !» فَقالَ : إنّى صائِمٌ . قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «نَأكُلُ أرزاقَنا وفَضلُ رِزقِ بِلالٍ فِى الجَنَّهِ . أشَعَرتَ يا بِلالُ أنَّ الصّائِمَ تُسَبِّحُ عِظامُهُ وتَستَغفِرُ لَهُ المَلائِكَةُ ما اُكِلَ عِندَهُ؟» . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ الصّائِمَ مِنكُم لَيَرتَعُ فى رِياضِ الجَنَّهِ ، تَدعو لَهُ المَلائِكَةُ حَتّى يُفطِرَ . (5)

عنه عليه السلام :مَن كَتَمَ صَومَهُ قالَ اللّهُ عز و جل لِمَلائِكَتِهِ : «عَبدِى استَجارَ مِن عَذابى فَأجيروهُ» . ووَكَّلَ اللّهُ تَعالى مَلائِكَتَهُ بِالدُّعاءِ لِلصّائِمينَ ، ولَم يَأمُرهُم بِالدُّعاءِ لِأَحَدٍ إلاّ استَجابَ لَهُم فيهِ . (6)

.

1- .فى المصدر : «وهو» ، والصحيح ما أثبتناه كما فى مجمع الزوائد : 3 / 458 / 5225 .
2- .المعجم الأوسط : 6 / 275 / 6399 عن ابن عبّاس .
3- .سنن ابن ماجه : 1 / 556 / 1748 ، مسند ابن حنبل : 10 / 413 / 27543 وح 27542 وص 300 / 27127 ، سنن الترمذى : 3 / 153 / 785 ، السنن الكبرى : 4 / 503 / 8513 والأربعه الأخيره نحوه .
4- .سنن ابن ماجه : 1 / 556 / 1749 ، شُعب الإيمان : 3 / 297 / 3586 ، تاريخ دمشق : 54 / 110 / 11388 وج 10 / 462 / 2662 عن سليمان بن بريده .
5- .الكافى : 8 / 366 / 556 ، المقنعه : 374 كلاهما عن أبى حمزه الثمالى وص 305 ، روضه الواعظين : 383 ، بحار الأنوار : 27 / 132 / 123 .

6- .الكافى : 4 / 64 / 10 ، تهذيب الأحكام : 4 / 190 / 539 وفيه «كثر» بدل «كتم» وكلاهما عن السكونى ، بحار الأنوار : 59 / 190 / 44 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه دار ، وقتی با گروهی که می خورند ، همنشین شود ، فرشتگان بر او درود می فرستند ، تا آن که افطار کند .

سنن ابن ماجه به نقل از اُمّ عَماره :پیامبر خدا پیش ما آمد . غذایی نزد او آوردیم . بعضی از همراهانش روزه بودند . پیامبر خدا فرمود : «هر گاه نزد روزه دار غذا خورده شود ، فرشتگان بر او درود می فرستند» .

سنن ابن ماجه به نقل از بُرَیْده :پیامبر خدا به بلال فرمود : «ای بلال! صبحانه بخور» . گفت : روزه ام . پیامبر خدا فرمود : «ما روزیِ خود را می خوریم و اضافی روزیِ بلال ، در بهشت است . ای بلال! آیا می دانی تا وقتی که نزد یک روزه دار غذا خورده می شود ، استخوان هایش تسبیح می گویند و فرشتگان برای او استغفار می کنند؟» .

امام صادق علیه السلام :روزه دارِ از شما ، در گلستان های بهشت ، بهره مند می شود . فرشتگان برای او دعا می کنند ، تا آن که افطار کند .

امام صادق علیه السلام :هر کس روزه خود را پنهان دارد ، خداوند به فرشتگانش می فرماید : «بنده من از آتش ، پناه جست . پس پناهش دهید» . و خداوند متعال ، فرشتگان خود را می گمارد تا برای روزه داران دعا کنند . و خداوند ، هرگز آنان را مأمور دعا برای هیچ کس نکرده ، مگر آن که دعایشان را درباره او پذیرفته است .

.

الإمام الرضا عليه السلام :إنَّ للّهِ تَبارَکَ وتَعالی مَلائِکَةً مُوَکَّلینَ بِالصّائِمینَ وَالصّائِماتِ ، یَمسَحونَهُم بِأَجنِحَتِهِم ، ویُسقِطونَ عَنهُم ذُنوبَهُم . وإنَّ للّهِ تَبارَکَ وتَعالی مَلائِکَةً قَد وَکَّلَهُم بِالاِستِغفارِ لِلصّائِمینَ وَالصّائِماتِ، لایَعلَمُ عَدَدَهُم إلاَّ اللّهُ عز و جل. (1)

وانظر : ص 116 ، ح 129 .

1 / 7بَرَکاتُ ضِیافَهِ اللّهِأ التَّقویالکتاب« یَأَیُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُواْ کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیَامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِن قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ » (2) .

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : 104 / 92 عن الحسن بن علیّ بن فضّال .
2- .البقره : 183 .

1 / 7 برکات میهمانی خدا

اشاره

الف تقوا

امام رضا علیه السلام :خداوند متعال ، فرشتگانی دارد که بر مردان و زنان روزه دار ، گماشته شده اند و بال های خویش را بر آنان می کشند و گناهانشان را فرو می ریزند . خداوند متعال ، فرشتگانی دارد که آنان را گماشته تا برای مردان و زنان روزه دار ، استغفار کنند . شمار آنان را کسی جز خدا نمی داند .

ر . ک : ص 117 ، ح 129

1 / 7برکات میهمانی خداالف تقواقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته (واجب) شده است ، آن گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند ، نوشته شده بود . باشد که پروا کنید!» . 1

.

الحديثرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الصِّيامُ جُنَّةٌ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :الصَّومُ جُنَّةٌ مِنَ النّارِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :الصِّيامُ جُنَّةٌ وحِصنٌ حَصينٌ مِنَ النّارِ . (3)

معانى الأخبار عن أنس عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :«الصَّومُ جُنَّةٌ يَعنى حِجابٌ مِنَ النّارِ» . وإنَّما قالَ ذلِكَ؛لِأَنَّ الصَّومَ نُسُكٌ باطِنٌ لَيسَ فيهِ نَزغَةُ شَيطانٍ ولا مُراءاةُ إنسانٍ. 4

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّمَا الصِّيامُ جُنَّةٌ يَستَجِنُّ بِهَا العَبدُ مِنَ النّارِ . (4)

.

1- .صحيح البخارى:2/670/1795 وص673/1805 وج 6/2723/7054،صحيح مسلم: 2/806/162،سنن أبى داود: 2/307/2363، الموطّأ: 1/310/57، سنن النسائى: 4/166 و167، السنن الكبرى : 4/448/8309 كلّها عن أبى هريره . تهذيب الأحكام : 2 / 242 / 958 عن سليمان بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .

2- .الكافى : 2 / 19 / 5 وج 4 / 62 / 1 ، تهذيب الأحكام : 4 / 151 / 418 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 119 / 117 ، تفسير العيّاشى : 1 / 191 / 109 كلّها عن زراره عن الإمام الباقر عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 74 / 1771 ؛ سنن الترمذى : 3 / 136 / 764 عن أبى هريره ، سنن ابن ماجه : 1 / 525 / 1639 عن عثمان بن أبى العاص ، مسند أبى يعلى : 4 / 5 / 3644 عن أنس .

3- .مسند ابن حنبل : 3 / 367 / 9236 ، شُعب الإيمان : 3 / 289 / 3571 كلاهما عن أبى هريره وح 3570 عن جابر وفيه «الصيام جُنّه حصينه من النار» ، كنز العمّال : 8 / 443 / 23565 .

4- .مسند ابن حنبل : 5 / 213 / 15264 عن جابر ، المعجم الكبير : 9 / 58 / 8386 عن عثمان بن أبى العاص ، شعب الإيمان : 3 / 289 / 3570

عن جابر عنه صلى الله عليه و آله عن اللّه عز و جل وفيه«يجتنّ»بدل «يستجنّ»، كنز العمّال : 8 / 452 / 23618 .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روزه ، سپر است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه ، سپری نگه دارنده از آتش است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه ، سپر است و دژی استوار و نگه دارنده از آتش است .

معانی الأخبار به نقل از اَنَس :پیامبر خدا فرمود : «روزه ، سپر یعنی حجاب و باز دارنده از آتش است» . (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا روزه ، سپری است که بنده با آن ، خود را از آتش ، حفظ می کند .

.

1- .پیامبر صلی الله علیه و آله این را از آن جهت فرمود که روزه ، عبادتی باطنی است و لغزش شیطانی یا ریا (نشان دادن به دیگران) در آن نیست (معانی الأخبار : 408) . در مصباح الشریعه است که پیامبر خدا فرمود : «روزه ، سپر است» ؛ یعنی ، پوششی است که او را از آفات دنیا و عذاب آخرت ، نگه می دارد .

عنه صلى الله عليه و آله :الصَّومُ جُنَّةٌ ما لَم يَخرِقها . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ الصِّيامَ جُنَّةٌ مِنَ النّارِ ومِن بَوائِقِ الدَّهرِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله : تَبارَكَ وتَعالى قالَ اللّهُ : ... الصِّيامُ جُنَّةُ العَبدِ المُؤمنِ يَومَ القِيامَهِ ، كَما يَقى أحَدَكُم سِلاحُهُ فِى الدُّنيا . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ أفضَلَ ما تَوَسَّلَ بِهِ المُتَوَسِّلونَ إلَى اللّهِ سُبحانَهُ وتَعالى الإِيمانُ بِهِ وبِرَسولِهِ ... وصَومُ شَهرِ رَمَضانَ فَإِنَّهُ جُنَّةٌ مِنَ العِقابِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام لِعَلِىِّ بنِ عَبدِ العَزيزِ :ألا اُخبِرُكَ بِأَبوابِ الخَيرِ؟ الصَّومُ جُنَّةٌ مِنَ النّارِ . (5)

ب ذَهابُ الأَشَرِ وَالشَّبَقِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :عَلَيكُم بِالصَّومِ ؛ فَإِنَّهُ مَحسَمَهٌ لِلعِرقِ ، مُذهِبٌ لِلأَشَرِ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :يا مَعشَرَ الشَّبابِ ، عَلَيكُم بِالباهِ ، فَإِن لَم تَستَطيعوهُ فَعَلَيكُم بِالصِّيامِ؛ فَإِنَّهُ وِجاؤُهُ . (7)

.

1- .سنن النسائى : 4 / 167 و168 ، سنن الدارمى : 1 / 441 / 1683 ، مسند ابن حنبل : 1 / 414 / 1690 وص 417 / 1700 ، المستدرک على الصحيحين : 3 / 297 / 5153 ، السنن الكبرى : 4 / 450 / 8314 وج 9 / 288 / 18566 كلّها عن أبى عبيده الجرّاح ؛ نثر الدرّ : 1 / 231 .
2- .الجامع الصغير : 2 / 103 / 5059 ، كنز العمّال : 8 / 449 / 23603 كلاهما نقلاً عن ابن النجّار عن أبى مليكه .
3- .الخصال : 45 / 42 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 134 / 142 وزاد فيه «من النار» قبل «يوم القيامه» وكلاهما عن ابن عبّاس ، روضه الواعظين : 383 .
4- .نهج البلاغه : الخطبه 110 .
5- .تهذيب الأحكام : 4 / 152 / 419 ، الكافى : 4 / 62 / 3 وفيه «إنّ الصوم جنّه» بدل «الصوم جُنّه من النار» ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 75 /

1775 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 122 / 126 وليس فيه «من النار» ، المحاسن : 1 / 450 / 1038 ، بحار الأنوار : 96 / 256 / 35 .
6- .الزهد لابن المبارک : 392 / 1112 ، کنز العمّال : 8 / 450 / 23610 نقلاً عن أبی نعیم فی الطبّ وکلاهما عن شدّاد بن عبد اللّه ؛ نثر الدرّ : 1 / 208 .
7- .الکافی : 4/180/2 عن عبد اللّه بن بکیر عن بعض أصحابنا عن أحدهما علیهماالسلام ، السرائر : 2 / 518 عن ابن مسعود نحوه ؛ سنن النسائی : 4 / 169 ، مسند ابن حنبل : 2 / 14 / 3592 وص 108 / 4023 وص 111 / 4035 وص 126 / 4112 ، السنن الکبری : 4 / 489 / 8453 وزادوا فیها «فإنّه أغضُّ للبصر وأحصنُ للفرج» بعد «علیکم بالباه» وکلّها عن عبد اللّه .

ب کاستن از سرمستی و غریزه جنسی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه ، سپری نگه دارنده است ، تا وقتی که بنده آن را پاره نکند . (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه ، سپری نگه دارنده از آتش و مصیبت های روزگار است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند متعال فرموده است : «... روزه ، سپر نگه دارنده بنده مؤمن از آتش در روز قیامت است ، همان گونه که در دنیا هر یک از شما را سلاحش حفظ می کند» .

امام علی علیه السلام :برترین وسیله ای که خداجویان به آن توسّل جسته اند ، ایمان به خدا و پیامبر او ... و روزه ماه رمضان است ؛ چرا که آن ، نگه دارنده از عقاب است .

امام صادق علیه السلام خطاب به علی بن عبد العزیز :آیا تو را خبر ندهم به درهای نیکی؟ روزه ، سپری نگه دارنده از آتش است .

ب کاستن از سرمستی و غریزه جنسیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه بگیرید ؛ چرا که نیروی شهوت را می کاهد و سرمستی را می برد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای گروه جوانان ! ازدواج و آمیزش کنید . اگر نتوانستید ، روزه بگیرید ؛ چرا که نیروی جنسی را می کاهد .

.

1- .سیّد رضی ، پس از نقل روایت ، می گوید : «این ، استعاره است و پیامبر صلی الله علیه و آله روزه را که روزه دار را از عذاب ها و عقاب های سخت حفظ می کند ، آن گاه که نیّت خود را برای روزه ، خالص و اندرون خود را شایسته سازد به سپر ، تشبیه کرده است و کسی را که خود را با روزه از لغزش ها و سخنان ناروا و کارهای زشت نگه می دارد ، همچون کسی دانسته که خود را با آن سپر (پوشش) حفاظت می کند . نیز

کسی را که خویش را با پیروی از هوای نفس و تباهی نابود می سازد ، همانند کسی دانسته که آن سپر را دریده و خود را از هیچ زخم و آسیبی مصون نداشته است . این ، از بهترین و دل نشین ترین تمثیل ها و تشبیه هاست» (المجازات النبویّه : 341) .

المعجم الكبير :عَن قُدامَةَ بنِ مَظعونٍ عَن أخيهِ عُثمانَ بنِ مَظعونٍ أ نَّهُ قالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى رَجُلٌ تَشُقُّ عَلَىَّ هذِهِ العُزبَةُ فِى المَغازى ، فَتَأذَنُ لى فِى الاِختِصاءِ فَأختَصى؟ قالَ : «لا ، ولكِن عَلَيكَ يَابنَ مَظعونٍ بِالصِّيامِ ؛ فَإِنَّهُ مَجفَرَهٌ» . (1)

مسند ابن حنبل عن عبد اللّه بن عمرو :جاءَ رَجُلٌ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آلهفَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، اِيذَن لى أن أختَصِىَ! فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «خِصاءُ اُمَّتِى الصِّيامُ وَالقِيامُ» . (2)

مسند ابن حنبل عن جابر :جاءَ شابٌّ إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ : أتَأذَنُ لى فِى الخِصاءِ؟ فَقالَ : «صُم وسَلِ اللّهَ مِن فَضلِهِ» . (3)

المعجم الكبير عن ابن عبّاس :شَكى رَجُلٌ إلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله العُزوبَةَ ، فَقالَ : ألا أختَصى؟ فَقالَ : «لا ، لَيسَ مِنّا مَن خَصى أوِ اختَصى ، ولكِن صُم ووَفِّر شَعرَ جَسَدِكَ» . (4)

.

1- .المعجم الكبير : 9 / 38 / 8320 ، شُعب الإيمان : 3 / 300 / 3595 وفيه «الخصى» بدل «مجفره» ، كنز العمّال : 8 / 456 / 23634 .
2- .مسند ابن حنبل : 2 / 582 / 6623 ، الزهد لابن المبارک : 391 / 1106 عن سعد بن مسعود وليس فيه «والقيام» ، كنز العمّال : 8 / 449 / 23598 وانظر الطبقات الكبرى : 3 / 394 ومجمع البيان : 2 / 490 والمجازات النبويّه : 85 / 53 .
3- .مسند ابن حنبل : 5 / 176 / 15040 وص 186 / 15107 ، الزهد لابن المبارک : 391 / 1107 .
4- .المعجم الكبير : 11 / 116 / 11304 ، كنز العمّال : 16 / 273 / 44416 وص 483 / 45569 .

المعجم الکبیر به نقل از قُدامَه بن مَظْعون ، از برادرش عثمان بن مَظْعون :ای پیامبر خدا ! من مردی هستم که در جنگ ها ، بی همسری بر من سخت می آید . آیا اجازه می دهی که خود را اخته کنم؟ فرمود : «نه ؛ لیکن ای پسر مظعون ! روزه بگیر ، که نیروی جنسی را می کاهد» .

مسند ابن حنبل به نقل از عبد اللّه بن عمر :مردی خدمت پیامبر خدا آمد و گفت : ای پیامبر خدا ! اجازه بده که خود را اخته کنم . پیامبر خدا فرمود : «اختگیِ امّت من ، روزه و عبادت در شب است» .

مسند ابن حنبل به نقل از جابر :جوانی نزد پیامبر خدا آمد و گفت : آیا اجازه می دهی که خود را اخته کنم؟ فرمود : «روزه بگیر و از فضلِ خداوند بخواه» .

المعجم الکبیر به نقل از ابن عبّاس :مردی به پیامبر خدا از بی همسری شکایت کرد و گفت : آیا خود را اخته نکنم؟ فرمود : «نه . کسی که خود را اخته کند ، از ما نیست؛ لیکن روزه بگیر و موهای بدنت را بلند کن» .

.

الكافى عن محمّد بن يحيى رفعه :جاءَ إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله رَجُلٌ فَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، لَيسَ عِندى طَولٌ فَأنكِحُ النِّساءَ ، فَإلَيكَ أشكُو العُزوبِيَّة ! فَقالَ : «وَفِّر شَعرَ جَسَدِكَ وأدِمِ الصِّيامَ» . فَفَعَلَ ، فَذَهَبَ ما بِهِ مِنَ الشَّبَقِ . (1)

ج تَباعُدُ الشَّيطانِالإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: إنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله قالَ لِأصحابِهِ : «ألا اُخبِرُكُم بِشَىءٍ إن أنتُم فَعَلتُموهُ تَباعَدَ الشَّيطانُ مِنكُم كَما تَباعَدَ المَشرِقُ مِنَ المَغرِبِ؟» قالوا : بَلى . قالَ : «الصَّومُ يُسَوِّدُ وَجهَهُ» . (2)

فضائل الأشهر الثلاثه عن يونس بن ظبيان :قُلتُ لِلصّادِقِ عليه السلام : مَا الَّذى يُباعِدُ عَنّا إبليسَ؟ قالَ : «الصَّومُ يُسَوِّدُ وَجهَهُ ، وَالصَّدَقَةُ تَكسِرُ ظَهرَهُ ، وَالحُبُّ فِى اللّهِ وَالمُؤازَرَهُ عَلَى العَمَلِ الصّالِحِ يَقطَعانِ دابِرَهُ ، وَالاِستِغفارُ يَقطَعُ وَتينَهُ» . (3)

د صِحَّهُ البَدَنِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :صوموا تَصِحّوا . (4)

.

1- .الكافى : 5 / 564 / 36 ، عوالى اللآلى : 3 / 309 / 129 نحوه .
2- .الكافى : 4 / 62 / 2 ، تهذيب الأحكام : 4 / 191 / 542 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 75 / 57 ، الأمالى للصدوق : 117 / 102 كلّها عن إسماعيل بن أبى زياد ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 75 / 1774 .
3- .فضائل الأشهر الثلاثه : 92 / 71 وص 76 / 58 .
4- .الدعوات : 76/179 ، دعائم الإسلام : 1 / 342 عن الإمام على عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، عوالى اللآلى : 1/268/70 ، بحار الأنوار : 96/255/33 ؛ كنز العمّال : 8 / 450 / 23605 نقلاً عن ابن السنى وأبى نعيم فى الطبّ عن أبى هريره.

ج دور شدن شیطان

د تن درستی

الکافی به نقل از محمّد بن یحیی :مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد : ای پیامبر خدا ! ثروت و امکاناتی ندارم که زن بگیرم . از بی همسری ، شکایت نزد تو آورده ام ! فرمود : «موی بدنت را بلند کن و پیوسته روزه بگیر» . رفت و چنان کرد و نیروی شهوتش کاسته شد .

ج دور شدن شیطانامام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب خویش فرمود : «آیا به شما خبر بدهم ، چیزی را که اگر انجام دهید ، شیطان از شما دور می شود ، آن گونه که مشرق از مغرب دور شده است؟» . گفتند : آری . فرمود : «روزه ، شیطان را سیه رو می کند» .

فضائل الأشهر الثلاثه به نقل از یونس بن ظبیان :به امام صادق علیه السلامعرض کردم : چه چیزی ابلیس را از ما دور می سازد؟ فرمود : «روزه ، چهره او را سیاه می کند ؛ صدقه ، کمرش را می شکند ؛ دوست داشتن به خاطر خدا و یاری نمودن بر کار نیک ، ریشه او را می کند و استغفار ، رگ دلش را قطع می کند» .

د تن درستیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه بگیرید تا تن درست شوید .

.

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ عز و جل أوحى إلى نَبِيٍّ مِن أنبياءِ بَنى إسرائيلَ أن «أخبِر قَومَکَ أن لَيسَ عَبدٌ يَصومُ يَوماً اِبتِغاءَ وَجهى إلاّ أصحَحتُ جِسمَهُ ، وأعظَمتُ أجرَهُ» . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :أوحَى اللّهُ عز و جل إلى عيسى فِى الإنجيلِ أن «قُل لِلمَلاَ?مِن بَنى إسرائيلَ : إنَّ مَن صامَ لِمَرضاتى صَحَّحتُ لَهُ جِسمَهُ ، وأعظَمتُ لَهُ أجرَهُ» . (2)

الإمام علىّ عليه السلام :الصِّيامُ أحَدُ الصِّحَّتَينِ . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لِكُلِّ شَىءٍ زَكاهٌ ، وزَكاهُ الأَبدانِ الصِّيامُ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام فيما أوصى بِهِ الحَسَنَ عليه السلام عِندَ وَفاتِهِ :عَلَيکَ بِالصَّومِ ؛ فَإِنَّهُ زَكاهُ البَدَنِ وجُنَّهٌ لِأَهلِهِ . (5)

ه المُقاوَمَهُ فِى المَصائِبِالكتاب« يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ اسْتَعِينُواْ بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَوهِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّبِرِينَ » . (6)

الحديثالإمام الصادق عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : « وَ اسْتَعِينُواْ بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَوهِ » (7) : الصَّبرُ هُوَ الصَّومُ . (8)

.

1- .شعب الإيمان : 3/412/3923 عن أبى إسحاق الهمدانى عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال : 8/447/23587 .
2- .الفردوس : 1 / 143 / 512 ، كنز العمّال : 8 / 455 / 23633 نقلاً عن أبى الشيخ فى الثواب وكلاهما عن أبى الدرداء .
3- .غرر الحكم : 1683 .
4- .الكافى : 4 / 62 / 2 ، تهذيب الأحكام : 4 / 191 / 542 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 75 / 57 كلّها عن إسماعيل بن أبى زياد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 75 / 1774 ، نهج البلاغه : الحكمه 136 ، المقنعه : 304 .

5- .الأمالى للمفيد : 222 / 1 ، الأمالى للطوسى : 8 / 8 كلاهما عن الفجيع العقيلى عن الإمام الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : 96 / 248 / 10 .
6- .البقره : 153 .
7- .البقره : 45 .
8- .تفسير العيّاشى : 1 / 43 / 40 عن عبد اللّه بن طلحه ، بحار الأنوار : 96 / 254 / 29 .

ه مقاومت در مصیبت ها

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند به یکی از پیامبران بنی اسرائیل وحی کرد که : «به قوم خودت خبر بده که هیچ بنده ای به خاطر من روزه نمی گیرد ، مگر آن که تنَش را سالم می سازم و پاداش او را بزرگ می دارم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند متعال در انجیل به عیسی علیه السلام وحی کرد که : «به مردم بنی اسرائیل بگو : هر کس برای کسب رضای من روزه بگیرد ، بدنش را سالم می کنم و پاداشش را بزرگ می دارم» .

امام علی علیه السلام :روزه ، یکی از دو [عامل] (1) تن درستی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر چیزی زکاتی دارد و زکات بدن ها ، روزه گرفتن است .

امام علی علیه السلام در وصیّت خویش به امام حسن علیه السلام به هنگام وفات :روزه بدار ؛ چرا که زکات بدن است و سپری نگه دارنده برای روزه داران است .

ه مقاومت در مصیبت هاقرآن«ای کسانی که ایمان آورده اید ! از صبر و نماز ، یاری بجویید . یقینا خداوند ، با صابران است» .

حدیثامام صادق علیه السلام درباره آیه : «از صبر و نماز ، یاری بجویید» : صبر ، همان روزه است .

.

1- .یعنی روزه به تنهایی به اندازه همه عوامل دیگرِ تن درستی در تأمین سلامت انسان ، نقش دارد .

فضائل الأشهر الثلاثه عن سليم عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِ اللّهِ عز و جل : « وَ اسْتَعِينُواْ بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَوهِ » (1) : يَعنِى الصِّيامَ وَالصَّلاهَ . وقالَ عليه السلام : إذا نَزَلَت [بِ] الرَّجُلِ النّازِلَهُ أوِ الشِّدَّهُ فَليَصُم ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جل يَقولُ : « وَ اسْتَعِينُواْ بِالصَّبْرِ » يَعنِى الصِّيامَ . (2)

و الحِكمَهالإمام علىّ عليه السلام فى حَديثِ المِعراجِ :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله سَأَلَ رَبَّهُ سُبحانَهُ لَيلَهَ المِعراجِ فَقالَ : ... يا رَبِّ ، وما ميراثُ الصَّومِ؟ قالَ : «الصَّومُ يورِثُ الحِكمَهَ ، وَالحِكمَهُ تورِثُ المَعرِفَهَ ، وَالمَعرِفَهُ تورِثُ اليَقينَ ؛ فَإِذَا استَيقَنَ العَبدُ لا يُبالى كَيفَ أصبَحَ ؛ بِعُسرٍ أم بِيُسرٍ» . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :القَلبُ يَتَحَمَّلُ الحِكمَهَ عِندَ خُلُوِّ البَطنِ ؛ القَلبُ يَمُجُّ الحِكمَهَ عِندَ امتِلاءِ البَطنِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا رَأَيتُم أهلَ الجُوعِ وَالتَّفَكُّرِ فَاقتَرِبوا مِنهُم ؛ فَإِنَّهُ تَجرِى الحِكمَهُ مَعَهُم . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أجاعَ بَطنَهُ ؛ عَظُمَت فِكرَتُهُ وفَطِنَ قَلبُهُ . (6)

.

1- .البقره : 45 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : 122 / 125 ، تفسير العيّاشى : 1 / 43 / 41 عن سليمان الفرّاء عن أبى الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : 96 / 254 / 30 .
3- .إرشاد القلوب : 203 ، بحار الأنوار : 77 / 27 / 6 .
4- .تنبيه الخواطر : 2 / 119 .
5- .كنز العمّال : 9 / 37 / 24818 نقلاً عن الحاكم فى تاريخه والديلمى عن ابن عمر .
6- .إحياء علوم الدين : 3 / 129 ؛ المحجّه البيضاء : 5 / 154 .

و حکمت

فضائل الأشهر الثلاثه به نقل از سلیم ، از کسی دیگر ، از امام صادق علیه السلامدرباره این کلام الهی : «از صبر و نماز ، یاری بجویید» : «یعنی روزه و نماز» . و فرمود : «هر گاه مصیبتی بزرگ یا سختی ای بر کسی وارد شد ، روزه بگیرد ؛ چرا که خداوند می فرماید : «از صبر یاری بجویید» ، یعنی از روزه» .

و حکمتامام علی علیه السلام در حدیث معراج :پیامبر صلی الله علیه و آله از پروردگارش در شب معراج پرسید : ... پروردگارا ! رهاورد روزه چیست؟ فرمود : «روزه ، حکمت می آورد و حکمت ، معرفت می آورد و معرفت ، به یقین می رساند . پس هر گاه بنده به یقین رسید ، در این فکر نیست که چگونه صبح کرده است : با تنگ دستی یا توانگری» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :وقتی شکمْ خالی باشد ، قلب ، بار حکمت می کشد و آن گاه که پر باشد ، قلب ، حکمت را برمی گرداند و بیرون می افکند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه اهل گرسنگی و اندیشه را دیدید ، به آنان نزدیک شوید ؛ چرا که حکمت ، با آنها جریان دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس شکمش را گرسنه بدارد ، فکرش بزرگ و قلبش هوشمند می شود .

.

ز التَّقَرُّبُ إلَى اللّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله لِاُسامَةَ بن زَيدٍ :يا اُسامَةُ ، عَلَيکَ بِالصَّومِ ؛ فَإنَّهُ يُقَرِّبُ إلَى اللّهِ . إنَّهُ لَيسَ شَىءٌ أحَبَّ إلَى اللّهِ مِن رِيحِ فَمِ الصّائِمِ تَرَکَ الطَّعامَ وَالشَّرابَ لِلّهِ عز و جل ، فَإنِ استَطَعتَ أن يَأتِيَکَ المَوتُ وبَطنُکَ جائِعٌ وکَبِدُکَ ظَمآنُ فَافعَل ؛ فَإنَّکَ تُدرِکُ شَرَفَ المَنازِلِ فِى الآخِرَهِ ، وتَحِلُّ مَعَ النَّبِيِّينَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ شَهرَ رَمَضانَ فى إنصاتٍ وسُکوتٍ ، وکَفَّ سَمعَهُ وبَصَرَهُ وفَرجَهُ وجَوارِحَهُ مِنَ الکَذِبِ وَالحَرامِ وَالغيبَهِ تَقَرُّباً إلَى اللّهِ تَعالى ؛ قَرَّبَهُ اللّهُ تَعالى حَتّى يَمَسَّ رُکبَتَى إبراهيمَ الخَليلِ عليه السلام . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أفضَلُکُم مَنزِلَةً عِندَ اللّهِ تَعالى أطوَلُکُم جَوعا وتَفَکُّرا ؛ وأبغَضُکُم إلَى اللّهِ تَعالى کُلُّ نَؤومٍ وأکولٍ وشَروبٍ . (3)

إحياء علوم الدين عن عيسى عليه السلام :أجيعوا أکبادَکُم ، وأعروا أجسادَکُم ؛ لَعَلَّ قُلوبَکُم تَرَى اللّهَ عز و جل . ورُوِىَ ذلِکَ أيضا عَن نَبِيِّنا صلى الله عليه و آله . (4)

ح إجابَهُ الدُّعاءِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ لِکُلِّ صائِمٍ دَعوَهً . (5)

.

1- .تاريخ دمشق : 8 / 76 ، بغيه الباحث : 119 / 344 ؛ التحصين لابن فهد : 20 / 39 نحوه وکلّها عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل ، دعائم الإسلام : 1 / 270 عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه صدره فقط ، بحار الأنوار : 96 / 258 / 41 .
2- .ثواب الأعمال : 1 / 344 عن أبى هريره وابن عبّاس ، فضائل الأشهر الثلاثه : 132 / 139 ، روضه الواعظين : 373 کلاهما عن أبى هريره ، جامع الأخبار : 203 / 496 ، أعلام الدين : 424 عن ابن عبّاس وکلّها نحوه ، بحار الأنوار : 76 / 371 / 30 .
3- .تنبيه الخواطر : 1 / 100 ، المحجّه البيضاء : 5 / 146 ؛ إحياء علوم الدين : 3 / 124 .

4- .إحياء علوم الدين : 3 / 125 ؛ المحجّه البيضاء : 5 / 148 ، مشكاه الأنوار : 448 / 1503 عن رسول اللّه صلى الله عليه و آلهنحوه .
5- .الزهد لابن المبارک : 494/1409 ، مسند الشهاب : 2 / 128 / 1031 كلاهما عن الحارث بن عبيده ؛ الدعوات: 26 / 44 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : 96 / 255 / 33 .

ز تقرّب به خدا

ح اجابت دعا

ز تقرّب به خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به اُسامه بن زید :ای اسامه! روزه بگیر ؛ چرا که به خدا نزدیک می سازد . هیچ چیزی نزد خدا محبوب تر از بوی دهانِ روزه داری نیست که به خاطر خدا غذا و نوشیدنی را ترک کرده است . پس اگر بتوانی زمانی که مرگ ، تو را درمی یابد ، شکمت گرسنه و جگرت تشنه باشد ، چنان کن ، که در آخرت ، شرافت منزلگاه ها را درک می کنی و با پیامبران ، هم خانه می شوی .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ماه رمضان را در گوش سپردن و سکوت ، روزه بدارد و برای تقرّب به خدا ، گوش ، چشم ، غریزه جنسی و اعضایش را از دروغ و حرام و غیبت نگه دارد ، خداوند ، او را نزدیک می دارد ، تا آن جا که زانوهای ابراهیم خلیل علیه السلام را لمس کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بامنزلت ترینِ شما نزد خداوند ، کسی است که گرسنگی و اندیشه اش طولانی تر باشد ، و منفورترینِ شما نزد خدا ، هر پُرخواب و پُرخور و پُرنوشی است .

إحیاء علوم الدین به نقل از عیسی علیه السلام :دل هایتان را گرسنه و بدن هایتان را عریان بدارید . (1) باشد که دل هایتان خدا را ببیند . (2)

ح اجابت دعاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر روزه داری ، دعایی [مستجاب] دارد .

.

1- .مقصود ، اجتناب از لباس هایی است که با هدف خودنمایی پوشیده می شود .
2- .این حدیث ، از پیامبر ما صلی الله علیه و آله نیز روایت شده است .

عنه صلى الله عليه و آله :الصّائِمُ لا تُرَدُّ دَعوَتُهُ . (1)

وانظر : ص 294 (ما ينبغى عند الإفطار / الدعاء) .

ط الأَمنُ يَومَ القِيامَهِالإمام الباقر عليه السلام :لَمّا كَلَّمَ اللّهُ موسَى بنَ عِمرانَ عليه السلام قالَ موسى : ... إلهى ، فَما جَزاءُ مَن صامَ فى بَياضِ النَّهارِ يَلتَمِسُ بِذلِکَ رِضاکَ؟ قالَ : «يا موسى ، لَهُ جَنَّتى ، ولَهُ الأَمانُ مِن كُلِّ هَولٍ يَومَ القِيامَهِ ، وَالعِتقُ مِنَ النّارِ» . (2)

الإمام الهادى عليه السلام :لَمّا كَلَّمَ اللّهُ عز و جل موسَى بنَ عِمرانَ عليه السلام قالَ موسى : ... إلهى ، فَما جَزاءُ مَن صامَ شَهرَ رَمَضانَ لَکَ مُحتَسِباً؟ قالَ : «يا موسى ، اُقيمُهُ يَومَ القِيامَهِ مُقاماً لا يَخافُ فيهِ» . قالَ : إلهى ، فَما جَزاءُ مَن صامَ شَهرَ رَمَضانَ يُريدُ بِهِ النّاسَ؟ قالَ : «يا موسى ، ثَوابُهُ كَثَوابِ مَن لَم يَصُمهُ» . (3)

ى الرّاحَهُ يَومَ الحِسابِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ يَومُ القِيامَهِ تَخرُجُ الصُّوّامُ مِن قُبورِهِم ، يُعرَفونَ بِرِياحِ صِيامِهِم ، أفواهُهُم أطيَبُ مِن رِيحِ المِسكِ ، فَيُلقَونَ بِالمَوائِدِ وَالأباريقِ مُختَّمَهً بِالمِسكِ ، فَيُقالُ لَهُم : «كُلوا فَقَد جُعتُم ، وَاشرَبوا فَقَد عَطِشتُم ، ذَرُوا النّاسَ وَاستَريحوا فَقَد أعيَيتُم إذِ استَراحَ النّاسُ» . فَيَأكُلونَ ويَشرَبونَ ويَستَريحونَ وَالنّاسُ فى عَناءٍ وظَمَأ?. (4)

.

1- .مسند ابن حنبل : 3 / 519 / 10187 ، المصنّف لابن أبى شيبه : 2 / 424 / 12 ، مسند إسحاق بن راهويه : 1 / 320 / 303 ، مسند الشهاب : 1 / 163 / 230 كلّها عن أبى هريره ؛ عدّه الداعى : 117 ، عوالى اللآلى : 2 / 223 / 34 وانظر فضائل الأشهر الثلاثه : 143 / 157 والسنن الكبرى : 3 / 481 / 6392 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : 89 / 68 عن زياد بن المنذر ، بحار الأنوار : 96 / 364 / 34 وج69 / 414 / 131 .
3- .الأمالى للصدوق : 277 / 307 عن عبد العظيم بن عبد اللّه الحسنى ، بحار الأنوار : 96 / 363 / 33 .

4- .الدرّ المنثور : 1 / 442 نقلاً عن أبى الشيخ فى الثواب ، كنز العمّال : 8 / 457 / 23644 نقلاً عن أبى الشيخ فى الثواب والديلمى وكلاهما عن أنس .

ط ایمنی در روز قیامت

ی آسودگی در روز حساب

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعای روزه دار ، رد نمی شود .

ر . ک : ص 295 (آنچه هنگام افطارْ سزاوار است / دعا) .

ط ایمنی در روز قیامتامام باقر علیه السلام :آن گاه که خداوند با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت ، موسی گفت : خدایا ! پاداش کسی که به خاطر رضای تو در روز روشن روزه بگیرد ، چیست؟ فرمود : «ای موسی ! بهشت من ، برای اوست و برای اوست ایمنی از هر هراسی در روز قیامت و آزادی از آتش دوزخ» .

امام هادی علیه السلام :آن گاه که خداوند با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت ، موسی گفت : پروردگارا ! پاداش آن که به خاطر پاداش و رضای تو ماه رمضان را روزه بگیرد ، چیست؟ فرمود : «ای موسی ! روز قیامت ، او را جایگاهی می دهم که در آن جا بیمی نداشته باشد» . گفت : خدایا ! پس پاداش آن که ماه رمضان را به خاطر مردم ، روزه بگیرد ، چیست؟ فرمود : «ای موسی ! پاداش او ، همچون پاداش کسی است که آن ماه را روزه نگرفته باشد» .

ی آسودگی در روز حسابپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون روز قیامت شود ، روزه داران از گورهای خود بیرون می آیند . آنان با بوی روزه داری شان شناخته می شوند . دهان هایشان خوش بوتر از بوی مُشک است ، [فرشتگان] با آنان همراه با سفره ها و تُنگ های مُهرخورده با مُشک ، دیدار می کنند و به آنان گفته می شود : «بخورید ، که گرسنگی کشیدید و بنوشید ، که تشنه شدید . مردم را وا گذارید و به آسایش بپردازید؛ زیرا آن گاه که آنان آسوده بودند ، شما رنج کشیدید» . پس می خورند و می آشامند و می آسایند ، در حالی که مردم ، در رنج و تشنگی اند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :ثَلاثَهٌ لَيسَ عَلَيهِم حِسابٌ فيما طَعِموا إذا كانَ حَلالاً : الصّائِمُ ، وَالمُتَسَحِّرُ ، وَالمُرابِطُ فى سَبيلِ اللّهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ يَوما فى سَبيلِ اللّهِ خُفِّفَ عَنهُ مِن وُقوفِ يَومِ القِيامَهِ عِشرينَ سَنَهً . (2)

ک الشَّفاعَهُ فِى الآخِرَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الصِّيامُ وَالقُرآنُ يَشفَعانِ لِلعَبدِ يَومَ القِيامَهِ ؛ يَقولُ الصِّيامُ : أى رَبِّ ، مَنَعتُهُ الطَّعامَ وَالشَّهَواتِ بِالنَّهارِ ؛ فَشَفِّعنى فيهِ ، وَيقولُ القُرآنُ : مَنَعتُهُ النَّومَ بِاللَّيلِ ؛ فَشَفِّعنى فيهِ قالَ : فَيُشَفَّعانِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا ماتَ العَبدُ كانَتِ الصَّلاهُ عِندَ رَأسِهِ ، وَالصَّدَقَهُ عَن يَمينِهِ ، وَالصِّيامُ عِندَ صَدرِهِ . (4)

ل التَّباعُدُ مِنَ النّارِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ يَوما فى سَبيلِ اللّهِ عز و جل باعَدَ اللّهُ مِنهُ جَهَنَّمَ مَسيرَهَ مِئَهِ عامٍ . (5)

.

1- .المعجم الكبير : 11 /12012/285 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 8/450/23604 وج 15/816/43246 .
2- .تاريخ بغداد : 12 / 243 / 6694 عن ابن عبّاس .
3- .مسند ابن حنبل : 2 / 586 / 6637 ، المستدرک على الصحيحين : 1 / 740 / 2036 ، حليه الأولياء : 8 / 161 وفيه «والشراب» بدل «والشهوات» ، الفردوس : 2 / 408 / 3815 كلّها عن عبد اللّه بن عمرو ، كنز العمّال : 8 / 444 / 23575 .
4- .حليه الأولياء : 6 / 147 عن ثوبان ، كنز العمّال : 15 / 830 / 43302 .
5- .سنن النسائى : 4 / 174 ، مسند أبى يعلى : 2 / 314 / 1761 ، المعجم الكبير : 17 / 335 / 927 كلّها عن عقبه ابن عامر ، المعجم الأوسط : 3 / 309 / 3249 عن عمرو بن عبسه ، كنز العمّال : 8 / 449 / 23597 .

ک شفاعت در آخرت

ل دور شدن از آتش

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برای سه کس ، در آنچه بخورند ، حساب نیست ، اگر حلال باشد : روزه دار ، سَحری خور و مرزبان در راه خدا .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در راه خدا یک روز را روزه بدارد ، به اندازه بیست سال از توقّفش در روز قیامت تخفیف داده می شود .

ک شفاعت در آخرتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در روز قیامت ، روزه و قرآن ، از بنده شفاعت می کنند . روزه می گوید : پروردگارا! من او را از طعام و خواسته های دل (1) در روز ، جلوگیری کردم . پس شفاعتم را درباره او بپذیر . قرآن هم گوید : من او را از خواب شبانه باز داشتم . پس شفاعتم را درباره او بپذیر . پس شفاعت هر دو ، پذیرفته می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن گاه که بنده بمیرد ، نماز ، بالای سرش خواهد بود ، صدقه سمت راست او و روزه کنار سینه اش .

ل دور شدن از آتشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در راه خدا یک روز را روزه بدارد ، خداوند ، دوزخ را به اندازه مسافت صد سال ، از او دور می سازد .

.

1- .در برخی منابع ، به جای «خواسته های دل» ، «نوشیدنی» آمده است .

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ يَوماً فى سَبيلِ اللّهِ فَريضَةً باعَدَ اللّهُ مِنهُ جَهَنَّمَ كَما بَينَ السَّماواتِ وَالأَرَضينَ السَّبعِ ، ومَن صامَ يَوماً تَطَوُّعاً باعَدَ اللّهُ مِنهُ جَهَنَّمَ مَسيرَةً كَما بَينَ السَّماءِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يَصومُ يَوماً فى سَبيلِ اللّهِ إلاّ باعَدَ اللّهُ بِذلِكَ اليَومِ وَجهَهُ عَنِ النّارِ سَبعينَ خَريفاً . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ يَوماً اِبتِغاءَ وَجهِ اللّهِ تَعالى بَعَّدَهُ اللّهُ مِن جَهَنَّمَ كَبُعدِ غُرابٍ طارَ وهُوَ فَرخٌ حَتّى ماتَ هَرِماً . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ يَوماً فى سَبيلِ اللّهِ جَعَلَ اللّهُ بَينَهُ وبَينَ النّارِ خَندَقاً كَما بَينَ السَّماءِ وَالأَرضِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ يَوماً فى سَبيلِ اللّهِ مُتَطَوِّعاً فى غَيرِ رَمَضانَ ، بُعِّدَ مِنَ النّارِ مِئَةَ عامٍ سَيرَ المُضَمِّرِ المُجيدِ . (5)

.

1- .المعجم الكبير : 17 / 120 / 295 عن عتبه بن عبد السلمى ، كنز العمّال : 4 / 341 / 10800 .
2- .صحيح مسلم : 2/808/167 وح 168، صحيح البخارى : 3/1044/2685 ، سنن الترمذى : 4/166/1623 ، سنن ابن ماجه : 1 / 548 / 1717 ، مسند ابن حنبل : 4 / 54 / 11210 ، السنن الكبرى : 4 / 488 / 8452 كلّها نحوه ، سنن النسائى : 4 / 173 كلّها عن أبى سعيد الخدرى .
3- .مسند ابن حنبل : 3 / 619 / 10810 عن أبى هريره ، المعجم الكبير : 7 / 56 / 6365 ، المعجم الأوسط : 3 / 271 / 3118 ، مسند أبى يعلى : 1 / 428 / 917 كلّها عن سلمه بن قيصر ، شُعب الإيمان : 3 / 299 / 3590 عن سلمه بن فيض ، كنز العمّال : 8 / 558 / 24155 ؛ مستدرک الوسائل : 7 / 504 / 8751 نقلاً عن درر اللآلى عن سلامه بن قيصر .
4- .سنن الترمذي : 4 / 167 / 1624 ، المعجم الكبير : 8 / 236 / 7921 كلاهما عن أبى أمامه ، المعجم الأوسط : 5 / 112 / 4826 عن جابر ،

تاريخ بغداد : 13 / 455 / 7300 عن ابن مسعود ، كنز العمّال : 4 / 342 / 10806 .
5- .مسند أبى يعلى : 2 / 177 / 1484 عن معاذ ، المعجم الكبير : 8 / 198 / 7806 عن أبى أُمامه نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در راه خدا یک روز را روزه واجب بگیرد ، خداوند ، دوزخ را به اندازه فاصله میان آسمان ها و زمین های هفتگانه از او دور می سازد و هر کس یک روز را روزه مستحب بگیرد ، خداوند ، دوزخ را به اندازه مسافت بین آسمان [و زمین] از او دور می سازد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که در راه خدا یک روز را روزه بدارد ، مگر آن که خداوند به سبب آن روز ، چهره او را هفتاد پاییز (هفتاد سال) از آتش دور می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یک روز را برای خدای متعال روزه بدارد ، خداوند ، او را از دوزخ دور می سازد ، همچون دوریِ کلاغی که در حال جوجگی ، پرواز کند تا آن که از پیری بمیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یک روز را در راه خدا روزه بدارد ، خداوند ، میان او و آتش ، فاصله ای به اندازه فاصله آسمان تا زمین ، قرار می دهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یک روز را در غیر ماه رمضان در راه خدا روزه مستحب بگیرد ، به اندازه صد سال از آتش دور می شود ، با سرعت حرکت تکسوار تیزگام .

.

عنه صلى الله عليه و آله :الصَّومُ يُذبِلُ اللَّحمَ ، ويُبعِدُ مِن حَرِّ السَّعيرِ . (1)

كنز العمّال عن خالد بن الوليد :جاءَ رَجُلٌ إلى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقالَ : إنّى سائِلُکَ عَمّا فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ . فَقالَ لَهُ : «سَل عَمّا بَدا لَکَ ...» . قالَ : مَا الَّذى يُطفِئُ نارَ جَهَنَّمَ؟ قالَ : «الصَّومُ» . (2)

وانظر : ص 122 (بركات ضيافه اللّه / التقوى) .

م الفَوزُ بِالجَنَّهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن خُتِمَ لَهُ بِصِيامِ يَومٍ دَخَلَ الجَنَّهَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن خَتَمَ اللّهُ (بِهِ) بِصَومِ يَومٍ أرادَ بِهِ اللّهَ تَعالى ، أدخَلَهُ اللّهُ الجَنَّهَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ يَوماً تَطَوُّعاً أدخَلَهُ اللّهُ عز و جل الجَنَّهَ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن مَنَعَهُ الصِّيامُ مِن طَعامٍ يَشتَهيهِ كانَ حَقّاً عَلَى اللّهِ أن يُطعِمَهُ مِن طَعامِ الجَنَّهِ ، ويَسقِيَهُ مِن شَرابِها . (6)

.

1- .المعجم الأوسط : 9 / 170 / 9443 عن أنس .
2- .كنزالعمّال: 16/127/ ذيل ح44154نقلاً عن شمس الدين بن القماح فيمجموعٍ له عن أبيالعبّاس المستغفرى.
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 4 / 183 / 5417 وج 2 / 86 / 1802 ، ثواب الأعمال : 77 / 1 كلّها عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام وفى الأخيرين من دون إسناد إليه صلى الله عليه و آله ؛ كنز العمّال : 8/449/23599 نقلاً عن البزّار عن حذيفه.
4- .تاريخ دمشق : 12 / 270 / 2943 ، كنز العمّال : 15 / 852 / 43389 وج 16 / 233 / 44279 كلاهما نقلاً عن مسند أبى يعلى وكلّها عن حذيفه .
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 86 / 1801 ، مكارم الأخلاق : 1 / 300 / 944 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، ثواب الأعمال : 77 / 1 عن

طلحه بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 96 / 253 / 23 .
6- .الغارات : 2 / 707 ، إرشاد القلوب : 215 كلاهما عن سويد بن غفله عن الإمام على عليه السلام ، بحار الأنوار : 66 / 322 / 1 ؛ شُعب الإيمان : 3 / 410 / 3917 وفيه «من الطعام أو الشراب يشتهيه» ، المناقب للخوارزمى : 118 / 130 كلاهما عن سويد بن غفله عن الإمام على عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : 8 / 456 / 23635 وص 583 / 24273 .

م بهشتی شدن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه ، گوشت را می خشکاند و از گرمای دوزخ ، دور می سازد .

کنز العمّال به نقل از خالد بن ولید :مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : من از تو درباره آنچه در دنیا و آخرت است ، می پرسم . به او فرمود : «هر چه می خواهی ، بپرس ...» . گفت : چه چیزی آتش دوزخ را فرو می نشاند؟ فرمود : «روزه» .

ر . ک : ص 123 (برکات میهمانی خدا / تقوا) .

م بهشتی شدنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس عمرش با روزه یک روز به پایان رسد ، وارد بهشت می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس پایان عمرش را با یک روز روزه برای خدا به پایان برد ، خداوند ، او را وارد بهشت می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یک روز را روزه مستحب بگیرد ، خداوند ، او را وارد بهشت می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس که روزه گرفتن ، وی را از غذای مورد علاقه اش باز دارد ، بر خداست که او را از غذای بهشت بخوراند و از نوشیدنیِ بهشت بنوشاند .

.

إحياء علوم الدين عن عائشه :سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : «أديموا قَرعَ بابِ الجَنَّهِ يُفتَح لَكُم» . فَقُلتُ : كَيفَ نُديمُ قَرعَ بابِ الجَنَّهِ؟ قالَ : «بِالجُوعِ وَالظَّمَأ؟ . (1)

الإمام الحسن عليه السلام :مَن صامَ عَشَرَهَ أشهُرِ رَمَضانَ مُتَوالِياتٍ دَخَلَ الجَنَّهَ . (2)

مسند ابن حنبل عن أبي اُمامه :أتَيتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقُلتُ : مُرنى بِعَمَلٍ يُدخِلُنِى الجَنَّهَ . قالَ : «عَلَيكَ بِالصَّومِ ؛ فَإِنَّهُ لا عِدلَ لَهُ» . (3)

الإمام الباقر عليه السلام :أوصى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله اُسامَهَ بنَ زَيدٍ فَقالَ : «يا اُسامَهُ ، عَلَيكَ بِطَريقِ الجَنَّهِ ، وإيّاكَ أن تُختَلَجَ عَنها !» . فَقالَ اُسامَهُ : يا رَسولَ اللّهِ ، وما أيسَرُ ما يُقطَعُ بِهِ ذلِكَ الطَّريقُ؟ قالَ : «الظَّمَأ فِي الهَواجِرِ ، وكَسرُ النُّفوسِ عَن لَذَّهِ الدُّنيا . يا اُسامَهُ ، عَلَيكَ بِالصَّومِ ؛ فَإِنَّهُ جُنَّهٌ مِنَ النّارِ ، وإنِ استَطَعتَ أن يَأتِيَكَ المَوتُ وبَطنُكَ جائِعٌ فَافعَل» . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ الجَنَّهَ مُشتاقَهٌ إلى أربَعَهِ نَفَرٍ ... وصائِمِ شَهرِ رَمَضانَ . (5)

.

1- .إحياء علوم الدين : 3 / 126 ؛ المحجّه البيضاء : 5 / 149 .
2- .الخصال : 445 / 42 عن محمّد بن الحسين الكرخى ، بحار الأنوار : 96 / 365 / 39 .
3- .مسند ابن حنبل : 8 / 271 / 22211 ، سنن النسائى : 4 / 166 ، صحيح ابن حبّان : 8 / 212 / 3425 ، المصنّف لابن أبى شيبه : 2 / 423 / 5 وفيهما «لا مثل له» بدل «لا عِدْل له» ، كنز العمّال : 8 / 583 / 24275 .
4- .دعائم الإسلام : 1 / 270 ، التحصين لابن فهد : 20 / 39 عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل عن رسول اللّه صلى الله عليه و آلهنحوه ، بحار الأنوار : 96 / 258 / 41 ؛ تاريخ دمشق : 8 / 78 عن عبد اللّه بن عبّاس

ومحمّد بن علىّ بن أبى طالب وص76 ، بغيه الباحث : 119 / 344 كلاهما عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل عنه صلى الله عليه و آلهوكلّها نحوه .
5- .مستدرک الوسائل : 7 / 400 / 8524 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

إحیاء علوم الدین به نقل از عایشه :شنیدم که پیامبر خدا می فرمود : «پیوسته ، درِ بهشت را بکوبید تا به روی شما گشوده شود» . گفتم : چگونه پیوسته درِ بهشت را بکوبیم؟ فرمود : «با گرسنگی و تشنگی» .

امام حسن علیه السلام :هر کس ده ماه رمضان را پیوسته روزه بگیرد ، وارد بهشت می شود .

مسند ابن حنبل به نقل از ابو امامه :نزد پیامبر خدا رفتم و گفتم : مرا به کاری فرمان بده که مرا به بهشت وارد کند . فرمود : «روزه بگیر ، که چیزی با آن برابر نیست» .

امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا به اُسامه بن زید سفارش کرد و گفت : «ای اُسامه! در راه بهشت باش و مبادا تو را از آن جدا سازند» . اُسامه گفت : ای پیامبر خدا! آسان ترین چیزی که با آن ، این راه پیموده می شود ، چیست؟ فرمود : «تشنگی در گرمای سوزان و در هم شکستن نفْس ها از لذّت دنیا . ای اُسامه! روزه بگیر ؛ چرا که سپر بازدارنده از آتش است و اگر بتوانی که در حالت گرسنگیِ شکم باشی و مرگت فرا رسد ، چنین کن» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهشت ، مشتاق چند نفر است : ... ، یکی هم روزه دار ماه رمضان .

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ رَمَضانَ ثُمَّ ماتَ دَخَلَ الجَنَّةَ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ رَمَضانَ ثُمَّ حَدَّثَ نَفسَهُ أن يَصومَ إن عاشَ ، فَإِن ماتَ بَينَ ذلِکَ دَخَلَ الجَنَّةَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ شَهرَ رَمَضانَ فَاجتَنَبَ فيهِ الحَرامَ وَالبُهتانَ رَضِيَ اللّهُ عَنهُ ، وأوجَبَ لَهُ الجِنانَ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ الرَّجُلَ لَيَصومُ يَوماً تَطَوُّعاً يُريدُ ما عِندَ اللّهِ عز و جل ، فَيُدخِلُهُ اللّهُ بِهِ الجَنَّةَ . (4)

ن جَوامِعُ البَرَکاتِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن مُؤمِنٍ يَصومُ شَهرَ رَمَضانَ احتِساباً إلاّ أوجَبَ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى لَهُ سَبعَ خِصالٍ : أوَّلُها : يَذوبُ الحَرامُ فى جَسَدِهِ . وَالثّانِيَهُ : يَقرُبُ مِن رَحمَهِ اللّهِ عز و جل . وَالثّالِثَهُ : يَکونُ قَد کَفَّرَ خَطيئَهَ آدَمَ أبيهِ عليه السلام . وَالرّابِعَهُ : يُهَوِّنُ اللّهُ عَلَيهِ سَکَراتِ المَوتِ . وَالخامِسَهُ : أمانٌ مِنَ الجوعِ وَالعَطَشِ يَومَ القِيامَهِ . وَالسّادِسَهُ : يُعطيهِ اللّهُ بَراءَهً مِنَ النّارِ . وَالسّابِعَهُ : يُطعِمُهُ اللّهُ عز و جل مِن طَيِّباتِ الجَنَّهِ . (5)

.

1- .کنز العمّال : 5 / 15 / 11846 نقلاً عن الديلمى عن أبى سعيد الخدرى .
2- .بحار الأنوار : 96 / 345 / 9 نقلاً عن القطب الراوندى فى النوادر عن عبد اللّه بن مسعود .
3- .بحار الأنوار : 96 / 346 / 10 نقلاً عن القطب الراوندى فى النوادر عن أبى إسماعيل بن خالد عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام علىّ عليهم السلام .
4- .الکافى : 4 / 63 / 5 ، تهذيب الأحکام : 2 / 238 / 941 ، ثواب الأعمال : 62 / 1 کلّها عن إسماعيل بن يسار ، کتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 209 / 631 کلّها عن الإمام الصادق عليه السلام .
5- .کتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 74 / 1769 عن الإمام الحسن عليه السلام ، الخصال : 346 / 14 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 101 / 87 ، علل

الشرايع : 379 / 1 ، الأمالى للصدوق : 260 / 279 والأربعه الأخيره عن الحسن بن عبد اللّه عن أبيه عن جدّه الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين : 373 ، بحار الأنوار : 96 / 369 / 49 .

ن مجموعه برکت ها

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس [ماه] رمضان را روزه بدارد و سپس بمیرد ، وارد بهشت می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس [ماه] رمضان را روزه بدارد و سپس در دل خود بگوید که اگر زنده بماند ، [باز هم] روزه می گیرد ، چنانچه در این میان بمیرد ، وارد بهشت می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ماه رمضان را روزه بدارد و در آن از حرام و تهمت پرهیز کند ، خداوند از او راضی می شود و بهشت را بر او واجب می سازد .

امام باقر علیه السلام :همانا شخص ، یک روز را به خاطر ثواب الهی ، روزه مستحب می گیرد ؛ خداوند هم او را وارد بهشت می سازد .

ن مجموعه برکت هاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ مؤمنی نیست که به خاطر خدا ماه رمضان را روزه بدارد ، مگر آن که خداوند متعال ، هفت ویژگی را برای او حتمی می سازد : نخست : حرام در بدنش ذوب می شود . دوم : به رحمت الهی نزدیک می گردد . سوم : کفّاره خطای پدرش آدم علیه السلام را ادا می کند . چهارم : خداوند ، دشواری های دم جان دادن را بر او آسان می سازد . پنجم : از گرسنگی و تشنگی روز قیامت ، ایمن می گردد . ششم : خداوند به او از آتش امان می دهد . و هفتم : خداوند به او از نعمت های پاکیزه بهشت می خوراند .

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ يَوماً مِن رَمَضانَ مُحتَسِباً كانَ لَهُ بِصَومِهِ ما لَو أنَّ أهلَ الدُّنيَا اجتَمَعوا مُنذُ كانَتِ الدُّنيا إلى أن تَنقَضِيَ لَأَوسَعَهُم طَعاماً وشَراباً ، لا يَطلُبُ إلى أهلِ الجَنَّهِ شَيئاً مِن ذلِکَ . (1)

فضائل الأشهر الثلاثه عن الضحّاک عن الإمام علىّ عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «شَعبانُ شَهرى وشَهرُ رَمَضانَ شَهرُ اللّهِ ؛ فَمَن صامَ شَهرى كُنتُ لَهُ شَفيعا يَومَ القِيامَهِ ، ومَن صامَ شَهرَ اللّهِ عز و جل آنَسَ اللّهُ وَحشَتَهُ فى قَبرِهِ ، ووَصَلَ وَحدَتَهُ ، وخَرَجَ مِن قَبرِهِ مُبيَضّا وَجهُهُ ، وأخَذَ الكِتابَ بِيَمينِهِ وَالخُلَدَ بِيَسارِهِ حَتّى يَقِفَ بَينَ يَدَى رَبِّهِ عز و جل ، فَيَقولُ : عَبدى ! فَيَقولُ : لَبَّيکَ سَيِّدى ! فَيَقولُ عز و جل : صُمتَ لى؟ فَيَقولُ : نَعَم يا سَيِّدى ، فَيَقولُ تَبارَکَ وتَعالى : خُذوا بِيَدِ عَبدى حَتّى تَأتوا بِهِ نَبِيِّى (2) ، فَاُوتى بِهِ ، فَأقولُ لَهُ : صُمتَ شَهرى؟ فَيَقولُ : نَعَم ، فَأقولُ : أنَا أشفَعُ لَکَ اليَومَ» . قالَ : «فَيَقولُ اللّهُ تَبارَکَ وتَعالى : أمّا حُقوقى فَقَد تَرَکتُها لِعَبدى ، وأمّا حُقوقُ خَلقى فَمَن عَفا عَنهُ فَعَلَىَّ عِوَضُهُ حَتّى يَرضى» . قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : «فَآخُذُ بِيَدِهِ حَتّى أنتَهىَ بِهِ إلَى الصِّراطِ فَأجِدُهُ دَحضا مَزلَقا ، لا يَثبُتُ عَلَيه أقدامُ الخاطِئينَ ، فَآخُذُ بِيَدِهِ فَيَقولُ لى صاحِبُ الصِّراطِ : مَن هذا يا رَسولَ اللّهِ؟ فَأقولُ : هذا فُلانٌ مِن اُمَّتى ، كانَ قَد صامَ بِالدُّنيا شَهرِى ابتِغاءَ شَفاعَتى ، وصامَ شَهرَ رَبِّهِ ابتِغاءَ وَعدِهِ ، فَيَجوزُ الصِّراطَ بِعَفوِ اللّهِ عز و جل حَتّى يَنتَهِيَ إلى بابِ الجَنَّتَينِ ، فَأستَفتِحُ لَهُ ، فَيَقولُ رِضوانُ : لَکَ اُمِرنا أن نَفتَحَ اليَومَ وِلاُِمَّتِکَ» . قالَ ، ثُمَّ قالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : صوموا شَهرَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَکُن لَکُم شَفيعا ، وصوموا شَهرَ اللّهِ تَشرَبوا مِنَ الرَّحيقِ المَختومِ . (3)

.

1- .المعجم الكبير : 11 / 89 / 11199 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 8 / 481 / 23729 .
2- .فى المصدر : «منّى» ، والتصحيح من بحار الأنوار .
3- .فضائل الأشهر الثلاثه : 124 / 132 و ص 64 / 46 ، بحارالأنوار : 97 / 83 / 54 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یک روز را از [ماه] رمضان به خاطر خدا روزه بگیرد ، پاداش روزه اش به قدری است که اگر همه مردم دنیا از آغاز تا فرجام دنیا ، گرد آیند ، وی می تواند آنان را سیر و سیراب نماید ، بدون آن که از بهشتیان ، اندکی درخواست کند .

فضائل الأشهر الثلاثه به نقل از ضحّاک ، از امام علی علیه السلام :پیامبر خدا فرمود : «شعبان ، ماه من است و ماه رمضان ، ماه خداست . پس هر که ماه مرا روزه بدارد ، در روز قیامت ، شفیع او خواهم بود . و هر کس ماه خدا را روزه بدارد ، خداوند در گور ، وحشت او را به اُنس ، تبدیل می کند ؛ تنهایی او را [به اُنس خود]پیوند می دهد ؛ و او از گور خویش سفیدرو بیرون می آید و نامه عمل را به دست راستش و جاودانگی [در بهشت]را در دست چپش می گیرد ، تا آن که در پیشگاه پروردگارش می ایستد . خداوند می فرماید : بنده من! . می گوید : لبّیک ، سرورم! می فرماید : برای من ، روزه گرفتی؟ . می گوید : آری ، سرورم! خداوند متعال می فرماید : دست بنده ام را بگیرید و نزد پیامبرم ببرید . او را نزد من می آورند . من به او می گویم : ماه مرا روزه گرفتی؟ می گوید : آری . پس می گویم : من امروز ، تو را شفاعت می کنم . پس خدای متعال می فرماید : من از حقوق خودم به خاطر بنده ام گذشتم ؛ امّا درباره حقوق مردم : پس هر که از او درگذرد ، عوض آن بر من است تا آن که راضی شود » . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «پس ، دست او را می گیرم و وی را به صراط می برم . صراط را لغزنده می یابم ، به گونه ای که پای خطاکاران بر آن استوار نمی ماند . [آن جا نیز] دست او را می گیرم . مأمور صراط به من می گوید : ای پیامبر خدا! این کیست؟ می گویم : فلانی است ، از امّت من . در دنیا به خاطر رسیدن به شفاعتم ، ماه مرا روزه گرفته است و به خاطر رسیدن به وعده الهی ، ماه خدا را روزه داشته است . پس با عفو الهی از صراط می گذرد تا آن که به درِ دو بهشت می رسد . من می خواهم تا بهشت را برای او بگشایند . رضوان (نگهبان بهشت) می گوید : ما فرمان یافته ایم که بهشت را برای تو و برای امّت تو بگشاییم» . [راوی گوید : سپس امیر مؤمنان علیه السلام فرمود :] ماه پیامبر را روزه بگیرید تا شفیع شما باشد و ماه خدا را روزه بگیرید تا از شراب ناب و سر به مُهرِ بهشتی بنوشید .

.

مصباح الشريعه فيما نَسَبَهُ إلَى الإمامِ الصّادِقِ علیه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : «قالَ اللّهُ تَعالی : الصَّومُ لی وأنَا أجزی بِهِ» . فَالصَّومُ يُميتُ هَوَى النَّفسِ وشَهوَةَ الطَّبعِ ، وفيهِ حَياةُ القَلبِ ، وطَهارَةُ الجَوارِحِ ، وعِمارَةُ الظّاهِرِ وَالباطِنِ ، وَالشُّكرُ عَلَى النِّعَمِ، وَالإحسانُ إلَى الفُقَراءِ، وزِيادَةُ التَّضَرُّعِ وَالخُشوعِ وَالبُكاءِ، وحَبلُ الاِلتِجاءِ إلَى اللّهِ، وسَبَبُ انكِسارِ الشَّهوَةِ ، وتَخفيفُ الحِسابِ ، وتَضعيفُ الحَسَناتِ، وفيهِ مِنَ الفَوائِدِ ما لا يُحصى ؛ وكَفى ما ذَكَرنا مِنهُ لِمَن عَقَلَ ووُفِّقَ لِاستِعمالِهِ. (1)

وانظر : ص 110 (قيمه الصائم) . ص 118 (دعاء الملائكه للصائم) . ص 52 (برکات شهر رمضان) .

1 / 8دَرَجاتُ ضِيافَةِ اللّهِرسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ أيسَرَ مَا افتَرَضَ اللّهُ تَعالی عَلَى الصّائِمِ فی صِيامِهِ ، تَركُ الطَّعامِ وَالشَّرابِ . (2)

الإمام علیّ علیه السلام :صَومُ الجَسَدِ الإمساكُ عَنِ الأَغذِيَهِ بِإرادَهٍ وَاختِيارٍ ؛ خَوفا مِنَ العِقابِ ورَغبَهً فِی الثَّوابِ وَالأَجرِ . (3)

.

1- .مصباح الشريعه : 135 ، بحار الأنوار : 96 / 254 / 28 .
2- .المقنعه : 310 ، الإقبال : 1 / 196 عن أبی بصير وكلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : 97 / 352 .
3- .غرر الحكم : 5888 .

مصباح الشریعه در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است :پیامبر خدا فرمود : «خدای متعال فرموده است : روزه ، برای من است و خود من پاداش آن را می دهم» . پس روزه ، هوای نفس و شهوت طبع را می میراند و در آن ، زندگی دل ، پاکی اعضا ، آبادی ظاهر و باطن ، سپاس نعمت ها ، نیکی به فقیران و فزونی نالیدن و خشوع و گریه است . روزه ، ریسمان پناهندگی به خدا و مایه شکستن شهوت ، سبک شدن حساب و چند برابر شدن حسنات است و در آن ، بهره هایی بی شمار است و آنچه از فوایدش یاد کردیم ، برای آن که خرد ورزد و توفیق عمل یابد ، بس است .

ر . ک : ص 111 (ارزش روزه دار) . ص 119 (دعای فرشتگان برای روزه دار) . ص 53 (برکات ماه رمضان) .

1 / 8درجات میهمانی خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آسان ترین چیزی که خداوند بر روزه دار در روزه داری اش واجب ساخته ، نخوردن و نیاشامیدن است .

امام علی علیه السلام :روزه بدن ، پرهیز با اراده و اختیار از غذاهاست ، از روی ترس از کیفر و با امید به پاداش و اجر الهی .

.

عنه علیه السلام :صَومُ النَّفسِ إمساکُ الحَواسِّ الخَمسِ عَن سائِرِ المَآثِمِ ، وخُلُوُّ القَلبِ عَن جَمیعِ أسبابِ الشَّرِّ . (1)

عنه علیه السلام :صَومُ النَّفسِ عَن لَذّاتِ الدُّنیا أنفَعُ الصِّیامِ . (2)

عنه علیه السلام :صِیامُ القَلبِ عَنِ الفِکرِ فِی الآثامِ أفضَلُ مِن صِیامِ البَطنِ عَنِ الطَّعامِ . (3)

عنه علیه السلام :صَومُ القَلبِ خَیرٌ مِن صِیامِ اللِّسانِ ، وصِیامُ اللِّسانِ خَیرٌ مِن صِیامِ البَطنِ . (4)

.

1- .غرر الحکم : 5889 .
2- .غرر الحکم : 5874 .
3- .غرر الحکم : 5873 .
4- .غرر الحکم : 5890 .

امام علی علیه السلام :روزه نفْس ، نگهداری حواس پنجگانه از دیگر گناهان و تهی بودن دل از تمام اسباب بدی است .

امام علی علیه السلام :سودمندترین روزه ، نگهداشتن نفْس از لذّت های دنیاست .

امام علی علیه السلام :نگه داشتن دل از اندیشیدن درباره گناهان ، برتر از نگه داشتن شکم از غذاست .

امام علی علیه السلام :روزه دل ، بهتر از روزه زبان است و روزه زبان ، بهتر از روزه شکم .

.

ص: 156

..

سخنی درباره مراتب روزه داری

دسته اوّل . روزه عوام

سخنی درباره مراتب روزه دارياز روايات گذشته ، همچنين از آنچه در فصل آداب روزه داری خواهد آمد ، روشن می گردد که روزه ، از نظر مراتب و از زاويه نقشی که در تکامل انسان دارد ، به سه دسته تقسيم می شود و از همين روست که علمای اخلاق و سير و سلوک ، روزه را به : روزه عوام ، روزه خواص و روزه خواصّ خواص ، تقسيم کرده اند . و اينک ، توضيح فشرده ای از آنها :

دسته اوّل . روزه عواماين مرتبه از روزه ، با پرهيز از مفطِرات روزه صورت می پذيرد ، با شرحی که در کتاب های فقهی آمده است . اين مرتبه از روزه ، آسان ترين و پايين ترين مرتبه روزه است . آنچه از پيامبر صلی الله عليه و آله روايت شده که :

إنَّ أيسَرَ مَا افتَرَضَ اللّهُ تَعالی عَلَی الصّائِمِ فی صِيامِه ، تَرکُ الطَّعامِ وَالشَّرابِ ؛ (1)

آسان ترين چيزی که خدای متعال بر روزه دار در روزه داری اش واجب ساخته است ، نخوردن و نياشاميدن است .

.

1- .برای آگاهی از منابع حديث ر . ک : ص 152 ، ح 212 .

دسته دوم . روزه خواص

دسته سوم . روزه خواصّ خواص

به این مرتبه از روزه داری اشاره دارد .

دسته دوم . روزه خواصدر این مرتبه از روزه ، روزه دار ، تنها به پرهیز از مفطرات روزه ، بسنده نمی کند ؛ بلکه از همه حرام های الهی پرهیز می نماید . از این رو ، اجتناب از مفطرات ، شرط درستیِ روزه است و اجتناب از حرام ها ، شرط قبولی آن . بر این اساس ، همه احادیثی که با عنوان «مهم ترین آداب روزه داری» (1) خواهند آمد ، به این مرتبه از روزه داری اشاره دارند .

دسته سوم . روزه خواصّ خواصاین مرتبه از روزه ، با باز داشتن قلب و نگهداری آن از هر چیزی که اشغال کننده دل (چه حلال و چه حرام) است بجز خدا ، به دست می آید . ابو حامد غزالی (م 505 ق) در توصیف این مرتبه از روزه می گوید : امّا روزه خواصّ خواص ، روزه دل از همّت های دون و اندیشه های دنیوی و باز داشتن کلّی آن از غیر خداوند است . شکستن این مرتبه از روزه ، با اندیشه درباره غیر خدا و قیامت ، و فکر درباره دنیا تحقّق می یابد مگر دنیایی که به خاطر دین خواسته شود ، که چنین دنیایی ، توشه آخرت است و دنیا نیست تا آن جا که اهل دل گفته اند : «هر کس در روزش به تدبیر آنچه با آن افطار می کند ، اهتمام ورزد ، گناه بر او نوشته می شود ؛ چرا که این ، از کم اطمینانی به فضل خدا و یقین اندک به روزیِ موعود خویش است» . این مرتبه ، رتبه پیامبران ، صدّیقان و مقرّبان است . در تفصیل قولی آن ، نباید درنگ طولانی داشت ؛ ولی در تحقّق عملی آن ، تأمّلْ به جاست ؛ چرا که آن ، رویکرد به خداوند و روی گردانی از غیر خدا با

.

1- .ر . ک : ص 245 .

همه همّت است و آراسته شدن به این سخن خداست که : « قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِی خَوْضِهِمْ یَلْعَبُونَ ؛ (1) بگو : «خدا» ! سپس وا گذارشان تا در باطل خویش به بازیچه مشغول باشند» . (2)

امیر مؤمنان ، امام علی علیه السلام ، در اشاره به این سه مرتبه می فرماید :صَومُ القَلبِ خَیرٌ مِن صِیامِ اللِّسانِ وَ صِیامُ اللِّسانِ خَیرٌ مِن صِیامِ البَطنِ ؛ (3)

روزه دل ، بهتر از روزه زبان است و روزه زبان ، بهتر از روزه شکم .

هر یک از این دو مرتبه اخیر ، به نسبت تلاش روزه داران و آمادگی آنان ، مراتب بسیاری دارد ، علاوه بر این که خودِ روزه هم از زاویه انگیزه های روزه دار ، گوناگون است . نقطه اوج این مراتب ، حال روزه داری است که انگیزه روزه داری اش ، نه بیم از کیفر و نه شوق به ثواب ؛ بلکه تنها به خاطر فرمان بُرداری از فرمان الهی ، علاقه مندی به تقرّب به خدای سبحان و کسب رضا و لقای اوست . از خداوند سبحان می خواهیم که توفیقمان دهد تا در راه آنچه موجب افزایش بهره ما از ضیافت کریمانه رمضان می شود ، بکوشیم و بالاترین و والاترینِ مراتب روزه داری را به ما عنایت فرماید .

.

1- .انعام ، آیه 91 .
2- .إحیاء علوم الدین : 1 / 350 ؛ المحجّه البیضاء : 2 / 131 .
3- .غرر الحکم : 5890 .

الفصل الثانيتَأهيلُ النّاسِ لِضِيافَهِ اللّهِ2 / 1خطاباتُ النَّبِيِّ عِندَ حُضورِ شَهرِ رَمَضانَالإمام الرضا عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام: إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله خَطَبَنا ذاتَ يَومٍ فَقالَ : «أيُّهَا النّاسُ ، إنَّهُ قَد أقبَلَ إلَيكُم شَهرُ اللّهِ بِالبَرَكَهِ وَالرَّحمَهِ وَالمَغفِرَهِ ، شَهرٌ هُوَ عِندَ اللّهِ أفضَلُ الشُّهورِ ، وَأيّامُهُ أفضَلُ الأيّامِ ، ولَياليهِ أفضَلُ اللَّيالى ، وساعاتُهُ أفضَلُ السّاعاتِ . هُوَ شَهرٌ دُعيتُم فيهِ إلى ضِيافَهِ اللّهِ ، وجُعِلتُم فيهِ مِن أهلِ كَرامَهِ اللّهِ ، أنفاسُكُم فيهِ تَسبيحٌ ، ونَومُكُم فيهِ عِبادَهٌ ، وعَمَلُكُم فيهِ مَقبولٌ ، ودُعاؤُكُم فيهِ مُستَجابٌ . فَاسأَلُوا اللّهَ رَبَّكُم بِنِيّاتٍ صادِقَهٍ وقُلوبٍ طاهِرَهٍ أن يُوَفِّقَكُم لِصِيامِهِ وتِلاوَهِ كِتابِهِ ؛ فَإنَّ الشَّقِىَّ مَن حُرِمَ غُفرانَ اللّهِ فى هذَا الشَّهرِ العَظيمِ . وَاذكُروا بِجوعِكُم وعَطَشِكُم فيهِ جوعَ يَومِ القِيامَهِ وعَطَشَهُ ، وتَصَدَّقوا عَلى فُقَرائِكُم ومَساكينِكُم ، ووَقِّروا كِبارَكُم ، وَارحَموا صِغارَكُم ، وصِلوا أرحامَكُم ، وَاحفَظوا ألسِنَتَكُم ، وغُضّوا عَمّا لا يَحِلُّ النَّظَرُ إلَيهِ أبصارَكُم ، وعَمّا لا يَحِلُّ الاِستِماعُ إلَيهِ أسماعَكُم ، وتَحَنَّنوا عَلى أيتامِ النّاسِ يُتَحَنَّن عَلى أيتامِكُم ، وتوبوا إلَى اللّهِ مِن ذُنوبِكُم ، وَارفَعوا إلَيهِ أيدِيَكُم بِالدُّعاءِ فى أوقاتِ صَلَواتِكُم ؛ فَإنَّها أفضَلُ السّاعاتِ ، يَنظُرُ اللّهُ عز و جل فيها بِالرَّحمَهِ إلى عِبادِهِ ، يُجيبُهُم إذا ناجَوهُ ، ويُلَبّيهِم إذا نادَوهُ ويَستَجيبُ لَهُم إذا دَعَوهُ . يا أيُّهَا النّاسُ ، إنَّ أنفُسَكُم مَرهونَهٌ بِأعمالِكُم فَفُكّوها بِاستِغفارِكُم ، وظُهورَكُم ثَقيلَهٌ مِن أوزارِكُم فَخَفِّفوا عَنها بِطولِ سُجودِكُم ، وَاعلَموا أنَّ اللّهَ تَعالى ذِكرُهُ أقسَمَ بِعِزَّتِهِ ألاّ يُعَذِّبَ المُصَلّينَ وَالسّاجِدينَ ، ولا يُرَوِّعَهُم بِالنّارِ يَومَ يَقومُ النّاسُ لِرَبِّ العالَمينَ . أيُّهَا النّاسُ ، مَن فَطَّرَ مِنكُم صائِما مُؤمِنا فى هذَا الشَّهرِ كانَ لَهُ بِذلِكَ عِندَ اللّهِ عِتقُ نَسَمَهٍ ومَغفِرَهٌ لِما مَضى مِن ذُنوبِهِ» . فَقيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، ولَيسَ كُلُّنا يَقدِرُ عَلى ذلِكَ ! فَقالَ صلى الله عليه و آله : «اِتَّقُوا النّارَ ولَو بِشِقِّ تَمرَهٍ ، اِتَّقُوا النّارَ ولَو بِشَربَهٍ مِن ماءٍ . أيُّهَا النّاسُ ، مَن حَسَّنَ مِنكُم فى هذَا الشَّهرِ خُلُقَهُ كانَ لَهُ جَوازا عَلَى الصِّراطِ يَومَ تَزِلُّ فيهِ الأقدامُ ، ومَن خَفَّفَ فى هذَا الشَّهرِ عَمّا مَلَكَت يَمينُهُ خَفَّفَ اللّهُ عَنهُ حِسابَهُ ، ومَن كَفَّ فيهِ شَرَّهُ كَفَّ اللّهُ فيهِ غَضَبَهُ يَومَ يَلقاهُ ، ومَن أكرَمَ فيهِ يَتيما أكرَمَهُ اللّهُ يَومَ يَلقاهُ ، ومَن وَصَلَ فيهِ رَحِمَهُ وَصَلَهُ اللّهُ بِرَحمَتِهِ يَومَ يَلقاهُ ، ومَن قَطَعَ رَحِمَهُ قَطَعَ اللّهُ عَنهُ رَحمَتَهُ يَومَ يَلقاهُ ، ومَن تَطَوَّعَ فيهِ بِصَلاهٍ كُتِبَ لَهُ بَراءَهٌ مِنَ النّارِ ، ومَن أدّى فيهِ فَرضا كانَ لَهُ ثَوابُ مَن أدّى سَبعينَ فَريضَهً فيما سِواهُ مِنَ الشُّهورِ ، ومَن أكثَرَ فيهِ مِنَ الصَّلاهِ عَلَىَّ ثَقَّلَ اللّهُ ميزانَهُ يَومَ تَخِفُّ المَوازينُ ، ومَن تَلا فيهِ آيَهً مِنَ القُرآنِ كانَ لَهُ مِثلُ أجرِ مَن خَتَمَ القُرآنَ فى غَيرِهِ مِنَ الشُّهورِ . أيُّهَا النّاسُ ، إنَّ أبوابَ الجِنانِ فى هذَا الشَّهرِ مُفَتَّحَهٌ ، فَاسأَلوا رَبَّكُم ألاّ يُغلِقَها عَلَيكُم ، وأبوابَ النّيرانِ

مُغَلّقَهُ فَاسألوا رَبَّكُم ألاّ يَفتَحَها عَلَيكُم ، وَالشَّياطينَ مَغلولَهٌ فَاسألوا رَبَّكُم ألاّ يُسَلِّطَها عَلَيكُم» . قالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : فَقُمتُ فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، ما أفضَلُ الأعمالِ فى هذا الشَّهرِ؟ فَقالَ : «يا أبَا الحَسَنِ ، أفضَلُ الأعمالِ فى هذَا الشَّهرِ الوَرَعُ عَن مَحارِمِ اللّهِ عز و جل » . ثُمَّ بَكى ، فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، ما يُبكيكَ؟ فَقالَ : «يا عَلِيُّ ، أبكى لِما يُستَحَلُّ مِنكَ فى هذَا الشَّهرِ ، كَأنّى بِكَ وأنتَ تُصَلّى لِرَبِّكَ ، وقَدِ انبَعَثَ أشقَى الأوَّلينَ وَالآخِرينَ ، شَقيقُ عاقِرِ ناقَةِ ثَمودَ ، فَضَرَبَكَ ضَربَةً عَلى فَرقِكَ (قَرنِكَ) فَخَضَّبَ مِنها لِحيَتَكَ» . قالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ وذلِكَ فى سَلامَةٍ مِن دينى؟ فَقالَ : «فى سَلامَةٍ مِن دينِكَ» . ثُمَّ قالَ صلى الله عليه و آله : «يا عَلِيُّ ، مَن قَتَلَكَ فَقَد قَتَلَنى ، ومَن أبغَضَكَ فَقَد أبغَضَنى ، ومَن سَبَّكَ فَقَد سَبَّنى ؛ لِأنَّكَ مِنّى كَنَفسى ، وَروحُكَ مِن روحى ، وَطينَتُكَ مِن طينَتى . إنَّ اللّهَ تَبارَكَ وَتَعالى خَلَقَنى وإيّاكَ ، وَاصطَفانى وَإيّاكَ ، وَاختارَنى لِلنُّبُوَّةِ وَاختارَكَ لِلإمامَةِ ، وَمَن أنكَرَ إمامَتَكَ فَقَد أنكَرَني نُبُوَّتى . يا عَلِيُّ ، أنتَ وَصِيّى ، وأبو وُلدى ، وزَوجُ ابنَتى ، وخَليفَتى عَلى اُمَّتى فى حَياتى وبَعدَ مَوتى ، أمرُكَ أمرى ونَهيُكَ نَهيى . اُقسِمُ بِالّذى بَعَثَنى بِالنُّبُوَّةِ وجَعَلَنى خَيرَ البَرِيَّةِ ، إنَّكَ لَحُجَّةُ اللّهِ عَلى خَلقِهِ ، وأمينُهُ عَلى سِرِّهِ ، وَخَليفَتُهُ عَلى عِبادِهِ» . (1)

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : 77 / 61 ، الأمالى للصدوق : 154 / 149 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 1 / 295 / 53 ، الإقبال : 1 / 26 كلّها عن الحسن بن علىّ بن فضّال ، بحار الأنوار : 96 / 356 / 25 .

فصل دوم : آمادگی برای میهمانی خدا2 / 1خطبه های پیامبر ، هنگام فرا رسیدن ماه رمضانامام رضا علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام، از امام علی علیه السلام : روزی ، پیامبر خدا برای ما خطبه خواند و فرمود : «ای مردم ! همانا ماه خدا ، همراه با برکت و رحمت و آمرزش ، به شما روی آورده است ؛ ماهی که نزد خدا برترینِ ماه هاست و روزهایش برترینِ روزها ، شب هایش برترینِ شب ها و ساعاتش برترینِ ساعات است . ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت شده اید و از شایستگانِ کرامت الهی قرار داده شده اید . نَفَس هایتان در آن ، تسبیح است ، خوابتان در آن ، عبادت ، عملتان در آن ، پذیرفته و دعایتان در آن ، مورد اجابت است . پس با نیّت های راست و دل های پاک ، از پروردگارتان بخواهید تا برای روزه داریِ آن و تلاوت کتاب خویش ، توفیقتان دهد ؛ چرا که بدبخت ، کسی است که در این ماه بزرگ ، از آمرزش الهی محروم بماند . با گرسنگی و تشنگی خود در این ماه ، گرسنگی و تشنگیِ روز قیامت را یاد کنید ؛ به نیازمندان و بینوایانتان صدقه بدهید ؛ به بزرگان خود احترام ، و بر کوچک هایتان ترحّم ، و به بستگانتان نیکی کنید ؛ زبانتان را نگه دارید ؛ چشم هایتان را از آنچه نگاه به آن حلال نیست ، بپوشانید ؛ گوش هایتان را از آنچه شنیدنش حلال نیست ، فرو بندید ؛ به یتیمان مردم ، محبّت کنید تا بر یتیمان شما محبّت ورزند ؛ از گناهانتان به پیشگاه خداوند توبه کنید ؛ در هنگام نمازها ، دستانتان را بر آستان او به دعا بلند کنید ، که آن هنگام (وقت نماز) ، برترینِ ساعت هاست و خداوند با نظر رحمت به بندگانش می نگرد و هر گاه با او مناجات کنند ، پاسخشان می دهد و چون او را صدا بزنند ، جوابشان می گوید و چون او را بخوانند ، اجابتشان می کند . ای مردم ! جان های شما در گرو کارهای شماست ، پس با آمرزش خواهی خود ، آنها را آزاد سازید ؛ و پشت های شما از بار گناهانتان سنگین است ، پس با طول دادن سجده های خود ، آنها را سبک کنید ، و بدانید که خداوند که یادش والاست به عزّت خود ، سوگند خورده است که نمازگزاران و سجده کنندگان را عذاب نمی کند و در روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان [برای حساب]می ایستند ، آنان را با آتش ، هراسان نمی سازد . ای مردم ! هر که از شما در این ماه ، روزه داری را

افطار دهد ، پاداش او برای آن ، نزد خدا ، آزاد کردن یک برده و آمرزش گناهان گذشته اوست» . پس گفتند : ای پیامبر خدا ! همه ما تواناییِ این کار را نداریم ! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «خود را از آتشِ نگه دارید ، هر چند با یک دانه خرما ؛ مخود را از آتش نگه دارید ، هر چند با یک جرعه آب . ای مردم ! هر کس اخلاقش را در این ماه ، نیکو سازد ، برای او وسیله عبور از صراط خواهد بود ، در آن روز که گام ها بر صراط می لغزد ؛ و هر کس در این ماه بر بردگان خود آسان بگیرد ، خداوند حساب او را سبک خواهد گرفت ؛ و هر کس در این ماه ، شرّ خود را [از دیگران] باز دارد ، خداوند در روز دیدارش ، غضب خویش را از او باز خواهد داشت ؛ و هر که در این ماه ، یتیمی را گرامی بدارد ، در روز دیدار ، خداوند ، گرامی اش خواهد داشت ؛ و هر که در آن به خویشاوند خود نیکی کند ، در روز دیدار ، خداوند با رحمتش به او نیکی خواهد کرد ؛ و هر کس در آن از خویشان خود ببُرد ، خداوند در روز دیدار ، رحمتش را از او قطع خواهد نمود ؛ و هر کس در آن ، نماز مستحبّی بخواند ، برای او دوری از آتش ، نوشته می شود ؛ و هر کس واجبی را در آن ادا کند ، پاداش کسی را دارد که هفتاد واجب را در ماه های دیگر ، ادا کرده است ؛ و هر کس در آن بر من زیاد صلوات بفرستد ، خداوند در روزی که وزنه اعمال ، سبک می شود ، وزنه اعمال او را بیفزاید ؛ و هر کس در آن ، آیه ای از قرآن تلاوت کند ، پاداش کسی را دارد که در ماه های دیگر ، ختم قرآن کرده است . ای مردم ! در این ماه ، درهای بهشت ، بازند . پس ، از پروردگارتان بخواهید که آنها را بر شما نبندد ؛ و درهای دوزخ ، بسته اند . پس ، از پروردگارتان بخواهید که آنها را بر شما نگشاید ؛ و شیطان ها در بندند . پس ، از پروردگارتان بخواهید که آنها را بر شما مسلّط نسازد» . من برخاستم و گفتم : ای پیامبر خدا ! برترینِ کارها در این ماه چیست؟ فرمود : «ای ابو الحسن ! برترینِ کارها در این ماه ، پرهیز از حرام های الهی است» . سپس گریست . گفتم : ای پیامبر خدا ! سبب گریه شما چیست؟ فرمود : «ای علی ! بر این می گریم که حرمت تو را در این ماه می شکنند . گویا می بینم تو در حال نماز برای پروردگار خویشی ، که نگون بخت ترینِ اوّلین و آخرین ، همو که برادر پی کننده ناقه قوم ثمود است ، برمی خیزد و بر فرق سرت ضربتی می زند و محاسنت ، از خون سرت ، رنگین می شود» . گفتم : ای پیامبر خدا ! آیا در آن حالت ، دینم سالم است؟ فرمود : «دینت ، سالم است» . سپس فرمود : «ای علی ! هر کس تو را بکشد ، مرا کشته است و هر کس تو را دشمن بدارد ، مرا دشمن داشته است و هر کس تو را ناسزا گوید ، مرا ناسزا گفته است ؛ چرا که تو از من هستی ، همچون جان من . روح تو ، از روح من است و سرشت تو ، از سرشت من . خدای متعال ، من و تو را آفرید و من و تو را برگزید و مرا برای پیامبری ، و تو را

برای امامت ، انتخاب کرد . هر کس امامت تو را انکار کند ، نبوّت مرا انکار کرده است . ای علی ! تو وصیّ من ، پدر فرزندان من ، همسر دختر من و جانشین من بر امّتم هستی ، در حال حیاتم و پس از مرگم . فرمان تو ، فرمان من است و نهی تو ، نهی من است . سوگند به خدایی که مرا به نبوّت برانگیخت و مرا بهترینِ آفریدگان قرار داد ، تو حجّت پروردگار بر خلق اویی و امین او بر رازش و جانشین او بر بندگانش» .

.

ص: 162

. .

ص: 163

..

ص: 164

..

ص: 165

..

الإمام الباقر عليه السلام :خَطَبَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله النّاسَ فى آخِرِ جُمُعَهٍ مِن شَعبانَ ، فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ ، ثُمَّ قالَ : «أيُّهَا النّاسُ ، قَد أظَلَّكُم شَهرٌ فيهِ لَيلَهٌ خَيرٌ مِن ألفِ شَهرٍ ، وهُوَ شَهرُ رَمَضانَ ؛ فَرَضَ اللّهُ عز و جل صِيامَهُ ، وجَعَلَ قِيامَ لَيلِهِ نافِلَهً ، فَمَن تَطَوَّعَ بِصَلاهِ لَيلَهٍ فيهِ كانَ كَمَن تَطَوَّعَ بِسَبعينَ لَيلَهً فيما سِواهُ مِنَ الشُّهورِ ، وجَعَلَ لِمَن تَطَوَّعَ فيهِ بِخَصلَهٍ مِن خِصالِ الخَيرِ وَالبِرِّ كَأجرِ مَن أدّى فَريضَهً مِن فَرائِضِ اللّهِ تَعالى ، ومَن أدّى فيهِ فَريضَهً مِن فَرائِضِ اللّهِ تَعالى كانَ كَمَن أدّى سَبعينَ فَريضَهً مِن فَرائِضِ اللّهِ تَعالى فيما سِواهُ مِنَ الشُّهورِ . وهُوَ شَهرُ الصَّبرِ ، وإنَّ الصَّبرَ ثَوابُهُ الجَنَّهُ ، وهُوَ شَهرُ المُواساهِ ، وهُوَ شَهرٌ يَزيدُ اللّهُ فى رِزقِ المُؤمِنِ فيهِ ، ومَن فَطَّرَ فيهِ مُؤمِنا صائِما كانَ لَهُ عِندَ اللّهِ بِذلِكَ عِتقُ رَقَبَهٍ ومَغفِرَهٌ لِذُنوبِهِ فيما مَضَى» . فَقيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، لَيسَ كُلُّنا يَقدِرُ عَلى أن يُفَطِّرَ صائِما ! فَقالَ : «إنَّ اللّهَ كَريمٌ يُعطى هذَا الثَّوابَ لِمَن لا يَقدِرُ إلاّ عَلى مَذقَهٍ مِن لَبَنٍ يُفَطِّرُ بِها صائِما ، أو شَربَهِ ماءٍ عَذبٍ ، أو تَمَراتٍ ، لا يَقدِرُ عَلى أكثَرَ مِن ذلِكَ . ومَن خَفَّفَ فيهِ عَن مَملوكِهِ خَفَّفَ اللّهُ عَنهُ حِسابَهُ . وهُوَ شَهرٌ أوَّلُهُ رَحمَهٌ ، وأوسَطُهُ مَغفِرَهٌ ، وآخِرُهُ الإجابَهُ وَالعِتقُ مِنَ النّارِ . ولا غِنى بِكُم عَن أربَعِ خِصالٍ : خَصلَتانِ تُرضونَ اللّهَ عز و جل بِهِما ، وخَصلَتانِ لا غِنى بِكُم عَنهُما ، فَأمَّا اللَّتانِ تُرضونَ اللّهَ عز و جل بِهِما : فَشَهادَهُ أن لا إلهَ إلاَّ اللّهُ ، وأنّى رَسولُ اللّهِ . وأمَّا اللّتانِ لا غِنى بِكُم عَنهُما : فَتَسأَلونَ اللّهَ فيهِ حَوائِجَكُم وَالجَنَّهَ ، وتَسأَلونَ اللّهَ العافِيَهَ ، وتَعوذونَ بِاللّهِ مِنَ النّارِ» . (1)

.

1- .المقنعه : 306 ، الكافى : 4 / 66 / 4 ، تهذيب الأحكام : 3 / 57 / 198 وج 4 / 152 / 423 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 94 / 1831 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 71 / 51 ، وفيه «المساواه» بدل «المواساه» وكلّها عن أبى الورد ، بحار الأنوار : 96 / 359 / 26 .

امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا در آخرین جمعه شعبان ، خطبه خواند . خدا را حمد و ثنا گفت و سپس فرمود : «ای مردم! ماهی بر شما سایه افکنده که در آن ، شبی است بهتر از هزار ماه ، و آن ، ماه رمضان است . خداوند ، روزه اش را واجب ساخته و نماز در شبش را مستحب قرار داده است . پس هر کس یک شب در آن ، نماز مستحب بخواند ، گویا هفتاد شب نماز مستحب در ماه های دیگر خوانده است . و برای کسی که در آن ، کار نیک مستحبّی از کارهای نیک انجام دهد ، پاداشی همچون پاداش کسی قرار داده که واجبی از واجبات الهی را انجام داده است ، و هر کس در آن ، واجبی از واجبات خداوند را ادا کند ، همچون کسی خواهد بود که در ماه های دیگر ، هفتاد واجب از واجبات الهی را انجام داده است . این ماه ، ماه صبر است و پاداش صبر ، بهشت است . این ماه ، ماه مواسات (همدردی با دیگران در نیازها) است و ماهی است که در آن ، خداوند ، روزیِ مؤمن را می افزاید . هر کس مؤمن روزه داری را در آن افطار دهد ، نزد خداوند ، پاداش آزاد کردن یک بنده و آمرزش گناهان گذشته اش را دارد» . گفتند : ای پیامبر خدا! همه ما توان افطار دادن به روزه دار را نداریم . فرمود : «خداوند ، کریم است ؛ این ثواب را به کسی نیز می دهد که برای افطار دادن ، جز بر جرعه ای شیر یا جرعه ای آب و یا چند خرما قدرت ندارد و بیش از این را نمی تواند . هر کس در این ماه بر برده خویش سبک بگیرد ، خداوند هم حسابش را سبک می گیرد . ماه رمضان ، ماهی است که آغازش رحمت ، میانش آمرزش ، و پایانش اجابت و آزادی از آتش دوزخ است . شما از چهار خصلت ، بی نیاز نیستید : دو خصلت که خدا را با آنها راضی می کنید ، و دو خصلت که از آن دو ، بی نیاز نیستید . امّا آن دو خصلتی که خدا را با آنها راضی می کنید ، شهادت به این است که : معبودی جز خداوند نیست و من فرستاده خدایم . و امّا دو خصلتی که از آن بی نیاز نیستید ، از خداوند ، نیازهایتان و بهشت را بطلبید و از خداوند ، عافیت بخواهید و از آتش به خداوند پناه ببرید» .

.

دعائم الإسلام :عَن رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله أ نَّهُ خَطَبَ النّاسَ آخِرَ يَومٍ مِن شَعبانَ ، فَقالَ : «أيُّهَا النّاسُ ، إنَّهُ قَد أظَلَّكُم شَهرٌ عَظيمٌ ، شَهرٌ مُبارَكٌ ، شَهرٌ فيهِ لَيلَةٌ العَمَلُ فيها خَيرٌ مِنَ العَمَلِ فى ألفِ شَهرٍ . مَن تَقَرَّبَ فيهِ بِخَصلَةٍ مِن خِصالِ الخَيرِ كانَ كَمَن أدّى فَريضَةً فيما سِواهُ ، ومَن أدّى فيهِ فَريضَةً كانَ كَمَن أدّى سَبعينَ فَريضَةً فيما سِواهُ . وهُوَ شَهرُ الصَّبرِ ؛ وَالصَّبرُ ثَوابُهُ الجَنَّةُ ، وشَهرُ المُواساهِ ، شَهرٌ يُزادُ فيهِ فى رِزقِ المُؤمِنِ ؛ مَن فَطَّرَ فيهِ صائِما كانَ لَهُ مَغفِرَهٌ لِذُنوبِهِ وعِتقُ رَقَبَتِهِ مِنَ النّارِ ، وكانَ لَهُ مِثلُ أجرِهِ مِن غَيرِ أن يَنقُصَ مِن أجرِهِ شَىءٌ» . فَقالَ بَعضُ القَومِ : يا رَسولَ اللّهِ ، لَيسَ كُلُّنا يَجِدُ ما يُفَطِّرُ الصّائِمَ ! فَقالَ صلى الله عليه و آله : «يُعطِى اللّهُ هذَا الثَّوابَ مَن فَطَّرَ صائِما عَلى مَذقَةِ لَبَنٍ أو تَمرَةٍ أو شَربَةِ ماءٍ ، ومَن أشبَعَ صائِما سَقاهُ اللّهُ مِن حَوضى شَربَةً لا يَظمَأُ بَعدَها . وهُوَ شَهرٌ أوَّلُهُ رَحمَهٌ ، وأوسَطُهُ مَغفِرَهٌ ، وآخِرُهُ عِتقٌ مِنَ النّارِ ؛ مَن خَفَّفَ عَن مَملوكِهِ فيهِ غَفَرَ اللّهُ لَهُ وأعتَقَهُ مِنَ النّارِ . وَاستَكثِروا فيهِ مِن أربَعِ خِصالٍ ؛ خَصلَتانِ تُرضونَ بِهِما رَبَّكُم ، وخَصلَتانِ لا غِنى بِكُم عَنهُما ، فَأمَّا الخَصلَتانِ اللَّتانِ تُرضونَ بِهِما رَبَّكُم : فَشَهادَهُ أن لا إلهَ إلاَّ اللّهُ ، وتَستَغفِرونَهُ ، وأمَّا اللَّتانِ لا غِنى بِكُم عَنهُما : فَتَسأَلونَ اللّهَ الجَنَّةَ ، وتَعوذونَ بِهِ مِنَ النّارِ» . (1)

.

1- .دعائم الإسلام : 1 / 268 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 129 / 134 عن سلمان ، بحار الأنوار : 96 / 342 / 6 وص 350 / 18 ؛ صحيح ابن خزيمه : 3 / 191 / 1887 ، شُعب الإيمان : 3 / 305 / 3608 ، فضائل الأوقات للبيهقى : 38 / 48 كلّها عن سلمان .

دعائم الإسلام :در آخرین روز شعبان ، پیامبر خدا برای مردم خطبه خواند و فرمود : «ای مردم ! ماهی بزرگ بر شما سایه افکنده است ، ماهی مبارک ، ماهی که در آن ، شبی است که عمل در آن ، بهتر از عمل در هزار ماه است . هر کس با کار نیکی از نیکی ها در آن به خداوند تقرّب جوید ، گویا واجبی را در ماه های دیگر ادا کرده است ، و هر کس واجبی را در آن انجام دهد ، همچون کسی است که هفتاد واجب را در ماه های دیگر انجام داده است . و آن ، ماه صبر است و پاداش صبر ، بهشت است . ماه مواسات(همدردی) است و ماهی است که روزیِ مؤمن در آن افزوده می شود . هر کس روزه داری را در آن افطار دهد ، پاداشش آمرزش گناهانش و آزادی اش از آتش است و برای او به اندازه آن [روزه دار] ، پاداش است ، بی آن که از اجر او چیزی کاسته شود» . برخی گفتند : ای پیامبر خدا ! همه ما آن اندازه چیزی نداریم که روزه داری را افطار دهیم . فرمود : «خداوند ، این پاداش را به کسی می دهد که روزه داری را به اندازه جرعه ای شیر یا دانه ای خرما و یا جرعه ای آب ، افطار دهد . و هر کس روزه داری را سیر کند ، خداوند ، او را از حوض من چنان سیراب می کند که پس از آن هرگز تشنه نمی گردد . این ، ماهی است که آغازش رحمت ، میانش آمرزش و پایانش آزادی از آتش است . هر که در این ماه بر برده خود آسان بگیرد ، خداوند ، او را می آمرزد و از آتش ، آزادش می کند . در این ماه ، چهار کار را زیاد انجام دهید ، که با دو کار ، پروردگارتان را راضی می کنید و از دو کار هم بی نیاز نیستید . امّا دو کاری که پروردگارتان را با آنها راضی می کنید ، شهادت به یکتایی خداوند و آمرزش خواهی از اوست . و امّا آن دو که از آنها بی نیاز نیستید ، از خداوند ، بهشت بخواهید و از آتش به او پناه ببرید» .

.

الإمام الباقر عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَمّا حَضَرَ شَهرُ رَمَضانَ وذلِکَ فى (1) ثَلاثٍ بَقينَ مِن شَعبانَ ، قالَ لِبِلالٍ : «نادِ فِى النّاسِ» ، فَجَمَعَ النّاسَ ، ثُمَّ صَعِدَ المِنبَرَ فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ ، ثُمَّ قالَ : «أيُّهَا النّاسُ ، إنَّ هذَا الشَّهرَ قَد خَصَّكُمُ اللّهُ بِهِ وحَضَرَكُم ، وهُوَ سَيِّدُ الشُّهورِ ، لَيلَهُ فيهِ خَيرٌ مِن ألفِ شَهرٍ ، تُغَلَّقُ فيهِ أبوابُ النّارِ وتُفَتَّحُ فيهِ أبوابُ الجِنانِ ؛ فَمَن أدرَکَهُ ولَم يُغفَر لَهُ فَأبعَدَهُ اللّهُ ، ومَن أدرَکَ والِدَيهِ ولَم يُغفَر لَهُ فَأبعَدَهُ اللّهُ ، ومَن ذُکِرتُ عِندَهُ فَلَم يُصَلِّ عَلَىَّ فَلَم يَغفِرِ اللّهُ لَهُ فَأبعَدَهُ اللّهُ» (2) .

الكافى عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُقبِلُ بِوَجهِهِ إلَى النّاسِ فَيَقولُ : «يا مَعشَرَ النّاسِ ، إذا طَلَعَ هِلالُ شَهرِ رَمَضانَ غُلَّت مَرَدَةُ الشَّياطينِ ، وفُتِّحَت أبوابُ السَّماءِ وأبوابُ الجِنانِ وأبوابُ الرَّحمَةِ ، وغُلِّقَت أبوابُ النّارِ ، وَاستُجيبَ الدُّعاءُ ، وكانَ لِلّهِ فيهِ عِندَ كُلِّ فِطرٍ عُتَقاءُ يُعتِقُهُمُ اللّهُ مِنَ النّارِ ، ويُنادى مُنادٍ كُلَّ لَيلَةٍ : هَل مِن سائِلٍ؟ هَل مِن مُستَغفِرٍ؟ اللّهُمَّ أعطِ كُلَّ مُنفِقٍ خَلَفا ، وأعطِ كُلَّ مُمسِكٍ تَلَفا . حَتّى إذا طَلَعَ هِلالُ شَوّالٍ نودِىَ المُؤمِنونَ : أنِ اغدوا إلى جَوائِزِكُم فَهُوَ يَومُ الجائِزَةِ» . ثُمَّ قالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : أما وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ ، ما هِىَ بِجائِزَةِ الدَّنانيرِ ولاَ الدَّراهِمِ ! (3)

.

1- .فى فضائل الأشهر الثلاثه «من» بدل «فى» .
2- .الكافى : 4 / 67 / 5 ، تهذيب الأحكام : 4 / 192 / 549 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 96 / 1832 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 74 / 55 فيهما «قد حضركم» بدل «قد خصّكم اللّه به وحضركم» ، بحار الأنوار : 96 / 363 / 31 .
3- .الكافى : 4 / 67 / 6 ، تهذيب الأحكام : 4 / 193 / 550 وليس فيه «وأبواب الجنان» ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 97 / 1833 ، ثواب الأعمال : 89 / 2 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 80 / 62 ، بحار الأنوار : 96 / 360 / 27 ؛ تاريخ دمشق : 51 / 186 / 10845 نحوه ، كنز العمّال : 8 / 590 / 24288 .

امام باقر علیه السلام :چون ماه رمضان در حال فرا رسیدن بود و سه روز از شعبان مانده بود ، پیامبر خدا به بلال فرمود : «مردم را خبر کن» . مردم گرد آمدند . [پیامبر صلی الله علیه و آله] بر منبر رفت و خدا را حمد و ثنا گفت . سپس فرمود : «ای مردم! خداوند ، شما را به این ماه ، ویژه ساخته است و اینک فرا می رسد . آن ، سرور ماه هاست [و]در آن ، شبی بهتر از هزار ماه است . درهای آتش در آن بسته می شوند و درهای بهشت در آن گشوده می گردند . پس دور باد از رحمت حق ، کسی که این ماه را دریابد و آمرزیده نشود! دور باد از رحمت حق ، کسی که پدر و مادرش را دریابد و [با نیکی به آنان] آمرزیده نشود! دور باد از رحمت حق ، کسی که مرا نزد او یاد کنند و او بر من درود نفرستد! خدا او را نیامرزد!» .

الکافی به نقل از جابر ، از امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا روی به مردم می کرد و می فرمود : «ای گروه مردم! هر گاه هلال ماه رمضان طلوع کند ، شیاطین سرکش به بند کشیده می شوند ، درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت گشوده می گردند ، درهای آتش بسته می شوند ، و دعا اجابت می شود . خدا را در هر عید فطری ، آزادشدگانی است که آنان را از آتش می رهاند . و هر شب منادی ندا می دهد : «آیا خواهنده ای هست؟ آیا استغفارکننده ای هست؟ خدایا! به هر انفاق کننده ای جایگزین عطا کن و هر امساک کننده [از انفاق] را دچار تلف ساز!» . تا آن که هنگامی که هلال شوّال بر می آید ، مؤمنان را ندا می دهند که : «به سوی جایزه هایتان بشتابید ، که امروز روز جایزه است!» . [سپس امام باقر علیه السلام فرمود :] به خدایی که جانم در دست اوست ، آن جایزه ، دینار و درهم نیست .

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله : مِن كَلامٍ لَهُ وقَد حَضَرَ شَهرُ رَمَضانَ : أتاكُم رَمَضانُ شَهرُ بَرَكَةٍ ، يُغنيكُمُ اللّهُ فيهِ فَيُنزِلُ الرَّحمَةَ ، ويَحُطُّ الخَطايا ، ويَستَجيبُ فيهِ الدُّعاءَ ، يَنظُرُ اللّهُ إلى تَنافُسِكُم ، ويُباهى بِكُم مَلائِكَتَهُ ؛ فَأَرُوا اللّهَ مِن أنفُسِكُم خَيرا ؛ فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَن حُرِمَ فيهِ رَحمَةَ اللّهِ عز و جل . (1)

فضائل الأشهر الثلاثه عن الحسن بن علىّ بن فضّال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام: قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «إنَّ شَهرَ رَمَضانَ شَهرٌ عَظيمٌ ، يُضاعِفُ اللّهُ فيهِ الحَسَناتِ ، ويَمحو فيهِ السَّيِّئاتِ ، ويَرفَعُ فيهِ الدَّرَجاتِ ؛ مَن تَصَدَّقَ فى هذَا الشَّهرِ بِصَدَقَةٍ غَفَرَ اللّهُ لَهُ ، ومَن أحسَنَ فيهِ إلى ما مَلَكَت يَمينُهُ غَفَرَ اللّهُ لَهُ» . ثُمَّ قالَ عليه السلام : إنَّ شَهرَكُم هذا لَيسَ كَالشُّهورِ ؛ إذا أقبَلَ إلَيكُم أقبَلَ بِالبَرَكَهِ وَالرَّحمَهِ ، وإذا أدبَرَ عَنكُم أدبَرَ بِغُفرانِ الذُّنوبِ . هذا شَهرٌ الحَسَناتُ فيهِ مُضاعَفَهٌ ، وأعمالُ الخَيرِ فيهِ مَقبولَهٌ ، مَن صَلّى مِنكُم فى هذَا الشَّهرِ للّهِ عز و جل رَكعَتَينِ يَتَطَوَّعُ بِهِما غَفَرَ اللّهُ لَهُ . ثُمَّ قالَ عليه السلام : إنَّ الشَّقِىَ حَقَّ الشَّقِيِ مَن خَرَجَ عَنهُ هذَا الشَّهرُ ولَم يُغفَر ذُنوبُهُ ، فَحينَئِذٍ يَخسَرُ حينَ يَفوزُ المُحسِنونَ بِجَوائِزِ الرَّبِّ الكَريمِ . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ بَينَ شَعبانَ وشَوّالٍ شَهرَ رَمَضانَ الَّذى أُنزِلَ فيهِ القُرآنُ ، وهُوَ شَهرُ اللّهِ تَعالى ذِكرُهُ وهُوَ شَهرُالبَرَكَهِ، وهُوَ شَهرُالمَغفِرَهِ، وهُوَ شَهرُ الرَّحمَهِ ، وهُوَ شَهرُ التَّوبَهِ ، وهُوَ شَهرُ الإنابَهِ ، وهُوَ شَهرُ قِراءَهِ القُرآنِ ، وهُوَ شَهرُ الاِستِغفارِ ، وهُوَ شَهرُ الصِّيامِ ، وهُوَ شَهرُ الدُّعاءِ ، وهُوَ شَهرُ العِبادَهِ ، وهُوَ شَهرُ الطّاعَهِ ، وهُوَ شَهرُ العِتقِ مِنَ النّارِ وَالفَوزِ بِالجَنَّهِ . مَن لَم يُغفَر لَهُ فى شَهرِ رَمَضانَ لَم يُغفَر لَهُ إلى قابِلٍ ، فَأَيُّكُم مُتَّثِقٌ (يَثِقُ) بِبُلوغِ شَهرِ رَمَضانَ قابِلَ؟! صوموهُ صِيامَ مَن يَرى أنَّهُ لا يَصومُ بَعدَهُ أبَدا ؛ فَكَم مِن صائِمٍ لَهُ عاما أوَّلَ أمسى عامَكُم هذا فِى القَبرِ مَدفونا ، وأصبَحَ فِى التُّرابِ وَحيدًا فَريدا ! يُنَبِّهُكُمُ اللّهُ مِن رَقدَهِ الغافِلينَ، وغَفَرَ لَنا ولَكُم يَومَ الدّينِ. (3)

.

1- .مجمع الزوائد : 3 / 344 / 4783 ، الدرّ المنثور : 1 / 453 وفيه «يغشاكم» بدل «يغنيكم» وكلاهما نقلاً عن الطبرانى عن عباده بن الصامت ، كنز العمّال : 8 / 467 / 23692 .

2- .فضائل الأشهر الثلاثه : 73 / 53 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 1 / 293 / 46 ، الأمالى للصدوق : 109 / 82 ، روضه الواعظين : 372 ، بحار الأنوار : 96 / 361 / 29 .
3- .فضائل الأشهر الثلاثه : 117 / 112 عن علىّ بن الحسين البرقى عن أبيه عن جدّه [عن] الإمام الحسن عليه السلام .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سخنی در آستانه ماه رمضان :ماه رمضان بر شما آمد ، ماه برکت . خداوند در آن بی نیازتان می کند ، رحمت فرو می فرستد ، خطاها را از شما فرو می ریزد و دعا را در آن مستجاب می کند . [خداوند] به مسابقه و پیشتازی شما [در عبادت] می نگرد و با شما بر فرشتگانش مباهات می کند . پس به خداوند از جانب خود نیکی نشان دهید . بدبخت ، کسی است که در این ماه از رحمت خدا محروم شود .

فضائل الأشهر الثلاثه به نقل از حسن بن علی بن فضّال ، از امام رضا علیه السلام ، از پدرانش علیهم السلام : پیامبر خدا فرمود : «ماه رمضان ، ماهی بزرگ است . خداوند در این ماه ، حسنات را دو برابر می کند و سیّئات را محو می سازد و درجات را بالا می برد . هر کس در این ماه ، صدقه ای دهد ، خداوند او را می آمرزد و هر کس در این ماه به برده خویش نیکی کند ، خداوند او را می آمرزد» . سپس فرمود : «این ماه شما ، همچون ماه های دیگر نیست . وقتی به سراغ شما می آید ، با برکت و رحمت می آید و چون می رود ، با آمرزش گناهان می رود . این [ماه] ، ماهی است که حسنات ، در آن دو برابر می گردند و کارهای خیر در آن قبول می شوند . هر کس از شما در این ماه ، دو رکعت نماز مستحب برای خدا بخواند ، خداوندْ او را می آمرزد» . سپس فرمود : «بدبخت واقعی ، کسی است که این ماه از او بگذرد و گناهانش آمرزیده نشود . پس آن گاه که نیکوکاران ، جوایز خود را از پروردگار کریم دریافت می کنند ، او زیانکار می گردد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :میان ماه شعبان و شوّال ، ماه رمضان است که قرآن در آن نازل شده است و آن ، ماه خدای متعال است ، ماه برکت ، ماه آمرزش ، ماه رحمت ، ماه توبه و ماه بازگشت به سوی خدا ، ماه قرائت قرآن ، ماه استغفار ، ماه روزه داری ، ماه دعا ، ماه عبادت ، ماه طاعت و ماه آزاد شدن از آتش و دست یافتن به بهشت . هر که در ماه رمضان آمرزیده نشود ، تا سال آینده آمرزیده نخواهد شد . پس ، کدامتان اطمینان دارید که به ماه رمضان آینده برسید؟ آن را روزه بدارید ، روزه داشتن کسی که می اندیشد پس از آن ، دیگر آن ماه را روزه نخواهد داشت . چه بسا روزه داری که آن را سال نخست ، روزه گرفته ؛ امّا

امسال در گور آرمیده است و در خاک ، یکه و تنها مانده است . خداوند ، شما را از خواب غفلت بیدار کند و ما و شما را در روز جزا بیامرزد !

.

عنه صلى الله عليه و آله :شَهرُ رَمَضانَ لَيسَ كَالشُّهورِ ؛ لِما تُضاعَفُ فيهِ مِنَ الاُجورِ . هُوَ شَهرُ الصِّيامِ ، وشَهرُ القِيامِ ، وشَهرُ التَّوبَهِ وَالاِستِغفارِ ، وشَهرُ تِلاوَهِ القُرآنِ ؛ هُوَ شَهرٌ أبوابُ الجِنانِ فيهِ مُفَتَّحَهٌ وأبوابُ النّيرانِ فيهِ مُغَلَّقَهٌ ؛ هُوَ شَهرٌ يُكتَبُ فيهِ الآجالُ ، ويُبَثُّ فيهِ الأَرزاقُ ، وفيهِ لَيلَهٌ فيها يُفرَقُ كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ ، ويُكتَبُ فيها وَفدُ بَيتِ اللّهِ الحَرامِ ، تَتَنَزَّلُ المَلائِكَهُ وَالرّوحُ فيها عَلَى الصّائِمينَ وَالصّائِماتِ بِإذنِ رَبِّهِم فى كُلِّ أمرٍ ، سَلامٌ هِىَ حَتّى مَطلَعِ الفَجرِ . مَن لَم يُغفَر لَهُ فى شَهرِ رَمَضانَ لَم يُغفَر إلى قابِلٍ ؛ فَبادِروا بِالأعمالِ الصّالِحاتِ الآنَ وبابُ التَّوبَهِ مَفتوحٌ وَالدُّعاءُ مُستَجابٌ قَبلَ « أن تَقُولَ نَفْسٌ يَحَسْرَتَى عَلَى مَا فَرَّطتُ فِى جَنبِ اللّهِ وَ إِن كُنتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ » (1) . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :شَهرُ رَمَضانَ شَهرُ اللّهِ عز و جل ، وهُوَ شَهرٌ يُضاعِفُ اللّهُ فيهِ الحَسَناتِ ويَمحو فيهِ السَّيِّئاتِ ، وهُوَ شَهرُ البَرَكَهِ ، وهُوَ شَهرُ الإنابَهِ ، وهُوَ شَهرُ التَّوبَهِ ، وهُوَ شَهرُ المَغفِرَهِ ، وهُوَ شَهرُ العِتقِ مِنَ النّارِ وَالفَوزِ بِالجَنَّهِ . ألا فَاجتَنِبوا فيهِ كُلَّ حَرامٍ ، وأكثِروا فيهِ مِن تِلاوَهِ القُرآنِ ، وسَلوا فيهِ حَوائِجَكُم ، وَاشتَغِلوا فيهِ بِذِكرِ رَبِّكُم . ولا يَكونَنَّ شَهرُ رَمَضانَ عِندَكُم كَغَيرِهِ مِنَ الشُّهورِ ؛ فَإِنَّ لَهُ عِندَ اللّهِ حُرمَهً وفَضلاً عَلى سائِرِ الشُّهورِ . ولا يَكونَنَّ شَهرُ رَمَضانَ يَومُ صَومِكُم كَيَومِ فِطرِكُم . (3)

.

1- .الزمر : 56 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : 100 / 86 عن ابن عبّاس .
3- .فضائل الأشهر الثلاثه : 95 / 78 عن محمّد بن أبى عمير عن غير واحد عن الإمام الصادق عليه السلام .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان ، همچون ماه های دیگر نیست ، به خاطر پاداش هایی که در آن ، دو برابر می شود . آن ، ماه روزه داری و عبادت است ، ماه توبه و استغفار ، و ماه تلاوت قرآن . آن ، ماهی است که در آن ، درهای بهشت ، گشوده و درهای آتش ، بسته اند . و ماهی است که اجل ها در آن نوشته می شوند و روزی ها پخش می گردند . و در آن ، شبی است که هر فرمان حکمت آمیزی ، در آن مقدّر (جدا) می گردد و میهمانان خانه خدا ، در این ماه نوشته می شوند . در این ماه ، فرشتگان و روح الأمین به اذن پروردگارشان ، بر مردان و زنان روزه دار ، درباره هر کاری فرود می آیند . آن شب تا دمیدن صبح ، سلامت است . هر کس در ماه رمضان آمرزیده نشود ، تا سال آینده آمرزیده نگردد . پس ، هم اکنون که درِ توبه گشوده است و دعا مستجاب است ، به کارهای نیک بشتابید ، پیش از آن که «شخص بگوید : دریغا بر آن کوتاهی ای که در حضور خدا کردم ! و من از مسخره کنندگان بودم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان ، ماه خداست ؛ ماهی که خداوند ، حسنات را در آن ، دو برابر می کند و سیّئات را محو می کند ، ماه برکت ، ماه بازگشت به سوی خدا ، ماه توبه ، ماه آمرزش ، ماه آزاد شدن از آتش و دست یافتن به بهشت . پس ، در این ماه از هر حرامی بپرهیزید و در آن ، زیاد قرآن تلاوت کنید و در آن ، حاجت های خویش را بخواهید و در آن ، به ذکر پروردگارتان بپردازید و مبادا ماه رمضان نزد شما ، مانند ماه های دیگر باشد ؛ چرا که آن نزد خداوند ، نسبت به ماه های دیگر ، حرمت و برتری دارد و مبادا در ماه رمضان ، روز روزه داری تان مثل روز خوردنتان باشد .

.

وانظر : ص 60 (جوامع بركاته وخصائصه) .

2 / 2خِطاباتُ أميرِ المُؤمِنينَ عِندَ حُضورِ شَهرِ رَمَضانَالإمام علىّ عليه السلام كانَ إذا جاءَ شَهرُ رَمَضانَ خَطَبَ النّاسَ قائِلاً :إنَّ هذَا الشَّهرَ المُبارَکَ الَّذِی افتَرَضَ اللّهُ صِيامَهُ ولَم يَفتَرِض قِيامَهُ قَد أتاكُم . ألا إنَّ الصَّومَ لَيسَ مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ وَحدَهُما ، ولَكِن مِنَ اللَّغوِ وَالكَذِبِ وَالباطِلِ . (1)

السنن الكبرى عَنِ الشَّعبِيِّ :إنّ عليّا عليه السلام كانَ يَخطُبُ إذا حَضَرَ رَمَضانُ ، ثُمَّ يَقولُ : «هذَا الشَّهرُ المُبارَکُ الَّذی فَرَضَ اللّهُ صِيامَهُ ولَم يَفرِض قِيامَهُ ؛ لِيَحذَرَ رَجُلٌ أن يَقولَ : أصومُ إذا صامَ فُلانٌ أو اُفطِرُ إذا أفطَرَ فُلانٌ . أَلا إنَّ الصِّيامَ لَيسَ مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ ولكِن مِنَ الكَذِبِ وَالباطِلِ وَاللَّغوِ . ألا لا تَقَدَّمُوا الشَّهرَ ؛ إذا رَأَيتُمُ الهِلالَ فَصوموا ، وإذا رَأَيتُموهُ فَأفطِروا ، فَإِن غُمَّ عَلَيكُم فَأكمِلُوا العِدَّةَ» . (2)

الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام: خَطَبَ أميرُ المُؤمِنينَ عليهِ السلام فى أوَّلِ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ فى مَسجِدِ الكوفَهِ ، فَحَمِدَ اللّهَ بِأفضَلِ الحَمدِ وأشرَفِهاَ وأبلَغِها ، وأثنى عَلَيهِ بِأحسَنِ الثَّناءِ ، وصَلّى عَلى مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله ، ثُمَّ قالَ : «أيُّهَا النّاسُ ، إنَّ هذَا الشَّهرَ شَهرٌ فَضَّلَهُ اللّهُ عَلى سائِرِ الشُّهورِ كَفَضلِنا أهلَ البَيتِ عَلى سائِرِ النّاسِ ؛ وهُوَ شَهرٌ يُفَتَّحُ فيهِ أبوابُ السَّماءِ وأبوابُ الرَّحمَهِ ، ويُغَلَّقُ فيهِ أبوابُ النِّيرانِ ؛ وهُوَ شَهرٌ يُسمَعُ فيهِ النِّداءُ ، ويُستَجابُ فيهِ الدُّعاءُ ، ويُرحَمُ فيهِ البُكاءُ ؛ وهُوَ شَهرٌ فيهِ لَيلَهٌ نَزَلَتِ المَلائِكَهُ فيها مِنَ السَّماءِ ؛ فَتُسَلِّمُ عَلَى الصّائِمينَ وَالصّائِماتِ بِإذنِ رَبِّهِم إلى مَطلَعِ الفَجرِ ، وهِىَ لَيلَهُ القَدرِ ؛ قُدِّرَ فيها وِلايَتى قَبلَ أن خُلِقَ آدَمُ عليه السلام بِألفَى عامٍ ، صِيامُ يَومِها أفضَلُ مِن صِيامِ ألفِ شَهرٍ ، وَالعَمَلُ فيها أفضَلُ مِنَ العَمَلِ فى ألفِ شَهرٍ . أيُّهَا النّاسُ ، إنَّ شُموسَ شَهرِ رَمَضانَ لَتَطلُعُ عَلَى الصّائِمينَ وَالصّائِماتِ ، وإنَّ أقمارَهُ لَيَطلُعُ عَلَيهِم بِالرَّحمَهِ ، وما مِن يَومٍ ولَيلَهٍ مِنَ الشَّهرِ إلاّ وَالبِرُّ مِنَ اللّهِ تَعالى يَتَناثَرُ مِنَ السَّماءِ عَلى هذِهِ الاُمَّهِ ، فَمَن ظَفِرَ مِن نِثارِ اللّهِ بِدُرَّهٍ كَرُمَ عَلَى اللّهِ يَومَ يَلقاها ، وما كَرُمَ عَبدٌ عَلَى اللّهِ إلاّ جَعَلَ الجَنَّهَ مَثواهُ .عِبادَ اللّهِ ، إنَّ شَهرَكُم لَيسَ كَالشُّهورِ ؛ أيّامُهُ أفضَلُ الأيّامِ ، ولَياليهِ أفضَلُ اللَّيالى ، وساعاتُهُ أفضَلُ السّاعاتِ ؛ هُوَ شَهرٌ الشَّياطينُ فيهِ مَغلولَهٌ مَحبوسَهٌ ؛ هُوَ شَهرٌ يَزيدُ اللّهُ فيهِ الأرزاقَ وَالآجالَ ، ويَكتُبُ فيهِ وَفدَ بَيتِهِ ؛ وهُوَ شَهرٌ يُقبَلُ أهلُ الإيمانِ بِالمَغفِرَهِ وَالرِّضوانِ ، وَالرَّوحِ وَالرَّيحانِ ، ومَرضاهِ المَلِكِ الدَّيّانِ . أيُّهَا الصّائِمُ ، تَدَبَّر أمرَکَ ؛ فَإِنَّکَ

فى شَهرِکَ هذا ضَيفُ رَبِّکَ ، اَنظُر کَيفَ تَکونُ فى لَيلِکَ ونَهارِکَ؟ وکَيفَ تَحفَظُ جَوارِحَکَ عَن مَعاصى رَبِّکَ؟ اُنظُر ألاّ تَکونَ بِاللَّيلِ نائِما وبِالنَّهارِ غافِلاً ؛ فَيَنقَضِىَ شَهرُکَ وقَد بَقِىَ عَلَيکَ وِزرُکَ ؛ فَتَکونَ عِندَ استيفاءِ الصّائِمينَ اُجورَهُم مِنَ الخاسِرينَ ، وعِندَ فَوزِهِم بِکَرامَهِ مَليکِهِم مِنَ المَحرومينَ ، وعِندَ سَعادَتِهِم بِمُجاوَرَهِ رَبِّهِم مِنَ المَطرودينَ . أيُّهَا الصّائِمُ ، إن طُرِدتَ عَن بابِ مَليکِکَ فَأىَ باب تَقصِدُ؟ وإن حَرَمَکَ رَبُّکَ فَمَن ذَا الَّذى يَرزُقُکَ؟ وإن أهانَکَ فَمَن ذَا الَّذى يُکرِمُکَ؟ وإن أذَلَّکَ فَمَن ذَا الَّذى يُعِزُّکَ؟ وإن خَذَلَکَ فَمَن ذَا الَّذى يَنصُرُکَ؟ وإن لَم يَقبَلکَ فى زُمرَهِ عَبيدِهِ فَإلى مَن تَرجِعُ بِعُبودِيَّتِکَ؟ وإن لَم يُقِلکَ عَثرَتَکَ فَمَن تَرجو لِغُفرانِ ذُنوبِکَ؟ وإن طالَبَکَ بِحَقِّهِ فَماذا يَکونُ حُجَّتُکَ؟ أيُّهَا الصّائِمُ ، تَقَرَّب إلَى اللّهِ بِتِلاوَهِ کِتابِهِ فى لَيلِکَ ونَهارِکَ ؛ فَإنَّ کِتابَ اللّهِ شافِعٌ مُشَفَّعٌ يَشفَعُ يَومَ القِيامَهِ لِأهلِ تِلاوَتِهِ ، فَيَعلونَ دَرَجاتِ الجَنَّهِ بِقِراءَهِ آياتِهِ . بَشِّر أيُّهَا الصّائِمُ ! فَإنَّکَ فى شَهرٍ صِيامُکَ فيهِ مَفروضٌ ، ونَفَسُکَ فيهِ تَسبيحٌ ، ونَومُکَ فيهِ عِبادَهٌ ، وطاعَتُکَ فيهِ مَقبولَهٌ ، ودُنوبُکَ فيهِ مَغفورَهٌ ، وأصواتُکَ فيهِ مَسموعَهٌ ، ومُناجاتُکَ فيهِ مَرحومَهٌ . ولَقَد سَمِعتُ حَبيبى رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : «إنَّ للّهِ تَبارَکَ وتَعالى عِندَ فِطرِ کُلِّ لَيلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ عُتَقاءَ مِنَ النّارِ لا يَعلَمُ عَدَدَهُم إلاَّ اللّهُ هُوَ فى عِلمِ الغَيبِ عِندَهُ ، فَإذا کانَ آخِرُ لَيلَهٍ مِنهُ أعتَقَ فيها مِثلَ ما أعتَقَ فى جَميعِهِ» . فَقامَ إلَيهِ رَجُلٌ مِن هَمدانَ فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، زِدنا مِمّا حَدَّثَکَ بِهِ حَبيبُکَ فى شَهرِ رَمَضانَ . فَقالَ : «نَعَم ، سَمِعتُ أخى وَابنَ عَمّى رَسولَ اللّهِ صلى الله علَيه و آله يَقولُ : مَن صامَ شَهرَ رَمَضانَ فَحَفِظَ فيهِ نَفسَهُ مِنَ المَحارِمِ دَخَلَ الجَنَّهَ» . قالَ الهَمدانِىُ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، زِدنا مِمّا حَدَّثَکَ بِهِ أخوکَ وَابنُ عَمِّکَ فى شَهرِ رَمَضانَ . قالَ : «نَعَم ، سَمِعتُ خَليلى رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : مَن صامَ رَمَضانَ إيمانا وَاحتِسابا دَخَلَ الجَنَّهَ» . قالَ الهَمدانِىُّ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، زِدنا مِمّا حَدَّثَکَ بِهِ خَليلُکَ فى هذَا الشَّهرِ . فَقالَ : «نَعَم ، سَمِعتُ سَيِّدَ الأوَّلينَ وَالآخِرينَ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : مَن صامَ رَمَضانَ فَلَم يُفطِر فى شَىءٍ مِن لَياليهِ عَلى حَرامٍ دَخَلَ الجَنَّهَ» . فَقالَ الهَمدانِىُّ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، زِدنا مِمّا حَدَّثَکَ بِهِ سَيِّدُ الأوَّلينَ وَالآخِرينَ فى هذَا الشَّهرِ . فَقالَ : «نَعَم ، سَمِعتُ أفضَلَ الأنبِياءِ وَالمُرسَلينَ وَالمَلائِکَهِ المُقَرَّبينَ يَقولُ : إنَّ سَيِّدَ الوَصِيِّينَ يُقتَلُ فى سَيِّدِ الشُّهورِ . فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، وما سَيِّدُ الشُّهورِ ، ومَن سَيِّدُ الوَصِيِّينَ؟ قالَ : أمّا سَيِّدُ الشُّهورِ فَشَهرُ رَمَضانَ ، وأمّا سَيِّدُ الوَصِيِّينَ فَأنتَ يا عَلِىُّ . فَقُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، فَإنَّ ذلِکَ لَکائِنٌ؟ قالَ : إى وَرَبّى ، إنَّهُ يَنبَعِثُ أشقَى اُمَّتى شَقيقُ عاقِرِ ناقَهِ ثَمودَ ، ثُمَّ يَضرِبُکَ ضَربَهً عَلى فَرقِکَ تُخضَبُ مِنها لِحيَتُکَ» . فَأخَذَ النّاسُ بِالبُکاءِ وَالنَّحيبِ . فَقَطَعَ عليه السلام خُطبَتَهُ ونَزَلَ . (3)

.

1- .درر الأحاديث النبويّه : 75 عن يحيى بن الحسين .
2- .السنن الكبرى : 4 / 351 / 7955 ، فضائل الأوقات للبيهقى : 47 / 78 ، كنز العمّال : 8 / 582 / 24272 وانظر المصنّف لابن أبى شيبه : 2 / 420 / 6 وص 438 / 11 .
3- .فضائل الأشهر الثلاثه : 107 / 101 عن مسعده الربعى عن الإمام الصادق عليه السلام .

ر . ک : ص 61 (مجموعه برکات و ویژگی های ماه رمضان) .

2 / 2خطبه های امیر مؤمنان ، هنگام فرا رسیدن ماه رمضانامام علی علیه السلام هر گاه ماه رمضان فرا می رسید ، برای مردم چنین خطبه می خواند :این ماه مبارک ، که خداوند روزه داریِ آن را واجب ساخته است ، شما را فرا رسید . آگاه باشید که روزه ، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست ؛ بلکه پرهیز از بیهوده و دروغ و ناروا نیز هست .

السنن الکبری به نقل از شَعبی :هر گاه ماه رمضان فرا می رسید ، علی علیه السلامخطبه می خواند و سپس می فرمود : «این ماه مبارک ، ماهی است که خداوند روزه آن را بر شما واجب ساخته است ، و عبادت شبانه را واجب نساخته است ؛ مبادا که کسی بگوید : هر گاه فلانی روزه بگیرد ، من هم روزه می گیرم و هر گاه فلانی بخورد ، من هم می خورم ! آگاه باشید که روزه ، تنها پرهیز از خوردن و نوشیدن نیست ؛ بلکه پرهیز از دروغ و ناروا و بیهوده است . آگاه باشید که از ماه ، جلوتر نیفتید . آن گاه که هلال را دیدید ، روزه بگیرید و آن گاه که آن را [در آغاز شوّال]دیدید ، بخورید . پس اگر دیده نشد ، شمار ماه را کامل سازید» .

امام باقر علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام : علی علیه السلام در اوّلین روز ماه رمضان در مسجد کوفه خطبه خواند . پس خدا را به بهترین ستایش و برترین و رساترین ثنا ستود و بر پیامبرش محمّد صلی الله علیه و آله درود فرستاد . سپس فرمود : «ای مردم ! این ماه ، ماهی است که خداوند ، آن را بر ماه های دیگر برتری داده است ، مانند برتری ما اهل بیت بر دیگر مردم . و آن ، ماهی است که درهای آسمان و درهای رحمت ، در آن گشوده می شوند و درهای آتش در آن بسته می گردند . و ماهی است که در آن ندا شنیده می شود و دعا مستجاب می گردد و گریه مورد ترحّم قرار می گیرد . ماهی است که در آن ، شبی وجود دارد که فرشتگان از آسمان فرود آمده ، بر مردان و زنان روزه دار ، به اذن پروردگارشان تا طلوع سپیده سلام می دهند و آن شب ، شب قدر است . دو هزار سال پیش از آن که آدم علیه السلامآفریده شود ، ولایت من در آن شب ، مقدّر شد . روزه گرفتن آن ، برتر از روزه داری هزار ماه است و

عمل در آن ، برتر از عمل در هزار ماه است . ای مردم ! خورشید ماه رمضان بر مردان و زنان روزه دار ، با رحمت می تابد و ماه آن با رحمت بر آنان نورافشانی می کند و هیچ روز و شبی از این ماه نیست ، مگر آن که پروردگار متعال ، بر سر این امّت ، نیکی می افشاند . پس هر کس از ریزش نعمت الهی ذرّه ای (1) بهره مند گردد ، در روز دیدارش با خدا ، نزد خداوند ، گرامی خواهد بود و هیچ بنده ای نزد خدا گرامی نگردد ، مگر آن که خداوند ، بهشت را جایگاه او قرار می دهد . بندگان خدا ! این ماه شما ، همچون دیگر ماه ها نیست . روزهایش برترین روزهاست و شب هایش برترین شب ها و ساعاتش برترین ساعات است . آن ، ماهی است که شیطان ها در آن در بند و زندانی اند ؛ ماهی که خداوند در آن ، روزی ها و اجل ها را می افزاید و میهمانان خانه اش را می نویسد ؛ ماهی که اهل ایمان با آمرزش و رضای الهی ، با شادی و نعمت های الهی ، و با خشنودی فرمانروای دادگر و توانا ، پذیرفته می شوند . ای روزه دار ! در کار خویش نیک بنگر ، که در این ماه ، میهمان پروردگار خویش هستی . بنگر که در شب و روزت چگونه ای و چگونه اعضای خود را از نافرمانی خدا حفظ می کنی . بنگر تا مبادا شب در خواب باشی و روز در غفلت ؛ پس این ماه بر تو بگذرد و بار گناهت همچنان بر دوشت مانده باشد ؛ پس آن گاه که روزه داران پاداش های خود را می گیرند ، تو از زیانکاران باشی و آن گاه که به کرامت فرمانروای خویش نایل می شوند ، از محرومان گردی و آن گاه که به همسایگی با پروردگارشان سعادتمند می شوند ، تو از طردشدگان باشی ! ای روزه دار ! اگر از درگاه صاحبت رانده شوی ، به کدام درگاه روی خواهی آورد؟ و اگر پروردگارت محروم سازد ، کیست که روزی ات دهد؟ و اگر تو را خوار شمرد ، کیست که اکرامت کند؟ و اگر ذلیلت ساخت ، کیست که عزّتت بخشد؟ و اگر تو را وا گذاشت ، کیست که یاری ات کند؟ و اگر تو را در جمع بندگانش نپذیرفت ، بندگی ات را به آستان چه کس خواهی برد؟ و اگر از خطایت در نگذشت ، برای آمرزش گناهانت به که امید خواهی بست؟ و اگر حقّ خویش را از تو طلبید ، حجّت تو چه خواهد بود؟ ای روزه دار ! در شب و روزت با تلاوت کتاب خدا ، به او تقرّب بجوی ، که همانا کتاب خدا ، شفیعی است که روز قیامت ، شفاعتش برای قرآن خوانان پذیرفته است و با خواندن آیات آن ، از درجه های بهشت بالا می روند . مژده ای روزه دار ! تو در ماهی هستی که روزه داری ات در آن ، واجب ، نَفَس کشیدنت در آن ، تسبیح ، خُفتنت در آن ، عبادت ، طاعتت در آن ، پذیرفته ، گناهانت در آن ، آمرزیده ، صداهایت در آن ، شنیده شده ، و مناجات در آن ، مورد ترحّم است . از حبیبم پیامبر خدا شنیدم که می فرمود : خداوند متعال را در هنگام افطار هر شب ماه رمضان ، آزادشدگانی از آتش است که شمار آنان را کسی جز خداوند نمی داند .

شمار آنان ، نزد او در علم غیب است . پس چون آخرین شب این ماه شود ، خداوند به شمار همه کسانی که در تمام این ماه آزاد کرده ، آزاد خواهد نمود » . مردی از قبیله هَمْدان برخاست و گفت : ای امیر مؤمنان ! از آنچه حبیب تو درباره ماه رمضان فرمود ، بیشتر بگو . فرمود : «باشد ! شنیدم که برادر و پسر عمویم ، پیامبر خدا ، می فرمود : هر کس ماه رمضان را روزه بدارد و خود را در این ماه از حرام ها نگه دارد ، وارد بهشت می شود » . آن مرد هَمْدانی گفت : ای امیر مؤمنان ! از آنچه برادر و پسر عمویت درباره ماه رمضان فرمود ، بیشتر بگو . فرمود : «باشد ! شنیدم که دوستم پیامبر خدا می فرمود : هر کس از روی ایمان و به خاطر اجر الهی ، [ماه رمضان] را روزه بدارد ، وارد بهشت می شود » . مرد هَمْدانی گفت : ای امیر مؤمنان ! از آنچه دوستت درباره این ماه فرمود ، بیشتر بگو . فرمود : «باشد ! شنیدم که سَرور اوّلین و آخرین ، پیامبر خدا می فرمود : هر کس [ماه] رمضان را روزه بدارد و در شب های آن حرام نخورد ، وارد بهشت می شود » . مرد هَمْدانی گفت : ای امیر مؤمنان ! از آنچه سرور اوّلین و آخرین با تو درباره این ماه گفت ، بیشتر بگو . فرمود : «باشد ! شنیدم که برترینِ پیامبران و فرستادگان و فرشتگان مقرّب می فرمود : همانا سَرور اوصیا ، در سَرور ماه ها کشته می شود . گفتم : ای پیامبر خدا ! سرور ماه ها ، کدام است و سرور اوصیا کیست؟ فرمود : امّا سرور ماه ها ، ماه رمضان است و امّا سرور اوصیا ، تویی ، ای علی ! . گفتم : ای پیامبر خدا ! آیا چنین خواهد شد؟ فرمود : آری ، به پروردگارم سوگند ! همانا نگون بخت ترینِ امّت من ، برادرِ پی کننده ناقه ثمود ، برمی خیزد و ضربتی بر فرق سرت می زند که محاسنت از خون آن ، رنگین می شود » . پس مردم شروع به گریه و شیون کردند . علی علیه السلام خطبه اش را به پایان برد و فرود آمد .

.

1- .در متن حدیث ، «درّه» آمده است ؛ لیکن به نظر می رسد در اصل ، «ذرّه» بوده و نقطه آن افتاده است ؛ زیرا کلمه «درّه» در این جا معنای مناسبی ندارد. م

ص: 178

. .

ص: 179

. .

ص: 180

. .

ص: 181

. .

2 / 3كَلامُ ثامِنِ الحُجَجِ عِندَ حُضورِ شَهرِ رَمَضانَالإمام الرضا عليه السلام :الحَسَناتُ فى شَهرِ رَمَضانَ مَقبولَةٌ ، وَالسَّيِّئاتُ فيهِ مَغفورَةٌ . مَن قَرَأَ فى شَهرِ رَمَضانَ آيَةً مِن كِتابِ اللّهِ عز و جل كانَ كَمَن خَتَمَ القُرآنَ فى غَيرِهِ مِنَ الشُّهورِ ، ومَن ضَحِكَ فيهِ فى وَجهِ أخيهِ المُؤمِنِ لَم يَلقَهُ يَومَ القِيامَهِ إلاّ ضَحِكَ فى وَجهِهِ وبَشَّرَهُ بِالجَنَّهِ ، ومَن أعانَ فيهِ مُؤمِنا أعانَهُ اللّهُ تَعالى عَلَى الجَوازِ عَلَى الصِّراطِ يَومَ تَزِلُّ فيهِ الأَقدامُ ، ومَن كَفَّ فيهِ غَضَبَهُ كَفَّ اللّهُ عَنهُ غَضَبَهُ يَومَ القِيامَهِ ، ومَن نَصَرَ فيهِ مَظلوما نَصَرَهُ اللّهُ عَلى كُلِّ مَن عاداهُ فِى الدُّنيا ، ونَصَرَهُ يَومَ القِيامَهِ عِندَ الحِسابِ وَالميزانِ . شَهرُ رَمَضانَ شَهرُ البَرَكَهِ ، وشَهرُ الرَّحمَهِ ، وشَهرُ المَغفِرَهِ ، وشَهرُ التَّوبَهِ وَالإنابَهِ ؛ مَن لَم يُغفَر لَهُ فى شَهرِ رَمَضانَ فَفى أىِ شَهرٍ يُغفَرُ لَهُ؟! فَاسأَلُوا اللّهَ أن يَتَقَبَّلَ مِنكُم فيهِ الصِّيامَ ، ولا يَجعَلَهُ آخِرَ العَهدِ مِنكُم ، وأن يُوَفَّقَكُم فيهِ لِطاعَتِهِ ويَعصِمَكُم مِن مَعصِيَتِهِ ، إنَّهُ خَيرُ مَسؤولٍ . (1)

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : 97 / 82 عن الحسن بن علىّ بن فضّال ، بحار الأنوار : 96 / 341 / 5 .

2 / 3سخن امام هشتم ، هنگام فرا رسیدن ماه رمضانامام رضا علیه السلام :حسنات در ماه رمضان ، پذیرفته اند و گناهان در آن ، آمرزیده . هر کس در ماه رمضان یک آیه از کتاب خدا بخواند ، مثل کسی است که در غیر آن ، ختم قرآن کرده باشد و هر کس در این ماه ، به صورت برادر مؤمنش بخندد ، خدا را در قیامت دیدار نخواهد کرد ، مگر آن که در چهره او خواهد خندید (1) و به بهشت ، مژده اش خواهد داد . و هر کس در آن ماه ، مؤمنی را یاری کند ، خداوند ، او را بر گذشتن از صراط ، در آن روز که قدم ها بر آن می لغزد ، یاری خواهد کرد . و هر کس در آن ، خشم خود را نگه دارد ، خداوند نیز روز قیامت ، خشمش را از او نگه خواهد داشت . و هر کس در آن ، ستم دیده ای را یاری کند ، خداوند ، او را در دنیا بر ضدّ کسی که با وی دشمنی نماید ، یاری می کند و روز قیامت نیز هنگام حساب و میزان ، یاری اش می نماید . ماه رمضان ، ماه برکت است ، ماه رحمت ، ماه آمرزش ، ماه توبه و بازگشت به سوی خدا . هر که در ماه رمضان آمرزیده نشود ، پس در چه ماهی آمرزیده گردد؟ ! پس ، از خداوند بخواهید که در این ماه ، روزه شما را بپذیرد و آن را آخرین رمضان شما قرار ندهد و شما را بر طاعت خویش توفیق دهد و از نافرمانی خود نگه دارد ، که او بهترین کسی است که از او درخواست می شود .

.

1- .مقصود ، تجلّی حضرت حق جلّ و علا با صفت رحمت و رأفت بر دل مؤمن است .

ص: 184

. .

ص: 185

. .

الفصل الثالثأسبابُ التَّهَيُّؤِلِضِيافَهِ اللّهِ3 / 1تَقديمُ التَّوبَهِعيون أخبار الرضا عليه السلام عن عبد السلام بن صالح الهرويّ :دَخَلتُ عَلَى أَبِى الحَسَنِ عَلِيِ بنِ موسَى الرِّضا عليه السلام فى آخِرِ جُمُعَهٍ مِن شَعبانَ ، فَقالَ لى : «يا أَبَا الصَّلتِ ، إنَّ شَعبانَ قَد مَضى أكثَرُهُ ، وهذا آخِرُ جُمُعَهٍ مِنهُ ، فَتَدارَک فيما بَقِىَ مِنهُ تَقصيرَکَ فيما مَضى مِنهُ ، وعَلَيکَ بِالإِقبالِ عَلى ما يَعنيکَ وتَرکِ ما لا يَعنيکَ ، وأكثِر مِنَ الدُّعاءِ وَالاِستِغفارِ وتِلاوَهِ القُرآنِ ، وتُب إلَى اللّهِ مِن ذُنوبِکَ ؛ لِيُقبِلَ شَهرُ اللّهِ إلَيکَ وأنتَ مُخلِصٌ للّهِ عز و جل ، ولا تَدَعَنَّ أمانَهً فى عُنُقِکَ إلاّ أدَّيتَها ، ولا فى قَلبِکَ حِقدا عَلى مُؤمِنٍ إلاّ نَزَعتَهُ ، ولا ذَنبا أنتَ مُرتَكِبُهُ إلاّ [أ]قلَعتَ عَنهُ ، وَاتَّقِ اللّهَ وتَوَكَّل عَلَيهِ فى سِرِّ أمرِکَ وعَلانِيَتِکَ « وَ مَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُو إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِى قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَىْءٍ قَدْرًا » (1) ، وأكثِر مِن أن تَقولَ فيما بَقِىَ مِن هذَا الشَّهرِ : اللّهُمَّ إن لَم تَكُن قَد غَفَرتَ لَنا فيما مَضى مِن شَعبانَ فَاغفِر لَنا فيما بَقِىَ مِنهُ . فَإِنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى يُعتِقُ فى هذَا الشَّهرِ رِقابا مِنَ النّارِ لِحُرمَهِ شَهرِ رَمَضانَ» . (2)

.

1- .الطلاق : 3 .
2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 51 / 198 ، الإقبال : 1 / 42 وليس فيه «وترک ما لا يعنيک» ، بحار الأنوار : 97 / 73 / 17 .

فصل سوم : اسباب آمادگی برای میهمانی خدا3 / 1توبه ، پیش از فرا رسیدن ماه رمضانعیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از عبد السلام بن صالح هروی :در آخرین جمعه ماه شعبان ، خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم . به من فرمود : «ای ابو صَلْت ! بیشترِ شعبان گذشته است و این ، آخرین جمعه از آن است . پس در آنچه از آن مانده ، کوتاهی هایت را در آنچه گذشته است ، جبران کن . به کاری روی آور که برایت مفید باشد و آنچه را بیهوده است و به تو مربوط نیست ، وا گذار . زیاد دعا و استغفار و تلاوت قرآن داشته باش و از گناهانت به درگاه خدا توبه کن ، تا در حالی ماه خدا سوی تو آید که برای خدا خالص شده باشی . هیچ امانتی را بر عهده خویش باقی نگذار ، مگر آن که ادا کرده باشی ، و هیچ کینه ای را در دلت نسبت به مؤمنی نگاه مدار ، مگر آن که از دل به در آورده باشی ، و هیچ گناهی را که مرتکب می شدی ، رها مکن ، مگر این که از آن ، دست برداشته باشی . از خدا پروا کن و در نهان و آشکار کارت ، بر او توکّل کن «و هر کس بر خدا توکّل کند ، او برایش بس است . خداوند ، فرمان خویش را پیش خواهد برد . به یقین ، خداوند برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است» . و در باقی مانده این ماه ، زیاد بگو : خدایا ! اگر ما را در آنچه از شعبان گذشته است ، نیامرزیده ای ، پس ما را در باقی مانده آن ببخشای ! . همانا خداوند متعال ، در این ماه به احترام ماه رمضان ، بسیاری را [از آتش] آزاد می کند» .

.

3 / 2صِيامُ ثَلاثَهِ أيّامٍ مِن آخِرِ شَعبانَالسنن الكبرى عن أنس :قيلَ : يا رَسولَ اللّهِ ، أىُ الصَّومِ أفضَلُ؟ قالَ : «صَومُ شَعبانَ تَعظيما لِرَمَضانَ» . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن صامَ ثَلاثَهَ أيّامٍ مِن آخِرِ شَعبانَ ووَصَلَها بِشَهرِ رَمَضانَ ، كَتَبَ اللّهُ لَهُ صَومَ شَهرَينِ مُتَتابِعَينِ . (2)

3 / 3إصلاحُ الطَّعامِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :كُلُوا الحَلالَ يَتِمَّ لَكُم صَومُكُم . (3)

.

1- .السنن الكبرى : 4 / 503 / 8517 ، شُعب الإيمان : 3 / 377 / 3819 ، كنز العمّال : 8 / 591 / 24292 ؛ ثواب الأعمال : 86 / 14 ، بحار الأنوار : 97 / 77 / 35 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 94 / 1829 ، الخصال : 582 / 6 عن العبّاس بن هلال ، فضائل الأشهر الثلاثه : 53 / 31 عن الحسن بن علىّ بن فضّال وكلاهما عن الإمام الرضا عليه السلام ، الأمالى للصدوق : 768 / 1038 عن المفضّل بن عمر ، الإقبال : 1 / 43 ، بحار الأنوار : 97 / 72 .
3- .كنز العمّال : 15 / 844 / 43356 نقلاً عن الديلمى عن جابر .

3 / 2 سه روز روزه در آخر شعبان

3 / 3 اصلاح غذا

3 / 2سه روز روزه در آخر شعبانالسنن الکبری به نقل از انس :به پیامبر خدا گفتند : کدام روزه برتر است؟ فرمود : «روزه شعبان در بزرگداشتِ رمضان» .

امام صادق علیه السلام :هر کس سه روزِ آخر شعبان را روزه بدارد و آنها را به ماه رمضان متّصل کند ، خداوند برای او پاداش روزه دو ماه پیاپی را می نویسد .

3 / 3اصلاح غذاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :غذای حلال بخورید تا روزه برای شما کامل گردد .

.

عدّه الداعى عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :«العِبادَهُ مَعَ أكلِ الحَرامِ كَالبِناءِ عَلَى الرَّملِ» . وقيلَ : عَلَى الماءِ . (1)

إرشاد القلوب عن حذيفه بن اليمان رفعه عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :«إنَّ قَوما يَجيؤونَ يَومَ القِيامَهِ ولَهُم مِنَ الحَسَناتِ أمثالُ الجِبالِ ، فَيَجعَلُهَا اللّهُ هَباءً مَنثورا ، ثُمَّ يُؤمَرُ بِهِم إلَى النّارِ» . فَقالَ سَلمانُ : صِفهُم لَنا يا رَسولَ اللّهِ . فَقالَ : «أما إنَّهُم قَد كانوا يَصومونَ ويُصَلّونَ ، ويَأخُذونَ أهبَهً مِنَ اللَّيلِ ، ولكِنَّهُم كانوا إذا عَرَضَ لَهُم شَىءٌ مِنَ الحَرامِ وَثَبوا عَلَيهِ» . (2)

المعجم الكبير :عَن ضَمرَهَ بنِ حَبيبٍ عَن اُمِّ عَبدِ اللّهِ اُختِ شَدّادِ بنِ أوسٍ أنَّها بَعَثَت إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِقَدَحِ لَبَنٍ عِندَ فِطرِهِ وهُوَ صائِمٌ ، وذلِكَ فى طولِ النَّهارِ وشِدَّهِ الحَرِّ ، فَرَدَّ إلَيها رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «أنّى كانَ لَكِ هذَا اللَّبَنُ؟» . قالَت : مِن شاهٍ لى . فَرَدَّ إلَيها رَسولَها : «أنّى كانَت لَكِ هَذِهِ الشّاهُ؟» . قالَت : اِشتَرَيتُها مِن مالى . فَأخَذَهُ مِنها . فَلَمّا كانَ مِنَ الغَدِ أتَتهُ اُمُّ عَبدِ اللّهِ ، فَقالَت : يا رَسولَ اللّهِ ، بَعَثتُ إلَيكَ بِاللَّبَنِ مَرتِيَهً لَكَ مِن طولِ النَّهارِ وشِدَّهِ الحَرِّ ، فَرَدَدتَ الرَّسولَ فيهِ! فَقالَ لَها : «بِذلِكَ اُمِرَتِ الرُّسُلُ ؛ ألاّ نَأكُلَ إلاّ طَيِّبا ، ولا نَعمَلَ إلاّ صالِحا» . (3)

الكافى عن أبى بصير :قالَ رَجُلٌ لأَبى جَعفَرٍ عليه السلام : إنّى ضَعيفُ العَمَلِ قَليلُ الصِّيامِ ، ولكِنّى أرجو ألاّ آكُلَ إلاّ حَلالاً . فَقالَ لَهُ : «أىُ الاِجتِهادِ أفضَلُ مِن عِفَّهِ بَطنٍ وفَرجٍ؟ !» . (4)

.

1- .عدّه الداعى : 141 وص 284 وفيه «الدعاء» بدل «العباده» ، بحار الأنوار : 103 / 16 / 73 وج 84/258/56 .
2- .إرشاد القلوب : 191 .
3- .المعجم الكبير : 25 / 174 / 428 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 140 / 7159 ، الورع لابن أبى الدنيا : 83 / 116 ، مسند الشاميّين : 2 / 356 / 1488 ، اُسد الغابه : 7 / 348 / 7515 .
4- .الكافى : 2 / 79 / 4 ، المحاسن : 1 / 455 / 1052 ، مشكاه الأنوار : 275 / 826 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 71 / 269 / 4 و ص 273 / 18 .

عدّه الداعی به نقل از پیامبر خدا :«عبادت با حرامخواری ، همچون ساختن بنا بر شنزار است» و نیز نقل شده است : «همچون ساختن بنا بر آب» .

إرشاد القلوب به نقل از حذیفه بن یمان :پیامبر خدا فرمود : «روز قیامت ، گروهی می آیند ، در حالی که حسناتشان همچون کوه هاست . خداوند ، همه آنها را نابود و پراکنده می سازد . سپس فرمان می رسد که آنان را به آتش بیفکنید» . سلمان گفت : ای پیامبر خدا! آنان را برای ما توصیف کن . فرمود : «آنان ، کسانی هستند که روزه گرفته ، نماز خوانده و شب زنده داری کرده اند ؛ لیکن هر گاه حرامی بر آنان عرضه می شده ، بر آن می شتافتند» .

المعجم الکبیر به نقل از حمزه بن حبیب ، درباره اُمّ عبد اللّه (خواهر شدّاد بن آوس) :وی هنگام افطار ، ظرف شیری برای پیامبر خدا که روزه بود ، فرستاد و این ، در روزی بلند با هوای گرم بود . پیامبر خدا آن را نزد زن برگرداند که : «این شیر را از کجا آورده ای؟» . گفت : از گوسفندم [دوشیده ام] . پیامبر صلی الله علیه و آله ، فرستاده آن زن را [دوباره] نزد او برگرداند که : «این گوسفند را از کجا آورده ای؟» . گفت : از مال خودم خریده ام . پس پیامبر صلی الله علیه و آله آن را از او گرفت . چون فردا شد ، اُمّ عبد اللّه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و گفت : ای پیامبر خدا! شیر را از روی دلسوزی (به خاطر بلندی روز و شدّت گرما) برایتان فرستادم . آن گاه فرستاده مرا برگرداندی! به او فرمود : «پیامبران ، چنین مأمورند . [مأموریم] که جز پاکیزه نخوریم و جز شایسته انجام ندهیم» .

الکافی به نقل از ابو بصیر :مردی به امام باقر علیه السلام گفت : من [از نظر]کار [خیر ،] ضعیف و روزه داری ام اندک است ؛ لیکن امیدوارم که جز حلال ، چیزی نخورم . به او فرمود : «چه کوششی برتر از پاک دامنی در شکم و شهوت؟ !» .

.

الإمام الباقر عليه السلام لِأَبی حَمزَةَ الثُّمالِیِّ :«یَبعَثُ اللّهُ یَومَ القِیامَهِ قَوما بَینَ أیدیهم نورٌ کَالقَباطِیِّ ، ثُمَّ یُقالُ لَهُ : کُن هَباءً مَنثورا» . ثُمَّ قالَ : «أما وَاللّهِ یا أبا حَمزَهَ ، إنَّهُم کانوا لَیَصومونَ ویُصَلّونَ ولکِن کانوا إذا عَرَضَ لَهُم شَیءٌ مِنَ الحَرامِ أخَذوهُ ، وإذا عَرَضَ لَهُم شَیءٌ مِن فَضلِ أمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام أنکَروهُ» . (1)

.

1- .تفسیر القمّی : 2 / 112 عن أبی حمزه الثمالی ، بحار الأنوار : 7 / 176 / 9 وج 70 / 293 / 35 .

امام باقر علیه السلام خطاب به ابو حمزه ثمالی :روز قیامت ، خداوند ، گروهی را بر می انگیزد که پیشاپیش آنان نوری مثل قَباطی (1) است . سپس به آن نور گفته می شود : «نابود و پراکنده شو» . [سپس فرمود :] به خدا ، سوگند ای ابو حمزه! آنان کسانی هستند که نماز می خواندند و روزه می گرفتند ؛ لیکن هر گاه چیزی از حرام به آنان عرضه می شد ، می گرفتند و هر گاه چیزی از عطای امیر مؤمنان علیه السلام به آنان داده می شد ، رد می کردند .

.

1- .قَباطی (جمع قُبطیّه) ، نوعی جامه مصری است که سفید و نازک است . گویا به «قبط (مصریان)» منسوب است (النهایه : 4 / 6) .

ص: 194

. .

سخنی درباره تقویت آثار روزه با اصلاح غذا

اشاره

سخنی درباره تقویت آثار روزه با اصلاح غذاخوردن و نوشیدن به هنگام افطار و سحر ، جان مایه روزه داری است . از این رو ، در نظر اسلام ، حلال یا حرام بودن خوردنی ها و نوشیدنی ها ، اندازه و نوع آنها و همچنین انگیزه روزه داران از خوردن و آشامیدن ، در میزان بهره وری از روزه نقشی اساسی دارند و در دستاوردهای روزه دار از برکات این میهمانی ، بسیار مؤثّرند . نخستین شرط بهره وری از روزه ، آن است که نیروی تأمین کننده و پشتوانه انسان برای روزه گرفتن ، حلال باشد . غذای حرام ، نه تنها در بهره مندی انسان از آثار و برکات روزه ، نقش تخریبی دارد ، بلکه آفتی است که همه عبادت ها را تهدید می کند ، بدان گونه که در روایات گذشته اشاره شد . از این رو ، از پیامبر خدا روایت شده است :

العِبادَهُ مَعَ أکلِ الحَرامِ کَالبِناءِ عَلَی الرَّملِ ؛ (1)

عبادت همراه با حرامخواری ، مثل بنا ساختن بر شنزار است .

بر این پایه ، برای روزه دار ، شناخت غذاهای حرام ، اهمّیتی ویژه دارد .

.

1- .عدّه الداعی : 141 ، بحار الأنوار : 103 / 16 / 73 .

انواع خوردنی ها و آشامیدنی های حرام

پرهیز از غذاهای شبهه ناک

انواع خوردنی ها و آشامیدنی های حرامخوردنی ها و آشامیدنی های حرام ، چند قسم اند : 1 . آنچه حرمت ذاتی دارد ، مثل : گوشت حیوانات حرام گوشت ، تخم پرندگان حرام گوشت ، بعضی از اعضای حیوانات حلال گوشت (مانند : نرینه ، بچه دان ، دُنبلان ، مثانه ، غدّه های بدن ، کیسه صفرا ، نخاع) ، اعیان نجس (مانند : مُردار ، خون ، گوشت خوک ، شراب و هر مایع مست کننده دیگر) . (1) 2 . آنچه حرمت عَرَضی دارد ، مانند : غذاهایی که به سبب برخورد با عین نجس ، متنجّس شده اند ، یا برای جسم و جان انسان ، زیان عمده دارند . 3 . آنچه با مال حرام تهیّه می شود ، مثل : سفره های افطاری ای که بدون اجازه قانونی ، هزینه شان از بیت المال ، پرداخت می شود . 4 . آنچه از مال مخلوط به حرام ، تهیّه می شود . 5 . آنچه از مالی تهیّه می شود که حقوق شرعی آن (مانند : خمس و زکات) پرداخت نشده است . 6 . آنچه با مال حلال فراهم می شود ؛ ولی در کیفیّت و مقدار آن ، اسراف می گردد .

پرهیز از غذاهای شبهه ناکاگر روزه دار بخواهد از روزه اش بهره ببرد ، سزاوار است که نه تنها از غذاهایی که حرمتشان قطعی است ، بلکه از غذاهای شبهه ناک هم پرهیز کند . غذاهای شبهه ناک دو گونه اند : نوع اوّل : غذاهایی که در ظاهر ، حلال شمرده می شوند ، مثل : غذایی که میزبانِ

.

1- .برای آگاهی بیشتر از این قسم محرّمات ، علاوه بر منابع فقهی ، ر . ک : رساله فی الواجب والحرام ، [آیت اللّه]علی مشکینی دام ظله .

انگیزه های خوردن و آشامیدن

مسلمان برای میهمانش تهیّه می کند ؛ ولی میهمان ، احتمال می دهد که از مال حرام باشد . نوع دوم : غذاهایی که در ظاهر ، حرام شمرده می شوند ، مثل : غذایی که از مال مخلوط به حرام تهیّه می شود ، به گونه ای که جدا کردن حلال و حرام آن ، ممکن نیست . نکته قابل توجّه در این زمینه ، آن است که اسلام برای استفاده از این گونه غذاها ، راه حل دارد و برای رهایی از پیامدهای آن ، تدبیری اندیشیده است ، مانند پرداخت خمس مال شبهه ناک . از این راه ، روزه دار می تواند از مشکل غذاهای شبهه ناکی که بخصوص در میهمانی ها می خورد و یا به میهمانان خود می دهد ، برهد ، تا روزه ماه رمضان پاک و دارای آثار معنوی بیشتری باشد .

انگیزه های خوردن و آشامیدنانگیزه ای که روزه دار در خوردن و آشامیدن در وقت افطار و سحر دارد ، تأثیر مهمّی در بهره وری کامل از برکات روزه دارد . در یکی از توصیه های پیامبر صلی الله علیه و آله به ابو ذر غفاری ، چنین آماده است :

« یا أبا ذَرٍّ ! لِیَکُن لَکَ فی کُلِّ شَی ءٍ نِیَّهٌ صالِحَهٌ حَتَّی الأَکلِ وَ النَّومِ ؛ (1)

ای ابو ذر! برای هر چیزی نیّت خوب داشته باش ، حتّی برای خوردن و خوابیدن .

میان روزه داری که سحری و افطار را تنها برای رفع گرسنگی و تشنگی می خورد ، با کسی که آنها را به قصد قربت و کسب رضای الهی می خورد ، فرق بسیار است . نورانیّت روزه ای که روزه دار با قصد قربت غذا می خورد ، هرگز با روزه ای که روزه دار با انگیزه حیوانی و خواسته نفْس غذا می خورد و نیرو می گیرد ، برابر نیست .

.

1- .مکارم الأخلاق : 2 / 370 / 2661 ، تنبیه الخواطر : 2 / 58 .

روشن است که انگیزه خدایی در این کار که روزه دار می گوید : «به قصد تقرّب به خدا ، غذا می خورم» نیازمند مقدّماتی است که با این عمل ، هماهنگ باشد ، که از جمله آنها ، تناسب نوع و مقدار غذا با نیاز بدن است . بر اساس مقدّمات و توضیح هایی که گذشت ، می توان فشرده سخن را در زمینه اصلاح غذا به وسیله روزه دار ، در سه نکته زیر خلاصه کرد که پایبندی و رعایت آنها موجب می شود تا روزه دار ، هر چه بیشتر ، از مواهب و دستاوردهای ضیافت الهی ، بهره مند گردد : 1 . حلال بودن آنچه خورده و آشامیده می شود و پرهیز از غذاهای حرام و شبهه ناک . 2 . تناسب نوع و مقدار غذاها و نوشیدنی ها با نیاز و خواسته بدن و پرهیز روزه دار از غذاهای رنگارنگ و افزون از حدّ نیاز . 3 . خوردن و آشامیدن به قصد قربت و با انگیزه کسب رضای الهی و اطاعت از فرمان او . عالم ربّانی مرحوم آیه اللّه میرزا جواد آقا ملکی تبریزی ، در پایان بحثی که درباره انواع روزه داران از جهت برخوردشان با خوردنی ها و آشامیدنی ها دارد ، می گوید : برخی از آنان ، همه خورد و خوراکشان ، حلال و دور از اسراف و تجمّل است ؛ بلکه در مقدار خوردنی و آشامیدنی شان ، حتّی از اندازه حلال و غیر مکروه هم متواضعانه می کاهند و این گونه از لذّت می گذرند و در خورشت ، به یک نوع ، بسنده می کنند ، یا بعضی از لذّت ها و فزونی ها را ترک می کنند . درجات آنان نزد پروردگارشان ، که نگاه دارنده تلاش ها و مجاهدت های آنان است ، محفوظ است و آنان پاداش می یابند و هیچ ستمی به آنان نمی شود . خداوند ، آنان را به بهترین کارهایشان پاداش می دهد و از عطای خویش ، بی حساب بر آنان می افزاید .

.

پس هیچ کس نمی داند چه پاداش های بزرگی که مایه چشم روشنی است و برایشان پنهان نگه داشته شده است خواهند داشت ؛ پاداش هایی که بر هیچ دلی خطور نکرده است . (1) خدایا ! ما را هم از آنان قرار بده !

.

1- .برای مطالعه تمام سخن وی ، ر.ک : المراقبات : 98 .

الفصل الرابعأدعِيَهُ التَّهَيُّؤِلِضِيافَهِ اللّهِ4 / 1أدعِيَهُ آخِرِ شَعبانَالإمام الصادق عليه السلام مِن دُعائِهِ فى آخِرِ شَعبانَ :[اللّهُمَّ] إنَّ هذَا الشَّهرَ المُبارَکَ الَّذى أنزَلتَ فيهِ القُرآنَ وجَعَلتَهُ هُدىً لِلنّاسِ وبَيِّناتٍ مِنَ الهُدى وَالفُرقانِ قَد حَضَرَ ، فَسَلِّمنا فيهِ وسَلِّمهُ لَنا وسَلِّمهُ مِنّا فى يُسرٍ مِنکَ وعافِيَهٍ . (1)

عنه عليه السلام مِمّا كانَ يَقولُهُ فى آخِرِ لَيلَهٍ مِن شَعبانَ وأوَّلِ لَيلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ :اللّهُمَّ إنَّ هذَا الشَّهرَ المُبارَکَ الَّذى أنزِلَ فيهِ القُرآنُ هُدىً لِلنّاسِ وبَيِّناتٍ مِنَ الهُدى وَالفُرقانِ قَد حَضَرَ ، فَسَلِّمنا فيهِ وَسَلِّمهُ لَنا وتَسَلَّمهُ مِنّا فى يُسرٍ مِنکَ وعافِيَهٍ ، يا مَن أخَذَ القَليلَ وشَكَرَ الكَثيرَ اقبَل مِنّى اليَسيرَ . اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ أن تَجعَلَ لى إلى كُلِّ خَيرٍ سَبيلاً ، ومِن كُلِّ ما لا تُحِبُّ مانِعا ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ ، يا مَن عَفا عَنّى وعَمّا خَلَوتُ بِهِ مِنَ السَّيِّئاتِ ، يا مَن لَم يُؤاخِذنى بِارتِكابِ المَعاصى ، عَفوَکَ عَفوَکَ عَفوَکَ يا كَريمُ ، إلهى وَعَظَتَنى فَلَم أتَّعِظ ، وزَجَرتَنى عَن مَحارِمِکَ فَلَم أنزَجِر ، فَما عُذرى؟ فَاعفُ عَنّى يا كَريمُ ، عَفوَکَ عَفوَکَ . اللّهُمّ ، إنّى أسأَلُکَ الرّاحَهَ عِندَ المَوتِ ، وَالعَفوَ عِندَ الحِسابِ ، عَظُمَ الذَّنبُ مِن عَبدِکَ فَليَحسُنِ التَّجاوُزُ مِن عِندِکَ ، يا أهلَ التَّقوى ويا أهلَ المَغفِرَهِ ، عَفوَکَ عَفوَکَ . اللّهُمَّ إنّى عَبدُکَ وَابنُ عَبدِکَ وَابنُ أمَتِکَ ، ضَعيفٌ فَقيرٌ إلى رَحمَتِکَ ، وأنتَ مُنزِلُ الغِنى وَالبَرَکَهِ عَلَى العِبادِ ، قاهِرٌ مُقتَدِرٌ ، أحصَيتَ أعمالَهُم وقَسَمتَ أرزاقَهُم ، وجَعَلتَهُم مُختَلِفَهً ألسِنَتُهُم وألوانُهُم ، خَلقا مِن بَعدِ خَلقٍ ، لا يَعلَمُ العِبادُ عِلمَکَ ، ولا يَقدِرُ العِبادُ قَدرَکَ ، وكُلُّنا فَقيرٌ إلى رَحمَتِکَ ، فَلا تَصرِف عَنّى وَجهَکَ ، وَاجعَلنى مِن صالِحى خَلقِکَ فِى العَمَلِ وَالأمَلِ وَالقَضاءِ وَالقَدَرِ . اللّهُمَّ أبقِنى خَيرَ البَقاءِ ، وأفنِنى خَيرَ الفَناءِ ؛ عَلى مُوالاهِ أولِيائِکَ ومُعاداهِ أعدائِکَ وَالرَّغبَهِ إلَيکَ وَالرَّهبَهِ مِنکَ ، وَالخُشوعِ وَالوَفاءِ وَالتَّسليمِ لَکَ ، وَالتَّصديقِ بِكِتابِکَ ، وَاتِّباعِ سُنَّهِ رَسولِکَ . اللّهُمَّ ما كانَ فى قَلبى مِن شَکٍّ أو ريبَهٍ ، أو جُحودٍ أو قُنوطٍ ، أو فَرَحٍ أو بَذَخٍ ، أو بَطَرٍ أو خُيَلاءَ ، أو رِياءٍ أو سُمعَهٍ ، أو شِقاقٍ أو نِفاقٍ ، أو كُفرٍ أو فُسوقٍ أو عِصيانٍ ، أو عَظَمَهٍ أو شَىءٍ لا تُحِبُّ ، فَأسأَلُکَ يا رَبِّ أن تُبدِلَنى مَكانَهُ إيمانا بِوَعدِکَ ، ووَفاءً بِعَهدِکَ ، ورِضا بِقَضائِکَ ، وزُهدا فِى الدُّنيا ، ورَغبَهً فيما عِندَکَ ، وأثَرَهً وطُمَأنينَهً وتَوبَهً نَصوحا ، أسأَلُکَ ذلِکَ يا رَبَّ العالَمينَ . إلهى أنتَ مِن حِلمِکَ تُعصى ، ومِن كَرَمِکَ وَجودِکَ تُطاعُ ؛ فَكَأنَّکَ لَم تُعصَ ، وأنَا ومَن لَم يَعصِکَ سُكّانُ أرضِکَ ، فَكُن عَلَينا بِالفَضلِ جَوادا ، وبِالخَيرِ عَوّادا ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاَهً دائِمَهً لا تُحصى ولا تُعَدُّ ، ولا يَقدِرُ قَدرَها غَيرُکَ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (2)

.

1- .تفسير العيّاشى : 1 / 80 / 182 عن الحارث النصرى ، بحار الأنوار : 96 / 383 / 1 .
2- .مصباح المتهجّد : 850 / 911 عن الحارث بن المغيره النضرى ، الإقبال : 1 / 43 ، البلد الأمين : 192 .

فصل چهارم : دعاهای آمادگی برای میهمانی خدا4 / 1دعاهای آخر شعبانامام صادق علیه السلام در دعای خویش در آخر شعبان :[خدایا !] این ماه مبارک ، که قرآن را در آن فرو فرستاده ای و آن را مایه هدایت مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان قرار داده ای ، فرا رسید . پس ، ما را در این ماه ، سالم بدار و نیز آن را برای ما و از ما سلامت بدار ، در آسانی و تن درستی از سوی خودت ! (1)

امام صادق علیه السلام از جمله دعاهایی که در آخرین شب شعبان و اوّلین شب ماه رمضان می خوانْد :خداوندا ! این ماه مبارک ، که قرآن را در آن فرو فرستاده ای و آن را مایه هدایت مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان قرار داده ای ، فرا رسید . پس ، ما را در این ماه ، سالم بدار و نیز آن را برای ما سالم بدار و آن را با آسانی و تن درستی از سوی خودت ، از ما دریافت کن . ای که اندک را می گیری و پاداش بسیار می دهی ! اندک را از من بپذیر ! خداوندا ! از تو می خواهم که به سوی هر نیکی ، راهی و در برابر هر آنچه دوست نداری ، باز دارنده ای برایم قرار دهی ! ای مهربان ترینِ مهربانان؛ ای که از من و از گناهانی که در نهان انجام داده ام ، چشم پوشیدی ؛ ای آن که مرا به خاطر نافرمانی ها مؤاخذه ننمودی ! ببخشای ، ببخشای ، ببخشای ، ای بزرگوار ! خدایا ! پندم دادی ، پند نگرفتم ! از گناهانت بازم داشتی ، دست برنداشتم ! چه عذری دارم؟ ! پس بر من ببخشای ، ای بزرگوار ! ببخشای ، ببخشای ! خداوندا ! از تو آسودگی را به هنگام مرگ و بخشایش را به هنگام حساب ، می خواهم . بنده ات گناه بزرگ آوْرد . اینک ، گذشت از سوی تو ، نیکوست ، ای شایسته تقوا و ای شایسته آمرزش ! ببخشای ، ببخشای ! خداوندا ! من بنده تو و فرزند بنده و کنیز تو ام ، ناتوانی که نیازمند رحمت توست ؛ و تویی که بر بندگانت ، توانگری و برکت را فرو می فرستی و چیره بااقتداری و کارهای بندگان را شمرده و روزی هایشان را تقسیم کرده ای و آنان را با زبان ها و رنگ های گوناگون ، قرار داده ای ، آفرینشی پس از آفرینشی . بندگان ، نه دانش تو را دارند و نه قدرت تو را . همه ما نیازمند رحمت توییم . پس ، روی رحمت را از من برنگردان و مرا در کار و امید و تقدیر خویش ، از بندگان

شایسته ات قرار بده ! خداوندا ! مرا به نیکوترین ماندن ، باقی بدار و به بهترین فنا ، فانی ساز : بر دوستی با دوستانت و دشمنی با دشمنانت و شوق به درگاهت و هراس از عظمتت و خشوع و وفا و تسلیم نسبت به خودت و باور به کتابت و پیروی از سنّت فرستاده ات . خداوندا ! آنچه در دلم هست ، از : شک و تردید ، یا انکار و یأس ، یا شادی بی جا و غرور ، یا سرمستی و غرور ، یا ریا و آوازه خواهی ، یا دشمنی و نفاق ، یا کفر و تبهکاری و نافرمانی ، یا خودبزرگ بینی و یا هر چه که دوست نمی داری پروردگارا از تو می خواهم که آنها را به ایمان به وعده ات ، وفا به پیمانت ، رضا به تقدیرت ، پارسایی در دنیا ، شوق به آنچه پیش توست ، بزرگواری ، آرامش و توبه راستین (2) ، تبدیل کنی ! ای پروردگار جهانیان ! اینها را از تو می طلبم . خدایا ! چون بردباری ، نافرمانی ات می کنند و چون بزرگوار و بخشنده ای ، فرمانت می برند ، آن چنان که گویا نافرمانی ات نکرده اند . من و آن که نافرمانی تو نکرده است ، ساکنان زمین توییم . پس با عطای خویش بر ما ، بخشنده و خیررسان باش ، ای مهربان ترینِ مهربانان ! درود خدا بر محمّد و خاندان او ، درودی پیوسته و بی شمار ، درودی که ارزش آن را کسی جز تو نداند ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

.

1- .معنای «ما را در این ماه ، سالم بدار» ، آن است که چیزی مانند بیماری و غیر آن برای ما پیش نیاید که نتوانیم روزه بگیریم . و معنای «آن را برای ما سالم بدار» ، این است که ماه رمضان ، روشن باشد و چنان نباشد که اوّل و آخرش ، قطعی نباشد و روزه و عید فطر ، آشفته گردد . و معنای «آن را از ما سلامت بدار» ، این است که ما را در این ماه ، از گناهان ، حفظ کن (مجمع البحرین : 2 / 874) .

2- .در متن عربی ، «توبةً نَصوحا (توبه نصوح)» آمده است . توبه نصوح ، یعنی توبه درست و بی غل و غش ؛ توبه ای که پس از آن ، انسان به گناه برنگردد (ر . ک : مجمع البحرین : 3 / 1789) .

ص: 202

. .

ص: 203

. .

4 / 2أدعِيَهُ رُؤيَهِ هِلالِ شَهرِ رَمَضانَالإمام الباقر عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا أهِلَّ هِلالُ شَهرِ رَمَضانَ استَقبَلَ القِبلَهَ ورَفَعَ يَدَيهِ فَقالَ : اللّهُمَّ أهِلَّهُ عَلَينا بِالأمنِ وَالإيمانِ ، وَالسَّلامَهِ وَالإسلامِ ، وَالعافِيَهِ المُجَلَّلَهِ ، وَالرِّزقِ الواسِعِ ، ودَفعِ الأسقامِ . اللّهُمَّ ارزُقنا صِيامَهُ وقِيامَهُ وتِلاوَهَ القُرآنِ فيهِ . اللّهُمَّ سَلِّمهُ لَنا وتَسَلَّمهُ مِنّا وسَلِّمنا فيهِ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذَا استُهِلَّ هِلالُ شَهرِ رَمَضانَ استَقبَلَ القِبلَهَ بِوَجهِهِ وقالَ : اللّهُمَّ أهِلَّهُ عَلَينا بِالأمنِ وَالإيمانِ ، وَالسَّلامَهِ وَالإسلامِ ، وَالعافِيَهِ المُجَلَّلَهِ ودَفعِ الأسقامِ ، وَالرِّزقِ الواسِعِ ، وَالعَونِ عَلَى الصَّلاهِ وَالصِّيامِ وَالقِيامِ وتِلاوَهِ القُرآنِ . اللّهُمَّ سَلِّمنا لِشَهرِ رَمَضانَ وتَسَلَّمهُ مِنّا وسَلِّمنا فيهِ ؛ حَتّى يَنقَضِىَ عَنّا شَهرُ رَمَضانَ وقَد عَفَوتَ عَنّا وغَفَرتَ لَنا ورَحِمتَنا . (2)

.

1- .الكافى : 4 / 70 / 1 ، تهذيب الأحكام : 4 / 196 / 562 كلاهما عن جابر ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 100 / 1846 ، مصباح المتهجّد : 540 / 625 .
2- .الإقبال : 1 / 62 عن محمّد بن الحنفيّه ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 96 / 1833 ، الأمالى للصدوق : 102/78 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 80 / 62 ، ثواب الأعمال : 89/2 كلّها عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلامعنه صلى الله عليه و آلهنحوه ، بحار الأنوار : 96 / 378 / 1 ؛ تاريخ دمشق : 51 / 186 / 10845 نحوه ، كنز العمّال : 8/589/24288 .

4 / 2دعاهای دیدن هِلال ماه رمضانامام باقر علیه السلام :هر گاه هِلال ماه رمضان دیده می شد ، پیامبر خدا دستانش را رو به قبله بلند می کرد و می گفت : «خداوندا ! آن را با ایمنی و ایمان ، با سلامت و اسلام ، با عافیت فراگیر ، با روزیِ گسترده و با دفع بیماری ها ، بر ما بتابان ! خداوندا ! توفیق روزه داری و عبادت و تلاوت قرآن را در آن به ما روزی کن ! خداوندا ! آن را برای ما سالم بدار و آن را از ما سالم دریافت کن و ما را در آن ، سلامت بدار !» .

امام علی علیه السلام :هر گاه هِلال ماه رمضان دیده می شد ، پیامبر خدا رو به قبله می کرد و می گفت : «خداوندا ! آن را با ایمنی و ایمان ، با سلامت و اسلام ، با عافیت فراگیر ، با دفع بیماری ها ، با روزیِ گسترده و با یاری بر نماز و روزه و عبادت و تلاوت قرآن ، بر ما بنمایان ! خداوندا ! ما را برای ماه رمضان سلامت بدار و آن را از ما به سلامت ، دریافت کن و ما را در آن ، سالم بدار ، تا این که ماه رمضان از ما بگذرد ، در حالی که ما را بخشوده و آمرزیده باشی و بر ما رحم کرده باشی !» .

.

الدعاء للطبرانى عن أنس :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا رَأى هِلالَ رَمَضانَ قالَ : «هِلالُ خَيرٍ ورُشدٍ ثَلاثَ مَرّاتٍ آمَنتُ بِالَّذى خَلَقَكَ» . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ أميرُ المُؤمِنينَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ إذا أُهِلَّ هِلالُ شَهرِ رَمَضانَ أقبَلَ إلَى القِبلَهِ ثُمَّ قالَ : اللّهُمَّ أهِلَّهُ عَلَينا بِالأَمنِ وَالإيمانِ ، وَالسَّلامَهِ وَالإسلامِ ، وَالعافِيَهِ المُجَلَّلَهِ ، اللّهُمَّ ارزُقنا صِيامَهُ وقِيامَهُ وتِلاوَهَ القُرآنِ فيهِ ، اللّهُمَّ سَلِّمهُ لَنا وتَسَلَّمهُ مِنّا وسَلِّمنا فيهِ . (2)

الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: كانَ عَلِيٌّ عليه السلام إذا كانَ بِالكوفَهِ يَخرُجُ وَالنّاسُ مَعَهُ يَتَراءى هِلالَ شَهرِ رَمَضانَ ، فَإذا رَآهُ قالَ : اللّهُمَّ أهِلَّهُ عَلَينا بِالأَمنِ وَالإيمانِ ، وَالسَّلامَهِ وَالإسلامِ ، وصِحَّهٍ مِنَ السُّقمِ ، وفَراغٍ لِطاعَتِكَ مِنَ الشُّغلِ ، وَاكفِنا بِالقَليلِ مِنَ النَّومِ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام :مَرَّ عَلِيُ بنُ الحُسَينِ عليهماالسلام فى طَريقِهِ يَوما فَنَظَرَ إلى هِلالِ شَهرِ رَمَضانَ ، فَوَقَفَ فَقالَ : أيُّهَا الخَلقُ المُطيعُ الدّائِبُ السَّريعُ ، المُتَرَدِّدُ فى مَنازِلِ التَّقديرِ ، المُتَصَرِّفُ فى فَلَكِ التَّدبيرِ . آمَنتُ بِمَن نَوَّرَ بِكَ الظُّلَمَ ، وأوضَحَ بِكَ البُهَمَ ، وجَعَلَكَ آيَهً مِن آياتِ مُلكِهِ ، وعَلامَهً مِن عَلاماتِ سُلطانِهِ ، فَحَدَّ بِكَ الزَّمانَ ، وَامتَهَنَكَ بِالكَمالِ وَالنُّقصانِ ، وَالطُّلوعِ وَالأُفولِ ، وَالإنارَهِ وَالكُسوفِ ، فى كُلِّ ذلِكَ أنتَ لَهُ مُطيعٌ وإلى إرادَتِهِ سَريعٌ . سُبحانَهُ! ما أعجَبَ ما دَبَّرَ فى أمرِكَ ، وألطَفَ ما صَنَعَ فى شَأنِكَ ! جَعَلَكَ مِفتاحَ شَهرٍ حادِثٍ لِأَمرٍ حادِثٍ ، فَأسأَلُ اللّهَ رَبّى ورَبَّكَ ، وخالِقى وخالِقَكَ ، ومُقَدِّرى ومُقَدِّرَكَ ، ومُصَوِّرى ومُصَوِّرَكَ ؛ أن يُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن يَجعَلَكَ هِلالَ بَرَكَهٍ لا تَمحَقُهَا الأَيّامُ ، وطَهارَهٍ لا تُدَنِّسُهَا الآثامُ ؛ هِلالَ أمنٍ مِنَ الآفاتِ ؛ وسَلامَهٍ مِنَ السَّيِّئاتِ ؛ هِلالَ سَعدٍ لا نَحسَ فيهِ ، ويُمنٍ لا نَكَدَ مَعَهُ ، ويُسرٍ لا يُمازِجُهُ عُسرٌ ، وخَيرٍ لا يَشوبُهُ شَرٌّ ؛ هِلالَ أمنٍ وإيمانٍ ، ونِعمَهٍ وإحسانٍ ، وسَلامَهٍ وإسلامٍ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجعَلنا مِن أرضى مَن طَلَعَ عَلَيهِ ، وأزكى مَن نَظَرَ إلَيهِ ، وأسعَدِ مَن تَعَبَّدَ لَكَ فيهِ ، ووَفِّقنا فيهِ لِلطّاعَهِ وَالتَّوبَهِ ، وَاعصِمنا فيهِ مِنَ الآثامِ وَالحَوبَهِ ، وَ أوزِعنا فيهِ شُكرَ النِّعمَهِ ، وَالبِسنا فيهِ جُنَنَ العافِيَهِ ، وأتمِم عَلَينا بِاستِكمالِ طاعَتِكَ فيهِ المِنَّهَ ، إنَّكَ أنتَ المَنّانُ الحَميدُ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطَّيِّبينَ . (4)

.

1- .الدعاء للطبرانى : 283 / 906 ، سنن أبى داود : 4 / 324 / 5092 ، المصنّف لعبد الرزّاق : 11/207/20338 ، المصنّف لابن أبى شيبه : 7 / 121 / 6 كلّها عن قتاده وفيها «الهلال» بدل «هلال رمضان» ، كنز العمّال : 7 / 77 / 18040 .
2- .الكافى : 4 / 73 / 4 ، تهذيب الأحكام : 4 / 197 / 563 كلاهما عن عمرو بن شمر ، مصباح المتهجّد : 541 / 626 .
3- .الإقبال : 1 / 65 عن الفضيل بن يسار .
4- .الإقبال : 1 / 63 ، الأمالى للطوسى : 495 / 1086 عن إسحاق بن جعفر وكلاهما عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهماالسلام ، الصحيفه السجّاديّه : 163 الدعاء 43 ولم يذكر فيه اختصاصه بشهر رمضان ، مصباح المتهجّد : 542 / 628 من دون إسناد إلى المعصوم وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : 95 / 344 وج 96 / 379 وانظر كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 101 / 1847 .

الدعاء طبرانی به نقل از انس :هر گاه پیامبر خدا هِلال رمضان را می دید ، سه بار می فرمود : «هِلال خیر و رشد . ایمان آوردم به آن که تو را آفرید» .

امام صادق علیه السلام :هر گاه هِلال ماه رمضان دیده می شد ، امیر مؤمنان علیه السلامرو به قبله می کرد و می گفت : «خداوندا ! آن را با ایمنی ، ایمان ، سلامت ، اسلام و عافیت فراگیر ، بر ما بنمایان ! خداوندا ! روزه داری و عبادت و تلاوت قرآن را در آن ، روزیِ ما کن ! خداوندا ! آن را برای ما سلامت بدار و آن را از ما به سلامت دریافت کن و ما را در آن ، سالم بدار !» .

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران خویش علیهم السلام : علی علیه السلام ، آن گاه که در کوفه بود ، همراه مردم برای دیدن هلال ماه رمضان بیرون می شد و چون آن را می دید ، می فرمود : «خداوندا ! آن را با ایمنی ، ایمان ، سلامت ، اسلام ، درستی از بیماری و آسودگی برای طاعت خویش ، به ما بنمایان و ما را به اندکی خواب ، کفایت کن !» .

امام باقر علیه السلام :روزی ، امام سجّاد علیه السلام در مسیر خود می گذشت که به هِلال ماه رمضان نگاه انداخت . ایستاد و [خطاب به آن] چنین گفت : «ای آفریده فرمان بردار ، چرخنده پرشتاب ، رفت وآمد کننده در منزلگاه های تقدیر و کارگزار [الهی] در سپهر تدبیر ! ایمان آوردم به آن که تاریکی ها را با تو روشن کرد و مبهم ها را با تو پدیدار نمود و تو را نشانه ای از نشانه های فرمان روایی اش و علامتی از علایم حکومتش قرار داد و زمان را با تو مرزبندی کرد و تو را با کمال و کاهش ، دمیدن و غروب کردن ، و روشنی و گرفتگی ، به کار گرفت . در همه اینها ، مطیع فرمانش بودی و به انجام دادن خواسته اش شتابان . منزّه است خدا ! چه شگفت و زیباست آنچه در کار تو تدبیر کرده است و چه ظریف است آنچه درباره تو انجام داده است ! تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داده است . از خداوند ، پروردگارم و پروردگارت ، آفریدگارم و آفریدگارت ، تقدیرسازم و تقدیرسازت ، صورتگرم و صورتگرت ، می خواهم که بر محمّد و دودمان محمّد درود فرستد و تو را هِلال برکتی قرار دهد که روزها آن را نابود نمی سازند ؛ هِلال طهارتی که گناهان ، آن را نمی آلایند ؛ هِلال ایمنی از آفت ها و سلامت از گناهان ؛ هِلال خجستگی ، که در آن

بدشگونی نیست ، و هِلال فرخندگی ، که در آن سختی راه ندارد ؛ هِلال آسانی ، که دشواری به آن نمی آمیزد و هِلال نیکی ، که پلیدی به آن آمیخته نمی گردد ؛ و هِلال ایمنی و ایمان ، نعمت و احسان ، و سلامت و اسلام . خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ما را از خشنودترین کسانی قرار ده که هِلال بر آنان تابیده است و از پاک ترین کسانی که به آن نگریسته اند و از خوش بخت ترین کسانی که در آن ، تو را پرستیده اند ! در این ماه ، ما را به طاعت و توبه توفیق ده و از گناهان و حرام ، نگه دار ! در این ماه ، ما را بر شکر نعمت ، رهنمون باش و پوشش های عافیت را بر ما بپوشان و منّت خویش را با کامل ساختن طاعتت در آن ، بر ما تمام ساز ! همانا تویی منّت گذار پسندیده . و درود خدا بر محمّد و خاندان پاک او باد !» .

.

الكافى :عَن مُعاوِيَهَ بنِ عَمّارٍ عَن أبى عَبدِ اللّه عليه السلام أ نَّهُ كانَ إذا اُهِلَّ هِلالُ شَهرِ رَمَضانَ قالَ : اَللّهُمَّ أدخِلهُ عَلَينا بِالسَّلامَهِ وَالإِسلامِ ، وَاليَقينِ وَالإِيمانِ ، وَالبِرِّ وَالتَّوفيقِ لِما تُحِبُّ وتَرضى . (1)

.

1- .الكافى : 4 / 74 / 4 .

الکافی به نقل از معاویه بن عمّار :وقتی هِلال ماه رمضان دیده می شد ، امام صادق علیه السلام می فرمود : «خدایا ! این ماه را با سلامت و اسلام ، یقین و ایمان ، نیکی و توفیق بر آنچه دوست داری و می پسندی ، بر ما وارد کن !» .

.

الإمام الصادق عليه السلام :إذا رَأَيتَ الهِلالَ فَقُل : اللّهُمَّ قَد حَضَرَ شَهرُ رَمَضانَ وقَدِ افتَرَضتَ عَلَينا صِيامَهُ ، وأنزَلتَ فيهِ القُرآنَ هُدىً لِلنّاسِ وبَيِّناتٍ مِنَ الهُدى وَالفُرقانِ . اللّهُمَّ أعِنّا عَلى صِيامِهِ ، وتَقَبَّلهُ مِنّا ، وَسَلِّمنا فيهِ وسَلِّمنا مِنهُ (1) وسَلِّمهُ لَنا فى يُسرٍ مِنكَ وعافِيَهٍ ، إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، يا رَحمانُ يا رَحيمُ . (2)

عنه عليه السلام :إذا رَأَيتَ هِلالَ شَهرِ رَمَضانَ فَلا تُشِر إلَيهِ ، ولكِنِ استَقبِلِ القِبلَةَ ، وَارفَع يَدَيكَ إلَى اللّهِ عز و جل ، وخاطِبِ الهِلالَ تَقولُ : رَبّى ورَبُّكَ اللّهُ رَبُّ العالَمينَ ، اللّهُمَّ أهِلَّهُ عَلَينا بِالأمنِ وَالإيمانِ (3) ، وَالسَّلامَهِ وَالإسلامِ ، وَالمُسارَعَهِ إلى ما تُحِبُّ وتَرضى . اللّهُمَّ بارِك لَنا فى شَهرِنا هذا،وَارزُقنا خَيرَهُ وعَونَهُ،وَاصرِف عَنّا ضُرَّهُ وشَرَّهُ،وبَلاءَهُ وفِتنَتَهُ. (4)

الإمام الكاظم عليه السلام :إذا رَأَيتَ الهِلالَ فَقُل : اللّهُمَّ قَد حَضَرَ شَهرُ رَمَضانَ وقَدِ افتَرَضتَ عَلَينا صِيامَهُ وقِيامَهُ ، فَأعِنّا عَلى صِيامِهِ وقِيامِهِ ، وتَقَبَّلهُ مِنّا ، وسَلِّمنا فيهِ وسَلِّمهُ لَنا فى يُسرٍ مِنكَ وعافِيَهٍ ، إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (5)

الإمام الرضا عليه السلام :مَعاشِرَ شيعَتى ، إذا طَلَعَ هِلالُ شَهرِ رَمَضانَ فَلا تُشيروا إلَيهِ بِالأصابِعِ ، ولكِنِ استَقبِلُوا القِبلَةَ وَارفَعوا أيدِيَكُم إلَى السَّماءِ وخاطِبُوا الهِلالَ وقولُوا : رَبُّنا ورَبُّكَ اللّهُ رَبُّ العالَمينَ . اللّهُمَّ اجعَلهُ عَلَينا هِلالاً مُبارَكا ، ووَفِّقنا لِصِيامِ شَهرِ رَمَضانَ ، وسَلِّمنا فيهِ وتَسَلَّمنا مِنهُ (6) فى يُسرٍ وعافِيَهٍ ، وَاستَعمِلنا فيهِ بِطاعَتِكَ ، إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . فَما مِن عَبدٍ فَعَلَ ذلِكَ إلاّ كَتَبَهُ اللّهُ تَبارَكَ وتَعالى فى جُملَهِ المَرحومينَ ، وأثبَتَهُ فى ديوانِ المَغفورينَ . ولَقَد كانَت فاطِمَهُ سَيِّدَهُ نِساءِ العالَمينَ عليهاالسلام تَقولُ ذلِكَ سُنَّهً (7) . (8)

.

1- .قوله : سلّمنا منه ؛ أى لا يصيبنا فيه ما يحول بيننا وبين صومه من مرض أو غيره (النهايه : 2 / 395) .
2- .الإقبال : 1 / 64 .
3- .فى كتاب من لا يحضره الفقيه : «بالأمن والأمان» ، وفى الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام «بالأمن والأمانه والإيمان» .

4- .الإقبال : 1 / 66 ، المقنع : 185 وليس فيه «اللّهُمَّ بارک لنا فی شهرنا ...» ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 100 ذیل ح 1846 وفیه «قال أبی رحمه الله فی رسالته إلیّ : إذا رأیت هلال ...» ، الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام : 206 وزاد فیه «وَ کبّر فی وجهه» بعد «وخاطب الهلال» ، بحار الأنوار : 96 / 383 / 9 .
5- .الإقبال : 1 / 65 .
6- .کذا فی المصدر ، ولعلّ الصواب : «وسلّمنا منه» وقد مرّ معناها . وفی بعض الأدعیه : «وتسلّمه منّا» .
7- .ویمکن ضبطها بهذه الصوره : «تقول : ذلک سنّهٌ» .
8- .فضائل الأشهر الثلاثه : 99 / 84 عن الحسن بن علیّ الخزّاز .

امام صادق علیه السلام :هر گاه هِلال را دیدی ، بگو : «خداوندا! ماه رمضان فرا رسید و روزه داریِ آن را بر ما واجب ساختی و قرآن را در آن فرو فرستادی تا هدایتی برای مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان باشد . خداوندا! ما را بر روزه داریِ آن یاری کن و آن را از ما بپذیر! ما را در آن ، سلامت بدار و ما را از آن ، سالم بدار و آن را برای ما با آسانی و عافیت از سوی خودت ، سالم بدار! همانا تو بر هر چیزی توانایی ، ای بخشایشگر مهربان!» .

امام صادق علیه السلام :چون هِلال ماه رمضان را دیدی ، به سوی آن اشاره مکن ؛ بلکه دست هایت را رو به قبله به سوی درگاه خداوند ، بالا ببر و خطاب به هِلال ، چنین بگو : «پروردگار من و پروردگار تو ، خداوند است ، پروردگار جهانیان . خداوندا! آن را با ایمنی ، ایمان ، سلامت ، اسلام و شتاب به سوی آنچه محبوب و پسندیده توست ، بر ما وارد کن! خداوندا! این ماه را بر ما مبارک گردان و خیر و یاری آن را روزیِ ما کن و رنج و بدی و بلا و فتنه آن را از ما برگردان!» .

امام کاظم علیه السلام :هر گاه هِلال را دیدی ، بگو : «خداوندا! ماه رمضان فرا رسید؛ ماهی که روزه داری و عبادت در آن را بر ما واجب ساخته ای . پس در آن ، بر روزه داری و عبادت ، یاری مان کن و از ما بپذیر و ما را در آن و آن را برای ما سلامت بدار ، همراه با آسانی و عافیتی از سوی خودت! همانا تو بر هر چیزْ توانایی ، ای مهربان ترینِ مهربانان!» .

امام رضا علیه السلام :ای گروه پیروان من! هر گاه هِلال ماه رمضان برآمد ، با انگشتان به سوی آن اشاره نکنید ؛ بلکه دست هایتان را رو به قبله به طرف آسمان بلند کنید و به هِلال خطاب نمایید و چنین بگویید : «پروردگار ما و پروردگار تو ، خداوند است ، پروردگار جهانیان . خدایا! آن را بر ما هِلالی مبارک بگردان و ما را بر روزه داری ماه رمضان ، موفّق بدار و ما را در آن و آن را از ما سلامت بدار ، همراه با آسانی و عافیتی از سوی خویش ، وما را در آن به فرمان بُرداری خویش به کار گیر! همانا تو بر هر چیز ، توانایی» . پس ، هیچ بنده ای نیست که چنین کند ، مگر آن که خداوند ، او را در گروه رحمت یافتگان می نویسد و نامش را در دفتر

آمرزیدگان ، ثبت می کند . سرور زنان جهان ، فاطمه علیهاالسلام ، می فرمود که این ، مستحب است .

.

المقنعه :مِنَ السُّنَّهِ الثّابِتَهِ عَنِ الرَّسولِ صلى الله عليه و آله الدُّعاءُ عِندَ رُؤيَهِ الهِلالِ ، فَإذا طَلَعَ هِلالُ شَهرِ رَمَضانَ فَادعُ بِهذَا الدُّعاءِ لِلاِستِهلالِ ؛ فَإنَّهُ مَأثورٌ عَنِ الصّادقينَ عليهم السلام : اللّهُمَّ أهِلَّهُ عَلَينا وعَلى أهلِ بُيوتاتِنا وأشياعِنا وإخوانِنا بِأمنٍ وإيمانٍ ، وسَلامَهٍ وإسلامٍ ، وبِرٍّ وَتَقوىً ، وعافِيَهٍ مُجَلَّلَهٍ ، ورِزقٍ واسِعٍ حَسَنٍ ، وفَراغٍ مِنَ الشُّغلِ ، وَاكتِفاءٍ فيهِ (1) بِالقَليلِ مِنَ النَّومِ ، ومُسارَعَهٍ فيما تُحِبُّ وتَرضى ، وتَبَتّنا عَلَيهِ . اللّهُمَّ بارِک لَنا فى هذَا الشَّهرِ (2) ، وَارزُقنا بَرَکَتَهُ وخَيرَهُ ، وعَونَهُ وغُنمَهُ وفَوزَهُ (3) ، وَاصرِف عَنّا شَرَّهُ وضُرَّهُ وبَلاءَهُ وفِتنَتَهُ . اللّهُمَّ ما قَسَمتَ فيهِ مِن رِزقٍ أو خَيرٍ أو عافِيَهٍ أو فَضلٍ أو مَغفِرَهٍ أو رَحمَهٍ ، فَاجعَل نَصيبَنا فيهِ الأكثَرَ ، وحَظَّنا مِنهُ الأوفَرَ ، إنَّکَ عَلَى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (4)

.

1- .فى الإقبال : «واکفنا» بدل «واکتفاء فيه» .
2- .فى الإقبال : «فى شهرنا هذا» .
3- .فى الإقبال : «ونوره ويمنه ورحمته ومغفرته» بدل «وفوزه» .
4- .المقنعه : 315 ، الإقبال : 1 / 66 نحوه وفيه «ثمّ قل ما وجدناه فى نسخه عتيقه من کتب اُصول الشيعه : ربّى وربّک اللّه ربّ العالمين ، اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد ، وأهلّه علينا ...» .

المقنعه :از سنّت های ثابت شده پیامبر صلی الله علیه و آله ، دعا به هنگام دیدن هِلال است . پس چون هِلال ماه رمضان برآمد ، برای دیدن هِلال ، این دعا را که از امام باقر و امام صادق علیهماالسلام وارد شده است ، بخوان : «خداوندا ! آن را بر ما و خانواده های ما و پیروان و برادران دینی ما وارد کن ، با ایمنی و ایمان ، با سلامت و اسلام ، با نیکی و تقوا ، با عافیتی فراگیر ، با روزیِ گسترده و نیکو ، با آسایش از گرفتاری ، با بسنده کردن به اندکی خواب و با شتافتن به سوی آنچه دوست داری و می پسندی؛ و ما را بر آن استوار بدار ! خداوندا ! ما را در این ماه ، برکت بخش و برکت ، خیر ، یاری ، سود و کامیابیِ آن را روزیِ ما کن و بدی ، زیان ، بلا و فتنه اش را از ما برگردان ! خداوندا ! سهم ما را در این ماه از آنچه از روزی ، خیر ، عافیت ، نعمت ، آمرزش و رحمتْ در آن تقسیم می کنی ، بیشتر و بهره ما را از آن ، سرشارتر بگردان ! همانا تو بر هر چیز ، توانایی» .

.

4 / 3أدعِيَهُ دُخولِ شَهرِ رَمَضانَأ أدعِيَهُ النَّبِيِّالإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ يَقولُ : اللّهُمَّ إنَّهُ قَد دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ ، اللّهُمَّ رَبَّ شَهرِ رَمَضانَ الَّذى أنزَلتَ فيهِ القُرآنَ وجَعَلتَهُ بَيِّناتٍ مِنَ الهُدى وَالفُرقانِ . اللّهُمَّ فَبارِک لَنا فى شَهرِ رَمَضانَ ، وأعِنّا عَلى صِيامِهِ وصَلاتِهِ ، وتَقَبَّلهُ مِنّا . (1)

الدعاء للطبرانى عن عائشه :لَمّا حَضَرَ رَمَضانُ ، قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، قَد حَضَرَ رَمَضانُ فَما أقولُ؟ قالَ : قولى : اللّهُمَّ إنَّکَ عَفُوٌّ تُحِبُّ العَفوَ ؛ فَاعفُ عَنّى . (2)

الدعاء للطبرانى عن عباده بن الصامت :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُعَلِّمُنا هؤُلاءِ الكَلِماتِ إذا جاءَ رَمَضانُ ، أن يَقولَ أحَدُنا : اللّهُمَّ سَلِّمنى مِن رَمَضانَ ، وسَلِّم رَمَضانَ لى ، وتَسَلَّمهُ مِنّى مُتَقَبَّلاً (3) . (4)

.

1- .الإقبال : 1 / 137 ، بحار الأنوار : 97 / 340 / 1 .
2- .الدعاء للطبرانى : 285 / 915 ، كنز العمّال : 8 / 588 / 24282 نقلاً عن ابن النجّار .
3- .ويمكن ضبطها بهذا الشكل : «متقبِّلاً» .
4- .الدعاء للطبرانى : 284 / 912 وح 913 عن مكحول ، سير أعلام النبلاء : 19 / 51 ، وفيهما «لرمضان» بدل «من رمضان» ، كنز العمّال : 8 / 584 / 24277 .

الف دعاهای پیامبر صلی الله علیه و آله

4 / 3دعاهای ورود ماه رمضانالف دعاهای پیامبر صلی الله علیه و آلهامام صادق علیه السلام :چون ماه رمضان وارد می شد ، پیامبر خدا می فرمود: «خداوندا ! ماه رمضان وارد شد. خداوندا ! ای پروردگار ماه رمضان؛ ماهی که در آن قرآن را فرو فرستادی و آن را نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان قرار دادی ! خداوندا ! در ماه رمضان برای ما برکت قرار بده وما را بر روزه داری و نمازِ آن یاری کن و آن را از ما بپذیر !» .

الدعاء طبرانی به نقل از عایشه :چون ماه رمضان فرا رسید ، گفتم: ای پیامبر خدا ! ماه رمضان رسید . چه بگویم؟ فرمود: «بگو : خداوندا ! تو بخشایشگری و گذشت را دوست می داری. پس ، از من در گذر ! ».

الدعاء طبرانی به نقل از عباده بن صامت :چون [ماه] رمضان می آمد ، پیامبر خدا به ما یاد می داد که هر کدام از ما این کلمات را بگوییم: «خداوندا ! مرا از رمضان ، سلامت بدار و رمضان را برای من ، سلامت بدار و آن را در حالی که از من پذیرفته ای ، دریافت کن !».

.

ب دُعاءُ الإمامِ زَينِ العابِدينَالإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعائِهِ إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ :الحَمدُ للّهِ الَّذى هَدانا لِحَمدِهِ ، وجَعَلَنا مِن أهلِهِ ؛ لِنَكونَ لإِحسانِهِ مِنَ الشّاكِرينَ ، ولِيَجزِيَنا عَلى ذلِكَ جَزاءَ المُحسِنينَ . وَالحَمدُ للّهِ الَّذى حَبانا بِدينِهِ ، وَاختَصَّنا بِمِلَّتِهِ ، وسَبَّلَنا فى سُبُلِ إحسانِهِ ، لِنَسلُكَها بِمَنِّهِ إلى رِضوانِهِ ؛ حَمدا يَتَقَبَّلُهُ مِنّا ، ويَرضى بِهِ عَنّا . وَالحَمدُ للّهِ الَّذى جَعَلَ مِن تِلكَ السُّبُلِ شَهرَهُ رَمَضانَ ؛ شَهرَ الصِّيامِ ، وشَهرَ الإِسلامِ ، وشَهرَ الطَّهورِ ، وشَهرَ التَّمحيصِ ، وشَهرَ القِيامِ « الَّذِى أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ » . (1) فَأبانَ فَضيلَتَهُ عَلى سائِرِ الشُّهورِ بِما جَعَلَ لَهُ مِنَ الحُرُماتِ المَوفورَةِ وَالفَضائِلِ المَشهُورَةِ ، فَحَرَّمَ فيهِ ما أَحَلَّ فى غَيرِهِ إعظاما ، وحَجَرَ فيهِ المَطاعِمَ وَالمَشارِبَ إكراما ، وجَعَلَ لَهُ وَقتا بَيَّنا ؛ لا يُجيزُ جَلَّ وعَزَّ أن يُقَدَّمَ قَبلَهُ ، ولا يَقبَلُ أن يُؤَخَّرَ عَنهُ . ثُمَّ فَصَّلَ لَيلَةً واحِدَةً مِن لَياليهِ عَلى لَيالى ألفِ شَهرٍ ، وسَمّاها لَيلَةَ القَدرِ « تَنَزَّلُ الْمَلَئِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ » (2) ، سَلامٌ دائِمُ البَرَكَهِ إلى طُلوعِ الفَجرِ عَلى مَن يَشاءُ مِن عِبادِهِ بِما أحكَمَ مِن قَضائِهِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وألهِمنا مَعرِفَةَ فَضلِهِ ، وإجلالَ حُرمَتِهِ ، وَالتَّحَفُّظَ مِمّا حَظَرتَ فيهِ ، وأعِنّا عَلى صِيامِهِ بِكَفِّ الجَوارِحِ عَن مَعاصيكَ ، وَاستِعمالِها فيهِ بِما يُرضيكَ ؛ حَتّى لا نُصغِيَ بِأسماعِنا إلى لَغوٍ ، ولا نُسرِعَ بِأبصارِنا إلى لَهوٍ ، وحَتّى لا نَبسُطَ أيدِيَنا إلى مَحظورٍ ، ولا نَخطُوَ بِأقدامِنا إلى مَحجورٍ ، وحَتّى لا تَعِيَ بُطونُنا إلاّ ما أحلَلتَ ، ولا تَنطِقَ ألسِنَتُنا إلاّ بِما مَثَّلتَ ، ولا نَتَكَلَّفَ إلاّ ما يُدنى مِن ثَوابِكَ ، ولا نَتَعاطى إلاَّ الَّذى يَقى مِن عِقابِكَ ، ثُمَّ خَلِّص ذلِكَ كُلَّهُ مِن رِياءِ المُرائينَ ، وسُمعَهِ المُسمِعينَ ، لا نُشرِكُ فيهِ أحَدا دونَكَ ، ولا نَبتَغى فيهِ مُرادا سِواكَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وقِفنا (3) فيهِ عَلى مَواقيتِ الصَّلَواتِ الخَمسِ بِحُدودِهَا الَّتى حَدَّدتَ ، وفُروضِهَا الَّتى فَرَضتَ ، ووَظائِفِهَا الَّتى وَظَّفتَ ، وأوقاتِهَا الَّتى وَقَّتَّ ، وأنزِلنا فيها مَنزِلَةَ المُصيبينَ لِمَنازِلِها ؛ الحافِظينَ لِأَركانِها ؛ المُؤَدّينَ لَها فى أوقاتِها ، عَلى ما سَنَّهُ عَبدُكَ ورَسولُكَ صَلَواتُكَ عَلَيهِ وآلِهِ فى رُكوعِها وسُجودِها وجَميعِ فَواضِلِها ، عَلى أتَمِّ الطَّهورِ وأسبَغِهِ ، وأبيَنِ الخُشوعِ وأبلَغِهِ . ووَفِّقنا فيهِ لِأَن نَصِلَ أرحامَنا بِالبِرِّ وَالصِّلَهِ ، وأن نَتَعاهَدَ جيرانَنا بِالإِفضالِ وَالعَطِيَّهِ ، وأن نُخَلِّصَ أموالَنا مِنَ التَّبِعاتِ ، وأن نُطَهِّرَها بِإخراجِ الزَّكَواتِ . وأن نُراجِعَ مَن هاجَرَنا ، وأن نُنصِفَ مَن ظَلَمَنا ، وأن نُسالِمَ مَن عادانا ، حاشا مَن عودِىَ فيكَ ولَكَ ؛ فَإِنَّهُ العَدُوُّ الَّذى لا نُواليهِ ، وَالحِزبُ الَّذى لا نُصافيهِ . وأن نَتَقَرَّبَ إلَيكَ فيهِ مِنَ الأعمالِ الزّاكِيَهِ بِما تُطَهِّرُنا بِهِ مِنَ الذُّنوبِ ، وتَعصِمُنا فيهِ مِمّا نَستَأنِفُ مِنَ العُيوبِ ؛ حَتّى لا يورِدَ عَلَيكَ أحَدٌ مِن مَلائِكَتِكَ إلاّ دونَ ما نوردُ مِن أبوابِ الطّاعَهِ لَكَ ،

وأنواعِ القُربَهِ إلَيکَ . اللّهُمَّ إنّی أسألَکَ بِحَقِّ هذَا الشَّهرِ ، وبِحَقِّ مَن تَعَبَّدَ لَکَ فيهِ مِن ابتِدائِهِ إلی وَقتِ فَنائِهِ مِن مَلَکٍ قَرَّبتَهُ ، أو نَبِيٍ أرسَلتَهُ ، أو عَبدٍ صالِحٍ اِختَصَصتَهُ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأهِّلنا فيهِ لِما وَعَدتَ أولِياءَکَ مِن کَرامَتِکَ ، وأوجِب لَنا فيهِ ما أوجَبتَ لِأهلِ المُبالَغَهِ فی طاعَتِکَ ، وَاجعَلنا فی نَظمِ مَن استَحَقَّ الرَّفيعَ الأعلی بِرَحمَتِکَ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وجَنِّبنَا الإلحادَ فی تَوحيدِکَ ، وَالتَّقصيرَ فی تَمجيدِکَ ، وَالشَّکَّ فی دينِکَ ، وَالعَمی عَن سَبيلِکَ ، وَالإغفالَ لِحُرمَتِکَ ، وَالاِنخِداعَ لِعَدُوِّکَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وإذا کانَ لَکَ فی کُلِّ لَيلَهٍ مِن لَيالی شَهرِنا هذا رِقابٌ يُعتِقُها عَفوُکَ أو يَهَبُها صَفحُکَ ، فَاجعَل رِقابَنا مِن تِلکَ الرِّقابِ ، وَاجعَلنا لِشَهرِنا مِن خَيرِ أهلٍ وأصحابٍ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَامحَق ذُنوبَنا مَعَ امِّحاقِ هِلالِهِ ، وَاسلَخ عَنّا تَبِعاتِنا مَعَ انسِلاخِ أيّامِهِ ؛ حَتّی يَنقَضِیَ عَنّا وقَد صَفَّيتَنا فيهِ مِنَ الخَطيئاتِ وأخلَصتَنا فيهِ مِنَ السَّيِّئاتِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وإن مِلنا فيهِ فَعَدِّلنا ، وإن زِغنا فيهِ فَقَوِّمنا ، وإنِ اشتَمَلَ عَلَينا عَدُوُّکَ الشَّيطانُ فَاستَنقِذنا مِنهُ . اللّهُمَّ اَشحَنهُ بِعِبادَتِنا إيّاکَ ، وزَيِّن أوقاتَهُ بِطاعَتِنا لَکَ ، وأعِنّا فی نَهارِهِ عَلی صِيامِهِ ، وفی لَيلِهِ عَلَی الصَّلاهِ وَالتَّضَرُّعِ إلَيکَ ، وَالخُشوعِ لَکَ وَالذِّلَّهِ بَينَ يَدَيکَ ؛ حَتّی لا يَشهَدَ نَهارُهُ عَلَينا بِغَفلَهٍ ، ولَا لَيلُهُ بِتَفريطٍ . اَللّهُمَّ وَاجعَلنا فی سائِرِ الشُّهورِ وَالْأَيّامِ کَذلِکَ ما عَمَّرْتَنا ، وَاجعَلنا مِن عِبادِکَ الصّالِحينَ «الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَلِدُونَ» (4) ، «وَ الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَآ ءَاتَواْ وَّ قُلُوبُهُمْ وَجِلَهٌ أَنَّهُمْ إِلَی_ fe'رَبِّهِمْ رَ جِعُونَ» (5) ، ومِنَ الَّذينَ «يُسَرِعُونَ فِی الْخَيْرَ تِ وَ هُمْ لَهَا سَبِقُونَ» . (6) اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ فی کُلِّ وَقتٍ وکُلِّ أوانٍ وعَلی کُلِّ حالٍ ، عَدَدَ ما صَلَّيتَ عَلی مَن صَلَّيتَ عَلَيهِ ، وأضعافَ ذلِکَ کُلِّهِ بِالأَضعافِ الَّتی لا يُحصيها غَيرُکَ ، إنَّکَ فَعّالٌ لِما تُريدُ . (7)

.

1- .البقره : 185 .
2- .القدر : 4 .
3- .فی مصباح المتهجّد : «اللّهم وفّقنا فيه للمحافظه علی ...» و فی الإقبال کما فی المصدر .
4- .المؤمنون : 11 .
5- .المؤمنون : 60 .
6- .المؤمنون : 61 .
7- .الصحيفه السجّاديّه : 165 الدعاء 44 ، مصباح المتهجّد : 607 / 695 ، الإقبال : 1 / 111 کلاهما نحوه .

ب دعای امام سجّاد علیه السلام

ب دعای امام سجّاد علیه السلامامام سجّاد علیه السلام در دعای خویش ، آن گاه که ماه رمضان وارد می شد :سپاس ، خدایی را که ما را به حمد خویش راه نمود و ما را از ستایشگران خود قرار داد تا از سپاس گزاران نعمتش باشیم و برای آن ، به ما پاداش نیکوکاران را بدهد. ستایش ، خدایی را که دینش را به ما ارزانی داشت و ما را ویژه آیین خود ساخت و ما را در راه های احسان خویش راهی ساخت تا با منّت او آن را به سوی رضایتش بپوییم؛ ستایشی که از ما بپذیرد و آن را از ما بپسندد. و ستایش ، برای خدایی است که یکی از آن راه ها را ، ماه خودش رمضان قرار داد ، ماه روزه داری ، ماه اسلام ، ماه پاک کننده ، ماه آزمون و پاکی ، و ماه عبادت «که در آن قرآن نازل شده است ، برای هدایت مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان» . پس ، برتری آن را بر ماه های دیگر ، با احترام های فراوان و برتری های مشهور ، روشن ساخت. پس ، از روی بزرگداشت ، آنچه را در غیر این ماه ، حلال ساخته بود ، در این ماه ، حرام کرد ، و از روی گرامیداشت ، در آن از خوردنی ها و آشامیدنی ها بر حذر داشت و برای آن ، وقتی روشن قرار داد ، بی آن که اجازه دهد که از آن پیش افتند و نه می پذیرد که از آن ، تأخیر اندازند. سپس یکی از شب های آن را بر شب های هزار ماه ، برتری بخشید و آن را «شب قدر» نامید که « فرشتگان و «روح» در آن شب ، با اذن پروردگارشان برای هر کاری فرود می آیند» ؛ شبی سلامت با برکت پیوسته تا صبح دم ، برای هر کس از بندگانش که بخواهد ، با هر حکم مسلّمی که تقدیر کرده باشد. خداوندا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و شناخت فضیلتش ، بزرگداشت احترامش و پرهیز (از آنچه بر حذرمان داشته ای) را به ما الهام کن و ما را با نگه داشتن اعضا از نافرمانی تو و به کارگیری آنها در این ماه بر آنچه خشنودت می سازد ، بر روزه داریِ آن یاری کن تا با گوش هایمان به آنچه بیهوده است ، گوش نسپاریم و با چشم هایمان شتابان به بازیچه ننگریم و دستانمان را به آنچه ممنوع است ، نگشاییم و با گام هایمانْ به سوی حرام ، راه نپوییم و شکم هایمان جز آنچه را حلال کرده ای ، در بر نگیرد و زبان هایمان ، جز آنچه را تو فرموده ای ، نگوید و جز در آنچه به ثوابت نزدیکمان می سازد ، نکوشیم و جز به آنچه از کیفرت نگهمان می دارد ، نپردازیم! آن گاه همه اینها را پیراسته از ریای ریاکاران و آوازه جوییِ آوازه

جویان قرار بده تا کسی را شریک تو نگیریم و خواسته ای جز تو در این ماه نجوییم ! خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و در این ماه ، ما را بر اوقات نمازهای پنجگانه آگاهی ده ، با آن حدودی که خود مشخّص کرده ای و واجباتی که لازم نموده ای و تکالیفی که به آنها موظّف ساخته ای و اوقاتی که تعیین کرده ای ! ما را در این ماه در مرتبه کسانی فرود آر که به مراتب آن رسیده و ارکان آن را نگهبان اند و آنها را در اوقاتش انجام می دهند ، آن گونه که بنده ات و فرستاده ات که درود تو بر او و خاندانش باد در رکوع و سجود و همه آدابش، سنّت نهاده است، با کامل ترین وضو و روشن ترین و رساترین خشوع ! ما را در این ماه ، توفیق ده که به خویشانمان نیکی و احسان کنیم و با بخشش و عطا ، به همسایگانمان رسیدگی کنیم و اموال خویش را از حقوق دیگران جدا سازیم و با پرداخت زکات ، آنها را پاک کنیم و با کسی که از ما بریده ، بپیوندیم و با هر که بر ما ستم کرده ، انصاف داشته باشیم و با هر که با ما دشمنی کرده ، آشتی کنیم ، جز با آن که در راه تو و برای تو با او دشمنی می شود؛ چرا که او دشمنی است که هرگز با او دوستی نمی کنیم و از حزبی است که هرگز با آن ، دلْ صاف نمی کنیم. و [توفیق ده که] در این ماه با کارهای پاکی که ما را به سبب آنها از گناهان ، پاک می کنی ، به تو نزدیک شویم و ما را در آن ، از این که عیب ها را از سر بگیریم ، نگاه داری ، تا این که هیچ یک از فرشتگانت جز کمتر از آنچه از ابواب طاعتت انجام می دهیم و انواع تقرّب ها که به درگاهت می جوییم ، به درگاهت نیاورد. خداوندا ! از تو می خواهم ، به حقّ این ماه و به حقّ هر کس که تو را در آن ، از آغاز تا انجامش ، عبادت کرده ، از فرشته ای که مقرّب داشته ای یا پیامبری که فرستاده ای و یا بنده شایسته ای که او را برگزیده ای ، که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و ما را در آن ، شایسته کرامتی سازی که به دوستان خود وعده داده ای و آنچه را برای کوشایان در طاعتت مقرّر ساخته ای ، برای ما هم قرار دهی و ما را در زمره آنانی قرار دهی که با رحمتت ، والاترین مرتبه بهشت را لایق گشته اند. خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از انحراف در یکتایی ات ، کوتاهی در بزرگداشتت ، شک در دینت ، کوری به راهت ، غفلت از احترامت و فریب خوردن از دشمنت ، شیطان رانده شده ، دور بدار ! خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و اگر در هر شبی از شب های این ماهِ ما ، عفو تو کسانی را آزاد می کند یا گذشت تو آنان را می بخشاید ، ما را هم از آن آزادشدگان قرار بده و ما را از بهترین یاران و اهل این ماه قرار بده ! خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و با ناپدید شدن هلال این ماه ، گناهان ما را محو کن و با پایان یافتن روزهای آن ، پیامدهای گناهان ما را به پایان بر ، تا در حالی این ماه از ما بگذرد که از گناهان ، پاکمان ساخته و از بدی ها جدایمان کرده ای !

خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و اگر در آن به انحراف رفتیم ، راستمان کن و اگر کج رفتیم ، برپایمان دار و اگر دشمنت (شیطان) ، ما را احاطه کرد ، از چنگ او رهایمان ساز ! خداوندا ! این ماه را آکنده از پرستش خودت گردان و اوقاتش را با فرمان بُرداری ما از تو بیارای و ما را در روزش بر روزه داری ، و در شبش بر نماز و نالیدن به درگاهت و خشوع برایت و خاکساری در پیشگاهت یاری کن تا روز آن ، بر غفلت ما ، و شبش به کوتاهی ما گواهی ندهد ! خداوندا ! در ماه ها و روزهای دیگر نیز تا زنده ایم ، ما را چنین قرار بده و ما را از بندگان شایسته خود قرار بده؛ « آنان که بهشت را به میراث می برند و در آن جاویدان اند» «وآنان که هر چه انجام می دهند ، در حالی است که دل هایشان هراسان است که به سوی پروردگارشان باز می گردند» و آنان که «در انجام دادن نیکی ها می شتابند و پیشتاز در خیرات اند» . خداوندا ! بر محمّد و خاندانش ، هر لحظه و هر زمان و هر حال درود فرست ، به شمار همه آنان که برایشان درود فرستاده ای و چندین برابر همه آنها ، که شمارَش را جز تو نمی داند ! همانا تو هر چه خواهی ، می کنی.

.

ص: 218

. .

ص: 219

. .

ص: 220

. .

ص: 221

. .

ج أدعِيَهُ الإمامِ الصّادِقِالإمام الصادق عليه السلام :إذا حَضَرَ شَهرُ رَمَضانَ فَقُل : اللّهُمَّ قَدَ حَضَرَ شَهرُ رَمَضانَ وقَدِ افتَرَضتَ عَلَينا صِيامَهُ ، وأنزَلتَ فيهِ القُرآنَ هُدىً لِلنّاسِ وبَيِّناتٍ مِنَ الهُدى وَالفُرقانِ . اللّهُمَّ أعِنّا عَلى صِيامِهِ ، اللّهُمَّ تَقَبَّلهُ مِنّا ، وسَلِّمنا فيهِ وتَسَلَّمهُ مِنّا فى يُسرٍ مِنكَ وعافِيَهٍ ، إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (1)

الإقبال :دعاءٌ آخر إن دعوتَ به أوّلَ ليلهٍ فى شهرِ الصيام فقدِّم لفظ : «لَيلَتى هذِهِ» على «يَومى هذا» ، وإن دعوتَ به أوّلَ يومٍ من الشهر فَادعُ باللفظه الَّتى يَأتى فيه ، والَّذى رَجح فى خاطرى أنَّ الدعاءَ به فى أوّلِ يومٍ منه . رَويناه بإسنادِنا إلى أبى محمّدٍ هارونَ بن موسى التلعكبرىّ ، بإسناده إلى أبى عبد اللّه عليه السلامقالَ : يَقولُ عِندَ حُضورِ شَهرِ رَمَضانَ : اللّهُمَّ هذا شَهرُ رَمَضانَ المُبارَكُ الَّذى أنزَلتَ فيهِ القُرآنَ وجَعَلتَهُ هُدىً لِلنّاسِ وبَيِّناتٍ مِنَ الهُدى وَالفُرقانِ قَدِ حَضَرَ ، فَسَلِّمنا فيهِ وسَلِّمهُ لَنا وتَسَلَّمهُ مِنّا فى يُسرٍ مِنكَ وعافِيَهٍ . وأسأَلُكَ اللّهُمَّ أن تَغفِرَ لى فى شَهرِى هذا ، وتَرحَمَنى فيهِ ، وتُعتِقَ رَقَبَتى مِنَ النّارِ ، وتُعطِيَنى فيهِ خَيرَ ما أعطَيتَ أحَدا مِن خَلقِكَ ، وخَيرَ ما أنتَ مُعطيهِ ، ولا تَجعَلهُ آخِرَ شَهرِ رَمَضانَ صُمتُهُ لَكَ مُنذُ أسكَنتَنى أرضَكَ إلى يَومى هذا ، وَاجعَلهُ عَلَىَ أتَمَّهُ نِعمَةً ، وأعَمَّهُ عافِيَةً ، وأوسَعَهُ رِزقا ، وأجزَلَهُ وأهنَأهُ . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ وبِوَجهِكَ الكَريمِ ومُلكِكَ العَظيمِ ، أن تَغرُبَ الشَّمسُ مِن يَومى هذا ، أو يَنقَضِىَ بَقِيَّهُ هذَا اليَومِ ، أو يَطلُعَ الفَجرُ مِن لَيلَتى هذِهِ ، أو يَخرُجَ هذَا الشَّهرُ ؛ ولَكَ قِبَلى مَعَهُ تَبِعَهٌ أو ذَنبٌ أو خَطيئَهٌ تُريدُ أن تُقايِسَنى بِذلِكَ ، أو تُؤاخِذَنى بِهِ ، أو تَقِفَنى بِهِ مَوقِفَ خِزيٍ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، أو تُعَذِّبَنى بِهِ يَومَ ألقاكَ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . اَللّهُمَّ إنّى أدعوكَ لِهَمٍّ لا يُفَرِّجُهُ غَيرُكَ ، ولِرَحمَهٍ لا تُنالُ إلاّ بِكَ ، ولِكَربٍ لا يَكشِفُهُ إلاّ أنتَ ، ولِرَغبَهٍ لا تُبلَغُ إلاّ بِكَ ، ولِحاجَهٍ لا تُقضى دونَكَ . اللّهُمَّ فَكَما كانَ مِن شَأنِكَ ما أرَدتَنى بِهِ مِن مَسأَلَتِكَ ، ورَحِمتَنى بِهِ مِن ذِكرِكَ ، فَليَكُن مِن شَأنِكَ سَيِّدى الإجابَهُ لى فيما دَعَوْتُكَ ، وَالنَّجاهُ لى فيما قَد فَزِعتُ إلَيكَ مِنهُ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَافتَح لى مِن خَزائِنِ رَحمَتِكَ رَحمَهً لا تُعَذِّبُنى بَعدَها أبَدا فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وَارزُقنى مِن فَضلِكَ الواسِعِ رِزقا حَلالاً طَيِّبا لا تُفقِرُنى بَعدَهُ إلى أحَدٍ سِواكَ أبَدا ، تَزيدُنى بِذلِكَ لَكَ شُكرا ، وإلَيكَ فاقَهً وفَقرا ، وبِكَ عَمَّن سِواكَ غِنىً وتَعَفُّفا . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ أن تَكونَ جَزاءَ إحسانِكَ الإساءَهُ مِنّى . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ أن أُصلِحَ عَمَلى فيما بَينى وبَينَ النّاسِ ، وأُفسِدَهُ فيما بَينى وبَينَكَ . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ أن تُحَوِّلَ سَريرَتى بَينى وبَينَكَ ، أو تَكونَ مُخالِفَهً لِطاعَتِكَ . اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ أن يَكونَ شَىءٌ

مِنَ الأشياءِ آثَرَ عِندی مِن طاعَتِکَ . اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن أعمَلَ مِن طاعَتِکَ قَليلاً أو كَثيراً اُريدُ بِهِ أحَداً غَيرَکَ ، أو أعمَلَ عَمَلاً يُخالِطُهُ رِياءٌ . اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن هَوىً يُردی مَن يَرکَبُهُ . اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن أجعَلَ شَيئا مِن شُکری فيما أنعَمتَ بِهِ عَلَيَّ لِغَيرِکَ ؛ أطلُبُ بِهِ رِضا خَلقِکَ . اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ أن أتَعَدّی حَدّا مِن حُدودِکَ ؛ أتَزَيَّنُ بِذلِکَ لِلنّاسِ ، وأركَنُ بِهِ إلَی الدُّنيا . اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِعَفوِکَ مِن عُقوبَتِکَ ، وأعوذُ بِرِضاکَ مِن سَخَطِکَ ، وأعوذُ بِطاعَتِکَ مِن مَعصِيَتِکَ ، وأعوذُ بِکَ مِنکَ ، جَلَّ ثَناءُ وَجهِکَ ، لا اُحصِی الثَّناءَ عَلَيکَ ولَو حَرَصتُ ، وأنتَ کَما أثنَيتَ عَلی نَفسِکَ ، سُبحانَکَ وبِحَمدِکَ . اللّهُمَّ إنّی أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ مِن مَظالِمَ کَثيرَةٍ لِعِبادِکَ عِندی ، فَأيُّما عَبدٍ مِن عِبادِکَ أو أمَةٍ مِن إمائِکَ کانَت لَهُ قِبَلی مَظلِمَةٌ ظَلَمتُهُ إيّاها فی مالِهِ أو بَدَنِهِ أو عِرضِهِ لا أستَطيعُ أداءَ ذلِکَ إلَيهِ ولا أتَحَلَّلُها مِنهُ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأرضِهِ أنتَ عَنّی بِما شِئتَ وکَيفَ شِئتَ ، وهَبها لی . وما تَصنَعُ يا سَيِّدی بِعَذابی وقَد وَسِعَت رَحمَتُکَ کُلَّ شَیءٍ !؟ وما عَلَيکَ يا رَبِّ أن تُکرِمَنی بِرَحمَتِکَ ولا تُهينَنی بِعَذابِکَ !؟ ولا يَنقُصُکَ يا رَبِّ أن تَفعَلَ بی ما سَأَلتُکَ وأنتَ واجِدٌ لِکُلِّ شَیءٍ ! اللّهُمَّ إنّی أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ مِن کُلِّ ذَنبٍ تُبتُ إلَيکَ مِنهُ ثُمَّ عُدتُ فيهِ ، ومِمّا ضَيَّعتُ مِن فَرائِضِکَ وأداءِ حَقِّکَ مِنَ الصَّلاةِ وَالزَّکاةِ ، وَالصِّيامِ ، وَالجِهادِ ، وَالحَجِّ ، وَالعُمرَةِ ، وإسباغِ الوُضوءِ ، وَالغُسلِ مِنَ الجَنابَةِ ، وقِيامِ اللَّيلِ ، وکَثرَةِ الذِّکرِ ، وکَفّارَةِ اليَمينِ ، وَالاِسترجاعِ فِي المَعصِيَةِ ، وَالصُّدودِ مِن کُلِّ شَیْءٍ قَصَّرتُ فيهِ ؛ مِن فَريضَةٍ أو سُنَّةٍ فَإنّی أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ مِنهُ ، ومِمّا رَکِبتُ مِنَ الکَبائِرِ ، وأتَيتُ مِنَ المَعاصی ، وعَمِلتُ مِنَ الذُّنوبِ ، وَاجتَرَحتُ مِنَ السَّيِّئاتِ ، وأصَبتُ مِنَ الشَّهَواتِ ، وباشَرتُ مِنَ الخَطايا ، مِمّا عَمِلتُهُ مِن ذلِکَ عَمدا أو خَطَأً ؛ سِرّا أو عَلانِيَةً . فَإنّی أتوبُ إلَيکَ مِنهُ ومِن سَفکِ الدَّمِ ، وعُقوقِ الوالِدَينِ ، وقَطيعَةِ الرَّحِمِ ، وَالفَرارِ مِنَ الزَّحفِ ، وقَذفِ المُحصَناتِ ، وأکلِ أموالِ اليَتامی ظُلما ، وشَهادَةِ الزّورِ ، وکِتمانِ الشَّهادَةِ ، وأن أشتَرِیَ بِعَهدِکَ فی نَفسی ثَمَنا قَليلاً ، وأکلِ الرِّبا وَالغُلولِ ، وَالسُّحتِ وَالسِّحرِ ، وَالکِتمانِ وَالطِّيَرَةِ ، وَالشِّرکِ وَالرِّياءِ ، وَالسَّرِقَةِ وشُربِ الخَمرِ ، ونَقصِ المِکيالِ وبَخسِ الميزانِ ، وَالشِّقاقِ وَالنِّفاقِ ، ونَقضِ العَهدِ وَالفِريَةِ ، وَالخِيانَةِ وَالغَدرِ ، وإخفارِ الذِّمَّةِ وَالحَلفِ ، وَالغيبَةِ وَالنَّميمَةِ وَالبُهتانِ ، وَالهَمزِ وَاللَّمزِ وَالتَّنابُزِ بِالألقابِ ، وأذَی الجارِ ودُخولِ بَيتٍ بِغَيرِ إذنٍ ، وَالفَخرِ وَالکِبرِ وَالإشراکِ وَالإصرارِ وَالاِستِکبارِ ، وَالمَشیِ فِی الأرضِ مَرَحا ، وَالجَورِ فِی الحُکمِ ، وَالاِعتِداءِ فِی الغَضَبِ ، ورُکوبِ الحَمِيَّةِ ، وتَعَضُّدِ الظّالِمِ ، وعَونِ عَلَی الإثمِ وَالعُدوانِ ، وقِلَّةِ العَدَدِ فِی الأهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ (2) ، ورُکوبِ الظَّنِّ وَاتِّباعِ الهَوی ، وَالعَمَلِ بِالشَّهوَةِ ، وَالأمرِ بِالمُنکَرِ ، وَالنَّهیِ عَنِ المَعروفِ ، وفَسادٍ فِی الأرضِ ، وجُحودِ الحَقِّ ، وَالإدلاءِ إلَی الحُکّامِ بِغَيرِ حَقٍّ ، وَالمَکرِ وَالخَديعَةِ ، وَالبُخلِ ، وقَولِ فيما لا أعلَمُ ، وأکلِ الميتَةِ وَالدَّمِ ولَحمِ الخِنزيرِ وما اُهِلَّ

لِغَيرِ اللّهِ بِهِ ، وَالحَسَدِ وَالبَغيِ وَالدَّعاءِ إلَى الفاحِشَهِ . وَالتَّمَنّى بِما فَضَّلَ اللّهُ ، وَالإعجابِ بِالنَّفسِ ، وَالمَنِّ بِالعَطِيَّهِ ، وَالاِرتِكابِ إلَى الظُّلمِ ، وجُحودِ القُرآنِ ، وقَهرِ اليَتيمِ ، وَانتِهارِ السّائِلِ ، وَالحِنثِ فِى الأيمانِ وكُلِّ يَمينٍ كاذِبَهٍ فاجِرَهٍ ، وظُلمِ أحَدٍ مِن خَلقِكَ فى أموالِهِم وأشعارِهِم وأعراضِهِم وأبشارِهِم . وما رَأتهُ بَصَرى ، وسَمِعَهُ سَمعى ، ونَطَقَ بِهِ لِسانى ، وبَسَطَت إلَيهِ يَدى ، ونَقَلَت إلَيهِ قَدَمى ، وباشَرَهُ جِلدى ، وحَدَّثَت بِهِ نَفسى مِمّا هُوَ لَكَ مَعصِيَهٌ ، وكُلِّ يَمينٍ زورٍ . ومِن كُلِّ فاحِشَهٍ وذَنبٍ وخَطيئَهٍ عَمِلتُها فى سَوادِ اللَّيلِ وبَياضِ النَّهارِ ، فِى مَلاءٍ أو خَلاءٍ ، مِمّا عَلِمتُهُ أو لَم أعلَمهُ ، ذَكَرتُهُ أو لَم أذكُرهُ ، سَمِعتُهُ أو لَم أسمَعهُ ، عَصَيتُكَ فيهِ رَبّى طَرفَهَ عَينٍ ، وفيما سِواها مِن حِلٍّ أو حَرامٍ تَعَدَّيتُ فيهِ أو قَصَّرتُ عَنهُ ، مُنذُ يَومَ خَلَقتَنى إلى أن جَلَستُ مَجلِسى هذا، فَإنّى أتوبُ إلَيكَ مِنهُ ، وأنتَ يا كَريمُ تَوّابٌ رَحيمٌ . اللّهُمَّ يا ذَا المَنِّ وَالفَضلِ وَالمَحامِدِ الَّتى لا تُحصى ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاقبَل تَوبَتى ، ولا تَرُدَّها لِكَثرَهِ ذُنوبى وما أسرَفتُ عَلى نَفسى ؛ حَتّى لا أرجِعَ فى ذَنبٍ تُبتُ إلَيكَ مِنهُ ، فَاجعَلها يا عَزيزُ تَوبَهً نَصوحا صادِقَهً مَبرورَهً لَدَيكَ مَقبولهً مَرفوعَهً عِندَكَ ، فى خَزائِنِكَ الَّتى ذَخَرتَها لِأَولِيائِكَ حينَ قَبِلتَها مِنهُم ورَضيتَ بِها عَنهُم . اللّهُمَّ إنَّ هذِهِ النَّفسَ نَفسُ عَبدِكَ ، وأسأَلُكَ أن تُصَلّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تُحَصِّنَها مِنَ الذُّنوبِ وتَمنَعَها مِنَ الخَطايا وتَحرُزَها مِنَ السَّيِّئاتِ ، وتَجعَلَها فى حِصنٍ حَصينٍ مَنيعٍ لا يَصِلُ إلَيها ذَنبٌ ولا خَطيئَهٌ ، ولا يُفسِدُها عَيبٌ ولا مَعصِيَهٌ ؛ حَتّى أَلقاكَ يَومَ القِيامَهِ وأنتَ عَنّى راضٍ وأنَا مَسرورٌ ، تَغبِطُنى مَلائِكَتُكَ وأنبِياؤُكَ وجَميعُ خَلقِكَ ، وقَد قَبِلتَنى وجَعَلتَنى طائِعا طاهِرا زاكِيا عِندَكَ مِنَ الصّادِقينَ . اللّهُمَّ إنّى أعتَرِفُ لَكَ بِذُنوبى ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجعَلها ذُنوبا لا تُظهِرُها لِأَحَدٍ مِن خَلقِكَ ، يا غَفّارَ الذُّنوبِ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ ، سُبحانَكَ اللّهُمَّ وبِحَمدِكَ عَمِلتُ سوءاً وظَلَمتُ نَفسى ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر لى ، إنَّكَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ . اللّهُمَّ إن كانَ مِن عَطائِكَ ومَنِّكَ وفَضلِكَ وفى عِلمِكَ وقَضائِكَ أن تَرزُقَنِى التَّوبَهَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاعصِمنى بَقِيَّهَ عُمُرى ، وأحسِن مَعونَتى فِى الجِدِّ وَالاِجتِهادِ وَالمُسارَعَهِ إلى ما تُحِبُّ وتَرضى وَالنَّشاطِ وَالفَرَحِ وَالصِّحَّهِ ، حَتّى أبلُغَ فى عِبادَتِكَ وطاعَتِكَ الَّتى يَحِقُّ لَكَ عَلَىَ رِضاكَ . وأن تَرزُقَنى بِرَحمَتِكَ ما أقيمُ بِهِ حُدودَ دينِكَ ، وحَتّى أعمَلَ فى ذلِكَ بِسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيهِ وآلِهِ ، وَافعَل ذلِكَ بِجَميعِ المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ فى مَشارِقِ الأرضِ ومَغارِبِها ، اللّهُمَّ إنَّكَ تَشكُرُ اليَسيرَ وتَغفِرُ الكَثيرَ ، وأنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ تَقولُها ثَلاثا . (3)

.

1- .الكافى : 4 / 74 / 5 ، تفسير العيّاشى : 1 / 80 / 183 كلاهما عن أبى بصير ، المقنع : 185 ، المقنعه : 315 من دون إسناد إلى المعصوم ، الإقبال : 1 / 146 وفيه « ...اللّهمّ فصلّ على محمّد وآله ، وأعنّا على صيامه ، وتقبّله ...» ، بحار الأنوار : 96 / 383 / 2 .
2- .قلّه الأهل والمال ليست من الذنوب كما هو واضح ، ومن هنا يحتمل التصحيف فى هذه الفقره ولعلّ المراد القلّه الناشئه عن الذنوب .
3- .الإقبال : 1 / 119 ، بحار الأنوار : 97 / 326 / 1 .

ج دعاهای امام صادق علیه السلامامام صادق علیه السلام:هر گاه ماه رمضان رسید ، بگو: «خداوندا! ماه رمضان فرا رسید ، که روزه داری اش را بر ما واجب ساخته ای و در آن قرآن را فرو فرستاده ای ، تا هدایتگر مردم باشد و نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان. خداوندا! بر روزه داریِ آن یاری مان کن و آن را از ما بپذیر و ما را در آن ، سلامت بدار و آن را همراه آسانی و عافیت ، از ما دریافت کن! همانا تو بر هر چیزْ توانایی ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

الإقبال [سیّد ابن طاووس گوید] :دعای دیگری است که اگر در شب اوّل ماهِ روزه خواندی ، لفظِ «امشبم» را بر «امروزم» مقدّم بدار و اگر در نخستین روز از ماه خواندی ، به همان لفظی بخوان که در دعا آمده است. آنچه در نظر من برتر است ، این است که این دعا در اوّلین روز ماه رمضان خوانده شود. این دعا را با سند خود به ابو محمّد هارون بن موسی تَلَّعُکبری و با سندش به امام صادق علیه السلام ، روایت کرده ایم که فرمود: «چون ماه رمضان فرا رسد ، می گویی: خداوندا! این ماه مبارک رمضان ، که در آن قرآن را فرو فرستاده ای و آن را مایه هدایت مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان قرار داده ای ، فرا رسیده است. پس ، ما را در آن و آن را برای ما سلامت بدار و آن را همراه با آسانی و عافیت از سوی خودت ، از ما دریافت کن! خداوندا! از تو می خواهم که در این ماه ، مرا بیامرزی و بر من رحمت آوری و از آتش برهانی و بهترین چیزی که به هر یک از آفریدگانت داده ای و خواهی داد ، به من هم بدهی ، و از وقتی که مرا در زمین خود جای داده ای تا امروز ، آن را آخرین ماه رمضانی قرار مدهی که برایت روزه گرفته ام. آن را برای من پر نعمت ترین ، با عافیت ترین ، پر روزی ترین ، سرشارترین و گواراترین ماه ، قرار بده! خداوندا! به تو و وجود بزرگوار و فرمان روایی بزرگت پناه می برم. مبادا خورشید ، امروز غروب کند ، یا بقیّه این روز سپری شود ، یا سپیده این شبْ طلوع نماید ، یا این ماه پایان پذیرد ، در حالی که هنوز گناه و خطای نبخشوده ای داشته باشم که می خواهی مرا به سبب آن ، مورد سختگیری و مؤاخذه قرار دهی ، یا مرا در دنیا و آخرت در جایگاه خواری نگه داری و یا در روزی که دیدارت می کنم ، به سبب آن عذابم کنی ، ای

مهربان ترینِ مهربانان! خداوندا! تو را می خوانم ، برای اندوهی که جز تو آن را نمی زداید و برای رحمتی که جز به تو به دست نمی آید و برای غم جانکاهی که جز تو آن را برطرف نمی سازد و برای خواسته ای که جز به تو نمی توان به آن رسید و برای نیازی که جز با تو بر نمی آید. خداوندا! همان گونه که از شأن تو بود که از من خواستی تا از درگاه تو بخواهم و از رحمت تو بود که تو را یاد کنم ، سرورم! این نیز از شأن تو باشد که دعایم را اجابت کنی و از آنچه به درگاه تو نالیدم ، نجاتم بخشی. خداوندا! بر محمّد و دودمان محمّد درود فرست و از گنجینه های رحمت خویش بر من چنان رحمتی بگشای که پس از آن هرگز در دنیا و آخرت عذابم نکنی ، و از نعمت گسترده ات چنان روزیِ حلال و پاکیزه ای روزی ام کن که پس از آن به کسی جز تو نیازمندم نسازی و به سبب آن بر سپاس گزاری ام برایت بیفزایی و نیازمندی مرا به خودت بیشتر کنی و از غیر خودت بی نیازتر و عفیف ترم گردانی! خدایا! پناه می برم به تو از این که پاداش نیکی ات از سوی من ، بدی باشد. خدایا! پناه می برم به تو از این که کارِ میان خودم و مردم را اصلاح کنم؛ ولی کار میان خودم و تو را خراب سازم. خدایا! پناه می برم به تو از این که در نظرم چیزی برتر از اطاعت تو باشد. خدایا! پناه می برم به تو از این که طاعتی کم یا زیاد را به خاطر کسی جز تو انجام دهم یا کاری آمیخته به ریا انجام دهم. خدایا! پناه می برم به تو از تسلیم نفْس شدن ، که هر که مرتکبش شود ، هلاکش می سازد. خدایا! پناه می برم به تو از این که سپاسم بر نعمتی که به من دادی ، برای جز تو باشد و در پیِ پسند آفریده های تو باشم. خدایا! پناه می برم به تو از این که از مرزی از مرزهایت فراتر روم ، تا بدین سبب ، خود را برای مردم بیارایم ، یا میل به دنیا داشته باشم. خدایا! از کیفرت به بخشایشت پناه می برم و از خشمت به خرسندی ات ، و از نافرمانی ات به طاعتت و از تو به خودت. ثنای ذاتت ، بزرگ است. هر چه بخواهم و بکوشم ، از عهده ثنای تو بر نمی آیم و تو ، آن گونه ای که خویش را ستوده ای. منزّهی و با حمد تو ستایش و تسبیحت می گویم. خداوندا! به خاطر حقوق بسیاری که از بندگانت بر گردن دارم ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت توبه می کنم. پس ، هر بنده ای از بندگانت و هر کنیزی از کنیزانت که حقّی بر گردن من دارد و به او در مورد مال و بدن و آبرویش ستم کرده ام و یارای ادای حقّ او و حلالیّت خواهی از او را ندارم ، پس از آن که بر محمّد و خاندانش درود می فرستی ، وی را خودت ، با هر چه و به هر شکلی که می خواهی ، از من راضی ساز و آن حق را بر من ببخش! سرورم! عذاب مرا می خواهی چه کنی؛ تو که رحمتت همه چیز را فراگیر است؟ خدایا! چه می شود که مرا با رحمت خویش اکرام کنی و با عذابت خوارم نگردانی؟ پروردگارا! اگر آنچه را از تو خواستم ، برآوری ، چیزی از تو کم

نمی شود ، که تو همه چیز داری. خداوندا ! از تو آمرزش می خواهم؛ و از هر گناهی که از آن توبه کردم ، امّا دوباره مرتکب شدم ، به درگاهت توبه می کنم؛ و از هر چه از واجباتت و ادای حقّت تباه کردم ، از : نماز و زکات ، روزه و جهاد ، حج و عمره ، وضوی کامل و غسل جنابت ، شب زنده داری و یاد فراوان ، کفّاره دروغ و بازگشت خواهی در گناه و جلوگیری از هر چه در آن کوتاهی کردم ، از: واجب و مستحب ، از تو آمرزش می خواهم و از آن به سویت روی می آورم؛ و از هر گناه کبیره و معصیت و بدی ای که مرتکب شدم و در پی شهوات رفتم و یا خطا کردم ، به عمد یا خطا ، نهان و یا آشکار ، توبه می کنم. من به درگاهت توبه می کنم ، از آن [گناه] و نیز از: ریختن خون ، نافرمانی پدر و مادر ، قطع رَحِم ، فرار از میدان جنگ ، تهمت زدن به زنان پاک دامن ، ظالمانه خوردن مال یتیمان ، شهادت دروغ دادن ، کتمان شهادت ، و این که عهد تو را درباره خودم به بهایی اندک بفروشم ، و از: رباخواری ، خیانت در غنائم ، مال حرام ، جادوگری ، کتمان ، فال بد زدن ، شرک ، ریا ، سرقت ، میخواری ، کاستن از پیمانه ، کم فروشی ، دشمنی ، دورویی ، پیمان شکنی ، دروغ بستن ، خیانت ، نیرنگ زدن ، وفا نکردن به پیمان (تعهّد) و سوگند ، غیبت ، سخن چینی کردن ، تهمت زدن ، مسخره کردن با چشم و اشاره ، نام بد نهادن بر دیگران ، آزردن همسایه ، ورود بی اجازه به یک خانه ، فخر ، تکبّر ، شرک ورزیدن ، اصرار بر گناه ، سرکشی کردن ، راه رفتن مغرورانه ، حکم ظالمانه نمودن ، تجاوز از حق به هنگام خشم ، تعصّب ورزیدن ، یاری رسانی به ستمگر ، کمک کردن به گناه و دشمنی ، کاستی شمار خانواده و ثروت و فرزند ، (1) با گمانْ عملی کردن ، در پیِ هوای نفْس بودن ، عمل به شهوت ، فرمان دادن به منکر ، نهی از معروف ، تباهگری در زمین ، انکار حق ، به ناحق به حاکمان رشوه دادن ، مکر نمودن و فریب دادن ، بخل ورزیدن ، سخن گفتنْ آن جا که نمی دانم ، خوردن مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام خدا [هنگام ذبحْ] بر آن گفته نشده ، حسد ورزیدن ، ستم کردن ، دعوت به فحشا ، آرزوی داشتن آنچه خداوند [به دیگری] عطا کرده است ، (2) خودپسندی ، منّت نهادن به خاطر بخشش، مرتکب ظلم شدن، انکار قرآن، راندن یتیم و نیازمند، شکستن قَسَم ، هر سوگند دروغ و ناروا ، ستم کردن به هر یک از بندگانت در اموال و موها و آبروها و پوست هایشان ، و آنچه را چشمم دیده و گوشم شنیده و زبانم گفته و دستم انجام داده و گامم به سوی آن رفته و پوستم به آن رسیده و هر گناهی که پیش خودم و با خودم گفته ام ، و از هر سوگند دروغ. و از: هر زشتی و گناه و خطایی که کرده ام، در تاریکی شب یا روشنایی روز ، در جمع یا خلوت ، دانسته یا ندانسته ، آنچه در یاد دارم یا به یادم نیست ، شنیده ام یا نشنیده ام، در مورد هر آنچه به اندازه چشم بر هم زدنی در آن

، پروردگارم را نافرمانی کرده ام و در غیر اینها ، از حلال یا حرامی که از حق فراتر رفته ام یا کوتاه آمده ام، از آن روز که مرا آفریده ای ، تا اینک که در جایگاهم نشسته ام ؛ پس ، من از آن به درگاهت توبه می کنم و تو ای بزرگوار! توبه پذیر و مهربانی. خداوندا! ای صاحب منّت و احسان و خوبی های بی شمار! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و توبه ام را بپذیر و به خاطر فزونی گناهانم و اسرافم بر خویش ، توبه ام را رد مکن ، تا آن که گناهی را که از آن پیش تو توبه کردم ، دوباره انجامش ندهم. توبه ام را ای خدای عزیز توبه ای خالصانه ، راستین ، پذیرفته درگاهت و بالا رفته تا آستانت قرار بده ، در آن گنجینه های رحمتی که برای دوستانت ذخیره ساخته ای، آن گاه که توبه آنان را پذیرفته و از ایشان راضی شده ای! خداوندا! این جان ، جان بنده توست. از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و جانم را از گناهان ، نگاه داری و از خطاها باز داری و از بدی ها محافظت کنی و آن را در دژی استوار و نفوذناپذیر قرار دهی تا گناه و خطایی به آن نرسد و عیب و عصیانی تباهش نسازد ، تا آن که در روز قیامت ، در حالی دیدارت کنم که از من خشنودی و من خوش حالم و فرشتگان و پیامبرانت و همه آفریدگانت بر من رشک می برند ، آن گاه که مرا پذیرفته ای و مرا فرمان بردار و پاک ، نزد خودت از راستان ، قرار داده ای! خداوندا! در پیشگاهت به گناهانم اعتراف می کنم. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و گناهانم را چنان گردان که بر هیچ یک از آفریدگانت آشکار نسازی ، ای آمرزنده گناهان ، ای مهربان ترینِ مهربانان! تو منزّهی ای خداوند و تو را می ستایم. بد کردم و بر خویشتن ستم نمودم؛ پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بیامرز! همانا تو بخشاینده مهربانی. خداوندا! اگر از عطا و منّت و احسانت چنین است و در علم و تقدیرت ، این است که توبه را روزی ام کنی ، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا در باقی مانده عمرم نگه دار و در تلاش و کوشش و شتاب به سوی آنچه دوست داری و می پسندی و در نشاط و شادمانی و تن درستی ، نیکو یاری ام کن تا در بندگی و طاعت تو ، آن گونه که شایسته توست ، به رضای تو برسم! می خواهم که با رحمت خویش ، آنچه را با آن احکام دین تو را بر پا دارم ، روزی ام کنی و در این راه، به سنّت پیامبرت که درود تو بر او و خاندانش باد عمل کنم. این را با همه مردان و زنان مؤمن در شرق و غرب زمین انجام بده! [پس سه بار می گویی:] خداوندا! تو کار اندک را سپاس گفته و پاداش می دهی و گناهِ بسیار را می آمرزی و تو آمرزنده و مهربانی».

.

1- .آشکار است که کاستی خانواده و دارایی گناه نیست و از این رو احتمال تصحیف در متن می رود و شاید مقصود کاستی هایی باشد که در اثر گناه پدید می آید .
2- .اشاره ای است به آیه 32 سوره نساء «وَلاَ تَتَمَنَّوْاْ مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِی بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ» ، یعنی برتری ها و نعمت هایی که خداوند به برخی عطا کرده است ، نباید موجب برانگیختن آرزوهای دور و دراز و دست نیافتنی و یا کینه و حسادت شود، اگر چه آرزوی داشتن شبیه آنها، بدون لطمه زدن به نعمت دیگران، غبطه و بی اشکال است .

ص: 224

. .

ص: 225

. .

ص: 226

. .

ص: 227

. .

ص: 228

. .

ص: 229

. .

ص: 230

. .

ص: 231

. .

د دُعاءُ الإمامِ الكاظِمِالكافى عن علىّ بن رئاب عن الإمام الكاظم عليه السلام :اُدعُ بِهذَا الدُّعاءِ فى شَهرِ رَمَضانَ مُستَقبِلَ دُخولِ السَّنَهِ ، وذَكَرَ أ نَّهُ مَن دَعا بِهِ مُحتَسِبا مُخلِصا لَم تُصِبهُ فى تِلكَ السَّنَهِ فِتنَهٌ ولا آفَهٌ يُضَرُّ بِها دِينُهُ وبَدَنُهُ ، ووَقاهُ اللّهُ عَزَّ ذِكرُهُ شَرَّ ما يَأتى بِهِ تِلكَ السَّنَهَ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِاسمِكَ الَّذى دانَ لَهُ كُلُّ شَى ءٍ ، وبِرَحمَتِكَ الَّتى وَسِعَت كُلَّ شَى ءٍ ، وبِعِزَّتِكَ الَّتى قَهَرتَ بِها كُلَّ شَى ءٍ ، وبِعَظَمَتِكَ الَّتى تَواضَعَ لَها كُلُّ شَى ءٍ ، وبِقُوَّتِكَ الَّتى خَضَعَ لَها كُلُّ شَى ءٍ ، وبِجَبَروتِكَ الَّتى غَلَبَت كُلَّ شَى ءٍ ، وبِعِلمِكَ الَّذى أحاطَ بِكُلِّ شَى ءٍ ، يا نورُ يا قُدّوسُ ، يا أوَّلُ قَبلَ كُلِّ شَى ءٍ ويا باقى بَعدَ كُلِّ شَى ءٍ ، يا أللّهُ يا رَحمانُ يا أللّهُ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُغَيِّرُ النِّعَمَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُنزِلُ النِّقَمَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَقطَعُ الرَّجاءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُديلُ الأعداءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَرُدُّ الدُّعاءَ وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى يُستَحَقُّ بِها نُزولُ البَلاءِ (1) ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَحبِسُ غَيثَ السَّماءِ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَكشِفُ الغِطاءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تُعَجِّلُ الفَناءَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تورِثُ النَّدَمَ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ الَّتى تَهتِكُ العِصَمَ ، وألبِسنى دِرعَكَ الحَصينَهَ الَّتى لا تُرامُ ، وعافِنى مِن شَرِّ ما أحاذِرُ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ فى مُستَقبِلِ سَنَتى هذِهِ . اللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبعِ وَالأَرَضينَ السَّبعِ وما فيهِنَّ وما بَينَهُنَّ ورَبَّ العَرشِ العَظيمِ ، ورَبَّ السَّبعِ المَثانى وَالقُرآنِ العَظيمِ ، ورَبَّ إسرافيلَ وميكائيلَ وجَبرَئيلَ ، ورَبَّ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وأهلِ بَيتِهِ سَيِّدِ المُرسَلينَ وخاتَمِ النَّبِيِّينَ ، أسأَلُكَ بِكَ وبِما سَمَّيتَ يا عَظيمُ ، أنتَ الَّذى تَمُنُّ بِالعَظيمِ وتَدفَعُ كُلَّ مَحذورٍ ، وتُعطى كُلَّ جَزيلٍ وتُضاعِفُ مِنَ الحَسَناتِ بِالقَليلِ وَالكَثيرِ (2) وتَفعَلُ ما تَشاءُ ، يا قَديرُ يا أللّهُ ، يا رَحمانُ يا رَحيمُ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ ، وألبِسنى فى مُستَقبِلِ هذِهِ السَّنَهِ سِترَكَ ، ونَضِّر وَجهى بِنورِكَ ، وأحِبَّنى (3) بِمَحَبَّتِكَ ، وبَلِّغنى رِضوانَكَ وشريفَ كَرامَتِكَ وجَزيلَ عَطائِكَ مِن خَيرِ ما عِندَكَ ومِن خَيرِ ما أنتَ مُعطٍ أحَدا مِن خَلقِكَ ، وألبِسنى مَعَ ذلِكَ عافِيَتَكَ ، يا مَوضِعَ كُلِّ شَكوى ويا شاهِدَ كُلِّ نَجوى ، ويا عالِمَ كُلِّ خَفِيَّهٍ ويا دافِعَ كُلِّ ما تَشاءُ مِن بَلِيَّهٍ ، يا كَريمَ العَفوِ يا حَسَنَ التَّجاوُزِ ، تَوَفَّنى عَلى مِلَّهِ إبراهيمَ وفِطرَتِهِ ، وعَلى دينِ مُحَمَّدٍ وسُنَّتِهِ ، وعَلى خَيرِ وَفاهِ فَتَوَفَّنى ؛ مُوالِيا لِأولِيائِكَ مُعادِيا لِأعدائِكَ . اللّهُمَّ وجَنِّبنى فى هذِهِ السَّنَهِ كُلَّ عَمَلٍ أو قَولٍ أو فِعلٍ يُباعِدُنى مِنكَ ، وَاجلِبنى إلى كُلِّ عَمَلٍ أو قَولٍ أو فِعلٍ يُقَرِّبُنى مِنكَ فى هذِهِ السَّنَهِ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ ، وَامنَعنى مِن كُلِّ عَمَلٍ أو فِعلٍ أو قَولٍ يَكونُ مِنّى أخافُ ضَرَرَ عاقِبَتِهِ وأخافُ مَقتَكَ إيّاىَ عَلَيهِ ، حَذَرا أن تَصرِفَ وَجهَكَ الكَريمَ عَنّى فَأستَوجِبَ بِهِ نَقصا مِن حَظّى

عِندَکَ ، یا رَؤوفُ یا رَحیمُ . اللّهُمَّ اجعَلنی فی مُستَقبِلِ هذِهِ السَّنَهِ فی حِفظِکَ وجِوارِکَ وکَنَفِکَ ، وجَلِّلنی سِترَ عافِیَتِکَ ، وهَب لی کَرامَتَکَ ، عَزَّ جارُکَ وجَلَّ ثَناءُ وَجهِکَ ولا إلهَ غَیرُکَ . اللّهُمَّ اجعَلنی تابِعا لِصالِحِ مَن مَضی مِن أولِیائِکَ وألحِقنی بِهِم ، وَاجعَلنی مُسَلِّما لِمَن قالَ بِالصِّدقِ عَلَیکَ مِنهُم ، وأعوذُ بِکَ یا إلهی أن تُحیطَ بِهِ خَطیئَتی وظُلمی وإسرافی عَلی نَفسی وَاتِّباعی لِهَوایَ وَاشتِغالی بِشَهَواتی ، فَیَحولَ ذلِکَ بَینی وبَینَ رَحمَتِکَ ورِضوانِکَ ، فَأکونَ مَنسِیّا عِندَکَ ، مُتَعَرِّضا لِسَخَطِکَ ونِقمَتِکَ . اللّهُمَّ وَفِّقنی لِکُلِّ عَمَلٍ صالِحٍ تَرضی بِهِ عَنّی،وقَرِّبنی بِهِ إلَیکَ زُلفی. اللّهُمَّ کَما کَفَیتَ نَبِیَّکَ مُحَمَّدا صلی الله علیه و آله هَولَ عَدُوِّهِ ، وفَرَّجتَ هَمَّهُ وکَشَفتَ غَمَّهُ وصَدَقتَهُ وَعدَکَ وأنجَزتَ لَهُ مَوعِدَکَ بِعَهدِکَ ، اللّهُمَّ بِذلِکَ فَاکفِنی هَولَ هذِهِ السَّنَهِ وآفاتِها وأسقامَها وفِتنَتَها وشُرورَها وأحزانَها وضیقَ المَعاشِ فیها ، وبَلِّغنی بِرَحمَتِکَ کَمالَ العافِیَهِ بِتَمامِ دَوامِ العافِیَهِ وَالنِّعمَهِ عِندی إلی مُنتَهی أجَلی ، أسألُکَ سُؤالَ مَن أساءَ وظَلَمَ وَاعتَرَفَ ، وأسألُکَ أن تَغفِرَ لی ما مَضی مِنَ الذُّنوبِ الَّتی حَصَرَتها حَفَظَتُکَ وأحصَتها کِرامُ مَلائِکَتِکَ عَلَیَ ، وأن تَعصِمَنی إلهی مِنَ الذُّنوبِ فیما بَقِیَ مِن عُمُری إلی مُنتَهی أجَلی ، یا أللّهُ یا رَحمانُ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وعَلی أهلِ بَیتِ مُحَمَّدٍ وآتِنی کُلَّ ما سَألتُکَ ورَغِبتُ إلَیکَ فیهِ ؛ فَإنَّکَ أمَرتَنی بِالدُّعاءِ وتَکَفَّلتَ لی بِالإجابَهِ . (4)

.

1- .فی کتاب من لا یحضره الفقیه والإقبال : «واغفر لی الذنوب الّتی تنزل البلاء» .
2- .فی التهذیب : «وتضاعف من الحسنات بالقلیل وبالکثیر» وفی الفقیه «وتضاعف من الحسنات الکثیر بالقلیل» .
3- .فی تهذیب الأحکام : «وأحیِنی» .
4- .الکافی : 4 / 72 / 3 ، تهذیب الأحکام : 3 / 106 / 266 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 102 / 1848 ، المقنعه : 320 ، الإقبال : 1 / 115 ، بحار الأنوار : 97 / 341 / 2 .

د دعای امام کاظم علیه السلام

د دعای امام کاظم علیه السلامالکافی به نقل از علی بن رئاب :امام کاظم علیه السلام فرمود: «در ماه رمضان در طلیعه ورود سال (1) این دعا را بخوان» و فرمود: «هر کس این دعا را به خاطر پاداش الهی و مخلصانه بخواند ، در آن سال ، فتنه و آفتی که به دین و بدن او زیان برساند ، به او نخواهد رسید و خدای متعال ، او را از بدی های آن سال نگه می دارد : خداوندا ! تو را به آن نامت که هر چیزْ بدان گردن نهاده است ، و به آن رحمتت که هر چیزْ را فرا گرفته است ، و به آن قدرتت که با آن بر هر چیزْ غلبه یافته ای، و به آن عظمتت که هر چیزْ در برابر آن فروتن است ، و به آن توانمندی و شوکتی که بر هر چیزْ غالب است ، و به آن دانشت که بر هر چیزْ احاطه دارد ، می خوانم. ای نور ، ای بی عیب ! ای آغاز قبل از هر چیز و ای ماندگار پس از هر چیز ! ای خداوند ، ای بخشایشگر ، ای خداوند ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و گناهانی را از من ببخشای که نعمت ها را تغییر می دهند ، و گناهانی را از من بیامرز که دشمنان را چیره می سازند ، و گناهانی را از من بیامرز که امید را قطع می کنند ، و گناهانی را از من بیامرز که به سبب آنها بلا نازل می شود ، و گناهانی را از من بیامرز که باران آسمان را نگه می دارند ، و گناهانی را از من بیامرز که پرده را کنار می زنند ، و گناهانی را از من بیامرز که نابودی را نزدیک می سازند ، و گناهانی را از من بیامرز که پشیمانی را به همراه می آورند ، و گناهانی را از من بیامرز که رشته های پیوند (با تو را) می بُرند ، و مرا از آن زره محکم خویش ، که آسیبی به آن نمی رسد ، بپوشان و در باقی مانده این سال ، مرا از شرّ آنچه شب و روز از آن حذر می کنم ، ایمن گردان ! خداوندا ! ای پروردگار آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه در آنها و میان آنهاست ! ای پروردگار عرش بزرگ ! ای پروردگار سوره حمد و قرآن بزرگ ! ای پروردگار اسرافیل و میکائیل و جبرئیل ! و ای پروردگار محمّد صلی الله علیه و آله آن که سرور رسولان و آخر پیامبران است و خاندانش ! به حقّ خودت و به آنچه نامیده ای ای بزرگ ! ای تویی که نعمت بزرگ عطا می کنی و هر بدی را باز می داری و هر پاداش فراوانی را عطا می کنی و حسنات را چند برابر می کنی و در برابر کار کم پاداش فراوان می دهی (2) و آنچه می خواهی ، می کنی ! ای توانا ، ای خداوند ! ای بخشایشگر ، ای مهربان ! از تو می خواهم که بر محمّد و

خاندانش درود فرستی و در باقی مانده این سال ، پوشش خود را بر من بپوشانی و با فروغ خود ، چهره ام را طراوت بخشی و با محبّت خویش دوستم بداری و مرا به رضوان و کرامت ارجمند خود و پاداش فراوانت (از خیر آنچه پیش توست و از خیر آنچه به هر یک از بندگانت می دهی) برسانی و افزون بر اینها عافیت خود را بر من بپوشانی. ای جایگاه هر شِکوه ، ای گواه هر نجوا ، ای دانای هر نهان ! ای برگرداننده هر بلایی که بخواهی ، ای نیکوبخشایش ، ای نیک گذشت ! مرا بر آیین و سرشت ابراهیم و بر دین و سنّت محمّد و با بهترین مرگ ، بمیران ، در حالی که دوستدار دوستانت و دشمن دشمنانت باشم ! خداوندا ! در این سال ، مرا از هر کار و سخن و رفتاری که از تو دورم می کند ، دور بدار ، و در این سال ، مرا به هر کار و سخن و رفتاری که به تو نزدیکم می سازد ، بگمار ای مهربان ترینِ مهربانان و مرا از هر کار و سخن و رفتاری که از من سر زند و از زیان فرجامش بیم داشته باشم و از خشمت بر خودْ بترسم ، باز دار ، مبادا که روی عنایتت را از من برگردانی و من مستوجب کاهش بهره ام از نزد تو گردم ، ای خیرخواه ، ای مهربان ! خداوندا ! در باقی مانده این سال ، مرا در حفظ ، جوار و پناه خود قرار بده و با پوشش عافیتت مرا بپوشان و کرامتت را بر من ارزانی دار ، ای که پناهت استوار و ثنای ذاتت باشُکوه است و معبودی جز تو نیست ! خداوندا ! مرا پیرو دوستان شایسته ات که درگذشته اند، قرار بده و مرا به آنان ملحق ساز و مرا پذیرای کسی قرار بده که از طرف آنان بر تو راست گفته است ! و به تو پناه می برم ای خدا از این که خطا و ظلم و اسرافم بر خود و پیروی از هوای نفْسم و پرداختن به خواسته های دلم مرا فرا گیرد و این ، میان من و رحمت و رضای تو فاصله اندازد و نزد تو از فراموش شدگان ، و در معرض خشم و عقوبتت باشم. خداوندا ! مرا به هر کار شایسته ای که تو را از من خرسند می سازد ، موفّق بدار و مرتبه ام را به خودت نزدیک گردان ! خداوندا ! آن سان که پیامبرت محمّد را از بیم دشمنش کفایت کردی و برای اندوهش گشایش ایجاد کردی و غصّه اش را برطرف ساختی و وعده ات را برای او محقّق نمودی و به عهد و پیمانت با او وفا کردی خدایا به حقّ این بزرگواری ات ، مرا هم در این سال ، از هراس و آفت ها و بیماری ها و فتنه ها و بدی ها و اندوه ها و تنگناهای زندگی ، کفایت کن و مرا با رحمت خویش ، به عافیت کامل و دوام عافیت و نعمتت در نزدم تا پایان عمرم برسان ! از تو می خواهم ، خواستن آن که بد کرده و ستم کرده و اعتراف نموده است. از تو می خواهم که گناهان گذشته ام را که مراقبان و فرشتگان بزرگوارت بر من بر شمرده اند ، ببخشایی و مرا تا آخر عمرم از گناهانْ نگه داری. ای خدا ، ای مهربان ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و هر چه را از تو

خواستم و در درگاهت به آن اظهار علاقه کردم ، عطایم کن ! همانا تو مرا به دعا فرمان داده ای و عهده دار اجابت گشته ای» .

.

1- .این سخن دلیلی دیگر بر این است که آغاز سال شرعی، ماه رمضان است(ر . ک: ویژگی های ماه رمضان/اوّل سال).
2- .ترجمه را مطابق با متن «کتاب من لایحضره الفقیه» آوردیم که درست تر نشان می دهد .

ص: 234

. .

ص: 235

. .

ص: 236

. .

ص: 237

. .

ه دُعاءُ الإمامِ الجَوادِالإقبال عن عبد العظيم بن عبد اللّه الحسنى :صَلّى أبو جَعفَرٍ مُحَمَّدُ بنُ عَلِيٍّ الرِّضا عليه السلام صَلاةَ المَغرِبِ فى لَيلَةٍ رَأى فيها هِلالَ شَهرِ رَمَضانَ ، فَلَمّا فَرَغَ مِنَ الصَّلاهِ ونَوَى الصِّيامَ رَفَعَ يَدَيهِ فَقالَ : اللّهُمَّ ، يا مَن يَملِكُ التَّدبيرَ وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، يا مَن يَعلَمُ خائِنَةَ الأَعيُنِ وما تُخفِى الصُّدورُ وتُجِنُّ الضَّميرُ وهُوَ اللَّطيفُ الخَبيرُ ، اللّهُمَّ اجعَلنا مِمَّن نَوى فَعَمِلَ ، ولا تَجعَلنا مِمَّن شَقِىَ فَكَسِلَ ، ولا مِمَّن هُوَ عَلى غَيرِ عَمَلٍ يَتَّكِلُ ، اللّهُمَّ صَحِّح أبدانَنا مِنَ العِلَلِ ، وأعِنّا عَلى مَا افتَرَضتَ عَلَينا مِنَ العَمَلِ ، حَتّى يَنقَضِىَ عَنّا شَهرُكَ هذا وقَد أدَّينا مَفروضَكَ فيهِ عَلَينا ، اللّهُمَّ أعِنّا عَلى صِيامِهِ ، ووَفِّقنا لِقِيامِهِ ، ونَشِّطنا فيهِ لِلصَّلاهِ ، ولا تَحجُبنا مِنَ القِراءَهِ ، وسَهِّل لَنا فيهِ إيتاءَ الزَّكاهِ . اللّهُمَّ لا تُسَلِّط عَلَينا وَصَبا ولا تَعَبا ولا سَقَما ولا عَطَبا ، اللّهُمَّ ارزُقنَا الإفطارَ مِن رِزقِكَ الحَلالِ ، اللّهُمَّ سَهِّل لَنا فيهِ ما قَسَمتَهُ مِن رِزقِكَ ويَسِّر مِا قَدَّرتَهُ مِن أمرِكَ ، وَاجعَلهُ حَلالاً طَيِّبا نَقِيّا مِنَ الآثامِ ، خالِصا مِنَ الآصارِ وَالأجرامِ . اللّهُمَّ ، لَا تُطعِمنا إلاّ طَيِّبا غَيرَ خَبيثٍ ولا حَرامٍ ، وَاجعَل رِزقَكَ لَنا حَلالاً لا يَشوبُهُ دَنَسٌ ولا أسقامٌ ، يا مَن عِلمُهُ بِالسِّرِّ كَعِلمِهِ بِالإعلانِ ، يا مُتَفَضِّلاً عَلى عِبادِهِ بِالإحسانِ ، يا مَن هُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، وبِكُلِّ شَىءٍ عَليمٌ خَبيرٌ ، أَلهِمنا ذِكرَكَ وجَنِّبنا عُسرَكَ ، وأنِلنا يُسرَكَ وَاهدِنا لِلرَّشادِ ، ووَفِّقنا لِلسَّدادِ ، وَاعصِمنا مِنَ البَلايا ، وصُنّا مِنَ الأوزارِ وَالخَطايا ، يا مَن لا يَغفِرُ عَظيمَ الذُّنوبِ غَيرُهُ ، ولا يَكشِفُ السَّوءَ إلاّ هُوَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ وأكرَمَ الأكرَمينَ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ الطَّيِّبينَ ، وَاجعَل صِيامَنا مَقبولاً ، وبِالبِرِّ وَالتَّقوى مَوصولاً ، وكَذلِكَ فَاجعَل سَعيَنا مَشكورا ، وقِيامَنا مَبرورا ، وقُرآنَنا مَرفوعا ، ودُعاءَنا مَسموعا ، وَاهدِنا لِلحُسنى ، وجَنِّبنَا العُسرى ، ويَسِّرنا لِليُسرى ، وأعلِ لَنَا الدَّرَجاتِ ، وضاعِف لَنَا الحَسَناتِ ، وَاقبَل مِنَّا الصَّومَ وَالصَّلاهَ ، وَاسمَع مِنَّا الدَّعَواتِ ، وَاغفِر لَنَا الخَطيئاتِ ، وتَجاوَز عَنَّا السَّيِّئاتِ ، وَاجعَلنا مِنَ العامِلينَ الفائِزينَ ولا تَجعَلنا مِنَ المَغضوبِ عَلَيهِم ولاَ الضّالّينَ ، حَتّى يَنقَضِىَ شَهرُ رَمَضانَ عَنّا وقَد قَبِلتَ فيهِ صِيامَنا وقِيامَنا ، وزَكَّيتَ فيهِ أعمالَنا ، وغَفَرتَ فيهِ ذُنوبَنا ، وأحرَزتَ فيهِ مِن كُلِّ خَيرٍ نَصيبَنا ، فَإِنَّكَ الإلهُ المُجيبُ وَالرَّبُّ القَريبُ ، وأنتَ بِكُلِّ شَىءٍ مُحيطٌ . (1)

.

1- .الإقبال : 1 / 76 .

ه دعای امام جواد علیه السلام

ه دعای امام جواد علیه السلامالإقبال به نقل از عبدالعظیم حسنی :امام جواد علیه السلام در شبی که هِلال ماه رمضان را دید ، نماز مغرب را خوانْد و پس از پایان نماز ، چون نیّت روزه کرد ، دست برداشت و چنین گفت: «خداوندا ! ای آن که مالک تدبیری و بر هر چیز ، توانایی ! ای آن که نگاه های ناروای چشم ها را می دانی و از آنچه در سینه ها نهان و در درون ، پنهان است ، باخبری ! ای خدای باریک بین و آگاه ! خداوندا ! ما را از آنانی قرار ده که نیّت کردند و عمل نمودند ، و از آنانی قرار مده که بدبخت شدند و سستی نشان دادند ، و نه از آنان که به غیر عمل ، تکیه کردند. خداوندا ! بدن های ما را از بیماری ها سالم بدار و بر کاری که بر ما واجب ساخته ای، یاری ده تا آن که این ماهت بر ما بگذرد ، در حالی که تکلیف واجبت را ادا کرده باشیم. خداوندا ! بر روزه داری اش یاری مان کن و بر عبادتش توفیقمان ده و برای نماز در آن ، نشاطمان بخش و ما را از قرائت [قرآن] ، محروم نگردان و پرداخت زکات را در آن برای ما آسان ساز ! خداوندا ! بر ما درد مدام ، خستگی ، بیماری و نابودی را چیره مساز ! خداوندا ! به ما افطاری از روزیِ حلالت روزی گردان ! خداوندا ! آنچه را در آن از روزی ات بر ما تقسیم کرده ای و آنچه را از فرمانت بر ما مقدّر ساخته ای، برایمان آسان گردان و آن روزی را حلال ، پاک ، دور از آلودگی ها و پیراسته از گناهان و جُرم ها قرار بده ! خداوندا ! جز پاکیزه نیالوده و غیر حرامْ به ما نخوران ، و روزیِ خود را برای ما حلال و به دور از آلودگی و بیماری ها قرار بده ! ای که نهان را چون آشکار می دانی ! ای که بر بندگانت با فضل ، نیکی می کنی ! ای که بر هر چیز ، توانا و از هر چیز ، آگاه و به هر چیز ، دانایی ! یادت را به ما الهام کن ، و ما را از دشواری دور گردان ، و به آسانی ات برسان ، و به درستکاری ، رهنمونمان باش ، و به راه درست توفیقمان ده ، و از بلاها نگاهمان دار و از گناهان و خطاها مصونمان ساز ! ای آن که جز او کسی گناهان بزرگ را نبخشاید و جز او بدی را برطرف نسازد ! ای مهربان ترینِ مهربانان و گرامی ترینِ گرامیان ! بر محمّد و دودمان پاکش درود فرست و روزه داریِ ما را بپذیر و به نیکی و تقوا پیوسته ساز. نیز تلاشمان را پاداش یافته ، عبادتمان را پذیرفته ، قرآن خوانی مان را بالارفته ، و دعاهایمان را شنیده قرار بده ، و ما را به بهترین کار ، هدایت کن ، و از سختی ، دورمان ساز ، و آسانی را برایمان

هموار گردان ، و درجات ما را بالا ببر ، و حسنات ما را بیفزای ، و روزه و نمازمان را بپذیر ، و دعاهایمان را بشنو ، و خطاهایمان را ببخشای ، و از بدی هایمان درگذر ، و ما را از عمل کنندگانِ کامیاب قرار بده و از آنانی قرار مده که بر آنان خشم گرفته ای و نه گم راهان ، تا آن که ماه رمضان ، در حالی از ما بگذرد که روزه داری و عبادتمان را پذیرفته باشی ، کارهایمان را پاک ساخته باشی ، گناهانمان را آمرزیده ، و بهره ما را از هر خیری در این ماه ، فراوان قرار داده باشی! همانا تو معبود اجابت کننده و پروردگار نزدیکی ، و تو بر هر چیز ، احاطه داری».

.

ص: 240

. .

ص: 241

. .

ص: 242

. .

اشاره

بخش سوم : آداب میهمانی خدا

.

الفصل الأوّلآدابُ الصِّيامِ1 / 1أهَمُّ الآدابِأ الوَرَعُ عَن مَحارِمِ اللّهِالإمام علىّ عليه السلام :قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، ما أفضَلُ الأعمالِ فى هذَا الشَّهرِ؟ فَقالَ : «يا أبَا الحَسَنِ ، أفضَلُ الأعمالِ فى هذَا الشَّهرِ الوَرَعُ عَن مَحارِمِ اللّهِ» . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَقولُ اللّهُ عز و جل : «مَن لَم تَصُم جَوارِحُهُ عَن مَحارِمى ، فَلا حاجَةَ فى أن يَدَعَ طَعامَهُ وشَرابَهُ مِن أجلى» . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أربَعَةٌ تُفسِدُ الصَّومَ وأعمالَ الخَيرِ : الغيبَةُ ، وَالكَذِبُ ، وَالنَّميمَةُ ، وَالنَّظَرُ إلَى الأجنَبِىِّ . (3)

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : 78 / 61 ، الأمالى للصدوق : 155 / 149 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 1 / 297 / 53 ، الإقبال : 1 / 27 كلّها عن الحسن بن علىّ بن فضّال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار : 96 / 358 / 25 .
2- .تاريخ أصبهان : 2 / 124 / 1280 ، الفردوس : 5 / 242 / 8075 كلاهما عن ابن مسعود ، كنز العمّال : 8 / 508 / 23867 .
3- .المواعظ العدديّه : 210 .

فصل یکم : آداب روزه داری

1 / 1 مهم ترین آداب

الف پرهیز از حرام های خدا

فصل اوّل : آداب روزه داری1 / 1مهم ترین آدابالف پرهیز از حرام های خداامام علی علیه السلام:گفتم : ای پیامبر خدا! برترینِ کارها در این ماه چیست؟ فرمود: «ای ابو الحسن! برترینِ کارها در این ماه ، پرهیز از حرام های خداست».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند می فرماید: «هر کس اعضایش از حرام های من ، روزه دار نباشد ، نیازی نیست که به خاطر من ، خوراک و نوشیدنی اش را ترک کند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار چیز ، روزه و کارهای نیک را خراب می کند: غیبت ، دروغ ، سخن چینی ، و نگاه به بیگانه (نامحرم).

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ شَهرَ رَمَضانَ إيمانا وَاحتِسابا ، وكَفَّ سَمعَهُ وبَصَرَهُ ولِسانَهُ عَنِ النّاسِ ، قَبِلَ اللّهُ صَومَهُ وغَفَرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ وما تَأَخَّرَ ، وأعطاهُ ثَوابَ الصّابِرينَ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :الصِّيامُ اجتِنابُ المَحارِمِ ؛ كَما يَمتَنِعُ الرَّجُلُ مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله لِجابِرِ بنِ عَبدِ اللّهِ : «يا جابِرُ ، هذا شَهرُ رَمَضانَ ؛ مَن صامَ نَهارَهُ وقامَ وِردا مِن لَيلِهِ وعَفَّ بَطنَهُ وفَرجَهُ وكَفَّ لِسانَهُ ، خَرَجَ مِن ذُنوبِهِ كَخُروجِهِ مِنَ الشَّهرِ» . فَقالَ جابِرٌ : يا رَسولَ اللّهِ ، ما أحسَنَ هذَا الحَديثَ! فَقالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «يا جابِرُ ، وما أشَدَّ هذِهِ الشُّروطَ !» . (3)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن تَأَمَّلَ خَلفَ امرَأَةٍ حَتّى يَتَبَيَّنَ لَهُ حَجمُ عِظامِها مِن وَراءِ ثِيابِها وهُوَ صائِمٌ ، فَقَد أفطَرَ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام فى حَديثِ المِعراجِ :قالَ اللّهُ تَعالى : « ... يا أحمَدُ ، لَيسَ شَىءٌ مِنَ العِبادَهِ أحَبَّ إلَىَّ مِنَ الصَّمتِ وَالصَّومِ ؛ فَمَن صامَ ولَم يَحفَظ لِسانَهُ كانَ كَمَن قامَ ولَم يَقرَأ فى صَلاتِهِ ، فَأُعطيهِ أجرَ القِيامِ ولَم أُعطِهِ أجرَ العابِدينَ» . (5)

.

1- .المقنعه : 305 عن الإمام علىّ عليه السلام .
2- .الغارات : 2 / 503 عن الأصبغ بن نباته ، بحار الأنوار : 96 / 294 / 21 .
3- .الكافى : 4/87/2 ، تهذيب الأحكام : 4/195/560 ، المقنعه : 310 ، ثواب الأعمال : 88 / 1 كلّها عن جابر بن يزيد الجعفى ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2/98/1836 والثلاثه الأخيره نحوه ومن دون إسناد إلى النبىّ صلى الله عليه و آله.
4- .معانى الأخبار : 410 / 95 عن أنس ، بحار الأنوار : 96 / 290 / 7 .
5- .إرشاد القلوب : 205 ، بحار الأنوار : 77 / 29 / 6 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ماه رمضان را از روی ایمان و به خاطر پاداش الهی روزه بدارد و گوش و چشم و زبانش را از مردم باز دارد ، خداوند روزه اش را می پذیرد و گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد و به او پاداش صابران را می دهد.

امام علی علیه السلام:روزه داری ، پرهیز از حرام هاست ، همان گونه که انسان از غذا و نوشیدنی خودداری می کند.

امام باقر علیه السلام:پیامبر خدا به جابر بن عبد اللّه فرمود: «ای جابر! این ، ماه رمضان است. هر کس روزش را روزه بدارد و بخشی از شبش را به عبادت برخیزد و شکم و شهوتش را پاک نگه دارد و زبانش را حفظ کند ، از گناهانش بیرون می شود ، آن گونه که از این ماه بیرون می شود». جابر گفت: ای پیامبر خدا! این سخن ، چه نیکوست! پیامبر خدا فرمود : «ای جابر! و این شرط ها چه سخت است!» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر روزه داری که در پشت سرِ زنی با دقّت بنگرد ، تا حدّی که حجم استخوان بندی زن از پشت لباسش برای او آشکار شود ، روزه اش را افطار کرده است.

امام علی علیه السلام در حدیث معراج :خدای متعال فرمود : «... ای احمد! هیچ عبادتی نزد من ، محبوب تر از سکوت و روزه نیست. پس ، هر که روزه بدارد ، ولی زبانش را نگه ندارد ، همچون کسی است که به عبادت ، ایستاده ، امّا در نمازش قرائت ندارد. پس به او پاداش ایستادن به نماز را می دهم؛ امّا پاداش عبادتگران را به او نمی دهم».

.

فاطمه عليهاالسلام :ما يَصنَعُ الصّائِمُ بِصِيامِهِ إذا لَم يَصُن لِسانَهُ وسَمعَهُ وبَصَرَهُ وجَوارِحَهُ؟! (1)

الإمام الصادق عليه السلام :لا صِيامَ لِمَن عَصَى الإمامَ ، ولا صِيامَ لِعَبدٍ آبِقٍ حَتّى يَرجِعَ ، ولا صِيامَ لاِمرَأهٍ ناشِزَهٍ حَتّى تَتوبَ ، ولا صِيامَ لِوَلَدٍ عاقٍّ حَتّى يَبَرَّ . (2)

ب الاِجتِنابُ عَنِ الغيبَهِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :الصّائِمُ فى عِبادَهٍ وإن كانَ نائِماً عَلى فِراشِهِ ؛ ما لَم يَغتَب مُسلِماً . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إذَا اغتابَ الصّائِمُ أفطَرَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنِ اغتابَ امرَأً مُسلِماً بَطَلَ صَومُهُ ، ونُقِضَ وُضوؤُهُ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عليه السلام :يا عَلِيُّ ، اِحذَرِ الغيبَهَ وَالنَّميمَهَ ؛ فَإِنَّ الغيبَهَ تُفطِرُ ، وَالنَّميمَهَ تُوجِبُ عَذابَ القَبرِ . (6)

عنه صلى الله عليه و آله :ما صامَ مَن ظَلَّ يَأكُلُ لُحومَ النّاسِ . (7)

.

1- .دعائم الإسلام : 1 / 268 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 96 / 295 / 25 .
2- .دعائم الإسلام : 1 / 268 ، بحار الأنوار : 96 / 295 / 25 .
3- .فضائل الأشهر الثلاثه : 122 / 124 ، الكافى : 4 / 64 / 9 ، تهذيب الأحكام : 4 / 190 / 538 وليس فيهما «نائماً» وكلّها عن عبد اللّه بن طلحه عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 74 / 1772 ، ثواب الأعمال : 75 / 1 ، الأمالى للصدوق : 645 / 873 كلاهما عن عبد اللّه بن طلحه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ؛ الفردوس : 2 / 411 / 3825 عن أبى هريره وليس فيه «وإن كان نائماً على فراشه» .
4- .عوالى اللآلى : 1 / 263 / 53 ؛ نصب الرايه : 2 / 482 .

5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 4/15/4968، الأمالى للصدوق :515/707 كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، ثواب الأعمال : 335 / 1 عن أبى هريره وابن عبّاس ، بحار الأنوار : 75 / 247 / 10 .
6- .تحف العقول : 14 ، بحار الأنوار : 77 / 67 / 6 .
7- .المصنّف لابن أبى شيبه : 2 / 423 / 13 ، مسند الطيالسى : 282 / 3107 وفيه «كيف صام ...» ، الفردوس : 4 / 77 / 6238 كلاهما عن أنس ، تفسير القرطبى : 16 / 336 ؛ مستدرک الوسائل : 7 / 370 / 8443 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

ب پرهیز از غیبت کردن

حضرت فاطمه علیهاالسلام:روزه دار ، اگر زبان و گوش و چشم و اعضایش را نگه ندارد ، با روزه اش می خواهد چه کند؟

امام صادق علیه السلام:برای کسی که امام را نافرمانی می کند ، روزه داری نیست؛ و برای بنده فراری ، تا وقتی که برگردد ، روزه داری نیست؛ و برای زن نافرمان [نسبت به شوهرش] ، تا وقتی که توبه کند ، روزه داری نیست؛ و برای فرزند نافرمان [نسبت به پدر و مادرش] روزه داری نیست تا آن که [نسبت به آنان] نیکی کند. (1)

ب پرهیز از غیبت کردنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه دار ، تا وقتی که از مسلمانی غیبت نکند ، در حال عبادت است ، هر چند در بسترش خفته باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه روزه داڑ غیبت کند ، روزه اش را گشوده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس از فرد مسلمانی غیبت کند ، روزه اش می شکند و وضویش باطل می شود. (2)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام :ای علی! از غیبت و سخن چینی بپرهیز ؛ چرا که غیبت ، روزه را می شکند و سخن چینی ، عذاب قبر می آورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس که پیوسته گوشت های مردم را می خورد (درباره مردم غیبت می کند) ، روزه دار نیست.

.

1- .یعنی روزه اینان ، پذیرفته درگاه خدا نیست.
2- .مقصود آن است که غیبت موجب عدم قبولی روزه و ضربه به طهارت باطنی می گردد .

عنه صلى الله عليه و آله :مَنِ اغتابَ مُسلِماً فى شَهرِ رَمَضانَ ، لَم يُؤجَر عَلى صِيامِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنِ اغتابَ مُسلِماً أو مُسلِمَةً لَم يَقبَلِ اللّهُ تَعالى صَلاتَهُ ولا صِيامَهُ أربَعينَ يَوماً ولَيلَةً ، إلاّ أن يَغفِرَ لَهُ صاحِبُهُ . (2)

مسند أبى يعلى عن عبيد مولى رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ امرَأَتَينِ كانَتا صائِمَتَينِ ، فَكانَتا تَغتابانِ النّاسَ ، فَدَعا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِقَدَحٍ ، فَقالَ لَهُما : «قيئا!» فَقاءَتا قَيحاً ودَماً ولَحماً عَبيطاً . ثُمَّ قالَ : «إنَّ هاتَينِ صامَتا عَنِ الحَلالِ ، وأفطَرَتا عَلَى الحَرامِ» . (3)

ج الاِجتِنابُ عَنِ السَّبِّالإمام الصادق عليه السلام :إنَّ أبى عليه السلام قالَ : «سَمِعَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله امرَأَةً تُسابُّ جارِيَةً لَها وهِيَ صائِمَةٌ ، فَدَعا رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله بِطَعامٍ فَقالَ لَها : كُلى! فَقالَت : أنَا صائِمَةٌ يا رَسولَ اللّهِ! فَقالَ : كَيفَ تَكونينَ صائِمَةً وقَد سَبَبتِ جارِيَتَكِ؟! إنَّ الصَّومَ لَيسَ مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ ، وإنَّما جَعَلَ اللّهُ ذلِكَ حِجاباً عَن سِواهُما مِنَ الفَواحِشِ مِنَ الفِعلِ وَالقَولِ يُفطِرُ الصّائِمَ . ما أقَلَّ الصُّوّامَ وأكثَرَ الجُوّاعَ!» . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الصِّيامُ جُنَّةٌ ، إذا كانَ أحَدُكُم صائِما فَلا يَرفَث ولا يَجهَل ، فَإِنِ امرُؤٌ قاتَلَهُ أو شاتَمَهُ ، فَليَقُل : إنّى صائِمٌ ، إنّى صائِمٌ . (5)

.

1- .جامع الأخبار : 412 / 1142 ، بحار الأنوار : 75 / 258 / 53 .
2- .جامع الأخبار : 412 / 1141 ، بحار الأنوار : 75 / 258 / 53 .
3- .مسند أبى يعلى : 2 / 234 / 1573 ، اُسد الغابه : 3 / 533 / 3495 ، تاريخ دمشق : 4 / 275 / 1036 ، السيره النبويّه لابن كثير : 4 / 629 ، البدايه والنهايه : 5 / 318 وانظر مسند ابن حنبل : 9 / 165 / 23714 .
4- .النوادر للأشعرى : 22 / 10 ، الكافى : 4 / 87 / 3 ، تهذيب الأحكام : 4 / 194 / 553 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 109 / 1861 ، الإقبال : 1

/ 195 وليس فيها «إنّ أبى عليه السلام قال» و«وإنّما جعل اللّه ذلک ...» وكلّها عن جرّاح المدائنى ، بحار الأنوار : 96 / 293 / 16 .
5- .سنن أبى داود : 2 / 307 / 2363 ، صحيح البخارى : 2 / 670 / 1795 ، صحيح مسلم : 2 / 807 / 163 كلاهما نحوه ، الموطّأ : 1 / 310 / 57 ، مسند ابن حنبل : 3 / 68 / 7495 ، السنن الكبرى : 4 / 448 / 8309 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 8 / 447 / 23589 .

ج پرهیز از دشنام دادن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در ماه رمضان درباره مسلمانی غیبت کند ، بر روزه داری اش پاداشی نخواهد یافت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس درباره مرد و زن مسلمانی غیبت کند ، خداوند تا چهل شبانه روز ، نماز و روزه اش را نمی پذیرد ، مگر آن که آن شخص از وی درگذرد.

مسند أبی یعلی به نقل از عبید ، غلام پیامبر خدا :دو زن ، روزه بودند و درباره مردم غیبت می کردند. پیامبر خدا ظرفی طلبید و به آن دو گفت: «قی کنید». آن دو ، چرک و خون و گوشت تازه ، قی کردند. سپس فرمود: «این دو زن با حلال روزه گرفتند؛ امّا با حرام افطار کردند».

ج پرهیز از دشنام دادنامام صادق علیه السلام:پدرم فرمود : «پیامبر خدا شنید که زنی روزه دار ، کنیز خود را دشنام می دهد. پس ، غذایی طلب کرد و به او گفت: «بخور» . زن گفت: من روزه ام ، ای پیامبر خدا ! فرمود: «چگونه روزه ای ، که کنیزت را دشنام دادی؟ ! روزه ، تنها نخوردن غذا و نوشیدنی نیست و همانا خداوند ، روزه را حجابی در برابر کار و سخن زشت قرار داده ، که روزه دار با آن ، روزه را افطار می کند. روزه داران ، چه اندک اند و گرسنگان چه بسیار !».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه ، سپر است. هر گاه یکی از شما روزه بود ، پس دشنام ندهد و نابخردی نکند و نیز اگر کسی با او به جنگ برخاست و یا دشنامش داد ، بگوید: «من روزه ام ، من روزه ام».

.

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يُصبِحُ صائِما فَيُشتَمُ فَيَقولُ : إنّى صائِمٌ سَلامٌ عَلَيکَ ، إلاّ قالَ الرَّبُّ تَبارَکَ وتَعالى لِمَلائِکَتِهِ : «اِستَجارَ عَبدى بِالصَّومِ مِن عَبدى ، أجيروهُ مِن نارى ، وأدخِلوهُ جَنَّتى» . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ صالِحٍ يُشتَمُ فَيَقولُ : إنّى صائِمٌ سَلامٌ عَلَيکَ لا أشتِمُکَ کَما شَتَمتَنى ، إلاّ قالَ الرَّبُّ تَبارَکَ وتَعالى : «اِستَجارَ عَبدى بِالصَّومِ مِن شَرِّ عَبدى ، فَقَد أجَرتُهُ مِنَ النّارِ» . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لا تُسابَّ وأنتَ صائِمٌ ، فَإِن سَبَّکَ أحَدٌ فَقُل : إنّى صائِمٌ ، وإن کُنتَ قائِما فَاجلِس . (3)

فضائل الأوقات عن أبى البخترى :إنَّ امرَأَةً کانَت تَصومُ عَلى عَهدِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله فى لِسانِها ؛ يَعنى سَبّا . فَقالَ [صلى الله عليه و آله] : «ما صامَت» ، فَتَحَفَّظَت ، فَقالَ صلى الله عليه و آله : «الآنَ» . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن لَم يَدَع قَولَ الزّورِ وَالعَمَلَ بِهِ وَالجَهلَ ، فَلَيسَ لِلّهِ حاجَةٌ أن يَدَعَ طَعامَهُ وشَرابَهُ . (5)

.

1- .ثواب الأعمال : 76 / 1 ، الأمالى للصدوق : 682 / 933 كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، المحاسن : 1 / 150 / 216 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «فيستجير» بدل «فيشتم» ، الجعفريّات : 60 ، النوادر للراوندى : 135 / 177 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلامواليس فيهما «أجيروه من نارى» ، بحار الأنوار : 96 / 288 / 1 .
2- .الكافى : 4 / 88 / 5 عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 109 / 1860 .
3- .السنن الكبرى للنسائى : 2 / 241 / 3259 ، مسند ابن حنبل : 3 / 418 / 9537 وليس فيه «وإن كنت قائما فاجلس» وص 576 / 10569 ، صحيح ابن حبّان : 8 / 259 / 3483 ، صحيح ابن خزيمه : 3 / 241 / 1994 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 8 / 508 / 23868 .

4- .فضائل الأوقات للبيهقى : 48 / 82 ، المصنّف لابن أبى شيبه : 2 / 422 / 9 نحوه .
5- .صحيح البخارى : 5 / 2251 / 5710 وج 2 / 673 / 1804 نحوه ، سنن أبى داود : 2 / 307 / 2362 ، سنن الترمذى : 3 / 87 / 707 وليس فيهما «والجهل» ، سنن ابن ماجه : 1 / 539 / 1689 ، السنن الكبرى : 4 / 449 / 8311 ، الزهد لابن المبارک : 461 / 1307 كلّها عن أبى هريره .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که روزه باشد و دشنامش دهند و او بگوید : «سلام بر تو! من روزه دارم» ، مگر آن که پروردگار متعال به فرشتگانش گوید : «بنده ام از بنده دیگرم به روزه پناه جست. پس ، او را از آتش من پناه دهید و او را وارد بهشت من کنید».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده شایسته ای نیست که دشنامش دهند و بگوید: «من روزه دارم. سلام بر تو! به تو دشنام نمی دهم ، آن گونه که دشنامم دادی» ، مگر آن که پروردگار متعال گوید: «بنده من از شرّ بنده من ، به روزه پناه برد. من هم او را از آتش ، پناه دادم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :وقتی روزه داری ، دشنام مده ، و اگر کسی دشنامت داد ، بگو: «من روزه ام» و اگر ایستاده بودی ، بنشین [تا خشمت فرونشیند] .

فضائل الأوقات به نقل از ابو البَختری :زنی در روزگار پیامبر خدا تنها به زبان ، روزه بود؛ یعنی دشنام می داد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «او روزه نگرفته است». پس آن زن ، [از کارش] خودداری کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «حالا شد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس سخن دروغ و حرام ، عمل به آن و نابخردی را رها نکند ، خداوند نیازی ندارد که او از خوردنی و نوشیدنی اش دست بکشد.

.

عنه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ يَوما مِن رَمَضانَ فَسَلِمَ مِن ثَلاثَهٍ ، ضَمِنتُ لَهُ الجَنَّهَ عَلى ما فيهِ سِوَى الثَّلاثِ : لِسانِهِ وبَطنِهِ وفَرجِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ دَخَلَ عَلَيهِ شَهرُ رَمَضانَ فَصامَ نَهارَهُ وكَفَّ شَرَّهُ وغَضَّ بَصَرَهُ وَاجتَنَبَ ما حَرَّمَ اللّهُ عَلَيهِ ، إلاّ أوجَبَ اللّهُ لَهُ الجَنَّهَ . (2)

د الاِجتِنابُ عَنِ الكِذبِالإمام الباقر عليه السلام :إنَّ الكَذبَهَ لَيُفطِرُ الصِّيامَ ، وَالنَّظرَهَ بَعدَ النَّظرَهِ ، وَالظُّلمَ كُلُّهُ ؛ قَليلَهُ وكَثيرَهُ . (3)

ه الاِجتِنابُ عَنِ الرِّياءِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صامَ يُرائى فَقَد أشرَكَ . (4)

و الاِجتِنابُ عَن كُلِّ ما يَكرَهُهُ اللّهُرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ الصِّيامَ لَيسَ مِنَ الأكلِ وَالشُّربِ فَقَط ؛ إنَّمَا الصِّيامُ مِنَ اللَّغوِ وَالرَّفَثِ ، فَإِن سابَّکَ أحَدٌ أو جَهِلَ عَلَيکَ فَقُل : إنّى صائِمٌ . (5)

.

1- .كنز العمّال : 8 / 481 / 23728 نقلاً عن ابن عساكر ، الدرّ المنثور : 1 / 454 نقلاً عن ابن مردويه وكلاهما عن أبي هريره .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : 103 / 89 عن أبى سعيد الخدرى .
3- .الإقبال : 1 / 195 ، بحار الأنوار : 97 / 352 .
4- .مسند ابن حنبل : 6 / 82 / 17140 ، المستدرک على الصحيحين : 4 / 365 / 7938 ، المعجم الكبير : 7 / 281 / 7139 ، مسند الطيالسى : 153 / 1120 ، شُعب الإيمان : 5 / 338 / 6844 كلّها عن شدّاد بن أوس وص 340 / 6852 عن عبد الرحمن بن غنم ؛ مجمع البيان : 6 / 771 عن شدّاد بن أوس ، تفسير القمّى : 2 / 47 عن أبى الجارود عن الإمام الباقر عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله وفيه «من صام مراءاه الناس فهو مشرک» .
5- .صحيح ابن حبّان : 8 / 256 / 3479 ، المستدرک على الصحيحين : 1 / 595 / 1570 ، صحيح ابن خزيمه : 3 / 242 / 1996 ، السنن الكبرى

للبيهقى : 4 / 449 / 8312 ، فضائل الأوقات للبيهقى : 48 / 79 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 8 / 507 / 23864 وح 23866 .

د پرهیز از دروغ

ه . پرهیز از ریا

و . پرهیز از هر چه خدا خوش نمی دارد

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس یک روز از [ماه] رمضان را روزه بدارد و از سه چیزْ سالم باشد ، بهشت را برای او تضمین می کنم ، با هر چه در او باشد ، جز این سه: زبان ، شکم و شهوتش .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که ماه رمضان بر او وارد شود و او روزش را روزه بدارد و شرّ خود را از دیگران باز دارد و نگاهش را [از حرام]بپوشد و از آنچه خداوند بر او حرام کرده ، بپرهیزد ، مگر آن که خداوندْ بهشت را بر او واجب می کند.

د پرهیز از دروغامام باقر علیه السلام:دروغ ، روزه را باطل می کند؛ همچنین نگاهِ پس از نگاه؛ و همه [گونه های] ستم: اندکش و بسیارش.

ه . پرهیز از ریاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ریاکارانه روزه بگیرد ، شرک ورزیده است.

و . پرهیز از هر چه خدا خوش نمی داردپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه ، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست. همانا روزه ، پرهیز از بیهوده گویی و دشنام دادن است. پس اگر کسی دشنامت داد ، یا با تو نابخردی کرد ، بگو: من روزه ام.

.

الإمام علىّ عليه السلام فِى الحِكَمِ المَنسوبَهِ إلَيهِ :لَيسَ الصَّومُ الإمساکَ عَنِ المَأکَلِ وَالمَشرَبِ ؛ الصَّومُ الإمساکُ عَن کُلِّ ما یَکرَهُهُ اللّهُ سُبحانَهُ . (1)

الإمام زین العابدین علیه السلام :حَقُّ الصَّومِ أن تَعلَمَ أ نَّهُ حِجابٌ ضَرَبَهُ اللّهُ عز و جل عَلى لِسانِکَ وسَمعِکَ وبَصَرِکَ وبَطنِکَ وفَرجِکَ ؛ لِیَستُرَکَ بِهِ مِنَ النّارِ ، فَإن تَرَکتَ الصَّومَ خَرَقتَ سِترَ اللّهِ عَلَیکَ . (2)

عنه علیه السلام مِن دُعائِهِ عِندَ دُخولِ شَهرِ رَمَضانَ :اللّهُمَّ ... وأعِنّا عَلى صِیامِهِ بِکَفِّ الجَوارِحِ عَن مَعاصیکَ وَاستِعمالِها فیهِ بِما یُرضیکَ ؛ حَتّى لا نُصغِیَ بِأسماعِنا إلى لَغوٍ ، ولا نُسرِعَ بِأبصارِنا إلى لَهوٍ ، وحَتّى لا نَبسُطَ أیدِیَنا إلى مَحظورٍ، ولا نَخطُوَ بِأقدامِنا إلى مَحجورٍ، وحَتّى لا تَعِیَ بُطونُنا إلاّ ما أحلَلتَ، ولا تَنطِقَ ألسِنَتُنا إلاّ بِما مَثَّلتَ ، ولا نَتَکَلَّفَ إلاّ ما یُدنى مِن ثَوابِکَ ، ولا نَتَعاطى إلاَّ الَّذى یَقى مِن عِقابِکَ . (3)

الکافى عن محمّد بن مسلم : وعَدَّدَ أشیاءَ غَیرَ هذا قالَ أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام : إذا صُمتَ فَلیَصُم سَمعُکَ وبَصَرُکَ وشَعرُکَ وجِلدُکَ قالَ : ولا یَکونُ یَومُ صَومِکَ کَیَومِ فِطرِکَ . (4)

.

1- .شرح نهج البلاغه : 20 / 299 / 417 .
2- .کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 620 / 3214 ، الخصال : 566 / 1 ، الأمالى للصدوق : 452 / 610 ، مکارم الأخلاق : 2 / 300 / 2654 کلّها عن أبى حمزه الثمالى ، تحف العقول : 258 ولیس فیه «فإن ترکت الصوم ...» ، بحار الأنوار : 74 / 4 / 1 .
3- .الصحیفه السجّادیّه : 166 الدعاء 44 ، مصباح المتهجّد : 608 / 695 وفیه «نَسرح» بدل «نسرع» ، الإقبال : 1 / 112 .
4- .الکافى : 4 / 87 / 1 ، تهذیب الأحکام : 4 / 194 / 554 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 108 / 1855 ، الإقبال : 1 / 195 ، بحار الأنوار : 97 / 3 / 351 .

امام علی صلی الله علیه و آله در حکمت های منسوب به ایشان :روزه ، تنها نخوردن و نیاشامیدن نیست. روزه ، پرهیز از هر چیزی است که خداوندْ آن را خوش نمی دارد.

امام سجّاد علیه السلام :حقّ روزه ، آن است که بدانی آن ، حجابی است که خداوند بر زبان و گوش و چشم و شهوتت زده تا تو را از آتش ، نگه دارد . پس اگر روزه را ترک کنی ، پوشش الهی را بر خویش ، دریده ای.

امام سجّاد علیه السلام در دعای خویش به هنگام ورود ماه رمضان :خداوندا !... ما را بر روزه داریِ این ماه یاری کن ، با نگه داشتن اعضا از نافرمانی ات و به کارگیری آنها در آنچه خشنودت می سازد ، تا آن که با گوش هایمان به بیهوده گوش نسپاریم و با چشم هایمان به بازیچه نشتابیم و دستان خویش را به آنچه ممنوع است ، نگشاییم و با گام هایمان ، به سوی آنچه حرام است ، راه نپوییم ، و تا آن که شکممان جز از آنچه حلال کرده ای ، پُر نشود و زبان هایمان جز به آنچه فرموده ای ، گویا نشود و خود را جز در آنچه ما را به پاداش تو نزدیک می سازد ، به زحمت نیفکنیم و جز به آنچه از کیفرت باز می دارد ، نپردازیم.

الکافی به نقل از محمّد بن مسلم :امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی روزه گرفتی ، گوش و چشم و مو و پوستت هم» و چیزهای دیگری هم بر شمرد «روزه باشند» و فرمود: «روز روزه داری ات ، مثل روز خوردنت نباشد».

.

الإمام الصادق عليه السلام لِمُحَمَّدِ بنِ مُسلِمٍ :يا مُحَمَّدُ ، إذ (1) صُمتَ فَليَصُم سَمعُکَ وبَصَرُکَ ولِسانُکَ ولَحمُکَ ودَمُکَ وجِلدُکَ وشَعرُکَ وبَشَرُکَ ، ولا يَکونُ يَومُ صَومِکَ کَيَومِ فِطرِکَ . (2)

عنه عليه السلام :إذا صُمتَ فَليَصُم سَمعُکَ وبَصَرُکَ وفَرجُکَ ولِسانُکَ ، وتَغُضَّ بَصَرَکَ عَمّا لا يَحِلُّ النَّظَرُ إلَيهِ ، وَالسَّمعَ عَمّا لا يَحِلُّ استِماعُهُ إلَيهِ ، وَاللِّسانَ مِنَ الکَذِبِ وَالفُحشِ . (3)

عنه عليه السلام :لَيسَ الصِّيامُ مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ ألاّ يَأکُلَ الإنسانُ ولا يَشرَبَ فَقَط ، ولکِن إذا صُمتَ فَليَصُم سَمعُکَ وبَصَرُکَ ولِسانُکَ وبَطنُکَ وفَرجُکَ ، وَاحفَظ يَدَکَ وفَرجَکَ ، وأکثِرِ السُّکوتَ إلاّ مِن خَيرٍ ، وَارفَق بِخادِمِکَ . (4)

عنه عليه السلام :صَومُ شَهرِ رَمَضانَ فَرضٌ فى کُلِّ عامٍ ، وأدنى ما يَتِمُّ بِهِ فَرضُ صَومِهِ : العَزيمَةُ مِن قَلبِ المُؤمِنِ عَلى صَومِهِ بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ ، وتَرکُ الأکلِ وَالشُّربِ وَالنِّکاحِ فى نَهارِهِ کُلِّهِ ، وأن يَجمَعَ فى صَومِهِ التَّوَقِّىَ لِجَميعِ جَوارِحِهِ وکَفَّها عَن مَحارِمِ اللّهِ رَبِّهِ مُتَقَرِّبا بِذلِکَ کُلِّهِ إلَيهِ ؛ فَإذا فَعَلَ ذلِکَ کانَ مُؤَدِّيا لِفَرضِهِ . (5)

عنه عليه السلام :لَيسَ الصِّيامُ مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ ؛ وَالإنسانُ يَنبَغى لَهُ أن يَحفَظَ لِسانَهُ مِنَ اللَّغوِ الباطِلِ فى رَمَضانَ وغَيرِهِ . (6)

.

1- .وفى نسخه : «إذا» .
2- .المقنعه : 310 .
3- .الهدايه : 189 ، بحار الأنوار : 96 / 295 / 26 .
4- .الإقبال : 1 / 196 عن محمّد بن عجلان ، بحار الأنوار : 97 / 352 / 3 .
5- .دعائم الإسلام : 1 / 268 ، بحار الأنوار : 96 / 294 / 25 .
6- .تهذيب الأحكام : 4 / 189 / 534 عن أبى بصير .

امام صادق علیه السلام خطاب به محمّد بن مسلم :ای محمّد ! هر گاه روزه گرفتی ، گوش و چشم و زبان و گوشت و خون و مو و پوستت هم روزه باشند و روز روزه داری ات ، مثل روز خوردنت نباشد.

امام صادق علیه السلام:هر گاه روزه گرفتی ، گوش و چشم و شهوت و زبانت هم روزه باشند ، و چشمت را از آنچه نگاه به آن حلال نیست و گوشَت را از آنچه شنیدنش حلال نیست و زبانت را از دروغ و دشنام ، حفظ کن .

امام صادق علیه السلام:روزه ، تنها پرهیز از غذا و نوشیدنی نیست که انسان ، تنها نخورد و نیاشامد. پس وقتی روزه گرفتی ، گوش و چشم و زبان و شکم و شهوتت هم روزه باشند و دست و شهوتت را نگه دار؛ و بسیار سکوت کن ، مگر از گفتن نیک؛ و با خدمت گزارت مدارا کن.

امام صادق علیه السلام:روزه ماه رمضان ، در هر سال ، واجب است و کمترین چیزهایی که وجوب روزه اش با آنها به کمال می رسد ، تصمیم قلبی مؤمن است (که آن را با نیّت راست ، روزه بدارد) و در تمام روز ، خوردن و آشامیدن و آمیزش را ترک کند و در روزه اش تلاش خود را در نگهداری همه اعضایش از حرام های الهی قرار دهد و با همه اینها به خداوند ، تقرّب بجوید. پس اگر چنین کند ، واجبِ این ماه را ادا کرده است.

امام صادق علیه السلام:روزه ، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست و سزاوار است که انسان در ماه رمضان و غیر آن ، زبانش را از بیهوده گویی و باطل ، نگه دارد.

.

النوادر عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام :لَيسَ الصَّومُ مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ ؛ وَالإنسانُ يَنبَغى لَهُ أن يَحفَظَ لِسانَهُ وجارِحَتَهُ وجَميعَ أعضائِهِ مِن قَولِ اللَّغوِ وَالباطِلِ فى شَهرِ رَمَضانَ وغَيرِهِ يَعنى إذا كانَ صائِما فى غَيرِهِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :إذا صامَ أحَدُكُمُ الثَّلاثَةَ الأَيّامِ مِنَ الشَّهرِ فَلا يُجادِلَنَّ أحَدا ، ولا يَجهَل ، ولا يُسرِع إلَى الحَلفِ وَالأيمانِ بِاللّهِ ، فَإِن جَهِلَ عَلَيهِ أحَدٌ فَليَتَحَمَّل . (2)

عنه عليه السلام :إذا أصبَحتَ صائِما فَليَصُم سَمعُکَ وبَصَرُکَ مِنَ الحَرامِ ، وجارِحَتُکَ وجَميعُ أعضائِکَ مِنَ القَبيحِ ، ودَع عِندَهُ الهَذىَ وأذَى الخادِمِ ، وَليَكُن عَلَيکَ وَقارُ الصِّيامِ ، وَالزَم مَا استَطَعتَ مِنَ الصَّمتِ وَالسُّكوتِ إلاّ عَن ذِكرِ اللّهِ ، ولا تَجعَل يَومَ صَومِکَ كَيَومِ فِطرِکَ ، وإيّاکَ وَالمُباشَرَةَ وَالقُبلَةَ وَالقَهقَهَةَ بِالضِّحكِ ! فَإِنَّ اللّهَ يَمقُتُ ذلِکَ . (3)

الكافى عن جرّاح المدائنى عن الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ الصِّيامَ لَيسَ مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ وَحدَهُ ، ثُمَّ قالَ : قالَت مَريَمُ : «إِنِّى نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا» (4) أى : صَوما صَمتا ، فَإِذا صُمتُم فَاحفَظوا ألسِنَتَكُم ، وغُضّوا أبصارَكُم ، ولا تَنازَعوا ، ولا تَحاسَدوا ... . قالَ : وقالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : إذا صُمتَ فَليَصُم سَمعُکَ وبَصَرُکَ مِنَ الحَرامِ وَالقَبيحِ ، ودَعِ المِراءَ وأذَى الخادِمِ ، وَليَكُن عَلَيکَ وَقارُ الصِّيامِ ، ولا تَجعَل يَومَ صَومِکَ كَيَومِ فِطرِکَ . (5)

.

1- .النوادر للأشعرى : 24 / 13 .
2- .الكافى : 4 / 88 / 4 ، تهذيب الأحكام : 4 / 195 / 557 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 82 / 1787 ، الدروع الواقيه : 57 كلّها عن الفضيل بن يسار ، مكارم الأخلاق : 1 / 299 / 941 ، بحار الأنوار : 97 / 104 / 39 .
3- .النوادر للأشعرى : 20 / 9 عن جرّاح المدائنى ، بحار الأنوار : 96 / 292 / 16 .
4- .مريم : 26 .

5- .الكافى : 4/87/3 ، تهذيب الأحكام : 4/194/553 وح 555 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2/108/1857 عن أبى بصير وص 109 / 1862 ، الإقبال : 1 / 195 ، مصباح المتهجّد : 627 ، وفيه إلى «ولا تحاسدوا» .

النوادر به نقل از ابو بصیر ، از امام صادق علیه السلام :روزه ، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست و سزاوار است که انسان در ماه رمضان و غیر آن اگر در غیر رمضان هم روزه بود زبان و همه اعضایش را از بیهوده گویی و باطل ، نگه دارد.

امام صادق علیه السلام:هر گاه یکی از شما سه روز از ماه را روزه می گیرد ، پس با کسی مجادله و نابخردی نکند و زود به خدا قسم نخورد. پس اگر کسی با او نابخردی کرد ، تحمّل کند.

امام صادق علیه السلام:اگر روزه دار بودی ، گوش و چشم تو از حرام ، و همه اعضایت از زشتی ، روزه باشند. هنگام روزه داری ، یاوه گویی و آزردن خدمت گزار را رها کن و وقار روزه داری در تو باشد. تا می توانی برخوردار از سکوت و خموشی باش ، مگر در یاد خدا. روزِ روزه داری ات را مثل روزِ خوردنت قرار مده ، و بپرهیز از آمیزش و بوسه و قهقهه در خندیدن ، که خداوندْ آن را خوش نمی دارد.

الکافی به نقل از جرّاح مدائنی :امام صادق علیه السلام فرمود: «روزه ، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست». سپس فرمود: «مریم گفت: « من برای خدا روزه ای نذر کردم» ، یعنی روزه سکوت. پس چون روزه گرفتید ، زبان هایتان را حفظ کنید ، چشم هایتان را فرو بندید ، نزاع نکنید و حسد نورزید...» . امام صادق علیه السلام همچنین فرمود: «چون روزه گرفتی ، گوش و چشمت هم ، از حرام و زشتی روزه باشند؛ جدال و آزردن خادم را وا گذار؛ وقار روزه داری در تو باشد؛ و روز روزه داری ات ، مثل روز خوردنت نباشد».

.

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ الصِّيامَ لَيسَ مِنَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ وَحدَهُ ؛ إنَّما لِلصَّومِ شَرطٌ يَحتاجُ أن يُحفَظَ حَتّى يَتِمَّ الصَّومُ ؛ وهُوَ الصَّمتُ الدّاخِلُ ، أما تَسمَعُ ما قالَت مَريَمُ بِنتُ عِمرانَ : « إِنِّى نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنسِيًّا »؟ ! يَعنى صَمتا . فَإِذا صُمتُم فَاحفَظوا أَلسِنَتَكُم عَنِ الكَذِبِ ، وغُضّوا أبصارَكُم ، ولا تَنازَعوا ، ولا تَحاسَدوا ، ولا تَغتابوا ، ولا تَمارَوا ، ولا تَكذِبوا ، ولا تُباشِروا ، (1) ولا تَخالَفوا ، ولا تَغاضَبوا ، ولا تَسابّوا ، ولا تَشاتَموا ، ولا تَفاتَروا ، ولا تَجادَلوا ، ولا تَنادّوا ، ولا تَظلِموا ، ولا تَسافَهوا ، ولا تَضاجَروا ، ولا تَغفُلوا عَن ذِكرِ اللّهِ وعَنِ الصَّلاهِ . وَالزَمُوا الصَّمتَ وَالسُّكوتَ ، وَالحِلمَ وَالصَّبرَ وَالصِّدقَ ، ومُجانَبَهَ أهلِ الشَّرِّ . وَاجتَنِبوا قَولَ الزّورِ وَالكَذِبَ وَالفَرىَ ، وَالخُصومَهَ وظَنَّ السّوءِ ، وَالغيبَهَ وَالنَّميمَهَ . وكونوا مُشرِفينَ عَلَى الآخِرَهِ ، مُنتَظِرينَ لِأَيّامِكُم ، مُنتَظِرينَ لِما وَعَدَكُمُ اللّهُ ، مُتَزَوِّدينَ لِلِقاءِ اللّهِ ، وعَلَيكُمُ السَّكينَهَ وَالوَقارَ ، وَالخُشوعَ وَالخُضوعَ وذُلَّ العَبدِ الخائِفِ مِن مَولاهُ ، حائِرينَ خائِفينَ راجينَ ، مَرغوبينَ مَرهوبينَ ، راغِبينَ راهِبينَ ، قَد طَهَّرتُمُ القُلوبَ مِنَ العُيوبِ ، وتَقَدَّسَت سَرائِرُكُم مِنَ الخُبثِ ، ونَظَّفتَ الجِسمَ مِنَ القاذوراتِ ، وتَبَرَّأتَ إلَى اللّهِ مِن عَداهُ ، ووالَيتَ اللّهَ فى صَومِكَ بِالصَّمتِ مِن جَميعِ الجِهاتِ مِمّا قَد نَهاكَ اللّهُ عَنهُ فِى السِّرِّ وَالعَلانِيَهِ ، وخَشيتَ اللّهَ حَقَّ خَشيَتِهِ فى سِرِّكَ وعَلانِيَتِكَ ، ووَهَبتَ نَفسَكَ للّهِ فى أيّامِ صَومِكَ ، وفَرَّغتَ قَلبَكَ لَهُ ، ووَهَبتَ نَفسَكَ لَهُ فيما أمَرَكَ ودَعاكَ إلَيهِ . فَإذا فَعَلتَ ذلِكَ كُلَّهُ فَأنتَ صائِمٌ للّهِ بِحَقيقَهِ صَومِهِ ، صانِعٌ لِما أمَرَكَ ، وكُلَّما نَقَصتَ مِنها شَيئا فيما بَيَّنتُ لَكَ فَقَد نَقَصَ مِن صَومِكَ بِمِقدارِ ذلِكَ . (2)

.

1- .كذا فى النسخ الموجوده بأيدينا ، ويحتمل أن يكون اللفظ بشكل آخر؛ فإنّ سياق الحديث هو النهى عن الأخلاق الذميمه .

2- .النوادر للأشعرى : 21 / 10 عن جرّاح المدائنى ، بحار الأنوار : 96 / 292 ذيل ح 16 .

امام صادق علیه السلام:روزه داری ، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست. روزه ، شرطی دارد که نیازمند مواظبت است تا کامل شود ، و آن ، سکوت درونی است. آیا نمی شنوی که مریم ، دختر عمران ، گفت : « من برای خدا ، روزه ای نذر کرده ام. پس ، امروز با هیچ انسانی سخن نمی گویم» ، یعنی سکوت [می کنم]. پس چون روزه گرفتید ، زبان هایتان را از دروغ نگه دارید ، چشم هایتان را فرو بندید ، نزاع نکنید ، حسد نورزید ، غیبت نکنید ، ستیزه جویی نکنید ، دروغ نگویید ، آمیزش نکنید ، (1) با هم مخالفت نکنید ، به هم خشم نگیرید ، یکدیگر را ناسزا نگویید و دشنام ندهید ، در عبادتْ سستی نکنید ، جدال نکنید ، به تفرقه نگرایید ، ستم نکنید ، با هم با سفاهت (با دل تنگی) رفتار نکنید ، همدیگر را نیازارید ، از یاد خداوند و نمازْ غافل نشوید ، پیوسته سکوت و بردباری و شکیبایی و راستگویی پیشه کنید ، از اهل شَر دوری نمایید ، و از سخن ناروا ، دروغ ، افترا ، دشمنی ، بدگمانی ، غیبت و سخن چینی بپرهیزید. از آنان باشید که روی به آخرت دارند. چشم به راه روزهای خود باشید. منتظر آنچه خداوند به شما وعده داده است ، باشید. برای دیدار با خدا ره توشه برگیرید. آرامش و وقار و خشوع و خضوع داشته باشید. فروتنیِ بنده بیمناک از مولایش را داشته باشید. حیران و بیمناک و امیدوار ، شیفته وهراسناک ، خواستار و ترسناک باشید ، آن چنان که دل ها را از عیب ها پاک ، درون خویش را از آلودگی پیراسته ، و بدن را از آلودگی ، تمیز می نما. چنان باش که از غیر خدا به خدا بیزاری بجویی و در روزه داری ات ، با سکوت همه جانبه از آنچه خداوند ، تو را در نهان و آشکار از آن نهی کرده ، با او دوستی کنی و در نهان و آشکارت از او به حق ، خشیت داشته باشی و خود را در روزهای روزه داری ات به خدا بخشنده باشی و دلت را برای او خالی ساخته و جان خویش را در آنچه فرمانت داده و به آن فرا خوانده است ، بخشیده باشی. پس ، هر گاه همه اینها را انجام دادی ، تو روزه دار واقعی برای خدایی و آنچه فرموده ، ادا کرده ای؛ و از آنچه برایت بیان کردم ، هر چه بکاهی ، به همان مقدار ، از [فضیلت] روزه ات کاسته شده است.

.

1- .اگر چه همه نسخه های در دسترس به یک گونه اند ، امّا احتمال دارد که متن اصلی ، به گونه ای دیگر باشد ، زیرا سیاق روایت ، نهی از امور اخلاقی است .

مصباح الشريعه فى ما نسب إلى الصّادِقُ عليه السلام :إذا صُمتَ فَانوِ بِصَومِکَ کَفَّ النَّفسِ عَنِ الشَّهَواتِ ، وقَطعَ الهِمَّهِ عَن خُطُواتِ الشَّيطانِ ، وأنزِل نَفسَکَ مَنزِلَهَ المَرضی لا تَشتَهی طَعاماً ولا شَرابا ، مُتَوَقِّعا فی کُلِّ لَحظَهٍ شِفاءَکَ مِن مَرَضِ الذُّنوبِ ، وطَهِّر باطِنَکَ مِن کُلِّ کَدَرٍ وغَفلَهٍ وظُلمَهٍ يَقطَعُکَ عَن مَعنَی الإِخلاصِ لِوَجهِ اللّهِ تَعالی . (1)

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام :قَد جَعَلَ اللّهُ عَلی کُلِّ جارِحَهٍ حَقّا لِلصِّيامِ ؛ فَمَن أدّی حَقَّها کانَ صائِما ، ومَن تَرَکَ شَيئا مِنها نَقَصَ مِن فَضلِ صَومِهِ بِحَسَبِ ما تَرَکَ مِنها . (2)

سعد السعود :مِن سُنَنِ إدريسَ عليه السلام : إذا دَخَلتُم فِی الصِّيامِ طَهِّروا نُفوسَکُم مِن کُلِّ دَنَسٍ ونَجَسٍ ، وصوِموا للّهِ بِقُلوبٍ خالِصَهٍ صافِيَهٍ مُنَزَّهَهٍ عَنِ الأفکارِ السَّيِّئَهِ وَالهَواجِسِ المُنکَرَهِ ؛ فَإِنَّ اللّهَ يحيس (3) القُلوبَ اللَّطِخَهَ وَالنِّيّاتِ المَدخولَهَ ، ومَعَ صِيامِ أفواهِکُم مِنَ المَآکِلِ فَلتَصُم جَوارِحُکُم مِنَ المَآثِمِ ؛ فَإِنَّ اللّهَ لا يَرضی عَنکُم أن تَصوموا مِنَ المَطاعِمِ فَقَط،لکِن مِنَ المَناکيرِ کُلِّها وَالفَواحِشِ بِأسرِها. (4)

.

1- .مصباح الشريعه : 133 ، بحار الأنوار : 96 / 254 / 28 .
2- .الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : 202 ، بحار الأنوار : 96 / 291 / 13 .
3- .کذا فی المصدر ، وفی بحار الأنوار «سيحبس» ، وفی مستدرک الوسائل : 7 / 372 / 8447 «يحبس» ، وفی عدّه الداعی «يستنجس» .
4- .سعد السعود : 39 ، عدّه الداعی : 168 وفيه إلى «المدخوله» ، بحار الأنوار : 96/293/17 وج 11/283/11 .

مصباح الشریعه منسوب به امام صادق علیه السلام :وقتی روزه گرفتی ، با روزه ات ، باز داشتن نفْس را از شهوت ها و بریدن همّت را از گام های شیطان ، نیّت کن و خویش را چون بیماری قرار ده که اشتهایی به هیچ غذا و نوشیدنی ای ندارد ، و هر لحظه چشم امید به شفا از بیماریِ گناهانْ بدوز و درونت را از هر تیرگی و غفلت و تاریکی ای که تو را از اخلاص برای خدای متعال باز می دارد ، پاک ساز.

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام:خداوند در روزه ، بر عهده هر عضوی حقّی قرار داده است. پس ، هر که حقّ اعضا را ادا کند ، روزه دار است و هر که چیزی از آنها را وا گذارد ، به همان اندازه که ترک کرده ، از فضیلت روزه اش کاسته است.

سعد السعود:از سنّت های ادریس علیه السلام است که: «چون وارد روزه شدید ، جان هایتان را از هر آلودگی و پلیدی ای پاک سازید ، و با دل های خالص ، صاف و پاک از اندیشه های بد و خطوراتِ ناپسند ، برای خدا روزه بگیرید؛ همانا خداوند ، دل های آلوده و نیّت های خراب را تباه می سازد . و همراه با روزه بودنِ دهان هایتان از خوردنی ها ، اعضایتان هم از گناهان ، روزه باشند؛ چرا که خداوند از این که تنها از غذاها روزه دار باشید ، از شما خشنود نمی شود؛ لیکن از همه زشتی ها و ناپسندی ها پرهیز کنید».

.

انظر : ص 278 (ما لا ينبغى للصائم) .

1 / 2ما يَنبَغى قَبلَ الصِّيامِأ السَّحوررسول اللّه صلى الله عليه و آله :السَّحورُ (1) بَرَكَهٌ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :تَسَحَّروا ؛ فَإِنَّ فِى السَّحورِ بَرَكَهً . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :تَسَحَّروا مِن آخِرِ اللَّيلِ ؛ وهُوَ الغِذاءُ المُبارَكُ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :عَلَيكُم بِغَداءِ السَّحورِ ؛ فَإِنَّهُ هُوَ الغَداءُ المُبارَكُ . (5)

سنن أبى داود عن العِرْباض بن ساريه :دَعانى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إلَى السَّحورِ فى رَمَضانَ ، فَقالَ : «هَلُمَّ إلَى الغَداءِ المُبارَكِ» . (6)

.

1- .قال ابن الأثير فى النهايه : وفيه (أى الحديث) ذكر «السحور» مكرّرا فى غير موضع ، وهو بالفتح اسمُ ما يُتَسحَّرُ به من الطعام والشراب ، وبالضمّ المصدرُ والفعلُ نفسه . وأكثر ما يُروى بالفتح ، وقيل : إنّ الصواب بالضّمّ ؛ لأنّه بالفتح طعام ، والبركهُ والأجرُ والثوابُ فى الفعل لا فى الطعام (النهايه : 2 / 347) .
2- .الكافى : 4 / 95 / 3 ، تهذيب الأحكام : 4 / 198 / 568 كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 135 / 1957 ، مصباح المتهجّد : 626 ، بحار الأنوار : 96 / 310 / 2 ؛ مسند أبى يعلى : 6 / 58 / 6416 ، كنز العمّال : 8 / 526 / 23977 نقلاً عن الديلمى وكلاهما عن أبى هريره .
3- .صحيح البخارى : 2 / 679 / 1823 ، صحيح مسلم : 2 / 770 / 45 ، سنن الترمذى : 3 / 88 / 708 ، سنن ابن ماجه : 1 / 540 / 1692 ، السنن الكبرى : 4 / 398 / 8113 كلّها عن أنس ، كنز العمّال : 8 / 524 / 23966 ؛ عوالى اللآلى : 1 / 104 / 38 عن ابن مسعود ، بحار الأنوار : 62 / 292 .

4- .مسند الشاميّين : 3 / 90 / 1853 عن أبى الدرداء ، تاريخ دمشق : 52 / 138 / 10956 عن أنس وفيه «تسحّروا فإنّه الغذاء المبارک» ، كنز العمّال : 8 / 511 / 23890 .
5- .سنن النسائى : 4 / 146 ، مسند الشاميّين : 2 / 171 / 1130 كلاهما عن المقدام بن معديكرب ، كنز العمّال : 8 / 524 / 23962 .
6- .سنن أبى داود : 2 / 303 / 2344 ، سنن النسائى : 4 / 145 ، مسند ابن حنبل : 6 / 83 / 17143 ، صحيح ابن حبّان : 8 / 244 / 3465 ، صحيح ابن خزيمه : 3 / 214 / 1938 ، السنن الكبرى : 4 / 398 / 8116 ، المعجم الكبير : 18 / 252 / 828 ، كنز العمّال : 8 / 524 / 23963 .

1 / 2 آنچه پیش از روزه گرفتن ، سزاوار است

الف خوردن سحری

ر . ک : ص 279 (آنچه برای روزه دار ، سزاوار نیست).

1 / 2آنچه پیش از روزه گرفتن ، سزاوار استالف خوردن سحرپیپامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوردن سحری ، برکت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سحری بخورید ، که در سحری ، برکت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آخر شب ، سحری بخورید و آن ، غذای بابرکتی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :غذای سحری بخورید؛ چرا که غذای بابرکتی است.

سنن أبی داوود به نقل از عِرباض بن ساریه :پیامبر خدا ، مرا در رمضان به سحری دعوت کرد و فرمود: «بیا ، غذای بابرکت بخور».

.

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا تَدَع اُمَّتِیَ السَّحورَ ولَو عَلی حَشَفَهٍ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :تَسَحَّروا ولَو بِجُرَعِ الماءِ ، ألا صَلَواتُ اللّهِ عَلَی المُتَسَحِّرینَ ! (2)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن أرادَ أن یَصومَ فَلیَتَسَحَّر بِشَیءٍ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ صَلِّ عَلَی المُتَسَحِّرینَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ ومَلائِکَتَهُ یُصَلّونَ عَلَی المُتَسَحِّرینَ . (5)

عنه صلى الله عليه و آله :السَّحورُ أکلُهُ بَرَکَهٌ ؛ فَلا تَدَعوهُ ولَو أن یَجرَعَ أحَدُکُم جُرعَهً مِن ماءٍ ؛ فَإِنَّ اللّهَ عز و جل ومَلائِکَتَهُ یُصَلّونَ عَلَی المُتَسَحِّرینَ . (6)

.

1- .الکافی : 4 / 95 / 3 ، تهذیب الأحکام : 4 / 198 / 568 کلاهما عن السکونی ، الإقبال : 1 / 185 وکلّها عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 135 / 1957 ، مصباح المتهجّد : 626 ، بحار الأنوار : 97 / 343 / 3 .

2- .تهذیب الأحکام : 4 / 198 / 566 ، مصباح المتهجّد : 626 ، الإقبال : 1 / 185 کلّها عن عمرو بن جمیع ، المقنعه : 316 کلّها عن الإمام الصادق عن أبیه علیهماالسلام ، بحار الأنوار : 97 / 344 / 3 ؛ کنز العمّال : 8 / 525 / 23974 نقلاً عن ابن النجّار عن أبی سوید .

3- .مسند ابن حنبل : 5 / 156 / 14955 ، المصنّف لابن أبی شیبه : 2 / 426 / 4 ، مسند أبی یعلی : 2 / 365 / 1926 کلّها عن جابر ، کنز العمّال : 8 / 524 / 23965 .

4- .التاریخ الکبیر (کتاب الکنی) : 8 / 40 / 350 ، اُسد الغابه : 6 / 156 ، المعجم الکبیر : 22 / 337 / 845 وفیه «إنّ النبیّ صلی الله علیه و آله صلّی علی المتسحّرین» وکلّها عن أبی سوید ، کنز العمّال : 8 / 526 / 23979 .

5- .صحيح ابن حبّان : 8 / 246 / 3467 ، المعجم الأوسط : 6 / 287 / 6434 ، حليه الأولياء : 8 / 320 كلّها عن ابن عمر ، كنز العمّال : 8 / 526 / 23984 نقلاً عن أبى محمّد الجوهرى فى أماليه وزاد فى صدره «نعم غداء المؤمن السحور» وص 523 / 23959 .
6- .مسند ابن حنبل : 4 / 26 / 11086 وص 88 / 11396 كلاهما عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمّال : 8 / 523 / 23957 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امّت من ، سحری را ترک نکنند ، هر چند با یک خرما باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سحری بخورید ، هر چند که یک جرعه آب باشد . هلا ! درودهای خدا بر سحری خوران !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر که می خواهد روزه بگیرد ، چیزی (مقداری) سحری بخورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوندا ! بر سحری خوران ، درود فرست !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند و فرشتگانش ، بر سحری خوران درود می فرستند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سحری خوردن ، برکت است. پس ، آن را ترک نکنید ، هر چند به این باشد که یکی از شما جرعه ای آب بنوشد؛ چرا که خدای متعال و فرشتگانش ، بر سحری خوران درود می فرستند.

.

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالى ومَلائِکَتَهُ يُصَلّونَ عَلَى المُستَغفِرينَ وَالمُتَسَحِّرينَ بِالأسحارِ ؛ فَليَتَسَحَّر أحَدُكُم ولَو بِشَربَةٍ مِن ماءٍ . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :تَعاوَنوا بِأَكلِ السَّحورِ عَلى صِيامِ النَّهارِ ، وبِالنَّومِ عِندَ القَيلولَةِ عَلى قِيامِ اللَّيلِ . (2)

الكافى عَن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَنِ السَّحورِ لِمَن أرادَ الصَّومَ ، أ واجِبٌ هُوَ عَلَيهِ؟ فَقالَ : «لا بَأسَ بِألاّ يَتَسَحَّرَ إن شاءَ ، وأمّا فى شَهرِ رَمَضانَ فَإِنَّهُ أفضَلُ أن يَتَسَحَّرَ ، نُحِبُّ ألاّ يُترَکَ فى شَهرِ رَمَضانَ» . (3)

كتاب من لا يحضره الفقيه :سَأَلَ سَماعَةُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ السَّحورِ لِمَن أرادَ الصَّومَ ، فَقالَ : أمّا فى شَهرِ رَمَضانَ فَإِنَّ الفَضلَ فِى السَّحورِ ولَو بِشَربَةٍ مِن ماءٍ ، وأمّا فِى التَّطَوُّعِ فَمَن أحَبَّ أن يَتَسَحَّرَ فَليَفعَل ، ومَن لَم يَفعَل فَلا بَأسَ . (4)

.

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 136 / 1961 ، المقنع : 204 كلاهما عن الإمام علىّ عليه السلام ، المقنعه : 316 ، الأمالى للطوسى : 497 / 1090 عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ، الإقبال : 1 / 185 عن الإمام على عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 96 / 313 / 11 .
2- .تهذيب الأحكام : 4 / 199 / 571 عن رفاعه بن موسى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 136 / 1960 ، المقنعه : 316 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 92 / 72 عن رفاعه عن الإمام الصادق عليه السلامعنه صلى الله عليه و آلهوليس فيه «عند القيلوله» ، الأمالى للطوسى : 497 / 1089 عن رفاعه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آلهوفيه «بالقائله» بدل «بالنوم عند القيلوله» ، بحار الأنوار : 96 / 312 / 6 ؛ سنن ابن ماجه : 1 / 540 / 1693 ، المستدرک على الصحيحين : 1 / 588 / 1551 كلاهما عن ابن

عبّاس وفيهما «استعينوا» بدل «تعاونوا» ، كنز العمّال : 8 / 523 / 23956 .

3- .الكافى : 4 / 94 / 1 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 136 / 1959 .

4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 135 / 1958 ، الكافى : 4 / 94 / 2 ، تهذيب الأحكام : 4 / 197 / 565 وص 314 / 952 ، مصباح المتهجّد : 626 كلّها مضمرا .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند متعال و فرشتگانش ، بر آنان که در سحرها استغفار می کنند و سحری می خورند ، درود می فرستند. پس ، هر یک از شما سحری بخورد ، هر چند که جرعه ای آب باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :با سحری خوردن ، روزه داریِ روز را و با خواب قیلوله (نیم روز) ، شب زنده داری را یاری کنید.

الکافی به نقل از ابو بصیر :از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا برای کسی که می خواهد روزه بگیرد ، سحری خوردن واجب است؟ فرمود : «اشکالی ندارد که اگر خواست ، سحری نخورد؛ ولی در ماه رمضان ، بهتر است که سحری بخورد. دوست داریم که در ماه رمضان ، سحری خوردن ترک نشود» .

کتاب من لایحضره الفقیه:سَماعه از امام صادق علیه السلام درباره سحری خوردنِ کسی که می خواهد روزه بگیرد ، پرسید. فرمود: «امّا در ماه رمضان ، بهتر است که سحری خورده شود ، هر چند که جرعه ای آب باشد؛ و امّا در روزه مستحب ، هر کس دوست دارد ، سحری بخورد و هر کس هم نخورد ، اشکالی ندارد».

.

الإمام الصادق عليه السلام :يُستَحَبُّ لِلعَبدِ ألاّ يَدَعَ السَّحورَ . (1)

المقنعه :السَّحورُ فى شَهرِ رَمَضانَ مِنَ السُّنَّهِ ، وفيهِ فَضلٌ كَبيرٌ ؛ لِمَعونَتِهِ عَلَى الصِّيامِ ، وَالخِلافِ فيهِ عَلَى اليَهودِ ، وَالاِقتِداءِ بِالرَّسولِ صلى الله عليه و آله . وقَد رُوِىَ عَن آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام أنَّهُم قالوا : «يُستَحَبُّ السَّحورُ ولَو بِشَربَهٍ مِنَ الماءِ» . (2)

ب أفضَلُ السَّحورِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :نِعمَ سَحورُ المُؤمِنِ التَّمرُ . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :مِن أفضَلِ سَحورِ الصّائِمِ السَّويقُ بِالتَّمرِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :أفضَلُ سَحورِكُمُ السَّويقُ وَالتَّمرُ . (5)

تهذيب الأحكام عن جابر :سَمِعتُ أبا جَعفَرٍ عليه السلام يَقولُ : «كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آلهيُفطِرُ عَلَى الأَسوَدَينِ قُلتُ : رَحِمَکَ اللّهُ! ومَا الأَسوَدانِ؟ قالَ : التَّمرُ وَالماءُ ، وَالزَّبيبُ وَالماءُ ويَتَسَحَّرُ بِهِما» . (6)

.

1- .الكافى : 4 / 92 / 5 ، تهذيب الأحكام : 4 / 307 / 927 ، الاستبصار : 2 / 139 / 452 كلّها عن سليمان .
2- .المقنعه : 316 .
3- .سنن أبى داود : 2 / 303 / 2345 ، صحيح ابن حبّان : 8 / 253 / 3475 ، السنن الكبرى : 4 / 398 / 8117 كلّها عن أبى هريره ، حليه الأولياء : 3 / 350 عن جابر ، المعجم الكبير : 7 / 159 / 6689 عن السائب بن يزيد وفيه «نِعْمَ السحور التمر» ، كنز العمّال : 8 / 526 / 23981 ؛ طبّ النبىّ صلى الله عليه و آله : 7 ، بحار الأنوار : 62 / 296 .
4- .الأمالى للطوسى : 366 / 776 عن علىّ بن علىّ بن رزين عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق : 1 / 418 / 1417 ، بحار الأنوار : 96 / 310 / 3 .
5- .تهذيب الأحكام : 4 / 198 / 567 ، المحاسن : 2 / 290 / 1949 كلاهما عن حفص بن البخترى ، بحار الأنوار : 96 / 312 / 5 .

6- .تهذيب الأحكام : 4 / 198 / 569 ، الإقبال : 1 / 241 وفيه «الرطب» بدل «الزبيب» وليس فيه «ويتسحّر بهما» ، بحار الأنوار : 98 / 12 / 2 .

ب برترین سَحَری

امام صادق علیه السلام:برای بنده ، مستحب است که سحری خوردن را ترک نکند.

المقنعه:سحری خوردن در ماه رمضان ، مستحب است و فضیلتِ بسیار دارد؛ چون به روزه داری کمک می کند و در این کار ، مخالفت با یهود و اقتدا به پیامبر صلی الله علیه و آله است. از آل محمّد صلی الله علیه و آله روایت شده که فرموده اند: «سحری خوردن مستحب است ، هر چند که جرعه ای آب باشد».

ب برترین سَحَریپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خرما ، سحریِ خوبی برای مؤمن است.

امام علی علیه السلام:از بهترین سحری های روزه دار ، سَویق (1) و خرماست.

امام صادق علیه السلام:بهترین سحری های شما ، سویق و خرماست.

تهذیب الأحکام به نقل از جابر :شنیدم که امام باقر علیه السلاممی فرمود: «پیامبر خدا با دو چیز سیاه ، افطار می کرد» . گفتم : خدا رحمتت کند! دو سیاه کدام اند؟ فرمود : «خرما و آب ، و کشمش و آب ، و نیز با این دو ، سحری می خورد».

.

1- .آرد برشته شده گندم و جو.

المقنعه :رُوِىَ أنَّ أفضَلَهُ [أى السَّحورِ] التَّمرُ وَالسَّويقُ ؛ لِمَوضِعِ استِعمالِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ذلِکَ فى سَحورِهِ مِن بَينِ أصنافِ الطَّعامِ . (1)

ج قِراءَهُ سورَهِ القَدرِ عِندَ السَّحورِالإمام الصادق عليه السلام :ما مِن مُؤمِنٍ صامَ فَقَرَأ : «إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ» عِندَ سَحورِهِ وعِندَ إفطارِهِ ، إلاّ كانَ فيما بَينَهُما كَالمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فى سَبيلِ اللّهِ . (2)

1 / 3ما يَنبَغى لِلصّائِمِأ السِّواكرسول اللّه صلى الله عليه و آله :مِن خَيرِ خِصالِ الصّائِمِ السِّواکُ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا صُمتُم فَاستاکوا بِالغَداهِ ولا تَستاکوا بِالعَشِىِّ ، فَإِنَّهُ لَيسَ مِن صائِمٍ تَيبَسُ شَفَتاهُ بِالعَشِىِّ إلاّ كانَ نورا بَينَ عَينَيهِ يَومَ القِيامَهِ . (4)

ب الطّيبرسول اللّه صلى الله عليه و آله :تُحفَهُ الصّائِمِ الدُّهنُ وَالمِجمَرُ . (5)

.

1- .المقنعه : 316 .
2- .الإقبال : 1 / 185 عن أبى يحيى الصنعانى .
3- .سنن ابن ماجه : 1 / 536 / 1677 ، السنن الكبرى : 4 / 452 / 8326 ، المعجم الأوسط : 8 / 209 / 8420 وص 244 / 8526 ، الفردوس : 2 / 182 / 2920 كلّها عن عائشه ، كنز العمّال : 8 / 507 / 23861 .
4- .المعجم الكبير : 4 / 78 / 3696 ، الفردوس : 1 / 273 / 1064 كلاهما عن خبّاب ، سنن الدارقطنى : 2 / 204 / 7 ، السنن الكبرى : 4 / 455 / 8336 كلاهما عن يزيد بن بلال عن الإمام علىّ عليه السلام ، كنز العمّال : 8 / 506 / 23859 ؛ مكارم الأخلاق : 1 / 114 / 260 ، بحار الأنوار : 76 / 135 / 48 .
5- .سنن الترمذى : 3 / 164 / 801 ، المعجم الكبير : 3 / 89 / 2751 ، شُعب الإيمان : 3 / 421 / 3959 كلّها عن عمير بن مأمون عن الإمام الحسن عليه السلاموح 3958 عن أبى معاويه عن الإمام علىّ عليه السلام

عنه صلى الله عليه و آله ، كنز العمّال : 9 / 247 / 25868 ، كشف الغمّه : 2 / 243 عن الإمام الحسين عليه السلام .

ج خواندن سوره قدر ، هنگام خوردن سحری

1 / 3 آنچه برای روزه دار ، شایسته است

الف مسواک زدن

ب عطر زدن

المقنعه:روایت شده که بهترین سحری ها ، خرما و سویق است؛ چون پیامبر خدا در سحریِ خود ، در میان انواع غذاها ، از آنها استفاده می کرد.

ج خواندن سوره قدر ، هنگام خوردن سحریامام صادق علیه السلام:هیچ مؤمنی نیست که روزه بگیرد و هنگام سحری و افطارش سوره «إنّا أنزلناه» بخواند ، مگر آن که در فاصله بین آن دو (سحری و افطار) همچون کسی باشد که در راه خدا به خون خویش آغشته شده است.

1 / 3آنچه برای روزه دار ، شایسته استالف مسواک زدنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مسواک زدن ، از بهترین کارهای روزه دار است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چون روزه گرفتید ، صبح ، مسواک بزنید و شب ، مسواک نزنید؛ چون هیچ روزه داری نیست که شب ، لب هایش خشک شود ، مگر آن که روز قیامت ، نوری پیشاپیش او خواهد بود.

ب عطر زدنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هدیه روزه دار ، روغن و مِجمر (1) است.

.

1- .مِجمر: عود و غیر آن که بخور داده می شود. مقصود از روغن ، روغنی است که به بدن و مو می زنند .

الإمام الحسن عليه السلام :تُحفَةُ الصّائِمِ أن يُدَهِّنَ لِحيَتَهُ ويُجَمِّرَ ثَوبَهُ ، وتُحفَةُ المَرأةِ الصّائِمَةِ أن تُمَشِّطَ رَأسَها وتُجَمِّرَ ثَوبَها . (1)

الكافى عن الحسن بن راشد :كانَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام إذا صامَ تَطَيَّبَ بِالطّيبِ ، ويَقولُ : «الطّيبُ تُحفَةُ الصّائِمِ» . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن تَطَيَّبَ بِطيبٍ أوَّلَ النَّهارِ وهُوَ صائِمٌ لَم يَفقُد عَقلَهُ . (3)

ج الزّينَهالمعجم الكبير عن عبد اللّه بن مسعود :أوصانى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله أن أُصبِحَ يَومَ صَومى (4) دَهينا مُتَرَجِّلاً ، ولا تُصبِح يَومَ صَومِکَ عَبوسا . (5)

د القَيلولَهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أربَعٌ مَن فَعَلَهُنَّ قَوِىَ عَلى صِيامِهِ : أن يَكونَ أوَّلُ فِطرِهِ عَلى ماءٍ ... ولا يَدَعَ القائِلَةَ . (6)

الإمام الكاظم عليه السلام :قيلوا ؛ فَإِنَّ اللّهَ يُطعِمُ الصّائِمَ ويَسقيهِ فى مَنامِهِ . (7)

وانظر : ص 270 ، ح 322 .

.

1- .الخصال : 61 / 86 عن عمير بن مأمون ، بحار الأنوار : 96 / 289 / 2 .
2- .الكافى : 4 / 113 / 3 ، تهذيب الأحكام : 4 / 265 / 799 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 112 / 1872 ، الخصال : 62 / 86 ، بحار الأنوار : 47 / 54 / 89 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 86 / 1804 ، ثواب الأعمال : 77 / 1 عن يونس بن يعقوب ، الدعوات : 79 / 196 ، بحار الأنوار : 96 / 290 / 9 .
4- .فى كنز العمّال «أصبِح يومَ صومک» ، وهو الأنسب .
5- .المعجم الكبير : 10 / 84 / 10028 ، كنز العمّال : 15 / 869 / 43459 .

6- .الفردوس : 1 / 371 / 1496 ، كنز العمّال : 8 / 525 / 23971 نقلاً عن الحاكم فى تاريخه وكلاهما عن أنس .
7- .الكافى : 4 / 65 / 14 ، ثواب الأعمال : 75 / 5 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 120 / 121 كلّها عن الحسن بن صدقه ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 76 / 1782 وج1 / 503 / 1447 ، بحار الأنوار : 96 / 290 / 8 .

ج زینت کردن

د خواب نیم روز

امام حسن علیه السلام:هدیه مرد روزه دار ، آن است که محاسن خود را روغن بزند و جامه اش را معطّر سازد؛ و هدیه زن روزه دار ، آن است که مویش را شانه بزند و جامه اش را معطّر سازد.

الکافی به نقل از حسن بن راشد :امام صادق علیه السلام ، وقتی روزه می گرفت ، خود را با عطر خوش بو می ساخت و می فرمود: «بوی خوش ، هدیه روزه دار است».

امام صادق علیه السلام:هر کس که روزه دار است ، اگر اوّلِ روز عطر بزند ، عقلش را از دست نمی دهد.

ج زینت کردنالمعجم الکبیر به نقل از عبد اللّه بن مسعود :پیامبر خدا ، مرا سفارش کرد که روزی را که روزه می گیرم ، روغن زده و شانه زده باشم ، و این که: «در روز روزه داری ات ، عبوس نباش».

د خواب نیم روزپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار کار است که هر کس آنها را انجام دهد ، بر روزه داری ، نیرو می گیرد: آغاز افطارش با آب باشد... و خواب قیلوله (نیم روز) را ترک نکند.

امام کاظم علیه السلام:در نیم روز بخوابید؛ به درستی که خداوند ، روزه دار را در خوابش سیر و سیراب می کند.

ر . ک : ص 271 ، ح 322.

.

1 / 4ما لا يَنبَغى لِلصّائِمأ السَّفَرُ فى شَهرِ رَمَضانَ (1)الإمام علىّ عليه السلام :لَيسَ لِلعَبدِ أن يَخرُجَ فى سَفَرٍ إذا حَضَرَ شَهرُ رَمَضانَ ؛ لِقَولِ اللّهِ عز و جل : «فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» (2) . (3)

تفسير العيّاشى عن الصباح بن سيّابه :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : إنَّ ابنَ أبى يَعفورَ أمَرَنى أن أسألَكَ عَن مَسائِلَ . فَقالَ : «وما هِىَ؟» . قالَ : يَقولُ لَكَ : إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ وأنَا فى مَنزِلى أ لِىَ أن أسافِرَ؟ قالَ : «إنَّ اللّهَ يَقولُ : «فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» ، فَمَن دَخَلَ عَلَيهِ شَهرُ رَمَضانَ وهُوَ فى أهلِهِ فَلَيسَ لَهُ أن يُسافِرَ إلاّ لِحَجٍّ ، أو عُمرَةٍ ، أو فى طَلَبِ مالٍ يَخافُ تَلَفَهُ» (4) .

الإمام الصادق عليه السلام :إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ فَلِلّهِ فيهِ شَرطٌ ، قالَ اللّهُ تَعالى : « فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» ، فَلَيسَ لِلرَّجُلِ إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ أن يَخرُجَ إلاّ فى حَجٍّ ، أو عُمرَةٍ ، أو مالٍ يَخافُ تَلَفَهُ ، أو أخٍ يَخافُ هَلاكَهُ ، ولَيسَ لَهُ أن يَخرُجَ فى إتلافِ مالِ أخيهِ ، فَإذا مَضَت لَيلَةٌ ثَلاثٍ وعِشرينَ فَلْيَخرُج حَيثُ شاءَ . (5)

.

1- .من الواضح أنّ الحكم بكراهه السفر فى شهر رمضان منصرف إلى ما كان ناقضا لصومه من دون عذر أو غرض راجح على مصلحه الصوم فى نفس الشهر المبارک ، وعليه فيخرج من حكم الكراهه ما إذا كان السفر غير ناقض للصوم ، أو كان ناقضا ولكنّه عن عذرٍ لابدّ منه كما يظهر من النصوص الآتيه .
2- .البقره : 185 .
3- .الخصال : 614 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول : 104 ، بحار الأنوار : 96 / 322 / 3 .
4- .تفسير العيّاشى : 1 / 80 / 186 ، بحار الأنوار : 96 / 324 / 14 .
5- .تهذيب الأحكام : 4 / 216 / 626 عن علىّ بن أسباط عن رجل .

1 / 4 آنچه برای روزه دار ، سزاوار نیست

الف مسافرت در ماه رمضان

1 / 4آنچه برای روزه دار ، سزاوار نیستالف مسافرت در ماه رمضان
(1)امام علی علیه السلام:سزاوار نیست وقتی که ماه رمضان می رسد ، بنده به سفر برود ؛ چون خداوند فرموده است: « پس ، هر کس از شما این ماه را شاهد بود ، آن را روزه بگیرد» .

تفسیر العیّاشی به نقل از صباح بن سیّابه :به امام صادق علیه السلامگفتم: ابن ابی یعفور ، مرا فرمان داده تا از شما مسائلی را بپرسم. فرمود: «آنها چیستند؟» . [گفتم :] می گوید: اگر ماه رمضان وارد شد و من در خانه ام بودم ، آیا می توانم مسافرت کنم؟ فرمود: «خداوند می فرماید: « پس ، هر کس از شما این ماه را شاهد بود ، آن را روزه بگیرد» . پس ، هر کس که ماه رمضان بر او وارد شود و او در میان خانواده اش باشد ، نمی تواند مسافرت برود ، مگر برای حج یا عمره یا در طلب مالی که می ترسد تلف شود» . (2)

امام صادق علیه السلام:وقتی ماه رمضان وارد می شود ، خداوند در آن شرطی دارد. خداوند فرموده است: « پس ، هر کس از شما این ماه را شاهد بود ، آن را روزه بگیرد» . پس وقتی ماه رمضان وارد شد ، شخص نمی تواند بیرون رود ، مگر برای حج ، یا عمره ، یا مالی که بیم دارد تلف شود ، یا برادری که می ترسد هلاک گردد. نیز حق ندارد برای تلف کردن مال برادرش بیرون رود. پس چون شب بیست و سوم گذشت ، می تواند هر جا که خواست ، برود.

.

1- .روشن است که حکمِ «کراهت مسافرت در ماه رمضان» ، آن جاست که مسافر بدون عذر یا غرَضی راجح بر مصلحت روزه ماه مبارک ، روزه را بشکند. بنا بر این ، اگر سفر ، موجب نقض روزه اش نمی شود (مانند سفر کسانی که شغل آنها مسافرت است) ، یا اگر موجب نقض روزه اش می

شود ، ولی از روی عذر است (آن چنان که از مباحث بعد ، روشن می شود) ، مسافرتش کراهت ندارد .
2- .علاّمه سیّد محمّد حسین طباطبایی گوید: «این ، استفاده ای لطیف برای یک حکم مستحب است ، با تمسّک به اطلاق آیه» (ر . ک : المیزان : 2 / 27) .

الكافى عن الحلبىّ عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَدخُلُ شَهرُ رَمَضانَ وهُوَ مُقيمٌ لا يُريدُ بَراحا ، ثُمَّ يَبدو لَهُ بَعدَما يَدخُلُ شَهرُ رَمَضانَ أن يُسافِرَ؟ فَسَكَتَ ، فَسَأَلتُهُ غَيرَ مَرَّةٍ . فَقالَ : «يُقيمُ أفضَلُ ، إلاّ أن يَكونَ لَهُ حاجَةٌ لابُدَّ مِنَ الخُروجِ فيها ، أو يَتَخَوَّفَ عَلى مالِهِ» . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :لا تَخرُج فى رَمَضانَ إلاّ لِلحَجِّ ، أوِ العُمرَةِ ، أو مالٍ تَخافُ عَلَيهِ الفَوتَ ، أو لِزَرعٍ يَحينُ حَصادُهُ . (2)

الكافى عن أبى بصير :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الخُروجِ إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ؟ قالَ : «لا ، إلاّ فيما أُخبِرُكَ بِهِ : خُروجٌ إلى مَكَّةَ ، أو غَزوٌ فِى سَبيلِ اللّهِ ، أو مالٌ تَخافُ هَلاكَهُ ، أو أخٌ تُريدُ وَداعَهُ ، وإنَّهُ لَيسَ أخا مِنَ الأَبِ وَالأُمِّ» . (3)

تهذيب الأحكام عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، قالَ :قُلتُ لَهُ : جُعِلتُ فِداكَ! يَدخُلُ عَلَىَّ شَهرُ رَمَضانَ فَأَصومُ بَعضَهُ ، فَتَحضُرُنى نِيَّةُ زِيارَةِ قَبرِ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام ، فَأَزورُهُ وأُفطِرُ ذاهِبا وجائِيا ، أو أُقيمُ حَتّى أُفطِرَ وأزورَهُ بَعدَما أُفطِرُ بِيَومٍ أو يَومَينِ؟ فَقالَ : «أقِم حَتّى تُفطِرَ» . قُلتُ لَهُ : جُعِلتُ فِداكَ! فَهُوَ أفضَلُ؟ قالَ : نَعَم ، أما تَقرَأُ فى كِتابِ اللّهِ : «فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» ؟!» . (4)

.

1- .الكافى : 4 / 126 / 2 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 139 / 1969 .
2- .تهذيب الأحكام : 4 / 327 / 1017 عن الحسين بن المختار .
3- .الكافى : 4 / 126 / 1 ، تهذيب الأحكام : 4 / 327 / 1018 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 139 / 1968 .
4- .تهذيب الأحكام : 4 / 316 / 961 ، بحار الأنوار : 100 / 116 / 24 .

الکافی به نقل از حلبی :از امام صادق علیه السلام درباره مردی پرسیدم که ماه رمضان وارد می شود و او در شهر خود است و قصد سفر ندارد. آن گاه پس از ورود ماه رمضان ، تصمیم می گیرد که به مسافرت برود؟ امام علیه السلام ساکت ماند. چند بار پرسیدم. فرمود: «بهتر ، آن است که بماند ، مگر این که نیازی باشد و چاره ای جز سفر برای آن نباشد ، یا این که بر مال خویش بیمناک باشد» .

امام صادق علیه السلام:در رمضان جز برای حج یا عمره یا مالی که می ترسی از دست برود یا زراعتی که هنگام دروی آن رسیده است ، مسافرت نرو.

الکافی به نقل از ابو بصیر :از امام صادق علیه السلام درباره مسافرت ، وقتی که ماه رمضان وارد شده باشد ، پرسیدم. فرمود: «نه ، مگر در مواردی که می گویم: مسافرت به مکّه ، یا جهاد در راه خدا ، یا مالی که می ترسی نابود شود ، یا برادری که می خواهی با او خداحافظی کنی و او برادر پدر و مادری نیست».

تهذیب الأحکام به نقل از ابو بصیر :به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! ماه رمضان بر من وارد می شود و بخشی از آن را روزه می گیرم. آن گاه تصمیم می گیرم به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بروم. پس [آیا]او را زیارت کنم و روزه را در رفت و برگشت ، افطار کنم ، یا بمانم تا عید فطر را درک کنم و پس از آن که یکی دو روز از عید فطر گذشت ، زیارتش کنم؟ فرمود: «بمان تا عید فطر شود». به او گفتم: فدایت شوم! این ، بهتر است؟ فرمود: «آری؛ آیا در کتاب خدا نمی خوانی که: « پس ، هر کس از شما این ماه را شاهد بود ، آن را روزه بگیرد» ؟».

.

تهذيب الأحكام عن محمّد بن الفضل البغدادى :كَتَبتُ إلى أبى الحَسَنِ العَسكَرِىِّ عليه السلام : جُعِلتُ فِداکَ ! يَدخُلُ شَهرُ رَمَضانَ عَلَى الرَّجُلِ فَيَقَعُ بِقَلبِهِ زِيارَةُ الحُسَينِ عليه السلاموزِيارَةُ أبيکَ بِبَغدادَ ، فَيُقيمُ فى مَنزِلِهِ حَتّى يَخرُجَ عَنهُ شَهرُ رَمَضانَ ثُمَّ يَزورَهُم ، أو يَخرُجُ فى شَهرِ رَمَضانَ ويُفطِرُ؟ فَكَتَبَ عليه السلام : «لِشَهرِ رَمَضانَ مِنَ الفَضلِ وَالأَجرِ ما لَيسَ لِغَيرِهِ مِنَ الشُّهورِ ، فَإِذا دَخَلَ فَهُوَ المَأثورُ» . (1)

ب ما يُؤَدّى إلَى الضَّعفِالإمام علىّ عليه السلام :لا يَدخُلُ الصّائِمُ الحَمّامَ ، ولا يَحتَجِمُ . (2)

الكافى :عَن مُحمّدِ بنِ مسلمٍ عَن أبى جعفرٍ عليه السلام أ نَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَدخُلُ الحَمّامَ وهُوَ صائِمٌ ، فَقالَ : «لا بَأسَ ما لَم يَخشَ ضَعفا» . (3)

تهذيب الأحكام عن سعيد الأعرج :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الصّائِمِ يَحتَجِمُ؟ فَقالَ : «لا بَأسَ ، إلاّ أن يَتَخَوَّفَ عَلى نَفسِهِ الضَّعفَ» . (4)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ثَلاثٌ لا يُعَرِّض أحَدُكُم نَفسَهُ لَهُنَّ وهُوَ صائِمٌ : الحِجامَةُ ، وَالحَمّامُ ، وَالمَرأَةُ الحَسناءُ . (5)

.

1- .تهذيب الأحكام : 6 / 110 / 198 ، بحار الأنوار : 100 / 115 / 23 .
2- .جامع الأحاديث للقمّى : 157 عن ابن مريم ، بحار الأنوار : 89 / 355 وج 96 / 278 / 30 .
3- .الكافى : 4 / 109 / 3 ، تهذيب الأحكام : 4 / 261 / 779 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 113 / 1873 .
4- .تهذيب الأحكام : 4 / 260 / 774 ، الاستبصار : 2 / 90 / 287 .
5- .النوادر للراوندى : 229/467 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الجعفريّات: 62 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 39 / 115 عن أحمد بن عامر الطائى وأحمد بن عبد اللّه الهروى وداود بن سليمان الفرّاء ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : 233 / 132 كلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلام، بحار الأنوار : 96 / 277 / 27 ؛

الفردوس : 2 / 94 / 2500 عن أبى اَمامه وزاد فيه «والنظر إلى» بعد «الحمّام» .

ب آنچه به ضعف می انجامد

تهذیب الأحکام به نقل از محمّد بن فضل بغدادی :به امام عسکری علیه السلامنامه نوشتم که: فدایت شوم! ماه رمضان بر کسی وارد می شود. از دلش می گذرد که به زیارت امام حسین علیه السلام و زیارت پدرت در بغداد برود. آیا در خانه اش بماند تا پس از پایان یافتن ماه رمضان به زیارت آنان برود ، یا در ماه رمضان به مسافرت برود و روزه اش را افطار کند؟ امام علیه السلام چنین نوشت: «برای ماه رمضان ، فضیلت و پاداشی است که ماه های دیگر ندارند. پس وقتی وارد شد ، همان برگزیده می شود». (1)

ب آنچه به ضعف می انجامدامام علی علیه السلام:روزه دار ، وارد حمّام نشود و حجامت نکند.

الکافی به نقل از محمّد بن مسلم :از امام باقر علیه السلام درباره کسی پرسیدند که وارد حمّام می شود ، در حالی که روزه است. فرمود: «تا وقتی که بیم ضعف نداشته باشد ، بی اشکال است».

تهذیب الأحکام به نقل از سعید اَعرج :از امام صادق علیه السلام پرسیدم: روزه دار ، حجامت می کند؟ فرمود: «اشکالی ندارد ، مگر این که بر خویش بترسد که ضعیف شود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه چیز است که هر یک از شما روزه دار بود ، خود را در معرض آنها قرار ندهد: حجامت ، حمّام و زن زیبا .

.

1- .علاّمه مجلسی در ذیل این دو حدیث می گوید: «این دو روایت ، دلالت دارد که خوردن روزه به خاطر زیارت آنان ، مطلوب نیست ، در حالی که روایاتی در ترغیب به افطار برای آنچه کم فضیلت تر از آن است ، وارد شده است ، مثل : تشییع مؤمن یا استقبال از او. از سوی دیگر ، به زیارت امام حسین علیه السلام در شب های قدر و شب های دیگر این ماه ،

تشویق شده و این زیارت برای بیشتر مردم جز با افطار روزه ، عملی نیست و بعید نیست که بشود آن دو روایت را بر تقیّه حمل کرد و خدا داناتر است» (ر . ک : بحار الأنوار : 100 / 116) .

الإمام الصادق عليه السلام : لا بَأسَ بِأَن يَحتَجِمَ الصّائِمُ إلاّ فى رَمَضانَ ؛ فَإِنّى أكرَهُ أن يُغَرِّرَ بِنَفسِهِ إلاّ أن يَخافَ عَلى نَفسِهِ ، وإنّا إذا أرَدنَا الحِجامَةَ فى رَمَضانَ احتَجَمنا لَيلاً . (1)

ج ما يُمكِنُ أن يُؤَدِّىَ إلى نَقضِ الصَّومِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ كَرِهَ لى سِتَّ خِصالٍ ، ثُمَّ كَرِهتُهُنَّ لِلأَوصِياءِ مِن وُلدى وأتباعِهِم مِن بَعدى (2) : اَلرَّفَثُ فِى الصَّومِ . (3)

تهذيب الأحكام عن الأصبغ بن نباته :جاءَ رَجُلٌ إلى أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلامفَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، اُقَبِّلُ وأنَا صائِمٌ؟ فَقالَ لَهُ : «عِفَّ صَومَكَ ؛ فَإِنَّ بَدءَ القِتالِ اللِّطامُ» . (4)

الكافى :عَنِ الحَلَبِىِّ عَن أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام أنَّهُ سُئِلَ عَن رَجُلٍ يَمَسُّ مِنَ المَرأَةِ شَيئا ، أيُفسِدُ ذلِكَ صَومَهُ أو يَنقُضُهُ؟ فَقالَ : «إنَّ ذلِكَ يُكرَهُ لِلرَّجُلِ الشّابِّ مَخافَةَ أن يَسبِقَهُ المَنِىُّ» . (5)

.

1- .تهذيب الأحكام : 4 / 260 / 776 ، الاستبصار : 2 / 91 / 289 كلاهما عن عبد اللّه بن سنان ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 109 / 1863 وليس فيه صدره إلى «يخاف على نفسه» .
2- .فى كتاب من لا يحضره الفقيه : «أحدها الرفث ...» .
3- .الكافى : 4/89/11، تهذيب الأحكام: 4/195/559 كلاهما عن إسحاق بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 108 / 1856 وانظر الخصال : 327 / 19 والمحاسن : 1 / 73 / 31 والجعفريّات : 37 .
4- .تهذيب الأحكام : 4 / 272 / 822 ، الاستبصار : 2 / 82 / 252 ، علل الشرايع : 386 / 1 ، بحار الأنوار : 96 / 289 / 5 .
5- .الكافى : 4 / 104 / 1 .

ج آنچه ممکن است به شکستن روزه بینجامد

امام صادق علیه السلام:اشکالی ندارد که روزه داڑ حجامت کند ، مگر در [ماه] رمضان. همانا من خوش ندارم که او خود را به زیان افکند ، مگر آن که بر جان خویش بترسد [و برای درمان ، حجامت کند]. ما هر گاه در [ماه] رمضان بخواهیم حجامت کنیم ، شب ، حجامت می کنیم.

ج آنچه ممکن است به شکستن روزه بینجامدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، شش کار را برای من خوش نداشت. من هم آنها را برای اوصیای خود که فرزندانم هستند و پیروانشان پس از خویش ، خوش ندارم ، از جمله : آمیزش جنسی در هنگام روزه را.

تهذیب الأحکام به نقل از اصبغ بن نباته :مردی خدمت امیر مؤمنان علیه السلامآمد و گفت: ای امیر مؤمنان ! آیا در حال روزه می توانم ببوسم؟ به او فرمود: «روزه ات را پاک بدار؛ همانا آغاز جنگ ، با سیلی است !».

الکافی به نقل از حلبی :از امام صادق علیه السلام درباره مردی [روزه دار]پرسیدند که زن را اندکی لمس می کند: آیا این کار ، روزه اش را خراب می کند و یا می شکند؟ فرمود: «این کار برای مرد جوان ، مکروه است. بیمِ آن است که منی از او بیاید».

.

الكافى عن منصور بن حازم :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : ما تَقولُ فِى الصّائِمِ يُقَبِّلُ الجارِيَةَ وَالمَرأَةَ؟ فَقالَ : «أَمَّا الشَّيخُ الكَبيرُ مِثلى ومِثلُكَ فَلا بَأسَ ، وأَمَّا الشّابُّ الشَّبِقُ فَلا ؛ لِأَ نَّهُ لا يُؤمَنُ ، وَالقُبلَهُ إحدَى الشَّهوَتَينِ» . (1)

تهذيب الأحكام عن أبى بصير :سَأَلتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام عَن رَجُلٍ كَلَّمَ امرَأَتَهُ فى شَهرِ رَمَضانَ وهُوَ صائِمٌ ؟ فَقالَ : «لَيسَ عَلَيهِ شَىءٌ ... ولا يَنبَغى لَهُ أن يَتَعَرَّضَ لِرَمَضانَ» . (2)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا تَوَضَّأتَ فَأَبلِغِ الاِستِنشاقَ ما لَم تَكُ صائِما . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :أسبِغِ الوُضوءَ ... وبالِغ فِى الاِستِنشاقِ إلاّ أن تَكونَ صائِما . (4)

د رِوايَهُ الشِّعرِتهذيب الأحكام عن حمّاد بن عثمان :سَمِعتُ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام يَقولُ : «يُكرَهُ رِوايَهُ الشِّعرِ لِلصّائِمِ ولِلمُحرِمِ ، وفِى الحَرَمِ وفى يَومِ الجُمُعَهِ ، وأن يَروِىَ بِاللَّيلِ» . قُلتُ : وإن كانَ شِعرَ حَقٍّ؟ قالَ : «وإن كانَ شِعرَ حَقٍّ» . (5)

.

1- .الكافى : 4 / 104 / 3 .
2- .تهذيب الأحكام : 4 / 272 / 824 ، الاستبصار : 2 / 83 / 254 .
3- .مسند ابن حنبل : 5 / 518 / 16383 ، السنن الكبرى للنسائى : 2 / 198 / 3047 كلاهما عن لقيط بن صبره .
4- .سنن أبى داود : 1 / 36 / 142 ، سنن الترمذى : 3 / 155 / 788 ، سنن النسائى : 1 / 66 ، سنن ابن ماجه : 1 / 142 / 407 ، مسند ابن حنبل : 6 / 256 / 17863 ، المستدرک على الصحيحين : 1 / 249 / 525 ، السنن الكبرى : 1 / 123 / 359 كلّها عن لقيط بن صبره ، كنز العمّال : 9 / 305 / 26129 .
5- .تهذيب الأحكام : 4 / 195 / 558 ، مصباح المتهجّد : 627 .

د شعرخوانی

الکافی به نقل از منصور بن حازم :به امام صادق علیه السلام گفتم: درباره روزه داری که کنیز یا زنش را می بوسد ، چه می گویی؟ فرمود: «امّا پیرمردی مثل من و تو ، اشکالی ندارد؛ ولی جوانِ با شهوت جنسی ، نه؛ چون ایمن نیست ، و بوسه ، یکی از دو شهوت است».

تهذیب الأحکام به نقل از ابو بصیر :از امام صادق علیه السلام درباره مردی که در ماه رمضان و در حال روزه با زنش حرف می زند ، پرسیدم. فرمود: «عیبی ندارد... ؛ ولی سزاوار نیست که متعرّض رمضان شود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :وقتی وضو می گیری ، استنشاق (آب در بینی کردن) را کامل انجام بده ، [البتّه] وقتی که روزه نیستی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :وضو را کامل و پُر آب بگیر... و استنشاق را کامل انجام بده ، مگر آن که روزه باشی.

د شعرخوانیتهذیب الأحکام به نقل از حمّاد بن عثمان :شنیدم که امام صادق علیه السلاممی فرمود: «برای روزه دار و مُحرِم ، و در حَرَم و روز جمعه و در وقت شب ، شعر خواندن مکروه است». گفتم: هر چند شعر حق باشد؟ فرمود: «اگرچه شعر حق باشد».

.

الكافى عن حمّاد بن عثمان وغيره عن الإمام الصادق عليه السلام :«لا يُنشَدُ الشِّعرُ بِلَيلٍ ، ولا يُنشَدُ فى شَهرِ رَمَضانَ بِلَيلٍ ولا نَهارٍ» . فَقالَ لَهُ إسماعيلُ : يا أبَتاهُ ، فَإِنَّهُ فينا !؟ قالَ : «وإن كانَ فينا» . (1)

وانظر : ص 244 (أهمّ الآداب) .

1 / 5ما يَنبَغى عِندَ الإفطارِ أ التَّعجيلرسول اللّه صلى الله عليه و آله :لا يَزالُ النّاسُ بِخَيرٍ ما عَجَّلُوا الفِطرَ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لا تَزالُ اُمَّتى بِخَيرٍ ما عَجَّلُوا الإفطارَ وأخَّرُوا السَّحورَ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :عَجِّلُوا الإفطارَ وأخِّرُوا السَّحورَ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مِن فِقهِ الرَّجُلِ فى دينِهِ تَعجيلُ فِطرِهِ وتَأخيرُ سَحورِهِ . (5)

سنن النسائى عن أبى عطيّه :قُلتُ لِعائِشَهَ : فينا رَجُلانِ أحَدُهُما يُعَجِّلُ الإفطارَ ويُؤَخِّرُ السَّحورَ ، وَالآخَرُ يُؤَخِّرُ الفِطرَ ويُعَجِّلُ السَّحورَ . قالَت : أيُّهُمَا الَّذى يُعَجِّلُ الإفطارَ ويُؤَخِّرُ السَّحورَ؟ قُلتُ : عَبدُ اللّهِ بنُ مَسعودٍ ، قالَت : هكَذا كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَصنَعُ . (6)

.

1- .الكافى : 4 / 88 / 6 ، تهذيب الأحكام : 4 / 195 / 556 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 108 / 1859 .
2- .صحيح البخارى : 2 / 692 / 1856 ، صحيح مسلم : 2 / 771 / 48 ، سنن الترمذى : 3 / 82 / 699 ، سنن ابن ماجه : 1 / 541 / 1697 وفيه «الإفطار» بدل «الفطر» ، سنن الدارمى : 1 / 432 / 1651 ، مسند ابن حنبل : 8 / 426 / 22868 وص 435 / 22909 كلّها عن سهل بن سعد ، كنز العمّال : 8 / 511 / 23886 .
3- .مسند ابن حنبل : 8 / 71 / 21370 عن أبى ذرّ ، اُسد الغابه : 1 / 585 / 838 ، الإصابه : 2 / 161 / 2032 كلاهما عن حاتم بن عدى أو عدى بن حاتم الحمصى ، كنز العمّال : 8 / 510 / 23885 .

4- .المعجم الكبير : 25 / 163 / 395 ، اَسد الغابه : 7 / 310 / 7426 كلاهما عن اُمّ حكيم بنت وداع ، الفردوس : 2 / 10 / 2084 ، سلسله الأحاديث الصحيحه : 4 / 375 / 1773 كلاهما عن أنس وفيهما «بكّروا» بدل «عجّلوا» ، كنز العمّال : 8 / 510 / 23879 .
5- .تاريخ دمشق : 52 / 138 / 10956 عن أنس ، كنز العمّال : 8 / 511 / 23890 .
6- .سنن النسائى : 4 / 144 ، صحيح مسلم : 2 / 771 / 49 و50 ، سنن أبى داود : 2 / 305 / 2354 ، سنن الترمذى : 3 / 83 / 702 ، مسند ابن حنبل : 9 / 529 / 25454 ، السنن الكبرى : 4 / 399 / 8121 كلّها نحوه .

1 / 5 آنچه هنگام افطار، سزاوار است

الف عجله

الکافی به نقل از حمّاد بن عثمان و دیگران ، از امام صادق علیه السلام :«در شب ، شعر خوانده نشود و نیز در ماه رمضان ، چه شب و چه روز». اسماعیل به او گفت: پدر! اگرچه درباره ما خاندان باشد؟ فرمود: «اگرچه درباره ما باشد».

ر . ک : ص 245 (مهم ترین آداب) .

1 / 5آنچه هنگام افطار، سزاوار استالف عجلهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مردم ، تا وقتی که زود افطار می کنند ، در نیکی اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امّت من ، تا وقتی که زود افطاری بخورند و سحری را به تأخیر اندازند ، در نیکی اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :افطاری را زود بخورید و سحری را به تأخیر اندازید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از دین شناسی مرد ، زود افطاری خوردن و تأخیر در سحری خوردن است.

سنن النسائی به نقل از ابو عطیّه :به عایشه گفتم : میان ما ، دو نفرند : یکی زود افطار می کند و دیر سحری می خورد ، و دیگری افطار را به تأخیر می اندازد و سحری را زود می خورد. گفت : کدام یک افطاری را زود می خورد و سحری را تأخیر می اندازد؟ گفتم : عبد اللّه بن مسعود. گفت : پیامبر خدا نیز چنین می کرد.

.

دعائم الإسلام :رُوِّينا عَن عَلِيٍّ علیه السلام أ نَّهُ قالَ : «السُّنَّهُ تَعجيلُ الفِطرِ ، وتَأخيرُ السَّحورِ ، وَالاِبتِداءُ بِالصَّلاهِ يَعنى صَلاهَ المَغرِبِ قَبلَ الفِطرِ إلاّ أن يَحضُرَ الطَّعامُ ، فَإن حَضَرَ بُدِئَ بِهِ ثُمَّ صَلّى ، ولَم يَدَعِ الطَّعامَ ويَقومُ إلَى الصَّلاهِ» . وذَكَرَ علیه السلام أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله علیه و آله اُتِىَ بِكَتِفِ جَزورٍ مَشوِيَّهٍ وقَد أذَّنَ بِلالٌ ، فَأمَرَهُ فَكَفَّ هُنَيهَهً حَتّى أكَلَ وأكَلنا مَعَهُ ، ثُمَّ عادَ بِلَبَنٍ فَشَرِبَ وشَرِبنا ، ثُمَّ أمَرَ بِلالاً فَأقامَ وصَلّى وصَلَّينا مَعَهُ . (1)

ب تَقديمُ الصَّلاهِتهذيب الأحكام عن زراره وفضيل عن الإمام الباقر علیه السلام :«فى رَمَضانَ تُصَلّى ثُمَّ تُفطِرُ ، إلاّ أن تَكونَ مَعَ قَومٍ يَنتَظِرونَ الإفطارَ ، فَإن كُنتَ مَعَهُم فَلا تُخالِف عَلَيهِم وأفطِر ثُمَّ صَلِّ ، وإلاّ فَابدَأ بِالصَّلاهِ» . قُلتُ : ولِمَ ذلِكَ؟ قالَ : «لِأَ نَّهُ قَد حَضَرَكَ فَرضانِ : الإفطارُ وَالصَّلاهُ ، فَابدَأ بِأفضَلِهِما ، وأفضَلُهُمَا الصَّلاهُ» . ثُمَّ قالَ : «تُصَلّى وأنتَ صائِمٌ فَتُكتَبُ صَلاتُكَ تِلكَ فَتُختَمُ بِالصَّومِ ، أحَبُّ إلَىَّ» . (2)

.

1- .دعائم الإسلام : 1 / 280 .
2- .تهذيب الأحكام : 4 / 198 / 570 ، مصباح المتهجّد : 626 .

ب جلو انداختن نماز

دعائم الإسلام:از علی علیه السلام برای ما روایت شده که فرمود: «زود افطاری خوردن و دیر سحری خوردن ، مستحب است و ابتدا به نماز (یعنی نماز مغرب) نمودن قبل از افطار ، مستحب است ، مگر آن که غذا حاضر باشد . پس اگر حاضر بود ، ابتدا غذا خورده می شود و سپس نماز خوانده می شود. خوب نیست که غذا را بگذارد و به نماز بایستد». و امام علی علیه السلام یاد کرد که کتف بریان شده شتری را نزد پیامبر خدا آوردند ، در حالی که بلال، اذان گفته بود. دستور داد که بلال [در گفتن اقامه] اندکی درنگ کند ، تا آن که ایشان خورد و ما هم خوردیم. سپس اندکی شیر خورد و ما هم خوردیم. سپس دستور داد بلال اقامه بگوید. آن گاه نماز خواند و ما نیز با ایشان نماز خواندیم.

ب جلو انداختن نمازتهذیب الأحکام به نقل از زراره و فضیل ، از امام صادق علیه السلام :«در [ماه]رمضان نماز می خوانی و سپس افطار می کنی ، مگر آن که با گروهی باشی که منتظر افطارند. اگر با آنان بودی ، بر خلاف آنان عمل نکن؛ افطار کن و سپس نماز بخوان ، وگرنه اوّل ، نماز بخوان». گفتم: برای چه؟ فرمود: «برای آن که دو واجب برایت پیش آمده است: افطار و نماز. اوّل به آن بپرداز که برتر است و نماز ، برترینِ آن دو است» . سپس فرمود: «نماز می خوانی ، در حالی که روزه ای. پس ، آن نمازت با روزه به پایان برده می شود . این پیش من ، محبوب تر است» .

.

الإمام الباقر عليه السلام :تُقَدِّمُ الصَّلاةَ عَلَى الإفطارِ ، إلاّ أن تَكونَ مَعَ قَومٍ يَبتَدِئونَ بِالإفطارِ فَلا تُخالِف عَلَيهِم وأفطِر مَعَهُم ، وإلاّ فَابدَأ بِالصَّلاهِ ؛ فَإِنَّها أفضَلُ مِنَ الإِفطارِ ، وتُكتَبُ صَلاتُكَ وأنتَ صائِمٌ أحَبُّ إلَيَّ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :يُستَحَبُّ لِلصّائِمِ إن قَوِيَ عَلى ذلِكَ أن يُصَلِّيَ قَبلَ أن يُفطِرَ . (2)

عنه عليه السلام لَمّا سُئِلَ عَنِ الإفطارِ :قَبلَ الصَّلاهِ أو بَعدَها؟ : إن كانَ مَعَهُ قَومٌ يَخشى أن يَحبِسَهُم عَن عَشائِهِم فَليُفطِر مَعَهُم ، وإن كانَ غَيرَ ذلِكَ فَليُصَلِّ وَليُفطِر . (3)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبى الضحّاک فى وَصفِ صَومِ الإمامِ الرِّضا عليهِ السلام :كانَ إذا أقامَ فى بَلدَهٍ عَشَرَهَ أيّامٍ صائِما لا يُفطِرُ ، فَإِذا جَنَّ اللَّيلُ بَدَأَ بِالصَّلاهِ قَبلَ الإفطارِ . (4)

المقنعه :وقَد رُوِيَ أيضا فى ذلِكَ أنَّكَ إذا كُنتَ تَتَمَكَّنُ مِنَ الصَّلاهِ وتَعقِلُها وتَأتى بِها عَلى حُدودِها قَبلَ أن تُفطِرَ ، فَالأَفضَلُ أن تُصَلِّيَ قَبلَ الإفطارِ ، وإن كُنتَ مِمَّن تُنازِعُكَ نَفسُكَ الإفطارَ وتَشغَلُكَ شَهوَتُكَ عَنِ الصَّلاهِ فَابدَأ بِالإفطارِ ؛ لِيُذهِبَ عَنكَ وَسواسَ النَّفسِ اللَّوّامَهِ ، غَيرَ أنَّ ذلِكَ مَشروطٌ بِأَنَّهُ لا يَشتَغِلُ بِالإِفطارِ قَبلَ الصَّلاهِ إلى أن يَخرُجَ وَقتُ الصَّلاهِ . (5)

.

1- .المقنعه : 318 عن الفضيل بن يسار وزراره بن أعين .
2- .تهذيب الأحكام : 4 / 199 / 575 عن عبد اللّه بن بكير عن بعض أصحابنا ، الإقبال : 1 / 237 عن علىّ بن فضّال ، بحار الأنوار : 98 / 8 / 2 .
3- .الكافى : 4 / 101 / 3 ، تهذيب الأحكام : 4 / 186 / 517 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 129 / 1933 كلّها عن الحلبىّ .
4- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 182 / 5 ، بحار الأنوار : 96 / 314 / 12 وج 49 / 94 / 7 .
5- .المقنعه : 318 .

امام باقر علیه السلام:نماز را بر افطار مقدّم می داری ، مگر آن که با گروهی باشی که اوّل ، افطار می کنند. پس با آنان مخالفت نکن و با ایشان افطار کن ، وگرنه اوّل ، نماز بخوان؛ چرا که بهتر از افطار است و نمازت با حالت روزه نوشته می شود و این نزد من ، محبوب تر است.

امام صادق علیه السلام:برای روزه دار ، مستحب است که اگر توان داشته باشد ، پیش از افطار ، نماز بخواند.

امام صادق علیه السلام هنگامی که از ایشان پرسیدند:«افطار ، قبل از نماز است یا پس از آن؟» : اگر همراه او گروهی هستند که می ترسد آنان را از غذایشان باز دارد ، پس با آنان افطار کند . در غیر این حال ، نماز بخواند و افطار کند.

عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از رجاء بن ابی ضحّاک ، در توصیف روزه امام رضا علیه السلام :هر گاه در شهری دَه روز می ماند ، روزه بود و افطار نمی کرد. پس چون شب فرا می رسید ، اوّل پیش از افطار ، نماز می خواند.

المقنعه:نیز در این مورد ، روایت شده که: هر گاه می توانستی نماز را آگاهانه و با همه حدود و آدابش ، پیش از آن که افطار کنی ، بخوانی ، بهتر آن است که قبل از افطار کردن ، نماز بخوانی؛ و اگر از کسانی بودی که دلت پیش افطار کردن بود و میل تو ، تو را از نماز مشغول می کرد ، اوّل ، افطار کن تا وسوسه نفْسِ ملامتگر از تو برهد ، جز این که شرط است که پرداختن به افطار پیش از نماز ، سبب نشود که وقت نماز بگذرد.

.

ج الصَّدَقَهالإمام الرضا عليه السلام :مَن تَصَدَّقَ وَقتَ إفطارِهِ عَلى مِسكينٍ بِرَغيفٍ ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذَنبَهُ ، وكَتَبَ لَهُ ثَوابَ عِتقِ رَقَبَهٍ مِن وُلدِ إسماعيلَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليهماالسلام إذا كانَ اليَومُ الَّذى يَصومُ فيهِ أمَرَ بِشاهٍ فَتُذبَحُ وتُقطَعُ أعضاءً وتُطبَخُ ، فَإذا كانَ عِندَ المَساءِ أكَبَّ عَلَى القُدورِ حَتّى يَجِدَ ريحَ المَرَقِ وهُوَ صائِمٌ ، ثُمَّ يَقولُ : «هاتُوا القِصاعَ ، اِغرِفوا لِاِلِ فُلانٍ وَاغرِفوا لِاِلِ فُلانٍ» ، ثُمَّ يُؤتى بِخُبزٍ وتَمرٍ فَيَكونُ ذلِكَ عَشاءَهُ ، صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وعَلى آبائِهِ . (2)

وانظر : ص 324 (ما يؤكّد استحبابه من الأعمال / كثره الإنفاق) .

د قِراءَهُ سورَهِ القَدرِالإمام زين العابدين عليه السلام :مَن قَرَأَ «إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ» عِندَ فُطورِهِ وعِندَ سَحورِهِ ، كانَ فيما بَينَهُما كَالمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فى سَبيلِ اللّهِ تَعالى . (3)

ه الدُّعاءرسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ لِلصّائِمِ عِندَ فِطرِهِ لَدَعوَهً ما تُرَدُّ . (4)

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : 96 / 80 وص 106 / 97 كلاهما عن الحسن بن على بن فضّال ، بحار الأنوار : 96 / 318 / 10 .
2- .الكافى : 4 / 68 / 3 ، المحاسن : 2 / 158 / 1432 وزاد فيه «حتّى يأتى على آخر القدور» قبل «ثمّ يؤتى بخبز» وكلاهما عن حمزه بن حمران ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 134 / 1955 ، مكارم الأخلاق : 1 / 297 / 930 ، المناقب لابن شهرآشوب : 4 / 155 ، بحار الأنوار : 96 / 317 / 6 وج 46 / 71 / 53 .
3- .الإقبال : 1 / 240 .
4- .سنن ابن ماجه : 1 / 557 / 1753 ، المستدرک على الصحيحين : 1 / 583 / 1535 ، الدعاء للطبرانى : 286 / 919 ، عمل اليوم والليله لابن السنى : 169 / 481 كلّها عن عبد اللّه بن عمرو ، مسند الطيالسى : 299 / 2262 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه وفيه «دعوه مستجابه» بدل

«لدعوه ما تردّ» ، كنز العمّال : 8 / 447 / 23585 ؛ الدعوات : 27 / 46 عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : 96 / 255 / 33 .

ص: 295

ج صدقه

د خواندن سوره قدر

ه دعا

ج صدقهامام رضا علیه السلام:هر کس پیش از افطار کردنش گِرده ای نان به بینوایی صدقه دهد ، خداوندْ گناهش را می آمرزد و برای او ثواب آزاد کردن بنده ای از فرزندان اسماعیل را می نویسد.

امام صادق علیه السلام:امام سجّاد علیه السلام هر روز که روزه می گرفت ، دستور می داد که گوسفندی ذبح شود و قطعه قطعه و پخته گردد. عصر که می شد ، بر روی دیگ ها خم می شد تا بوی آب گوشت را در حال روزه احساس کند. سپس می فرمود: «ظرف ها را بیاورید. برای فلان خانواده بریزید. برای فلان خانواده بریزید...». سپس نان و خرمای خشک می آوردند و غذایش همان بود. درود خدا بر او و پدرانش باد!

ر . ک : ص 325 (کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است / بسیار انفاق کردن) .

د خواندن سوره قدرامام سجّاد علیه السلام:هر کس هنگام افطاری و سحری خوردن ، سوره «إنّا أنزلناه» بخواند ، میان آن دو [وقت ،] همچون کسی خواهد بود که در راه خدا به خون خویش آغشته است.

ه دعاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برای روزه دار ، هنگام افطارش ، یک دعای مستجاب است.

.

عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ لِكُلِّ صائِمٍ دَعوَةً ، فَإِذا هُوَ أرادَ أن يُفطِرَ فَليَقُل عِندَ أوَّلِ لُقمَةٍ : يا واسِعَ المَغفِرَةِ اغفِر لى . (1)

عنه صلى الله عليه و آله :دَعوَةُ الصّائِمِ تُستَجابُ عِندَ إفطارِهِ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :لِكُلِّ عَبدٍ صائِمٍ دَعوَةٌ مُستَجابَةٌ عِندَ إفطارِهِ ، أُعطِيَها فِى الدُّنيا أو ذُخِرَ لَهُ فِى الآخِرَةِ . (3)

عنه صلى الله عليه و آله :ثَلاثَةٌ لا تُرَدُّ دَعوَتُهُم : الصّائِمُ حَتّى يُفطِرَ ، وَالإِمامُ العادِلُ ، ودَعوَةُ المَظلومِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :أربَعَةٌ لا تُرَدُّ لَهُم دَعوَةٌ حَتّى تُفتَحَ لَهُم أبوابُ السَّماءِ وتَصيرَ إلَى العَرشِ : ... وَالصّائِمُ حَتّى يُفطِرَ . (5)

و الدُّعاءُ بِالمَأثورِ قَبلَ الإفطارِسنن أبى داود :عَن مُعاذِ بنِ زُهرَةَ أ نَّهُ بَلَغَهُ أنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ إذا أفطَرَ قالَ : اللّهُمَّ لَکَ صُمتُ وعَلى رِزقِکَ أفطَرتُ . (6)

.

1- .الزهد لابن المبارک : 494 / 1409 ، مسند الشهاب : 2 / 128 / 1031 كلاهما عن الحارث بن عبيد ، الدعوات : 26 / 44 عن أبى الحسن عليه السلام وفيه صدره فقط .
2- .مكارم الأخلاق : 1 / 69 / 84 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، المقنعه : 320 ، الدعوات : 26 / 43 عن أبى الحسن عليه السلام ، بحار الأنوار : 96 / 255 / 33 وص 315 / 17 .
3- .نوادر الأُصول : 1 / 190 عن ابن عمر ، كنز العمّال : 8 / 451 / 23613 .
4- .سنن الترمذى : 5 / 578 / 3598 و ج 4 / 672 / 2526 وفيه «حين يفطر» بدل «حتّى يفطر» ، سنن ابن ماجه : 1 / 557 / 1752 ، مسند ابن حنبل : 3 / 171 / 8049 وص 452 / 9749 ، صحيح ابن حبّان : 8/215/3428 و ج 16 / 396 / 7387 ، السنن الكبرى : 3 / 481 / 6393 كلّها عن أبى هريره .

5- .الكافى : 2/510/6 عن عبد اللّه بن طلحه عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لايحضره الفقيه : 2/226/2255 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 86 / 64 ، الأمالى للصدوق : 337 / 394 كلاهما عن عبدا للّه بن طلحه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله .
6- .سنن أبى داود : 2 / 306 / 2358 ، السنن الكبرى : 4 / 403 / 8134 ، الزهد لابن المبارک : 495 / 1410 و 1411 ، المصنّف لابن أبى شيبه : 2 / 511 / 1 عن أبى هريره وفيهما «كان رسول اللّه صلى الله عليه و آله إذا صام ثمّ أفطر قال ...» ، كنز العمّال : 7 / 81 / 18056 ؛ مكارم الأخلاق : 1 / 300 / 947 .

و خواندن دعای روایت شده پیش از افطار

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر روزه داری ، یک دعا[ی مستجاب] دارد. پس هر گاه خواست افطار کند ، هنگام اوّلین لقمه بگوید: «ای آن که آمرزشت گسترده است! مرا بیامرز!».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعای روزه دار ، هنگام افطارش ، مستجاب می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر بنده روزه داری ، هنگام افطارش ، یک دعای مستجاب دارد ، که آن ، یا در دنیا به او داده می شود و یا برای آخرتش ذخیره می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سه نفرند که دعایشان رد نمی شود: روزه دار ، تا آن که افطار کند ؛ پیشوای دادگر؛ و نفرین ستم دیده.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار نفرند که دعایی از آنان رد نمی شود ، تا آن که درهای آسمان برای آنان گشوده شود و دعایشان به عرش برسد: ... و روزه دار ، تا آن که افطار کند.

و خواندن دعای روایت شده پیش از افطارسنن أبی داوود به نقل از معاذ بن زهره :به من چنین رسیده که پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه افطار می کرد ، می گفت: «خدایا! برای تو روزه گرفتم و بر روزیِ تو افطار کردم».

.

الدعاء للطبرانی عن أنس : إنَّ النَّبیَّ صلی الله علیه و آله کانَ إذا أفطَرَ قالَ : بِاسمِ اللّهِ ، اللّهُمَّ لَکَ صُمتُ وعَلی رِزقِکَ أفطَرتُ ، تَقَبَّل مِنّی إنَّکَ أنتَ السَّمیعُ العَلیمُ . (1)

عمل الیوم واللیله عن ابن عبّاس :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا أفطَرَ یَقولُ : اللّهُمَّ لَکَ صُمنا وعَلی رِزقِکَ أفطَرنا ، فَتَقَبَّل مِنّا إنَّکَ أنتَ السَّمیعُ العَلیمُ . (2)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إذا قُرِّبَ إلی أحَدِکُم طَعامٌ وهُوَ صائِمٌ فَلیَقُل : بِاسمِ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ ، اللّهُمَّ لَکَ صُمتُ وعَلی رِزقِکَ أفطَرتُ وعَلَیکَ تَوَکَّلتُ ، سُبحانَکَ وبِحَمدِکَ ، تَقَبَّل مِنّی إنَّکَ أنتَ السَّمیعُ العَلیمُ . (3)

عمل الیوم واللیله عن معاذ :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا أفطَرَ قالَ : الحَمدُ للّهِ الَّذی أعانَنی فَصُمتُ ، ورَزَقَنی فَأفطَرتُ . (4)

رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ لِلصّائِمِ عِندَ فِطرِهِ دَعوَةً : اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ بِرَحمَتِکَ الَّتی وَسِعَت کُلَّ شَیءٍ أن تَغفِرَ لی ذُنوبی . (5)

.

1- .الدعاء للطبرانی : 286 / 918 ، المعجم الصغیر : 2 / 52 ، المعجم الأوسط : 7 / 298 / 7549 ولیس فیهما من «تقبّل ...» ، کنز العمّال : 7 / 81 / 18057 .
2- .عمل الیوم واللیله لابن السنی : 169 / 480 ، المعجم الکبیر : 12 / 114 / 12720 والضمائر فیه للمفرد .
3- .کنز العمّال : 8 / 509 / 23873 نقلاً عن الدار قطنی فی الإفراد عن أنس .
4- .عمل الیوم واللیله لابن السنی : 169 / 479 ، تاریخ بغداد : 12 / 75 / 6482 ، الأذکار : 172 ، کنز العمّال : 7 / 81 / 18058 .
5- .المستدرک علی الصحیحین : 1 / 583 / 1535 ، سنن ابن ماجه : 1 / 557 / 1753 ، عمل الیوم واللیله لابن السنی : 169 / 481 وزادا فیهما «ما تردّ» بعد «دعوه» ولیس فیهما «ذنوبی» وکلّها عن عبد اللّه بن عمرو وفی الأخیر من دون إسناد إلیه صلی الله علیه و آله ، مستدرک الوسائل :

7 / 361 / 8417 نقلاً عن درر اللآلى وفيه «إنّ للصائم عند فطره دعوه لا تردّ ، فيقول إذا أفطر : ...» .

الدعاء طبرانی به نقل از انس :پیامبر صلی الله علیه و آله ، هر گاه افطار می کرد ، می گفت: «به نام خدا. خدایا ! برای تو روزه گرفتم و بر روزیِ تو افطار کردم. از من بپذیر ! همانا تو شنوای دانایی».

عمل الیوم و اللیله به نقل از ابن عبّاس :پیامبر خدا ، هر گاه افطار می کرد ، می گفت : «خدایا ! برای تو روزه گرفتیم و بر روزیِ تو افطار کردیم. پس از ما بپذیر ! همانا تو شنوای دانایی».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه نزدیک یکی از شما که روزه است ، غذایی آوردند ، بگوید: «به نام خدا ، و حمد از آنِ خداست. خداوندا ! برای تو روزه گرفتم و بر روزیِ تو افطار کردم و بر تو توکّل نمودم. تو منزّهی و تو را می ستایم. از من بپذیر ! همانا تو شنوای دانایی».

عمل الیوم و اللیله به نقل از معاذ :پیامبر خدا ، هر وقت افطار می کرد ، می گفت : «سپاس ، خدایی را که مرا یاری کرد تا روزه گرفتم و روزی ام داد تا افطار کردم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :روزه دار را هنگام افطارش ، دعایی چنین است: «پروردگارا ! تو را به آن رحمتت که هر چیز را فرا گرفته است ، می خوانم که گناهانم را بیامرزی».

.

عنه صلى الله عليه و آله :ما مِن عَبدٍ يَصومُ فَيَقولُ عِندَ إفطارِهِ : «يا عَظيمُ يا عَظيمُ ؛ أنتَ إلهى لا إلهَ لى غَيرُكَ ، اِغفِر لِيَ الذَّنبَ العَظيمَ ؛ إنَّهُ لا يَغفِرُ الذَّنبَ العَظيمَ إلاَّ العَظيمُ» إلاّ خَرَجَ مِن ذُنوبِهِ كَيَومَ وَلَدَتهُ اُمُّهُ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قالَ لِأَميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام : «يا أبَا الحَسَنِ ، هذا شَهرُ رَمَضانَ قَد أقبَلَ ، فَاجعَل دُعاءَكَ قَبلَ فُطورِكَ ؛ فَإنَّ جَبرَئيلَ عليه السلامجاءَنى فَقالَ : يا مُحَمَّدُ ، مَن دَعا بِهذَا الدُّعاءِ فى شَهرِ رَمَضانَ قَبلَ أن يُفطِرَ استَجابَ اللّهُ تَعالى دُعاءَهُ ، وقَبِلَ صَومَهُ وصَلاتَهُ ، وَاستَجابَ لَهُ عَشرَ دَعَواتٍ ، وغَفَرَ لَهُ ذَنبَهُ ، وفَرَّجَ هَمَّهُ ، ونَفَّسَ كُربَتَهُ ، وقَضى حَوائِجَهُ ، وأنجَحَ طَلِبَتَهُ ، ورَفَعَ عَمَلَهُ مَعَ أعمالِ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقينَ ، وجاءَ يَومَ القِيامَهِ ووَجهُهُ أضوَأُ مِنَ القَمَرِ لَيلَةَ البَدرِ . فَقُلتُ : ما هُوَ يا جَبرَئيلُ؟ فَقالَ : قُل : اللّهُمَّ رَبَّ النّورِ العَظيمِ ، ورَبَّ الكُرسِيِّ الرَّفيعِ (2) ، ورَبَّ البَحرِ المَسجورِ (3) ، ورَبَّ الشَّفعِ الكَبيرِ ، وَالنّورِ العَزيزِ ، ورَبَ التَّوراهِ وَالإنجيلِ وَالزَّبورِ وَالفُرقانِ العَظيمِ . أنتَ إلهُ مَن فِى السَّماواتِ وإلهُ مَن فِى الأَرضِ لا إلهَ فيهما غَيرُكَ ، وأنتَ جَبّارُ مَن فِى السَّماواتِ وجَبّارُ مَن فِى الأَرضِ لا جَبّارَ فيهما غَيرُكَ ، أنتَ مَلِكُ مَن فِى السَّماواتِ ومَلِكُ مَن فِى الأَرضِ لا مَلِكَ فيهما غَيرُكَ ، أسأَلُكَ باسمِكَ الكَبيرِ ونورِ وَجهِكَ المُنيرِ وبِمُلكِكَ القَديمِ . يا حَيُّ يا قَيّومُ ، يا حَيُّ يا قَيّومُ ، يا حَيُّ يا قَيّومُ ، أسأَلُكَ بِاسمِكَ الَّذى أشرَقَ بِهِ كُلُّ شَىءٍ ، وباسمِك ، الَّذى أشرَقَت بِهِ السَّماواتُ وَالأَرضُ ، وباسمِكَ الَّذى صَلَحَ بِهِ الأَوَّلونَ وبِهِ يَصلُحُ الآخِرونَ . يا حَيّا قَبلَ كُلِّ حَيٍّ ، ويا حَيّا بَعدَ كُلِّ حَيٍّ ، ويا حَيُّ لا إلهَ إلاّ أنتَ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر لى ذُنوبى ، وَاجعَل لى مِن أمرى يُسرا وفَرَجا قَريبا ، وثَبِّتنى عَلى دينِ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وعَلى هُدى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وعَلى سُنَّهِ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، عَلَيهِ وعَلَيهِمُ السَّلامُ . وَاجعَل عَمَلى فِى المَرفوعِ المُتَقَبَّلِ ، وهَب لى كَما وَهَبتَ لِأَولِيائِكَ وأهلِ طاعَتِكَ ؛ فَإنّى مُؤمِنٌ بِكَ ومُتَوَكِّلٌ عَلَيكَ ، مُنيبٌ إلَيكَ مَعَ مَصيرى إلَيكَ ، وتَجمَعُ لى ولِأَهلى ولِوَلَدِىَ الخَيرَ كُلَّهُ ، وتَصرِفُ عَنّى وعَن وَلَدى وأهلِىَ الشَّرَّ كُلَّهُ . أنتَ الحَنّانُ المَنّانُ ، بَديعُ السَّماواتِ وَالأَرضِ ، تُعطِى الخَيرَ مَن تَشاءُ وتَصرِفُهُ عَمَّن تَشاءُ ، فَامنُن عَلَىَّ بِرَحمَتِكَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ» . (4)

.

1- .الإقبال : 1 / 240 ، البلد الأمين : 231 ، المصباح للكفعمى : 832 ، بحار الأنوار : 98 / 11 / 2 ؛ تاريخ دمشق : 54 / 238 / 11479 عن أنس ، كنز العمّال : 8 / 614 / 24400 .
2- .الرفيع : الشريف (مجمع البحرين : 2 / 719) .
3- .المسجور : أى المملوء (مجمع البحرين : 2 / 820) .
4- .الإقبال : 1 / 239 عن المفضّل بن عمر ، البلد الأمين : 231 ، المصباح للكفعمى : 832 ، بحار الأنوار : 98 / 10 / 2 وانظر مصباح المتهجّد : 263 / 374 ، جمال الأُسبوع : 87 وص126 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست که روزه بگیرد و هنگام افطارش بگوید: «ای بزرگ ، ای بزرگ! تو معبود منی. هیچ معبودی جز تو نیست. گناه بزرگ مرا بیامرز! همانا گناه بزرگ را جز بزرگ نمی آمرزد» ، مگر آن که از گناهانش بیرون می آید ، همچون روزی که مادرش او را زاده است.

امام صادق علیه السلام:پیامبر خدا به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود : «ای ابو الحسن! این ، ماه رمضان است که آمده است. دعای خودت را پیش از افطارت قرار بده؛ چرا که جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت: ای محمّد! هر کس در ماه رمضان ، پیش از آن که افطار کند ، این دعا را بخواند ، خداوندْ دعایش را مستجاب می کند ، روزه و نمازش را می پذیرد ، ده دعای او را اجابت می کند ، گناهش را می آمرزد ، اندوهش را می زداید ، رنجش را برطرف می کند ، حوائجش را بر می آورد ، او را به خواسته اش می رساند ، عملش را با اعمال پیامبران و صدّیقانْ بالا می برد ، و روز قیامت با چهره ای درخشان تر از ماه شب چهاردهم می آید . گفتم: آن ، کدام دعاست ، ای جبرئیل؟ گفت: بگو : خداوندا! ای پروردگار نور بزرگ و ای پروردگار تخت افراشته و ای پروردگار دریای سرشار و ای پروردگار شَفْع (1) بزرگ و ای نور ارجمند و ای پروردگار تورات و انجیل و زبور و قرآن بزرگ! تو ، معبود آنانی که در آسمان ها و زمین اند و در آنها ، معبودی جز تو نیست. تو جبّار آنانی که در آسمان ها و زمین اند و در آنها ، جبّاری جز تو نیست. تو پادشاه آنانی که در آسمان ها و زمین اند و در آنها ، جز تو پادشاهی نیست. تو را به نام بزرگت و فروغ چهره تابانت و به فرمان روایی دیرینت می خوانم. ای زنده ، ای برپای! ای زنده ، ای برپای! تو را به آن نامت می خوانم که به سبب آن ، هر چیزْ تابان است ، و به آن نامت که به سبب آن ، آسمان ها و زمینْ فروزان اند ، و به آن نامت که به سبب آن ، اوّلین و آخرین ، شایسته شده و می شوند. ای زنده پیش از هر زنده! ای زنده پس از هر زنده! ای زنده ای که معبودی جز تو نیست! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و گناهان مرا بیامرز و در کار من آسانی و گشایشی نزدیک قرار بده و مرا بر آیین محمّد و خاندان محمّد و بر شیوه و سیره محمّد و خاندان محمّد و بر سنّت محمّد و خاندان محمّد که بر او و آنان درود باد استوار بدار! عمل مرا در زمره [اعمال] بالا برده شده پذیرفته قرار بده و آن گونه که به دوستانت و فرمان بردارانت عطا کرده ای، به من هم عطا کن! همانا من به تو ایمان ، و بر تو

توکّل دارم. به سوی تو باز می گردم و سرانجامم به سوی توست. همه خیر را برای من و خانواده و فرزندم فراهم آر و هر بدی را از من و فرزندم و خانواده ام دور بگردان! تو مهرورز و صاحب نعمتی؛ پدیدآورنده آسمان ها و زمینی؛ به هر که خواهی ، خیر می دهی و از هر که خواهی ، آن را برمی گردانی. پس با رحمتت بر من منّت بگذار ، ای مهربان ترینِ مهربانان! ».

.

1- .شفع، در لغت به معنای جفت و دوگانه و در اصطلاح، نمازی دو رکعتی است که به عنوان نافله شب خوانده می شود.

الإمام الباقر عليه السلام :جاءَ قَنبَرٌ مَولى عَلِيٍّ عليه السلام بِفِطرِهِ إلَيهِ ... فَلَمّا أرادَ أن يَشرَبَ قالَ : بِاسمِ اللّهِ ، اللّهُمَّ لَکَ صُمنا وعَلى رِزقِکَ أفطَرنا ، فَتَقَبَّل مِنّا إنَّکَ أنتَ السَّميعُ العَليمُ . (1)

عنه عليه السلام :کانَ عَلِيٌّ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ إذا أفطَرَ جَثا عَلى رُکبَتَيهِ ، حَتّى يوضَعَ الخِوانُ (2) ويَقولُ : اللّهُمَّ لَکَ صُمنا وعَلى رِزقِکَ أفطَرنا ، فَتَقَبَّلهُ مِنّا إنَّکَ أنتَ السَّميعُ العَليمُ . (3)

.

1- .تهذيب الأحكام : 4 / 200 / 578 عن عبد اللّه بن ميمون القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، مصباح المتهجّد : 626 / 704 من دون اسنادٍ إلى الإمام الباقر عليه السلام وفيه «كان أمير المؤمنين عليه السلام إذا أراد أن يفطر قال ...» ، بحار الأنوار : 40 / 339 / 24 .
2- .الخِوانُ : ما يؤكَلُ عليه ، معرَّب ، وفيه ثلاثُ لغاتٍ : كسرُ الخاء ؛ وهى الأكثر ، وضمُّها ، وإخوان (المصباح المنير : 185) .
3- .الإقبال : 1 / 246 ، بحار الأنوار : 98 / 15 / 2 .

ص: 303

امام باقر علیه السلام:قنبر ، غلام علی علیه السلام ، افطاری را نزد وی آورد ... . چون خواست بیاشامد ، فرمود : «به نام خدا . خداوندا! برای تو روزه گرفتیم و با روزیِ تو افطار کردیم . پس ، از ما بپذیر! همانا تو شنوای دانایی» .

امام باقر علیه السلام:علی علیه السلام ، هر گاه افطار می کرد ، دو زانو می نشست تا سفره بگذارند و می فرمود : «خداوندا! برای تو روزه گرفتیم و با روزیِ تو افطار کردیم. پس ، آن را از ما بپذیر! همانا تو شنوای دانایی».

.

الإقبال :روى محمّد بن أبى قرّه فى كتاب عمل شَهر رمضان تغمّده اللّه بالرضوان بإسناده إلى مولانا موسى بن جعفر عن أبيه عن جدّه عن الحسن بن علىّ عليهم السلام : «إنَّ لِكُلِّ صائِمٍ عِندَ فُطورِهِ دَعوَةً مُستَجابَةً ، فَإذا كانَ أوَّلُ لُقمَةٍ فَقُل : بِاسمِ اللّهِ ، يا واسِعَ المَغفِرَةِ اغفِر لى» . وفى رِوايَةٍ أُخرى : بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، يا واسِعَ المَغفِرَةِ اغفِر لى . فَإنَّهُ مَن قالَها عِندَ إفطارِهِ غُفِرَ لَهُ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :تَقولُ فى كُلِّ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ عِندَ الإفطارِ إلى آخِرِهِ : الحَمدُ للّهِ الَّذى أعانَنا فَصُمنا ، ورَزَقَنا فَأفطَرنا ، اللّهُمَّ تَقَبَّل مِنّا وأعِنّا عَلَيهِ ؛ وسَلِّمنا فيهِ وتَسَلَّمهُ مِنّا فى يُسرٍ مِنكَ وعافِيَةٍ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى قَضى عَنّا يَوما مِن شَهرِ رَمَضانَ . (2)

الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام: إذا أمسَيتَ صائِما فَقُل عِندَ إفطارِكَ : «اللّهُمَّ لَكَ صُمتُ وعَلى رِزقِكَ أفطَرتُ وعَلَيكَ تَوَكَّلتُ» يُكتَب لَكَ أجرُ مَن صامَ ذلِكَ اليَومَ . (3)

.

1- .الإقبال : 1 / 244 ، بحار الأنوار : 98 / 14 / 2 .
2- .الكافى : 4 / 95 / 2، تهذيب الأحكام : 4 / 200 / 577، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 106 / 1851 ، المقنعه : 319 ، مصباح المتهجّد : 625 / 703 ، الإقبال : 1 / 246 كلّها عن أبى بصير ، بحار الأنوار : 96 / 311 / 5 .
3- .الإقبال : 1 / 246 ، بحار الأنوار : 98 / 15 / 2 .

الإقبال:محمّد بن ابی قرّه که خدا او را قرین خشنودی خود سازد در کتاب عمل شهر رمضان ، با سند خویش از امام کاظم علیه السلام ، از پدرش ، از جدّش امام مجتبی علیه السلام ، روایت کرده است که: «هر روزه دار ، هنگام افطارش ، یک دعای مستجاب دارد. پس چون وقت اوّلین لقمه شد ، بگو: به نام خدا. ای گسترده آمرزش! مرا بیامرز ». در روایت دیگری است: « بسم اللّه الرحمن الرحیم. ای گسترده آمرزش! مرا بیامرز!. پس هر که هنگام افطارش چنین گوید ، آمرزیده می شود».

امام صادق علیه السلام:در هر شب ماه رمضان تا پایان آن ، هنگام افطار می گویی: «سپاس ، خدایی را که یاری مان کرد تا روزه گرفتیم و روزی مان داد تا افطار کردیم. خداوندا! از ما بپذیر و ما را بر آن یاری کن و ما را در آن سالم بدار و آن را در آسانی و عافیت از ما دریافت کن! خدایی را سپاس که روزی از ماه رمضان را از ما گذراند».

امام کاظم علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام : چون روزه بودی ، هنگام افطار خویش بگو : «خداوندا! برای تو روزه گرفتم و بر روزیِ تو افطار کردم و بر تو توکّل نمودم» تا برایت پاداش کسی را بنویسند که آن روز را روزه داشته است.

.

الإمام الرضا عليه السلام :مَن قالَ عِندَ إفطارِهِ : «اللّهُمَّ لَکَ صُمنا بِتَوفيقِکَ وعَلى رِزقِکَ أفطَرنا بِأمرِکَ ، فَتَقَبَّلهُ مِنّا وَاغفِر لَنا إنَّکَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ» غَفَرَ اللّهُ ما أدخَلَ عَلى صَومِهِ مِنَ النُّقصانِ بِذُنوبِهِ . (1)

ز الإفطارُ بِالتَّمرِ ، أوِ الزَّبيبِ ، أوِ الشَىءِ الحُلوِ ، أوِ اللَّبَنِ ، أوِ الماءِ الفاتِرِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :أفضَلُ ما يَبدَأُ بِهِ الصّائِمُ بِزَبيبٍ أو شَىءٍ حُلوٍ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله أوَّلُ ما يُفطِرُ عَلَيهِ فى زَمَنِ الرُّطَبِ الرُّطَبُ ، وفى زَمَنِ التَّمرِ التَّمرُ . (3)

تاريخ بغداد عن جابر بن عبد اللّه :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُعجِبُهُ أن يُفطِرَ عَلَى الرُّطَبِ مادامَ الرُّطَبُ ، وعَلَى التَّمرِ إذا لَم يَكُن رُطَبٌ ، ويَختِمَ بِهِنَّ ويَجعَلَهُنّ وَترا ؛ ثَلاثا أو خَمسا أو سَبعا . (4)

مسند أبى يعلى عن أنس :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله يُحِبُّ أن يُفطِرَ عَلى ثَلاثِ تَمَراتٍ ، أو شَىءٍ لَم تُصِبهُ النّارُ . (5)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أفطَرَ عَلى تَمرٍ حَلالٍ ، زيدَ فى صَلاتِهِ أربَعُمِئَهِ صَلاهٍ . (6)

.

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : 96 / 81 وص 106 / 98 كلاهما عن الحسن بن علىّ بن فضّال ، بحار الأنوار : 96 / 312 / 6 .
2- .الفردوس : 1 / 358 / 1445 عن سعد بن أبى وقّاص ؛ طبّ النبىّ صلى الله عليه و آله : 8 وفيه «الزبيب أو التمر أو شىء حلو» ، بحار الأنوار : 62 / 296 .
3- .الكافى : 4 / 153 / 6 عن ابن القدّاح وح 5 ، المحاسن : 2 / 341 / 2173 كلاهما عن طلحه بن زيد وح 2172 عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام : 2 / 111 / 363 نحوه ، بحار الأنوار : 96 / 314 / 15 .

4- .تاريخ بغداد : 3 / 354 / 1456 ، تاريخ دمشق : 4 / 246 ، كنز العمّال : 7 / 85 / 18081 .
5- .مسند أبى يعلى : 3 / 337 / 3292 ، كنز العمّال : 7 / 83 / 18074 .
6- .الإقبال : 1 / 242 ، بحار الأنوار : 98 / 12 / 2 .

ز افطار با خرما یا کشمش یا شیرینی یا شیر یا آب وِلَرم

امام رضا علیه السلام:هر کس هنگام افطارش بگوید: «خداوندا! با توفیق تو ، برایت روزه گرفتیم و به فرمان تو با روزی ات افطار کردیم. پس ، آن را از ما بپذیر و ما را بیامرز! همانا تو آمرزنده مهربانی» ، خداوندْ کاستی هایی را که او با گناهانش بر روزه اش وارد کرده ، می آمرزد.

ز افطار با خرما یا کشمش یا شیرینی یا شیر یا آب وِلَرمپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برترین چیزی که روزه دار ، افطارش را با آن آغاز می کند ، کشمش یا چیزی شیرین است.

امام صادق علیه السلام:اوّلین چیزی که پیامبر خدا روزه اش را با آن افطار می کرد ، در زمانِ رُطَب ، رطب بود و در زمانِ خرما ، خرما . (1)

تاریخ بغداد به نقل از جابر بن عبد اللّه :پیامبر خدا خوشش می آمد که روزه اش را تا وقتی رطب بود ، با رطب و اگر رطب نبود ، با خرما افطار کند ، و با همان به پایان برساند ، با سه ، یا پنج یا هفت دانه.

مسند أبی یعلی به نقل از انس :پیامبر صلی الله علیه و آله خوشش می آمد که با سه دانه خرما افطار کند ، یا با چیزی که آتش به آن نرسیده باشد (پخته نباشد).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس با خرمای حلال افطار کند ، به پاداش نمازش به اندازه چهارصد نماز افزوده می شود.

.

1- .رُطَب ، خرمای رسیده است و تَمر ، خرمای خشک.

الإمام الباقر عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا صامَ فَلَم يَجِدِ الحَلواءَ أفطَرَ عَلَى الماءِ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ أحَدُكُم صائِما فَليُفطِر عَلَى التَّمرِ ، فَإِن لَم يَجِدِ التَّمرَ فَعَلَى الماءِ ؛ فَإِنَّ الماءَ طَهورٌ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :أربَعٌ مَن فَعَلَهُنَّ قَوِيَ عَلى صِيامِهِ : أن يَكونَ أوَّلُ فِطرِهِ عَلى ماءٍ ، ولا يَدَعَ السَّحورَ ، ولا يَدَعَ القائِلَةَ ، وأن يَشُمَّ شَيئا مِن طيبٍ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا أفطَرَ بَدَأَ بِحَلواءَ يُفطِرُ عَلَيها ، فَإِن لَم يَجِد فَسُكَّرَةٍ أو تَمَراتٍ ، فَإِذا أعوَزَ ذلِكَ كُلَّهُ فَماءٍ فاتِرٍ ، وكانَ يَقولُ : يُنَقّي المَعِدَةَ وَالكَبِدَ ، ويُطَيِّبُ النَّكهَةَ وَالفَمَ ، ويُقَوِّي الأضراسَ ، ويُقَوّي الحَدَقَ ، ويَجلُو النّاظِرَ ، ويَغسِلُ الذُّنوبَ غَسلاً ، ويُسَكِّنُ العُروقَ الهائِجَةَ وَالمِرَّةَ الغالِبَةَ ، ويَقطَعُ البَلغَمَ ، ويُطفِئُ الحَرارَةَ عَنِ المَعِدَةِ ، ويَذهَبُ بِالصُّداعِ . (4)

الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ عَلِيّا عليه السلام كانَ يَستَحِبُّ أن يُفطِرَ عَلَى اللَّبَنِ . (5)

عنه عليه السلام :أفطِر عَلَى الحُلوِ ، فَإِن لَم تَجِدهُ فَأَفطِر عَلَى الماءِ ؛ فَإِنَّ الماءَ طَهورٌ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ الرَّجُلَ إذا صامَ زالَت عَيناهُ مِن مَكانِهِما ، فَإِذا أفطَرَ عَلَى الحُلوِ عادَتا إلى مَكانِهِما . (7)

.

1- .الكافي : 4 / 152 / 1 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام .
2- .سنن أبى داود : 2 / 305 / 2355 ، سنن الدارمى : 1 / 432 / 1653 ، مسند ابن حنبل : 5 / 482 / 16225 وص 484 / 16237 ، صحيح ابن خزيمه : 3 / 279 / 2067 ، السنن الكبرى : 4 / 401 / 8128 كلّها عن سلمان بن عامر ، سنن الترمذى : 3 / 78 / 694 عن أنس نحوه ، كنز العمّال : 8 / 509 / 23874 .

3- .الفردوس : 1 / 371 / 1496 ، كنز العمّال : 8 / 525 / 23971 نقلاً عن الحاكم فى تاريخه وكلاهما عن أنس .
4- .الكافى : 4 / 153 / 4 ، المقنعه : 317 كلاهما عن عبد اللّه بن مسكان ، مكارم الأخلاق : 1 / 69 / 86 ، روضه الواعظين : 341 وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : 16 / 242 وج 96 / 315 / 17 .
5- .تهذيب الأحكام : 4 / 199 / 574 ، الإقبال : 1 / 242 ، المحاسن : 2 / 292 / 1957 كلّها عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام وح 1958 عن مسعده بن اليسع عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام وفيه «يعجبه» بدل «يستحبّ» ، بحار الأنوار : 98 / 12 / 2 .
6- .المقنعه : 317 ، بحار الأنوار : 80 / 10 / 7 .
7- .المقنعه : 317 عن السكونى ، الدعوات : 79 / 194 ، بحار الأنوار : 96 / 255 / 33 وج 62 / 151 / 24 .

امام باقر علیه السلام:پیامبر خدا ، هر گاه روزه بود و حلوا (شیرینی) نمی یافت ، با آب افطار می کرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر گاه یکی از شما روزه بود ، با خرما افطار کند و اگر خرما نیافت ، با آب؛ چرا که آب ، پاک کننده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار چیز است که هر که آنها را انجام دهد ، بر روزه داری ، نیرو می یابد: آغاز افطارش ، با آب باشد؛ سحری خوردن را ترک نکند؛ خواب نیم روز را ترک نکند ؛ و بوی خوش ببوید.

847.دعائم الإسلام :امام صادق علیه السلام:پیامبر خدا ، هر گاه افطار می کرد ، با حلوا (شیرینی) آغاز می کرد و اگر نمی یافت ، با شِکر یا چند خرما و اگر اینها هم نبودند ، با آب ولرم افطار می کرد و می فرمود: «معده و کبد را تمیز می کند و بو و دهان را خوش بو می سازد و دندان ها را محکم می کند و سیاهی چشم را تقویت می کند و مردمک چشم را پر نور می سازد و گناهان را کاملاً می شوید و هیجان و رگ ها و صفرای غالب را می نشاند و بلغم را قطع می کند و حرارت معده را آرام می کند و سردرد را می برد».850.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:علی علیه السلام خوش می داشت که با شیر ، افطار کند.849.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:با شیرینی افطار کن و اگر نیافتی ، با آب افطار کن؛ چرا که آب ، پاک کننده است.848.تنبیه الخواطر :امام صادق علیه السلام:وقتی کسی روزه می گیرد ، چشم هایش از جای خود جا به جا می شود. چون با شیرینی افطار کند ، به جای خودش برمی گردد . (1) .

1- .به نظر می رسد که اشاره به ضعف بینایی در حال روزه باشد که به وسیله افطار با شیرینی ، زود ترمیم می شود؛ چون زود هضم می شود و جذب بدن می گردد.

847.دعائم الإسلام :عنه عليه السلام :الإفطارُ عَلَى الماءِ يَغسِلُ الذُّنوبَ مِنَ القَلبِ . (1)846.امام كاظم عليه السلام :عنه عليه السلام :إذا أفطَرَ الرَّجُلُ عَلَى الماءِ الفاتِرِ نَقّى كَبِدَهُ ، وغَسَلَ الذُّنوبَ مِنَ القَلبِ ، وقَوَّى البَصَرَ وَالحَدَقَ . (2)845.امام باقر عليه السلام :عنه عليه السلام :لَو أنَّ النّاسَ تَسَحَّروا ثُمَّ لَم يُفطِروا إلاّ عَلَى الماءِ ، لَقَدَروا عَلى أن يَصومُوا الدَّهرَ . (3)ح الدُّعاءُ بِالمَأثورِ إذا أفطَرَ843.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ إذا أفطَرَ قالَ :

اللّهُمَّ لَكَ صُمنا وعَلى رِزقِكَ أفطَرنا فَتَقَبَّلهُ مِنّا ؛ ذَهَبَ الظَّمَأُ ، وَابتَلَّتِ العُروقُ ، وبَقِيَ الأجرُ . (4)842.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :سنن أبى داود عن ابن عمر :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا أفطَرَ قالَ : «ذَهَبَ الظَّمَأُ ، وَابتَلَّتِ العُروقُ ، وثَبَتَ الأجرُ إن شاءَ اللّهُ» . (5) .

1- .الكافى : 4 / 152 / 3 ، تهذيب الأحكام : 4 / 199 / 572 ، ثواب الأعمال : 104 / 1 ، الإقبال : 1 / 242 ، الدعوات : 79 / 195 وفيها «ذنوب القلب» .
2- .الكافى : 4 / 152 / 2 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 136 / 1963 ، تهذيب الأحكام : 4 / 199 / 573 نحوه ، الهدايه : 194 ، بحار الأنوار : 96 / 312 / 5 .
4- .الكافى : 4 / 95 / 1 ، تهذيب الأحكام : 4 / 199 / 576 ، المقنعه : 319 كلّها عن السكونى ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 106 / 1850 ، مصباح المتهجّد : 625 / 702 ، الإقبال : 1 / 245 ، دعائم الإسلام : 1 / 280 عن الإمام علىّ عليه السلام ، بحار الأنوار : 96 / 315 / 17 .
5- .سنن أبى داود : 2 / 306 / 2357 ، عمل اليوم والليله للنسائى : 269 / 299 ، المستدرک على الصحيحين : 1 / 584 / 1536 ، السنن الكبرى : 4 / 403 / 8133 ، عمل اليوم والليله لابن السنى : 168 / 478 ، كنز العمّال : 7 / 81 / 18055 .

ح خواندن دعاهای واردشده به هنگام افطار

846.الإمام الكاظم عليه السلام :امام صادق عليه السلام:افطار با آب ، آلودگی ها را از دل می شويد.845.الإمام الباقر عليه السلام :امام صادق عليه السلام:هر گاه روزه دار با آب ولرم افطار كند ، كبدش را تميز می كند ، آلودگی ها را از دلش می شويد و چشم و سياهی آن را نيرو می بخشد.844.عنه صلی الله عليه و آله :امام صادق عليه السلام:اگر مردم سحری بخورند و تنها با آب افطار كنند ، خواهند توانست همه روزگار را روزه بگيرند.ح خواندن دعاهای واردشده به هنگام افطار842.عنه صلی الله عليه و آله :امام صادق عليه السلام به نقل از پدران خويش عليهم السلام : هر گاه پيامبر خدا افطار می كرد ، می گفت:

«خدايا! برای تو روزه گرفتيم و بر روزیِ تو افطار كرديم. پس،آن را از ما بپذير! تشنگی رفت ، رگ ها تر شدند و اجر ، باقی ماند».841.پيامبر خدا صلی الله عليه و آله :سنن أبی داوود به نقل از ابن عُمر :پيامبر خدا ، هر گاه افطار می كرد ، می گفت: «تشنگی رفت ، رگ ها تر شدند و اگر خدا بخواهد ، اجرْ باقی ماند».

.

ط الشُّكرُ إذا أفطَرَ عِندَ قَومٍ839.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :كانَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا طَعِمَ عِندَ أهلِ بَيتٍ قالَ لَهُم : «طَعِمَ عِندَكُمُ الصّائِمونَ ، وأكَلَ عِندَكُمُ الأَبرارُ ، وصَلَّت عَلَيكُمُ المَلائِكَةُ الأخيارُ» . (1)838.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الدعاء للطبرانی عن أنس :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله كانَ إذا أفطَرَ عِندَ أهلِ بَيتٍ قالَ لَهُم : «أفطَرَ عِندَكُمُ الصّائِمونَ ، وغَشِيَتكُمُ الرَّحمَةُ ، وأكَلَ طَعامَكُمُ الأَبرارُ ، وتَنَزَّلَت عَلَيكُمُ المَلائِكَةُ» . (2)837.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الدعاء للطبرانی عن عبد اللّه بن الزبير :إنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله كانَ إذا أفطَرَ عِندَ قَومٍ قالَ : «أفطَرَ عِندَكُمُ الصّائِمونَ ، وصَلَّت عَلَيكُمُ المَلائِكَةُ» . (3)841.عنه صلی الله علیه و آله :سنن ابن ماجه عن عبد اللّه بن الزبير :أفطَرَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله عِندَ سَعدِ بنِ مُعاذٍ فَقالَ : «أفطَرَ عِندَكُمُ الصّائِمونَ ، وأكَلَ طَعامَكُمُ الأَبرارُ ، وصَلَّت عَلَيكُمُ المَلائِكَةُ» . (4) .

1- .الكافی : 6 / 294 / 10 ، تهذيب الأحكام : 9 / 99 / 430 كلاهما عن السكونی ، المحاسن : 2 / 221 / 1664 عن النوفلی بإسناده ، بحار الأنوار : 75 / 454 / 20 .

2- .الدعاء للطبرانی : 287 / 922 و923 ، عمل اليوم والليله للنسائی : 267 / 296 و297 ، سنن الدارمی : 1 / 451 / 1721 ، المعجم الأوسط : 1 / 99 / 301 وج 6 / 192 / 6162 ، المصنّف لابن أبی شيبه : 2 / 511 / 2 وليس فيها «وغشيتكم الرحمه» ، كنز العمّال : 7 / 86 / 18086 .

3- .الدعاء للطبرانی : 288 / 927 .

4- .سنن ابن ماجه : 1 / 556 / 1747 ، صحيح ابن حبّان : 12 / 107 / 5296 ، سنن أبی داود : 3 / 367 / 3854 ، مسند ابن حنبل : 4 / 277 / 12409 ، السنن الكبری : 7 / 468 / 14673 والثلاثه الأخيره عن أنس ؛ المقنعه : 319 ، مكارم الأخلاق : 1 / 69 / 83 كلاهما عن الإمام الصادق علیه السلاموفيهما «كان علیه السلامإذا أكل عند قوم ...» ، الجعفريّات : 60 عن الإمام الكاظم عن آبائه علیهم السلاموفيه «كَان رسول اللّه صلی الله علیه و آله إذا أفطر عند قوم ...» وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : 96 / 315 / 17 .

ط سپاسگزاری ، هنگام افطار نزد دیگران

ط سپاسگزاری ، هنگام افطار نزد دیگران839.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:پیامبر خدا ، هر گاه نزد خانواده ای غذا می خورد ، به آنان می گفت: «روزه داران ، نزد شما افطاری بخورند و نیکان ، پیش شما غذا بخورند و فرشتگان نیکو ، بر شما درود بفرستند!».838.عنه صلی الله علیه و آله :الدعاء طبرانی به نقل از انس :پیامبر خدا ، هر گاه پیش خانواده ای افطار می کرد ، به آنان می گفت: «روزه داران ، پیش شما افطار کردند؛ رحمت ، شما را فرا گرفت؛ نیکان ، غذای شما را خوردند؛ و فرشتگان بر شما فرود آمدند!».837.عنه صلی الله علیه و آله :الدعاء طبرانی به نقل از عبد اللّه بن زبیر :پیامبر صلی الله علیه و آله ، هر گاه پیش گروهی افطار می کرد ، می گفت: «روزه داران ، پیش شما افطار کردند و فرشتگان ، بر شما درود فرستادند!».836.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سنن ابن ماجه به نقل از عبد اللّه بن زبیر :پیامبر خدا نزد سعد بن معاذ افطار کرد و گفت: «روزه داران ، نزد شما افطار کردند و نیکان ، غذای شما را خوردند و فرشتگان ، بر شما درود فرستادند!».

.

الفصل الثانيما يُؤَكَّدُ استِحبابُهُ مِنَ الأَعمالِ2 / 1التَّطَوُّعُ بِخَصلَةٍ مِن خِصالِ الخَيرِ836.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله :مَن تَطَوَّعَ بِخَصلَةٍ مِن خِصالِ الخَيرِ فى شَهرِ رَمَضانَ كانَ كَمَن أدّى سَبعينَ فَريضَةً مِن فَرائِضِ اللّهِ عز و جل ، ومَن أدّى فيهِ فَريضَةً مِن فَرائِضِ اللّهِ كانَ كَمَن أدّى سَبعينَ فَريضَةً مِن فَرائِضِ اللّهِ تَعالى فيما سِواهُ مِنَ الشُّهورِ . (1)وانظر : ص 160 (خطابات النبىّ عند حضور شهر رمضان) .

2 / 2تَفطيرُ الصّائِمينَ832.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن فَطَّرَ صائِما كانَ لَهُ مِثلُ أجرِهِ ، غَيرَ أنَّهُ لا يَنقُصُ مِن أجرِ الصّائِمِ شَيئا . (2) .

1- .المقنعه : 341 .
2- .سنن الترمذى : 3 / 171 / 807 ، سنن ابن ماجه : 1 / 555 / 1746 ، سنن الدارمى : 1 / 432 / 1654 ، مسند ابن حنبل : 6 / 59 / 17030 وص 62 / 17401 ، صحيح ابن حبّان : 8 / 216 / 3429 ، السنن الكبرى : 4 / 404 / 8137 ، كلّها عن زيد بن خالد الجهنى ، كنز العمّال : 8 / 451 / 23614 .

فصل دوم : کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است

2 / 1 همه کارهای نیک

2 / 2 افطاری دادن به روزه داران

اشاره

فصل دوم : کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است2 / 1همه کارهای نیک831.مروج الذهب عن أبی دعامه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که در ماه رمضان ، یکی از کارهای نیک را انجام دهد ، همچون کسی است که هفتاد واجب از واجبات خدا را انجام داده است و هر کس در این ماه ، واجبی از واجبات خدا را انجام دهد ، همچون کسی است که هفتاد واجب از واجبات خدای متعال را در ماه های دیگر انجام داده است.ر . ک : ص 161 (خطبه های پیامبر ، هنگام فرا رسیدن ماه رمضان) .

2 / 2افطاری دادن به روزه داران827.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کسی که روزه داری را افطار دهد ، برای او پاداشی مثل اوست، (1) جز این که چیزی از اجر روزه دار ، کم نمی شود.

.

1- .سیّد ابن طاووس گوید: «بِدان که فضیلت طعام دادن ، بر اساس رأی عقل هایی که تصدیق کننده پیامبران الهی اند ، اندیشمندانه است؛ زیرا اقدام یک شخص به اطعام روزه داران ، مثل آن است که طاعت ها و عبادت های آنان را مالک شود؛ چون توانایی کسانی که توشه به ایشان می رسد ، گویا نیروی بنده اطعام کننده است که در تن اوست. همچنان که نیروی بدنی اش ، هر چه با آن غذا فراهم شود ، از عبادت او شمرده می شود ، هر کاری هم که از نیروی افطاری دادن به روزه دار سر بزند ، در پرونده کسی ثبت می شود که روزه دار را اطعام کرده است» (ر . ک : الإقبال : 1 / 37) .

826.التوحيد (به نقل از اسحاق بن راهويه) عنه صلى الله عليه و آله :مَن فَطَّرَ صائِما كانَ لَهُ مِثلُ أجرِهِ مِن غَيرِ أن يَنقُصَ مِنهُ شَىءٌ ، وما عَمِلَ بِقُوَّهِ ذلِكَ الطَّعامِ مِن بِرٍّ . (1)825.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :فِطرُكَ لِأخيكَ المُسلِمِ وإدخالُكَ السُّرورَ عَلَيهِ أعظَمُ أجرا مِن صِيامِكَ . (2)828.عنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عليه السلام :يا عَلِيُّ ، ثَلاثُ فَرَحاتٍ لِلمُؤمِنِ فِى الدُّنيا : لِقاءُ الإِخوانِ ، وتَفطيرُ الصّائِمِ ، وَالتَّهَجُّدُ مِن آخِرِ اللَّيلِ . (3)827.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :مَن فَطَّرَ مُؤمِنا فى شَهرِ رَمَضانَ كانَ لَهُ بِذلِكَ عِتقُ رَقَبَهٍ ومَغفِرَهٌ لِذُنوبِهِ فيما مَضى ، فَإن لَم يَقدِر إلاّ عَلى مَذقَهِ لَبَنٍ فَفَطَّرَ بِها صائِما أو شَربَهٍ مِن ماءٍ عَذبٍ وتَمرٍ لَا يَقدِرُ عَلى أكثَرَ مِن ذلِكَ ، أعطاهُ اللّهُ هذَا الثَّوابَ . (4)826.التوحيد عن إسحاق بن راهويه :شعب الإيمان عن سلمان عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :«مَن فَطَّرَ صائِما فى رَمَضانَ مِن كَسبٍ حَلالٍ صَلَّت عَلَيهِ المَلائِكَهُ لَيالِىَ رَمَضانَ كُلِّها ، وصافَحَهُ جَبرَئيلُ عليه السلامَلَيلَهَ الفِطرِ (5) ، ومَن صافَحَهُ جَبرَئيلُ تَكثُرُ دُموعُهُ ويَرِقُّ قَلبُهُ» .

فَقالَ رَجُلٌ : يا رَسولَ اللّهِ ، أ رَأَيتَ مَن لَم يَكُن ذاكَ عِندَهُ؟ قالَ : «فَلُقمَهُ خُبزٍ» .

قالَ : أ فَرَأَيتَ مَن لَم يَكُن ذاكَ عِندَهُ؟ قالَ : «فَقَبضَهٌ مِن طَعامٍ» .

قالَ : أ فَرَأَيتَ مَن لَم يَكُن ذاكَ عِندَهُ؟ قالَ : «فَمَذقَهٌ مِن لَبَنٍ» .

قالَ : أَ فَرَأَيتَ مَن لَم يَكُن ذاكَ عِندَهُ؟ قالَ : «فَشَربَهٌ مِن ماءٍ» . (6) .

1- .تهذيب الأحكام : 4 / 202 / 582 عن حمّاد بن زيد ، المقنعه : 342 كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عليهماالسلام ، مصباح المتهجّد : 626 ، روضه الواعظين : 374 عن الإمام الصادق عليه السلام .
2- .الجعفريّات : 60 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، المقنعه : 342 وص 343 عن سدير الصيرفى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهم السلام، المحاسن : 2 / 182 / 1519 عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، روضه الواعظين : 374 ، بحار الأنوار : 97 / 126 / 7 .

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 4 / 360 / 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعا ، مكارم الأخلاق : 2 / 325 / 2656 كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام علىّ عليهم السلام ، الخصال : 125 / 121 عن الإمام الصادق عليه السلامعنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : 96 / 247 / 8 .
4- .المحاسن : 2 / 158 / 1430 عن أبى أيّوب عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : 96 / 316 / 4 .
5- .فى نسخهٍ : «القدر» بدل «الفطر» (هامش المصدر) .
6- .شُعب الإيمان : 3 / 419 / 3955 ، فضائل الأوقات للبيهقى : 51 / 91 ، كنز العمّال : 8 / 459 / 23658 وانظر المعجم الكبير : 6 / 262 / 6162 .

825.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس روزه داری را افطاری دهد ، مثل پاداش و هر عمل خوبی که روزه دار با نیروی آن غذا انجام می دهد ، بدون آن که از پاداشش چیزی کم شود ، برای افطاری دهنده است.824.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :افطاری دادنت به برادر مسلمانت و خوش حال کردن او ، پاداشی بزرگ تر از روزه داری تو دارند.823.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در پاسخ به این پرسش که : ایمان چیست؟) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام :ای علی! مؤمن در دنیا سه خوش حالی دارد: دیدار برادران ، افطاری دادن به روزه دار ، و تهجّد در آخر شب.822.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس مؤمنی را در ماه رمضان افطاری دهد ، پاداش کارش [پاداشی برابر با پاداش]آزاد کردن بنده و [نیز] آمرزش گناهان گذشته اوست. پس اگر بجز جرعه ای شیر یا جرعه ای آب گوارا و خرما به روزه داری افطاری ندهد و بیش از این هم نتواند ، خداوندْ همان پاداش را به او می دهد.824.عنه صلی الله علیه و آله :شعب الإیمان به نقل از سلمان ، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :«هر کس در ماه رمضان ، از درآمد حلالْ به روزه داری افطاری دهد ، در همه شب های رمضان ، فرشتگان بر او درود می فرستند و شب عید فطر (1) جبرئیل با او دست می دهد و هر کس که جبرئیل با او دست دهد ، اشکش زیاد و دلش نازک می شود».

مردی گفت : ای پیامبر خدا! اگر کسی آن را نداشت؟ فرمود: «یک لقمه نان» .

گفت : اگر آن را هم نداشت؟ فرمود: «یک مشت غذا».

گفت : اگر آن را هم نداشت؟ فرمود: «جرعه ای شیر».

گفت : اگر آن را هم نداشت؟ فرمود: «یک جرعه آب». .

1- .در بعضی نسخه ها به جای «شب عید فطر» ، «شب قدر» است.

823.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (لَمّا سُئِلَ : مَا الإيمانُ ؟) الإمام الباقر عليه السلام :لَأن اُفَطِّرَ رَجُلاً مُؤمِنا فى بَيتى أحَبُّ إلَىَّ مِن عِتقِ كَذا وكَذا نَسَمَةٍ مِن وُلدِ إسماعيلَ . (1)822.عنه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :أيُّما مُؤمِنٍ فَطَّرَ مُؤمِنا لَيلَةً مِن شَهرِ رَمَضانَ كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِذلِكَ مِثلَ أجرِ مَن أعتَقَ نَسَمَةً مُؤمِنَةً ، ومَن فَطَّرَهُ شَهرَ رَمَضانَ كُلَّهُ كَتَبَ اللّهُ تَعالى لَهُ بِذلِكَ أجرَ مَن أعتَقَ ثَلاثينَ نَسَمَةً مُؤمِنَةً ، وكانَ لَهُ بِذلِكَ عِندَ اللّهِ دَعوَهٌ مُستَجابَهٌ . (2)821.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :مَن فَطَّرَ صائِما فَلَهُ مِثلُ أجرِهِ . (3)820.صحيح البخارى (به نقل از ابو جمره نصر بن عمران ضبعى) عنه عليه السلام :مَن فَطَّرَ مُؤمِنا وَكَّلَ اللّهُ بِهِ سَبعينَ مَلَكا يُقَدِّسونَهُ إلى مِثلِ تِلكَ اللَّيلَةِ مِن قابِلٍ . (4)819.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :إفطارُكَ لِأخيكَ المُؤمِنِ أفضَلُ مِن صِيامِكَ تَطَوُّعا . (5)818.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :إفطارُكَ فى مَنزِلِ أخيكَ المُسلِمِ أفضَلُ مِن صِيامِكَ سَبعينَ ضِعفا أو تِسعينَ ضِعفا . (6) .

1- .المحاسن : 2 / 157 / 1426 عن مالک بن أعين الجهنى ، بحار الأنوار : 96 / 316 / 3 .
2- .المقنعه : 342 ، المحاسن : 2 / 158 / 1429 عن أبى بصير ، ثواب الأعمال : 164 / 1 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيه «كتب اللّه له بذلک مثل أجر من أعتق نسمه مؤمنه ومن فطّره شهر رمضان كلّه» ، بحار الأنوار : 96 / 316 / 1 .
3- .الكافى : 4 / 68 / 1 ، تهذيب الأحكام : 4 / 201 / 579 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 134 / 1952 ، مصباح المتهجّد : 626 كلّها عن أبى الصباح الكنانى ، مكارم الأخلاق : 1 / 297 / 931 .
4- .المقنعه : 344 .
5- .الكافى : 4 / 150 / 1 عن إسحاق بن عمّار .
6- .المقنعه : 342 ، المحاسن : 2 / 180 / 1513 عن داود الرقّى ، روضه الواعظين : 374 .

817.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:اگر مرد مؤمنی را در خانه ام افطاری دهم ، برایم محبوب تر از آن است که فلان تعداد بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کنم.821.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:هر مؤمنی که شبی از شب های ماه رمضان ، مؤمنی را افطاری دهد ، خداوند در مقابل ، پاداش کسی را به او می دهد که یک برده مؤمن را آزاد کرده باشد؛ و هر کس در همه ماه رمضان به مؤمنی افطاری دهد ، خداوند در مقابل ، پاداش کسی را برای او می نویسد که سی نفر مؤمن را آزاد کرده است و نیز نزد خداوند ، یک دعای مستجاب دارد.820.صحیح البخاری عن أبی جمْرَةَ [نصر بن عمران الضبعی]امام صادق علیه السلام:هر کس روزه داری را افطاری دهد ، همانند پاداش او را خواهد داشت.819.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:هر کس به مؤمنی افطاری دهد ، خداوند هفتاد فرشته را بر او می گمارد که او را تا مثل چنان شبی از سال آینده ، تقدیس کنند.818.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:افطاری دادنت به برادر مؤمنت ، برتر از روزه گرفتن مستحبّی توست.817.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:افطاری دادنت در خانه برادر مسلمانت ، هفتاد یا نود برابر برتر از روزه داری توست. .

816.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المقنعه :رُوِیَ أنَّ زُرارَهَ دَخَلَ عَلی أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام وهُوَ بِالحیرَهِ قالَ : فَلَمّا صَلّیتُ العَصرَ قُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ ! لی حاجَهٌ فَأذَن لی أن أذهَبَ .

قالَ : «وما عَجَلَتُکَ؟» قُلتُ : قَومٌ مِن مَوالیکَ یُفطِرونَ عِندی .

فَقالَ : «یا زُرارَهُ بادِر ! بادِر ! بادِر !» ثَلاثا ثُمَّ أقبَلَ عَلی عُقبَهَ فَقالَ : «یا عُقبَهُ ، مَن فَطَّرَ مُؤمِنا کانَ کَفّارَهً لِذَنبِهِ إلی قابِلٍ ، ومَن فَطَّرَ اثنَینِ کانَ حَقّا عَلَی اللّهِ أن یُدخِلَهُ الجَنَّهَ» . (1)815.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :دَخَلَ سَدیرٌ عَلی أبی علیه السلام فی شَهرِ رَمَضانَ ، فَقالَ : «یا سَدیرُ ، هَل تَدری أیُّ اللَّیالی هذِهِ؟» .

فَقالَ : نَعَم ، فِداکَ أبی ! هذِهِ لَیالی شَهرِ رَمَضانَ ؛ فَما ذاکَ؟

فَقالَ لَهُ : «أتَقدِرُ عَلی أن تُعتِقَ فی کُلِّ لَیلَهٍ مِن هذِهِ اللَّیالی عَشرَ رَقَباتٍ مِن وُلدِ إسماعیلَ؟» .

فَقالَ لَهُ سَدیرٌ : بِأَبی أنتَ واُمّی ! لا یَبلُغُ مالی ذاکَ . فَما زالَ یَنقُصُ حَتّی بَلَغَ بِهِ رَقَبَهً واحِدَهً ، فی کُلِّ ذلِکَ یَقولُ : لا أقدِرُ عَلَیهِ .

فَقالَ لَهُ : «فَما تَقدِرُ أن تُفَطِّرَ فی کُلِّ لَیلَهٍ رَجُلاً مُسلِما؟» .

فَقالَ لَهُ : بَلی وعَشَرَهً .

فَقالَ لَهُ أبی علیه السلام : «فَذاکَ الَّذی أرَدتُ یا سَدیرُ ؛ إنَّ إفطارَکَ أخاکَ المُسلِمَ یَعدِلُ رَقَبَهً مِن وُلدِ إسماعیلَ علیه السلام» . (2) .

1- .المقنعه : 343 .
2- .الکافی : 4 / 68 ، تهذیب الأحکام : 4 / 201 / 581 کلاهما عن مسعده بن صدقه ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 134 / 1953 ، المقنعه : 343 ، الإقبال : 1 / 38 ، روضه الواعظین : 374 .

814.امام علی علیه السلام : المقنعه به نقل از زراره که در حیره (1) خدمت امام صادق علیه السلام رسیده بود : چون نماز عصر را خواندم ، گفتم: فدایت شوم ! کاری دارم؛ اجازه بفرما بروم.

فرمود : «چه عجله ای داری؟».

گفتم : گروهی از دوستانت نزد من افطار می کنند.

فرمود : «ای زراره ! بشتاب ، بشتاب ، بشتاب» (سه بار). سپس رو به عُقبه کرد و فرمود: «ای عُقبه ! هر کس مؤمنی را افطاری دهد ، کفّاره گناهش تا سال آینده است و هر کس دو نفر را افطاری دهد ، بر خداست که او را به بهشت ببرد».813.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:در ماه رمضان ، سَدیر بر پدرم وارد شد. فرمود: «ای سدیر ! می دانی این شب ها، چه شب هایی است؟» .

گفت : آری؛ پدرم فدایت ! این شب ها ، شب های ماه رمضان است. مگر چه طور؟

[پدرم] به او فرمود: «آیا می توانی هر شب از این شب ها ، ده نفر از فرزندان اسماعیل را آزاد کنی؟».

سدیر به او گفت: پدر و مادرم ، فدایت ! ثروتم به این اندازه نمی رسد.

[پدرم] پیوسته کم می کرد تا به یک برده رسید؛ ولی سدیر در همه این موارد می گفت: نمی توانم.

[پدرم] فرمود: «آیا نمی توانی هر شب ، مرد مسلمانی را افطاری دهی؟».

پاسخ داد : چرا. ده نفر را هم می توانم.

پدرم به او فرمود: «ای سدیر ! همین را می گفتم. افطاری دادنت به برادر مسلمانت ، برابر است با [آزاد کردن] برده ای از فرزندان اسماعیل علیه السلام». .

1- .حیره ، شهری قدیمی پشت کوفه است که نعمان بن منذر در آن ساکن بود (مجمع البحرین : 1 / 479) .

812.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الکاظم علیه السلام :فِطرُکَ أخاکَ الصّائِمَ أفضَلُ مِن صِیامِکَ . (1)811.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عنه علیه السلام :فِطرُکَ لِأخیکَ وإدخالُکَ السُّرورَ عَلَیهِ أعظَمُ مِنَ الصِّیامِ وأعظَمُ أجرا . (2)وانظر : ص 160 (خطابات النبیّ عند حضور شَهرِ رَمَضان) .

.

1- .الکافی : 4 / 68 / 2 ، تهذیب الأحکام : 4 / 201 / 580 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 134 / 1954 وفیه «تفطیرک» ، المحاسن : 2 / 158 / 1431 کلّها عن موسی بن بکر ، مصباح المتهجّد : 626 عن موسی بن بکر عن الإمام الرضا علیه السلام ، بحار الأنوار : 96 / 317 / 5 .
2- .المحاسن : 2 / 182 / 1520 عن موسی بن بکر ، بحار الأنوار : 97 / 126 / 9 .

نکته

815.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام کاظم علیه السلام:افطاری دادن تو به برادر روزه دارت ، برتر از روزه داریِ توست .814.الإمام علیّ علیه السلام :امام کاظم علیه السلام:افطاری دادنت به برادرت و خوش حال کردن او ، از روزه داری ات بزرگ تر و پاداشش نیز بزرگ تر است.ر . ک : ص 161 (خطبه های پیامبر ، هنگام فرا رسیدن ماه رمضان) .

نکتهعالم ربّانی مرحوم آیه اللّه میرزا جواد آقا ملکی تبریزی گفته است : از مهم ترین کارهای این ماه ، افطاری دادن به روزه داران است. پاداش آن را در خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده ای. مهم تر ، آن است که در این کار ، نیّت خالص و مؤدّب شدن به ادب الهی باشد و این که انگیزه آن جز به دست آوردن رضای خدا نباشد ، نه ابراز شرافت دنیا و نه شرافت آخرت ، نه تقلید و نه رسم و عادت. باید بکوشد تا عمل خود را از این هدف ها خالص سازد و آن را با برخی آزمون ها بیازماید و از فریبکاری هوای نفْس و شیطان ، خاطرجمع نباشد و هم در اصل افطاری دادن ، هم در تعیین کسانی که به آنان افطاری می دهد (مؤمنان) ، هم در نوع غذا و هم در کیفیّت برخورد با میهمانش ، از خداوند مدد بجوید؛ چرا که همه اینها با اهداف مختلف ، کیفیّت های متفاوت می یابند. بیداردلان ، راه های ورود شیطان را در این موارد می شناسند و از آنچه موافق دستور شیطان است ، پرهیز می کنند و پیرو چیزی می شوند که موافق فرمان و رضایتِ مالک دین و دنیایشان است. در نتیجه به پذیرش الهی نایل می شوند و از پاداش های او بیش از حدّ آرزوهایشان برخوردار می گردند. همچنین درباره قبول دعوت دیگری برای افطار،در اخلاص نیّتش بکوشد؛ چون گاه کسی که با اخلاص ، دعوت مؤمنی را می پذیرد و در مجلس و افطار او حاضر می شود ، بهره ای می برد که با عبادتِ دراز مدّت ، به آن نمی رسد. از این رو ، همّت اولیای خدا بر خالص سازی کارها بوده است ، نه زیاد بودن آنها. و این ، عبرت گرفتن از کار آدم و ابلیس است؛ چرا که عبادت هزاران ساله آن خبیث ، رد شد و یک بار توبه خالصانه آدم ، پذیرفته گشت و مایه برگزیدگی اش شد. (1)

.

1- .المراقبات : 139 .

2 / 3كَثرَةُ الإنفاقِسنن الترمذى عن أنس :سُئِلَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : أىُّ الصَّدَقَةِ أفضَلُ؟ قالَ : «صَدَقَةٌ فى رَمَضانَ» . ... (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ما مِن نَفَقَةٍ إلاّ ويُسأَلُ العَبدُ عَنها ، إلاَّ النَّفَقَةَ فى شَهرِ رَمَضانَ صِلَةً لِلعِبادِ ، وكانَ كَفّارَةً لِذُنوبِهِم ، ومَن تَصَدَّقَ فى شَهرِ رَمَضانَ بِصَدَقَةٍ مِثقالِ ذَرَّةٍ فَما فَوقَها ؛ إذا كانَ أثقَلَ عِندَ اللّهِ عز و جل مِن جِبالِ الأرضِ ذَهَبا تَصَدَّقَ بِها فى غَيرِ رَمَضانَ . (2)

صحيح البخارى عن ابن عبّاس :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله أجوَدَ النّاسِ بِالخَيرِ ، وكانَ أجوَدُ ما يَكونُ فى رَمَضانَ حينَ يَلقاهُ جِبريلُ ، وكانَ جِبريلُ عليه السلام يَلقاهُ كُلَّ لَيلَةٍ فى رَمَضانَ حَتّى يَنسَلِخَ ، يَعرِضُ عَلَيهِ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله القُرآنَ ، فَإِذا لَقِيَهُ جِبريلُ عليه السلامكانَ أجوَدَ بِالخَيرِ مِنَ الرّيحِ المُرسَلَةِ . (3)

ثواب الأعمال عن ابن عبّاس :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ أطلَقَ كُلَّ أسيرٍ ، وأعطى كُلَّ سائِلٍ . (4)

.

1- .سنن الترمذى : 3 / 51 / 663 ، السنن الكبرى : 4 / 503 / 8517 ، شُعب الإيمان : 3 / 377 / 3819 ، تاريخ بغداد : 13 / 315 / 7286 ، كنز العمّال : 8 / 557 / 24149 وص 591 / 24292 .
2- .بحار الأنوار : 96 / 345 / 9 نقلاً عن القطب الراوندى فى النوادر عن عبد اللّه بن مسعود .
3- .صحيح البخارى : 2 / 672 / 1803 وج4 / 1911 / 4711 ، صحيح مسلم : 4 / 1803 / 50 ، سنن النسائى : 4 / 125 ، مسند ابن حنبل : 1 / 618 / 2616 ، السنن الكبرى : 4 / 503 / 8515 .
4- .ثواب الأعمال : 97 / 13 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 75 / 56 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 99 / 1840 ، الإقبال : 1 / 39 ، بحار الأنوار : 96 / 363 / 32 ؛ مكارم الأخلاق لابن أبى الدنيا : 253 / 386 ، الطبقات الكبرى : 1 / 377 ، شُعب الإيمان : 3 / 311 / 3629 ، كنز العمّال : 7 / 81 / 18060 .

2 / 3 بسیار انفاق کردن

2 / 3بسیار انفاق کردنسنن الترمذی به نقل از انس :از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند:... کدام صدقه برتر است؟ فرمود: «صدقه در [ماه] رمضان» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ خرج کردنی نیست ، مگر آن که بنده از آن سؤال می شود ، مگر خرج کردن در ماه رمضان در راه احسان به بندگان و این ، کفّاره گناهان می شود. هر کس در ماه رمضان به اندازه سنگینیِ ذرّه ای یا بالاتر از آن صدقه دهد ، نزد خداوند سنگین تر از کوه های زمین از طلاست که در غیر ماه رمضان صدقه دهد.

صحیح البخاری به نقل از ابن عبّاس :پیامبر صلی الله علیه و آله در بخشش ، از همه مردم بخشنده تر بود و بیشترین بخشندگی او ، وقتی بود که در ماه رمضان ، جبرئیل او را دیدار می کرد و جبرئیل در [ماه] رمضان ، هر شب ، ایشان را دیدار می کرد تا آن که ماه رمضان سپری شود. و پیامبر صلی الله علیه و آله ، قرآن را بر او عرضه می کرد. پس وقتی جبرئیل او را دیدار می کرد ، در بخشندگی ، بخشنده تر از بادِ وزان [نسبت به باران] بود.

ثواب الأعمال به نقل از ابن عبّاس :وقتی ماه رمضان می شد ، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همه اسیران را آزاد می کرد و به هر نیازمندی ، بخشش می نمود.

.

الإمام الصادق عليه السلام :مَن تَصَدَّقَ فى شَهرِ رَمَضانَ بِصَدَقَهٍ صَرَفَ اللّهُ عَنهُ سَبعينَ نَوعا مِنَ البَلاءِ . (1)

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام :أحسِنوا إلى عِيالكُم ووَسِّعوا عَلَيهِم ؛ فَإِنَّهُ قَد أروى عَنِ العالِمِ عليه السلام أ نَّهُ قالَ : «إنَّ اللّهَ لا يُحاسِبُ الصّائِمَ عَلَى ما أنفَقَهُ فى مَطعَمٍ ولا مَشرَبٍ ، وإنَّهُ لا إسرافَ فى ذلِكَ» . (2)

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام :أكثِر فى هذَا الشَّهرِ المُبارَكِ مِن قِراءَهِ القُرآنِ ، وَالصَّلاهِ عَلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله، وكَثرَهِ الصَّدَقَهِ، وذِكرِ اللّهِ فى آناءِ اللَّيلِ وَالنَّهارِ، وبِرِّ الإخوانِ ، وإفطارِهِم مَعَكَ بِما يُمكِنُكَ ؛ فَإِنَّ فى ذلِكَ ثَوابا عَظيما وأجرا كَبيرا . (3)

وانظر: ص 294 (ما ينبغى عند الإفطار / الصدقه) . ص 172 ، ح 224 .

2 / 4كَثرَهُ تِلاوَهِ القُرآنِ2 / 4 1فَضلُ التِّلاوَهِ وَالحَثُّ عَلَيهارسول اللّه صلى الله عليه و آله فى آدابِ شَهرِ رَمَضانَ :أكثِروا فيهِ مِن تِلاوَهِ القُرآنِ . (4)

عنه صلى الله عليه و آله :مَن قَرَأَ آيَهً فى رَمَضانَ أو سَبَّحَ كانَ لَهُ مِنَ الفَضلِ عَلى غَيرِهِ كَفَضلى عَلى اُمَّتى ، فَطوبى لِمَن أدرَكَ رَمَضانَ ! ثُمَّ طوبى لَهُ ! (5)

.

1- .ثواب الأعمال : 171 / 19 ، بحار الأنوار : 96 / 179 / 18 وص 316 / 2 .
2- .الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : 206 ، بحار الأنوار : 96 / 317 / 7 .
3- .الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : 207 ، بحار الأنوار : 96 / 381 / 5 .
4- .فضائل الأشهر الثلاثه : 95 / 78 عن محمّد بن أبى عمير عن غير واحد عن الإمام الصادق عليه السلام .

5- .بحار الأنوار : 6 / 345 / 9 نقلاً عن القطب الراوندى فى النوادر عن عبد اللّه بن مسعود .

2 / 4 زیاد قرآن خواندن

2 / 4 1 فضیلت تلاوت قرآن و تشویق به آن

امام صادق علیه السلام:هر کس در ماه رمضان صدقه ای بدهد ، خداوندْ هفتاد نوع بلا را از او بر می گرداند.

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام:به نانخوران خود ، نیکی کنید و بر آنان توسعه دهید ، که من از عالِم علیه السلام (1) روایت می کنم که گفت: «خداوند ، روزه دار را بر آنچه در خوردنی و آشامیدنی خرج کرده ، محاسبه نمی کند و در این مورد ، اسرافی نیست».

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام:در این ماه مبارک ، زیاد قرآن بخوان و بر پیامبر خدا زیاد صلوات بفرست و زیاد صدقه بده و زیاد در لحظات شب و روز ، خدا را یاد کن و به برادران ، نیکی کن و تا می توانی به آنان با خودت افطاری بده ، که در این کار ، پاداشی بزرگ و اجری عظیم است.

ر . ک : ص 295 (آنچه هنگام افطار ، سزاوار است / صدقه) . ص 173 ، حدیث 224 .

2 / 4زیاد قرآن خواندن2 / 4 1فضیلت تلاوت قرآن و تشویق به آنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان آداب ماه رمضان :در این ماه ، زیاد قرآن بخوانید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در ماه رمضان آیه ای بخواند و یا تسبیحی بگوید ، برتریِ آن بر غیر ماه رمضان ، همچون برتریِ من بر امّت من است. پس خوشا به حال آن که رمضان را دریابد! خوشا به حال او!

.

1- .لقب امام کاظم علیه السلام است .

الإمام الباقر عليه السلام :لِكُلِّ شَى‌ءٍ رَبيعٌ ، ورَبيعُ القُرآنِ شَهرُ رَمَضانَ . (1)

الإقبال :اِعلَم أَ نَّهُ مَن بَلَغَ فَضلُ اللّهِ عَلَيهِ إلى أن يَكونَ مُتَصَرِّفا فِى العِباداتِ المَندوباتِ بِأمرٍ يَعرِفُهُ فى سِرِّهِ فَيَعتَمِدُ عَلَيهِ ، فَإِنَّهُ يَكونُ مِقدارُ قِراءَتِهِ فى شَهرِ رَمَضانَ بِقَدرِ ذلِكَ البَيانِ ، وَأمّا مَن كانَ مُتَصَرِّفا فِى القِراءَةِ بِحَسَبِ الأَمرِ الظّاهِرِ فِى الأَخبارِ ، فَإِنَّهُ بِحَسَبِ ما يَتَّفِقُ لَهُ مِنَ التَّفَرُّغِ وَالأَعذارِ . فَإِذا لَم يَكُن لَهُ عائِقٌ عَنِ استِمرارِ القِراءَةِ فى شَهرِ الصِّيامِ ، فَلْيَعمَل ما رُوِىَ عَن وَهبِ بنِ حَفصٍ عَن أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام ، قالَ : سَأَلتُهُ عَنِ الرَّجُلِ فى كَم يَقرَأُ القُرآنَ؟ قالَ : «فى سِتٍّ فَصاعِدا» . قُلتُ : فى شَهرِ رَمَضانَ؟ قالَ : «فى ثَلاثٍ فَصاعِدا» . (2)

الكافى عن علىّ بن أبى حمزه :دَخَلتُ عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فَقالَ لَهُ أبو بَصيرٍ : جُعِلتُ فِداكَ ! أقرَأُ القُرآنَ فى شَهرِ رَمَضانَ فى لَيلَةٍ؟ فَقالَ : «لا» . قالَ : فَفى لَيلَتَينِ؟ قالَ : «لا» . قالَ : فَفى ثَلاثٍ؟ قالَ : «ها» وأشارَ بِيَدِهِ (3) . ثُمَّ قالَ : «يا أبا مُحَمَّدٍ ، إنَّ لِرَمَضانَ حَقّا وحُرمَةً لا يُشبِهُهُ شَى‌ءٌ مِنَ الشُّهورِ ، وكانَ أصحابُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله يَقرَأُ أحَدُهُمُ القُرآنَ فى شَهرٍ أو أقَلَّ ؛ إنَّ القُرآنَ لا يُقرَأُ هَذرَمَةً ولكِن يُرَتَّلُ تَرتيلاً ، فَإِذا مَرَرتَ بِآيَةٍ فيها ذِكرُ الجَنَّةِ فَقِف عِندَها وسَلِ اللّهَ عز و جل الجَنَّةَ ، وإذا مَرَرتَ بِآيَةٍ فيها ذِكرُ النّارِ فَقِف عِندَها وتَعَوَّذ بِاللّهِ مِنَ النّارِ» . (4)

.

1- .الكافى : 2 / 630 / 10 ، ثواب الأعمال : 129 / 1 ، معانى الأخبار : 228 / 1 ، الأمالى للصدوق : 115 / 95 كلّها عن جابر ، المقنعه : 312 ، بحار الأنوار : 96 / 386 / 1 .
2- .الإقبال : 1 / 232 .
3- .«ها» كلمه تنبيه للمخاطب ينبّه به على ما يساق إليه من الكلام . و«أشار بيده» كأنّه أشار إليه أن يسكت (مرآه العقول : 12 / 505 و504) .
4- .الكافى : 2 / 617 / 2 .

امام باقر علیه السلام:هر چیزی بهاری دارد و بهار قرآن ، ماه رمضان است.

الإقبال:بدان که فضل خداوند ، هر گاه به کسی برسد ، در حدّی که به عبادت های مستحب (به سبب امری که آن را در نهان خویش می شناسد و بر آن اعتماد می کند) اقدام کند ، اندازه قرائتش در ماه رمضان به اندازه همان بیان (1) است. امّا هر کس به حسب دستور موجود در ظاهرِ احادیث ، اقدام به قرائت کند ، به هر مقدار که فرصت و مقدور باشد ، به همان اندازه خواهد بود. پس اگر مانعی از پیوسته خواندن قرآن در ماه روزه ندارد ، به آنچه از وهب بن حفص از امام صادق علیه السلام روایت شده ، عمل کند. وی گوید : از امام علیه السلامپرسیدم: یک فرد ، قرآن را در چه مدّت بخواند؟ فرمود: «در شش روز و بیشتر». گفتم : در ماه رمضان [، چه]؟ فرمود: «در سه روز و بیشتر».

الکافی به نقل از علی بن حمزه :خدمت امام صادق علیه السلامرسیدم. ابو بصیر به او عرض کرد: فدایت شوم ! آیا در ماه رمضان ، قرآن را در یک شب بخوانم؟ فرمود: «نه». گفت: در دو شب؟ فرمود: «نه». گفت: در سه شب؟ [امام علیه السلام] با اشاره دست فرمود : «آری». سپس فرمود: «ای ابو محمّد ! رمضان ، حق و حرمتی دارد که هیچ یک از ماه ها شبیه آن نیست. هر کدام از اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله قرآن را در یک ماه یا کمتر می خواند. قرآن نباید تندتند خوانده شود؛ بلکه با ترتیل و آرامش خوانده می شود. هر گاه به آیه ای رسیدی که یاد بهشت در آن است ، درنگ کن و از خدا بهشت بخواه ، و هر گاه به آیه ای رسیدی که یاد آتش در آن است ، بِایست و از آتش به درگاه خدا پناه ببر».

.

1- .مقصود ، قول معصوم است درباره ختم قرآن در ماه رمضان ، که در ادامه مطلب می آید .

الكافى عن علىّ بن أبى حمزه :سَأَلَ أبو بَصيرٍ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام وأنَا حاضِرٌ ، فَقالَ لَهُ : جُعِلتُ فِداکَ ! أقرَأُ القُرآنَ فى لَيلَهٍ؟ فَقالَ : «لا» ، فَقالَ : فى لَيلَتَينِ؟ فَقالَ : «لا» ، حَتّى بَلَغَ سِتَّ لَيالٍ ، فَأشارَ بِيَدِهِ فَقالَ : «ها» . ثُمَّ قالَ أبو عَبدِ اللّهِ عليه السلام : «يا أبا مُحَمَّدٍ ، إنَّ مَن كانَ قَبلَكُم مِن أصحابِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آلهكانَ يَقرَأُ القُرآنَ فى شَهرٍ وأقَلَّ؛إنَّ القُرآنَ لا يُقرَأُ هَذرَمَهً ولكِن يُرَتَّلُ تَرتيلاً ، إذا مَرَرتَ بِآيَهٍ فيها ذِكرُ النّارِ وَقَفتَ عِندَها وتَعَوَّذتَ بِاللّهِ مِنَ النّارِ» . فَقالَ أبو بَصيرٍ : أقرَأُ القُرآنَ فى رَمَضانَ فى لَيلَهٍ؟ فَقالَ : «لا» ، فَقالَ : فى لَيلَتَينِ؟ فَقالَ : «لا» ، فَقالَ : فى ثَلاثٍ؟ فَقالَ : «ها وأومَأ بِيَدِهِ . نَعَم ، شَهرُ رَمَضانَ لا يُشبِهُهُ شَىءٌ مِنَ الشُّهورِ ، لَهُ حَقٌّ وحُرمَهٌ ، أكثِر مِنَ الصَّلاهِ مَا استَطَعتَ». (1)

الإقبال عن علىّ بن المغيره عن أبى الحسن عليه السلام (2) ، قال : قُلتُ لَهُ : إنَّ أبى سَأَلَ جَدَّکَ عليه السلامعَن خَتمِ القُرآنِ فى كُلِّ لَيلَهٍ ، فَقالَ لَهُ : «فى شَهرِ رَمَضانَ ، قالَ : اِفعَل فيهِ مَا استَطَعتَ» . فَكانَ أبى يَختِمُهُ أربَعينَ خَتمَهً فى شَهرِ رَمَضانَ ، ثُمَّ خَتَمتُهُ بَعدَ أبى فَرُبَّما زِدتُ ورُبَّما نَقَصتُ ، وإنَّما يَكونُ ذلِکَ عَلَى قَدرِ فَراغى وشُغلى ونَشاطى وكَسَلى ، فَإذا كانَ يَومُ الفِطرِ جَعَلتُ لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله خَتمَهً ولِفاطِمَهَ عليهاالسلام خَتمَهً ولِلأَئِمَّهِ عليهم السلام خَتمَهً حَتّى انتَهَيتُ إلَيکَ (3) فَصَيَّرتُ لَکَ واحِدَهً مُنذُ صِرتُ فى هذِهِ الحالِ ، فَأىُّ شَىءٍ لى بِذلِکَ؟ قالَ : «لَکَ بِذلِکَ أن تَكونَ مَعَهُم يَومَ القِيامَهِ» . قُلتُ : اللّهُ أكبَرُ! فَلى بِذلِکَ؟ قالَ : «نَعَم» ثَلاثَ مَرّاتٍ . (4)

.

1- .الكافى : 2 / 618 / 5 .
2- .الظاهر أنّه الإمام الكاظم عليه السلام ، وعلىّ بن المغيره المذكور هو من أصحاب الصادق عليه السلام .
3- .فى المصدر : «إليه» بدل «إليک» ، والصحيح ما أثبتناه كما فى المصادر الأُخرى .
4- .الإقبال : 1 / 231 ، الكافى : 2 / 618 / 4 ، المقنعه : 312 كلاهما نحوه ، روضه الواعظين : 373 ، بحار الأنوار : 98 / 5 / 2 .

الکافی به نقل از علی بن ابی حمزه :ابو بصیر از امام صادق علیه السلامسؤال کرد و من نیز حضور داشتم . او به ایشان گفت : فدایت شوم! آیا قرآن را در یک شب بخوانم؟ فرمود : «نه» . گفت : در دو شب [، چه]؟ فرمود : «نه» . تا این که به شش شب رسید . [امام علیه السلام] همراه با اشاره دست فرمود : «آری» . امام صادق علیه السلام سپس فرمود : «ای ابو محمّد! همانا پیشینیانِ شما از اصحاب محمّد صلی الله علیه و آله ، قرآن را در یک ماه و کمتر ، می خواندند . قرآن نباید تندتند خوانده شود؛ بلکه با ترتیل و آرامش خوانده می شود . هر گاه به آیه ای رسیدی که یاد آتش در آن است ، می ایستی و از آتش به درگاه خدا پناه می بری» . ابو بصیر گفت: آیا در [ماه] رمضان ، قرآن را در یک شب بخوانم؟ فرمود: «نه» . گفت: در دو شب؟ فرمود: «نه». گفت: در سه شب؟ امام علیه السلام همراه با اشاره دست فرمود: «آری. هیچ یک از ماه ها مثل ماه رمضان نیست و آن ، حق و حرمتی دارد. تا می توانی ، نماز بخوان».

الإقبال به نقل از علی بن مغیره :به ابو الحسن علیه السلام (1) گفتم: پدرم از جدّ تو درباره ختم قرآن در هر شب پرسید و وی به او فرمود: «در ماه رمضان ، هر چه می توانی ، بکن». از این رو پدرم در ماه رمضان ، چهل قرآن ختم می کرد. من نیز پس از پدرم ، قرآن ختم می کنم؛ گاهی بیشتر و گاهی کمتر. این ، به خاطر فراغت یا گرفتاری ، نشاط و یا بی حالی من است. پس چون عید فطر می شود ، یک ختم برای پیامبر خدا ، یک ختم برای فاطمه علیهاالسلام و یک ختم هم برای امامان علیهم السلامقرار می دهم تا به شما برسم و یک ختم هم برای شما قرار می دهم ، از وقتی که در این حال قرار گرفته ام. من در مقابل این ، چه پاداشی دارم؟ فرمود: «پاداش تو برای این کار ، آن است که در قیامت با آنان باشی». گفتم: اللّه أکبر! من چنین پاداشی دارم؟ سه بار فرمود: «آری».

.

1- .ظاهرا مقصود ، امام کاظم علیه السلام است؛ چون علی بن مغیره که در روایت ، از او یاد شده از اصحاب امام صادق علیه السلاماست [و می توانسته از امام هفتم روایت کند] .

2 / 4 2الدُّعاءُ عِندَ تِلاوَهِ القُرآنِالإقبال :عَن عَلِيِّ بنِ مَيمونِ الصّائِغِ أبِی الأكرادِ عَن أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام أ نَّهُ كانَ مِن دُعائِهِ إذا أخَذَ مُصحَفَ القُرآنِ وَالجامِعَ قَبلَ أن يَقرَأَ القُرآنَ وقَبلَ أن يَنشُرَهُ ، يَقولُ حينَ يَأخُذُهُ بِيَمينِهِ : بِاسمِ اللّهِ ، اللّهُمَّ إنّی أشهَدُ أنَّ هذا كِتابُكَ المُنزَلُ مِن عِندِكَ عَلی رَسولِكَ مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ اللّهِ صَلَّی اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ ، وكِتابُكَ النّاطِقُ عَلی لِسانِ رَسولِكَ ، وفيهِ حُكمُكَ وشَرائِعُ دينِكَ ، أنزَلتَهُ عَلی نَبِيِّكَ ، وجَعَلتَهُ عَهداً مِنكَ إلی خَلقِكَ ، وحَبلاً مُتَّصِلاً فيما بَينَكَ وبَينَ عِبادِكَ . اللّهُمَّ إنّی نَشَرتُ عَهدَكَ وكِتابَكَ ، اللّهُمَّ فَاجعَل نَظَری فيهِ عِبادَهً ، وقِراءَتی تَفَكُّراً ، وفِكری اعتِباراً ، وَاجعَلنی مِمَّن اتَّعَظَ بِبَيانِ مَواعِظِكَ فيهِ ، وَاجتَنَبَمعاصِيَكَ ، ولا تَطبَع عِندَ قِراءَتی كِتابَكَ عَلی قَلبی ولا عَلی سَمعی ، ولا تَجعَل عَلی بَصَری غِشاوَهً ، ولا تَجعَل قِراءَتی قِراءَهً لا تَدَبُّرَ فيها ، بَل اجعَلنی أتَدَبَّرُ آياتِهِ وأحكامَهُ ، آخِذاً بِشَرائِعِ دينِكَ ، ولا تَجعَل نَظَری فيهِ غَفلَهً ، ولا قِراءَتی هَذرَمَهً ، إنَّكَ أنتَ الرَّؤوفُ الرَّحيمُ . (1)

.

1- .الإقبال : 1 / 231 ، الاختصاص : 141 ، مكارم الأخلاق : 2 / 140 / 2350 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 98 / 5 / 2 وج 92 / 207 / 4 .

2 / 4 2دعای تلاوت قرآنالإقبال به نقل از علی بن میمون زرگر(ابو الأکراد) :امام صادق علیه السلام ، هر گاه قرآن را برای خواندن به دست می گرفت ، پیش از آن که آن را بگشاید ، وقتی آن را در دست راست خود می گرفت ، می گفت: «به نام خدا. خداوندا ! گواهی می دهم این ، کتاب توست که از سوی تو بر فرستاده ات محمّد بن عبد اللّه که درود خدا بر او و خاندانش باد نازل شده است ، و کتابِ گویای توست بر زبان فرستاده ات و در آن است حکم و قوانین دین تو که آن را بر پیامبرت فرو فرستادی و آن را پیمانی از سوی خود با آفریدگانت و ریسمانی پیوسته میان خود و بندگانت قرار دادی. خدایا ! پیمان و کتاب تو را گشوده ام. خداوندا ! نگاهم را به آن ، عبادت قرار بده و خواندنم را تفکّر ، و اندیشیدنم را پندگیری ! مرا از آنانی قرار بده که از بیان پندهای تو در آن ، پند می گیرند و از نافرمانی تو می پرهیزند ! و آن گاه که کتاب تو را می خوانم ، بر دل و گوشم مُهر نزن و بر چشمم پرده نیفکن و خواندنم را خواندنی بی تدبّر قرار مده؛ بلکه چنانم ساز که در آیه ها و احکامش تدبّر کنم و قوانین دین تو را عمل نمایم ! و نگاهم را در آن ، غفلت و قرائتم را شتاب زده (در هم آمیخته) قرار مده ! همانا تو دلسوز و مهربانی».

.

الإقبال :عَن عَلِیِّ بنِ مَیمونِ الصّائِغِ أبِی الأَکرادِ عَن أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام ... یَقولُ عِندَ الفَراغِ مِن قِراءَهِ بَعضِ القُرآنِ العَظیمِ : اللّهُمَّ إنّی قَرَأتُ ما قَضَیتَ لی مِن کِتابِکَ الَّذی أنزَلتَهُ عَلی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیهِ ورَحمَتُکَ ، فَلَکَ الحَمدُ رَبَّنا ولَکَ الشُّکرُ والمِنَّهُ عَلی ما قَدَّرتَ ووَفَّقتَ . اللّهُمَّ اجعَلنی مِمَّن یُحِلُّ حَلالَکَ ، ویُحَرِّمُ حَرامَکَ ، ویَجتَنِبُ مَعاصِیَکَ ، ویُؤمِنُ بِمُحکَمِهِ ومُتَشابِهِهِ ، وناسِخِهِ ومَنسوخِهِ ، وَاجعَلهُ لی شِفاءً ورَحمَهً ، وحِرزاً وذُخراً . اللّهُمَّ اجعَلهُ لی اُنساً فی قَبری ، واُنساً فی حَشری ، واُنساً فی نَشری ، وَاجعَل لی بَرَکَهً بِکُلِّ آیَهٍ قَرَأتُها ، وَارفَع لی بِکُلِّ حَرفٍ دَرَستُهُ دَرَجَهً فی أعلی عِلِّیِّینَ ، آمینَ یا رَبَّ العالَمینَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وصَفِیِّکَ ونَجِیِّکَ ودَلیلِکَ ، وَالدّاعی إلی سَبیلِکَ ، وعَلی أمیرِ المُؤمِنینَ وَلِیِّکَ وخَلیفَتِکَ مِن بَعدِ رَسولِکَ ، وعَلی أوصِیائِهِمَا المُستَحفَظینَ دینَکَ ، المُستَودَعینَ حَقَّکَ ، وَالمُستَرعَینَ خَلقَکَ ، وعَلَیهِم أجمَعینَ السَّلامُ ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَکاتُهُ . (1)

وانظر : الکافی : ج 2 ، ص 573 ، ح 1 .

.

1- .الإقبال : 1 / 233 ، الاختصاص : 141 نحوه ، مکارم الأخلاق : 2 / 141 / 2351 مختصراً ، بحار الأنوار : 98 / 7 / 2 وج 92 / 208 / 4 .

الإقبال به نقل از علی بن میمون زرگر :امام صادق علیه السلام ، هر گاه از قرائت بخشی از قرآن کریم فارغ می شد ، می گفت: «خداوندا! آنچه را از کتابت بر من مقدّر فرمودی ، خواندم ؛ کتابی که بر پیامبرت محمّد که درود و رحمت تو بر او باد نازل کردی. پروردگارا! تو را حمد و سپاس و منّت که ما را توان و توفیق بخشیدی. خداوندا! مرا از آنانی قرار بده که حلال تو را حلال می شمارند و حرام تو را حرام می دانند و از نافرمانی هایت پرهیز می کنند و به محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ آن ، ایمان دارند ، و قرآن را برایم شفا و رحمت و پناهگاه و ذخیره قرار بده! خداوندا! آن را همدم من در گورم و مونس من در حشر و نشرم در قیامت قرار بده! با هر آیه ای که خواندم ، برایم برکتی قرار بده و با هر حرفی که مرور کردم ، مرا در بالاترین درجات بهشت ، درجه ای بالا ببر! آمین ، ای پروردگار جهانیان! خداوندا! بر پیامبر و برگزیده و هم سخن و راهنمایت و دعوتگر به راهت ، محمّد ، درود فرست و نیز بر علی ، امیر مؤمنان ، ولیّ تو و جانشین تو پس از فرستاده ات ، و بر جانشینان آنان که عهده دار حفظ دین تو و به ودیعت گیرندگان حقّ تو و عهده داران کار بندگانت هستند! سلام و رحمت و برکات الهی بر همه آنان باد!».

ر . ک : الکافی : 2 / 573 / 1 .

.

2 / 4 3الدُّعاءُ عِندَ خَتمِ القُرآنِمصباح المتهجّد :كانَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام إذا خَتَمَ القُرآنَ قالَ : اللّهُمَّ اشرَح بِالقُرآنِ صَدرى ، وَاستَعمِل بِالقُرآنِ بَدَنى ، ونَوِّر بِالقُرآنِ بَصَرى ، وأطلِق بِالقُرآنِ لِسانى ، وأعِنّى عَلَيهِ ما أبقَيتَنى ؛ فَإِنَّهُ لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلاّ بِكَ . (1)

الإمام علىّ عليه السلام :حَبيبى رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وسلم أمَرَنى أن أدعُوَ بِهِنَّ عِندَ خَتمِ القُرآنِ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ إخباتَ المُخبِتينَ،وإخلاصَ المُوقِنينَ ، ومُرافَقَةَ الأبرارِ، وَاستِحقاقَ حَقائِقِ الإيمانِ ، وَالغَنيمَةَ مِن كُلِّ بِرٍّ ، وَالسَّلامَةَ مِن كُلِّ إثمٍ ، ووُجوبَ رَحمَتِكَ ، وعَزائِمَ مَغفِرَتِكَ ، وَالفَوزَ بِالجَنَّةِ ، وَالنَّجاةَ مِنَ النّارِ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام كانَ مِمّا يَدعو بِهِ عِندَ خَتمِ القُرآنِ :اللّهُمَّ إنَّكَ أعَنتَنى عَلى خَتمِ كِتابِكَ الَّذي أنزَلتَهُ نوراً (3) ، وَجَعَلتَهُ مُهَيمِناً عَلى كُلِّ كِتابٍ أنزَلتَهُ ، وفَصَّلتَهُ عَلى كُلِّ حَديثٍ قَصَصتَهُ ، وفُرقاناً فَرَقتَ بِهِ بَينَ حَلالِكَ وحَرامِكَ ، وقُرآناً أعرَبتَ بِهِ عَن شَرائِعِ أحكامِكَ ، وكِتاباً فَصَّلتَهُ لِعِبادِكَ تَفصيلاً ، ووَحياً أنزَلتَهُ عَلى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيهِ وآلِهِ تَنزيلاً ، وجَعَلتَهُ نوراً نَهتَدى مِن ظُلَمِ الضَّلالَةِ وَالجَهالَةِ بِاتِّباعِهِ ، وشِفاءً لِمَن أنصَتَ (4) بِفَهمِ التَّصديقِ إلَى اَستِماعِهِ،وميزانَ قِسطٍ لا يَحيفُ عَنِ الحَقِّ لِسانُهُ،ونورَ هُدىً لا يُطفَأُ عَنِ الشّاهِدينَ بُرهانُهُ ، وعَلَمَ نَجاةٍ لا يَضِلُّ مَن أمَّ قَصدَ سُنَّتِهِ ، ولا تَنالُ أيدِى الهَلَكاتِ مَن تَعَلَّقَ بِعُروَةِ عِصمَتِهِ. اللّهُمَّ فَإذ أفَدتَنَا المَعونَةَ عَلى تِلاوَتِهِ ، وسَهَّلتَ جَواسِىَ ألسِنَتِنا بِحُسنِ عِبارَتِهِ ، فَاجعَلنا مِمَّن يَرعاهُ حَقَّ رِعايَتِهِ ، ويَدينُ لَكَ بِاعتِقادِ التَّسليمِ لِمُحكَمِ آياتِهِ ، ويَفزَعُ إلَى الإقرارِ بِمُتَشابِهِهِ وموضِحاتِ بَيِّناتِهِ (5) . اللّهُمَّ إنَّكَ أنزَلتَهُ عَلى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ مُجمَلاً (6) ، وألهَمتَهُ عِلمَ عَجائِبِهِ مُكمَلاً (7) ، ووَرَّثتَنا عِلمَهُ مُفَسَّراً ، وفَضَّلتَنا عَلى مَن جَهِلَ عِلمَهُ ، وقَوَّيتَنا عَلَيهِ لِنَترفَعَنا فَوقَ مَن لَم يُطِق حَملَهُ . اللّهُمَّ فَكَما جَعَلتَ قُلوبَنا لَهُ حَمَلَةً ، وعَرَّفتَنا بِرَحمَتِكَ شَرَفَهُ وفَضلَهُ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ الخَطيبِ بِهِ ، وعَلى آلِهِ الخُزّانِ لَهُ ، وَاجعَلنا مِمَّن يَعتَرِفُ بِأنَّهُ مِن عِندِكَ حَتّى لا يُعارِضَنَا الشَّكُّ فى تَصديقِهِ ، ولا يَختَلِجَنَا الزَّيغُ عَن قَصدِ طَريقِهِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجعَلنا مِمَّن يَعتَصِمُ بِحَبلِهِ ، ويَأوى مِنَ المُتَشابِهاتِ إلى حِرزِ مَعقِلِهِ ويَسكُنُ فى ظِلِّ جَناحِهِ ، ويَهتَدى بِضَوءِ صَباحِهِ (8) ، ويَقتَدى بِتَبَلُّجِ إسفارِهِ ، ويَستَصبِحُ بِمِصباحِهِ ، ولا يَلتَمِسُ الهُدى فى غَيرِهِ . اللّهُمَّ وكَما نَصَبتَ بِهِ مُحَمَّداً عَلَماً لِلدَّلالَةِ عَلَيكَ ، وأنهَجتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضا (9) إلَيكَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجعَلِ القُرآنَ وَسيلَةً لَنا

إلى أشرَفِ مَنازِلِ الكَرامَهِ ، وسُلّماً نَعرُجُ فيهِ إلى مَحَلِّ السَّلامَهِ ، وسَبَباً نَجزى بِهِ النَّجاهَ فى عَرصَهِ القِيامَهِ ، وذَريعَهً نَقدُمُ بِها عَلى نَعيمِ دارِ المُقامَهِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاحطُط بِالقُرآنِ عَنّا ثِقلَ الأَوزارِ ، وهَب لَنا حُسنَ شَمائِلِ الأَبرارِ ، وَاقفُ بِنا آثارَ الَّذينَ قاموا لَکَ بِهِ آناءَ اللَّيلِ وأطرافَ النَّهارِ ، حَتّى تُطَهِّرَنا مِن کُلِّ دَنَسٍ بِتَطهيرِهِ ، وتَقفُوَ بِنا آثارَ الَّذينَ استَضاؤوا بِنورِهِ ، ولَم يُلهِهِمُ الأَمَلُ عَنِ العَمَلِ فَيَقطَعَهُم بِخُدَعِ غُرورِهِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجعَلِ القُرآنَ لَنا فى ظُلَمِ اللَّيالى مُؤنِساً ، ومِن نَزَغاتِ الشَّيطانِ وخَطَراتِ الوَسواسِ حارِساً ، ولِأَقدامِنا عَنِ نَقلِها إلَى المَعاصى حابِساً ، ولِأَلسِنَتِنا عَنِ الخَوضِ فِى الباطِلِ مِن غَيرِ ما آفَهٍ مُخرِساً ، ولِجَوارِحِنا عَنِ اقتِرافِ الآثامِ زاجِراً ، ولِما طَوَتِ الغَفلَهُ عَنّا مِن تَصَفُّحِ الاِعتِبارِ ناشِراً (10) ، حَتّى توصِلَ إلى قُلوبِنا فَهمَ عَجائِبِهِ ، وزاجِرَ أمثالِهِ الَّتى ضَعُفَتِ الجِبالُ الرَّواسى عَلى صَلابَتِها عَنِ احتِمالِهِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأدِم بِالقُرآنِ صَلاحَ ظاهِرِنا ، وَاحجُب بِهِ خَطَراتِ الوَسواسِ عَن صِحَّهِ ضَمائِرِنا ، وَاغسِل بِهِ دَرَنَ قُلوبِنا وعَلائِقَ أوزارِنا ، وَاجمَع بِهِ مُنتَشَرَ اُمورِنا ، وَارو بِهِ فى مَوقِفِ العَرضِ (11) عَلَيکَ ظَمَأَ هَواجِرِنا ، وَاکسُنا بِهِ حُلَلَ الأَمانِ يَومَ الفَزَعِ الأَکبَرِ فى نُشورِنا . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجبُر بِالقُرآنِ خَلَّتَنا مِن عَدَمِ الإِملاقِ ، وسُق إلَينا بِهِ رَغَدَ العَيشِ وخِصبَ (12) سَعَهِ الأَرزاقِ ، وجَنِّبنا بِهِ الضَّرائِبَ المَذمومَهَ ومَدانِيَ الأَخلاقِ ، وَاعصِمنا بِهِ مِن هُوَّهِ (13) الکُفرِ ودَواعِى النِّفاقِ ، حَتّى يَکونَ لَنا فِى القِيامَهِ إلى رِضوانِکَ وَجِنانِکَ قائِداً ، ولَنا فِى الدُّنيا عَن سَخَطِکَ وَتَعَدّى حُدودِکَ ذائِداً ولِما عِندَکَ بِتَحليلِ حَلالِهِ وتَحريمِ حَرامِهِ شاهِداً . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ وهَوِّن بِالقُرآنِ عِندَ المَوتِ عَلى أنفُسِنا کَربَ السِّياقِ وجَهدَ الأَنينِ وتَرادُفَ الحَشارِجِ إذا بَلَغَتِ النُّفوسُ التَّراقِىَ وقيلَ : مَن راقٍ (14) وتَجَلّى مَلَکُ المَوتِ لِقَبضِها مِن حُجُبِ الغُيوبِ ، ورَماها عَن قَوسِ المَنايا بِأسهُمِ وَحشَهِ الفِراقِ ، ودافَ لَها مِن ذُعافِ (15) المَوتِ کَأساً مَسمُومَهَ المَذاقِ ، ودَنا مِنّا إلَى الآخِرَهِ رَحيلٌ وَانطِلاقٌ ، وصارَتِ الأَعمالُ قَلائِدَ فِى الأَعناقِ ، وکانَتِ القُبورُ هِىَ المَأوى إلى ميقاتِ يَومِ التَّلاقِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وبارِک لَنا فى حُلولِ دارِ البِلى وطولِ المُقامَهِ بَينَ أطباقِ الثَّرى ، وَاجعَلِ القُبورَ بَعدَ فِراقِ الدُّنيا خَيرَ مَنازِلِنا ، وَافسَح لَنا بِرَحمَتِکَ فى ضيقِ مَلاحِدِنا ، ولا تَفضَحنا فى حاضِرِى القِيامَهِ بِموبِقاتِ آثامِنا ، وَارحَم بِالقُرآنِ فى مَوقِفِ العَرضِ عَلَيکَ ذُلَّ مُقامِنا ، وثَبِّت بِهِ عِندَ اضطِرابِ جِسرِ جَهَنَّمَ يَومَ المَجازِ عَلَيها زَلَلَ أقدامِنا ، ونَوِّر بِهِ قَبلَ البَعثِ سُدَفَ قُبورِنا ، ونَجِّنا بِهِ مِن کُلِّ کَربِ يَومَ القِيامَهِ ، وشَدائِدِ أهوالِ يَومِ الطّامَّهِ ، وبَيِّض وُجوهَنا يَومَ تَسوَدُّ وُجوهُ الظَّلَمَهِ فى يَومِ الحَسرَهِ وَالنَّدامَهِ ، وَاجعَل لَنا فى صُدورِ المُؤمِنينَ وُدّاً ، ولا تَجعَلِ الحَياهَ عَلَينا نَکَداً . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ کَما بَلَّغَ رِسالَتَکَ ، وصَدَعَ بِأمرِکَ ، ونَصَحَ لِعِبادِکَ . اللّهُمَّ اجعَل نَبِيَّنا صَلَواتُکَ عَلَيهِ وعَلى آلِهِ يَومَ القِيامَهِ

أقرَبَ النَّبِيِّينَ مِنکَ مَجلِساً ، وأمکَنَهُم مِنکَ شَفاعَةً ، وأجَلّهُم عِندَکَ قَدراً وأوجَهَهُم عِندَکَ جاهاً . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وشَرِّف بُنيانَهُ ، وعَظِّم بُرهانَهُ ، وثَقِّل ميزانَهُ ، وتَقَبَّل شَفاعَتَهُ ، وقَرِّب وَسيلَتَهُ ، وبَيِّض وَجهَهُ وأتِمَّ نورَهُ ، وَارفَع دَرَجَتَهُ ، وأحيِنا عَلى سُنَّتِهِ ، وتَوَفَّنا عَلى مِلَّتِهِ ، وخُذ بِنا مِنهاجَهُ ، وَاسلُک بِنا سَبيلَهُ ، وَاجعَلنا مِن أهلِ طاعَتِهِ ، وَاحشُرنا فى زُمرَتِهِ ، وأوردِنا حَوضَهُ ، وَاسقِنا بِکَأسِهِ . وصَلِّ اللّهُمَّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ صَلاةً تُبَلِّغُهُ بِها أفضَلَ ما يَأمُلُ مِن خَيرِکَ وفَضلِکَ وکَرامَتِکَ ، إنَّکَ ذو رَحمَةٍ واسِعَةٍ وفَضلٍ کَريمٍ . اللّهُمَّ اجزِهِ بِما بَلَّغَ مِن رِسالاتِکَ ، وأدّى مِن آياتِکَ ، ونَصَحَ لِعِبادِکَ ، وجاهَدَ فى سَبيلِکَ ، أفضَلَ ما جَزَيتَ أحَداً مِن مَلائِکَتِکَ المُقَرَّبينَ ، وَأنبِيائِکَ المُرسَلينَ المُصطَفَينَ ، وَالسَّلامُ عَلَيهِ وعَلى آلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ وَرَحمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ . (16)

.

1- .مصباح المتهجّد : 323 / 431 ، بحار الأنوار : 92 / 209 / 6 .
2- .مكارم الأخلاق : 2 / 139 / 2349 ، بحارالأنوار : 92 / 206 / 1 ، المناقب للخوارزمى : 86 / 76 ، كنز العمّال : 2 / 351 / 4221 نقلاً عن ابن النجّار وكلاهما عن زرّ بن حبيش .
3- .فى مصباح المتهجّد : «نوراً وهدىً» .
4- .فى الإقبال : «أنعمت» .
5- .فى مصباح المتهجّد : «ومحكم تبيانه» .
6- .فى مصباح المتهجّد : «متفرّقاً» .
7- .فى مصباح المتهجّد : «مجملاً» .
8- .فى مصباح المتهجّد : «مصباحه» .
9- .فى الإقبال : «الوصول» .
10- .فى الإقبال : «ناشداً» .
11- .فى الإقبال : «الأرض».
12- .فى الإقبال : «وخضب» .
13- .فى مصباح المتهجّد : «هبوه» .
14- .إشاره إلى الآيتين 26 و 27 من سوره القيامه .
15- .فى الإقبال : «ضعاف» ، وفى مصباح المتهجّد : «من ذعاف مراره الموت». والذُّعاف : السمُّ . ومَوتٌ ذُعافٌ : أى سريع يعجِّل القتل (الصحاح : 4 / 1361).
16- .الصحيفه السجاديه : 157 الدعاء 42 ، مصباح المتهجّد : 519/603، الإقبال : 1/450 عن محمّد بن عبد اللّه بن المطلب الشيبانى بإسناده ؛

ينابيع الموده : 3 / 417 مختصراً .

2 / 4 3دعای ختم قرآنمصباح المتهجّد:هر گاه امیر مؤمنان علیه السلام قرآن را ختم می کرد ، می گفت: «خداوندا! سینه ام را با قرآن گشایش بده و بدنم را با قرآن به کار گیر و چشمم را با قرآن فروغ بخش و زبانم را با قرآن گویا ساز و تا زنده ام ، مرا در این کار ، یاری کن! همانا هیچ توان و قدرتی نیست ، مگر به تو».

امام علی علیه السلام:حبیب من ، پیامبر خدا ، مرا دستور داد که هنگام ختم قرآن ، چنین دعا بخوانم: «خداوندا! از تو می خواهم خشوع خاشعان ، اخلاص اهل یقین ، دوستی با نیکان ، شایستگی برای حقایق ایمان ، بهره مندی از هر نیکی ، سلامت از هر گناه ، لزوم رحمتت ، آمرزش های حتمی ات ، رسیدن به بهشت ، و رهایی از آتش را».

866.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام سجّاد علیه السلام در دعایش هنگام ختم قرآن :خداوندا! تو مرا بر ختم کتاب خویش یاری کردی؛ کتابی که آن را روشنگر فرو فرستادی و آن را بر هر کتابی که نازل کرده ای ، گواه و غالب قرار دادی و آن را بر هر سخنی که برخوانده ای ، برتری دادی و آن را معیاری ساختی و با آن میان حلال و حرامت جدایی انداختی؛ قرآنی که با آن ، قوانین احکام خود را آشکار ساختی و کتابی که آن را برای بندگانت تفصیل دادی و وحیی که آن را بر پیامبرت محمّد که درود تو بر او باد نازل کردی و آن را فروغی قرار دادی که با پیروی از آن ، راه را از تاریکی های گم راهی و نادانی باز می شناسیم ، و نیز درمانی برای هر کس که از سر فهم و تصدیق ، به آن گوش فرا دهد ، و میزانی برای قسط که زبانش از حق برنمی گردد و نور هدایتی که بُرهان آن برای شاهدان ، خاموش نمی شود و پرچم نجاتی که هر کس روش آن را پیروی کند ، گم راه نمی گردد و هر کس به دستگیره عصمتش بیاویزد ، دست های هلاکت به آن نمی رسد.

خداوندا! حال که با یاری بر تلاوتش ، سودمان بخشیدی و گره های زبانمان را با عبارت های نیکویش روان ساختی ، پس ما را از آنانی قرار ده که آن را چنان که سزاوار است ، رعایتش می کنند و با اعتقاد به تسلیم بودن در برابر آیات محکمش ، تو را بندگی می کنند و به اقرار به متشابهات آن و دلایل روشن و روشنگرش ، پناه می برند!

خداوندا! آن را بر پیامبرت محمّد صلی الله علیه و آله ، سربسته نازل کردی و دانش شگفتی هایش را به طور کامل به او الهام کردی و علمِ آن را با تفسیرش به ما ارث دادی (1) و ما را بر آن که از علم آن ناآگاه است ، برتری بخشیدی و ما را بر او نیرومند ساختی ، تا ما را فراتر از کسی سازی که توان حمل دانش آن را نداشت.

خداوندا! آن گونه که دل های ما را حامل حقایقش ساختی و با رحمت خویش ، شرافت و برتری آن را به ما آموختی ، بر محمّد ، که زبان گویای آن بود ، و بر خاندانش ، که نگهبانان آن اند ، درود فرست و ما را از آنانی ساز که معترف اند قرآن از سوی توست ، تا تردیدی در تصدیق آن بر ما پیش نیاید و انحرافی از راه میانه اش ، گریبانگیرمان نشود!

خداوندا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را از آنانی قرار بده که به ریسمانش می آویزند و از متشابهات ، به پناهگاه نگه دارنده اش پناه می برند و در سایه بال رحمتش می آرمند و با روشنی بامدادش راه می یابند و به پرتو روشنگرش اقتدا می کنند و از چراغ آن نور می گیرند و از غیر آن ، هدایت نمی جویند!

خداوندا! همان گونه که با آن ، محمّد را نشانه ای برای راهنمایی بر خویش قرار دادی و با خاندانش راه های رسیدن به رضای خود را روشن کردی ، بر محمّد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما وسیله رسیدن به والاترین جایگاه های کرامت قرار بده ، و نیز نردبانی که با بالا رفتن از آن به جایگاه ایمنی برسیم ، و سببی که در عرصه قیامت با آن به سوی نجات گذر کنیم ، و وسیله ای که با آن بر نعمت های سرای ابدی وارد شویم!

خداوندا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و به سبب قرآن ، سنگینی بارها[ی گناه]را از دوش ما بردار و ویژگی های خوب نیکان را به ما عطا کن و ما را در پیِ آنانی روان کن که در دل شب و ساعات روز به تلاوت و عمل به آن برخاستند تا با پاک کنندگی اش ، ما را از هر آلودگی پاک کنی و ما را در پیِ آنانی روان سازی که از نورش روشنی گرفتند و آرزو ، از عمل ، مشغولشان نساخت تا آنان را با فریب های غرورش از میان بردارد!

خداوندا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و قرآن را در تاریکی شب ها مونس ما ، و در کشش ها و گذر وسوسه های شیطانی بر دل ، نگهدارمان قرار بده و آن را نگهدارِ گام های ما از رفتن به سوی گناهان ، و لال کننده

زبانمان از فرو رفتن در باطل بی آن که آفتی یابد ، و بازدارنده اعضایمان از ارتکاب جرائم ، و گستراننده طوماری که غفلت از پندگیری ، آن را در هم پیچانده ، قرار بده تا فهمیدن عجایبش را و مَثَل های بازدارنده اش را که کوه های استوار با همه صلابتشان از تحمّل آن ناتوان اند ، به دل های ما برساند !

خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و به سبب قرآن ، آراستگیِ ظاهرمان را تداوم بخش و آن را مانعی در برابر رخنه وسوسه ها به سلامت درونمان ، قرار ده و با آن ، آلودگی دل هایمان را بشوی و رشته های وابستگی را از ما بگسل ، و به سبب آن ، از هم پاشیدگی کارهایمان را سامان بخش و در هنگامه عرضه شدن ما به حضورت [در روز واپسین] ، با آن همه تشنگی ، گرمای قیامت ما را خاموش کن و در قیامت ، در روز وحشتِ بزرگ ، به سبب آن ، جامه های امن و امان بر ما بپوشان !

خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و به برکت قرآن ، کمبود ما را جبران کن که تهی دست نباشیم و آسایش زندگی و فراوانی و گستردگیِ روزی را به برکت آن ، به سویمان روان گردان و با آن ، ما را از خوی های ناپسند و اخلاق پست دور کن و از پرتگاه کفر و انگیزه های نفاق نگه دار تا در قیامت ، پیشوای ما در رسیدن به خشنودی و بهشت تو گردد و در دنیا از خشم تو و تعدّی از حدود تو بازدارنده باشد و در حلال شمردن حلالش و حرام دانستن حرامش ، برای آنچه نزد توست ، گواه باشد !

خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و به برکت قرآن ، در هنگام مرگ ، سختی جان کندن و رنجِ نالیدن و به شماره افتادن نَفَس ها را بر ما آسان گردان ، آن گاه که جانِ ها به گلوگاه می رسند و گفته می شود: «کیست که شفا بخشد؟» (2) ، آن گاه که فرشته مرگ برای جان ستاندن ، از حجاب های غیبی چهره می نماید و از کمان مرگ ها ، تیرهای وحشت جدایی را به سوی آنها پرتاب می کند و از شرنگ مرگ ، جامی زهرآگین برایشان در هم می آمیزد و رفتن و کوچیدن ما به آخرت ، نزدیک می شود و کارها همچون گردن بند ، در گردن ها می آویزد و گورها جایگاه ما تا روز دیدار (قیامت) خواهد شد !

خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و در آمدن ما را به سرای فرسودگی و ماندن درازمدّت ما را در میان طبقات خاک ، بر ما مبارک گردان و گورها را پس از جدایی از دنیا ، بهترین منزلگاه های ما قرار بده و با رحمت خویش ، تنگنای گورهایمان را بر ما بگستران و ما را به خاطر

گناهانِ هلاکت بارمان نزد حاضران در عرصه قیامت رسوا مگردان و به برکت قرآن ، در جایگاهی که ما را بر تو عرضه می کنند ، بر خواری جایگاه ما ترحّم کن ، و به برکت آن ، لغزش قدم هایمان را در روز عبور از پل لرزان جهنّم ، ثابت بدار و به سبب آن ، تاریکی های قبر ما را پیش از رستاخیز ، روشن بگردان و ما را به برکت آن ، از هر اندوه روز قیامت و هراس های سخت آن روزِ دشوار ، نجات بده و در آن روزِ حسرت و ندامت ، آن روز که چهره های ستمکارانْ سیاه می شود ، ما را روسفید بگردان و محبّت ما را در دل های مؤمنان بیفکن و زندگی را بر ما دشوار مگردان !

خداوندا ! بر بنده و فرستاده ات محمّد درود فرست ، آن سان که رسالت تو را رسانْد و فرمان تو را آشکار نمود و برای بندگانت خیرخواهی کرد. خداوندا ! در روز قیامت ، از میان پیامبران ، پیامبر ما را که درود تو بر او و خاندانش باشد برخوردار از نزدیک ترین جایگاه در نزد تو ، و شفاعتش را پذیرفته تر از همه آنان و منزلتش را برتر از همه آنان ، و جاه و جلالش را بیشتر از همه آنان ، قرار بده !

خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست ، بنیان (دین) او را بلندمرتبه ساز ، بُرهانش را بزرگ بدار ، میزانش را سنگین کن ، شفاعتش را بپذیر ، وسیله اش را نزدیک گردان ، چهره اش را سفید ، فروغش را کامل ، و رتبه اش را والا بگردان و ما را بر روش او زنده بدار و بر آیین او بمیران و ما را در راه و روش او به کار گیر و در راهش پویا ساز و ما را از فرمان بردارانش قرار بده و ما را در زمره او برانگیز و ما را وارد حوض [کوثر] بگردان و از جام او سیرابمان ساز !

خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست ؛ درودی که به سبب آن ، وی را به بهترین خیر و احسان و کرامتی که از تو امید دارد ، برسانی ! همانا تو صاحب رحمت گسترده و بخششی بزرگوارانه ای.

خداوندا ! او را به خاطر آنچه از رسالات تو تبلیغ کرد و آیات تو را بر آنان خوانْد و برای بندگانت خیرخواهی کرد و در راهت جهاد نمود ، پاداش ده ؛ بهترین پاداشی که به هر یک از فرشتگان مقرّب و پیامبران فرستاده و برگزیده ات داده ای ! سلام بر او و خاندان پاک و پاکیزه اش و رحمت و برکات خدا بر آنان باد !

.

1- .روشن است که آگاهی کامل از تفسیر قرآن و حمل حقایق آن ویژه امامان است و همان گونه که سیّد ابن طاووس در آغاز این دعا گفته است ، اگر دیگری بخواهد آنها را بخواند ، باید آنها را به تناسب حال خود تغییر بدهد .
2- .اشاره است به آیه 26 و 27 سوره قیامت.

ص: 338

. .

ص: 339

. .

. .

ص: 341

. .

ص: 342

. .

. .

2 / 5كَثرَةُ الاِستِغفارِ869.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ فى رَمَضانَ يُنادى مُنادٍ بَعدَ ثُلُثِ اللَّيلِ الأوَّلِ ، أو ثُلُثِ اللَّيلِ الآخِرِ : ألا سائِلٌ يَسأَلُ فَيُعطى؟ ألا مُستَغفِرٌ يَستَغفِرُ فَيُغفَرَ لَهُ؟ ألا تائِبٌ يَتوبُ فَيَتوبَ اللّهُ عَلَيهِ؟ (1) .

1- .شُعب الإيمان : 3 / 311 / 3628 عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 2 / 112 / 3393 .

2 / 5زیاد استغفار کردن872.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :در رمضان ، پس از گذشتن یک سوم اوّل شب و یا یک سوم آخر آن منادی ندا می دهد: «آیا خواهنده ای هست تا بخواهد و به او بدهند؟ آیا استغفار کننده ای هست که آمرزش بخواهد و آمرزیده شود؟ آیا توبه کننده ای هست که توبه کند و خداوند هم توبه اش را بپذیرد؟».

.

869.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام علیّ علیه السلام :عَلَیکُم فی شَهرِ رَمَضانَ بِکَثرَهِ الاِستِغفارِ وَالدُّعاءِ ؛ فَأَمَّا الدُّعاءُ فَیُدفَعُ بِهِ عَنکُمُ البَلاءُ ، وأَمَّا الاِستِغفارُ فَیَمحی ذُنوبَکُم . (1)870.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عنه علیه السلام :قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : مَن قَرَأَ فی رَجَبٍ ، وشَعبانَ ، وشَهرِ رَمَضانَ کُلَّ یَومٍ ولَیلَهٍ : «فاتِحَهَ الکِتابِ» ، و«آیَهَ الکُرسِیِّ» ، و «قُلْ یَأَیُّهَا الْکَفِرُونَ » ، و « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » و « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ » ، و « قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ » ، ثَلاثَ مَرّاتٍ ، ویَقولُ : «سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ ولا إلهَ إلاَّ اللّهُ وَاللّهُ أَکبَرُ ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلاّ بِاللّهِ العَلِیِّ العَظیمِ» ثَلاثَ مَرّاتٍ ، ثُمَّ یُصَلّی عَلَی النَّبِیِّ وآلِهِ ثَلاثَ مَرّاتٍ ، ویَقولُ : «اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ثَلاثَ مَرّاتٍ ، وعَلی کُلِّ نَبِیٍّ» ، ثُمَّ یَقولُ : «اللّهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنینَ وَالمُؤمِناتِ» ثَلاثَ مَرّاتٍ ، ثُمَّ یَقولُ : «أستَغفِرُ اللّهَ وأتوبُ إلَیهِ» أربَعَمِئَهِ مَرَّهٍ .

ثُمَّ قالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله : وَالَّذی نَفسی بِیَدِهِ ، مَن قَرَأَ هذِهِ السُّوَرَ وفَعَلَ ذلِکَ کُلَّهُ فِی الشُّهورِ الثَّلاثَهِ ولَیالیها ، لا یَفوتُهُ (2) شَیءٌ ، لَو کانَت ذُنوبُهُ عَدَدَ قَطرِ المَطَرِ ، ووَرَقِ الشَّجَرِ ، وزَبَدِ البَحرِ ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ ، وإنَّهُ یُنادی مُنادٍ یَومَ الفِطرِ یَقولُ : یا عَبدی أنتَ وَلِیّی حَقّاً حَقّا ، ولَکَ عِندی بِکُلِّ حَرفٍ قَرَأتَهُ شَفاعَهٌ فِی الإِخوانِ وَالأَخَواتِ بِکَرامَتِکَ عَلَیَّ . (3) .

1- .الکافی : 4 / 88 / 7 عن حصین عن الإمام الصادق علیه السلام ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 108 / 1858 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 76 / 59 ، الأمالی للصدوق : 118 / 103 کلاهما عن حصین عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، الإقبال : 1 / 69 عن الإمام الصادق عنه علیهماالسلام ، بحار الأنوار : 96 / 378 / 2 .

2- .فی المصدر : «یفوتها» ، والصحیح ما أثبتناه کما فی بحار الأنوار .

3- .أعلام الدین : 355 ، بحار الأنوار : 97 / 53 / 43 نقلاً عن القطب الراوندی فی النوادر عن أنس ولیس فیه ذیله و ج 96 / 381 / 7 .

871.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:در ماه رمضان ، زیاد استغفار و دعا کنید ؛ امّا دعا ، که به سبب آن ، بلا از شما دور می شود ، و امّا استغفار ، که گناهانتان را محو می کند.872.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:پیامبر خدا فرمود: «هر کس در رجب و شعبان و ماه رمضان ، هر روز و شب ، سوره حمد و آیه الکرسی و سوره های: قل یا أیّها الکافرون ، قل هو اللّه أحد ، و قل أعوذ بربّ الناس و قل أعوذ بربّ الفلق را سه بار بخواند و سه بار بگوید: سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله إلاّ اللّه و اللّه أکبر و لا حول و لا قوّه إلاّ باللّه العلیّ العظیم و سپس سه بار بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش درود فرستد و سه بار بگوید: خدایا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست ، و بر هر پیامبر! و سپس سه بار بگوید: خدایا! مردان و زنان مؤمن را بیامرز! و سپس چهارصد مرتبه بگوید: أستغفر اللّهَ و أتوبُ إلیه » .

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله در ادامه فرمود: «قسم به آن که جانم در دست اوست ، هر کس این سوره ها را بخواند و در آن سه ماه و شب هایش ، همه اینها را انجام دهد ، هیچ چیزی را از دست نمی دهد و اگر گناهانش به شمار قطره های باران و برگ درختان و کف های دریا باشد ، خداوندْ او را می آمرزد. همانا روز عید فطر ، منادی ندا می دهد و می گوید: «ای بنده من! تو به حق ، بنده راستین منی و در برابر هر حرفی که خوانده ای ، با کرامتی که نزد من داری ، پیش من حقّ شفاعت درباره برادران و خواهران داری». .

873.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :كانَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليهماالسلام إذا كانَ شَهرُ رَمَضانَ لَم يَتَكَلَّم إلاّ بِالدُّعاءِ وَالتَّسبيحِ وَالاِستِغفارِ وَالتَّكبيرِ . (1)874.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الرضا عليه السلام :مَن كانَ تائِبا مِن ذَنبٍ فَليَتُب إلَى اللّهِ تَبارَكَ وتَعالى مِنهُ فى شَهرِ رَمَضانَ؛ فَإنَّهُ شَهرُ التَّوبَهِ وَالإِنابَهِ،وشَهرُ المَغفِرَهِ وَالرَّحمَهِ ، وما مِن لَيلَهٍ مِن لَياليهِ وللّهِ (2) تَبارَكَ وتَعالى فيها عُتَقاءُ مِنَ النّارِ كُلُّهُم قَدِ استَوجَبوا بِذُنوبِهِمُ النّارَ. (3)وانظر : ص 60 (جوامع بركاته وخصائصه) . ص 160 (تأهيل النّاس لضيافه اللّه) . ص 186 (أسباب التهيّؤ لضيافه اللّه / تقديم التوبه) .

2 / 6كَثرَهُ الدُّعاءِ وَالذِّكرِالكتاب« وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّى فَإِنِّى قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَهَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُواْ لِى وَلْيُؤْمِنُواْ بِى لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ » . (4)

الحديث876.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى دُعاءِ اللَّيلَهِ الثّامِنَهِ مِن شَهرِ رَمَضانَ :اللّهُمَّ هذا شَهرُكَ الَّذى أَمَرتَ فيهِ عِبادَكَ بِالدُّعاءِ وضَمِنتَ لَهُمُ الإِجابَهَ ، وقُلتَ : «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِى عَنِّى فَإِنِّى قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَهَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» . (5) .

1- .الكافى : 4 / 88 / 8 عن حصين ، بحار الأنوار : 46 / 65 / 35 .
2- .كذا فى الأصل ، والقياس أن تكون العباره «إلاّ وللّه » . ولعلّها من سهو النسّاخ .
3- .فضائل الأشهر الثلاثه : 106 / 96 عن الحسن بن علىّ بن فضّال .
4- .البقره : 186 .
5- .الإقبال : 1 / 269 ، بحار الأنوار : 98 / 27 / 2 . انظر تمامه فى «دعاء الليله الثامنه» ص 288 ح 529 .

2 / 6 زیاد دعا خواندن و ذکر گفتن

877.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:هر گاه ماه رمضان بود ، امام سجّاد علیه السلام جز به دعا و تسبیح و استغفار و تکبیر ، سخنی نمی گفت.878.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی جَوابِ مَن سَأَلَهُ عَن عَلامَهِ الإِیمانِ) امام رضا علیه السلام:هر کس می خواهد از گناهی توبه کند ، در ماه رمضان از آن گناه به آستان الهی توبه کند ، که آن ، ماه توبه و بازگشت و ماه آمرزش و رحمت است و هیچ شبی از شب های آن نیست ، مگر آن که خداوند در آن شب ، آزادشدگانی از آتش دارد که همه آنان به سبب گناهانشان ، مستحقّ آتش اند.ر . ک : ص 61 (مجموعه برکات و ویژگی های ماه رمضان) . ص 161 (آمادگی برای میهمانی خدا) . ص 187 (اسباب آمادگی برای میهمانی خدا ، توبه ، پیش از فرا رسیدن ماه رمضان) .

2 / 6زیاد دعا خواندن و ذکر گفتنقرآن« و چون بندگان من از تو درباره من پرسند ، پس به یقین ، من نزدیکم ؛ دعای نیایشگر را آن گاه که مرا بخواند ، اجابت می کنم. پس ، مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند؛ باشد که به راه حق درآیند» .

حدیث882.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای شب هشتم ماه رمضان :خداوندا! این ، ماه توست ؛ ماهی که بندگانت را فرمان داده ای در آن تو را بخوانند و اجابت دعایشان را بر عهده گرفته ای و گفته ای : «و چون بندگان من از تو درباره من پرسند ، پس به یقین ، من نزدیکم ؛ دعای نیایشگر را آن گاه که مرا بخواند ، اجابت می کنم» .

.

883.عنه صلى الله عليه و آله :فضائل الأوقات عن عائشه :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا دَخَلَ رَمَضانُ تَغَيَّرَ لَونُهُ ، وكَثُرَت صَلاتُهُ ، وَابتَهَلَ فِى الدُّعاءِ وأشفَقَ مِنهُ . (1)884.الإمام الصادق عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :ذاكِرُ اللّهِ فى رَمَضانَ مَغفورٌ لَهُ ، وسائِلُ اللّهِ فيهِ لا يُخَيَّبُ . (2)881.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :لَمّا حَضَرَ شَهرُ رَمَضانَ قامَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ ، ثُمَّ قالَ : «أيُّهَا النّاسُ ، كَفاكُمُ اللّهُ عَدُوَّكُم مِنَ الجِنِّ وَالإِنسِ ، وقالَ : «ادْعُونِى أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (3) ووَعَدَكُمُ الإِجابَةَ ، ألا وأبوابُ السَّماءِ مُفَتَّحَةٌ مِن أوَّلِ لَيلَةٍ مِنهُ ، ألا وَالدُّعاءُ فيهِ مَقبولٌ . (4)882.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله مِن كَلامٍ لَهُ فى شَهرِ رَمَضانَ :إنَّ اللّهَ جَلَّ جَلالُهُ يَقولُ كُلَّ لَيلَةٍ مِن هذَا الشَّهرِ :

وعِزَّتى وجَلالى لَقَد أمَرتُ مَلائِكَتى بِفَتحِ أبوابِ سَماواتى لِلدّاعينَ مِن عِبادى وإمائى ، فَما لِى أرى عَبدِىَ الغافِلَ ساهِيا عَنّى ، مَتى سَأَلَنى فَلَم اُعطِهِ؟ ومَتى نادانى فَلَم اُجِبهُ؟ ومَتى ناجانى فَلَم اُقَرِّبهُ؟ ومَتى رَجانى فَخَيَّبتُهُ؟ ومَتى أمَّلَنى فَحَرَمتُهُ؟ ومَتى قَصَدَ بابى فَحَجَبتُهُ؟ ومَتى تَقَرَّبَ فَباعَدتُهُ؟ ومَتى هَرَبَ مِنّى فَلَم أدعُهُ؟ ومَتى رَجَعَ إلَىَّ فَلَم أقبَلهُ؟ ومَتى أقَرَّ بِذُنوبِهِ فَلَم أرحَمهُ؟ ومَتَى استَغفَرَنى فَلَم أغفِر لَهُ ذَنبَهُ؟ ومَتى تابَ فَلَم أقبَلهُ تَوبَتَهُ؟

عَبدى ! كَيفَ تَقصُدُ بِرَجائِكَ مَلِكا مَملوكا ولا تَقصُدُنى بِرَجائِكَ وأنَا مَلِكُ المُلوكِ !؟ أم كَيفَ تَسأَلُ مَن يَخافُ الفَقرَ ولا تَسأَلُنى وأنَا الغَنِىُّ الَّذى لا أفتَقِرُ !؟ أم كَيفَ تَخدُمُ مَلِكا يَنامُ ويَموتُ ولا تَخدُمُنى وأنَا الحَىُّ الَّذى لا يَموتُ ولا يَأخُذُنى سِنَةٌ ولا نَومٌ !؟ يا سَوأَةً لِمَن عَصانى ! ويا بُؤسا لِلقانِطينَ مِن رَحمَتى ! بِعِزَّتى حَلَفتُ لاَخُذَنَّهُ أخذَ عَزيزٍ مُقتَدِرٍ يَغضَبُ لِغَضَبِهِ السَّماءُ وَالأَرضُ ، فَأينَ تَفِرُّ مِنّى إلاّ إلَىَّ؟ وأنَا اللّهُ العَزيزُ الحَكيمُ . (5) .

1- .فضائل الأوقات للبيهقى : 49 / 84 ، شُعب الإيمان : 3 / 310 / 3625 ، كنز العمّال : 7 / 82 / 18062 وفيه «واشفق لونه» ؛ الإقبال : 1 / 69 .
2- .المعجم الأوسط : 7 / 226 / 7341 ، فضائل الأوقات للبيهقى : 49 / 85 ، شُعب الإيمان : 3 / 311 / 3627 ، الفردوس : 2 / 242 / 3141 كلّها عن عمر بن الخطّاب ، كنز العمّال : 8 / 464 / 23676 .
3- .غافر : 60 .

4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 98 / 1837 ، ثواب الأعمال : 90 / 5 ، مسند زيد : 202 كلاهما عن زيد بن علىّ عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، الإقبال : 1 / 72 عن أحمد بن محمّد بن عيّاش ، دعائم الإسلام : 1 / 286 ، بحار الأنوار : 96 / 372 / 56 .
5- .فضائل الأشهر الثلاثه : 99 / 85 عن ابن عبّاس .

883.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فضائل الأوقات به نقل از عایشه :هر گاه ماه رمضان وارد می شد ، رنگ چهره پیامبر خدا دگرگون می شد و نمازش افزون می گشت و در دعا به درگاه خدا می نالید و از او بیمناک می شد.884.امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :یادکننده خدا در [ماه] رمضان ، آمرزیده است و خواهنده از او در این ماه ، محروم نمی شود.885.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:چون ماه رمضان رسید ، پیامبر خدا ایستاد ، خدا را حمد و ثنا گفت و سپس فرمود: «ای مردم! خداوند شرّ دشمنان شما را (اعم از جن و انس) برطرف کرد و فرمود: «مرا بخوانید ، تا اجابت کنم شما را» و به شما وعده اجابت داد. آگاه باشید که درهای آسمان از اوّلین شبِ این ماه ، گشوده اند و دعا در آن پذیرفته است».886.تحف العقول :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سخنی در ماه رمضان :خداوند متعال در هر شب از این ماه می گوید: «به عزّت و جلالم سوگند ، به فرشتگانم فرمان دادم که درهای آسمان هایم را به روی دعاکنندگان از بندگان و کنیزانم بگشایند. پس ، چه شده که بنده غافلم را می بینم که مرا فراموش کرده است؟ کِی از من خواسته که نداده ام؟ کِی ندایم کرده که پاسخ نداده ام؟ کِی با من نجوا کرده که قُربش نبخشیده ام؟ کِی به من امید بسته که محرومش کرده ام؟ کِی آرزومندم شده که محرومش کرده ام؟ کِی به درگاهم آمده که مانعش شده ام؟ کِی به من نزدیک شده که دورش کرده ام؟ کِی از من گریخته که صدایش نکرده ام؟ کِی به سوی من باز گشته که قبولش نکرده ام؟ کِی به گناهانش اعتراف کرده که به او رحم نکرده ام؟ کِی از من آمرزش خواسته که گناهانش را نبخشیده ام؟ و کِی توبه کرده که توبه اش را نپذیرفته ام؟

بنده من! چگونه با امیدت ، به درگاه پادشاهی مملوک می روی؛ امّا با امیدت ، به درگاه من نمی آیی ، با آن که من فرمانروایِ فرمان روایانم؟ یا چگونه از کسی که از فقرِ می ترسد ، درخواست می کنی؛ امّا از من درخواست نمی کنی ، با آن که من بی نیازی بدون فقرم؟ یا چگونه به خدمت پادشاهی در می آیی که می خوابد و می میرد؛ امّا مرا خدمت نمی کنی ، با آن که من زنده نامیرایم و نه چُرت ، مرا می گیرد و نه خواب؟ بدا به حال آن که نافرمانی ام کند! بدا به حال مأیوسان از رحمتم! به عزّتم سوگند ، او را می گیرم ، گرفتنِ عزیز نیرومندی که به خشمش ، آسمان و

زمین ، خشمگین می شوند. از من به کجا می گریزی ، جز به درگاه من ، حال آن که منم خداوند با قدرت حکیم؟». .

885.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عنه صلی الله علیه و آله :رَمَضانُ شَهرُ اللّهِ تَبارَکَ وتَعالی اِستَکثِروا فیهِ مِنَ التَّهلیلِ وَالتَّکبیرِ وَالتَّحمیدِ وَالتَّمجیدِ وَالتَّسبیحِ ، وهُوَ رَبیعُ الفُقَراءِ ، وإنَّما جَعَلَ اللّهُ الأضحی لِتَشبَعَ المَساکینُ مِنَ اللَّحمِ ، فَأظهِروا مِن فَضلِ ما أنعَمَ اللّهُ بِهِ عَلَیکُم عَلی عِیالاتِکُم وجیرانِکُم ، وأحسِنوا جِوارَ نِعَمِ اللّهِ عَلَیکُم ، وواصِلوا إخوانَکُم ، وأطعِمُوا الفُقَراءَ وَالمَساکینَ مِن إخوانَکُم ؛ فَإنَّهُ مَن فَطَّرَ صائِما فَلَهُ مِثلُ أجرِهِ مِن غَیرِ أن یَنقُصَ مِن أجرِهِ شَیئا ، وسُمِّیَ شَهرُ رَمَضانَ شَهرَ العِتقِ ؛ لِأنَّ للّهِ فی کُلِّ یَومٍ ولَیلَهٍ سِتَّمِئَهِ عَتیقٍ ، وفی آخِرِهِ مِثلَ ما أعتَقَ فیما مَضی . (1)وانظر : ص 344 (کثره الاستغفار) . ص 60 (جوامع برکاته وخصائصه) . ص 160 (تأهیل الناس لضیافه اللّه) .

2 / 7کَثرَهُ الصَّلاهِ887.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا جاءَ شَهرُ رَمَضانَ زادَ فِی الصَّلاهِ ، وأنَا أزیدُ فَزیدوا . (2) .

1- .النوادر للأشعری : 17 / 2 عن إسماعیل بن أبی زیاد عن الإمام الصادق علیه السلام ، بحار الأنوار : 96 / 381 / 6 .
2- .تهذیب الأحکام : 3 / 60 / 204 ، الاستبصار : 1 / 461 / 1793 کلاهما عن أبی خدیجه .

888.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در حدیثی طولانی) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ماه رمضان ، ماه خدای متعال است. در آن ، «لا إله إلاّ اللّه » و تکبیر و حمد و تمجید و تسبیح ، بسیار بگویید. آن ، بهار تنگ دستان است. خداوند ، عید قربان را قرار داده تا بینوایان ، از گوشت ، سیر شوند.

از فضل نعمت هایی که خداوند به شما داده است، بر خانواده و همسایگانتان آشکار کنید ؛ با نعمت های الهی ای که نزد شماست ، خوب همجواری کنید؛ به برادرانتان برسید؛ برادران فقیر و بینوای خود را غذا بدهید ، که همانا هر کس روزه داری را افطاری دهد ، برای او پاداشی همانند اوست ، بی آن که از اجر روزه دار ، چیزی کاسته شود. ماه رمضان را «ماه آزاد کردن» نامیده اند؛ چون خداوند در هر روز و شب [این ماه] ، ششصد آزادشده دارد و در پایان آن نیز به اندازه همه آنان که در گذشته آزاد کرده ، آزاد می کند.ر . ک : ص 345 (زیاد استغفار کردن) . ص 61 (مجموعه برکات و ویژگی های ماه رمضان) . ص 161 (آمادگی برای میهمانی خدا) .

2 / 7زیاد نماز خواندن890.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : (که شکوهش پُر عظمت است) امام صادق علیه السلام:چون ماه رمضان می آمد ، پیامبر خدا بر نمازش می افزود. من نیز می افزایم؛ پس شما هم بیفزایید.

.

891.تفسير الطبرى عن أبى صالح :تهذيب الأحكام :عَن أبى بَصيرٍ أ نَّهُ سَأَلَ أبا عَبدِ اللّهِ عليه السلام : أيَزيدُ الرَّجُلُ فِى الصَّلاهِ فى رَمَضانَ؟

فَقالَ : «نَعَم ، إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله قَد زادَ فى رَمَضانَ فِى الصَّلاهِ» . (1)891.تفسير الطبرى (به نقل از ابو صالح) الإمام الصادق عليه السلام لِجابِرِ بنِ عَبدِ اللّهِ :إنَّ أصحابَنا هؤُلاءِ أبَوا أن يَزيدوا فى صَلاتِهِم فى رَمَضانَ ، وقَد زادَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فى صَلاتِهِ فى شَهرِ رَمَضانَ . (2)892.الإمام علىّ عليه السلام :الكافى عن أبى العبّاس البقباق وعبيد بن زراره عن الإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَزيدُ فى صَلاتِهِ فى شَهرِ رَمَضانَ ، إذا صَلّى العَتَمَهَ (3) صَلّى بَعدَها ، فَيَقومُ النّاسُ خَلفَهُ فَيَدخُلُ ويَدَعُهُم ، ثُمَّ يَخرُجُ أيضا فَيَجيؤونَ ويَقومونَ خَلفَهُ فَيَدَعُهُم ويَدخُلُ مِرارا .

وقالَ : لا تُصَلِّ بَعدَ العَتَمَهِ فى غَيرِ شَهرِ رَمَضانَ . (4)893.صحيح البخارى عن عبد اللّه :تهذيب الأحكام عن محمّد بن يحيى :كُنتُ عِندَ أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فَسُئِلَ : هَل يُزادُ فى شَهرِ رَمَضانَ فى صَلاهِ النَّوافِلِ؟

فَقالَ : «نَعَم ، قَد كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُصَلّى بَعدَ العَتَمَهِ فى مُصَلّاهُ فَيُكثِرُ ، وكانَ النّاسُ يَجتَمِعونَ خَلفَهُ لِيُصَلّوا بِصَلاتِهِ ، فَإذا كَثُروا خَلفَهُ تَرَكَهُم ودَخَلَ مَنزِلَهُ ، فَإذا تَفَرَّقَ النّاسُ عادَ إلى مُصَلّاهُ فَصَلّى كَما كانَ يُصَلّى ، فَإذا كَثُرَ النّاسُ خَلفَهُ تَرَكَهُم ودَخَلَ مَنزِلَهُ ، وكانَ يَصنَعُ ذلِكَ مِرارا» . (5) .

1- .تهذيب الأحكام : 3 / 61 / 207 ، الاستبصار : 1 / 460 / 1790 .
2- .تهذيب الأحكام : 3 / 61 / 206 ، الاستبصار : 1 / 460 / 1789 عن جابر بن عبد اللّه .
3- .العَتَمَه : صلاه العشاء (مجمع البحرين : 2 / 1163) .
4- .الكافى : 4 / 154 / 2 ، تهذيب الأحكام : 3 / 61 / 208 ، الاستبصار : 1 / 461 / 1792 .
5- .تهذيب الأحكام : 3 / 60 / 205 ، الاستبصار : 1 / 462 / 1795 وفيه «فيكبّر» بدل «فيكثر» و«كبّروا» بدل «كثروا» و«كبّر الناس» بدل «كثر الناس» .

892.امام علی علیه السلام :تهذیب الأحکام درباره ابو بصیر :از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا مرد در ماه رمضان بر نماز بیفزاید؟

فرمود: «آری؛ پیامبر خدا در ماه رمضان بر نماز می افزود».893.صحیح البخاری (به نقل از عبد اللّه) امام صادق علیه السلام خطاب به جابر بن عبد اللّه :یاران ما ، از افزودن بر نمازهایشان در ماه رمضان سر باز می زنند ، در حالی که پیامبر خدا در ماه رمضان بر نمازش می افزود!894.عیون أخبار الرضا علیه السلام عن إبراهیم بن أبی محالکافی به نقل از ابو العبّاس بقباق و عبید بن زراره ، از امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا ، در ماه رمضان بر نمازش می افزود. چون نماز عشا را می خواند ، پس از آن هم نماز می خوانْد. مردم نیز پشت سر او به نماز می ایستادند. پس ، او وارد نماز می شد و آنان را وا می گذاشت و سپس از نماز بیرون می آمد. مردم می آمدند و پشت سرش می ایستادند و او آنان را وا می گذاشت و مکرّر وارد نماز می شد. و فرمود: «در غیر ماه رمضان ، پس از نماز عشا ، نماز نخوان».894.عیون أخبار الرضا علیه السلام (به نقل از ابراهیم بن ابی محمود) تهذیب الأحکام به نقل از محمّد بن یحیی :خدمت امام صادق علیه السلامبودم. از او پرسیدند: آیا در ماه رمضان بر نمازهای نافله افزوده می شود؟

فرمود: «آری. پیامبر خدا ، پس از نماز عشا ، در جایگاه نماز خود ، نماز می خواند و زیاد می خواند. مردم ، پشت سرش جمع می شدند تا با او نماز بخوانند و چون زیاد می شدند ، آنان را پشت سرش وا می گذاشت و به خانه اش می رفت. چون مردم ، پراکنده می شدند ، به جایگاه نماز خود برمی گشت و نماز می خواند ، آن گونه که عادت داشت. چون مردم ، پشت سرش زیاد می شدند ، آنان را وا می گذاشت و به خانه اش می رفت ، و بارها چنین می کرد». .

895.كنز العمّال عن عبد اللّه بن جراد :صحيح مسلم عن أبى هريره :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُرَغِّبُ فى قِيامِ رَمَضانَ مِن غَيرِ أن يَأمُرَهُم فيهِ بِعَزيمَهٍ ، فَيَقولُ : «مَن قامَ رَمَضانَ إيمانا وَاحتِسابا غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ» . (1)895.كنز العمّال (به نقل از عبد اللّه بن جراد) مسند ابن حنبل عن أبى هريره :سَمِعتُ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُرَغِّبُ النّاسَ فى قِيامِ رَمَضانَ ، ويَقولُ : «مَن قامَهُ إيمانا وَاحتِسابا غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ» . ولَم يَكُن رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله جَمَعَ النّاسَ عَلَى القِيامِ . (2)896.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى مِنكُم فى هذَا الشَّهرِ للّهِ عز و جل رَكعَتَينِ يَتَطَوَّعُ بِهِما ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ . (3)897.تاريخ بغداد عن علقمه :مصباح المتهجّد عن أبى حمزه الثمالى :كانَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ سَيِّدُ العابِدينَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِما يُصَلّى عامَّةَ اللَّيلِ فى شَهرِ رَمَضانَ ، فَإِذا كانَ السَّحَرُ دَعا بِهذَا الدُّعَاءِ : إلهى لا تُؤَدِّبنى بِعُقوبَتِكَ ... . (4)898.رسول اللّه عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام :شَهرُ رَمَضانَ لا يُشبِهُهُ شَىءٌ مِنَ الشُّهورِ ؛ لَهُ حَقٌّ وحُرمَهٌ ، أكثِر مِنَ الصَّلاهِ مَا استَطَعتَ . (5) .

1- .صحيح مسلم : 1 / 523 / 174 ، سنن أبى داود : 2 / 49 / 1371 ، سنن الترمذى : 3 / 171 / 808 ، الموطّأ : 1 / 113 / 2 ، سنن النسائى : 4 / 156 ، مسند ابن حنبل : 3 / 122 / 7792 ، السنن الكبرى : 2 / 693 / 4599 ، صحيح البخارى : 1 / 22 / 37 وليس فيه صدره إلى «بعزيمه» .
2- .مسند ابن حنبل : 3 / 138 / 7886 .
3- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 1 / 293 / 46 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 73 / 53 ، الأمالى للصدوق : 109 / 82 كلّها عن الحسن بن علىّ بن فضّال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، روضه الواعظين : 372 ، بحار الأنوار : 96 / 361 / 29 .
4- .مصباح المتهجّد : 582 / 691 ، الإقبال : 1 / 157 ، بحار الأنوار : 98 / 82 / 2 . انظر الدعاء فى «أدعيه الأسحار» ص 390 ح 504 .
5- .الكافى : 2 / 619 / 5 وج 4 / 154 / 1 وفيه «لشهر رمضان حرمه وحقّ لا يشبهه شىء من الشهور ، صلّ ما استطعت فى شهر رمضان تطوّعا بالليل والنهار» وكلاهما عن علىّ بن أبى حمزه .

899.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :صحيح مسلم به نقل از ابو هريره :پيامبر خدا به نماز در [ماه]رمضان ترغيب مى كرد ، بى آن كه دستورى حتمى به آنان بدهد و مى فرمود: «هر كس در ماه رمضان از روى ايمان و براى پاداش الهى به عبادت بِايستد ، گناهان گذشته اش آمرزيده مى شود» .896.پيامبر خدا صلى الله عَليه و آله :مسند ابن حنبل به نقل از ابو هريره :شنيدم كه پيامبر خدا مردم را به نماز در [ماه] رمضان ترغيب مى كرد و مى فرمود : «هر كس از روى ايمان و براى پاداش الهى به نماز بايستد ، گناهان گذشته اش آمرزيده مى شود» و هرگز پيامبر خدا مردم را براى برپايى نماز [استحبابى به جماعت] ، گردآورى نكرد .897.تاريخ بغداد (به نقل از علقمه) پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :هر كس از شما در اين ماه ، دو ركعت نماز مستحب براى خدا بخواند ، خداوندْ او را مى آمرزد.898.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :مصباح المتهجّد به نقل از ابو حمزه ثمالى :امام سجّاد در ماه رمضان ، همه شب را نماز مى خواند و سحر كه مى شد ، اين دعا را مى خواند: «إلهى! لا تؤدّبنى بعقوبتک...» . (1)899.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :امام صادق عليه السلام:ماه رمضان ، ماهى است كه هيچ يک از ماه ها شبيه آن نيست. آن ، حق و حرمتى دارد. تا مى توانى [در اين ماه] ، زياد نماز بخوان . .

1- .اين دعا ، در بخش مربوط به دعاها آمده است (ر . ک : ص 391 ، ح 504) .

900.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الرضا عليه السلام :كانَ أبى يَزيدُ فِى العَشرِ الأَواخِرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ فى كُلِّ لَيلَةٍ عِشرينَ رَكعَةً . (1)وانظر : ص 620 (نوافل شهر رمضان) .

2 / 8زِيارَةُ الإمامِ الحُسَينِ904.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال :عَن عَلِىِّ بنِ مُحَمَّدِ بنِ فيضِ بنِ مُختارٍ عَن أبيهِ عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليهماالسلاماً نَّهُ سُئِلَ عَن زِيارَةِ أبى عَبدِ اللّهِ الحُسَينِ عليه السلام فَقيلَ : هَل فى ذلِكَ وَقتٌ هُوَ أفضَلُ مِن وَقتٍ؟

فَقالَ : «زوروهُ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ فى كُلِّ وَقتٍ وفى كُلِّ حينٍ ؛ فَإِنَّ زِيارَتَهُ عليه السلامخَيرُ مَوضوعٍ ؛ فَمَن أكثَرَ مِنها فَقَدِ استَكثَرَ مِنَ الخَيرِ ومَن قَلَّلَ قُلِّلَ لَهُ ، وتَحَرَّوا بِزِيارَتِكُمُ الأَوقاتَ الشَّريفَةَ فَإِنَّ الأَعمالَ الصّالِحَةَ فيها مُضاعَفَةٌ ، وهِىَ أوقاتُ مَهبَطِ المَلائِكَهِ لِزِيارَتِهِ» .

قالَ : فَسُئِلَ عَن زِيارَتِهِ فى شَهرِ رَمَضانَ؟ فَقالَ :

«مَن جاءَهُ عليه السلام خاشِعا مُحتَسِبا مُستَقيلاً مُستَغفِرا فَشَهِدَ قَبرَهُ فى إحدى ثَلاثِ لَيالٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ : أوَّلِ لَيلَةٍ مِنَ الشَّهرِ أو لَيلَةِ النِّصفِ أو آخِرِ لَيلَةٍ مِنهُ ، تَساقَطَت عَنهُ ذُنوبُهُ وخَطاياهُ الَّتِى اجتَرَحَها كَما يَتَساقَطُ هَشيمُ الوَرَقِ بِالرّيحِ العاصِفِ ، حَتّى إنَّهُ يَكونُ مِن ذُنوبِهِ كَهَيئَةِ يَومَ وَلَدَتهُ اُمُّهُ ، وكانَ لَهُ مَعَ ذلِكَ مِنَ الأَجرِ مِثلُ أجرِ مَن حَجَّ فى عامِهِ ذلِكَ وَاعتَمَرَ ، ويُناديهِ مَلَكانِ يَسمَعُ نِداءَهُما كُلُّ ذى روحٍ إلاَّ الثَّقَلَينِ مِنَ الجِنِّ وَالإِنسِ ، يَقولُ أحَدُهُما : يا عَبدَ اللّهِ ، طَهُرتَ فَاستَأنِفِ العَمَلَ،ويَقولُ الآخَرُ:يا عَبدَ اللّهِ،أحسَنتَ فَأبشِر بِمَغفِرَةٍ مِنَ اللّهِ وفَضلٍ». (2) .

1- .تهذيب الأحكام : 3 / 67 / 219 ، الاستبصار : 1 / 466 / 1803 كلاهما عن محمّد بن سنان ، قرب الإسناد : 353 / 1263 عن البزنطى ، بحار الأنوار : 96 / 384 / 2 .
2- .الإقبال : 1 / 45 ، بحار الأنوار : 101 / 98 / 29 .

2 / 8 زیارت امام حسین

900.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام:پدرم در دهه آخر ماه رمضان ، هر شب ، بیست رکعت بر نمازهایش می افزود .ر . ک : ص 621 (نوافل ماه رمضان) .

2 / 8زیارت امام حسین904.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از علی بن محمّد بن فیض بن مختار ، از پدرش :از امام صادق علیه السلام درباره زیارت امام حسین علیه السلام پرسیدند که: آیا وقتی هست که برتر از وقت دیگر باشد؟

فرمود: «او را که درود خدا بر او باد زیارت کنید ، هر وقت و هر لحظه ، که زیارتش بهترین چیز است. هر که بیشتر ، زیارتش کند ، بیشتر به خیر می رسد و هر که کمتر زیارتش کند ، از خیرش کم می شود . برای زیارتتان وقت های شریف را بجویید؛ چرا که کارهای شایسته در اوقات شریف ، پاداشی مضاعف دارند و آنها ، وقت هایی هستند که فرشتگان برای زیارتش فرود می آیند».

از وی درباره زیارتش در ماه رمضان پرسیدند.

فرمود: «هر کس با خشوع و به امید پاداش ، عذرخواه و آمرزش خواه ، به زیارتش برود و در یکی از [این] سه شب ماه رمضان: شب اوّل ، شب نیمه و یا شب آخر ، کنار قبر وی باشد ، گناهانی که مرتکب شده است ، فرو می ریزد ، آن گونه که برگ ها با تندباد فرو می ریزند،و بی گناه می شود ، همانند روزی که مادرش او را زاده است. علاوه بر این ، پاداشی همچون پاداشی کسی دارد که آن سال به حج و عمره رفته باشد. و دو فرشته که ندایشان را هر جانداری غیر از جن و انس می شنود ، ندا می دهند؛ یکی می گوید: ای بنده خدا! پاک شدی؛ پس ، کار را از سر بگیر و دیگری می گوید: ای بنده خدا! نیکی کردی؛ پس ، مژده باد تو را به آمرزش و نعمت الهی! ».

.

وانظر : ص 520 (آداب الليله الخامسه عشره) .

906.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :مَن زارَ قَبرَ الحُسَينِ عليه السلام في شَهرِ رَمَضانَ ، وماتَ فِى الطَّريقِ ، لَم يُعرَض ولَم يُحاسَب ، ويُقالُ لَهُ : «اُدخُلِ الجَنَّةَ آمِنا» . (1)2 / 9العُمرَه909.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ عُمرَةً فى رَمَضانَ تَقضى حَجَّةً مَعى . (2)910.عنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :عُمرَةٌ فى رَمَضانَ تَعدِلُ حَجَّةً . (3)905.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله لِامرَأَةٍ مِنَ الأَنصارِ :إذا كانَ رَمَضانُ اعتَمِرى فيهِ ؛ فَإِنَّ عُمرَةً فى رَمَضانَ حَجَّةٌ . (4) .

1- .كامل الزيارات : 546 / 836 عن محمّد بن الفضيل ، بحار الأنوار : 101 / 97 / 20 .
2- .صحيح البخارى : 2 / 659 / 1764 ، صحيح مسلم : 2 / 918 / 222 كلاهما عن ابن عبّاس ، المعجم الكبير : 1 / 251 / 722 عن أنس وفيه «كحجّه» بدل «تقضى حجّه» .
3- .سنن الترمذى : 3 / 276 / 939 ، سنن الدارمى : 1 / 481 / 1802 كلاهما عن اُمّ معقل ، سنن ابن ماجه : 2 / 996 / 2994 ، صحيح ابن حبّان : 9 / 13 / 3700 ، مسند ابن حنبل : 1 / 660 / 2809 كلّها عن ابن عبّاس ؛ دعائم الإسلام : 1 / 333 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، الإقبال : 1 / 358 عن أحمد بن محمّد بن أبى نصر عن الإمام الرضا عليه السلام .
4- .صحيح البخارى : 2 / 631 / 1690 ، صحيح مسلم : 2 / 917 / 221 ، سنن النسائى : 4 / 131 ، سنن الدارمى : 1 / 481 / 1801 ، مسند ابن حنبل : 1 / 493 / 2025 كلّها عن ابن عبّاس ، سنن أبى داود : 2 / 205 / 1989 عن يوسف بن عبد اللّه بن سلام ، الموطّأ : 1 / 347 / 66 عن أبى بكر بن عبد الرحمن ؛ الجعفريّات : 67 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله .

906.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:هر کس در ماه رمضان ، قبر حسین علیه السلام را زیارت کند و در راه بمیرد ، [در قیامت ،] نه به محشر آورده می شود و نه از او حساب می کشند و به او می گویند: «آسوده وارد بهشت شو».ر . ک : ص 521 (آداب شب پانزدهم) .

2 / 9عُمره910.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عُمره در ماه رمضان ، در حکم حج همراه من است.911.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی قَولِهِ تَعالی : {Q} « فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عُمره در [ماه] رمضان ، برابر حج است.912.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به زنی از انصار :چون [ماه] رمضان شود ، در آن عمره به جای آور؛ چرا که یک عمره در رمضان ، [برابر با] حج است.

.

913.عنه صلى الله عليه و آله :الكافى عن الوليد بن صبيح :قُلتُ لِأَبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام : بَلَغَنا أنَّ عُمرَةً فى شَهرِ رَمضانَ تَعدِلُ حَجَّةً .

فَقالَ : «إنَّما كانَ ذلِکَ فِى امرَأَةٍ وَعَدَها رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَقالَ لَها : اِعتَمِرى فى شَهرِ رَمَضانَ فَهِىَ لَکِ حَجَّةٌ» . (1)914.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رَمَضانُ بِمَكَّةَ أفضَلُ مِن ألفِ رَمَضانَ بِغَيرِ مَكَّةَ . (2)915.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :مَن أدرَکَ شَهرَ رَمَضانَ بِمَكَّةَ مِن أوَّلِهِ إلى آخِرِهِ صِيامَهُ وقِيامَهُ ، كَتَبَ اللّهُ لَهُ مِئَةَ ألفِ شَهرِ رَمَضانَ فى غَيرِها ، وكانَ لَهُ بِكُلِّ يَومٍ مَغفِرَةٌ وشَفاعَةٌ ، وبِكُلِّ لَيلَةٍ مَغفِرَةٌ وشَفاعَةٌ ، وبِكُلِّ يَومٍ حُملانُ فَرَسٍ فى سَبيلِ اللّهِ ، ولَهُ بِكُلِّ يَومٍ دَعوَةٌ مُستَجابَةٌ . (3)911.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (درباره اين سخن خداوند : {Q} «و برخى از ايشان ،) عنه صلى الله عليه و آله :مَن أدرَکَ شَهرَ رَمَضانَ بِمَكَّةَ فَصامَهُ وقامَهُ بِما تَيَسَّرَ لَهُ عَدَلَ مِئَةَ ألفِ شَهرٍ فيما سِواهُ مِنَ البَلَدِ ، وكانَ لَهُ بِكُلِّ يَومٍ حُملانُ فَرَسٍ فى سَبيلِ اللّهِ ، وكُلِّ لَيلَةٍ حُملانُ فَرَسٍ فى سَبيلِ اللّهِ ، فى كُلِّ لَيلَةٍ عِتقُ رَقَبَةٍ ، وكُلِّ يَومٍ صَدَقَةٌ ، وكُلِّ لَيلَةٍ صَدَقَةٌ ، وكُلِّ يَومٍ شَفاعَةٌ ، وكُلِّ لَيلَةٍ شَفاعَةٌ ، وكُلِّ يَومٍ دَرَجَةٌ . (4)912.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الكافى عن علىّ بن حديد :كُنتُ مُقيما بِالمَدينَةِ فى شَهرِ رَمَضانَ سَنَةَ ثَلاثَ عَشرَةَ ومِئَتَينِ ، فَلَمّا قَرُبَ الفِطرُ كَتَبتُ إلى أبى جَعفَرٍ عليه السلام أسأَلُهُ عَنِ الخُروجِ فى عُمرَةِ شَهرِ رَمَضانَ أفضَلُ أو أُقيمُ حَتّى يَنقَضِىَ الشَّهرُ وأُتِمَّ صَومى؟ فَكَتَبَ إلَىَّ كِتاباً قَرَأتُهُ بِخَطِّهِ :

«سَأَلتَ رَحِمَکَ اللّهُ ! عَن أىِّ العُمرَةِ أفضَلُ؟ عُمرَةُ شَهرِ رَمَضانَ أفضَلُ ، يَرحَمُکَ اللّهُ !» (5) .

1- .الكافى : 4 / 535 / 1 .
2- .كنز العمّال : 12 / 197 / 34643 ، مجمع الزوائد : 3 / 348 / 4799 وفيه «صوم رمضان» وكلاهما نقلاً عن البزّار عن ابن عمر .
3- .شُعب الإيمان : 3/487/4149 وص 347 / 3729 كلاهما عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 12/211/34709؛ بحار الأنوار : 96 / 349 / 16 نقلاً عن القطب الراوندى فى النوادر عن أبى عيّاش .
4- .فضائل الأشهر الثلاثه : 136 / 145 ؛ سنن ابن ماجه : 2 / 1041 / 3117 نحوه وكلاهما عن ابن عبّاس ، كنز العمّال : 12 / 200 / 34657 .

5- .الكافى : 4 / 536 / 2 .

913.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از ولید بن صبیح :به امام صادق علیه السلام عرض کردم : به ما چنین رسیده که عمره در رمضان ، با حج برابر است .

فرمود : «این در مورد زنی بود که پیامبر خدا به او وعده داد و فرمود: در ماه رمضان ، عمره به جا آور ، که برایت حج است ».914.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رمضان در مکّه بودن ، برتر از هزار رمضان در غیر مکّه بودن است.915.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس [ماه] رمضان را از آغاز تا پایانش با روزه و نمازش در مکّه درک کند ، خداوند برای او صد هزار رمضانِ در غیر مکّه می نویسد و برای او در هر روز ، یک آمرزش و شفاعت ، و در هر شب ، یک آمرزش و شفاعت ، و در هر روز ، [ثواب] به راه انداختن یک اسب [برای جهاد] در راه خداست. و برای اوست در هر روز ، یک دعای مستجاب.916.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس ماه رمضان را در مکّه درک کند و به اندازه ای که در توانش باشد ، آن را روزه بدارد و نماز بخواند ، [پاداشش] برابر با هزار ماه [درک کردن ماه رمضان] در شهری جز آن است و برای او در هر روز ، [ثواب]به راه انداختن یک اسب [برای جهاد] در راه خدا ، و در هر شب ، [ثواب] به راه انداختن یک اسب [برای جهاد] در راه خداست و در هر شب ، [پاداش]آزاد کردن یک بنده ، و در هر روز ، یک صدقه ، و در هر شب ، یک صدقه ، و در هر روز ، شفاعتی ، و در هر شب ، شفاعتی ، و در هر روز ، درجه ای برای اوست.917.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از علی بن حدید :در سال دویست و سیزده [قمری] ، در ماه رمضان ، مقیم مدینه بودم. چون عید فطر نزدیک شد ، به امام جواد علیه السلامنامه نوشتم و از او پرسیدم که: آیا در ماه رمضان برای عمره خارج شوم ، بهتر است ، یا آن که بمانم تا ماه بگذرد و روزه ام را تمام کنم؟

در پاسخ ، نامه ای به خطّ خویش نوشت: «رحمت خدا بر تو! پرسیدی که کدام عمره برتر است؟ عمره ماه رمضان ، برتر است. خدایْ رحمتت کند !». .

916.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی عن حمّاد بن عثمان :کانَ أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام إذا أرادَ العُمرَةَ انتَظَرَ إلی صَبیحَهِ ثَلاثٍ وعِشرینَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، ثُمَّ یَخرُجُ مُهِلاًّ فی ذلِکَ الیَومِ . (1)2 / 10الاِعتِکاف919.عنه صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله :اِعتِکافُ عَشرِ شَهرِ رَمَضانَ یَعدِلُ حَجَّتَینِ وعُمرَتَینِ . (2)920.عنه صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :کانَت بَدرٌ فی شَهرِ رَمَضانَ فَلَم یَعتَکِف رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، فَلَمّا أن کانَ مِن قابِلٍ اِعتَکَفَ عِشرینَ : عَشرا لِعامِهِ ، وعَشرا قَضاءً لِما فاتَهُ . (3)921.عنه صلی الله علیه و آله :صحیح البخاری عن أبی هریره :کانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله یَعتَکِفُ فی کُلِّ رَمَضانَ عَشَرَهَ أیّامٍ ، فَلَمّا کانَ العامُ الَّذی قُبِضَ فیهِ اعتَکَفَ عِشرینَ یَوما . (4) .

1- .الکافی : 4 / 536 / 4 ، بحار الأنوار : 83 / 118 / 44 .
2- .کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 188 / 2101 عن السکونی عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، النوادر للراوندی : 209 / 408 وفیه «اعتکاف شهر رمضان ...» ، دعائم الإسلام : 1 / 286 وفیه «اعتکاف العشر الأواخر ...» وکلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله ؛ المعجم الکبیر : 3 / 128 / 2888 عن محمّد بن سلیمان عن الإمام زین العابدین عن أبیه علیهماالسلام عنه صلی الله علیه و آله ، کنز العمّال : 8 / 530 / 24008 .
3- .الکافی : 4 / 175 / 2 عن الحلبی ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 184 / 2088 ، الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام : 190 عن العالم علیه السلام ، بحار الأنوار : 97 / 128 / 2 وج 16 / 274 / 103 .
4- .صحیح البخاری : 2 / 719 / 1939 ، سنن أبی داود : 2 / 332 / 2466 ، سنن ابن ماجه : 1 / 562 / 1769 ، مسند ابن حنبل : 3 / 236 / 8443 وفیه «العشر الأواخر» بدل «عشره أیّام» وص 273 / 8670 ، السنن الکبری : 4 / 516 / 8563 .

918.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از حمّاد بن عثمان :هر گاه امام صادق علیه السلاممی خواست عمره انجام دهد ، تا صبح بیست و سوم ماه رمضان صبر می کرد و در همان روز ، تلبیه می گفت و به سوی مکه می رفت .2 / 10اعتکاف921.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اعتکاف ده روز ماه رمضان ، برابر دو حج و دو عمره است.922.عنه صلی الله علیه و آله (لَمّا سَأَلَهُ مُعاذٌ عَن أفضَلِ الإِیمانِ) امام صادق علیه السلام:جنگ بدر ، در ماه رمضان بود. پس ، پیامبر خدا معتکف نشد. سال بعد ، بیست روز معتکف شد: ده روز برای همان سال ، و ده روز برای قضای آنچه از او فوت شده بود.923.عنه صلی الله علیه و آله :صحیح البخاری به نقل از ابو هریره :پیامبر صلی الله علیه و آله در هر رمضان ، ده روز ، معتکف می شد امّا در سالی که در آن وفات کرد ، بیست روز معتکف شد.

.

924.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :اِعتَكَفَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله فى شَهرِ رَمَضانَ فِى العَشرِ الأَوَّلِ ، ثُمَّ اِعتَكَفَ فِى الثّانِيَهِ فِى العَشرِ الوُسطى ، ثُمَّ اعتَكَفَ فِى الثّالِثَهِ فِى العَشرِ الأَواخِرِ ، ثُمَّ لَم يَزَل يَعتَكِفُ فِى العَشرِ الأَواخِرِ . (1)وانظر : ص 612 (الاعمال المختصّه بالعشر الأواخر / الاعتكاف) .

2 / 11قِراءَهُ سورَهِ الفَتحِ فِى التَّطَوُّعِ928.عنه صلى الله عليه و آله عن جبرئيل عليه السلام :الإقبال عن يزيد بن هارون عن المسعودى :بَلَغَنى أ نَّهُ مَن قَرَأَ فى كُلِّ لَيلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ : «إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحًا مُّبِينًا» (2) فِى التَّطَوُّعِ ، حُفِظَ ذلِکَ العامَ . (3) .

1- .الكافى : 4 / 175 / 3 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 189 / 2105 كلاهما عن أبى العبّاس ، الإقبال : 1 / 230 وفيه «اعتكف رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى أوّل ما فرض شهر رمضان ...»، بحار الأنوار: 98/4/2وراجع الغارات: 1/249.
2- .الفتح : 1 .
3- .الإقبال : 1 / 75 نقلاً عن علىّ بن عبد الواحد النهدى فى كتاب عمل شهر رمضان ، بحار الأنوار : 96 / 350 / 19 نقلاً عن القطب الراوندى فى النوادر وفيه «من قرأ أوّل ليله من شهر رمضان «إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحًا مُّبِينًا» حفظ إلى مثلها من قابل» .

2 / 11 خواندن سوره فتح در نماز مستحب

922.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در پاسخ به مُعاذ که از ایشان درباره برترین ایما) امام صادق علیه السلام:پیامبر خدا در ماه رمضان ، در ده روز اوّل ، معتکف شد. سال بعد ، در ده روز وسط ، و در سال سوم ، در ده روز آخر معتکف شد. سپس پیوسته در ده روز آخر ، معتکف شد.ر . ک : ص 613 (آداب مخصوص دهه آخر / اعتکاف) .

2 / 11خواندن سوره فتح در نماز مستحب926.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از یزید بن هارون ، از مسعودی :به من چنین روایت رسیده که هر کس در هر شبی از ماه رمضان ، در نماز مستحب ، سوره «إنّا فَتَحنا» بخواند ، آن سال ، محفوظ می ماند.

.

الفصل الثالثالأَدعِيَهُ المُشتَرَكَهُ3 / 1أدعِيَهُ الصَّلَواتِ المَكتوبَهأ دُعاءُ «اللّهُمَّ أدخِل عَلى أهلِ القُبورِ السُّرورَ»932.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن دَعا بِهذَا الدُّعاءِ فى شَهرِ رَمَضانَ بَعدَ المَكتوبَهِ ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذُنوبَهُ إلى يَومِ القِيامَهِ ، وهُوَ :

اللّهُمَّ أدخِل عَلى أهلِ القُبورِ السُّرورَ ، اللّهُمَّ أغنِ كُلَّ فَقيرٍ ، اللّهُمَّ أشبِع كُلَّ جائِعٍ ، اللّهُمَّ اكسُ كُلَّ عُريانٍ ، اللّهُمَّ اقضِ دَينَ كُلِّ مَديونٍ (1) ، اللّهُمَّ فَرِّج عَن كُلِّ مَكروبٍ ، اللّهُمَّ رُدَّ كُلَّ غَريبٍ ، اللّهُمَّ فُكَّ كُلَّ أسيرٍ ، اللّهُمَّ أصلِح كُلَّ فاسِدٍ مِن اُمورِ المُسلِمينَ ، اللّهُمَّ اشفِ كُلَّ مَريضٍ ، اللّهُمَّ سُدَّ فَقرَنا بِغِناكَ ، اللّهُمَّ غَيِّر سُوءَ حالِنا بِحُسنِ حالِكَ ، اللّهُمَّ اقضِ عَنَّا الدَّينَ وأغنِنا مِنَ الفَقرِ ، إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (2) .

1- .وفى البلد الأمين : «مدينٍ» بدل «مديونٍ» .
2- .المصباح للكفعمى : 816 ، البلد الأمين : 222 ، بحار الأنوار : 98 / 120 / 3 نقلاً عن خطّ الشهيد الأوّل قدس سره .

3 / 1 دعاهای نمازهای واجب

الف دعای «اَللّهمَّ أَدْخِلْ عَلی أَهْلِ القُبورِ السُّرورَ»

فصل سوم : دعاهای مشترک3 / 1دعاهای نمازهای واجبالف دعای «اَللّهمَّ أَدْخِلْ عَلی أَهْلِ القُبورِ السُّرورَ»931.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در ماه رمضان ، پس از نماز واجب ، این دعا را بخواند ، خداوندْ گناهان او را تا روز قیامت می آمرزد. دعا این است:

«خداوندا! بر خفتگان گورها ، شادی وارد کن. خداوندا! هر نیازمندی را بی نیاز بگردان. خداوندا! هر گرسنه ای را سیر کن. خداوندا! هر برهنه ای را بپوشان. خداوندا! بدهیِ هر بدهکاری را ادا کن. خدایا! گرفتاریِ هر گرفتاری را برطرف ساز. خدایا! هر غریبی را به [وطنش] باز گردان. خدایا! هر اسیری را برهان. خدایا! هر تباهی ای را از کارهای مسلمانان ، سامان بخش. خدایا! هر بیماری را شفا بده. خدایا! نیازمندیِ ما را با بی نیازیِ خویش برطرف ساز. خدایا! بد حالیِ ما را با حال نیک خودت ، تغییر بده. خدایا! بدهیِ ما را ادا کن و ما را از فقر ، بی نیاز گردان؛ همانا تو بر هر چیز ، توانایی».

.

ب دُعاءُ الحَجِّ933.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق والإمام الكاظم علیهماالسلام :تَقولُ فی شَهرِ رَمَضانَ مِن أوَّلِهِ إلی آخِرِهِ بَعدَ كُلِّ فَریضَهٍ :

اللّهُمَّ ارزُقنی حَجَّ بَیتِكَ الحَرامِ فی عامی هذا وفی كُلِّ عامٍ ما أبقَیتَنی فی یُسرٍ مِنكَ وعافِیَهٍ وسَعَهِ رِزقٍ ، ولا تُخلِنی مِن تِلكَ المَواقِفِ الكَریمَهِ وَالمَشاهِدِ الشَّریفَهِ ، وزِیارَهِ قَبرِ نَبِیِّكَ صَلَواتُكَ عَلَیهِ وآلِهِ وفی جَمیعِ حَوائِجِ الدُّنیا وَالآخِرَهِ فَكُن لی .

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُكَ فیما تَقضی وتُقَدِّرُ مِنَ الأَمرِ المَحتومِ فی لَیلَهِ القَدرِ مِنَ القَضاءِ الَّذی لا یُرَدُّ ولا یُبَدَّلُ ، أن تَكتُبَنی مِن حُجّاجِ بَیتِكَ الحَرامِ ، المَبرورِ حَجُّهُمُ ، المَشكورِ سَعیُهُمُ ، المَغفورِ ذُنوبُهُمُ ، المُكَفَّرِ عَنهُم سَیِّئاتُهُم ، وَاجعَل فیما تَقضی وتُقَدِّرُ أن تُطیلَ عُمُری فی طاعَتِكَ ، وتُوَسِّعَ عَلَیَّ رِزقی ، وتُؤَدِّیَ عَنّی أمانَتی ودَینی ، آمینَ رَبَّ العالَمینَ . (1)وانظر : ص 500 ، ح 520 .

ج دُعاءُ «یا عَلِیُّ یا عَظیمُ»الإقبال :تَدعو عَقیبَ كُلِّ فَریضَهٍ فی شَهرِ رَمَضانَ لَیلاً كانَ أو نَهارا فَتَقولُ : یا عَلِیُّ یا عَظیمُ یا غَفورُ یا رَحیمُ ، أنتَ الرَّبُّ العَظیمُ الَّذی لَیسَ كَمِثلِهِ شَیءٌ وهُوَ السَّمیعُ البَصیرُ ، وهذا شَهرٌ عَظَّمتَهُ وكَرَّمتَهُ وشَرَّفتَهُ وفَضَّلتَهُ عَلَی الشُّهورِ ، وهُوَ الشَّهرُ الَّذی فَرَضتَ صِیامَهُ عَلَیَّ وهُوَ شَهرُ رَمَضانَ الَّذی أنزَلتَ فیهِ القُرآنَ هُدیً لِلنّاسِ وبَیِّناتٍ مِنَ الهُدی وَالفُرقانِ ، وجَعَلتَ فیهِ لَیلَهَ القَدرِ وجَعَلتَها خَیرا مِن ألفِ شَهرٍ ، فَیا ذَا المَنِّ ولا یُمَنُّ عَلَیكَ ، مُنَّ عَلَیَّ بِفَكاكِ رَقَبَتی مِنَ النّارِ فیمَن تَمُنُّ عَلَیهِ ، وأدخِلنِی الجَنَّهَ بِرَحمَتِكَ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ . (2)

.

1- .الإقبال : 1 / 79 .
2- .الإقبال : 1 / 79 ، المصباح للكفعمی : 832 .

ب دعای حج
ج دعای «یا عَلیُّ یا عَظیمُ»

ب دعای حج848.تنبیه الخواطر :امام صادق و امام کاظم علیهماالسلام:از اوّل تا پایان ماه رمضان ، پس از هر نماز واجب می گویی:

«خداوندا! امسال و در هر سال ، تا وقتی مرا زنده می داری ، حجّ خانه خودت را روزی ام کن ، در آسانی و تن درستی و وسعت روزی از سوی خودت؛ و جای مرا در آن جایگاه های ارزشمند و حرم های شریف ، خالی مگذار و از زیارت قبر پیامبرت که درود تو بر او و خاندانش باد محرومم مکن؛ و در همه نیازهای دنیا و آخرت ، برای من باش!

خداوندا! از تو می خواهم در آنچه حتمی و مقدّر می کنی از فرمان قطعی در شب قدر ، از آن تقدیری که برنمی گردد و عوض نمی شود ، که مرا از حُجّاج خانه با حرمت خویش قرار دهی؛ از آنان که حجّشان پذیرفته ، تلاششان پاداش یافته ، گناهانشان آمرزیده ، و خطاهایشان پوشیده است؛ و در آنچه تقدیر و حتمی می کنی ، این را قرار بده که عمرم را در فرمان بُرداری ات بلند گردانی و روزی ام را بر من وسعت بخشی و امانت و بدهیِ مرا از جانب من ادا کنی! آمین ، ای پروردگار جهانیان!».ر . ک : ص 501 ، ح 520

ج دعای «یا عَلیُّ یا عَظیمُ»851.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الإقبال:در ماه رمضان ، پس از هر نماز واجب ، چه شب باشد و چه روز ، می گویی:

«ای والا ، ای بزرگ ، ای آمرزنده ، ای مهربان! تو ، آن پروردگار بزرگی که همانند او ، چیزی نیست و او شنوای بیناست ، و این ، ماهی است که آن را بزرگ داشته ، کرامت و شرافت بخشیده ، و بر [دیگر] ماه ها برتری داده ای ، و این ، ماهی است که روزه داریِ آن را بر من واجب کرده ای ، و آن ، ماه رمضان است که در آن ، قرآن را برای راهنمایی مردم و به عنوان نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان [جداکننده حق از باطل] ، نازل کرده ای و شب قدر را در آن قرار داده و آن را بهتر از هزار ماه قرار داده ای. پس ، ای صاحب نعمت و منّت که کسی را بر تو منّتی نیست! با آزاد

کردنم از آتش ، بر من نیز ، در جمع آنان که بر ایشان منّت می گذاری ، منّت گذار و وارد بهشتم کن ! به رحمتت ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

.

3 / 2أدعِيَهُ كُلِّ لَيلَهأ الدُّعاءُ لِلحَجِّ852.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام فِی الدُّعاءِ فی کُلِّ لَیلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ :اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ (1) فیما تَقضی وتُقَدِّرُ مِنَ الأمرِ المَحتومِ فِی الأمرِ الحَکیمِ مِنَ القَضاءِ الَّذی لا یُرَدُّ ولا یُبَدَّلُ ، أن تَکتُبَنی مِن حُجّاجِ بَیتِکَ الحَرامِ ، المَبرورِ حَجُّهُمُ ، المُکَفَّرِ عَنهُم سَیِّئاتُهُمُ ، المَغفورِ ذُنوبُهُمُ ، المَشکورِ سَعیُهُم ، وأن تَجعَلَ فیما تَقضی وتُقَدِّرُ مِنَ الأمرِ المَحتومِ فِی الأمرِ الحَکیمِ فی لَیلَهِ القَدرِ مِنَ القَضاءِ الَّذی لا یُرَدُّ ولا یُبَدَّلُ أن تُطیلَ عُمُری وأن تُوَسِّعَ عَلَیَّ فی رِزقی ، وأن تَجعَلَنی مِمَّن تَنتَصِرُ بِهِ لِدینِکَ ولا تَستَبدِلَ بی غَیری . (2)853.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال :عَن مُحَمَّدِ بنِ أبی عُمَیرٍ عَمَّن ذَکَرَهُ عَن بَعضِ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام أنَّهُ قالَ : مَن قالَ هذَا الدُّعاءَ فی کُلِّ لَیلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ غُفِرَت لَهُ ذُنوبُ أربَعینَ سَنَهً :

اللّهُمَّ رَبَّ شَهرِ رَمَضانَ الَّذی أنزَلتَ فیهِ القُرآنَ وَافتَرَضتَ عَلی عِبادِکَ فیهِ الصِّیامَ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَارزُقنی حَجَّ بَیتِکَ الحَرامِ فی عامی هذا وفی کُلِّ عامٍ ، وَاغفِر لی تِلکَ الذُّنوبَ العِظامَ ؛ فَإِنَّهُ لا یَغفِرُها غَیرُکَ یا رَحمانُ یا عَلّامُ . (3) .

1- .زاد فی الإقبال هنا : «أن تجعل» .
2- .الکافی : 4 / 161 / 3 عن محمّد بن عطیّه ، الإقبال : 1 / 145 عن ابن عمیر بإسناده وص 144 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 162 من دون إسنادٍ إلی المعصوم وکلّها نحوه .
3- .الإقبال : 1 / 144 ، الهدایه : 187 عن الإمام الصادق علیه السلام نحوه ، بحار الأنوار : 96 / 311 / 5 .

3 / 2 دعاهای هر شب

الف دعا برای حج

3 / 2دعاهای هر شبالف دعا برای حج857.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام در دعا در هر شب از ماه رمضان :خداوندا ! از تو می خواهم در آنچه حتمی و مقدّر می کنی ، از فرمان قطعی در امر حکیمانه ، از آن تقدیری که برنمی گردد و عوض نمی شود ، که مرا از حُجّاج خانه با حرمت خویش قرار دهی؛ از آنان که حجّشان پذیرفته ، گناهانشان پوشیده ، نافرمانی هایشان آمرزیده ، و تلاششان پاداش یافته است ، و [از تو می خواهم] در آنچه قطعی و مقدّر می کنی ، از آن فرمان قطعی در امر حکیمانه در شب قدر ، از آن تقدیری که برنمی گردد و عوض نمی شود ، مرا عمری طولانی بخشی و به روزی ام وسعت دهی و مرا از آنانی قرار دهی که دین تو را یاری می کنند ، و دیگری را جایگزین من نسازی !858.المستدرک علی الصحیحین عن ابن مسعود :الإقبال به نقل از محمّد بن ابی عمیر ، از کسانی ، از بعضی از خاندان محمّد صلی الله علیه و آله :هر کس این دعا را در هر شب از ماه رمضان بخواند ، گناهان چهل ساله اش آمرزیده می شود:

«خداوندا ! ای پروردگار ماه رمضان ، ماهی که در آن ، قرآن نازل کرده ای و در آن روزه را بر بندگانت واجب ساخته ای ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و حجّ خانه خودت را امسال و هر سال ، روزی ام کن و آن گناهان بزرگ مرا بیامرز ، که آنها را جز تو نمی آمرزد ! ای بخشنده ، ای بسیار دانا !».

.

وانظر : ص 500 ، ح 520 .

ب دُعاءُ حُسنِ القَضاءِ855.پیامبر خدا صلی اللهِ علیه و آله (به ابو هریره) الإمام الصادقَ علیه السلام فِی الدُّعاءِ عِندَ کُلِّ لَیلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ :اللّهُمَ إنّی أسألُکَ فیما تَقضی وتُقَدِّرُ مِنَ الأَمرِ المَحتومِ فِی الأَمرِ الحَکیمِ فی لَیلَهِ القَدرِ فِی القَضاءِ الَّذی لا یُرَدُّ ولا یُبَدَّلُ ، أن تُطیلَ عُمُری وأن تُوَسِّعَ عَلَیَ فی رِزقی،وأن تَجعَلَنی مِمَّن تَنتَصِرُ بِهِ ولا تَستَبدِلَ بی غَیری. (1)وانظر : ص 372 ، ح 497 .

ج الصَّلاهُ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِالإمام الجواد علیه السلام :یُستَحَبُّ أن تُکثِرَ مِن أن تَقولَ فی کُلِّ وَقتٍ مِن لَیلٍ أو نَهارٍ مِن أوَّلِ الشَّهرِ إلی آخِرِهِ : یا ذَا الَّذی کانَ قَبلَ کُلِّ شَیءٍ ، ثُمَّ خَلَقَ کُلَّ شَیءٍ ، ثُمَّ یَبقی ویَفنی کُلُّ شَیءٍ ، یا ذَا الَّذی لَیسَ کَمِثلِهِ شَیءٌ ، ویا ذَا الَّذی لَیسَ فِی السَّماواتِ العُلی ولا فِی الأَرَضینَ السُّفلی ولا فَوقَهُنَّ ولا تَحتَهُنَّ ولا بَینَهُنَّ إلهٌ یُعبَدُ غَیرُهُ . لَکَ الحَمدُ حَمدا لا یَقوی عَلی إحصائِهِ إلاّ أنتَ . فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ صَلاهً لا یَقوی عَلی إحصائِها إلاّ أنتَ . (2)

.

1- .تهذیب الأحکام : 3 / 102 / 264 عن محمّد بن عطیّه ، مصباح المتهجّد : 630 / 708 ولیس فیه «فی لیله القدر» ، المصباح للکفعمی : 773 نحوه .

2- .المقنعه : 320 عن علیّ بن مهزیار ، الإقبال : 1 / 348 ذکره فی أدعیه اللیله التاسعه عشره ، المصباح للکفعمی : 823 ، البلد الأمین : 226 ذکراه فی أدعیه کلّ یوم ، وکلّها من دون إسنادٍ إلی المعصوم .

ب دعا برای تقدیر نیکو
ج صلوات بر پیامبر و خاندانش

ر . ک : ص 501 ، ح 520.

ب دعا برای تقدیر نیکوامام صادق علیه السلام در دعایی در هر شب از ماه رمضان :خداوندا ! از تو می خواهم در آنچه حتمی و مقدّر می کنی ، از فرمان قطعی در امر حکیمانه خویش در شب قدر ، در آن تقدیری که برنمی گردد و عوض نمی شود ، که عمرم را طولانی سازی و روزی ام را وسعت بخشی و مرا از کسانی قرار دهی که با او دینت را یاری می کنی و دیگری را جایگزین من نسازی !

ر . ک : ص 373 ، ح 497

ج صلوات بر پیامبر و خاندانشامام جواد علیه السلام:مستحب است در هر وقتی از شب یا روز از اوّل تا پایان این ماه ، زیاد بگویی: «ای آن که پیش از هر چیز بود ، سپس همه چیز را آفرید ، سپس باقی می مانَد و همه چیز ، فانی می شود !ای آن که چیزی همانند او نیست ! ای آن که نه در آسمان های بلند و نه در زمین های پایین و نه بالای آنها و نه زیر آنها و نه میان آنها ، معبودی جز او نیست که پرستیده شود ! تو را حمد و سپاس ، حمدی که کسی جز تو بر شمارش آن توانا نیست. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست ؛ درودی که کسی جز تو ، شمارش آن را نتواند !».

.

د دُعاءُ الاِفتِتاحِالإقبال عن أبى عمرو محمّد بن محمّد بن نصر السكونى :سَألتُ أبا بَكرٍ أحمَدَ بنَ مُحَمَّدِ بنِ عُثمانَ البَغدادِىَّ أن يُخرِجَ إلَىَّ أدعِيَةَ شَهرِ رَمَضانَ الَّتى كانَ عَمُّهُ أبو جَعفَرٍ مُحَمَّدُ بنُ عُثمانَ بنِ السَّعيدِ العَمرِىُّ يَدعو بِها ، فَأخرَجَ إلَىَّ دَفتَرا مُجَلَّدا بِأحمَرَ ، فَنَسَختُ مِنهُ أدعِيَةً كَثيرَةً ، وكانَ مِن جُملَتِها : وتَدعو بِهذَا الدُّعاءِ فى كُلِّ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ؛ فَإنَّ الدُّعاءَ فى هذَا الشَّهرِ تَسمَعُهُ المَلائِكَةُ وتَستَغفِرُ لِصاحِبِهِ ، وهُوَ : اللّهُمَّ إنّى أفتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمدِكَ وأنتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّكَ ، وأيقَنتُ أنَّكَ أرحَمُ الرّاحِمينَ فى مَوضِعِ العَفوِ وَالرَّحمَةِ ، وأشَدُّ المُعاقِبينَ فى مَوضِعِ النَّكالِ وَالنَّقِمَةِ ، وأعظَمُ المُتَجَبِّرينَ فى مَوضِعِ الكِبرِياءِ وَالعَظَمَةِ . اَللّهُمَّ أذِنتَ لى فى دُعائِكَ ومَسأَلَتِكَ ، فَاسمَع يا سَميعُ مِدحَتى ، وأجِب يا رَحيمُ دَعوَتى ، وأقِل يا غَفورُ عَثرَتى ، فَكَم يا إلهى مِن كُربَةٍ قَد فَرَّجتَها ! وهُمومٍ قَد كَشَفتَها ! وعَثرَةٍ قَد أقَلتَها ! ورَحمَةٍ قَد نَشَرتَها ! وحَلقَةِ بَلاءٍ قَد فَكَكتَها ! اَلحَمدُ للّهِ الَّذى لَم يَتَّخِذ صاحِبَةً ولا وَلَدا ولَم يَكُن لَهُ شَريكٌ فِى المُلكِ ولَم يَكُن لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ وكَبِّرهُ تَكبيرا . الحَمدُ للّهِ بِجَميعِ مَحامِدِهِ كُلِّها عَلى جَميعِ نِعَمِهِ كُلِّها . الحَمدُ للّهِ الَّذى لا مُضادَّ لَهُ فى مُلكِهِ ولا مُنازِعَ لَهُ فى أمرِهِ . الحَمدُ للّهِ الَّذى لا شَريكَ لَهُ فى خَلقِهِ ، ولا شَبيهَ (1) لَهُ فى عَظَمَتِهِ . الحَمدُ للّهِ الفاشى فِى الخَلقِ أمرُهُ وحَمدُهُ ، الظّاهِرِ بِالكَرَمِ مَجدُهُ ، الباسِطِ بِالجودِ يَدَهُ ، الَّذى لا تَنقُصُ خَزائِنُهُ ولا تَزيدُهُ كَثرَةُ العَطاءِ إلاّ جودا وكَرَما ، إنَّهُ هُوَ العَزيزُ الوَهّابُ . اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ قَليلاً مِن كَثيرٍ مَعَ حاجَةٍ بى إلَيهِ عَظيمَةٍ وغِناكَ عَنهُ قَديمٌ ، وهُوَ عِندى كَثيرٌ وهُوَ عَلَيكَ سَهلٌ يَسيرٌ . اللّهُمَّ إنَّ عَفوَكَ عَن ذَنبى وتَجاوُزَكَ عَن خَطيئَتى ، وصَفحَكَ عَن ظُلمى وسَترَكَ عَلى قَبيحِ عَمَلى ، وحِلمَكَ عَن كَثيرِ جُرمى عِندَما كانَ مِن خَطَئى وعَمدى ، أطمَعَنى فى أن أسأَلَكَ ما لا أستَوجِبُهُ مِنكَ الَّذى رَزَقتَنى مِن رَحمَتِكَ وأرَيتَنى مِن قُدرَتِكَ وعَرَّفتَنى مِن إجابَتِكَ ، فَصِرتُ أدعوكَ آمِنا وأسأَلُكَ مُستَأنِسا لا خائِفا ولا وَجِلاً ، مُدِلاًّ عَلَيكَ فيما قَصَدتُ فيهِ إلَيكَ، فَإن أبطَأَ عَنّى عَتَبتُ بِجَهلى عَلَيكَ ، ولَعَلَّ الَّذى أبطَأَ عَنّى هُوَ خَيرٌ لى ؛ لِعِلمِكَ بِعاقِبَةِ الاُمورِ ، فَلَم أرَ مَولىً كَريما أصبَرَ عَلى عَبدٍ لَئيمٍ مِنكَ عَلَىَّ . يا رَبِّ ، إنَّكَ تَدعونِى فَاُولّى عَنكَ ، وتَتَحَبَّبُ إلَىَّ فَأتَبَغَّضُ إلَيكَ ، وتَتَوَدَّدُ إلَىَّ فَلا أقبَلُ مِنكَ ، كَأنَّ لِىَ التَّطَوُّلَ عَلَيكَ ، فَلَم يَمنَعكَ ذلِكَ مِنَ الرَّحمَةِ لى وَالإحسانِ إلَىَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَىَّ بِجودِكَ وكَرَمِكَ ، فَارحَم عَبدَكَ الجاهِلَ وجُد عَلَيهِ بِفَضلِ إحسانِكَ إنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ . الحَمدُ للّهِ مالِكِ المُلكِ مُجرِى الفُلكِ ، مُسَخِّرِ الرِّياحِ فالِقِ الإصباحِ ، دَيّانِ الدّينِ رَبِّ العالَمينَ ، الحَمدُ للّهِ عَلى حِلمِهِ بَعدَ عِلمِهِ ، الحَمدُ للّهِ عَلى عَفوِهِ بَعدَ قُدرَتِهِ ، الحَمدُ للّهِ عَلى طولِ أناتِهِ فى غَضَبِهِ وهُوَ القادِرُ عَلى ما يُريدُ ، الحَمدُ للّهِ خالِقِ

الخَلقِ باسِطِ الرِّزقِ ذِى الجَلالِ وَالإكرامِ وَالفَضلِ وَالإنعامِ ، الّذى بَعُدَ فَلا يُرى وقَرُبَ فَشَهِدَ النَّجوى تَبارَكَ وتَعالى ، الحَمدُ للّهِ الَّذى لَيسَ لَهُ مُنازِعٌ يُعادِلُهُ ولا شَبيهٌ يُشاكِلُهُ ولا ظَهيرٌ يُعاضِدُهُ ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الأعِزّاءَ وتَواضَعَ لِعَظَمَتِهِ العُظَماءُ فَبَلَغَ بِقُدرَتِهِ ما يَشاءُ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى يُجيبُنى حينَ اُنادِيهِ ، ويَستُرُ عَلَىَّ كُلَّ عَورَةٍ وأنَا أعصيهِ ، ويُعَظِّمُ النِّعمَةَ عَلَىَّ فَلا اُجازيهِ ، فَكَم مِن مَوهِبَةٍ هَنيئَةٍ قَد أعطانى ! وعَظيمَةٍ مَخوفَةٍ قَد كَفانى ! وبَهجَةٍ مونِقَةٍ قَد أرانى ! فَأثنى عَلَيهِ حامِدا وأذكُرُهُ مُسَبِّحا . الحَمدُ للّهِ الَّذى لا يُهتَكُ حِجابُهُ ولا يُغلَقُ بابُهُ ، ولا يُرَدُّ سائِلُهُ ولا يُخَيَّبُ آمِلُهُ . الحَمدُ للّهِ الَّذى يُؤمِنُ الخائِفينَ ويُنَجِّى الصّالِحينَ ، ويَرفَعُ المُستَضعَفينَ ويَضَعُ المُستَكبِرينَ ، ويُهلِكُ مُلوكا ويَستَخلِفُ آخَرينَ ، وَالحَمدُ للّهِ قاصِمِ الجَبّارينَ مُبيرِ الظّالِمينَ ، مُدرِكِ الهارِبينَ نَكالِ الظّالِمينَ ، صَريخِ المُستَصرِخينَ مَوضِعِ حاجاتِ الطّالِبينَ مُعتَمَدِ المُؤمِنينَ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى مِن خَشيَتِهِ تَرعَدُ السَّماءُ وسُكّانُها ، وتَرجُفُ الأرضُ وعُمّارُها ، وتَموجُ البِحارُ ومَن يَسبَحُ (2) فى غَمَراتِها ، (الحَمدُ للّهِ الَّذى هَدانا لِهذا وما كُنّا لِنَهتَدِىَ لَولا أن هَدانَا اللّهُ) (3) الحَمدُ للّهِ الَّذى يَخلُقُ ولَم يُخلَقُ ويَرزُقُ ولا يُرزَقُ (4) ويُطعِمُ ولا يُطعَمُ ، ويُميتُ الأحياءَ ويُحيِى المَوتى وهُوَ حَىٌّ لا يَموتُ ، بِيَدِهِ الخَيرُ وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ وأمينِكَ وصَفِيِّكَ وحَبيبِكَ وخِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ ، وحافِظِ سِرِّكَ ومُبَلِّغِ رِسالاتِكَ ، أفضَلَ وأحسَنَ وأجمَلَ وأكمَلَ وأزكى وأنمى وأطيَبَ وأطهَرَ وأسنى وأكثَرَ ما صَلَّيتَ وبارَكتَ وتَرَحَّمتَ وتَحَنَّنتَ وسَلَّمتَ عَلى أحَدٍ مِن عِبادِكَ وأنبِيائِكَ ورُسُلِكَ وصَفوَتِكَ وأهلِ الكَرامَةِ عَلَيكَ مِن خَلقِكَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِىٍّ أميرِ المُؤمِنينَ ووَصِىِّ رَسولِ رَبِّ العالَمينَ ، (عَبدِكَ ووَلِيِّكَ وأخى رَسولِكَ وحُجَّتِكَ عَلى خَلقِكَ وآيَتِكَ الكُبرى وَالنَّبَإِ?العَظيمِ) (5) وصَلِّ عَلَى الصِّدّيقَةِ الطّاهِرَةِ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ العالَمينَ ، وصَلِّ عَلى سِبطَيِ الرَّحمَةِ وإمامَيِ الهُدى الحَسَنِ وَالحُسَينِ سَيِّدَى شَبابِ أهلِ الجَنَّةِ ، وصَلِّ عَلى أئِمَّةِ المُسلِمينَ : (عَلِيِ بنِ الحُسَينِ ومُحَمَّدِ بنِ عَلِىٍّ وجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ وموسَى بنِ جَعفَرٍ وعَلِيِ بنِ موسى ومُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍ وعَلِيِ بنِ مُحَمَّدٍ وَالحَسَنِ بنِ عَلِيٍ وَالخَلَفِ المَهدِىِّ) (6) حُجَجِكَ عَلى عِبادِكَ وأمنائِكَ فى بِلادِكَ صَلاةً كَثيرَةً دائِمَةً . اللّهُمَّ وصَلِّ عَلى وَلِيِ أمرِكَ القائِمِ المُؤَمَّلِ وَالعَدلِ المُنتَظَرِ ، وحُفَّهُ بِمَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ وأيِّدهُ بِروحِ القُدُسِ يا رَبَّ العالَمينَ . اللّهُمَّ اجعَلهُ الدّاعِىَ إلى كِتابِكَ وَالقائِمَ بِدينِكَ ، وَاستَخلِفهُ فِى الأرضِ كَمَا استَخلَفتَ الَّذينَ مِن قَبلِهِ ، مَكِّن لَهُ دينَهُ الَّذى ارتَضَيتَهُ لَهُ ، أبدِلهُ مِن بَعدِ خَوفِهِ أمنا يَعبُدُكَ لا يُشرِكُ بِكَ شَيئا . اللّهُمَّ أعِزَّهُ وأعزِز بِهِ ، وَانصُرهُ وَانتَصِر بِهِ وَانصُرهُ نَصرا عَزيزا (وَافتَح لَهُ فَتحا مُبينا وَاجعَل لَهُ مِن لَدُنكَ سُلطانا نَصيرا) (7) . اللّهُمَّ أظهِر بِهِ دينَكَ وسُنَّةَ نَبِيِّكَ ؛ حَتّى لا يَستَخفِيَ بِشَىءٍ مِنَ الحَقِّ مَخافَةَ أحَدٍ مِنَ الخَلقِ . اللّهُمَّ إنّا نَرغَبُ إلَيكَ فى دَولَةٍ كَريمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الإسلامَ وأهلَهُ وتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وأهلَهُ ، وتَجعَلُنا

فيها مِنَ الدَّعَاهِ إلى طاعَتِکَ وَالَقادَهِ إلى سَبيلِکَ ، وتَرزُقُنا بِها كَرامَهَ الدَّنيا وَالآخِرَهِ . اللّهُمَّ ما عَرَّفتَنا مِنَ الحَقِّ فَحَمِّلناهُ وما قَصُرنا عَنهُ فَبَلِّغناهُ . اللّهُمَّ المُم بِهِ شَعَثَنا وَاشعَب بِهِ صَدعَنا وَارتُق بِهِ فَتقَنا ، وكَثِّر بِهِ قِلَّتَنا ، وأعِزَّ بِهِ ذِلَّتَنا ، وأغنِ بِهِ عائِلَنا ، وَاقضِ بِهِ عَن مَغرَمِنا ، وَاجبُر بِهِ فَقرَنا ، وسُدَّ بِهِ خَلَّتَنا، ويَسِّر بِهِ عُسرَنا ، وبَيِّض بِهِ وُجوهَنا ، وفُكَّ بِهِ أسرَنا، وأنجِح بِهِ طَلِبَتَنا ، وأنجِز بِهِ مَواعيدَنا ، وَاستَجِب بِهِ دَعوَتَنا ، (وأعطِنا بِهِ سُؤلَنا ، وبَلِّغنا بِهِ مِنَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ آمالَنا) (8) ، وأعطِنا بِهِ آمالَنا ، وأعطِنا بِهِ فَوقَ رَغبَتِنا ، يا خَيرَ المَسؤولينَ وأوسَعَ المُعطينَ ، اِشفِ بِهِ صُدورَنا ، وأذهِب بِهِ غَيظَ قُلوبِنا ، وَاهدِنا بِهِ لِمَا اختُلِفَ فيهِ مِنَ الحَقِّ بِإذنِکَ ؛ إنَّکَ تَهدى مَن تَشاءُ إلى صِراطٍ مُستَقيمٍ ، وَانصُرنا بِهِ عَلى عَدُوِّکَ وعَدُوِّنا إلهَ الحَقِّ آمينَ . اللّهُمَّ إنّا نَشكو إلَيکَ فَقدَ نَبِيِّنا صَلَواتُکَ عَلَيهِ وآلِهِ وغَيبَهَ إمامِنا (9) ، وكَثرَهَ عَدُوِّنا (وقِلَّهَ عَدَدِنا) 10 وشِدَّهَ الفِتَنِ بِنا ، وتَظاهُرَ الزَّمانِ عَلَينا ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وأعِنّا عَلى ذلِکَ بِفَتحٍ تُعَجِّلُهُ ، وبِضُرٍّ تَكشِفُهُ ونَصرٍ تُعِزُّهُ ، وسُلطانِ حَقٍّ تُظهِرُهُ ، ورَحمَهٍ مِنکَ تُجَلِّلُناها وعافِيَهٍ [مِنکَ]تُلبِسُناها بِرَحمَتِکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . 11

.

1- .فى نسخه : «شبه» .
2- .ويمكن ضبطها أيضا بهذا الشكل : «يُسَبِّحُ» .
3- .ما بين القوسين أثبتناه من الطبعه الحجريّه للمصدر ، وكذلک فى البلد الأمين والمصباح للكفعمى .
4- .فى الطبعه المعتمده «ولم يرزق» ، والتصويب من الطبعه الحجريّه والمصادر الأُخرى .
5- .ما بين القوسين لا يوجد فى مصباح المتهجّد والبلد الأمين وتهذيب الأحكام .
6- .ما بين القوسين لا يوجد فى مصباح المتهجّد وتهذيب الأحكام .
7- .ما بين القوسين أثبتناه من الطبعه الحجريّه للمصدر ، وكذلک فى المصباح للكفعمى .
8- .فى المصباح للكفعمى «وليّنا» بدل «إمامنا» .
9- .الإقبال : 1 / 138 ، تهذيب الأحكام : 3 / 108 ، مصباح المتهجّد : 577 / 690 ، المصباح للكفعمى : 770 ، البلد الأمين : 193 كلّها من دون إسناد إلى المعصوم .

د دعای افتتاح

د دعای افتتاحالإقبال به نقل از ابو عمرو محمّد بن محمّد بن نصر سَکونی :از ابو بکر احمد بن محمّد بن عثمان بغدادی خواستم دعاهای ماه رمضان را که عمویش ابو جعفر محمّد بن عثمان بن سعید عَمری (1) می خوانده ، برای من درآورد. پس دفتری را که جلد قرمز داشت ، بیرون آورد. من ، دعاهای بسیاری را از روی آن نوشتم و از جمله آنها ، این دعا بود: «خداوندا! من ستایشت را با حمد تو آغاز می کنم و تو با نعمت خویش ، توفیق دهنده بر راه درستی. یقین دارم که تو ، در جای گذشت و رحمت ، مهربان ترینِ مهربانانی و در جای کیفر و انتقام ، سرسخت ترین کیفردهندگانی و در جایگاه بزرگی و عظمت ، بزرگ ترین جبّارانی. (2) خداوندا! اذنم داده ای تا تو را بخوانم و از تو بخواهم . پس ، ای شنوا! ستایشم را بشنو ، و ای مهربان! دعایم را اجابت کن ، و ای آمرزنده! از لغزشم درگذر. خدایا! چه بسیار اندوهی که برطرفش ساختی و غمی که آن را زدودی و لغزشی که از آن در گذشتی و رحمتی که آن را گستردی و زنجیره بلایی که آن را از هم گسستی! ستایش، خدایی را که نه همسری گرفته و نه فرزندی، و نه او را در پادشاهی، شریکی است و نه او را از روی خواری، سرپرستی. او را به شایستگی، تکبیر بگوی و بزرگ بدار. خداراسپاس،باهمه ستودگی هایش،برهمه نعمت هایش. سپاس ، خدایی را که نه او را در حکمرانی ، ضدّی است و نه در فرمانش ، او را مخالفی. سپاس ، خدایی را که در میان آفریدگانش ، شریکی ندارد و در عظمتش ، بی همتاست. سپاس ، خدایی را که فرمان او و ستایشش در میان خَلق ، پراکنده و آشکار است ؛ آن که شُکوهش با بخشندگی ، هویداست و دستش به سخاوت ، گشوده است؛ آن که بخشش زیاد ، نه از گنجینه هایش می کاهد و نه بر آن می افزاید ، مگر بر بخشندگی و کَرَمش. همانا او قدرتمند بخشنده است. خداوندا! از تو اندکی از نیاز فراوانم را می خواهم ، با آن که نیازم به آن ، بسیار است و بی نیازیِ تو از آن ، دیرین. آن نزد من ، بسیار است ؛ امّا بر تو آسان و ناچیز . خداوندا! بخشایش تو از گناهم ، و گذشت تو از خطایم ، و چشم پوشی تو از ظلمم ، و پرده پوشی تو بر کار زشتم ، و بردباری تو از گناه بسیارم آن جا که به عمد یا خطا گناه کردم مرا به طمع انداخت تا از تو چیزی بخواهم که از سوی تو شایسته آن نیستم ، چیزی که از رحمت خویش ، روزی ام کردی و از قدرت خود ، نشانم دادی و از اجابت خویش ، مرا شناساندی. پس چنین گشتم که با

ایمنی ، تو را می خوانم و بی وحشت و ترس ، از تو می خواهم و نیز در آنچه به درگاهت روی می آورم ، با ناز و عشوه ، طلب می کنم . پس اگر حاجتم دیر برآید ، جاهلانه عتابت می کنم ، با آن که شاید آنچه تأخیر افتاده ، برایم بهتر باشد؛ چرا که تو فرجام کارها را می دانی. پس ، هیچ مولای بزرگواری را بر بنده ای فرومایه ، شکیباتر از تو بر خود ندیده ام. پروردگارا! تو مرا می خوانی؛ من از تو روی برمی گردانم. تو به من دوستی می کنی؛ من با تو بی مهری می کنم. تو با من مهربانی می کنی؛ من از تو نمی پذیرم ، گویا که من بر تو نعمت و منّت دارم؛ امّا اینها باز هم تو را از رحمت بر من و نیکی و بخشش از روی جود و کَرَم به من ، باز نمی دارند. پس ، این بنده نادانت را ترحّم کن و با فضل و احسانت بر او ببخش! همانا تو بخشنده بزرگواری. ستایش، خدایی را که مالکِ فرمان روایی است، روان سازنده کشتی ، مسخّر کننده بادها، شکافنده صبح ، جزا دهنده روز جزا و پروردگار جهانیان است. خدا را سپاس بر بردباری اش پس از علمش. خدا را سپاس بر گذشتش پس از قدرتش. خدا را سپاس بر تحمّل طولانی اش پس از خشمش ، در حالی که او بر هر چه بخواهد ، تواناست. خدا را سپاس ، که آفریدگار خَلق است ، گشاینده روزی ، صاحب شُکوه و بزرگواری و احسان و نعمت دهی؛ آن که دور است ، پس دیده نمی شود ، و نزدیک است ، آن چنان که نجوا را شاهد است. بزرگوار و والاست. سپاس ، خدایی را که نه مخالفی دارد که با او برابری کند ، و نه مشابهی دارد که با او همتا شود ، و نه پشتیبانی دارد تا از او حمایت کند . با قدرت خویش ، قدرتمندان را شکست داده و بزرگان ، در پیشگاه عظمتش ، فروتنی کرده اند . پس با قدرتش به آنچه می خواهد ، رسیده است . سپاس ، خدایی را که چون می خوانمش ، پاسخم می دهد و با آن که نافرمانی اش می کنم ، هر عیب مرا می پوشاند و نعمت خویش را بر من بزرگ می دارد و من سپاسش نمی گزارم . چه بسیار موهبت و بخشش بزرگی که به من بخشید و چه بسیار امر بزرگ و ترسناکی که از من دفع کرد و چه بسیار شادمانیِ دل ربایی که نشانم داد ! پس ، او را ستایشگرانه ثنا می گویم و به پاکی و بی عیبی ، یادش می کنم . سپاس ، خدایی را که پرده اش دریده نمی شود ، درش بسته نمی گردد ، درخواست کننده از او برگردانده نمی شود و آرزومند او محروم نمی گردد. سپاس ، خدایی را که بیمناکان را ایمن می سازد ، شایستگان را نجات می بخشد ، ضعیف شمرده شدگان را رفعت می دهد ، مستکبران را پست می کند و پادشاهانی را هلاک می کند و پادشاهان دیگری را جایگزین می سازد. سپاس ، خدایی را که در هم کوبنده جبّاران ، نابودکننده ستمگران ، دریابنده فراریان ، کیفر دهنده ظالمان ، فریادرس درماندگان ، جایگاه [تأمین] نیازهای خواهندگان و تکیه گاه مؤمنان است. سپاس ، خدایی را که

از بیم او آسمان ها و آسمانیان و زمین و آبادکنندگانش می لرزند و دریاها و آنچه در اعماقشان شناور است ، در جوش و خروش اند. « سپاس ، خدایی را که ما را به این [دین] هدایت کرد و اگر او هدایتمان نمی کرد ، هرگز راه نمی یافتیم» . سپاس ، خدایی را که می آفریند و خود ، آفریده نیست؛ روزی می دهد ، ولی روزی خور نیست ؛ می خوراند ، ولی خورنده نیست؛ زندگان را می میراند و مردگان را زنده می کند و او زنده نامیراست. نیکی به دست اوست و او بر هر چیز ، تواناست. خداوندا ! بر محمّد ، بنده و فرستاده ات ، امین و برگزیده ات ، محبوب و انتخاب شده ات از میان بندگانت ، رازدارت و رساننده رسالت هایت ، درود فرست ، به بهترین ، نیکوترین ، زیباترین ، کامل ترین ، پاک ترین ، رشدیابنده ترین ، پاکیزه ترین ، والاترین و بیشترین درود و برکت و رحمت و نعمت ؛ و درودی که به هر یک از بندگان و پیامبران و فرستادگان و برگزیدگانت و آفریدگان صاحب کرامتت فرستاده ای ! خداوندا ! بر علی ، امیر مؤمنان ، وصیّ فرستاده پروردگار جهانیان ، بنده و دوستت و برادر پیامبرت و حجّت تو بر آفریدگانت و نشانه بزرگ تو و خبر بزرگ درود فرست ! و بر بانوی راست کردار پاک ، فاطمه ، سَرور زنان جهان ، درود فرست ! و بر دو نواده رحمت و دو پیشوای هدایت ، حسن و حسین ، دو سَرور جوانان بهشتی ، درود فرست ! و بر پیشوایان مسلمانان: علی بن الحسین ، محمّد بن علی ، جعفر بن محمّد ، موسی بن جعفر ، علی بن موسی ، محمّد بن علی ، علی بن محمّد ، حسن بن علی و جانشین او مهدی ، حجّت های تو بر بندگانت و امینان تو در سرزمین هایت ، درود فرست ، درودی فراوان و پیوسته ! خداوندا ! بر عهده دار فرمانت ، امام قائم ، که مورد آرزوست و عدالت مورد انتظار است ، درود فرست و او را با فرشتگان مقرّب خویش ، فرا گیر و او را ای پروردگار جهانیان با روح القدس مؤیّد بدار ! خداوندا ! او را دعوت کننده به کتابت و برپاکننده دینت قرار بده ، و او را در زمین ، جانشین ، قرار بده ، آن گونه که پیشینیان از او را جانشین ساختی ، و آیینی را که برای او پسندیده ای ، برای او حاکم ساز ، و او را پس از بیمش ایمنی بخش تا تنها تو را بپرستد و چیزی را شریک تو قرار ندهد ! خداوندا ! او را عزّت بخش و [ما را] به او عزیز (مقتدر) بگردان و او را به پیروزی برسان و او را یاری کن ، یاری ای قدرتمندانه ، و برای او فتحی آشکار قرار بده و از پیش خود ، قدرتی برخوردار از یاری برای وی قرار بده ! خداوندا ! با او دین خود و سنّت پیامبرت را چیره ساز تا از حق هیچ چیزی ، از بیم احدی از مردم ، پنهان نماند ! خداوندا ! ما از درگاه تو دولت کریمه ای را می خواهیم که با آن ، اسلام و مسلمانان را عزّت بخشی و نفاق و منافقان را خوار گردانی و ما را در آن حکومت ، از دعوتگران به طاعتت و فرماندهان و پیشوایان راهت قرار دهی و با آن ، کرامت دنیا و آخرت را

روزیِ ما کنی . خداوندا! آنچه از حق به ما شناساندی ، توفیق عمل به آن را هم به ما ببخش و آنچه بِدان دست نیافتیم ، ما را به آن برسان! خداوندا! پراکندگیِ ما را با وجود او وحدت بخش و آشفتگیِ ما را با او به سامان برسان و تفرقه ما را با او بزدای و اندکیِ ما را با او افزون گردان و خواریِ ما را با او به عزّت برسان و نیازمندِ ما را با او بی نیاز کن و بدهیِ بدهکار ما را با او ادا کن و تنگ دستیِ ما را با او جبران ساز و نیازِ ما را با او برطرف گردان و سختیِ ما را با او آسان ساز و چهره های ما را با او سفید گردان و گرفتارِ ما را با او رها ساز و خواسته ما را با او برآور و وعده هایی را که به ما داده ای ، با او محقّق ساز و دعایمان را با او اجابت فرما و خواسته ما را با او عطا کن و آرزوهای ما را در دنیا و آخرت با او برآور و آمال ما را با او عطا فرما و ما را به برکت او بالاتر از خواسته مان عطا کن! ای بهترین درخواست شدگان ، ای گسترده ترین عطا کنندگان! دل های ما را با او شفا بخش و کینه دل های ما را با او بزدای و در آنچه از حق ، مورد اختلاف است ، به اذن خودت ، ما را با او به حق هدایت کن همانا تو هر که را بخواهی ، به راه راست هدایت می کنی و ما را با او بر دشمن خودت و دشمن ما یاری کن! ای خدای حق ، آمین! خداوندا! ما به درگاهت شِکوه می آوریم فقدان پیامبرمان را که درود تو بر او و خاندانش باد و غیبت پیشوایمان را ، و فزونی دشمنمان را ، و اندکیِ شمارمان را ، و سختیِ فتنه ها را بر ما ، و هماهنگی [مردم] زمان را به زیان ما. پس بر محمّد و دودمان محمّد درود فرست و ما را بر این خواسته ها، یاری کن ، با فتحی که زود پیش می آوری و با رنجی که می زدایی و با یاری ای که مایه قدرت می سازی و با حکومت حقّی که آشکار و پیروزش می کنی و با رحمتی از سوی خود ، که بر ما شامل می کنی و عافیتی از سوی خود ، که بر ما می پوشانی ، به رحمتت ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

.

1- .هر چند این دعا از اهل بیت علیهم السلامروایت نشده است امّا با عنایت به این که محمّد بن عثمان یکی از نائبان خاصّ امام عصر عجل اللّه تعالی فرجه بوده است به احتمال قوی این دعا را از آن حضرت اخذ کرده است .

2- .جبّار درباره خداوند ، به معنای جبران کننده و نیز کسی که بر همه زورمندان چیره است ، می باشد .

ص: 378

. .

ص: 379

. .

ص: 380

. .

ص: 381

..

. .

ص: 383

. .

ه دُعاءُ «الدُّخولُ فِی الصّالِحینَ»الإقبال :دُعاءٌ آخَرُ فی کُلِّ لَیلَهٍ مِنهُ : اللّهُمَّ بِرَحمَتِکَ فِی الصّالِحینَ فَأدخِلنا ، وفی عِلِّیِّینَ فَارفَعنا ، وبِکَأسٍ مِن مَعینٍ مِن عَینِ سَلسَبیلٍ فَاسقِنا ، ومِنَ الحورِ العینِ بِرَحمَتِکَ فَزَوِّجنا ، ومِنَ الوِلدانِ المُخَلَّدینَ کَأنَّهُم لُؤلُؤٌ مَکنونٌ فَأخدِمنا ، ومِن ثِمارِ الجَنَّهِ ولُحومِ الطَّیرِ فَأطعِمنا ، ومِن ثِیابِ السُّندُسِ وَالحَریرِ وَالإستَبرَقِ فَألبِسنا ، ولَیلَهَ القَدرِ وحَجَّ بَیتِکَ الحَرامِ وقَتلاً فی سَبیلِکَ فَوَفِّق لَنا ، وصالِحَ الدُّعاءِ وَالمَسأَلَهِ فَاستَجِب لَنا ، یا خالِقَنَا اسمَع وَاستَجِب لَنا . وإذا جَمَعتَ الأَوَّلینَ وَالآخِرینَ یَومَ القِیامَهِ فَارحَمنا ، وبَراءَهً مِنَ النّارِ فَاکتُب لَنا ، وفی جَهَنَّمَ فَلا تَغُلَّنا ، وفی عَذابِکَ وهَوانِکَ فَلا تَبتَلِنا ، ومِنَ الزَّقّومِ وَالضَّریعِ فَلا تُطعِمنا ، ومَعَ الشَّیاطینِ فَلا تَجمَعنا ، وفِی النّارِ عَلی وُجوهِنا فَلا تَکُبَّنا ، ومِن ثِیابِ النّارِ وسَرابیلِ القَطِرانِ فَلا تُلبِسنا ، ومِن کُلِّ سوءٍ یا لا إلهَ إلاّ أنتَ بِحَقِّ لا إلهَ إلاّ أنتَ فَنَجِّنا . (1)

.

1- .الإقبال : 1 / 143 .

ه دعای «ورود به جمع صالحان»

ه دعای «ورود به جمع صالحان»الإقبال در بخشی از دعایی دیگر برای هر شب :خداوندا ! به رحمتت ، ما را در جمع شایستگان ، وارد کن و در بهشت برین ، بالایمان ببر و به ما جامی گوارا از چشمه سلسبیل ، بنوشان و به رحمتت ، از حوریان بهشتی همسرمان گردان و از پسرکانِ جاودان [در بهشت ،] که همچون لؤلؤِ پوشیده اند ، به خدمت ما بگمار و از میوه های بهشتی و گوشت های پرندگان ، غذایمان ده و از جامه های دیبا و پرنیان و زربفت بر ما بپوشان و توفیق درک شب قدر و حجّ خانه خودت و شهادت در راهت را به ما بده و دعا و خواسته شایسته ما را اجابت کن ای آفریدگار ما ! بشنو و اجابت کن و آن گاه که در روز قیامت ، اوّلین و آخرین را گرد آوری ، بر ما ترحّم کن و امان نامه نجات از آتش را برایمان بنویس و ما را در جهنّم به غل و زنجیر مکش و ما را دچار عذاب و خواری از سوی خود مساز و از زقّوم و ضریع (1) به ما مخوران و ما را با شیطان ها یک جا قرار مده و ما را به رو در آتش دوزخ میفکن و از جامه های آتشین و پیراهن های گدازنده بر ما مپوشان و ما را از هر بدی ای آن که هیچ معبودی جز تو نیست ، به حقّ آن که معبودی جز تو نیست برهان !

.

1- .زَقّوم و ضَریع ، نام خوراک های تلخ دوزخیان است.

3 / 3أدعِيَهُ الأَسحارأ دُعاءُ أبى جَعفَرٍ عليه السلامالإقبال :عَن أيّوبَ بنِ يَقطينٍ أنَّهُ كَتَبَ إلى أبِى الحَسَنِ الرِّضا عليه السلام يَسأَلُهُ أن يُصَحِّحَ لَهُ هذَا الدُّعاءَ ، فَكَتَبَ إلَيهِ : «نَعَم ، وهُوَ دُعاءُ أبى جَعفَرٍ عليه السلام بِالأَسحارِ فى شَهرِ رَمَضانَ . قالَ أبى عليه السلام : قالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : لَو يَعلَمُ النّاسُ مِن عِظَمِ هذِهِ المَسائِلِ عِندَ اللّهِ وسُرعَهِ إجابَتِهِ لِصاحِبِها لاَقتَتَلوا عَلَيهِ ولَو بِالسُّيوفِ ، وَاللّهُ يَختَصُّ بِرَحمَتِهِ مَن يَشاءُ . وقالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : لَو حَلَفتُ لَبَرِرتُ أنَّ اسمَ اللّهِ الأَعظَمَ قَد دَخَلَ فيها ، فَإِذا دَعَوتُم (1) فَاجتَهِدوا فِى الدُّعاءِ فَإِنَّهُ مِن مَكنونِ العِلمِ ، وَاكتُموهُ إلاّ مِن أهلِهِ ، ولَيسَ مِن أهلِهِ المُنافِقونَ وَالمُكَذِّبونَ وَالجاحِدونَ ، وهُوَ دُعاءُ المُباهَلَهِ تَقولُ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن بَهائِكَ بِأبهاهُ وكُلُّ بَهائِكَ بَهِيٌّ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِبَهائِكَ كُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن جَمالِكَ بِأجمَلِهِ وكُلُّ جَمالِكَ جَميلٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِجَمالِكَ كُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن جَلالِكَ بِأجَلِّهِ وكُلُّ جَلالِكَ جَليلٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِجَلالِكَ كُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن عَظَمَتِكَ بِأعظَمِها وكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظيمَهٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن نورِكَ بِأنوَرِهِ وكُلُّ نورِكَ نَيِّرٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِنورِكَ كُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن رَحمَتِكَ بِأوسَعِها وكُلُّ رَحمَتِكَ واسِعَهٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِرَحمَتِكَ كُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن كَلِماتِكَ بِأتَمِّها وكُلُّ كَلِماتِكَ تامَّهٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِكَلِماتِكَ كُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن كَمالِكَ بِأكمَلِهِ وكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن أسمائِكَ بِأكبَرِها وكُلُّ أسمائِكَ كَبيرَهٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِأسمائِكَ كُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن عِزَّتِكَ بِأعَزِّها وكُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَهٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن مَشِيَّتِكَ بِأمضاها وكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَهٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن قُدرَتِكَ بِالقُدرَهِ الَّتِى استَطالَتَ بِها عَلى كُلِّ شَىءٍ وكُلُّ قُدرَتِكَ مُستَطيلَهٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِقُدرَتِكَ كُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن عِلمِكَ بِأنفَذِهِ وكُلُّ عِلمِكَ نافِذٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِعِلمِكَ كُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن قَولِكَ بِأرضاهُ وكُلُّ قَولِكَ رَضِىٌ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِقَولِكَ كُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن مَسائِلِكَ بِأحَبِّها إلَيكَ وكُلُّ مَسائِلِكَ إلَيكَ حَبيبَهٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِمَسائِلِكَ كُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن شَرَفِكَ بِأشرَفِهِ وكُلُّ شَرَفِكَ شَريفٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن سُلطانِكَ بِأدوَمِهِ وكُلُّ سُلطانِكَ دائِمٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِسُلطانِكِ كُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن مُلكِكَ بِأفخَرِهِ وكُلُّ مُلكِكَ فاخِرٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِمُلكِكَ كُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن عُلُوِّكَ بِأعلاهُ وكُلُّ عُلُوِّكَ عالٍ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ مِن مَنِّكَ بِأقدَمِهِ وكُلُّ مَنِّكَ

قَدیمٌ ، اللّهُمَّ إنّی أسألَکَ بِمَنِّکَ کُلِّهِ ؛ اللّهُمَّ إنّی أسألَکَ مِن آیاتِکَ بِأکرَمِها وکُلُّ آیاتِکَ کَریمَهٌ ، اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ بِآیاتِکَ کُلِّها ؛ اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ بِما أنتَ فیهِ مِنَ الشَّأنِ وَالجَبَروتِ ، وأسألُکَ بِکُلِّ شَأنٍ وَجَبَروتٍ وَحدَهُ وَجَبَروتٍ وَحدَها ، اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ بِما تُجیبُنی بِهِ حینَ أسألُکَ فَأجِبنی یا أللّهُ ، وَافعَل بی کَذا وکَذا . وتَذکُرُ حاجَتَکَ ، فَإنَّکَ تُعطاها إن شاءَ اللّهُ تَعالی» . (2)

.

1- .فی المصدر و بحار الأنوار : «دعوتهم» وهو تصحیف .
2- .الإقبال : 1 / 175 ، بحار الأنوار : 98 / 94 / 2 .

3 / 3 دعاهای سحر

الف دعای امام باقر علیه السلام

3 / 3دعاهای سحر 1الف دعای امام باقر علیه السلام858.المستدرک علی الصحیحین (به نقل از ابن مسعود) الإقبال درباره ایّوب بن یقطین :وی نامه ای به امام رضا علیه السلامنوشت واز او خواست که درستیِ این دعا را بیان کند.

امام علیه السلام به او نوشت: «آری. این ، دعای امام باقر علیه السلام در سحرهای ماه رمضان است . پدرم فرمود که امام باقر علیه السلام فرمود: اگر مردم از عظمت این خواسته ها نزد خداوند و سرعت اجابت آنها برای صاحبانش خبر داشتند ، بر سر آن با یکدیگر به جنگ می پرداختند ، حتّی با شمشیر؛ و خداوند ، رحمتش را به هر کس بخواهد ، ویژه می سازد .

و امام باقر علیه السلام فرمود: اگر قسم بخورم ، راست گفته ام که اسم اعظم خداوند ، در این دعاست . پس هر گاه دعا کردید ، در دعا بکوشید؛ چرا که آن از دانش نهفته است و آن را جز از اهلش ، از دیگران پنهان بدارید. منافقان ، تکذیب کنندگان و منکِران ، از اهل آن نیستند و این ، دعای مباهله است. چنین می گویی :

«خداوندا ! من از تو درخواست می کنم ، از جلوه های نورانیّتت ، به برترین جلوه اش ، در حالی که همه جلوه های تو نورانی است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه جلوه های نورانی ات.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از زیبایی هایت ، به زیباترینش ، در حالی که همه جمال تو زیباست. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه زیبایی ات.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم، از شُکوه هایت ، به شکوهمندترینش ، در حالی که همه شُکوه تو باشُکوه است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه شُکوهت .

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از عظمت هایت ، به بزرگ ترینش ، در حالی که همه عظمتت بزرگ است . خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه عظمتت .

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از فروغ هایت ، به فروزان ترینش ، در حالی که همه فروغ تو فروزان است . خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه فروغت .

خداوندا ! از تو درخواست می کنم، و از رحمت هایت، به گسترده ترینش ، در حالی که همه رحمتت گسترده است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه رحمتت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از سخنانت ، به کامل ترینش ، در حالی که همه سخنانت کامل است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه سخنانت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از کمال هایت به کامل ترینش ، در حالی که همه کمالت کامل است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه کمالت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از نام هایت ، به بزرگ ترینش ، در حالی که همه نام هایت بزرگ است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه نام هایت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از عزّت هایت به تواناترینش ، در حالی که همه عزّتت شکست ناپذیر است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه عزّتت .

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از اراده هایت ، به نافذترینش ، در حالی که همه اراده ات نافذ است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه اراده ات.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به آن توانی که با آن بر هر چیز ، احاطه یافتی ، در حالی که همه توانت فراگیر است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه توانایی ات.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از دانش هایت به نافذترینش ، در حالی که همه دانشت نافذ است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه دانشت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از گفتارهایت ، به پسندیده ترینش ، در حالی که همه گفتارت پسندیده است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه گفتارت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از خواسته های برآمده در درگاهت ، به محبوب ترینِ آنها در پیشگاهت ، در حالی که همه آن خواسته ها نزد تو محبوب است . خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه خواسته های برآمده در درگاهت .

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از شرافت هایت ، به شریف ترینش ، در حالی که همه شرافتت شریف است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه شرافتت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از فرمان روایی هایت به ماناترینش ، در حالی که همه فرمان روایی ات ماناست. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه فرمان روایی ات.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از پادشاهی هایت ، به والاترینش ، در حالی که همه پادشاهی تو والاست. خداوندا ! از تو درخواست می کنم، به همه پادشاهی ات.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از والایی هایت به بلندمرتبه ترینش ، در حالی که همه والایی تو بلندمرتبه است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه والایی ات.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از احسان هایت ، به کهن ترینش ، در حالی که همه احسان تو دیرین است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه احسانت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، از آیاتت ، به گرامی ترینش ، در حالی که همه آیاتت گرامی است. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به همه آیاتت.

خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به آن جایگاه و شُکوهی که در آنی ، و از تو درخواست می کنم ، به هر جایگاهی به تنهایی ، و به هر شُکوهی به تنهایی. خداوندا ! از تو درخواست می کنم ، به آنچه وقتی تو را به آن بخوانم ، جوابم می دهی.

پس خداوندا ! دعایم را اجابت کن و با من چنین و چنان کن» .

حاجت خود را یاد می کنی ، إن شاء اللّه برآورده می شود .

.

ص: 388

. .

ص: 389

. .

ب دُعاءُ أبى حَمزَةَ الثُّمالِىّ860.الإمام الصادق عليه السلام : مصباح المتهجّد عن أبى حمزه الثمالى (1) : كانَ عَلِىُّ بنُ الحُسَينِ سَيِّدُ العابِدينَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِما يُصَلّى عامَّةَ اللَّيلِ فى شَهرِ رَمَضانَ ، فَإِذا كانَ (فِى) السَّحَرِ دَعا بِهذَا الدُّعاءِ :

إلهى لا تُؤَدِّبنى بِعُقوبَتِکَ ، ولا تَمكُر بى فى حيلَتِکَ ، مِن أينَ لِىَ الخَيرُ يا رَبِّ ولا يوجَدُ إلاّ مِن عِندِکَ ، ومِن أينَ لِىَ النَّجاهُ ولا تُستَطاعُ إلاّ بِکَ ، لاَ الَّذى أحسَنَ استَغنى عَن عَونِکَ ورَحمَتِکَ ولاَ الَّذى أساءَ وَاجتَرَأَ عَلَيکَ ولَم يُرضِکَ خَرَجَ عَن قُدرَتِکَ ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ حَتّى يَنقَطِعَ النَّفَسُ بِکَ (2) عَرَفتُکَ وأنتَ دَلَلتَنى عَلَيکَ ودَعَوتَنى إلَيکَ ، ولَولا أنتَ لَم أدرِ ما أنتَ .

الحَمدُ للّهِ الَّذى أدعوهُ فَيُجيبُنى وإن كُنتُ بَطيئاً حينَ يَدعونى ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى أسأَلُهُ فَيُعطينى وإن كُنتُ بَخيلاً حينَ يَستَقرِضُنى ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى أُناديهِ كُلَّما شِئتُ لِحاجَتى وأخلو بِهِ حَيثُ شِئتُ لِسِرّى بِغَيرِ شَفيعٍ فَيَقضى لى حاجَتى .

الحَمدُ للّهِ الَّذى لا أدعو (3) غَيرَهُ ، ولَو دَعَوتُ غَيرَهُ لَم يَستَجِب لى دُعائى ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى لا أرجو (4) غَيرَهُ ، ولَو رَجَوتُ غَيرَهُ لَأَخلَفَ رَجائى، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى وَكَلَنى إلَيهِ فَأكرَمَنى ولَم يَكِلنى إلَى النّاسِ فَيُهينونى ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى تَحَبَّبَ إلَىَ وهُوَ غَنِىٌّ عَنّى ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى يَحلُمُ عَنّى حَتّى كَأَنّى لاذَنبَ لى،فَرَبّى أحمَدُ شَىءٍ عِندى وأحَقُّ بِحَمدى.

اللّهُمَّ إنّى أجِدُ سُبُلَ المَطالِبِ إلَيکَ مُشرَعَةً ، ومَناهِلَ الرَّجاءِ إلَيکَ مُترَعَةً ، وَالاِستِعانَةَ بِفَضلِکَ لِمَن أمَّلَکَ مُباحَةً ، وأبوابَ الدُّعاءِ إلَيکَ لِلصّارِخينَ مَفتوحَةً ، وأعلَمُ أنَّکَ لِلرّاجينَ (5) بِمَوضِعِ إجابَهٍ ولِلمَلهوفينَ بِمَرصَدِ إغاثَهٍ ، وأنَّ فِى اللُّهفِ إلى جودِکَ وَالرِّضا بِقَضائِکَ عِوَضا مِن مَنعِ الباخِلينَ ومَندوحَةً عَمّا فى أيدِى المُستَأثِرينَ ، وأنَّ الرّاحِلَ إلَيکَ قَريبُ المَسافَهِ ، وأنَّکَ لا تَحتَجِبُ عَن خَلقِکَ إلاّ أن تَحجِبَهُمُ الأعمالُ (6) دونَکَ ، وقَد قَصَدتُ إلَيکَ بِطَلِبَتى وتَوَجَّهتُ إلَيکَ بِحاجَتى ، وجَعَلتُ بِکَ استِغاثَتى وبِدُعائِکَ تَوَسُّلى مِن غَيرِ استِحقاقٍ لِاِستِماعِکَ مِنّى ولاَ استيجابٍ لِعَفوِکَ عَنّى ، بَل لِثِقَتى بِکَرَمِکَ وسُکونى إلى صِدقِ وَعدِکَ ولَجَئى إلَى الإيمانِ بِتَوحيدِکَ ، ويَقينى (7) بِمَعرِفَتِکَ مِنّى ألاّ رَبَّ لى غَيرُکَ ، ولا إلهَ إلاّ أنتَ وَحدَکَ لا شَريکَ لَکَ .

اللّهُمَ أنتَ القائِلُ وقَولَکَ حَقٌّ ووَعدُکَ صِدقٌ: «وَاسأَلُوا اللّهَ مِن فَضلِهِ» (8) «إنَّ اللّهَ کانَ بِکُم رَحیما» (9) ، ولَیسَ مِن صِفاتِکَ یا سَیِّدی أن تَأمُرَ بِالسُّؤالِ وتَمنَعَ العَطِیَّةَ ، وأنتَ المَنّانُ بِالعَطِیّاتِ عَلی أهلِ مَملَکَتِکَ وَالعائِدُ عَلَیهِم بِتَحَنُّنِ رَأفَتِکَ .

إلهی رَبَّیتَنی فی نِعَمِکَ وإحسانِکَ صَغیرا وَنَوَّهتَ بِاسمی کَبیرا ، فَیا مَن رَبّانی فِی الدُّنیا بِإحسانِهِ وتَفَضُّلِهِ ونِعَمِهِ ، وأشارَ لی فِی الآخِرَهِ إلی عَفوِهِ وکَرَمِهِ ، مَعرِفَتی یا مَولایَ دَلَّتنی (دَلیلی) عَلَیکَ ، وحُبّی لَکَ شَفیعی إلَیکَ ، وأنَا واثِقٌ مِن دَلیلی بِدَلالَتِکَ وساکِنٌ مِن شَفیعی إلی شَفاعَتِکَ ، أدعوکَ یا سَیِّدی بِلِسانٍ قَد أخرَسَهُ ذَنبُهُ ، رَبِّ أناجیکَ بِقَلبٍ قَد أوبَقَهُ جُرمُهُ ، أدعوکَ یا رَبِّ راهِبا راغِبا راجِیا خائِفا ، إذا رَأیتُ مَولایَ ذُنوبی فَزِعتُ ، وإذا رَأیتُ کَرَمَکَ طَمِعتُ ، فَإن عَفَوتَ فَخَیرُ راحِمٍ ، وإن عَذَّبتَ فَغَیرُ ظالِمٍ ، حُجَّتی یا أللّهُ فی جُرأتی عَلَی مَسأَلَتِکَ مَعَ إتیانی ما تَکرَهُ : جودُکَ وکَرَمُکَ ، وعُدَّتی فی شِدَّتی مَعَ قِلَّةِ حَیائی : رَأفَتُکَ ورَحمَتُکَ ، وقَد رَجَوتُ ألاّ تُخَیِّبَ بَینَ ذَینِ وذَینِ مُنیَتی ، فَحَقِّق رَجائی (10) وَاسمَع دُعائی (11) یا خَیرَ مَن دَعاهُ داعٍ وأفضَلَ مَن رَجاهُ راجٍ ، عَظُمَ یا سَیِّدی أمَلی وساءَ عَمَلی ، فَأعطِنی مِن عَفوِکَ بِمِقدارِ أمَلی ولا تُؤاخِذنی بِأسوَءِ عَمَلی ، فَإنَّ کَرَمَکَ یَجِلُّ عَن مُجازاهِ المُذنِبینَ ، وحِلمَکَ یَکبُرُ عَن مُکافاهِ المُقَصِّرینَ ، وأنَا یا سَیِّدی عائِذٌ بِفَضلِکَ هارِبٌ مِنکَ إلَیکَ ، مُنتَجِزٌ (مُتَنَجِّزٌ) ما وَعَدتَ مِنَ الصَّفحِ عَمَّن أحسَنَ بِکَ ظَنّاً ، وما أنَا یا رَبِّ وما خَطَری ، هَبنی بِفَضلِکَ وتَصَدَّق عَلَیَّ بِعَفوِکَ ، أی رَبِّ جَلِّلنی بِسِترِکَ وَاعفُ عَن تَوبیخی بِکَرَمِ وَجهِکَ ، فَلَو اطَّلَعَ الیَومَ عَلی ذَنبی غَیرُکَ ما فَعَلتُهُ ، ولَو خِفتُ تَعجیلَ العُقوبَهِ لاَجتَنَبتُهُ ، لا لِأنَّکَ أهوَنُ النّاظِرینَ إلَیَ وأخَفُّ المُطَّلِعینَ عَلَیَ ، بَل لِأنَّکَ یا رَبِّ خَیرُ السّاتِرینَ وأحکَمُ الحاکِمینَ وأکرَمُ الأکرَمینَ ، سَتّارُ العُیوبِ غَفّارُ الذُّنوبِ عَلاّمُ الغُیوبِ ، تَستُرُ الذَّنبَ بِکَرَمِکَ وتُؤَخِّرُ العُقوبَهَ بِحِلمِکَ ، فَلَکَ الحَمدُ عَلی حِلمِکَ بَعدَ عِلمِکَ وعَلی عَفوِکَ بَعدَ قُدرَتِکَ ، ویَحمِلُنی ویُجَرِّئُنی عَلی مَعصِیَتِکَ حِلمُکَ عَنّی ، ویَدعونی إلی قِلَّةِ الحَیاءِ سَترُکَ عَلَیَ ، ویُسرِعُنی إلَی التَّوَثُّبِ عَلی مَحارِمِکَ مَعرِفَتی بِسَعَهِ رَحمَتِکَ وعَظیمِ عَفوِکَ .

یا حَلیمُ یا کَریمُ ، یا حَیُ یا قَیّومُ ، یا غافِرَ الذَّنبِ یا قابِلَ التَّوبِ ، یا عَظیمَ المَنِّ یا قَدیمَ الإحسانِ ، أینَ سِترُکَ الجَمیلُ؟ أینَ عَفوُکَ الجَلیلُ؟ أینَ فَرَجُکَ القَریبُ؟ أینَ غِیاثُکَ السَّریعُ؟ أینَ رَحمَتُکَ الواسِعَهُ؟ أینَ عَطایاکَ الفاضِلَهُ؟ أینَ مَواهِبُکَ الهَنیئَهُ؟ أینَ صَنائِعُکَ السَّنِیَّهُ؟ أینَ فَضلُکَ العَظیمُ؟ أینَ مَنُّکَ الجَسیمُ؟ أینَ إحسانُکَ القَدیمُ (12) ؟ أینَ کَرَمُکَ یا کَریمُ؟ بِهِ (13) فَاستَنقِذنی وبِرَحمَتِکَ فَخَلِّصنی .

يا مُحسِنُ يا مُجمِلُ ، يا مُنعِمُ يا مُفضِلُ ، لَسنا نَتَّكِلُ (14) فِي النَّجاهِ مِن عِقابِكَ عَلى أعمالِنا ، بَل بِفَضلِكَ عَلَينا لِأَنَّكَ أهلُ التَّقوى وأهلُ المَغفِرَهِ ، تُبدِئُ بِالإِحسانِ نِعَما وتَعفو عَنِ الذَّنبِ كَرَما ، فَما نَدرى ما نَشكُرُ ، أجَميلَ ما تَنشُرُ أم قَبيحَ ما تَستُرُ؟ أم عَظيمَ ما أبلَيتَ وأولَيتَ؟ أم كَثيرَ ما مِنهُ نَجَّيتَ وعافَيتَ؟ يا حَبيبَ مَن تَحَبَّبَ إلَيكَ ، ويا قُرَّهَ عَينِ مَن لاذَ بِكَ وَانقَطَعَ إلَيكَ ، أنتَ المُحسِنُ ونَحنُ المُسيؤونَ ، فَتَجاوَز يا رَبِّ عَن قَبيحِ ما عِندَنا بِجَميلِ ما عِندَكَ ، وأىُ جَهلٍ يا رَبِّ لا يَسَعُهُ جودُكَ ، أو أىُ زَمانٍ أطوَلُ مِن أناتِكَ ، وما قَدرُ أعمالِنا فى جَنبِ نِعَمِكَ ، وكَيفَ نَستَكثِرُ أعمالاً نُقابِلُ بِها كَرَمَكَ ، بَل كَيفَ يَضيقُ عَلَى المُذنِبينَ ما وَسِعَهُم مِن رَحمَتِكَ ، يا واسِعَ المَغفِرَهِ ، يا باسِطَ اليَدَينِ بِالرَّحمَهِ ، فَوَعِزَّتِكَ يا سَيِّدى لَو نَهَرتَنى ما بَرِحتُ مِن بابِكَ ولا كَفَفتُ عَن تَمَلُّقِكَ لِمَا انتَهى إلَىَ مِنَ المَعرِفَهِ بِجودِكَ وكَرَمِكَ ، وأنتَ الفاعِلُ لِما تَشاءُ ، تُعَذِّبُ مَن تَشاءُ بِما تَشاءُ كَيفَ تَشاءُ ، وتَرحَمُ مَن تَشاءُ بِما تَشاءُ كيفَ تَشاءُ .

لا تُسأَلُ عَن فِعلِكَ ، ولا تُنازَعُ فى مُلكِكَ ، ولا تُشارَكُ فى أمرِكَ ، ولا تُضادُّ فى حُكمِكَ ولا يَعتَرِضُ عَلَيكَ أحَدٌ فى تَدبيرِكَ ، لَكَ الخَلقُ وَالأَمرُ تَبارَكَ اللّهُ رَبُّ العالَمينَ .

يا رَبِّ هذا مَقامُ مَن لاذَ بِكَ وَاستَجارَ بِكَرَمِكَ وألِفَ إحسانَكَ ونِعَمَكَ ، وأنتَ الجَوادُ الَّذى لا يَضيقُ عَفوُكَ ولا يَنقُصُ فَضلُكَ ولا تَقِلُّ رَحمَتُكَ ، وقَد تَوَثَّقنا مِنكَ بِالصَّفحِ القَديمِ وَالفَضلِ العَظيمِ وَالرَّحمَهِ الواسِعَهِ ، أفَتُراكَ يا رَبِّ تُخلِفُ ظُنونَنا أو تُخَيِّبُ آمالَنا؟ كَلاّ يا كَريمُ لَيسَ هذا ظَنُّنا بِكَ ولا هذا فيكَ طَمَعُنا ، يا رَبِّ ، إنَّ لَنا فيكَ أمَلاً طَويلاً كَثيرا ، إنَّ لَنا فيكَ رَجاءً عَظيما ، عَصَيناكَ ونَحنُ نَرجو أن تَستُرَ عَلَينا ودَعَوناكَ ونَحنُ نَرجو أن تَستَجيبَ لَنا ، فَحَقِّق رَجاءَنا مَولانا فَقَد عَلِمنا ما نَستَوجِبُ بِأعمالِنا ، ولكِنَّ عِلمَكَ فينا وعِلمَنا بِأَنَّكَ لا تَصرِفُنا عَنكَ (حَثَّنا عَلَى الرَّغبَهِ إلَيكَ) (15) وإن كُنّا غَيرَ مُستَوجِبينَ لِرَحمَتِكَ فَأنتَ أهلٌ أن تَجودَ عَلَينا وعَلَى المُذنِبينَ بِفَضلِ سَعَتِكَ ، فَامنُن عَلَينا بِما أنتَ أهلُهُ وجُد عَلَينا فَإِنّا مُحتاجونَ إلى نَيلِكَ ، يا غَفّارُ بِنورِكَ اهتَدَينا ، وبِفَضلِكَ استَغنَينا ، وبِنِعمَتِكَ أصبَحنا وأمسَينا ، ذُنوبُنا بَينَ يَدَيكَ نَستَغفِرُكَ اللّهُمَّ مِنها ونَتوبُ إلَيكَ ، تَتَحَبَّبُ إلَينا بِالنِّعَمِ ونُعارِضُكَ بِالذُّنوبِ ، خَيرُكَ إلَينا نازِلٌ وشَرُّنا إلَيكَ صاعِدٌ ، ولَم يَزَل ولا يَزالُ مَلَكٌ كَريمٌ يَأتيكَ عَنّا بِعَمَلٍ قَبيحٍ فَلا يَمنَعُكَ ذلِكَ أن تَحوطَنا بِنِعَمِكَ وتَتَفَضَّلَ عَلَينا بِآلائِكَ ، فَسُبحانَكَ ما أحلَمَكَ وأعظَمَكَ وأكرَمَكَ مُبدِئا ومُعيدا ، تَقَدَّسَت أسماؤُكَ وجَلَّ ثَناؤُكَ وكَرُمَ صَنائِعُكَ وفِعالُكَ ، أنتَ إلهى أوسَعُ فَضلاً وأعظَمُ حِلما مِن أن تُقايِسَنى بِفِعلى وخَطيئَتى ، فَالعَفوَ العَفوَ سَيِّدى سَيِّدى سَيِّدى .

اللّهُمَّ اشغَلنا بِذِكرِکَ ، وأعِذنا مِن سَخَطِکَ وأجِرنا مِن عَذابِکَ ، وَارزُقنا مِن مَواهِبِکَ ، وأنعِم عَلَينا مِن فَضلِکَ ، وَارزُقنا حَجَّ بَيتِکَ وزِيارَةَ قَبرِ نَبِيِّکَ صَلَواتُکَ ورَحمَتُکَ ومَغفِرَتُکَ ورِضوانُکَ عَلَيهِ وعَلى أهلِ بَيتِهِ إنَّکَ قَريبٌ مُجيبٌ ، وَارزُقنا عَمَلاً بِطاعَتِکَ ، وتَوَفَّنا عَلى مِلَّتِکَ وسُنَّةِ نَبِيِّکَ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ .

اللّهُمَّ اغفِر (16) لى ولِوالِدَىَّ وَارحَمهُما كَما رَبَّيانى صَغيرا ، اِجزِهِما بِالإحسانِ إحسانا وبِالسَّيِّئاتِ غُفرانا ، اللّهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ الأَحياءِ مِنهُم وَالأَمواتِ،وتابِع بَينَنا وبَينَهُم فِى الخَيراتِ ، اللّهُمَّ اغفِر لِحَيِّنا ومَيِّتِنا ، شاهِدِنا وغائِبِنا ، ذَكَرِنا وأُنثانا ، صَغيرِنا وكَبيرِنا ، حُرِّنا ومَملوكِنا ، كَذِبَ العادِلونَ بِاللّهِ وضَلّوا ضَلالاً بَعيدا وخَسِروا خُسرانا مُبينا .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاختِم لى بِخَيرٍ وَاكفِنى ما أهَمَّنى مِن أمرِ دُنيایَ وآخِرَتى ولا تُسَلِّط عَلَىَ مَن لا يَرحَمُنى ، وَاجعَل عَلَىَ مِنکَ واقِيَةً باقِيَةً ، ولا تَسلُبنى صالِحَ ما أنعَمتَ بِهِ عَلَىَ ، وَارزُقنى مِن فَضلِکَ رِزقا واسِعا حَلالاً طَيِّبا ، اللّهُمَّ احرُسنى بِحَراسَتِکَ وَاحفَظنى بِحِفظِکَ وَاكلَأنى بِكِلاءَتِکَ ، وَارزُقنى حَجَّ بَيتِکَ الحَرامِ فى عامِنا هذا وفى كُلِّ عامٍ وزِيارَةِ قَبرِ نَبِيِّکَ (17) ، ولا تُخلِنى يا رَبِّ مِن تِلکَ المَشاهِدِ الشَّريفَةِ وَالمَواقِفِ الكَريمَةِ .

اللّهُمَّ ثُب عَلَىَ حَتّى لا أعصِيَکَ وألهِمنِى الخَيرَ وَالعَمَلَ بِهِ ، وخَشيَتَکَ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ ما أبقَيتَنى يا رَبَّ العالَمينَ .

اللّهُمَّ إنّى (18) كُلَّما قُلتُ : قَد تَهَيَّأتُ وتَعَبَّأتُ وقُمتُ لِلصَّلاةِ بَينَ يَدَيکَ وناجَيتُکَ، ألقَيتَ عَلَىَ نُعاسا إذا أنَا صَلَّيتُ ، وسَلَبتَنى مُناجاتَکَ إذا أنَا ناجَيتُ ، ما لى كُلَّما قُلتُ : قَد صَلَحَت سَريرَتى وقَرُبَ مِن مَجالِسِ التَّوابينَ مَجلِسى ، عَرَضَت لى بَلِيَّةٌ أزالَت قَدَمى وحالَت بَينى وبَينَ خِدمَتِکَ .

سَيِّدى لَعَلَّکَ عَن بابِکَ طَرَدتَنى وعَن خِدمَتِکَ نَحَّيتَنى ، أو لَعَلَّکَ رَأَيتَنى مُستَخِفّا بِحَقِّکَ فَأقصَيتَنى ، أو لَعَلَّکَ رَأَيتَنى مُعرِضا عَنکَ فَقَلَيتَنى ، أو لَعَلَّکَ وَجَدتَنى فى مَقامِ الكاذِبينَ فَرَفَضتَنى ، أو لَعَلَّکَ رَأَيتَنى غَيرَ شاكِرٍ لِنَعمائِکَ فَحَرَمتَنى ، أو لَعَلَّکَ فَقَدتَنى مِن مَجالِسِ العُلَماءِ فَخَذَلتَنى ، أو لَعَلَّکَ رَأَيتَنى فِى الغافِلينَ فَمِن رَحمَتِکَ آيَستَنى ، أو لَعَلَّکَ رَأَيتَنى آلِفَ مَجالِسِ البَطّالينَ فَبَينى وبَينَهُم خَلَّيتَنى ، أو لَعَلَّکَ لَم تُحِبَّ أن تَسمَعَ دُعائى فَباعَدتَنى ، أو لَعَلَّکَ بِجُرمى وجَريرَتى كافَيتَنى ، أو لَعَلَّکَ بِقِلَّةِ حَيائى مِنکَ جازَيتَنى ، فَإن عَفَوتَ يا رَبِّ فَطالَما عَفَوتَ عَنِ المُذنِبينَ قَبلى ؛ لِأَنَّ كَرَمَکَ أى رَبِّ يَجِلُّ عَن (مُجازاةِ المُذنِبينَ ، وحِلمَکَ يَكبُرُ عَن) (19) مُكافاةِ المُقَصِّرينَ ، وأنَا عائِذٌ

بِفَضلِکَ هارِبٌ مِنکَ إلَیکَ ، مُنتَجِزٌ (مُتَنَجِّزٌ) ما وَعَدتَ مِنَ الصَّفحِ عَمَّن أحسَنَ بِکَ ظَنّاً .

إلهی أنتَ أوسَعُ فَضلاً وأعظَمُ حِلما مِن أن تُقایِسَنی بِعَمَلی ، أو أن تَستَزِلَّنی بِخَطیئَتی ، وما أنَا یا سَیِّدی وما خَطَری؟! هَبنی بِفَضلِکَ سَیِّدی ، وتَصَدَّق عَلَیَ بِعَفوِکَ وجَلِّلنی بِسِترِکَ ، وَاعفُ عَن تَوبیخی بِکَرَمِ وَجهِکَ .

سَیِّدی أنَا الصَّغیرُ الَّذی رَبَّیتَهُ ، وأنَا الجاهِلُ الَّذی عَلَّمتَهُ ، وأنَا الضّالُّ الَّذی هَدَیتَهُ ، و(أنَا) الوَضیعُ الَّذی رَفَعتَهُ ، وأنَا الخائِفُ الَّذی آمَنتَهُ ، وَالجائِعُ الَّذی أشبَعتَهُ ، وَالعَطشانُ الَّذی أروَیتَهُ ، وَالعارِی الَّذی کَسَوتَهُ وَالفَقیرُ الَّذی أغنَیتَهُ ، وَالضَّعیفُ الَّذی قَوَّیتَهُ ، وَالذَّلیلُ الَّذی أعزَزتَهُ ، وَالسَّقیمُ الَّذی شَفَیتَهُ ، وَالسّائِلُ الَّذی أعطَیتَهُ ، وَالمُذنِبُ الَّذی سَتَرتَهُ والخاطِئُ الَّذی أقَلتَهُ ، وأنَا القَلیلُ الَّذی کَثَّرتَهُ ، وَالمُستَضعَفُ الَّذی نَصَرتَهُ ، وأنَا الطَّریدُ (20) الَّذی آوَیتَهُ (21) .

أنَا یا رَبِّ الَّذی لَم أستَحیِکَ فِی الخَلاءِ ولَم اُراقِبکَ فِی المَلاءِ ، أنَا صاحِبُ الدَّواهِی العُظمی ، أنَا الَّذی عَلی سَیِّدِهِ اجتَری ، أنَا الَّذی عَصَیتُ جَبّارَ السَّماءِ ، أنَا الَّذی أعطَیتُ علی مَعاصِی الجَلیلِ الرُّشا ، أنَا الَّذی حینَ بُشِّرتُ بِها خَرَجتُ إلَیها أسعی ، أنَا الَّذی أمهَلتَنی فَمَا ارعَوَیتُ ، وسَتَرتَ عَلَیَ فَمَا استَحیَیتُ ، وعَمِلتُ بِالمَعاصی فَتَعَدَّیتُ ، وأسقَطتَنی مِن عَینِکَ فَما بالَیتُ ، فَبِحِلمِکَ أمهَلتَنی وبِسِترِکَ سَتَرتَنی ، حَتّی کَأنَّکَ أغفَلتَنی ، ومِن عُقوباتِ المَعاصی جَنَّبتَنی حَتّی کَأنَّکَ استَحیَیتَنی .

إلهی لَم أعصِکَ حینَ عَصَیتُکَ وأنَا بِرُبوبِیَّتِکَ جاحِدٌ ، ولا بِأَمرِکَ مُستَخِفٌّ ، ولا لِعُقوبَتِکَ مُتَعَرِّضٌ ، ولا لِوَعیدِکَ مُتَهاوِنٌ ، لکِن خَطیئَةٌ عَرَضَت وسَوَّلَت لی نَفسی وغَلَبَنی هَوایَ وأعانَتنی عَلَیها شِقوَتی، وغَرَّنی سِترُکَ المُرخی عَلَیَ ، فَقَد عَصَیتُکَ وخالَفتُکَ بِجَهدی ، فَالآنَ مِن عَذابِکَ مَن یَستَنقِذُنی؟ ومِن أیدِی الخُصَماءِ غَدا مَن یُخَلِّصُنی؟ وبِحَبلِ مَن أتَّصِلُ إن أنتَ قَطَعتَ حَبلَکَ عَنّی؟ فَوا سَوأتا عَلی ما أحصی کِتابُکَ مِن عَمَلِیَ الَّذی لَولا ما أرجو مِن کَرَمِکَ وسَعَهِ رَحمَتِکَ ، ونَهیِکَ إیّایَ عَنِ القُنوطِ لَقَنَطتُ عِندَما أتَذَکَّرُها ، یا خَیرَ مَن دَعاهُ داعٍ وأفضَلَ مَن رَجاهُ راجٍ .

اللّهُمَّ بِذِمَّهِ الإسلامِ أتَوَسَّلُ إلَیکَ ، وبِحُرمَهِ القُرآنِ أعتَمِدُ عَلَیکَ ، وبِحُبِّ النَّبِیِ الاُمِّیِ القُرَشِیِ الهاشِمِیِ العَرَبِیِ التِّهامِیِ المَکِّیِ المَدَنِیِ أرجُو الزُّلفَهَ لَدَیکَ ، فَلا توحِشِ استِیناسَ إیمانی ، ولا تَجعَل ثَوابی ثَوابَ مَن عَبَدَ سِواکَ ، فَإنَّ قَوما آمَنوا بِألسِنَتِهِم لِیَحقِنوا بِهِ دِماءَهُم فَأدرَکوا ما أمَّلوا ، وإنّا آمَنّا بِکَ

بِألسِنَتِنا وقُلوبِنا لِتَعفُوَ عَنّا فَأدرِكنا ما أمَّلنا ، وثَبِّت رَجاءَکَ فی صُدورِنا،ولا تُزِغ قُلوبَنا بَعدَ إذ هَدَیتَنا وهَب لَنا مِن لَدُنکَ رَحمَةً إنَّکَ أنتَ الوَهّابُ ، فَوَعِزَّتِکَ لَو انتَهَرتَنی ما بَرِحتُ مِن بابِکَ ولا کَفَفتُ عَن تَمَلُّقِکَ لِما أُلهِمَ قَلبی (22) مِنَ المَعرِفَهِ بِکَرَمِکَ وسَعَهِ رَحمَتِکَ ، إلی مَن یَذهَبُ العَبدُ إلاّ إلی مَولاهُ ، وإلی مَن یَلتَجِئُ المَخلوقُ إلاّ إلی خالِقِهِ .

إلهی لَو قَرَنتَنی بِالأَصفادِ ، ومَنَعتَنی سَیبَکَ مِن بَینِ الأَشهادِ ، ودَلَلتَ عَلی فَضائِحی عُیونَ العِبادِ ، وأمَرتَ بی إلَی النّارِ وحُلتَ بَینی وبَینَ الأبرارِ ، ما قَطَعتُ رَجائی مِنکَ وما صَرَفتُ تَأمیلی لِلعَفوِ عَنکَ ، ولا خَرَجَ حُبُّکَ مِن قَلبی ، أنَا لا أنسی أیادِیَکَ عِندی وسِترَکَ عَلَیَ فی دارِ الدُّنیا .

سَیِّدی (23) أخرِج حُبَّ الدُّنیا مِن قَلبی ، اِجمَع بَینی وبَینَ المُصطَفی وآلِهِ خِیَرَتِکَ مِن خَلقِکَ وخاتَمِ النَّبِیِّینَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وآلِهِ وسَلَّمَ ، وَانقُلنی إلی دَرَجَهِ التَّوبَهِ إلَیکَ ، وأعِنّی بِالبُکاءِ عَلی نَفسی فَقَد أفنَیتُ بِالتَّسویفِ وَالآمالِ عُمُری ، وقَد نَزَلتُ مَنزِلَهَ الآیِسینَ مِن خَیری ، فَمَن یَکونُ أسوَأ حالاً مِنّی إن أنَا نُقِلتُ عَلی مِثلِ حالی إلی قَبری (24) ، لَم أُمَهِّدهُ لِرَقدَتی ولَم أفرُشهُ بِالعَمَلِ الصّالِحِ لِضَجعَتی ، وما لی لا أبکی وما أدری إلی ما یَکونُ مَصیری ، وأری نَفسی تُخادِعُنی وأیّامی تُخاتِلُنی؟ وقَد خَفَقَت عِندَ رَأسی أجنِحَهُ المَوتِ ، فَما لی لا أبکی؟ ! أبکی لِخُروجِ نَفسی ، أبکی لِظُلمَهِ قَبری ، أبکی لِضیقِ لَحدی ، أبکی لِسُؤالِ مُنکَرٍ ونَکیرٍ إیّایَ ، أبکی لِخُروجی مِن قَبری عُریانا ذَلیلاً حامِلاً ثِقلی عَلی ظَهری ، أنظُرُ مَرَّهً عَن یَمینی وأُخری عَن شِمالی ، إذِ الخَلائِقُ فی شَأنٍ غَیرِ شَأنی ، لِکُلِّ امرِئٍ?مِنهُم یَومَئِذٍ شَأنٌ یُغنیهِ ، وُجوهٌ یَومَئِذٍ مُسفِرَهٌ ضاحِکَهٌ مُستَبشِرَهٌ ، ووُجوهٌ یَومَئِذٍ عَلَیها غَبَرَهٌ تَرهَقُها قَتَرَهٌ وذِلَّهٌ ، سَیِّدی عَلَیکَ مُعَوَّلی ومُعتَمَدی ورَجائی وتَوَکُّلی ، وبِرَحمَتِکَ تَعَلُّقی ، تُصیبُ بِرَحمَتِکَ مَن تَشاءُ وتَهدی بِکَرامَتِکَ مَن تُحِبُّ ، فَلَکَ (25) الحَمدُ عَلی ما نَقَّیتَ مِنَ الشِّرکِ قَلبی ، ولَکَ الحَمدُ عَلی بَسطِ لِسانی ، أفَبِلِسانی هذا الکالِّ أشکُرُکَ؟ أم بِغایَهِ جَهدی فی عَمَلی أُرضیکَ؟ وما قَدرُ لِسانی یا رَبِّ فی جَنبِ شُکرِکَ وما قَدرُ عَمَلی فی جَنبِ نِعَمِکَ وإحسانِکَ إلَیَ .

إلهی (26) إنَّ جودَکَ بَسَطَ أمَلی ، وشُکرَکَ قَبِلَ عَمَلی ، سَیِّدی إلَیکَ رَغبَتی وإلَیکَ رَهبَتی وإلَیکَ تَأمیلی ، قَد ساقَنی إلَیکَ أمَلی وعَلَیکَ یا واحِدی عَلِقَت هِمَّتی (27) وفیما عِندَکَ انبَسَطَت رَغبَتی ، ولَکَ خالِصُ رَجائی وخَوفی ، وبِکَ أنِسَت مَحَبَّتی وإلَیکَ ألقَیتُ بِیَدی ، وبِحَبلِ طاعَتِکَ مَدَدتُ رَهبَتی .

مَولایَ بِذِکرِکَ عاشَ قَلبی ، وبِمُناجاتِکَ بَرَّدتَ أَلَمَ الخَوفِ عَنّی ، فَیا مَولایَ ویا مُؤَمَّلی ویا مُنتَهی سُؤلی ، فَرِّق بَینی وبَینَ ذَنبِیَ المانِعِ لی مِن لُزومِ طاعَتِکَ ، فَإِنَّما أسأَلُکَ لِقَدیمِ الرَّجاءِ فیکَ وعَظیمِ الطَّمَعِ مِنکَ ، الَّذی أوجَبتَهُ عَلی نَفسِکَ مِنَ الرَّأفَهِ وَالرَّحمَهِ ، فَالأَمرُ لَکَ وَحدَکَ ، وَالخَلقُ کُلُّهُم عِیالُکَ (28) وفی قَبضَتِکَ ، وکُلُّ شَیءٍ خاضِعٌ لَکَ تَبارَکتَ یا رَبَّ العالَمینَ .

إلهی ارحَمنی إذَا انقَطَعَت حُجَّتی ، وکَلَّ عَن جَوابِکَ لِسانی وطاشَ عِندَ سُؤالِکَ إیّایَ لُبّی ، فَیا عَظیمَ رَجائی لا تُخَیِّبنی إذَا اشتَدَّت فاقَتی ، ولا تَرُدَّنی لِجَهلی ، ولا تَمنَعنی لِقِلَّهِ صَبری ، أعطِنی لِفَقری وَارحَمنی لِضَعفی ، سَیِّدی عَلَیکَ مُعتَمَدی ومُعَوَّلی ورَجائی وتَوَکُّلی ، وبِرَحمَتِکَ تَعَلُّقی وبِفَنائِکَ أحُطُّ رَحلی ، ولِجودِکَ أقصُدُ طَلِبَتی ، وبِکَرَمِکَ أی رَبِّ أستَفتِحُ دُعائی ، ولَدَیکَ أرجو غِنی (29) فاقَتی ، وبِغِناکَ أجبُرُ عَیلَتی ، وتَحتَ ظِلِّ عَفوِکَ قِیامی ، وإلی جودِکَ وکَرَمِکَ أرفَعُ بَصَری ، وإلی مَعروفِکَ أدیمُ نَظَری ، فَلا تُحرِقنی بِالنّارِ وأنتَ مَوضِعُ أمَلی ، ولا تُسکِنّی الهاوِیَهَ فَإِنَّکَ قُرَّهُ عَینی ، یا سَیِّدی لا تُکَذِّب ظَنّی بِإِحسانِکَ ومَعروفِکَ ، فَإِنَّکَ ثِقَتی (30) ولا تَحرِمنی ثَوابَکَ فَإِنَّکَ العارِفُ بِفَقری .

إلهی إن کانَ قَد دَنا أجَلی ولَم یُقَرِّبنی مِنکَ عَمَلی ، فَقَد جَعَلتُ الاِعترافَ إلَیکَ بِذَنبی وَسائِلَ عِلَلی (31) .

إلهی إن عَفَوتَ فَمَن أولی مِنکَ (32) وإن عَذَّبتَ فَمَنِ أعدَلُ مِنکَ فِی الحُکمِ . اِرحَم (33) فی هذِهِ الدُّنیا غُربَتی ، وعِندَ المَوتِ کُربَتی ، وفِی القَبرِ وَحدَتی ، وفِی اللَّحدِ وَحشَتی وإذا نُشِرتُ لِلحِسابِ بَینَ یَدَیکَ ذُلَّ مَوقِفی ، وَاغفِر لی ما خَفِیَ عَلَی الآدَمِیِّینَ مِن عَمَلی ، وأدِم لی ما بِهِ سَتَرتَنی ، وَارحَمنی صَریعا عَلَی الفِراشِ تُقَلِّبُنی أیدی أحِبَّتی ، وتَفَضَّل عَلَیَّ مَمدودا عَلَی المُغتَسَلِ یُقَلِّبُنی (34) صالِحُ جیرَتی ، وتَحَنَّن عَلَیَّ مَحمولاً قَد تَناوَلَ الأَقرِباءُ أطرافَ جِنازَتی ، وجُد عَلَیَّ مَنقولاً قَد نَزَلتُ بِکَ وَحیدا فی حُفرَتی ، وَارحَم فی ذلِکَ البَیتِ الجَدیدِ غُربَتی حَتّی لا أستَأنِسَ بِغَیرِکَ ، یا سَیِّدی إن وَکَلتَنی إلی نَفسی هَلَکتُ ، سَیِّدی فَبِمَن أستَغیثُ إن لَم تُقِلنی عَثرَتی؟ فَإلی مَن أفزَعُ إن فَقَدتُ عِنایَتَکَ فی ضَجعَتی؟وإلی مَن ألتَجِئُ إن لَم تُنَفِّس کُربَتی؟ سَیِّدی مَن لی ومَن یَرحَمُنی إن لَم تَرحَمنی؟ وفَضلَ مَن أُؤَمِّلُ إن عَدِمتُ فَضلَکَ یَومَ فاقَتی؟ وإلی مَنِ الفِرارُ مِنَ الذُّنوبِ إذَا انقَضی أجَلی؟ سَیِّدی لا تُعَذِّبنی وأنَا أرجوکَ .

إلهی حَقِّق رَجائی وآمِن خَوفی فَإِنَّ کَثرَهَ ذُنوبی لا أرجو فیها إلاّ عَفوَکَ ، سَیِّدی أنَا أسأَلُکَ ما لا أستَحِقُّ وأنتَ أهلُ التَّقوی وأهلُ المَغفِرَهِ فَاغفِر لی ،

وألبِسنى مِن نَظَرِكَ ثَوبا يُغَطّى عَلَىَ التَّبِعاتِ وتَغفِرُها لى ولا اَطالَبُ بِها ، إنَّكَ ذو مَنٍّ قَديمٍ وصَفحٍ عَظيمٍ وتَجاوُزٍ كَريمٍ .

إلهى أنتَ الَّذى تُفيضُ سَيبَكَ عَلى مَن لا يَسأَلُكَ وعَلَى الجاحِدينَ بِرُبوبِيَّتِكَ ، فَكَيفَ سَيِّدى بِمَن سَأَلَكَ وأيقَنَ أنَّ الخَلقَ لَكَ وَالأَمرَ إلَيكَ؟ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ يا رَبَّ العالَمينَ ، سَيِّدى عَبدُكَ بِبابِكَ أقامَتهُ الخَصاصَهُ بَينَ يَدَيكَ ، يَقرَعُ بابَ إحسانِكَ بِدُعائِهِ ويَستَعطِفُ جَميلَ نَظَرِكَ بِمَكنونِ رَجائِهِ،فَلا تُعرِض بِوَجهِكَ الكَريمِ عَنّى وَاقبَل مِنّى ما أقولُ ، فَقَد دَعَوتُكَ بِهذَا الدُّعاءِ وأنَا أرجو ألاّ تَرُدَّنى مَعرِفَةً مِنّيبِرَأفَتِكَ ورَحمَتِكَ ، إلهى أنتَ الَّذى لايُحفيكَ سائِلٌ ولا يَنقُصُكَ نائِلٌ؛أنتَ كَما تَقولُ وفَوقَ ما نَقولُ (35) .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ صَبرا جَميلاً وفَرَجا قَريبا وقَولاً صادِقا وأجرا عَظيما ، أسأَلُكَ يا رَبِّ مِنَ الخَيرِ كُلِّهِ ما عَلِمتُ مِنهُ وما لَم أعلَم ، أسأَلُكَ اللّهُمَّ مِن خَيرِ ما سَأَلَكَ مِنهُ عِبادُكَ الصّالِحونَ ، يا خَيرَ مَن سُئِلَ وأجوَدَ مَن أعطى ، أعطِنى سُؤلى فى نَفسى وأهلى ووالِدَىَ ووَلَدى وأهلِ خُزانَتى وإخوانى فيكَ ، وأرغِد عَيشى وأظهِر مُرُوَّتى وأصلِح جَميعَ أحوالى ، وَاجعَلنى مِمَّن أطَلتَ عُمُرَهُ وحَسَّنتَ عَمَلَهُ ، وأتمَمتَ عَلَيهِ نِعمَتَكَ ورَضيتَ عَنهُ ، وأحيَيتَهُ حَياةً طَيِّبَةً فى أدوَمِ السُّرورِ وأسبَغِ الكَرامَهِ وأتَمِّ العَيشِ ، إنَّكَ تَفعَلُ ما تَشاءُ ولا يَفعَلُ ما يَشاءُ غَيرُكَ .

اللّهُمَّ خُصَّنى مِنكَ بِخاصَّهِ ذِكرِكَ ، ولا تَجعَل شَيئا مِمّا أتَقَرَّبُ بِهِ فى آناءِ اللَّيلِ وأطرافِ النَّهارِ رِياءً ولا سُمعَهً ولا أشَرا ولا بَطَرا وَاجعَلنى لَكَ مِنَ الخاشِعينَ .

اللّهُمَّ أعطِنِى السَّعَهَ فِى الرِّزقِ ، وَالأَمنَ فِى الوَطَنِ ، وقُرَّهَ العَينِ فِى الأَهلِ وَالمالِ وَالوَلَدِ وَالمُقامَ فى نِعَمِكَ عِندى ، وَالصِّحَّهَ فِى الجِسمِ وَالقُوَّهَ فِى البَدَنِ وَالسَّلامَهَ فِى الدّينِ ، وَاستَعمِلنى بِطاعَتِكَ وطاعَهِ رَسولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ أبَدا مَا استَعمَرتَنى ، وَاجعَلنى مِن أوفَرِ عِبادِكَ عِندَكَ نَصيبا فى كُلِّ خَيرٍ أنزَلتَهُ وتُنزِلُهُ فى شَهرِ رَمَضانَ فى لَيلَهِ القَدرِ وما أنتَ مُنزِلُهُ فى كُلِّ سَنَهٍ ، مِن رَحمَهٍ تَنشُرُها وعافِيَهٍ تُلبِسُها وبَلِيَّهٍ تَدفَعُها وحَسَناتٍ تَتَقَبَّلُها وسَيِّئاتٍ تَتَجاوَزُ عَنها ، وَارزُقنى حَجَّ بَيتِكَ الحَرامِ فى عامى هذا وفى كُلِّ عامٍ ، وَارزُقنى رِزقا واسِعا مِن فَضلِكَ الواسِعِ ، وَاصرِف عَنّى يا سَيِّدِى الأَسواءَ ، وَاقضِ عَنّى الدَّينَ وَالظُّلاماتِ حَتّى لا أتَأَذّى بِشَىءٍ مِنهُ ، وخُذ عَنّى بِأسماعِ وأبصارِ أعدائى وحُسّادى وَالباغينَ عَلَىَ وَانصُرنى عَلَيهِم ، وأقِرَّ عَينى وفَرِّح قَلبى (36) ، وَاجعَل لى مِن هَمّى وكَربى فَرَجا ومَخرَجا ، وَاجعَل مَن أرادَنى بِسوءٍ مِن جَميعِ خَلقِكَ تَحتَ قَدَمَىَ ، وَاكفِنى شَرَّ الشَّيطانِ وشَرَّ

السُّلطانِ وسَيِّئاتِ عَمَلى ، وطَهِّرنى مِنَ الذّنوبِ كُلَها ، وأجِرنى مِنَ النّارِ بِعَفوِكَ وأدخِلنِى الجَنَّةَ بِرَحمَتِكَ وزَوِّجنى مِنَ الحورِ العينِ بِفَضلِكَ ، وألحِقنى بِأولِيائِكَ الصّالِحينَ مُحَمَّدٍ وآلِهِ الأبرارِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الأخيارِ صَلَواتُكَ عَلَيهِم وعَلى أجسادِهِم وأرواحِهِم ورَحمَةُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ .

إلهى وسَيِّدى وعِزَّتِكَ وجَلالِكَ لَئِن طالَبتَنى بِذُنوبى لأُطالِبَنَّكَ بِعَفوِكَ ، ولَئِن طالَبتَنى بِلُؤمى لأُطالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ ، ولَئِن أدخَلتَنِى النّارَ لأُخبِرَنَّ أهلَ النّارِ بِحُبّى لَكَ .

إلهى وسَيِّدى إن كُنتَ لا تَغفِرُ إلاّ لِأَولِيائِكَ وأهلِ طاعَتِكَ فَإلى مَن يَفزَعُ المُذنِبونَ؟وإن كُنتَ لاتُكرِمُ إلاّ أهلَ الوَفاءِ بِكَ فَبِمَن يَستَغيثُ المُسيؤونَ؟

إلهى إن أدخَلتَنِى النّارَ فَفى ذلِكَ سُرورُ عَدُوِّكَ ، وإن أدخَلتَنِى الجَنَّةَ فَفى ذلِكَ سُرورُ نَبِيِّكَ ، وأنَا وَاللّهِ أعلَمُ أنَّ سُرورَ نَبِيِّكَ أحَبُّ إلَيكَ مِن سُرورِ عَدُوِّكَ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ أن تَملَأَ قَلبى حُبّا لَكَ وخَشيَةً مِنكَ وتَصديقا لَكَ وإيمانا بِكَ وفَرَقا مِنكَ وشَوقا إلَيكَ ، يا ذَا الجَلالِ وَالإكرامِ ، حَبِّب إلَىَ لِقاءَكَ وأحبِب لِقائى ، وَاجعَل لى فى لِقائِكَ الرّاحَةَ وَالفَرَجَ وَالكَرامَةَ .

اللّهُمَّ ألحِقنى بِصالِحِ مَن مَضى وَاجعَلنى مِن صالِحِ مَن بَقِىَ ، وخُذ بى سَبيلَ الصّالِحينَ وأعِنّى عَلى نَفسى بِما تُعينُ بِهِ الصّالِحينَ عَلى أنفُسِهِم ، وَاختِم عَمَلى بِأحسَنِهِ وَاجعَل ثَوابى مِنهُ الجَنَّةَ بِرَحمَتِكَ ، وأعِنّى عَلى صالِحِ ما أعطَيتَنى ، وثَبِّتنى يا رَبِّ ولا تَرُدَّنى فى سوءٍ اِستَنقَذتَنى مِنهُ يا رَبَّ العالَمينَ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ إيمانا لا أجَلَ لَهُ دونَ لِقائِكَ ، أحيِنى ما أحيَيتَنى عَلَيهِ وتَوَفَّنى إذا تَوَفَّيتَنى عَلَيهِ ، وَابعَثنى إذا بَعَثتَنى عَلَيهِ وأبرِئ قَلبى مِنَ الرِّياءِ وَالشَّكِّ وَالسُّمعَهِ فى دينِكَ حَتّى يَكونَ عَمَلى خالِصا لَكَ .

اللّهُمَّ أعطِنى بَصيرَةً فى دينِكَ وفَهما فى حُكمِكَ وفِقها فى عِلمِكَ ، وكِفلَينِ مِن رَحمَتِكَ ووَرَعا يَحجُزُنى عَن مَعاصيكَ وبَيِّض وَجهى بِنورِكَ وَاجعَل رَغبَتى فيما عِندَكَ ، وتَوَفَّنى فى سَبيلِكَ وعَلى مِلَّهِ رَسولِكَ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ .

اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِكَ مِنَ الكَسَلِ وَالفَشَلِ وَالهَمِّ وَالجُبنِ وَالبُخلِ وَالغَفلَهِ وَالقَسوَهِ وَالذِّلَّهِ وَالمَسكَنَهِ وَالفَقرِ وَالفاقَهِ وكُلِّ بَلِيَّهٍ ، وَالفَواحِشِ ما ظَهَرَ مِنها وما بَطَنَ ، وأعوذُ بِكَ مِن نَفسٍ لا تَقنَعُ وبَطنٍ لا يَشبَعُ وقَلبٍ لا يَخشَعُ

ودُعاءٍ لا يُسمَعُ وعَمَلٍ لايَنفَعُ،وأعوذُ بِکَ يا رَبِّ عَلى نَفسى ودينى ومالى وعَلى جَميعِ ما رَزَقتَنى مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ إنَّکَ أنتَ السَّميعُ العَليمُ .

اللّهُمَّ إنَّهُ لا يُجيرُنى مِنکَ أحَدٌ ولا أجِدُ مِن دونِکَ مُلتَحَدا ، فَلا تَجعَل نَفسى فى شَىءٍ مِن عَذابِکَ ، ولا تَرُدَّنى بِهَلَکَةٍ ولا تَرُدَّنى بِعَذابٍ أليمٍ .

اللّهُمَّ تَقَبَّل مِنّى وأعلِ ذِكرى وَارفَع دَرَجَتى وحُطَّ وِزرى ولا تُذَكِّرنى بِخَطيئَتى ، وَاجعَل ثَوابَ مَجلِسى وثَوابَ مَنطِقى وثَوابَ دُعائى رِضاکَ وَالجَنَّةَ ، أعطِنى يا رَبِّ جَميعَ ما سَأَلتُکَ وزِدنى مِن فَضلِکَ ، إنّى إلَيکَ راغِبٌ يا رَبَّ العالَمينَ .

اللّهُمَّ إنَّکَ أنزَلتَ فى كِتابِکَ أن تَعفُوَ عَمَّن ظَلَمَنا ، وقَد ظَلَمنا أنفُسَنا فَاعفُ عَنّا فَإنَّکَ أولى بِذلِکَ مِنّا ، وأمَرتَنا ألاّ نَرُدَّ سائِلاً عَن أبوابِنا وقَد جِئتُکَ سائِلاً فَلا تَرُدَّنى إلاّ بِقَضاءِ حاجَتى ، وأمَرتَنا بِالإحسانِ إلى ما مَلَکَت أيمانُنا ونَحنُ أرِقّاؤُکَ فَأعتِق رِقابَنا مِنَ النّارِ .

يا مَفزَعى عِندَ كُربَتى ، ويا غَوثى عِندَ شِدَّتى ، إلَيکَ فَزَعتُ وبِکَ استَغَثتُ ولُذتُ ، لا ألوذُ بِسِواکَ ولا أطلُبُ الفَرَجَ إلاّ مِنکَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فَأغِثنى وفَرِّج عَنّى ، يا مَن يَقبَلُ اليَسيرَ ويَعفو عَنِ الكَثيرِ ، اِقبَل مِنّى اليَسيرَ وَاعفُ عَنّى الكَثيرَ إنَّکَ أنتَ الرَّحيمُ الغَفورُ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ إيمانا تُباشِرُ بِهِ قَلبى،ويَقينا حَتّى أعلَمَ أ نَّهُ لَن يُصيبَنى إلاّ ما كَتَبتَ لى ، ورَضِّنى مِنَ العَيشِ بِما قَسَمتَ لى يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (37) .

1- .ورواه فى الإقبال بهذا السند : رويناه بإسنادنا إلى أبى محمّد هارون بن موسى التلعكبرى بإسناده إلى الحسن بن محبوب الزرّاد عن أبى حمزه الثمالى .
2- .لفظه «بک» ليست فى المصدر وأثبتناها من المصادر الأُخرى .
3- .فى الإقبال والمصباح للكفعمى والبلد الأمين : «أدعوه ولا أدعو غيره» .
4- .فى الإقبال والمصباح للكفعمى والبلد الأمين : «أرجوه ولا أرجو غيره» .
5- .فى المصدر : «للراجى» ، وما أثبتناه من المصادر الأُخرى ، إذ هو المناسب للسياق .
6- .فى الإقبال : «الأعمال السيئه» .
7- .فى المصدر : «ثقتى» ، وما أثبتناه من المصادر الأُخرى .
8- .إشاره إلى قوله تعالى : « وَسْ?لُواْ اللَّهَ مِن فَضْلِهِى » (النساء : 32) .
9- .إشاره إلى قوله تعالى : « إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا » (النساء : 29) .
10- .فى الإقبال : «فصلّ على محمّد وآل محمّد وحقّق رجائى ...» .

11- .فی الإقبال : «ندائی» .
12- .لیس فی الإقبال من «أین صنائعک» إلی «إحسانک القدیم» .
13- .فی نسخه : «به وبمحمّد وآل محمّد» .
14- .فی المصدر : «لست أتّکل» ، وما فی المتن أثبتناه من بعض النسخ الخطیّه للمصدر ، وکذلک فی الإقبال .
15- .ما بین القوسین أثبتناه من المصادر الاُخری .
16- .فی الإقبال : «اللّهُمَّ صلّ علی محمّد وآله واغفر ...» .
17- .زاد فی المصباح للکفعمی والبلد الأمین : «والأئمّه علیهم السلام» .
18- .فی الإقبال : «إلهی ما لی» بدل «اللّهُمَّ إنّی» .
19- .ما بین القوسین أثبتناه من الإقبال .
20- .فی المصباح للکفعمی : «الشرید» .
21- .زاد فی الإقبال هنا : «فلک الحمد» .
22- .زاد فی الإقبال هنا : «یا سیّدی» .
23- .زاد فی الإقبال هنا : «صلّ علی محمّد وآل محمّد» .
24- .فی الإقبال والمصباح للکفعمی : «إلی قبر» .
25- .فی الإقبال والمصباح للکفعمی : «اللّهُمَّ فلک ...» .
26- .فی الإقبال والمصباح للکفعمی والبلد الأمین : «إلاّ» بدل «إلهی» .
27- .فی بعض نسخ المصدر الخطیّه والمصادر الاُخری : «عَکَفتَ» بدل «علقت» .
28- .فی الإقبال : «عبادک» بدل «عیالک» .
29- .لیس فی المصباح للکفعمی والبلد الأمین : «غنی» ، وفی الإقبال : «سدّ فاقتی وبعنایتک أجبر عیلتی» .
30- .زاد فی الإقبال هنا : «ورجائی» .
31- .فی البلد الأمین : «عملی» .
32- .زاد فی المصباح للکفعمی هنا : «بالعفو» .
33- .فی المصباح للکفعمی : «اللّهمّ ارحم» .
34- .فی الإقبال والمصباح للکفعمی والبلد الأمین : «یغسّلنی» بدل «یقلّبنی» .
35- .فی الإقبال والمصباح للکفعمی : «یقول القائلون» بدل «نقول» .
36- .زاد فی الإقبال هنا : «وحقّق ظنّی» .
37- .مصباح المتهجّد : 582 / 691 ، الإقبال : 1 / 157 ، المصباح للکفعمی : 781 ، البلد الأمین : 205 ، بحار الأنوار : 98 / 82 / 2 .

ب دعای ابو حمزه ثُمالی

ب دعای ابو حمزه ثُمالی862.عنه صلی الله علیه و آله :مصباح المتهجّد به نقل از ابو حمزه ثمالی :امام سجّاد علیه السلام در ماه رمضان ، همه شب را نماز می خواند و چون سحر می شد ، این دعا را می خواند:

«خدایا! مرا با کیفرت ادب نکن و با عقوبت غافلگیرکننده ات ، به من نیرنگ مزن. پروردگارا! برایم از کجا خیر تواند بود ، با آن که جز از پیش تو یافت نمی شود؛ و برایم از کجا رهایی خواهد بود ، با آن که جز به یاری ات ، در توان نیست؟ نه آن که نیکی کند ، از یاری و رحمتت بی نیاز است و نه آن که بدی کند و بر تو گستاخ شود و تو را ناخرسند سازد ، از قلمرو قدرتت بیرون. ای پروردگار من ، ای پروردگار من ، ای پروردگار من!...» .

بگوید تا آن که نفَس قطع شود .

«تو را با تو شناختم و تو خود ، مرا بر خودت راهنمایی کردی و به سویت خواندی و اگر تو نبودی ، نمی دانستم که تو چیستی.

سپاس ، خدایی را که او را می خوانم ، پس جوابم می دهد ، هر چند وقتی مرا می خوانَد ، کاهلم.

سپاس ، خدایی را که از او می خواهم ، پس عطایم می کند ، هر چند وقتی از من وام می خواهد ، بخیلم.

سپاس ، خدایی را که هر گاه بخواهم ، برای نیازم او را می خوانم و هر گاه بخواهم ، برای راز و نیازم با او خلوت می کنم ، بدون هیچ واسطه ای . او نیز حاجتم را برمی آورد.

سپاس ، خدایی را که جز او را نمی خوانم ، و اگر جز او را بخوانم ، دعایم را اجابت نمی کند.

سپاس ، خدایی را که جز به او امید ندارم ، و اگر جز به او امید بندم ، امیدم را ناامید می کند.

سپاس ، خدایی را که مرا به خودش وا گذاشت. پس گرامی ام داشت و مرا به مردم وا نگذاشت تا خوارم سازند .

سپاس ، خدایی را که با من اظهار دوستی کرد ، با آن که او از من ، بی نیاز است .

سپاس ، خدایی را که نسبت به [گناهانِ] من بردباری می ورزد ، چنان که گویی مرا گناهی نیست. پس ، پروردگارم ، پیش من ستوده ترین چیز و شایسته ترین کس به ستایش من است .

خداوندا ! من راه های نیازخواهی را به سوی تو باز می بینم و چشمه های امید به درگاهت را پُرآب می یابم و یاری جستن از احسان تو را برای امیدواران به تو روا می بینم و درهای دعا به پیشگاهت را برای فریادخواهان ، گشوده می یابم؛ و می دانم که برای امیدواران، در جایگاه اجابتی و برای پریشان خاطران، در کمینِ فریادرسی ، و [می دانم که] در نالیدن به درگاه جود تو و خرسندی از تقدیر تو ، بهترین عوض از بخلِ بخیلان است و وسعت و بی نیازی از آنچه در دست دنیاطلبان است و [نیز می دانم] آن که به سوی تو کوچ کند ، راهش نزدیک است و تو خود را از بندگانت نمی پوشانی ، مگر آن که کارهای بدِ آنان ، حجابی میان آنان و تو گردد. من خواسته ام را به درگاه تو آورده ام و نیازم را نزد تو باز می گویم و پناهجویی ام را به نزد تو و وسیله جویی ام را با دعا به آستان تو قرار داده ام ، بی آن که شایسته آن باشم که از من بشنوی و یا از من درگذری؛ بلکه از آن رو که به بزرگواری ات اطمینان دارم و به درستیِ وعده ات دل آرامم و به ایمان به یگانگی ات پناه برده ام و یقین دارم که مرا چنان می شناسی که پروردگاری جز تو و معبودی غیر از تو ندارم ، که تو یگانه بی شریکی.

خداوندا ! تو فرموده ای و سخنت حق و وعده ات راست است که: «از فضل (احسان) خدا بخواهید» (1) «همانا خداوند به شما مهربان است» (2) و از صفات تو ای سَرور من آن نیست که به خواستن ، فرمان دهی ، ولی عطا نکنی ، در حالی که تو با بخشش هایت ، به اهل مملکت خویش نعمت دهنده ای و با رأفت و مهربانی ات ، به آنان عنایت داری.

خداوندا ! مرا از کوچکی ، در دامان نعمت و احسانت پروراندی و در بزرگی هم بلندآوازه ام کردی. پس ، ای آن که در دنیا با نیکی و احسان و نعمت هایش مرا پروَرْد و در آخرت به بخشایش و بزرگواری اش اشارتم فرمود !

ای مولای من! معرفتم ، راهنمای من بر توست و محبّتم به تو ، واسطه من به درگاهت است و من به راهنمایی تو ، به این راهنمایم اطمینان دارم و به شفاعت تو ، به شفیع خود دل گرمم.

سرورم! تو را با زبانی می خوانم که گناهش ، آن را لال کرده است و با قلبی با تو نجوا می کنم که جرمش ، او را به هلاکت افکنده است.

پروردگارا! تو را می خوانم ، بیمناک و مشتاق ، و امیدوار و ترسان. مولای من! چون به گناهانم می نگرم ، وحشت زده می نالم و چون بر کَرَمت چشم می دوزم ، امیدوار می شوم. پس اگر ببخشایی ، بهترین مهربانی و اگر عذاب کنی ، ستم نکرده ای.

خدایا! حجّت من در گستاخی ام بر خواستن از تو ، با این که آنچه را نمی پسندی ، انجام داده ام ، بخشش و کَرَم توست و پشتوانه ام در سختیِ خویش با وجود بی شرمی ام ، رأفت و مهربانی توست. امید بسته ام که بین اینها ، ناامیدم نمی کنی . پس ، امیدم را برآور و دعایم را بشنو ، ای بهترین کسی که نیایشگر ، او را می خواند و برترین کسی که امیدوار ، به او امید می بندد!

سرورم! آرزویم بزرگ ، ولی کردارم زشت است؛ از بخشایش خود به اندازه آرزویم عطا کن و مرا به بدترین کارم مؤاخذه نکن. تو بزرگوارتر از آنی که گنهکاران را کیفر دهی و بردبارتر از آنی که کوتاهی کنندگان را مجازات کنی.

سرورم! به احسانت پناهنده ام و از تو به سوی خودت می گریزم و وعده گذشتی را که به خوش بینان به خویش داده ای ، حتمی می دانم. پروردگارا! مگر من کیستم و چه اهمّیتی دارم؟ به احسانت مرا ببخشای و به گذشتت بر من منّت گذار. پروردگارا! با پوششت مرا بپوشان و با ذات بزرگوارت از سرزنشم درگذر. اگر امروز ، کسی جز تو بر گناهم آگاه می شد ، انجامش نمی دادم و اگر از کیفر امروزت بیم داشتم ، از آن پرهیز می کردم ، [البتّه] نه آن که پیش من بی مقدارترینِ بینندگان یا ناچیزترینِ مطّلعان از من باشی ؛ بلکه چون تو ای پروردگارِ بهترینِ پوشانندگان و دادگرترینِ داوران و بزرگوارترینِ بزرگوارانی؛ [و] عیب پوش و خطابخش و غیب دانی؛ [و] با کَرَمت گناه را می پوشی و با بردباری ات ، کیفر را به تأخیر می افکنی. پس ، تو را سپاس بر بردباری ات پس از دانستنت ، و بر گذشتت پس از قدرتت. بردباری ات به من ، بر گناه ، گستاخم می کند و

عیب پوشی ات بر من ، به بی شرمی ام می کشاند و شناختی که از رحمت گسترده و گذشت بزرگ تو دارم ، مرا در روی آوردن به گناهان ، شتاب می بخشد.

ای بردبار ، ای بزرگوار ، ای زنده پابرجا ، ای آمرزنده گناه ، ای پذیرنده توبه ، ای بزرگ منّت و ای دیرینِ احسان! کجاست پوشش زیبایت؟ کجاست گذشت بزرگت؟ کجاست گشایش نزدیکت؟ کجاست پناه دادنِ سریعت؟ کجاست رحمت گسترده ات؟ کجاست بخشش های فراوانت؟ کجاست عطاهای گوارایت؟ کجاست رفتارهای ارجمندت؟ کجاست فضل بزرگ و منّت عظیم و احسان دیرینت؟ کَرَمت کجاست ، ای کریم؟ با کَرَمت ، نجاتم بخش و با رحمتت ، رهایم کن!

ای احسان کننده ، ای زیباکردار ، ای نعمت بخش و ای صاحب احسان! در نجات از کیفرت ، به اعمال خود تکیه نمی کنیم؛ بلکه به احسانت بر ما ، دل بسته ایم؛ چرا که تو اهل تقوا و اهل آمرزشی. از روی نعمت ، آغازگر احسانی و از روی کَرَم ، بخشاینده گناه. نمی دانیم چگونه سپاست گوییم و کدام نعمتت را شکر کنیم: آیا بر آن زیبایی ای که می گستری؟ یا بر آن زشتی ای که می پوشانی؟ یا بر آن بلاها و امتحان های بزرگی که آسان ساختی؟ و یا آن سختی های بسیاری که از آنها نجات و عافیت بخشیدی؟

ای دوستِ آن که به درگاهت مهر ورزد! ای نور چشم آن که به تو پناه آورَد و از دیگران بگسلد! تو نیکوکاری و ما بدکاریم. پس ، پروردگارا! به زیباییِ لطف و کَرَمت ، از زشتی گناهمان درگذر!

پروردگارا! کدام نابخردی است که بخشش تو نتواند آن را فرا گیرد؟ یا کدام زمان ، بلندمدّت تر از تحمّل توست؟ و اندازه کارهای ما در کنار نعمت های تو چیست؟ و چگونه کارهای زشتمان را در مقابل بزرگواری ات ، زیاد بشماریم؟ بلکه چگونه مجال بر گنهکاران ، تنگ می شود ، با آن رحمت گسترده تو که آنان را فرا گرفته است؟

ای گسترده آمرزش ، ای گشاده دست به رحمت! به عزّتت سوگند ای سرورم اگر مرا برانی ، از درگاهت نروم و از التماس به تو دست بر ندارم؛ چرا که تو را با جود و کَرَم می شناسم. تو آنچه را بخواهی ، می کنی؛ و هر که را هر گونه بخواهی ، عذاب می کنی؛ و هر که را به هر سبب که بخواهی ، هر گونه که بخواهی ، رحم می کنی.

در کار تو ، چون و چرا نیست و در فرمان روایی ات کسی مخالف نیست. در فرمانت ، بی شریکی و در حکومتت ، بی رقیبی و در تدبیرت ، کسی بر تو ایراد نمی گیرد. آفرینش و فرمان ، برای توست. خجسته است خداوند ، پروردگار جهانیان.

پروردگارا ! این ، جایگاه کسی است که به تو روی آورده و به آستان کَرَمت پناهنده شده و همدم احسان و نعمت های توست. تو ، آن بخشنده ای هستی که گذشتِ تو تنگ نمی شود و احسانت کاسته و رحمتت کم نمی گردد. ما به عفو دیرین تو و احسان بزرگ و رحمت گسترده ات ، اطمینان داریم. پروردگارا ! آیا ممکن است بر خلاف گمانمان با ما رفتار کنی و یا آرزوهایمان را بر نیاوری؟ هرگز ، ای بزرگوار ! نه گمانِ ما به تو این گونه است و نه انتظار ما از تو ، چنین.

پروردگارا ! ما به درگاهت آرزویی طولانی و بسیار و بزرگ داریم. نافرمانی ات کرده ایم؛ لیک امید آن داریم که بر ما بپوشانی. تو را خوانده ایم و امید استجابت داریم. مولای ما ! امیدمان را برآور ، که می دانیم با کارهایمان مستحقّ چه کیفری هستیم؛ لیکن این که به ما آگاهی و این که می دانیم روی رحمت از ما برنمی گردانی ، ما را بر آن داشته که به درگاهت رغبت کنیم ، هر چند شایسته رحمتت نباشیم؛ امّا تو شایسته آنی که بر ما و گنهکاران ، با احسان گسترده ات ، بخشش کنی. پس ، آن گونه که تو شایسته آنی ، بر ما منّت بگذار و بر ما ببخش ، که ما نیازمند احسان توییم.

ای آمرزنده ! به فروغ تو ، راه یافته ایم و به احسان تو ، بی نیاز شده ایم و صبح و شام ما ، همدم نعمت توست. گناهانمان پیش روی توست؛ از آنها به درگاهت آمرزش می طلبیم و توبه می کنیم. تو با نعمت ها ، به ما محبّت می کنی و ما با گناهان ، با تو مخالفت می کنیم. نیکیِ تو بر ما فرود می آید؛ ولی بدیِ ما به سویت بالا می رود. همیشه فرشته ای بزرگوار ، از ما کار زشت به حضورت می آورد؛ امّا این ، سبب نمی شود که نعمت ها و نیکی هایت را از ما دریغ بداری. پس ، منزّهی تو ، از آغاز تا انجام. چه بردبار و بزرگ و کریم بوده ای و هستی ! نام هایت مقدّس ، ستایشت بزرگ ، و نعمت ها و کارهایت بزرگوارانه بوده است. خدایا ! احسان و بردباری ات ، گسترده تر و بزرگ تر از آن است که آن را با رفتار و خطای من مقایسه کنی. پس سرورم ، سرورم ، سرورم ! ببخشای ، ببخشای !

خداوندا ! ما را به یاد خودت مشغول دار و از خشم و عذابت پناهمان ده و از نعمت هایت روزی مان بخش و از احسان خود بر ما نعمت بده و حجّ

خانه ات و زیارت قبر پیامبرت را که درود و رحمت و آمرزش و رضوان تو بر او و خاندانش باد روزی مان کن. همانا تو نزدیک و شنوایی؛ و به ما عمل به فرمانبری ات را روزی کن و ما را بر آیین خود و سنّت پیامبرت صلی الله علیه و آله بمیران!

خداوندا! مرا و پدر و مادرم را بیامرز و رحمتشان کن ، آن گونه که در خُردی ، تربیتم کردند. آنان را در مقابل نیکی ، پاداش نیک و در مقابل گناهان ، آمرزش عطا کن. خداوندا! مردان و زنان مؤمن ، زندگان و مردگانشان را بیامرز و در نیکی ها میان ما و آنان پیونده بده. خدایا! زنده و مرده ما را ، حاضر و غایب ما را ، مرد و زن ما را ، کوچک و بزرگ ما را و آزاد و برده ما را ببخشای. آنان که از خدا برگشتند ، دروغ گفتند و بسیار گم راه شدند و به خسارتی آشکار دچار گشتند.

خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و کار مرا با نیکی به پایان ببر و درباره آنچه (از کار دنیا و آخرتم) مرا پریشان خاطر کرده ، کفایتم کن و آن که را بر من رحم نمی کند ، بر من چیره مگردان و از پیش خود ، برایم نگه دارنده و باقی دارنده قرار بده ، و نعمت های شایسته ای را که به من داده ای ، از من مگیر ، و از فضل خویش ، مرا روزیِ گسترده و حلال و پاکیزه ، عطا کن. خداوندا! با نگاهبانی ات ، مرا نگهبان باش و با نیروی نگه دارنده ات ، مرا نگه دار و با حمایتت ، مرا در پناه خود بگیر و حجّ خانه با حرمت خودت و زیارت قبر پیامبرت را امسال و هر سال ، روزی ام گردان و مرا از آن حرم های با شرافت و جاهای با کرامت ، دور مگردان.

خداوندا! توفیق توبه ام ده تا نافرمانی ات نکنم ، و نیکی و عمل به نیکی را به من الهام کن و خشیت خودت را در شب و روز ، تا زنده ام ، ارزانی ام دار ، ای پروردگار جهانیان!

خداوندا! من هر چه پیش خود گفتم که: «آماده و مهیّا شدم و برای نماز و مناجات در پیشگاهت ایستادم» ، [ولی] هنگام نمازم بر من حالت خواب انداختی و توفیق مناجاتت را هنگام مناجاتم از من گرفتی. مرا چه شده که هر گاه گفته ام: «درونم پاک و شایسته شده است و به مجالس توبه کاران راه یافته ام» ، باز هم بلایی برایم پیش آمده ، گامم را لغزانده و مرا از خدمتت باز داشته است؟

سرورا ! شاید مرا از درگاهت رانده و از خدمتت دورم کرده ای ! یا شاید چون دیده ای حقّت را سبک می شمارم ، دورم ساخته ای ! یا شاید چون دیده ای که از تو روی گردانم ، بر من غضب کرده ای ! یا شاید چون مرا در زمره دروغگویان یافته ای ، ردّم کرده ای ! یا شاید چون نسبت به نعمت هایت ناسپاسم دیده ای ، محرومم ساخته ای ! یا شاید چون مرا در مجالس عالِمان نیافته ای، مرا وا گذاشته ای ! یا شاید چون مرا در جمع غافلان دیده ای ، از رحمتت نومیدم کرده ای ! یا شاید چون دیده ای که همدم مجالس اهل باطلم ، مرا با همانان وا گذاشته ای ! یا شاید چون دوست نداشتی دعایم را بشنوی ، دورم کرده ای ! یا شاید مرا به جرم و خطایم کیفر داده ای ! و یا شاید مرا به بی شرمی ام مجازات کرده ای !

پروردگارا ! پس اگر درگذری ، چه بسیار گنهکارانی که پیش از من از آنان درگذشته ای؛ چرا که کَرَمت ای پروردگار بالاتر از آن است که بندگانِ مقصّر را کیفر دهی. من پناهنده به فضل تو ام [و] از تو به سوی تو گریزانم [و]وعده ای را که داده ای که از هر که به تو خوش گمان باشد ، درمی گذری ، حتمی می دانم.

خدایا ! احسان تو گسترده تر، و بردباری ات بزرگ تر از آن است که مرا با عملم بسنجی ، یا به خطایم خوارم گردانی ، و مگر ای سرورم من چیستم و چه اهمّیتی دارم؟ مرا ای مولای من به فضل خویش ببخشای و با گذشت خود بر من ، منّت بگذار و با خطاپوشی ات ، مرا بپوشان و با ذات بزرگوارت ، از سرزنشم درگذر.

سرورم ! منم آن کوچکی که تربیتش کردی. منم آن نادانی که علمش آموختی. منم آن گم راهی که هدایتش کردی. منم آن پَستی که رفعتم دادی. منم آن ترسانی که آرامَش ساختی و گرسنه ای که سیرش کردی و تشنه ای که سیرابش ساختی و عریانی که جامه اش پوشاندی و تنگ دستی که بی نیازش کردی و ناتوانی که نیرومندش ساختی و خواری که عزّتش بخشیدی و بیماری که شفایش دادی و خواهانی که عطایش کردی و گنهکاری که گناهش را پوشاندی و خطاکاری که از او درگذشتی. منم آن اندکی که فزونش کردی و ناتوانی که یاری اش کردی و رانده ای که پناهش دادی.

پروردگارا ! منم آن که در نهان ، از تو شرم نکردم و در آشکار ، تو را مراقب نبودم. منم صاحب مصیبت های بزرگ. منم آن که بر سَرور خود ، گستاخی کردم. منم آن که خدای جبّارِ آسمان را نافرمانی کردم. منم آن

که بر گناهان بزرگ ، رشوه دادم. منم آن که چون مژده گناه بزرگ به من دادند ، شتابان به سویش رفتم. منم آن که مهلتم دادی؛ امّا از گناه برنگشتم ، و بر من پرده افکندی؛ امّا شرم نکردم و نافرمانی ها کردم و از حد گذشتم ، و مرا از چشم خود انداختی؛ ولی باز هم اعتنا نکردم. پس با بردباری ات ، مهلتم دادی و با پرده پوشی ات مرا پوشاندی ، تا آن جا که گویی از من غافل شده ای و مرا از کیفرهای گناهانم دور داشته ای، تا آن جا که گویا تو از من شرم کرده ای.

خدایا ! آن گاه که نافرمانی ات کردم ، نه پروردگاری ات را منکر بودم و نه فرمانت را سبک می شمردم و نه خود را در معرض کیفرت قرار می دادم و نه وعیدهای تو را نادیده می انگاشتم؛ بلکه گناهی بود که پیش آمد. نفْس [امّاره]من نیز آن را بر من مشتبه ساخت و هوسم بر من چیره شد. بدبختی ام هم به یاری اش آمد و پرده پوشی ات بر من نیز مغرورم ساخت. پس با اختیار و تلاش خودم ، تو را نافرمانی و مخالفت کردم. پس ، اینک کیست که از عذابت نجاتم دهد؟ و فردای قیامت ، چه کسی از دست دشمنان ، رهایم سازد؟ اگر تو ریسمان رحمتت را از من بگسلی ، به ریسمان چه کس آویزم؟ پس ، وای بر من از کردار زشتم ، که کتاب تو آن را بر من به شمار آورده است ! اگر امیدی که به کَرَم و رحمت گسترده ات دارم ، نبود و تو نهی نکرده بودی که ناامید نباشم ، وقتی گناهانم را یاد می کردم ، مأیوس می شدم ، ای بهترین کسی که هر نیایشگر او را خوانده است و [ای] برترین کسی که هر امیدواری به او امید بسته است !

خداوندا ! به سبب پیمان اسلام به تو توسّل می جویم و به احترام قرآن ، بر تو تکیه می کنم و با عشقی که به پیامبر اُمّیِ قُرَشیِ هاشمیِ عربیِ تَهامیِ مکّیِ مدنی دارم ، امیدوارم که در پیشگاهت مقرّب شوم. پس اُنس مرا به سبب ایمانم ، به وحشت ، مبدّل مکن و پاداش مرا ، پاداش آن که جز تو را پرستید ، قرار مده؛ چرا که گروهی برای حفظ جانشان ، به زبان ، ایمان آوردند و به خواسته شان رسیدند ، و ما با زبان ها و دل هایمان به تو ایمان آورده ایم تا از ما درگذری. پس ، ما را به خواسته هایمان برسان و امیدت را در سینه هایمان استوار بدار و پس از آن که هدایتمان کردی ، دل هایمان را به گم راهی میفکن و ما را از پیش خودت رحمتی بخش ، که همانا تویی بخشنده !

پس به عزّتت سوگند ، اگر مرا برانی ، از درگاهت نمی روم و دست از تملّق به آستانت برنمی دارم؛ چرا که کَرَم و رحمت گسترده ات ، بر دلم

الهام شده است. بنده ، جز به درگاه مولایش کجا می رود؟ و آفریده ، جز به آستان آفریدگارش کجا پناه می برد؟

خدایا ! اگر مرا به بندها و زنجیرها بکشی و از میان همه ، مرا از رحمتت محروم کنی و چشم بندگانت را به رسوایی هایم باز کنی و فرمان دهی که به آتشم افکنند و میان من و نیکان ، جدایی اندازی ، امیدم را از تو نمی گسلم و آرزوی بخشش را از تو برنمی گردانم و محبّتت ، از دلم بیرون نمی رود. من ، هرگز نعمت هایت را در حق خودم از یاد نمی برم و آنچه را در سرای دنیا بر من پوشاندی ، فراموش نمی کنم.

سرور من ! محبّت دنیا را از دلم بیرون کن و میان من و محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله (که برگزیده تو از میان آفریدگانت ، و خاتم پیامبرانت است) و خاندانش ، جمع کن و مرا به رتبه توبه در درگاهت منتقل ساز و یاری ام کن تا بر خویش بگریم؛ چرا که عمرم را با تأخیر انداختن ها و آرزوها تباه کردم و به جایگاه ناامیدانِ از خیر خویش ، فرود آمده ام. اگر مرا با همین حال به گورم ببرند ، چه کسی بدحال تر از من است ، که نه آن را آماده آرمیدنم ساخته ام و نه آن را با عمل صالح ، برای خوابیدنم فرش کرده ام؟ چرا نگریم ، در حالی که نمی دانم سرنوشتم چه خواهد شد؟ نَفْس من با من نیرنگ می کند و روزگارم با من خدعه می ورزد و عقاب مرگ بر بالینم بال و پر می زند. پس چرا نگریم؟ !

می گریم برای جان کندنم ، می گریم برای تاریکی گورم ، می گریم برای تنگیِ قبرم ، می گریم برای سؤال نکیر و منکر از من ، می گریم بر این که عریان و خوار ، با بار سنگین گناهان بر دوش ، از گورم بیرون می آیم ، که گاهی به راست می نگرم و گاهی به چپ ، در حالی که هر کس در حالتی است غیر از حالت من. هر کس از آنان را آن روز ، کاری است که او را بس است. آن روز ، چهره هایی سفید و خندان و شادمان اند و چهره هایی غبارآلود و خوار و ذلیل.

سرورم ! تکیه گاه و اعتماد و امید و توکّلم بر توست و به رحمتت وابسته ام. رحمتت را به هر کس خواهی ، می رسانی و به بزرگواری ات هر که را خواهی ، هدایت می کنی. تو را سپاس ، که دلم را از شرک ، پاک ساختی و تو را شکر ، که زبانم را گشودی. آیا با این زبان گنگ ، سپاست گویم ، یا با نهایت تلاش در کارم ، خشنودت سازم؟ مگر پروردگارا اندازه زبانم در کنار شُکر تو چه قدر است و کارم در برابر نعمت ها و احسانت بر من ، چه ارزشی دارد؟

خدایا! بخشندگی ات ، آرزویم را گسترده ، و سپاس گزاری ات کارم را پذیرفته است. سرورا! شوق و رغبت و آرزومندی ام ، به توست. آرزویم ، مرا به سوی تو می کشاند و ای یکتا پروردگارم همّتم به تو وابسته است و شوقم به پاداشی که نزد توست ، بال گشوده است. امید و هراس خالصانه ام، برای توست و محبّتم ، با تو اُنس گرفته است .دستم را به درگاه رحمتت ، و هراسم را به رشته طاعتت آویخته ام.

مولای من! دلم زنده به یاد توست و با مناجات به درگاهت ، رنج هراس را از خویش آرام ساخته ام. پس ، ای مولای من ، ای امید من ، و ای نهایتِ خواسته ام! میان من و گناهم ، که مرا از اطاعت پیوسته باز داشته ، جدایی افکن! خواست من از تو ، به خاطر این است که امید دیرینم به تو ، و آرزوی بزرگم از توست که آن را بر خویش حتمی کرده ای ، از سرِ رأفت و رحمت . فرمان ، تنها از آنِ توست و مردم ، همه نانخوران تو و در قبضه اراده تو هستند و همه چیز ، فرمان بردار توست. خجسته ای، ای پروردگار جهانیان!

خدایا! مرا رحم کن ، آن گاه که دلیلم قطع می شود و زبانم از پاسخ دادن به تو باز می ماند و هوش و خِرَدم آن گاه که از من سؤال می کنی به اضطراب می افتد. پس ، ای امید بزرگم! آن گه که نیازم شدّت می یابد ، محرومم مکن و به نادانی ام ردّم منما و به خاطر کم صبری ام محرومم مگردان! چون نیازمندم ، عطایم کن و چون ناتوانم ، رحمم کن!

سرورا! تکیه گاه و اعتماد و امید و توکّلم بر توست و دل بستگی ام به رحمت توست. به درگاه احسانت ، بار می افکنم و خواسته ام را از آستان جود تو می طلبم و دعایم را پروردگارا به کَرَم تو باز می گشایم و رفع نیازم را از پیشگاه تو امیدوارم و ناداری خود را با توانگری تو جبران می کنم . زیر سایه بخشایشت ایستاده ام و نگاهم را به آستانِ جود و کَرَمت دوخته ام و چشمم پیوسته به لطف و احسان توست. پس ، مرا که به تو امید بسته ام ، به آتش مسوزان و در دوزخم جای نده؛ چرا که تو فروغ دیدگان منی. ای سرورم! گمانِ نیکویی را که به احسانت دارم ، دروغ مگردان، که تو تکیه گاه منی؛ و از پاداش خود محرومم مساز ، که نیازم را می شناسی!

خدایا! اگر زمان مرگم نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نساخته است ، اعتراف به گناه خود را اسباب عذرخواهی ام قرار داده ام.

خدایا ! اگر عفو کنی ، از تو شایسته تر کیست؟ و اگر کیفر دهی ، از تو دادگرتر در داوری کیست؟

[خدایا !] ، رحم کن در این دنیا به غربتم ، و هنگام مرگ به غم و حسرتم ! و در قبر به تنهایی و وحشتم ! و هنگامی که برای حساب زنده می شوم در پیشگاهت به وقوف ذلیلانه ام ! و آنچه را (از کارم) بر آدمیان پوشیده است ، بیامرز و پوشش خود را بر خطایم ادامه بده و مرا رحم کن ، آن گاه که بر بستر مرگ افتاده ام و دست های دوستانم مرا می گردانند ! بر من لطف کن ، آن گاه که مرا بر سنگِ غسل خوابانده اند و همسایگان خوبم مرا به چپ و راست می چرخانند ! و بر من احسان کن ، آن دم که مرا با تابوت برمی دارند و خویشاوندان ، اطراف جنازه ام را می گیرند ! و بر من کَرَم کن ، آن گاه که در گورم تنها به حضورت می آیم ! در آن خانه نو بر غربتم ترحّم کن ، تا جز به تو اُنس نگیرم !

سرورا ! اگر مرا به خودم وا گذاری ، تباه می شوم. سرورم ! اگر گناهم را نیامرزی ، به که پناه برم و اگر عنایتت را در آرامگاهم از دست بدهم ، به چه کسی روی آورم و اگر گرفتاری ام را برطرف نسازی ، به که پناهنده شوم؟

سرورم ! من ، که را دارم و کیست که بر من رحم کند ، اگر تو بر من ترحّم نکنی؟ و به احسانِ که آرزو بندم ، اگر هنگام نیازم ، از احسان تو محروم گردم؟ و اگر اَجَلم فرا رسد ، از گناهانم به سوی چه کسی بگریزم؟ سرورم ! عذابم مکن ، در حالی که به تو امیدوارم.

خدایا ! امیدم را برآور و هراسم را ایمنی بخش؛ چرا که درباره گناهان فراوانم ، جز به عفو تو امید ندارم !

سرورم ! من از تو ، چیزی را طلب می کنم که سزاوار آن نیستم و تو ، اهل تقوا و آمرزشی . پس مرا بیامرز و از نگاه کریمانه ات ، جامه ای بر من بپوشان که پیامدهای گناهم را بر من بپوشاند و [بدین ترتیب ،] آنها را ببخشایی و به خاطر آنها مؤاخذه نشوم ! همانا تو صاحب احسان دیرین و گذشت بزرگ و چشم پوشیِ کریمانه ای.

خدایا ! تو آن کریمی هستی که با پروردگاری ات ، احسان خویش را حتّی بر آنان که از تو درخواست نمی کنند و بر آنان که انکارت می کنند ، سرازیر می کنی. پس ، با آن که دست نیاز به درگاهت دارد و یقین دارد که عالَم

آفرینش ، برای تو و امور ، به سوی توست ، چگونه خواهی بود؟ خجسته و والا گشته ای ، ای پروردگار جهانیان !

سرورم ! بنده ات به درگاه توست [و] نیاز ، او را در آستانت قرار داده است. با دعایش ، درِ رحمتت را می کوبد و با امید درونی اش ، چشم به عنایت و توجّه زیبای تو دوخته است. پس ، چهره کریمانه ات را از من بر مگردان و آنچه را می گویم ، از من بپذیر ! من تو را با این دعا خوانده ام و امیدوارم که ردّم نمی کنی؛ چرا که به رأفت و مهربانی ات آشنایم. خدایا ! تو آنی که هیچ پُرسنده ای ، به ستوهت نمی آورد و هیچ بخششی ، از تو نمی کاهد. تو ، آن گونه ای که خود می گویی و برتر از آنی که ما می گوییم.

خداوندا ! از تو صبری نیکو ، گشایشی نزدیک ، گفتاری صادقانه و پاداشی بزرگ می طلبم. پروردگارا ! از تو از همه نیکی ها می خواهم : آنچه می دانم و آنچه نمی دانم. پروردگارا ! از تو بهترین چیزهایی را که بندگان شایسته ات از تو می طلبند ، می خواهم.

ای بهترین درخواست شونده ، ای بخشنده ترین عطابخش ! خواسته ام را درباره خودم ، خانواده ام ، پدر و مادرم ، فرزندانم ، خاندانم و برادران دینی ام ، برآور؛ زندگی ام را سرشار و جوان مردی ام را آشکار کن؛ همه احوالم را سامان بخش؛ مرا از آنانی قرار ده که عمرشان را طولانی ، و کارشان را نیکو ساخته ای و نعمتت را بر آنان کامل گردانده ای و از آنان خرسندی و آنان را با زندگی پاک و مداوم ترین مسرّت و سرشارترین کرامت و کامل ترین زندگانی ، حیات بخشیده ای ! تو آنچه را خواهی ، انجام می دهی و آنچه جز تو بخواهد ، انجام نمی گیرد.

خداوندا ! مرا از سوی خودت به یاد ویژه ات ، مخصوص گردان و آنچه را با آن ، در لحظات شب و ساعات روز ، به درگاهت تقرّب می جویم ، برای ریا و نامجویی و از روی برتری طلبی و بی خیالی ، قرار مده و مرا از خاشعان درگاهت قرار بده !

خداوندا ! مرا گشایش در روزی ، امنیّت در وطن ، روشنایی چشم در مورد خانواده و مال و فرزند ، پایندگی نعمت هایت نزد من ، درستی در انجام دادن کارها ، نیرومندی در بدن و سلامت در دین عطا کن؛ و تا مرا عمر می دهی ، مرا در خدمت اطاعت خودت و فرستاده ات محمّد صلی الله علیه و آله ، به کار گیر و مرا از بهره مندترین بندگانت قرار بده ، در بهره بردن از

هر خیری که در ماه رمضان در شب قدر و در طول سال ، نازل کرده و می کنی ، و از هر رحمتی که می گسترانی و عافیتی که می پوشانی و بلایی که برمی گردانی و حسناتی که قبول می کنی و گناهانی که می بخشایی؛ و زیارت خانه خودت را امسال و همه سال روزی ام کن و از رحمت گسترده ات ، روزیِ گسترده عطایم کن !

سرورم ! بدی ها را از من برگردان؛ وام ها و حقوق مردم را از جانب من ادا کن تا به هیچ یک از آنها آزرده نشوم؛ گوش ها و چشم های دشمنانم و حسودان به من و ستمگران بر من را به روی من ببند و مرا بر آنان یاری کن؛ چشمم را فروغ بخش؛ دلم را شاد گردان؛ برایم از اندوه و رنجم ، گشایش و رهایی قرار بده؛ هر که را از همه آفریدگانت نسبت به من قصد بدی دارد ، زیر پاهایم [تحت سلطه ام] قرار ده؛ شرّ شیطان ، شرّ حکومت و بدی های عملم را از من کفایت کن؛ از همه گناهان ، پاکم کن؛ با عفو خویش ، از آتشم نگه دار و با رحمت خویش به بهشتم درآور؛ به فضل خویش ، با حوریان بهشتی قرینم ساز و مرا به دوستان شایسته ات ، محمّد و خاندان شایسته و پاکیزه و پاک و خوبش که درود تو و رحمت خدا و برکاتش بر آنان باد ملحق ساز !

خدایا و سرورا ! به عزّت و جلالَت سوگند که اگر مرا به گناهانم بازخواست کنی ، تو را به بخشایشت طلب می کنم ، و اگر مرا به فرومایگی ام بازخواست کنی ، تو را به کَرَمت درخواست می کنم ، و اگر مرا به آتش افکنی ، به دوزخیان خواهم گفت که دوستت دارم .

خدایا و سرورا ! اگر جز دوستان و مطیعانت را نمی آمرزی ، پس گنهکاران به که روی آورند؟ و اگر جز اهل وفا را نمی نوازی ، پس بدکاران به که پناهنده شوند؟

خدایا ! اگر مرا به آتش افکنی ، شادمانیِ دشمنت در این است ، و اگر به بهشتم ببری ، پیامبرت خرسند می شود ، و من به خدا سوگند می دانم که شادمانیِ پیامبرت را بیش از شادی دشمنت دوست داری.

خداوندا ! از تو می خواهم که دلم را از محبّت به تو و خَشیت از خودت ، از تصدیق تو و ایمان به خودت ، و از بیم از تو و اشتیاق به خودت بیاکَنی.

ای شکوهمند باکرامت ! دیدارت را محبوبم گردان و دیدارم را دوست بدار و برایم در دیدار خودت ، آسایش و گشایش و کرامت قرار بده !

خداوندا ! مرا به گذشتگانِ شایسته ملحق ساز و از آیندگانِ شایسته قرار بده؛ مرا به راه صالحان بدار و مرا در غلبه بر نفْس خود یاری کن ، به آنچه صالحان را برای غلبه بر نفْسشان یاری می کنی؛ کارم را به بهترین صورت به پایان ببر و با رحمت خویش پاداش عملم را بهشت قرار بده و مرا در به کارگیری شایسته آنچه عطایم کردی ، یاری کن؛ مرا پروردگارا ثابت قدم بدار و مرا به آن بدی که از آن نجاتم دادی ، بر مگردان ، ای پروردگار جهانیان !

خداوندا ! از تو ایمانی می خواهم که پایانی جز دیدارت نداشته باشد. تا مرا زنده داشته ای ، بر آن ایمان ، زنده بدارم و چون می میرانی ، بر آن بمیرانم و چون مرا برانگیختی ، بر آن برانگیز؛ و دلم را از ریا ، تردید و آوازه خواهی در دینت ، پیراسته کن تا کارم ، خالص برای تو باشد !

خداوندا ! مرا بصیرتی در دینت ، فهمی در حُکمَت ، ژرف نگری در دانشت ، دو سهم از رحمتت ، و پرهیزی بازدارنده از نافرمانی ات ، عطا کن و با نور خویش ، روسفیدم گردان و اشتیاقم را به آنچه نزد توست ، قرار بده و مرا در راهت و بر آیین پیامبرت صلی الله علیه و آله بمیران !

خداوندا ! به درگاهت پناه می برم از : تنبلی ، بی حالی ، سستی ، اندوه ، ترس ، بخل ، غفلت ، سنگ دلی ، خواری ، بیچارگی ، تنگ دستی ، نیازمندی و از هر بلا و از زشتی های آشکار و نهان. به تو پناه می برم از نَفْسی که قانع نمی شود ، شکمی که سیر نمی گردد ، دلی که خشوع نمی یابد ، دعایی که اجابت نمی شود و عملی که سود نمی بخشد. و به تو پروردگارا از شیطانِ رانده شده پناه می برم درباره خودم ، دینم ، مالم و همه آنچه روزی ام کرده ای. همانا تویی تو شنوای دانا.

خداوندا ! جز تو ، کسی مرا از قهرت پناه نمی دهد و جز تو ، پشت و پناهی نمی یابم. پس ، مرا در هیچ عذابی قرار مده و مرا به سوی هلاکت ، و مرا به سوی عذاب دردناک ، باز نگردان !

خداوندا ! از من پذیرا باش؛ یادم را بلند و رتبه ام را والا گردان؛ بار گناهم را فرو ریز؛ گناهم را به یادم نینداز؛ پاداش نشستن و سخن گفتن و نیایشم را رضای خود و بهشت قرار بده؛ و همه آنچه را از تو خواستم و بیش از آن را پروردگارا از احسان خویش عطایم کن ! من مشتاق تو هستم ، ای پروردگار جهانیان !

خداوندا ! در کتاب خویش ، چنین نازل کرده ای که : از آن که بر ما ستم کرد ، درگذریم. ما به خود ، ستم کرده ایم. پس ، از ما درگذر ، که تو بر این گذشت ، سزاوارتر از مایی؛ و ما را فرمان داده ای که نیازمندی را از درِ خود نرانیم. اینک من ، نیازمندانه ، به درگاهت آمده ام. مرا جز با برآوردن حاجتم ، بر نگردان؛ و ما را به احسان به بردگانمان دستور داده ای. ما بردگان توییم. پس ، ما را از آتش دوزخ برهان !

ای پناهگاه من در هنگام رنج و بلایم ! ای فریادرس من در هنگام گرفتاری ام ! به درگاه تو نالیدم و به آستان تو پناه آوردم و جز به درگاهت به دیگری پناه نمی برم و جز از تو ، گشایش نمی طلبم. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و پناهم ده و گرفتاری ام را بزدای !

ای آن که اندک را می پذیری و از گناهِ بسیار درمی گذری ! اندکم را بپذیر و گناهِ فراوانم را ببخشای ! همانا تو مهربان و آمرزنده ای.

خداوندا ! از تو ایمانی می خواهم که دلم را همدم آن سازی و یقینی که بدانم جز آنچه برایم مقدّر کرده ای ، به من نخواهد رسید. مرا از زندگی به آنچه برایم سهم نهاده ای ، خرسند ساز ، ای مهربان ترینِ مهربانان !» .

.

1- .اشاره است به آیه 29 سوره نساء .
2- .اشاره است به آیه 32 سوره نساء.

ص: 392

. .

ص: 393

. .

ص: 394

. .

ص: 395

. .

ص: 396

..

ص: 397

. .

ص: 398

. .

ص: 399

. .

ص: 400

. .

ص: 401

. .

ص: 402

. .

. .

ص: 404

. .

ص: 405

. .

ص: 406

. .

ص: 407

. .

. .

ص: 409

. .

ص: 410

. .

ص: 411

..

ص: 412

. .

ص: 413

. .

ص: 414

. .

ص: 415

. .

ص: 416

. .

ص: 417

..

ص: 418

. .

. .

ص: 420

. .

ص: 421

..

ج دُعاءُ إدريسَ عليه السلام860.امام صادق عليه السلام :مصباح المتهجّد ويَدعو أيضا فِى السَّحَرِ بِدُعاءِ إدريسَ عليه السلام (1) :

سُبحانَکَ لا إلهَ إلاّ أنتَ يا رَبَّ کُلِّ شَىءٍ ووارِثَهُ ، يا إلهَ الآلِهَهِ الرَّفيعَ فى جَلالِهِ ، يا أللّهُ المَحمودُ فى کُلِّ فِعالِهِ ، يا رَحمانَ کُلِّ شَىءٍ وراحِمَهُ ، يا حَىُّ حينَ لا حَىَ فى دَيمومَهِ مُلکِهِ وبَقائِهِ ، يا قَيّومُ فَلا يَفوتُ شَيئا عِلمُهُ ولا يَؤودُهُ ، يا واحِدُ الباقى أوَّلَ کُلِّ شَىءٍ وآخِرَهُ ، يا دائِمُ بِغَيرِ فَناءٍ ولا زَوالٍ لِمُلکِهِ ، يا صَمَدا مِن غَيرِ شَبَهٍ ولا شَىءَ کَمِثلِهِ ، يا بارُّ ولا شَىءَ کُفوُهُ ولا مُدانِىَ لِوَصفِهِ ، يا کَبيرُ أنتَ الَّذى لا تَهتَدِى القُلوبُ لِعَظَمَتِهِ ، يا بارِئُ المُنشِئُ بِلا مِثالٍ خَلا مِن غَيرِهِ ، يا زاکِى الطّاهِرُ مِن کُلِّ آفَهٍ بِقُدسِهِ ، يا کافِى الموسِعُ لِما خَلَقَ مِن عَطايا فَضلِهِ ، يا نَقِىُ مِن کُلِّ جَورٍ لَم يَرضَهُ ولَم يُخالِطهُ فِعالُهُ ، يا حَنّانُ الَّذى وَسِعَت کُلَّ شَىءٍ رَحمَتُهُ ، يا مَنّانُ ذَا الإحسانِ قَد عَمَّ الخَلائِقَ مَنُّهُ ، يا دَيّانَ العِبادِ فَکُلُّ يَقومُ خاضِعا لِرَهبَتِهِ ، يا خالِقَ مَن فِى السَّماواتِ وَالأَرَضينَ وکُلٌّ إلَيهِ مَعادُهُ ، يا رَحمانَ کُلِّ صَريخٍ ومَکروبٍ وغِياثَهُ ومَعاذَهُ ، يا بارُّ فَلا تَصِفُ الأَلسُنُ کُنهَ جَلالِ مُلکِهِ وعِزِّهِ ، يا مُبدِئَ البَرايا لَم يَبغِ فى إنشائِها أعوانا مِن خَلقِهِ ، يا عَلاّمَ الغُيوبِ فَلا يَؤودُهُ مِن شَىءٍ حِفظُهُ ، يا مُعيدا ما أفناهُ (2) إذا بَرَزَ الخَلائِقُ لِدَعوَتِهِ مِن مَخافَتِهِ ، يا حَليمُ ذَا الأناهِ فَلا شَىءَ يَعدِلُهُ مِن خَلقِهِ ، يا مَحمودَ الفِعالِ ذَا المَنِّ عَلى جَميعِ خَلقِهِ بِلُطفِهِ ، يا عَزيزُ المَنيعُ الغالِبُ عَلى أمرِهِ ولا شَىءَ يَعدِلُهُ ، يا قاهِرُ ذَا البَطشِ الشَّديدِ أنتَ الَّذى لا يُطاقُ انتِقامُهُ ، يا مُتَعالِى القَريبُ فى عُلُوِّ ارتِفاعِ دُنُوِّهِ ، يا جَبّارُ المُذَلِّلُ کُلَّ شَىءٍ بِقَهرِ عَزيزِ سُلطانِهِ ، يا نورَ کُلِّ شَىءٍ أنتَ الَّذى فَلَقَ الظُّلُماتِ نورُهُ ، يا قُدّوسُ الطّاهِرُ مِن کُلِّ سوءٍ ولا شَىءَ يَعدِلُهُ ، يا قَريبُ المُجيبُ المُتَدانى دونَ کُلِّ شَىءٍ قُربُهُ ، يا عالِى الشّامِخُ فِى السَّماءِ فَوقَ کُلِّ شَىءٍ عُلُوُّ ارتِفاعِهِ ، يا بَديعَ البَدائِعِ ومُعيدَها بَعدَ فَنائِها بِقُدرَتِهِ ، يا جَليلُ المُتَکَبِّرُ عَلى کُلِّ شَىءٍ فَالعَدلُ أمرُهُ وَالصِّدقُ وَعدُهُ ، يا مَجيدُ فَلا يَبلُغُ الأَوهامُ کُلَّ شَأنِهِ ومَجدِهِ ، يا کَريمَ العَفوِ ذَا العَدلِ أنتَ الَّذى مَلَأَ کُلَّ شَىءٍ عَدلُهُ ، يا عَظيمُ ذَا الثَّناءِ الفاخِرِ وَالعِزِّ وَالکِبرِياءِ فَلا يَذِلُّ عِزُّهُ ، يا عَجيبُ فَلا تَنطِقُ الأَلسُنُ بِکُلِّ آلائِهِ وثَنائِهِ .

أسأَلُکَ يا مُعتَمَدى عِندَ کُلِّ کُربَهٍ وغِياثى عِندَ کُلِّ شِدَّهٍ بِهذِهِ الأَسماءِ أمانا مِن عُقوباتِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، (و) أسأَلُکَ أن تَصرِفَ عَنّى بِهِنَّ کُلَّ سوءٍ ومَخوفٍ ومَحذورٍ ، وتَصرِفَ عَنّى أبصارَ الظَّلَمَهِ المُريدينَ بِىَ السّوءَ الَّذى نَهَيتَ عَنهُ مِن شَرِّ ما يُضمِرونَ إلى خَيرِ ما لا يَملِکونَ ولا يَملِکُهُ غَيرُکَ يا کَريمُ .

اللّهُمَّ لا تَكِلنى إلى نَفسى فَأعجِزَ عَنها ، ولا إلَى النّاسِ فَيَظفَروا بى (3) ، ولا تُخَيِّبنى وأنَا أرجوكَ ولا تُعَذِّبنى وأنَا أدعوكَ ، اللّهُمَّ إنّى أدعوكَ كَما أمَرتَنى فَأجِبنى كَما وَعَدتَنى . اللّهُمَّ اجعَل خَيرَ عُمُرى ما وَلِىَ أجَلى ، اللّهُمَّ لا تُغَيِّر جَسَدى ولا تُرسِل حَظّى ولا تَسُؤ صَديقى . أعوذُ بِكَ مِن سُقمٍ مُضرِعٍ وفَقرٍ مُدقِعٍ ومِنَ الذُّلِّ وبِئسَ الخِلُّ . اللّهُمَّ سَلِّ قَلبى عَن كُلِّ شَىءٍ لا أتَزَوَّدُهُ إلَيكَ ، ولا أنتَفِعُ بِهِ يَومَ ألقاكَ مِن حَلالٍ أو حَرامٍ ، ثُمَّ أعطِنى قُوَّةً عَلَيهِ وعِزّا وقَناعَةً ومَقتا لَهُ ورِضاكَ فيهِ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ .

اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ عَلى عَطاياكَ الجَزيلَهِ ، ولَكَ الحَمدُ عَلى مِنَنِكَ المُتَواتِرَهِ الَّتى بِها دافَعتَ عَنّى مَكارِهَ الاُمورِ ، وبِها آتَيتَنى مَواهِبَ السُّرورِ مَعَ تَمادِيَ فِى الغَفلَهِ وما بَقِيَ فِىَّ مِنَ القَسوَهِ ، فَلَم يَمنَعكَ ذلِكَ مِن فِعلى أن عَفَوتَ عَنّى وسَتَرتَ ذلِكَ عَلَىَ وسَوَّغتَنى ما فى يَدى مِن نِعَمِكَ ، وتابَعتَ عَلَىَ إحسانَكَ ، وصَفَحتَ لى عَن قَبيحِ ما أفضَيتُ بِهِ إلَيكَ ، وانتَهَكتُهُ مِن مَعاصيكَ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِكُلِّ اسمٍ هُوَ لَكَ يَحِقُّ عَلَيكَ فيهِ إجابَهُ الدُّعاءِ إذا دُعيتَ بِهِ وأسأَلُكَ بِكُلِّ ذى حَقٍّ عَلَيكَ وبِحَقِّكَ عَلى جَميعِ مَن هُوَ دونَكَ ، أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ وعَلى آلِهِ ، ومَن أرادَنى بِسوءٍ فَخُذ بِسَمعِهِ وبَصَرِهِ ومِن بَينِ يَدَيهِ ومِن خَلفِهِ وعَن يَمينِهِ وعَن شِمالِهِ ، وَامنَعهُ مِنّى بِحَولِكَ وقُوَّتِكَ،يا مَن لَيسَ مَعَهُ رَبٌّ يُدعى ، ويا مَن لَيسَ فَوقَهُ خالِقٌ يُخشى ، ويا مَن لَيسَ دونَهُ إلهٌ يُتَّقى ، ويا مَن لَيسَ لَهُ وَزيرٌ يُؤتى ، ويا مَن لَيسَ لَهُ حاجِبٌ يُرشى ، ويا مَن لَيسَ لَهُ بَوّابٌ يُنادى ، ويا مَن لا يَزدادُ عَلى كَثرَهِ العَطاءِ إلاّ كَرَما وجودا وعَلى تَتابُعِ الذُّنوبِ إلاّ مَغفِرَهً وعَفوا صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ وَافعَل بى ما أنتَ أهلُهُ إنَّكَ أهلُ التَّقوى وأهلُ المَغفِرَهِ . (4) .

1- .وزاد فى الإقبال : «ورأيت فى إسناد هذا الدعاء أنّه الّذى رفعه اللّه جلّ جلاله به إليه ، وأنّه من أفضل الدعاء» ؛ وفى المصباح للكفعمى : «ثمّ ادعُ بدعاء إدريس عليه السلام وهو أربعون اسماً عدد أيّام التوبه» .
2- .فى المصدر : «إذا أفنى» ، والتصويب من الإقبال وبحار الأنوار ، وفى المصباح للكفعمى : «لما أفناه» .
3- .فى الإقبال : «فيرفضونى» بدل «فيظفروا بى» .
4- .مصباح المتهجّد : 601 / 693 ، الإقبال : 1 / 180 ، المصباح للكفعمى : 800 ، البلدالأمين : 216 ، بحار الأنوار : 98 / 98 / 2 .

ج دعای ادریس علیه السلام862.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مصباح المتهجّد:نیز در سحر ، دعای ادریس علیه السلام (1) را بخواند :

«پاک و منزّهی تو . معبودی جز تو نیست . ای پروردگار و وارث هر چیز! ای خدای همه معبودها که در شُکوهت ، والایی! ای خداوندی که در همه کارهایت ستوده ای! ای بخشنده و بخشایشگر هر چیز! ای زنده ، از آن زمان که زنده ای نبود ، در ماندگاریِ فرمان روایی! ای برپای استواری که چیزی از علم تو بیرون نمی مانَد و بر آن سنگینی نمی کند! ای یگانه باقی ، در آغاز و انجام هر چیز! ای ماندگارِ بی فنا که مُلک تو ، بی زوال است! ای بی نیاز بی همتا که چیزی همانند تو نیست! ای نیکوکردار بی همانند که کسی هم وصفِ او نیست! ای بزرگ! تو آنی که دل ها به درک عظمتت راه نمی یابند.

ای آفریدگار ، که بی نمونه گیری از دیگری ، پدیدآورنده است! ای منزّه پاک ، که با قداست خود ، از هر آفتی مبرّاست! ای کفایت کننده ای که از بخشش های احسان خود ، روزیِ مخلوقاتش را وسعت می بخشد! ای پاک از هر ستمی که خود ، آن را نپسندیده و با کارهایش در نیامیخته است! ای مهربانی که رحمتش هر چیز را فرا گرفته است! ای عطابخشِ صاحب احسان که نیکیِ خود را بر همه بندگانش گسترده است! ای جزادهنده بندگان که همه در برابرِ عظمتش خاکسارند! ای آفریدگار هر که در آسمان ها و زمین هاست و بازگشت همه به سوی اوست! ای رحم آورنده و پشت و پناه هر فریادگر و گرفتار! ای نیکوکرداری که هیچ زبانی را یارای وصف کُنه شُکوه فرمان روایی و عزّتش نیست! ای پدیدآورنده موجودات ، که در آفرینش آنها در پی یاورانی از خلقش نبوده است! ای بسیار غیب دان ، که حفظ هیچ چیزی او را خسته نمی سازد! ای بازآفریننده آنچه نابودش ساخته است ، آن روز که همه آفریده ها از مهابت او در پاسخ دعوتش فراز آیند! ای بردبار شکیبا ، که هیچ چیزی از آفریدگانش ، همتای او نیست! ای ستوده کردار صاحب نعمت بر همه مخلوقاتش از روی لطفش! ای قدرتمند بلندمرتبه چیره بر کارش ، که هیچ چیزی با او برابر نیست! ای پُرتوان نیرومند! تویی آن که کسی را تاب انتقامت نیست.

ای بزرگْ مرتبه نزدیک که نزدیکی اش درجه ای والا دارد! ای صاحب قدرتی که با قدرت حکومت شکست ناپذیرش ، هر چیز را در هم می شکند! ای فروغ هر چیز! تویی آن که فروغش ظلمت ها را دریده است.

ای منزّه پاک از هر بدی ، که چیزی همتای او نیست! ای نزدیک اجابت کننده نزدیک شونده ، که قرب او نزدیک تر از هر چیز است! ای والای بلندمرتبه در آسمان ، که والاییِ رفعتش برتر از هر چیز است! ای آفریننده و بازآفریننده هر چیز پس از فنایش با قدرت خود! ای سرفرازِ والاتر از هر چیز ، که فرمانش عدالت ، و وعده اش راست است! ای شوکتمندی که اندیشه ها ، به همه شأن و شُکوه او نمی رسند! ای نیکوبخشایشِ صاحب عدالت! تویی آن که عدالتش هر چیز را آکنده است.

ای بزرگِ صاحب ستایشِ والا و عزّت و بزرگی ، که عزّتش در هم نمی شکند! ای شگفت ، که زبان ها گویای همه نعمت ها و ستایش او نیستند! ای تکیه گاهم در هر گرفتاری ، و پناهم در هر سختی! به حقّ این نام ها ، ایمنی از کیفرهای دنیا و آخرت را از تو می خواهم و به برکت این نام ها از تو می طلبم که هر بدی و بیمناکی و خطری را از من دور گردانی و چشم های ستمگرانی را که قصد سوء به من دارند و تو از آن نهی کرده ای ، از من دور سازی و اندیشه های بد و پنهانیِ آنان را به خیری که نه آنان و نه جز تو ، مالک آن است ، بگردانی ، ای بزرگوار!

خداوندا! مرا به خودم وا مگذار که در نتیجه از او ناتوان گردم (2) و نه به مردم وا گذار که بر من چیره شوند ، و مرا ناکام مگردان ، که به تو امیدوارم ، و عذابم مکن ، که تو را می خوانم!

خداوندا! آن گونه که فرمانم داده ای ، می خوانمت. پس ، آن گونه که وعده ام داده ای ، پاسخم ده!

خداوندا! بهترین قِسمت عمرم را آن قسمتی قرار بده که نزدیک اَجَلم باشد!

خداوندا! بدنم را دگرگون مساز؛ بهره ام را وا مگذار؛ دوستم را بد مکن! به تو پناه می برم از: بیماریِ خوارکننده و فقری که خاک نشین سازد و از : خواری و همنشین بد.

خداوندا! دلم را از هر چه ره توشه ام به سوی تو نیست و از هر حلال و حرامی که در روز دیدار تو سودم نمی بخشد ، رها ساز و مرا بر آن توانا

گردان و نسبت به آن ، عزّت و قناعتم بخش و در نظرم نکوهیده دار و خشنودی ات را در آن ، روزی ام گردان ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

خداوندا ! تو را سپاس بر بخشش های فراوانت؛ تو را سپاس بر نعمت های پیاپی ات که ناخوشایندیِ کارها را با آنها از من دور کردی و موهبت های شادی آفرین را با آنها به من دادی ، با این که پیوسته در غفلت و برخوردار از قساوت بودم؛ ولی این گونه کارهایم مانع نشد که مرا ببخشایی و بر من خطاپوشی کنی و نعمت هایت را در دستانم قرار دهی و احسانت را بر من ادامه دهی و از کارهای زشتی که در حضورت انجام داده ام و با نافرمانی ات حریمت را شکسته ام ، درگذری.

خداوندا ! تو را به هر اسمی که داری ، همان که اگر با آن بخوانندت ، سزاوار است که دعا را اجابت کنی ، می خوانمت ، و تو را به حقّ هر که بر تو حقّی دارد و به حقّی که تو بر هر کس جز خویش داری ، می خوانمت که بر بنده و فرستاده ات محمّد و خاندانش درود فرستی و هر کس به من قصد بدی داشت ، گوش و چشمش را و از پیش او و پشت سر و راست و چپش او را بگیری و با توان و قدرتت او را [از آسیب رسانی] باز داری.

ای که با او پروردگاری نیست که بخوانندش ! ای که فراتر از او آفریدگاری نیست که از او بترسند ! ای که فروتر از او معبودی نیست که از او پروا کنند ! ای که وزیری ندارد تا به سراغش بروند ! ای که واسطه ای ندارد تا رشوه اش دهند ! ای که دربانی ندارد که صدایش کنند ! ای که با عطای بسیار ، جز بر کَرَم و جودش نیفزاید و بر گناهان پیوسته ، جز آمرزش و گذشتش ، افزون نگردد ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و با من ، آن کن که تو شایسته آنی ! همانا تو سزاوار تقوا و شایسته آمرزشی».

.

1- .در الإقبال نیز افزوده است: «در سند این دعا دیدم که این ، همان دعایی است که خداوند ، او را به سبب آن نزد خویش بالا برد و از بهترین دعاهاست». در المصباح کفعمی آمده است: «سپس دعای ادریس علیه السلام را بخوان ، که چهل نام (به تعداد روزهای توبه) است».
2- .سیّد ابن طاووس در پایان این دعا نوشته است : در این دعا آمده است «لا تکلنی إلی نفسی فاعجز عنها؛ مرا به خود وا مگذار که در نتیجه از آن ناتوان شوم . در حالی ظاهرا باید چنین باشد : «ولا تکلنی إلی نفسی

فتعجز عنّی؛ مرا به نفسم وا مگذار که در نتیجه از من ناتوان شود» . امّا متن را چنین یافتیم .

ص: 424

. .

ص: 425

. .

ص: 426

. .

ص: 427

. .

د دُعاءُ «يا عُدَّتى فى كُربَتى»مصباح المتهجّد :ويَدعو أيضا فِى السَّحَرِ بِهذَا الدُّعاءِ : يا عُدَّتى فى كُربَتى ، ويا صاحِبى فى شِدَّتى ، ويا وَلِيِّى فى نِعمَتى ، ويا غايَتى فى رَغبَتى ، أنتَ السّاتِرُ عَورَتى وَالمُؤمِنُ رَوعَتى وَالمُقيلُ عَثرَتى ، فَاغفِر لى خَطيئَتى . اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خُشوعَ الإيمانِ قَبلَ خُشوعِ الذُّلِّ فِى النّارِ ، يا واحِدُ يا أحَدُ يا صَمَدُ يا مَن لَم يَلِد ولَم يولَد ولَم يَکُن لَهُ کُفُوا أحَدٌ ، يا مَن يُعطى مَن سَأَلَهُ تَحَنُّنا مِنهُ ورَحمَةً ، ويَبتَدِئُ بِالخَيرِ مَن لَم يَسأَلهُ تَفَضُّلاً مِنهُ وکَرَما ، بِکَرَمِکَ الدّائِمِ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ ، وهَب لى رَحمَةً واسِعَةً جامِعَةً أبلُغُ بِها خَيرَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . اللّهُمَّ إنّى أستَغفِرُکَ لِما ثُبتُ إلَيکَ مِنهُ ثُمَّ عُدتُ فيهِ ، وأستَغفِرُکَ لِکُلِّ خَيرٍ أرَدتُ بِهِ وَجهَکَ فَخالَطَنى فيهِ ما لَيسَ لَکَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاعفُ عَن ظُلمى وجُرمى بِحِلمِکَ وجودِکَ يا کَريمُ ، يا مَن لا يَخيبُ سائِلُهُ ولا يَنفَدُ نائِلُهُ ، يا مَن عَلا فَلا شَىءَ فَوقَهُ ودَنا فَلا شَىءَ دونَهُ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَارحَمنى يا فالِقَ البَحرِ لِموسى ، اللَّيلَةَ اللَّيلَةَ اللَّيلَةَ ، السّاعَةَ السّاعَةَ السّاعَةَ . اللّهُمَّ طَهِّر قَلبى مِنَ النِّفاقِ ، وعَمَلى مِنَ الرِّياءِ ، ولِسانى مِنَ الکَذِبِ ، وعَينى مِنَ الخِيانَهِ فَإنَّکَ تَعلَمُ خائِنَةَ الأعيُنِ وما تُخفِى الصُّدورِ . يا رَبِّ هذا مَقامُ العائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ ، هذا مَقامُ المُستَجيرِ بِکَ مِنَ النّارِ ، هذا مَقامُ المُستَغيثِ بِکَ مِنَ النّارِ ، هذا مَقامُ الهارِبِ إلَيکَ مِنَ النّارِ ، هذا مَقامُ مَن يَبوءُ لَکَ بِخَطيئَتِهِ ويَعتَرِفُ بِذَنبِهِ ويَتوبُ إلى رَبِّهِ ، هذا مَقامُ البائِسِ الفَقيرِ ، هذا مَقامُ الخائِفِ المُستَجيرِ ، هذا مَقامُ المَحزونِ المَکروبِ ، هذا مَقامُ المَحزونِ المَغمومِ المَهمومِ ، هذا مَقامُ الغَريبِ الغَريقِ ، هذا مَقامُ المُستَوحِشِ الفَرِقِ ، هذا مَقامُ مَن لا يَجِدُ لِذَنبِهِ غافِرا غَيرَکَ ولا لِضَعفِهِ مُقَوِّيا إلاّ أنتَ ، ولا لِهَمِّهِ مُفَرِّجا سِواکَ . يا أللّهُ يا کَريمُ ، لا تُحرِق وَجهى بِالنّارِ بَعدَ سُجودى لَکَ وتَعفيرى بِغَيرِ مَنٍّ مِنّى عَلَيکَ ، بَل لَکَ الحَمدُ وَالمَنُّ وَالتَّفَضُّلُ عَلَىَ . اِرحَم أى رَبِّ أى رَبِّ أى رَبِّ حَتّى يَنقَطِعَ النَّفَسُ ضَعفى وقِلَّهَ حيلَتى ورِقَّهَ جِلدى وتَبَدُّدَ أوصالى وتَناثُرَ لَحمى وجِسمى وجَسَدى ووَحدَتى ووَحشَتى فى قَبرى وجَزَعى مِن صَغيرِ البَلاءِ . أسأَلُکَ يا رَبِّ قُرَّهَ العَينِ وَالاِغتِباطَ يَومَ الحَسرَهِ وَالنَّدامَهِ ، بَيِّض وَجهى يا رَبِّ يَومَ تَسوَدُّ فيهِ الوُجوهُ ، آمِنّى مِنَ الفَزَعِ الأکبَرِ ، أسأَلُکَ البُشرى يَومَ تُقَلَّبُ فيهِ القُلوبُ وَالأبصارُ ، وَالبُشرى عِندَ فِراقِ الدُّنيا . الحَمدُ للّهِ الَّذى أرجوهُ عَونا فى حَياتى ، واُعِدُّهُ ذُخرا لِيَومِ فاقَتى ، الحَمدُ للّهِ الَّذى أدعوهُ (و) لا أدعو غَيرَهُ ولَو دَعَوتُ غَيرَهُ لَخَيَّبَ دُعائى . الحَمدُ للّهِ الَّذى أرجوهُ ولا أرجو غَيرَهُ ولَو رَجَوتُ غَيرَهُ لَأخلَفَ رَجائى ، الحَمدُ للّهِ المُنعِمِ المُحسِنِ المُجمِلِ المُفضِلِ ذِى الجَلالِ وَالإکرامِ ، وَلِىِّ کُلِّ نِعمَهٍ ، وصاحِبِ کُلِّ حَسَنَهٍ ، ومُنتَهى کُلِّ رَغبَهٍ ، وقاضِى کُلِّ حاجَهٍ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ

وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارزُقنِی الیَقینَ وحُسنَ الظّنِّ بِکَ ، وأثبِت رَجاکَ فی قَلبی ، وَاقطَع رَجائی عَمَّن سِواکَ حَتّی لا أرجُوَ غَیرَکَ ولا أَثِقَ إلاّ بِکَ . یا لَطیفا لِما یَشاءُ ، الطُف لی فی جَمیعِ أحوالی بِما تُحِبُّ وتَرضی . یا رَبِّ إنّی ضَعیفٌ عَلَی النّارِ فَلا تُعَذِّبنی بِالنّارِ . یا رَبِّ ارحَم دُعائی وتَضَرُّعی وخَوفی وذُلّی ومَسکَنَتیوتَعویذی وتَلویذی . یا رَبِّ إنّی ضَعیفٌ عَن طَلَبِ الدُّنیا وأنتَ واسِعٌ کَریمٌ ، أسألُکَ یا رَبِّ بِقُوَّتِکَ عَلی ذلِکَ وقُدرَتِکَ عَلَیهِ وغِناکَ عَنهُ وحاجَتی إلَیهِ ، أن تَرزُقَنی فی عامی هذا وشَهری ویَومی هذا وساعَتی هذِهِ رِزقا تُغنینی بِهِ عَن تَکَلُّفِ ما فی أیدِی النّاسِ ؛ مِن رِزقِکَ الحَلالِ الطَّیِّبِ . أی رَبِّ ، مِنکَ أطلُبُ وإلَیکَ أرغَبُ وإیّاکَ أرجو وأنتَ أهلُ ذلِکَ ، لَا أرجو غَیرَکَ ولا أثِقُ إلاّ بِکَ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ . أی رَبِّ ، ظَلَمتُ نَفسی فَاغفِر لی وَارحَمنی وعافِنی ، یا سامِعَ کُلِّ صَوتٍ ، ویا جامِعَ کُلِّ فَوتٍ ، ویا بارِئَ النُّفوسِ بَعدَ المَوتِ،یا مَن لا تَغشاهُ الظُّلُماتُ ولا تَشتَبِهُ عَلَیهِ الأصواتُ ، ولا یَشغَلُهُ شَیءٌ عَن شَیءٍ أعطِ مُحَمَّدا صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وآلِهِ أفضَلَ ما سَأَلَکَ وأفضَلَ ما سَألَتَ لَهُ وأفضَلَ ما أنتَ مَسؤولٌ لَهُ إلی یَومِ القِیامَهِ، وهَب لِیَ العافِیَهَ حَتّی تُهَنِّئَنِی المَعیشَهَ ، وَاختِم لی بِخَیرٍ حَتّی لا تَضُرَّنِیَ الذُّنوبُ . اللّهُمَّ رَضِّنی بِما قَسَمتَ لی حَتّی لا أسأَلَ أحَدا شَیئا ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَافتَح لی خَزائِنَ رَحمَتِکَ ، وَارحَمنی رَحمَهً لا تُعَذِّبُنی بَعدَها أبَدا فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ ، وَارزُقنی مِن فَضلِکَ الواسِعِ رِزقا حَلالاً طَیِّبا لا تُفقِرُنی إلی أحَدٍ بَعدَهُ سِواکَ ، تَزیدُنی بِذلِکَ شُکرا وإلَیکَ فاقَهً وفَقرا وبِکَ عَمَّن سِواکَ غِنیً وتَعَفُّفا ، یا مُحسِنُ یا مُجمِلُ ، یا مُنعِمُ یا مُفضِلُ ، یا مَلیکُ یا مُقتَدِرُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاکفِنِی المُهِمَّ کُلَّهُ ، وَاقضِ لی بِالحُسنی بارِک لی فی جَمیعِ اُمورِی وَاقضِ لی جَمیعَ حَوائِجی . اللّهُمَّ یَسِّر لی ما أخافُ تَعسیرَهُ فَإنَّ تَیسیرَ ما أخافُ تَعسیرَهُ عَلَیکَ یَسیرٌ ، وسَهِّل لی ما أخافُ حُزونَتَهُ ، ونَفِّس عَنّی ما أخافُ ضیقَهُ ، وکُفَّ عَنّی ما أخافُ غَمَّهُ ، وَاصرِف عَنّی ما أخافُ بَلِیَّتَهُ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ . اللّهُمَّ املَأ قَلبی حُبّا لَکَ وخَشیَهً مِنکَ ، وتَصدیقا (1) وإیمانا بِکَ وفَرَقا مِنکَ وشَوقا إلَیکَ ، یا ذَا الجَلالِ وَالإکرامِ . اللّهُمَّ إنَّ لَکَ حُقوقا فَتَصَدَّق بِها عَلَیَّ ، ولِلنّاسِ قِبَلی تَبِعاتٌ فَتَحَمَّلَها عَنّی ، وقَد أوجَبتَ لِکُلِّ ضَیفٍ قِریً وأنا ضَیفُکَ فَاجعَل قِرایَ اللَّیلَهَ الجَنَّهَ ، یا وَهّابَ الجَنَّهِ ، یا وَهّابَ المَغفِرَهِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلاّ بِکَ . (2)

.

1- .فی الإقبال : «وتصدیقا بکتابک» .
2- .مصباح المتهجّد : 598 / 692 ، الإقبال : 1 / 177 ، المصباح للکفعمی : 797 ، البلد الأمین : 214 ، بحار الأنوار : 98 / 95 / 2 .

د دعای «یا عُدَّتی فی کُرْبَتی»

د دعای «یا عُدَّتی فی کُرْبَتی»مصباح المتهجّد:نیز در سحر ، این دعا را بخواند: «ای پشتوانه من در پریشانی ام ! ای همراه من در سختی ام ! ای سرپرست من در برخورداری ام ! ای منتهای اشتیاقم ! تویی پوشاننده عیبم و ایمنی بخش هراسم و درگذرنده از خطایم. پس ، گناهم را بیامرز ! خداوندا ! از تو فروتنیِ ایمان را پیش از خواری و ذلّت آتش ، می طلبم. ای یگانه ! ای یکتا ! ای بی نیاز ! ای آن که نزاده است و زاده کسی نیست و هیچ همتایی ندارد ! ای آن که از روی مهربانی و رحمت خویش ، به هر که از او بخواهد ، عطا می کند و از روی فضل و بزرگواری ، هر که را هم که از او درخواست نکند ، بی تقاضا عطایش می کند ! به حقّ کَرَم دائمت ، بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا رحمتی گسترده و فراگیر ببخش که با آن به خیر دنیا و آخرت برسم ! خداوندا ! از تو به خاطر گناهی که از آن به درگاهت توبه کردم ، ولی باز انجامش دادم ، آمرزش می طلبم و از تو به خاطر هر نیکی که خواستم خالصانه انجامش دهم ، ولی نیّت های غیر خدایی به آن آمیخت ، آمرزش می خواهم. خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ای بزرگوار به خاطر بردباری و بخششت ، از ستم و جرمم درگذر ! ای آن که خواهانش ناکام نشود و برخوردار از نعمتش ، بی بهره نماند ! ای آن که برتری یافت؛ پس ، چیزی برتر از او نیست ! ای آن که نزدیک شد؛ پس ، چیزی نزدیک تر از او نیست ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بر من رحمت آور ای شکافنده دریا برای موسی همین امشب ، همین امشب ، همین امشب ، همین ساعت ، همین ساعت ، همین ساعت ! خداوندا ! دلم را از نفاق ، پاک گردان و عملم را از ریا ، و زبانم را از دروغ ، و چشمم را از خیانت ، پاکیزه دار ، که تو چشم های خیانتکار و آنچه را در سینه ها نهان است ، می دانی ! پروردگارا ! این ، جایگاه کسی است که از دوزخ ، به تو پناه می آورد. این ، جایگاه کسی است که از آتش ، به تو پناهنده می شود . این ، جایگاه کسی است که از آتش ، از درگاه تو یاری می جوید. این ، جایگاه کسی است که از آتش ، به درگاه تو می گریزد. این ، جایگاه کسی است که از خطایش ، به آستان تو روی می آورد و به گناهش اعتراف دارد و به سوی پروردگارش توبه می کند. این ، جایگاه پریشانِ نیازمند است. این ، جایگاه ترسان پناهجوست. این ، جایگاه غمگین گرفتار است. این ، جایگاه اندوهگین غمناک پریشان خاطر است. این ، جایگاه بی کس غرق گشته است. این ، جایگاه وحشت

زده هراسان است. این ، جایگاه کسی است که برای گناهش آمرزنده ، و برای ناتوانی اش توانبخش ، و برای اندوهش غم زدایی جز تو نمی یابد. ای خدا ، ای بزرگوار! چهره ام را به آتش مسوزان ، پس از آن که بدون منّتی از من بر تو ، در پیشگاهت سجده کرده و به خاک افتاده ام؛ بلکه تو را بر من حقّ سپاس و منّت و احسان است. رحم کن ای پروردگار ، ای پروردگار ، ای پروردگار! » بگوید تا آن که نَفَس قطع شود «ناتوانی و بیچارگی ام را ، نازکی پوست و از هم گسستن رگ هایم را ، فروپاشی گوشت و بدن و جسمم را ، تنهایی و وحشتم را در گورم ، و بی تابی ام را از بلای کوچک! پروردگارا! از درگاهت، در روز حسرت و پشیمانی، فروغ دیده و شادمانی می طلبم. پروردگارا! آن روز که چهره ها سیاه می شود ، روسفیدم گردان و در روز هراس بزرگ ، ایمنم ساز! از تو ، آن روز که دل ها و دیده ها هراسان و نگران می شوند و هنگام جدایی از دنیا ، بشارت می طلبم. سپاس ، خدایی را که در زندگی ام به یاری او امیدوارم و برای روز نیازم ، ذخیره اش می شمارم. سپاس ، خدایی را که تنها او را می خوانم و دیگری را نمی خوانم و اگر دیگری را بخوانم ، دعایم را ناکام می گذارد. سپاس ، خدایی را که به او امید دارم و جز به او امیدم نیست و اگر به غیر او امیدوار شوم ، ناامیدم می کند. سپاس ، خدایی را که نعمت بخش و نیکوکار و اهل احسان و نیکی و دارای شُکوه و بزرگواری است و صاحب هر نعمت و حسنه ای است و نهایت هر اشتیاق و برآورنده هر نیاز است. خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا یقین و خوش باوری به خودت روزی گردان؛ امیدت را در دلم استوار دار ؛ امیدم را از جز خودت ببُر تا به غیر خودت امید نبندم و جز به تو اطمینان نکنم! ای صاحب لطف ، به هر چه خواهی! در همه حالاتم ، آن گونه که دوست داری و می پسندی ، به من لطف کن! پروردگارا! بر آتش دوزخ ، ناتوانم. پس به آتش ، عذابم مکن! پروردگارا! بر دعا و نالیدنم ، بر بیم و خواری و نیازمندی ام ، بر پناهجویی و پناهندگی ام ، رحم کن! پروردگارا! من از دنیا طلبیدن ناتوانم. تو هم وسعت بخش و بزرگواری. پروردگارا! از تو ، که بر خواسته دنیایی ام توانایی و از آن بی نیازی و من بدان نیازمندم ، می خواهم که در همین سال و همین ماه و همین روز و همین ساعت ، از روزیِ حلال و پاک خود ، چنان روزی ام دهی که از زحمت دستیابی به آنچه در دست مردم است ، بی نیازم گردانی. پروردگارا! از تو می خواهم و به تو مشتاقم و از تو امید دارم و تو شایسته آنی. به غیر تو امید ندارم و جز به تو اعتماد نمی کنم ، ای مهربان ترینِ مهربانان! پروردگارا! بر خویش ستم کردم. پس ، مرا بیامرز و ترحّم کن و از من درگذر! ای شنوای هر صدا! ای گردآورنده هر از دست رفته! ای بازآفریننده آدمیان ، پس از مرگ! ای آن که نه تاریکی ، او را فرا می گیرد و نه صداها بر او اشتباه می شود و نه چیزی او

را از چیزی غافل می سازد! به محمّد که درود خدا بر او و خاندانش باد بهترین چیزی را که از تو خواسته و برترین چیزی را که تو برایش خواسته ای و برترین چیزی که تا روز قیامت برای او از تو می خواهند ، عطا کن و مرا هم عافیت بخش تا زندگی ام را گوارا کند و مرا عاقبت به خیر گردان تا گناهان ، زیانم نرسانند! خداوندا! به آنچه قسمتم کردی ، راضی ام گردان تا از کسی چیزی نخواهم! خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و گنجینه های رحمتت را بر من بگشای و مرا چنان رحمتی عنایت کن که پس از آن هرگز در دنیا و آخرت ، عذابم نکنی و از احسان گسترده ات ، چنان روزیِ حلال و پاکیزه ای روزی ام گردان که پس از آن به هیچ کس جز خودت ، نیازمندم نسازی و به خاطر آن ، سپاسم را بیفزایی و نیازم را به درگاهت و بی نیازی و پرهیزم را از جز خودت ، افزون کنی! ای نیکویی کننده ، ای صاحب لطف ، ای نعمت بخش ، ای عطاکننده ، ای فرمانروا ، ای توانمند! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و همه مهمّات امورم را برآور وبه بهترین صورت برایم ادا کن و همه کارهایم را خجسته گردان و همه نیازهایم را برآور! خداوندا! آنچه را از دشواری اش می ترسم ، برایم آسان ساز؛ چرا که آسان ساختن آنچه از دشواری اش بیمناکم ، بر تو آسان است؛ و آنچه را از سختی و ناهنجاری اش می ترسم ، برایم آسان کن ؛ و آنچه را از تنگنایی اش هراس دارم ، غمش را از من بزدای ؛ و آنچه را از اندوهش نگرانم ، از من دور بدار؛ و آنچه را از گرفتاری اش ترسانم ، از من بگردان ، ای مهربان ترینِ مهربانان! خداوندا! دلم را از محبّت و خشیت خودت و از باور و ایمان به خودت و از خوف از تو و اشتیاق به خویش ، لبریز گردان ، ای صاحب شُکوه و بزرگواری! خداوندا! تو را [بر من] حقوقی است. پس ، آنها را بر من ببخش! مردم را نیز بر من حقوقی است. آنها را هم از جانب من بر عهده گیر! برای هر میهمانی ، پذیرایی ای واجب کرده ای. من هم میهمان تو ام. پس ، امشب ، پذیرایی مرا بهشت قرار بده ، ای بخشنده بهشت ، ای عطاکننده آمرزش! قدرت و نیرویی جز به تو نیست».

.

ص: 430

. .

. .

ص: 432

. .

ص: 433

. .

ه دُعاءُ «يا مَفزَعى عِندَ كُربَتى»الإقبال :دعاءٌ آخَرُ فِى السَّحرِ نُقِلَ مِن أصلٍ عتيقٍ مِن اُصولِ أصحابِنا ، أوَّلُ رِوايَتِهِ عَنِ الحَسَنِ بنِ مَحبوبٍ ، وتاريخُ كِتابَتِهِ سَنَةُ ثَلاثٍ وسَبعينَ وثَلاثِمِئَةٍ : يا مَفزَعى عِندَ كُربَتى ، ويا غَوثَى عِندَ شِدَّتى ، إلَيکَ فَزِعتُ وبِکَ استَغَثتُ وبِکَ لُذتُ ، لا ألوذُ بِسِواکَ ولا أطلُبُ الفَرَجَ إلاّ مِنکَ ، فَأَغِثنى وفَرِّج عَنّى ، يا مَن يَقبَلُ اليَسيرَ ويَعفو عَنِ الكَثيرِ ، إقبَل مِنّى اليَسيرَ وَاعفُ عَنّى الكَثيرَ إنَّکَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ . اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ إيمانا تُباشِرُ بِهِ قَلبى، ويَقينا حَتّى أعلَمَ أ نَّهُ لَن يُصيبَنى إلاّ ما كَتَبتَ لي ، ورَضِّنى مِنَ العَيشِ بِما قَسَمتَ لى يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . يا عُدَّتى فى كُربَتى ، ويا صاحِبى فى شِدَّتى ، ويا وَلِيِّى فى نِعمَتى ، ويا غايَتى فى رَغبَتى ، أنتَ السّاتِرُ عَورَتى وَالآمِنُ رَوعَتى وَالمُقيلُ عَثرَتى ، فَاغفِر لى خَطيئَتى يا أرحَمَ الرّاحِمين . (1)

.

1- .الإقبال : 1 / 183 ، بحار الأنوار : 98 / 100 / 2 .

ه دعای «یا مَفْزَعی عِندَ کُرْبتی»

ه دعای «یا مَفْزَعی عِندَ کُرْبتی»الإقبال:دعایی دیگر برای وقت سحر است که از یکی از منابع کهن اصحاب ما ، نقل شده است. اوّل روایت وی ، نام حسن بن محبوب است و تاریخ نوشتن آن ، سال 373 [ق] : «ای پناهگاه من در هنگام گرفتاری ام ! ای فریادرس من در هنگام سختی ام ! به آستان تو پناه آورده ام و تو را به فریادرسی می خوانم و به تو پناهنده شده ام. جز به تو به کسی پناه نمی برم و جز از تو ، از کسی گشایش نمی طلبم. پس به فریادم برس و گشایشم ده ! ای که طاعت اندک را می پذیری و از گناه بسیار می گذری ! اندکِ مرا بپذیر و بسیارِ مرا ببخشای ! همانا تویی آمرزنده مهربان. خداوندا ! از تو ایمانی می خواهم که با آن همیشه در دلم باشی ، و یقینی که بدانم جز آنچه برایم نوشته ای ، مرا نخواهد رسید. مرا از زندگی به آنچه قسمتم فرموده ای ، خرسند ساز ، ای مهربان ترینِ مهربانان ! ای تکیه گاه (ذخیره) من در گرفتاری ام ! ای همدم من در سختی ام ! ای سرپرست من در نعمتم ! ای نهایت آرزوی من در خواسته ام ! تویی که عیب پوش منی و ایمنی بخش هراس منی و پذیرای پوزش منی. پس ، خطایم را بیامرز ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

.

و التَّسبيحالإقبال :وقالَ فِی الکِتابِ المَذکورِ (1) : التَّسبیحُ فِی السَّحرِ : سُبحانَ مَن یَعلَمُ جَوارِحَ القُلوبِ ، سُبحانَ مَن یُحصی عَدَدَ الذُّنوبِ ، سُبحانَ مَن لا تَخفی عَلَیهِ خافِیَهٌ فِی السَّماواتِ وَالأَرَضینَ ، سُبحانَ الرَّبِّ الوَدودِ ، سُبحانَ الفَردِ الوَترِ ، سُبحانَ العَظیمِ الأَعظَمِ ، سُبحانَ مَن لا یَعتَدی عَلی أهلِ مَملَکَتِهِ ، سُبحانَ مَن لا یُؤاخِذُ أهلَ الأَرضِ بِألوانِ العَذابِ ، سُبحانَ الحَنّانِ المَنّانِ ، سُبحانَ الرَّؤوفِ الرَّحیمِ ، سُبحانَ الجَبَّارِ الجَوادِ ، سُبحانَ الحَلیمِ الکَریمِ ، سُبحانَ البَصیرِ العَلیمِ ، سُبحانَ البَصیرِ الواسِعِ ، سُبحانَ اللّهِ عَلی إقبالِ النَّهارِ ، سُبحانَ اللّهِ عَلی إدبارِ النَّهارِ ، سُبحانَ اللّهِ عَلی إدبارِ اللَّیلِ وإقبالِ النَّهارِ ، ولَهُ الحَمدُ وَالمَجدُ وَالعَظَمَهُ وَالکِبریاءُ مَعَ کُلِّ نَفَسٍ ، وکُلِّ طَرفَهِ عَینٍ وکُلِّ لَمحَهٍ سَبَقَ فی عِلمِهِ ، سُبحانَکَ مِل ءَ ما أحصی کِتابُکَ ، سُبحانَکَ زِنَهَ عَرشِکَ ، سُبحانَکَ سُبحانَکَ سُبحانَکَ . (2)

3 / 4أدعِیَهُ کُلِّ یَومٍ دُعاءُ عَلِیِّ بنِ الحُسَینِالکافی :عَن عَبدِ الرَّحمنِ بنِ بَشیرٍ عَن بَعضِ رِجالِهِ أنَّ عَلِیَ بنَ الحُسَینِ علیهماالسلامکانَ یَدعو بِهذَا الدُّعاءِ (3) فی کُلِّ یَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ : اللّهُمَّ إنَّ هذا شَهرُ رَمَضانَ ، وهذا شَهرُ الصِّیامِ ، وهذا شَهرُ الإنابَهِ، وهذا شَهرُ التَّوبَهِ، وهذا شَهرُ المَغفِرَهِ وَالرَّحمَهِ، وهذا شَهرُ العِتقِ مِنَ النّارِ وَالفَوزِ بِالجَنَّهِ، اللّهُمَّ فَسَلِّمهُ لی وتَسَلَّمهُ مِنی، وأعِنّی عَلَیهِ بِأفضَلِ عَونِکَ، ووَفِّقنی فیهِ لِطاعَتِکَ ، وفَرِّغنی فیهِ لِعِبادَتِکَ ودُعائِکَ وتِلاوَهِ کِتابِکَ ، وأعظِم لی فیهِ البَرَکَهَ وأحسِن لی فیهِ العاقِبَهَ ، وأصِحَّ لی فیهِ بَدَنی وأوسِع فیهِ رِزقی ، وَاکفِنی فیهِ ما أهَمَّنی وَاستَجِب لی فیهِ دُعائی وبَلِّغنی فیهِ رَجائی . اللّهُمَّ أذهِب عَنّی فیهِ النُّعاسَ وَالکَسَلَ وَالسَّآمَهَ وَالفَترَهَ وَالقَسوَهَ وَالغَفلَهَ وَالغِرَّهَ . اللّهُمَّ جَنِّبنی فیهِ العِلَلَ وَالأسقامَ ، وَالهُمومَ وَالأحزانَ ، وَالأعراضَ وَالأمراضَ ، وَالخَطایا وَالذُّنوبَ ، وَاصرِف عَنّی فیهِ السّوءَ وَالفَحشاءَ وَالجَهدَ وَالبَلاءَ وَالتَّعَبَ وَالعَناءَ إنَّکَ سَمیعُ الدُّعاءِ . اللّهُمَّ أعِذنی فیهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ وهَمزِهِ ولَمزِهِ ونَفثِهِ ونَفخِهِ ووَسواسِهِ وکَیدِهِ ومَکرِهِ وحِیَلِهِ وأمانِیِّهِ وخُدَعِهِ وغُرورِهِ وفِتنَتِهِ ورَجلِهِ وشَرَکِهِ وأعوانِهِ وأتباعِهِ وأخدانِهِ وأشیاعِهِ وأولِیائِهِ وشُرَکائِهِ وجَمیعِ کَیدِهِم . اللّهُمَّ ارزُقنی فیهِ تَمامَ صِیامِهِ وبُلوغَ الأَمَلِ فی قِیامِهِ ، وَاستِکمالَ ما یُرضیکَ فیهِ صَبرا وإیمانا ویَقینا وَاحتِسابا ، ثُمَّ تَقَبَّل ذلِکَ مِنّا بِالأضعافِ الکَثیرَهِ وَالأجرِ العَظیمِ . اللّهُمَّ ارزُقنی فیهِ الجِدَّ وَالاجتِهادَ وَالقُوَّهَ وَالنَّشاطَ وَالإنابَهَ وَالتَّوبَهَ وَالرَّغبَهَ وَالرَّهبَهَ وَالجَزَعَ وَالرِّقَّهَ وصِدقَ اللِّسانِ ، وَالوَجَلَ مِنکَ وَالرَّجاءَ لَکَ وَالتَّوَکُّلَ عَلَیکَ وَالثِّقَهَ بِکَ ، وَالوَرَعَ عَن مَحارِمِکَ بِصالِحِ القَولِ ومَقبولِ السَّعیِ

ومَرفوعِ العَمَلِ ومُستَجابِ الدَّعاءِ ولا تَحُل بَينى وبَينَ شَىءٍ مِن ذلِکَ بِعَرَضٍ ولا مَرَضٍ ولا هَمٍّ ولا غَمٍّ بِرَحمَتِکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . (4)

.

1- .أى : من أصل عتيق من أُصول أصحابنا .
2- .الإقبال : 1 / 184 ، بحار الأنوار : 98 / 100 / 2 .
3- .أقول : ممّا ينبغى التنبيه عليه هو أنّ هذا الدعاء قد ورد أيضا ولكن مع زيادات كثيره ومن دون إسنادٍ إلى المعصوم فى المصادر التاليه : تهذيب الأحكام : 3 / 111 ، مصباح المتهجّد : 610 / 696 ، المقنعه : 332 ، الإقبال : 1 / 202 ، المصباح للكفعمى : 817 ، البلد الأمين : 223 .
4- .الكافى : 4 / 75 / 7 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 104 / 1849 .

الف دعای امام سجّاد علیه السلام

و تسبیحالإقبال:در همان کتاب (1) آمده است: تسبیح هنگام سحر [چنین است]: «منزّه است خدایی که دستاوردهای دل ها را می داند. منزّه است آن که تعداد گناهان را بر می شمارد. منزّه است آن که هیچ پوشیده و پنهانی در آسمان ها و زمین ها بر او پنهان نیست. منزّه است پروردگار مهربان. منزّه است آن یکتای بی همتا. منزّه است آن بزرگِ بزرگ تر. منزّه است آن که به اهل مملکتش تجاوز نمی کند. منزّه است آن که زمینیان را با انواع عذاب ها تنبیه نمی کند. منزّه است آن مهرورز نعمت بخش. منزّه است آن خیرخواه مهربان. منزّه است آن شوکتمند بخشنده. منزّه است آن بُردبار بزرگوار. منزّه است آن بینای دانا . منزّه است آن بینای نعمت گستر. منزّه است خداوند ، هنگام روی آوردن روز. منزّه است خداوند ، هنگام به پایان رسیدن روز. منزّه است خداوند ، هنگام فرو رفتن شب و برآمدن روز. با هر نَفَس ، با هر چشم بر هم زدن ، با هر اشاره ای که در علم او هست ، او را ستایش و بزرگواری و عظمت و کبریایی است. منزّهی تو ، به اندازه ای که کتابت برشمرده است. منزّهی تو ، همسنگِ عرشت. منزّهی تو ، منزّهی تو ، منزّهی تو».

3 / 4دعاهای هر روزالف دعای امام سجّاد علیه السلام864.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از عبد الرحمان بن بشیر ، از برخی راویان خود :امام سجّاد علیه السلامدر هر روز از ماه رمضان ، این دعا را می خواند : 2

«خداوندا! این ، ماه رمضان است. این ، ماه روزه داری است. این ، ماه بازگشت است. این ، ماه توبه است. این ، ماه آمرزش و رحمت است. این ، ماه آزادی از آتش و رسیدن به بهشت است.

خداوندا! آن را برایم سلامت بدار و آن را از من ، سالم بگیر و مرا با بهترین یاری ات ، بر [روزه داریِ] آن ، یاری کن و به اطاعتت در آن ،

توفیقم ده و مرا برای عبادت و دعا به درگاهت و خواندن کتابت ، فارغ گردان و برکتم را در آن ، بزرگ بدار و عاقبتم را در آن ، نیکو کن و بدنم را در آن سلامت بدار و روزی ام را در آن ، وسعت بخش و آنچه اندوهگینم می سازد ، برطرف ساز و دعایم را در آن ، اجابت کن و مرا به امیدم برسان !

خداوندا ! در آن ، چُرت و کسالت و ملالت و سستی و سنگ دلی و غفلت و غرور را از من دور کن !

خداوندا ! در این ماه ، مرا از دردها و بیماری ها ، غم ها و اندوه ها ، عوارض و مرض ها و از لغزش ها و گناهان ، دور بدار و در این ماه ، بدی و زشتی و مشقّت و بلا و خستگی و رنج را از من برگردان ! همانا تو شنوای دعایی.

خداوندا ! در این ماه ، مرا از شیطان رانده شده و بدگویی و عیبجویی اش ، از نفوذ و دم و وسوسه و نیرنگ و حیله و آرزوهای شیطانی ، از فریب و غرور و فتنه و پیاده نظام شیطان ، و از شریکان و یاران و پیروان و دوستان و هواداران و هواخواهان و شریکان او و از همه کید و نیرنگ آنان ، پناه ده !

خداوندا ! در این ماه ، روزه داریِ کامل ، عبادت در نهایت آرزو ، و به کمال رساندن آنچه را خرسندت می سازد ، از روی صبر و ایمان و یقین و خلوص ، روزی ام کن. سپس آن را چندین برابر و با پاداش بزرگ ، از ما قبول فرما !

خداوندا ! در این ماه ، جدّیت و تلاش ، نیرو و نشاط ، بازگشت و توبه ، شوق و خوف ، تضرّع و رقّت ، راستگویی ، بیم از خودت ، امید و توکّل و اعتماد به خودت و پرهیز از حرام هایت را روزی ام کن ، با سخنی شایسته و تلاشی پذیرفته و عملی به سوی خدا بالارفته و دعایی اجابت شده؛ و میان من و این خواسته ها، با هیچ عارضه و بیماری و غم و اندوهی ، فاصله نینداز ، به رحمتت ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

.

1- .اشاره به کتابی است که در آغاز حدیث شماره 507 بدان اشاره شد .

ص: 438

. .

ص: 439

. .

ب تَسبيحاتُ كُلِّ يَومٍ866.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال :ومِنَ العَمَلِ فى كُلِّ يَومٍ مِن شَهرِ رَمضانَ التَّسبيحُ ، رَوَيناهُ بِإسنادنا إلى أبى العَبّاسِ أحمَدَ بنِ مُحَمَّدِ بنِ سَعيدِ بنِ عُقدَةَ ، قالَ : أخبَرَنا أبو عَبدِ اللّهِ يَحيَى بنِ زَكَرِيَّا بنِ شَيبانَ العَلاّفُ فى كِتابِهِ سَنَةَ خمسٍ وسِتّينَ ومِئَتَينِ ، قالَ : أخبَرَنا أبو الحَسَنِ عَلىُ بنُ أبى حَمزَةَ عَن أبيهِ ، وحُسَينُ بنُ أبى العَلاءِ الزَّندَجِيُّ (1) جميعا عَن أبى بَصيرٍ عَن أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام قالَ : تُسَبِّحُ فى كُلِّ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ وتَذكُرُ فيهِ زِيادَةً مِن رِوايَهِ جَدّى أبى جَعفَرٍ الطّوسِىّ (2) :

الأَوَّل : سُبحانَ اللّهِ بارِئَ?النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأَزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ ، سُبحانَ اللّهِ السَّميعِ الَّذى لَيسَ شَىءٌ أسمَعَ مِنهُ ، يَسمَعُ مِن فَوقِ عَرشِهِ ما تَحتَ سَبعِ أرَضينَ ، ويَسمَعُ ما فى ظُلُماتِ البَرِّ وَالبَحرِ ، ويَسمَعُ الأَنينَ وَالشَّكوى ، ويَسمَعُ السِّرَّ وأخفى ، وَيَسمَعُ وَساوِسَ الصُّدورِ ولا يُصِمُّ سَمعَهُ صَوتٌ .

الثّانى : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأَزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ .

سُبحانَ اللّهِ البَصيرِ الَّذى لَيسَ شَىءٌ أبصَرَ مِنهُ ، يُبصِرُ مِن فَوقِ عَرشِهِ ما تَحتَ سَبعِ أَرَضينَ ، ويُبصِرُ ما فِى ظُلُماتِ البَرِّ وَالبَحرِ ، لاتُدرِكُهُ الأَبصارُ وهُوَ يُدرِكُ الأَبصارَ وهُوَ اللَّطيفُ الخَبيرُ ، ولا تَغشى بَصَرَهُ الظُّلَمَةُ ولا يُستَتَرُ مِنهُ بِستِرٍ ، ولا يُوارى مِنهُ جِدارٌ ولا يَغيبُ عَنهُ بَرٌّ ولا بَحرٌ ، ولا يُكِنُّ مِنهُ جَبَلٌ ما فى أَصلِهِ ولا قَلبٌ ما فيهِ ولا جَنبٌ ما فى قَلبِهِ ، ولا يَستَتِرُ مِنهُ صَغيرٌ ولا كَبيرٌ ، ولا يَستَخفى مِنهُ صَغيرٌ لِصِغَرِهِ ، ولا يَخفى عَلَيهِ شَىءٌ فِى الأَرضِ ولا فِى السَّماءِ هُوَ الَّذى يُصَوِّرُكُم فِى الأَرحامِ كَيفَ يَشاءُ ، لا إلهَ إلاّ هُوَ العَزيزُ الحَكيمُ .

الثّالِث : سُبحانَ اللّهِ بارِئَ?النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأَزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ .

سُبحانَ اللّهِ الّذى يُنشِئُ السَّحابَ الثِّقالَ ويُسَبِّحُ الرَّعدُ بِحَمدِهِ وَالمَلائِكَهُ مِن خيفَتِهِ ويُرسِلُ الصَّواعِقَ فَيُصيبُ بِها مَن يَشاءُ ، ويُرسِلُ الرِّياحَ بُشرى بَينَ يَدَى رَحمَتِهِ ، ويُنَزِّلُ الماءَ مِنَ السَّماءِ بِكَلِماتِهِ ، ويُنبِتُ النَّباتَ بِقُدرَتِهِ ويَسقُطُ الوَرَقُ بِعِلمِهِ (3) ، سُبحانَ اللّهِ الَّذى لا يَعزُبُ عَنهُ مِثقالُ ذَرَّةٍ فِى الأَرضِ ولا فِى السَّماءِ ، ولا أصغَرُ مِن ذلِكَ ولا أكبَرُ إلاّ فى كِتابٍ مُبينٍ .

الرَّابِع : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأَزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ .

سُبحانَ اللّهِ الَّذى يَعلَمُ ما تَحمِلُ كُلُّ اُنثى وما تَغيضُ الأَرحامُ وما تَزدادُ وكُلُّ شَىءٍ عِندَهُ بِمِقدارٍ ، عالِمِ الغَيبِ وَالشَّهادَهِ الكَبيرِ المُتَعالِ سَواءٌ مِنكُم مَن أسَرَّ القَولَ ومَن جَهَرَ بِهِ ومَن هُوَ مُستَخفٍ بِاللَّيلِ وسارِبٌ بِالنَّهارِ لَهُ مُعَقِّباتٌ مِن بَينِ يَدَيهِ ومِن خَلفِهِ يَحفَظونَهُ مِن أمرِ اللّهِ ، سُبحانَ اللّهِ الَّذى يُميتُ الأحياءَ ويُحيِى المَوتى ويَعلَمُ ما تَنقُصُ الأَرضُ مِنهُم ويُقِرُّ (4) فِى الأَرحامِ ما يَشاءُ إلى أجَلٍ مُسَمّىً .

الخامِس : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأَزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ .

سُبحانَ اللّهِ مالِكِ المُلكِ تُؤتِى المُلكَ مَن تَشاءُ وتَنزِعُ المُلكَ مِمَّن تَشاءُ وتُعِزُّ مَن تَشاءُ وتُذِلُّ مَن تَشاءُ بِيَدِكَ الخَيرُ إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، تولِجُ اللَّيلَ فِى النَّهارِ وتولِجُ النَّهارَ فِى اللَّيلِ وتُخرِجُ الحَىَ مِنَ المَيِّتِ وتُخرِجُ المَيِّتَ مِنَ الحَىِّ وتَرزُقُ مَن تَشاءُ بِغَيرِ حِسابٍ .

السّادِس : سُبحانَ اللّهِ بارِىَ?النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأَزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ ، سُبحانَ اللّهِ الَّذى عِندَهُ مَفاتِحُ الغَيبِ لا يَعلَمُها إلاّ هُوَ ويَعلَمُ ما فِى البَرِّ وَالبَحرِ وما تَسقُطُ مِن وَرَقَهٍ إلاّ يَعلَمُها ولا حَبَّهٍ فى ظُلُماتِ الأَرضِ ولا رَطبٍ ولا يابِسٍ إلاّ فى كِتابٍ مُبينٍ .

السّابِع : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ?النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأَزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ ، سُبحانَ اللّهِ الَّذى لا يُحصى مِدحَتَهُ القائِلونَ ولا يَجزى بِآلائِهِ الشّاكِرونَ العابِدونَ وهُوَ كَما قالَ وفَوقَ ما نَقولُ ، وَاللّهُ سُبحانَهُ كَما أثنى عَلى نَفسِهِ ولا يُحيطونَ بِشَىءٍ مِن عِلمِهِ إلاّ بِما شاءَ وَسِعَ كُرسِيُّهُ السَّماواتِ وَالأَرضَ ولا يَؤودُهُ حِفظُهُما وهُوَ العَلِىُ العَظيمُ .

الثّامِن : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ?النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأَزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ ، سُبحانَ اللّهِ الَّذى يَعلَمُ ما يَلِجُ فِى الأَرضِ وما يَخرُجُ مِنها وما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها ، ولا يَشغَلُهُ ما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها عَمّا يَلِجُ فِى الأَرضِ وما يَخرُجُ مِنها ، ولا يَشغَلُهُ ما يَلِجُ فِى الأَرضِ وما يَخرُجُ مِنها عَمّا يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها ، ولا يَشغَلُهُ عِلمُ شَىءٍ عَن عِلمِ شَىءٍ ، ولا يَشغَلُهُ خَلقُ شَىءٍ عَن خَلقِ شَىءٍ ولا حِفظُ شَىءٍ عَن حِفظِ شَىءٍ ، ولا يُساويهِ شَىءٌ ولا يَعدِلُهُ شَىءٌ لَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ وهُوَ السَّميعُ البَصيرُ .

التّاسِع : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ?النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأَزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ،سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ، سُبحانَ اللّهِ فاطِرِ السَّماواتِ وَالأَرضِ جاعِلِ المَلائِكَهِ رُسُلاً أُولى أجنِحَهٍ مَثنى وثُلاثَ ورُباعَ يَزيدُ فِى الخَلقِ ما يَشاءُ إنَّ اللّهَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، ما يَفتَحُ اللّهُ لِلنّاسِ مِن رَحمَهٍ فَلا مُمسِكَ لَها وما يُمسِكُ فَلا مُرسِلَ لَهُ مِن بَعدِهِ وهُوَ العَزيزُ الحَكيمُ .

العاشِر : سُبحانَ اللّهِ بارِئِ?النَّسَمِ ، سُبحانَ اللّهِ المُصَوِّرِ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ الأَزواجِ كُلِّها ، سُبحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنّورِ ، سُبحانَ اللّهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَىءٍ ، سُبحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وما لا يُرى ، سُبحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ سُبحانَ اللّهِ رَبِّ العالَمينَ ، سُبحانَ اللّهِ الَّذى يَعلَمُ ما فِى السَّماواتِ وما فِى الأَرضِ ، ما يَكونُ مِن نَجوى ثَلاثَهٍ إلاّ هُوَ رابِعُهُم ولا خَمسَهٍ إلاّ هُوَ سادِسُهُم ولا أدنى مِن ذلِكَ ولا أكثَرَ إلاّ هُوَ مَعَهُم أينَما كانوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِما عَمِلوا يَومَ القِيامَهِ إنَّ اللّهَ بِكُلِّ شَىءٍ عَليمٌ ، سُبحانَ الَّذى بِنِعمَتِهِ تَتِمُّ الصّالِحاتُ . (5) .

1- .فی المصدر : «الزیدجی» ، وما فی المتن أثبتناه من المصادر الرجالیّه .
2- .وفی مصباح المتهجّد : «ویسبّح فی کلّ یوم من شهر رمضان إلی آخره عشره أجزاء ، کلّ جزء منها علی حده» .
3- .فی الطبعه المعتمده : «ویبسط الرزق بعلمه» ، وما أثبتناه من الطبعه الحجریّه والمصادر الأُخری .
4- .فی المصدر «وتقرّ» ، والصحیح ما أثبتناه کما فی جمیع المصادر .
5- .الإقبال : 1 / 208 ، تهذیب الأحکام : 3 / 115 ، مصباح المتهجّد : 616 / 698 ، المقنعه : 324 ، المصباح للکفعمی : 825 ، البلد الأمین : 227 کلّها من دون إسنادٍ إلی المعصوم ، بحار الأنوار : 98 / 105 / 3 .

ب تسبیح های هر روز

ب تسبیح های هر روز868.مسند ابن حنبل عن أبی رزین العقیلی :الإقبال:از اعمال هر روز ماه رمضان ، تسبیح است. با سند ما به ابو العبّاس احمد بن محمّد بن سعید بن عقده ، برای ما روایت شده که گفت: یحیی بن زکریّا بن شیبان علاّف در کتابش در سال 265 [ق] خبر داده است که علی بن حمزه ، از پدرش و حسین بن ابی العلاء زندجی ، همگی از ابو بصیر ، از امام صادق علیه السلامروایت کرده اند که فرمود: «در هر روز از ماه رمضان ، چنین تسبیح می گویی» و در این تسبیح ، افزوده ای از روایت جدّم ابو جعفر طوسی را می آوریم: (1)

اوّل . «منزّه است خداوند ، آفریدگار بندگان. منزّه است خداوندِ صورت آفرین. منزّه است خداوند ، آفریدگار همه جفت ها. منزّه است خداوند ، پدیدآورنده تاریکی ها و روشنی. منزّه است خداوند ، شکافنده دانه و هسته. منزّه است خداوند ، آفریننده هر چیز. منزّه است خداوند ، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزّه است خداوند ، به اندازه کلمات بی پایانش. منزّه است خداوند ، پروردگار جهانیان. منزّه است خداوندِ شنوایی که چیزی شنواتر از او نیست؛ از فراز عرش خود ، آنچه را زیر زمین های هفتگانه است ، می شنود و آنچه را در تاریکی های خشکی و دریاست ، می شنود ، و ناله و شِکوه را ، و راز و نهان را ، و وسوسه های سینه را می شنود و از شنواییِ او ، هیچ صدایی ناشنیده نمی ماند».

دوم . «منزّه است خداوند ، آفریدگار بندگان. منزّه است خداوندِ صورت آفرین. منزّه است خداوند ، آفریدگار همه جفت ها. منزّه است خداوند ، پدیدآورنده تاریکی ها و روشنی. منزّه است خداوند ، شکافنده دانه و هسته. منزّه است خداوند ، آفریننده هر چیز. منزّه است خداوند ، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزّه است خداوند ، به اندازه کلمات بی پایانش . منزّه است خداوند ، پروردگار جهانیان.

منزّه است خداوندِ بینایی که چیزی شنواتر از او نیست؛ از فراز عرش خود ، آنچه را زیر زمین های هفتگانه است ، می بیند و آنچه را در تاریکی های خشکی و دریاست ، می بیند. دیدگان ، او را نمی بینند و او دیدگان را می بیند و او لطیف و آگاه است. نه تاریکی ، چشمش را می پوشاند و نه چیزی با پرده ، از او پوشیده می ماند و نه دیواری ، چیزی را از او پنهان می

سازد و نه خشکی و نه دریایی ، از او پوشیده است و نه کوهی ، آنچه را در ریشه خود دارد ، از او می پوشاند و نه دلی ، آنچه را در آن است و نه پهلویی ، آنچه را در دلش است . و هیچ ریز و درشتی ، از او پوشیده نیست و هیچ کوچکی به خاطر کوچکی اش از او مخفی نمی شود و چیزی نه در زمین و نه در آسمان ، از او پوشیده نمی ماند. اوست که در رَحِم ها ، شما را آن گونه که می خواهد ، تصویرگری می کند. معبودی جز او نیست؛ او که قدرتمند حکیم است».

سوم . «منزّه است خداوند ، آفریدگار بندگان. منزّه است خداوندِ صورت آفرین. منزّه است خداوند ، آفریدگار همه جفت ها. منزّه است خداوند ، پدیدآورنده تاریکی ها و روشنی. منزّه است خداوند ، شکافنده دانه و هسته. منزّه است خداوند ، آفریننده هر چیز. منزّه است خداوند ، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزّه است خداوند ، به اندازه کلمات بی پایانش. منزّه است خداوند ، پروردگار جهانیان.

منزّه است خداوندی که ابرهای سنگین را پدید می آورد و رعد با ستایش او ، تسبیح می گوید و فرشتگان ، از بیم او تسبیح می گویند و آذرخش را می فرستد و با آن ، هر که را بخواهد ، هدف قرار می دهد و بادها را پیشاپیش رحمتش می فرستد و با کلماتش از آسمان ، آب فرو می فرستد و با قدرت خود ، گیاه را می رویاند و با علم او برگ درخت ، فرو می افتد. منزّه است خداوندی که همسنگ ذرّه ای ، نه در زمین و نه در آسمان ، از او پنهان نمی ماند؛ و نه کوچک تر از آن و نه بزرگ تر از آن نیست ، مگر آن که در نوشته ای روشنگر است».

چهارم . «منزّه است خداوند ، آفریدگار بندگان. منزّه است خداوندِ صورت آفرین. منزّه است خداوند ، آفریدگار همه جفت ها. منزّه است خداوند ، پدیدآورنده تاریکی ها و روشنی. منزّه است خداوند ، شکافنده دانه و هسته. منزّه است خداوند ، آفریننده هر چیز. منزّه است خداوند ، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزّه است خداوند ، به اندازه کلمات بی پایانش. منزّه است خداوند ، پروردگار جهانیان.

منزّه است خداوندی که می داند هر زنی چه باری دارد و رَحِم ها چه اندازه [از زمان بارداری را] کم یا زیاد می کنند ، و هر چیزی نزد او به اندازه است. دانای نهان و آشکار ، و بزرگ و متعالی است. یکسان است کسی از شما سخن را پنهانی بگوید یا آشکارا ، و نیز کسی که شبانه پنهان می شود و در روز آشکار می گردد. برای هر چیز و هر کس ، نگهبانانی است که از

پیش رو و پشت سر به فرمان خدا نگهبانی اش می کنند. منزّه است خداوندی که زندگان را می میراند و مردگان را حیات می بخشد و می داند که زمین ، از آنان چه می کاهد ، و آنچه را بخواهد ، تا زمانی معیّن در رَحِم ها نگه می دارد».

پنجم . «منزّه است خداوند ، آفریدگار بندگان. منزّه است خداوندِ صورت آفرین. منزّه است خداوند ، آفریدگار همه جفت ها. منزّه است خداوند ، پدیدآورنده تاریکی ها و روشنی. منزّه است خداوند ، شکافنده دانه و هسته. منزّه است خداوند ، آفریننده هر چیز. منزّه است خداوند ، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزّه است خداوند ، به اندازه کلمات بی پایانش. منزّه است خداوند ، پروردگار جهانیان.

منزّه است خداوند ، مالک فرمان روایی. به هر که بخواهی ، فرمان روایی می دهی و از هر که بخواهی ، فرمان روایی را می ستانی. هر که را خواهی ، عزّت می بخشی و هر که را خواهی ، خوار می سازی. نیکی به دست توست. همانا تو بر هر چیز ، توانایی. شب را وارد روز می کنی و روز را به شب وارد می کنی و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده بیرون می آوری و هر که را بخواهی ، بی حساب روزی می دهی».

ششم . «منزّه است خداوند ، آفریدگار بندگان. منزّه است خداوندِ صورت آفرین. منزّه است خداوند ، آفریدگار همه جفت ها. منزّه است خداوند ، پدیدآورنده تاریکی ها و روشنی . منزّه است خداوند ، شکافنده دانه و هسته . منزّه است خداوند ، آفریننده هر چیز. منزّه است خداوند ، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزّه است خداوند ، به اندازه کلمات بی پایانش . منزّه است خداوند ، پروردگار جهانیان.

منزّه است خداوندی که کلیدهای غیب ، نزد اوست و آنها را جز او نمی داند ، و می داند آنچه را در خشکی و دریاست ، و هیچ برگی [از درختی] نمی افتد ، مگر آن که می داندش ، و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین نیست و نه هیچ تر و خشکی ، مگر آن که در کتابی روشنگر است» .

هفتم . «منزّه است خداوند ، آفریدگار بندگان. منزّه است خداوندِ صورت آفرین. منزّه است خداوند ، آفریدگار همه جفت ها. منزّه است خداوند ، پدیدآورنده تاریکی ها و روشنی. منزّه است خداوند ، شکافنده دانه و هسته. منزّه است خداوند ، آفریننده هر چیز. منزّه است خداوند ، آفریدگار

آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزّه است خداوند ، به اندازه کلمات بی پایانش. منزّه است خداوند ، پروردگار جهانیان.

منزّه است خداوندی که گویندگان ، ستایش او را نمی توانند شمرد و سپاس گزارانِ پرستنده ، از عهده شکر نعمت هایش برنمی آیند ، و او همان گونه است که خود فرموده و بالاتر از آن است که ما می گوییم. و خداوندِ پاک ، همان گونه است که خویش را ستوده و جز به مقداری که او بخواهد ، به چیزی از علم او احاطه نیابند. تخت فرمان روایی اش ، آسمان ها و زمین را فرا گرفته است و نگهبانیِ آسمان ها و زمین ، او را خسته نمی سازد و او بلندمرتبه بزرگ است».

هشتم . «منزّه است خداوند ، آفریدگار بندگان. منزّه است خداوندِ صورت آفرین. منزّه است خداوند ، آفریدگار همه جفت ها . منزّه است خداوند ، پدیدآورنده تاریکی ها و روشنی . منزّه است خداوند ، شکافنده دانه و هسته. منزّه است خداوند ، آفریننده هر چیز. منزّه است خداوند ، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزّه است خداوند ، به اندازه کلمات بی پایانش. منزّه است خداوند ، پروردگار جهانیان.

منزّه است خداوندی که می داند آنچه را در زمین فرو می رود و آنچه را از آن بیرون می آید و آنچه را از آسمان فرود می آید و آنچه را به آسمان بالا می رود. آنچه از آسمان فرود می آید و در آسمان فرا می رود ، او را از آنچه در زمین فرو می رود و آنچه از زمین بیرون می آید ، مشغول نمی سازد ؛ آگاهی به چیزی ، او را از آگاهی به چیزی دیگر ، مشغول نمی سازد؛ آفرینش چیزی ، از آفرینش چیزی دیگر مشغولش نمی سازد؛ و نگهبانی از چیزی ، از نگهبانی از چیزی دیگر مشغولش نمی سازد. هیچ چیزی همسان و برابر با او نیست و هیچ چیزی مانند او نیست و او شنوای بیناست».

نهم . «منزّه است خداوند ، آفریدگار بندگان. منزّه است خداوندِ صورت آفرین. منزّه است خداوند ، آفریدگار همه جفت ها. منزّه است خداوند ، پدیدآورنده تاریکی ها و روشنی . منزّه است خداوند ، شکافنده دانه و هسته . منزّه است خداوند ، آفریننده هر چیز. منزّه است خداوند ، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزّه است خداوند ، به اندازه کلمات بی پایانش. منزّه است خداوند ، پروردگار جهانیان.

منزّه است خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین ، که فرشتگان را فرستادگانی دارای دو بال ، سه بال و [یا]چهار بال ، قرار داد ! در آفرینش ، آنچه می خواهد ، می افزاید. همانا خداوند بر هر چیز ، تواناست. هر رحمتی را که خداوند برای مردم بگشاید ، جلوگیری از آن نیست و هر چه را او جلو بگیرد ، پس از او ، فرستنده ای نیست. و او قدرتمند حکیم است».

دهم . «منزّه است خداوند ، آفریدگار بندگان. منزّه است خداوندِ صورت آفرین. منزّه است خداوند ، آفریدگار همه جفت ها. منزّه است خداوند ، پدیدآورنده تاریکی ها و روشنی. منزّه است خداوند ، شکافنده دانه و هسته. منزّه است خداوند ، آفریننده هر چیز. منزّه است خداوند ، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزّه است خداوند ، به اندازه کلمات بی پایانش. منزّه است خداوند ، پروردگار جهانیان.

منزّه است خداوندی که آنچه را در آسمان ها و آنچه در زمین است ، می داند. هیچ رازگوییِ سه نفره ای نیست ، مگر آن که او چهارمینِ آنان است و نه رازگوییِ پنج نفره ای ، مگر آن که او ششمین شان است و نه کمتر و نه بیشتر از آن ، مگر آن که او با آنان است ، هر جا که باشند. سپس در روز قیامت ، آنان را از عملکردشان آگاه می سازد. همانا خداوند بر هر چیز ، داناست. منزّه است آن که کارهای شایسته ، با نعمت او کمال می یابند».

.

1- .در مصباح المتهجّد است: «در هر روز از ماه رمضان تا آخرش ، ده بخش تسبیح گفته می شود که هر بخشی از آن ، تسبیحی جداگانه است».

ص: 442

. .

ص: 443

. .

ص: 444

. .

ص: 445

. .

ص: 446

. .

ص: 447

. .

ج الصَّلاهُ عَلَى النَّبِىِّ وآلِهمصباح المتهجّد بَعدَ ذِكرِ تَسبيحاتِ كُلِّ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ :ثُمَّ أتبعهُ بِالصَّلاهِ عَلَى النَّبِى وآلِهِ عليهم السلام فَتَقولُ: «إِنَّ اللّهَ وَ مَلَـٰٓئِكَتَهُو يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِىِّ يَـٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيْهِ وَ سَلِّمُواْ تَسْلِيمًا» (1) ، لَبَّيکَ يا رَبِّ وسَعدَيکَ وسُبحانَکَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وبارِک عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيتَ وبارَكتَ عَلى إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ إنَّکَ حَميدٌ مَجيدٌ . اللّهُمَّ ارحَم مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ كَما رَحِمتَ عَلى إبراهيمَ (2) وآلِ إبراهيمَ إنَّکَ حَميدٌ مَجيدٌ . اللّهُمَّ سَلِّم عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كَما سَلَّمتَ عَلى نوحٍ فِى العالَمينَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كَما هَدَيتَنا بِهِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَابعَثهُ مَقاما مَحمودا يَغبِطُهُ بِهِ الأَوَّلونَ وَالآخِرونَ . عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ السَّلامُ كُلَّما طَلَعَت شَمسٌ أو غَرَبَت ، عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ السَّلامُ كُلَّما طَرَفَت عَينٌ أو بَرَقَت ، عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ السَّلامُ كُلَّما ذُكِرَ السَّلامُ ، عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ السَّلامُ كُلَّما سَبَّحَ اللّهَ مَلَکٌ أو قَدَّسَهُ . السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ فِى الأَوَّلينَ ، وَالسَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ فِى الآخِرينَ ، السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، (السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ) . اللّهُمَّ رَبَّ البَلَدِ الحَرامِ ورَبَّ الرُّكنِ وَالمَقامِ ورَبَّ الحِلِّ وَالحَرامِ أبلِغ مُحَمَّدا نَبِيَّکَ عَنَّا السَّلامَ . (3) اللّهُمَّ أعطِ مُحَمَّدا مِنَ البَهاءِ وَالنَّضرَهِ وَالسُّرورِ وَالكَرامَهِ وَالغِبطَهِ وَالوَسيلَهِ وَالمَنزِلَهِ وَالمَقامِ وَالشَّرَفِ وَالرِّفعَهِ وَالشَّفاعَهِ عِندَکَ يَومَ القِيامَهِ أفضَلَ ما تُعطى أحَدا مِن خَلقِکَ ، وأعطِ مُحَمَّدا وآلِهِ فَوقَ ما تُعطِى الخَلائِقَ مِنَ الخَيرِ أضعافا (مُضاعَفَهً) كَثيرَهً لا يُحصيها غَيرُکَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ أطيَبَ وأطهَرَ وأزكى وأنمى وأفضَلَ ما صَلَّيتَ عَلى (أحَدٍ مِنَ) الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ وعَلى أحَدٍ مِن خَلقِکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى (عَلِىٍ) أميرِ المُؤمِنينَ (4) ووالِ مَن والاهُ وعادِ مَن عاداهُ ، وضاعِفِ العَذابَ عَلى مَن شَرِکَ فى دَمِهِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى فاطِمَهَ بِنتِ نَبِيِّکَ مُحَمَّدٍ عَلَيهِ وآلِهِ السَّلامُ وَالعَن مَن آذى نَبِيَّکَ فيها . (اللّهُمَّ والِ مَن والاها وعادِ مَن عاداها وضاعِفِ العَذابَ عَلى مَن ظَلَمَها) . اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الحَسَنِ وَالحُسَينِ إمامَىِ المُسلِمينَ ، ووالِ مَن والاهُما وعادِ مَن عاداهُما وضاعِفِ العَذابَ عَلى مَن شَرِکَ فى دَمِهِما . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِىِ بنِ الحُسَينِ إمامِ المُسلِمينَ ، ووالِ مَن والاهُ وعادِ مَن عاداهُ وضاعِفِ العَذابَ عَلى مَن ظَلَمَهُ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدِ بنِ عَلِىٍ إمامِ المُسلِمينَ ، ووالِ مَن والاهُ وعادِ مَن عاداهُ وضاعِفِ العَذابَ عَلى مَن ظَلَمَهُ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ إمامِ المُسلِمينَ ، ووالِ مَن والاهُ وعادِ مَن عاداهُ وضاعِفِ العَذابَ عَلى مَن ظَلَمَهُ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى موسَى بنِ جَعفَرٍ إمامِ المُسلِمينَ ، ووالِ مَن والاهُ وعادِ مَن عاداهُ

وضاعِفِ العَذابَ عَلى مَن شَرِكَ فى دَمِهِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِيِ بنِ موسَى إمامِ المُسلِمينَ ، ووالِ مَن والاهُ وعادِ مَن عاداهُ وضاعِفِ العَذابَ عَلى مَن شَرِكَ فى دَمِهِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍ إمامِ المُسلِمينَ ، ووالِ مَن والاهُ وعادِ مَن عاداهُ وضاعِفِ العَذابَ عَلى مَن ظَلَمَهُ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِيِ بنِ مُحَمَّدٍ إمامِ المُسلِمينَ ووالِ مَن والاهُ وعادِ مَن عاداهُ وضاعِفِ العَذابَ عَلى مَن ظَلَمَهُ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الحَسَنِ بنِ عَلِيٍ إمامِ المُسلِمينَ ووالِ مَن والاهُ وعادِ مَن عاداهُ وضاعِفِ العَذابَ عَلَى مَن ظَلَمَهُ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الخَلَفِ مِن بَعدِهِ إمامِ المُسلِمينَ ووالِ مَن والاهُ وعادِ مَن عاداهُ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى القاسِمِ وَالطّاهِرِ ابنَي نَبِيِّكَ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى رُقَيَّةَ بِنتِ نَبِيِّكَ وَالعَن مَن آذى نَبِيَّكَ فيها ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى اُمِّ كُلثومٍ بِنتِ نَبِيِّكَ وَالعَن مَن آذى نَبِيَّكَ فيها . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى ذُرِّيَّتِهِ نَبِيِّكَ ، اللّهُمَّ اخلُفَ نَبِيَّكَ فى أهلِ بَيتِهِ ، اللّهُمَّ مَكِّن لَهُم فِى الأَرضِ ، اللّهُمَّ اجعَلنا مِن عَدَدِهِم ومَدَدِهِم وأنصارِهِم عَلَى الحَقِّ فِى السِّرِّ وَالعَلانِيَهِ ، اللّهُمَّ اطلُب بِذَحلِهِم ووَترِهِم ودِمائِهِم وكُفَّ عَنّا وعَنهُم وعَن كُلِّ مُؤمِنٍ ومُؤمِنَهٍ بَأسَ كُلِّ باغٍ وطاغٍ ، وكُلِّ دابَّهٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إنَّكَ أشَدُّ بَأسا وأشَدُّ تَنكيلاً . (5)

.

1- .الأحزاب : 56 .
2- .كذا فى مصباح المتهجّد ، وفى جميع المصادر «كما رحمت إبراهيم...» وهو المناسب للسياق .
3- .فى نسخه : «أبلغ نبيّک محمدا وأهل بيته عنّا أفضل التحيّه والسلام» .
4- .فى جميع المصادر زياده : «ووصىّ رسول ربّ العالمين» هنا .
5- .مصباح المتهجّد : 620 / 699 ، الإقبال : 1 / 212 ، المصباح للكفعمى : 829 ، البلد الأمين : 229 كلّها نحوه ، بحار الأنوار : 98 / 108 / 3 .

ج صلوات بر پیامبر و خاندانشمصباح المتهجّد پس از ذکر تسبیحات هر روز ماه رمضان :سپس در پی آنها بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش صلوات می فرستی و می گویی: « «خداوند و فرشتگانش ، بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او درود بفرستید و سلام دهید ، سلامی شایسته» . فرمانت را اجابت می کنم و به روی چشم پروردگارا و تو منزّهی. خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و به محمّد و خاندان محمّد برکت عطا کن ، آن گونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم ، درود و خجستگی نثار کردی! همانا تو ستوده و بزرگواری. خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد رحمت آور ، آن گونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم ، رحمت آوردی! همانا تو ستوده و بزرگواری. خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست ، آن گونه که در جهانیان بر نوح ، درود فرستادی! خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست ، آن گونه که ما را با او هدایت فرمودی! خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و او را به جایگاهی پسندیده برسان که اوّلین و آخرین ، به مقام او رشک برند! سلام بر محمّد و خاندانش ، هر چه خورشید برمی آید یا غروب می کند! سلام بر محمّد و خاندانش ، هر چه چشمی بر هم می خورد و می درخشد! سلام بر محمّد و خاندانش ، هر چه سلام ، ذکر می شود! سلام بر محمّد و خاندانش ، هر چه فرشته ای خدا را تسبیح می گوید و منزّه می شمارد! سلام بر محمّد و خاندانش در اوّلین! سلام بر محمّد و خاندانش در آخرین! سلام بر محمّد و خاندانش در دنیا و آخرت! سلام و رحمت و برکات خدا بر محمّد و خاندانش! خداوندا! ای پروردگار شهر امن (مکّه) ، و ای پروردگار رکن و مقام ، و ای پروردگار غیر حَرَم و حَرَم! بر پیامبرت محمّد از جانب ما سلام برسان! (1) خداوندا! محمّد را شُکوه ، شادابی ، شادی ، کرامت ، مایه رشک بودن ، وسیله بودن ، منزلت ، مقام ، شرافت ، رفعت ، و شفاعت نزد خودت در روز قیامت ، عطا کن ، به برترین وجهی که به یکی از بندگانت عطا می کنی ، و به محمّد و خاندانش عطا کن بالاترین چیزی را که از خیر ، به بندگان می دهی ، چندین برابر بیشتر ، که جز تو کسی شمار آن را نداند! خداوندا! بر محمّد و خاندانش محمّد درود فرست ، پاکیزه ترین ، پاک ترین ، بالنده ترین و برترین درودی را که بر کسی از اوّلین و آخرین فرستاده ای و برترین درودی را که بر یکی از آفریدگانت فرستاده ای ، ای مهربان ترینِ مهربانان! خداوندا! بر علی ، امیر مؤمنان ،

(2) درود فرست و با آن که با او دوستی می کند ، دوستی کن و با هر که دشمنش است ، دشمن باش و کیفر آن را که در خون او شرکت جست ، دو چندان کن ! خداوندا ! بر فاطمه دختر پیامبرت محمّد که بر او و خاندانش سلام باد درود فرست و هر کس را که درباره او پیامبرت را آزرْد ، لعنت کن ! خدایا ! با هر که با او دوستی کرد ، دوستی کن و عذاب هر که را بر او ستم کرد ، دو چندان کن ! خداوندا ! بر حسن و حسین ، دو پیشوای مسلمانان ، درود فرست و با هر که با آن دو دوستی می کند ، دوستی کن و با هر که دشمنشان است ، دشمن باش و عذاب هر که را در خون آن دو شرکت جست ، دو چندان کن ! خداوندا ! بر علی بن الحسین ، پیشوای مسلمانان ، درود فرست و با هر که با او دوستی می کند ، دوستی کن و با هر که دشمنش است ، دشمن باش و عذاب هر که را بر او ستم کرد ، دو چندان کن ! خداوندا ! بر محمّد بن علی ، پیشوای مسلمانان ، درود فرست و با هر که با او دوستی می کند ، دوستی کن و با هر که دشمنش است ، دشمن باش و عذاب هر که را بر او ستم کرد ، دو چندان کن ! خداوندا ! بر جعفر بن محمّد ، پیشوای مسلمانان ، درود فرست و با هر که با او دوستی می کند ، دوستی کن و با هر که دشمنش است ، دشمن باش و عذاب هر که را بر او ستم کرد ، دو چندان کن ! خداوندا ! بر موسی بن جعفر ، پیشوای مسلمانان ، درود فرست و با هر که با او دوستی می کند ، دوستی کن و با هر که دشمنش است ، دشمن باش و عذاب هر که را در خون او شرکت جست ، دو چندان کن ! خداوندا ! بر علی بن موسی ، پیشوای مسلمانان ، درود فرست و با هر که با او دوستی می کند ، دوستی کن و با هر که دشمنش است ، دشمن باش و عذاب هر که را در خون او شرکت جست ، دو چندان کن ! خداوندا ! بر محمّد بن علی ، پیشوای مسلمانان ، درود فرست و با هر که با او دوستی می کند ، دوستی کن و با هر که دشمنش است ، دشمن باش و عذاب هر که را بر او ستم کرد ، دو چندان کن ! خداوندا ! بر علی بن محمّد ، پیشوای مسلمانان ، درود فرست و با هر که با او دوستی می کند ، دوستی کن و با هر که دشمنش است ، دشمن باش و عذاب هر که را بر او ستم کرد ، دو چندان کن ! خداوندا ! بر حسن بن علی ، پیشوای مسلمانان ، درود فرست و با هر که با او دوستی می کند ، دوستی کن و با هر که دشمنش است ، دشمن باش و عذاب هر که را بر او ستم کرد ، دو چندان کن ! خداوندا ! بر جانشین پس از او ، پیشوای مسلمانان ، درود فرست و با هر که با او دوستی می کند ، دوستی کن و با هر که دشمنش است ، دشمن باش ! خداوندا ! بر قاسم و طاهر ، پسران پیامبرت ، درود فرست ! خداوندا ! بر رقیّه ، دختر پیامبرت ، درود فرست و هر که پیامبرت را درباره او آزار داد ، لعنت کن ! خداوندا ! بر اُمّ کلثوم ، دختر پیامبرت ، درود فرست و هر که پیامبرت را درباره او آزار داد ، لعنت

کن! خداوندا! بر فرزندان پیامبرت درود فرست! خداوندا! پیامبرت را درباره خاندانش جانشینی (سرپرستی) کن! خداوندا! آنان را در روی زمین ، قدرت و توان ببخش! خداوندا! ما را از شمار آنان و مددکاران و یارانِ بر حقّ آنان در نهان و آشکار ، قرار بده! خداوندا! خونخواه آنان باش و از ما و آنان و از هر مرد و زن مؤمن ، ستم هر تجاوزگر سرکش و هر جنبنده ای را که اختیارش در دست توست ، باز بدار! همانا قدرت تو ، بیشتر و بازدارندگی و عبرت دهی تو ، سخت تر است».

.

1- .در نسخه ای چنین است: «بر پیامبرت محمّد و خاندانش ، از جانب ما بهترین تحیّت و سلام را برسان!»
2- .در همه منابع ، در این فراز ، افزوده است: «و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان».

ص: 450

. .

ص: 451

..

ص: 452

. .

ص: 453

. .

د دُعاءُ «اللّهُمَّ رَبَّ شَهرِ رَمَضانَ»البلد الأمين :ثُمَّ ادعُ بِما ذَكَرَهُ السَّيِّدُ عَلِيُّ بنُ الحُسَين بن باقى ؛ فِى اختِيارِهِ ؛ فَقَد رُوِىَ أ نَّهُ مَن دَعا بِهِ كُلَّ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذُنوبَ أربَعينَ سَنَةً،وهُوَ: اللّهُمَّ رَبَّ شَهرِ رَمَضانَ الَّذى أنزَلتَ فيهِ القُرآنَ وَافتَرَضتَ عَلى عِبادِكَ فيهِ الصِّيامَ ، اُرزُقنى حَجَّ بَيتِكَ الحَرامِ فى هذَا العامِ وفى كُلِّ عامٍ ، وَاغفِر لِىَ الذُّنوبَ العِظامَ ؛ فَإِنَّهُ لا يَغفِرُها غَيرُكَ يا ذَا الجَلالِ وَالإِكرامِ . (1)

.

1- .البلد الأمين : 223 ، المصباح للكفعمى : 817 ، المزار الكبير : 628 .

د دعای «اللّهمّ ربَّ شهر رمضان»

د دعای «اللّهمّ ربَّ شهر رمضان»البلد الأمین:سپس دعایی را بخوان که سیّد علی بن الحسین بن باقی رحمه اللهآن را در کتابش (الاختیار) نقل کرده است. روایت شده که هر کس آن را در هر روز از ماه رمضان بخواند ، خداوند گناهان چهل سال او را می آمرزد. آن دعا ، این است: «خداوندا! ای پروردگار ماه رمضان که در آن قرآن را نازل کرده و روزه داری در آن را بر بندگانت واجب ساخته ای! امسال و همه سال ، حجّ خانه خودت را روزی ام کن و گناهان بزرگ مرا بیامرز؛ چرا که جز تو ، آنها را نمی آمرزد ، ای صاحب شُکوه و بزرگواری!».

.

ه دُعاءٌ آخَرُ لِكُلِّ يَومٍمصباح المتهجّد :ويَدعو أيضا فى كُلِّ يَومٍ بِهذَا الدُّعاءِ : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِن فَضلِکَ بِأفضَلِهِ وكُلُّ فَضلِکَ فاضِلٌ . اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِفَضلِکَ كُلِّهِ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِن رِزقِکَ بِأعَمِّهِ وكُلُّ رِزقِکَ عامٌّ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِرِزقِکَ كُلِّهِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِن عَطائِکَ بِأهنَئِهِ وكُلُّ عَطائِکَ هَنيءٌ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِعَطائِکَ كُلِّهِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِن خَيرِکَ بِأعجَلِهِ وكُلُّ خَيرِکَ عاجِلٌ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِخَيرِکَ كُلِّهِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِن إحسانِکَ بِأحسَنِهِ وكُلُّ إحسانِکَ حَسَنٌ اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِإحسانِکَ كُلِّهِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِما تُجيبُنى بِهِ حينَ أسأَلُکَ ، فَأجِبنى يا أللّهُ وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِکَ المُرتَضى ورَسولِکَ المُصطَفى وأمينِکَ ونَجِيِّکَ دونَ خَلقِکَ ، ونَجيبِکَ مِن عِبادِکَ ونَبِيِّکَ بِالصِّدقِ وحَبيبِکَ . وصَلِّ عَلى رَسولِکَ وخِيَرَتِکَ مِنَ العالَمينَ ، البَشيرِ النَّذيرِ السِّراجِ المُنيرِ ، وعَلى أهلِ بَيتِهِ الأبرارِ الطّاهِرينَ وعَلى مَلائِكَتِکَ الَّذينَ استَخلَصتَهُم لِنَفسِکَ وحَجَبتَهُم عَن خَلقِکَ ، وعَلى أنبيائِکَ الَّذينَ يُنبِئونَ عَنکَ بِالصِّدقِ ، وعَلى رُسُلِکَ الَّذينَ خَصَصتَهُم بِوَحيِکَ وفَضَّلتَهُم عَلَى العالَمينَ بِرِسالاتِکَ وعَلى عِبادِکَ الصّالِحينَ الَّذينَ أدخَلتَهُم فى رَحمَتِکَ ، الأئِمَّةِ المُهتَدينَ الرّاشِدينَ ، وأولِيائِکَ المُطَهَّرينَ ، وعَلى جِبرَئيلَ وميكائيلَ وإسرافيلَ ومَلَكِ المَوتِ ، ومالِكٍ خازِنِ النّارِ ، ورِضوانَ خازِنِ الجِنانِ ، ورُوحِ القُدُسِ ، وَالرّوحِ الأمينِ ، وحَمَلَةِ عَرشِکَ المُقَرَّبينَ ، وعَلَى المَلَكَينِ الحافِظَينِ عَلَىَ ، بِالصَّلاةِ الَّتى تُحِبُّ أن يُصَلّىَ بِها عَلَيهِم أهلُ السَّماواتِ وأهلُ الأرَضينَ ، صَلاةً طَيِّبَةً كَثيرَةً مُبارَكَةً زاكِيَةً نامِيَةً ، ظاهِرَةً باطِنَةً شَريفَةً فاضِلَةً ، تُبَيِّنُ بِها فَضلَهُم عَلَى الأوَّلينَ وَالآخِرينَ . اللّهُمَّ أعطِ مُحَمَّدا الوَسيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالفَضيلَةَ وَاجزِهِ عَنّا خَيرَ ما جَزَيتَ نَبِيّا عَن اُمَّتِهِ ، اللّهُمَّ وأعطِ مُحَمَّدا صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ مَعَ كُلِّ زُلفَهٍ زُلفَةً ، ومَعَ كُلِّ وَسيلَهٍ وَسيلَةً ، ومَعَ كُلِّ فَضيلَهٍ فَضيلَةً ، ومَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفا ! تُعطى (1) مُحَمَّدا وآلَهُ يَومَ القِيامَهِ ، أفضَلَ ما أعطَيتَ أحَدا مِنَ الأوَّلينَ وَالآخِرينَ ، اللّهُمَّ وَاجعَل مُحَمَّدا صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ أدنَى المُرسَلينَ مِنکَ مَجلِساً ، وأفسَحَهُم فِى الجَنَّهِ عِندَکَ مَنزِلاً ، وأقرَبَهُم إلَيکَ وَسيلَةً ، وَاجعَلهُ أوَّلَ شافِعٍ وأوَّلَ مُشَفَّعٍ وأوَّلَ قائِلٍ وأنجَحَ سائِلٍ وَابعَثهُ المَقامَ المَحمودَ الَّذى يَغبِطُهُ بِهِ الأوَّلونَ وَالآخِرونَ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . وأسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَسمَعَ صَوتى وتُجيبَ دَعوَتى وتَجاوَزَ عَن خَطيئَتى وتَصفَحَ عَن ظُلمى ، وتُنجِحَ طَلِبَتى وتَقضِىَ حاجَتى وتُنجِزَ لى ما وَعَدتَنى ، وتُقيلَ عَثرَتى وتَغفِرَ ذُنوبى ، وتَعفُوَ عَن جُرمى ، وتَقبَلَ عَمَلى ولا تُعرِضَ عَنّى ، وتَرحَمَنى ولا تُعَذِّبَنى ، وتُعافِيَنى ولا تَبتَلِيَنى ، وتَرزُقَنى مِنَ الرِّزقِ أطيَبَهُ وأوسَعَهُ ولا تَحرِمَنى يا رَبِّ ، وَاقضِ عَنّى دَينى وضَع عَنّى وِزرى ، ولا تُحَمِّلنى ما لا طاقَةَ لى بِهِ ! يا

مَولایَ وأدخِلنی فی کُلِّ خَیرٍ أدخَلتَ فیهِ مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ وأخرِجنی مِن کُلِّ سوءٍ أخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وَالسَّلامُ عَلَیهِم ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَکاتُهُ . ثُمَّ قُل : اللّهُمَّ إنّی أدعوکَ کَما أمَرتَنی ، فَاستَجِب لی کَما وَعَدتَنی ثَلاثا . اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ قَلیلاً مِن کَثیرٍ مَعَ حاجَهٍ بی إلَیهِ عَظیمَهٍ وغِناکَ عَنهُ قَدیمٌ ، وهُوَ عِندی کَثیرٌ وهُوَ عَلَیکَ سَهلٌ یَسیرٌ ، فَامنُن عَلَیَ بِهِ إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ ، آمینَ رَبَّ العالَمینَ . (2)

.

1- .فی بحار الأنوار : «اللهم أعطِ» .
2- .مصباح المتهجّد : 623 / 700 ، تهذیب الأحکام : 3 / 121 ، الإقبال : 1 / 216 ، المصباح للکفعمی : 823 کلّها من دون إسنادٍ إلی المعصوم ، بحار الأنوار : 98 / 111 .

ه دعایی دیگر برای هر روزمصباح المتهجّد:نیز هر روز ، روزه دار ، این دعا را بخواند: «خداوندا ! از احسان تو ، بهترینش را می خواهم و همه احسان تو ، نیکوست. خداوندا ! من از تو ، همه احسان تو را می خواهم. خداوندا ! من از روزیِ تو ، فراگیرترینش را می خواهم و همه روزیِ تو ، فراگیر است. خداوندا ! من از تو ، همه روزیِ تو را می خواهم. خداوندا ! من از بخشش تو ، گواراترینش را می خواهم و همه بخشش تو ، گواراست. خداوندا ! من از تو ، همه بخشش تو را می خواهم. خداوندا ! من از خیر تو ، نزدیک ترینش را می خواهم و همه خیر تو ، نزدیک است. خداوندا ! من از تو همه خیر تو را می خواهم. خداوندا ! من از نیکی تو ، بهترینش را می خواهم و همه نیکی تو ، زیباست. خداوندا ! من از تو ، همه نیکی تو را می خواهم. خداوندا ! تو را به چیزی می خوانم که هر گاه تو را به آن بخوانم ، جوابم می دهی. پس ، خداوندا ! جوابم ده و بر بنده پسندیده و فرستاده برگزیده ات ، محمّد ، امین تو و مَحرم رازت (از میان همه آفریدگانت) و برگزیده ات (از میان بندگانت) و پیامبر راستین و محبوبت ، درود فرست ! و بر پیامبرت ، برگزیده از میان جهانیان ، بشارت دهنده بیم دهنده ، چراغ فروزان ، درود فرست و نیز بر خاندان او که نیکان و پاکان اند ، و بر فرشتگانت که آنان را ویژه خود گردانده و از بندگانت پوشانده ای، و بر پیامبرانت که صادقانه از تو خبر می دهند ، و بر فرستادگانت که آنان را مخصوص وحی خود ساخته ای و با رسالت های خودْ آنان را بر جهانیان برتری داده ای ، و بر بندگان شایسته ات که آنان را در رحمت خویش وارد کرده ای، [همان] پیشوایان هدایت یافته راهنما و دوستان پاک خود ، و بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و فرشته مرگ و «مالک» که نگهبان دوزخ است و «رضوان» که نگهبان بهشت است ، و بر روح القدس و روح الأمین و حاملانِ مقرّب عرشت و دو فرشته ای که بر من گماشته شده اند ؛ درودی که دوست داری آسمانیان و زمینیان ، آن گونه بر آنان درود فرستند: درودی پاک ، فراوان ، خجسته ، رشدیابنده ، آشکار ، پنهان ، نیکو ، و بافضیلت ، تا بدین وسیله ، برتریِ آنان را بر اوّلین و آخرین ، روشن سازی ! خداوندا ! به محمّد ، وسیله شرافت و فضیلت عطا کن و او را از سوی ما به بهترین پاداشی که به پیامبری از سوی امّتش می دهی ، پاداش ده ! خداوندا ! محمّد را که درود خدا بر او و خاندانش باد با هر رتبه ای، رتبه ای دیگر؛ و با هر وسیله ای، وسیله ای دیگر ؛ و با هر فضیلتی ، فضیلتی

بالاتر؛ و با هر شرافتی ، شرافتی دیگر عطا کن! روز قیامت ، محمّد و خاندانش را عطا کن بهترین چیزی را که به هر یک از اوّلین و آخرین ، عطا کرده ای! خداوندا! محمّد را که درود خدا بر او و خاندانش باد نزدیک ترینِ پیامبران به خودت از جهت جایگاه ، و وسیع ترینِ آنان در بهشت از جهت منزل ، و نزدیک ترینِ آنان از جهت وسیله ، قرار بده! او را اوّلین شفاعت کننده و اوّلین کسی که شفاعتش پذیرفته است و اوّلین گوینده و کامیاب ترین خواهنده ، قرار بده و او را به مقام پسندیده (مقام شفاعت) که مایه رشک اوّلین و آخرین است ، برسان ، ای مهربان ترینِ مهربانان! و از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و صدایم را بشنوی و دعایم را پاسخ دهی و از خطایم درگذری و ستم مرا ببخشی و خواسته ام را برآوری و نیازم را برطرف کنی و آنچه را وعده ام داده ای ، وفا کنی و لغزشم را ببخشایی و گناهانم را بیامرزی و جُرمم را عفو کنی و عملم را قبول کنی و از من روی نگردانی ، و مرا رحمت کنی نه عذاب ، و عافیتم بخشی نه بلا ، و پاکیزه ترین و وسیع ترین روزی را روزی ام کنی و نیز پروردگارا محرومم نسازی و بدهی ام را ادا کنی و بار [گناهم]را از دوشم برگیری و آنچه طاقتش را ندارم ، بر دوشم ننهی. سرورم! مرا در هر چیزی که محمّد و خاندان محمّد را در آن وارد کرده ای ، وارد ساز ، و از هر بدی که محمّد و خاندان محمّد را که درود و سلام و رحمت و برکات تو بر او و آنان باد از آن بیرون آورده ای ، بیرونم آور!». سپس بگو : «خداوندا! تو را می خوانم ، آن گونه که فرمانم داده ای. پس ، اجابتم کن ، آن گونه که وعده ام داده ای» (سه بار). «خداوندا! از تو اندکی از بسیار را می خواهم ، با آن که نیازم به تو بسیار بزرگ است و بی نیازیِ تو از آن ، دیرین است و آن خواسته نزد من ، بسیار ؛ ولی بر تو ، آسان و اندک است. پس با اجابت این خواسته ، بر من منّت بگذار! همانا تو بر هر چیز ، توانایی. آمین ، ای پروردگار جهانیان!».

.

ص: 458

. .

ص: 459

. .

3 / 5دُعاءُ الجَوشَنِ الكَبيرِالإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام: نَزَلَ جَبرَئيلُ عليه السلام عَلَى النَّبِيِ صلى الله عليه و آلهوهُوَ فى بَعضِ غَزَواتِهِ وعَلَيهِ جَوشَنٌ ثَقيلٌ آلَمَهُ ثِقلُهُ ، وقالَ : «يا مُحَمَّدُ رَبُّکَ يُقرِئُکَ السَّلَامَ ويَقولُ لَکَ : اِخلَع هذَا الجَوشَنَ وَاقرَأ هذَا الدُّعاءَ ، فَهُوَ أمانٌ لَکَ ولِاُمَّتِکَ ؛ فَمَن قَرَأهُ عِندَ خُروجِهِ مِن مَنزِلِهِ أو حَمَلَهُ ، حَفِظَهُ اللّهُ وأوجَبَ حَقَّهُ عَلَيهِ ، ووَفَّقَهُ اللّهُ تَعالى لِصالِحِ الأعمالِ ... . ومَن دَعا بِهِ بِنِيَّةٍ خالِصَةٍ فى أوَّلِ شَهرِ رَمَضانَ رَزَقَهُ اللّهُ تَعالى لَيلَةَ القَدرِ ، وخَلَقَ لَهُ سَبعينَ ألفَ مَلَکٍ يُسَبِّحونَ اللّهَ ويُقَدِّسونَهُ ، وجَعَلَ ثَوابَهُم لَهُ . [يا مُحَمَّدُ ، مَن دَعا بِهِ لَم يَبقَ بَينَهُ وبَينَ اللّهِ تَعالى حِجابٌ ، ولَم يَطلُب مِنَ اللّهِ تَعالى شَيئا إلاّ أعطاهُ] (1) ... . ومَن دَعا بِهِ فى شَهرِ رَمَضانَ ثَلاثَ مَرّاتٍ [أو مَرَّةً واحِدَةً] (2) حَرَّمَ اللّهُ تَعالى جَسَدَهُ عَلَى النّارِ ، وأوجَبَ لَهُ الجَنَّةَ ، وَوَكَّلَ اللّهُ بِهِ مَلَکَينِ يَحفَظانِهِ مِنَ المَعاصى ، وکانَ فى أمانِ اللّهِ طولَ حَياتِهِ ، يا مُحَمَّدُ ، ولا تُعَلِّمهُ إلاّ لِمُؤمِنٍ تَقِيٍ» . قالَ الحُسَينُ عليه السلام : أوصانى أبى عَلِيُ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام بِحِفظِ هذَا الدُّعاءِ وتَعظيمِهِ ، وأن أکتُبَهُ عَلى کَفَنِهِ ، وأن اُعَلِّمَهُ أهلى وأحُثَّهُم عَلَيهِ ، وهُوَ ألفُ اسمٍ وفيهِ الاِسمُ الأعظَمُ . 3

.

1- .ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .
2- .المصباح للكفعمى : 332 أورده فى الحاشيه ، بحار الأنوار : 94 / 382 وج 81 / 331 / 32 .

3 / 5دعای جوشن کبیرامام سجّاد علیه السلام به نقل از پدرش ، از جدّش علیهماالسلام :در یکی از جنگ ها که پیامبر خدا زره سنگینی در بر داشت و سنگینی آن آزارش می داد ، جبرئیل بر ایشان نازل شد و گفت: «ای محمّد! پروردگارت سلام می رساند و می فرماید: این زره را بر کن و این دعا را بخوان ، که برای تو و امّت تو ، مایه ایمنی است. هر کس آن را در هنگام بیرون آمدن از خانه بخواند یا با خود داشته باشد ، خداوندْ او را حفظ می کند و حقّ او را بر خود لازم می سازد و او را به کارهای شایسته موفّق می دارد ... . و هر کس با نیّت خالص ، آن را در آغاز ماه رمضان بخواند ، خداوند متعال ، شب قدر را روزی او می کند و برایش هفتاد هزار فرشته می آفریند که خدا را تسبیح می گویند و تقدیس می کنند و پاداش آنان را برای او قرار می دهد. ای محمّد! هر کس این دعا را بخواند ، میان او و خدای متعال ، حجابی نمی ماند و از خداوند ، چیزی درخواست نمی کند ، مگر آن که خدا آن را به وی عطا می کند ... . و هر کس آن را در ماه رمضان سه بار (1) [یا یک بار] بخواند ، خداوندْ بدن او را بر آتش ، حرام می کند و بهشت را برایش حتمی می سازد و دو فرشته بر او می گمارد که از گناهانْ نگاهش دارند و تا زنده است ، در امان خدا خواهد بود. ای محمّد! آن را جز به مؤمن پرهیزگار ، نیاموز». امام حسین علیه السلام فرمود: «پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام ، مرا به حفظ و بزرگداشت این دعا توصیه فرمود و نیز این که آن را بر کفن او بنویسم و آن را به خانواده ام بیاموزم و بر خواندنش تشویق کنم. این دعا ، هزار نام است و اسم اعظم ، در آن است».

.

1- .به نظر می رسد که این دعا ، مخصوص ماه رمضان نیست؛ لیکن بر خواندن آن در اوّل ماه رمضان ، همچنین سه بار خواندنش در این ماه ، تأکید شده است. از این رو ، دلیلی بر قرار دادن این دعا در اعمال شب های قدر نیست. البتّه علاّمه مجلسی در زاد المعاد (ص 176) چنین گفته است: «در برخی روایات ، خواندن دعای جوشن کبیر در هر یک از این سه شب ، آمده است» . گفتنی است که مرحوم شیخ عبّاس قمی در مفاتیح

الجنان می فرمایند : «در روایات ، چیزی نیست که به استحباب خواندن این دعا در شب های قدر اشاره کند ؛ لیکن سخن علاّمه مجلسی در زاد المعاد در این زمینه کافی است» . نگارنده گوید : بعید است که علاّمه مجلسی در این باره به روایت دیگری دست یافته باشد و به نظر می رسد که ایشان ، جمله : «هر کس آن را در ماه رمضان سه بار بخواند» را بر شب های قدر تطبیق کرده است که اشکال آن ، پوشیده نیست . روشن است که خواندن این دعا در شب های قدر ، به قصد قربت مطلق ، کاری پسندیده است ، همان گونه که در ایران معمول است.

المصباح للكفعمى :دُعاءُ الجَوشَنِ الكَبيرِ مَروِىٌ عَنِ النَّبِي صلي الله عليه و آله وهُوَ مِئَةُ فَصلٍ كُلُّ فَصلٍ عَشَرَهُ أسماءٍ ، وتَقولُ فى آخِرِ كُلِّ فَصلٍ مِنها : سُبحانَكَ يا لا إلهَ إلاّ أنتَ الغَوثَ الغَوثَ خَلِّصنا مِنَ النّارِ يا رَبِّ . الأَوَّل : اللّهُمَّ إنّى أسألُكَ بِاسمِكَ يا أللّهُ ، يا رَحمانُ ، يا رَحيمُ ، يا كَريمُ ، يا مُقيمُ ، يا عَظيمُ ، يا قَديمُ ، يا عَليمُ ، يا حَليمُ ، يا حَكيمُ . الثّانى : يا سَيِّدَ السّاداتِ ، يا مُجيبَ الدَّعَواتِ ، يا رافِعَ الدَّرَجاتِ ، يا وَلِىَ الحَسَناتِ ، يا غافِرَ الخَطيئاتِ ، يا مُعطِىَ المَسألاتِ ، يا قابِلَ التَّوباتِ ، يا سامِعَ الأَصواتِ ، يا عالِمَ الخَفِيّاتِ ، يا دافِعَ البَلِيّاتِ . الثّالِث : يا خَيرَ الغافِرينَ ، يا خَيرَ الفاتِحينَ ، يا خَيرَ النّاصِرينَ ، يا خَيرَ الحاكِمينَ ، يا خَيرَ الرّازِقينَ ، يا خَيرَ الوارِثينَ ، يا خَيرَ الحامِدينَ ، يا خَيرَ الذّاكِرينَ ، يا خَيرَ المُنزِلينَ ، يا خَيرَ المُحسِنينَ . الرّابِع : يا مَن لَهُ العِزَّهُ وَالجَمالُ ، يا مَن لَهُ القُدرَهُ وَالكَمالُ ، يا مَن لَهُ المُلكُ وَالجَلالُ ، يا مَن هُوَ الكَبيرُ المُتَعالِ ، يا مُنشِئَ السَّحابِ الثِّقالِ ، يا مَن هُوَ شَديدُ المِحالِ ، يا مَن هُوَ سَريعُ الحِسابِ ، يا مَن هُوَ شَديدُ العِقابِ ، يا مَن عِندَهُ حُسنُ الثَّوابِ ، يا مَن عِندَهُ اُمُّ الكِتابِ . الخامِس : اللّهُمَّ إنّى أسألُكَ بِاسمِكَ يا حَنّانُ ، يا مَنّانُ ، يا دَيّانُ ، يا بُرهانُ ، يا سُلطانُ ، يا رِضوانُ ، يا غُفرانُ ، يا سُبحانُ ، يا مُستَعانُ ، يا ذَا المَنِّ وَالبَيانِ . السّادِس : يا مَن تَواضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِعَظَمَتِهِ ، يا مَن استَسلَمَ كُلُّ شَىءٍ لِقُدرَتِهِ ، يا مَن ذَلَّ كُلُّ شَىءٍ لِعِزَّتِهِ ، يا مَن خَضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِهَيبَتِهِ ، يا مَن انقادَ كُلُّ شَىءٍ مِن خَشيَتِهِ ، يا مَن تَشَقَّقَتِ الجِبالُ مِن مَخافَتِهِ ، يا مَن قامَتِ السَّماواتُ بِأَمرِهِ ، يا مَن استَقَرَّتِ الأَرَضونَ بِإِذنِهِ ، يا مَن يُسَبِّحُ الرَّعدُ بِحَمدِهِ ، يا مَن لا يَعتَدى عَلى أَهلِ مَملَكَتِهِ . السّابِع : يا غافِرَ الخَطايا ، يا كاشِفَ البَلايا ، يا مُنتَهَى الرَّجايا ، يا مُجزِلَ العَطايا ، يا واهِبَ الهَدايا ، يا رازِقَ البَرايا ، يا قاضِىَ المَنايا ، يا سامِعَ الشَّكايا ، يا باعِثَ البَرايا ، يا مُطلِقَ الأُسارى . الثّامِن : يا ذَا الحَمدِ وَالثَّناءِ ، يا ذَا الفَخرِ وَالبَهاءِ يا ذَا المَجدِ وَالسَّناءِ ، يا ذَا العَهدِ وَالوَفاءِ ، يا ذَا العَفوِ وَالرِّضاءِ ، يا ذَا المَنِّ وَالعَطاءِ ، يا ذَا الفَضلِ (1) وَالقَضاءِ ، يا ذَا العِزِّ وَالبَقاءِ ، يا ذَا الجودِ وَالسَّخاءِ ، يا ذَا الآلاءِ وَالنَّعماءِ . التّاسِع : اللّهُمَّ إنّى أسألُكَ يا مانِعُ ، يا دافِعُ ، يا رافِعُ ، يا صانِعُ ، يا نافِعُ ، يا سامِعُ ، يا جامِعُ ، يا شافِعُ ، يا واسِعُ ، يا مُوَسِّعُ . العاشِر : يا صانِعَ كُلِّ مَصنوعٍ ، يا خالِقَ كُلِّ مَخلوقٍ ، يا رازِقَ كُلِّ مَرزوقٍ ، يا مالِكَ كُلِّ مَملوكٍ ، يا كاشِفَ كُلِّ مَكروبٍ ، يا فارِجَ كُلِّ مَهمومٍ ، يا راحِمَ كُلِّ مَرحومٍ ، يا ناصِرَ كُلِّ مَخذولٍ ، يا ساتِرَ كُلِّ مَعيوبٍ ، يا مَلجَأَ كُلِّ مَطرودٍ . الحادى عَشَر : يا عُدَّتى عِندَ شِدَّتى ، يا رَجائى عِندَ مُصيبَتى ، يا مُؤنِسى عِندَ وَحشَتى ، يا صاحِبى عِندَ غُربَتى ، يا وَلِيِّى عِندَ نِعمَتى ، يا غِياثى عِندَ كُربَتى ، يا دَليلى عِندَ حَيرَتى ، يا غِنائى عِندَ افتِقارى ، يا مَلجَئى عِندَ اضطِرارى ، يا

مُعينى عِندَ مَفزَعى . الثّانى عَشَر : يا عَلاّمَ الغُيوبِ ، يا غَفّارَ الذّنوبِ ، يا سَتّارَ العُيوبِ ، يا كاشِفَ الكُروبِ ، يا مُقَلِّبَ القُلوبِ ، يا طَبيبَ القُلوبِ ، يا مُنَوِّرَ القُلوبِ ، يا أنيسَ القُلوبِ ، يا مُفَرِّجَ الهُمومِ ، يا مُنَفِّسَ الغُمومِ . الثّالِث عَشَر : اللّهُمَّ إنّى أسألُكَ بِاسمِكَ يا جَليلُ ، يا جَميلُ ، يا وَكيلُ ، يا كَفيلُ ، يا دَليلُ ، يا قَبيلُ ، يا مُديلُ ، يا مُنيلُ ، يا مُقيلُ ، يا مُحيلُ . الرّابع عَشَر : يا دَليلَ المُتَحَيِّرينَ ، يا غِياثَ المُستَغيثينَ ، يا صَريخَ المُستَصرِخينَ ، يا جارَ المُستَجيرينَ ، يا أمانَ الخائِفينَ ، يا عَونَ المُؤمِنينَ ، يا راحِمَ المَساكينِ ، يا مَلجَأَ العاصينَ ، يا غافِرَ المُذنِبينَ ، يا مُجيبَ دَعوَهِ المُضطَرّينَ . الخامِس عَشَر : يا ذَا الجودِ وَالإحسانِ ، يا ذَا الفَضلِ وَالامتِنانِ ، يا ذَا الأمنِ وَالأمانِ ، يا ذَا القُدسِ وَالسُّبحانِ ، يا ذَا الحِكمَهِ وَالبَيانِ ، يا ذَا الرَّحمَهِ وَالرِّضوانِ ، يا ذَا الحُجَّهِ وَالبُرهانِ ، يا ذَا العَظَمَهِ وَالسُّلطانِ ، يا ذَا الرَّأفَهِ وَالمُستَعانِ ، يا ذَا العَفوِ وَالغُفرانِ . السّادِس عَشَر : يا مَن هُوَ رَبُّ كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ إلهُ كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ خالِقُ كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ صانِعُ كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ قَبلَ كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ بَعدَ كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ فَوقَ كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ عالِمٌ بِكُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ قادِرٌ عَلى كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن هُوَ يَبقى ويَفنى كُلُّ شَىءٍ . السّابِع عَشَر : اللّهُمَّ إنّى أسألُكَ بِاسمِكَ يا مُؤمِنُ ، يا مُهَيمِنُ ، يا مُكَوِّنُ ، يا مُلَقِّنُ ، يا مُبَيِّنُ ، يا مُهَوِّنُ ، يا مُمَكِّنُ ، يا مُزَيِّنُ ، يا مُعلِنُ ، يا مُقَسِّمُ . الثّامِن عَشَر : يا مَن هُوَ فى مُلكِهِ مُقيمٌ ، يا مَن هُوَ فى سُلطانِهِ قَديمٌ ، يا مَن هُوَ فى جَلالِهِ عَظيمٌ ، يا مَن هُوَ عَلى عِبادِهِ رَحيمٌ ، يا مَن هُوَ بِكُلِّ شَىءٍ عَليمٌ ، يا مَن هُوَ بِمَن عَصاهُ حَليمٌ ، يا مَن هُوَ بِمَن رَجاهُ كَريمٌ ، يا مَن هُوَ فى صُنعِهِ حَكيمٌ ، يا مَن هُوَ فى حِكمَتِهِ لَطيفٌ ، يا مَن هُوَ فى لُطفِهِ قَديمٌ . التّاسِع عَشَر : يا مَن لا يُرجى إلاّ فَضلُهُ ، يا مَن لا يُسألُ إلاّ عَفوُهُ ، يا مَن لا يُنظَرُ إلاّ بِرُّهُ ، يا مَن لا يُخافُ إلاّ عَدلُهُ ، يا مَن لا يَدومُ إلاّ مُلكُهُ ، يا مَن لا سُلطانَ إلاّ سُلطانُهُ ، يا مَن وَسِعَت كُلَّ شَىءٍ رَحمَتُهُ ، يا مَن سَبَقَت رَحمَتُهُ غَضَبَهُ ، يا مَن أحاطَ بِكُلِّ شَىءٍ عِلمُهُ ، يا مَن لَيسَ أحَدٌ مِثلَهُ . العِشرون : يا فارِجَ الهَمِّ ، يا كاشِفَ الغَمِّ ، يا غافِرَ الذَّنبِ ، يا قابِلَ التَّوبِ ، يا خالِقَ الخَلقِ ، يا صادِقَ الوَعدِ ، يا موفِىَ العَهدِ ، يا عالِمَ السِّرِّ ، يا فالِقَ الحَبِّ ، يا رازِقَ الأنامِ . الحادى وَالعِشرون: اللّهُمَّ إنّى أسألُكَ بِاسمِكَ يا عَلِىُ ، يا وَفِىُ ، يا غَنِىُ، يا مَلِىُ ، يا حَفِىٌّ ، يا رَضِىُ ، يا زَكِىُ ، يا بَدِىٌّ ، يا قَوِىُ ، يا وَلِىُ . الثّانى وَالعِشرون : يا مَن أظهَرَ الجَميلَ ، يا مَن سَتَرَ القَبيحَ ، يا مَن لَم يُؤاخِذ بِالجَريرَهِ ، يا مَن لَم يَهتِكِ السِّترَ ، يا عَظيمَ العَفوِ ، يا حَسَنَ التَّجاوُزِ ، يا واسِعَ المَغفِرَهِ ، يا باسِطَ اليَدَينِ بِالرَّحمَهِ ، يا صاحِبَ كُلِّ نَجوى ، يا مُنتَهى كُلِّ شَكوى . الثّالث والعِشرون : يا ذَا النِّعمَهِ السّابِغَهِ ، يا ذَا الرَّحمَهِ الواسِعَهِ ، يا ذَا المِنَّهِ السّابِقَهِ ، يا ذَا الحِكمَهِ البالِغَهِ ، يا ذَا القُدرَهِ الكامِلَهِ ، يا ذَا الحُجَّهِ القاطِعَهِ ، يا ذَا الكَرامَهِ الظّاهِرَهِ ، يا ذَا العِزَّهِ الدّائِمَهِ ، يا ذَا القُوَّهِ المَتينَهِ ، يا ذَا العَظَمَهِ المَنيعَهِ . الرّابِع والعِشرون : يا بَديعَ السَّماواتِ ، يا جاعِلَ

الظُّلَماتِ ، يا راحِمَ العَبَراتِ ، يا مُقيلَ العَثَراتِ ، يا ساتِرَ العَوراتِ ، يا مُحيِيَ الأَمواتِ ، يا مُنزِلَ الآياتِ ، يا مُضَعِّفَ الحَسَناتِ ، يا ماحِيَ السَّيِّئاتِ ، يا شَديدَ النَّقِماتِ . الخامِس وَالعِشرون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا مُصَوِّرُ ، يا مُقَدِّرُ ، يا مُدَبِّرُ ، يا مُطَهِّرُ ، يا مُنَوِّرُ ، يا مُيَسِّرُ ، يا مُبَشِّرُ ، يا مُنذِرُ ، يا مُقَدِّمُ ، يا مُؤَخِّرُ . السّادِس وَالعِشرون : يا رَبَّ البَيتِ الحَرامِ ، يا رَبَّ الشَّهرِ الحَرام ، يا رَبَّ البَلَدِ الحَرامِ ، يا رَبَّ الرُّكنِ وَالمَقامِ ، يا رَبَّ المَشعَرِ الحَرامِ ، يا رَبَّ المَسجِدِ الحَرامِ ، يا رَبَّ الحِلِّ وَالحَرامِ ، يا رَبَّ النّورِ وَالظَّلامِ ، يا رَبَّ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ ، يا رَبَّ القُدرَةِ فِى الأَنامِ . السّابِع وَالعِشرون : يا أَحكَمَ الحاكِمينَ ، يا أعدَلَ العادِلينَ ، يا أصدَقَ الصّادِقينَ ، يا أطهَرَ الطّاهِرينَ ، يا أحسَنَ الخالِقينَ ، يا أسرَعَ الحاسِبينَ ، يا أسمَعَ السّامِعينَ ، يا أبصَرَ النّاظِرينَ ، يا أشفَعَ الشّافِعينَ ، يا أكرَمَ الأكرَمينَ . الثّامِن وَالعِشرون : يا عِمادَ مَن لا عِمادَ لَهُ ، يا سَنَدَ مَن لا سَنَدَ لَهُ ، يا ذُخرَ مَن لا ذُخرَ لَهُ ، يا حِرزَ مَن لا حِرزَ لَهُ ، يا غِياثَ مَن لا غِياثَ لَهُ ، يا فَخرَ مَن لا فَخرَ لَهُ ، يا عِزَّ مَن لا عِزَّ لَهُ ، يا مُعينَ مَن لا مُعينَ لَهُ ، يا أنيسَ مَن لا أنيسَ لَهُ ، يا أمانَ مَن لا أمانَ لَهُ . التّاسِع وَالعِشرون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا عاصِمُ ، يا قائِمُ ، يا دائِمُ ، يا راحِمُ ، يا سالِمُ ، يا حاكِمُ ، يا عالِمُ ، يا قاسِمُ ، يا قابِضُ ، يا باسِطُ . الثَّلاثون : يا عاصِمَ مَنِ استَعصَمَهُ ، يا راحِمَ مَنِ استَرحَمَهُ ، يا غافِرَ مَنِ استَغفَرَهُ ، يا ناصِرَ مَنِ استَنصَرَهُ ، يا حافِظَ مَنِ استَحفَظَهُ ، يا مُكرِمَ مَنِ استَكرَمَهُ ، يا مُرشِدَ مَنِ استَرشَدَهُ ، يا صَريخَ مَنِ استَصرَخَهُ ، يا مُعينَ مَنِ استَعانَهُ ، يا مُغيثَ مَنِ استَغاثَهُ . الحادى وَالثَّلاثون : يا عَزيزا لا يُضامُ ، يا لَطيفا لا يُرامُ ، يا قَيّوما لا يَنامُ ، يا دائِما لا يَفوتُ ، يا حَيّا لا يَموتُ ، يا مَلِكا لا يَزولُ ، يا باقِيا لا يَفنى ، يا عالِما لا يَجهَلُ يا صَمَدا لا يُطعَمُ ، يا قَوِيّا لا يُضعَفُ . الثّانى وَالثَّلاثون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا أَحَدُ ، يا واحِدُ ، يا شاهِدُ ، يا ماجِدُ ، يا حامِدُ ، يا راشِدُ ، يا باعِثُ ، يا وارِثُ ، يا ضارُّ ، يا نافِعُ . الثّالِث وَالثَّلاثون : يا أعظَمَ مِن كُلِّ عَظيم ، يا أكرَمَ مِن كُلِّ كَريم ، يا أرحَمَ مِن كُلِّ رَحيم ، يا أعلَمَ مِن كُلِّ عَليم ، يا أحكَمَ مِن كُلِّ حَكيم ، يا أقدَمَ مِن كُلِّ قَديم ، يا أكبَرَ مِن كُلِّ كَبير ، يا ألطَفَ مِن كُلِّ لَطيف ، يا أجَلَّ مِن كُلِّ جَليل ، يا أعَزَّ مِن كُلِّ عَزيز . الرّابِع وَالثَّلاثون : يا كَريمَ الصَّفحِ ، يا عَظيمَ المَنِّ ، يا كَثيرَ الخَيرِ ، يا قَديمَ الفَضلِ ، يا دائِمَ اللُّطفِ ، يا لَطيفَ الصُّنعِ ، يا مُنَفِّسَ الكَربِ ، يا كاشِفَ الضُّرِّ ، يا مالِكَ المُلكِ ، يا قاضِىَ الحَقِّ . الخامِس وَالثَّلاثون : يا مَن هُوَ فى عَهدِهِ وَفِىٌّ ، يا مَن هُوَ فى وَفائِهِ قَوِىٌّ ، يا مَن هُوَ فى قُوَّتِهِ عَلِىٌّ ، يا مَن هُوَ فى عُلُوِّهِ قَريبٌ ، يا مَن هُوَ فى قُربِهِ لَطيفٌ ، يا مَن هُوَ فى لُطفِهِ شَريفٌ ، يا مَن هُوَ فى شَرَفِهِ عَزيزٌ ، يا مَن هُوَ فى عِزِّهِ عَظيمٌ ، يا مَن هُوَ فى عَظَمَتِهِ مَجيدٌ ، يا مَن هُوَ فى مَجدِهِ حَميدٌ . السّادِس وَالثَّلاثون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا كافى ، يا شافى ، يا وافى ، يا مُعافى ، يا هادى ، يا داعى ، يا قاضى ، يا راضِى ، يا عالى ، يا باقى . السّابِع وَالثَّلاثون : يا مَن كُلُّ شَىءٍ خاضِعٌ لَهُ ، يا

مَن كُلّ شَىءٍ خاشِعٌ لَهُ ، يا مَن كُلّ شَىءٍ كائِنٌ لَهُ ، يا مَن كُلّ شَىءٍ مَوجودٌ بِهِ ، يا مَن كُلُّ شَىءٍ مُنيبٌ إلَيهِ ، يا مَن كُلُّ شَىءٍ خائِفٌ مِنهُ ، يا مَن كُلُّ شَىءٍ قائِمٌ بِهِ ، يا مَن كُلُّ شَىءٍ صائِرٌ إلَيهِ ، يا مَن كُلُّ شَىءٍ يُسَبِّحُ بِحَمدِهِ ، يا مَن كُلُّ شَىءٍ هالِكٌ إلاّ وَجهَهُ . الثّامِن وَالثَّلاثون : يا مَن لا مَفَرَّ إلاّ إلَيهِ ، يا مَن لا مَفزَعَ إلاّ إلَيهِ ، يا مَن لا مَقصَدَ إلاّ إلَيهِ ، يا مَن لا مَنجى مِنهُ إلاّ إلَيهِ ، يا مَن لا يُرغَبُ إلاّ إلَيهِ ، يا مَن لا حَولَ ولا قُوَّةَ إلاّ بِهِ ، يا مَن لا يُستَعانُ إلاّ بِهِ ، يا مَن لا يُتَوَكَّلُ إلاّ عَلَيهِ ، يا مَن لا يُرجى إلاّ هُوَ ، يا مَن لا يُعبَدُ إلاّ إيّاهُ . التّاسِع وَالثَّلاثون : يا خَيرَ المَرهوبينَ ، يا خَيرَ المَرغوبينَ ، يا خَيرَ المَطلوبينَ ، يا خَيرَ المَسؤولينَ ، يا خَيرَ المَقصودينَ ، يا خَيرَ المَذكورينَ ، يا خَيرَ المَشكورينَ ، يا خَيرَ المَحبوبينَ ، يا خَيرَ المَدعُوّينَ ، يا خَيرَ المُستَأنِسينَ . الأَربَعون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِاسمِكَ يا غافِرُ ، يا ساتِرُ ، يا قادِرُ ، يا قاهِرُ ، يا فاطِرُ ، يا كاسِرُ ، يا جابِرُ ، يا ذاكِرُ ، يا ناظِرُ ، يا ناصِرُ . الحادى وَالأَربَعون : يا مَن خَلَقَ فَسَوّى ، يا مَن قَدَّرَ فَهَدى ، يا مَن يَكشِفُ البَلوى ، يا مَن يَسمَعُ النَّجوى ، يا مَن يُنقِذُ الغَرقى ، يا مَن يُنَجّى الهَلكى ، يا مَن يَشفِى المَرضى ، يا مَن أضحَكَ وأبكى ، يا مَن أماتَ وأحيا ، يا مَن خَلَقَ الزَّوجَينِ الذَّكَرَ وَالأُنثى . الثّانى وَالأَربَعون : يا مَن فِى البَرِّ وَالبَحرِ سَبيلُهُ ، يا مَن فِى الآفاقِ آياتُهُ ، يا مَن فِى الآياتِ بُرهانُهُ ، يا مَن فِى المَماتِ قُدرَتُهُ ، يا مَن فِى القُبورِ عِبرَتُهُ ، يا مَن فِى القِيامَهِ مُلكُهُ ، يا مَن فِى الحِسابِ هَيبَتُهُ ، يا مَن فِى الميزانِ قَضاؤُهُ ، يا مَن فِى الجَنَّهِ ثَوابُهُ ، يا مَن فِى النّارِ عِقابُهُ . الثّالِث وَالأَربَعون : يا مَن إلَيهِ يَهرَبُ الخائِفونَ ، يا مَن إلَيهِ يَفزَعُ المُذنِبونَ ، يا مَن إلَيهِ يَقصُدُ المُنيبونَ ، يا مَن إلَيهِ يَرغَبُ الزّاهِدونَ ، يا مَن إلَيهِ يَلجَأُ المُتَحَيِّرونَ ، يا مَن بِهِ يَستَأنِسُ المُريدونَ (2) ، يا مَن بِهِ يَفتَخِرُ المُحِبّونَ ، يا مَن فى عَفوِهِ يَطمَعُ الخاطِئونَ (3) يا مَن إلَيهِ يَسكُنُ المُوقِنونَ ، يا مَن عَلَيهِ يَتَوَكَّلُ المُتَوَكِّلونَ . الرّابِع وَالأَربَعون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِاسمِكَ يا حَبيبُ ، يا طَبيبُ ، يا قَريبُ ، يا رَقيبُ ، يا حَسيبُ ، يا مُهيبُ ، يا مُثيبُ ، يا مُجيبُ ، يا خَبيرُ ، يا بَصيرُ . الخامِس وَالأَربَعون : يا أقرَبَ مِن كُلِّ قَريبٍ ، يا أحَبَّ مِن كُلِّ حَبيبٍ ، يا أبصَرَ مِن كُلِّ بَصيرٍ ، يا أخبَرَ مِن كُلِّ خَبيرٍ ، يا أشرَفَ مِن كُلِّ شَريفٍ ، يا أرفَعَ مِن كُلِّ رَفيعٍ ، يا أقوى مِن كُلِّ قَوِىٍّ ، يا أغنى مِن كُلِّ غَنِىٍّ ، يا أجوَدَ مِن كُلِّ جَوادٍ ، يا أرأفَ مِن كُلِّ رَؤوفٍ . السّادِس وَالأَربَعون : يا غالِبا غَيرَ مَغلوبٍ ، يا صانِعا غَيرَ مَصنوعٍ ، يا خالِقا غَيرَ مَخلوقٍ ، يا مالِكا غَيرَ مَملوكٍ ، يا قاهِرا غَيرَ مَقهورٍ ، يا رافِعا غَيرَ مَرفوعٍ ، يا حافِظا غَيرَ مَحفوظٍ ، يا ناصِرا غَيرَ مَنصورٍ ، يا شاهِدا غَيرَ غائِبٍ ، يا قَريبا غَيرَ بَعيدٍ . السّابِع والأَربَعون : يا نورَ النّورِ ، يا مُنَوِّرَ النّورِ ، يا خالِقَ النّورِ ، يا مُدَبِّرَ النّورِ ، يا مُقَدِّرَ النّورِ ، يا نورَ كُلِّ نورٍ ، يا نورا قَبلَ كُلِّ نورٍ ، يا نورا بَعدَ كُلِّ نورٍ ، يا نورا فَوقَ كُلِّ نورٍ ، يا نورا لَيسَ كَمِثلِهِ نورٌ . الثّامِن وَالأَربَعون : يا مَن عَطاؤُهُ شَريفٌ ، يا مَن فِعلُهُ لَطيفٌ ، يا مَن لُطفُهُ مُقيمٌ ، يا مَن إحسانُهُ قَديمٌ ، يا مَن قَولُهُ حَقٌّ ، يا مَن وَعدُهُ صِدقٌ ، يا مَن عَفوُهُ فَضلٌ ،

يا مَن عَذابُهُ عَدلٌ ، يا مَن ذِكرُهُ حُلوٌ ، يا مَن فَضلَهُ عَميمٌ . التّاسِع وَالأربَعون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا مُسَهِّلُ ، يا مُفَضِّلُ ، يا مُبَدِّلُ ، يا مُذَلِّلُ ، يا مُنَزِّلُ ، يا مُنَوِّلُ ، يا مُفَصِّلُ ، يا مُجزِلُ ، يا مُمهِلُ ، يا مُجمِلُ . الخَمسون : يا مَن يَرى ولا يُرى ، يا مَن يَخلُقُ ولا يُخلَقُ ، يا مَن يَهدى ولا يُهدى ، يا مَن يُحيى ولا يُحيا ، يا مَن يُسأَلُ ولا يَسأَلُ ، يا مَن يُطعِمُ ولا يُطعَمُ ، يا مَن يُجيرُ ولا يُجارُ عَلَيهِ ، يا مَن يَقضى ولا يُقضى عَلَيهِ ، يا مَن يَحكُمُ ولا يُحكَمُ عَلَيهِ ، يا مَن لَم يَلِد ولَم يولَد ولَم يَكُن لَهُ كُفُوا أحَدٌ . الحادى وَالخَمسون : يا نِعمَ الحَسيبِ ، يا نِعمَ الطَّبيبِ ، يا نِعمَ الرَّقيبِ ، يا نِعمَ القَريبِ ، يا نِعمَ المُجيبِ ، يا نِعمَ الحَبيبِ ، يا نِعمَ الكَفيلِ ، يا نِعمَ الوَكيلِ ، يا نِعمَ المَولى ، يا نِعمَ النَّصيرِ . الثّانى وَالخَمسون : يا سُرورَ العارِفينَ ، يا مُنَى المُحِبّينَ ، يا أنيسَ المُريدينَ ، يا حَبيبَ التَّوّابينَ ، يا رازِقَ المُقِلّينَ ، يا رَجاءَ المَدينينَ (4) ، يا قُرَّةَ عَينِ العابِدينَ ، يا مُنَفِّسا عَنِ المَكروبينَ ، يا مُفَرِّجا عَنِ المَغمومينَ ، يا إلهَ الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ . الثّالِث وَالخَمسون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا رَبَّنا ، يا إلهَنا ، يا سَيِّدَنا ، يا مَولانا ، يا ناصِرَنا ، يا حافِظَنا ، يا دَليلَنا ، يا مُعينَنا ، يا حَبيبَنا ، يا طَبيبَنا . الرّابِع وَالخَمسون : يا رَبَّ النَّبِيّينَ وَالأبرارِ ، يا رَبَّ الصِّدّيقينَ وَالأخيارِ ، يا رَبَّ الجَنَّةِ وَالنّارِ ، يا رَبَّ الصِّغارِ وَالكِبارِ ، يا رَبَّ الحُبوبِ وَالثِّمارِ ، يا رَبَّ الأَنهارِ وَالأَشجارِ ، يا رَبَّ الصَّحارى وَالقِفارِ ، يا رَبَّ البَرارى وَالبِحارِ ، يا رَبَّ اللَّيلِ وَالنَّهارِ ، يا رَبَّ الإعلانِ وَالإسرارِ . الخامِس وَالخَمسون : يا مَن نَفَذَ فى كُلِّ شَىءٍ أمرُهُ ، يا مَن لَحِقَ بِكُلِّ شَىءٍ عِلمُهُ ، يا مَن بَلَغَت إلى كُلِّ شَىءٍ قُدرَتُهُ ، يا مَن لا تُحصِى العِبادُ نِعَمَهُ ، يا مَن لا تَبلُغُ الخَلائِقُ شُكرَهُ ، يا مَن لا تُدرِکُ الأفهامُ جَلالَهُ ، يا مَن لا تَنالُ الأوهامُ كُنهَهُ ، يا مَن العَظَمَهُ وَالكِبرِياءُ رِداؤُهُ ، يا مَن لا تَرُدُّ العِبادُ قَضاءَهُ ، يا مَن لا مُلکَ إلاّ مُلکُهُ ، يا مَن لا عَطاءَ إلاّ عَطاؤُهُ . السّادِس وَالخَمسون : يا مَن لَهُ المَثَلُ الأَعلى ، يا مَن لَهُ الصِّفاتُ العُليا ، يا مَن لَهُ الآخِرَهُ وَالأُولى ، يا مَن لَهُ جَنَّهُ المَأوى ، يا مَن لَهُ الآياتُ الكُبرى ، يا مَن لَهُ الأَسماءُ الحُسنى ، يا مَن لَهُ الحُكمُ وَالقَضاءُ ، يا مَن لَهُ الهَواءُ وَالفَضاءُ يا مَن لَهُ العَرشُ وَالثَّرى ، يا مَن لَهُ السَّماواتُ العُلى . السّابِع وَالخَمسون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا عَفُوُّ ، يا غَفورُ ، يا صَبورُ ، يا شَكورُ ، يا رَؤوفُ ، يا عَطوفُ ، يا مَسؤولُ ، يا وَدودُ ، يا سُبّوحُ ، يا قُدّوسُ . الثّامِن وَالخَمسون : يا مَن فِى السَّماواتِ (5) عَظَمَتُهُ ، يا مَن فِى الأَرضِ آياتُهُ ، يا مَن فى كُلِّ شَىءٍ دَلائِلُهُ ، يا مَن فِى البِحارِ عَجائِبُهُ ، يا مَن فِى الجِبالِ خَزائِنُهُ ، يا مَن يَبدَأُ الخَلقَ ثُمَّ يُعيدُهُ ، يا مَن إلَيهِ يَرجِعُ الأَمرُ كُلُّهُ ، يا مَن أظهَرَ فى كُلِّ شَىءٍ لُطفَهُ ، يا مَن أحسَنَ كُلَّ شَىءٍ خَلَقَهُ ، يا مَن تُصَرَّفُ فِى الخَلائِقِ قُدرَتُهُ . التّاسِع وَالخَمسون : يا حَبيبَ مَن لا حَبيبَ لَهُ ، يا طَبيبَ مَن لا طَبيبَ لَهُ ، يا مُجيبَ مَن لا مُجيبَ لَهُ ، يا شَفيقَ مَن لا شَفيقَ لَهُ ، يا رَفيقَ مَن لا رَفيقَ لَهُ ، يا مُغيثَ مَن لا مُغيثَ لَهُ ، يا دَليلَ مَن لا دَليلَ لَهُ ، يا أنيسَ مَن لا أنيسَ لَهُ ، يا راحِمَ مَن لا راحِمَ لَهُ ، يا صاحِبَ مَن لا

صاحِبَ لَهُ . السِّتّون : يا كافِيَ مَنِ استَكفاهُ ، يا هادِيَ مَنِ استَهداهُ ، يا كالِئَ مَنِ استَكلاهُ ، يا راعِيَ مَنِ استَرعاهُ ، يا شافِيَ مَنِ استَشفاهُ ، يا قاضِيَ مَنِ استَقضاهُ ، يا مُغنِيَ مَنِ استَغناهُ ، يا موفِيَ مَنِ استَوفاهُ ، يا مُقَوِّيَ مَنِ استَقواهُ ، يا وَلِيَ مَنِ استَولاهُ . الحادى وَالسِّتّون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا خالِقُ يا رازِقُ ، يا ناطِقُ يا صادِقُ ، يا فالِقُ يا فارِقُ ، يا فاتِقُ يا راتِقُ ، يا سابِقُ يا سامِقُ . الثّانى وَالسِّتّون : يا مَن يُقَلِّبُ اللَّيلَ وَالنَّهارَ ، يا مَن جَعَلَ الظُّلُماتِ وَالأَنوارَ ، يا مَن خَلَقَ الظِّلَّ وَالحَرورَ ، يا مَن سَخَّرَ الشَّمسَ وَالقَمَرَ ، يا مَن قَدَّرَ الخَيرَ وَالشَّرَّ ، يا مَن خَلَقَ المَوتَ وَالحَياةَ ، يا مَن لَهُ الخَلقُ وَالأَمرُ ، يا مَن لَم يَتَّخِذ صاحِبَةً ولا وَلَدا ، يا مَن لَيسَ لَهُ شَريکٌ فِى المُلکِ ، يا مَن لَم يَکُن لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ . الثّالِثُ وَالسِّتّون : يا مَن يَعلَمُ مُرادَ المُريدينَ ، يا مَن يَعلَمُ ضَميرَ الصّامِتينَ ، يا مَن يَسمَعُ أنينَ الواهِنينَ ، يا مَن يَرى بُکاءَ الخائِفينَ ، يا مَن يَملِکُ حَوائِجَ السّائِلينَ ، يا مَن يَقبَلُ عُذرَ التّائِبينَ ، يا مَن لا يُصلِحُ عَمَلَ (6) المُفسِدينَ ، يا مَن لا يُضيعُ أجرَ المُحسِنينَ ، يا مَن لا يَبعُدُ عَن قُلوبِ العارِفينَ ، يا أجوَدَ الأَجوَدينَ . الرّابِعُ وَالسِّتّون : يا دائِمَ البَقاءِ ، يا سامِعَ الدُّعاءِ ، يا واسِعَ العَطاءِ ، يا غافِرَ الخَطاءِ ، يا بَديعَ السَّماءِ ، يا حَسَنَ البَلاءِ ، يا جَميلَ الثَّناءِ ، يا قَديمَ السَّناءِ ، يا کَثيرَ الوَفاءِ ، يا شَريفَ الجَزاءِ . الخامِسُ وَالسِّتّون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا سَتّارُ يا غَفّارُ ، يا قَهّارُ يا جَبّارُ ، يا صَبّارُ يا بارُّ ، يا مُختارُ يا فَتّاحُ ، يا نَفّاحُ يا مُرتاحُ . السّادِسُ وَالسِّتّون : يا مَن خَلَقَنى وسَوّانى ، يا مَن رَزَقَنى ورَبّانى ، يا مَن أطعَمَنى وسَقانى ، يا مَن قَرَّبَنى وأدنانى ، يا مَن عَصَمَنى وکَفانى ، يا مَن حَفِظَنى وکَلانى ، يا مَن أعَزَّنى وأغنانى ، يا مَن وَفَّقَنى وهَدانى ، يا مَن آنَسَنى وآوانى ، يا مَن أماتَنى وأحيانى . السّابِع وَالسِّتّون : يا مَن يُحِقُّ الحَقَّ بِکَلِماتِهِ ، يا مَن يَقبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبادِهِ ، يا مَن يَحولُ بَينَ المَرءِ وقَلبِهِ ، يا مَن لا تَنفَعُ الشَّفاعَةُ إلاّ بِإذنِهِ ، يا مَن هُوَ أعلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبيلِهِ ، يا مَن لا مُعَقِّبَ لِحُکمِهِ ، يا مَن لا رادَّ لِقَضائِهِ ، يا مَن انقادَ کُلُّ شَىءٍ لِأَمرِهِ ، يا مَنِ السَّماواتُ مَطوِيّاتٌ بِيَمينِهِ ، يا مَن يُرسِلُ الرِّياحَ بُشرا بَينَ يَدَى رَحمَتِهِ . الثّامِنُ وَالسِّتّون : يا مَن جَعَلَ الأَرضَ مِهادا ، يا مَن جَعَلَ الجِبالَ أوتادا ، يا مَن جَعَلَ الشَّمسَ سِراجا ، يا مَن جَعَلَ القَمَرَ نورا ، يا مَن جَعَلَ اللَّيلَ لِباسا ، يا مَن جَعَلَ النَّهارَ مَعاشا ، يا مَن جَعَلَ النَّومَ سُباتا ، يا مَن جَعَلَ السَّماءَ بِناءً ، يا مَن جَعَلَ الأَشياءَ أزواجا ، يا مَن جَعَلَ النّارَ مِرصادا . التّاسِعُ وَالسِّتّون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ يا سَميعُ يا شَفيعُ ، يا رَفيعُ يا مَنيعُ ، يا سَريعُ يا بَديعُ ، يا کَبيرُ يا قَديرُ ، يا خَبيرُ يا مُجيرُ . السَّبعون : يا حَيّا قَبلَ کُلِّ حَيٍ ، يا حَيّا بَعدَ کُلِّ حَيٍ ، يا حَىُّ الَّذى لَيسَ کَمِثلِهِ حَىٌ ، يا حَىُ الَّذى لا يُشارِکُهُ حَىٌ ، يا حَىُ الَّذى لا يَحتاجُ إلى حَيٍ ، يا حَىُ الَّذى يُميتُ کُلَّ حَىٍّ ، يا حَىُ الَّذى يَرزُقُ کُلَّ حَيٍ ، يا حَيّا لَم يَرِثِ الحَياةَ مِن حَيٍ ، يا حَىُ الَّذى يُحيِى المَوتى ، يا حَىُ يا قَيّومُ لا تَأخُذُهُ سِنَةٌ ولا نَومٌ . الحادى وَالسَّبعون : يا مَن لَهُ ذِکرٌ لا يُنسى ، يا مَن لَهُ نورٌ لا يُطفى ، يا مَن لَهُ

نِعَمٌ لا تُعَدُّ ، يا مَن لَهُ مُلكٌ لا يَزولُ ، يا مَن لَهُ ثَناءٌ لا يُحصى ، يا مَن لَهُ جَلالٌ لا يُكَيَّفُ ، يا مَن لَهُ كَمالٌ لا يُدرَكُ ، يا مَن لَهُ قَضاءٌ لا يُرَدُّ ، يا مَن لَهُ صِفاتٌ لا تُبَدَّلُ ، يا مَن لَهُ نُعوتٌ لا تُغَيَّرُ . الثّانى وَالسَّبعون : يا رَبَّ العالَمينَ ، يا مالِكَ يَومِ الدّينِ ، يا غايَةَ الطّالِبينَ ، يا ظَهرَ اللاّجِئينَ ، يا مُدرِكَ الهارِبينَ ، يا مَن يُحِبُّ الصّابِرينَ ، يا مَن يُحِبُّ التَّوّابينَ ، يا مَن يُحِبُّ المُتَطَهِّرينَ ، يا مَن يُحِبُّ المُحسِنينَ ، يا مَن هُوَ أعلَمُ بِالمُهتَدينَ . الثّالِثُ وَالسَّبعون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِاسمِكَ يا شَفيقُ يا رَفيقُ ، يا حَفيظُ يا مُحيطُ ، يا مُقيتُ يا مُغيثُ ، يا مُعِزُّ يا مُذِلُّ ، يا مُبدِئُ يا مُعيدُ . الرّابِعُ وَالسَّبعون : يا مَن هُوَ أحَدٌ بِلا ضِدٍّ ، يا مَن هُوَ فَردٌ بِلا نِدٍّ ، يا مَن هُوَ صَمَدٌ بِلا عَيبٍ ، يا مَن هُوَ وَترٌ بِلا كَيفٍ ، يا مَن هُوَ قاضٍ بِلا حَيفٍ ، يا مَن هُوَ رَبٌّ بِلا وَزيرٍ ، يا مَن هُوَ عَزيزٌ بِلا ذُلٍّ ، يا مَن هُوَ غَنِيٌّ بِلا فَقرٍ ، يا مَن هُوَ مَلِكٌ بِلا عَزلٍ ، يا مَن هُوَ مَوصوفٌ بِلا شَبيهٍ . الخامِسُ وَالسَّبعون : يا مَن ذِكرُهُ شَرَفٌ لِلذّاكِرينَ ، يا مَن شُكرُهُ فَوزٌ لِلشّاكِرينَ ، يا مَن حَمدُهُ عِزٌّ لِلحامِدينَ ، يا مَن طاعَتُهُ نَجاةٌ لِلمُطيعينَ ، يا مَن بابُهُ مَفتوحٌ لِلطّالِبينَ ، يا مَن سَبيلُهُ واضِحٌ لِلمُنيبينَ ، يا مَن آياتُهُ بُرهانٌ لِلنّاظِرينَ ، يا مَن كِتابُهُ تَذكِرَةٌ لِلمُتَّقينَ ، يا مَن رِزقُهُ عُمومٌ لِلطّائِعينَ وَالعاصينَ ، يا مَن رَحمَتُهُ قَريبٌ مِنَ المُحسِنينَ . السّادِسُ وَالسَّبعون : يا مَن تَبارَكَ اسمُهُ ، يا مَن تَعالى جَدُّهُ ، يا مَن لا إلهَ غَيرُهُ ، يا مَن جَلَّ ثَناؤُهُ ، يا مَن تَقَدَّسَت أسماؤُهُ ، يا مَن يَدومُ بَقاؤُهُ ، يا مَن العَظَمَةُ بَهاؤُهُ ، يا مَن الكِبرِياءُ رِداؤُهُ ، يا مَن لا تُحصى آلاؤُهُ ، يا مَن لا تُعَدُّ نَعماؤُهُ . السّابِعُ وَالسَّبعون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِاسمِكَ يا مُعينُ يا أمينُ ، يا مُبينُ يا مَتينُ ، يا مَكينُ يا رَشيدُ ، يا حَميدُ يا مَجيدُ ، يا شَديدُ يا شَهيدُ . الثّامِنُ وَالسَّبعون : يا ذَا العَرشِ المَجيدِ ، يا ذَا القَولِ السَّديدِ ، يا ذَا الفِعلِ الرَّشيدِ ، يا ذَا البَطشِ الشَّديدِ ، يا ذَا الوَعدِ وَالوَعيدِ ، يا مَن هُوَ الوَلِيُ الحَميدُ ، يا مَن هُوَ فَعّالٌ لِما يُريدُ ، يا مَن هُوَ قَريبٌ غَيرُ بَعيدٍ ، يا مَن هُوَ عَلى كُلِّ شَيءٍ شَهيدٌ ، يا مَن هُوَ لَيسَ بِظَلّامٍ لِلعَبيدِ . التّاسِعُ وَالسَّبعون : يا مَن لا شَريكَ لَهُ ولا وَزيرَ ، يا مَن لا شَبيهَ لَهُ ولا نَظيرَ ، يا خالِقَ الشَّمسِ وَالقَمَرِ المُنيرِ ، يا مُغنِيَ البائِسِ الفَقيرِ ، يا رازِقَ الطِّفلِ الصَّغيرِ ، يا راحِمَ الشَّيخِ الكَبيرِ ، يا جابِرَ العَظمِ الكَسيرِ ، يا عِصمَةَ الخائِفِ المُستَجيرِ ، يا مَن هُوَ بِعِبادِهِ خَبيرٌ بَصيرٌ ، يا مَن هُوَ عَلَى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ . الثَّمانون : يا ذَا الجُودِ وَالنِّعَمِ ، يا ذَا الفَضلِ وَالكَرَمِ ، يا خالِقَ اللَّوحِ وَالقَلَمِ ، يا بارِئَ الذَّرِّ وَالنَّسَمِ ، يا ذَا البَأسِ وَالنِّقَمِ ، يا مُلهِمَ العَرَبِ وَالعَجَمِ ، يا كاشِفَ الضُّرِّ وَالأَلَمِ ، يا عالِمَ السِّرِّ وَالهِمَمِ ، يا رَبَّ البَيتِ وَالحَرَمِ ، يا مَن خَلَقَ الأشياءَ مِنَ العَدَمِ . الحادى وَالثَّمانون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِاسمِكَ يا فاعِلُ يا جاعِلُ ، يا قابِلُ يا كامِلُ ، يا فاضِلُ يا فاصِلُ (7) ، يا عادِلُ يا غالِبُ ، يا طالِبُ يا واهِبُ . الثّانى وَالثَّمانون : يا مَن أنعَمَ بِطَولِهِ ، يا مَن أكرَمَ بِجودِهِ ، يا مَن جادَ بِلُطفِهِ ، يا مَن تَعَزَّزَ بِقُدرَتِهِ ، يا مَن قَدَّرَ بِحِكمَتِهِ ، يا مَن حَكَمَ بِتَدبيرِهِ ، يا مَن دَبَّرَ بِعِلمِهِ ، يا مَن تَجاوَزَ بِحِلمِهِ ، يا مَن دَنا فى عُلُوِّهِ ، يا مَن عَلا فى

دُنُوِّهِ . الثّالِثُ وَالثّمانون : يا مَنَ يَخلَقُ ما يَشاءُ ، يا مَن يَفعَلُ ما يَشاءُ ، يا مَن يَهدى مَن يَشاءُ ، يا مَن يُضِلُّ مَن يَشاءُ ، يا مَن يُعَذِّبُ مَن يَشاءُ ، يا مَن يَغفِرُ لِمَن يَشاءُ ، يا مَن يُعِزُّ مَن يَشاءُ ، يا مَن يُذِلُّ مَن يَشاءُ ، يا مَن يُصَوِّرُ فِى الأَرحامِ ما يَشاءُ ، يا مَن يَختَصُّ بِرَحمَتِهِ مَن يَشاءُ . الرّابِعُ وَالثّمانون : يا مَن لَم يَتَّخِذ صاحِبَةً ولا وَلَدا ، يا مَن جَعَلَ لِكُلِّ شَىءٍ قَدرا ، يا مَن لا يُشرِكُ فى حُكمِهِ أَحَدا ، يا مَن جَعَلَ المَلائِكَةَ رُسُلاً ، يا مَن جَعَلَ فِى السَّماءِ بُروجا ، يا مَن جَعَلَ الأَرضَ قَرارا ، يا مَن خَلَقَ مِنَ الماءِ بَشَرا ، يا مَن جَعَلَ لِكُلِّ شَىءٍ أَمَدا ، يا مَن أَحاطَ بِكُلِّ شَىءٍ عِلما ، يا مَن أحصى كُلَّ شَىءٍ عَدَدا . الخامِسُ وَالثّمانون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِاسمِكَ يا أَوَّلُ يا آخِرُ ، يا باطِنُ يا ظاهِرُ ، يا بَرُّ يا حَقُّ ، يا فَردُ يا وَترُ ، يا صَمَدُ يا سَرمَدُ . السّادِسُ وَالثّمانون : يا خَيرَ مَعروفٍ عُرِفَ ، يا أفضَلَ مَعبودٍ عُبِدَ ، يا أَجَلَّ مَشكورٍ شُكِرَ ، يا أَعَزَّ مَذكورٍ ذُكِرَ ، يا أعلَى مَحمودٍ حُمِدَ ، يا أقدَمَ مَوجودٍ طُلِبَ ، يا أَرفَعَ مَوصوفٍ وُصِفَ ، يا أَكبَرَ مَقصودٍ قُصِدَ ، يا أكرَمَ مَسؤولٍ سُئِلَ ، يا أشرَفَ مَحبوبٍ عُلِمَ . السّابِعُ وَالثّمانون : يا حَبيبَ الباكينَ ، يا سَيِّدَ المُتَوَكِّلينَ ، يا هادِىَ المُضِلّينَ ، يا وَلِىَ المُؤمِنينَ ، يا أنيسَ الذّاكِرينَ ، يا مَفزَعَ المَلهوفينَ ، يا مُنجِىَ الصّادِقينَ ، يا أقدَرَ القادِرينَ ، يا أَعلَمَ العالِمينَ ، يا إلهَ الخَلقِ أجمَعينَ . الثّامِنُ وَالثّمانون : يا مَن عَلا فَقَهَرَ ، يا مَن مَلَكَ فَقَدَرَ ، يا مَن بَطَنَ فَخَبَرَ ، يا مَن عُبِدَ فَشَكَرَ ، يا مَن عُصِىَ فَغَفَرَ ، يا مَن لا تَحويهِ الفِكَرُ ، يا مَن لا يُدرِكُهُ بَصَرٌ ، يا مَن لا يَخفى عَلَيهِ أَثَرٌ ، يا رازِقَ البَشَرِ ، يا مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ . التّاسِعُ وَالثّمانون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِاسمِكَ يا حافِظُ يا بارِئُ ، يا ذارِئُ يا باذِخُ ، يا فارِجُ يا فاتِحُ ، يا كاشِفُ يا ضامِنُ ، يا آمِرُ يا ناهى . التّسعون : يا مَن لا يَعلَمُ الغَيبَ إلاّ هُوَ ، يا مَن لا يَصرِفُ السُّوءَ إلاّ هُوَ ، يا مَن لا يَخلُقُ الخَلقَ إلاّ هُوَ ، يا مَن لا يَغفِرُ الذَّنبَ إلاّ هُوَ ، يا مَن لا يُتِمُّ النِّعمَةَ إلاّ هُوَ ، يا مَن لا يُقَلِّبُ القُلوبَ إلاّ هُوَ ، يا مَن لا يُدَبِّرُ الأَمرَ إلاّ هُوَ ، يا مَن لا يُنَزِّلُ الغَيثَ إلاّ هُوَ ، يا مَن لا يَبسُطُ الرِّزقَ إلاّ هُوَ ، يا مَن لا يُحيِى المَوتى إلاّ هُوَ . الحادى وَالتّسعون : يا مُعينَ الضُّعَفاءِ ، يا صاحِبَ الغُرَباءِ ، يا ناصِرَ الأَولِياءِ ، يا قاهِرَ الأَعداءِ ، يا رافِعَ السَّماءِ ، يا أنيسَ الأَصفِياءِ ، يا حَبيبَ الأَتقِياءِ ، يا كَنزَ الفُقَراءِ ، يا إلهَ الأَغنِياءِ ، يا أَكرَمَ الكُرَماءِ . الثانى وَالتّسعون : يا كافِيا مِن كُلِّ شَىءٍ ، يا قائِما عَلى كُلِّ شَىءٍ ، يا مَن لا يُشبِهُهُ شَىءٌ ، يا مَن لا يَزيدُ فى مُلكِهِ شَىءٌ ، يا مَن لا يَخفى عَلَيهِ شَىءٌ ، يا مَن لا يَنقُصُ مِن خَزائِنِهِ شَىءٌ ، يا مَن لَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ ، يا مَن لا يَعزُبُ عَن عِلمِهِ شَىءٌ (8) ، يا مَن هُوَ خَبيرٌ بِكُلِّ شَىءٍ ، يا مَن وَسِعَت رَحمَتُهُ كُلَّ شَىءٍ . الثّالِثُ وَالتّسعون : اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِاسمِكَ يا مُكرِمُ يا مُطعِمُ ، يا مُنعِمُ يا مُعطى ، يا مُغنى يا مُقنى ، يا مُفنى يا مُحيى ، يا مُرضى يا مُنجى . الرّابِعُ وَالتّسعون : يا أَوَّلَ كُلِّ شَىءٍ وآخِرَهُ ، يا إلهَ كُلِّ شَىءٍ ومَليكَهُ ، يا رَبَّ كُلِّ شَىءٍ وصانِعَهُ ، يا بارِئَ (9) كُلِّ شَىءٍ وخالِقَهُ ، يا قابِضَ كُلِّ شَىءٍ وباسِطَهُ ، يا مُبدِئَ كُلِّ شَىءٍ ومُعيدَهُ ، يا مُنشِئَ كُلِّ شَىءٍ

ومُقَدِّرَهُ ، يا مُكَوِّنَ كُلِّ شَىءٍ ومُحَوِّلَهُ ، يا مُحيِىَ كُلِّ شَىءٍ ومُميتَهُ ، يا خالِقَ كُلِّ شَىءٍ ووارِثَهُ . الخامِسُ وَالتِّسعون : يا خَيرَ ذاكِرٍ ومَذكورٍ ، يا خَيرَ شاكِرٍ ومَشكورٍ ، يا خَيرَ حامِدٍ ومَحمودٍ ، يا خَيرَ شاهِدٍ ومَشهودٍ ، يا خَيرَ داعٍ ومَدعُوٍّ ، يا خَيرَ مُجيبٍ ومُجابٍ ، يا خَيرَ مُؤنِسٍ وأنيسٍ ، يا خَيرَ صاحِبٍ وجَليسٍ ، يا خَيرَ مَقصودٍ ومَطلوبٍ ، يا خَيرَ حَبيبٍ ومَحبوبٍ . السّادِسُ وَالتِّسعون : يا مَن هُوَ لِمَن دَعاهُ مُجيبٌ ، يا مَن هُوَ لِمَن أطاعَهُ حَبيبٌ ، يا مَن هُوَ إلى مَن أحَبَّهُ قَريبٌ ، يا مَن هُوَ بِمَنِ استَحفَظَهُ رَقيبٌ ، يا مَن هُوَ بِمَن رَجاهُ كَريمٌ ، يا مَن هُوَ بِمَن عَصاهُ حَليمٌ ، يا مَن هُوَ فى عَظَمَتِهِ رَحيمٌ ، يا مَن هُوَ فى حِكمَتِهِ عَظيمٌ ، يا مَن هُوَ فى إحسانِهِ قَديمٌ ، يا مَن هُوَ بِمَن أرادَ عَليمٌ . السّابِعُ وَالتِّسعون : اللّهُمَّ إنّى أسألُكَ بِاسمِكَ يا مُسَبِّبُ ، يا مُرَغِّبُ ، يا مُقَلِّبُ ، يا مُعَقِّبُ ، يا مُرَتِّبُ ، يا مُخَوِّفُ ، يا مُحَذِّرُ ، يا مُذَكِّرُ ، يا مُسَخِّرُ ، يا مُغَيِّرُ . الثّامِنُ وَالتِّسعون : يا مَن عِلمُهُ سابِقٌ ، يا مَن وَعدُهُ صادِقٌ ، يا مَن لُطفُهُ ظاهِرٌ ، يا مَن أمرُهُ غالِبٌ ، يا مَن كِتابُهُ مُحكَمٌ ، يا مَن قَضاؤُهُ كائِنٌ ، يا مَن قُرآنُهُ مَجيدٌ ، يا مَن مُلكُهُ قَديمٌ ، يا مَن فَضلُهُ عَميمٌ ، يا مَن عَرشُهُ عَظيمٌ . التّاسِعُ وَالتِّسعون : يا مَن لا يَشغَلُهُ سَمعٌ عَن سَمعٍ ، يا مَن لا يَمنَعُهُ فِعلٌ عَن فِعلٍ ، يا مَن لا يُلهيهِ قَولٌ عَن قَولٍ ، يا مَن لا يُغَلِّطُهُ سُؤالٌ عَن سُؤالٍ ، يا مَن لا يَحجُبُهُ شَىءٌ عَن شَىءٍ ، يا مَن لا يُبرِمُهُ إلحاحُ المُلِحّينَ ، يا مَن هُوَ غايَهُ مُرادِ المُريدينَ ، يا مَن هُوَ مُنتَهى هِمَمِ العارِفينَ ، يا مَن هُوَ مُنتَهى طَلَبِ الطّالِبينَ ، يا مَن لا يَخفى عَلَيهِ ذَرَّهٌ فِى العالَمينَ . المِئَه : يا حَليما لا يَعجَلُ ، يا جَوادا لا يَبخَلُ ، يا صادِقا لا يُخلِفُ ، يا وَهّابا لا يَمَلُّ ، يا قاهِرا لا يُغلَبُ ، يا عَظيما لا يوصَفُ ، يا عَدلاً لا يَحيفُ ، يا غَنِيّا لا يَفتَقِرُ ، يا كَبيرا لا يَصغَرُ ، يا حافِظا لا يَغفُلُ . سُبحانَكَ يا لا إلهَ إلاّ أنتَ ، الغَوثَ الغَوثَ ، خَلِّصنا مِنَ النّارِ يا رَبِّ . (10)

.

1- .فى المصدر : «الفضل» ، والتصويب من البلد الأمين .
2- .فى المصدر : «المزيدون» ، والتصويب من البلد الأمين .
3- .فى نسخه : «الخائفون» .
4- .فى البلد الأمين : «يا رجاء المذنبين» .
5- .فى نسخه : «السماء» .
6- .فى نسخه : «أعمال» .
7- .فى البلد الأمين : «يا فاصل ، يا واصل» بدل «يا فاضل ، يا فاصل» .
8- .أى لا يغيب عن علمه ولا يخفى (مجمع البحرين : 2 / 1206) .

9- .أثبتناها من البلد الأمين وبحار الأنوار ، وفى المصدر : «بادئ» وفى الطبعه القديمه : «مبدئ» .
10- .المصباح للكفعمى : 334 ، البلد الأمين : 402 ، بحار الأنوار : 94 / 384 .

المصباح کفعمی (1) : دعای جوشن کبیر ، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است و صد بخش است و هر بخشی ده نام است و در آخر هر بخش آن ، می گویی: «سبحانک یا لا إله إلاّ أنت ! الغَوث ، الغَوث ، الغَوث ، خَلِّصنا مِنَ النّار یا ربّ؛ منزّهی تو ، ای آن که معبودی جز تو نیست ! به فریاد رس ، به فریاد رس ، به فریاد رس . پروردگارا ! ما را از آتش ، نجات بده». یکم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای خداوند ، ای بخشایشگر ، ای مهربان ، ای بزرگوار ، ای برپادارنده ، ای بزرگ ، ای دیرین ، ای دانا ، ای بردبار ، ای حکیم !». دوم . «ای سَرور سَروران ، ای اجابت کننده دعاها ، ای بالابرنده رتبه ها، ای سرپرست نیکی ها، ای آمرزنده خطاها ، ای برآورنده خواسته ها، ای پذیرنده توبه ها، ای شنوای صداها ، ای دانای نهان ها، ای زداینده بلاها !». سوم . «ای بهترینِ آمرزندگان ، ای بهترینِ گشایندگان ، ای بهترینِ یاوران ، ای بهترینِ داوران ، ای بهترینِ روزی دهندگان ، ای بهترینِ میراث بران ، ای بهترینِ ستایشگران ، ای بهترینِ یادآوران ، ای بهترینِ نازل کنندگان ، ای بهترینِ نیکوکاران !». چهارم . «ای که عزّت و زیبایی ، از آنِ اوست؛ ای که قدرت و کمال ، از آنِ اوست؛ ای که فرمان روایی و جلال ، از آنِ اوست؛ ای آن که بزرگ و والاست؛ ای پدیدآورنده ابرهای سنگین و پربار؛ ای آن که سخت کیفر است؛ ای آن که زودحسابگر است؛ ای آن که عقوبتش دشوار است؛ ای آن که پاداش نیکو ، نزد اوست؛ ای آن که اصل علوم و حقایق ، پیش اوست !». پنجم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای مهرورز ، ای نعمت بخش ، ای پاداش دهنده ، ای برهان ، ای حاکم ، ای مایه خرسندی ، ای آمرزنده ، ای وارسته ، ای یاری خواسته شده ، ای صاحب نعمت و بخشنده نعمت بیان !». ششم . «ای آن که هر چیزی در برابر عظمتش فروتن است ، ای آن که هر چیزی تسلیم قدرت اوست ، ای آن که هر چیزی در برابر قدرتش ذلیل است ، ای آن که هر چیزی در برابر هیبتش خاضع است ، ای آن که هر چیزی رام خشیت اوست ، ای آن که کوه ها از بیم او از هم می شکافند ، ای آن که آسمان ها به فرمان او برپایند ، ای آن که زمین ها به اذن او پابرجایند ، ای آن که رعدْ تسبیحگوی حمد اوست ، ای آن که بر اهل مملکت خویش ستم نمی کند !». هفتم . «ای بخشاینده خطاها ، ای زداینده بلاها ، ای نهایت آرزوها ، ای افزون کننده عطاها ، ای بخشنده هدایا ، ای روزی بخش بندگان ، ای برآورنده آرزوها ، ای شنوای شِکوه ها ، ای برانگیزنده آفریده ها ، ای آزادکننده اسیران !». هشتم . «ای صاحب ستایش و ثنا ، ای صاحب فخر و شُکوه ، ای صاحب والایی و بزرگی

، ای صاحب عهد و وفا ، ای صاحب بخشایش و رضا ، ای صاحب نعمت و عطا ، ای صاحب تفکیک و تقدیر ، ای صاحب عزّت و جاودانگی ، ای صاحب سخاوت و بخشندگی ، ای صاحب موهبت ها و نعمت ها !». نهم . «خداوندا ! تو را می خوانم ، ای بازدارنده ، ای زداینده ، ای بالابرنده ، ای آفریننده، ای سودرساننده، ای شنونده،ای گردآورنده، ای شفاعت پذیرنده، ای گسترده رحمت ، ای گسترنده !». دهم . «ای پدیدآرنده هر پدیده ، ای آفریننده هر آفریده ، ای روزی رسان هر روزی خورنده ، ای صاحب هر بنده ، ای زداینده هر غصّه ، ای گشاینده هر غم زده ، ای رحم کننده هر رحمت شده ، ای یاور هر بی کس ، ای پوشاننده هر عیبناک ، ای پناهگاه هر رانده شده !». یازدهم . «ای پشتوانه من در هنگام سختی ام ، ای امید من در هنگام مصیبتم ، ای همدم من در هنگام وحشتم ، ای همنشین من در هنگام غربتم ، ای سرپرست من در هنگام نعمت داری ام ، ای پناه من در هنگام گرفتاری ام ، ای راهنمای من در هنگام سرگردانی ام ، ای مایه بی نیازیِ من در هنگام نیازمندی ام ، ای پناهگاه من در هنگام درماندگی ام ، ای یاور من در هنگام هراسانی ام !». دوازدهم . «ای دانای غیب ها ، ای آمرزنده گناه ها، ای پوشاننده عیب ها، ای زداینده سختی ها ، ای دگرگون ساز دل ها، ای طبیب قلب ها ، ای روشنگر دل ها، ای همدم دل ها ، ای از بین برنده غم ها ، ای زداینده اندوه ها !». سیزدهم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای باعظمت ، ای زیبا ، ای نگهدار ، ای عهده دار ، ای راهنما ، ای روی آور به هستی ، ای چیره بر قدرت ها ، ای عطابخش ، ای پوزش پذیر ، ای کارساز عالم !». چهاردهم . «ای رهنمای سرگشتگان ، ای فریادرس یاری خواهان ، ای دادرس دادخواهان ، ای پناه پناهجویان ، ای امان ترسانان ، ای یاور مؤمنان ، ای ترحّم کننده بر بینوایان ، ای پناهگاه گنهکاران ، ای آمرزنده خطاکاران ، ای پاسخگوی دعای درماندگان !». پانزدهم . «ای صاحب بخشندگی و نیکی ، ای صاحب نعمت و منّت ، ای صاحب امنیّت و امان ، ای صاحب قداست و پاکی ، ای صاحب حکمت و گویایی ، ای صاحب رحمت و رضوان ، ای صاحب حجّت و برهان ، ای صاحب عظمت و فرمان روایی ، ای صاحب عطوفت و یاری رسانی ، ای صاحب گذشت و آمرزش !». شانزدهم . «ای آن که پروردگار هر چیز است ، ای آن که معبود هر چیز است ، ای آن که آفریننده هر چیز است ، ای آن که پدیدآورنده هر چیز است ، ای آن که پیش از هر چیز [بوده] است ، ای آن که پس از هر چیز است ، ای آن که برتر از هر چیز است ، ای آن که دانا به هر چیز است ، ای آن که توانای بر هر چیز است ، ای آن که می ماند و هر چیزی فانی می شود !». هفدهم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای ایمنی بخش ، ای مقتدر ، ای هستی بخش ، ای تلقین کننده ، ای روشنگر ، ای آسان ساز ، ای قدرت بخش ، ای آراسته ساز ، ای

آشکارکننده ، ای تقسیم کننده !». هجدهم . «ای آن که در فرمان روایی اش پایدار است ، ای آن که در حکومتش دیرین است ، ای آن که در شُکوهش بزرگ است ، ای آن که به بندگانش مهربان است ، ای آن که به هر چیزی داناست ، ای آن که به نافرمانش بردبار است ، ای آن که به امیدوارش بخشنده است ، ای آن که در آفرینش خود حکیم است ، ای آن که در حکمتش با لطف است ، ای آن که در لطف و رحمتش دیرین است !». نوزدهم . «ای آن که جز به احسان او امید نیست ، ای آن که جز بخشایش او را نخواهند ، ای آن که جز به نیکی او چشم امید نیست ، ای آن که جز از عدالتش بیمی نیست ، ای آن که جز فرمان روایيِ او پایدار نیست ، ای آن که حکومتی جز حکومتش نیست ، ای آن که رحمتش فراگیر هر چیز است ، ای آن که رحمتش پیش از خشم اوست ، ای آن که دانشش دربرگیرنده هر چیز است ، ای آن که هیچ کس همچون او نیست !». بیستم . «ای زداینده اندوه ، ای برطرف ساز غم ، ای آمرزنده گناه ، ای پذیرای توبه ، ای آفریننده خلق ، ای درست وعده ، ای وفاکننده به پیمان ، ای دانای نهان ، ای شکافنده دانه ، ای روزی بخش مردم !». بیست و یکم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای والا ، ای وفاکننده ، ای بی نیاز ، ای دارای مطلق ، ای دانای مهربان ، ای خرسندساز ، ای پاک ، ای سرآغاز ، ای نیرومند ، ای سرپرست (عهده دار) !». بیست و دوم . «ای آن که زیبایی را آشکار کرد ، ای آن که زشتی را پوشاند ، ای آن که بندگان را به گناه نگرفت ، ای آن که پرده را ندرید ، ای بزرگ بخشایش ، ای نیکوگذشت ، ای گسترده آمرزش ، ای گشاده دست به رحمت ، ای آگاه از هر راز نهان ، ای نهایت هر شِکوه و حاجتمندی !». بیست و سوم . «ای صاحب نعمت سرشار ، ای صاحب رحمت گسترده ، ای صاحب نعمت پیشین ، ای صاحب حکمت رسا ، ای صاحب قدرت کامل ، ای صاحب برهان محکم ، ای صاحب بزرگواریِ آشکار ، ای صاحب عزّت ابدی ، ای صاحب نیروی استوار ، ای صاحب عظمت دست نیافتنی !». بیست و چهارم . «ای پدیدآورنده آسمان ها ، ای آفریننده تاریکی ها، ای رحم کننده بر اشک ها ، ای خطابخش لغزش ها ، ای پوشاننده عیب ها ، ای حیات بخش مرده ها ، ای نازل کننده آیه ها ، ای افزون ساز نیکی ها، ای زداینده گناه ها ، ای سخت انتقام !». بیست و پنجم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای صورت آفرین ، ای تقدیرکننده ، ای تدبیرکننده ، ای پاک کننده ، ای روشنی بخش ، ای آسان ساز ، ای بشارت دهنده ، ای بیم دهنده ، ای پیش اندازنده ، ای تأخیرانداز‌نده !». بیست و ششم . «ای پروردگار خانه گرامی (کعبه) ، ای پروردگار ماه حرام ، ای پروردگار شهر اَمن (مکّه) ، ای پروردگار رکن و مقام ، ای پروردگار مشعر الحرام ، ای پروردگار مسجد الحرام ، ای پروردگار غیرحَرَم و حَرَم ، ای پروردگار روشنی و تاریکی ، ای

پروردگار درود و سلام ، ای پروردگار قدرت در میان مردم !». بیست و هفتم . «ای برترینِ داوران ، ای دادگرترینِ دادگران ، ای راستگوترینِ راستگویان ، ای پاک ترینِ پاکان ، ای بهترینِ آفرینندگان ، ای سریع ترینِ حسابگران ، ای شنواترینِ شنوایان ، ای بیناترینِ بینندگان ، ای شفاعت پذیرترینِ شفاعت پذیران ، ای بزرگوارترینِ بزرگواران !» . بیست و هشتم . «ای تکیه گاه آن که بی تکیه گاه است ، ای نگهدار آن که بی نگهدار است ، ای ذخیره آن که بی پشتوانه است ، ای نگهبان آن که بی نگهبان است ، ای فریادرس آن که بی فریادرس است ، ای فخر آن که بی افتخار است ، ای عزّت بخش آن که بی عزّت است ، ای یاری رسان آن که بی یاور است ، ای همدم آن که بی همدم است ، ای ایمنی بخش آن که بی امان است !». بیست و نهم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای نگه دارنده ، ای برپادارنده ، ای همیشگی ، ای صاحب رحمت ، ای سلامت بخش ، ای داور ، ای دانا ، ای تقسیم کننده ، ای گیرنده ، ای گشاینده !». سی ام . «ای نگهدار آن که از او عصمت طلبد ، ای ترحّم کننده بر آن که از او رحمت خواهد ، ای بخشاینده آن که از او آمرزش طلبد ، ای یاور آن که از او یاری جوید ، ای نگهدار آن که از او محافظت طلبد ، ای گرامی دارنده آن که از او کرامت خواهد ، ای راهنمای آن که از او هدایت طلبد ، ای فریادرس آن که او را به دادخواهی خوانَد ، ای یاریگر آن که از او کمک طلبد ، ای دادرس آن که از او پناه خواهد !». سی و یکم . «ای قدرتمندی که خوار نگردد ، ای لطیفی که دست نیافتنی است ، ای پاینده ای که نمی خوابد ، ای ابدی ای که نابود نمی شود ، ای زنده ای که نمی میرد ، ای فرمان روایی که حکومتش پایان نمی پذیرد ، ای باقی بی فنا ، ای دانای بی جهل ، ای بی نیازی که نیازمند غذا نیست ، ای نیرومندی که ناتوان نمی گردد !». سی و دوم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای یکتا ، ای یگانه ، ای گواه ، ای باعظمت ، ای ستایش کننده ، ای راهنما ، ای برانگیزنده ، ای میراث بر ، ای زیان رسان ، ای سودبخش !». سی و سوم . «ای بزرگ تر از هر بزرگ ، ای باکرامت تر از هر کریم ، ای مهربان تر از هر مهربان ، ای داناتر از هر دانا ، ای حکیم تر از هر حکیم ، ای پیشین تر از هر قدیم ، ای بزرگ تر از هر بزرگ ، ای مهرورزتر از هر صاحب لطف ، ای شکوهنده تر از هر باشُکوه ، ای قدرتمندتر از هر شکست ناپذیر !». سی و چهارم . «ای درگذرنده بزرگوار ، ای نعمت بخش بزرگ ، ای دارنده خیر بسیار ، ای دیرین عطا ، ای پیوسته لطف ، ای ظریف آفرینش ، ای غم زُدا ، ای زداینده درد و رنج ، ای مالک فرمان روایی ، ای دادگر حق !». سی و پنجم . «ای آن که در پیمانش اهل وفاست ، ای آن که در وفایش تواناست ، ای آن که در توانایی اش والاست ، ای آن که در والایی اش نزدیک است ، ای آن که در نزدیکی اش لطیف است ، ای آن که در لطفش شریف است

، ای آن که در شرافتش قدرتمند است ، ای آن که در قدرتمندی اش بزرگوار است ، ای آن که در بزرگواری اش شکوهمند است ، ای آن که در شُکوهش ستوده است !». سی و ششم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای کفایت کننده ، ای شفابخش ، ای وفاکننده ، ای عافیت دهنده ، ای هدایتگر ، ای دعوتگر ، ای دادگر ، ای راضی شونده ، ای والامقام ، ای پاینده !». سی و هفتم . «ای آن که هر چیز ، خاضع در برابر اوست؛ ای آن که هر چیز ، خاشع برای اوست؛ ای آن که هر چیز ، برای او هست؛ ای آن که هر چیز ، به سبب او هست؛ ای آن که هر چیز ، بازگردنده به سوی اوست؛ ای آن که هر چیز ، ترسان از اوست؛ ای آن که هر چیز ، برپا به اوست؛ ای آن که هر چیز ، برگشته به سوی اوست؛ ای آن که هر چیز ، با ستایش خود ، تسبیح گوی اوست؛ ای آن که هر چیز ، نابودشدنی است ، جز ذات او !». سی و هشتم . «ای آن که گریزگاهی جز به سوی او نیست ، ای آن که پناهگاهی جز درگاه او نیست ، ای آن که مقصدی جز به سوی او نیست ، ای آن که راه نجاتی از او جز به سوی او نیست ، ای آن که رغبتی جز به سوی او نیست ، ای آن که هیچ قدرت و توانی جز به او نیست ، ای آن که جز از او یاری نخواهند ، ای آن که جز بر او تکیه نکنند ، ای آن که جز به او امید نبندند ، ای آن که جز او را نپرستند !». سی و نهم . «ای بهترین کسی که از او می ترسند ، ای بهترین کسی که به او اشتیاق دارند ، ای بهترینِ طلب شدگان ، ای بهترینِ درخواست شوندگان ، ای بهترینِ مقصودان ، ای بهترینِ یادشدگان ، ای بهترینِ سپاس گزاری شدگان ، ای بهترینِ محبوبان ، ای بهترینِ خوانده شدگان ، ای بهترینِ اُنس گرفتگان !». چهلم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای آمرزنده ، ای پوشاننده ، ای توانا ، ای غالب ، ای آفریننده ، ای شکننده ، ای جبران کننده ، ای یادکننده ، ای بیننده ، ای یاری کننده !». چهل و یکم . «ای آن که آفرید ، پس سامان داد؛ ای آن که مقدّر کرد ، پس هدایت نمود؛ ای آن که گرفتاری را برطرف می سازد؛ ای آن که راز پنهان را می شنود؛ ای آن که غرق شدگان را نجات می دهد؛ ای آن که هلاک شدگان را می رهاند؛ ای آن که بیماران را شفا می بخشد؛ ای آن که خندانید و گریانید؛ ای آن که میرانْد و حیات بخشید؛ ای آن که دو جفت مرد و زن را آفرید !». چهل و دوم . «ای آن که راهش در خشکی و دریاست ، ای آن که نشانه هایش در آفاق است ، ای آن که برهان او در نشانه هاست ، ای آن که قدرتش در مُردن افراد است ، ای آن که عبرتش در گورهاست ، ای آن که فرمان روایی اش در قیامت است ، ای آن که مهابت او در حسابرسی است ، ای آن که داوری اش در سنجش [اعمال]است ، ای آن که پاداشش در بهشت است ، ای آن که کیفرش در آتش دوزخ است !». چهل و سوم . «ای آن که خائفان ، به سوی او می گریزند ؛ ای آن که گنهکاران ، به درگاه او پناه می برند ؛ ای آن که

اهل انابت ، به او توجّه می کنند؛ ای آن که پارسایان ، به او مشتاق اند؛ ای آن که سرگردانان ، به آستان او پناه می آورند؛ ای آن که مریدان با او اُنس می گیرند؛ ای آن که دوستداران ، به او می بالند؛ ای آن که خطاکاران ، به بخشایش او طمع می ورزند؛ ای آن که اهل یقین ، با او آرامش می یابند؛ ای آن که اهل توکّل ، بر او تکیه می کنند!». چهل و چهارم . «خداوندا! تو را به نامت می خوانم: ای محبوب ، ای طبیب ، ای نزدیک ، ای مراقب ، ای حسابگر ، ای باهِیبت ، ای جزادهنده ، ای اجابت کننده ، ای آگاه ، ای بینا!». چهل و پنجم . «ای نزدیک تر از هر نزدیک ، ای بهتر از هر محبوب ، ای بیناتر از هر بینا ، ای آگاه تر از هر آگاه ، ای برتر از هر شریف ، ای والاتر از هر والا ، ای نیرومندتر از هر نیرومند ، ای بی نیازتر از هر بی نیاز ، ای بخشنده تر از هر بخشنده ، ای مهربان تر از هر مهربان!». چهل و ششم . «ای چیره ای که مغلوب نمی شود ، ای سازنده ای که ساخته شده نیست ، ای آفریننده ای که پدیده آمده نیست ، ای مالکی که بنده نیست ، ای غالبی که بی شکست است ، ای رفعت بخشی که کسی برتر از او نیست ، ای نگهبانی که کسی نگهبان او نیست ، ای یاری کننده ای که نیازمند یاری نیست ، ای گواهی که غایب نیست ، ای نزدیکی که دور نیست!». چهل و هفتم . «ای نورِ نور ، ای روشنی بخش نور ، ای آفریدگار نور ، ای تدبیرکننده نور ، ای تقدیرکننده نور ، ای فروغِ هر نور ، ای نور پیش از هر نور ، ای نور پس از هر نور ، ای نور برتر از هر نور ، ای نوری که نوری همچون او نیست!». چهل و هشتم . «ای آن که عطایش باشرافت است ، ای آن که کارش از روی لطف است ، ای آن که لطفش همیشگی است ، ای آن که احسانش دیرین است ، ای آن که سخنش حق است ، ای آن که وعده اش راست است ، ای آن که گذشتش فضل است ، ای آن که کیفرش عادلانه است ، ای آن که یادش شیرین است ، ای آن که احسانش فراگیر است!». چهل و نهم . «خداوندا! تو را به نامت می خوانم: ای آسان ساز ، ای عطابخش ، ای تبدیل کننده ، ای خوارسازنده ، ای فرودآورنده ، ای نعمت دهنده ، ای احسان کننده ، ای بخشنده نعمت بسیار ، ای مهلت دهنده ، ای نیکویی کننده!». پنجاهم . «ای آن که می بیند و دیده نمی شود ، ای آن که می آفریند و آفریده نیست ، ای آن که هدایت می کند و به راهنمایی نیازش نیست ، ای آن که حیات می بخشد و حیاتش از کسی نیست ، ای آن که می پرسد و از او حقّ پرسش نیست ، ای آن که غذا می دهد و غذایش ندهند ، ای آن که پناه می دهد و پناه نیاز ندارد ، ای آن که داوری می کند و نیازمند داوری نیست ، ای آن که حکم می کند و بر او حکم نمی شود ، ای آن که نه می زاید و نه زاده کسی است و کسی همتای او نیست!». پنجاه و یکم . «ای حسابرس نیک ، ای طبیب خوب ، ای مراقب شایسته ، ای نزدیک خوب ، ای جواب

دهنده خوب ، ای محبوب خوب ، ای عهده دار شایسته ، ای سرپرست خوب ، ای مولای نیکو ، ای یاور خوب !». پنجاه و دوم . «ای شادمانی عارفان ، ای آرزوی دوستداران ، ای همدم مریدان، ای محبوب تائبان ، ای روزی دهنده تهی دستان ، ای امید بدهکاران ، ای نور چشم پرستشگران ، ای غم زدای گرفتاران ، ای گشایش بخش اندوهناکان ، ای معبود اوّلین و آخرین !». پنجاه و سوم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای پروردگار ما ، ای معبود ما ، ای سرور ما ، ای مولای ما ، ای یاور ما ، ای نگهدار ما ، ای راهنمای ما ، ای کمک کننده ما ، ای محبوب ما ، ای طبیب ما !». پنجاه و چهارم . «ای پروردگار پیامبران و نیکان ، ای پروردگار صدّیقان و شایستگان ، ای پروردگار بهشت و دوزخ ، ای پروردگار کوچکان و بزرگان ، ای پروردگار دانه ها و میوه ها ، ای پروردگار رودها و درختان ، ای پروردگار صحراها و دشت ها، ای پروردگار خشکی ها و دریاها ، ای پروردگار شب و روز ، ای پروردگار پیدا و پنهان !». پنجاه و پنجم . «ای آن که فرمانش در هر چیز ، نافذ است؛ ای آن که دانشش به هر چیز ، پیوسته و محیط است؛ ای آن که قدرتش به هر چیز ، رسیده است؛ ای آن که بندگان ، نعمتش را نتوانند شمرد؛ ای آن که آفریدگان ، از سپاسش ناتوان اند؛ ای آن که فهم ها جلال او را در نمی یابند؛ ای آن که اندیشه ها به کُنه او نمی رسند؛ ای آن که عظمت و بزرگی ، جامه زیبنده اوست؛ ای آن که بندگان ، از تقدیرش سرپیچی نتوانند؛ ای آن که هیچ فرمان روایی ای جز فرمان روایِ او نیست؛ ای آن که عطایی ، جز بخشش او نیست !». پنجاه و ششم . «ای آن که برترین مثال ، از آنِ اوست؛ ای آن که صفات والا ، از آنِ اوست؛ ای آن که انجام و آغاز ، از آنِ اوست؛ ای آن که بهشتِ جایگاه ابدی ، از آنِ اوست؛ ای آن که نشانه های بزرگ ، از آنِ اوست؛ ای آن که نام های نیکو ، از آنِ اوست؛ ای آن که حکم و تقدیر ، از آنِ اوست؛ ای آن که هوا و فضا ، از آنِ اوست؛ ای آن که عرش و زمین خاکی ، از آنِ اوست؛ ای آن که آسمان های بلند ، از آنِ اوست !». پنجاه و هفتم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای باگذشت ، ای آمرزنده ، ای شکیبا ، ای پذیرای سپاس ، ای رئوف ، ای عطوف ، ای سؤال شده ، ای مهرورز ، ای منزّه ، ای وارسته !». پنجاه و هشتم . «ای آن که عظمتش در آسمان هاست؛ ای آن که نشانه هایش در زمین است؛ ای آن که در هر چیز ، نشانه های راهنمای اوست؛ ای آن که شگفتی هایش در دریاهاست؛ ای آن که گنجینه هایش در کوه هاست؛ ای آن که آفرینش را آغاز می کند و سپس باز می آفریند؛ ای آن که همه کارها به او برمی گردد؛ ای آن که لطفش را در هر چیز ، آشکار ساخته است؛ ای آن که هر چه را آفریده ، نیکو آفریده است؛ ای آن که قدرتش در همه آفریده ها دست اندر کار است !». پنجاه و نهم . «ای محبوب آن که محبوبی ندارد ، ای طبیب آن که

طبیبی ندارد ، ای پاسخگوی آن که جواب دهنده ای ندارد ، ای مهربانِ آن که مهربانی ندارد ، ای رفیق آن که همراهی ندارد ، ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد ، ای راهنمای آن که راهنمایی ندارد ، ای همدم آن که مونسی ندارد ، ای رحم کننده بر آن که رحم کننده ای ندارد ، ای همنشین آن که بی همنشین است !». شصتم . «ای کفایت کننده آن که از او کفایت خواهد ، ای راهنمای آن که از او هدایت جوید ، ای سرپرست آن که از او سرپرستی طلبد ، ای عهده دار آن که از او رعایت خواهد ، ای شفابخش آن که از او درمان جوید ، ای داور آن که او را به قضاوت خواند ، ای بی نیازکننده آن که از او بی نیازی طلبد ، ای وفاکننده آن که از او وفا جوید ، ای نیروبخش آن که از او قدرت طلبد ، ای سرپرست آن که او را به ولایت گزیند !». شصت و یکم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای آفریدگار ، ای روزی رسان ، ای گویا ، ای راست گفتار ، ای شکافنده ، ای جداکننده ، ای گشاینده بسته ها ، ای بر هم آورنده گشوده ها ، ای پیش از همه چیز ، ای برتر از هر چیز !». شصت و دوم . «ای آن که شب و روز را می گرداند ، ای آن که تاریکی ها و روشنی ها را پدید آورد ، ای آن که سایه و گرمای خورشید را آفرید ، ای آن که آفتاب و ماه را رام ساخت ، ای آن که نیک و بد را مقدّر کرد ، ای آن که مرگ و زندگی را آفرید ، ای آن که آفرینش و فرمانْ برای اوست ، ای آن که جفت و فرزند برنگرفت ، ای آن که در فرمان روایی بی شریک است ، ای آن که سرپرستی (یاری) برایش نیست ، البتّه نه از روی خواری !». شصت و سوم . «ای آن که خواسته خواهندگان را می داند ، ای آن که درون خاموشان را می خواند ، ای آن که ناله خسته دلان را می شنود ، ای آن که گریه خائفان را می بیند ، ای آن که نیاز نیازمندان را داراست ، ای آن که عذرخواهیِ تائبان را پذیراست ، ای آن که کار تبهکاران را سامان نمی بخشد ، ای آن که پاداش نیکوکاران را تباه نمی سازد ، ای آن که از دل های عارفانْ دور نیست ، ای باسخاوت ترینِ بخشندگان !». شصت و چهارم . «ای همیشه باقی ، ای شنوای دعا ، ای گسترده عطا ، ای آمرزنده خطا ، ای پدیدآورنده آسمان ، ای شایسته آزمون ، ای زیباستایش ، ای دیرینْ شُکوه ، ای بسیار باوفا ، ای نیکوپاداش !». شصت و پنجم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای عیب پوش ، ای آمرزنده ، ای فاتح ، ای صاحب عظمت ، ای بسیار شکیبا ، ای نیکوکار ، ای برگزیننده ، ای گشاینده ، ای نعمت بخش ، ای وسعت بخش !». شصت و ششم . «ای آن که مرا آفرید و آراست ، ای آن که مرا روزی داد و تربیتم کرد ، ای آن که مرا سیر کرد و سیرابم نمود ، ای آن که مرا مقرّب و نزدیک ساخت ، ای آن که مرا حفظ کرد و کفایتم نمود ، ای آن که مرا نگه داشت و سرپرستی کرد ، ای آن که مرا بی نیاز ساخت و عزّتم بخشید ، ای آن که مرا توفیق داد و هدایتم کرد ، ای آن که همدم من

شد و پناهم داد ، ای آن که مرا میراند و زنده کرد !». شصت و هفتم . «ای آن که حق را با کلماتِ خود ثابت می کند ، ای آن که توبه را از بندگانش می پذیرد ، ای آن که میان انسان و دلش حایل می شود ، ای آن که شفاعتْ جز به اذن او سود نمی بخشد ، ای آن که او داناتر است به کسی که از راهش گم راه می شود ، ای آن که فرمانش را چیزی به تأخیر نمی اندازد ، ای آن که تقدیرش را چیزی برنمی گرداند ، ای آن که هر چیزی تسلیم فرمان اوست ، ای آن که آسمان ها پیچیده در دست قدرت اوست ، ای آن که بادها را پیشاپیش رحمتش مژده رسان می فرستد !». شصت و هشتم . «ای آن که زمین را گهواره ساخت ، ای آن که کوه ها را نگه دارنده زمین قرار داد ، ای آن که خورشید را چراغْ قرار داد ، ای آن که ماه را روشنایی قرار داد ، ای آن که شب را پوشش قرار داد ، ای آن که روز را وسیله معاش ساخت ، ای آن که خواب را مایه آرامش قرار داد ، ای آن که آسمان را بنایی افراشته ساخت ، ای آن که اشیاء را جفت قرار داد ، ای آن که آتش دوزخ را کمینگاه [کافران] قرار داد !». شصت و نهم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای شنوا ، ای شفاعت پذیر، ای والا ، ای بلندمرتبه ، ای سریع ، ای پدیدآورنده ، ای بزرگ ، ای توانا ، ای آگاه ، ای پناه دهنده !». هفتادم . «ای زنده قبل از هر زنده ، ای زنده پس از هر زنده ، ای زنده ای که هیچ زنده ای همانند او نیست ، ای زنده ای که هیچ زنده ای شریک او نیست ، ای زنده ای که به هیچ زنده ای نیازمند نیست ، ای زنده ای که هر زنده ای را می میراند ، ای زنده ای که هر زنده ای را روزی می دهد ، ای زنده ای که حیات را از هیچ زنده ای به ارث نبرده است ، ای زنده ای که مردگان را زنده می کند ، ای زنده ، ای پایداری که هیچ چُرت و خوابی او را فرا نمی گیرد !». هفتاد و یکم . «ای آن که او را یادی فراموش نشدنی است ، ای آن که او را فروغی خاموشی ناپذیر است ، ای آن که او را نعمت های بی شمار است ، ای آن که او را حکومتی بی زوال است ، ای آن که او را ستایشی بی اندازه است ، ای آن که او را شُکوهی وصف ناپذیر است ، ای آن که او را کمالی دست نیافتنی است ، ای آن که او را تقدیری برگشت ناپذیر است ، ای آن که او را صفاتی تبدیل ناشدنی است ، ای آن که او را اوصافی تغییرناپذیر است !». هفتاد و دوم . «ای پروردگار جهانیان ، ای فرمان روای روز جزا ، ای منتهای خواسته طلب کنندگان ، ای پشت و پناه پناهندگان ، ای دریابنده گریزانان ، ای دوستدار شکیبایان ، ای دوستدار توبه کاران ، ای دوستدار پاکی جویان ، ای دوستدار نیکوکاران ، ای داناتر به ره یافتگان !» . هفتاد و سوم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای شفیق ، ای مهربان ، ای نگه دارنده ، ای احاطه یابنده ، ای نگهبان ، ای پناه دهنده ، ای عزّت بخش ، ای خوارکننده ، ای آغازکننده ، ای بازگرداننده !». هفتاد و چهارم . «ای آن که یگانه بی ضد

است ، ای آن که یکتای بی مانند است ، ای آن که بی نیاز بی عیب است ، ای آن که یکتایی بی چگونگی است ، ای آن که داور بی ستم است ، ای آن که پروردگار بی همکار است ، ای آن که قدرتمند بدون خواری است ، ای آن که توانگر بی نیاز است ، ای آن که پادشاه بدون عزل است ، ای آن که وصف شده ای بی مانند است !». هفتاد و پنجم . «ای آن که یادش شرافتِ ذاکران است ، ای آن که سپاسش رستگاریِ شاکران است ، ای آن که ستایشش عزّت ستایشگران است ، ای آن که اطاعتش نجات فرمان برداران است ، ای آن که درش برای جویندگان باز است ، ای آن که راهش برای بازگردندگان روشن است ، ای آن که نشانه هایش برهانِ بینندگان است ، ای آن که کتابش مایه یاد اهل تقواست ، ای آن که روزی اش فراگیر مطیعان و نافرمانان است ، ای آن که رحمتش به نیکوکارانْ نزدیک است !». هفتاد و ششم . «ای آن که نامش خجسته است؛ ای آن که عظمتش والاست؛ ای آن که معبودی جز او نیست؛ ای آن که ثنای او ، شکوهمند است؛ ای آن که نام هایش مقدّس است؛ ای آن که بقای او ، جاودانی است؛ ای آن که بزرگی ، جلوه اوست؛ ای آن که بزرگواری ، برازنده اوست؛ ای آن که موهباتش قابل شمارش نیست ؛ ای آن که نعمت های او بیرون از شمار است !». هفتاد و هفتم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای یاور ، ای امان بخش ، ای روشنگر ، ای استوار ، ای قدرتمند ، ای راهنما ، ای ستوده ، ای باشُکوه ، ای سرسخت ، ای گواه !». هفتاد و هشتم . «ای صاحب عرش شکوهمند؛ ای صاحب سخن استوار؛ ای صاحب رفتار درست؛ ای صاحب قدرتِ سخت؛ ای صاحب وعده و وعید؛ ای آن که سرپرست و ستوده است؛ ای آن که آنچه را بخواهد ، حتما انجام می دهد؛ ای آن که نزدیک است ، نه دور ؛ ای آن که بر هر چیز ، گواه است؛ ای آن که هرگز به بندگان ، ستمگر نیست !». هفتاد و نهم . «ای آن که بی شریک و وزیر است ، ای آن که بی همتا و بی نظیر است ، ای آفریننده خورشید و ماه فروزان ، ای بی نیازکننده بینوای نیازمند ، ای روزی دهنده کودک خردسال ، ای ترحّم کننده بر پیر سال خورده ، ای جبران کننده استخوان شکسته ، ای نگه دارنده ترسان پناهنده ، ای آن که به بندگانش آگاه و بیناست ، ای آن که بر هر چیزی تواناست !». هشتادم . «ای صاحب سخاوت و نعمت ها، ای صاحب احسان و بزرگواری ، ای آفریدگار لوح و قلم ، ای پدیدآورنده موران و آدمیان ، ای صاحب قدرت و انتقام ، ای الهام بخش عرب و عجم ، ای زداینده رنج و درد ، ای دانای نهان ها و نیّت ها، ای پروردگار کعبه و حرم ، ای آن که موجودات را از نیستی آفرید !». هشتاد و یکم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم : ای انجام دهنده ، ای آفریننده ، ای پذیرنده ، ای کامل ، ای نیکویی کننده ، ای جداکننده ، ای دادگر ، ای پیروز ، ای خواهنده ، ای بخشنده !». هشتاد و دوم

. «ای آن که با توانمندی اش نعمت بخشید ، ای آن که با بخشندگی اش کَرَم نمود ، ای آن که با لطفش جود ورزید ، ای آن که با قدرتش عزّت یافت ، ای آن که با حکمتش مقدّر کرد ، ای آن که با تدبیرش حکم کرد ، ای آن که با علمش تدبیر نمود ، ای آن که با بردباری اش گذشت کرد ، ای آن که با بلندی اش نزدیک است ، ای آن که با نزدیکی اش بلند است !». هشتاد و سوم . «ای آن که هر چه بخواهد ، می آفریند؛ ای آن که هر چه بخواهد ، می کند؛ ای آن که هر که را بخواهد ، هدایت می کند؛ ای آن که هر که را بخواهد ، گم راه می کند؛ ای آن که هر که را بخواهد ، کیفر می دهد؛ ای آن که هر که را بخواهد ، می آمرزد؛ ای آن که هر که را بخواهد ، عزّت می بخشد؛ ای آن که هر که را بخواهد ، خوار می سازد؛ ای آن که آنچه را بخواهد ، در رحِم ها تصویرگری می کند؛ ای آن که هر که را بخواهد ، به رحمت خویش مخصوص می سازد !». هشتاد و چهارم . «ای آن که جفت و فرزندی نگرفت؛ ای آن که برای هر چیز ، اندازه ای قرار داد؛ ای آن که در فرمان روایی اش کسی را شریک نمی سازد؛ ای آن که فرشتگان را پیام رسانان خود قرار داد؛ ای آن که در آسمان ، برج هایی قرار داد؛ (2) ای آن که زمین را جایی آرام قرار داد ؛ ای آن که از آب ، بشری آفرید ؛ ای آن که برای هر چیز ، فرجامی قرار داد ؛ ای آن که دانش او ، هر چیز را فرا گرفته است؛ ای آن که شمار هر چیز را می داند !». هشتاد و پنجم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای اوّل ، ای آخر ، ای پنهان ، ای آشکار ، ای نیکو ، ای حق ، ای یکتا ، ای بی همتا ، ای بی نیاز ، ای همیشگی !». هشتاد و ششم . «ای بهترین معروف شناخته شده ، ای برترین معبود پرستیده شده ، ای والاترین سپاسْ گفته شده ، ای مقتدرترین یادشده ای که یادش کرده اند ، ای برترین ستوده ای که ثنایش گفته اند ، ای قدیم ترین موجودی که طلبش کرده اند ، ای والاترین موصوفی که وصفش گفته اند ، ای بزرگ ترین مقصودی که به او روی آورده اند ، ای گرامی ترین درخواست شده ای که از او خواسته اند ، ای شریف ترین محبوبی که شناخته شده است !». هشتاد و هفتم . «ای محبوب گریه کنندگان ، ای سَرور توکّل کنندگان ، ای هدایتگر گم راهان ، ای سرپرست مؤمنان ، ای همدم یادآوران ، ای پناه درماندگان ، ای نجات بخش راستگویان ، ای تواناترینِ توانایان ، ای داناترینِ دانایان ، ای معبود همه آفریدگان !». هشتاد و هشتم . «ای آن که والا گشت و چیره شد ، ای آن که حکومت یافت و قدرتمند گشت ، ای آن که نهان گشت و از هر چیز خبر یافت ، ای آن که پرستیده شد و پاداش داد ، ای آن که نافرمانی شد و آمرزید ، ای آن که اندیشه ها او را در نیابند ، ای آن که چشمی او را نبیند ، ای آن که نشانی از او پنهان نماند ، ای روزی دهنده بشر ، ای تقدیرکننده هر اندازه !». هشتاد و نهم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای نگه

دارنده ، ای پدیدآرنده ، ای آفریننده ، ای والا ، ای گشاینده ، ای فاتح ، ای آشکارکننده ، ای ضامن ، ای فرمان دهنده ، ای نهی کننده !». نودم . «ای آن که جز او غیب نداند ، ای آن که جز او بلا را برطرف نکند ، ای آن که آفریدگان را جز او نیافریند ، ای آن که جز او گناه را نیامرزد ، ای آن که جز او نعمت را کامل نسازد ، ای آن که جز او دل ها را دگرگون نکند ، ای آن که جز او کار را سامان ندهد ، ای آن که جز او باران نفرستد ، ای آن که جز او روزی نگستراند ، ای آن که جز او مردگان را حیات نبخشد !». نود و یکم . «ای یاور ناتوانان ، ای همنشین غریبان ، ای یاریگر دوستان ، ای کوبنده دشمنان ، ای برافرازنده آسمان ، ای همدم پاک دلان ، ای محبوب تقواپیشگان ، ای گنج نیازمندان ، ای معبود توانگران ، ای کریم ترینِ بزرگواران !». نود و دوم . «ای کفایت کننده از هر چیز ، ای نگهبان استوارِ بر هر چیز ، ای آن که چیزی همانند او نیست ، ای آن که چیزی در فرمان روایی اش نیفزاید ، ای آن که چیزی از او نهان نماند ، ای آن که از گنجینه هایش چیزی نکاهد ، ای آن که چیزی همانند او نیست ، ای آن که از دانش او چیزی پوشیده نیست ، ای آن که بر هر چیزی آگاه است ، ای آن که رحمتش همه چیز را فرا گرفته است !». نود و سوم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای کَرَم کننده ، ای طعام دهنده ، ای نعمت بخش ، ای بخشنده ، ای بی نیازکننده ، ای عطاکننده ، ای فانی سازنده ، ای حیات بخش ، ای خرسندساز ، ای نجات بخش !». نود و چهارم . «ای آغاز و انجام هر چیز ، ای معبود و مالک هر چیز ، ای پروردگار و آفریدگار هر چیز ، ای پدیدآورنده و آفریننده هر چیز ، ای گیرنده و گشاینده هر چیز ، ای هستی بخش و بازآفریننده هر چیز ، ای ایجادکننده و تقدیرکننده هر چیز ، ای هستی بخش و دگرگون ساز هر چیز ، ای حیات بخش و میراننده هر چیز ، ای آفریدگار و میراث بر هر چیز !». نود و پنجم . «ای بهترین یادکننده و یادشده ، ای بهترین سپاس گزار و سپاس شده ، ای بهترین ستایشگر و ستوده ، ای بهترین گواه و گواهی شونده ، ای بهترین دعوتگر و خوانده شده ، ای بهترین پاسخ دهنده و اجابت شده ، ای بهترین مونس و همدم ، ای بهترین رفیق و همنشین ، ای بهترین مقصود و مطلوب ، ای بهترین دوستدار و دوست !». نود و ششم . «ای آن که هر که را بخواندش ، پاسخ می دهد؛ ای آن که هر که را اطاعتش کند ، دوست می دارد؛ ای آن که به هر که دوستش بدارد ، نزدیک است؛ ای آن که نگهبان کسی است که از او نگهبانی خواهد؛ ای آن که به هر که امید به او بندد ، بزرگوار است؛ ای آن که به هر که نافرمانی اش کند ، بردبار است؛ ای آن که با همه عظمتش مهربان است؛ ای آن که با همه حکمتش بزرگ است؛ ای آن که در احسان خود ، دیرین است؛ ای آن که به هر که بخواهد ، داناست !». نود و هفتم . «خداوندا ! تو را به نامت می خوانم: ای سبب ساز ، ای شوق آفرین ، ای

دگرگون ساز ، ای تعقیب کننده ، ای ترتیب دهنده ، ای ترساننده ، ای برحذردارنده ، ای یادآورنده ، ای تسخیرکننده ، ای تغییردهنده !». نود و هشتم . «ای آن که دانشش پیشین است ، ای آن که وعده اش راست است ، ای آن که لطفش آشکار است ، ای آن که فرمانش چیره است ، ای آن که کتابش استوار است ، ای آن که تقدیرش حتمی است ، ای آن که قرآنش باعظمت است ، ای آن که فرمان روایی اش دیرین است ، ای آن که نعمتش فراگیر است ، ای آن که عرشش بزرگ است !». نود و نهم . «ای آن که شنیدنی ، او را از شنیدن دیگر ، باز نمی دارد؛ ای آن که کاری ، او را از کار دیگر ، باز نمی دارد؛ ای آن که سخنی ، او را از سخن دیگر ، مشغول نمی سازد؛ ای آن که درخواستی ، او را از درخواست دیگر ، به خطا نمی افکند؛ ای آن که چیزی ، حجاب او نسبت به چیز دیگر نمی شود؛ ای آن که اصرار درخواست کنندگان ، او را به ستوه نمی آورد؛ ای آن که نهایت خواسته مریدان است؛ ای آن که منتهای همّت عارفان است؛ ای آن که نهایت خواسته جویندگان است؛ ای آن که در جهانیان ، چیزی بر او پوشیده نمی ماند !». صدم . «ای بردباری که [در کیفر دادن ،] شتاب نمی کند؛ ای بخشنده ای که بخل نمی ورزد ، ای راستگویی که خلاف وعده عمل نمی کند؛ ای بخشنده ای که از بخشش ، خسته نمی شود؛ ای قدرتمندی که شکست نمی خورد؛ ای بزرگی که به وصف نمی آید؛ ای دادگری که ستم نمی کند؛ ای بی نیازی که فقیر نمی شود؛ ای بزرگی که کوچک نمی شود؛ ای نگهبانی که غافل نمی گردد! منزّهی تو ، ای آن که معبودی جز تو نیست! به فریاد رس ، به فریاد رس ، به فریاد رس. پروردگارا ! ما را از آتش ، نجات بده !».

.

1- .در البلد الأمین آمده است: «دعای جوشن کبیر ، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است و صد بخش دارد و هر بخشی ، ده نام است. در آغاز هر بخش ، بسم اللّه الرحمن الرحیم می گویی و در آخر هر بخش می گویی: سبحانک یا لا إله إلاّ أنت ، الغوث ، الغوث ، صلّ علی محمّد و آله و خلّصنا من النار یا ربّ ، یا ذا الجلال و الإکرام ، یا أرحم الراحمین».

2- .برج های آسمان ، منزلگاه های ماه و خورشید است. بروج ، به معنای ستارگان بزرگ نیز آمده است (ر . ک : مجمع البحرین : 1 / 132).

ص: 464

. .

..

..

ص: 467

..

ص: 468

. .

ص: 469

. .

ص: 470

. .

ص: 471

. .

ص: 472

. .

ص: 473

. .

ص: 474

. .

ص: 475

. .

ص: 476

..

ص: 477

. .

ص: 478

. .

ص: 479

. .

ص: 480

. .

ص: 481

. .

ص: 482

. .

ص: 483

. .

. .

ص: 485

. .

ص: 486

. .

. .

ص: 488

. .

ص: 489

. .

ص: 490

. .

ص: 491

. .

ص: 492

. .

ص: 493

. .

. .

ص: 495

. .

. .

ص: 497

. .

الفصل الرابعالآدابُ المُختَصَّةُ بِاللَّيالى4 / 1آدابُ اللَّيلَهِ الاُوليأ الغُسلالإمام الصادق عليه السلام :غُسلُ أوَّلِ لَيلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ يُستَحَبُّ . (1)

عنه عليه السلام :مَن أحَبَّ ألاّ يَكونَ بِهِ الحِكَّهُ فَليَغتَسِل أوَّلَ لَيلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ؛ فَإِنَّهُ مَنِ اغتَسَلَ أوَّلَ لَيلَهٍ مِنهُ لايُصيبُهُ حِكَّهٌ إلى شَهرِ رَمَضانَ مِن قابِلٍ . (2)

ب الصَّلاه864.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :مَن صَلّى أوَّلَ لَيلَهٍ مِنَ الشَّهرِ رَكعَتَينِ بِسورَهِ الأَنعامِ وسَأَلَ اللّهَ أن يَكفِيَهُ ، كَفاهُ اللّهُ تَعالى ما يَخافُهُ فى ذلِكَ الشَّهرِ ، ووَقاهُ مِنَ المَخاوِفِ وَالأسقامِ . (3) .

1- .الكافى : 3 / 40 / 2 ، تهذيب الأحكام : 1 / 104 / 270 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 79 / 176 كلّها عن سماعه بن مهران .
2- .الإقبال : 1 / 56 ، بحارالأنوار : 81 / 18 / 24 .
3- .الإقبال : 1 / 75 ، الدروع الواقيه : 40 نحوه ، بحارالأنوار : 91 / 382 / 6 وج 97 / 133 / 1 .

4 / 1 آداب شب نخست

الف غسل
ب نماز

فصل چهارم : آداب مخصوص شب های ماه رمضان4 / 1آداب شب نخستالف غسلامام صادق علیه السلام:غسل اوّلین شب ماه رمضان ، مستحب است.

امام صادق علیه السلام:هر کس دوست دارد خارش پوست نداشته باشد ، شب اوّل ماه رمضان غسل کند ، که هر کس در نخستین شب از این ماه غسل کند ، تا رمضان آینده دچار خارش نمی شود.

ب نمازامام صادق علیه السلام:هر کس در شب اوّل این ماه ، دو رکعت نماز با سوره انعام بخواند و از خداوند بخواهد که او را کفایت کند ، خداوندْ او را در آن ماه ، از آنچه می ترسد ، کفایت می کند ، و او را از هراس ها و بیماری ها حفظ می کند.

.

ج الدُّعاءرسول اللّه صلى الله عليه و آله مِمّا كانَ يَدعو بِهِ أوَّلَ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ :الحَمدُ للّهِ الَّذى أكرَمَنا بِكَ أيُّهَا الشَّهرُ المُبارَكُ ، اللّهُمَّ فَقَوِّنا عَلى صِيامِنا وقِيامِنا ، وثَبِّت أقدامَنا وَانصُرنا عَلَى القَومِ الكافِرينَ . اللّهُمَّ أنتَ الواحِدُ فَلا وَلَدَ لَكَ ، وأنتَ الصَّمَدُ فَلا شِبهَ لَكَ ، وأنتَ العَزيزُ فَلا يُعِزُّكَ شَىءٌ ، وأنتَ الغَنِىُّ وأنَا الفَقيرُ ، وأنتَ المَولى وأنَا العَبدُ ، وأنتَ الغَفورُ وأنَا المُذنِبُ ، وأنتَ الرَّحيمُ وأنَا المُخطِئُ ، وأنتَ الخالِقُ وأنَا المَخلوقُ ، وأنتَ الحَىُّ وأنَا المَيِّتُ ، أسأَلُكَ بِرَحمَتِكَ أن تَغفِرَ لى وتَرحَمَنى وتَتَجاوَزَ عَنّى ، إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (1)

المقنعه :إذا صلّيت المغرب من هذه الليله وهى أوّل ليله فى الشهر فادعُ بهذا الدعاء وهو دعاء الحجّ فتقول : اللّهُمَّ (2) مِنكَ أطلُبُ حاجَتى ، ومَن طَلَبَ حاجَتَهُ إلى أحَدٍ مِنَ النّاس فَإنّى لا أطلُبُ حاجَتى إلاّ مِنكَ وَحدَكَ لاشَريكَ لَكَ ، وأسأَلُكَ بِفَضلِكَ ورِضوانِكَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وأن تَجعَلَ لى مِن عامى هذا إلى بَيتِكَ الحَرامِ سَبيلاً حَجَّةً مَبرورَةً مُتَقَبَّلَةً زاكِيَةً خالِصَةً لَكَ تَقَرُّ بِها عَينى وتَرفَعُ بِها دَرَجَتى وتَرزُقَنى أن أغُضَّ بَصَرى وأن أحفَظَ فَرجى وأن أكُفَّ عَن جَميعِ مَحارِمِكَ حَتّى لا يَكونَ شَىءٌ آثَرَ عِندى مِن طاعَتِكَ وخَشيَتِكَ وَالعَمَلِ بِما أحبَبتَ وَالتَّركِ لِما كَرِهتَ ونَهَيتَ عَنهُ ، وَاجعَل ذلِكَ فى يُسرٍ وعافِيَةٍ (3) و[أوزِعنى شُكرَ] (4) ما أنعَمتَ بِهِ عَلَىَّ . وأسأَلُكَ أن تَجعَلَ وَفاتى قَتلاً فى سَبيلِكَ تَحتَ رايَةِ نَبِيِّكَ محمّد صلّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ مع أولِيائِكَ (5) وأسأَلُكَ أن تَقتُلَ بى أعداءَكَ وأعداءَ رَسولِكَ ، وأسأَلُكَ أن تُكرِمَنى بِهَوانِ مَن شِئتَ مِن خَلقِكَ ولا تُهِنّى بِكَرامَةِ أحَدٍ مِن أولِيائِكَ . اللّهُمَّ اجعَل لى مَعَ الرَّسولِ سَبيلاً حَسبِىَ اللّهُ ، ما شاءَ اللّهُ وصلّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطّاهِرينَ . (6)

.

1- .الإقبال : 1 / 146 ، البلد الأمين : 195 نحوه ، بحارالأنوار : 98 / 74 / 2 .
2- .فى المصادر الاُخرى : «اللّهمّ إنّى بک ومنک أطلب ...» .
3- .فى بعض نسخ المصدر : «فى يسر منک وعافيه» وفى الكافى والإقبال : «فى يسر ويسار وعافيه» .
4- .ما بين المعقوفين أثبتناه من المصادر الاُخرى .
5- .فى البلد الأمين والمصباح للكفعمى : «وليّک» بدل «أوليائک» .

6- .المقنعه : 313 ، الكافى : 4 / 74 / 6 ، الإقبال : 1 / 78 نحوه وكلاهما عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، البلد الأمين : 222 ، المصباح للكفعمى : 816 ، بحارالأنوار : 98 / 1 / 1 نقلاً عن خطّ الشيخ الجباعى من دون إسنادٍ إلى المعصوم .

ج دعاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله از جمله دعاهایی که در اوّلین شب ماه رمضان می خوانْد :ای ماه مبارک! خداوندی را سپاس که ما را به تو کرامت بخشید. خداوندا! ما را بر روزه داری و عبادتمان نیرو بخش و گام های ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری کن! خداوندا! تو یکتای بی فرزندی، و تو بی نیازِ (1) بی همانندی، تو آن قدرتمندی هستی که چیزی به تو قدرت نمی بخشد. تو بی نیازی و من نیازمندم. تو مولایی و من بنده ام . تو آمرزنده ای و من گنهکارم . تو مهربانی و من خطاکارم . تو آفریدگاری و من آفریده ام. تو زنده ای و من مرده ام. تو را به مهربانی ات می خوانم که مرا بیامرزی ، بر من رحم کنی و از من درگذری. همانا تو بر هر چیز ، توانایی.

المقنعه :چون نماز مغرب امشب شب اوّل ماه رمضان را خواندی ، این دعا را که دعای حج است ، بخوان (2) : «خداوندا! حاجتم را از تو می طلبم. هر کس حاجتش را از یکی از مردمان می خواهد ؛ امّا من حاجتم را تنها از تو طلب می کنم . انبازی برای تو نیست . تو را به احسان و رضوانت می خوانم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و برای من از این سال ، راهی برای زیارت خانه خودت قرار دهی ، برای حجّی شایسته ، قبول شده ، پاک و خالص برای تو ، که چشمم را بدان روشن سازی و رتبه ام را بدان بالا بری و روزی ام کنی که چشم [از گناه] بر بندم و عفافم را نگه دارم و از همه گناهانت دست بردارم ، تا آن که هیچ چیز نزد من برگزیده تر و بهترِ از طاعت تو و پروا کردن از تو و عمل به آنچه واجب کرده ای و ترک آنچه برای تو ناخوشایند است و از آن نهی کرده ای ، نباشد. و این همه را در آسانی و توانگری و تن درستی قرار بده و توفیقم بده نعمتی را که به من داده ای ، سپاس گویم؛ و از تو می خواهم که مرگم را کشته شدن در راهت ، زیر پرچم پیامبرت با دوستان خودت قرار دهی؛ و از تو می خواهم که دشمنانت و دشمنان پیامبرت به دست من کشته شوند؛ و از تو می خواهم که با خواریِ هر کدام از بندگانت که بخواهی ، بر من اکرام کنی و با اکرام هیچ یک از اولیایت ، مرا خوار نسازی. خداوندا! برای من راهی (ارتباطی) با پیامبر صلی الله علیه و آله قرار بده! مرا خداوند ، بسنده است . و درود خداوند بر محمّد و خاندان پاکش باد!».

.

1- .صمد ، یعنی آنچه جسم ندارد و توخالی نیست (ر . ک : بحار الأنوار : 4 / 189).
2- .در الکافی است: «امام صادق علیه السلام این دعا را در ماه رمضان می خواند». در الإقبال است : «امام صادق علیه السلام فرمود : در شب های ماه رمضان بعد از نماز مغرب این دعا را که برای حجّ است ، بخوان ...» در بحار الأنوار است: «دعای حج ، در اوّلین شب ماه رمضان خوانده می شود». کفعمی در المصباح و البلد الأمین گفته است : «مستحب است در هر روز از ماه رمضان و در شب اوّل آن ، این دعا را بخواند که دعای حج نامیده می شود. کراجکی در روضه العابدین ، شیخ مفید و کلینی هم آن را از امام صادق علیه السلامنقل کرده اند».

الإمام الصادق عليه السلام :إذا كانَ أوَّلُ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ فَقُل : اللّهُمَّ رَبَّ شَهرِ رَمَضانَ ومُنزِلَ القُرآنِ ، هذا شَهرُ رَمَضانَ الَّذى أنزَلتَ فيهِ القُرآنَ وأنزَلتَ فيهِ آياتٍ بَيِّناتٍ مِنَ الهُدى وَالفُرقانِ ، اللّهُمَّ ارزُقنا صِيامَهُ وأَعِنّا عَلى قِيامِهِ ، اللّهُمَّ سَلِّمهُ لَنا وسَلِّمنا فيهِ وتَسَلَّمهُ مِنّا فى يُسرٍ مِنكَ ومُعافاةٍ ، وَاجعَل فيما تَقضى وتُقَدِّرُ مِنَ الأَمرِ المَحتومِ فيما يُفرَقُ (1) مِنَ الأَمرِ الحَكيمِ فى لَيلَةِ القَدرِ مِنَ القَضاءِ الَّذى لا يُرَدُّ ولَا يُبَدَّلُ ، أن تَكتُبَنى مِن حُجّاجِ بَيتِكَ الحَرامِ ، المَبرورِ حَجُّهُمُ المَشكورِ سَعيُهُمُ ، المَغفورِ ذَنبُهُمُ (2) المُكَفَّرِ عَنهُم سَيِّئاتُهُم ، وَاجعَل فيما تَقضى وتُقَدِّرُ أن تُطيلَ لى فى عُمُرى وتُوَسِّعَ عَلَىَّ مِنَ الرِّزقِ الحَلالِ . (3)

وانظر : ص 123 (أدعيه التهيّؤ لضيافه اللّه كلّها ، فإنّها تُقرأ على الأغلب فى الليله الأُولى) .

د إتيانُ الأَهلِالقرآن«أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَآئِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنكُمْ فَالْ?نَ بَشِرُوهُنَّ وَابْتَغُواْ مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُواْ وَاشْرَبُواْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّواْ الصِّيَامَ إِلَى الَّيْلِ وَلاَ تُبَشِرُوهُنَّ وَأَنتُمْ عَكِفُونَ فِى الْمَسَجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلاَ تَقْرَبُوهَا كَذَ لِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ ءَايَتِهِى لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ » . (4)

.

1- .فى الإقبال : «وفيما تفرق» .
2- .فى الإقبال : «المغفور ذنوبهم» .
3- .الكافى : 4 / 71 / 2 ، الإقبال : 1 / 77 كلاهما عن عمّار الساباطى وص 145 نقلاً عن ابن أبى قرَّه نحوه .
4- .البقره : 187 .

د همخوابگی با همسر

امام صادق علیه السلام:چون شب اوّل ماه رمضان شود ، بگو : «خداوندا ! ای پروردگار ماه رمضان و نازل کننده قرآن ! این ، ماه رمضان است که در آن ، قرآن را فرو فرستادی و در آن ، آیه هایی روشن از هدایت و فرقان نازل کردی. خداوندا ! روزه داریِ آن را روزیِ ما کن و بر عبادت این ماه ، یاری مان نما ! خداوندا ! آن را برای ما سالم بدار و ما را در آن ، تن درست کن و آن را از ما همراه با آسانی از سوی خود و عافیت ، بگیر؛ و قرار بده در آنچه از قضا و تقدیر خویش قرار می دهی ، از امر حتمی در آنچه در شب قدر از فرمان حکیمانه ات مقدّر می کنی ، تقدیری که برنمی گردد و تغییر نمی یابد ، این که مرا از حاجیان خانه با حرمت خویش بنویسی ، از آنان که حجّشان نیکو و تلاششان قدردانی می شود و گناهانشان بخشوده و بدی هایشان پوشانده می شود؛ و در آنچه مقرّر و مقدّر می کنی ، چنین قرار بده که عمرم را بلند گردانی و از روزیِ حلال ، بر من بگسترانی !».

ر . ک : ص 201 (دعاهای آمادگی برای میهمانی خدا که اغلب در شب اوّل خوانده می شوند) .

د همخوابگی با همسرقرآن«در شب روزه داری ، همخوابگی با زنانتان بر شما حلال شده است. آنان برای شما لباس اند و شما هم برای آنان لباسید. خداوند دانست که شما به خودتان خیانت می کنید؛ پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. پس ، اینک با آنان در آمیزید و آنچه را خداوند برای شما مقرّر کرده ، طلب کنید ، و بخورید و بیاشامید ، تا آن دم که رشته سفید (صبح) از رشته سیاه (شب) در سپیده دم ، بر شما نمودار شود. سپس روزه را تا شب ، به پایان برید. و در حالی که در مسجدها معتکف عبادتید ، با آنان در نیامیزید. اینها حدود الهی اند. پس به آنها نزدیک نشوید. خداوند ، آیاتش را این گونه برای مردم ، روشن می سازد. باشد که تقوا پیشه کنند» .

.

الحديثالإمام الصادق عليه السلام :حَدَّثَنى أبى عَن جَدّى عَن آبائِهِ عليهم السلام أنَّ عَلِيّاً صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ قالَ : يُستَحَبُّ لِلرَّجُلِ أن يَأتِىَ أهلَهُ أوَّلَ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ؛ لِقَولِ اللّهِ عز و جل : «أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَآئِكُمْ» ، وَالرَّفَثُ المُجامَعَةُ . (1)

4 / 2دُعاءُ اللَّيلَةِ الثّانِيَةِرسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا إلهَ الأَوَّلينَ والآخِرينَ ، وإلهَ مَن بَقِيَ وإلهَ مَنِ مَضى ، رَبَّ السَّماواتِ السَّبعِ ومَن فيهِنَّ ، فالِقَ الإِصباحِ وجاعِلَ اللَّيلِ سَكَناً وَالشَّمسِ وَالقَمَرِ حُسباناً ، لَكَ الحَمدُ ولَكَ الشُّكرُ ، ولَكَ المَنُّ ولَكَ الطَّولُ ، وأنتَ الواحِدُ الصَّمَدُ . أسأَلُكَ بِجَلالِكَ سَيِّدى وجَمالِكَ مَولاىَ ، أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ،وأن تَغفِرَ لى وتَرحَمَنى وتَتَجاوَزَ عَنّى، إنَّكَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ. (2)

.

1- .الكافى : 4 / 180 / 3 عن أبى بصير ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 173 / 2052 وج 3 / 473 / 4653 ، الخصال : 612 / 10 عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم ، مكارم الأخلاق : 1 / 461 / 1569 ، الإقبال : 1 / 190 ، بحار الأنوار : 97 / 348 / 3 .
2- .الإقبال : 1 / 248 ، البلد الأمين : 195 ، بحارالأنوار : 98 / 17 / 2 و ص 74 / 2 .

حدیثامام صادق علیه السلام:پدرم از جدّم از پدرانش روایت کرد که علی علیه السلام فرمود: «برای مرد ، مستحب است که شب اوّل ماه رمضان با همسرش آمیزش کند ؛ چرا که خداوند فرموده است: «در شبِ روزه داری ، همخوابگی با زنانتان برای شما حلال شده است» و رَفَث [موجود در اصل آیه،] یعنی آمیزش جنسی». 1

4 / 2دعای شب دوم935.الأمالی للصدوق عن الأصبغ بن نباته :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای معبود اوّلین و آخرین و ای معبود آن که مانده و آن که در گذشته است! ای پروردگار آسمان های هفتگانه و هر که در آنهاست! ای شکافنده صبح و ای که شب را برای آرامش ، و خورشید و ماه را برای حسابگری قرار دادی! تو را ستایش و تو را سپاس و تو را نعمت بزرگ و تو را نیکی و والایی است و تو یگانه بی نیازی.

سرورم! تو را به جلالَت می خوانم. مولایم! تو را به جمالت می خوانم که بر محمّد و خاندان محمّد ، درود فرستی و مرا بیامرزی و بر من ترحّم کنی و از من درگذری. همانا تو آمرزنده مهربانی.

.

4 / 3دُعاءُ اللَّيلَهِ الثّالِثَهِ936.امام صادق عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا إلهَ إبراهيمَ وإلهَ إسحاقَ وإلهَ يَعقوبَ وَالأسباطِ ، رَبَّ المَلائِكَهِ وَالرّوحِ ، السَّميعَ العَليمَ ، الحَليمَ الكَريمَ ، العَلِيَّ العَظيمَ ، لَکَ صُمتُ وعَلى رِزقِکَ أفطَرتُ ، وإلى کَنَفِکَ أوَيتُ ، وإلَيکَ أنَبتُ وإلَيکَ المَصيرُ ، وأنتَ الرَّؤوفُ الرَّحيمُ ، قَوِّنى عَلَى الصَّلاهِ وَالصِّيام ، ولا تُخزِنى يَومَ القِيامَهِ ، إنَّکَ لا تُخلِفُ الميعادَ . (1)4 / 4دُعاءُ اللَّيلَهِ الرّابِعَهِ938.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا رَحمانَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ورَحيمَهُما ، ويا جَبّارَ الدُّنيا ويا مالِکَ المُلوکِ ، ويا رازِقَ العِبادِ ، هذا شَهرُ التَّوبَهِ وهذا شَهرُ الثَّوابِ وهذا شَهرُ الرَّجاءِ ، وأنتَ السَّميعُ العَليمُ .

أسأَلُکَ أن تَجعَلَنى فى عِبادِکَ الصّالِحينَ الَّذينَ لا خَوفَ عَلَيهِم ولا هُم يَحزَنونَ ، وأن تَستُرَنى بِالسِّترِ الَّذى لا يُهتَکُ ، وتُجَلِّلَنى بِعافِيَتِکَ الَّتى لا تُرامُ ، وتُعطِيَنى سُؤلى وتُدخِلَنِى الجَنَّهَ بِرَحمَتِکَ ، وألاّ تَدَعَ لى ذَنباً إلاّ غَفَرتَهُ ، ولا هَمّاً إلاّ فَرَّجتَهُ ، ولا کُربَهً إلاّ کَشَفتَها ، ولا حاجَهً إلاّ قَضَيتَها ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، إنَّکَ أنتَ الأَجَلُّ الأعظَمُ . (2) .

1- .الإقبال : 1 / 251 ، البلد الأمين : 195 ، بحارالأنوار : 98 / 19 / 2 وص 74 / 2 .
2- .الإقبال : 1 / 256 ، البلد الأمين : 195 ، بحارالأنوار : 98 / 21 / 2 وص 75 / 2 .

4 / 3 دعای شب سوم

4 / 4 دعای شب چهارم

4 / 3دعای شب سوم941.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای معبود ابراهیم و معبود اسحاق و معبود یعقوب و نوادگان! ای پروردگار فرشتگان و روح! ای شنوای دانا! ای بردبار بزرگوار! ای والای بزرگ! برای تو روزه گرفتم و با روزیِ تو افطار کردم و به حمایت تو پناه آوردم و به سوی تو بازگشتم و سرانجامم ، به سوی توست و تو رئوف و مهربانی. بر نماز و روزه داری ، نیرویم بخش و در روز قیامت ، خوارم مکن! همانا تو از وعده تخلّف نمی کنی.4 / 4دعای شب چهارم940.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای بخشنده دنیا و آخرت و مهربان در آن دو! ای قدرتمند دنیا! ای فرمانروای پادشاهان! ای روزی دهنده بندگان! این ، ماه توبه است و این ، ماه پاداش است و این ، ماه امید است و تو ، شنوای دانایی.

از تو می خواهم مرا در زمره بندگان شایسته ات قرار دهی ، آنان که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. و می خواهم مرا با پوششی بپوشانی که دریده نمی شود ، و مرا با عافیت خویش در برگیری که آسیبی به آن نمی رسد ، و خواسته ام را عطا کنی ، و به رحمت خود وارد بهشتم کنی ، و این که هیچ گناهی را وانگذاری ، جز آن که آن را آمرزیده باشی؛ و نه اندوهی را ، مگر آن که زدوده باشی؛ و نه غصّه جانکاهی را ، مگر آن که برطرف کرده باشی؛ و نه حاجتی را ، جز آن که برآورده کرده باشی ، به حقّ محمّد و خاندان محمّد. همانا تویی تو ، با شُکوه تر و بزرگ تر.

.

4 / 5دُعاءُ اللَّيلَهِ الخامِسَهِ942.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در نامه اش به نجرانیان) رسول اللّه صلی الله علیه و آله :یا صانِعَ کُلِّ مَصنوعٍ ، ویا جابِرَ کُلِّ کَسیرٍ ، ویا شاهِدَ کُلِّ نَجوی ، ویا رَبّاهُ ویا سَیِّداهُ ، أنتَ النّورُ فَوقَ النّورِ ونورُ کُلِّ نورٍ ، فَیا نورَ کُلِّ نورٍ أسألُکَ أن تَغفِرَ لی ذُنوبَ اللَّیلِ وذُنوبَ النَّهارِ ، وذُنوبَ السِّرِّ وذُنوبَ العَلانِیَهِ .

یا قادِرُ یا قَدیرُ ، یا واحِدُ یا أحَدُ یا صَمَدُ، یا وَدودُ یا غَفورُ یا رَحیمُ ، یا غافِرَ الذَّنبِ وقابِلَ التَّوبِ شَدیدَ العِقابِ ذَا الطَّولِ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ وَحدَکَ لا شَریکَ لَکَ ، تُحیی وتُمیتُ وتُمیتُ وتُحیی ، وأنتَ الواحِدُ القَهّارُ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر لی وَارحَمنی وَاعفُ عَنّی ، إنَّکَ أنتَ الرَّحمنُ الرَّحیمُ .
(1)4 / 6دُعاءُ اللَّیلَهِ السّادِسَهِ944.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فی وَصِیَّتِهِ لِأَبی ذَرٍّ) رسول اللّه صلی الله علیه و آله :اللّهُمَّ أنتَ السَّمیعُ العَلیمُ ، وأنتَ الواحِدُ الکَریمُ ، وأنتَ الإلهُ الصَّمَدُ ، رَفَعتَ السَّماواتِ بِقُدرَتِکَ ، ودَحَوتَ الأرضَ بِعِزَّتِکَ ، وأنشَأتَ السَّحابَ بِوَحدانِیَّتِکَ ، وأجرَیتَ البِحارَ بِسُلطانِکَ .

یا مَن سَبَّحَت لَهُ الحیتانُ فِی البُحورِ وَالسِّباعُ فِی الفَلَواتِ ، یا مَن لا تَخفی عَلَیهِ خافِیَهٌ فِی السَّماواتِ السَّبعِ وَالأَرَضینَ السَّبعِ .

یا مَن یُسَبِّحُ لَهُ السَّماواتُ السَّبعُ وَالأَرَضونَ السَّبعُ وما فیهِنَّ ، یا مَن لا یَموتُ ولا یَبقی إلاّ وَجهُهُ الجَلیلُ الجَبّارُ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاغفِر لی وَارحَمنی وَاعفُ عَنّی ، إنَّکَ أنتَ الغَفورُ الرَّحیمُ . (2) .

1- .الإقبال : 1 / 258 ، البلد الأمین : 196 وفیه «یامقتدر» بدل «یا قدیر» ، بحارالأنوار : 98 / 22 / 2 و ص 75 / 2 .
2- .الإقبال : 1 / 262 ، البلد الأمین : 196 ، بحارالأنوار : 98 / 75 / 2 .

4 / 5 دعای شب پنجم

4 / 6 دعای شب ششم

4 / 5دعای شب پنجم944.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در سفارش به ابو ذر) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای آفریننده هر آفریده ، ای جبران کننده هر شکسته ، ای گواه هر رازگویی ، ای پروردگار و سَرور! تویی آن نور بالای نور و نور هر نور. پس ای فروغ هر روشنایی از تو می خواهم که گناهان شب و گناهان روز و گناهان پنهان و گناهان آشکارم را بیامرزی.

ای توانا ، ای توانگر! ای یگانه ، ای یکتا ، ای بی نیاز! ای با رأفت ، ای آمرزنده ، ای مهربان! ای بخشاینده گناه و ای پذیرنده توبه! ای سخت کیفر صاحب نعمت! معبودی جز تو نیست. یکتایی بی شریکی ، زنده می کنی و می میرانی و می میرانی و زنده می کنی و تویی یکتای قدرتمند. بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بیامرز و بر من ترحّم کن و از من درگذر! همانا تو بخشاینده و مهربانی.4 / 6دعای شب ششم947.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوندا! تویی شنوای دانا و تویی یکتای بزرگوار و تویی معبود بی نیاز. با قدرتت آسمانها را بر افراشتی و با توانمندی ات زمین را گستراندی و با یکتایی ات ابر را پدید آوردی و با قدرتت دریاها را به جریان انداختی.

ای آن که ماهیانْ در دریاها و درندگانْ در بیابان ها تسبیح گوی اویند! ای آن که هیچ پنهانی در آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه ، بر او پوشیده نیست!

ای آن که آسمان های هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه در آنهاست ، تسبیح گوی اویند! ای خدای نامیرا! ای آن که جز ذات شکوهمند و مقتدرِ او پاینده نیست! بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا بیامرز و بر من ترحّم کن و از من درگذر! همانا تو آمرزنده مهربانی.

.

4 / 7دُعاءُ اللَّيلَهِ السّابِعَهِ947.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :یا مَن کانَ ویَکونُ ولَیسَ کَمِثلِهِ شَیءٌ ، یا مَن لا یَموتُ ولا یَبقی إلاّ وَجهُهُ الجَبّارُ ، یا مَن یُسَبِّحُ الرَّعدُ بِحَمدِهِ وَالمَلائِکَهُ مِن خیفَتِهِ ، یا مَن إذا دُعِیَ أجابَ ، یا مَن إذَا اِستُرحِمَ رَحِمَ ، یا مَن لا یُدرِکُ الواصِفونَ صِفَتَهُ مِن عَظَمَتِهِ ، یا مَن لا تُدرِکُهُ الأَبصارُ وهُوَ یُدرِکُ الأَبصارَ وهُوَ اللَّطیفُ الخَبیرُ ، یا مَن یَری ولا یُری وهُوَ بِالمَنظَرِ الأعلی ، یا مَن لا یُعِزُّهُ شَیءٌ ولا یَفوقُهُ أحَدٌ ، یا مَن بِیَدِهِ نَواصِی العِبادِ .

أسأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَلَیکَ وحَقِّکَ عَلی مُحَمَّدٍ ، أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وأن تَرحَمَ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ ، کَما صَلَّیتَ وبارَکتَ وتَرَحَّمتَ عَلی إبراهیمَ وآلِ إبراهیمَ فِی العالَمینَ ، إنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ . (1) .

1- .الإقبال : 1 / 266 ، البلد الأمین : 196 ولیس فیه «یامن لایموت ولایبقی إلاّ وجهه الجبّار» و«یامن لایعزّه شیء ولایفوقه أحد» ، بحارالأنوار : 98 / 26 / 2 و ص 76 / 2 .

4 / 7دعای شب هفتم950.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای آن که بوده است و خواهد بود و چیزی همانند او نیست ! ای خدای نامیرا که جز ذات مقتدرِ او پاینده نیست ! ای آن که رعد ، با ستایش او ، تسبیحگوی اوست و فرشتگان از بیم او تسبیح گوی اویند ! ای آن که چون خوانده شود ، پاسخ می دهد ! ای آن که چون از او رحمت خواهند ، ترحّم می کند ! ای آن که از نهایت عظمتش توصیفگران ، توصیف او را نتوانند ! ای آن که چشم ها او را در نمی یابند و او چشم ها را درک می کند و او صاحب لطف است و آگاه است ! ای آن که می بیند و دیده نمی شود و بر فرازِ نگریستن است ! ای آن که چیزی او را شکست نمی دهد و کسی برتر از او نیست ! ای آن که اختیار بندگان به دست اوست !

تو را می خوانم به حقّ محمّد بر تو و به حقّ تو بر محمّد ، که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و بر محمّد و خاندان محمّد رحمت آوری ، آن گونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم در جهانیان ، درود و برکت فرستادی و رحمت آوردی. همانا تو ستوده باشُکوهی.

.

4 / 8دُعاءُ اللَّيلَهِ الثّامِنَهِ953.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ هذا شَهرُكَ الَّذى أمَرتَ فيهِ عِبادَكَ بِالدُّعاءِ وضَمِنتَ لَهُمُ الإجابَهَ ، وقُلتَ :«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِى عَنِّى فَإِنِّى قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَهَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» ، (1) فَأدعوكَ يا مُجيبَ دَعوَهِ المُضطَرِّ ، ويا كاشِفَ السّوءِ عَنِ المَكروبِ ، ويا جاعِلَ اللَّيلِ سَكَناً ، ويا مَن لا يَموتُ اغفِر لِمَن يَموتُ ، قَدَّرتَ وخَلَقتَ وسَوَّيتَ فَلَكَ الحَمدُ ، أطعَمتَ وسَقَيتَ وآوَيتَ ورَزَقتَ فَلَكَ الحَمدُ .

أسأَلُكَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِى اللَّيلِ إذا يَغشى ، وفِى النَّهارِ إذا تَجَلّى ، وفِى الآخِرَهِ وَالأُولى ،وأن تَكفِيَنى ما أهَمَّنى ، وتَغفِرَ لى إنَّكَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ . (2)4 / 9دُعاءُ اللَّيلَهِ التّاسِعَهِ950.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا سَيِّداهُ ويا رَبّاهُ ، ويا ذَا الجَلالِ وَالإكرامِ ، ويا ذَا العَرشِ الَّذى لا يَنامُ ، ويا ذَا العِزِّ الَّذى لا يُرامُ ، يا قاضِىَ الأُمورِ ، يا شافِىَ الصُّدورِ ، اجعَل لى مِن أمرِى فَرَجاً ومَخرَجاً، وَاقذِف رَجاءَكَ فى قَلبى حَتّى لا أرجُوَ أحَداً سِواكَ ، عَلَيكَ سَيِّدى تَوَكَّلتُ ، وإلَيكَ مَولاىَ أنَبتُ وإلَيكَ المَصيرُ .

أسأَلُكَ يا إلهَ الآلِهَهِ ، ويا جَبّارَ الجَبابِرَهِ ، ويا كَبيرَ الأَكابِرِ ، الَّذى مَن تَوَكَّلَ عَلَيهِ كَفاهُ وكانَ حَسبَهُ وبالِغَ أمرِهِ ، عَلَيكَ تَوَكَّلتُ فَاكفِنى ، وإلَيكَ أنَبتُ فَارحَمنى ، وإلَيكَ المَصيرُ فَاغفِر لى ، ولا تُسَوِّد وَجهى يَومَ تَسوَدُّ وُجوهٌ وتَبيَضُّ وُجوهٌ ، إنَّكَ أنتَ العَزيزُ الحَكيمُ ، وصَلِّ اللّهُمَّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارحَمنى وتَجاوَز عَنّى إنَّكَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ . (3) .

1- .البقره : 186 .
2- .الإقبال : 1 / 269 ، البلد الأمين : 196 وليس فيه «أطعمت وسقيت وآويت ورزقت فلك الحمد» ، بحارالأنوار : 98 / 27 / 2 و ص 76 / 2 .
3- .الإقبال : 1 / 272 ، البلد الأمين : 197 وليس فيه «ويا ذا العرش الّذى لا ينام» ، بحارالأنوار : 98 / 29 / 2 وص 76 / 2 .

4 / 8 دعای شب هشتم

4 / 9 دعای شب نهم

4 / 8دعای شب هشتم953.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوندا! این ، ماه توست که بندگانت را فرمان داده ای که در آن تو را بخوانند و برای آنان اجابت را تضمین کرده ای و فرموده ای: «و هر گاه بندگانم از تو درباره من پرسیدند ، پس همانا من نزدیکم؛ دعای خواننده را آن گاه که مرا بخوانند ، جواب می دهم» پس تو را می خوانم ، ای اجابت کننده دعای درمانده ، و ای زداینده بدی از پریشان ، و ای که شب را مایه آرامش قرار داد و ای آن که نمی میرد! بیامرز آن را که می میرد!

مقدّر کردی ، آفریدی ، و پرداختی. پس ، تو را ستایش. خوراندی ، سیراب کردی ، پناه دادی و روزی بخشیدی. پس ، تو را ستایش.

از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود بفرستی ، در شب (آن گاه که فرا می گیرد) و در روز (آن گاه که روشن می گردد) و در آخرت و دنیا ، و نیز این که آنچه مرا اندوهگین ساخته ، از من کفایت کنی و مرا بیامرزی. همانا تویی آمرزنده مهربان.4 / 9دعای شب نهم956.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سَرورا! پروردگارا! ای صاحب شُکوه و بزرگواری! ای صاحب عرشی که نمی خوابد! ای صاحب عزّتی که کسی را یارای تعرّض به او نیست! ای مقدّر کننده کارها! ای شفابخش سینه ها! برای من از کارم گشایش و راه نجاتی قرار بده و امیدت را در دلم افکن تا جز به تو ، امید نبندم!

سرورا! بر تو تکیه کردم. مولای من! به سوی تو روی آوردم ، و بازگشت به سوی توست.

ای معبود همه معبودها! ای قدرتمند همه قدرتمندان! ای بزرگ بزرگان ، آن که هر کس بر او توکّل کند ، کفایتش نماید و او را بس است و کارش را به پایان می رساند! از تو می خواهم . بر تو توکّل کردم؛ پس کفایتم کن.

به سوی تو رو کردم؛ پس بر من ترحّم کن. بازگشت ، به سوی توست؛ پس مرا بیامرز و آن روز که چهره هایی سیاه و چهره هایی سفید می شوند ، روسیاهم مکن! همانا تو قدرتمند حکیمی. بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بر من رحمت آور و از من درگذر! همانا تویی آمرزنده مهربان.

.

4 / 10دُعاءُ اللَّيلَةِ العاشِرَةِ959.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ يا سَلامُ يا مُؤمِنُ يا مُهَيمِنُ ، يا جَبّارُ يا مُتَكَبِّرُ ، يا أحَدُ يا صَمَدُ ، يا واحِدُ يا فَردُ ، يا غَفورُ يا رَحيمُ ، يا وَدودُ يا حَليمُ ، مَضى مِنَ الشَّهرِ المُبارَكِ الثُّلُثُ ، ولَستُ أدرى سَيِّدى ما صَنَعتَ فى حاجَتى ، هَل غَفَرتَ لى؟ إن أنتَ غَفَرتَ لى فَطوبى لى ، وإن لَم تَكُن غَفَرتَ لى فَواسَوأتاهُ .

فَمِنَ الآنَ سَيِّدى فَاغفِر لى وَارحَمنى وتُب عَلَىَّ ولا تَخذُلنى ، وأقِلنى عَثرَتى،وَاستُرنى بِسِترِکَ وَاعفُ عَنّى بِعَفوِکَ وَارحَمنى بِرَحمَتِکَ ، وتَجاوَز عَنّى بِقُدرَتِکَ،إنَّکَ تَقضى ولا يُقضى عَلَيکَ وأنتَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ. (1) .

1- .الإقبال : 1 / 275 ، البلد الأمين : 197 وزاد فيه «يا عزيز» بعد «يا مهيمن» وليس فيه «مضى من الشهر المبارک الثلث» ، بحارالأنوار : 98 / 31 / 2 و ص 76 / 2 .

4 / 10دعای شب دهم958.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوندا ، ای سلام ! ای ایمنی بخش ، ای مُهَیمِن ! (1) ای مقتدر ، ای بزرگ ! ای یگانه ، ای بی نیاز ! ای یکتا ، ای بی نظیر ! ای آمرزنده ، ای مهربان ! ای با رأفت ، ای بردبار ! یک سوم از ماه مبارک گذشت و سرورا نمی دانم که در مورد نیازم چه کرده ای. آیا مرا آمرزیده ای؟ که اگر مرا آمرزیده ای ، پس خوشا به حالم و اگر مرا نیامرزیده ای ، پس وای بر من !

پس ، از هم اکنون سرورم مرا بیامرز و بر من رحمت آور و توبه ام را بپذیر و خوارم مکن و از لغزشم درگذر و با پوشش خودت [عیب های] مرا بپوشان و با بخشایش خودت مرا ببخشای و با رحمتت بر من ترحّم کن و با قدرتت از من درگذر ! همانا تو مقدّر می کنی و کسی بر تو فرمان نمی راند و تو بر هر چیز ، توانایی.

.

1- .مُهَیمِن ، از نام های خداوند است؛ یعنی: آن که عهده دار کارها ، اجل ها و روزی های مردم است. نیز گفته شده: یعنی مراقب بر هر چیز و نیز: امینی که حقّ کسی ، نزد او ضایع نمی شود (ر . ک : مجمع البحرین : 3 / 1895).

4 / 11دُعاءُ اللَّيلَهِ الحادِيَهَ عَشرَهَ961.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ إنّى أستَأنِفُ العَمَلَ وأرجُو العَفوَ ، وهذِهِ أوَّلُ لَيلَهٍ مِن لَيالِى الثُّلُثَينِ ، أدعوكَ بِأسمائِكَ الحُسنى ، وأستَجيرُ بِكَ مِن نارِكَ الَّتى لا تُطفَأ ، وأسأَلُكَ أن تُقَوِّيَنى عَلى قِيامِهِ وصِيامِهِ ، وأن تَغفِرَ لى وتَرحَمَنى إنَّكَ لا تُخلِفُ الميعادَ .

اللّهُمَّ بِرَحمَتِكَ الَّتى وَسِعَت كُلَّ شَىءٍ وبِها تَتِمُّ الصّالِحاتُ ، وعَلَيهَا اتَّكَلتُ ، وأنتَ الصَّمَدُ الَّذى لَم يَلِد ولَم يولَد ، ولَم يَكُن لَهُ كُفُواً أحَدٌ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر لى وَارحَمنى وتَجاوَز عَنّى ، إنَّكَ أنتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ .
(1)4 / 12دُعاءُ اللَّيلَهِ الثّانِيَهَ عَشرَهَ964.مسند ابن حنبل عن أنس عن رسول اللّه صلى الله عليهرسول اللّه صلى الله عليه و آله :اللّهُمَّ أنتَ العَزيزُ الحَكيمُ وأنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ وأنتَ العَلِىُّ العَظيمُ ، لَكَ الحَمدُ حَمداً يَبقى ولا يَفنى ، ولَكَ الشُّكرُ شُكراً يَبقى ولا يَفنى ، وأنتَ الحَىُّ الحَكيمُ العَليمُ .

أسأَلُكَ بِنورِ وَجهِكَ الكَريمِ ، وبِجَلالِكَ الَّذى لا يُرامُ ، وبِعِزَّتِكَ الَّتى لا تُقهَرُ ، أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَغفِرَ لى وتَرحَمَنى ، إنَّكَ أنتَ أرحَمُ الرّاحِمينَ . (2) .

1- .الإقبال : 1 / 278 ، البلد الأمين : 197 نحوه ، بحارالأنوار : 98 / 32 / 2 و ص 77 / 2 .
2- .الإقبال : 1 / 282، البلد الأمين : 197 وليس فيه «وأنت الغفور الرحيم» ، بحار الأنوار : 98 / 34 / 2 و ص 77 / 2 .

4 / 11 دعای شب یازدهم

4 / 12 دعای شب دوازدهم

4 / 11دعای شب یازدهم962.مسند ابن حنبل (به نقل از ابو سعید خُدری) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوندا ! کار را از سر می گیرم و امید عفو دارم و این ، نخستین شب از شب های دهه دوم است. تو را به نام های نیکت می خوانم و از آن آتشِ همیشه شعله ورت به تو پناه می برم و از تو می خواهم که بر عبادت و روزه داریِ آن نیرویم بخشی و مرا بیامرزی و بر من ترحّم کنی. همانا تو وعده را خلاف نمی کنی.

خداوندا ! به آن رحمتت که همه چیز را فرا گرفته است و کارهای نیک با آن به کمال می رسند و تکیه ام بر آن است و تو آن بی نیازی که نه زاده ای و نه زاییده کسی هستی و هیچ کس همتای تو نیست ، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بیامرز و بر من رحمت آور و از من درگذر ! همانا تو توبه پذیر مهربانی.4 / 12دعای شب دوازدهم965.مسند أبی یعلی عن عمر :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوندا ! تویی قدرتمند حکیم ، و تویی آمرزنده مهربان ، و تویی والامرتبه بزرگ. تو را سپاس ، سپاسی ماندگار و فناناپذیر؛ و تو را شکر ، شکری ماندگار و فناناپذیر. و تویی زنده حکیم دانا.

از تو می خواهم ، به فروغ ذات با کرامتت و به آن شُکوهت که بِدان آسیب نمی رسد و به آن عزّتت که شکست نمی خورد ، این که بر محمّد و خاندان محمّد درود بفرستی و مرا بیامرزی و بر من ترحّم کنی. همانا تویی مهربان ترینِ مهربانان.

.

4 / 13دُعاءُ اللَّيلَهِ الثّالِثَهَ عَشرَهَ1143.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا جَبّارَ السَّماواتِ وجَبّارَ الأَرَضينَ ، ويا مَن لَهُ مَلَكوتُ السَّماواتِ ومَلَكوتُ الأَرَضينَ ، وغَفّارَ الذُّنوبِ وَالسَّميعَ العَليمَ ، الغَفورَ العَزيزَ الحَليمَ الرَّحيمَ ، الصَّمَدَ الفَردَ الَّذى لا شَبيهَ لَکَ ولا وَلِىَّ لَکَ ، أنتَ العَلِىُّ الأَعلى وَالقَديرُ القادِرُ ، وأنتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ ، أسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأن تَغفِرَ لى وتَرحَمَنى إنَّکَ أنتَ أرحَمُ الرّاحِمينَ . (1)4 / 14دُعاءُ اللَّيلَهِ الرّابِعَهَ عَشرَهَ1140.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :[رسول اللّه صلى الله عليه و آله وسلم] :(2)

يا أوَّلَ الأَوَّلينَ ويا آخِرَ الآخِرينَ ، يا وَلِىَّ الأَولِياءِ وجَبّارَ الجَبابِرَهِ ، أنتَ خَلَقتَنى ولَم أکُ شَيئاً ، وأنتَ أمَرتَنى بِالطّاعَهِ فَأَطَعتُ سَيِّدى جَهدى ، فَإن کُنتُ تَوانَيتُ أو أخطَأتُ أو نَسيتُ فَتَفَضَّل عَلَىَّ سَيِّدى ، ولا تَقطَع رَجائى فَامنُن عَلَىَّ بِالجَنَّهِ ، وَاجمَع بَينى وبَينَ نَبِىِّ الرَّحمَهِ مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، وَاغفِر لى إنَّکَ أنتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ . (3) .

1- .الإقبال : 1 / 286 ، البلد الأمين : 197 نحوه ، بحارالأنوار : 98 / 36 / 2 و ص 77 / 2 .
2- .سقط اسم رسول اللّه صلى الله عليه و آله فى المصدر من أوّل الدعاء فى هذه الليله وفى الليله الخامسه عشره ، والحال أنّ هذه الأدعيه الثلاثين قد وردت بروايه واحده متسلسله كما فى البلد الأمين .
3- .الإقبال : 1 / 291 ، البلد الأمين : 197 وليس فيه «يا ولىّ الأولياء» وزاد فيه «ويا إله الأولين والآخرين» بعد «الجبابره» ، بحارالأنوار : 98 / 39 / 2 و ص 77 / 2 .

4 / 13 دعای شب سیزدهم

4 / 14 دعای شب چهاردهم

4 / 13دعای شب سیزدهم1141.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای جبّار آسمان ها و زمین ها (1) و ای آن که فرمان روایی آسمان ها و فرمان روایی زمین ها از آنِ اوست ، و ای آمرزنده گناهان و شنوای دانا! ای آمرزنده قدرتمند و بردبار مهربان! ای بی نیاز یگانه ای که نه همتایی داری و نه سرپرستی! تویی والامرتبه برتر و قدرتمند توانا ، و تویی توبه پذیر مهربان. از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود بفرستی و مرا بیامرزی و بر من ترحّم کنی. همانا تویی مهربان ترین مهربانان.4 / 14دعای شب چهاردهم1138.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای آغازِ آغازها و ای فرجامِ پایان ها! ای سرپرست اولیا. و ای چیره بر همه زورمندان! تو مرا آفریدی ، در حالی که چیزی نبودم؛ و تو مرا به فرمان بُرداری دستور دادی و من ای سرورم به اندازه توانم اطاعت کردم. پس اگر کوتاهی یا خطا یا فراموش کردم ، سرور من بر من احسان کن و امیدم را ناامید نکن و با بهشت ، بر من منّت بگذار و مرا با پیامبر رحمت ، محمّد بن عبد اللّه صلی الله علیه و آله همدم ساز و مرا بیامرز! همانا تویی توبه پذیر مهربان.

.

1- .جبّار ، معانی متعدّدی دارد ، امّا درباره خدا به معنای چیره است و نیز آن که وضع مردم را اصلاح و کاستی آنان را جبران می کند (ر . ک : مجمع البحرین : 1 / 265).

4 / 15آدابُ اللَّيلَهِ الخامِسَهَ عَشرَهَاللّيله الخامسه عشره من شهر رمضان المبارک هی لیله ولاده الإمام الحسن المجتبی علیه السلام ، وفی روایه أنّها لیله ولاده الإمام محمّد الجواد علیه السلام . قال الشیخ المفید قدس سره : فی یوم النصف منه سنه ثلاث من الهجره کان مولد سیّدنا أبی محمّد الحسن بن علیّ بن أبی طالب علیهماالسلام . وفی مثل هذا الیوم سنه خمس وتسعین ومِئه ولد سیّدنا أبو جعفر محمّد بن علیّ بن موسی علیهم السلام (1) ، وهو یوم سرور المؤمنین . ویستحبّ فیه الصدقه والتطوّع بالخیرات ، والإکثار من شکر اللّه تعالی علی ظهور حجّته وإقامه دینه بخلیفته فی العالمین وابن نبیّه سیّد المرسلین صلوات اللّه علیه وآله وسلّم . (2) وفیما یلی آداب لیله النّصف منه :

أ الغُسل1135.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال فی بَیانِ استِحبابِ الغُسلِ فی هذِهِ اللَّیلَهِ :أمَّا الغُسلُ فَرَوَیناهُ عَنِ الشَّیخِ المُفیدِ رحمه الله .

وفی رِوایَهٍ عَن أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام أ نَّهُ (3) یُستَحَبُّ لَیلَهَ النِّصفِ مِن شَهرِ رَمَضانَ . (4) .

1- .المشهور أنّ ولادته علیه السلام کانت فی غیر هذا الیوم .
2- .مسارّ الشیعه : 24 .
3- .فی بعض نسخ المصدر : «أنّه قال : ...» .
4- .الإقبال : 1 / 293 ، بحارالأنوار : 98 / 40 / 2 .

4 / 15 آداب شب پانزدهم

الف غسل

4 / 15آداب شب پانزدهمشب پانزدهم ماه مبارک رمضان ، شب میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام و به روایتی میلاد امام محمّد جواد علیه السلام است. شیخ مفید رحمه الله گفته است: «در نیمه رمضان سال سوم هجرت ، تولّد مولایمان ابو محمّد حسن بن علی بن ابی طالب علیهماالسلام اتّفاق افتاده است. نیز در چنین روزی در سال 195 [ق] ، سرورمان ابو جعفر محمّد بن علی بن موسی علیهماالسلام به دنیا آمده است (1) و این روز ، روز شادی مؤمنان است و مستحب است صدقه دادن و انجام دادن کارهای نیک و شکرگزاری فراوان به درگاه خداوند به خاطر آشکار شدن حجّتش و برپایی دینش در میان جهانیان به وسیله جانشینش و فرزند پیامبرش ، سرور رسولان صلی الله علیه و آله ». آنچه در پی می آید ، آداب شب نیمه رمضان است .

الف غسل1134.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (فِی الدُّعاءِ) الإقبال در بیان مستحب بودن غسل در این شب :امّا غسل ، ما آن را از شیخ مفید روایت کرده ایم. (2)

و در روایتی از امام صادق علیه السلام است که غسل در شب نیمه ماه رمضان ، مستحب است.

.

1- .مشهور ، آن است که تولّد امام جواد علیه السلام ، در غیر این روز است.
2- .شیخ مفید در مسارّ الشیعه ، (ص 23) گفته است: «غسل در شب نیمه ماه رمضان ، مستحب است» و در المقنعه (ص 311) گفته است: «از آداب رمضان ، غسل در شش شب از آن است : ... و در شب نیمه آن».

ب الزِّيارَه1132.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال :عَن أبِی المُفَضَّلِ الشَّیبانِیِّ ، بِإسنادِهِ مِن کِتابِ عَلیِّ بنِ عبدِ الواحدِ النَّهدیِّ فی حَدیثٍ ، یَقولُ فیهِ عَنِ الصّادِقِ علیه السلام ، أ نَّهُ قیلَ لَهُ : فَما تَری لِمَن حَضَرَ قَبرَهُ یَعنِی الحُسَینَ علیه السلام لَیلَهَ النِّصفِ مِن شَهرِ رَمَضانَ؟

فَقالَ : «بَخٍ بَخٍ! مَن صَلّی عِندَ قَبرِهِ لَیلَهَ النِّصفِ مِن شَهرِ رَمَضانَ عَشرَ رَکَعاتٍ مِن بَعدِ العَشاءِ مِن غَیرِ صَلاهِ اللَّیلِ ، یَقرَأُ فی کُلِّ رَکعَهٍ بِ«فاتِحَهِ الکِتابِ» وِ « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » عَشرَ مَرّاتٍ ، وَاستَجارَ بِاللّهِ مِنَ النّارِ ، کَتَبَهُ اللّهُ عَتیقاً مِنَ النّارِ ، ولَم یَمُت حَتّی یَری فی مَنامِهِ مَلائِکَهً یُبَشِّرونَهُ بِالجَنَّهِ ، ومَلائِکَهً یُؤَمِّنونَهُ مِنَ النّارِ» . (1)وانظر : ص 358 (ما یؤکّد استحبابه من الأعمال / زیاره الإمام الحسین) .

ج الصَّلاهُ مِئَهَ رَکعَهٍ1132.عنه صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن صَلّی لَیلَهَ النِّصفِ مِن شَهرِ رَمَضانَ مِئَهَ رَکعَهٍ ، یَقرَأُ فی کُلِّ رَکعَهٍ «الحَمدَ» ، و « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » عَشرَ مَرّاتٍ ، أهبَطَ اللّهُ إلَیهِ عَشَرَهَ أملاکٍ یَدرَؤونَ عَنهُ أعداءَهُ مِنَ الجِنِّ وَالإنسِ ، وأهبَطَ اللّهُ عِندَ مَوتِهِ ثَلاثینَ مَلَکاً یُبَشِّرونَهُ بِالجَنَّهِ ، وثَلاثینَ مَلَکاً یُؤَمِّنونَهُ مِنَ النّارِ . (2)1131.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :تهذیب الأحکام :عَن أبی یَحیی عَن عِدَّهٍ مِمَّن یوثَقُ بِهِم قالوا :

قالَ (3) : «مَن صَلّی لَیلَهَ النِّصفِ مِن شَهرِ رَمَضانَ مِئَهَ رَکعَهٍ ، یَقرَأُ فی کُلِّ رَکعَهٍ عَشرَ مَرّاتٍ ب « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » فَذلِکَ ألفُ مَرَّهٍ فی مِئَهٍ ، لَم یَمُت حَتّی یَری فی مَنامِهِ مِئَهً مِنَ المَلائِکَهِ ، ثَلاثینَ یُبَشِّرونَهُ بِالجَنَّهِ ، وثَلاثینَ یُؤَمِّنونَهُ مِنَ النّارِ، وثَلاثینَ تَعصِمُهُ مِن أن یُخطِئَ، وعَشَرَهً یَکیدونَ مَن کادَهُ» . (4) .

1- .الإقبال : 1 / 294 ، بحارالأنوار : 101 / 349 / 2 و ج 98 / 40 / 2 .
2- .الإقبال : 1 / 293 عن الإمام الصادق عن أبیه علیهماالسلام ، تهذیب الأحکام : 3 / 62 / 212 عن سلیمان بن عمرو ، المقنعه : 171 کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلامولیس فیهما «یبشّرونه بالجنّه» ، الدعوات : 278 / 805 نحوه وکلّها عن الإمام علیّ علیه السلام من دون إسنادٍ إلیه صلی الله علیه و آله .
3- .کذا فی المصدر مُضمرا .

4- .تهذيب الأحكام : 3 / 62 / 211 ، الإقبال : 1 / 294 نقلاً عن ابن أبى قرّه نحوه ، بحارالأنوار : 98 / 40 / 2 ؛ الدعاء للطبرانى : 285 / 917 نحوه .

ب زیارت1129.پیامبر خدا (در دعا) الإقبال به نقل از ابو مفضّل شیبانی ، به سند خود از کتابِ علی بن عبدالواحد نَهدی :به امام صادق علیه السلام گفتند: درباره آن که شب نیمه ماه رمضان به زیارت قبر حسین علیه السلام می رود ، چه می فرمایید؟

فرمود : «به به! هر کس شب نیمه ماه رمضان ، در کنار قبر آن امام ، پس از عشا ، چند رکعت غیر از نماز شب بخواند ، بدین صورت که در هر رکعت ، سوره حمد و ده بار سوره «قل هو اللّه » را بخواند و به خداوند از آتشْ پناه ببرد ، خداوندْ او را آزاد شده از دوزخ قرار می دهد و او نمی میرد ، تا آن که در خواب می بیند که فرشتگانی او را به بهشت مژده می دهند و نیز فرشتگانی او را از آتش ، بیمه می کنند».ر . ک : ص 359 (کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است / زیارت امام حسین علیه السلام) .

ج نماز صد رکعت1129.عنه صلی الله علیه و آله (فِی الدُّعاءِ) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در شب نیمه شعبان ، صد رکعت نماز بخواند که در هر رکعت ، سوره حمد و ده بار سوره «قل هو اللّه احد» بخواند ، خداوند ده فرشته به سوی او می فرستد که دشمنان او را از جنّ و انس ، از او دفع کنند ، و هنگام مرگش سی فرشته می فرستد که او را به بهشت مژده دهند و سی فرشته که او را مژده ایمنی از آتش دهند.1128.عنه صلی الله علیه و آله (فی دُعاءِ الجَوشَنِ الکَبیرِ) تهذیب الأحکام به نقل از ابو یحیی ، از گروهی که مورد اطمینان بوده اند [از یکی از امامان علیهم السلامروایت کرده که] : فرمود (1) : «هر کس در شب نیمه ماه رمضان ، صد رکعت نماز بخواند و در هر رکعتش ده بار سوره قل هو اللّه أحد را بخواند (که در صد رکعت ، هزار بار می شود) ، نخواهد مرد تا آن که در خواب ، صد فرشته را ببیند که [از آنها]سی فرشته ، او را مژده بهشت می دهند و سی فرشته ، او را مژده ایمنی از آتش می دهند و سی فرشته ، او را از خطا کردن نگه می دارند و ده فرشته به هر که به او نیرنگ بزند ، نیرنگ می زنند».

.

1- .در منبع نیز نام معصوم ، ذکر نشده است.

1127.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى بَيانِ صِفاتِ البارى جَلَّ و عَلا) مسارّ الشيعه :وفيلَيلَهِ النِّصفِ مِنهُ يُستَحَبُّ الغُسلُ وَالتَّنَفُّلُ بِمِئَهِ رَكعَهٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ مِنهَا «الحَمدَ» واحِدَهً ، وعَشرَ مَرّاتٍ « قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ » ، خارِجَهً عَنِ الأَلفِ رَكعَهٍ الَّتى ذَكَرناها فيما تَقَدَّمَ،وقَد وَرَدَ الخَبَرُ فى فَضلِ ذلِكَ بِأَمرٍ جَسيمٍ. (1)د الدُّعاء1126.مصباح الشريعه (فيما نسبه إلى الإمام الصادق عليه السلام) [رسول اللّه صلى الله عليه و آله وسلم] :الحَنّانُ أنتَ سَيِّدى ، المَنّانُ أنتَ مَولاىَ ، الكَريمُ أنتَ سَيِّدى ، العَفُوُّ أنتَ مَولاىَ ، الحَليمُ أنتَ سَيِّدى ، الوَهّابُ أنتَ مَولاىَ ، العَزيزُ أنتَ سَيِّدى ، القَريبُ أنتَ مَولاىَ ، الواحِدُ أنتَ سَيِّدى ، القاهِرُ أنتَ مَولاىَ ، الصَّمَدُ أنتَ سَيِّدى ، العَزيزُ أنتَ مَولاىَ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاغفِر لى وَارحَمنى وتَجاوَز عَنّى إنَّكَ أنتَ الأَجَلُّ الأَعظَمُ . (2)4 / 16دُعاءُ اللَّيلَهِ السّادِسَهَ عَشرَهَ1123.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يا أللّهُ يا أللّهُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ ، يا رَحمانُ يا رَحمانُ ، يا رَحمانُ يا رَحمانُ ، يا رَحمانُ يا رَحمانُ ، يا رَحمانُ يارَحمانُ ، يا رَحيمُ يا رَحيمُ ، يا رَحيمُ يا رَحيمُ ، يا رَحيمُ يا رَحيمُ ، يا رَحيمُ يا رَحيمُ، يا غَفورُ يا غَفورُ ، يا غَفورُ يا غَفورُ ، يا غَفورُ يا غَفورُ، يا غَفورُ يا غَفورُ ، يا رَؤوفُ يا رَؤوفُ ، يا رَؤوفُ يا رَؤوفُ ، يا رَؤوفُ يا رَؤوفُ ، يا رَؤوفُ يا رَؤوفُ ، يا حَنّانُ يا حَنّانُ ، يا حَنّانُ يا حَنّانُ ، يا حَنّانُ يا حَنّانُ ، يا حَنّانُ يا حَنّانُ ، يا عَلِىُّ يا عَلِىُّ ، يا عَلِىُّ يا عَلِىُّ ، يا عَلِىُّ يا عَلِىُّ ، يا عَلِىُّ يا عَلِىُّ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ إنَّكَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ . (3) .

1- .مسارّ الشيعه : 23 .
2- .الإقبال : 1 / 296 ، البلد الأمين : 198 نحوه ، بحارالأنوار : 98 / 42 / 2 و ص 77 / 2 .
3- .الإقبال : 1 / 301 ، البلد الأمين : 198 وفيه «يا جبّار سبعاً» بدل «يا حنّان ...» ، بحارالأنوار : 98 / 44 / 2 وص 78 / 2 .

4 / 16 دعای شب شانزدهم

1122.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مسارّ الشیعه:در شب نیمه ماه رمضان ، مستحب است غسل و صد رکعت نماز مستحب ، که در هر رکعت ، یک بار «حمد» و ده بار سوره «قل هو اللّه أحد» بخواند ؛ جدا از آن هزار رکعتی که پیش تر یاد کردیم. و فضایل بزرگی برای این نماز روایت شده است.د دعا1124.الأمالی للسیّد المرتضی :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تو مهربانی ، سرورم ! تو نعمت بخشی ، مولایم ! تو بزرگواری ، سرورم ! تو بخشاینده ای ، مولایم ! تو بردباری ، سرورم ! تو بخشنده ای ، مولایم ! تو ارجمندی ، سرورم ! تو نزدیکی ، مولایم ! تو یگانه ای ، سرورم ! تو توانمندی ، مولایم ! تو بی نیازی ، سرورم ! تو مقتدری ، مولایم ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا بیامرز وبر من ترحّم کن و از من درگذر ! همانا تویی باشُکوه تر و بزرگ تر.4 / 16دعای شب شانزدهم1121.التوحید (به نقل از مُرازم) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ! ای بخشنده ، ای بخشنده ، ای بخشنده ، ای بخشنده ، ای بخشنده ، ای بخشنده ، ای بخشنده ، ای بخشنده ! ای بخشایشگر مهربان ، ای مهربان ، ای مهربان ، ای مهربان ، ای مهربان ، ای مهربان ، ای مهربان ، ای بخشایشگر ! ای آمرزنده ، ای آمرزنده ، ای آمرزنده ، ای آمرزنده ، ای آمرزنده ، ای آمرزنده ، ای آمرزنده ، ای آمرزنده ، ای آمرزنده ! ای رئوف ، ای رئوف ، ای رئوف ، ای رئوف ، ای رئوف ، ای رئوف ، ای رئوف ، ای رئوف ! ای مهربان ، ای مهربان ، ای مهربان ، ای مهربان ، ای مهربان ، ای مهربان ، ای مهربان ، ای مهربان ! ای بلندمرتبه ، ای بلندمرتبه ، ای بلندمرتبه ، ای بلندمرتبه ، ای بلندمرتبه ، ای بلندمرتبه ، ای بلندمرتبه ، ای بلندمرتبه ، ای بلندمرتبه ! بر محمّد و خاندانش درود فرست ! همانا تویی آمرزنده و مهربان.

.

4 / 17آدابُ اللَّيلَهِ السّابِعَهَ عَشرَهَأ الغُسل1117.امام رضا عليه السلام :الإمام الباقر عليه السلام :الغُسلُ فى سَبعَهَ عَشَرَ مَوطِناً : لَيلَهِ سَبعَ عَشرَهَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ؛ وهِىَ لَيلَهُ التِقاءِ الجَمعَينِ لَيلَهُ بَدرٍ ... . (1)ب الدُّعاء1121.التوحيد عن مرازم عن الإمام الصادق عليه السلام :رسول اللّه صلى الله عليه و آله وسلم :اللّهُمَّ هذا شَهرُ رَمَضانَ الَّذى أنزَلتَ فيهِ القُرآنَ ، وأمَرتَ فيهِ بِعِمارَهِ المَساجِدِ وَالدُّعاءِ وَالصِّيامِ وَالقِيامِ وضَمِنتَ لَنا فيهِ الاِستِجابَهَ ، فَقَدِ اجتَهَدنا وأنتَ أعَنتَنا فَاغفِر لَنا فيهِ ، ولا تَجعَلهُ آخِرَ العَهدِ مِنّا ، وَاعفُ عَنّا فَإِنَّکَ رَبُّنا ، وَارحَمنا فَإِنَّکَ سَيِّدُنا ، وَاجعَلنا مِمَّن يَنقَلِبُ إلى مَغفِرَتِکَ ورِضوانِکَ إنَّکَ أنتَ الأَجَلُّ الأَعظَمُ . (2) .

1- .الخصال : 508 / 1 ، تهذيب الأحكام : 1 / 114 / 302 وليس فيه «ليله بدر» وكلاهما عن محمّد بن مسلم والأخير عن أحدهما عليهماالسلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 77 / 172 وليس فيه «وهى ليله التقاء الجمعين ليله بدر» ، بحار الأنوار : 81 / 5 / 6 وج 97 / 15 / 28 .
2- .الإقبال : 1 / 305 ، البلد الأمين : 198 وزاد فيه «هدىً للناس وبيّنات من الهدى والفرقان» بعد «القرآن» و«بحقّ محمّد وآله» بعد «ورضوانک» ، بحارالأنوار : 98 / 47 / 2 و ص 78 / 2 .

الف غُسل
ب دعا

4 / 17آداب شب هفدهمالف غُسل1117.الإمام الرضا علیه السلام :امام باقر علیه السلام:غسل در هفده مورد [، مستحب است]: شب هفدهم ماه رمضان ، که شب درگیری مسلمانان و کفّار در شب بَدر است... .ب دعا1115.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعای «جوشن کبیر») پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوندا ! این ، ماه رمضان است که در آن قرآن نازل کردی و در آن به آباد ساختن مساجد ، دعا ، روزه داری ، نماز و عبادت فرمان دادی و برای ما اجابت را تضمین کردی. پس ما کوشیدیم. تو هم یاری مان کردی. پس در این ماه ، ما را بیامرز و آن را آخرین رمضان ما قرار مده و از ما درگذر که همانا تو پروردگار مایی ، و بر ما ترحّم کن که تو سَرور مایی و ما را از آنانی قرار ده که به سوی آمرزش و رضوان تو باز می گردند ! همانا تویی باشُکوه تر و بزرگ تر.

.

1114.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال :دُعاءٌ آخَرُ فِی اللَّیلَهِ السّابِعَهَ عَشرَهَ مِنهُ رَوَیناهُ بِإسنادِنا إلَی العالِمِ علیه السلامأنَّهُ قالَ : إنَّ هذِهِ اللَّیلَهَ هِیَ اللَّیلَهُ الَّتِی التَقی فیهَا الجَمعانِ یَومَ بَدرٍ ، وأظهَرَ اللّهُ تَعالی آیاتِهِ العِظامَ فی أولِیائِهِ وأعدائِهِ ، الدُّعاءُ فیها :

یا صاحِبَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله یَومَ حُنَینٍ ، ویا مُبیرَ الجَبّارینَ ویا عاصِمَ النَّبِیِّینَ ، أسأَلُکَ بِیاسین وَالقُرآنِ الحَکیمِ وبِطَهَ وسائِرِ القُرآنِ العَظیمِ ، أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَهَبَ لِیَ اللَّیلَهَ تَأییداً تَشُدُّ بِهِ عَضُدی وتَسُدُّ بِهِ خَلَّتی ، یا کَریمُ أنَا المُقِرُّ بِالذَّنوبِ فَافعَل بی ماتَشاءُ لَن یُصیبَنی إلاّ ما کَتَبتَ لی ، عَلَیکَ تَوَکَّلتُ وأنتَ حَسبی ، وأنتَ رَبُّ العَرشِ الکَریمِ .

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ خَیرَ المَعیشَهِ أبَداً ما أبقَیتَنی بُلغَهً إلَی انقِضاءِ أجَلی ، أتَقَوّی بِها عَلی جَمیعِ حَوائِجی ، وأتَوَصَّلُ بِها إلَیکَ ، مِن غَیرِ أن تَفتِنَنی بِإکثارٍ فَأطغی ، أو بِتَقتیرٍ (1) عَلَیَّ فَأشقی ، ولا تَشغَلنی عَن شُکرِ نِعمَتِکَ ، وأعطِنی غِنیً عَن شِرارِ خَلقِکَ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ الدُّنیا وشَرِّ ما فیها .

اللّهُمَّ لا تَجعَلِ الدُّنیا لی سِجناً ، ولا تَجعَل فِراقَها لی حُزناً ، أخرِجنی عَن فِتَنِها إذا کانَتِ الوَفاهُ خَیراً لی مِن حَیاتی ، مَقبولاً عَمَلی إلی دارِ الحَیَوانِ ومَساکِنِ الأخیارِ ، وأعوذُ بِکَ مِن أزلِها وزِلزالِها ، وسَطَواتِ سُلطانِها وبَغیِ بُغاتِها .

اللّهُمَّ مَن أرادَنی فَأَرِدهُ ومَن کادَنی فَکِدهُ ، وَاکفِنی هَمَّ مَن أدخَلَ عَلَیَّ هَمَّهُ ، وصَدِّق قَولی بِفِعلی ، وأصلِح لی حالی ، وبارِک لی فی أهلی ومالی ووُلدی وإخوانی .

اللّهُمَّ اغفِر لی ما مَضی مِن ذُنوبی ، وَاعصِمنی فی ما بَقِیَ مِن عُمُری ، حَتّی ألقاکَ وأنتَ عَنّی راضٍ . وتَسأَلُ حاجَتَکَ .

ثُمَّ تَسجُدُ عَقیبَ الدُّعاءِ وتَقولُ فی سُجودِکَ :

سَجَدَ وَجهِیَ الفانِی البالِی المَوقوفُ المُحاسَبُ المُذنِبُ الخاطِئُ لِوَجهِکَ الکَریمِ البَاقِی الدّائِمِ الغَفورِ الرَّحیمِ . سُبحانَ رَبِّیَ الأعلی وبِحَمدِهِ . أستَغفِرُ اللّهَ وأتوبُ إلَیهِ .

زِیادَه :

اللّهُمَّ رَبَّ هذِهِ اللّيلَةِ العَظيمَةِ ، لَکَ الحَمدُ کَما عَصَمتَنی مِن مَهاوِی الهَلَکَةِ ، وَالتَّمَسُّکِ بِحِبالِ الظَّلَمَةِ ، وَالجُحودِ لِطاعَتِکَ ، وَالرَّدِّ عَلَیکَ أمرَکَ ، وَالتَّوَجُّهِ إلی غَیرِکَ ، وَالزُّهدِ فی ما عِندَکَ وَالرَّغبَةِ فی ما عِندَ غَیرِکَ ، مَنّاً مَنَنتَ بِهِ عَلَیَّ ورَحمَةً رَحِمتَنی بِها ، مِن غَیرِ عَمَلٍ سالِفٍ مِنّی ولاَ استِحقاقٍ لِما صَنَعتَ بی ، وَاستَوجَبتَ مِنّی الحَمدَ عَلَی الدَّلالَةِ عَلَی الحَمدِ ، وَاتِّباعِ أهلِ الفَضلِ وَالمَعرِفَةِ ، وَالتَّبَصُّرِ بِأبوابِ الهُدی ، ولَولاکَ مَااهتَدَیتُ إلی طاعَتِکَ ولَا عَرَفتُ أمرَکَ ولا سَلَکتُ سَبیلَکَ ، فَلَکَ الحَمدُ کَثیراً ولَکَ المَنُّ فاضِلاً ، وبِنِعمَتِکَ تَتِمُّ الصّالِحاتُ . (2) .

1- .فی المصدر : «بتقصیر» وما أثبتناه من بحارالأنوار .
2- .الإقبال : 1 / 304 ، بحارالأنوار : 98 / 45 / 2 .

1113.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال:دعایی دیگری در شب هفدهم ماه رمضان است که آن را با سند خویش از عالِم (امام کاظم علیه السلام) روایت کرده ایم که فرمود: «این شب ، شبی است که دو گروه (مسلمانان و کفّار) در روز بدر با هم نبرد کردند و خداوند متعال ، نشانه های بزرگ خویش را در مورد دوستان و دشمنانش آشکار ساخت. دعای این شب چنین است:

«ای همراه محمد صلی الله علیه و آله ، در روز حُنَین و ای هلاک کننده طغیانگران و ای نگه دارنده پیامبران! تو را می خوانم به یاسین و قرآن حکیم و به طاها و بقیّه قرآن عظیم ، که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و امشب ، مرا تأییدی بخشی که با آن بازویم را استوار کنی و نیازم را برآوری.

ای بزرگوار! منم اعتراف کننده به گناهان. پس با من ، آن کن که خودت می خواهی. جز آنچه مقدّر کرده ای ، مرا نخواهد رسید. بر تو تکیه کردم و تو برای من بسی ، و تو پروردگار عرش والایی.

خداوندا! از تو می طلبم بهترین زندگی را در حدّ کفافم ، همواره تا مرا باقی داشته ای ، تا آن گاه که مهلتم سرآید؛ آن گونه معیشتی که به سبب آن بر همه نیازهایم توان یابم و به سبب آن به تو برسم ، بی آن که با ثروت زیاد ، مرا بیازمایی که طغیان کنم یا با تنگ دستی ، که شقاوت یابم. و مرا از سپاس نعمتت باز مَدار و مرا بی نیازی از بندگان بد خویش عطا کن! از شرّ دنیا و شرّ آنچه در آن است ، به تو پناه می برم.

خداوندا! دنیا را زندان من مگردان و جدایی از آن را مایه حُزنم مساز! اگر مرگ برایم بهتر از زندگی ام است ، مرا از فتنه های آن برون آر و در حالی که عمل مرا پذیرفته ای ، مرا به سرای زندگی و قرارگاه نیکان ببر! از تنگناها و لرزش ها و سختی های حاکمانش و سرکشی سرکشانش ، به تو پناه می برم .

خداوندا! هر که درباره ام اندیشه بد می کند ، در پی او باش و هر که نیرنگم می زند ، او را نیرنگ بزن و اندوهی را که هر کس بر من وارد می آورَد ، کفایت کن و کارم را گواه سخنم قرار ده و حالم را اصلاح کن و مرا درباره خانواده و مال و فرزندان و برادرانم برکت عطا کن!

خداوندا ! گناهان گذشته ام را بیامرز و مرا در باقی مانده عمرم نگه دار تا در حالی دیدارت کنم که از من خرسندی !

حاجت خویش را می طلبی. سپس بعد از دعا سجده می کنی و در سجده ات می گویی :

چهره فانی ، پوسیده ، نگه داشته شده ، بازخواست شده ، گنهکار و خطاکار من ، در پیشگاه ذات بزرگوار ، پایدار ، ابدی ، آمرزنده و مهربان تو سجود کرده است. منزّه است پروردگار برتر من و او را می ستایم. از خداوند ، آمرزش می طلبم و به سوی او توبه می کنم».

افزوده :

«خداوندا ! ای پروردگار این شب بزرگ! تو را سپاس ، آن گونه که مرا از پرتگاه های هلاکت نگه داشتی و مرا از: چنگ زدن به ریسمان ستمگران ، انکار آگاهانه طاعتت ، سرپیچی از فرمانت ، روی آوردن به غیر خودت ، بی رغبتی به آنچه نزد توست و گرایش به آنچه نزد دیگران است ، حفظ کردی. این ، نعمتی بود که عطایم کردی و رحمتی بود که با آن مرا مورد ترحّم قرار دادی ، بی آن که از گذشته ، عملی در خور ، و شایستگیِ بهره مندی از این بزرگواری ات را داشته باشم. و چون مرا به ستایش خویش رهنمون شدی و به پیروی از اهل فضل و معرفت ، راهنمایی ام کردی و به درهای هدایت ، بینایم ساختی ، از سوی من مستوجب ثناگشتی. اگر تو نبودی ، نه به طاعتت راه می یافتم و نه فرمانت را می شناختم و نه راهت را می پیمودم. پس ، تو را سپاس فراوان ، و تو را نعمت افزون [بر من] است؛ و کارهای شایسته ، به سبب نعمت تو کمال می یابند». .

ص: 530

. .

ص: 531

. .

4 / 18دُعاءُ اللَّيلَهِ الثّامِنَهَ عَشرَهَ1110.مجمع البيان (به نقل از ابو ذر و ابو سعيد خُدرى) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الحَمدُ للّهِ الَّذى أكرَمَنا بِشَهرِنا هذا وأنزَلَ عَلَينا فيهِ القُرآنَ وعَرَّفَنا حَقَّهُ ، وَالحَمدُ للّهِ عَلَى البَصيرَهِ ، فَبِنورِ وَجهِکَ يا إلهَنا وإلهَ آبائِنا الأَوَّلينَ ارزُقنا فيهِ التَّوبَهَ ، ولا تَخذُلنا ولا تُخلِف ظَنَّنا ، إنَّکَ أنتَ الجَليلُ الجَبّارُ . (1)4 / 19دُعاءُ اللَّيلَهِ التّاسِعَهَ عَشرَهَ1113.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :سُبحانَ مَن لا يَموتُ ، سُبحانَ مَن لا يَزولُ مُلکُهُ ، سُبحانَ مَن لا يَخفى عَلَيهِ خافِيَهٌ ، سُبحانَ مَن لاتَسقُطُ وَرَقَهٌ إلاّ بِعِلمِهِ ، ولا حَبَّهٌ فى ظُلُماتِ الأَرضِ ولا رَطبٌ ولا يابِسٌ إلاّ فى کِتابٍ مُبينٍ إلاّ بِعِلمِهِ وبِقُدرَتِهِ .

فَسُبحانَهُ سُبحانَهُ ، سُبحانَهُ سُبحانَهُ ، سُبحانَهُ سُبحانَهُ ، ما أعظَمَ شَأنَهُ وأجَلَّ سُلطانَهُ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجعَلنا مِن عُتَقائِکَ وسُعَداءِ خَلقِکَ بِمَغفِرَتِکَ ، إنَّکَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ . (2)وانظر : ص 816 (آداب ليله القدر المشتركه) . ص 844 (ما يختصّ بالليله التاسعه عشره) .

.

1- .الإقبال : 1 / 310 ، البلد الأمين : 198 وزاد فيه «بک صلّ على محمّد وآله واعف عنّا وارحمنا» بعد «ولاتخلف ظنّنا» ، بحارالأنوار : 98 / 49 / 2 و ص 78 / 2 .
2- .الإقبال : 1 / 349 ، البلد الأمين : 198 ، بحارالأنوار : 98 / 148 / 3 و ص 78 / 2 .

4 / 18 دعای شب هجدهم

4 / 19 دعای شب نوزدهم

4 / 18دعای شب هیجدهم1109.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در دعا) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سپاس ، خدایی را که با این ماه ، ما را مورد کرامت قرار داد و در آن قرآن را بر ما فرو فرستاد و حقّ آن را به ما شناساند. خدا را سپاس بر نعمت بصیرت. تو را به نور ذاتت سوگند ای معبود ما و خدای پدران پیشین ما که در این ماه ، توفیق توبه روزیِ ما گردانی و ما را خوار مگردانی و گمان [نیک]ما را [به خودت ،] خلاف مسازی! همانا تو بزرگوار و مقتدری.4 / 19دعای شب نوزدهم1108.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :منزّه است آن که نمی میرد. منزّه است آن که فرمان روایی اش بی زوال است. منزّه است آن که هیچ نهانی بر او پوشیده نیست. منزّه است آن که هیچ برگی مگر با دانش او ، فرو نمی افتد و نه دانه ای که در تاریکی های زمین است و نه هیچ تر و خشکی ، مگر آن که در نوشته ای روشن است ، مگر آن که با علم و قدرت اوست.

پس ، منزّه است او ، منزّه است او ، منزّه است او ، منزّه است او ، منزّه است او ، منزّه است او. شأنش چه بزرگ ، و حکومتش چه شکوهمند است!

خداوندا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را در سایه آمرزش خویش ، از آزادشدگانت و بندگان رستگارت قرار بده! همانا تو آمرزنده و مهربانی .ر . ک : ص 817 (آداب مشترک شب قدر) . ص 845 (آنچه مخصوص شب نوزدهم است) .

.

4 / 20دُعاءُ اللَّيلَهِ العِشرينَ1104.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أستَغفِرُ اللّهَ مِمّا مَضى مِن ذُنوبى فَأنسيتُها وهِىَ مُثبَتَهٌ عَلَىَّ يُحصيها عَلَىَّ الكِرامُ الكاتِبونَ يَعلَمونَ ما أفعَلُ ، وأستَغفِرُ اللّهَ مِن موبِقاتِ الذُّنوبِ ، وأستَغفِرُهُ مِن مُفظِعاتِ الذَّنوبِ ، وأستَغفِرُهُ مِمّا فَرَضَ عَلَىَّ فَتَوانَيتُ ، وأستَغفِرُهُ مِن نِسيانِ الشَّىءِ الَّذى باعَدَنى مِن رَبّى .

وأستَغفِرُهُ مِنَ الزَّلاّتِ وَالضَّلالاتِ ومِمّا كَسَبَت يَداىَ ، وأُومِنُ بِهِ وأتَوَكَّلُ عَلَيهِ كَثيراً ، وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ وأستَغفِرُهُ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَعفُوَ عَنّى وتَغفِرَ لى ما سَلَفَ مِن ذُنوبى ، وَاستَجِب يا سَيِّدى دُعائى ، فَإنَّکَ أنتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ .
(1)4 / 21دُعاءُ اللَّيلَهِ الحادِيَهِ وَالعِشرينَ1106.سنن الترمذى عن أبى هريره :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أشهَدُ أن لا إلهَ إلاَّ اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ ورَسولُهُ ، وأشهَدُ أنَّ الجَنَّهَ حَقٌّ وَالنّارَ حَقٌّ ، وأنَّ السّاعَهَ آتِيَهٌ لارَيبَ فيها ، وأنَّ اللّهَ يَبعَثُ مَن فِى القُبورِ .

وأشهَدُ أنَّ الرَّبَّ رَبّى لا شَريکَ لَهُ ، ولا وَلَدَ لَهُ ولا والِدَ لَهُ ، وأشهَدُ أ نَّهُ الفَعّالُ لِما يُريدُ ، وَالقادِرُ عَلى كُلِّ شَىءٍ وَالصّانِعُ لِما يُريدُ ، وَالقاهِرُ مَن يَشاءُ ، وَالرّافِعُ مَن يَشاءُ ، مالِکُ المُلکِ ورازِقُ العِبادِ ، الغَفورُ الرَّحيمُ العَليمُ الحَليمُ .

أشهَدُ أشهَدُ ، أشهَدُ أشهَدُ ، أشهَدُ أشهَدُ ، أشهَدُ أنَّکَ سَيِّدى كَذلِکَ وفَوقَ ذلِکَ ، لا يَبلُغُ الواصِفونَ كُنهَ عَظَمَتِکَ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاهدِنى ولا تُضِلَّنى بَعدَ إذ هَدَيتَنى ، إنَّکَ أنتَ الهادِى المَهدِىُّ . (2) .

1- .الإقبال : 1 / 353 ، البلد الأمين : 198 وليس فيه «والضلالات» ، بحارالأنوار : 98 / 51 / 2 و ص 78 / 2 .
2- .الإقبال : 1 / 361 ، البلد الأمين : 199 نحوه ، بحارالأنوار : 98 / 153 / 3 وص 79 / 2 .

4 / 20 دعای شب بیستم

4 / 21 دعای شب بیست و یکم

4 / 20دعای شب بیستم1103.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :از خداوند ، آمرزش می خواهم بر گناهان گذشته ام؛ آنهایی که فراموششان کرده ام و بر من ثبت شده اند و نویسندگان والاقدر خدا (که آنچه می کنم ، می دانند) ، آنها را بر من می شمارند.

از خداوند ، آمرزش می خواهم بر گناهان هلاکت بار. از او آمرزش می خواهم بر گناهان زشت. از او آمرزش می خواهم بر آنچه بر من واجب ساخته است و من سستی کرده ام. از او آمرزش می خواهم بر فراموش کردن چیزی که مرا از پروردگارم دور ساخته است.

از او آمرزش می خواهم از: لغزش ها، گم راهی ها ، و آنچه دستانم انجام داده اند. به او ایمان دارم و بسیار بر او توکّل می کنم. از او آمرزش می خواهم ، از او آمرزش می خواهم ، از او آمرزش می خواهم ، از او آمرزش می خواهم ، از او آمرزش می خواهم ، از او آمرزش می خواهم ، از او آمرزش می خواهم ، از او آمرزش می خواهم. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست! می خواهم که از من درگذری و گناهان گذشته ام را بیامرزی. سرورا! دعایم را بپذیر! همانا تو توبه پذیر و مهربانی.4 / 21دعای شب بیستم و یکم1102.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گواهی می دهم که معبودی جز خداوند یکتای بی شریک نیست. و گواهی می دهم که محمّد ، بنده او و فرستاده اوست. و گواهی می دهم که بهشت ، حق است و آتش ، حق است و این که قیامت ، بی شک ، آمدنی است و این که خداوند همه به گورخفتگان را برمی انگیزد.

و گواهی می دهم که پروردگار ، پروردگار من است و شریک ، فرزند ، و پدری ندارد. و گواهی می دهم که او هر چه را بخواهد ، می کند و بر هر چیز ، تواناست و هر چه را بخواهد ، می آفریند و هر که را بخواهد مغلوب ، می سازد و هر که را بخواهد ، بالا می برد. فرمانروای هستی ، روزی دهنده بندگان ، آمرزنده مهربان و دانای بردبار است.

گواهی می دهم ، گواهی می دهم ، گواهی می دهم ، گواهی می دهم ، گواهی می دهم ، گواهی می دهم ، گواهی می دهم که تو سَرور منی ، این گونه ای و بالاتر از آنی. توصیف کنندگان ، به کُنه عظمت تو نمی رسند.

خداوندا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا هدایت کن و پس از آن که هدایتم کردی ، به گم راهی ام میفکن ! همانا تو هدایتگر هدایت یافته ای.

.

وانظر : ص 816 (آداب ليله القدر المشتركه) . ص 846 (ما يختصّ بالليله الحاديه والعشرين) .

4 / 22دُعاءُ اللَّيلَهِ الثّانِيَهِ وَالعِشرينَ1100.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أنتَ سَيِّدى جَبّارٌ غَفّارٌ قادِرٌ قاهِرٌ ، سَميعٌ عَليمٌ غَفورٌ رَحيمٌ ، غافِرُ الذَّنبِ وقابِلُ التَّوبِ شَديدُ العِقابِ ، فالِقُ الحَبِّ وَالنَّوى ، مولِجُ اللَّيلِ فِى النَّهارِ ومولِجُ النَّهارِ فِى اللَّيلِ ، ومُخرِجُ الحَىِّ مِنَ المَيِّتِ ومُخرِجُ المَيِّتِ مِنَ الحَىِّ ، ورازِقُ العِبادِ بِغَيرِ حِسابٍ .

يا جَبّارُ يا جَبّارُ ، يا جَبّارُ يا جَبّارُ ، يا جَبّارُ يا جَبّارُ يا جَبّارُ (صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ) وَاعفُ عَنّى وَاغفِر لى وَارحَمنى ، إنَّكَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ . (1) .

1- .الإقبال : 1 / 372 ، البلد الأمين : 199 وفيه «فى هذا الشهر وهذه الليله» بدل «وارحمنى» وليس فيه «غفور رحيم» ، بحارالأنوار : 98 / 53 / 2 و ص 79 / 2 .

ر . ک : ص 817 (آداب مشترک شب قدر) . ص 847 (آنچه مخصوص شب بیست و یکم است) .

4 / 22دعای شب بیستم و دوم1098.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تو سَرور منی؛ قدرتمند و آمرزنده و توانا و غالبی؛ شنوای دانا ، آمرزنده مهربان ، بخشاینده گناه و توبه پذیر و سخت کیفری؛ شکافنده دانه و هسته ای؛ فرو برنده شب (1) در روز و فروبرنده روز در شبی؛ بیرون آورنده زنده از مرده ، بیرون آورنده مرده از زنده ، و روزی دهنده بی حساب به بندگانی.

ای قدرتمند ، ای قدرتمند ، ای قدرتمند ، ای قدرتمند ، ای قدرتمند ، ای قدرتمند ، ای قدرتمند ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و از من درگذر و مرا بیامرز و بر من ترحّم کن ! همانا تو آمرزنده مهربانی.

.

1- .یعنی این را در آن ، وارد می کنی. پس در هر کدام که افزایشی پدید آید ، از دیگری کاسته می شود. مثل: کوتاهیِ روز در زمستان و بلندی شبش و درازیِ روز در تابستان و کوتاهی شبش (ر . ک : مجمع البحرین : 3 / 1973).

4 / 23دُعاءُ اللَّيلَهِ الثّالِثَهِ وَالعِشرِينَ1095.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :سُبّوحٌ قُدّوسٌ رَبُّ المَلائِکَهِ وَالرّوحِ ، سُبّوحٌ قُدّوسٌ رَبُّ الرّوحِ وَالعَرشِ ، سُبّوحٌ قُدّوسٌ رَبُّ السَّماواتِ وَالأَرَضینَ ، سُبّوحٌ قُدّوسٌ رَبُّ البِحارِ وَالجِبالِ ، سُبّوحٌ قُدّوسٌ یُسَبِّحُ لَهُ الحیتانُ وَالهَوامُّ وَالسِّباعُ فِی الآکامِ ، سُبّوحٌ قُدّوسٌ سَبَّحَت لَهُ المَلائِکَهُ المُقَرَّبونَ ، سُبّوحٌ قُدّوسٌ عَلا فَقَهَرَ وخَلَقَ فَقَدَّرَ ، سُبّوحٌ سُبّوحٌ ، سُبّوحٌ سُبّوحٌ ، سُبّوحٌ سُبّوحٌ سُبّوحٌ ، قُدّوسٌ قُدّوسٌ ، قُدّوسٌ قُدّوسٌ ، قُدّوسٌ قُدّوسٌ قُدّوسٌ . (1)وانظر : ص 816 (آداب لیله القدر المشترکه) . ص 870 (ما یختصّ باللیله الثالثه والعشرین) .

4 / 24آدابُ اللَّیلَهِ الرّابِعَهِ وَالعِشرینَأ الغُسل1093.تنبیه الخواطر :الإمام الصادق علیه السلام لِعَبدِ الرَّحمنِ بنِ أبی عَبدِ اللّهِ :اِغتَسِل فی لَیلَهِ أربَعٍ وعِشرینَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، ما عَلَیکَ أن تَعمَلَ فِی اللَّیلَتَینِ جَمیعاً! (2)وانظر : ص 574 (الأعمال المختصّه بالعشر الأواخر / الغسل) .

.

1- .الإقبال : 1 / 377 ، البلد الأمین : 199 وزاد فی آخره «أسألک أن تصلّی علی محمّد وآله وأن تغفر لی وترحمنی فإنّک أنت الأحد الصمد» ، بحارالأنوار : 98 / 161 / 5 و ص 79 / 2 .
2- .الإقبال : 1 / 388 ، الخصال : 508 / 1 ، بحارالأنوار : 81 / 20 / 25 و ج 98 / 55 / 2 .

4 / 23 دعای شب بیست و سوم

4 / 24 آداب شب بیست و چهارم

الف غسل

4 / 23دعای شب بیستم و سوم1091.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :منزّه و بی عیب است پروردگار فرشتگان و روح. منزّه و بی عیب است ، پروردگار روح و عرش. منزّه و بی عیب است پروردگار آسمان ها و زمین ها. منزّه و بی عیب است پروردگار دریاها و کوه ها. منزّه و بی عیب است آن که ماهی ها و پرندگان و درندگان در کوه ها و دشت ها او را تسبیح می گویند. منزّه و بی عیب است آن که فرشتگان مقرّب ، او را تسبیح می گویند. منزّه و بی عیب است آن که والاست و غالب؛ آن که آفرید و اندازه گرفت. منزّه است ، منزّه است ، منزّه است ، منزّه است ، منزّه است ، منزّه است ، منزّه است. بی عیب است ، بی عیب است ، بی عیب است ، بی عیب است ، بی عیب است ، بی عیب است ، بی عیب است . (1)ر . ک : ص 817 (آداب مشترک شب قدر) . ص 855 (آنچه مخصوص شب بیست و سوم است) .

4 / 24آداب شب بیستم و چهارمالف غسل1089.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام خطاب به عبد الرحمان بن ابی عبد اللّه :شب بیست و چهارم از ماه رمضان ، غسل کن مانعی ندارد که در هر دو شب چنین کنی.ر . ک : ص 591 (اعمال مخصوص دهه آخر / غسل).

.

1- .در یک نسخه ، چنین افزوده ای دارد: «از تو می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود بفرستی و مرا بیامرزی و بر من ترحّم کنی. همانا تو یکتای بی نیازی» (ر . ک : بحار الأنوار : 98 / 161).

ب الدُّعاء1086.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :اللّهُمَّ أنتَ أمَرتَ بِالدُّعاءِ وضَمِنتَ الإجابَةَ ، فَدَعَوناکَ ونَحنُ عِبادُکَ وبَنو إمائِکَ نَواصینا بِیَدِکَ ، وأنتَ رَبُّنا ونَحنُ عِبادُکَ ، ولَم یَسأَلِ العِبادُ مِثلَکَ ، ونَرغَبُ إلَیکَ ولَم یَرغَبِ الخَلائِقُ إلی مِثلِکَ ، یا مَوضِعَ شَکوَی السّائِلینَ ومُنتَهی حاجَهِ الرّاغِبینَ ، ویا ذَا الجَبَروتِ وَالمَلَکوتِ ، ویا ذَا السُّلطانِ وَالعِزِّ .

یا حَیُّ یا قَیّومُ ، یا بارُّ یا رَحیمُ ، یا حَنّانُ یا مَنّانُ ، یا بَدیعَ السَّماواتِ وَالأَرضِ ، یا ذَا الجَلالِ وَالإکرامِ ، یا ذَا النِّعَمِ الجِسامِ وَالطَّولِ الَّذی لا یُرامُ ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاغفِر لی إنَّکَ أنتَ الغَفورُ الرَّحیمُ . (1)4 / 25آدابُ اللَّیلَهِ الخامِسَهِ وَالعِشرینَ الغُسل1086.عنه صلی الله علیه و آله :الإقبال :عَن عَلیِّ بنِ عَبدِ الواحِدِ بِإسنادِهِ إلی عیسَی بنِ راشِدٍ عَن أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام ، قالَ : سَأَلتُهُ عَنِ الغُسلِ فی شَهرِ رَمَضانَ ، فَقالَ : کانَ أبی یَغتَسِلُ فی لَیلَهِ تِسعَ عَشرَهَ ، وإحدی وعِشرینَ ، وثَلاثٍ وعِشرینَ ، وخَمسٍ وعِشرینَ . (2) .

1- .الإقبال : 1 / 390 ، البلد الأمین : 199 وفیه «ولن یصل العباد مسألتک والرغبه إلیک کرماً وجوداً وربوبیّه ووحدانیّه» بدل «وبنو إمائک نواصینا بیدک وأنت ربّنا ... الخلائق إلی مثلک» ، بحارالأنوار : 98 / 56 / 2 و ص 80 / 2 .
2- .الإقبال : 1 / 393 ، بحارالأنوار : 81 / 19 / 25 و ج 98 / 58 / 2 .

الف غسل

ب دعا1084.الکافی (به نقل از ابن ابی عمیر ، از محمّد بن مسلم ، از) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تو به دعا فرمان داده ای و اجابت را تضمین کرده ای. ما هم تو را خوانده ایم ، در حالی که ما ، بندگان توییم و فرزندانِ بندگان تو. اختیار ما ، در دست توست. تو ، پروردگار مایی و ما ، بندگان توییم. بندگان ، هرگز از کسی چون تو نخواسته اند. ما مشتاق توییم و خلایق به مثل تو رغبت ندارند ، ای جایگاه شکایت خواستاران و نهایت نیاز مشتاقان! ای صاحب قدرت و فرمان روایی! ای صاحب حکومت و عزّت!

ای زنده پایدار و عهده دار جهان و جهانیان! ای نیکوکار! ای مهربان! ای عطوف! ای صاحب احسان! ای آفریننده آسمان ها و زمین! ای صاحب شُکوه و بزرگواری! ای صاحب نعمت های بزرگ و احسان بی نظیر! بر محمّد و خاندان او درود فرست و مرا بیامرز! همانا تو آمرزنده مهربانی.4 / 25آداب شب بیستم و پنجمالف غسل1082.امام جواد علیه السلام (در پاسخ به نامه مردی که به ایشان نوشته بود و در) الإقبال به نقل از علی بن عبدالواحد ، با سندش به عیسی بن راشد :از امام صادق علیه السلام درباره غسل در ماه رمضان پرسیدم. فرمود: «پدرم در شب های: نوزدهم ، بیست و یکم ، بیست و سوم و بیست و پنجم ، غسل می کرد».

.

ب الدُّعاء1080.كنز العمّال (به نقل از عبد اللّه بن مسعود) رسول اللّه صلى الله عليه و آله :تَبارَکَ اللّهُ أحسَنُ الخالِقينَ ، خالِقُ الخَلقِ ومُنشِئُ السَّحابِ ، وآمِرُ الرَّعدِ أن يُسَبِّحَ لَهُ ، تَبارَکَ الَّذى بِيَدِهِ المُلکُ وهُوَ عَلى کُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، الَّذى خَلَقَ المَوتَ وَالحَياةَ لِيَبلُوَکُم أيُّکُم أحسَنُ عَمَلاً ، تَبارَکَ الَّذى نَزَّلَ الفُرقانَ عَلى عَبدِهِ لِيَکونَ لِلعالَمينَ نَذيراً .

تَبارَکَ الَّذى إن شاءَ جَعَلَ لَکَ خَيراً مِن ذلِکَ جَنّاتٍ تَجرى مِن تَحتِهَا الأَنهارُ ويَجعَلُ لَکَ قُصوراً ، تَبارَکَ اللّهُ أحسَنُ الخالِقينَ . (1)4 / 26دُعاءُ اللَّيلَهِ السّادِسَهِ وَالعِشرينَ1080.كنز العمّال عن ابن مسعودٍ :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رَبَّنا لا تُزِغ قُلوبَنا بَعدَ إذ هَدَيتَنا وهَب لَنا مِن لَدُنکَ رَحمَةً إنَّکَ أنتَ الوَهّابُ ، رَبَّنا إنَّنا سَمِعنا مُنادِياً يُنادِى لِلإيمانِ أن آمِنوا بِرَبِّکُم فَآمَنّا ، رَبَّنا فَاغفِر لَنا ذُنوبَنا وکَفِّر عَنّا سَيِّئاتِنا وتَوَفَّنا مَعَ الأَبرارِ . رَبَّنا وآتِنا ما وَعَدتَنا عَلى رُسُلِکَ ولا تُخزِنا يَومَ القِيامَهِ إنَّکَ لا تُخلِفُ الميعادَ .

رَبَّنا لا تُؤاخِذنا إن نَسينا أو أخطَأنا ، رَبَّنا ولا تَحمِل عَلَينا إصراً کَما حَمَلتَهُ عَلَى الَّذينَ مِن قَبلِنا ، رَبَّنا ولا تُحَمِّلنا ما لا طاقَةَ لَنا بِهِ ، وَاعفُ عَنّا وَاغفِر لَنا وَارحَمنا أنتَ مَولانا فَانصُرنا عَلَى القَومِ الكافِرينَ . (2) .

1- .الإقبال : 1 / 395 ، البلد الأمين : 199 ، بحارالأنوار : 98 / 59 / 2 و ص 80 / 2 .
2- .الإقبال : 1 / 398 ، البلد الأمين : 200 نحوه ، بحارالأنوار : 98 / 60 / 2 و ص 80 / 2 .

4 / 26 دعای شب بیست و ششم

ب دعا1079.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خجسته است خداوند ، که بهترین آفریدگاران است؛ آفریننده خَلق ، پدیدآورنده ابر و فرمان دهنده به رعد که او را تسبیح گوید.

خجسته است آن که فرمان روایی به دست اوست و او بر هر چیز ، تواناست؛ آن که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان بهتر عمل می کنید.

خجسته است آن که فرقان (1) را بر بنده خود نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد.

خجسته است آن که اگر بخواهد ، بهتر از این را برایت قرار می دهد: باغ هایی که از زیر درختانش نهرها جاری اند ، و برای تو ، کاخ هایی قرار می دهد.

خجسته است خداوند ، که بهترین آفریدگاران است.4 / 26دعای شب بیستم و ششم1076.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پروردگارا! پس از آن که هدایتمان کردی ، دل های ما را [از حق و ایمان] بر مگردان (2) و از سوی خود برای ما رحمتی عطا کن! همانا تو بخشنده ای.

پروردگارا! ما منادی ای را شنیدیم که به ایمان فرا می خواند که: «به پروردگارتان ایمان آورید». ما هم ایمان آوردیم.

پروردگارا! گناهان ما را بیامرز و خطاهای ما را بپوشان و ما را با نیکان بمیران!

پروردگارا! آنچه با فرستادگانت به ما وعده داده ای ، به ما عطا کن و ما را در روز قیامت ، خوار مگردان! همانا تو وعده را خلاف نمی کنی.

پروردگارا ! اگر فراموش یا خطا کردیم ، ما را تنبیه نکن !

پروردگارا ! بار گناهی را که بر پیشینیانِ ما نهادی ، بر عهده ما مگذار !

پروردگارا ! آنچه را فراتر از توان ماست ، بر دوش ما مگذار ، و از ما درگذر ، و ما را بیامرز، و بر ما ترحّم کن ! تو مولای مایی. پس، ما را بر گروه کافران، پیروز گردان !

.

1- .فرقان ، از نام های قرآن است ، به معنای جداکننده حق و باطل و حلال و حرام (ر . ک : لسان العرب : 10 / 302) .
2- .یعنی از ما توفیق بر هدایت را که نصیبمان کرده ای ، دریغ مکن .

4 / 27آدابُ اللَّيلَةِ السّابِعَةِ وَالعِشرينَأ الغُسل1078.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال عن ابن أبى يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَنِ الغُسلِ فى شَهرِ رَمَضانَ ، فَقالَ : «اِغتَسِل لَيلَةَ تِسعَ عَشرَةَ ، وإحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ ، وسَبعٍ وعِشرينَ ، وتِسعٍ وعِشرينَ» . (1)ب الصَّلاه1076.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ مَن صَلّى لَيلَةَ سَبعٍ وعِشرينَ رَكعَتَينِ يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَةٍ «فاتِحَةَ الكِتابِ» ، و « إِنّآ أَنزَلْنَهُ » مَرَّةً ، و « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » خَمساً وعِشرينَ مَرَّةً ، فَإِذا سَلَّمَ استَغفَرَ مِئَةَ مَرَّةٍ ، وصَلّى عَلَى النَّبِىِّ وآلِهِ مِئَةَ مَرَّةٍ ، فَقَد أدرَكَ لَيلَةَ القَدرِ . 2ج الدُّعاء1074.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رَبَّنا آمَنّا فَاغفِر لَنا ذُنوبَنا وكَفِّر عَنّا سَيِّئاتِنا وتَوَفَّنا مَعَ الأبرارِ،رَبَّنا وآتِنا ما وَعَدتَنا عَلى رُسُلِكَ ولا تُخزِنا يَومَ القِيامَهِ إنَّكَ لا تُخلِفُ الميعادَ ، رَبَّنا أَمَتَّنَا اثنَتَينِ وأحيَيتَنَا اثنَتَينِ فَاعتَرَفنا بِذُنوبِنا فَهَل إلى خُروجٍ مِن سَبيلٍ .

رَبَّنَا اصرِف عَنّا عَذابَ جَهَنَّمَ إنَّ عَذابَها كانَ غَراماً ، رَبَّنا هَب لَنا مِن أزواجِنا وذُرِّيّاتِنا قُرَّةَ أعيُنٍ وَاجعَلنا لِلمُتَّقينَ إماماً ، رَبَّنا عَلَيكَ تَوَكَّلنا وإلَيكَ أنَبنا وإلَيكَ المَصيرُ .

رَبَّنا لا تَجعَلنا فِتنَةً لِلَّذينَ كَفَروا ، رَبَّنَا اغفِر لَنا ولِإِخوانِنَا الَّذينَ سَبَقونا بِالإِيمانِ،ولا تَجعَل فى قُلوبِنا غِلاًّ لِلَّذينَ آمَنوا ، رَبَّنا إنَّكَ رَؤوفٌ رَحيمٌ. (2) .

1- .الإقبال : 1 / 400 ، بحارالأنوار : 98 / 61 / 2 .
2- .الإقبال : 1 / 403 ، البلد الأمين : 200 نحوه وفيه من «ربّنا اصرف عنّا ...» ، بحارالأنوار : 98 / 63 / 2 وص 81 / 2 .

4 / 27 آداب شب بیست و هفتم

الف غسل
ب نماز
ج دعا

4 / 27آداب شب بیستم و هفتمالف غسل1070.معانی الأخبار (به نقل از احمد بن ابی عبد اللّه برقی ، از پدرش) الإقبال به نقل از ابن ابی یعفور :از امام صادق علیه السلام درباره غسل در ماه رمضان پرسیدم. فرمود: «شب های: نوزدهم ، بیست و یکم ، بیست و سوم ، بیست و هفتم ، و بیست و نهم ، غسل کن».ب نماز1071.الترغیب والترهیب عن أبی فراسٍ :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر کس در شب بیست و هفتم ، دو رکعت نماز بخواند (در هر رکعت «فاتحه الکتاب» و سوره «إنّا أنزلناه» را یک بار و سوره «قل هو اللّه أحد» را بیست و پنج بار) و چون سلام نماز را گفت ، صد بار استغفار کند و صد بار بر پیامبر و خاندانش صلوات بفرستد ، شب قدر را درک کرده است.ج دعا1069.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پروردگارا ! ایمان آوردیم.پس، گناهانمان را بیامرز و خطاهایمان را بپوشان و ما را با نیکان بمیران !

پروردگارا ! آنچه با پیامبرانت به ما وعده داده ای، به ما عطا کن و روز قیامت ، خوارمان مگردان ! همانا تو وعده را خلاف نمی کنی.

پروردگارا ! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی. پس به گناهانمان اعتراف کردیم. پس ، آیا راهی برای برون رفتن هست؟

پروردگارا ! عذاب دوزخ را از ما برگردان ، که عذاب آن ، همیشگی و هلاکت بار است !

پروردگارا ! از همسران و فرزندان ما برای ما نور چشم عطا کن و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار بده !

پروردگارا ! بر تو تکیه کردیم و به سوی تو روی آوردیم و بازگشت ، به سوی توست.

پروردگارا ! ما را وسیله آزمایش کافران قرار مده !

پروردگارا ! ما را و برادران ما را که پیش از ما ایمان آوردند ، ببخشای و در دل های ما کینه به مؤمنان را قرار مده ! پروردگارا ! تو رئوف و مهربانی.

.

1068.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال عنِ زید بن علیّ علیه السلام :سَمِعتُ أبی عَلِیَّ بنَ الحُسَینِ علیه السلام لَیلَةَ سَبعٍ وعِشرینَ مِن شَهرِ رَمَضانَ یَقولُ مِن أوَّلِ اللَّیلِ إلی آخِرِهِ :

اللّهُمَّ ارزُقنِی التَّجافِیَ عَن دارِ الغُرورِ وَالإنابَةَ إلی دارِ الخُلودِ، وَالاِستِعدادَ لِلمَوتِ قَبلَ حُلولِ الفَوتِ . (1)4 / 28دُعاءُ اللَّیلَةِ الثّامِنَةِ وَالعِشرینَ1068.عنه صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :آمَنّا بِاللّهِ وکَفَرنا بِالجِبتِ وَالطّاغوتِ ، آمَنّا بِمَن لا یَموتُ ، آمَنّا بِمَن خَلَقَ السَّماواتِ وَالأَرَضینَ وَالشَّمسَ وَالقَمَرَ وَالنُّجومَ وَالجِبالَ وَالشَّجَرَ وَالدَّوابَّ ، وخَلَقَ الجِنَّ وَالإنسَ . آمَنّا بِما اُنزِلَ إلَینا واُنزِلَ إلَیکُم وإلهُنا وإلهُکُم واحِدٌ ونَحنُ لَهُ مُسلِمونَ ، آمَنّا بِرَبِّ هارونَ وموسی ، آمَنّا بِرَبِّ المَلائِکَهِ وَالرّوحِ ، آمَنّا بِاللّهِ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ ، آمَنّا بِمَن أنشَأَ السَّحابَ ، وخَلَقَ العَذابَ وَالعِقابَ ، آمَنّا آمَنّا آمَنّا آمَنّا آمَنّا آمَنّا بِاللّهِ . (2) .

1- .الإقبال : 1 / 402 ، بحارالأنوار : 98 / 63 / 1 .
2- .الإقبال : 1 / 406 ، البلد الأمین : 200 وفیه «آمنّا بک سبعاً ربّنا فاغفرلنا ذنوبنا بحقّ محمّد وآله وتجاوز عنّا إنّک أنت العزیز الجبّار» بدل «آمنّا آمنّا ...» ، بحارالأنوار : 98 / 65 / 2 و ص 81 / 2 .

1067.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از زید بن علی علیه السلام :شنیدم که پدرم علی بن الحسین علیهماالسلامدر شب بیست و هفتم ماه رمضان ، از اوّل شب تا آخر آن می گفت:

«پروردگارا! فاصله گرفتن از سرای غرور و فریب را نصیبم کن و روی آوردن به سرای جاودانگی و آمادگی برای مرگ را پیش از آن که فرصت از دست برود ، روزی ام گردان!».4 / 28دعای شب بیستم و هشتم1064.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به خداوند ، ایمان آوردیم و به جِبت و طاغوت ، کفر ورزیدیم. (1) به کسی ایمان آوردیم که نمی میرد. به کسی ایمان آوردیم که آسمان ها و زمین ها و خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان را آفرید و جن و انس را خلق کرد.

به آنچه بر ما نازل شده و بر شما نازل شده ، ایمان آوردیم. معبود ما و معبود شما ، یکی است و ما تسلیم اوییم.

به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم. به پروردگار فرشتگان و روح ایمان آوردیم. به خداوند یکتای بی شریک، ایمان آوردیم به آن که ابر را پدید آورد و عذاب و کیفر (مجازات) را آفرید. ایمان آوردیم، ایمان آوردیم ، ایمان آوردیم ، ایمان آوردیم ، ایمان آوردیم ، ایمان آوردیم ، به خداوند ایمان آوردیم. (2)

.

1- .جِبت ، هر معبود غیر خداست. جبت به جادو هم گفته می شود. جبت و طاغوت ، به معنای کاهنان و شیاطین است. گویند: «جبت ، کلمه ای است که به بُت ، کاهن و جادوگر گفته می شود». طاغوت ، از «طغیان» است ، یعنی سرکشی. گاهی هم به کافر ، شیطان ، بت ها و بر هر سر کرده گم راهی ، طاغوت گفته می شود (ر . ک : مجمع البحرین : 1 / 265 و 2 / 1105) .

2- .در نسخه ای ، به جای «ایمان آوردیم ، ایمان آوردیم ، ایمان آوردیم ، ایمان آوردیم ، ایمان آوردیم ، ایمان آوردیم ، به خداوند ایمان آوردیم» ، چنین آمده است: (هفت بار) به تو ایمان آوردیم. پس ، گناهان ما را بیامرز به حقّ محمّد و خاندان او و از ما در گذر! همانا تو قدرتمند شکست ناپذیری» (ر . ک : بحار الأنوار : 98 / 65 / 2 و ص 81 / 2).

4 / 29دُعاءُ اللَّيلَهِ التّاسِعَهِ وَالعِشرينَ1066.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :تَوَكَّلتُ عَلَى السَّيِّدِ الَّذى لا يَغلِبُهُ أَحَدٌ ، تَوَكَّلتُ عَلَى الجَبّارِ الَّذى لا يَقهَرُهُ أحَدٌ، تَوَكَّلتُ عَلَى العَزيزِ الرَّحيمِ الَّذى يَرانى حينَ أقومُ وتَقَلُّبى فِى السّاجِدينَ، تَوَكَّلتُ عَلَى الحَىِّ الَّذى لا يَموتُ ، تَوَكَّلتُ عَلى مَن بِيَدِهِ نَواصِى العِبادِ .

تَوَكَّلتُ عَلَى الحَليمِ الَّذى لا يَعجَلُ ، تَوَكَّلتُ عَلَى العَدلِ الَّذى لايَجورُ ، تَوَكَّلتُ عَلَى الصَّمَدِ الَّذى لَم يَلِد ولَم يولَد ولَم يَكُن لَهُ كُفُواً أحَدٌ، تَوَكَّلتُ عَلَى القادِرِ القاهِرِ العَلِىِّ الصَّمَدِ ، تَوَكَّلتُ تَوَكَّلتُ تَوَكَّلتُ تَوَكَّلتُ تَوَكَّلتُ تَوَكَّلتُ تَوَكَّلتُ تَوَكَّلتُ . 4 / 30دُعاءُ اللَّيلَهِ الثّلاثينَ1063.فلاح السائل عن مُعاذ بن جَبَل :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رَبَّنا فاتَنا هذَا الشَّهرُ المُبارَكُ الَّذى أمَرتَنا فيهِ بِالصِّيامِ وَالقِيامِ ، اللّهُمَّ ولا تَجعَلهُ آخِرَ العَهدِ مِنّا بِهِ ، وَاغفِر لَنا ما تَقَدَّمَ مِن ذُنوبِنا وما تَأَخَّرَ ، رَبَّنا ولا تَخذُلنا ولا تَحرِمنَا المَغفِرَهَ ، وَاعفُ عَنّا وَاغفِر لَنا وَارحَمنا وتُب عَلَينا وَارزُقنا وَارضَ عَنّا ، وَاجعَلنا مِن أولِيائِکَ المُهتَدينَ ومِن أولِيائِکَ المُتَّقينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وتَقَبَّل مِنّا هذَا الشَّهرَ ولا تَجعَلهُ آخِرَ العَهدِ مِنّا بِهِ ، وَارزُقنا حَجَّ بَيتِکَ الحَرامِ فى عامِنا هذا وفى كُلِّ عام ، إنَّکَ أنتَ المُعطِى الرّازِقُ الحَنّانُ المَنّانُ . (2)وانظر : فيما يتعلّق بالليله الحاديه والعشرين إلى الليله الثلاثين : ص 590 (الأعمال المختصّه بالعشر الأواخر) .

.

1- .الإقبال : 1 / 409 ، البلد الأمين : 200 وفيه «العلىّ الأعلى الأحد» بدل «العلىّ الصمد» وليس فيه «توكّلت على العدل الّذى لايجور» ، بحارالأنوار : 98 / 67 / 2 و ص 81 / 2 .
2- .البلد الأمين : 200 ، الإقبال : 1 / 417 ، بحارالأنوار : 98 / 73 / 2 و ص 81 / 2 .

4 / 29 دعای شب بیست و نهم

4 / 30 دعای شب سی ام

4 / 29دعای شب بیستم و نهم1059.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بر سَروری توکّل کردم که کسی بر او چیره نمی شود. بر مقتدری توکّل کردم که کسی او را شکست نمی دهد. بر قدرتمند مهربانی توکّل کردم که وقتی برمی خیزم و در میان سجده کنندگان جابه جا می شوم ، مرا می بیند. بر زنده ای توکّل کردم که نمی میرد. بر کسی توکّل کردم که اختیار بندگان ، به دست اوست.

بر بردباری توکّل کردم که شتاب نمی کند. بر دادگری توکّل کردم که ستم نمی کند. بر بی نیازی توکّل کردم که نه زاده و نه زاده کسی است و نه هیچ کس ، همتای اوست. بر خدای توانا و چیره و والای بی نیاز ، توکّل کردم. توکّل کردم ، توکّل کردم ، توکّل کردم ، توکّل کردم ، توکّل کردم ، توکّل کردم .4 / 30دعای شب سی ام1059.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پروردگارا! این ماه مبارک ، از دست ما رفت؛ ماهی که ما را در آن به روزه و عبادت ، فرمان دادی. خداوندا! این را آخرین رمضان ما قرار مده و گناهان گذشته و آینده ما را بیامرز!

پروردگار! ما را خوار مکن و از آمرزش ، محروممان مساز و از ما درگذر و ما را بیامرز و بر ما ترحّم کن و توبه ما را بپذیر و ما را روزی بده و از ما راضی باش و ما را از دوستان هدایت یافته و دوستان پرواپیشه خود قرار بده به حقّ محمّد و خاندان محمّد و این ماه را از ما بپذیر و آن را آخرین دیدار ما با آن قرار مده و حجّ خانه خودت را امسال و همه ساله روزی مان کن! همانا تو عطاکننده ، روزی دهنده ، دلسوز و اهل احسانی.ر . ک : آنچه به شب بیست و یکم تا شب سی ام مربوط می شود : ص 591 (اعمال مخصوص دهه آخر)

.

ص: 550

. .

فهرست تفصیلی .

ص: 552

. .

ص: 553

. .

. .

ص: 555

. .

ص: 556

. .

ص: 557

..

ص: 558

. .

ص: 559

. .

ص: 560

..

ص: 562

ص: 563

ص: 565

الفصل الخامس : الآداب المختصَّه بالأيّام5 / 1آدابُ اليَومِ الأَوَّلِأ الغُسل523.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :مَنِ اغتَسَلَ أوَّلَ يَومٍ مِنَ السَّنَهِ فى ماءٍ جارٍ ، وصَبَّ عَلى رَأسِهِ ثَلاثينَ غُرفَهً ، كانَ دَواءً لِسَنَتِهِ ، وإنَّ أوَّلَ كُلِّ سَنَهٍ أوَّلُ يَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ . (1)ب الصَّلاه524.عنه صلى الله عليه و آله :السيّد ابن طاووس قدس سره فى الإقبال :اِعلَم أنّا قَدَّمنا فى كِتابِ عَمَلِ السَّنَهِ (2) صَلاهَ رَكعَتَينِ فى أوَّلِ كُلِّ شَهرٍ ، يَقرَأُ فِى الأُولى مِنهُمَا «الحَمْدَ» مَرَّهً و« قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ثَلاثينَ مَرَّهً ، وفِى الثّانِيَهِ : «الحَمدَ» مَرَّهً و « إِنَّآ أَنزَلْنَهُ » ثَلاثينَ مَرَّهً ، ويَتَصَدَّقُ مَعَها بِشَىءٍ مِنَ الصَّدَقاتِ ، فَتَكونُ دافِعَهً لِما فِى الشَّهرِ جَميعِهِ مِنَ المَحذوراتِ .

ونَحنُ الآنَ ذاكِرونَ لَها مَرَّهً اُخرى ؛لِأَنَّ أوَّلَ السَّنَهِ أحَقُّ بِالاستِظهارِ فى دَفعِ المَخوفاتِ بِالصَّلَواتِ وَالدَّعَواتِ .

رَوَيناها بِإسنادِنا إلى مُحَمَّدِ بنِ الحَسَنِ بنِ الوَليدِ قالَ : أخبَرَنا مُحَمَّدُ بنُ الحَسَنِ الصَّفّارُ قالَ : أخبَرَنا أحمَدُ بنُ مُحَمَّدِ بنِ عيسى ، عَن مُحَمَّدِ بنِ سِنانٍ ، عَنِ الوَشّاءِ قالَ : كانَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام إذا دَخَلَ شَهرٌ جَديدٌ يُصَلّى أوَّلَ يَومٍ مِنهُ رَكعَتَينِ ، يَقرَأُ لِكُلِّ يَومٍ مِنهُ إلى آخِرِهِ « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » فِى الرَّكعَهِ الأُولى ، وفِى الرَّكعَهِ الثّانِيَهِ « إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ » ، ويَتَصَدَّقُ بِما يَتَسَهَّلُ ، فَيَشتَرى بِهِ سَلامَهَ ذلِكَ الشَّهرِ كُلِّهِ . (3) .

1- .الإقبال : 1 / 193 عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحارالأنوار : 97 / 350 / 3 وج 81 / 18 / 24 .
2- .انظر الدروع الواقيه : 43 46 فإنّه قدس سره أورده فيه مع الشرح والتفصيل .
3- .الإقبال : 1 / 197 ، مصباح المتهجّد : 523 ، الدروع الواقيه : 43 ، الدعوات : 106 / 234 ، المصباح للكفعمى : 535 وذُكر فيها الحديثُ فقط ، بحارالأنوار : 91 / 381 / 1 و ج 97 / 133 / 1 و ص 353 / 3 .

فصل پنجم : آداب مخصوص روزهای ماه رمضان

5 / 1 آداب روز اوّل

الف غسل

ب نماز

فصل پنجم : آداب مخصوص روزهای ماه رمضان5 / 1آداب روز اوّلالف غسل522.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:هر کس در نخستین روز سال ، در آب جاری غسل کند و سی مشت آب بر سرش بریزد ، داروی آن سالش خواهد بود. اوّل هر سال ، نخستین روز از ماه رمضان است.ب نماز523.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سیّد ابن طاووس در الإقبال :بدان که پیش تر ، ما در کتاب عمل السنه نماز دو رکعتی اوّل هر ماه را گفتیم ، که در رکعت اوّل ، یک بار «حمد» و سی بار سوره «قل هو اللّه أحد» و در رکعت دوم ، یک بار «حمد» و سی بار سوره «إنّا أنزلناه» می خواند و همراه آن ، چیزی صدقه می دهد تا در همه ماه ، بدی ها را از خود دور سازد.

اکنون یک بار دیگر ، آن را یادآوری می کنیم؛ چرا که آغاز سال ، برای دفع بیم ها و خطرها به وسیله نمازها و دعاها ، سزاوارتر است. این را با سند خودمان به محمّد بن حسن بن ولید ، روایت کرده ایم. وی گوید: محمّد بن حسن صفّار گفت: احمد بن محمّد بن عیسی ، از محمّد بن سنان ، از وشّاء نقل کرده است که:

هر گاه ماه نو وارد می شد ، امام باقر علیه السلام در اوّلین روز آن ، دو رکعت نماز می خواند. او برای هر روز آن تا آخر ماه ، در رکعت اوّل ، سوره «قل هو اللّه أحد» و در رکعت دوم ، سوره «إنّا أنزلناه فی لیله القدر» می خواند و در حدّی که می توانست ، صدقه می داد و بدین وسیله ، تن درستی در همه آن ماه را می خرید.

.

524.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال :عن مُحَمَّدُ بنُ أبی قُرَّهَ فی کِتابِهِ فی عَمَلِ أوَّلِ یَومٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ عَنِ العالِمِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَیهِ أ نَّهُ قالَ :

«مَن صَلّی عِندَ دُخولِ شَهرِ رَمَضانَ رَکعَتَینِ تَطَوُّعاً ، قَرَأَ فی اُولاهُما «اُمَّ الکِتابِ» ، و « إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحًا مُّبِینًا » وَالاُخری ما أحَبَّ ، دَفَعَ اللّهُ تَعالی عَنهُ سوءَ سَنَتِهِ ، ولَم یَزَل فی حِرزِ اللّهِ تَعالی إلی مِثلِها مِن قابِلٍ» . (1)5 / 2أدعِیَهُ کُلِّ یَوم525.عنه صلی الله علیه و آله :المصباح للکفعمی :یُستَحَبُّ أن یَدعُوَ فی أیَّامِ شَهرِ رَمَضانَ بِهذِهِ الأدعِیَهِ لِکُلِّ یَومٍ دُعاءٌ عَلی حِدَهٍ مِن أوَّلِهِ إلی آخِرِهِ ، مِن کِتابِ الذَّخیرَهِ رَواهَا ابنُ عَبّاسٍ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله :

تَقولُ فِی الیَومِ الأَوَّلِ : «اللّهُمَّ اجعَل صِیامی فیهِ صِیامَ الصّائِمینَ ، وهَب لی جُرمی فیهِ یا إلَهَ العالَمینَ ، وَاعفُ عَنّی یا عافِیاً عَنِ المُجرِمینَ» (2) لِیُعطی ألفَ ألفِ حَسَنَهٍ . الخبر .

وفِی الیَومِ الثّانی : «اللّهُمَّ قَرِّبنی فیهِ إلی مَرضاتِکَ وجَنِّبنی فیهِ سَخَطَکَ ونَقِماتِکَ ، ووَفِّقنی فیهِ لِقِراءَهِ آیاتِکَ بِرَحمَتِکَ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ» لِیُعطی بِکُلِّ خُطوَهٍ لَهُ فی جَمیعِ عُمُرِهِ عِبادَهَ سَنَهٍ صائِماً نَهارَها قائِماً لَیلَها .

وفِی الیَومِ الثّالِثِ : «اللّهُمَّ ارزُقنی فیهِ الذِّهنَ وَالتَّنبیهَ وأبعِدنی مِنَ السَّفاهَهِ وَالتَّمویهِ ، وَاجعَل لی نَصیباً فی کُلِّ خَیرٍ اُنزِلَ فیهِ (3) یا أجوَدَ الأجوَدینَ» لِیُبنی لَهُ بَیتٌ فی جَنَّهِ الفِردَوسِ . الخبر .

وفِی الیَومِ الرّابِعِ : «اللّهُمَّ قَوِّنی فیهِ عَلی إقامَهِ أمرِکَ (4) وأوزِعنی لِأَداءِ شُکرِکَ بِکَرَمِکَ ، وَاحفَظنی بِحِفظِکَ وسِترِکَ یا أبصَرَ النّاظِرینَ» لِیُعطی فی جَنَّهِ الخُلدِ سَبعینَ ألفَ سَریرٍ عَلی کُلِّ سَریرٍ حَوراءُ .

وفِی الیَومِ الخامِسِ : «اللّهُمَّ اجعَلنی فیهِ مِنَ المُستَغفِرینَ ، وَاجعَلنی فیهِ مِن عِبادِکَ الصّالِحینَ وَاجعَلنی فیهِ مِن أولِیائِکَ المُتَّقینَ بِرَأفَتِکَ یا أکرَمَ الأکرَمینَ» (5)

لِیُعطی فی جَنَّهِ المَأوی ألفَ ألفِ قَصعَهٍ ، فی کُلِّ قَصعَهٍ ألفُ ألفِ لَونٍ مِنَ الطَّعامِ .

وفِی الیَومِ السّادِسِ : «اللّهُمَّ لا تَخذُلنی [فیهِ] (6) لِتَعَرُّضِ مَعاصیکَ ، وأَعِذنی مِن سِیاطِ نِقمَتِکَ ومَهاویکَ ، وأجِرنی (7) مِن موجِباتِ سَخَطِکَ بِمَنِّکَ وأیادیکَ یا مُنتَهی رَغبَهِ الرّاغِبینَ» لِیُعطِیَهُ اللّهُ أربَعینَ ألفَ مَدینَهٍ . الخبر .

وفِی الیَومِ السّابِعِ : «اللّهُمَّ أعِنّی [فیهِ] (8) عَلی صِیامِهِ وقِیامِهِ وجَنِّبنی فیهِ مِن هَفَواتِهِ وآثامِهِ ، وَارزُقنی ذِکرَکَ وشُکرَکَ بِدَوامِ هِدایَتِکَ یا هادِیَ المُؤمِنینَ» (9) لِیُعطی فِی الجَنَّهِ ما یُعطَی الشُّهَداءُ وَالسُّعَداءُ وَالأولِیاءُ .

وفِی الیَومِ الثّامِنِ : «اللّهُمَّ ارزُقنی فیهِ رَحمَهَ الأَیتامِ وإطعامَ الطَّعامِ وإفشاءَ السَّلامِ ، وَارزُقنی فیهِ صُحبَهَ الکِرامِ ومُجانَبَهَ اللِّئامِ بِطَولِکَ یا أمَلَ الآمِلینَ» (10) لِیُرفَعَ عَمَلُهُ بِعَمَلِ ألفِ صِدّیقٍ .

وفِی الیَومِ التّاسِعِ : «اللّهُمَّ اجعَل لی فیهِ نَصیباً مِن رَحمَتِکَ الواسِعَهِ ، وَاهدِنی فیهِ بِبَراهینِکَ القاطِعَهِ (11) ، وخُذ بِناصِیَتی إلی مَرضاتِکَ الجامِعَهِ بِمَحَبَّتِکَ یا أمَلَ المُشتاقینَ» لِیُعطی ثَوابَ بَنی إسرائیلَ .

وفِی الیَومِ العاشِرِ : «اللّهُمَّ اجعَلنی فیهِ مِنَ المُتَوَکِّلینَ عَلَیکَ ، الفائِزینَ لَدَیکَ ، المُقَرَّبینَ إلَیکَ [بِإحسانِکَ] (12) یا غایَهَ الطّالِبینَ» لِیَستَغفِرَ لَهُ کُلُّ شَیءٍ .

وفِی الیَومِ الحادی عَشَرَ : «اللّهُمَّ حَبِّب إلَیَّ فیهِ الإحسانَ وکَرِّه إلَیَّ فیهِ الفُسوقَ وَالعِصیانَ ، وحَرِّم عَلَیَّ فیهِ السَّخَطَ وَالنّیرانَ بِقُوَّتِکَ (13) یا غَوثَ المُستَغیثینَ» لِیُکتَبَ لَهُ حَجَّهٌ مَقبولَهٌ مَعَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله . الخبر .

وفِی الیَومِ الثّانی عَشَرَ : «اللّهُمَّ ارزُقنی فیهِ السَّترَ وَالعَفافَ وألبِسنی فیهِ لِباسَ القُنوعِ وَالکَفافِ ، ونَجِّنی فیهِ مِمّا أحذَرُ وأخافُ (14) ، بِعِصمَتِکَ یا عِصمَهَ الخائِفینَ» لِیُغفَرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ وما تَأَخَّرَ ، ویُبَدِّلُ اللّهُ سَیِّئاتِهِ حَسَناتٍ .

وفِی الیَومِ الثّالِثَ عَشَرَ : «اللّهُمَّ طَهِّرنی فیهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالأَقذارِ ، وصَبِّرنی عَلی کائِناتِ الأقدارِ ، ووَفِّقنی لِلتُّقی وصُحبَهِ الأبرارِ بِعَونِکَ یا قُرَّهَ عُیونِ المَساکینِ» لِیُعطی بِکُلِّ حَجَرٍ ومَدَرٍ حَسَنَهً ودَرَجَهً فِی الجَنَّهِ .

وفِی الیَومِ الرّابِعَ عَشَرَ : «اللّهُمَّ لا تُؤاخِذنی فیهِ بِالعَثَراتِ وأقِلنی فیهِ مِنَ الخَطایا وَالهَفَواتِ ، ولا تَجعَلنی غَرَضاً لِلبَلایا وَالآفاتِ بِعِزِّکَ یا عِزَّ المُسلِمینَ» فَکَأنَّما صامَ مَعَ النَّبِیّینَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحینَ .

وفِی الیَوم الخامِسَ عَشَرَ : «اللّهُمَّ ارزُقنی فیهِ طاعَةَ العابِدینَ ، وَاشرَح فیهِ صَدری بِإنابَهِ المُخبِتینَ (15) بِأمانِکَ یا أمانَ الخائِفینَ» لِیَقضِیَ اللّهُ لَهُ ثَمانینَ حاجَةً مِن حَوائِجِ الدُّنیا . الخبر .

وفِی الیَوم السّادِسَ عَشَرَ : «اللّهُمَّ اهدِنی فیهِ لِعَمَلِ الأَبرارِ ، وجَنِّبنی فیهِ مُرافَقَهَ الأَشرارِ،وأدخِلنی فیهِ بِرَحمَتِکَ دارَالقَرارِ بِإلَهِیَّتِکَ یا إلهَ العالَمینَ»لِیُعطی یَومَ خُروجِهِ مِن قَبرِهِ نوراً ساطِعاً یَمشی بِهِ وحُلَّةً یَلبَسُها وناقَةً یَرکَبُها ویُسقی_ 'feمِن شَرابِ الجَنَّهِ.

وفِی الیَوم السّابِعَ عَشَرَ : «اللّهُمَّ اهدِنی فیهِ لِصالِحِ الأَعمالِ وَاقضِ لی فیهِ الحَوائِجَ وَالآمالَ ، یا مَن لا یَحتاجُ إلَی السُّؤالِ (16) ، یا عالِماً بِما فی صُدورِ العالَمینَ» لِیُغفَرَ لَهُ ولَو کانَ مِنَ الخاسِرینَ .

وفِی الیَوم الثّامِنَ عَشَرَ : «اللّهُمَّ نَبِّهنی فیهِ لِبَرَکاتِ أسحارِهِ ، ونَوِّر قَلبی بِضِیاءِ أنوارِهِ ، وخُذ بِکُلِّ أعضائی إلَی اتِّباعِ آثارِهِ ، یا مُنَوِّرَ قُلوبِ العارِفینَ» لِیُعطی ثَوابَ ألفِ نَبِیٍّ .

وفِی الیَوم التّاسِعَ عَشَرَ : «اللّهُمَّ وَفِّر [فیهِ] (17) حَظّی بِبَرَکاتِهِ ، وسَهِّل سَبیلی إلی خَیراتِهِ ، ولا تَحرِمنی قَبولَ حَسَناتِهِ ، یا هادِیاً (18) إلَی الحَقِّ المُبینِ» لِیَستَغفِرَ لَهُ مَلائِکَهُ السَّماواتِ وَالأَرضِ ویَدعوا لَهُ .

وفِی الیَوم العِشرینَ : «اللّهُمَّ افتَح لی فیهِ أبوابَ الجِنانِ ، وأغلِق عَنّی أبوابَ النّیرانِ ، ووَفِّقنی فیهِ لِتِلاوَهِ القُرآنِ ، یا مُنزِلَ السَّکینَهِ فی قُلوبِ المُؤمِنینَ» لِیُکتَبَ لَهُ بِکُلِّ مَن صامَ شَهرَ رَمَضانَ سِتّینَ سَنَهً مَقبولَهً . الخبر .

وفِی الیَوم الحادی وَالعِشرینَ : «اللّهُمَّ اجعَل لی فیهِ إلی مَرضاتِکَ دَلیلاً ، ولا تَجعَل عَلَیَّ فیهِ لِلشَّیطانِ سَبیلاً (19) ، یا قاضِیَ حَوائِجِ السّائِلینَ» لِیُنَوِّرَ اللّهُ قَبرَهُ ، ویُبَیِّضَ وَجهَهُ ، ویَمُرَّ عَلَی الصِّراطِ کَالبَرقِ الخاطِفِ .

وفِی الیَوم الثّانی وَالعِشرینَ : «اللّهُمَّ افتَح لی فیهِ أبوابَ فَضلِکَ وأنزِل عَلَیَّ فیهِ بَرَکاتِکَ ، ووَفِّقنی فیهِ لِموجِباتِ مَرضاتِکَ ، وأسکِنّی فیهِ بُحبوحَهَ جَنّاتِکَ یا مُجیبَ دَعوَهِ المُضطَرّینَ» لِیُهَوِّنَ اللّهُ عَلَیهِ سَکَراتِ المَوتِ ، ومَسأَلَهَ مُنکَرٍ ونَکیرٍ ویُثَبِّتُهُ بِالقَولِ الثّابِتِ .

وفِی الیَوم الثّالِثِ وَالعِشرینَ : «اللّهُمَّ اغسِلنی فیهِ مِنَ الذُّنوبِ وطَهِّرنی فیهِ مِنَ العُیوبِ ، وَامتَحِن فیهِ قَلبی بِتَقوَی القُلوبِ یا مُقیلَ عَثَراتِ المُذنِبینَ» لِیَمُرَّ عَلَی الصِّراطِ کَالبَرقِ الخاطِفِ مَعَ النَّبِیّینَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحینَ .

وفِی الیَومِ الرّابِعِ وَالعِشرینَ : «اللّهُمَّ إنّی أسألَکَ فیهِ ما یُرضیکَ وأعوذُ بِکَ فیهِ مِمّا یُؤذیکَ ، بِأن اُطیعَکَ ولا أعصِیَکَ ، یا عالِماً بِما فی صُدورِ العالَمینَ (20) لِیُعطی بِعَدَدِ کُلِّ شَعرَةٍ عَلی رَأسِهِ وجَسَدِهِ ألفَ خادِمٍ وألفَ غُلامٍ کَالمَرجانِ وَالیاقوتِ .

وفِی الیَومِ الخامِسِ وَالعِشرینَ : (21) «اللّهُمَّ اجعَلنی [فیهِ] مُحِبّاً لِأَولِیائِکَ ومُعادِیاً لِأَعدائِکَ ، ومُتَمَسِّکاً بِسُنَّهِ خاتَمِ أنبِیائِکَ یا عَظیماً فی قُلوبِ النَّبِیِّینَ» لِیُبنی لَهُ فِی الجَنَّهِ مِئَهُ قَصرٍ عَلی کُلِّ قَصرٍ خَیمَهٌ خَضراءُ .

وفِی الیَومِ السّادِسِ وَالعِشرینَ (22) : «اللّهُمَّ اجعَل سَعیی فیهِ مَشکوراً وذَنبی فیهِ مَغفوراً ، وعَمَلی فیهِ مَقبولاً ، وعَیبی فیهِ مَستوراً ، یا أسمَعَ السّامِعینَ» لِیُنادی فِی القِیامَهِ : لا تَخَف ولا تَحزَن فَقَد غُفِرَ لَکَ .

وفِی الیَومِ السّابِعِ وَالعِشرینَ (23) : «اللّهُمَّ وَفِّر حَظّی فیهِ مِنَ النَّوافِلِ ، وأکرِمنی فیهِ بِإحضارِ الأحرازِ مِنَ (24) المَسائِلِ ، وقَرِّب وَسیلَتی إلَیکَ مِن بَینِ الوَسائِلِ ، یا مَن لا یَشغَلُهُ إلحاحُ المُلِحّینَ» فَکَأنَّما أطعَمَ کُلَّ جائِعٍ . الخبر .

وفِی الیَومِ الثّامِنِ وَالعِشرینَ (25) : «اللّهُمَّ غَشِّنی فیهِ بِالرَّحمَهِ وَالتَّوفیقِ وَالعِصمَهِ ، وطَهِّر قَلبی مِن عائِباتِ التُّهَمَهِ ، یا رَؤوفاً بِعِبادِهِ المُؤمِنینَ» لَو قیسَ نَصیبُهُ فِی الجَنَّهِ بِالدُّنیا لَکانَ مِثلَها أربَعینَ مَرَّهً .

وفِی الیَومِ التّاسِعِ وَالعِشرینَ (26) : «اللّهُمَّ ارزُقنی فیهِ لَیلَهَ القَدرِ ، وصَیِّر لی کُلَّ عُسرٍ إلی یُسرٍ ، وَاقبَل مَعاذیری وحُطَّ عَنّی الوِزرَ یا رَحیماً بِعِبادِهِ المُؤمِنینَ» لِیُبنی لَهُ أَلفُ مَدینَهٍ فِی الجَنَّهِ مِنَ الذَّهَبِ وَالفِضَّهِ وَالزُّمُرُّدِ وَاللُّؤلُؤِ .

وفِی الیَومِ الثَّلاثینَ : «اللّهُمَّ اجعَل صِیامی فیهِ بِالشُّکرِ وَالقَبولِ عَلی ما تَرضاهُ ویَرضاهُ الرَّسولُ ، مُحکَمَهً فُروعُهُ بِالاُصولِ ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ» (27) لِیُکرِمَهُ اللّهُ تَعالی کَرامَهَ الأنبِیاءِ وَالأوصِیاءِ . (28) .

1- .الإقبال : 1 / 197 ، بحارالأنوار : 97 / 353 / 3 .
2- .فی الإقبال ج1 ص 229 : «اللّهمّ اجعل صیامی صیام الصائمین ، وقیامی قیام القائمین ، ونبّهنی فیه عن نومه الغافلین ، وهب لی جرمی یا إله العالمین» .
3- .فی الإقبال ج 1 ص 254 : «من کلّ خیر تنزل فیه بجودک یا ...» .

4- .وزاد فی الإقبال ج 1 ص 257 هنا : «وأذقنی فیه حلاوه ذکرک» .
5- .فی الإقبال ج 1 ص 260 : «یا أرحم الراحمین» بدل «یا أکرم الأکرمین».
6- .مابین المعقوفین أثبتناه من الإقبال : 1 / 263 .
7- .فی الإقبال : «ولاتضربنی فیه بسیاط نقمتک وزحزحنی» بدل «وأعذنی من سیاط نقمتک ومهاویک وأجرنی» .
8- .مابین المعقوفین أثبتناه من الإقبال : 1 / 267 .
9- .فی الإقبال : «بدوامه بتوفیقک یا ولیّ المؤمنین» بدل «بدوام .. .».
10- .فی الإقبال ج 1 ص 270 : «یا ملجأ الآملین» .
11- .فی الإقبال ج 1 ص 273 : «لبراهینک الساطعه» .
12- .ما بین المعقوفین أثبتناه من الإقبال : 1 / 276 .
13- .فی بعض النسخ : «بعونک» بدل «بقوّتک» و«غیاث» بدل «غوث» .
14- .فی الإقبال ج 1 ص 284 : «زیّنّی» بدل «ارزقنی» و«وحلّنی فیه بحلیّ الفضل والإنصاف» بدل «ونجّنی فیه ممّا أحذر وأخاف» .
15- .فی الإقبال ج 1 ص 297 : «الخاشعین وأشعر فیه قلبی إنابه المخلصین» بدل «العابدین ... المخبتین» .
16- .فی الإقبال ج 1 ص 307 : «إلی التفسیر والسؤال» .
17- .ما بین المعقوفین أثبتناه من الإقبال : 1 / 350 .
18- .فی المصدر : «هادی» والتصویب من البلد الأمین والإقبال .
19- .وزاد فی الإقبال ج 1 ص 369 هنا : «واجعل الجنّه منزلاً لی ومقیلاً» .
20- .وفی الإقبال ج 1 ص 392 : «یا عالماً بأحوال السائلین» وزاد فیه «والتوفیق» قبل «بأن أطیعک» .
21- .أورد هذا الدعاء فی الإقبال فی الیوم السادس والعشرین وفیه «مستنّاً» بدل «متمسّکاً» و«یا عاصم قلوب النبیّین» بدل «یا عظیماً فی قلوب النبیّین» .
22- .أورد هذا الدعاء فی الإقبال فی الیوم الخامس والعشرین وفیه «یا سامع أصوات المبتهلین» بدل «یا أسمع السامعین» .
23- .أورد هذا الدعاء فی الإقبال فی الیوم الثامن والعشرین وفیه «الأحلام فی المسائل» بدل «الأحراز من المسائل» .
24- .کذا فی المصدر ولعلّ عباره «الأحراز من» زائده .
25- .أورد هذا الدعاء فی الإقبال فی الیوم التاسع والعشرین وفیه «غیاهب» بدل «عائبات» و«المذنبین» بدل «المؤمنین» .
26- .أورد هذا الدعاء فی الإقبال فی الیوم السابع والعشرین وفیه «یا رؤوفاً بعباده الصالحین» بدل «یا رحیماً بعباده المؤمنین» .
27- .وزاد فی الإقبال ج 1 ص 448 : «الأخیار الأبرار صلی اللّه علیهم».

28- .المصباح للكفعمى : 810 ، البلد الأمين : 219 ، وأورد السيّد ابن طاووس قدس سرههذه الأدعيه ومن دون إسناد إلى المعصوم فى الإقبال موزّعه على الأبواب وباختلاف فى بعض الألفاظ والعبارات كما أشرنا إلى أهمّها فى الهوامش السابقه .

526.عنه صلی الله علیه و آله :الإقبال :به نقل از محمّد بن ابی قُرّه در کتابش در اعمال روز اوّل ماه رمضان ، از عالِم (امام کاظم علیه السلام) که درود خدا بر او باد روایت کرده که فرمود:

«هر کس هنگام فرا رسیدن ماه رمضان ، دو رکعت نماز مستحب بخواند و در رکعت اوّل ، «فاتحه» و «فتح» ، و در رکعت دوم ، هر سوره ای را که دوست داشت ، بخواند ، خداوندْ بدیِ آن سال را از او دور می کند و همواره در امان خداوند خواهد بود ، تا همان هنگام از سال آینده».5 / 2دعاهای هر روز ماه رمضان527.مسند أبی یعلی عن ابن عمر :المصباح کفعمی :مستحب است که در روزهای ماه رمضان ، این دعاها خوانده شوند ، برای هر روز ، از اوّل تا آخر ماه ، دعایی جداگانه ، در کتاب الذخیره آمده که ابن عبّاس از پیامبر صلی الله علیه و آله ، چنین روایت کرده است:

در روز اول می گویی: «خداوندا! روزه مرا در این روز ، روزه روزه داران [واقعی]قرار بده و در آن ، خطایم را ببخش ای معبود جهانیان و از من در گذر ای بخشاینده مجرمان !»

تا هزار هزار حسنه داده شود... .

و در روز دوم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا به موجبات خرسندی ات نزدیک گردان و مرا از خشم و کیفر خویش دور ساز و مرا در آن ، توفیق خواندن آیاتت عطا کن ، به رحمتت ، ای مهربان ترینِ مهربانان !»

تا در برابر هر گامش در تمام عمرش ، پاداش عبادت یک سال را ، در حالی که روزش را روزه و شبش را به عبادت پرداخته ، داده شود.

و در روز سوم [می گویی]: «خداوندا! در این روز ، مرا ذهن و هوشیاری عطا کن و مرا از نابخردی و آمیختگی حق و باطل دور گردان و مرا از هر خیری که در آن نازل می شود ، بهره ای قرار بده ، ای بخشنده ترینِ بخشندگان !»

تا برای او خانه ای در بهشت فردوس بسازند... .

و در روز چهارم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا برای برپایی فرمانت ، نیرومند ساز و با کَرَمت ، توفیق سپاس گزاری ات را عطایم کن و با نگهداری خود ، مرا حفظ کن ، ای بیناترینِ بینندگان !»

تا در بهشت ابدی ، به او هفتاد هزار تخت بدهند که بر هر تختی ، یک حوری است.

و در روز پنجم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا از آمرزش خواهان قرار بده و مرا در آن ، از بندگان شایسته ات قرار بده و مرا در آن ، از دوستان پرهیزگار خود قرار بده ، به مهربانی ات ، ای بزرگوارترینِ بزرگواران !»

تا در بهشت برین به او هزار هزار خوانِ غذا دهند که در هر خوانی ، هزار هزار رنگ غذاست.

و در روز ششم [می گویی] : «خداوندا! [در این روز ،] مرا به سبب رفتن به سراغ نافرمانی هایت خوار مگردان و مرا از تازیانه های انتقام و تأدیب خویش ، پناه بده و مرا از آنچه موجب خشم توست ، در امان دار، به نعمت و احسانت ، ای نهایت خواسته خواهندگان !»

تا خداوند به او چهل هزار شهر بدهد... .

و در روز هفتم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا به روزه داری و عبادتش یاری کن و مرا از سقوط و گناهانش دور بدار و با هدایت پیوسته ات ، یاد و سپاست را روزی ام کن ، ای هدایتگر مؤمنان !»

تا در بهشت ، آنچه به شهیدان و سعادتمندان و اولیا می دهند ، به او هم بدهند.

و در روز هشتم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، توفیق ترحّم بر یتیمان و غذا دادن [به گرسنگان] و آشکارا سلام دادن را عطایم کن و همنشینی با بزرگواران و دوری از فرومایگان را روزی ام گردان ، به احسانت ، ای آرزوی آرزومندان !»

تا عمل او برابر با عمل هزار صدّیق ، بالا برده شود.

و در روز نهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا از رحمت گسترده ات نصیبی قرار بده و در آن مرا به دلایل قاطع و روشن خود ، رهنمون باش و زمام اختیار مرا به سوی خرسندی های فراگیرت به دست گیر ، به محبّتت ، ای آرزوی مشتاقان !»

تا پاداش بنی اسرائیل را به او بدهند.

و در روز دهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، از تکیه کنندگان بر خودت ، از کامیابان در پیشگاهت و از نزدیکان آستانت قرار بده ، ای نهایت خواسته جویندگان !»

تا هر چیزی برای او آمرزش بخواهد.

و در روز یازدهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، نیکی را در نظرم محبوب گردان و زشتکاری و نافرمانی را در نظرم ناخوشایند ساز و خشم و دوزخ را در آن بر من حرام کن ، به نیرویت ، ای پناه پناهجویان !»

تا برای او پاداش یک حجّ مقبول همراه پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته شود... .

و در روز دوازدهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا پوشش و پاک دامنی ، روزی کن و جامه قناعت و کفاف را بر من بپوشان و مرا از آنچه حذر و بیم دارم ، نجات بده ، به نگهداری ات ، ای نگهدارِ ترسندگان !»

تا گناهان گذشته و آینده اش بخشوده شوند و بدی هایش تبدیل به خوبی گردند.

و در روز سیزدهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا از آلودگی و پلیدی ها پاک کن و مرا بر حوادث تقدیرشده شکیبا ساز و مرا به تقوا و همنشینی با نیکان ، موفّق بدار ، به یاری ات ، ای نور چشم بینوایان !»

تا به شمار هر سنگ و کلوخی ، به او حسنه و درجه ای در بهشت داده شود.

و در روز چهاردهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا با لغزش ها مؤاخذه مکن و پوزش مرا از خطاها و لغزش ها بپذیر و مرا هدف تیر بلاها و آفت ها قرار مده ، به عزّتت ، ای مایه عزّت مسلمانان !»

[با این دعا] گویا با پیامبران ، شهیدان و صالحان ، روزه گرفته است.

و در روز پانزدهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، طاعت عابدان را روزی ام کن و دلم را به بازگشت و توبه خاشعان ، گشاده گردان ، به ایمن بخشی ات ، ای ایمنیِ هراسناکان !»

تا خداوند ، هشتاد حاجت از حاجت های دنیایی او را برآورد... .

و در روز شانزدهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا به کار نیکان ، راهنمایی کن و در آن ، مرا از همنشینی با بَدان ، دور بدار و به رحمتت ، مرا در سرای جاوید ، وارد کن ، به خداوندی ات ، ای معبود جهانیان !»

تا در روزی که از گورش بیرون می آید ، نور تابناکی به او عطا شود که با فروغ آن ، راه برود و پوششی که آن را بپوشد و شتری که سوارش شود و از شراب بهشتی به او نوشانده شود.

و در روز هفدهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا به کارهای شایسته رهنمون باش و در آن ، حاجتت ها و آرزوهایم را برآور ، ای آن که نیاز به پرسش ندارد! ای آن که به آنچه در سینه های جهانیان است ، داناست !»

تا آمرزیده شود ، هر چند از زیانکاران باشد.

و در روز هیجدهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا به برکت های سحرگاهانش هشیار بگردان و دلم را با فروغ روشنی هایش نورانی کن و همه اعضایم را به پیروی از آثارش به کار گیر ، ای روشنگر دل های عارفان !»

تا پاداش هزار پیامبر یابد.

و در روز نوزدهم [می گویی] : «خداوندا! بهره مندیِ مرا از برکات این روز ، سرشار بگردان و راه مرا به سوی نیکی های آن آسان ساز و مرا از پذیرش نیکوکاری ها در آن محروم مگردان ، ای هدایتگر به سوی حقِّ آشکار !»

تا فرشتگان آسمان ها و زمین برای او آمرزش بخواهند و برایش دعا کنند.

و در روز بیستم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، درهای بهشت ها را به رویم بگشای و درهای آتش ها را به رویم بربند و در آن ، مرا به تلاوت قرآن موفّق بدار ، ای فرودآورنده آرامش در دل مؤمنان !»

تا به شمار همه آنان که ماه رمضان را روزه گرفته اند ، برای او شصت سال روزه مقبول بنویسند... .

و در روز بیست و یکم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، برایم راهنمایی به سوی رضامندی های خویش قرار بده و در آن برای شیطان ، راه نفوذی در من ، قرار مده ، ای برآورنده نیازهای سائلان !»

تا خداوند ، قبرش را نورانی و چهره اش را سفید کند و همچون برق جهنده بر صراط بگذرد.

و در روز بیست و دوم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، درهای احسانت را به رویم بگشای و برکت های خویش را بر من فرودآور و مرا به آنچه موجب رضای توست ، موفّق گردان و مرا در میان بهشت های خودت جای ده ، ای پاسخگوی دعای درماندگان !»

تا خداوند ، سختی های جان کندن و سؤال منکر و نکیر را بر او آسان سازد و او را با عقیده ثابت ، استوار دارد.

و در روز بیست و سوم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا از گناهانْ بشوی و مرا در آن از عیب ها پاک گردان و دلم را در آن با تقوای دل ها بیازمای ، ای پوزش پذیر خطای گناهکاران !»

تا همچون برقِ جهنده همراه پیامبران و شهیدان و صالحان بر صراط بگذرد.

و در روز بیست و چهارم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، آنچه تو را خرسند می سازد ، از تو می خواهم و از آنچه تو را می آزارد ، به تو پناه می برم، به این که فرمان بردارت باشم و نافرمانی ات نکنم ، ای دانا به آنچه در سینه های جهانیان است !»

تا به شمار هر مویی که در سر و بدن اوست ، هزار خدمت گزار و هزار غلامش دهند که همچون مرجان و یاقوت اند.

و در روز بیست و پنجم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا دوستدار دوستانت و دشمن دشمنانت و چنگ زننده به سنّت آخرینِ پیامبرانت قرار بده ، ای بزرگ در دل های پیامبران!»

تا در بهشت برای او صد قصر بسازند که بر هر قصری ، خیمه ای سبز است.

و در روز بیست و ششم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، تلاشم را پاداش یافته و گناهم را در آن آمرزیده و عملم را قبول شده و عیبم را پوشیده قرار بده ، ای شنواترینِ شنوندگان!»

تا در قیامت به او خطاب شود: «نترس و اندوهگین مباش ، که آمرزیده شدی».

و در روز بیست و هفتم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، بهره مرا از مستحبّات سرشار بگردان و با آماده ساختن خواسته ها در آن ، مرا گرامی بدار و وسیله ام را در آن از میان وسایل ، فراهم ساز ، ای آن که اصرار اصرارکنندگان ، او را مشغول نمی سازد!»

[با این دعا] گویا هر گرسنه ای را سیر کرده است... .

و در روز بیست و هشتم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، مرا در پوشش رحمت و توفیق و نگهداری قرار بده و دلم را از عیب های موجب تهمت ، پاک کن ، ای مهربان به بندگان مؤمنش!»

که اگر بهره اش را از بهشت با دنیا بسنجند ، چهل برابر آن خواهد بود.

و در روز بیستم و نهم [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، شب قدر را نصیبم کن و هر سختی را برایم آسان بگردان و پوزش هایم را بپذیر و بار گناهانم را از دوشم بردار ، ای مهربان به بندگان مؤمنش!»

تا در بهشت برای او هزار شهر از طلا و نقره و زمرّد و لؤلؤ بسازند. (1)

و در روز سی ام [می گویی] : «خداوندا! در این روز ، روزه ام را همراه با پاداش و پذیرش قرار بده ، بدان گونه که تو آن را می پسندی و پیامبر از آن خرسند می شود ، در حالی که شاخ و برگش با ریشه ها محکم باشد ، به حقّ محمّد و خاندان پاکیزه و پاک او!»

تا خداوندْ او را به کرامت پیامبران و اوصیا ، گرامی بدارد. (2)

.

1- .زمرّد ، از سنگ های قیمتی است. رنگ سبز روشن دارد و هر چه سبزتر باشد ، بهتر و نفیس تر است و اصل این واژه فارسی است (ر . ک : المنجد).
2- .سیّد ابن طاووس ، این دعاها را بدون اِسناد به معصوم در الإقبال در جاهای مختلف آورده است ، با اختلاف هایی که در برخی الفاظ و عبارات وجود دارد. به مهم ترینِ این موارد در پاورقی های گذشته اشاره شد.

ص: 570

. .

ص: 571

..

ص: 572

. .

ص: 573

. .

ص: 574

..

ص: 575

. .

..

ص: 577

..

ص: 578

..

ص: 579

. .

5 / 3«دُعاءُ المُجيرِ» لِلأَيّامِ البيضِ مِن شَهرِ رَمَضانَرواه الكفعمى قدس سره فى البلد الأمين والمصباح ، وقالَ فى حاشيه مصباحه : «هذا الدعاء يسمّى «دعاء المجير» ، رفيع الشأن عظيم المنزله . وله نسخ كثيره ، أكملها ما رقمناه ، وهو مرويّ عن النبىّ صلى الله عليه و آله ، نزل جبريل عليه السلام وهو يصلّى فى مقام إبراهيم عليه السلام . وملخّص فضله أنّه من قرأه فى الأيّام البيض من شهر رمضان غفرت ذنوبه ... وبه يشفى اللّه تعالى المريض ويقضى الدين ...» . (1)

.

1- .المصباح للكفعمى : 358 .

5 / 3«دعای مُجیر» برای ایّام البیضِ (1) ماه رمضان 3کفعمی ، این دعا را در البلد الأمین و المصباح روایت کَرده و در حاشیه المصباح گفته است: «این دعا که دعای مجیر نامیده می شود ، دارای شأن والا و منزلت عظیم است و نسخه های بسیاری دارد که کامل ترینِ آنها ، همان است که ما آورده ایم. این دعا ، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است. [ماجرای این دعا چنین است که]وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در مقام ابراهیم نماز می خواند ، جبرئیل علیه السلامنازل شد [و آن را آورد]. خلاصه فضیلت آن ، این که: هر کس آن را در ایّام البیض ماه رمضان بخواند ، گناهانش آمرزیده شوند... و به سبب این دعا خداوند ، بیمار را شفا می دهد و بدهی را ادا می کند...».

.

1- .ایّام البیض هر ماه ، روزهای سیزدهم ، چهاردهم و پانزدهم آن ماه است.

655.عنه صلى الله عليه و آله :البلد الأمين :دُعاءُ المُجيرِ وهُوَ مَروِيٌّ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله :

بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ سُبحانَکَ يا أللّهُ ، تَعالَيتَ يا رَحمانُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ.سُبحانَکَ يا رَحيمُ ، تَعالَيتَ يا کَريمُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ. سُبحانَکَ يا مَلِکُ ، تَعالَيتَ يا مالِکُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا قُدّوسُ ، تَعالَيتَ يا سَلامُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُؤمِنُ ، تَعالَيتَ يا مُهَيمِنُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا عَزيزُ ، تَعالَيتَ يا جَبّارُ،أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُتَکَبِّرُ ، تَعالَيتَ يا مُتَجَبِّرُ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا خالِقُ ، تَعالَيتَ يا بارِئُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُصَوِّرُ ، تَعالَيتَ يا مُقَدِّرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا هادى ، تَعالَيتَ يا باقى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا وَهّابُ ، تَعالَيتَ يا تَوّابُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا فَتّاحُ ، تَعالَيتَ يا مُرتاحُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا سَيِّدى ، تَعالَيتَ يا مَولاىَ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا قَريبُ ، تَعالَيتَ يا رَقيبُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُبدِئُ ، تَعالَيتَ يا مُعيدُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ.سُبحانَکَ يا حَميدُ ، تَعالَيتَ يا مَجيدُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ. سُبحانَکَ يا قَديمُ ، تَعالَيتَ يا عَظيمُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا غَفورُ ، تَعالَيتَ يا شَکورُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا شاهِدُ ، تَعالَيتَ يا شَهيدُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا حَنّانُ ، تَعالَيتَ يا مَنّانُ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا باعِثُ ، تَعالَيتَ يا وارِثُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُحيى ، تَعالَيتَ يا مُميتُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا شَفيقُ ، تَعالَيتَ يا رَفيقُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا أنيسُ ، تَعالَيتَ يا مُؤنِسُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا جَليلُ ، تَعالَيتَ يا جَميلُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا خَبيرُ ، تَعالَيتَ يا بَصيرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا حَفِيٌّ (1) ، تَعالَيتَ يا مَلِيٌّ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مَعبودُ ، تَعالَيتَ يا مَوجودُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا غَفّارُ ، تَعالَيتَ يا قَهّارُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ. سُبحانَکَ يا مَذکورُ ، تَعالَيتَ يا مَشکورُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ. سُبحانَکَ يا جَوادُ ، تَعالَيتَ يا مَعاذُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا جَمالُ ، تَعالَيتَ يا جَلالُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا سابِقُ ، تَعالَيتَ يا رازِقُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا صادِقُ ، تَعالَيتَ يا فالِقُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا سَميعُ ، تَعالَيتَ يا سَريعُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا رَفيعُ ، تَعالَيتَ يا بَديعُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ. سُبحانَکَ يا

فَعّالُ ، تَعالَيتَ يا مُتَعالِ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ. سُبحانَکَ يا قاضى ، تَعالَيتَ يا راضى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا قاهِرُ ، تَعالَيتَ يا ظاهِرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا عالِمُ ، تَعالَيتَ يا حاكِمُ،أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا دائِمُ ، تَعالَيتَ يا قائِمُ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا عاصِمُ ، تَعالَيتَ يا قاصِمُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا غَنِيُّ ، تَعالَيتَ يا مُغنى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا وَفِيُّ ، تَعالَيتَ يا قَوِيُّ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا كافى ، تَعالَيتَ يا شافى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُقَدِّمُ ، تَعالَيتَ يا مُؤَخِّرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا أوَّلُ ، تَعالَيتَ يا آخِرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا ظاهِرُ ، تَعالَيتَ يا باطِنُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا رَجاءُ ، تَعالَيتَ يا مُرتَجى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا ذَا المَنِّ ، تَعالَيتَ يا ذَا الطَّولِ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا حَيُّ ، تَعالَيتَ يا قَيّومُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا واجِدُ ، تَعالَيتَ يا أحَدُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا سَيِّدُ ، تَعالَيتَ يا صَمَدُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا قَديرُ ، تَعالَيتَ يا كَبيرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا والى ، تَعالَيتَ يا عالى (2) ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا عَلِيُّ ، تَعالَيتَ يا أعلى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا وَلِيُّ ، تَعالَيتَ يا مَولى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا ذارِئُ ، تَعالَيتَ يا بارِئُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا خافِضُ ، تَعالَيتَ يا رافِعُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُقسِطُ ، تَعالَيتَ يا جامِعُ،أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُعِزُّ ، تَعالَيتَ يا مُذِلُّ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا حافِظُ ، تَعالَيتَ يا حَفيظُ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ.سُبحانَکَ يا قادِرُ ، تَعالَيتَ يا مُقتَدِرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ. سُبحانَکَ يا عَليمُ ، تَعالَيتَ يا حَليمُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا حَكَمُ ، تَعالَيتَ يا حَكيمُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُعطى، تَعالَيتَ يا مانِعُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا ضارُّ، تَعالَيتَ يا نافِعُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُجيبُ ، تَعالَيتَ يا حَسيبُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا عادِلُ ، تَعالَيتَ يا فاضِلُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا لَطيفُ ، تَعالَيتَ يا شَريفُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا رَبُّ ، تَعالَيتَ يا حَقُّ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا ماجِدُ ، تَعالَيتَ يا واجِدُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا عَفُوُّ ، تَعالَيتَ يا مُنتَقِمُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا واسِعُ ، تَعالَيتَ يا موسِعُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا رَؤوفُ ، تَعالَيتَ يا عَطوفُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا فَردُ ، تَعالَيتَ يا وَترُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُقيتُ ، تَعالَيتَ يا مُحيطُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا وَكيلُ ، تَعالَيتَ يا عَدلُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُبينُ ، تَعالَيتَ يا مَتينُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا بَرُّ ، تَعالَيتَ يا وَدودُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا رَشيدُ ، تَعالَيتَ يا مُرشِدُ ، أجِرنا مِنَ النّار يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا نورُ

، تَعالَيتَ يا مُنَوِّرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا نَصيرُ ، تَعالَيتَ يا ناصِرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ.سُبحانَکَ يا صَبورُ ، تَعالَيتَ يا صابِرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ. سُبحانَکَ يا مُحصى ، تَعالَيتَ يا مُنشِى ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا سُبحانُ ، تَعالَيتَ يا دَيّانُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا مُغيثُ ، تَعالَيتَ يا غِياثُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا فاطِرُ ، تَعالَيتَ يا حاضِرُ ، أجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ . سُبحانَکَ يا ذَا العِزِّ وَالجَمالِ ، تَبارَکتَ يا ذَا الجَبَروتِ وَالجَلالِ . سُبحانَکَ (3) لا إلهَ إلاّ أنتَ ، سُبحانَکَ إنّى کُنتُ مِنَ الظّالِمينَ ، فَاستَجَبنا لَهُ ونَجَّيناهُ مِنَ الغَمِّ ، وکَذلِکَ نُنجِى المُؤمِنينَ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ (أجمَعينَ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ ، وحَسبُنَا اللّهُ ونِعمَ الوَکيلُ ؛ ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ) (4) . (5) .

1- .فى المصباح : «يا خفىّ» .
2- .فى المصباح : «يا متعالى» .
3- .فى المصباح : «سبحانک يا ...» .
4- .أثبتنا مابين القوسين من المصباح ، وفى البلد الأمين : «ثمّ حمدِل وحسبِل وحولِق» .
5- .البلد الأمين : 362 ، المصباح للكفعمى : 358 .

654.عنه صلی الله علیه و آله :البلد الأمین [در بیان] دعای مُجیر ، روایت شده از پیامبر صلی الله علیه و آله :به نام خداوند بخشنده مهربان. منزّهی تو ، ای خداوند! والایی تو ، ای بخشنده! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده!

منزّهی تو، ای مهربان! والایی تو،ای بزرگوار! ما را از آتشْ پناه بده،ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای فرمان روا! والایی تو ، ای مالک! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای بی عیب ! والایی تو ، ای سلام! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای ایمنی بخش! والایی تو ، ای حاکم بر همه چیز! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای ارجمند! والایی تو ، ای غالب! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای صاحب بزرگی! والایی تو ، ای صاحب جبروت! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای آفریننده! والایی تو ، ای پدیدآورنده! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای صورت آفرین! والایی تو ، ای تقدیرکننده! مارا از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای هدایتگر! والایی تو ، ای ماندگار! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای بخشنده! والایی تو ، ای توبه پذیر! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای گشاینده! والایی تو ، ای رحمت آور (بهجت آفرین)! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای سَرور من! والایی تو ، ای سرپرست من! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای نزدیک! والایی تو ، ای مراقب! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای آغازگر! والایی تو ، ای بازآفرین! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای ستوده! والایی تو ، ای شکوهمند! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای خدای دیرین! والایی تو ، ای بزرگ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای آمرزنده! والایی تو ، ای سپاس گزار! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای گواه! والایی تو ، ای حاضر! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای مهرورز! والایی تو ، ای نعمت بخش! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای برانگیزاننده! والایی تو ، ای میراث برنده! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای حیات بخش! والایی تو ، ای میراننده! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای مهربان! والایی تو ، ای اهل مدارا! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای همدم! والایی تو ، ای مونس! ما را از

آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای با عظمت ! والایی تو ، ای زیبا ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای آگاه ! والایی تو ، ای بینا ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای پذیرنده ! والایی تو ، ای مهلت دهنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای معبود ! والایی تو ، ای موجود ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای دانا ! والایی تو ، ای مهلت دهنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای آمرزنده ! والایی تو ، ای قدرتمند ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای یادشده ! والایی تو ، ای سپاس گزاری شده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای بخشنده ! والایی تو ، ای پناهگاه ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای زیبایی ! والایی تو ، ای شُکوه ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای سبقت گیرنده ! والایی تو ، ای روزی دهنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای راستگو ! والایی تو ، ای شکافنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای شنوا ! والایی تو ، ای باشتاب ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای والا ! والایی تو ، ای پدیدآورنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای بسیارکار ! والایی تو ، ای بلندمرتبه ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای داور ! والایی تو ، ای راضی شونده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای قدرتمند ! والایی تو ، ای آشکار ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای دانا ! والایی تو ، ای حاکم ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای اَبَدی ! والایی تو ، ای همیشه پا برجا ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای نگه دارنده ! والایی تو ، ای در هم شکننده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای بی نیاز ! والایی تو ، ای بی نیازکننده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای وفاکننده ! والایی تو ، ای نیرومند ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای کفایت کننده ! والایی تو ، ای شفادهنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای مقدّم دارنده ! والایی تو ، ای تأخیر اندازنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای نخست ! والایی تو ، ای فرجام ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای آشکار ! والایی تو ، ای پنهان ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای امید ! والایی تو ، ای امیدگاه ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای صاحب نعمت ! والایی تو ، ای صاحب احسان ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای زنده ! والایی تو ، ای همیشه برپا ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای یکتا ! والایی تو ، ای یگانه ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای سَرور ! والایی تو ، ای

نفوذناپذیر! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای توانا! والایی تو ، ای بزرگ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای سرپرست! والایی تو ، ای بلندمرتبه! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای والا! والایی تو ، ای برتر! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای صاحب اختیار! والایی تو ، ای سرپرست! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای هستی آفرین! والایی تو ، ای آفریدگار! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای پایین آورنده! والایی تو ، ای بالابرنده! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای دادگر! والایی تو ، ای جمع کننده! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای عزّت بخش! والایی تو ، ای خوارکننده! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای نگهبان! والایی تو ، ای نگهدار! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای توانا! والایی تو ، ای مقتدر! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای دانا! والایی تو ، ای بردبار! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای داور! والایی تو ، ای استوارکار! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای عطاکننده! والایی تو ، ای بازدارنده! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای زیان رسان! والایی تو ، ای سودرسان! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای اجابت کننده! والایی تو ، ای حسابگر! (1) ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای عادل! والایی تو ، ای صاحب نعمت! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای صاحب لطف! والایی تو ، ای باشرافت! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای پروردگار! والایی تو ، ای حق! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای صاحب مجد! والایی تو ، ای یگانه! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای بخشاینده! والایی تو ، ای انتقام گیرنده! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای گسترده(رحمت) ! والایی تو ، ای گستراننده(هستی) ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای صاحب رأفت! والایی تو ، ای مهرورز! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای یگانه! والایی تو ، ای یکتا! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای جزادهنده! والایی تو ، ای فراگیر! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای عهده دار! والایی تو ، ای دادگر! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای روشنگر! والایی تو ، ای استوار! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای نیکی کننده! والایی تو ، ای مهربان! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای ره یافته! والایی تو ، ای راهنما! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده! منزّهی تو ، ای نور! والایی تو ، ای روشنی بخش! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه

دهنده ! منزّهی تو ، ای یاور ! والایی تو ، ای یاریگر ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای صبرپیشه ! والایی تو ، ای شکیبا ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای شمارنده ! والایی تو ، ای پدیدآورنده ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای بی عیب ! والایی تو ، ای داور ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای پناه دهنده ! والایی تو ، ای پناهگاه ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای شکافنده ! والایی تو ، ای حاضر ! ما را از آتشْ پناه بده ، ای پناه دهنده ! منزّهی تو ، ای صاحب عزّت و زیبایی ! خجسته ای تو ، ای صاحب قدرت و شکوه ! منزّهی تو. « معبودی جز تو نیست . منزّهی تو . من از ستمگران بوده ام. پس ، او را اجابت کردیم و او را از اندوه رهاندیم و این گونه ، مؤمنان را نجات می بخشیم » .

و درود خدا بر محمّد و همه خاندانش باد و ستایش ، از آنِ خداوند ، پروردگار جهانیان است. و خداوند ، ما را بس است و خوب عهده داری است و هیچ قدرتی و نیرویی نیست ، مگر به خداوند والای بزرگ. .

1- .در متن عربی ، واژه «حسیب» آمده که بجز حسابگر ، سه معنای دیگر هم دارد: کفایت کننده ، دانا ، مقتدر (ر . ک : مجمع البحرین : 1 / 400) .

ص: 584

. .

ص: 585

. .

ص: 586

. .

ص: 587

..

ص: 588

. .

ص: 589

. .

الفصل السادس : الأعمال المختصَّه بالعشر الأواخر6 / 1الغُسل653.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَغتَسِلُ فى شَهرِ رَمَضانَ فِى العَشرِ الأواخِرِ فى كُلِّ لَيلَهٍ . (1)6 / 2الدُّعاءأ الأَدعِيَهُ المُشتَرَكَهُ652.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :تَقولُ فِى العَشرِ الأَواخِرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ فى كُلِّ لَيلَهٍ :

أعوذُ بِجَلالِ وَجهِکَ الکَريمِ ، أن يَنقَضِىَ عَنّى شَهرُ رَمَضانَ أو يَطلُعَ الفَجرُ مِن لَيلَتى هذِهِ ، ولَکَ قِبَلى ذَنبٌ أو تَبِعَهٌ تُعَذِّبُنى عَلَيهِ (2) . (3) .

1- .الإقبال : 1 / 358 عن محمّد بن أبى عمير عن بعض أصحابه و ص 411 ، بحارالأنوار : 81 / 19 / 24 و ج 98 / 68 و ص 151 .
2- .فى المقنعه : «تعذّبنى به يوم ألقاک» ، وفى الإقبال : «بقى لک عندى تبعه أو ذنب تعذّبنى عليه يوم ألقاک» .
3- .الكافى : 4/160/1 عن ابن أبى عمير عن بعض أصحابنا ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2/161/2032 ، الإقبال : 1 / 365 كلاهما عن ابن أبى عمير ، المقنعه : 189 وفيه «يستحبّ أن يقال فى كلّ ليله من العشر الأواخر» ، بحار الأنوار : 98 / 156 / 4 .

فصل ششم : اعمال مخصوص دهه آخر

6 / 1 غسل

6 / 2 دعا

الف دعاهای مشترک

فصل ششم : اعمال مخصوص دهه آخر6 / 1غسل651.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:پیامبر خدا در دهه آخر ماه رمضان ، هر شب غسل می کرد.6 / 2دعاالف دعاهای مشترک650.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:در دهه آخر ماه رمضان ، هر شب چنین می گویی :

«به شُکوه ذات کریم تو پناه می برم که ماه رمضان بر من بگذرد ، یا سپیده امشب بدمد و مرا نزد تو ، گناه یا خطایی باشد که بر آن ، عذابم کنی» . (1)

.

1- .در نقل المقنعه (ص 189) چنین آمده است : «در روز دیدار تو بر آن عذابم کنی» .

649.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المصباح : اُدعُ فی کُلِّ لَیلَهٍ مِنَ العَشرِ الأَخیرِ بِما رُوِیَ عَنِ الصّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ کانَ یَقولُ بَعدَ الفَرائِضِ وَالنَّوافِلِ :

اللّهُمَّ أدِّ عَنّا حَقَّ ما مَضی مِن شَهرِ رَمَضانَ وَاغفِر لَنا تَقصیرَنا فیهِ ، وتَسَلَّمهُ مِنّا مَقبولاً ، ولا تُؤاخِذنا بِإِسرافِنا عَلی أنفُسِنا ، وَاجعَلنا مِنَ المَرحومینَ ولا تَجعَلنا مِنَ المَحرومینَ . (1)648.سنن الدارمی (به نقل از ابو اُمامه) الإقبال :عَن مُرازِمٍ عَن أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام أَنَّهُ کانَ یَقولُ فی کُلِّ لَیلَهٍ مِنَ العَشرِ الأَواخِرِ :

اللّهُمَّ إِنَّکَ قُلتَ فی کِتابِکَ المُنزَلِ : «شَهْرُ رَمَضانَ الَّذِی أُنزِلَ فِیهِ الْقُرْءَانُ هُدًی لِّلنَّاسِ وَ بَیِّنَتٍ مِّنَ الْهُدَی وَالْفُرْقَانِ» (2) ، فَعَظَّمتَ حُرمَهَ شَهرِ رَمَضانَ بِما أنزَلتَ فیهِ مِنَ القُرآنِ ، وخَصَصتَهُ بِلَیلَهِ القَدرِ ، وجَعَلتَها خَیراً مِن ألفِ شَهرٍ .

اللّهُمَّ وهذِهِ أیّامُ شَهرِ رَمَضانَ قَدِ انقَضَت ولَیالیهِ قَد تَصَرَّمَت ، وقَد صِرتُ یا إلهی مِنهُ إلی ما أنتَ أعلَمُ بِهِ مِنّی ، وأحصی لِعَدَدِهِ مِنَ الخَلقِ أجمَعینَ .

فَأَسأَلُکَ بِما سَأَلَکَ بِهِ مَلائِکَتُکَ المُقَرَّبونَ ، وأنبِیاؤُکَ المُرسَلونَ ، وعِبادُکَ الصّالِحونَ ، أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَفُکَّ رَقَبَتی مِنَ النّارِ ، وتُدخِلَنِی الجَنَّهَ بِرَحمَتِکَ ، وأن تَتَفَضَّلَ عَلَیَّ بِعَفوِکَ وکَرَمِکَ ، وتَتَقَبَّلَ تَقَرُّبی ، وتَستَجیبَ دُعائی ، وتَمُنَّ عَلَیَّ بِالأَمنِ یَومَ الخَوفِ مِن کُلِّ هَولٍ أعدَدتَهُ لِیَومِ القِیامَهِ .

إلهی وأعوذُ بِوَجهِکَ الکَریمِ وبِجَلالِکَ العَظیمِ ، أن تَنقَضِیَ أیّامُ شَهرِ رَمَضانَ ولَیالیهِ ، ولَکَ قِبَلی تَبِعَهٌ أوَذنبٌ تُؤاخِذُنی بِهِ أو خَطیئَهٌ تُریدُ أن تَقتَصَّها مِنّی لَم تَغفِرها لی .

سَیِّدی سَیِّدی سَیِّدی ، أسأَلُکَ یا لا إلهَ إلاّ أنتَ إذ لا إلهَ إلاّ أنتَ إن کُنتَ رَضیتَ عَنّی فی هذَا الشَّهرِ فَازدَد عَنّی رِضیً ، وإن لَم تَکُن رَضیتَ عَنّی فَمِنَ الآنَ فَارضَ عَنّی یا أرحَمَ الرّاحِمینَ ، یا أللّهُ یا أحَدُ یا صَمَدُ ، یا مَن لَم یَلِد ولَم یولَد ولَم یَکُن لَهُ کُفُواً أحَدٌ . (3) .

1- .المصباح للكفعمى : 773 أورده فى الحاشيه .
2- .البقره : 185 .
3- .الإقبال : 1 / 364 ، بحارالأنوار : 98 / 155 / 4 .

647.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (درباره این سخن خدای متعال : {Q} «آیا ندیده اند) المصباح:در هر شب از دهه آخر ، بخوان آنچه را از امام صادق علیه السلامروایت شده که آن امام ، پس از نمازهای واجب و مستحب می گفت:

«خداوندا! حقّ آنچه را از ماه رمضان گذشته است ، از سوی ما ادا کن و کوتاهیِ ما را در آن بیامرز و آن را قبول شده از ما تحویل بگیر و ما را به سبب اَسرافمان بر خویشتن ، کیفر مکن و ما را از رحمت یافتگان ، قرار بده و ما را از محروم شدگان قرار مده!».646.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از مُرازِم :امام صادق علیه السلام در هر شب از دهه آخر می گفت:

«خداوندا! در کتاب نازل شده ات فرموده ای: « ماه رمضان ، که در آن قرآن نازل شده است ، برای هدایت مردم و نشانه هایی از هدایت و فرقان » . پس ، با قرآن که در ماه رمضان نازل کردی ، قدر آن را بزرگ داشته ای و آن را با شب قدر ، ویژه ساخته ای و آن را از هزار ماه ، بهتر قرار داده ای.

خداوندا! این روزها ، روزهای ماه رمضان است که گذشته است ، و شب های آن است که سپری شده است ، و بهره من از آن ، همان شده است که تو به آن ، داناتر از من و شمارشگرتر به شمار آن از همگانی.

پس ، تو را می خوانم ، به آنچه فرشتگان مقرّب و پیامبرانِ فرستاده و بندگان شایسته ات تو را به آن خوانده اند ، که بر محمّد و خاندان محمّد درود بفرستی وِ مرا از آتشْ برهانی و با رحمت خویش به بهشتم درآوری و با بخشایش و کَرَم خود بر من نیکی کنی و تقرّب جُستنم را بپذیری و دعایم را مستجاب کنی و در روز ترس ، با ایمنی از هر هراسی که برای روز قیامت آماده کرده ای ، بر من منّت نهی.

خدایا! به ذات با کرامت و شُکوه بزرگ تو پناه می برم که روزها و شب های ماه رمضان بگذرد و مرا در حقّ تو ، خطا و گناهی باشد که به سبب آن کیفرم دهی ، یا لغزشی باشد که آن را نیامرزیده باشی و بخواهی به سبب آن از من قصاص بکشی.

سَرورم ، سَرورم ، سَرورم ! از تو می خواهم که ای آن که معبودی جز تو نیست؛ چرا که جز تو معبودی نیست اگر در این ماه ، از من خشنود شده ای ، خشنودی خویش از من را بیفزایی. و اگر از من خشنود نشده ای ، از هم اینک از من راضی باشی، ای مهربان ترینِ مهربانان ! ای خداوند، ای یکتا، ای نفوذناپذیر ! ای آن که نه زاده است وَ نه زاده شده است و هیچ کس برای او همتا نیست !». .

ب الأَدعِيَهُ المُختَصَّهُ بِكُلِّ لَيلَهٍ649.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الكافى عن أيّوب بن يقطين أو غيره عنهم عليهم السلام: دُعاءُ العَشرِ الأَواخِرِ ، تَقولُ فِى اللَّيلَهِ الأُولى :

يا مولِجَ اللَّيلِ فِى النَّهارِ ومولِجَ النَّهارِ فِى اللَّيلِ ، ومُخرِجَ الحَيِّ مِنَ المَيِّتِ ومُخرِجَ المَيِّتِ مِنَ الحَيِّ ، يا رازِقَ مَن يَشاءُ بِغَيرِ حِسابٍ ، يا أللّهُ يا رَحمانُ يا أللّهُ يا رَحيمُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ لَکَ الأَسماءُ الحُسنى وَالأَمثالُ العُليا وَالكِبرِياءُ وَالآلاءُ .

أسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمى فى هذِهِ اللَّيلَهِ فِى السُّعَداءِ وروحى مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانى فى عِلِّيِّينَ وإساءَتى مَغفورَهً ، وأن تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبى وإيماناً يَذهَبُ بِالشَّکِّ عَنّى وتُرضِيَنى بِما قَسَمتَ لى ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَهً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَهً وقِنا عَذابَ الحَرِيقِ ، وَارزُقنا فيها ذِکرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَيکَ وَالإِنابَهَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام .

وتَقولُ فِى اللَّيلَهِ الثّانِيَهِ :

يا سالِخَ النَّهارِ مِنَ اللَّيلِ فَإِذا نَحنُ مُظلِمونَ ، ومُجرِىَ الشَّمسِ لِمُستَقَرِّها بِتَقديرِکَ يا عَزيزُ يا عَليمُ ، ومُقَدِّرَ القَمَرِ مَنازِلَ حَتّى عادَ کَالعُرجونِ القَديمِ ، يا نورَ کُلِّ نورٍ ومُنتَهى کُلِّ رَغبَهٍ ووَلِىَّ کُلِّ نِعمَهٍ ، يا أللّهُ يا رَحمانُ ، يا أللّهُ يا قُدّوسُ يا أحَدُ يا واحِدُ يا فَردُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ لَکَ الأَسماءُ الحُسنى وَالأَمثالُ العُليا [وَالكِبرِياءُ وَالآلاءُ .

أسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمى فى هذِهِ اللَّيلَهِ فِى السُّعَداءِ وروحى مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانى فى عَلِّيِّينَ وإساءَتى مَغفورَهً ، وأن تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبى وإيماناً يَذهَبُ بِالشَّکِّ عَنّى وتُرضِيَنى بِما قَسَمتَ لى ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَهً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَهً وقِنا عَذابَ النّارِ الحَريقِ ، وَارزُقنى فيها ذِکرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَيکَ وَالإِنابَهَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام] . (1)

وتَقولُ فِى اللَّيلَهِ الثّالِثَهِ :

يا رَبَّ لَيلَهِ القَدرِ وجاعِلَها خَيراً مِن ألفِ شَهرٍ ، ورَبَّ اللّيلِ وَالنَّهارِ وَالجِبالِ وَالبِحارِ وَالظُّلَمِ وَالأنوارِ وَالأرضِ وَالسَّماءِ ، يا بارِئُ يا مُصَوِّرُ ، يا حَنّانُ يا مَنّانُ ، يا أللّهُ يا رَحمانُ ، يا أللّهُ يا قَيّومُ ، يا أللّهُ يا بَديعُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ لَکَ الأسماءُ الحُسنى وَالأمثالُ العُليا وَالکِبرِياءُ وَالآلاءُ .

أسأَلُکَ أن تُصَلِّیَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَجعَلَ اسمى فى هذِهِ اللَّيلَهِ فِى السُّعَداءِ وروحى مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانى فى عِلِّيِّينَ وإساءَتى مَغفورَةً ، وأن تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبى وإيماناً يُذهِبُ الشَّکَّ عَنّى وتُرضِيَنى بِما قَسَمتَ لى ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً وقِنا عَذابَ الحَريقِ ، وَارزُقنى فيها ذِکرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَيکَ وَالإنابَهَ وَالتَّوبَهَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام ... .

وتَقولُ فِى اللَّيلَهِ الرّابِعَهِ :

يا فالِقَ الإصباحِ وجاعِلَ اللَّيلِ سَکَناً وَالشَّمسِ وَالقَمَرِ حُسباناً ، يا عَزيزُ يا عَليمُ ، يا ذَا المَنِّ وَالطَّولِ وَالقُوَّهِ وَالحَولِ وَالفَضلِ وَالإنعامِ وَالمُلکِ وَالإکرامِ ، (يا ذَا الجَلالِ وَالإکرامِ) يا أللّهُ يا رَحمانُ ، يا أللّهُ يا فَردُ يا وَترُ ، يا أللّهُ يا ظاهِرُ يا باطِنُ ، يا حَيُّ يا لا إلهَ إلاّ أنتَ ، لَکَ الأسماءُ الحُسنى وَالأمثالُ العُليا وَالکِبرِياءُ .

أسأَلُکَ أن تُصَلِّیَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمى فى هذِهِ اللَّيلَهِ فِى السُّعَداءِ وروحى مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانى فى عِلِّيِّينَ وإساءَتى مَغفورَةً ، وأن تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبى وإيماناً يُذهِبُ الشَّکَّ عَنّى ورِضىً بِما قَسَمتَ لى ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً وقِنا عَذابَ الحَريقِ ، وَارزُقنى فيها ذِکرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَيکَ وَالإنابَهَ وَالتَّوبَهَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام.

وتَقولُ فِى اللَّيلَهِ الخامِسَهِ :

يا جاعِلَ اللَّيلِ لِباساً وَالنَّهارِ مَعاشاً وَالأَرضِ مِهاداً وَالجِبالِ أوتاداً ، يا أللّهُ يا قاهِرُ ، يا أللّهُ يا جَبّارُ ، يا أللّهُ يا سَميعُ ، يا أللّه يا قَريبُ ، يا أللّهُ يا مُجيبُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ لَکَ الأسماءُ الحُسنى وَالأَمثالُ العُليا وَالکِبرِياءُ وَالآلاءُ .

أسأَلُکَ أن تُصَلِّیَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمى فى هذِهِ اللَّيلَهِ فِى السُّعَداءِ وروحى مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانى فى عِلِّيِّينَ وإساءَتى مَغفورَةً ، وأن تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبى وإيماناً يُذهِبُ الشَّکَّ عَنّى ورِضىً بِما قَسَمتَ لى ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً وقِنا عَذابَ

الحَريقِ ، وَارزُقنى فيها ذِكرَكَ وشُكرَكَ وَالرَّغبَةَ إلَيكَ وَالإنابَةَ وَالتَّوبَةَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام.

وتَقولُ فِى اللَّيلَةِ السّادِسَةِ :

يا جاعِلَ اللَّيلِ وَالنَّهارِ آيَتَينِ ، يا مَن مَحا آيَةَ اللَّيلِ وجَعَلَ آيَةَ النَّهارِ مُبصِرَةً لِتَبتَغوا فَضلاً مِنهُ ورِضواناً ، يا مُفَصِّلَ كُلِّ شَيءٍ تَفصيلاً ، يا ماجِدُ يا وَهّابُ يا أللّهُ يا جَوادُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ ، لَكَ الأَسماءُ الحُسنى وَالأَمثالُ العُليا وَالكِبرِياءُ وَالآلاءُ .

أسأَلُكَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِهِ وأن تَجعَلَ اسمى فى هذِهِ اللَّيلَةِ فِى السُّعَداءِ وروحى مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانى فى عِلِّيِّينَ وإساءَتى مَغفورَةً ، وأن تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبى وإيماناً يُذهِبُ الشَّكَّ عَنّى وتُرضِيَنى بِما قَسَمتَ لى ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَةِ حَسَنَةً وقِنا عَذابَ الحَريقِ ، وَارزُقنى فيها ذِكرَكَ وشُكرَكَ وَالرَّغبَةَ إلَيكَ وَالإنابَةَ وَالتَّوبَةَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام.

وتَقولُ فِى اللَّيلَةِ السّابِعَةِ :

يا مادَّ الظِّلِّ ولَو شِئتَ لَجَعَلتَهُ ساكِناً وجَعَلتَ الشَّمسَ عَلَيهِ دَليلاً ثُمَّ قَبَضتَهُ إلَيكَ قَبضاً يَسيراً ، يا ذَا الجودِ وَالطَّولِ وَالكِبرِياءِ وَالآلاءِ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ عالِمُ الغَيبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحمنُ الرَّحيمُ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ يا قُدّوسُ يا سَلامُ ، يا مُؤمِنُ يا مُهَيمِنُ ، يا عَزيزُ يا جَبّارُ ، يا مُتَكَبِّرُ يا أللّهُ يا خالِقُ يا بارِئُ يا مُصَوِّرُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ لَكَ الأَسماءُ الحُسنى وَالأَمثالُ العُليا وَالكِبرِياءُ وَالآلاءُ .

أسأَلُكَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمى فى هذِهِ اللَّيلَةِ فِى السُّعَداءِ وروحى مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانى فى عِلِّيِّينَ وإساءَتى مَغفورَةً ، وأن تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبى وإيماناً يُذهِبُ الشَّكَّ عَنّى وتُرضِيَنى بِما قَسَمتَ لى ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَةِ حَسَنَةً وقِنا عَذابَ الحَريقِ ، وَارزُقنى فيها ذِكرَكَ وشُكرَكَ وَالرَّغبَةَ إلَيكَ وَالإنابَةَ وَالتَّوبَةَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام.

وتَقولُ فِى اللَّيلَةِ الثّامِنَةِ :

يا خازِنَ اللَّيلِ فِى الهَواءِ وخازِنَ النّورِ فِى السَّماءِ ، ومانِعَ السَّماءِ أن تَقَعَ عَلَى الأَرضِ إلاّ بِإذنِهِ وحابِسَهُما أن تَزولا ، يا عَليمُ يا غَفورُ ، يادائِمُ يا أللّهُ ، يا

وارِثُ يا باعِثَ مَن فِى القُبورِ ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ لَکَ الأسماءُ الحُسنى وَالأَمثالُ العُليا وَالکِبرِياءُ وَالآلاءُ .

أسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمى فى هذِهِ اللَّيلَهِ فِى السُّعَداءِ وروحى مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانى فى عِلِّيِّينَ وإساءَتى مَغفورَةً ، وأن تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبى وإيماناً يُذهِبُ الشَّکَّ عَنّى وتُرضِيَنى بِما قَسَمتَ لى ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً وقِنا عَذابَ الحَريقِ ، وَارزُقنى فيها ذِکرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَيکَ وَالإنابَهَ وَالتَّوبَهَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام.

وتَقولُ فِى اللَّيلَهِ التّاسِعَهِ :

يا مُکَوِّرَ اللَّيلِ عَلَى النَّهارِ ومُکَوِّرَ النَّهارِ عَلَى اللَّيلِ ، يا عَليمُ يا حَکيمُ يا أللّهُ ، يا رَبَّ الأَربابِ وسَيِّدَ السّاداتِ لا إلهَ إلّا أنتَ ، يا أقرَبَ إلَىَّ مِن حَبلِ الوَريدِ ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ لَکَ الأَسماءُ الحُسنى وَالأَمثالُ العُليا وَالکِبرِياءُ وَالآلاءُ .

أسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمى فى هذِهِ اللَّيلَهِ فِى السُّعَداءِ وروحى مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانى فى عِلِّيِّينَ وإساءَتى مَغفورَةً ، وأن تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبى وإيماناً يُذهِبُ الشَّکَّ عَنّى وتُرضِيَنى بِما قَسَمتَ لى ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً وقِنا عَذابَ الحَريقِ ، وَارزُقنى فيها ذِکرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَيکَ وَالإنابَهَ وَالتَّوبَهَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام.

وتَقولُ فِى اللَّيلَهِ العاشِرَهِ :

الحَمدُ للّهِ لا شَريکَ لَهُ ، الحَمدُ للّهِ کَما يَنبَغى لِکَرَمِ وَجهِهِ وعِزِّ جَلالِهِ وکَما هُوَ أهلُهُ ، يا قُدّوسُ يا نورَ القُدسِ ، يا سُبّوحُ يا مُنتَهَى التَّسبيحِ ، يا رَحمانُ يا فاعِلَ الرَّحمَهِ ، يا عَليمُ يا کَبيرُ يا أللّهُ ، يا لَطيفُ يا جَليلُ يا أللّهُ ، يا سَميعُ يا بَصيرُ يا أللّهُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ لَکَ الأَسماءُ الحُسنى وَالأَمثالُ العُليا وَالکِبرِياءُ وَالآلاءُ .

أسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلى أهلِ بَيتِهِ ، وأن تَجعَلَ اسمى فى هذِهِ اللَّيلَهِ فِى السُّعَداءِ وروحى مَعَ الشُّهَداءِ وإحسانى فى عِلِّيِّينَ وإساءَتى مَغفورَةً ، وأن تَهَبَ لى يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبى وإيماناً يُذهِبُ الشَّکَّ عَنّى وتُرضِيَنى بِما قَسَمتَ لى ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً وقِنا عَذابَ الحَريقِ ، وارزُقنى فيها ذِکرَکَ وشُکرَکَ وَالرَّغبَهَ إلَيکَ وَالإنابَهَ وَالتَّوبَهَ وَالتَّوفيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام . (2) .

1- .أثبتنا ما بين المعقوفين من مصباح المتهجّد والمصادر الأُخرى ، وفى المصدر بعد «والأمثال العليا» : «ثمّ تعود إلى الدعاء الأوّل إلى قوله : أسألک أن تصلّى على محمّد وأهل بيته إلى آخر الدعاء» .
2- .الكافى : 4 / 164 / 2 ، تهذيب الأحكام : 3 / 101 / 263 كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 161 ، المقنعه : 184 ، مصباح المتهجّد : 628 / 705 ، المزار الكبير : 609 وفى الأخير من دون إسناد إلى المعصوم ، الإقبال : 1 / 362 عن عمر بن يزيد عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه مع زياده فى دعاء كلّ ليله ، بحار الأنوار : 98 / 154 / 4 .

ب دعاهای مخصوص هر شب648.سنن الدارمی عن أبی اُمامه عن رسول اللّه صلی اللهالکافی به نقل از ایّوب بن یقطین یا دیگری ، از امامان علیهم السلام، درباره دعای دهه آخر :

در شب اوّل می گویی :

«ای فرو برنده شب در روز و فرو برنده روز در شب و بیرون آورنده زنده از مرده و بیرون آورنده مرده از زنده ! ای روزی دهنده بی شمار ، به هر که خواهد ! ای خداوند ، ای بخشاینده ، ای خداوند ! ای مهربان ! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندانش درود فرستی و نامم را امشب در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب آتش سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندانش محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

و در شب دوم می گویی:

«ای بیرون آورنده روز از شب که ما ، ناگهان در ظلمت قرار می گیریم و جاری کننده خورشید به سوی قرارگاهش به تقدیر خودت ! ای ارجمند ، ای دانا و ای تقدیرکننده ماه در برج ها (منزلگاه ها) تا آن که همچون شاخه زردِ کهنه گردد ! ای فروغ هر روشنایی و نهایت هر تمایل و آرزو و صاحب هر نعمت ! ای خداوند ، ای مهربان ! ای خداوند ، ای پاک ! ای یگانه ، ای یکتا ، ای بی نظیر ! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندانش درود فرستی و امشب ، نامم را در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب آتش سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

و در شب سوم می گویی:

«ای پروردگار شب قدر و ای که آن را بهتر از هزار ماه قرار دادی ، و ای پروردگار شب و روز و کوه ها و دریاها و تاریکی ها و روشنایی ها و زمین و آسمان ! ای پدیدآورنده ، ای صورت آفرین ! ای مهربان ، ای صاحب احسان ! ای خداوند ، ای بخشنده ! ای خداوند ، ای برپای ! ای خداوند ، ای آفریننده ! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب نامم در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

و در شب چهارم می گویی:

«ای شکافنده صبح و ای که شب را مایه آرامش ، و خورشید و ماه را وسیله اندازگیری [زمان] ، قرار دادی ! ای ارجمند ! ای دانا ! ای صاحب نعمت و نیکی و نیرو و قدرت و احسان و عطا و پادشاهی و بزرگواری ! ای صاحب شُکوه و بزرگواری ! ای خداوند ، ای بخشاینده ! ای خداوند ، ای یکتا،

ای یگانه ! ای خداوند ، ای آشکار ، ای پنهان ! ای زنده ، ای آن که جز تو معبودی نیست ! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی ونعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب ، نامم را در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهانم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

و در شب پنجم می گویی:

«ای که شب را مایه پوشش ، و روز را وسیله کسب معاش ، و زمین را بستری گسترده ، و کوه ها را میخ های استوار ، قرار دادی ! ای خداوند ، ای چیره ! ای خداوند ، ای مقتدر ! ای خداوند ! ای شنوا ! ای خداوند ، ای نزدیک ! ای خداوند ، ای اجابت کننده ! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها ازآنِ توست.

از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب ، نامم را در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

و در شب ششم می گویی:

«ای که شب و روز را دو نشانه قرار داد! ای که نشانه شب را زدود و نشانه روز را روشن قرار داد تا نیکی و رضای خداوندی را طلب کنید! ای تفصیل دهنده هر چیز به تفصیلی شایسته! ای شکوهمند ، ای بخشنده! ای خداوند ، ای سخاوتمند! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب ، نامم را در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

و در شب هفتم می گویی:

«ای گسترنده سایه ، اگر می خواستی ، آن را ساکن می ساختی و خورشید را نشان آن قرار می دادی و سپس آن را اندکی به سوی خویش بر می گرفتی! ای صاحب بخشندگی و احسان و بزرگی و نعمت ها! معبودی جز تو نیست. تو ، دانای نهان و آشکار و بخشنده و مهربانی.

معبودی جز تو نیست. ای پاک ، ای بی عیب! ای ایمنی بخش ، ای حاکم بر هر چیز! ای مقتدر ، ای قدرتمند! ای صاحب بزرگی ، ای خداوند! ای آفریدگار ، ای پدیدآورنده ، ای صورت آفرین! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب ، نامم را در میان سعادتمندان روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای روزی ام گردان !».

و در شب هشتم می گویی:

«ای خزینه دار شب در هوا و خزینه دار نور در آسمان و نگه دارنده آسمان از سقوط مگر به اذن او و نگه دارنده آن دو (آسمان و زمین) از نابودی ! ای دانا ، ای آمرزنده ! ای همیشگی ، ای خداوند ! ای میراث بر ، ای برانگیزاننده خفتگان گورها ! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب ، نامم را در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

و در شب نهم می گویی:

«ای واردکننده شب بر روز ، و واردکننده روز بر شب ! ای دانا ، ای حکیم ، ای خداوند ! ای پروردگار همه پرورندگان و سَرور سَروران ! معبودی جز تو نیست. ای آن که از رگ گردن به من نزدیک تری ! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب ، نام مرا در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

و در شب دهم می گویی:

«ستایش ، برای خداست؛ شریکی ندارد. ستایش ، برای خداست ، آن گونه که شایسته ذات بزرگوار و عزّت شکوهمندی اوست و آن گونه که او سزاوار آن است. ای پاک ، ای فروغ پاکی ! ای منزّه ، ای نهایت ستودگی ! ای بخشنده ، ای رحمت ساز ! ای دانا ، ای بزرگ ، ای خداوند ! ای لطیف ، ای بزرگ ، ای خداوند ! ای شنوا ، ای بینا ، ای خداوند ! ای خداوند ، ای خداوند ! نام های نیکوتر ، مَثَل های والاتر و بزرگی و نعمت ها از آنِ توست.

از تو می خواهم بر محمّد و خاندان او درود فرستی و امشب ، نام مرا در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را با والامرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی بدهی که به سبب آن با دلم همدم شوی و ایمانی عطا کنی که با آن ، شک را از من ببری و به آنچه قسمتم کرده ای ، راضی ام گردانی.

ما را در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت هم نیکی عطا کن و از عذاب سوزان ، نگاهمان دار و در این ماه ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به تو ، بازگشت [به تو] ، و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام گردان !».

.

. .

ص: 597

. .

ص: 598

. .

ص: 599

. .

ص: 600

. .

ص: 601

..

ص: 602

. .

ص: 603

. .

ص: 604

. .

ص: 605

. .

ج الأَدعِيَهُ الوارِدَهُ فی مِصباحِ ابنِ باقی رحمه الله647.عنه صلی الله علیه و آله (فی قَولِ اللّه ِ تَعالی: {Q} «أَوَ لَمْ یَرَوْا) المصباح للکفعمی :وأمّا أدعِیَهُ مِصباحِ السَّیِّدِ ابنِ باقی (1) فَقُل فِی اللَّیلَهِ الأُولی :

اللّهُمَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاقسِم لی حِلما یَسُدُّ عَنّی بابَ الجَهلِ، وهُدیً تَمُنُّ بِهِ عَلَیَّ مِن کُلِّ ضَلالَهٍ ، وغِنیً تَسُدُّ بِهِ عَنّی بابَ کُلِّ فَقرٍ ، وقُوَّهً تَرُدُّ بِها عَنّی کُلَّ ضَعفٍ ، وعِزّا تُکرِمُنی بِهِ عَن کُلِّ ذِلَّهٍ ، ورِفعَهً تَرفَعُنی بِها عَن کُلِّ ضَعَهٍ ، وأمنا تَرُدُّ بِهِ عَنّی کُلَّ خَوفٍ ، وعافِیَهً تَستُرُنی بِها مِن کُلِّ بَلاءٍ ، وعِلما تَفتَحُ لی بِهِ کُلَّ یَقینٍ ، ویَقینا تَذهَبُ بِهِ عَنّی کُلَّ شَکٍ ، ودُعاءً تَبسُطُ لی بِهِ الإِجابَهَ فی هذِهِ اللَّیلَهِ وفی هذِهِ السّاعَهِ السّاعَهِ السّاعَهِ یا کَرِیمُ، وخَوفا تَنشُرُ لی بِهِ کُلَّ رَحمَهٍ ، وعِصمَهً تَحولُ بِها بَینی وبَینَ الذُّنوبِ حَتّی أُفلِحَ بِها بَینَ المَعصومینَ عِندَکَ ، بِرَحمَتِکَ یا أَرحَمَ الرّاحِمینَ .

وفِی اللَّیلَهِ الثّانِیَهِ :

یا ظَهرَ اللاّجِئینَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وکُن لی حِصنا وحِرزا یا کَهفَ المُستَجیرینَ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وکُن لی کَهفا وعَضُدا وناصِرا یا غِیاثَ المُستَغیثینَ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وکُن لی غِیاثا ومُجیرا یا وَلِیَّ المُؤمِنینَ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وکُن لی وَلِیّا یا مُجیرَ عُصَصِ المُؤمِنینَ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وأجِر غُصَّتی ونَفِّس هَمّی وأسعِدنی فی هذَا الشَّهرِ العَظیمِ سَعادَهً لا أشقی بَعدَها یا أرحَمَ الرّاحِمینَ .

وفِی اللَّیلَهِ الثّالِثَهِ :

اللّهُمَّ امدُد لی فی عُمُری وأوسِع لی فی رِزقی وأصِحَّ جِسمی وبَلِّغنی أمَلی ، وإن کُنتُ مِنَ الأَشقِیاءِ فَامحُنی مِنَ الأَشقِیاءِ وَاکتُبنی مِنَ السُّعَداءِ ، فَإِنَّکَ تَمحو ما تَشاءُ وتُثبِتُ وعِندَکَ اُمُّ الکِتابِ ، اللَّهُمَّ إِیّاکَ تَعَمَّدتُ بِحاجَتی فی هذِهِ اللَّیلَهِ ، وبِکَ أنزَلتُ فَقری ومَسکَنَتی لِتَسَعَنِی اللَّیلَهَ بِرَحمَتِکَ وعَفوِکَ ، وأنَا لِرَحمَتِکَ أرجی مِنّی لِعَمَلی ، ومَغفِرَتُکَ ورَحمَتُکَ أوسَعُ مِن ذُنوبی ، فَاقضِ لی کُلَّ حاجَهٍ هِیَ لی صَلاحٌ ولَکَ رِضیً بِقُدرَتِکَ عَلی ذلِکَ وتَیسیرِهِ عَلَیکَ ، فَإِنّی لَم اُصِب خَیرا قَطُّ إلاّ مِنکَ ، ولَم یَصرِف عَنّی أحَدٌ سوءا قَطُّ غَیرُکَ ، ولَیسَ رَجائی لِدینی ودُنیایَ وآخِرَتی ولا لِیَومِ فَقری وفاقَتی یَومَ اُدلی فی حُفرَتی وتُفرِدُنِی النّاسُ بِعَمَلی غَیرَکَ ، یا رَبَّ العالَمینَ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ .

وفِی اللّیلَهِ الرّابِعَهِ :

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ یا سَیِّدی سُؤالَ مِسکینٍ فَقیرٍ إلَیکَ خائِفٍ مُستَجیرٍ ، أسأَلُکَ یا سَیِّدی أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تُجیرَنی مِن خِزیِ الدُّنیا ومِن عَذابِ الآخِرَهِ ، وتُضاعِفَ لی فی هذِهِ اللَّیلَهِ وفی هذَا الشَّهرِ عَمَلی وتَرحَمَ مَسکَنَتی ، وتَتَجاوَزَ عَمّا أحصَیتَهُ عَلَیَّ وخَفِیَ عَن خَلقِکَ وسَتَرتَهُ عَلَیَّ مَنّا مِنکَ ، وسَلِّمتَنی مِن شَینِهِ وفَضیحَتِهِ وعارِهِ فی عاجِلِ الدُّنیا ، فَلَکَ الحَمدُ عَلی ذلِکَ وعَلی کُلِّ حالٍ ، وأسأَلُکَ یا رَبِّ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وتُتِمَّ نِعمَتَکَ عَلَیَّ بِسَترِ ذلِکَ فِی الآخِرَهِ ، وتُسَلِّمَنی مِن فَضیحَتِهِ وعارِهِ بِمَنِّکَ وإحسانِکَ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ .

وفِی اللَّیلَهِ الخامِسَهِ :

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ أن تُکمِلَ لِیَ الثَّوابَ بِأَفضَلِ ما أرجو مِن رَحمَتِکَ وتَصرِفَ عَنّی کُلَّ سوءٍ ، فَإنّی لا أستَطیعُ دَفعَ ما اُحاذِرُ إلاّ بِکَ ، وقَد أمسَیتُ مُرتَهَنا بِعَمَلی وأمسَی الأَمرُ وَالقَضاءُ فی یَدَیکَ ، ولا فَقیرَ أفقَرُ مِنّی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاغفِر لی ظُلمی وجُرمی وجَهلی وجِدّی وهَزلی وکُلَّ ذَنبٍ ارتَکَبتُهُ ، وبَلِّغنی رِزقی بِغَیرِ مَشَقَّهٍ مِنّی ، ولا تُهلِک روحی وجَسَدی فی طَلَبِ ما لَم تُقَدِّر لی یا أرحَمَ الرّاحِمینَ .

وفِی اللَّیلَهِ السّادِسَهِ :

اللّهُمَّ إنَّکَ عَیَّرتَ أقواما عَلی لِسانِ نَبِیِّکَ صلی الله علیه و آله فَقُلتَ : «قُلِ ادْعُواْ الَّذِینَ زَعَمْتُم مِّن دُونِهِی فَلاَ یَمْلِکُونَ کَشْفَ الضُّرِّ عَنکُمْ وَ لاَ تَحْوِیلاً» (2) فَیا مَن لا یَملِکُ کَشفَ الضُّرِّ عَنّا ولا تَحویلَهُ غَیرُهُ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاکشِف ما بی مِن ضُرٍّ وحَوِّلهُ عَنّی ، وَانقُلنی فی هذَا الشَّهرِ العَظیمِ مِن ذُلِّ المَعاصی إلی عِزِّ الطّاعَهِ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ .

وفِی اللَّیلَهِ السّابِعَهِ :

اللّهُمَّ ارزُقنِی التَّجافِیَ عَن دارِ الغُرورِ وَالإنابَهَ إلی دارِ الخُلودِ ، وَالاِستِعدادَ لِلمَوتِ قَبلَ حُلولِ الفَوتِ ، اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ وأُقسِمُ عَلَیکَ بِکُلِّ اسمٍ هُوَ لَکَ سَمّاکَ بِهِ أحَدٌ مِن خَلقِکَ أو استَأثَرتَ بِهِ فی عِلمِ الغَیبِ عِندَکَ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ الأَعظَمِ الَّذی حَقَّ عَلَیکَ أن تُجیبَ مَن دَعاکَ بِهِ ، أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وأن تُسعِدَنی فی هذِهِ اللَّیلَهِ سَعادَهً لا أشقی بَعدَها أبَدا ، یا أرحَمَ الرّاحِمینَ .

وفِی اللّیلَهِ الثّامِنَهِ :

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَهَبَ لی قَلبا خاشِعا ولِسانا صادِقا وجَسَدا صابِرا ، وتَجعَلَ ثَوابَ ذلِکَ الجَنَّهَ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ .

وفِی اللَّیلَهِ التّاسِعَهِ :

اللّهُمَّ لا تَفتِنّی بِطَلَبِ ما زَوَیتَ عَنّی بِحَولِکَ وقُوَّتِکَ ، فَأَغنِنی یا رَبِّ بِرِزقٍ واسِعٍ بِحَلالِکَ عَن حَرامِکَ ، وَارزُقنِی العِفَّهَ فی بَطنی وفَرجی ، وفَرِّج عَنّی کُلَّ هَمٍّ وغَمٍّ ، ولا تُشمِت بی عَدُوّی ، ووَفِّق لی لَیلَهَ القَدرِ عَلی أفضَلِ ما رَآها أحَدٌ مِن خَلقِکَ ، ووَفِّقنی لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ عَلَیهِ وعَلَیهِمُ السَّلامُ ، وَافعَل بی کَذا وکَذا السّاعَهَ السّاعَهَ حَتّی یَنقَطِعَ النَّفَسُ .

وتَقولُ هذَا الدُّعاءَ فی کُلِّ لَیلَهٍ مِنَ العَشرِ الأَخیرِ .

وفِی اللَّیلَهِ العاشِرَهِ :

اللّهُمَّ رَبَّ شَهرِ رَمَضانَ ومُنَزِّلَ القُرآنِ ، وهذا شَهرُ رَمَضانَ قَد تَصَرَّمَ ، أی رَبِّ إنّی أعوذُ بِوَجهِکَ الکَریمِ أن یَطلُعَ الفَجرُ مِن لَیلَتی هذِهِ أو یَخرُجَ شَهرُ رَمَضانَ ولَکَ عِندی تَبِعَهٌ أو ذَنبٌ تُریدُ أن تُعَذِّبَنی عَلَیهِ یَومَ ألقاکَ إلاّ غَفَرتَهُ لی بِکَرَمِکَ وجودِکَ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ ، اللّهُمَّ وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ إنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ .

وأکثِر وأنتَ قائِمٌ وقاعِدٌ وراکِعٌ وساجِدٌ مِن قَولِکَ :

یا مُدَبِّرَ الاُمورِ ، یا باعِثَ مَن فِی القُبورِ ، یا مُجرِیَ البُحورِ ، یا مُلَیِّنَ الحَدیدِ لِداودَ علیه السلام ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَافعَل بی کَذا وکَذا السّاعَهَ السّاعَهَ حَتّی یَنقَطِعَ النَّفَسُ . (3) .

1- .أقول : أورد هذه الأدعیه مع تفاوت یسیر فی الإقبال بعد الأدعیه السابقه وذکر فی أوّلها : «زیاده بغیر الروایه» .
2- .الإسراء : 56 .
3- .المصباح للکفعمی : 778 ، البلد الأمین : 202 ، الإقبال : 1 / 363 415 نحوه .

ج دعاهای وارد شده در «المصباح» ابن باقی646.عنه صلی الله علیه و آله :المصباح کفعمی :و امّا دعاهای المصباح سیّد ابن باقی (1) :

پس در شب اوّل می گویی:

«خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا حِلمی ببخش که درِ جهالت را بر من ببندد و از هر گم راهی ، هدایتی ببخش که با آن بر من منّت می گذاری و بی نیازی ای ببخش که با آن درِ هر نیازمندی ای را بر من می بندی و نیرویی ببخش که با آن هر ناتوانی ای را از من بر می گردانی و عزّتی ببخش که با آن مرا از هر خواری ای کرامت می بخشی و رفعتی ببخش که با آن مرا از هر پستی ای بر می آوری و امنیّتی ببخش که با آن هر بیمی را از من بر می گردانی و عافیتی ببخش که با آن مرا از هر بلایی می پوشانی و دانشی ببخش که با آن هر یقینی را به رویم می گشایی و یقینی ببخش که با آن هر شکّی را از من می زدایی و دعایی ببخش که با آن همین امشب ، در همین ساعت و هم اکنون ، اجابت را برایم می گستری ای بزرگوار و بیمی ببخش که با آن هر رحمتی را بر من می گستری و عصمتی ببخش که با آن میان من و گناهانْ فاصله می اندازی تا آن که با آن ، پیش تو در میان معصومان به رستگاری رسم ، به رحمتت ، ای مهربان ترینِ مهربان!».

و در شب دوم [می گویی]:

«ای پشت و پناه پناهجویان! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا دژ و پناهگاه باش! ای پناه پناهندگان! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و برایم پناهگاه و پشتیبان و یاور باش! ای فریادرس دادخواهان! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و برای من ، فریادرس و پناه باش! ای سرپرست مؤمنان! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و برایم سرپرست باش!

ای پناه غم های اهل ایمان! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و غصّه ام را بزدای و اندوهم را برطرف کن و در این ماه بزرگ ، مرا به سعادتی برسان که پس از آن ، دچار شقاوت نشوم ، ای مهربان ترینِ مهربانان!».

و در شب سوم [می گویی]:

«خداوندا !عمرم رابلند گردان؛ روزی ام را وسعت بخش؛ جسمم را تن درستی بده؛ مرا به آرزویم برسان؛ اگر از اهل شقاوت بوده ام ، مرا از میان بدبختان محو کن و در میان سعادتمندان بنویس! همانا تو آنچه را خواهی ، محو می کنی و آنچه را خواهی ، نگه می داری و کتاب اصلی (لوح محفوظ) ، پیش توست.

خداوندا ! در این شب ، حاجتم را با تو در میان گذاشتم و نیاز و بی نوایی ام را به آستانت آوردم تا رحمت و بخشایش تو ، امشب ، مرا فراگیرد. من به رحمت تو امیدوارتر از عمل خویشم و آمرزش و رحمت تو ، گسترده تر از گناهان من است. پس ، هر حاجتی را از من که صلاح من و خرسندی تو در آن است ، با قدرتت بر آن و آسانی آن بر تو ، برآور! من جز از سوی تو به خیری نرسیده ام و جز تو ، کسی بدی را از من برنگردانده است و امیدم برای دین و دنیا و آخرتم و برای روز نیاز و تهی دستی ام ، آن روز که من در گور نهاده می شوم و مردم ، مرا با عملم تنها می گذارند ، جز به تو نیست ، ای پروردگار جهانیان ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

و در شب چهارم [می گویی]:

«خداوندا ! از تو می خواهم سرورم خواستنِ بینوای نیازمند به درگاهت و هراسان و پناهنده به آستانت. از تو می خواهم سرورم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و مرا از خواریِ دنیا و عذاب آخرت ، در امان داری و امشب و در این ماه ، عمل مرا دو چندان کنی و بر بینوایی ام رحم کنی و از گناهانی که بر من بر شمرده ای ، درگذری ؛ گناهانی که از بندگانت پنهان است و از روی نیکی بر من پوشانده ای و مرا از ننگ و عار آن در این دنیا ، نگه داشته ای. پس ، تو را بر این نعمت و در هر حال سپاس.

پروردگارا ! از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و با پوشاندن آن عیب در آخرت ، نعمتت را بر من کامل سازی و با نعمت و احسانت ، مرا از رسوایی و ننگ آن ، ایمن داری ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

و در شب پنجم [می گویی]:

«خداوندا ! از تو می خواهم که با بهترین چیزی که از رحمتت امیدوارم ، پاداش مرا کامل سازی و هر بدی را از من دورگردانی ، که من جز به عنایت تو نمی توانم آنچه را از آن بیم دارم ، دفع کنم. شب فرا رسیده و من در گرو عمل خویشم و کار و تقدیر ، در دستان توست و هیچ کس ، نیازمندتر از من نیست. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ظلم و گناه مرا ، نادانی و جدّی و شوخی مرا و نیز هر گناهی را که مرتکب شده ام، بیامرز و مرا بی رنج و دشواری ، به روزی ام برسان ، و روح و جسمم را در طلب آنچه برایم مقدّر نکرده ای، به نابودی نیفکن ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

و در شب ششم [می گویی]:

«خداوندا ! از زبان پیامبرت صلی الله علیه و آله کسانی را ملامت کرده و فرموده ای: « بگو: کسانی را که بجز خدا معبود می پندارید ، بخوانید . آنان نمی توانند زیان را از شما بزدایند و نه تغییری پدید آورند» .

پس ، ای آن که جز تو ، کسی توان رنج زدایی و دفع ضرر از ما را ندارد ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و زیان و رنج مرا بزدای و از من دور گردان و در این ماه بزرگ ، مرا از خواریِ گناهان ، به عزّت اطاعت ببر ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

و در شب هفتم [می گویی]:

«خداوندا ! کنار کشیدن از سرای فریب و غرور ، و بازگشت به سرای جاودانگی ، و آمادگی برای مرگ را پیش از فرا رسیدن فوت ، روزی ام کن.

خداوندا ! از تو می خواهم و تو را قسم می دهم به هر اسمی که داری؛ اسمی که هر یک از بندگانت تو را به آن ، نامیده است یا آن را در علم غیبی که نزد توست ، برگزیده ای ، و تو را به آن نام بزرگی می خوانم که بر تو حتمی ساخته که هر کس تو را به آن بخواند ، پاسخش دهی که بر محمّد وخاندان محمّد درود فرستی و مرا امشب به سعادتی برسانی که پس از آن ، هرگز بدبخت نشوم ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

و در شب هشتم [می گویی]:

«خداوندا! از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و مرا دلی خاشع و زبانی راستگو و تنی شکیبا عطا کنی و پاداش آن را بهشت قرار دهی ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

و در شب نهم [می گویی]:

«خداوندا! مرا به طلبِ آنچه با نیرو و قدرتت از من بازداشته ای ، نیازمای و مرا پروردگار با روزیِ گسترده و حلال خود ، از حرام خویش بی نیاز گردان و مرا پاک دامنی در شکم و شهوت ، روزی کن ، و هر اندوه و غمی را از من برطرف ساز ، و مرا به شماتت دشمنم دچار مکن، و مرا در شب قدر، بر بهترین چیزی که هیچ یک از بندگانت آن را ندیده است ، موفّق بدار ، و مرا به آنچه محمّد و خاندان محمّد را که درودت بر او و آنان باد به آن توفیق داده ای ، موفّق بدار و با من چنین کن، اکنون، اکنون !» [،بگو] تا آن که نَفَست به پایان رسد.

و این دعا را در هر یک از شب های دهه آخر می گویی.

و در شب دهم [می گویی]:

«خداوندا ، ای پروردگار ماه رمضان و نازل کننده قرآن! این ، ماه رمضان ، سپری شد پروردگارا! به ذات بزرگوار تو پناه می برم از این که سپیده امشب بدمد ، یا ماه رمضان به پایان رسد، در حالی که مرا نزد تو ، کیفر یا گناهی مانده باشد که بخواهی در روز دیدارت ، مرا به سبب آن کیفر دهی ، مگر آن که با کَرَم و بخشش خود ، آن را آمرزیده باشی ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست! همانا تو ستوده و شکوهمندی».

و در حالی که ایستاده ، نشسته و یا در حال رکوع و سجودی ، بسیار بگو:

«ای تدبیرکننده امور، ای برانگیزاننده هر که در گورهاست، ای جاری سازنده دریاها ، ای نرم سازنده آهن برای داوود علیه السلام! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و با من [چنین و چنان کن] (2) هم اکنون ، هم اکنون !» [، بگو]تا آن که نَفَست قطع شود.

.

1- .سیّد ابن طاووس در الإقبال ، این دعاها را پس از دعاهای پیشین با ترتیب و نقل دیگری و نیز اندک تفاوت هایی در متن آنها آورده است .
2- .مقصود نام بردن حاجت است .

ص: 608

. .

ص: 609

. .

ص: 610

. .

ص: 611

..

6 / 3الاِعتِكاف645.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :السيّد ابن طاووس قدس سره فى الإقبال :إنَّ الاِعتِكافَ فى هذِهِ العَشرِ الأُخَرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ عَظيمُ الفَضلِ وَالرُّجحانِ ، مُقَدَّمٌ عَلى غَيرِهِ مِنَ الأَزمانِ . وقَد رَوَينا بِعِدَّهِ طُرُقٍ عَنِ الشَّيخِ مُحَمَّدِ بنِ يَعقوبٍ الكُلَينى ، وأبى جَعفَرٍ مُحَمَّدِ بنِ بابَوَيهِ ، وجَدّى أبى جَعفَرٍ الطّوسِىِّ قَدَّسَ اللّهُ أرواحَهُم أنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آلهكانَ يَعتَكِفُ هذِهِ العَشرَ الأُخَرَ مِن شَهرِ رَمَضانَ . (1) .

1- .الإقبال : 1 / 356 ، بحار الأنوار : 98 / 150 / 4 .

اشاره

6 / 3اعتکاف644.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سیّد ابن طاووس در الإقبال :اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان ، فضیلت و برتری بزرگی دارد و بر زمان های دیگر ، مقدّم است. با سندهای متعدّد از محمّد بن یعقوب کلینی ، صدوق و جدّم شیخ طوسی روایت کرده ایم که: پیامبر خدا ، دهه آخر ماه رمضان را معتکف می شد.

.

643.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی عن الحلبی عن الإمام الصادق علیه السلام :«کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا کانَ العَشرُ الأَواخِرُ اعتَکَفَ فِی المَسجِدِ ، وضُرِبَت لَهُ قُبَّهٌ مِن شَعرٍ ، وشَمَّرَ المِئزَرَ ، وطَوی فِراشَهُ» 1 . وقالَ بَعضُهُم : وَاعتَزَلَ النِّساءَ .

فَقالَ أبو عَبدِ اللّهِ علیه السلام : «أمَّا اعتِزالُ النِّساءِ فَلا» . (1)وانظر : ص 364 (ما یؤکد استحبابه من الأعمال / الاعتکاف) .

.

1- .الکافی : 4 / 175 / 1 ، تهذیب الأحکام : 4 / 287 / 869 ، الاستبصار : 2 / 130 / 426 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 184 / 2087 ، بحار الأنوار : 16 / 273 / 102 .

نکته

642.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از حلبی ، از امام صادق علیه السلام :«دهه آخر ماه رمضان که می شد ، پیامبر خدا در مسجد ، معتکف می شد و برای او چادری بافته شده از مو[ی چارپایان] برافراشته می گشت. کمر [به عبادت] می بست و بستر خود را جمع می کرد». (1)

و برخی گفتند: از زنان نیز کناره می گرفت.

امام صادق علیه السلام فرمود: «امّا کناره گیری از زنان ، نه».نکتهسیّد ابن طاووس گوید: کمال اعتکاف ، آن است که عقل و دل و اعضا را تنها برای عمل صالح ، اختصاص دهد و آنها را در آستان خدای متعال و اراده مقدّس او نگه دارد و نیز با قید و بندهای مراقبت الهی ، مقیّد سازد و آنها را از آنچه یک روزه دار خود را به نحو کامل از آنها نگه می دارد ، نگه دارد و بر احتیاط روزه دار در روزه اش ، معنای اراده شده از اعتکاف و همواره اقبال داشتن به سوی خدا و ترک اعراض از او ، بیفزاید. پس هر گاه معتکف ، در راه های انوار عقل و دلش ، خاطر را برای غیر خدا رها سازد،یا عضوی را در غیر اطاعت پروردگارش به کار گیرد ، به همان اندازه که غافل شود و یا کمال اوصاف را نادیده بگیرد ، حقیقت کمال اعتکاف را تباه ساخته است. (2)

ر . ک : ص 365 (کارهایی که بر استحباب آنها ، تأکید شده است / اعتکاف) .

.

1- .علاّمه مجلسی گفته است: «جمع کردن بستر ، کنایه از ترک آمیزش و همخوابگی یا کاستن از خواب است. البتّه احتمال اوّل ، قوی تر است و با این سخن امام علیه السلام که: «امّا کناره گیری از زنان ، نه» منافات ندارد؛ چون مقصود از این کلام ، کناره گیری کلّی از زنان است ، به نحوی که نتوانند خدمت و گفتگو و همنشینی کنند» (ر . ک : مرآه العقول : 16 / 426) . شیخ طوسی در الاستبصار گفته است: «این سخن امام صادق علیه

السلام که: امّا کناره گیری از زنان ، نه ، معنایش گفتگو و همنشینی با زنان است ، نه آمیزش با زنان در حال اعتکاف؛ زیرا آنچه در حال اعتکافْ حرام است ، همبستر شدن است ، نه چیزهایی که یاد کردیم».
2- .الإقبال : 1 / 357 .

6 / 4زِيارَةُ الإمامِ الحُسَينِ641.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإقبال عن أحمد بن محمّد بن أبى نصر :سَمِعتُ الرِّضا عَلِىَّ بنَ موسى عليهماالسلاميَقولُ : «عُمرَةٌ فى شَهرِ رَمَضانَ تَعدِلُ حَجَّةً ، وَاعتِكافُ لَيلَةٍ فى شَهرِ رَمَضانَ يَعدِلُ حَجَّةً ، وَاعتِكافُ لَيلَةٍ فى مَسجِدِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله وعِندَ قَبرِهِ يَعدِلُ حَجَّةً وعُمرَةً ، ومَن زارَ الحُسَينَ عليه السلام يَعتَكِفُ عِندَهُ العَشرَ الغَوابِرَ مِن شَهرِ رَمَضانَ فَكَأَنَّمَا اعتَكَفَ عِندَ قَبرِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله ، ومَن اعتَكَفَ عِندَ قَبرِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ ذلِكَ أفضَلَ لَهُ مِن حَجَّةٍ وعُمرَةٍ بَعدَ حَجَّةِ الإسلامِ» .

قالَ الرِّضا عليه السلام : «وَليَحرِص مَن زارَ الحُسَينَ عليه السلام فى شَهرِ رَمَضانَ ألاّ يَفوتَهُ لَيلَةُ الجُهَنِىِّ عِندَهُ ، وهِىَ لَيلَةُ ثَلاثٍ وعِشرينَ ؛ فَإِنَّهَا اللَّيلَةُ المَرجُوَّةُ» .

قالَ : «وأدنَى الاِعتِكافِ ساعَةٌ بَينَ العِشاءَينِ ؛ فَمَنِ اعتَكَفَها فَقَد أدرَكَ حَظَّهُ أو قالَ : نَصيبَهُ مِن لَيلَةِ القَدرِ» . (1)وانظر : ص 358 (ما يؤكّد استحبابه من الأعمال / زياره الإمام الحسين) .

6 / 5الاِجتِهادُ فِى العِبادَةِ640.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :السنن الكبرى عن عائشه :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَجتَهِدُ فِى العَشرِ الأَواخِرِ مِن رَمَضانَ ما لا يَجتَهِدُ فى غَيرِها . (2)645.عنه صلى الله عليه و آله :صحيح مسلم عن عائشه :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا دَخَلَ العَشرُ أحيَا اللَّيلَ ، وأيقَظَ أهلَهُ ، وجَدَّ وشَدَّ المِئزَرَ . (3) .

1- .الإقبال : 1 / 358 بحار الأنوار : 98 / 151 / 4 .
2- .السنن الكبرى : 4/516/8561 ، صحيح مسلم : 2 / 832 / 8 ، سنن الترمذى : 3/161/796 ، سنن ابن ماجه: 1 / 562 / 1767 ليس فيها «من رمضان» ، مسند ابن حنبل : 9 / 365 / 24582 و ص 438 / 24967 كلاهما نحوه ، كنز العمّال : 7 / 87 / 18092 و ج 8 / 632 / 24479 .
3- .صحيح مسلم : 2 / 832 / 7 ، سنن أبى داود : 2 / 50 / 1376 ، سنن النسائى : 3 / 218 ، سنن ابن ماجه : 1 / 562 / 1768 ، صحيح ابن حبّان : 8 / 222 / 3436 ، السنن الكبرى : 4 / 515 / 8560 .

6 / 4 زیارت امام حسین

6 / 5 تلاش برای عبادت

6 / 4زیارت امام حسین644.عنه صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از احمد بن محمّد بن ابی نصر :از [امام] علی بن موسی الرضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: «یک عمره در ماه رمضان ، برابر با یک حج است ، و اعتکاف یک شب در ماه رمضان ، برابر با یک حج است ، و اعتکاف یک شب در مسجد پیامبر خدا و کنار قبر او ، برابر با یک حج و عمره است ، و هر کس امام حسین علیه السلام را زیارت کند و ده روز آخر ماه رمضان را نزد او اعتکاف بدارد ، گویا نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله معتکف شده است و هر کس کنار قبر پیامبر خدا معتکف شود ، این برای او از یک حج و عمره ، پس از حجّ واجب ، برتر است».

امام رضا علیه السلام فرمود : «هر که امام حسین علیه السلام را در ماه رمضان زیارت می کند ، مواظب باشد که ماندن در نزد قبر آن امام در شبِ جُهَنی (شب بیست و سوم) از او فوت نشود ، که آن ، شبی است که مورد امید است».

فرمود : «کمترین حدّ اعتکاف ، یک ساعت میان مغرب و عشا است. هر کس آن اندازه را اعتکاف کند ، بهره خویش را از شب قدر برده است».ر . ک : ص 359 (کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است / زیارت امام حسین علیه السلام) .

6 / 5تلاش برای عبادت643.عنه صلی الله علیه و آله :السنن الکبری به نقل از عایشه :پیامبر خدا ، تلاشی را که [برای عبادت]در دهه آخر از رمضان داشت ، در غیر آن نداشت.642.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :صحیح مسلم به نقل از عایشه :هر گاه دهه آخر می رسید ، پیامبر خدا شب را بیدار می مانْد و خانواده را بیدار می کرد و کمر [به عبادت] می بست.

.

641.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ يوقِظُ أهلَهُ فِي العَشرِ الأَواخِرِ مِن رَمَضانَ .

(1)640.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا كانَ العَشرُ الأَواخِرُ مِن رَمَضانَ شَمَّرَ المِئزَرَ ، وَاعتَزَلَ النِّساءَ .

(2)639.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :إذا كانَ أوَّلُ لَيلَةٍ مِنَ العَشرِ قامَ [رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله] فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى عَلَيهِ ... ثُمَّ قامَ ، وشَمَّرَ وشَدَّ المِئزَرَ ، وبَرَزَ مِن بَيتِهِ ، وَاعتَكَفَ وأحيَا اللَّيلَ كُلَّهُ ، وكانَ يَغتَسِلُ كُلَّ لَيلَةٍ مِنهُ بَينَ العِشاءَينِ .

(3)638.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ إذا دَخَلَ العَشرُ الأَواخِرُ شَدَّ المِئزَرَ ، وَاجتَنَبَ النِّساءَ ، وأحيَا اللَّيلَ ، وتَفَرَّغَ لِلعِبادَةِ .

(4)637.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الأُصول الستّه عشر عن إسحاق بن عمّار أو سماعه بن مهران عن الإمام الصادق عليه السلام :«كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إذا دَخَلَ العَشرُ الأَواخِرُ ، ضُرِبَت لَهُ قُبَّةُ شَعرٍ ، وشَدَّ المِئزَرَ» .

قالَ : قُلتُ لَهُ : وَاعتَزَلَ النِّساءَ؟

قالَ : «أمَّا اعتِزالُ النِّساءِ فَلا» .

(5)وانظر : ص 614 ، ح 576 والهامش 2 .

.

1- .سنن الترمذى : 3 / 161 / 795 ، مسند ابن حنبل : 1 / 210 / 762 وص 289 / 1153 ، المعجم الأوسط : 7 / 253 / 7425 ، مسند أبى يعلى : 1 / 176 / 277 كلّها عن هبيره ، كنز العمّال : 8 / 631 / 24471 ؛ مجمع البيان : 10 / 787 .

2- .فضائل الأوقات للبيهقى : 52 / 94 عن عاصم بن ضمره ، مسند ابن حنبل : 1 / 280 / 1105 عن هبيره بن يريم وفيه « أيقظ» بدل «اعتزل» ، كنز العمّال : 8 / 631 / 24475 .

3- .الإقبال : 1 / 72 ، بحار الأنوار : 81 / 18 / 24 .

4- .الكافى : 4/155/3 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2/156/2018 ، مجمع البيان : 10 / 787 كلّها عن أبى بصير .

5- .الأُصول الستّه عشر : 112 .

636.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:پیامبر صلی الله علیه و آله خانواده خود را برای دهه آخر از [ماه] رمضان ، بیدار می کرد.635.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:هر گاه دهه آخر از [ماه] رمضان می شد ، پیامبر خدا کمر خود را می بست و از زنان ، کناره می گرفت.634.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:چون اوّلین شب از دهه[ی آخر] می شد ، پیامبر خدا برمی خاست و خداوند را حمد و ثنا می گفت... . پس می ایستاد ، آستین بالا می زد و کمر را می بست و از خانه اش بیرون می آمد و معتکف می شد و همه شب را احیا می داشت و در هر شب از این ده شب ، بین نماز مغرب و عشا غسل می کرد.639.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:چون دهه آخر وارد می شد ، پیامبر خدا کمر را می بست و از زنان ، کناره می گرفت و شب را احیا می داشت و تنها به عبادت می پرداخت.638.عنه صلی الله علیه و آله :الاُصول الستّه عشر به نقل از اسحاق بن عمّار یا سماعه بن مهران :امام صادق علیه السلام فرمود : «چون دهه آخر فرا می رسید ، برای پیامبر خدا خیمه ای بافته شده از مو بر می افراشتند و او کمر را [برای عبادت]می بست».

عرض کردم : از زنان نیز کناره می گرفت؟

فرمود : «امّا کناره گیری از زنان ، نه».ر . ک : ص 615 ، ح 576 و پانوشت بر آن .

.

الفصل السابع : نوافل شهر رمضان7 / 1صَلاةُ رَكعَتَينِ فى كُلِّ لَيلَةٍ637.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى اللهَ عليه و آله :مَن صَلّى فى شَهرِ رَمَضانَ فى كُلِّ لَيلَةٍ رَكعَتَينِ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَةٍ : بِ «فاتِحَةِ الكِتابِ» مَرَّةً ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ثَلاثَ مَرّاتٍ إن شاءَ صَلاّهُما فى أوَّلِ اللَّيلِ (1) وَالَّذى بَعَثَنى بِالحَقِّ نَبِيّا ، إنَّ اللّهَ عز و جل يَبعَثُ بِكُلِّ رَكعَةٍ مِئَةَ ألفِ مَلَكٍ يَكتُبونَ لَهُ الحَسَناتِ ويَمحونَ عَنهُ السَّيِّئاتِ ويَرفَعونَ لَهُ الدَّرَجاتِ ، وأعطاهُ ثَوابَ مَن أعتَقَ سَبعينَ رَقَبَةً . (2)7 / 2الصَّلَواتُ المُختَصَّةُ بِكُلِّ لَيلَةٍ عَلى حِدَهِ636.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام على عليه السلام فى فَضلِ شَهرِ رَمَضانَ وفَضلِ الصَّلاهِ فيهِ :مَن صَلّى أوَّلَ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ أربَعَ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَةٍ «الحَمدَ» مَرَّةً ، وخَمسَ عَشرَةَ مَرَّةً «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ، أعطاهُ اللّهُ تَعالى ثَوابَ الصِّدّيقينَ وَالشُّهَداءِ ، وغَفَرَ لَهُ جَميعَ ذُنوبِهِ وكانَ يَومَ القِيامَهِ مِنَ الفائِزينَ .

ومَن صَلّى فِى اللَّيلَهِ الثّانِيَهِ مِن شَهرِ رَمَضانَ أربَعَ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَةٍ «الحَمدَ» مَرَّةً ، و «إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ » عِشرينَ مَرَّةً ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ جَميعَ ذُنوبِهِ ، ووَسَّعَ عَلَيهِ رِزقَهُ وكَفى أمرَ سَنَتِهِ .

ومَن صَلّى فِى اللَّيلَهِ الثّالِثَهِ مِن شَهرِ رَمَضانَ عَشرَ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَةٍ «فاتِحَةَ الكِتابِ» مَرَّةً ، وخَمسينَ مَرَّةً «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ناداهُ مُنادٍ مِن قِبَلِ اللّهِ تَعالى : «ألا إنَّ فُلانَ ابنَ فُلانٍ عَتيقُ اللّهِ مِنَ النّارِ» ، وفُتِّحَت لَهُ أبوابُ السَّماواتِ ، ومَن قامَ تِلكَ اللَّيلَةَ فَأحياها غَفَرَ اللّهُ لَهُ .

ومَن صَلّى فِى اللَّيلَهِ الرّابِعَهِ مِن شَهرِ رَمَضانَ ثَمانِىَ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَةٍ «الحَمدَ» مَرَّةً ، و «إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ » عِشرينَ مَرَّةً ، رَفَعَ اللّهُ تَعالى لَهُ عَمَلَهُ تِلكَ اللَّيلَةَ كَعَمَلِ سَبعَهِ أنبِياءَ مِمَّن بَلَّغَ رِسالاتِ رَبِّهِ .

ومَن صَلّى فِى اللَّيلَهِ الخامِسَهِ رَكعَتَينِ ، بِمِئَهِ مَرَّهٍ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » فى كُلِّ رَكعَهٍ خَمسينَ مَرَّةً ، فَإذا فَرَغَ صَلّى عَلى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله مِئَهَ مَرَّهٍ ، زاحَمَنى يَومَ القِيامَهِ عَلى بابِ الجَنَّهِ .

ومَن صَلّى فِى اللَّيلَهِ السّادِسَهِ مِن شَهرِ رَمَضانَ أربَعَ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ «الحَمدَ» ، و «تَبَرَكَ الَّذِى بِيَدِهِ الْمُلْكُ» فَكَأنَّما صادَفَ لَيلَةَ القَدرِ .

ومَن صَلّى فِى اللّيلَهِ السّابِعَهِ مِن شَهرِ رَمَضانَ أربَعَ رَكَعاتٍ ، يَقرَأ فى كُلِّ رَكعَهٍ «الحَمدَ» مَرَّهً ، و «إِنّآ أَنزَلْنَهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ» ثَلاثَ عَشرَهَ مَرَّهً ، بَنَى اللّهُ لَهُ فى جَنَّهِ عَدنٍ قَصرَى ذَهَبٍ ، وكانَ فى أَمانِ اللّهِ تَعالى إلى شَهرِ رَمَضانَ مِثلِهِ .

ومَن صَلَّى اللَّيلَهَ الثّامِنَهَ مِن شَهرِ رَمَضانَ رَكعَتَينِ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ «الحَمدَ» مَرَّهً ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» عَشرَ مَرّاتٍ ، وسَبَّحَ ألفَ تَسبيحَهٍ ، فُتِّحَت لَهُ أبوابُ الجِنانِ الثَّمانِيَهُ يَدخُلُ مِن أيِّها شاءَ .

ومَن صَلّى فِى اللَّيلَهِ التّاسِعَهِ مِن شَهرِ رَمَضانَ بَينَ العِشاءَينِ سِتَّ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ «الحَمدَ» ، و«آيَهَ الكُرسِىِّ» سَبعَ مَرّاتٍ ، وصَلّى عَلَى النَّبِىِّ صلى الله عليه و آلهخَمسينَ مَرَّهً ، صَعِدَتِ المَلائِكَهُ بِعَمَلِهِ كَعَمَلِ الصِّدّيقينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ .

ومَن صَلّى فِى اللَّيلَهِ العاشِرَهِ مِن شَهرِ رَمَضانَ عِشرينَ رَكعَهً ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ «الحَمدَ» مَرَّهً ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ثَلاثينَ مَرَّهً ، وَسَّعَ اللّهُ عَلَيهِ رِزقَهُ وكانَ مِنَ الفائِزينَ .

ومَن صَلّى لَيلَهَ إحدى عَشرَهَ مِن شَهرِ رَمَضانَ رَكعَتَينِ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ «الحَمدَ» مَرَّهً ، و «إِنّآ أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ» عِشرينَ مَرَّهً ، لَم يَتبَعهُ ذَنبُ ذلِكَ اليَومِ وإن جَهَدَ إبليسُ جَهدَهُ .

ومَن صَلّى لَيلَهَ اثنَتَى عَشرَهَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ثَمانِىَ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ «الحَمدَ» مَرَّهً ، و «إِنّآ أَنزَلْنَهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ» ثَلاثينَ مَرَّهً ، أعطاهُ اللّهُ تَعالى ثَوابَ الشّاكِرينَ ، وكانَ يَومَ القِيامَهِ مِنَ الفائِزينَ .

ومَن صَلّى لَيلَهَ ثَلاثَ عَشرَهَ مِن شَهرِ رَمَضانَ أربَعَ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ «فاتِحَهَ الكِتابِ» مَرَّهً ، وخَمساً وعِشرينَ مَرَّهً «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» جاءَ يَومَ القِيامَهِ عَلَى الصِّراطِ كَالبَرقِ الخاطِفِ .

ومَن صَلّى لَيلَهَ أربَعَ عَشرَهَ مِن شَهرِ رَمَضانَ سِتَّ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ «الحَمدَ» مَرَّهً ، و «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ» ثَلاثينَ مَرَّهً ، هَوَّنَ اللّهُ عَلَيهِ سَكَراتِ المَوتِ ومُنكَراً ونَكيراً .

ومَن صَلّى لَيلَهَ النِّصفِ مِنهُ مِئَهَ رَكعَهٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ «الحَمدَ» مَرَّهً ، وعَشرَ مَرّاتٍ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وصَلّى أيضاً أربَعَ رَكَعاتٍ يَقرَأُ فِى الأُولَيَينِ مِئَهَ مَرَّهٍ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَالاِثنَتَينِ الأَخيرَتَينِ خَمسينَ مَرَّهً «قُلْ هُوَ اللَّهُ

أحَدٌ» غَفَرَ اللّهُ لَهُ ذُنوبَهُ ولَو كانَت مِثلَ زَبَدِ البَحرِ ، ورَملِ عالِجٍ ، وعَدَدِ نُجومِ السَّماءِ ، ووَرَقِ الشَّجَرِ فى أسرَعَ مِن طَرفَهِ عَينٍ ، مَعَ ما لَهُ عِندَ اللّهِ مِنَ المَزيدِ .

ومَن صَلّى لَيلَةَ سِتَّ عَشرَةَ مِن شَهرِ رَمَضانَ اثنَتَى عَشرَةَ رَكعَةً ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ «الحَمدَ» مَرَّةً ، و «أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ» اِثنَتَى عَشرَةَ مَرَّةً ، خَرَجَ مِن قَبرِهِ وهُوَ رَيّانُ يُنادى بِشَهادَهِ أن لا إلهَ إلاَّ اللّهُ ، حَتّى يَرِدَ القِيامَهَ ، فَيُؤمَرَ بِهِ إلَى الجَنَّهِ بِغَيرِ حِسابٍ .

ومَن صَلّى لَيلَةَ سَبعَ عَشرَةَ مِن شَهرِ رَمَضانَ رَكعَتَينِ ، يَقرَأُ فِى الأُولى : ما تَيَسَّرَ بَعدَ «فاتِحَهِ الكِتابِ» ، وفِى الثّانِيَهِ : مِئَهَ مَرَّهٍ «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ» وقالَ : «لا إلهَ إلاَّ اللّهُ» مِئَهَ مَرَّهٍ،أعطاهُ اللّهُ ثَوابَ ألفِ ألفِ حَجَّهٍ وألفِ عُمرَهٍ، وألفِ غَزوَهٍ.

ومَن صَلّى لَيلَةَ ثَمانِىَ عَشرَةَ مِن شَهرِ رَمَضانَ أربَعَ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ «الحَمدَ» ، و «إِنّآ أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ» خَمساً وعِشرينَ مَرَّةً ، لَم يَخرُج مِنَ الدُّنيا حَتّى يُبَشِّرَهُ مَلَكُ المَوتِ بِأَنَّ اللّهَ تَعالى عَنهُ راضٍ غَيرُ غَضبانَ .

ومَن صَلّى لَيلَةَ تِسعَ عَشرَةَ مِن شَهرِ رَمَضانَ خَمسينَ رَكعَةً ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ «الحَمدَ» مَرَّةً ، و «إِذَا زُلْزِلَتِ» خَمسينَ مَرَّةً ، لَقِىَ اللّهَ يَومَ القِيامَهِ كَمَن حَجَّ مِئَهَ حَجَّهٍ ، واعتَمَرَ مِئَهَ عُمرَهٍ ، وقَبِلَ اللّهُ مِنهُ سائِرَ عَمَلِهِ .

ومَن صَلّى لَيلَةَ عِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ثَمانِىَ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فيها ما شاءَ ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ وما تَأَخَّرَ .

ومَن صَلّى لَيلَةَ إحدى وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ثَمانِىَ رَكَعاتٍ ، فُتِّحَت لَهُ سَبعُ سَماواتٍ ، وَاستُجيبَ لَهُ الدُّعاءُ مَعَ ما لَهُ عِندَ اللّهِ مِنَ المَزيدِ .

ومَن صَلّى لَيلَةَ اثنَتَينِ (3) وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ثَمانِىَ رَكَعاتٍ ، فُتِّحَت لَهُ ثَمانِيَهُ أبوابِ الجَنَّهِ يَدخُلُ مِن أيِّها شاءَ .

ومَن صَلّى لَيلَةَ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِنهُ ثَمانِىَ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فيها ما شاءَ ، فُتِّحَت لَهُ أبوابُ السَّماواتِ السَّبعِ ، وَاستُجيبَ دُعاؤُهُ .

ومَن صَلّى لَيلَةَ أربَعٍ وعِشرينَ مِنهُ ثَمانِىَ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فيها ما يَشاءُ ، كانَ لَهُ مِنَ الثَّوابِ كَمَن حَجَّ وَاعتَمَرَ .

ومَن صَلّى لَيلَةَ خَمسٍ وعِشرينَ مِنهُ ثَمانِيَ رَكَعاتٍ ، يَقرَأ فيهَا «الحَمدَ» ، وعَشرَ مَرّاتٍ «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ» ، كَتَبَ اللّهُ لَهُ ثَوابَ العابِدينَ .

ومَن صَلّى لَيلَةَ سِتٍّ وعِشرينَ مِنهُ ثَمانِيَ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَةٍ بَعدَ «الحَمدِ» ، «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ» مِئَةَ مَرَّةٍ ، فُتِّحَت لَهُ سَبعُ سَماواتٍ ، وَاستُجيبَ لَهُ الدُّعاءُ ، مَعَ ما لَهُ عِندَ اللّهِ مِنَ المَزيدِ .

ومَن صَلّى لَيلَةَ سَبعٍ وعِشرينَ مِنهُ أربَعَ رَكَعاتٍ ، بِ «فاتِحَهِ الكِتابِ» مَرَّةً ، و «تَبَرَكَ الَّذِى بِيَدِهِ المُلكُ» مَرَّةً ، فَإِن لَم يَحفَظ «تبارَكَ» فَبِخَمسٍ وعِشرينَ (4) مَرَّةً «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ» ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ ولِوالِدَيهِ .

ومَن صَلّى لَيلَةَ ثَمانٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ سِتَّ رَكَعاتٍ ، بِ «فاتِحَهِ الكِتابِ» ، وعَشرَ مَرّاتٍ «آيَهِ الكُرسِيِّ» ، وعَشرَ مَرّاتٍ «إِنّآ أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ» وعَشرَ مَرّاتٍ «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ» وصَلّى عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله ، غَفَرَ اللّهُ تَعالى لَهُ .

ومَن صَلّى لَيلَةَ تِسعٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ رَكعَتَينِ بِ «فاتِحَهِ الكِتابِ» ، وعِشرينَ مَرَّةً «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ» ، ماتَ مِنَ المَرحومينَ ، ورُفِعَ كِتابُهُ فى أعلى عِلِّيِّينَ .

ومَن صَلّى لَيلَةَ الثَّلاثينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ اثنَتَى عَشرَةَ رَكعَةً ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَةٍ «فاتِحَةَ الكِتابِ» مَرَّةً ، وعِشرينَ مَرَّةً «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ» ، ويُصَلّى عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله مِئَةَ مَرَّةٍ ، خَتَمَ اللّهُ لَهُ بِالرَّحمَهِ . (5) .

1- . وإن شاءَ فى آخِرِ اللَّيلِ . فى المصدر : «ليل» فى الموضعين ، والتصحيح من مستدرک الوسائل : 7 / 481 .
2- .بحار الأنوار : 96 / 346 / 11 نقلاً عن النوادر للراوندى عن أبى هريره .
3- .فى المصدر : «اثنتى» والتصحيح من وسائل الشيعه .
4- .فى المصدر و وسائل الشيعه : فخمس وعشرون ، وما أثبتناه من بحار الأنوار .
5- .الأربعون حديثاً للشهيد الأوّل : 87 / 40 عن الحارث ، المصباح للكفعمى : 746 ، البلد الأمين : 175 كلاهما نحوه ، بحارالأنوار : 97 / 381 / 5 ، وسائل الشيعه : 8 / 37 / 1 .

فصل هفتم : نوافل ماه رمضان

7 / 1 دو رکعت نماز در هر شب

7 / 2 نمازهای مخصوص هر شب

فصل هفتم : نوافل ماه رمضان7 / 1دو رکعت نماز در هر شب635.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس در ماه رمضان ، هر شب ، دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار «فاتحه الکتاب» و سه بار سوره «قل هو اللّه أحد» بخواند و اگر خواست ، این دو رکعت را در اوّل شب یا آخر شب بخواند سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت ، خداوند برای هر رکعت ، صد هزار فرشته می آفریند که برای او حسنات می نویسند و گناهان را از او محو می کنند و درجات او را بالا می برند و خداوند ، پاداش کسی را به او می دهد که هفتاد برده آزاد کرده باشد.7 / 2نمازهای مخصوص هر شب634.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام در بیان فضیلت ماه رمضان و فضیلت نماز در آن :هر کس در شب اوّل ماه رمضان ، چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار «حمد» و پانزده بار سوره «قل هو اللّه أحد» بخواند ، خداوندْ پاداش صدّیقان و شهدا را به او می دهد و همه گناهانش را می آمرزد و روز قیامت ، از کامیابان خواهد بود.

و هر کس در شب دوم از ماه رمضان ، چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار «حمد» و بیست بار سوره «إنّا أنزلناه فی لیله القدر» بخواند ، خداوندْ همه گناهانش را می آمرزد و روزیِ او را وسعت می بخشد و کار یک سالش را کفایت می کند.

و هر کس در شب سوم از ماه رمضان ، ده رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار «فاتحه الکتاب» و پنجاه بار سوره «قل هو اللّه أحد» بخواند ، نداگری از سوی خداوند به او ندا می دهد: «هلا ! فلانی پسر فلانی ، آزادشده خداوند از آتش» و درهای آسمان برای او گشوده می شوند. و هر کس آن شب را به عبادت ، شب زنده داری کند ، خداوندْ او را می آمرزد.

و هر کس در شب چهارم از ماه رمضان ، هشت رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار «حمد» و بیست بار سوره «إنّا أنزلناه فی لیله القدر»

بخواند ، آن شب ، عمل او را بالا می برد ، همچون عمل هفت پیامبری که رسالت های الهی را رسانده اند.

و هر کس در شب پنجم ، با صد سوره «قل هو اللّه أحد» دو رکعت نماز بخواند ([یعنی] در هر رکعت ، پنجاه بار) ، و چون از نماز فارغ شود ، صد بار بر پیامبر صلی الله علیه و آلهو خاندانش صلوات بفرستد ، روز قیامت کنار درِ بهشت با من ، دوشادوش خواهد بود.

و هر کس در شب ششم از ماه رمضان ، چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، «حمد» و سوره «تَبارک الذی بِیَده المُلک» بخواند ، گویا شب قدر درک کرده است.

و هر کس در شب هفتم از ماه رمضان ، چهار رکعت نماز بخواند ، و در هر رکعت ، یک بار «حمد» و سیزده بار سوره «إنّا أنزلناه فی لیله القدر» بخواند ، خداوند در بهشت برین ، قصری از طلا برایش می سازد و تا رمضان سال آینده در امان خدا خواهد بود.

و هر کس در شب هشتم از ماه رمضان ، دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار «حمد» و ده بار سوره «قل هو اللّه أحد» بخواند و هزار «سبحان اللّه » بگوید ، هشت درِ بهشت به روی او گشوده می شوند تا از هر کدام بخواهد ، وارد شود.

و هر کس در شب نهم از ماه رمضان بین مغرب و عشاء ، شش رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، سوره «حمد» و هفت بار «آیه الکرسی» بخواند و پنجاه بار بر پیامبر صلی الله علیه و آلهصلوات بفرستد ، فرشتگانْ عمل او را همچون عمل صدّیقان و شهدا (گواهان) و صالحان ، بالا می برند.

و هر کس در شب دهم از ماه رمضان ، بیست رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار «حمد» و سی بار سوره «قل هو اللّه أحد» بخواند ، خداوندْ روزیِ او را وسعت می دهد و از کامیابان خواهد بود.

و هر کس در شب یازدهم از ماه رمضان ، دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار «حمد» و بیست بار سوره کوثر بخواند ، در آن روز ، گناهی از او سر نخواهد زد ، هر چند ابلیس ، تمام تلاش خود را به کار گیرد.

و هر کس در شب دوازدهم از ماه رمضان ، هشت رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار «حمد» و سی بار سوره «إنّا أنزلناه فی لیلهِ القدر» بخواند ، خداوند متعال ، پاداش شاکران را به او می دهد و در روز قیامت نیز از کامیابان خواهد بود.

و هر کس در شب سیزدهم از ماه رمضان ، چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار ، «فاتحه الکتاب» و بیست و پنج بار سوره «قل هو اللّه أحد» بخواند ، روز قیامت همچون برقِ جهنده از پل صراط بگذرد.

و هر کس در شب چهاردهم از ماه رمضان ، شش رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار «حمد» و سی بار سوره «إذا زُلزِلتِ الأرض» بخواند ، خداوندْ سختی های مرگ و منکر و نکیر را بر او آسان می سازد.

و هر کس در نیمه آن ، صد رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار «حمد» و ده بار سوره «قل هو اللّه أحد» بخواند ، و نیز چهار رکعت نماز بخواند و در دو رکعت اول ، صد بار سوره «قل هو اللّه أحد» و در دو رکعت دوم ، پنجاه بار سوره «قل هو اللّه أحد» بخواند ، خداوندْ گناهان او را می آمرزد ، هر چند مثل کف دریا و توده انباشته ریگ ها و به عدد ستارگان آسمان و برگ درختان باشند ، در کمتر از یک چشم به هم زدن؛ افزون بر پاداش های دیگر که نزد خداوند دارد .

و هر کس در شب شانزدهم از ماه رمضان ، دوازده رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار «حمد» و دوازده بار سوره «ألهکُم التَّکاثُر» بخواند ، از قبرش سیراب بیرون می آید ، در حالی که به یگانگی خدا شهادت می دهد ، تا آن که وارد قیامت شود. پس دستور می دهند او را بدون حساب به بهشت ببرند .

و هر کس در شب هفدهم از ماه رمضان ، دو رکعت نماز بخواند و در رکعت اوّل ، پس از «فاتحه الکتاب» ، هر سوره ای که خواست و در رکعت دوم ، صد بار سوره «قل هو اللّه أحد» و صد بار «لا إله إلاّ اللّه » بگوید ، خداوند به او پاداش هزار هزار حج و هزار عمره و هزار غزوه می دهد.

و هر کس در شب هجدهم از ماه رمضان ، چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، «حمد» و بیست و پنج بار سوره «إنّا أعطَیناکَ الکَوْثَر» بخواند ، از دنیا بیرون نمی رود تا آن که فرشته مرگ به او مژده می دهد که خداوند از او راضی است و خشمگین نیست.

و هر کس در شب نوزدهم از ماه رمضان ، پنجاه رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار «حمد» و پنجاه بار سوره «اِذا زُلزلت» بخواند ، روز قیامت ، خداوند را همچون کسی که صد بار حج و صد بار عمره انجام داده است ، ملاقات می کند و خداوند ، اعمال دیگر او را هم قبول می کند.

و هر کس در شب بیستم از ماه رمضان ، هشت رکعت نماز بخواند ، با هر سوره ای که بخواهد ، خداوندْ گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد.

و هر کس شب بیست و یکم از ماه رمضان هشت رکعت نماز بخواند ، درهای هفت آسمان به روی او گشوده می شوند و دعایش پذیرفته می گردد؛ افزون بر پاداش های دیگری که نزد خداوند دارد.

هر کس در شب بیست و دوم از ماه رمضان ، هشت رکعت نماز بخواند ، درهای هشتگانه بهشت به روی او باز می شوند تا از هر کدام که بخواهد ، وارد شود.

و هر کس در شب بیست و سوم از این ماه ، هشت رکعت نماز بخواند ، با هر سوره ای که بخواهد ، درهای آسمان هفتگانه به رویش باز می شوند و دعایش مستجاب می گردد.

و هر کس در شب بیست و چهارم از این ماه ، هشت رکعت نماز بخواند ، با هر سوره ای که بخواهد ، پاداش او همچون کسی خواهد بود که حج و عمره انجام داده است.

و هر کس در شب بیست و پنجم از این ماه ، هشت رکعت نماز بخواند و در آن ، «حمد» و ده بار سوره «قل هو اللّه أحد» ، بخواند خداوند برای او پاداش عبادت کنندگان را می نویسد.

و هر کس در شب بیست و ششم از این ماه ، هشت رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، پس از «حمد» ، صد بار سوره «قل هو اللّه أحد» بخواند ، هفت آسمان به رویش باز می شوند و دعایش مستجاب می شود؛ افزون بر پاداش های دیگری که نزد خداوند دارد.

و هر کس در شب بیست و هفتم از این ماه چهار رکعت نماز بخواند ، با «فاتحه الکتاب» و یک بار سوره «تبارک الذی بِیده المُلک» و در صورت در حفظ نداشتنِ سوره «تبارک» ، بیست و پنج بار سوره «قل هو اللّه أحد» ، خداوندْ او و پدر و مادرش را می آمرزد.

و هر کس در شب بیست و هشتم از ماه رمضان ، شش رکعت نماز بخواند ، با «فاتحه الکتاب» و بیست بار «آیه الکرسی» و ده بار سوره «إنّا أعطیناک الکوثر» و ده بار سوره «قل هو اللّه أحد» ، و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد خداوند او را می آمرزد.

و هر کس در شب بیست و نهم از ماه رمضان ، دو رکعت نماز بخواند ، با «فاتحه الکتاب» و بیست بار سوره «قل هو اللّه أحد» ، جزو بخشوده شدگان خواهد مُرد و نامه اعمالش به بالاترین درجات ، بالا برده خواهد شد.

و هر کس در شب سی ام از ماه رمضان ، دوازده رکعت نماز بخواند و در هر رکعت ، یک بار «فاتحه الکتاب» و بیست بار سوره «قل هو اللّه أحد» بخواند و صد بار بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد ، خداوند کارش را با رحمت ، ختم می کند.

.

ص: 622

. .

ص: 623

. .

ص: 624

. .

ص: 625

..

ص: 626

..

ص: 627

..

ص: 628

. .

ص: 629

. .

7 / 3ألفُ رَكعَةٍ فى كُلِّ يَومٍ ولَيلَةٍ633.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إنِ استَطَعتَ أن تُصَلِّىَ فى شَهرِ رَمَضانَ وغَيرِهِ فِى اليَومِ وَاللَّيلَةِ ألفَ رَكعَةٍ فَافعَل ؛ فَإِنَّ عَلِيّاً عليه السلام كانَ يُصَلّى فِى اليَومِ وَاللَّيلَةِ ألفَ رَكعَةٍ . (1)وانظر : ص 638 ، ح 591 .

7 / 4ألفُ رَكعَةٍ فِى الشَّهرِوهِىَ المُسَمّاهُ بِ «نَوافِلِ شَهرِ رَمَضانَ»632.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :يُصَلّى فى شَهرِ رَمَضانَ إلى ألفِ رَكعَةٍ . (2)631.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :المقنعه :ومِن سُنَّتِهِ قِيامُ لَيلِهِ بِألفِ رَكعَةٍ سِوَى الإِحدى وَالخَمسينَ . (3) .

1- .تهذيب الأحكام : 3 / 61 / 209 ، الاستبصار : 1 / 461 / 1794 كلاهما عن جميل بن صالح .
2- .المعتبر : 2 / 368 عن المفضّل بن عمر ، وسائل الشيعه : 8 / 35 / 12 وفيه «تصلّى فى شهر رمضان ألف ركعه» .
3- .المقنعه : 311 .

7 / 3 هزار رکعت در هر شب و روز

7 / 4 هزار رکعت در ماه (معروف به نوافل ماه رمضان)

7 / 3هزار رکعت در هر شب و روز630.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:اگر بتوانی در ماه رمضان و غیر آن ، در شبانه روز ، هزار رکعت نماز بخوانی ، چنین کن؛ چرا که علی علیه السلام در شبانه روز ، هزار رکعت نماز می خواند.ر . ک : ص 639 ، ح 591 .

7 / 4هزار رکعت در ماه (معروف به نوافل ماه رمضان)629.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:در ماه رمضان ، هزار رکعت نماز خوانده می شود.628.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المقنعه:از مستحبّات [ماه] رمضان ، شب را با هزار رکعت نماز به عبادت پرداختن است ، به غیر از آن پنجاه و یک رکعت.

.

ص: 632

. .

سخنی در فضیلت نوافل ماه رمضان و تشویق بر آنها

سخنی در فضیلت نوافل ماه رمضان و تشویق بر آنهاشیخ مفید رحمه الله گوید: بدان که خداوند بزرگ ، ماه رمضان را بر ماه های دیگر برتری داد؛ چون مصلحت آن را برای بندگانش می دانست. پس ، حکم روزه را در قرآن بیان کرد و روزه ماه رمضان را الزامی ساخت و بر مواظبت از واجبات در ماه رمضان تأکید کرد و به کارهای خیر در این ماه فرا خواند و مرتبه آن را بزرگ نمود و شرافتش بخشید و شأن آن را والا ساخت و بنیانش را استوار نمود و خبر داد که: قرآن عظیم را در این ماه نازل کرده و در این ماه ، شبی است که بهتر از هزار ماه برای جهانیان است. از جمله آنچه خداوند به آن فرا خوانده و تشویق نموده ، هزار رکعت نماز است که بنده ، آنها را به قصد تقرّب به خدا انجام می دهد و افزون بر این ، جبران کاستی هایی است که در نمازهای واجب پیش می آید. پس ، آنها را درک کن خداوند ، هدایتت کند و دانشِ آنها را به دست آور و تصمیم بگیر که آنها را انجام دهی تا از

.

مخلصان باشی. (1) و نیز گفته است: و بدان که این هزار رکعت ، غیر از نافله هایی است که در سایر ماه ها به صورت نوافل شبانه روزی به جا می آوری ؛ چرا که این هزار رکعت ، به خاطر عظمت احترام ماه رمضان ، افزون بر آنهاست. نه آنها را به خاطر این هزار رکعت وا گذار و نه این هزار رکعت را به خاطر آنها ترک کن. هر دو را به جا بیاور و از خداوند ، یاری و توفیق بر انجام دادن آنها بطلب. درباره امام صادق علیه السلام روایت است که چون از شرح این نماز برای مفضّل بن عمر جُعْفی فراغت یافت ، فرمود: «ای مفضّل! این ، فضل خداست که به هر کس بخواهد ، می دهد و خداوند صاحب فضل بزرگ است» (2) . (3) عالم ربّانی مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی گوید: برای سالک ، سزاوار است که در حال خویش نیک بیندیشد و درباره حالت نشاط و بی حالی خود و گرفتاری و آسودگی و قوّت و ضعف خویش نسبت به انجام دادن نوافل و مستحبّات ، تأمّل کند و پس از مراعات حال خویش ، آنچه را بافضیلت تر است ، انتخاب نماید. از جمله آنها چیزی است که در روایات بسیار ، به صورت نافله هزار رکعت ، در این ماه ، افزون بر نوافل دیگر آمده است. اگر انجام دادن آنها را بهتر ببیند ، پس این توفیق ، گوارایش باد؛ لیکن دعاهای وارد

.

1- .المقنعه : 165 .
2- .ر . ک : ص 651 ، ذیل حدیث 597 .
3- .المقنعه : 170 .

شده در روایات (1) را ترک نکند؛ چون در این دعاها ، مضامین بلندی است که برخی از آنها در دعاهای دیگر یافت نمی شود. بنده باید در دعا خواندن ، سرزنده و صادق باشد تا بهره اش از خواندن آنها ، مناجات با قاضی الحاجات باشد ، نه فقط به زبان آوردن الفاظ. و اگر حقیقتِ آنچه می گوید و حال و موقعیّتی که در این دعاها توصیف می کند ، برایش حاصل شود ، پس خوشا به حالش و چه نیکو سرانجامی است! وقتی بنده ، دل خود را با حالتی توصیف می کند (مثلاً با گفتن: «وای بر من» ، خود را نفرین می کند) و یاد می کند که گناهانش ، آن چنان است که اگر زمین آنها را بداند ، او را می بلعد و اگر کوه ها آنها را بدانند ، او را ساقط می کنند و اگر دریاها آنها را بدانند ، او را غرق می کنند آن گونه که در برخی دعاهاست ، این ، حالتی است که گمان می کنم اگر برای ابلیس هم پیدا شود ، به نجاتش می انجامد ، تا چه رسد به مسلمان یا مؤمن! بخصوص اگر بیم و نگرانی او از خشم مولایش ، بیش از نگرانی اش از عذاب آتش باشد ، آن گونه که پس از این فقرات ، ذکر می کند. این ، حالتی عالی است که در دلی پیدا نمی شود ، مگر آن که پروردگارش از او راضی باشد. مضامین بلند دیگری که در این دعاها هستند نیز همین گونه اند؛ یعنی جایی هستند برای پیدا شدن حالات و صفاتی در جان و دل که دل و جان را از هلاکت ها می رهانند و به حالت عالی و درجات بلند می رسانند.

.

1- .دعاهای روایت شده بعد از نوافل یادشده را در همین کتاب آورده ایم (ر . ک : ص 647 719) .

اگر عمل کننده ، در برخی اوقات ، برای عمل ، بی حال و بی نشاط بود ، باید مراقب حال خویش باشد. چنانچه پنداشت اگر به عمل بپردازد ، یا خود را به عمل وا دارد ، برایش حال می آورد ، پس مشغول شود و ترک نکند تا شیطان بر جان او چیره نشود ، که انسان اگر ، عمل را به صِرف بی حالی ترک کند ، به ترک کلّیِ عمل کشیده می شود. باید در حال خویش تأمّل نماید و تلاش کند. اگر دید با ترک عمل ، اشتیاقش به آن افزون می شود ، پس ترک کند و خود را به عمل با بی حالی و کسلی عادت ندهد. و اگر دید ترک عمل موجب ترک دیگر می شود ، پس انجام دهد و ترک ننماید. چه بسا که سالک ، با دل گرفتگی و بی حوصلگی وارد عمل می شود ، ولی حال او در اثنای عمل ، برتر از آنچه امید داشته ، می گردد. بر او لازم است که در کوشش برای ترجیح ترک بر انجام دادن ، خطا نکند ؛ چرا که در ذائقه نفْس ، بی حالی ، از عسل ، شیرین تر است و این ، گاهی انسان را از معرفت درست واقعیّت ، بازمی دارد. (1)

.

1- .المراقبات : 131 .

ص: 637

..

7 / 5تَرتيبُ نَوافِلِ شَهرِ رَمَضانَ627.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :مِمّا كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَصنَعُ فى شَهرِ رَمَضانَ ، كانَ يَتَنَفَّلُ فى كُلِّ لَيلَةٍ ، ويَزيدُ عَلى صَلاتِهِ الَّتى كانَ يُصَلّيها قَبلَ ذلِكَ مُنذُ أوَّلِ لَيلَةٍ إلى تَمامِ عِشرينَ لَيلَةً فى كُلِّ لَيلَةٍ عِشرينَ رَكعَةً ؛ ثَمانِيَ رَكَعاتٍ مِنها بَعدَ المَغرِبِ وَاثنَتَى عَشرَةَ بَعدَ العِشاءِ الآخِرَةِ ، ويُصَلّى فِى العَشرِ الأَواخِرِ فى كُلِّ لَيلَةٍ ثَلاثينَ رَكعَةً ؛ اِثنَتَى عَشرَةَ مِنها بَعدَ المَغرِبِ وثَمانِيَ عَشرَةَ بَعدَ العِشاءِ الآخِرَةِ ، ويَدعو ويَجتَهِدُ اجتِهاداً شَديداً ، وكانَ يُصَلّى فى لَيلَةِ إحدى وعِشرينَ مِئَةَ رَكعَةٍ ، ويُصَلّى فى لَيلَةِ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِئَةَ رَكعَةٍ ، ويَجتَهِدُ فيهِما . (1)626.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الكافى عن علىّ بن أبى حمزه :دَخَلنا عَلى أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام فَقالَ لَهُ أبو بَصيرٍ : ما تَقولُ فِى الصَّلاةِ فى شَهرِ رَمَضانَ؟

فَقالَ : «لِشَهرِ رَمَضانَ حُرمَةٌ وحَقٌّ لا يُشبِهُهُ شَىءٌ مِنَ الشُّهورِ ، صَلِّ مَا استَطَعتَ فى شَهرِ رَمَضانَ تَطَوُّعاً بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ ، فَإِنِ استَطَعتَ أن تُصَلِّىَ فى كُلِّ يَومٍ ولَيلَةٍ ألفَ رَكعَةٍ فَافعَل ، إنَّ عَلِيّاً عليه السلام فى آخِرِ عُمُرِهِ كانَ يُصَلّى فى كُلِّ يَومٍ ولَيلَةٍ ألفَ رَكعَةٍ ؛ فَصَلِّ يا أبا مُحَمَّدٍ زِيادَةً فى رَمَضانَ» .

فَقُلتُ : كَم جُعِلتُ فِداكَ ! ؟

فَقالَ : «فى عِشرينَ لَيلَةً تُصَلّى فى كُلِّ لَيلَةٍ عِشرينَ رَكعَةً ، ثَمانِيَ رَكَعاتٍ قَبلَ العَتَمَةِ وَاثنَتا عَشرَةَ رَكعَةً بَعدَها ، سِوى ما كُنتَ تُصَلّى قَبلَ ذلِكَ ، فَإِذا دَخَلَ العَشرُ الأَواخِرُ فَصَلِّ ثَلاثينَ رَكعَةً ، فى كُلِّ لَيلَةٍ ثَمانِيَ رَكَعاتٍ قَبلَ العَتَمَةِ وَاثنَتَينِ وعِشرينَ رَكعَةً بَعدَها ، سِوى ما كُنتَ تَفعَلُ قَبلَ ذلِكَ» . (2) .

1- .تهذيب الأحكام : 3 / 62 / 213 ، الاستبصار : 1 / 462 / 1796 ، الإقبال : 1 / 53 كلّها عن مسعده بن صدقه وفيه «وكان يجتهد فى ليله تسع عشره اجتهاداً شديداً» بدل «ويدعو ويجتهد اجتهاداً شديداً» .
2- .الكافى : 4 / 154 / 1 ، تهذيب الأحكام : 3 / 63 / 215 ، الاستبصار : 1 / 463 / 1 .

7 / 5ترتیب نافله های ماه رمضان633.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:از جمله کارهایی که پیامبر خدا در ماه رمضان انجام می داد ، این بود که هر شب نافله می خواند و بر نمازهایی که پیش تر ، از شب اوّل تا پایان بیست شب می خواند ، هر شب بیست رکعت می افزود: هشت رکعت پس از مغرب و دوازده رکعت پس از عشا.

و در دهه آخر ، در هر شب ، سی رکعت می خواند: دوازده رکعت پس از مغرب و هجده رکعت پس از عشا، و دعا می کرد و بسیار در عبادت می کوشید و در شب بیست و یکم ، صد رکعت نماز می خواند ، و در شب بیست و سوم نیز صد رکعت ، و در این دو شب ، کوشا بود.632.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از علی بن ابی حمزه :خدمت امام صادق علیه السلامرسیدیم. ابو بصیر گفت: درباره نماز در ماه رمضان چه می گویید؟

فرمود : «ماه رمضان ، احترام و حقّی دارد که هیچ یک از ماه ها مانند آن نیست. در ماه رمضان تا می توانی ، در شبانه روز نماز مستحب بخوان و اگر بتوانی در هر شبانه روز ، هزار رکعت بخوانی ، چنین کن. علی علیه السلام در آخر عمرش هر شبانه روز ، هزار رکعت نماز می خواند. پس ، ای ابو محمّد ! در ماه رمضان ، بیشتر نماز بخوان».

گفتم: فدایت شوم ! چه قدر؟

فرمود: «در بیست شب ، هر شب ، بیست رکعت می خوانی: هشت رکعت قبل از عشا و دوازده رکعت بعد از آن ، بجز آنچه پیش تر می خواندی. پس چون دهه آخر وارد شود ، سی رکعت بخوان : در هر شب ، هشت رکعت پیش از [نماز]عشا و بیست و دو رکعت پس از آن ، بجز آنچه پیش تر می خواندی».

.

631.عنه صلى الله عليه و آله :تهذيب الأحكام عن سماعه بن مهران :سَأَلتُهُ (1) عَن شَهرِ رَمَضانَ كَم يُصلّى فيهِ؟ فَقالَ : «كَما يُصَلّى فى غَيرِهِ ، إلاّ أنَّ لِرَمَضانَ عَلى سائِرِ الشُّهورِ مِنَ الفَضلِ ما يَنبَغى لِلعَبدِ أن يَزيدَ فى تَطَوُّعِهِ ، فَإن أحَبَّ وقَوِىَ عَلى ذلِكَ أن يَزيدَ فى أوَّلِ الشَّهرِ (إلى) (2) عِشرينَ لَيلَةً ؛ كُلَّ لَيلَةٍ عِشرينَ رَكعَةً ، سِوى ما كانَ يُصَلّى قَبلَ ذلِكَ مِن هذِهِ العِشرينَ ؛ اِثنَتَى عَشرَةَ رَكعَةً بَينَ المَغرِبِ وَالعَتَمَهِ ، وثَمانِىَ رَكَعاتٍ بَعدَ العَتَمَهِ ، ثُمَّ يُصَلّى صَلاةَ اللَّيلِ الَّتى كانَ يُصَلّى قَبلَ ذلِكَ ثَمانِىَ رَكَعاتٍ ؛ وَالوَترَ ثَلاثَ رَكَعاتٍ ؛ رَكعَتَينِ يُسَلِّمُ فيهِما ، ثُمَّ يَقومُ فَيُصَلّى واحِدَةً يَقنُتُ فيها فَهذَا الوَترُ ، ثُمَّ يُصَلّى رَكعَتَيِ الفَجرِ حينَ يَنشَقُّ الفَجرُ ، فَهذِهِ ثَلاثَ عَشرَةَ رَكعَةً .

فَإذا بَقِىَ مِن شَهرِ رَمَضانَ عَشرُ لَيالٍ ، فَليُصَلِّ ثَلاثينَ رَكعَةً فى كُلِّ لَيلَةٍ سِوى هذِهِ الثَّلاثَ عَشرَةَ رَكعَةً ، يُصَلّى بَينَ المَغرِبِ وَالعِشاءِ اثنَتَينِ وعِشرينَ رَكعَةً ، وثَمانِىَ رَكَعاتٍ بَعدَ العَتَمَهِ ، ثُمَّ يُصَلّى بَعدَ صَلاهِ اللَّيلِ ثَلاثَ عَشرَةَ رَكعَةً كَما وَصَفتُ لَكَ .

وفى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ وثَلاثٍ وعِشرينَ يُصَلّى فى كُلِّ واحِدَهٍ مِنهُما إذا قَوِىَ عَلى ذلِكَ مِئَةَ رَكعَهٍ ، سِوى هذِهِ الثَّلاثَ عَشرَةَ رَكعَةً ، وَلَيَسهَر فيهِما حَتَّى يُصبِحَ ، فَإنَّ ذلِكَ يُستَحَبُّ أن يَكونَ فى صَلاهٍ ودُعاءٍ وتَضَرُّعٍ ؛ فَإنَّهُ يُرجى أن تَكونَ لَيلَهُ اَلقَدرِ فى إحداهُما» . (3) .

1- .كذا فى المصدر مضمرا .
2- .أثبتناها من المصادر الأُخرى .
3- .تهذيب الأحكام : 3/63/214 ، الاستبصار : 1 / 462 / 1797 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2/138/1967 ، الإقبال : 1 / 48 .

630.عنه صلی الله علیه و آله :تهذیب الأحکام به نقل از سماعه بن مهران :از امام علیه السلام (1) پرسیدم: در ماه رمضان ، چه مقدار نماز خوانده شود؟

فرمود: «همان گونه که در غیر این ماه خوانده می شود ، جز این که ماه رمضان ، بر ماه های دیگر ، شرافتی دارد که سزاوار است بنده بر نمازهای مستحبّش بیفزاید. اگر دوست داشت و می توانست ، در اوّل ماه تا بیست شب ، هر شب ، بیست رکعت نماز بخواند؛ بجز آنچه پیش از این می خوانْد: دوازده رکعت ، میان [نماز] مغرب و عشا و هشت رکعت ، پس از [نماز] عشا.

سپس نماز شب را که پیش تر می خوانْد ، بخواند: هشت رکعت و سه رکعت وَتر (: دو رکعت را که خواند ، سلام می دهد. سپس برخاسته ، یک رکعت می خوانَد و قنوت می گیرد. این ، وَتر است). سپس دو رکعت نافله صبح را می خواند ، آن گاه که سپیده می دمد. این ، سیزده رکعت.

پس وقتی ده شب از ماه رمضان مانده است ، در هر شب ، غیر از این سیزده رکعت ، سی رکعت بخواند: بیست و دو رکعت ، بین [نماز] مغرب و عشا و هشت رکعت ، پس از [نماز] عشا.

آن گاه پس از نماز شب ، سیزده رکعت می خواند ، آن گونه که برایت توصیف کردم.

و در شب بیست و یکم و بیست و سوم ، در هر یک از این دو شب ، اگر توان داشته باشد ، صد رکعت غیر از این سیزده رکعت بخواند و در این دو شب ، تا سپیده دم ، بیدار بماند که مستحب است در حال نماز و دعا و تضرّع باشد؛ چون امید است که شب قدر ، در یکی از این دو شب باشد».
.

1- .در منبع حدیث ، نام امام ، یاد نشده است.

629.عنه صلى الله عليه و آله :الاستبصار عن الحسن بن علىّ عن أبيه :كَتَبَ رَجُلٌ إلى أبى جَعفَرٍ عليه السلاميَسأَلُهُ عَن صَلاهِ نَوافِلِ شَهرِ رَمَضانَ وعَنِ الزِّيادَهِ فيها؟

فَكَتَبَ عليه السلام إلَيهِ كِتاباً قَرَأتُهُ بِخَطِّهِ : «صَلِّ فى أوَّلِ شَهرِ رَمَضانَ فى عِشرينَ لَيلَهً عِشرينَ رَكعَهً ، صَلِّ مِنها ما بَينَ المَغرِبِ وَالعَتَمَهِ ثَمانِىَ رَكَعاتٍ ، وبَعدَ العِشاءِ اثنَتَى عَشرَهَ رَكعَهً ، وفِى العَشرِ الأَواخِرِ ثَمانِىَ رَكَعاتٍ بَينَ المَغرِبِ وَالعَتَمَهِ ، وَاثنَتَينِ وعِشرينَ رَكعَهً بَعدَ العَتَمَهِ ، إلاّ فى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ وثَلاثٍ وعِشرينَ فَإنَّ المِئَهَ تُجزيکَ إن شاءَ اللّهُ . وذلِکَ سِوَى الخَمسينَ . وأكثِر مِن قِراءَهِ «إنّآ أنزَلْنَهُ» » . (1)628.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال عن محمّد بن أحمد بن مطهّر :كَتَبتُ إلى سَيِّدى أبى مُحَمَّدٍ صاحِبِ العَسكَرِ عليه السلام : إنَّ رَجُلاً يَقولُ إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله لَم يَزِد فى صَلاتِهِ فى شَهرِ رَمَضانَ عَلى ما كانَ يُصَلِّى فى غَيرِهِ .

فَكَتَبَ فِى الجَوابِ : «كَذِبَ ، فَضَّ اللّهُ فاهُ ! كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُصَلِّى فى عِشرينَ لَيلَهً مِن شَهرِ رَمَضانَ عِشرينَ رَكعَهً فى كُلِّ لَيلَهٍ ، وفِى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ ، ولَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِئَهَ رَكعَهٍ ، وفِى العَشرِ الأَواخِرِ فى كُلِّ لَيلَهٍ ثَلاثينَ رَكعَهً» . (2)627.عنه صلى الله عليه و آله :الكافى :عَن مُحَمَّدِ بنِ أحمَدَ بنِ مُطَهَّرٍ أ نَّهُ كَتَبَ إلى أبى مُحَمَّدٍ عليه السلاميُخبِرُهُ بِما جاءَت بِهِ الرِّوايَهُ أنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ يُصَلِّى فى شَهرِ رَمَضانَ وغَيرِهِ مِنَ اللَّيلِ ثَلاثَ عَشرَهَ رَكعَهً مِنهَا : الوَترُ ، ورَكعَتَا الفَجرِ .

فَكَتَبَ عليه السلام : «فَضَّ اللّهُ فاهُ ! صَلّى مِن شَهرِ رَمَضانَ فى عِشرينَ لَيلَهً ، كُلَّ لَيلَهٍ عِشرينَ رَكعَهً : ثَمانِىَ بَعدَ المَغرِبِ ، وَاثنَتَى عَشرَهَ بَعدَ العِشاءِ الآخِرَهِ ، وَاغتَسَلَ لَيلَهَ تِسعَ عَشرَهَ ، ولَيلَهَ إحدى وعِشرينَ ، ولَيلَهَ ثَلاثٍ وعِشرينَ ، وصَلّى فيهِما ثَلاثينَ رَكعَهً : اثنَتَى عَشرَهَ بَعدَ المَغرِبِ ، وثَمانِىَ عَشرَهَ بَعدَ عِشاءِ الآخِرَهِ ، وصَلّى فيهِما مِئَهَ رَكعَهٍ يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ : «فاتِحَهَ الكِتابِ» ، و «قُلْ هُوَ اللّهُ أحَدٌ» عَشرَ مَرّاتٍ ، وصَلّى إلى آخِرِ الشَّهرِ كُلَّ لَيلَهٍ ثَلاثينَ رَكعَهً كَما فَسَّرتُ لَکَ» . (3) .

1- .الاستبصار : 1 / 464 / 1800 ، تهذيب الأحكام : 3 / 67 / 220 .
2- .الإقبال : 1 / 49 ، تهذيب الأحكام : 3 / 68 / 221 نحوه .

3- .الكافى : 4 / 155 / 6 ، تهذيب الأحكام : 3 / 68 / 222 ، الاستبصار : 1 / 463 / 1799 كلاهما نحوه .

626.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الاستبصار به نقل از حسن بن علی ، از پدرش :مردی به امام باقر علیه السلامنامه نوشت و از نافله های ماه رمضان و افزون بر آنها پرسید.

امام علیه السلام در پاسخ ، نامه ای نوشت که به خطّ خود او خوانده ام : «در بیست شب اوّل ماه رمضان ، بیست رکعت نماز بخوان: هشت رکعت بین مغرب و عشا و دوازده رکعت ، پس از عشا؛ و در ده شب آخر: [سی رکعت نماز بخوان]: هشت رکعت بین مغرب و عشا و بیست و دو رکعت ، پس از عشا ، مگر در شب بیست و یکم و بیست و سوم که صد رکعت نماز ، به خواست خدا تو را کفایت می کند و این ، بجز پنجاه رکعت است. و سوره إنّا أنزلناه را زیاد بخوان».625.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از محمّد بن احمد بن مطهّر :به سرورم امام عسکری علیه السلامنامه نوشتم که مردی می گوید : پیامبر خدا در ماه رمضان ، بر نمازهایی که در غیر آن ماه می خوانْد ، نیفزود.

امام علیه السلام در پاسخ نوشت: «دروغ گفته است. خدا دهانش را بشکند! پیامبر خدا در بیست شب ماه رمضان ، هر شب ، بیست رکعت نماز می خواند و در شب بیست و یکم و بیست و سوم ، صد رکعت نماز می خواند و در ده شب آخر ، هر شب ، سی رکعت نماز می خواند».624.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی درباره محمّد بن احمد بن مطهّر :به امام عسکری علیه السلامنامه نوشت و خبر داد از روایتی که می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در ماه رمضان و غیر آن ، شبانه سیزده رکعت می خواند ، که نماز وتر و دو رکعت نافله صبح هم جزو آن بود.

امام علیه السلام نوشت: «خدا دهانش را بشکند! پیامبر صلی الله علیه و آله در بیست شب از ماه رمضان ، هر شب بیست رکعت نماز خواند : هشت رکعت پس از مغرب و بیست و دو رکعت پس از عشا. نیز در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ، غسل کرد و در این دو شب ، سی رکعت نماز خواند: دوازده رکعت پس از مغرب و هیجده رکعت پس از عشا ، و در این دو شب ، صد رکعت نماز خواند : در هر رکعت ، فاتحه الکتاب و ده بار سوره قل هو اللّه أحد ، و تا آخر ماه ، هر شب ، سی رکعت نماز خواند ، به گونه ای که بیان کردم». .

623.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تهذیب الأحکام عن محمّد بن أبی الصهبان ، عن محمّد بن سلیمان :إنَّ عِدَّةً مِن أصحابِنَا اجتَمَعُوا عَلی هذَا الحَدیثِ ، مِنهُم : یونُسُ بنُ عَبدِ الرَّحمنِ ، عَن عبدِ اللّهِ بنِ سِنانٍ ، عَن أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام ، وصَباحُ الحَذّاءِ ، عَن إسحاقِ بنِ عمّارٍ ، عَن أبِی الحَسَنِ علیه السلام ، وسَماعَةُ بنِ مِهرانٍ ، عَن أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام .

قالَ مُحَمَّدُ بنُ سُلَیمانَ : وسَأَلتُ الرِّضا علیه السلام عَن هذَا الحَدیثِ فَأخبَرَنی بِهِ ،

وقالَ هؤُلاءِ جَمیعاً : سَأَلنا عَنِ الصَّلاهِ فی شَهرِ رَمَضانَ کَیفَ هِیَ؟ وکَیفَ فَعَلَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله؟

فَقالوا جَمیعاً:«إنَّهُ لَمّا دَخَلَت أوَّلُ لَیلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ صَلّی رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آلهالمَغرِبَ ، ثُمَّ صَلّی أربَعَ رَکَعاتٍ الَّتی کانَ یُصَلّیهِنَّ بَعدَ المَغرِبِ فی کُلِّ لَیلَهٍ ، ثُمَّ صَلّی ثَمانِیَ رَکَعاتٍ ، فَلَمّا صَلّی العِشاءَ الآخِرَهَ وصَلّی الرَّکعَتَینِ اللَّتَینِ کانَ یُصَلّیهما بَعدَ العِشاءِ الآخِرَهِ ، وهُوَ جالِسٌ فی کُلِّ لَیلَهٍ قامَ فَصَلّی اثنَتَی عَشرَهَ رَکعَهً ، ثُمَّ دَخَلَ بَیتَهُ ، فَلَمّا رَأی ذلِکَ النّاسُ ونَظَروا إلی رَسولِ اللّهِ صلی اللهِ علیه و آله وقَد زادَ فِی الصَّلاهِ حینَ دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ سَأَلوهُ عَن ذلِکَ ، فَأخبَرَهُم أنَّ هذِهِ الصَّلاهَ صَلَّیتُها لِفَضلِ شَهرِ رَمَضانَ عَلَی الشُّهورِ .

فَلَمّا کانَ مِنَ اللَّیلِ قامَ یُصَلّی فَاصطَفَّ النّاسُ خَلفَهُ ، فَانصَرَفَ إلَیهِم فَقالَ : أیُّهَا النّاسُ ، إنَّ هذِهِ الصَّلاهَ نافِلَهٌ ولَن یُجتَمَعَ لِلنّافِلَهِ وَلیُصَلِّ کُلُّ رَجُلٍ مِنکُم وَحدَهُ ، وَلیَقُل ما عَلَّمَهُ اللّهُ مِن کتابِهِ ، وَاعلَموا أنَّهُ لاجَماعَهَ فی نافِلَهٍ ، فَافتَرَقَ النّاسُ فَصَلّی کُلُّ واحِدٍ مِنهُم علی حِیالِهِ لِنَفسِهِ .

فَلَمّا کانَ لَیلَهُ تِسعَ عَشرَهَ مِن شَهرِ رَمَضانَ اغتَسَلَ حینَ غابَتِ الشَّمسُ وصَلّی المَغرِبَ بِغُسلٍ ، فَلَمّا صَلّی المَغرِبَ وصَلّی أربَعَ رَکَعاتٍ الَّتی کانَ یُصَلّیها فیما مَضی فی کُلِّ لَیلَهٍ بَعدَ المَغرِبِ دَخَلَ إلی بَیتِهِ ، فَلَمّا أقامَ بِلالٌ لِصَلاهِ العِشاءِ الآخِرَهِ خَرَجَ النَّبِیُّ صلی اللهِ علیه و آله فَصَلّی بِالنّاسِ ، فَلَمّا انفَتَلَ صَلّی الرَّکعَتَینِ وهُوَ جالِسٌ ، کَما کانَ یُصَلّی فی کُلِّ لَیلَهٍ ، ثُمَّ قامَ فَصَلّی مَئَهَ رَکعَهٍ ، یَقرَأُ فی کُلِّ رَکعَهٍ «فاتِحَهَ الکِتابَ» ، و «قُلْ هُوَ اللّهُ أحَدٌ» عَشرَ مَرّاتٍ ، فَلَمّا فَرَغَ مِن ذلِکَ صَلّی صَلاتَهُ الَّتی کانَ یُصَلّی کُلَّ لَیلَهٍ فی آخِرِ اللَّیلِ وأوتَرَ .

فَلَمّا كانَ لَيلَهُ عِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ فَعَلَ كَما كانَ يَفعَلُ قَبلَ ذلِکَ مِنَ اللَّيالى فى شَهرِ رَمَضانَ ، ثَمانِىَ رَكَعاتٍ بَعدَ المَغرِبِ ، وَاثنَتَى عَشرَةَ رَكعَةً بَعدَ العِشاءِ الآخِرَهِ .

فَلَمّا كانَت لَيلَهُ إحدى وعِشرينَ اغتَسَلَ حينَ غابَتِ الشَّمسُ ، وصَلّى فيها مِثلَ ما فَعَلَ فى لَيلَهِ تِسعَ عَشرَةَ ، فَلَمّا كانَ فى لَيلَهِ اثنَتَينِ وعِشرينَ زادَ فى صَلاتِهِ فَصَلّى ثَمانِىَ رَكَعاتٍ بَعدَ المَغرِبِ ، وَاثنَتَينِ وعِشرينَ رَكعَةً بَعدَ العِشاءِ الآخِرَهِ .

فَلَمّا كانَت لَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ اغتَسَلَ أيضاً ، كَمَا اغتَسَلَ فى لَيلَهِ تِسعَ عَشرَةَ ، وكَمَا اغتَسَلَ فى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ ، ثُمَّ فَعَلَ مِثلَ ذلِکَ» .

قالوا : فَسَأَلوهُ عَن صَلاهِ الخَمسينَ ما حالُها فى شَهرِ رَمَضانَ؟

فَقالَ : «كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُصَلِّى هذِهِ الصَّلاهَ ، ويُصَلِّى صَلاهَ الخَمسينَ عَلى ما كانَ يُصَلّى فى غَيرِ شَهرِ رَمَضانَ ولايَنقُصُ مِنها شَيئاً» . (1) .

1- .تهذيب الأحكام : 3 / 64 / 217 ، الاستبصار : 1 / 464 / 1801 ، الإقبال : 1 / 49 .

609.عنه صلی الله علیه و آله :تهذیب الأحکام به نقل از محمّد بن ابی الصهبان ، از محمّد بن سلیمان :گروهی از اصحاب ما بر این حدیث ، هم سخن اند ، از جمله: یونس بن عبد الرحمان در نقلی از عبد اللّه بن سنان از امام صادق علیه السلام ، و صباح حَذّاء در نقلی از اسحاق بن عمّار از امام رضا علیه السلام ، و سماعه بن مهران در نقلی از امام صادق علیه السلام.

درباره این حدیث از امام رضا علیه السلام پرسیدم و وی مرا به آن آگاه ساخت.

و آن گروه گفته اند: از نماز در ماه رمضان و چگونگی آن پرسیدیم و این که پیامبر خدا چگونه می خواند؟

همه گفته اند: «چون اوّلین شب ماه رمضان فرا رسید ، پیامبر خدا نماز مغرب را خواند ، سپس چهار رکعتی را که هر شب پس از مغرب می خواند ، خواند. سپس هشت رکعت نماز خواند. و چون نماز عشا را خواند و دو رکعت را که هر شب ، نشسته پس از نماز عشا می خواند ، خواند ، برخاست و دوازده رکعت خواند. سپس وارد خانه اش شد.

چون مردم دیدند که پیامبر خدا پس از ورود ماه رمضان بر نماز خود افزود ، در این باره پرسیدند. به آنان خبر داد که: این نمازی که خواندم، به خاطر فضیلت ماه رمضان بر ماه های دیگر است .

چون شب شد ، پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد که نماز بخواند. مردم ، پشت سر او صف بستند. پیامبر صلی الله علیه و آله رو به آنان کرد و فرمود: ای مردم! این نماز ، نافله است و نافله به جماعت خوانده نمی شود. هر یک از شما به تنهایی بخواند و آنچه را خداوند از کتابش به او آموخته ، بخواند. بدانید که در نافله ، جماعت نیست . مردم ، پراکنده شدند و هر کدام ، جداگانه برای خودشان نماز خواندند.

چون شب نوزدهم ماه رمضان شد ، پیامبر صلی الله علیه و آله پس از غروب خورشید ، غسل کرد و با غسل ، نماز مغرب را خواند. چون نماز مغرب و چهار رکعتی را که در گذشته هر شب پس از نماز مغرب می خوانْد ، خواند ، وارد خانه اش شد. چون بلال برای نماز عشا اقامه گفت ،

پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آمد و با مردم نماز خواند. چون نماز پایان یافت ، دو رکعت نشسته خواند ، همچون هر شب. سپس برخاست و صد رکعت نماز خواند (در هر رکعت ، فاتحه الکتاب و ده بار سوره قل هو اللّه أحد). چون از این نماز فارغ شد ، نمازی را که هر شب در آخر شب می خواند و نیز نماز وتر را خواند.

چون شب بیستم ماه رمضان شد ، همچون شب های گذشته ماه رمضان ، انجام داد: هشت رکعت ، پس از مغرب و دوازده رکعت ، پس از عشا .

پس چون شب بیست و یکم شد ، هنگام غروب آفتاب ، غسل کرد و در آن شب مثل شب نوزدهم ، نماز خواند. و چون شب بیست و دوم شد ، بر نماز خود افزود و هشت رکعت ، پس از مغرب و بیست و دو رکعت ، پس از عشا نماز بخواند.

شب بیست و سوم که شد ، باز غسل کرد ، همچون شب نوزدهم و شب بیست و یکم ، و مانند آن انجام داد».

گفته اند: از او درباره پنجاه رکعت نماز در ماه رمضان پرسیدند.

فرمود: «پیامبر خدا این نماز را می خواند و پنجاه رکعت را طبق آنچه در غیر ماه رمضان می خواند ، می خواند و چیزی از آن نمی کاست». .

ص: 646

..

ص: 647

..

592.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تهذیب الأحکام عن المفضّل بن عمر عن الإمام الصادق علیه السلام :«یُصَلّی فی شَهرِ رَمَضانَ زِیادَهُ ألفِ رَکعَهٍ» . قالَ : قُلتُ : ومَن یَقدِرُ عَلی ذلِکَ؟

قالَ : «لَیسَ حَیثُ تَذهَبُ ، أَلَیسَ تُصَلّی (1) فی شَهرِ رَمَضانَ زِیادَهَ ألفِ رَکعَهٍ ، فی تِسعَ عَشرَهَ مِنهُ فی کُلِّ لَیلَهٍ عِشرینَ رَکعَهً ، وفی لَیلَهِ تِسعَ عَشرَهَ مِئَهَ رَکعَهٍ ، وفی لَیلَهِ إحدی وعِشرینَ مِئَهَ رَکعَهٍ ، وفی لَیلَهِ ثَلاثٍ وعِشرینَ مِئَهَ رَکعَهٍ ، وتُصَلّی فی ثَمانِ لَیالٍ مِنهُ فِی العَشرِ الأَواخِرِ ثَلاثینَ رَکعَهً ، فَهذِهِ تِسعُمِئَهٍ وعِشرونَ رَکعَهً» .

قالَ : قُلتُ : جَعَلَنِی اللّهُ فِداکَ ! فَرَّجتَ عَنّی لَقَد کانَ ضاقَ بِیَ الأَمرُ ، فَلَمّا أن أتَیتَ لی بِالتَّفسیرِ فَرَّجتَ عَنّی ، فَکَیفَ تَمامُ الأَلفِ رَکعَهٍ؟

قالَ : «تُصَلّی فی کُلِّ یَومٍ جُمُعَهٍ فی شَهرِ رَمَضانَ أربَعَ رَکَعاتٍ لِأَمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام ، وتُصَلّی رَکعَتَینِ لِابنَهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ، وتُصَلّی بَعدَ الرَّکعَتَینِ أربَعَ رَکَعاتٍ لِجَعفَرِ الطَّیّارِ ، وتُصَلّی فی لَیلَهِ الجُمُعَهِ فِی العَشرِ الأَواخِرِ لِأَمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام عِشرینَ رَکعَهً ، وتُصَلّی فی عَشِیَّهِ الجُمُعَهِ لَیلَهَ السَّبتِ عِشرینَ رَکعَهً لِابنَهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله» .

ثُمَّ قالَ : «اِسمَع وعِه وعَلِّم ثِقاتِ إخوانِکَ هذِهِ الأَربَعَ وَالرَّکعَتَینِ ؛ فَإِنَّهُما أفضَلُ الصَّلواتِ بَعدَ الفَرائِضِ ، فَمَن صَلّاها فی شَهرِ رَمَضانَ أو غَیرِهِ انفَتَلَ ولَیسَ بَینَهُ وبَینَ اللّهِ عز و جل مِن ذَنبٍ» .

ثُمَّ قالَ : «یا مُفَضَّلَ بنَ عُمَرَ ، تَقرَأُ فی هذِهِ الصَّلاهِ کُلِّها أعنی صَلاهَ شَهرِ رَمَضانَ ، الزِّیادَهَ مِنها «بِالحَمدِ» ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ، إن شِئتَ مَرَّهً ، وإن شِئتَ ثَلاثاً ، وإن شِئتَ خَمساً ، وإن شِئتَ سَبعاً ، وإن شِئتَ عَشراً .

فَأَمّا صَلاهُ أمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام فَإِنَّهُ تَقرَأُ فیها «بِ «الحَمدِ» فی کُلِّ رَکعَهٍ وخَمسینَ مَرَّهً «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ، وتَقرَأُ فی صَلاهِ ابنَهِ مُحَمَّدٍ علیهماالسلام فی أوَّلِ رَکعَهٍ بِ«الحَمدِ» ، و «إِنَّا أَنزَلْنَهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ» مِئَهَ مَرَّهٍ ، وفِی الرَّکعَهِ الثّانِیَهِ بِ«الحَمدِ» ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» مِئَهَ مَرَّهٍ ، فَإِذا سَلَّمتَ فِی الرَّکعَتَینِ سَبِّح تَسبیحَ فاطِمَهَ الزَّهراءِ علیهاالسلام ، وهُوَ : اللّهُ أکبَرُ أربَعاً وثَلاثینَ مَرَّهً ، وَالحَمدُ للّهِ ثَلاثاً وثَلاثینَ مَرَّهً ، وسُبحانَ اللّهِ ثَلاثاً

وثَلاثينَ مَرَّةً ، فَوَاللّهِ لَو كانَ شَىءٌ أفضَلَ مِنهُ لَعَلّمَهُ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله إيّاها» .

وقالَ لى : «تَقرَأُ فى صَلاهِ جَعفَرٍ فِى الرَّكعَهِ الأُولى «الحَمدَ» ، و «إِذَا زُلْزِلَتِ» ، وفِى الثّانِيَهِ «الحَمدَ» ، وَ«العادِياتِ» ، وفِى الثّالِثَهِ «الحَمدَ» ، و «إِذَا جَآءَ نَصْرُ اللّهِ» ، وفِى الرّابِعَهِ «الحَمدَ» ، و «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ» » .

ثُمَّ قالَ لى : «يا مُفَضَّلُ ، ذلِكَ فَضلُ اللّهِ يُؤتيهِ مَن يَشاءُ ، وَاللّهُ ذُو الفَضلِ العَظيمِ» . (2) .

1- .فى المصدر : «يصلّى» ، وما فى المتن أثبتناه من الاستبصار والإقبال .
2- .تهذيب الأحكام : 3 / 66 / 218 ، الاستبصار : 1 / 466 / 1802 وفيه إلى «ثقات إخوانک» ، الإقبال : 1 / 51 .

583.عنه صلی الله علیه و آله :تهذیب الأحکام به نقل از مفضّل بن عمر :امام صادق علیه السلامفرمود: «در ماه رمضان ، هزار رکعت بیشتر خوانده می شود».

گفتم : چه کسی توان چنین کاری دارد؟

فرمود : «آن گونه نیست که می پنداری. مگر نه این که در ماه رمضان ، هزار رکعت ، زیادتر می خوانی؟ در هیجده شب از آن ، هر شب ، بیست رکعت؛ در شب نوزدهم ، صد رکعت؛ در شب بیست و یکم ، صد رکعت ؛ در شب بیست و سوم ، صد رکعت؛ و در هشت شب از دهه آخر ، سی رکعت. اینها ، نهصد و بیست رکعت».

گفتم : فدایت شوم! گشایشی برایم نمودی. نزدیک بود عرصه بر من تنگ شود و چون تفسیر آن را بیان فرمودی ، نگرانی ام برطرف شد. پس ، تمام شدن هزار رکعت چگونه است؟

فرمود : «در هر روز جمعه از ماه رمضان ، چهار رکعت برای امیر مؤمنان علیه السلامو دو رکعت برای دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از آن ، چهار رکعت برای جعفر طیّار می خوانی. نیز در شب جمعه در دهه آخر ، بیست رکعت برای امیر مؤمنان علیه السلامو در شام جمعه (شب شنبه) بیست رکعت برای دختر پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانی».

سپس فرمود: «بشنو و دریاب و این چهار رکعت و دو رکعت را به برادران مورد اطمینانت بیاموز که پس از نمازهای واجب ، برترین نمازهایند. هر کس آنها را در ماه رمضان یا غیر آن بخواند ، به پایان می برد ، در حالی که میان او و خداوند ، گناهی نیست».

سپس فرمود: «ای مفضّل بن عمر! در همه این نمازها» یعنی نمازهایی که در ماه رمضان افزوده است « حمد و سوره قل هو اللّه أحد می خوانی؛ اگر خواستی ، یک بار و اگر خواستی ، سه بار و اگر خواستی ، پنج بار و اگر خواستی ، هفت بار و اگر خواستی ، ده بار.

و امّا نماز امیر مؤمنان علیه السلام در آن ، در هر رکعت ، حمد و پنجاه بار سوره قل هو اللّه أحد می خوانی و در نماز دختر پیامبر صلی الله علیه و

آله ، در رکعت اوّل ، حمد و صد بار سوره إنّا أنزلناه فی لیله القدر و در رکعت دوم ، حمد و صد بار سوره قُلْ هو اللّه أحد می خوانی و پس از سلام در این دو رکعت ، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام را می گویی (34 مرتبه اللّه أکبر ، 33 مرتبه الحمد للّه و 33 مرتبه سبحان اللّه) . به خدا سوگند ، اگر چیزی برتر از این بود ، پیامبر خدا به وی می آموخت».

و به من فرمود: «در نماز جعفر طیّار ، در رکعت اوّل ، حمد و سوره إذا زُلزِلتِ و در رکعت دوم ، حمد و سوره عادیات و در رکعت سوم ، حمد و سوره إذا جاءَ نصر اللّه و در رکعت چهارم ، حمد و سوره قل هو اللّه أحد می خوانی ».

سپس به من فرمود: «ای مفضّل! این ، فضل خداست که به هر کس بخواهد ، می دهد و خداوند صاحب احسان بزرگ است». .

ص: 650

. .

ص: 651

..

ص: 652

. .

سخنی درباره نوافل ماه رمضان و ترتیب آنها

اشاره

سخنی درباره نوافل ماه رمضان و ترتیب آنهاماه رمضان ، بجز نافله های نمازهای پنجگانه ، نافله هایی دارد. روایات اهل بیت علیهم السلام ، بر نافله های دیگری در این ماه ، تشویق و توصیه دارند که از این قرار است: 1. افزودن بر نماز[های مستحبّی] به طور کلّی ، (1) 2. دو رکعت نماز در هر شب ، (2) 3. نوافل مخصوص شب های: نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم ، (3) 4. نوافل شب های: سیزدهم ، چهاردهم و پانزدهم ، (4) 5 . نوافل مخصوص شب نیمه ماه رمضان ، (5) 6. هزار رکعت نماز در هر شبانه روز ، بلکه در هر شب و در هر روز ، (6)

.

1- .ر . ک : آنچه بر استحبابش تأکید شده است / «زیاد نماز خواندن» ، ص 353.
2- .ر . ک : نوافل ماه رمضان / «دو رکعت نماز در هر شب» ، ص 621 .
3- .ر . ک : آداب مشترک شب قدر / نماز ، ص 823 .
4- .ر . ک : وسائل الشیعه : 8 / 24 / باب 3 .
5- .ر . ک : آداب مخصوص شب ها / آداب شب پانزدهم: نماز صد رکعت ، ص 523 .
6- .ر . ک : نوافل ماه رمضان / «هزار رکعت در هر شب و روز» ، ص 615.

یک . آزادی نمازگزار در گزینش

دو . تزاحم نداشتن با عبادتی مهم تر

سه . استحباب هزار رکعت در ماه رمضان

7. هزار رکعت نماز در همه ماه رمضان ، (1) 8 . نمازهای مخصوص هر شب به طور جداگانه. (2) درباره این نافله ها و نمازهای اضافی ، نکات مهمّی وجود دارند که باید به آنها توجّه داشت. این نکات ، عبارت اند از:

یک . آزادی نمازگزار در گزینشظاهرا انگیزه نهفته در پس آن همه تأکید موجود در روایات برای انجام دادن این حجم بسیار از نوافل ، به این باز می گردد که نمازگزار ، برای انتخاب نمازی متناسب با حال و عمل و توان و وقت خویش ، فرصت گزینش داشته باشد و بهره بیشتری از برکات این ماه و فیض های معنوی آن ببرد ، وگرنه انجام دادن این همه نافله در ماه رمضان ، عملاً برای انسان ، شدنی نیست.

دو . تزاحم نداشتن با عبادتی مهم ترتوصیه به این نوافل ، مشروط به این است که انجام دادن آنها با یک تکلیف واجب یا مستحبّ مهم تر تزاحم نداشته باشد ، که در صورت مزاحم بودن ، ترک آنها لازم است.

سه . استحباب هزار رکعت در ماه رمضاندر میان نوافل ، تأکید ویژه ای بر انجام دادن هزار رکعت نماز نافله در ماه رمضان وجود دارد و روایات بسیاری ، کیفیّت آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان اهل بیت علیهم السلام بیان کرده اند. آنچه نزد فقهای مکتب اهل بیت علیهم السلام مشهور است، اعتقاد آنان به استحباب هزار رکعت در این ماه ، افزون بر بقیّه نوافل است. مرحوم ملاّ احمد

.

1- .ر . ک : نوافل ماه رمضان / «هزار رکعت در ماه» ، ص 631 .
2- .ر . ک : نوافل ماه رمضان / «نمازهای مخصوص هر شب» ، ص 621 .

نراقی (م 1245 ق) در مستند الشیعه ، هنگام نقل نمازهای مستحبّ غیر روزانه ، چنین گفته است: سوم. هزار رکعت نافله ماه رمضان ، افزون بر نافله های مشخّص شده است . این هزار رکعت ، طبق روایت و فتوای مشهورتر ، مستحب است ؛ بلکه از سیّد (1) و ابن ادریس حلّی (2) و دیلمی (3) ، اجماع بر آن نقل شده است ، امّا این ادعای اجماع با آنچه صاحب ریاض المسائل از شیخ صدوق نقل کرده (4) و شیخ طوسی در کتاب خلاف به اصحاب ما نسبت می دهد (5) و نیز با برخی روایات (6) همخوان نیست ولی چون این موارد ، نادرند ، شیخ صدوق خود در کتاب من لایحضره الفقیه قائل به جواز شده است . و جواز ، مستلزم استحباب است . (7) پس ، جواز آن ، اجماعی است. (8)

.

1- .الانتصار : 169 .
2- .السرائر : 1 / 310 .
3- .المراسم العلویه : 81 .
4- .ریاض المسائل : 4 / 195 .
5- .الخلاف : 1 / 531 .
6- .ر . ک : کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 137 / 1965 و ح 1966 ، وسائل الشیعه : 8 / 42 44 / أبواب نافله شهر رمضان ب 9 ح 1 3 . نیز ، ر . ک : سخن شیخ حرّ عاملی در تأویل و حلّ این روایت ها .
7- .ر . ک : کتاب من لایحضره الفقیه : 2 / 139 ذیل حدیث 1967 . همچنین صدوق در الأمالی (ص 746 ، مجلس 93) ضمن توصیف آیین شیعه می گوید: «نماز در ماه رمضان ، مثل نماز در ماه های دیگر است. هر کس که می خواهد بیشتر بخواند ، هر شب ، بیست رکعت بخواند: هشت رکعت بین مغرب و عشا و دوازده رکعت پس از وقت عشا ، تا آن که از ماه رمضان ، بیست شب بگذرد. سپس هر شب ، سی رکعت نماز می خواند : هشت رکعت در میان مغرب و عشا و بیست و دو رکعت پس از عشا ، و در هر رکعت ، حمد و آنچه می تواند ، از قرآن بخواند ، مگر در شب بیست و یکم و شب بیست و سوم ، که مستحب است این دو شب را زنده بدارد و در هر شب ، صد رکعت نماز بخواند ، در هر رکعت ، یک بار حمد و صد بار قل هو اللّه ».
8- .مستند الشیعه : 6 / 377 .

چهار . چگونگی آوردن هزار رکعت نافله در ماه رمضان

چهار . چگونگی آوردن هزار رکعت نافله در ماه رمضانانجام دادن هزار رکعت نافله در ماه رمضان ، به یکی از دو ترتیب زیر است: 1. تا پایان شب بیستم ، هر شب بیست رکعت نافله می خواند: هشت رکعت بعد از نماز مغرب و دوازده رکعت پس از نماز عشا ، یا بر عکس. در دهه آخر نیز در هر شب ، ده رکعت پس از نماز عشا می افزاید. همچنین در سه شب قدر ، هر شب صد رکعت ، بیشتر می خواند. (1) 2. هر شب تا شب نوزدهم ، بیست رکعت نماز می خواند و در شب های: نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم ، هر شب ، صد رکعت نماز می افزاید. سپس در هشت شب آخر ، هر شب ، سی رکعت می افزاید تا مجموع آنها ، نهصد و بیست رکعت شود. (2) امّا هشتاد رکعت باقی مانده را این گونه می خوانی: در هر جمعه از ماه رمضان ، چهار رکعت نماز امیرمؤمنان ، علی علیه السلام ، دو رکعت نماز حضرت فاطمه علیهاالسلام ، و چهار رکعت نماز جعفر طیّار را می خوانی و در آخرین شب جمعه ، بیست رکعت برای امام علی علیه السلام و در شامگاه آن (شب شنبه) ، بیست رکعت برای حضرت فاطمه علیهاالسلاممی خوانی. (3) از منابع حدیثی یادشده در متن ، چنین روشن می شود که برای هر یک از این دو شیوه روایاتی وجود دارند. از این رو ، مقتضای جمع بین روایات ، تخییر است ، آن گونه که در مستند الشیعه آمده است.

.

1- .ر . ک : ص 639 ، ح 590 و ص 641 ، ح 592.
2- .ر . ک : ترتیب نافله های ماه رمضان ، ص 639 ، ح 590 و ص 643 ، ح 594 596.
3- .ر . ک : ص 645 ، ح 596 و ص 649 ، ح 597.

ص: 657

..

7 / 6أوَّلُ مَن صَلَّى النَّوافِلَ جَماعَةًنوافل شهر رمضانلقد اتّضح من الروايات المتقدّمه أنّ النبىّ صلى الله عليه و آله كان كثير التنفّل فى شَهر رمضان ، وكان يرغّب النّاس ويحثّهم على ذلک . ثمّ إنّها كانت تُصلّى فرادى لاجماعةً ، وإنّما أخذ الناس بصلاه النافله فى شهر رمضان جماعةً فى زمن عمر بن الخطّاب وبأمرٍ منه . وإليک بيان ذلک :

582.عنه صلى الله عليه و آله :صحيح مسلم عن أبى هريره :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُرَغِّبُ فى قِيامِ رَمَضانَ مِن غَيرِ أن يَأمُرَهُم فيهِ بِعَزيمَهٍ ، فَيَقولُ : «مَن قامَ رَمَضانَ إيماناً وَاحتِساباً غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ» . فَتُوُفِّىَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَالأَمرُ عَلى ذلِکَ ، ثُمَّ كانَ الأَمرُ عَلى ذلِکَ فى خِلافَهِ أبى بَكرٍ وصَدراً مِن خِلافَهِ عُمَرَ عَلى ذلِکَ .

581(1).عنه صلى الله عليه و آله :صحيح البخارى عن عبدالرحمن بن عبدٍ القارىّ :خَرَجتُ مَعَ عُمَرَ بنِ الخَطّابِ لَيلَهً فى رَمَضانَ إلَى المَسجِدِ ، فَإذَا النّاسُ أوزاعٌ مُتَفَرِّقونَ ، يُصَلّى الرَّجُلُ لِنَفسِهِ ، ويُصَلّى الرَّجُلُ فَيُصَلّى بِصَلاتِهِ الرَّهطُ ، فَقالَ عُمَرُ : إنّى أرى لَو جَمَعتُ هؤُلاءِ عَلى قارِئً?واحِدٍ لَكانَ أمثَلَ ، ثُمَّ عَزَمَ فَجَمَعَهُم عَلى اُبَىِّ بنِ كَعبٍ ، ثُمَّ خَرَجتُ مَعَهُ لَيلَهً اُخرى وَالنّاسُ يُصَلّونَ بِصَلاهِ قارِئِهِم .

قالَ عُمَرُ : نِعمَ البِدعَهُ هذِهِ! (2)580.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :صَومُ شَهرِ رَمَضانَ فَريضَهٌ ، وَالقِيامُ فى جَماعَهٍ فى لَيلِهِ بِدعَهٌ ، وما صَلاّها رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله ولَو كانَ خَيراً ما تَرَكَها ، وقَد صَلّى فى بَعضِ لَيالى شَهرِ رَمَضانَ وَحدَهُ صلى الله عليه و آله ، فَقامَ قَومٌ خَلفَهُ فَلَمّا أحَسَّ بِهِم دَخَلَ بَيتَهُ ، فَفَعَلَ ذلِکَ ثَلاثَ لَيالٍ ، فَلَمّا أصبَحَ بَعدَ ثَلاثِ لَيالٍ صَعِدَ المِنبَرَ ، فَحَمِدَ اللّهَ وأثنى_ fe'عَلَيهِ .

ثُمَّ قالَ : «أيُّهَا النّاسُ ، لاتُصَلّوا غَيرَ الفَريضَهِ لَيلاً فى شَهرِ رَمَضانَ ولا فى غَيرِهِ فى جَماعَهٍ ، إنَّ الَّذى صَنَعتُم بِدعَهٌ ، ولا تُصَلّوا ضُحىً ؛ فَإنَّ الصَّلاهَ ضُحىً بِدعَهٌ ، وكُلُّ بِدعَهٍ ضَلالَهٌ ، وكُلُّ ضَلالَهٍ سَبيلُها إلَى النّارِ» ، ثُمَّ نَزَلَ وهُوَ يَقولُ : «عَمَلٌ قَليلٌ فى سُنَّهٍ ، خَيرٌ مِن عَمَلٍ كَثيرٍ فى بِدعَهٍ ... » .

وإنَّ الصَّلاهَ نافِلَهً فى جَماعَهٍ فى لَيلِ شَهرِ رَمَضانَ لَم تَكُن فى عَهدِ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، ولَم تَكُن فى أيّامِ أبى بَكرٍ ، ولا فى صَدرٍ مِن أيّامِ عُمَرَ ، حَتّى أحدَثَ ذلِکَ عُمَرُ فَاتُّبِعوهُ عَلَيهِ . (3) .

1- .صحيح مسلم : 1/523/174 ، صحيح البخارى : 2 / 707 / 1905 وفيه مِن «مَن قام ...» ، الموطّأ : 1/113/2 وفيهما «قال ابن شهاب : فتوفّى رسول اللّه ...» ، السنن الكبرى : 2 / 693 / 4599 وص 694 / 4602 .
2- .صحيح البخارى : 2 / 707 / 1906 ، الموطّأ : 1 / 114 / 3 ، السنن الكبرى : 2 / 694 / 4603 وح 4604. .
3- .دعائم الإسلام : 1 / 213 ، بحارالأنوار : 97 / 381 / 4 .

7 / 6نخستین کسی که نافله ها را به جماعت خوانداز روایات پیشین روشن شد که در ماه رمضان ، پیامبر صلی الله علیه و آله نافله بسیار می خواند و مردم را نیز به آن تشویق و ترغیب می کرد و نافله ها به صورت فُرادا خوانده می شد ، نه به جماعت. مردم در زمان عمر بن خطّاب و به دستور او خواندن نافله را به صورت جماعت آغاز کردند. و اینک ، توضیح مطلب:

579.عنه صلی الله علیه و آله :صحیح مسلم به نقل از ابو هریره :پیامبر خدا به عبادت و نماز در ماه رمضان ترغیب می کرد ، بدون آن که دستور حتمی بدهد. می فرمود: «هر کس در ماه رمضان از روی ایمان و برای خدا نماز بخواند ، گناهان گذشته اش آمرزیده می شود». پیامبر خدا در گذشت ، در حالی که کار به همین صورت بود. (1) در دوران خلافت ابو بکر و بخشی از دوران خلافت عمر نیز کار به همین روال بود.578.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :صحیح البخاری به نقل از عبد الرحمان بن عبد القاری :در ماه رمضان ، شبی با عمر بن خطّاب به سوی مسجد بیرون رفتم. مردم را دسته دسته و پراکنده دیدیم. هر کس برای خود نماز می خواند ، یا کسی نماز می خواند و تعدادی اندک با او به جماعت نماز می خواندند. عمر گفت: «به نظرم اگر همه این جمعیّت ، پشت سر یک نفر نماز بخوانند ، بهتر است». پس تصمیم گرفت و همه را پشت سر اُبَیّ بن کعب گرد آورد.

شبی دیگر با او بیرون آمدم ، مردم پشت سر یک نفر نماز می خواندند. عمر گفت: «این ، چه بدعت خوبی است !».577.سنن الدارمی (به نقل از عبد اللّه بن عمرو) امام صادق علیه السلام:روزه ماه رمضان ، واجب است و نماز مستحب در شب ماه رمضان به صورت جماعت ، بدعت است و پیامبر خدا چنان نخوانْد و اگر خوب بود ، آن را ترک نمی کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در بعضی از شب های ماه رمضان ، به تنهایی نماز می خوانْد. گروهی پشت سر او به نماز ایستادند. چون آنان را [در پشت سر خویش]احساس کرد ، وارد خانه اش شد و این کار را سه شب انجام داد. پس از سه شب ، صبح به منبر رفت و خدا را حمد و ثنا گفت. سپس فرمود:

«ای مردم ! در شب ، غیر از نماز واجب ، نماز دیگری را به جماعت نخوانید ، نه در ماه رمضان و نه در جز آن. آنچه کردید ، بدعت است. در روز هم نماز مستحب را به جماعت نخوانید که نماز [مستحب به جماعت آوردن] در روز هم بدعت است و هر بدعتی گم راهی است و هر گم راهی ای راه به دوزخ می برد».

سپس فرود آمد ، در حالی که می فرمود: «کار اندک ، امّا همراه با سنّت ، بهتر از کار بسیار همراه با بدعت است...».

و نماز مستحب را به جماعت خواندن در شب ماه رمضان ، در روزگار پیامبر خدا و زمان ابو بکر و اوایل دوران عمر نبود ، تا آن که عمر ، آن را بدعت نهاد. دیگران هم از او پیروی کردند.

.

1- .یعنی در ماه رمضان ، نمازهای مستحب را به جماعت نمی خواندند .

576.سنن ابن ماجه (به نقل از عبد اللّه بن عِمرو) تهذيب الأحكام عن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَنِ الصَّلاهِ فى رَمَضانَ فِى المَساجِدِ؟

قالَ : «لَمّا قَدِمَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام الكوفَهَ أمَرَ الحَسَنَ بنَ عَلِىٍّ عليهماالسلام أن يُنادِىَ فِى النّاسِ : لا صَلاهَ فى شَهرِ رَمَضانَ فِى المَساجِدِ جَماعَهً ، فَنادى فِى النّاسِ الحَسَنُ بنُ عَلِىٍّ عليهماالسلام بِما أَمَرَهُ بِهِ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام ، فَلَمّا سَمِعَ النّاسُ مَقالَهَ الحَسَنِ بنِ عَلِىٍّ صاحوا : واعُمَراه واعُمَراه !!

فَلَمّا رَجَعَ الحَسَنُ عليه السلام إلى أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام قالَ لَهُ : ما هذَا الصَّوتُ؟

فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، النّاسُ يَصيحونَ : واعُمَراه واعُمَراه !!

فَقالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام : قُل لَهُم : صَلّوا !» . (1)578.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :تفسير العيّاشى عن أحدهما عليهماالسلام :لَمّا كانَ أميرُالمُؤمِنينَ عليه السلام فِى الكوفَهِ أتاهُ النّاسُ فَقالوا : اِجعَل لَنا إماماً يَؤُمُّنا فى شَهرِ رَمَضانَ ، فَقالَ : لا ، ونَهاهُم أن يَجتَمِعوا فيهِ ، فَلَمّا أمسَوا جَعَلوا يَقولونَ : اِبكوا فى رَمَضانَ ، وارَمَضاناه !

فَأَتاهُ الحارِثُ الأَعوَرُ فى أُناسٍ ، فَقالَ : يا أميرَ المُؤمِنينَ ، ضَجَّ النّاسُ وكَرِهوا قَولَكَ .

فَقالَ عِندَ ذلِكَ : «دَعوهُم وما يُريدونَ ، لِيُصَلِّىَ بِهِم مَن شاؤوا» ، ثُمَّ قالَ : «فَمَن «يَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِى مَا تَوَلَّى وَنُصْلِهِى جَهَنَّمَ وَسَآءَتْ مَصِيرًا» (2) » . (3) .

1- .تهذيب الأحكام : 3 / 70 / 227 .
2- .النساء : 115 .
3- .تفسير العيّاشى : 1 / 275 / 272 ، مستطرفات السرائر : 146 / 18 ، بحارالأنوار : 96 / 385 / 5 .

577.سنن الدارمی عن عبد اللّه بن عمرو :تهذیب الأحکام به نقل از عمّار :از امام صادق علیه السلام درباره [چگونگی]نماز در [ماه] رمضان در مساجد پرسیدم.

فرمود: «چون امیر مؤمنان علیه السلام به کوفه آمد ، به حسن بن علی علیهماالسلام فرمان داد تا میان مردم ندا دهد که در ماه رمضان در مساجد ، نمازها[ی مستحب] به جماعت نیست. حسن بن علی علیهماالسلام طبق فرمان امیر مؤمنان علیه السلامندا داد. مردم ، چون سخن حسن بن علی علیهماالسلام را شنیدند ، فریاد کشیدند: وا عُمَراه ! وا عُمَراه ! .

چون حسن علیه السلام نزد امیر مؤمنان علیه السلام برگشت ، امیر مؤمنان پرسید: این صدا چیست؟

گفت: ای امیر مؤمنان ! مردم فریاد می زنند: وا عُمَراه ! وا عُمَراه ! . (1)

امیر مؤمنان فرمود: به آنان بگو: [هر طور که می خواهید ،] نماز بخوانید !».576.سنن ابن ماجه عن عبد اللّه بن عمرو :تفسیر العیّاشی به نقل از یکی از دو امام (باقر و صادق) علیهماالسلام :وقتی امیر مؤمنان علیه السلام در کوفه بود ، مردم به نزد او آمد و گفتند: برای ما پیش نمازی قرار بده تا در ماه رمضان برای ما امامت کند.

فرمود: «نه» و آنان را از اجتماع کردن در ماه رمضان [برای نماز مستحب]نهی کرد.

عصر که شد ، می گفتند: درباره رمضان گریه کنید. رمضان از دست رفت !

حارث اَعوَر ، به همراه گروهی نزد امام علیه السلام آمد و گفت: ای امیر مؤمنان ! مردم به ناله و فریاد آمدند و از سخن تو ناخشنودند.

پس فرمود: «بگذارید هر کار می خواهند ، بکنند و هر کس را می خواهند ، به پیش نمازی برگزینند».

سپس فرمود: «پس ، هر کس « از راهی جز راه مؤمنان پیروی کند ، او را به همان راه وا می داریم و دوزخ را به او می چشانیم و بد سرانجامی است» ». .

1- .یعنی : ای وای که سنّت عُمَر ، از میان رفت !

575.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام علیّ علیه السلام :قَد عَمِلَتِ الوُلاهُ قَبلی أعمالاً خالَفوا فیها رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله... . مُغَیِّرینَ لِسُنَّتِهِ،ولَو حَمَلتُ النّاسَ عَلی تَرکِها وحَوَّلتُها إلی مَواضِعِها وإلی ما کانَت فی عَهدِ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله لَتَفَرَّقَ عَنّی جُندی ... .

وَاللّهِ لَقَد أمَرتُ النّاسَ ألاّ یَجتَمِعوا فی شَهرِ رَمَضانَ إلاّ فی فَریضَهٍ ، وأعلَمتُهُم أنَّ اجتِماعَهُم فِی النَّوافِلِ بِدعَهٌ ، فَتنادی بَعضُ أهلِ عَسکَری مِمَّن یُقاتِلُ مَعی : یا أهلَ الإسلامِ ، غُیِّرَت سُنَّهُ عُمَرَ! یَنهانا عَنِ الصَّلاهِ فی شَهرِ رَمَضانَ تَطَوُّعاً .

ولَقَد خِفتُ أن یَثوروا فی ناحِیَهِ جانِبِ عَسکَری ! ... . (1)7 / 7أدعِیَهُ نَوافِلِ شَهرِ رَمَضانَ أ الدُّعاءُ بَینَ کُلِّ رَکعَتَینِ525.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال عن رجاء بن یحیی بن سامان :خَرَجَ إلَینا مِن دارِ سَیِّدِنا أبی مُحَمَّدٍ الحَسَنِ ابنِ عَلِیٍّ صاحِبِ العَسکَرِ سَنَهَ خَمسٍ وخَمسینَ ومِئَتَینِ ، فَذَکَرَ الرِّسالَهَ المُقنِعَهَ بِأسرِها .

قالَ : وَلیَکُن مِمّا تَدعو بِهِ بَینَ کُلِّ رَکعَتَینِ مِن نَوافِلِ شَهرِ رَمَضانَ :

اللّهُمَّ اجعَل فیما تَقضی وتُقَدِّرُ مِنَ الأَمرِ المَحتومِ ، وفیما تَفرُقُ مِنَ الأَمرِ الحَکیمِ فی لَیلَهِ القَدرِ ، أن تَجعَلَنی مِن حُجّاجِ بَیتِکَ الحَرامِ ، المَبرورِ حَجُّهُمُ ، المَشکورِ سَعیُهُمُ ، المَغفورِ ذُنوبُهُم ، وأسأَلُکَ أن تُطیلَ عُمُری فی طاعَتِکَ ، وتُوَسِّعَ لی فی رِزقی ، یا أرحَمَ الرّاحِمینَ . (2) .

1- .الکافی : 8 / 59 / 21 عن سلیم بن قیس الهلالی ، بحارالأنوار : 96 / 384 / 1 .
2- .الإقبال : 1 / 80 ، بحارالأنوار : 97 / 358 / 1 .

اشاره

الف دعا بین هر دو رکعت

526.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:زمامداران پیش از من ، کارهایی کردند که در آنها با پیامبر خدا مخالفت نمودند و . . . و سنّتش را دگرگون ساختند. من اگر مردم را وادار می کردم که آنها را ترک کنند و کارها را به جایگاه خود و به آنچه زمان پیامبر خدا بود ، برمی گرداندم ، سپاهم متفرّق می شد... .

به خدا سوگند ، مردم را فرمان دادم که در ماه رمضان ، جز برای نماز واجب ، اجتماع نکنند و به آنان اعلام کردم که گردآمدنشان بر نافله ها [به صورت جماعت] ، بدعت است. برخی از لشکریانم که همراه من پیکار می کنند ، فریاد برآوردند که: ای مسلمانان ! سنّت عمر ، دگرگون شد؛ ما را از نماز مستحب در ماه رمضان ، نهی می کند.

بیم آن داشتم که در بخشی از لشکریانم شورش پدید آورند ... .7 / 7دعاهای نوافل ماه رمضان 1الف دعا بین هر دو رکعت527.مسند أبی یعلی (به نقل از ابن عمر) الإقبال به نقل از رجاء بن یحیی بن سامان :از خانه سرورمان امام حسن عسکری علیه السلام در سال 255 [ق] نوشته ای صادر شد. وی همه نامه متقاعدکننده را نقل کرده است.

فرمود: «از جمله آنچه میان دو رکعت از نافله های ماه رمضان می خوانی ، این دعا باشد:

خداوندا ! در آنچه حتمی مقدّر می کنی ، از فرمان قطعی ، و در آنچه در شب قدر از امر حکیمانه خود جدا می کنی، این را قرار بده که مرا از حُجّاج خانه با حرمت خویش قرار دهی؛ از آنان که حجّشان پذیرفته، تلاششان پاداش یافته، و گناهانشان آمرزیده است؛ و از تو می خواهم که عمرم را در اطاعت خویش بلند گردانی و روزیِ مرا گسترده سازی ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

ب أدعِيَهُ العِشرينَ رَكعَةً528.سنن ابن ماجه عن أنس :السيّد ابن طاووس قدس سره فى الإقبال :وها نَحنُ نَبدَأُ بَينَ كُلِّ رَكعَهٍ بِدَعَواتٍ مُختَصَراتٍ (1) ، نَنقُلُها مِن خَطِّ جَدّى أبى جَعفَرٍ الطّوسِىِّ ، أمَدَّهُ اللّهُ تَعالى بِالرَّحَماتِ وَالعِناياتِ .

فَمِنها فى تَهذيبِ الأَحكامِ وغَيرِهِ عَنِ الصّادِقِ عليه السلام :

[1 و 2] «إذا صَلَّيتَ المَغرِبَ ونَوافِلَها فَصَلِّ الثَّمانِىَ رَكَعاتِ الَّتى بَعدَ المَغرِبِ ، فَإذا صَلَّيتَ رَكعَتَينِ فَسَبِّح تَسبيحَ الزَّهراءِ عليهاالسلام بَعدَ كُلِّ رَكعَتَينِ ، وقُل :

اللّهُمَّ أنتَ الأَوَّلُ فَلَيسَ قَبلَکَ شَىءٌ ، وأنتَ الآخِرُ فَلَيسَ بَعدَکَ شَىءٌ ، وأنتَ الظّاهِرُ فَلَيسَ فَوقَکَ شَىءٌ ، وأنتَ الباطِنُ فَلَيسَ دونَکَ شَىءٌ ، وأنتَ العَزيزُ الحَكيمُ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأدخِلنى فى كُلِّ خَيرٍ أدخَلتَ فيهِ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ ، وأخرِجنى مِن كُلِّ سُوءٍ أخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ ، وَالسَّلامُ عَلَيهِ وعَلَيهِم ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ » (2) ... .

[3 و 4] ثُمَّ تُصَلّى رَكعَتَينِ ، وتَقولُ بَعدَهُما ما نَقَلناهُ مِن خَطِّ جَدّى أبى جَعفَرٍ الطّوسِىِّ بِإسنادِهِ عَنِ الصّادِقِ عليه السلام :

الحَمدُ للّهِ الَّذى عَلا فَقَهَرَ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى مَلَکَ فَقَدَرَ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى بَطَنَ فَخَبَرَ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى يُحيِى المَوتى ، ويُميتُ الأحياءَ ، وهُوَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى تَواضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِعَظَمَتِهِ ، وَالحَمُد للّهِ الَّذى ذَلَّ كُلُّ شَىءٍ لِعِزَّتِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذِى استَسلَمَ كُلُّ شَىءٍ لِقُدرَتِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى خَضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِمَلَكَتِهِ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى يَفعَلُ مايَشاءُ ولايَفعَلُ ما يَشاءُ غَيرُهُ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأدخِلنى فى كُلِّ خَيرٍ أدخَلتَ فيهِ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ ، وأخرِجنى مِن كُلِّ سوءٍ أخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وعَلَيهِم ، وَالسَّلامُ عَلَيهِ وعَلَيهِم ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ وسَلَّمَ تَسليماً كَثيراً (3) ... .

[5 و 6] ثُمَّ تُصَلّی رَکعَتَینِ ، وتَقولُ بَعدَهُما ما نَقَلناهُ مِن خَطَ جَدّی أبی جَعفَرٍ الطّوسِیِّ رحمه الله مِمّا رَواهُ عَنِ الصّادِقِ علیه السلام :

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِمَعانی جَمیعِ ما دَعاکَ بِهِ عِبادُکَ الَّذینَ اصطَفَیتَهُم لِنَفسِکَ ، المَأمونونَ عَلی سِرِّکَ ، المُحتَجِبونَ بِغَیبِکَ ، المُستَسِرّونَ بِدینِکَ المُعلِنونَ بِهِ ، الواصِفونَ لِعَظَمَتِکَ ، المُنَزَّهونَ (4) عَن مَعاصیکَ ، الدّاعونَ إلی سَبیلِکَ ، السّابِقونَ فی عِلمِکَ ، الفائِزونَ بِکَرامَتِکَ .

أدعوکَ عَلی مَواضِعِ حُدودِکَ وکَمالِ طاعَتِکَ ، وبِما یَدعوکَ بِهِ وُلاهُ أمرِکَ ، أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَفعَلَ بی ما أنتَ أهلُهُ ، ولا تَفعَل بی ما أنَا أهلُهُ (5) ... .

[7 و 8] ثُمَّ تُصَلِّی رَکعَتَینِ ، وتَقولُ ما نَقَلناهُ مِن خَطِّ جَدّی أبی جَعفَرٍ الطّوسِیِّ مِمّا رَواهُ عَن مَولانَا الصّادِقِ علیه السلام :

یا ذَا المَنِّ لا یُمَنُّ (6) عَلَیکَ ، یا ذَا الطَّولِ لا إلهَ إلاّ أنتَ ، ظَهرُ اللاّجینَ ، ومَأمَنُ الخائِفینَ ، وجارُ المُستَجیرینَ ، إن کانَ فی اُمِّ الکِتابِ عِندَکَ أنّی شَقِیٌّ أو مَحرومٌ أو مُقتَّرٌ عَلَیَّ رِزقی ، فَامحُ مِن اُمِّ الکِتابِ شَقائی وحِرمانی وإقتارِ رِزقی ، واکتُبنی عِندَکَ سَعیداً مُوَفَّقاً لِلخَیرِ مُوَسَّعاً عَلَیَّ فی رِزقِکَ .

فَإنَّکَ قُلتَ فی کِتابِکَ المُنزَلِ عَلی لِسانِ نَبِیِّکَ المُرسَلِ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وآلِهِ : «یَمْحُواْ اللَّهُ مَا یَشَآءُ وَ یُثْبِتُ وَ عِندَهُو أُمُّ الْکِتَبِ» (7) ، وقُلتَ : «وَرَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ» (8) وأنَا شَیءٌ فَلتَسَعنی رَحمَتُکَ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ ، وصَلِّ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ . (9)

وَادعُ بِما بَدالَکَ ... .

فَإذا فَرَغتَ مِنَ الدُّعاءِ سَجَدتَ وقُلتَ فی سُجودِکَ ، ما نَقَلناهُ مِن خَطِّ جَدّی أبی جَعفَرٍ الطّوسِیِّ رحمه الله :

اللّهُمَّ أغنِنی بِالعِلمِ ، وزَیِّنّی بِالحِلمِ ، وکَرِّمنی بِالتَّقوی ، وجَمِّلنی بِالعافِیَهِ ، یا وَلِیَّ العافِیَهِ ، عَفوَکَ عَفوَکَ مِنَ النّارِ .

فَإذا رَفَعتَ رَأسَکَ فَقُل :

یا أللّهُ یا أللّهُ یا أللّهُ ، أسأَلُکَ یا لا إلهَ إلاّ أنتَ ، بِاسمِکَ بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ ، یا رَحمانُ ، یا أللّهُ یا رَبِّ ، یاقَریبُ یا مُجیبُ ، یا بَدیعَ السَّماواتِ

وَالأرضِ ، يا ذَا الجَلالِ وَالإكرامِ ، يا حَنّانُ يا مَنّانُ ، يا حَيُّ يا قَيّومُ .

أسأَلُکَ بِکُلِّ اسمٍ هُوَ لَکَ تُحِبُّ أن تُدعى بِهِ ، وبِکُلِّ دَعوَةٍ دَعاکَ بِها أحَدٌ مِنَ الأَوَّلينَ وَالآخِرينَ فَاستَجَبتَ لَهُ ، أن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَصرِفَ قَلبى إلى خَشيَتِکَ ورَهبَتِکَ وأن تَجعَلَنى مِنَ المُخلَصينَ ، وتُقَوِّيَ أرکانى کُلَّها لِعِبادَتِکَ ، وتَشرَحَ صَدرى لِلخَيرِ وُالتُّقى ، وتُطلِقَ لِسانى لِتِلاوَةِ کِتابِکَ ، يا وَلِيَّ المُؤمِنينَ ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ .

وَادعُ بِما أحبَبتَ . ثُمَّ صَلِّ العِشاءَ الآخِرَةَ وَما يَتَعَقَّبُها . (10) .

1- .أقول : أورد فى الإقبال بعد هذه الأدعيه المختصره أدعيه أُخرى مفصّله من كتاب محمّد بن أبى قرّه فى عمل شهر رمضان ، فمن أرادها فلينظر الإقبال : 1 / 81 110 .
2- .الإقبال : 1 / 81 ، تهذيب الأحكام : 3 / 71 / 229 عن علىّ بن حسّان عن بعض أصحابه عن رجل ، مصباح المتهجّد : 542 / 629 كلاهما نحوه ، بحارالأنوار : 97 / 359 / 1 .
3- .الإقبال : 1 / 85 ، تهذيب الأحكام : 3 / 71 / 230 عن علىّ بن حسّان عن بعض أصحابه عن رجل ، مصباح المتهجّد : 543 / 630 ، بحارالأنوار : 97 / 362 / 1 .
4- .فى تهذيب الأحكام ونسخه أُخرى : «المتنزّهون» .
5- .الإقبال : 1 / 87 ، تهذيب الأحكام : 3 / 72 / 231 عن عيسى بن بشير عن رجل ، مصباح المتهجّد : 543 / 631 ، بحارالأنوار : 97 / 363 / 1 .
6- .فى المصادر الأُخرى : «لامنّ» .
7- .الرعد : 39 .
8- .الأعراف : 156 .
9- .الإقبال : 1 / 92 ، تهذيب الأحكام : 3 / 72 / 232 عن ذريح بن محمّد بن يزيد المحاربى ، مصباح المتهجّد : 544 / 632 ، بحارالأنوار : 97 / 367 / 1 .
10- .الإقبال : 1 / 94 ، تهذيب الأحكام : 3 / 73 ذيل ح 232 ، مصباح المتهجّد : 544 / 633 و 634 كلاهما من دون إسناد إلى المعصوم ، بحارالأنوار : 97 / 368 / 1 .

ب دعاهای بیست رکعت529.مسند ابن حنبل عن ابن عبّاس :سیّد ابن طاووس در الإقبال :آغاز می کنیم به بیان دعاهای کوتاه (1) بین هر رکعت. اینها را از خطّ جدّم ابوجعفر طوسی که خداوند ، پیوسته با رحمت ها و عناياتش او را یاری کند نقل می کنم. پس ، از جمله آنهاست در تهذیب الأحکام و غیر آن ، از امام صادق علیه السلام که:

[1 و 2] «چون نماز مغرب و نوافل آن را خواندی ، هشت رکعت مربوط به پس از مغرب را بخوان. چون دو رکعت را خواندی ، تسبیح [حضرت] زهرا علیهاالسلامرا پس از هر دو رکعت بگو و بگو:

خداوندا! تو نخستینی و پیش از تو چیزی نیست؛ و تو واپسینی و پس از تو چیزی نیست؛ و تو آشکاری و برتر از تو چیزی نیست؛ و تو نهانی و فروتر از تو چیزی نیست؛ و تو توانمند حکیمی.

خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا در هر خیری که محمّد و خاندان محمّد را در آن وارد کرده ای ، وارد کن و مرا از هر بدی که محمّد و خاندان محمّد را از آن برون آورده ای ، بیرون آور! و سلام و رحمت و برکات خداوند ، بر او و آنان باد!»... .

[3 و 4] سپس دو رکعت نماز می خوانی و پس از آن ، آنچه را از خطّ جدّم ابو جعفر طوسی (با سند خود ، از امام صادق علیه السلام) نقل کرده ایم ، می گویی:

«سپاس ، خدایی را که چیره شد و حاکم گشت. سپاس ، خدایی را که مالک شد و توانا گشت. سپاسْ خدایی را که نهان شد و آگاه گشت. سپاس ، خدایی را که مردگان را زنده می کند و زندگان را می میراند و او بر هر چیز ، تواناست. سپاس ، خدایی را که هر چیز در برابر بزرگی اش فروتن است. سپاس ، خدایی را که هر چیز در برابر اقتدارش خوار است. سپاس ، خدایی را که هر چیز ، تسلیم قدرت اوست. سپاس ، خدایی را که هر چیز در برابر فرمان روایی اش خاضع است. سپاس ، خدایی را که آنچه بخواهد ، انجام می دهد و آنچه دیگری بخواهد ، انجام نمی دهد.

خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا در هر خیری که محمّد و خاندان محمّد را در آن وارد کرده ای، وارد کن و مرا از هر بدی که محمّد و خاندان محمّد را درود خدا بر او و بر آنان باد از آن برون آورده ای ، بیرون آور! سلام و رحمت و برکات الهی بر او و آنان باد و خداوند ، درود فراوان نثارشان سازد!...».

[5 و 6] سپس دو رکعت نماز می خوانی و پس از آن ، آنچه را از خطّ جدّم ابو جعفر طوسی (به روایت از امام صادق علیه السلام) نقل کرده ایم ، می خوانی:

«خداوندا! از تو می خواهم ، به معانی همه آنچه بندگانت تو را به آن خوانده اند؛ آنان که ایشان را برای خود برگزیده ای ، آنان که امین راز تو ، نگهبان غیب تو ، رازدار دین تو و آشکارسازنده آن ، ستایشگران عظمت تو ، وارستگان از نافرمانی تو ، دعوتگران به راه تو ، پیشتازان در علم تو ، و کامیابان به کرامت تو اند.

تو را می خوانم [با تکیه] بر جایگاه های حدودت و کمال اطاعتت و به آنچه صاحبان فرمانت تو را به آن می خوانند ، که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و با من چنان کنی که تو شایسته آنی و با من چنان نکنی که من شایسته آنم...».

[7 و 8] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از خطّ جدّم ابو جعفر طوسی (به روایت از مولای ما امام صادق علیه السلام) نقل کرده ایم ، می گویی:

«ای صاحب منّتی که بر تو منّت نمی نهند! ای قدرتمند صاحب عطایی که جز تو معبودی نیست ، [همان]پشتوانه پناهندگان ، پناهگاه بیمناکان ، و پناه پناهجویانی! اگر در کتاب اصلی (لوح محفوظ) نزد تو ، چنین است که من بدبخت یا محرومم و روزی ام اندک است ، پس ، بدبختی و محرومیّت و کمیِ روزی ام را از آن کتاب بزدای و مرا نزد خود ، سعادتمند و موفّق به نیکی و پر روزی قرار بده؛ همانا تو در کتاب خویش که بر زبان پیامبرِ فرستاده ات که درود تو بر او و خاندانش باد نازل کرده ای ، فرموده ای: « خداوند ، آنچه را بخواهد ، محو می کند و ثابت می کند و کتاب اصلی نزد اوست» . و فرموده ای: « و رحمت من ، هر چیز را فرا گرفته است » من نیز چیزی هستم. پس ، رحمتت فراگیر من نیز باشد ، ای مهربان ترینِ

مهربانان! و بر سرورمان ، محمّد و خاندان محمّد درود فرست!» و آنچه خواستی ، دعا کن.

چون از دعا فارغ شدی ، سجده می کنی و در سجده ات آنچه را از خطّ جدّم ابو جعفر طوسی نقل کرده ایم ، می گویی:

«خداوندا! با دانش ، بی نیازم کن؛ با حلم ، مرا بیارای؛ با تقوا کرامتم بخش؛ و با عافیت ، آراسته ام کن. ای صاحب عافیت! عفو تو را ، عفو تو را از آتش می طلبم».

پس چون سرت را بالا آوردی ، بگو:

«ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند! از تو می خواهم ای که معبودی جز تو نیست به نام تو ، به نام خداوند بخشنده مهربان ، ای بخشنده ، ای خداوند ، ای پروردگار! ای نزدیک ، ای اجابت کننده! ای آفریننده آسمان ها و زمین! ای شکوهمند بزرگوار! ای دلسوز ، ای نیکی کننده! ای زنده ، ای پا برجا!

از تو می خواهم به هر نامی که داری و دوست می داری تو را به آن بخوانند ، و به هر دعایی که هر یک را اوّلین و آخرین ، تو را به آن خوانده است و جوابش داده ای ، که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و دلم را به خشیت و هراس از خود برگردانی و مرا از برگزیدگان قرار دهی و همه اعضایم را برای پرستشت نیرو دهی و سینه ام را برای نیکی و پرهیزگاری گشاده سازی و زبانم را برای خواندن کتابت گویا گردانی. ای سرپرست مؤمنان! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست» و آنچه خواستی ، دعا کن.

سپس نماز عشا و آنچه را در پی آن است ، بخوان.

.

1- .در الإقبال (ج 1 ، ص 81 110) ، پس از این دعاهای کوتاه ، دعاهای مفصّل دیگری را از کتاب محمّد بن ابی قرّه در اعمال ماه رمضان آورده است.

ص: 666

..

..

ص: 668

..

ص: 669

..

530.مسند ابن حنبل عن إبن عباس :السيّد ابن طاووس قدس سره فى الإقبال :فَصلٌ فيما نَذكُرُهُ مِن تَرتيبِ نافِلَهِ شَهرِ رَمَضانَ بَعدَ العِشاءِ الآخِرَهِ وأدعِيَتِها فى كُلِّ لَيلَهٍ تَكونُ نافِلَتُها عِشرينَ رَكعَهً أيضاً :

[9 و 10] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ ، وتَقولُ بَعدَهُما ما نَقَلناهُ مِن خَطِّ جَدّى أبى جَعفَرٍ الطّوسِىِّ رحمه الله مِمّا رَواهُ عَنِ الصّادِقِ عليه السلام :

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِبَهائِکَ وجَلالِکَ وجَمالِکَ وعَظَمَتِکَ ونورِکَ وسَعَهِ رَحمَتِکَ ، وبِأسمائِکَ وعِزَّتِکَ ، وقُدرَتِکَ ومَشِيَّتِکَ ونَفاذِ أمرِکَ ، ومُنتَهى رِضاکَ وشَرَفِکَ وکَرَمِکَ ، ودَوامِ عِزِّکَ وسُلطانِکَ ، وفَخرِکَ وعُلُوِّ شَأنِکَ وقَديمِ مَنِّکَ،وعَجيبِ آياتِکَ،وفَضلِکَ وجودِکَ، وعُمومِ رِزقِکَ وعَطائِکَ وخَيرِکَ وإحسانِکَ ، وتَفَضُّلِکَ وَامتِنانِکَ ، وشَأنِکَ وجَبَروتِکَ ، وأسأَلُکَ بِجَميعِ مَسائِلِکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وتُنجِيَنى مِنَ النّارِ وتَمُنَّ عَلَىَّ بِالجَنَّهِ ، وتُوَسِّعَ عَلَىَّ مِنَ الرِّزقِ الحَلالِ الطَّيِّبِ ، وتَدرَأ عَنّى شَرَّ فَسَقَهِ العَرَبِ وَالعَجَمِ ، وتَمنَعَ لِسانى مِنَ الكَذِبِ ، وقَلبى مِنَ الحَسَدِ ، وعَينى مِنَ الخِيانَهِ ، فَإنَّکَ تَعلَمُ خائِنَهَ الأعيُنِ وما تُخفِى الصُّدورُ ، وتَرزُقَنى فى عامى هذا وفى کُلِّ عامٍ الحَجَّ وَالعُمرَهَ ، وتَغُضَّ بَصَرى وتُحصِنَ فَرجى ، وتُوَسِّعَ رِزقى وتَعصِمَنى مِن کُلِّ سوءٍ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ (1) ... .

[11 و 12] ثُمَّ تُصَلّى رَكعَتَينِ وتَقولُ ما نَقَلناهُ مِن خَطِّ جَدّى أبى جَعفَرٍ الطّوسِىِّ رحمه الله مِمّا رَواهُ عَنِ الصّادِقِ عليه السلام :

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ حُسنَ الظَنِّ بِکَ ، وَالصِّدقَ فِى التَّوَکُّلِ عَلَيکَ ، وأعوذُ بِکَ أن تَبتَلِيَنى بِبَلِيَّهٍ تَحمِلُنى ضَرورَتُها عَلَى التَّعَرُّضِ (2) بِشَىءٍ مِن مَعاصيکَ ، وأعوذُ بِکَ أن تُدخِلَنى فى حالٍ کُنتُ أو أکونُ فيها فى عُسرٍ أو يُسرٍ ، أظُنُّ أنَّ مَعاصِيَکَ أنجَحُ لى مِن طاعَتِکَ ، وأعوذُ بِکَ أن أقولَ قَولاً حَقّاً مِن (3) طاعَتِکَ أَلتَمِسُ بِهِ سِواکَ ، وأعوذُ بِکَ أن تَجعَلَنى عِظَهً لِغَيرى ، وأعوذُ بِکَ أن يَکونَ أحَدٌ أسعَدَ بِما آتَيتَنى بِهِ مِنّى ، وأعوذُ بِکَ أن أتَکَلَّفَ طَلَبَ ما لَم تَقسِم لى ، وما قَسَمتَ لى مِن قِسمٍ ، أو رَزَقتَنى مِن رِزقٍ ، فَآتِنى بِهِ فى يُسرٍ مِنکَ ، وعافِيَهٍ حَلالاً طَيِّباً .

وأعوذُ بِکَ مِن کُلِّ شَىءٍ زَحزَحَ بَينى وبَينَکَ ، أو باعَدَ بَينى وبَينَکَ ، أو نَقَصَ بِهِ حَظّى عِندَکَ ، أو صَرَفَ بِوَجهِکَ الکَريمِ عَنّى ، وأعوذُ بِکَ أن تَحولَ خَطيئَتى أو ظُلمى أو جُرمى ، أو إسرافى عَلى نَفسى وَاتِّباعُ هَوایَ وَاستِعمالُ (4)

شَهوَتی ، دونَ مَغفِرَتِکَ ورِضوانِکَ وثَوابِکَ ونائِلِکَ (5) وبَرَکاتِکَ ، ومَوعودِکَ الحَسَنِ الجَمیلِ عَلی نَفسِکَ (6) ... .

[13 و 14] ثُمَّ تُصَلِّی رَکعَتَینِ وتَقولُ ما نَقَلناهُ مِن خَطِّ جَدّی أبی جَعفَرٍ الطّوسِیِّ رحمه الله فیما رَواهُ عَنِ الصّادِقِ علیه السلام :

اللّهُمَّ إنّی أَسأَلُکَ بِعَزائِمِ مَغفِرَتِکَ وبِواجِبِ رَحمَتِکَ ، السَّلامَةَ مِن کُلِّ إثمٍ وَالغَنیمَةَ مِن کُلِّ بِرٍّ ، وَالفَوزَ بِالجَنَّهِ وَالنَّجاهَ مِنَ النّارِ .

اللّهُمَّ دَعاکَ الدّاعونَ ودَعَوتُکَ ، وسَأَلَکَ السّائِلونَ وسَأَلتُکَ ، وطَلَبَکَ الطّالِبونَ وطَلَبتُ إلَیکَ .

اللّهُمَّ أنتَ الثِّقَهُ وَالرَّجاءُ ، وإلَیکَ مُنتَهَی الرَّغبَهِ وَالدُّعاءِ فِی الشِّدَّهِ وَالرَّخاءِ .

اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ،وَاجعَلِ الیَقینَ فی قَلبی ، وَالنّورَ فی بَصَری،وَالنَّصیحَهَ فی صَدری ، وذِکرَکَ بِاللَّیلِ وَالنَّهارِ عَلی لِسانی، ورِزقاً واسِعاً غَیرَ مَمنونٍ (7) ولامَحظورٍ فَارزُقنی ، وبارِک لی فیما رَزَقتَنی ، واجعَل غِنایَ فی نَفسی ورَغبَتی فیما عِندَکَ ، بِرَحمَتِکَ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ (8) ... .

[15 و 16] وتُصَلِّی رَکعَتَینِ وتَقولُ مانَقَلناهُ مِن خَطِّ جَدّی أبی جَعفَرٍ الطّوسِیِّ رحمه الله فیما رَواهُ عَنِ الصّادِقِ علیه السلام :

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وفَرِّغنی لِما خَلَقتَنی لَهُ ولا تَشغَلنی بِما قَد تَکَلَّفتُ (9) لی بِهِ .

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ إیماناً لا یَرتَدُّ ، ونَعیماً لا یَنفَدُ ، ومُرافَقَهَ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وآلِهِ فی أعلی جَنَّهِ الخُلدِ .

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ رِزقَ یَومٍ بِیَومٍ لا قَلیلاً فَأَشقی ولا کَثیراً فَأَطغی .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَارزُقنی مِن فَضلِکَ ما تَرزُقُنی بِهِ الحَجَّ وَالعُمرَهَ فی عامی هذا ، وتُقَوِّینی بِهِ عَلَی الصَّومِ وَالصَّلاهِ ، فَإِنَّکَ أنتَ رَبّی ورَجائی وعِصمَتی ، لَیسَ لی مُعتَصَمٌ إلاّ أنتَ ، ولا رَجاءٌ غَیرَکَ ، ولا مَنجی (10) مِنکَ إلاّ إلَیکَ ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وآتِنی فِی الدُّنیا حَسَنَهً وفِی الآخِرَهِ حَسَنَهً ، وقِنی بِرَحمَتِکَ عَذابَ النّارِ (11) ... .

[17 و 18] ثُمَّ تُصَلَى رَكعَتَينِ وتَقولُ ما نَقَلناهُ مِن خَطَ جَدّى أبى جَعفَرٍ الطّوسِىِّ رحمه الله فيما رَواهُ عَنِ الصّادِقِ عليه السلام :

اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ کُلُّهُ (12) ولَکَ المُلکُ کُلُّهُ وبِيَدِکَ الخَيرُ کُلُّهُ ، وإلَيکَ يَرجِعُ الأمرُ کُلُّهُ عَلانِيَتُهُ وسِرُّهُ ، وأنتَ مُنتَهَى الشَّأنِ کُلِّهِ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِنَ الخَيرِ کُلِّهِ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الشَّرِّ کُلِّهِ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ورَضِّنى بِقَضائِکَ ، وبارِک لى فى قَدَرِکَ ، حَتّى لا اُحِبَّ تَعجيلَ ما أخَّرتَ ولا تَأخيرَ ما عَجَّلتَ .

اللّهُمَّ وأوسِع عَلَىَّ مِن فَضلِکَ وَارزُقنى بَرَکَتَکَ ، وَاستَعمِلنى فى طاعَتِکَ ، وتَوَفَّنى عِندَ انقِضاءِ أجَلى عَلى سَبيلِکَ ، ولا تُوَلِّ أمرى غَيرَکَ ، ولاتُزِغ (13) قَلبى بَعدَ إذ هَدَيتَنى وهَب لى مِن لَدُنکَ رَحمَةً إنَّکَ أنتَ الوَهّابُ (14) ... .

[19 و 20] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ وتَقولُ ما نَقَلناهُ مِن خَطِّ جَدّى أبى جَعفَرٍ الطّوسِىِّ فيما رَواهُ عَنِ الصّادِقِ عليه السلام ، قالَ : وكانَ يُسَمّيهِ الدُّعاءَ الجامِعَ :

بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، أشهَدُ أن لا إلهَ إلاَّ اللّهُ وَحدَهُ لاشَريکَ لَهُ وأشهَدُ أنَّ مُحَمّداً عَبدُهُ ورَسولُهُ ، آمَنتُ بِاللّهِ وبِجَميعِ رُسُلِ اللّهِ وبِجَميعِ ما اُنزِلَت بِهِ جَميعُ رُسُلِ اللّهِ ، وأنَّ وَعدَاللّهِ حَقٌّ ولِقاءَهُ حَقٌّ ، وصَدَقَ اللّهُ وبَلَّغَ المُرسَلونَ ، وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ . وسُبحانَ اللّهِ کُلَّما سَبَّحَ اللّهَ شَىءٌ وکَما يُحِبُّ اللّهُ أن يُسَبَّحَ ، وَالحَمدُ للّهِ کُلَّما حَمِدَ اللّهَ شَىءٌ وکَما يُحِبُّ اللّهُ أن يُحمَدَ ، ولا إلهَ إلاَّ اللّهُ کُلَّما هَلَّلَ اللّهَ شَىءٌ وکَما يُحِبُّ اللّهُ أن يُهَلَّلَ ، وَاللّهُ أکبَرُ کُلَّما کَبَّرَ اللّهَ شَىءٌ وکَما يُحِبُّ اللّهُ أن يُکَبَّرَ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مَفاتيحَ الخَيرِ وخَواتيمَهُ ، سَوابِغَهُ وفَوائِدَهُ وبَرَکاتِهِ ، مِمّا بَلَغَ عِلمَهُ عِلمى وما قَصُرَ عِن إحصائِهِ حِفظى .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَانهَج لى أسبابَ مَعرِفَتِهِ وَافتَح لى أبوابَهُ ، وغَشِّنى بَرَکاتِ رَحمَتِکَ ، ومُنَّ عَلَىَّ بِعِصمَةٍ عَنِ الإزالَهِ عَن دينِکَ ، وطَهِّر قَلبى مِنَ الشَّکِّ ، ولا تَشغَل قَلبى بِدُنيایَ وعاجِلِ مَعاشى عَنِ آجِلِ ثَوابِ آخِرَتى ، وَاشغَل قَلبى بِحِفظِ ما لا تَقبَلُ مِنّى جَهلَهُ ، وذَلِّل لِکُلِّ خَيرٍ لِسانى ، طَهِّر قَلبى مِنَ الرِّياءِ وَالسُّمعَهِ ولا تُجرِهِ فى مَفاصلى ، وَاجعَل عَمَلى خالِصاً لَکَ .

اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ الشَّرِّ وأنواعِ الفَواحِشِ کُلِّها ، ظاهِرِها وباطِنِها وغَفَلاتِها ، وجَمیعِ ما یُریدُنی بِهِ الشَّیطانُ الرَّجیمُ ، وما یُریدُنی بِهِ السُّلطانُ العَنیدُ ، مِمّا أحَطتَ بِعِلمِهِ ، وأنتَ القادِرُ عَلی صَرفِهِ عَنّی .

اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن طَوارِقِ الجِنِّ وَالإنسِ وزَوابِعِهِم وبَوائِقِهِم ومَکایِدِهِم ومَشاهِدِ الفَسَقَهِ مِنَ الجِنِّ وَالإنسِ ، وأن أستَزِلَّ عَن دینی فَتَفسُدَ عَلَیَّ آخِرَتی ، وأن یَکونَ ذلِکَ مِنهُم ضَرَراً عَلَیَّ فی مَعاشی ، أو تَعَرُّضَ بَلاءٍ یُصیبُنی مِنهُم لا قُوَّةَ لی بِهِ ، ولا صَبرَ لی عَلَی احتِمالِهِ ، فَلا تَبتَلِنی یا إلهی بِمُقاساتِهِ ، فَیَمنَعَنی ذلِکَ مِن ذِکرِکَ ویَشغَلَنی عَن عِبادَتِکَ ، أنتَ العاصِمُ المانِعُ والدّافِعُ الواقی مِن ذلِکَ کُلِّهِ .

أسأَلُکَ اللّهُمَّ الرَّفاهِیَهَ فی مَعیشَتی ما أبقَیتَنی ، مَعیشَهً أقوی بِها عَلی طاعَتِکَ وأبلُغُ بِها رِضوانَکَ ، وأصیرُ بِها بِمَنِّکَ إلی دارِ الحَیَوانِ غَداً .

اللّهُمَّ ارزُقنی رِزقاً حَلالاً یَکفینی ، ولا تَرزُقنی رِزقاً یُطغینی ، ولا تَبتَلِنی بِفَقرٍ أشقی بِهِ مُضَیَّقاً عَلَیَّ ، أعطِنی حَظّاً وافِراً فی آخِرَتی ، ومَعاشاً واسِعاً هَنیئاً مَریئاً فی دُنیایَ ، ولا تَجعَلِ الدُّنیا عَلَیَّ سِجناً ولا تَجعَل فِراقَها عَلَیَّ حُزناً ، أجِرنی مِن فِتنَتِها سَلیماً ، وَاجعَل عَمَلی فیها مَقبولاً ، وسَعیی فیها مَشکوراً .

اللّهُمَّ ، ومَن أرادَنی بِسوءٍ فَأَرِدهُ ، ومَن کادَنی فیها فَکِدهُ ، وَاصرِف عَنّی هَمَّ مَن أدخَلَ عَلَیَّ هَمَّهُ ، وَامکُر بِمَن مَکَرَ بی فَإِنَّکَ خَیرُ الماکِرینَ ، وَافقَأ عَنّی عُیونَ الکَفَرَهِ الظَّلَمَهِ الطُّغاهِ الحَسَدَهِ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ وأنزِل عَلَیَّ مِنکَ سَکینَهً ، وألبِسنی دِرعَکَ الحَصینَهَ وَاحفَظنی بِسِترِکَ الواقی ، وجَلِّلنی عافِیَتَکَ النّافِعَهَ ، وصَدِّق قَولی وفِعالی وبارِک لی فی أهلی ووُلدی ومالی ، وما قَدَّمتُ وما أخَّرتُ وما أغفَلتُ وما تَعَمَّدتُ وما تَوانَیتُ ، وما أعلَنتُ وما أسرَرتُ فَاغفِر لی یا أرحَمَ الرّاحِمینَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ کَما أنتَ أهلُهُ یا وَلِیَّ المُؤمِنینَ (15) ... .

ثُمَّ اسجُد وقُل : اللّهُمَّ أغنِنی بِالعِلمِ ، وزَیِّنّی بِالحِلمِ ، وکَرِّمنی بِالتَّقوی ، وجَمِّلنی بِالعافِیَهِ ، یا وَلِیَّ العافِیَهِ ، عَفوَکَ عَفوَکَ مِنَ النّارِ .

ثُمَّ إرفَع رَأسَکَ وقُل : یا أللّهُ یا أللّهُ یا أللّهُ ، أسأَلُکَ یا لا إلهَ إلاَّ أنتَ (16) ، أسأَلُکَ بِاسمِکَ بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ ، یا أللّهُ یا رَبُّ ، یا قَریبُ یا مُجیبُ ، یا بَدیعَ السَّماواتِ وَالأَرضِ ، یا ذَا الجَلالِ وَالإکرامِ ، یا حَنّانُ یا مَنّانُ ، یا حَیُّ یا قَیّومُ .

أسألَکَ بِکُلِّ اسمٍ هُوَ لَکَ تُحِبُّ أن تُدعی بِهِ ، وبِکُلِّ دَعوَهٍ دَعاکَ بِها أحَدٌ مِنَ الأوَّلینَ وَالآخِرینَ فَاستَجَبتَ لَهُ ، أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأن تَصرِفَ قَلبی إلی خَشیَتِکَ ورَهبَتِکَ ، وتَجعَلَنی مِنَ المُخلَصینَ ، وتُقَوِّیَ أرکانی کُلَّها لِعِبادَتِکَ ، وتَشرَحَ بِهِ صَدری لِلخَیرِ وَالتُّقی ، وتُطلِقَ لِسانی لِتِلاوَهِ کِتابِکَ یا وَلِیَّ المُؤمِنینَ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ وَافعَل بی کَذا وکَذا . وتَسألُ حَوائِجَکَ . (17) .

1- .الإقبال : 1 / 95 ، تهذیب الأحکام : 3 / 73 / ذیل ح 232 ، مصباح المتهجّد : 545 / 635 کلاهما من دون إسناد إلی المعصوم ، بحارالأنوار : 97 / 369 / 1 .
2- .فی تهذیب الأحکام : «التعوّد» ، وفی مصباح المتهجّد وبحار الأنوار : «التعوّذ» ، وفی نسخه اُخری للمصدر الخطیّه : «التغوّث» .
3- .فی نسخه اُخری : «فی» .
4- .فی تهذیب الأحکام ومصباح المتهجّد : «واستعجال» .
5- .النائل : العطاء (مجمع البحرین : 3 / 1850).
6- .الإقبال : 1 / 99 ، تهذیب الأحکام : 3 / 74 / 233 عن عبد اللّه بن السرّاج عن رجل ، مصباح المتهجّد : 546 / 636 ، بحارالأنوار : 97 / 372 / 1 .
7- .فی نسخه اُخری : «ممنوع» .
8- .الإقبال : 1 / 101 ، تهذیب الأحکام : 3 / 74 / 233 ، مصباح المتهجّد : 546 / 637 کلاهما من دون إسناد إلی المعصوم ، بحارالأنوار : 97 / 374 / 1 .
9- .فی تهذیب الأحکام : «تکفّلت» .
10- .فی نسخه اُخری : «ولا ملجأ ولا منجی ...» .
11- .الإقبال : 1 / 103 ، تهذیب الأحکام : 3 / 75 / 233 ، مصباح المتهجّد : 547 / 638 کلاهما من دون إسناد إلی المعصوم ، بحارالأنوار : 97 / 375 / 1 .
12- .فی نسخه اُخری : «ذلک المنّ کلّه» .
13- .لاتُزغ قلبی : أی لاتمله عن الإیمان (النهایه : 2 / 324) .
14- .الإقبال : 1 / 105 ، تهذیب الأحکام : 3 / 75 / 233 ، مصباح المتهجّد : 548 / 639 کلاهما من دون إسناد إلی المعصوم ، بحارالأنوار : 97 / 376 / 1 .
15- .الإقبال : 1 / 107 ، الکافی : 2 / 587 / 26 ولم یذکره فی أدعیه نوافل رمضان بل ذکره فی باب دعوات موجزات لجمیع الحوائج للدنیا والآخره ، تهذیب الأحکام : 3 / 76 / 234 وفیهما «عن أبی حمزه الثمالی

قال : أخذت هذا الدعاء عن أبی جعفر علیه السلام وکان یسمّیه : الدعاء الجامع» ، مصباح المتهجّد : 548 / 640 ، بحارالأنوار : 97 / 378 / 1 .
16- .فی نسخه اُخری : «بلا إله إلاّ أنت» .
17- .الإقبال : 1 / 110 ، تهذیب الأحکام : 3 / 77 / ذیل ح 234 ، مصباح المتهجّد : 550 / ذیل ح 640 وفیهما «ثُمّ تسجد وتدعو فی حال السجود بالدعاء المقدَّم ذکره» فقط ، بحارالأنوار : 97 / 380 / 1 .

531.صحیح البخاری عن أنس :سیّد ابن طاووس در الإقبال :فصلی است درباره چگونگی ترتیب نافله ماه رمضان پس از عشا (که در هر شب ، بیست رکعت است) و دعاهای مربوط به آن.

[9 و 10] سپس دو رکعت نماز می خوانی و پس از آن ، آنچه را از خطّ جدّم ابو جعفر طوسی (به روایت از امام صادق علیه السلام) نقل کرده ایم ، می گویی:

«خداوندا! از تو می خواهم به شُکوه و جلالت ، به زیبایی و عظمتت ، به نور و رحمت گسترده ات ، به نام ها و عزّتت ، به قدرت و خواست و نفوذ فرمانت ، به نهایت خرسندی و شرافت و بزرگواری ات ، به همیشگی عزّت و حکومتت ، به فخر و والایی مرتبه و احسان دیرین و نشانه های شگفتت ، به احسان و سخاوتت ، به فراگیری روزی و بخشش و خیر و احسانت ، به نیکی و نعمت دادنت ، و به شأن و جبروتت؛ و از تو می خواهم به همه آنچه از تو خواسته شده ، که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و مرا از آتش ، برهانی و با بهشت ، بر من منّت نهی و از روزیِ حلال و پاک ، روزی ام را گسترده کنی و شرّ تبهکاران عرب و عجم را از من دور سازی و زبانم را از دروغ ، دلم را از حسد ، و چشمم را از خیانت ، باز داری ؛ همانا تو چشم های خیانتکار (نگاه های پنهانی) و آنچه را در سینه هاست ، می دانی و امسال و هر سال ، حج و عمره روزی ام گردانی و چشمم را [از گناه]فرو پوشی و عفافم را نگه داری و روزی ام را وسعت بخشی و از هر بدی حفظم کنی ، ای مهربان ترینِ مهربانان !...» .

[11 و 12] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از خط جدّم ابو جعفر طوسی (به روایت از امام صادق علیه السلام) نقل کرده ایم ، می خوانی:

«خداوندا! از تو خوش گمانی به خودت و راستی در توکّل بر تو را می خواهم؛ و پناه می برم به تو از این که مرا به بلایی دچار سازی که از ناچاری ، در پی برخی نافرمانی هایت بروم؛ و پناه می برم به تو که مرا به حالتی وارد کنی که در آن حالت ، چه سختی ، باشد و چه آسانی ، چنین پندارم که نافرمانی ها نسبت به تو ، برایم سودمندتر از اطاعت تو است؛ و به تو پناه می برم که سخن حقّی را از طاعت تو برای به دست آوردن غیر تو بگویم؛ و پناه می برم به تو که مرا مایه پند دیگری سازی؛ و پناه می برم

به تو که با وجود آنچه به من داده ای ، کسی از من سعادتمندتر باشد؛ و پناه می برم به تو که خود را در پی آنچه قسمتم نکرده ای یا آنچه قسمتم کرده و یا روزی ام کرده ای ، به زحمت اندازم. پس مرا از پیش خودت ، روزیِ حلال و پاک همراه با آسانی و تن درستی عطا کن!

و پناه می برم به تو از هر چه میان من و تو فاصله اندازد یا مرا از تو دور سازد ، یا مایه کاهش بهره ام نزد تو گردد و یا روی بزرگوار تو را از من برگرداند؛ و پناه می برم به تو که خطایم یا ستمم یا جرمم ، یا اسرافم بر خویش یا پیروی از هوای نفْس و به کارگیری شهوتم ، بین من و آمرزش و خرسندی و پاداش و عطا و برکات تو و وعده زیبا و نیکی که بر خود قرار داده ای ، فاصله اندازد...».

[13 و 14] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از خطّ جدّم ابو جعفر طوسی (به روایت از امام صادق علیه السلام) نقل نموده ایم می گویی:

«خداوندا! از تو می خواهم به موجبات آمرزش و رحمت حتمی ات ، سلامت از هر گناه را و بهره مندی از هر نیکی و کامیابی به بهشت و نجات از آتش را .

خداوندا! دعاکنندگان ، تو را خواندند. من هم تو را خواندم. درخواست کنندگان از تو خواستند. من نیز از تو خواستم. جویندگان از تو طلبیدند. من هم به درگاهت خواسته آوردم.

خداوندا! تو اعتماد و امیدی؛ و نهایت خواستن (شوق) و دعا در سختی و آسودگی ، به سوی توست.

خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و یقین را در دلم ، روشنایی را در دیده ام ، خیرخواهی را در سینه ام و یاد شبانه روزی ات را بر زبانم قرار بده و روزیِ گسترده و بی منّت و مانع را روزی ام کن و در آنچه روزی ام کرده ای ، برکت قرار بده و بی نیازی ام را در جانم ، و اشتیاقم را به آنچه نزد توست ، قرار بده ، ای مهربان ترینِ مهربانان!...».

[15 و 16] و دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از خطّ جدّم ابو جعفر طوسی (به روایت از امام صادق علیه السلام) نقل کرده ایم ، می خوانی:

«خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا برای کاری فارغ ساز که مرا برای آن آفریده ای و به کاری مگمار که خود را به زحمت آن ، دچار ساخته ام.

خداوندا! از تو ، ایمانی بی برگشت ، نعمتی تمام ناشدنی ، و همنشینی با پیامبرت محمّد را که درود تو بر او و خاندانش باد در بالاترین مرتبه بهشت جاودان ، می خواهم.

خداوندا! از تو روزیِ روز به روز می خواهم ، نه اندک ، که به شقاوت افتم و نه زیاد ، که طغیان کنم.

خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و از نعمت خویش که روزی ام می کنی ، حج و عمره را در این سالْ روزی ام گردان و بر روزه و نماز ، نیرویم بخش ، که تویی تو پروردگارم و امید و نگهدارم. جز تو مرا نگهبانی نیست و جز به تو امیدم نیست و از تو ، جز به درگاه خودت ، راه نجاتی نیست. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا در دنیا حسنه و در آخرت ، حسنه عطا کن و به رحمتت از عذاب آتش ، نگاهم دار!».

[17 و 18] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از خطّ جدّم ابو جعفر طوسی (به روایت از امام صادق علیه السلام نقل) کرده ایم ، می گویی:

«خداوندا! همه ستایش ، از آنِ توست؛ همه پادشاهی ، برای توست؛ همه خیر ، در دست توست؛ همه کارها ، نهان و آشکارش ، به تو باز می گردد و تو پایانِ همه اموری.

خداوندا! از تو همه خیر را می طلبم و به درگاهت از همه بدی ها پناه می برم.

خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به تقدیر خویش راضی ساز و آنچه را مقدّر کرده ای ، برایم مبارک کن تا آن که تعجیل را در آنچه به تأخیر انداخته ای و تأخیر را در آنچه جلو انداخته ای ، دوست نداشته باشم.

خداوندا! از نعمت خویش بر من گشایشی بده و برکت خود را روزی ام کن و مرا در طاعت خویش به کار گیر و آن گاه که مهلتم به پایان می رسد ،

مرا در راه خودت بمیران و کارم را به جز خودت مسپار و دلم را پس از آن که هدایتم کردی ، به بیراهه مکشان و مرا از پیش خودت رحمتی عطا کن ! همانا تو بسیار بخشنده ای...».

[19 و 20] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از خطّ جدّم ابو جعفر طوسی (به روایت از امام صادق علیه السلام نقل) کرده ایم ، می گویی ، که امام علیه السلام نام آن را «دعای جامع» می نامید:

«به نام خداوند بخشنده مهربان. گواهی می دهم که جز خداوند ، معبودی نیست؛ یکتایی بی شریک است. و گواهی می دهم که محمّد ، بنده و فرستاده اوست. ایمان آوردم به خداوند و به همه فرستادگان خدا و به همه آنچه به تمام پیامبران الهی نازل شده است ، و به این که وعده خدا و دیدار او درست است ، و خداوند راست گفته و پیامبران ، ابلاغ کرده اند. و سپاس ، از آنِ خدای پروردگار جهانیان است. و منزّه است خداوند ، تا هر گاه که چیزی خدا را تسبیح گوید؛ و همان گونه که خداوند دوست دارد ، تسبیحش گویند. خدا را سپاس ، تا هر گاه که چیزی خدا را سپاس گوید؛ و همان گونه که خداوند دوست دارد ، سپاسش گویند. معبودی جز خدا نیست؛ تا هر گاه که چیزی به یکتایی اش گواهی دهد؛ و همان گونه که خدا دوست دارد ، یکتایش دانند. خدا بزرگ تر است ، تا هر گاه که چیزی خدا را بزرگ شمارد؛ و همان گونه که خدا دوست دارد ، بزرگش شمارند.

خداوندا ! از تو می خواهم همه گشاینده ها و پایان های نیکی را ، فراوانی و بهره ها و برکاتِ خیر را ، از آنچه دانش من به آن می رسد و آنچه ذهنم از شمارش آن نارساست .

خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست ، و اسباب شناخت او را برایم فراهم ساز ، و درهای آن را به رویم بگشای ، و مرا با برکات رحمتت بپوشان ، و با عصمتی که مرا از جدا شدن از دینت نگه می دارد ، بر من منّت بگذار ، و دلم از شک پاک کن ، و قلبم را با اشتغال به دنیای خودم و زندگی کنونی ام ، از ثواب آینده آخرتم غافل مساز ، و دلم را به حفظ چیزی بگمار که نادانی به آن را از من نمی پذیری ، و زبانم را برای هر نیکی رام گردان و دلم را از ریا و شهرت طلبی پاک کن ، و آنها را در اندامم جاری نساز ، و عملم را برای خودت خالص بگردان !

خداوندا ! به تو پناه می برم از بدی و از همه زشتی های گوناگون ، آشکار و نهانش ، و از غفلت هایش ، و از همه آنچه شیطانِ رانده ، از من می

خواهد و آنچه حکومت سرکش ، از من می طلبد؛ از آنچه تو به دانش آن احاطه داری ، و تو می توانی آن را از من برگردانی.

خداوندا! به تو پناه می برم از حوادث ناگوار شبانه از سوی جنّ و انس و سران آنان و از گرفتاری ها و نیرنگ هایشان و از جاهای حضور جنّ و انس فاسق ، و از این که از دینم لغزانده شوم و آخرتم بر من تباه شود و از این که آنان موجب زیان بر زندگی ام شوند ، یا از سوی آنان بلایی به من روی آورد که توانِ برگرداندنش و شکیبایی بر تحمّلش را نداشته باشم. پس ، خدایا! مرا دچار چشیدن آن گرفتاری ها مکن که مرا از یادت باز دارد و از عبادتت مشغول سازد! تویی نگهدارنده بازدارنده و دفع کننده نگهدار از همه اینها .

خداوندا! تا مرا باقی می داری ، از تو آسایش در زندگی را می خواهم؛ چنان زندگی ای که با آن بر عبادتت توانا شوم و با آن به رضایت تو برسم و به سبب آن با نعمت تو فردا به سرای زندگی برسم.

خداوندا! مرا روزیِ حلالی که کفایتم کند ، روزی کن. و روزی ای که مرا به طغیان کشد ، روزی ام مکن؛ مرا به فقری دچار نساز که بر من تنگ آید و با آن به شقاوت افتم؛ مرا بهره ای سرشار در آخرتم ببخش؛ زندگی گسترده ، گوارا و دل نشین در دنیا عطایم کن؛ دنیا را برایم زندان و جدایی از آن را برایم مایه اندوه قرار مده؛ مرا از فتنه آن ، سالم در پناه خویش بگیر؛ و عملم را در دنیا پذیرفته و تلاشم را در آن پاداش یافته قرار بده!

خداوندا! هر کس اندیشه بد نسبت به من دارد ، در اندیشه او باش و هر کس با من نیرنگ می زند ، به او نیرنگ بزن؛ اندوه کسی که اندوهش را بر من وارد می کند ، از من دور گردان؛ و هر که به من مکر می کند ، به او مکر کن که تو بهترینِ مکرکنندگانی؛ و چشم کافران ستمگر و طغیان گران حسود را به جهت آسیب رسانی به من ، کور ساز!

خداوندا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و از پیش خود آرامشی بر من فرود آر و زِره استوار و نگه دارنده ات را بر من بپوشان و با پوشش حفظ کننده ات مرا نگه دار و عافیت سودمندت را بر من افکن و گفتار و کردارم را راست گردان و در خانواده و فرزندان و مالم برکت قرار بده و گناهانی را که در گذشته و آینده دارم و آنچه از روی غفلت ، یا عمد ، یا سستی ، آشکار یا نهان از من ، سر زده ، بیامرز ، ای مهربان ترینِ مهربانان! بر

محمّد و خاندان پاک و طاهر او ، همان گونه که سزاواری ، درود فرست ، ای سرپرست مؤمنان !...».

سپس سجده کن و بگو:

«خداوندا ! با دانش ، بی نیازم کن و با بردباری ، آراسته ام کن و با تقوا گرامی ام دار و با عافیت ، زیبایم ساز. ای صاحب عافیت ! عفو تو را ، عفو تو را از آتش می طلبم».

سپس سرت را بردار و بگو:

«ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ! از تو می خواهم ، ای آن که معبودی جز تو نیست ! از تو می خواهم به نامت ، به نام خداوند بخشنده مهربان ، ای خداوند ، ای پروردگار ! ای نزدیک ، ای اجابت کننده ! ای پدیدآورنده آسمان ها و زمین ! ای صاحب شُکوه و بزرگواری ! ای دلسوز ، ای اهل احسان ! ای زنده ، ای پایدار !

از تو می خواهم به هر نامی که دوست داری با آن خوانده شوی ، و به هر دعایی که یکی از اوّلین و آخرین ، تو را به آن خوانده است و جوابش داده ای که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و دلم را به خشیت و هراس از خودت برگردانی و مرا از برگزیدگان قرار دهی و همه اعضایم را برای پرستش خودت نیرو دهی و سینه ام را برای نیکی و تقوا گشاده سازی و زبانم را برای تلاوت کتاب خود گویا سازی. ای سرپرست مؤمنان ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و با من چنین و چنان کن !» و حاجت های خود را می طلبی. .

ص: 672

. .

ص: 673

. .

ص: 674

..

ص: 675

..

ص: 676

..

ص: 677

..

ص: 678

..

ص: 679

..

ص: 680

. .

ص: 681

..

ص: 682

. .

ص: 683

. .

ج أدعِيَهُ الثَّمانينَ رَكعَةً تَمام المِئَهِ528.سنن ابن ماجه (به نقل از اَنَس بن مالک) السيّد ابن طاووس قدس سره فى الإقبال :قَد رُوِىَ أنَّ هذِهِ المِئَهَ رَكعَهٍ تُصَلّى فِى كُلِّ لَيلَهٍ مِنَ المُفرَدات ، كُلُّ رَكعَهٍ بِ «الحَمدِ» مَرَّهً ، و «قُلْ هُوَ اللّهُ أحَدٌ» عَشرَ مَرّاتٍ .

وإن قَويتَ عَلى ذلِکَ فَاعمَل عَلَيهِ ، وَاغتَنِم أيُّهَا العَبدُ المَيِّتُ الفانى ما يَبلُغُ اجتِهادُکَ عَلَيهِ ؛ فَإنَّ سَمَّ الفَناءِ يَسرِى إلَى الأعضاءِ مُذ خَرَجتَ إلى دارِ الفَناءِ ، وآخِرُهُ هُجومُ المَماتِ وَانقِطاعُ الأعمالِ الصّالِحاتِ وأن تَصيرَ مِن جُملَهِ القُبورِ الدّارِساتِ المَهجوراتِ ، فَبادِر إلَى السَّعاداتِ الدّائِماتِ .

فَصَلِّ ما تَقَدَّمَ ذِكرُهُ مِنَ العِشرينَ رَكعَهً وأدعِيَتِها ، وسَبِّح تَسبيحَ الزَّهراءِ عليهاالسلامبَينَ كُلِّ رَكعَتَينِ مِن جَميعِ الرَّكَعاتِ ، ثُمَّ قُم فَصَلِّ الثَّمانينَ رَكعَهً الباقِياتِ .

[21 و22] تُصَلِّى رَكعَتَينِ وتَقولُ :

يا حَسَنَ البَلاءِ عِندى ، يا قَديمَ العَفوِ عَنّى ، يا مَن لا غِناءَ لِشَىءٍ عَنهُ ، يا مَن لا بُدَّ لِشَىءٍ مِنهُ ، يا مَن مَرَدُّ كُلِّ شَىءٍ إلَيهِ ، يا مَن مَصيرُ كُلِّ شَىءٍ إلَيهِ ، تَوَلَّنى سَيِّدى ولا تُوَلِّ أمرى شِرارَ خَلقِکَ ، أنتَ خالِقى ورازِقى يا مَولاىَ ، فَلا تُضَيِّعنى .

[23 و 24] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ وتَقولُ :

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجعَلنى مِن أوفَرِ عِبادِکَ نَصيباً مِن كُلِّ خَيرٍ أنزَلتَهُ فى هذِهِ اللَّيلَهِ أو أنتَ مُنزِلُهُ ، مِن نورٍ تَهدى بِهِ أو رَحمَهٍ تَنشُرُها ، ومِن رِزقٍ تَبسُطُهُ ومِن ضُرٍّ تَكشِفُهُ ، ومِن بَلاءٍ تَرفَعُهُ ومِن سوءٍ تَدفَعُهُ ومِن فِتنَهٍ تَصرِفُها ، وَاكتُب لى ما كَتَبتَ لِأولِيائِکَ الصّالِحينَ الَّذينَ استَوجَبوا مِنکَ الثَّوابَ ، وأمِنوا بِرِضاکَ عَنهُم مِنکَ العَذابَ .

يا كَريمُ يا كَريمُ يا كَريمُ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وعَجِّل فَرَجَهُم ، وَاغفِر لى ذَنبى ، وبارِک لى فى كَسبى ، وقَنِّعنى بِما رَزَقتَنى ، ولا تَفتِنّى بِما زَوَيتَ عَنّى .

[25 و 26] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ وتَقولُ :

اللّهُمَّ إلَیکَ نَصَبتُ یَدی ، وفیما عِندَکَ عَظُمَت رَغبَتی ، فَاقبَل یا سَیِّدی تَوبَتی وَارحَم ضَعفی وَاغفِر لی وَارحَمنی ، وَاجعَل لی فی کُلِّ خَیرٍ نَصیباً وإلی کُلِّ خَیرٍ سَبیلاً .

اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِک مِنَ الکِبرِ ومَواقِفِ الخِزیِ فِی الدُّنیا وَالآخِرَهِ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر لی ما سَلَفَ مِن ذُنوبی ، وَاعصِمنی فیما بَقِیَ مِن عُمُری ، وأورِد عَلَیَّ أسبابَ طاعَتِکَ وَاستَعمِلنی بِها ، وَاصرِف عَنّی أسبابَ مَعصِیَتِکَ وحُل بَینی وبَینها ، وَاجعَلنی وأهلی ووُلدی ومالی فی وَدائِعِکَ الَّتی لا تَضیعُ ، وَاعصِمنی مِنَ النّار .

وَاصرِف عَنّی شَرَّ فَسَقَهِ الجِنِّ وَالإنس ، وشَرَّ کُلِّ ذی شَرٍّ ، وشَرَّ کُلِّ ضَعیفٍ أو شدَیدٍ مِن خَلقِکَ ، وشَرَّ کُلِّ دابَّهٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها ، إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ .

[27 و 28] ثُمَّ تُصَلِّی رَکعَتَینِ وتَقولُ :

اللّهُمَّ أنتَ مُتَعالِی الشَّأنِ ، عَظیمُ الجَبَروتِ شَدیدُ المِحالِ ، عَظیمُ الکِبریاءِ ، قادِرٌ قاهِرٌ ، قَریبُ الرَّحمَهِ ، صادِقُ الوَعدِ ، وَفِیُّ العَهدِ ، قَریبٌ مُجیبٌ،سامِعُ الدُّعاءِ، قابِلُ التَّوبَهِ ، مُحصٍ لِما خَلَقتَ ، قادِرٌ عَلی ما أرَدتَ، مُدرِکٌ مَن طَلَبتَ،رازِقٌ مَن خَلَقتَ ، شَکُورٌ إن شُکِرتَ ، ذاکِرٌ إن ذُکِرتَ.

فَأسأَلُکَ یا إلهی مُحتاجاً وأرغَبُ إلَیکَ فَقیراً ، وأتَضَرَّعُ إلَیکَ خائِفاً ، وأبکی إلَیکَ مَکروباً ، وأرجوکَ ناصِراً ، وأستَغفِرُکَ مُتَضَرِّعاً ، وأتَوَکَّلُ عَلَیکَ مُحتَسِباً ، وأستَرزِقُکَ مُتَوَسِّعاً .

وأسأَلُکَ یا إلهی أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَغفِرَ لی ذُنوبی ، وتَتَقَبَّلَ عَمَلی وتُیَسِّرَ مُنقَلَبی ، وتُفَرِّجَ قَلبی ، إلهی أسألُکَ أن تُصَدِّقَ ظَنّی ، وتَعفُوَ عَن خَطیئَتی وتَعصِمَنی مِنَ المَعاصی .

إلهی ضَعُفتُ فَلا قُوَّهَ لی ، وعَجَزتُ فَلا حَولَ لی ، إلهی جِئتُکَ مُسرِفاً عَلی نَفسی ، مُقِرّاً بِسوءِ عَمَلی ، قَد ذَکَرتُ غَفلَتی ، وأشفَقتُ مِمّا کانَ مِنّی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارضَ عَنّی ، وَاقضَ لی جَمیعَ حَوائِجی مِن حَوائِجِ الدُّنیا وَالآخِرَهِ ، یا أرحَمَ الرّاحِمینَ .

[29 و 30] ثُمَّ تُصَلِّی رَکعَتَینِ وتَقولُ :

اللّهُمَّ إنّي أسألَکَ العافِيَهَ مِن جَهدِ البَلاءِ وشَماتَهِ الأعداءِ ، وسوءِ القَضاءِ ودَرکِ الشَّقاءِ ، ومِنَ الضَّرَرِ فِی المَعيشَهِ ، وأن تَبتَلِيَنی بِبَلاءٍ لاطاقَهَ لی بِهِ ، أو تُسَلِّطَ عَلَیَّ طاغِياً ، أو تَهتِکَ لی سِتراً ، أو تُبدِیَ لی عَورَهً ، أو تُحاسِبَنی يَومَ القِيامَهِ مُقاصّاً أحوَجَ ما أکونُ إلی عَفوِکَ وتجَاوُزِکَ عَنّی .

فَأَسأَلُکَ بِوَجهِکَ الکَريمِ ، وکَلِماتِکَ التّامَّهِ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَجعَلَنی مِن عُتَقائِکَ وطُلَقائِکَ مِنَ النّارِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأدخِلنِی الجَنَّهَ وَاجعَلنی مِن سُکّانِها وعُمّارِها .

اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن سَفَعاتِ النّارِ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَارزُقنِی الحَجَّ والعُمرَهَ وَالصِّيامَ وَالصَّدَقَهَ لِوَجهِکَ .

ثُمَّ تَسجُدُ وتَقولُ فی سُجودِکَ : يا سامِعَ کُلِّ صَوتٍ ، ويا بارِئَ النُّفُوسِ بَعدَ المَوتِ ، ويا مَن لا تَغشاهُ الظُّلُماتُ ، ويا مَن لا تَتَشابَهُ عَلَيهِ الأَصواتُ ، ويا مَن لايَشغَلُهُ شَیءٌ عَن شَیءٍ ، أعطِ مُحَمَّداً أفضَلَ ما سَأَلَکَ ، وأفضَلَ ما سُئِلتَ لَهُ ، وأفضَلَ ما أنتَ مَسؤولٌ لَهُ ، وأسأَلُکَ أن تَجعَلَنی مِن عُتَقائِکَ وطُلَقائِکَ مِنَ النّارِ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجعَلِ العافِيَهَ شِعاری ودِثاری ، ونَجاهً لی مِن کُلِّ سوءٍ يَومَ القِيامَهِ .

[31 و32] ثُمَّ تُصَلِّی رَکعَتَينِ وتَقولُ :

أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلاّ أنتَ رَبُّ العالَمينَ ، أنتَ اللّهُ لا إلهَ إلاّ أنتَ العَلِیُّ العَظيمُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلاّ أنتَ العَزيزُ الحَکيمُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلاّ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلاّ أنتَ الرَّحمنُ الرَّحيمُ .

وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلاّ أنتَ مَلِکُ يَومِ الدّينِ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلاّ أنتَ مِنکَ بَدَأَ الخَلقُ وإلَيکَ يَعودُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلَهَ إلاّ أنتَ خالِقُ الجَنَّهِ وَالنّارِ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلاّ أنتَ خالِقُ الخَيرِ والشَّرِّ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلاّ أنتَ لَم تَزَلَ ولاتَزالُ .

وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلاّ أنتَ الواحِدُ الأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذی لَم يَلِد ولَم يولَد ولَم يَکُن لَهُ کُفُواً أَحَدٌ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلاّ أنتَ عالِمُ الغَيبِ وَالشَّهادَهِ الرَّحمنُ الرَّحيمُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلاّ أنتَ المَلِکُ القُدّوسُ السَّلامُ المُؤمِنُ المُهَيمِنُ العَزيزُ الجَبّارُ المُتَکَبِّرُ ، سُبحانَ اللّهِ عَمّا يُشرِکونَ .

وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلاّ أنتَ الخالِقُ البارِئُ المُصَوِّرُ لَکَ الأسماءُ الحُسنى يُسَبِّحُ لَکَ ما فِى السَّماواتِ وَالأرضِ ، وأنتَ اللّهُ العَزيزُ الحَکيمُ ، وأنتَ اللّهُ لا إلهَ إلاّ أنتَ وَالکِبرياءُ رِداؤُکَ .

ثُمَّ تُصَلّى عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وتَدعو بِما أحبَبتَ .

قالَ الشَّيخُ بِإسنادِهِ عَن أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام قالَ : «ما مِن مُؤمِنٍ يَسأَلُ اللّهَ بِهِنَّ ، ويُقبِلُ بِهِنَّ قَلبَهُ إلَى اللّهِ عز و جل إلاّ قَضَى اللّهُ عز و جل لَهُ حاجَتَهُ ، ولَو کانَ شَقِيّا رَجَوتُ أن يُحَوَّلَ سَعيداً» .

[33 و 34] ثُمَّ تُصَلِّى رَکعَتَينِ وتَقولُ ما رُوِىَ عَن أبى جَعفَرٍ عليه السلام :

لا إلهَ إلاَّ اللّهُ الحَليمُ الکَريمُ ، لا إلهَ إلاَّ اللّهُ العَلِىُّ العَظيمُ ، سُبحانَ اللّهِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبعِ ورَبِّ الأَرَضينَ السَّبعِ ورَبِّ العَرشِ العَظيمِ وَالحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِدِرعِکَ الحَصينَهِ ، وبِقُوَّتِکَ وعَظَمَتِکَ وسُلطانِکَ أن تُجيرَنى مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، ومَن شَرِّ کُلِّ جَبّارٍ عَنيدٍ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِحُبّى إيّاکَ وبِحُبّى رَسولَکَ وبِحُبّى أهلَ بَيتِ رَسولِکَ صَلَواتُکَ عَلَيهِ وعَلَيهِم ، يا خَيراً مِن أبى وأُمّى ومِنَ النّاسِ جَميعاً ، اِقدِر لى خَيراً مِن قَدَرى لِنَفسى ، وخَيراً لى مِمّا يَقدِرُ لى أبى وأُمّى ، أنتَ جَوادٌ لا يَبخَلُ وحَليمٌ لا يَعجَلُ وعَزيزٌ لا يُستَذَلُّ .

اللّهُمَّ مَن کانَ النّاسُ ثِقَتَهُ ورَجاءَهُ فَأَنتَ ثِقَتى ورَجائِى ، اقدِر لى خَيرَها عاقِبَةً ، ورَضِّنى بِما قَضيتَ لى ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وألبِسنى عافِيَتَکَ الحَصينَهَ ، وإنِ ابتَلَيتَنى فَصَبِّرنى وَالعافِيَهُ أحَبُّ إلَىَّ .

[35 و 36] ثُمَّ تُصَلّى رَکعَتَينِ وتَقولُ ما رُوِىَ عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عَن أبيهِ عَن عَلِىِّ بنِ الحُسَينِ عَن أميرِالمُؤمِنينَ عليهم السلام :

اللّهُمَّ إنَّکَ أعلَمتَ سَبيلاً من سُبُلِکَ ، فَجَعَلتَ فيهِ رِضاکَ ، ونَدَبتَ إلَيهِ أولِياءَکَ ، وجَعَلتَهُ أشرَفَ سُبُلِکَ عِندَکَ ثَواباً ، وأکرَمَها لَدَيکَ مَآباً ، وأحَبُّها إلَيکَ مَسلَکاً ، ثُمَّ اشتَرَيتَ فيهِ مِنَ المُؤمِنينَ أنفُسَهُم وأموالَهُم بِأنَّ لَهُمُ الجَنَّهَ ، يُقاتِلونَ فى سَبيلِکَ فَيَقتُلونَ ويُقتَلونَ وَعداً عَلَيکَ حَقّاً ، فَاجعَلنى مِمَّنِ اشتَرى فيهِ مِنکَ نَفسَهُ ، ثُمَّ وَفى لَکَ بِبَيعِهِ (1) الَّذى بايَعَکَ عَلَيهِ ، غَيرَ ناکِثٍ ولا ناقِضٍ عَهداً ، ولا مُبَدِّلٍ تَبديلاً ، إلاَّ استِنجازاً لِوَعدِکَ وَاستيجاباً لِمَحَبَّتِکَ ،

وتَقَرُّباً بِهِ إلَیکَ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجعَلهُ خاتِمَةَ عَمَلی ، وَارزُقنی فیهِ لَکَ وبِکَ مِنَ الوَفاءِ مَشهَداً توجِبُ لی بِهِ الرِّضا ، وتَحُطَّ عَنّی بِهِ الخَطایا .

اِجعَلنی فِی الأَحیاءِ المَرزوقینَ بِأَیدِی العُداهِ العُصاهِ ، تَحتَ لِواءِ الحَقِّ ورایَهِ الهُدی ، ماضِیاً عَلی نُصرَتِهِم قُدُماً غَیرَ مُوَلٍّ دُبُراً ، ولا مُحدِثٍ شَکّاً ، أعوذُ بِکَ عِندَ ذلِکَ مِنَ الذَّنبِ المُحبِطِ لِلأَعمالِ .

[37 و 38] ثمّ تُصَلّی رَکعَتَینِ ، وتَقولُ ما رُوِیَ عَن أبی عَبدِ اللّهِ عَن أبیهِ عَن عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ علیهم السلام :

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِرَحمَتِکَ الَّتی لا تُنالُ مِنکَ إلاّ بِالرِّضا وَالخُروجِ مِن مَعاصیکَ وَالدّخُولِ فیما یُرضیکَ ، نَجاةً مِن کُلِّ وَرطَهٍ ، وَالمَخرَجَ مِن کُلِّ کُفرٍ ، وَالعَفوَ عَن کُلِّ سَیِّئَهٍ یَأتی بِها مِنّی عَمدٌ ، أو زَلَّ بِها مِنّی خَطأٌ ، أو خَطَرَت بِها مِنّی خَطَراتٌ ، نَسیتُ أن أسأَلَکَ خَوفاً تُعینُنی بِهِ عَلی حُدودِ رِضاکَ .

وأسأَلُکَ الأَخذَ بِأَحسَنِ ما أعلَمُ ، وَالتَّرکَ لِشَرِّ ما أعلَمُ ، والعِصمَةَ مِن أن أعصِیَ وأنَا أعلَمُ أو أخطِئَ مِن حَیثُ لا أعلَمُ ، وأسأَلُکَ السَّعَةَ فِی الرِّزقِ ، وَالزُّهدَ فیما هُوَ وَبالٌ .

وأسأَلُکَ المَخرَجَ بِالبَیانِ مِن کُلِّ شُبهَهٍ ، وَالفَلجَ بِالصَّوابِ فی کُلِّ حُجَّهٍ ، وَالصِّدقَ فیما عَلَیَّ ولی ، وذَلِّلنی بِإعطاءِ النَّصَفِ مِن نَفسی فی جَمیعِ المَواطِنِ ، فِی الرِّضا وَالسَّخَطِ وَالتَّواضُعِ وَالفَضلِ ، وتَرکِ قَلیلِ البَغیِ وکَثیرِه فِی القَولِ مِنّی وَالفِعلِ .

وأسأَلُکَ تَمامَ النِّعمَهِ فی جَمیعِ الأَشیاءِ ، وَالشُّکرَ بِها حَتّی تَرضی وبَعدَ الرِّضا ، وَالخِیَرَهَ فیما یَکونُ فیهِ الخِیَرَهُ بِمَیسورِ جَمیعِ الأُمورِ لا بِمَعسورِها ، یا کَریمُ .

[39 و 40] ثُمَّ تُصَلِّی رَکعَتَینِ ، وتَقولُ ما رُوِیَ عَنِ الحُسَینِ بن عَلِیٍّ عَن أمیرِالمُؤمِنینَ علیهماالسلام :

الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمینَ وصَلَّی اللّهُ عَلی أطیَبِ المُرسَلینَ مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ اللّهِ ، المُنتَجَبِ الفاتِقِ الرّاتِقِ ، اللّهُمَّ فَخُصَّ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله بِالذِّکرِ المَحمودِ ، وَالحَوضِ المَوروِدِ ، اللّهُمَّ أعطِ مُحَمَّداً صَلَواتُکَ عَلَیهِ وآلِهِ الوَسیلَهَ وَالرَّفعَهَ وَالفَضیلَهَ ، وفِی المُصطَفَینِ مَحَبَّتَهُ ، وفِی العِلِّیِّینَ دَرَجَتَهُ ، وفِی المُقَرَّبینَ کَرامَتَهُ .

اللّهُمَّ أعطِ مُحَمَّداً صَلَواتُکَ عَلَیهِ وآلِهِ مِن کُلِّ کَرامَهٍ أفضَلَ تِلکَ الکَرامَهِ ، ومِن کُلِّ نَعیمٍ أوسَعَ ذلِکَ النَّعیمِ ، ومِن کُلِّ عَطاءٍ أجزَلَ ذلِکَ العَطاءِ ، ومِن کُلِّ یُسرٍ أیسَرَ ذلِکَ الیُسرِ ، ومِن کُلِّ قِسمٍ أوفَرَ ذلِکَ القِسمِ ، حَتّی لا یَکونُ أحَدٌ مِن خَلقِکَ أقرَبَ مِنهُ مَجلِساً ، ولا أرفَعَ مِنهُ عِندَکَ ذِکراً ومَنزِلَهً ، ولا أعظَمَ عَلَیکَ حَقّاً ، ولا أقرَبَ وَسیلَهً مِن مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وآلِهِ ، إمامِ الخَیرِ وقائِدِهِ وَالدّاعی إلَیهِ ، وَالبَرَکَهِ عَلی جَمیعِ العِبادِ وَالبِلادِ ورَحمَهٍ لِلعالَمینَ .

اللّهُمَّ اجمَع بَینَنا وبَینَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وآلِهِ فی بَردِ العَیشِ وبَردِ الرّوحِ ، وقَرارِ النِّعمَهِ ، وشَهوَهِ الأنفُسِ ، ومُنَی الشَّهَواتِ ، ونَعیمِ اللَّذّاتِ ، ورَجاءِ الفَضیلَهِ ، وشُهودِ الطُّمَأنینَهِ ، وسُؤدَدِ الکَرامَهِ ، وقُرَّهِ العَینِ ، ونَضرَهِ النَّعیمِ ، وبَهجَهٍ لا تُشبِهُ بَهَجاتِ الدُّنیا ، نَشهَدُ أ نَّهُ قَد بَلَّغَ الرِّسالَهَ ، وأدّی النَّصیحَهَ ، وَاجتَهَدَ لِلاُمَّهِ ، واُوذِیَ فی جَنبِکَ ، وجاهِد فی سَبیلِکَ ، وعَبدَکَ حَتّی أتاهُ الیَقینُ ، فَصَلِّ اللّهُمَّ عَلَیهِ وآلِهِ الطَّیّبینَ .

اللّهُمَّ رَبَّ البَلَدَ الحَرامِ ورَبَّ الرُّکنِ وَالمَقامِ ، ورَبَّ المَشعَرِ الحَرامِ ورَبَّ الحِلِّ وَالحَرامِ ، بَلِّغ روحَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وآلِهِ عَنّا السَّلامَ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی ملائِکَتِکَ المُقَرَّبینَ ، وعَلی أنبِیائِکَ المُرسَلینَ (ورُسُلِکَ أجمَعینَ) (2) ، وصَلِّ اللّهُمَّ عَلَی الحَفَظَهِ الکِرامِ الکاتِبینَ ، وعَلی أهلِ طاعَتِکَ مِن أهلِ السَّماواتِ السَّبعِ ، وأهلِ الأرَضینَ مِنَ المُؤمِنینَ أجمَعینَ .

فَإذا فَرَغتَ مِنَ الدُّعاءِ سَجَدتَ وقُلتَ : اللّهُمَّ إلَیکَ تَوَجَّهتُ وبِکَ اعتَصَمتُ وعَلَیکَ تَوَکَّلتُ ، اللّهُمَّ أنتَ ثِقَتی وأنتَ رَجائی ، اللّهُمَّ فَاکفِنی ما أهَمَّنی وما لا یُهِمُّنی ، وما أنتَ أعلَمُ بِهِ مِنّی ، عَزَّ جارُکَ وجَلَّ ثَناؤُکَ ولا إلهَ غَیرُکَ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وعَجِّل فَرَجَهُم .

ثُمَّ ارفَع رأسَکَ وقُل : اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِن کُلِّ شَیءٍ زَحزَحَ بَینی وبَینَکَ ، أو صُرِفَ بِهِ عَنّی وَجهُکَ الکَریمَ ، أو نَقَصَ بِهِ مِن حَظّی عِندَکَ .

اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، ووَفِّقنی لِکُلِّ شَیءٍ یُرضیکَ عَنّی ، ویُقَرِّبُنی إلَیکَ ، وَارفَع دَرَجَتی عِندَکَ ، وأعظِم حَظّی وأحسِن مَثوایَ ، وثَبِّتنی بِالقَولِ الثّابِتِ فِی الحَیاهِ الدُّنیا وفِی الآخِرَهِ ، ووَفِّقنی لِکُلِّ مَقامٍ مَحمودٍ تُحِبُّ أن تُدعی فیهِ بِأسمائِکَ ، وتُسأَلُ فیهِ مِن عَطائِکَ .

ربِّ لاتَکشِف عَنّی سِترَکَ ولا تُبدِ عَورَتی لِلعالَمینَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجعَلِ اسمی فی هذِهِ اللَّیلَهِ فِی السُّعَداءِ حَتّی تَتُمَّ الدُّعاءُ .

[41 و42] ثُمَّ تُصَلَى رَكعَتَينِ وتَقولُ :

اللّهُمَّ أنتَ ثِقَتى فى كُلِّ كَربٍ ، وأنتَ لى فى كُلِّ شَديدَهٍ ، وأنتَ لى فى كُلِّ أمرٍ نَزَلَ بى ثِقَهٌ وعُدَّهٌ ، كَم مِن كَربٍ يَضعُفُ عَنهُ الفُؤادُ ويَقِلُّ فيهِ الحيلَهُ ، ويَخذُلُ عَنهُ القَريبُ ويَشمَتُ بِهِ العَدُوُّ ، وتُعيينى فيهِ الاُمورُ ، أنزَلتُهُ بِکَ وشَکَوتُهُ إلَيکَ ، راغِباً إلَيکَ فيهِ عَمَّن سِواکَ ، فَفَرَّجتَهُ وکَشَفتَهُ وکَفَيتَنيهِ ، فَأنتَ وَلِيُّ کُلِّ نِعمَهٍ ، وصاحِبُ کُلِّ حاجَهٍ ، ومُنتَهى کُلِّ رَغبَهٍ ، لَکَ الحَمدُ کَثيراً ولَکَ المَنُّ فاضِلاً .

رَوى هذَا الدُّعاءَ ابنُ أبى عُمَيرٍ ، عَن حَفصِ بنِ البُختَرِىِّ ، عَن أبى عَبدِاللّهِ عليه السلامقالَ : کانَ مِن دُعاءِ النَّبِىِّ صلى الله عليه و آله يَومَ الأحزابِ : اللّهُمَّ أنتَ ثِقَتى إلى تَمامِ الدُّعاءِ .

[43 و44] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ وتَقولُ [ما رُوِىَ عَن أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام] :

يا مَن أظهَرَ الجَميلَ وسَتَرَ القَبيحَ ، يا مَن لَم يَهتِکِ السِّترَ ولَم يُؤاخِذ بِالجَريرَهِ ، يا عَظيمَ العَفوِ يا حَسَنَ التَّجاوُزِ ، يا واسِعَ المَغفِرَهِ ، يا باسِطَ اليَدَينِ بِالرَّحمَهِ .

يا صاحِبَ کُلِّ نَجوى ومُنتَهى کُلِّ شَکوى ، يامُقيلَ العَثَراتِ ، ياکَريمَ الصَفحِ ، يا عَظيمَ المَنِّ ، يا مُبتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبلَ استِحقاقِها ، يا رَبّاهُ يا سَيِّداهُ ، يا أمَلاهُ يا غايَهَ رَغبَتاهُ .

أسأَلُکَ بکَ يا أللّهُ أن لاتُشَوِّهَ خَلقى بِالنّارِ ، وأن تَقضِىَ لى حَوائِجَ آخِرَتى ودُنياىَ ، وتَفعَلَ بى کَذا وکَذا .

وتُصَلِّى عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وتَدعو بِما بَدا لَکَ .

[45 و46] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ وتَقولُ [ما رُوِىَ عَن أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام] :

اللّهُمَّ خَلَقتَنى فَأَمَرتَنى ونَهَيتَنى ، ورَغَّبتَنى فى ثَوابِ ما بِهِ أمَرتَنى ، ورَهَّبتَنى عِقابَ ما عَنهُ نَهَيتَنى ، وجَعَلتَ لى عَدُوّاً يَکيدُنى وسَلَّطتَهُ مِنّى عَلى ما لَم تُسَلِّطنى عَلَيهِ مِنهُ ، فَأسکَنتَهُ صَدرى وأجرَيتَهُ مَجرَى الدَّمِ مِنّى ، لا يَغفُلُ إن غَفَلتُ ولايَنسى إن نَسيتُ ، يُؤمِنُنى عَذابَکَ ويُخَوِّفُنى بِغَيرِکَ ، إن هَمَمتُ بِفاحِشَهٍ شَجَّعَنى ، وإن هَمَمتُ بِصالِحٍ ثَبَّطَنى ، يَنصِبُ لى بِالشَّهَواتِ ويَعرِضُ

لی بِها ، إن وَعَدَنی کَذَبَنی وإن مَنّانی قَنَّطَنی ، وإنِ اتَّبَعتُ هَواهُ أضَلّنی ، وإلاّ تَصرِف عَنّی کَیدَهُ یَستَزِلّنی ، وإلاّ تُفِلتنی مِن حَبائِلِهِ یَصُدَّنی ، وإلاّ تَعصِمنی مِنهُ یَفتِنّی . اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاقهَرِ سُلطانَهُ عَنّی بِسُلطانِکَ عَلَیهِ ، حَتّی تَحبِسَهُ عَنّی بِکَثرَهِ الدُّعاءِ لَکَ مِنّی ، فَأفوزَ فِی المَعصومینَ مِنهُ بِکَ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلاّ بِکَ .

رُوِیَ هذَا الدُّعاءُ وَالَّذی قَبلَهُ عَن أبی عَبدِاللّهِ علیه السلام .

[47 و 48] ثُمَّ تُصَلِّیَ رَکعَتَینِ ، وتَقولُ ما رُوِیَ عَن أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام :

یا أجوَدَ مَن أعطی ویا خَیرَ من سُئِلَ ، ویا أرحَمَ مَنِ استُرحِمَ ، ویا واحِدُ یا أحَدُ یا صَمَدُ ، یا مَن لَم یَلِد ولَم یولَد ولَم یَکُن لَهُ کُفُواً أحَدٌ ، یا مَن لَم یَتَّخِذ صاحِبَهً ولا وَلَداً ، یا مَن یَفعَلُ ما یَشاءُ ویَحکُمُ ما یُریدُ ، ویَقضی ما أحَبَّ ، یا مَن یَحولُ بَینَ المَرءِ وقَلبِهِ .

یا مَن هُوَ بِالمَنظَرِ الأَعلی ، یا مَن لَیسَ کَمَثلِهِ شَیءٌ یا سَمیعُ یا بَصیرُ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ،وأوسِع عَلَیَّ مِن رِزقِکَ الحَلالِ ما أکُفُّ بِهِ وَجهی، وأُؤَدّی بِهِ أمانَتی،وأصِلُ بِهِ رَحِمی ، ویَکونُ عَوناً لی عَلَی الحَجِّ وَالعُمرَهِ.

[49 و 50] ثُمَّ تُصَلِّی رَکعَتَینِ ، وتَقولُ ما رُوِیَ عَنِ الرِّضا علیه السلام :

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ فِی الأَوَّلینَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ فِی الآخِرینَ ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ فِی المَلاَ?الأعلی ، وصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ فِی النَّبِیِّینَ وَالمُرسَلینَ ، اللّهُمَّ أعطِ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله الوَسیلَهَ وَالشَّرَفَ وَالفَضیلَهَ وَالدَّرجَهَ الکَبیرَهَ .

اللّهُمَّ إنّی آمَنتُ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ولَم أرَهُ ، فَلا تَحرِمنی یَومَ القِیامَهِ رُؤیَتَهُ وَارزُقنی صُحبَتَهُ وتَوَفَّنی عَلی مِلَّتِهِ ، وَاسقِنی مِن حَوضِهِ مَشرَباً رَوِیّاً لا أظمَأُ بَعدَهُ أبَداً إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ .

اللّهُمَّ کَما آمَنتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وآلِهِ ولَم أرَهُ ، فَعَرِّفنی فِی الجِنانِ وَجهَهُ ، اللّهُمَّ بَلِّغ روحَ مُحَمَّدٍ عَنّی تَحِیَّهً کَثیرَهً وسَلاماً .

ثُمَّ ادعُ بِما بَدا لَکَ ، ثُمَّ اسجُد وقُل فی سُجودِکَ : اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ یا سامِعَ کُلِّ صَوتٍ ، ویا بارِئَ النُّفوسِ بَعدَ المَوتِ ، یا مَن لا تَغشاهُ الظُّلُماتُ ولاتَتَشابَهُ عَلَیهِ الأصواتُ ولا تُغَلِّطُهُ الحاجاتُ ، ویا مَن لا یَنسی شَیئاً لِشَیءٍ

ولا يَشغَلَهُ شَیءٌ عَن شَیءٍ ، أعطِ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وعَلَیهِم أفضَلَ ما سَأَلوا ، وخَیرَ ما سَأَلوکَ ، وخَیرَ ما سُئِلتَ لَهُم ، وخَیرَ ما سَأَلتُکَ لَهُم ، وخَیرَ ما أنتَ مَسؤولٌ لَهُم إلی یَومِ القِیامَهِ .

ثُمَّ ارفَع رَأسَکَ وَادعُ بِما أحبَبتَ .

[51 و 52] ثُمَّ تُصَلِّی رَکعَتَینِ ، وتَقولُ ما رُوِیَ عَن أبی عَبدِ اللّهِ عَن أبیهِ عَن آبائِهِ علیهم السلام عَن رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله :

اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ کُلُّهُ،اللّهُمَّ لا هادِیَ لِمَن أضلَلتَ ولا مُضِلَّ لِمَن هَدَیتَ، اللّهُمَّ لا مانِعَ لِما أعطَیتَ ولا مُعطِیَ لِما مَنَعتَ ، اللّهُمَّ لا قابِضَ لِما بَسَطتَ ولا باسِطَ لِما قَبَضتَ ، اللّهُمَّ لا مُقَدِّمَ لِما أخَّرتَ ولا مُؤَخِّرَ لِما قَدَّمتَ .

اللّهُمَّ أنتَ الحَلیمُ فَلا تَجهَلُ ، اللّهُمَّ أنتَ الجَوادُ فَلا تَبخَلُ ، اللّهُمَّ أنتَ العَزیزُ فَلا تُستَذَلُّ ، اللّهُمَّ أنتَ المَنیعُ فَلا تُرامُ ، اللّهُمَّ أنتَ ذُوالجَلالِ وَالإکرامِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ .

وَادعُ بِما شِئتَ .

[53 و 54] ثُمَّ تُصَلِّی رَکعَتَینِ ، وتَقولُ ما رُوِیَ عَن أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام :

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ العافِیَهَ مِن جَهدِ البَلاءِ وشَماتَهِ الأَعداءِ ، وسُوءِ القَضاءِ ودَرکِ الشَّقاءِ ، ومِنَ الضَّرَرِ فِی المَعیشَهِ ، وأن تَبتَلِیَنی بِبَلاءٍ لا طاقَهَ لی بِهِ ، أو تُسَلِّطَ عَلَیَّ طاغِیاً ، أو تَهتِکَ لی سِتراً ، أو تُبدِیَ لی عَورَهً ، أو تُحاسِبَنی یَومَ القِیامَهِ مُناقِشاً ، أحوَجَ ما أکونُ إلی عَفوِکَ وتَجاوُزِکَ عَنّی فیما سَلَفَ .

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِاسمِکَ الکَریمِ وکَلِماتِکَ التّامَّهِ ، أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَجعَلَنی مِن عُتَقائِکَ وطُلَقائِکَ مِنَ النّارِ .

[55 و 56] ثُمَّ تُصَلِّی رَکعَتَینِ وتَقولُ :

یا أللّهُ لَیسَ یَرُدُّ غَضَبَکَ إلاّ حِلمُکَ ، ولا تُنجی مِن نِقمَتِکَ إلاّ رَحمَتُکَ ، ولا یُنجی مِن عَذابِکَ إلاّ التَضَرُّعُ إلَیکَ ، فَهَب لی یا إلهی مِن لَدُنکَ رَحمَهً تُغنینی بِها عَن رَحمَهِ مَن سِواکَ ، بِالقُدرَهِ الَّتی بِها تُحیی مَیتَ البِلادِ وبِها تَنشُرُ مَیتَ العِبادِ .

ولا تُهلِكنى غَمّاً حَتّى تَغفِرَ لى وتَرحَمَنى ، وتُعَرِّفَنِى الاِستِجابَهَ فى دُعائى ، وأذِقنى طَعمَ العافِيَهِ إلى مُنتَهى أجَلى ، ولاتَشمَت بى عُدُوى ولا تُمَكِّنهُ مِن رَقَبَتى .

اللّهُمَّ إن وَضَعتَنى فَمَن ذَا الَّذى يَرفَعُنى ، وإن رَفَعتَنى فَمَن ذَا الَّذى يَضَعُنى ، وإن أهلَكتَنى فَمَن ذَا الَّذى يَحولُ بَينَکَ وبَينى أو يَتَعَرَّضُ لَکَ فى شَىءٍ مِن أمرى ، وقَد عَلِمتُ يا إلهى أن لَيسَ فى حُكمِکَ ظُلمٌ ولا فى نِقمَتِکَ عَجَلَهٌ ، إنَّما يَعجَلُ مَن يَخافُ الفَوتَ ، وإنَّما يَحتاجُ إلى الظُّلمِ الضَّعيفُ ، وقَد تَعالَيتَ يا إلهى عَن ذلِکَ عُلُوّاً كَبيراً .

فَلا تَجعَلنى لِلبَلاءِ غَرَضاً ولا لِنِقمَتِکَ نَصَباً ، ومَهِّلنى ونَفِّسنى ، وأقِلنى عَثرَتى ، ولا تُتبِعنى بِبَلاءٍ عَلى أثَرِ بَلاءٍ ، فَقَد تَرى ضَعفى وقِلَّهَ حيلَتى ، أستَجيرُ بِکَ اللّهُمَّ فَأجِرنى ، وأستَعيذُ بِکَ مِنَ النّارِ فَأعِذنى ، وأسأَلُکَ الجَنَّهَ فَلا تَحرِمنى .

[57 و 58] ثُمَّ تُصَلِّى ركَعَتَينِ ، وتَقولُ بَعدَهُما ما رُوِىَ عَن أبِى الحَسَنِ مُوسى عليه السلام :

اللّهُمَّ لا إلهَ إلاّ أنتَ ولا أعبُدُ إلاّ إيّاکَ ولا اُشرِکُ بِکَ شَيئاً .

اللّهُمَّ إنّى ظَلَمتُ نَفسى فَاغفِر لى وَارحَمنى إنَّهُ لايَغفِرُ الذُّنوبَ إلاّ أنتَ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَاغفِر لى ما قَدَّمتَ وما أخَّرتَ ، وأعلَنتَ وأسرَرتَ ، وما أنتَ أعلَمُ بِهِ مِنّى ، وأنتَ المُقَدِّمُ وأنتَ المُؤَخِّرُ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، ودُلَّنى عَلَى العَدلِ وَالهُدى وَالصَّوابِ وقِوامِ الدّينِ .

اللّهُمَّ وَاجعَلنى هادِياً مَهدِيّاً راضِياً مَرضيّاً ، غَيرَ ضالٍّ ولا مُضِلٍّ .

اللّهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبعِ ، ورَبَّ الأَرَضينَ السَّبعِ ، ورَبَّ العَرشِ العَظيمِ ، اِكفِنِى المُهِمَّ مِن أمرى بِما شِئتَ ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ .

وَادعُ بِما أحبَبتَ .

[59 و 60] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ وتَقولُ :

اللّهُمَّ إنَّ عَفوَکَ عَن ذَنبى وتَجاوُزَکَ عَنِ خَطيئَتى ، وصَفحَکَ عَن ظُلمى وسَترَکَ عَلى قَبيحِ عَمَلى ، وحِلمَکَ عَن كَثيرِ جُرمى عِندَما كانَ مِن خَطائى

وعَمدی ، أطمَعَنَی فی أن أسألَکَ ما لا أستَوجِبُهُ مِنکَ ، الّذی رَزَقتَنی مِن رَحمَتِکَ وأرَیتَنی مِن قُدرَتِکَ وعَرَّفتَنی مِن إجابَتِکَ .

فَصِرتُ أدعوکَ آمِناً وأسأَلُکَ مُستَأنِساً لا خائِفاً ولا وَجِلاً ، مُدِلاًّ عَلَیکَ فیما قَصَدتُ فیهِ إلَیکَ ، فَإن أبطَأَ عَنّی عَتَبتُ بِجَهلی عَلَیکَ ، ولَعَلَّ الَّذی أبطَأَ عَنّی هُوَ خَیرٌ لی لِعِلمِکَ بِعاقِبَهِ الاُمورِ ، فَلَم أرَ مَولیً کَریماً أصبَرَ عَلی عَبدٍ لَئیمٍ مِنکَ عَلَیَّ .

یا رَبِّ إنَّکَ تَدعونی فَأُوَلّی عَنکَ ، وتَتَحَبَّبُ إلَیَّ فَأَتَبَغَّضُ إلَیکَ ، وتَتَوَدَّدُ إلَیَّ فَلا أقبَلُ مِنکَ ، کَأَنَّ لِیَ التَّطَوُّلَ عَلَیکَ ، ثُمَّ لَم یَمنَعکَ ذلِکَ مِنَ الرَّحمَهِ لی وَالإحسانِ إلَیَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَیَّ بِجودِکَ وکَرَمِکَ ، فَارحَم عَبدَکَ الجاهِلَ وجُد عَلَیهِ بِفَضلِ إحسانِکَ ، إنَّکَ جَوادٌ کَریمٌ .

وَادعُ بِما أحبَبتَ .

فَإذا فَرَغتَ مِنَ الدُّعاءِ فَاسجُد ، وقُل فی سُجودِکَ : یا کائِناً قَبلَ کُلِّ شَیءٍ ویا کائِناً بَعدَ کُلِّ شَیءٍ ویا مُکَوِّنَ کُلِّ شَیءٍ ، لا تَفضَحنی فَإنَّکَ بی عالِمٌ ، ولا تُعَذِّبنی فَإنَّکَ عَلَیَّ قادِرٌ .

اللّهُمَّ إنّی أعوذُ بِکَ مِنَ العَدیلَهِ عِندَ المَوتِ ، ومِن سوءِ المَرجِعِ فِی القُبورِ ، ومِنَ النَّدامَهِ یَومَ القِیامَهِ ، اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ عیشَهً هَنیئَهً ومیتَهً سَوِیَّهً ، ومُنقَلَباً کَریماً غَیرَ مُخزٍ ولا فاضِحٍ .

ثُمَّ ارفَع رَأسَکَ مِنَ السُّجودِ وَادعُ بِما شِئتَ .

[61 و 62] ثُمَّ تُصَلِّی رَکعَتَینِ ، وتَقولُ ما رُوِیَ عَن أحَدِهِما علیهماالسلام :

اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ بِأَنَّ لَکَ الحَمدَ لا إلهَ إلاّ أنتَ المَنّانُ ، بَدیعُ السَّماواتِ وَالأرضِ ذُو الجَلالِ وَالإکرامِ ، إنّی سائِلٌ فَقیرٌ ، وخائِفٌ مُستَجیرٌ ، وتائِبٌ مُستَغفِرٌ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر لی ذُنوبی کُلَّها قَدیمَها وحَدیثَها ، وکُلَّ ذَنبٍ أذنَبتُهُ ، اللّهُمَّ لا تُجهِد بَلائی ، ولا تُشمِت بی أعدائی ؛ فَإنَّهُ لا دافِعَ ولا مانِعَ إلاّ أنتَ .

[63 و 64] ثُمَّ تُصَلِّی رَکعَتَینِ ، وتَقولُ ما رُوِیَ عَن أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام :

اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ إیماناً تُباشِرُ بِهِ قَلبی ، ویَقیناً حَتّی أعلَمَ أ نَّهُ لَن یُصیبَنی إلاّ ما کَتَبتَ لی وَالرِّضا بِما قَسَمتَ لی .

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ نَفساً طَیِّبَةً تُؤمِنُ بِلِقائِکَ وتَقنَعُ بِعَطائِکَ وتَرضی بِقَضائِکَ .

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ إیماناً لا أجَلَ لَهُ دونَ لِقائِکَ ، تَوَلَّنی ما أبقَیتَنی عَلَیهِ ، وتُحیینی ما أحیَیتَنی عَلَیهِ ، وتَوَفَّنِی إذا تَوَفَّیتَنی عَلَیهِ ، وتَبعَثُنی إذا بَعَثتَنی عَلَیهِ ، وتُبرِئُ بِهِ صَدری مِنَ الشَّکِّ وَالرَّیبِ فی دینی .

[65 و 66] ثُمَّ تُصَلِّی رَکعَتَینِ ، وتَقولُ ما رُوِیَ عَن أبی عَبدِ اللّهِ علیه السلام :

یا حَلیمُ یا کَریمُ ، یا عالِمُ یا عَلیمُ ، یا قادِرُ یا قاهِرُ ، یا خَبیرُ یا لَطیفُ ، یا اللّهُ یا رَبّاهُ ، یا سَیِّداهُ یا مَولاهُ ، یا رَجایاهُ ، یا غایَةَ رَغبَتاهُ ، فَأسألُکَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ .

وأسألُکَ نَفحَةً مِن نَفَحاتِکَ کَریمَةً رَحیمَةً ، تَلُمُّ بِها شَعثی وتُصلِحُ بِها شَأنی وتَقضی بِها دَینی ، وتَنعَشُنی بِها وعِیالی وتُغنینی بِها عَمَّن سِواکَ .

یا مَن هُوَ خَیرٌ لی مِن أبی واُمّی ومِنَ النّاسِ أجمَعینَ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَافعَل ذلِکَ بِیَ السّاعَةَ ، إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ .

[67 و 68] ثُمَّ تُصَلِّی رَکعَتَینِ وتَقولُ :

اللّهُمَّ إنَّ الاِستِغفارَ مَعَ الإصرارِ لُؤمٌ ، وتَرکِیَ الاِستِغفارَ مَعَ مَعرِفَتی بِکَرَمِکَ عَجزٌ ، فَکَم تَتَحَبَّبُ إلَیَّ بِالنِّعَمِ مَعَ غِناکَ عَنّی ، وأتَبَغَّضُ إلَیکَ بِالمَعاصی مَعَ فَقری إلَیکَ .

یا مَن إذا وَعَدَ وَفی وإذا تَوَعَّدَ عَفا ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَافعَل بی أولَی الأمرَینِ بِکَ ؛ فَإنَّ مِن شَأنِکَ العَفوَ وأنتَ أرحَمُ الرّاحِمینَ .

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِحُرمَهِ مَن عاذَ بِکَ مِنکَ ، ولَجَأَ إلی عِزِّکَ وَاستَظَلَّ بِفَیئِکَ وَاعتَصَمَ بِحَبلِکَ ، یا جَزیلَ العَطایا ، یا فَکّاکَ الأُساری ، یا مَن سَمّی نَفسَهُ مِن جودِهِ الوَهّابَ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجعَل لی یا مَولایَ مِن أمری فَرَجاً ومَخرَجاً ورِزقاً واسِعاً ، کَیفَ تَشاءُ وأنّی شِئتَ وبِما شِئتَ وحَیثُ شِئتَ ، فَإنَّهُ یَکونُ ما شِئتَ إذا شِئتَ کَیفَ شِئتَ .

[69 و 70] ثُمَّ تُصَلَى رَكعَتَينِ ، وتَقولُ ما رُوِىَ عَن أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام :

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِاسمِکَ المَکتوبِ فى سُرادِقِ المَجدِ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ المَکتوبِ فى سُرادِقِ البَهاءِ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ المَکتوبِ فى سُرادِقِ العَظَمَهِ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ المَکتوبِ فى سُرادِقِ الجَلالِ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ المَکتوبِ فى سُرادِقِ العِزِّهِ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ المَکتوبِ فى سُرادِقِ القُدرَهِ ، وأسأَلُکَ بِاسمِکَ المَکتوبِ فى سُرادِقِ السَّرائِرِ ، السّابِقِ الفائِقِ ، الحَسَنِ النَّضيرِ ، رَبِّ المَلائِکَهِ الثَّمانِيَهِ ورَبِّ العَرشِ العَظيمِ .

وبِالعَينِ الَّتى لا تَنامُ ، وبِالاِسمِ الأَکبَرِ الأَکبَرِ الأَکبَرِ ، وبِالاسمِ الأَعظَمِ الأَعظَمِ الأَعظَمِ ، المُحيطِ بِمَلَکوتِ السَّماواتِ وَالأَرضِ ، وبِالاِسمِ الَّذى أشرَقَت لَهُ السَّماواتُ والأَرضُ ، وبِالاِسمِ الَّذى أشرَقَت بِهِ الشَّمسُ ، وأضاءَ بِهِ القَمَرُ ، وسُجِّرَت بِهِ البِحارُ ، ونُصِبَت بِهِ الجِبالُ .

وبِالاِسمِ الَّذى قامَ بِهِ العَرشُ وَالکُرسِىُّ ، وبِأَسمائِکَ المُکَرَّماتِ المُقَدَّساتِ المَکنوناتِ ، المَخزوناتِ فى عِلمِ الغَيبِ عِندَکَ ، أسأَلُکَ بِذلِکَ کُلِّهِ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ .

وتَدعو بِما أحبَبتَ .

فَإذا فَرَغتَ مِنَ الدُّعاءِ فَاسجُد ، وقُل فى سُجودِکَ : سَجَدَ وَجهِىَ اللَّئيمُ لِوَجهِ رَبِّىَ الکَريمِ ، سَجَدَ وَجهِىَ الحَقيرُ لِوَجهِ رَبِّىَ العَزيزِ ، يا کَريمُ يا کَريمُ يا کَريمُ ، بِکَرَمِکَ وجودِکَ اغفِر لى ظُلمى وجُرمى وإسرافى عَلى نَفسى .

ثُمَّ ارفَع رَأسَکَ وَادعُ بِما شِئتَ .

[71 و 72] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ ، وتَقولُ ما رُوِىَ عَن أحَدِهِما عليهماالسلام :

اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ بِمَحامِدِکَ کُلِّها عَلى نَعمائِکَ کُلِّها ، حَتّى يَنتَهِىَ الحَمدُ إلى ما تُحِبُّ وتَرضى ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خَيرَکَ وخَيرَ ما أرجو ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما أحذَرُ ومِن شَرِّ ما لا أحذَرُ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأوسِع لى فى رِزقى ، وَامدُد لى فى عُمُرى ، وَاغفِر لى ذَنبى ، وَاجعَلنى مِمَّن تَنتَصِرُ بِهِ لِدينِکَ ، ولا تَستَبدِل بى غَيرى .

[73 و 74] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ وتَقولُ :

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلَ مُحَمَّدٍ ، وَاقسِم لَنا مِن خَشيَتِکَ ما يَحولُ بَينَنا وبَينَ مَعاصيکَ ، ومِن طاعَتِکَ ما تُبَلِّغُنا بِهِ جَنَّتَکَ ، ومِنَ اليَقينِ ما تُهَوِّنُ بِهِ عَلَينا مُصيباتِ الدُّنيا ، ومَتِّعنا بِأسماعِنا وأبصارِنا ، وَانصُرنا عَلى مَن عادانا ، ولا تَجعَل مُصيبَتَنا فى دينِنا ، ولا تَجعَلِ الدُّنيا أكبَرَ هَمِّنا ، ولا تُسَلِّط عَلَينا مَن لا يَرحَمُنا .

[75 و 76] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ وتَقولُ :

إلهى ذُنوبى تُخَوِّفُنى مِنکَ ، وجودُکَ يُبَشِّرُنى عَنکَ ، فَأَخرِجنى بِالخَوفِ مِنَ الخَطايا وأوصِلنى بِجودک إلى العَطايا ، حَتّى أكونَ غَدا فِى القِيامَهِ عَتيقَ کَرَمِکَ ، کَما کُنتُ فِى الدُّنيا رَبيبَ نِعَمِکَ ، فَلَيسَ ما تَبذُلُهُ غَدا مِنَ النَّجاءِ بِأعظَمَ مِمّا قَد مَنَحتَهُ اليَومَ مِنَ الرَّجاءِ ، ومَتى خابَ فى فِنائِکَ آمِلٌ؟ أم مَتَى انصَرَفَ بِالرَّدِّ عَنکَ سائِلٌ؟

إلهى ما دَعاکَ مَن لَم تُجِبهُ،لِأَنَّکَ قُلتَ: «ادْعُونِى أَسْتَجِبْ لَکُمْ» وأنتَ لا تُخلِفُ الميعادَ،فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ يا إلهى وَاستَجِب دُعائى.

[77 و 78] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ ، وتَقولُ ما رُوِىَ عَن أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام :

اللّهُمَّ بارِک لى فِى المَوتِ ، اللّهُمَّ أعِنّى عَلى سَکَراتِ المَوتِ ، اللّهُمَّ أعِنّى عَلى غَمِّ القَبرِ ، اللّهُمَّ أعِنّى عَلى ضيقِ القَبرِ ، اللّهُمَّ أعِنّى عَلى وَحشَهِ القَبرِ ، اللّهُمَ أعِنّى عَلى ظُلمَهِ القَبرِ ، اللّهُمَّ أعِنّى عَلى أهوالِ يَومِ القِيامَهِ ، اللّهُمَّ بارِک لى فى طولِ يَومِ القِيامَهِ ، اللّهُمَ زَوِّجنى مِنَ الحورِ العينِ .

[79 و 80] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ وتَقولُ :

اللّهُمَّ لا بُدَّ مِن أمرِکَ ، ولا بُدَّ مِن قَدَرِکَ ، ولا بُدَّ مِن قَضائِکَ ، ولا حَولَ ولا قُوَّهَ إلاّ بِکَ ، اللّهُمَّ فَما قَضَيتَ عَلَينا مِن قَضاءٍ أو قَدَّرتَ عَلَينا مِن قَدَرٍ فَأَعطِنا مَعَهُ صَبرا يَقهَرُهُ ويَدمَغُهُ ، وَاجعَلهُ لَنا صاعِدا فى رِضوانِکَ ، يُنمى فى حَسَناتِنا وتَفضيلِنا وسُؤدُدِنا وشَرَفِنا ومَجدِنا ونَعمائِنا وکَرامَتِنا فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ولا تَنقُص مِن حَسَناتِنا .

اللّهُمَّ وما أعطَيتَناهُ مِن عَطاءٍ ، أو فَضَّلتَنا بِهِ مِن فَضيلَهٍ ، أو أكرَمتَنا بِهِ مِن کَرامَهٍ ، فَأَعطِنا مَعَهُ شُکرا يَقهَرُهُ ويَدمَغُهُ ، وَاجعَلهُ لَنا صاعِدا فى رِضوانِکَ ، وفى حَسَناتِنا وسُؤدُدِنا وشَرَفِنا ونَعمائِکَ وکَرامَتِکَ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ .

اللّهُمَّ لا تَجعَلهُ لَنا أشَرا ولا بَطَرا ولا فِتنَةً ولا مَقتا ، ولا عَذابا ولا خِزيا فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، اللّهُمَّ إنّا نَعوذُ بِکَ مِن عَثرَهِ اللّسانِ وسوءِ المَقامِ وخِفَّهِ المیزانِ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، ولَقِّنا حَسَناتِنا فِى المَماتِ ولا تُرِنا أعمالَنا عَلَينا حَسَراتٍ ، ولا تُخزِنا عِندَ لِقائِکَ ولا تَفضَحنا بِسَيِّئاتِنا يَومَ نَلقاکَ ، وَاجعَل قُلوبَنا تَذکُرُکَ ولا تَنساکَ وتَخشاکَ کَأنَّها تَراکَ حَتّى تَلقاکَ ، وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وبَدِّل سَيِّئاتِنا حَسَناتٍ وَاجعَل حَسَناتِنا دَرَجاتٍ ، وَاجعَل دَرَجاتِنا غُرُفاتٍ وَاجعَل غُرُفاتِنا عالِياتٍ ، اللّهُمَّ وأوسِع لِفَقيرِنا مِن سَعَهِ ما قَضَيتَ عَلى نَفسِکَ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، ومُنَّ عَلَينا بِالهُدى ما أبقَيتَنا وَالکَرامَهِ ما أحيَيتَنا وَالمَغفِرَهِ إذا تَوَفَّيتَنا ، وَالحِفظِ فيما يَبقى مِن عُمُرِنا ، وَالبَرَکَهِ فيما رَزَقتَنا ، وَالعَونِ عَلى ما حَمَّلتَنا وَالثَّباتِ عَلى ما طَوَّقتَنا ، ولا تُؤاخِذنا بِظُلمِنا ولا تُقايِسنا بِجَهلِنا ، ولا تَستَدرِجنا بِخَطايانا ، وَاجعَل أحسَنَ ما نَقولُ ثابِتا فى قُلوبِنا ، وَاجعَلنا عُظَماءَ عِندَکَ وفى أنفُسِنا أذِلَّهً ، وَانفَعنا بِما عَلَّمتَنا وزِدنا عِلما نافِعا .

أعوذُ بِکَ مِن قَلبٍ لا يَخشَعُ ، ومِن عَينٍ لا تَدمَعُ وصَلاهٍ لا تُقبَلُ ، أجِرنا مِن سوءِ الفِتَنِ ، يا وَلِىَّ الدُّنيا وَالآخِرَهِ .

فَإذا فَرَغتَ مِنَ الدُّعاءِ فَاسجُد ، وقُل فى سُجودِکَ ما رُوِىَ عَن أبى عَبدِاللّهِ علَيه السلام :

سَجَدَ وَجهى لَکَ تَعَبُّدا وَرِقّا ، لا إلهَ إلاّ أنتَ حَقّا حَقّا ، الأَوَّلُ قَبلَ کُلِّ شَىءٍ ، والآخِرُ بَعدَ کُلِّ شَىءٍ ، هأنذا بَينَ يَدَيکَ ، ناصِيَتى بِيَدِکَ ، فَاغفِر لى إنَّهُ لا يَغفِرُ الذُّنوبَ العِظامَ غَيرُکَ ، فَاغفِر لى فَإنّى مُقِرٌّ بِذُنوبى عَلى نَفسى ، ولا يَدفَعُ الذَّنبَ العَظيمَ غَيرُکَ .

ثُمَّ ارفَع رَأسَکَ مِنَ السُّجودِ ، فَإذَا استَوَيتَ قائِما فَادعُ بِما أحبَبتَ .

[81 و 82] ثُمَّ تُصَلِّى رَکعَتَينِ ، وتَقولُ ما رُوِىَ عَن أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام :

اللّهُمَّ أنتَ ثِقَتى فى کُلِّ کُربَهٍ ، وأنتَ رَجائى فى کُلِّ شِدَّهٍ ، وأنتَ لى فى کُلِّ أمرٍ نَزَلَ بى ثِقَهٌ وعُدَّهٌ ، کَم مِن کَربٍ يَضعُفُ عَنهُ الفُؤادُ وتَقِلُّ فيهِ الحيلَهُ ، ويَخذُلُ عَنهُ القَريبُ ويَشمَتُ بِهِ العَدُوُّ وتُعيينى فيهِ الاُمورُ ، أنزَلتُهُ بِکَ

وشَكَوتُهُ إلَيکَ راغِبا إلَيکَ فيهِ عَمَّن سِواکَ ، فَفَرَّجتَهُ وکَشَفتَهُ وکَفَيتَهُ ، فَأنتَ وَلِيُّ کُلِّ نِعمَةٍ وصاحِبُ کُلِّ حاجَةٍ ومُنتَهى کُلِّ رَغبَةٍ ، لَکَ الحَمدُ کَثيرا ولَکَ المَنُّ فاضِلاً .

[83 و 84] ثُمَّ تُصَلِّي رَکعَتَينِ ، وتَقولُ ما رُوِيَ عَن أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام أ نَّهُ کانَ يَأمُرُ بِهذَا الدُّعاءِ :

اللّهُمَّ إنَّکَ تُنزِلُ فِى اللَّيلِ وَالنَّهارِ ما شِئتَ ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وأنزِل عَلَيَّ وعَلى إخوانى وأهلى وجيرانى بَرَکاتِکَ ومَغفِرَتَکَ وَالرِّزقَ الواسِعَ وَاکفِنَا المُؤنَ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارزُقنا مِن حَيثُ نَحتَسِبُ ومِن حَيثُ لا نَحتَسِبُ ، وَاحفَظنا مِن حَيثُ نَحتَفِظُ ومِن حَيثُ لا نَحتَفِظُ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجعَلنا فى جِوارِکَ وحِرزِکَ ، عَزَّ جارُکَ وجَلَّ ثَناؤُکَ ولا إلهَ غَيرُکَ .

[85 و 86] ثُمَّ تُصَلِّى رَکعَتَينِ وتَقولُ ما رُوِيَ عَنِ الرِّضا عليه السلام أ نَّهُ قالَ : هذا دُعاءُ العافِيَهِ :

يا أللّهُ يا وَلِيَّ العافِيَهِ وَالمَنّانَ بِالعافِيَهِ ورازِقَ العافِيَهِ ، وَالمُنعِمَ بِالعافِيَهِ وَالمُتَفَضِّلَ بِالعافِيَهِ عَلَيَّ وعَلى جَميعِ خَلقِکَ ، رَحمانَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ وَرَحيمَهُما ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وعَجِّل لَنا فَرَجا ومَخرَجا ، وَارزُقنَا العافِيَهَ ودَوامَ العافِيَهِ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهَ ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ .

[87 و 88] ثُمَّ تُصَلِّى رکعَتَينِ وتَقولُ [ما رُوِيَ عَنهُم عليهم السلام] :

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِرَحمَتِکَ الَّتى وَسِعَت کُلَّ شَىءٍ ، وبِقُدرَتِکَ الَّتى قَهَرَت کَلَّ شَىءٍ ، وبِجَبَروتِکَ الَّتى غَلَبَت کُلَّ شَىءٍ ، وبِقُوَّتِکَ الَّتى لا يَقومُ لَها شَىءٌ ، وبِعَظَمَتِکَ الَّتى مَلَأَت کُلَّ شَىءٍ ، وبِعِلمِکَ الَّذى أحاطَ بِکُلِّ شَىءٍ ، وبِوَجهِکَ الباقى بَعدَ فَناءِ کُلِّ شَىءٍ ، وبِنورِ وَجهِکَ الَّذى أضاءَ لَهُ کُلُّ شَىءٍ ، يا نورُ يا نورُ ، يا أوَّلَ الأَوَّلينَ ويا آخِرَ الآخِرينَ ، يا أللّهُ يا رحمانُ ، يا أللّهُ يا رَحيمُ .

يا أللّهُ أعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تُحدِثُ النِّقَمَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تورِثُ النَّدَمَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تَحبِسُ القِسَمَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تَهتِکُ العِصَمَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تَمنَعُ القَضاءَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتى تُنزِلُ البَلاءَ .

وأعوذُ بِکَ مِنَ الذَّنوبِ الّتی تُدیلُ الأعداءَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذَّنوبِ الّتی تَحبِسُ الدُّعاءَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتی تُعَجِّلُ الفَناءَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتی تَقطَعُ الرَّجاءَ . وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتی تورِثُ الشَّقاءَ،وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتی تَظلِمُ الهَواءَ،وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتی تَکشِفُ الغِطاءَ ، وأعوذُ بِکَ مِنَ الذُّنوبِ الَّتی تَحبِسُ غَیثَ السَّماءِ .

[89 و 90] ثُمَّ تُصَلِّی رَکعَتَینِ ، وتَقولُ ما رُوِیَ عَنهُم علیهم السلام وَالدُّعاءَ المُتَقَدِّمَ :

اللّهُمَّ إنَّکَ حَفِظتَ الغُلامَینِ لِصَلاحِ أبَوَیهِما ، ودَعاکَ المُؤمِنونَ فَقالوا : «رَبَّنَا لاَ تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّلِمِینَ » (3) ، اَللّهُمَّ إنّی اُنشِدُکَ بِرَحمَتِکَ ، واُنشِدُکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحمَهِ ، واُنشِدُکَ بِعَلِیٍّ وفاطِمَهَ ، واُنشِدُکَ بِحَسَنٍ وحُسَینٍ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وعَلَیهِم أجمَعینَ ، واُنشِدُکَ بِأسمائِکَ وأرکانِکَ کُلِّها .

واُنشِدُکَ بِاسمِکَ الأَعظَمِ الأَعظَمِ الأَعظَمِ ، الَّذی إذا دُعیتَ بِهِ لَم تَرُدَّ ما کانَ أقرَبَ مِن طاعَتِکَ وأبعَدَ مِن مَعصِیَتِکَ وأوفی بِعَهدِکَ وأقضی لِحَقِّکَ.

فَأَسأَلُکَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وأن تُنشِطَنی لَهُ ، وأن تَجعَلَنی لَکَ عَبدا شاکِرا ، تَجِدُ مِن خَلقِکَ مَن تُعَذِّبُهُ غَیری ولا أجِدُ مَن یَغفِرُ لی إلاّ أنتَ ، أنتَ عَن عَذابی غَنِیٌّ وأنَا إلی رَحمَتِکَ فَقیرٌ .

أنتَ مَوضِعُ کُلِّ شَکوی ، وشاهِدُ کُلِّ نَجوی ، ومُنتَهی کُلِّ حاجَهٍ ، ومُنجِحٍ مِن کُلِّ عَثرَهٍ ، وغَوثُ کِلِّ مُستَغیثٍ .

فَأَسأَلُکَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَعصِمَنی بِطاعَتِکَ عَن مَعصِیَتِکَ ، وبِما أحبَبتَ عَمّا کَرِهتَ ، وبِالإیمانِ عَنِ الکُفرِ ، وبِالهُدی عَنِ الضَّلالَهِ ، وبِالیَقینِ عَنِ الرّیبَهِ ، وبِالأَمانَهِ عَنِ الخِیانَهِ ، وبِالصِّدقِ عَنِ الکَذِبِ ، وبِالحَقِّ عَنِ الباطِلِ ، وبِالتُّقوی عَنِ الإثمِ ، وبِالمَعروفِ عَنِ المُنکَرِ ، وبِالذِّکرِ عَنِ النِّسیانِ .

اللّهُمَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وعافِنی ما أحیَیتَنی ، وألهِمنِی الشُّکرَ عَلی ما أعطَیتَنی ، وکُن بی رَحیما وعَلَیَّ عَطوفا یا کَریمُ .

فَإذا فَرَغتَ مِنَ الدُّعاءِ فَاسجُد ، وقُل فی سُجودِکَ :

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعفُ عَن ظُلمی وجُرمی بِحِلمِکَ وجودِکَ یا رَبِّ یا کَریمُ ، یا مَن لا یَخیبُ سائِلُهُ ولا یَنفَدُ نائِلُهُ ، یا مَن عَلا فَلا

شَىءَ فَوقَهُ ، ويا مَن دَنا فَلا شَىءَ دونَهُ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ .

وَادعُ بِما أحبَبتَ .

[91 و 92] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ وتَقولُ :

يا عِمادَ مَن لا عِمادَ لَهُ ، ويا ذُخرَ مَن لا ذُخرَ لَهُ ، ويا سَندَ مَن لا سَندَ لَهُ ، يا غِياثَ مَن لا غِياثَ لَهُ ، يا حِرزَ مَن لا حِرزَ لَهُ ، يا كَريمَ العَفوِ يا حَسَنَ البَلاءِ يا عَظيمَ الرَّجاءِ .

يا عَونَ الضُّعَفاءِ ، يا مُنقِذَ الغَرقى ، يا مُنجِىَ الهَلكى ، ويا مُجمِلُ يا مُنعِمُ يا مُفضِلُ ، أنتَ الَّذى سَجَدَ لَكَ سَوادُ اللَّيلِ ونورُ النَّهارِ وضَوءُ القَمَرِ وضِياءُ الشَّمسِ ، وخَريرُ الماءِ ودَوِىُّ الرِّياحِ وحَفيفُ الشَّجرِ .

يا أللّهُ يا أللّهُ ، لَكَ الأَسماءُ الحُسنى لا شَريكَ لَكَ ، يا رَبِّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، ونَجِّنا مِنَ النّارِ بِعَفوِكَ ، وأدخِلنَا الجَنَّةَ بِرَحمَتِكَ ، وزَوِّجنا مِنَ الحورِ العينِ بِجودِكَ ، وصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَافعَل بى ما أنتَ أهلُهُ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ ، إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٍ .

وَادعُ بِما أحبَبتَ .

[93 و 94] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ وتَقولُ :

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِأَسمائِكَ الحَميدَهِ الكَريمَهِ الَّتى إذا وُضِعَت عَلَى الأَشياءِ ذَلَّت لَها ، وإذا طُلِبَت بِهَا الحَسَناتُ اُدرِكَت ، وإذا اُريدَ بِها صَرفُ السَّيِّئاتِ صُرِفَت ، وأسأَلُكَ بِكَلِماتِكَ التّامّاتِ الَّتى لَو أنَّ ما فِى الأَرضِ مِن شَجَرَهٍ أقلامٌ وَالبَحرُ يَمُدُّهُ مِن بَعدِهِ سَبعَهُ أبحُرٍ ما نَفِدَت كَلِماتُ اللّهِ ، إنَّ اللّهَ عَزيزٌ حَكيمٌ .

يا حَىُّ يا قَيّومُ،يا كَريمُ يا عَلىُّ يا عَظيمُ ، يا أبصَرَ النّاظِرينَ،ويا أسمَعَ السّامِعينَ،ويا أسرَعَ الحاسِبينَ، ويا أحكَمَ الحاكِمينَ ، ويا أرحَمَ الرّاحِمينَ.

أسأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وأسأَلُكَ بِقُدرَتِكَ عَلى ما تَشاءُ ، وأسأَلُكَ بِكُلِّ شَىءٍ أحاطَ بِهِ عِلمُكَ ، وأسأَلُكَ بِكُلِّ حَرفٍ أنزَلتَهُ فى كِتابٍ مِن كُتُبِكَ ، وبِكُلِّ اسمٍ دَعاكَ بِهِ أَحَدٌ مِن مَلائِكَتِكَ ورُسُلِكَ وأنبِيائِكَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ .

وَادعُ بِما بَدا لَكَ .

[95 و 96] ثُمَّ تُصَلَى رَكعَتَينِ وتَقولُ :

سُبحانَ مَن أكرَمَ مُحَمَّدا صلى الله عليه و آله ، سُبحانَ مَنِ انتَجَبَ مُحَمَّدا ، سُبحانَ مَنِ انتَجَبَ عَلِيّا ، سُبحانَ مَن خَصَّ الحَسَنَ وَالحُسَينَ ، سُبحانَ مَن فَطَمَ بِفاطِمَةَ مَن أحَبَّها مِنَ النّارِ ، سُبحانَ مَن خَلَقَ السَّماواتِ وَالأَرضَ بِإِذنِهِ .

سُبحانَ مَنِ استَعبَدَ أهلَ السَّماواتِ وَالأَرَضينَ بِولايَهِ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، سُبحانَ مَن خَلَقَ الجَنَّةَ لِمُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، سُبحانَ مَن يورِثُها مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ وشيعَتَهُم ، سُبحانَ مَن خَلَقَ النّارَ لِأَجلِ أعداءِ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، سُبحانَ مَن يُمَلِّكُها مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ ، سُبحانَ مَن خَلَقَ الدُّنيا وَالآخِرَةَ وما سَكَنَ فِى اللَّيلِ وَالنَّهارِ لِمُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ .

الحَمُد لِلّهِ كَما يَنبَغى لِلّهِ ، وَاللّهُ أكبَرُ كَما يَنبَغى لِلّهِ ، ولا إلهَ إلاَّ اللّهُ كَما يَنبَغى لِلّهِ ، وسُبحانَ اللّهِ كَما يَنبَغى لِلّهِ ، ولا حَولَ ولا قُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ كَما يَنبَغى لِلّهِ ، وصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ وعَلى جَميعِ المُرسَلينَ حَتّى يَرضَى اللّهُ .

اللّهُمَّ مِن أياديکَ وهِىَ أكثَرُ مِن أن تُحصى ، ومِن نِعَمِکَ وهِىَ أجَلُّ مِن أن تُغادَرَ أن يَكونَ عَدُوّى عَدُوَّکَ ، ولا صَبرَ لى عَلى أناتِکَ ، فَعَجِّل هَلاكَهُم وبَوارَهُم ودَمارَهُم .

[97 و 98] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ وتَقولُ :

بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ ، اللّهُمَ فاطِرَ السَّماواتِ وَالأَرضِ عالِمَ الغَيبِ وَالشَّهادَهِ الرَّحمنَ الرَّحيمَ ، إنّى أعهَدُ إلَيکَ فى دارِ الدُّنيا أنّى أشهَدُ أن لا إلهَ إلاّ أنتَ وَحدَکَ لا شَريکَ لَکَ ، وأنَّ مُحَمَدّا عَبدُکَ ورَسولُکَ ، وأنَّ الدِّينَ كَما شَرَعتَ والإسلامَ كَما وَصَفتَ ، وَالكِتابَ كَما أنزَلتَ وَالقَولَ كَما حَدَّثتَ ، وأنَّکَ أنتَ أنتَ أنتَ اللّهُ الحَقُّ المُبينُ ، جَزَى اللّهُ مُحَمَّدا خَيرَ الجَزاءِ ، وحَيَّا اللّهُ مُحَمَّدا وآلَ مُحَمَّدٍ بِالسَّلامِ .

[99 و 100] ثُمَّ تُصَلِّى رَكعَتَينِ ، وتَقولُ ما رُوِىَ عَن أبى عَبدِ اللّهِ عليه السلام قالَ : إذا فَرَغتَ مِن صَلاتِکَ فَقُل هذَا الدُّعاءِ :

اللّهُمَّ إنّى أدينُکَ بِطاعَتِکَ وِولايَتِکَ ووِلايَهِ رَسولِکَ ووِلايَهِ الأَئِمَّهِ مِن أوَّلِهِم إلى آخِرِهِم وتُسمّيهِم ثُمَّ تَقولُ : آمينَ .

أدينُکُ بِطاعَتِهِم وولايَتِهِم وَالرِّضا بِما فَضَّلتَهُم بِهِ غَيرَ مُنكِرٍ ولا مُستَكبِرٍ ، عَلى مَعنى ما أنزَلتَ فى كِتابِکَ عَلى حُدودِ ما أتانا مِنهُ وما لَم يَأتِنا ، مُؤمِنٌ مُقِرٌّ بِذلِکَ مُسَلِّمٌ ، راضٍ بِما رَضيتَ بِهِ يا رَبِّ .

أُريدُ بِهِ وَجهَکَ وَالدّارَ الآخِرَةَ،مَرهوبا ومَرغوبا إليکَ فيهِ،فَأَحيِنى ما أحيَيتَنى عَلَيهِ،وأَمِتنى إذا أَمَتَّنى عَلَيهِ ، وَابعَثنى إذا بَعَثتَنى عَلَيهِ ، وإن كانَ مِنّى تَقصيرٌ فيما مَضى فَإِنّى أتوبُ إلَيکَ مِنهُ ، وأرغَبُ إلَيکَ فيما عِندَکَ.

وأسأَلُکَ أن تَعصِمَنى مِن مَعاصيکَ ، ولا تَكِلَنى إلى نَفسى طَرفَةَ عَينٍ أبَدا ما أحيَيتَنى ولا أقَلَّ مِن ذلِکَ ولا أكثَرَ ، إنَّ النَّفسَ لَأَمّارَةٌ بِالسُّوءِ إلاّ ما رَحِمتَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ ، وأسأَلُکَ أن تَعصِمَنى بِطاعَتِکَ حَتّى تَوَفّانى عَلَيها وأنتَ عَنّى راضٍ ، وأن تَختِمَ لى بِالسَّعادَةِ ولا تُحَوِّلَنى عَنها أبَدا ، ولا قُوَّةَ إلاّ بِکَ .

ثُمَّ تَدعو بِما أحبَبتَ .

فَإِذا فَرَغتَ مِنَ الدُّعاءِ فَاسجُد وقُل فى سُجودِکَ :

سَجَدَ وَجهِىَ البالِى الفانى لِوَجهِکَ الدّائِمِ الباقى ، سَجَدَ وَجهِىَ الذَّليلُ لِوَجهِکَ العَزيزِ ، سَجَدَ وَجهِىَ الفَقيرُ لِوَجهِکَ العَظيمِ الغَنِىِّ الكَريمِ .

رَبِّ إنّى أستَغفِرُکَ مِمّا كانَ وأستَغفِرُکَ مِمّا يَكونُ ، رَبِّ لا تُجهِد بَلائى ، رَبِّ لا تُسِئ قَضائى ، رَبِّ لا تُشمِت بى أعدائى ، رَبِّ إنَّهُ لا دافِعَ ولا مانِعَ إلاّ أنتَ ، رَبِّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ بِأفضَلِ صَلَواتِکَ ، وبارِک عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ بِأفضَلِ بَرَكاتِکَ .

اللّهُمَّ إنّى أعوذُ بِکَ مِن سَطَواتِکَ ، وأعوذُ بِکَ مِن نَقِماتِکَ ، وأعوذُ بِکَ مِن جَميعِ غَضَبِکَ وسَخَطِکَ ، سُبحانَکَ أنتَ اللّهُ رَبُّ العالَمينَ .

ورُوِىَ هذَا الدُّعاءُ فِى السُّجودِ عَن أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام . (4) .

1- .فى المصدر : «ببيعته» ، وما فى المتن أثبتناه من المصادر الأُخرى .
2- .ليس ما بين القوسين فى بعض النسخ .
3- .يونس : 85 .
4- .الإقبال : 1 / 313 339 ، مصباح المتهجّد : 550 577 ، تهذيب الأحكام : 3 / 77 100 ، المصباح للكفعمى : 755 769 ، بحار الأنوار : 98 / 123 140 .

ج دعاهای هشتاد رکعت ، تکمیل صد رکعت (1)529.مسند ابن حنبل (به نقل از ابن عبّاس) سیّد ابن طاووس در الإقبال :روایت شده است که این صد رکعت ، در هر یک از شب های فرد (2) خوانده می شود ، در هر رکعت: «حمد» یک بار و سوره «قل هو اللّه أحد» ده بار.

اگر توان داشتی ، این گونه عمل کن. و ای بنده میرای فانی! تا آن جا که توان داری ، غنیمت شمار؛ چون زهر فنا ، از آن دم که انسان به این دنیای فانی گام می نهد ، به اعضایش سرایت می کند و سرانجامِ آن نیز هجوم مرگ است و پایان یافتن [فرصت انجام دادن] کارهای نیک و تبدیل شدن تو به گورهای کهنه و متروک. پس به سوی سعادت های همیشگی بشتاب.

پس ، آن بیست رکعت و دعاهایش را که گفته شد ، بخوان و تسبیح حضرت زهرا علیهاالسلامرا میان هر دو رکعت از همه این رکعت ها بخوان. سپس برخیز و هشتاد رکعتِ باقی مانده را بخوان.

[21 و 22] دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«ای آن که از آزمایش من ، نیکو به درآمده ای! ای آن که گذشتت از من ، دیرین است! ای آن که هیچ چیز ، از او بی نیاز نیست! ای آن که هیچ چیز ، چاره ای از او ندارد! ای آن که بازگشت هر چیز ، به سوی اوست! ای آن که سرانجام هر چیز ، به سوی اوست! خودت ای سرورم سرپرستی ام کن و کارم را به بندگان شرورت وا مگذار! تویی آفریننده و روزی دهنده من. ای سرپرست من! پس محرومم مکن».

[23 و 24] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا از بهره مندترین بندگانت از آنچه در این شب نازل کرده ای یا می کنی ، قرار بده؛ از نوری که با آن هدایت می کنی ، یا رحمتی که آن را می گستری ، و از روزی ای که می گسترانی و از رنج و اندوهی که برطرف می سازی و از بلایی که برمی داری و از بدی که دفع می کنی و از فتنه ای که بر می گردانی ، و برای من بنویس آنچه را برای دوستان شایسته ات نوشته ای؛ آنان که

شایسته پاداش از سوی تو شده اند و به خاطر خرسندی ات از آنان ، از عذاب تو آسوده خاطر گشته اند !

ای بزرگوار ، ای بزرگوار ، ای بزرگوار ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و در فَرَج آنان بشتاب و گناهم را بیامرز و در کسبم برکت قرار بده و به آنچه روزی ام کرده ای قانعم ساز و مرا با آنچه از من دور ساخته ای، میازمای !».

[25 و 26] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«خداوندا ! دستم را به سویَت گشوده ام و اشتیاق فراوان من ، به چیزی است که نزد توست. توبه ام را سرورم بپذیر و بر ناتوانی ام ترحّم کن و مرا بیامرز و رحم کن و برایم بهره ای از هر چیز و راهی به سوی هر خیر قرار بده !

خداوندا ! از کبر و جایگاه های خواری در دنیا و آخرت ، به تو پناه می برم.

خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و گناهان گذشته ام را بیامرز و در باقی مانده عمرم نگاهم دار ، و اسباب اطاعت خود را بر من وارد کن و مرا بر آنها به کار گیر و اسباب نافرمانی خود را از من ببُر و میان من و آنها فاصله بینداز ، و مرا ، خانواده ام را ، و فرزندانم و مالم را در آن سپرده های خویش قرار بده که تباه نمی شود ، و مرا از آتش نگه دار ، و شرّ فاسقان جنّ و انس را از من دور گردان ، و نیز شرّ هر شرور را و شرّ هر یک از بندگان ضعیف یا نیرومندت را و شرّ هر جنبنده ای را که اختیارش به دست توست ! همانا تو بر هر چیز ، توانایی».

[27 و 28] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«خداوندا ! تو والا شأنی؛ شکوهمند و پرقدرت و با تدبیری؛ بزرگ و توانا و چیره ای؛ رحمتت نزدیک ، و وعده ات راست است؛ به عهدت وفا می کنی؛ نزدیک و اجابت کننده ای؛ شنوای دعایی؛ توبه پذیری؛ حسابگر آنی که آفریده ای؛ بر هر چیز بخواهی ، توانایی؛ هر که را بجویی ، می یابی؛ هر که را آفریده ای ، روزی می بخشی؛ اگر سپاست گویند ، پاداش می دهی؛ اگر یادت کنند ، یاد می کنی.

خدایا ! نیازمندانه از تو می خواهم و فقیرانه به درگاهت مشتاقم و خائفانه به آستانت می نالم و گرفتارانه به درگاهت می گریم و یاورانه به تو امید

دارم و نالان از تو آمرزش می خواهم و با امید به پاداشت بر تو توکّل می کنم و وسعت خواهانه از تو روزی می طلبم.

از تو ای خدا می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و گناهانم را بیامرزی و عملم را بپذیری و بازگشتم را آسان سازی و دلم را بگشایی. خدایا! از تو می خواهم که گمانم را [به رحمتت ،]برآوری و از خطایم درگذری و از گناهان نگاهم داری.

خدایا! ناتوان شده ام، نیرو ندارم؛ عاجز گشته ام ، توانی ندارم. خدایا! به درگاهت آمده ام ، در حالی که بر خویش اسراف کرده ام ، به بدیِ کارم اعتراف دارم ، غفلتم را یاد نموده ام ، و از کارهایم بیمناکم. پس بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و از من راضی باش و همه نیازهای دنیوی و اخروی مرا برآور ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

[29 و 30] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«خداوندا! از تو می خواهم عافیت از رنج و بلا و شماتت دشمنان را ، و عافیت از بدیِ تقدیر (سرنوشت) و پستیِ بدبختی و زیان در زندگی را ، و این که مرا به بلایی دچار کنی که مرا طاقت آن نیست ، یا طغیانگری را بر من مسلّط کنی ، یا پرده ای از من بدری ، یا عیبی را از من آشکار کنی و یا روز قیامت که بیشترین نیاز به عفو و گذشت تو دارم ، مرا قصاصگرانه حسابرسی کنی.

از تو می خواهم به ذات بزرگوارت و نام های کاملت ، که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و مرا از آزادشدگان و رهیدگان از آتش ، قرار دهی.

خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا وارد بهشت کن و مرا از ساکنان و آبادگران آن قرار بده!

خداوندا! از به کام کشیدن آتش ، به تو پناه می برم.

خداوندا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا حج و عمره و روزه داری و صدقه به خاطر رضای خودت ، روزی کن !».

سپس سجده می کنی و در سجده ات می گویی:

«ای شنونده هر صدا! ای بازْآفریننده جان ها پس از مرگ! ای آن که تاریکی ها او را فرا نمی گیرند! ای آن که صداها بر او اشتباه نمی شوند! ای آن که چیزی او را از چیزی مشغول نمی سازد! به محمّد صلی الله علیه و آله بهترینِ آنچه را از تو خواسته است و برترین چیزی را که برای او از تو خواسته اندَ و بهترین چیزی را که از تو می خواهند ، عطا کن! و از تو می خواهم که مرا از آزادشدگان و رهیدگان از آتش ، قرار بدهی.

خداوندا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و عافیت را جامه زیرین و رویین من قرار بده و برایم در روز قیامت ، نجات از هر بدی قرار بده!» .

[31 و 32] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«تویی خداوند. معبودی جز تو نیست ، که پروردگار جهانیانی! تویی خداوند. معبودی جز تو نیست ، که والا و بزرگی! تویی خداوند. معبودی جز تو نیست ، که مقتدر و حکیمی! تویی خداوند. معبودی جز تو نیست ، که آمرزنده و مهربانی! تویی خداوند. معبودی جز تو نیست ، که بخشنده و مهربانی! تویی خداوند. معبودی جز تو نیست ، که مالک روز جزایی!

تویی خداوند. معبودی جز تو نیست ، که آفرینشْ از تو آغاز شده و به سوی تو برمی گردد! تویی خداوند. معبودی جز تو نیست ، که آفریدگار بهشت و دوزخی! تویی خداوند. معبودی جز تو نیست ، که آفریدگار خیر و شرّی! (3) تویی خداوند. معبودی جز تو نیست ، که همیشه بوده ای و خواهی بود!

تویی خداوند. معبودی جز تو نیست ، که یکتا و یگانه و بی نیازی؛ آن که نه زاده است و نه زاده شده است و نه هرگز کسی همتای او بوده است! تویی خداوند. معبودی جز تو نیست ، که دانای غیب و شهود ، و بخشنده و مهربانی! تویی خداوند. معبودی جز تو نیست ، که فرمان روای پاک ، بی عیب ، ایمنی بخش ، غالب ، مقتدر ، جبّار و با کِبریایی! منزّهی از آنچه شرک می ورزند.

تویی خداوند. معبودی جز تو نیست ، که آفریدگار ، پدیدآورنده و تصویرگری! بهترین نام ها از آنِ توست و آنچه در آسمان ها و زمین است ، تو را تسبیح می گویند. تویی خداوند مقتدر حکیم! تویی خداوند. معبودی جز تو نیست و بزرگی ، زیبنده توست!».

سپس بر محمّد و خاندان محمّد درود می فرستی و آنچه دوست داشتی ، دعا می کنی.

شیخ با سند خویش از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «هیچ مؤمنی نیست که خدا را با این اسامی و صفات بخواند و دلش را با آنها متوجّه خدای متعال کند ، مگر آن که خداوندْ حاجتش را بر می آورد. و اگر اهل شقاوت باشد ، امیدوارم که سعادتمند گردد».

[33 و 34] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از امام باقر علیه السلامروایت شده است ، می گویی :

«هیچ معبودی جز خداوندِ بردبار بزرگوار نیست. هیچ معبودی جز خداوند والا و بزرگ نیست. منزّه است خداوند، پروردگار آسمان های هفتگانه وزمین های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ؛ و ستایش ، از آنِ خداوند ، پروردگار جهانیان ، است.

خداوندا ! از تو می خواهم به زره نگه دارنده ات و به نیرو و عظمت و حکومتت ، که مرا از شیطان رانده شده و از شرّ هر گردنکش مغرور سرکش ، پناهی دهی.

خداوندا ! از تو می خواهم ، به خاطر دوستی ام نسبت به تو و پیامبرت و دوستی ام نسبت به خاندان پیامبرت (که درود تو بر او و آنان باد) ای بهتر از پدر و مادرم و از همه مردم که برای من ، بهتر از آنچه خودم برای خویش مقدّر می کنم و بهتر از آنچه پدر و مادرم برایم مقدّر می کنند ، مقدّر کنی. تو بخشنده ای بی بخل ، و بردباری بی شتاب ، و عزیزی خوارناشدنی هستی.

خداوندا ! هر که مردمْ مورد اعتماد و امیدش باشند ، [لیکن] مورد اعتماد و امید من ، تویی. برایم آنچه را نیک فرجام تر است ، مقدّر کن و مرا به آنچه برایم مقدّر کرده ای ، خرسند ساز !

خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و عافیت نگه دارنده خود را بر من بپوشان و اگر مبتلایم ساختی، شکیبایم کن. البتّه عافیت رابیشتر دوست دارم».

[35 و 36] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از امام باقر علیه السلاماز پدرش امام سجّاد علیه السلام از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده است ، می خوانی:

«خداوندا! راهی از راه های خودت را اعلام کرده ای و رضای خود را در آن قرار داده ای و اولیای خود را به آن فرا خوانده ای و آن را نزد خود ، گرامی پاداش ترینِ راه هایت و نیک فرجام ترین و محبوب ترین راه و روش قرار داده ایِ. آن گاه از مؤمنان ، جان ها و اموالشان را به بهای بهشت خریده ای. آنان در راه تو می جنگند و می کشند و کشته می شوند و این ، وعده حقّی بر توست. پس ، مرا از آنانی قرار بده که جانشان را در راه خود خریده ای و به داد و ستدی که با تو کرده اند ، وفادار مانده اند ، بی آن که پیمان را بشکنند و آن عهد را نقض کنند و دگرگون سازند ، جز آن که وعده تو را عملی سازند و محبّت تو را به دست آورند و بدان سبب به تو تقرّب جویند.

پس بر محمّد و خاندان او درود فرست و این را پایان بخش عملم قرار بده و برایم صحنه ای از وفا برای تو و با نیروی خودت قرار بده که به خاطر آن ، از من خرسند گردی و به خاطر آن ، گناهانم را بریزی؛ و مرا در زمره زندگانی که به دست تجاوزگرانِ نافرمان روزی می خورند ، زیر پرچم حق و رایتِ هدایت قرار بده ، در حالی که در یاری رسانی به حق پیشگام باشم ، نه روی گردان و نه تردیدآفرین! در آن هنگام ، از گناهی که اعمال را نابود سازد ، به تو پناه می برم».

[37 و 38] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از امام صادق علیه السلام ، از پدرش ، از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است ، می گویی:

«خداوندا! به آن رحمتی که جز با رضای تو و با خروج از نافرمانی های تو و ورود به آنچه خشنودت می سازد ، به دست نمی آید ، از تو می خواهم نجاتی از هر لغزش را و راه خروج از هر کفر را و گذشت از هر بدی را که به عمد از من سر می زند ، یا به خطا از من رخ می دهد ، و یا بر دلم گذشته و فراموش کرده ام. از تو بیمی می طلبم که به سبب آن مرا یاری کنی تا حدود رضایت تو را پاس بدارم.

از تو می خواهم عمل به بهترین چیزی که می دانم و ترک بدترین چیزی که می دانم ، و مصونیت از این که آگاهانه نافرمانی ات یا ندانسته خطا کنم.

از تو وسعت در روزی و بی رغبتی به آنچه مایه وبال است ، می خواهم.

از تو می خواهم بیرون آمدن از هر شبهه را با بیان ، و دستیابی به درستی را در هر دلیل ، و راستی را در هر چه به سود و زیانم باشد. مرا رام ساز تا

در همه جا و در حال رضا و خشم و فروتنی و برتری ، انصاف (4) را درباره خود بپذیرم و سرکشی را ، کم یا زیاد ، در گفتار و رفتارم ترک کنم !

از تو در همه چیز ، همه نعمت را درخواست می کنم و [نیز] سپاس گزاری آن را ، تا آن که راضی شوی و پس از رضایَت ، کار نیک را در هر آنچه در آن ، عمل نیکی هست . آسان ترینِ همه امور را از تو می طلبم و نه دشوار آنها ، ای بزرگوار !».

[39 و 40] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه از امام حسن علیه السلاماز امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده است ، می گویی:

«ستایش ، از آنِ خداوند ، پروردگار جهانیان است . درود خدا بر پاک ترینِ فرستادگان ، محمّد بن عبد اللّه آن برگزیده سامان بخش کارها.

خداوندا ! محمّد صلی الله علیه و آله را به یاد پسندیده و حوض [کوثر]ی که بر آن وارد می شوند ، مخصوص گردان !

خداوندا ! محمّد صلی الله علیه و آله را وسیله و والایی و برتری ببخش و محبّت او را در میان برگزیدگان ، و رتبه اش را در میان والا قدران ، و کرامتش را در میان مقرّبان ، افزون کن !

خداوندا ! بر محمّد صلی الله علیه و آله از هر کرامتی ، برترین آن کرامت را و از هر نعمتی ، گسترده ترین آن نعمت را و از هر بخششی ، سرشارترین آن بخشش را و از هر آسانی ، آسان ترین آن آسان را و از هر تقسیم (بهره ای) ، فراوان ترینِ آن را عطا کن ، تا آن که هیچ یک از بندگانت نزد تو نزدیک تر، بلندآوازه تر ، بلندمرتبه تر ، بزرگ حق تر ، و از نظر وسیله نزدیک تر از محمّد صلی الله علیه و آله نباشد. درود تو بر او که پیشوای خیر و دعوت کننده به آن و مایه برکت برای همه بنده ها و آبادی ها ، و رحمت برای همه جهانیان است !

خداوندا ! میان ما و محمّد صلی الله علیه و آله جمع کن (ما را با او قرار بده) ، در گوارایی زندگی و خوشی روح و دوام نعمت و خواسته جان ها و آرزوی خواستنی ها و نعمت لذّت ها و امید فضیلت و دیدار آرامش و سروریِ کرامت و فروغ چشم و شادابی نعمت و مسرّتی که شبیه مسرّت های دنیا نیست. شاهدیم که رسالت را رسانده و خیرخواهی را ادا کرده و برای امّت کوشیده و به خاطر تو رنج کشیده و در راه تو جهاد کرده و تو را

پرستیده است ، تا آن که یقین [و مرگ]او را فرا رسیده است. پس بر او و بر خاندان پاک او درود فرست !

خداوندا ! ای پروردگار شهر حرام (مکّه) و ای پروردگار رکن و مقام و ای پروردگار معشر حرام و ای پروردگار غیر حَرَم و حَرَم ! از سوی ما به روح محمّد که درود تو بر او و خاندانش باد سلام بفرست !

خداوندا ! بر فرشتگان مقرّب خود درود فرست و بر پیامبران فرستاده شده و همه فرستادگانت و بر نگهبانان و نویسندگان ارجمند [اعمال ،] درود فرست و بر فرمان بردارانت در آسمان های هفتگانه و همه زمینیان مؤمن ، درود فرست !».

پس چون از دعا فراغت یافتی ، سجده می کنی و می گویی:

«خداوندا ! به سوی تو روی آوردم و به تو چنگ زدم و بر تو تکیه کردم. خداوندا ! تو تکیه گاه من ، و تو امید منی. خداوندا ! مرا درباره آنچه اندوهگینم می سازد و آنچه اندوهگینم نمی سازد و آنچه تو به آن از من داناتری ، کفایت کن ! پناهنده تو عزیز است ، ثنای تو با شُکوه است و معبودی جز تو نیست. بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و گشایش آنان را شتاب بخش !».

سپس سر خود را بلند کن و بگو:

«خداوندا ! از هر چه میان من و تو فاصله می اندازد ، یا توجّه کریمانه ات را از من بر می گرداند و یا بهره مرا در پیشگاهت کاهش می دهد ، به تو پناه می برم.

خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به هر کاری که موجب خرسندی تو از من می شود و مرا به تو نزدیک می سازد ، موفّق بدار؛ رتبه ام را پیش خودت بالا ببر و بهره ام را بزرگ کن و جایگاهم را نیکوساز؛ و در زندگی دنیا و در آخرت ، مرا بر ایمان ثابت ، استوار بدار؛ و مرا برای هر جایگاه پسندیده ای که دوست داری در آن ، تو را به نام هایت بخوانند و از عطایت بخواهند ، موفّق بدار !

پروردگارا ! پوشش خود را از من برمگیر و عیبم را بر جهانیانْ آشکار مکن ، و بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و امشب ، نامم را در میان سعادتمندان قرار بده... !» تا آن که دعا تمام شود. (5)

[41 و 42] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«خداوندا! تو در هر گرفتاری ، تکیه گاه منی و در هر سختی ، در کنار منی و در هر چه بر من پیش می آید ، تکیه گاه و پشتوانه منی. چه بسیار گرفتاری ای که دل در برابرش ناتوان ، و چاره در مقابلش اندک می شود و نزدیکان از یاری کردن برای آن ، دست می کشند و دشمن با آن ، شماتت می کند و کارها مرا به ستوه می آورند ، که آن را پیش تو آوردم و شِکوه به آستانت نمودم ، به امیدی که به تو داشتم و نه دیگری ، و تو آن را برطرف کردی و زدودی و کفایت کردی. پس ، تو سرپرست در نعمت و صاحب هر حاجت و نهایت هر خواسته ای. تو را سپاس بسیار و تو را نعمتِ افزون است».

این دعا را ابن ابی عمیر ، از حفص بن بختری ، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «از جمله دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در روز جنگ احزاب این بود: خداوندا! تو در هر گرفتاری تکیه گاه منی.... (تا آخر دعا) ».

[43 و 44] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی: (6)

«ای آن که زیبا را نمایان کرد و زشت را پوشاند! ای آن که پرده دری نکرد و به گناه مؤاخذه ننمود! ای بزرگ بخشایش! ای نیکو گذشت! ای گسترده آمرزش! ای گشوده دو دست به رحمت! ای همدم هر نجوا! ای نهایت هر شِکوه! ای بخشاینده لغزش ها! ای بزرگوارانه گذشت! ای بزرگ احسان! ای آغازگر نعمت ، پیش از شایستگی به آن! ای پروردگار! ای سرور! ای آرزو ، ای نهایت شوق!

خداوندا! از تو به حقّ خودت می خواهم که چهره ام را با آتش ، زشت نکنی و نیازهای آخرت و دنیایم را برآوری و با من چنین و چنان کنی» . آن گاه ، بر محمّد و خاندان محمّد درود می فرستی و آنچه در نظر داری ، دعا می کنی.

[45 و 46] سپس دو رکعت نماز می خوانی و [بر اساس آنچه از امام صادق علیه السلامنقل شده ،] می گویی:

«خداوندا! مرا آفریدی و مرا امر و نهی کردی و به پاداش آنچه به آن فرمانم دادی ، تشویق نمودی و از کیفر آنچه مرا از آن نهی کردی ، بیم دادی و برای من دشمنی قرار دادی که مرا می فریبد و او را بر من در

آنچه مرا بر او مسلّط نساختی ، چیره ساختی و او را در سینه ام جا دادی و او را همچون جریان خون در من جاری ساختی ، [که] اگر من غافل شوم ، او غافل نیست و اگر من فراموش کنم ، او فراموش نمی کند؛ او مرا به ایمنی از عذاب تو مطمئن می سازد و مرا از غیر تو بیم می دهد؛ هر گاه تصمیم به گناهی بگیرم ، تحریکم می کند و چون نیّت کار نیک کنم ، بازم می دارد؛ مرا به شهوت ها وا می دارد و مرا در معرض آنها قرار می دهد؛ چون وعده ام دهد ، دروغ می گوید و چون امیدوارم کند ، مأیوسم می سازد. هر گاه از خواسته اش پیروی کنم ، گم راهم می کند. اگر نیرنگ او را از من بر نگردانی ، مرا می لغزاند و اگر مرا از دام های او رها نکنی ، [از راه حق] بازم می دارد و اگر مرا از او نگه نداری ، مرا به گناه می اندازد.

خداوندا ! پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و با آن قدرتی که بر او داری ، قدرتش را بر من بشکن ، تا با دعاهای بسیار من بر درگاهت ، او را از من باز داری ، تا با لطف تو در زمره حفظ شدگان از او باشم ، و هیچ نیرو و قدرتی جز به تو نیست».

این دعا و دعای پیش از آن ، از امام صادق علیه السلام روایت شده است.

[47 و 48] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از امام صادق علیه السلامروایت شده است ، می خوانی :

«ای بخشنده ترین بخشنده ها ! ای بهترین کسی که درخواست می شود ! ای رحم کننده ترین کسی که از او درخواست رحمت می شود ! ای یکتا ! ای یگانه ! ای بی نیاز ! ای کسی که نه زاده است و نه زاده می شود و هیچ همتایی برایش نیست ! ای که همسر و فرزندی برنگزیده است ! ای آن که هر چه بخواهد ، می کند و به هر چه اراده نماید ، حکم می راند و هر چه را دوست بدارد ، تقدیر می کند ! ای که میان انسان و قلب او حایل است ! ای کسی که در اُفقِ والاست ! ای که هیچ مثل و مانندی ندارد ! ای شنوا ! ای بینا ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و بر من روزیِ حلالت را چنان بگستران که آبرویم را با آن حفظ کنم و امانتم را ادا نمایم و صله رحم کنم . و مددکاری برای حج و عمره باشد !» .

[49 و 50] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از امام رضا روایت شده است ، می گویی:

«خداوندا! در میان اوّلین بر محمّد و خاندانش درود فرست و در میان آخرین بر محمّد و خاندانش درود فرست و در ملکوت برین بر محمّد و خاندانش درود فرست و در میان پیامبران و فرستادگان ، بر محمّد و خاندانش درود فرست!

خداوندا! به محمّد صلی الله علیه و آله وسیله ، شرافت ، برتری و درجه بزرگ عطا کن!

خداوندا! من با آن که محمّد صلی الله علیه و آله را ندیده ام ، به او ایمان آورده ام. پس ، روز قیامت از دیدارش محرومم مکن و همنشینی با او را روزی ام گردان و مرا بر آیین او بمیران و مرا از حوض [کوثرِ] او سیراب بگردان ، آن چنان که پس از آن هرگز تشنه نگردم! همانا تو بر هر چیز ، توانایی.

خداوندا! همان گونه که به محمّد که درود تو بر او باد ایمان آوردم ، بی آن که او را دیده باشم ، [تو نیز]در بهشت چهره او را به من بشناسان!

خداوندا! از سوی من به روح محمّد ، درود بسیار و سلام برسان!».

سپس هر چه خواستی ، دعا کن. آن گاه سجده کن و در سجده ات بگو:

«خداوندا! من از تو می خواهم. ای شنوای هر صدا! ای پدیدآرنده جان ها پس از مرگ! ای آن که تاریکی ها او را فرا نمی گیرند و صداها بر او مشتبه نمی شوند و نیازخواهی ها او را به اشتباه نمی اندازند! ای آن که چیزی را به خاطر چیزی از یاد نمی برد و چیزی او را از چیزی غافل نمی سازد! به محمّد و خاندان محمّد که درود تو بر او و آنان باد برترین چیزی که خواسته اند و بهترین چیزی که خواسته اند و بهترین چیزی که از تو برای آنان خواسته شده است و بهترین چیزی که من برای آنان از تو خواسته ام و بهترینِ آنچه تا روز قیامت از تو برای آنان خواسته می شود ، عطا کن!».

سپس سرت را بردار و آنچه دوست داشتی ، دعا کن.

[51 و 52] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از امام صادق علیه السلام از پدرش ، از پدرانش ، از پیامبر خدا روایت شده است ، می گویی:

«خداوندا! همه ستایش ، از آنِ توست. خداوندا! آن را که گم راه کنی ، هدایتگری نیست و هر که را هدایت کنی ، گم راه کننده ای نیست. خداوندا! آنچه را عطا کنی ، جلوگیری نیست و آنچه را منع کنی ، بخشنده ای نیست.

خداوندا! آنچه را تو گشایی ، کسی نبندد و آنچه را تو ببندی ، گشاینده ای نیست. خداوندا! آنچه را تو به آخر اندازی ، جلو اندازه ای نیست و آنچه را تو جلو افکنی ، تأخیر اندازنده ای نیست.

خداوندا! تو بردباری ، بی آن که ناآگاه باشی. خداوندا! تو بخشنده ای ، بی آن که بخیل باشی. خداوندا! تو عزیزی ، بی آن که خوار شوی. خداوندا! تو دست نایافتنی هستی ، بی آن که کسی قصد آسیب زدن به تو کند. خداوندا! تو صاحب شُکوه و بزرگواری هستی. پس ، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست!» و آنچه خواستی ، دعا کن.

[53 و 54] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از امام صادق علیه السلامروایت شده است ، می گویی:

«خداوندا! از تو می خواهم آسودگی و عافیت از رنج بلا و بدگویی دشمنان را ، و عافیت از سرنوشت بد و پرتگاه شقاوت را ، و ایمنی از زیان را در زندگی ، و این که مرا به بلایی دچار کنی که طاقتش را ندارم یا طغیانگری را بر من مسلّط سازی ، یا پرده ای از من بدری ، یا عیبی را از من آشکار کنی ، یا روز قیامت ، سختگیرانه از من حساب بکشی؛ آن روز که بیشترین نیاز را به گذشت و بخشایش برای گذشته ام دارم.

خداوندا! تو را به نام بزرگوار و کلمات کاملت می خوانم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و مرا از آزادشدگان و رهاگشتگان خود از آتش قرار دهی».

[55 و 56] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«ای خداوند! خشم تو را جز بردباری ات بر نمی گرداند و جز رحمتت ، از انتقامت نجات بخشی نیست و جز نالیدن به درگاهت ، نجات بخشی از عذابت نیست. از سوی خود ای خدا مرا رحمتی عطا کن که از رحمت هر که جز تو ، بی نیازم کند ، با همان قدرتی که سرزمین های مرده را با آن حیات می بخشی و بندگان مرده را بر می انگیزی؛ و مرا از اندوه ممیران تا مرا بیامرزی و رحمتم کنی و استجابت دعایم را به من بشناسانی؛ و

طعم عافیت را تا پایان عمرم به من بچشان؛ و دشمنم را شماتت کننده من مساز و او را بر من مسلّط مکن! خداوندا! اگر تو مرا خوار کنی ، چه کسی رفعتم بخشد؟ اگر تو رفعتم بخشی ، کیست که مرا پست سازد؟ و اگر تو مرا هلاک کنی ، کیست که میان تو و من حایل شود یا درباره چیزی از کار من متعرّض تو شود؟ دانسته ام ای خدا که در داوری ات ظلمی و در انتقامت شتابی نیست. کسی شتاب می کند که بیم از دست رفتن دارد و کسی نیازمند ظلم است که ناتوان باشد و تو ای خدای من نسبت به اینها ، والا و بزرگی.

پس ، مرا هدف بلا و آماج انتقام خویش قرار مده؛ و مرا مهلت و فرصت بده؛ و لغزشم را ببخشای؛ و مرا به بلایی در پی بلایی دچار مکن ، که ناتوانی و بیچارگی مرا می بینی! به تو پناه می آورم ، پس پناهم ده؛ از آتش به تو پناهنده می شوم. پس ، نگاهم دار؛ و از تو بهشت می خواهم. پس ، محرومم مکن !».

[57 و 58] سپس دو رکعت نماز می خوانی و پس از آن دعایی را که از امام کاظم علیه السلام روایت شده است ، می خوانی:

«خداوندا! جز تو معبودی نیست ، و جز تو را نمی پرستم ، و چیزی را شریک تو قرار نمی دهم.

خداوندا! بر خود ستم کردم. پس ، مرا بیامرز و رحم کن ، که جز تو گناهان را نمی آمرزد!

خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و گناهان گذشته و آینده ام را و گناهان آشکار و پنهانم را و هر چه را تو به آن از من داناتری ، بیامرز! تویی مقدّم کننده و تویی به تأخیر اندازنده.

خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به دادگری ، هدایت ، درستی و استواریِ دین ، راهنمایی کن!

خداوندا! مرا هدایتگر ، هدایت شده ، راضی و مورد رضایت ، قرار بده ، نه گم راه و نه گم راه کننده!

خداوندا! ای پروردگار آسمان های هفتگانه و پروردگار زمین های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ! به هر گونه که می خواهی ، در مورد آنچه [از کارم]

مرا اندوهگین ساخته ، کفایتم کن و بر محمّد و خاندانش درود فرست !» و هر چه دوست داشتی ، دعا کن.

[59 و 60] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«خداوندا ! گذشتِ تو از گناهم ، و چشم پوشی ات از خطایم ، و نادیده گرفتن ظلمم به وسیله تو و پرده پوشی ات بر کار زشتم ، و بردباری ات بر گناه بسیارم ، آن گاه که به خطا یا به عمد بوده ، مرا به طمع انداخته تا از تو چیزی بخواهم که شایسته آن نیستم ؛ آن رحمتی را که روزی ام کرده ای و آن قدرتی که نشانم داده ای و آن اجابتی که به من شناسانده ای.

پس ، از روی ایمنی ، از تو می خواهم و از روی اُنس ، از تو می طلبم ، نه ترسان و نه هراسان ، و در آنچه از تو می طلبم ، عشوه گرانه می خواهم. پس ، اگر دیر شود ، جاهلانه سرزنشت می کنم. و شاید آنچه از من تأخیر می شود ، برایم بهتر باشد؛ چرا که تو فرجام امور را می دانی. من هیچ مولای بزرگواری را نسبت به بنده پست خود ، شکیباتر از تو ندیده ام.

پروردگارا ! تو مرا می خوانی و من روی برمی گردانم. تو با من دوستی می کنی و من با تو دشمنی می کنم. تو با من مهر می ورزی و من از تو نمی پذیرم ، گویا این منم که بر تو منّت دارم ؛ امّا باز هم اینها سبب نمی شود که رحمت و احسان و نیکی خود را با جود و بزرگواری ات ، از من دریغ کنی. پس بر بنده نادانت رحم کن و با احسان افزون خویش بر او ببخش؛ همانا تو بخشنده بزرگواری». و آنچه دوست داشتی ، دعا کن.

و چون از دعا فارغ شدی ، سجده کن و در سجده ات بگو:

«ای آن که پیش از هر چیز بوده ای و پس از هر چیز خواهی بود ، ای هستی بخشِ هر چیز ! رسوایم مکن که تو بر من آگاهی و مرا عذاب مکن که تو بر من توانایی.

خداوندا ! از عدول از حق هنگام مرگ ، از بدی سرانجام در قبر و از پشیمانی در روز قیامت ، به درگاهت پناه می برم.

خداوندا ! از تو زندگی گوارا ، مرگی خوب و سرانجامی شایسته ، دور از خواری و رسوایی ، می خواهم».

سپس سر از سجده بردار و آنچه خواستی ، دعا کن.

[61 و 62] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را یکی از دو امام [باقر و صادق] علیهماالسلام روایت شده است ، می گویی:

«خداوندا ! از تو می خواهم ، به حقّ این که ستایش ، از آنِ توست و معبوی جز تو نیست . خدای نعمت بخش ، پدیدآورنده آسمان ها و زمین ، صاحب شُکوه و بزرگواری، همانا من سائلی نیازمند و ترسانی پناهجو و توبه کننده ای آمرزش خواهم.

خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و همه گناهانم را ، دیرین و تازه آنها را ، و هر گناهی را که مرتکب شده ام ، بیامرز !

خداوندا ! رنج و بلایم را به بالاترین حد نرسان و مرا به شماتت دشمنان دچار مکن ! هیچ دفع کننده و بازدارنده ای جز تو نیست».

[63 و 64] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از امام صادق علیه السلامروایت شده است ، می گویی:

«خداوندا ! از تو ایمانی می طلبم که با آن همدم دلم شوی ، و یقینی که بدانم جز آنچه برایم مقدّر کرده ای، به من نخواهد رسید ، و نیز خرسندی به آنچه برایم تقسیم کرده ای.

خداوندا ! از تو جانی پاک می طلبم که به دیدار تو باور دارد و به بخشش تو قانع ، و به تقدیر تو راضی است.

خداوندا ! از تو ایمانی می طلبم که سرآمدی جز دیدار تو نداشته باشد که: تا باقی ام گذاشته ای ، مرا بر آن نگه داری و تا زنده ام داشته ای ، مرا بر آن زنده بداری و چون بمیرانی ، مرا بر آن ایمان بمیرانی و چون برانگیزی ، مرا با آن برانگیزی و سینه ام را به سبب آن از شک و تردید در دینم حفظ کنی».

[65 و 66] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از امام صادق علیه السلامروایت شده است ، می گویی:

«ای بردبار ، ای بزرگوار ! ای داننده ، ای دانا ! ای توانا ، ای چیره ! ای آگاه ، ای لطیف ! ای خداوند ، ای پروردگار ! ای سَرور ، ای مولا ! ای امید ! ای نهایت اشتیاقم ! از تو می خواهم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی.

از تو عطای پر اَرج و پر مهری از بخشش هایت را می طلبم که به سبب آن ، آشفتگی ام را سامان بخشی و کارم را اصلاح کنی و بدهی ام را ادا کنی و با آن ، مرا و خانواده ام را نشاط بخشی و با آن مرا از جز خودت بی نیاز گردانی.

ای آن که برای من از پدرم ، مادرم و از همه مردم ، بهتر است! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و هم اکنون این خواسته را برآور! همانا تو بر هر چیز ، توانایی».

[67 و 68] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«خداوندا! آمرزش خواهیِ با اصرار بر گناه ، شومی است و آمرزش نخواستنم ، با آن که به بزرگواری ات آگاهم ، ناتوانی است. چه بسا با من به نعمت هایت دوستی می کنی ، با آن که از من بی نیازی؛ و چه بسا من با گناهان با تو دشمنی می کنم ، با این که به تو نیازمندم.

ای آن که هر گاه وعده دهد ، وفا می کند و چون تهدید کند ، در می گذرد! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و شایسته ترینِ دو کار را با من کن؛ چرا که بخشودن ، شأن توست و تو مهربان ترینِ مهربانانی.

خداوندا! تو را می خوانم ، به حرمت آن که از تو به تو پناه آورده و پناهنده به عزّت تو گشته و در سایه سار تو آرمیده و به ریسمان تو چنگ زده است. ای فراوان بخشش ، ای آزادکننده اسیران ، ای آن که خود را به سبب بخشندگی اش ، وهّاب نامیده است! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و برای من ای سرورم در کارم گشایش و راه برون رفت و روزیِ گسترده عطا کن ، آن گونه که می خواهی و هر گاه که خواستی و به هر چه و هر جا که خواستی؛ چرا که آنچه را بخواهی ، هر گاه و هر گونه که بخواهی ، همان می شود».

[69 و 70] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از امام صادق علیه السلامروایت شده است ، می گویی:

«خداوندا! تو را به آن نامت که در سراپرده شُکوه نوشته شده ، می خوانم و به آن نامت که در سراپرده درخشندگی ثبت است ، می خوانم و تو را به آن نامت که در سراپرده عظمت نوشته شده ، می خوانم ، و تو را به آن نامت که در سراپرده جلالْ نوشته شده ، می خوانم ، و تو را به آن نامت که در سراپرده عزّت نگاشته شده می خوانم ، و تو را به آن نامت که در

سراپرده قدرت نوشته شده ، می خوانم ، و تو را به آن نامت که در سراپرده نهان ها نوشته شده ، می خوانم ؛ پیشینِ برتر ، نیکِ شاداب ، پروردگار فرشتگانِ هشتگانه و پروردگار عرش بزرگ.

و [تو را] به آن چشمی که نمی خوابد ، و به آن نام بزرگ تر بزرگ تر بزرگ تر ، و به آن نام عظیم ترِ ، عظیم ترِ ، عظیم تر ، آن نامی که فراگیرنده ملکوت آسمان ها و زمین است ، و به آن نامی که آسمان ها و زمین برای آن تابان گشتند و به آن نامی که به سبب آن خورشید ، فروزان شد و ماه تابید و دریاها به سبب آن در هم متراکم شدند و کوه ها به سبب آن استوار گشتند ، و به آن نامی که عرش و کرسی به سبب آن برپا شد و به نام های گرامی ، مقدّس پنهان و اندوخته در علم غیبی که پیش توست؛ تو را به همه اینها می خوانم و می خواهم که بر محمّد و خاندانش درود بفرستی» و هر دعایی که دوست داشتی ، می خوانی.

چون از دعا فارغ شدی ، سجده کن و در سجده ات بگو:

«چهره فرومایه ام برای ذات بزرگوار پروردگارم سجده کرد. چهره ناچیزم برای ذات پروردگار عزیزم سجده کرد. ای بزرگوار ، ای بزرگوار ، ای بزرگوار! به حقّ بزرگواری و بخشندگی ات ، ستم و جرم و اسرافم را بر خویش بیامرز!».

سپس سر بردار و هر چه خواستی ، دعا کن.

[71 و 72] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از یکی از دو امام باقر و صادق علیهماالسلام روایت شده ، می خوانی:

«خداوندا! تو را سپاس ، با همه ستایش هایت بر همه نعمت هایت ، تا آن که ستایش به آن جا رسد که تو دوست داری و خرسند می شوی .

خداوندا! خیر تو و خیر آنچه را امید دارم ، از تو می خواهم و از شرّ آنچه می پرهیزم و از شرّ آنچه نمی پرهیزم ، به تو پناه می برم.

خداوندا! بر محمّد و آل محمّد درود فرست و روزی ام را وسعت بخش و عمرم را طولانی کن و گناهم را بیامرز و مرا از کسانی قرار بده که برای دین خودت از آنان یاری می جویی ، و دیگری را جایگزین من مساز!».

[73 و 74] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ما را از بیم خود ، آنچه را میان ما و نافرمانی هایت فاصله می شود، عطا کن و به ما از فرمان بُرداری ات، آنچه ما را به سبب آن به بهشت می رسانی و از یقین ، آنچه مصیبت های دنیا را بر ما آسان می سازد ، عطا کن و ما را از گوش ها و چشم هایمان بهره مند ساز و ما را بر آن که با ما دشمنی می کند ، پیروز کن و مصیبت ما را در دین ما قرار مده و دنیا را بزرگ ترین دل مشغولیِ ما مساز و آن که را بر ما رحم نمی کند ، بر ما چیره مگردان !».

[75 و 76] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«خدایا! گناهانم مرا از تو بیمناک می کنند و بخشندگی ات ، از سوی تو بشارتم می دهد. مرا به وسیله ترس ، از گناهانم درآور و به بخشندگی ات به عطاها برسان تا در فردای قیامت ، آزادشده کَرَمت باشم ، آن سان که در دنیا پرورده نعمت هایت بودم ، که آن نجاتی که فردا عطا می کنی ، از امیدی که امروز بخشیده ای ، بزرگ تر نیست. کِی آرزومند درگاهت ناکام گشته و چه زمان ، خواهنده تو تهی دست برگشته است؟

خدایا! کسی تو را نخوانده که جوابش نداده باشی؛ چرا که تو گفته ای: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم» و تو وعده را خلاف نمی کنی. پس ، ای خدای من! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و دعایم را اجابت کن !».

[77 و 78] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از امام صادق علیه السلامروایت شده است ، می گویی:

«خداوندا! مرگ را برایم خجسته گردان. خداوندا! بر سختی های جان کندن ، یاری ام کن. خداوندا! بر اندوه قبر ، یاورم باش. خداوندا! مرا بر تنگی گور ، یاری کن. خداوندا! بر وحشت قبر ، یاری ام کن. خداوندا! بر تاریکی قبر ، کمکم کن. خداوندا! بر هراس های روز قیامت ، یاری ام کن. خداوندا! بلندای روز قیامت را بر من خجسته گردان. خداوندا! از حوریان بهشتی ، همسرم ساز».

[79 و 80] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«خداوندا! چاره ای از فرمانت نیست و چاره ای از تقدیرت نیست و چاره ای از قضایت نیست و هیچ نیرو و توانی جز از تو نیست.

خداوندا ! آنچه بر ما از قضا و تقدیر رقم زده ای ، همراه آن به ما صبری عطا کن که بر آن غالب و چیره آید و آن را بالا برنده ما در رضوانت (بهشت) قرار بده که حسنات و برتری و سروری و شرف و شُکوه و نعمت و کرامت ما را در دنیا و آخرت بیفزاید ، و از حسنات ما مکاه !

خداوندا ! هر عطایی که به ما بخشیده ای و هر فضیلتی که به ما عطا کرده ای و هر کرامتی که ما را با آن گرامی داشته ای ، همراه آن به ما شکری عطا کن که بر آن غالب و چیره آید و آن را بالا برنده ما در رضوانت (بهشت) قرار بده و مایه افزایش حسنات و سروری و شرف ما و نعمت کرامت تو در دنیا و آخرت گردان !

خداوندا ! آن (نعمت) را برای ما مایه غرور و سرمستی و فتنه و عذاب و خواری در دنیا و آخرت قرار مده !

خداوندا ! از لغزش زبان و بدیِ جایگاه و سَبُکی وزنه اعمال به تو پناه می بریم.

خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و حسنات ما را هنگام مرگ ، به دیدارمان بفرست و کارهایمان را با مایه حسرت بودن به ما نشان مده و هنگام دیدارت خوارمان مکن و روزی که تو را دیدار می کنیم ، به سبب گناهانمان رسوایمان مساز و دل های ما را چنان کن که به یاد تو باشد و تو را فراموش نکند و چنان از تو بیم داشته باشد که گویی تو را می بیند ، تا آن که تو را دیدار کنند ، و بر محمّد و خاندانش درود فرست و بدی های ما را به نیکی تبدیل کن و حسنات ما را برای ما درجات قرار بده و رتبه های ما غرفه های بهشتی قرار بده و غرفه های ما را بالا و والا بگردان !

خداوندا ! نیازمندها را از آن وسعتی که بر خویش حتمی ساخته ای، وسعت عطا کن !

خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و تا ما را باقی داشته ای ، با هدایت بر ما منّت بگذار و تا ما را زنده داشته ای ، بر ما کرامت کن و چون ما را میراندی ، ما را بیامرز و در باقی مانده عمرمان نگهدارمان باش و در آنچه روزی مان می دهی ، برکت بده و در آنچه بر دوش ما نهاده ای ، یاورمان باش و در آنچه به گردن ما نهاده ای استوارمان کن و ما را به خاطر ستممان مؤاخذه مکن و با ما به نادانیِ ما رفتار مکن و نعمت هایت را به خاطر خطاهایمان از ما مگیر و بهترین چیزی را که می گوییم ، در دل

هایمان ثابت قرار بده و ما را نزد خودت بزرگ و پیش خودمان خاکسار قرار بده و ما را از علمی که به ما داده ای ، بهره مند بگردان و دانش سودمند برای ما بیفزای !

به تو پناه می برم از دلی که خاشع نمی شود و از چشمی که اشک نمی بارد و از نمازی که پذیرفته نمی شود. ما را از فتنه ها و آزمون های بد ، پناه بده ، ای سرپرست دنیا و آخرت !».

پس چون از دعا فارغ شدی ، سجده کن و در سجود خود ، آنچه را از امام صادق علیه السلامروایت شده است ، بگو:

«رویم از روی عبادت و بندگی ، تو را سجده می کند. معبودِ حقّی جز تو نیست ؛ تو که پیش از هر چیز ، نخستینی و پس از هر چیز ، واپسینی . اینک ، منم در برابرت؛ اختیارم به دست توست. مرا بیامرز ، که جز تو ، گناهان بزرگ را نمی بخشاید. پس ، مرا بیامرز که من خود بر گناهان خویش اعتراف دارم و جز تو گناه بزرگ را دفع نمی کند».

سپس سرت را از سجده بردار و چون ایستادی ، هر چه دوست داشتی ، دعا کن.

[81 و 82] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از امام صادق علیه السلامروایت شده است ، می گویی:

«خداوندا ! در هر گرفتاری ، تو تکیه گاه منی و در هر سختی ، تو امید منی و در هر چه بر من فرود می آید ، تو تکیه گاه و پشتوانه منی. چه بسیار گرفتاری ای که دل از تحمّلش ناتوان می شود و چاره در آن اندک می گردد و نزدیک ، از یاری دست می شوید و دشمن ، شماتت می کند و کارها با آنها مرا درمانده می کنند ، که آن را پیش تو آوردم و شِکوه به درگاه تو کردم و با شوق به تو از دیگران روی گرداندم و تو برای من گشایش و غم زدایی و کفایت کردی. پس ، تو سرپرست هر نعمت و صاحب هر نیاز و نهایت هر اشتیاقی. تو را ستایش فراوان ، و تو را نعمتِ و احسان افزون است».

[83 و 84] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از امام صادق علیه السلامروایت شده ، می خوانی که ایشان به خواندن این دعا دستور می داد:

«خداوندا! در شب و روز ، آنچه را می خواهی ، فرود می آوری. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و برکات و آمرزش و روزیِ گسترده خود را بر من و برادرانم و خانواده و همسایگانم فرو فرست و هزینه های ما را کفایت کن!

خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ما را از آن جا که گمان می بریم و از آن جا که گمان نمی بریم ، روزی بده و ما را از آنچه [خود را] نگاه می داریم و از آنچه نگاه نمی داریم ، حفظ کن!

خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و ما را در پناه و امان خویش قرار بده! پناه تو ، استوار ، و ستایش تو ، والاست و معبودی جز تو نیست».

[85 و 86] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از امام رضا علیه السلام روایت شده، می گویی که ایشان فرمود: «این، دعای عافیت(آسایش) (7) است:

ای خداوند ، ای عهده دار عافیت ، ای عافیت بخش ، ای روزی کننده عافیت و نعمت بخش با عافیت و احسان کننده با عافیت بر من و بر همه آفریدگانت ! ای بخشنده دنیا و آخرت و مهربان هر دو سرای! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و برای ما گشایش و راه خروجی به سرعت فراهم آر و عافیت و دوام عافیت را در دنیا و آخرت ، روزیِ ما کن ، ای مهربان ترینِ مهربانان!».

[87 و 88] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی : (8)

«خداوندا! تو را به آن رحمتت می خوانم که همه چیز را فرا گرفته و به آن قدرتت می خوانم که همه چیز را مغلوب خود ساخته و به آن عظمتت می خوانم که بر همه چیز ، غالب گشته و به آن نیرویت می خوانم که چیزی جلودارِ آن نیست و به آن عظمتت که هر چیز را در برگرفته و به آن دانشت که بر هر چیز ، احاطه دارد و به ذات پایدار تو پس از فنای هر چیز و [نیز] به فروغ ذاتت که هر چیز برای او تابان گشته است. ای نور ، ای نور! ای نخستِ نخست ها و ای پایانِ پایان ها! ای خداوند ، ای بخشنده! ای خداوند ، ای مهربان!

ای خداوند! از گناهانی به تو پناه می برم که عذاب آورند. از گناهانی به تو پناه می برم که پشیمانی آفرینند. از گناهانی به تو پناه می برم که بهره ها

را باز می دارند. (9) از گناهانی به تو پناه می برم که پرده ها را می درند. (10) از گناهانی به تو پناه می برم که جلوی قضا را می گیرند. از گناهانی به تو پناه می برم که بلا فرود می آورند.

از گناهانی به تو پناه می برم که دشمنان را چیره می سازند. از گناهانی به تو پناه می برم که مانع اجابت دعا می شوند. از گناهانی به تو پناه می برم که نابودی را شتاب می بخشند . از گناهانی به تو پناه می برم که امید را می بُرند. از گناهانی به تو پناه می برم که بدبختی می آورند. از گناهانی به تو پناه می برم که هوا را تیره می سازند. (11) از گناهانی به تو پناه می برم که پرده را کنار می زند ، و از گناهانی به تو پناه می برم که جلوی باران آسمان را می گیرند».

[89 و 90] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را امامان علیهم السلامروایت شده و نیز دعای پیشین را می گویی :

«خداوندا! تویی که آن دو نوجوان را به خاطر صلاح پدر و مادرشان حفظ کردی و مؤمنان، تو را خواندند و گفتند: «ما را مایه آزمایش گروه ستمگران قرارمده» .

خداوندا! تو را به رحمتت سوگند می دهم و تو را به پیامبرت ، پیامبر رحمت ، سوگند می دهم و تو را به علی و فاطمه سوگند می دهم و تو را به حسن و حسین که درود تو بر او و همه آنان باد سوگند می دهم و تو را به همه نام ها و صفاتت (12) سوگند می دهم و تو را به نام بزرگ ترِ بزرگ ترت سوگند می دهم؛ نامی که چون به آن نام خوانده شوی ، آنچه را به طاعتت نزدیک تر و از نافرمانی ات دورتر و به عهدت وفاکننده تر و حقّت را اداکننده تر باشد ، رد نمی کنی.

از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و مرا به آن نشاط بخشی و مرا بنده سپاس گزار خویش سازی. تو از میان بندگانت ، کسی جز مرا می یابی که عذابش کنی؛ امّا من جز تو را نمی یابم که مرا بیامرزد. تو بی نیاز از عذاب منی و من به رحمتت نیازمندم.

تو جایگاه هر شکایت و حاضر در هر نجوا و نهایت هر نیاز و نجات دهنده از هر لغزش و پناه هر پناهجویی.

از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و با فرمان بُرداری ات ، مرا از نافرمانی ات نگه داری و با آنچه دوست داری ، از آنچه

خوش نداری ، نگه داری و با ایمان از کفر ، با هدایتْ از گم راهی ، با یقینْ از شک ، با امانتْ از خیانت ، با راستی از دروغ ، با حقْ از باطل ، با تقوا از گناه ، با معروفْ از منکر ، و با یادْ از فراموشی ، حفظم کنی.

خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و تا مرا زنده داشته ای ، عافیتم بخش و سپاس را بر آنچه به من داده ای ، الهامم کن و بر من مهربان و عطوف باش ، ای بزرگوار !».

چون از دعا فارغ شدی ، سجده کن و در سجده ات بگو:

«خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و با حِلم و بخشندگی خود ، از ستم و گناهم درگذر. ای پروردگار ! ای بزرگوار ! ای آن که خواهانش ناکام نمی شود و بهره مند از درگاهش ، تهی دست نمی گردد ! ای آن که والاست و برتر از او چیزی نیست ، و ای آن که نزدیک است و نزدیک تر از او چیزی نیست ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست» و هر چه خواستی ، دعا کن.

[91 و 92] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«ای تکیه گاه آن که بی تکیه گاه است ! ای ذخیره آن که بی پشتوانه است ! ای پشتوانه آن که بی پشتوانه است ! ای پناه آن که بی پناه است ! ای نگهبان آن که بی نگهدارنده است ! ای نیک بخشایش ! ای نیک آزمایش ! ای امید بزرگ !

ای یاور ضعیفان ! ای نجات بخش غریقان ! ای رهاساز هلاک یافتگان ! ای نیکورفتار ! ای نعمت بخش ! ای بخشنده ! تویی آن که سیاهی شب و روشنایی روز و فروغ ماه و پرتو خورشید و خروش آب و صدای باد و آوای درخت ، تو را سجده می کنند.

ای خداوند ، ای خداوند ! نیکوترین نام ها از آنِ توست. شریکی نداری. پروردگارا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و با بخشایشت ، ما را از آتش برهان و با رحمتت ، ما را وارد بهشت کن و با بخشندگی ات ، از حوریان بهشتی همسرمان کن و بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و با من ، آن کن که تو شایسته آنی ، ای مهربان ترینِ مهربانان ! همانا تو بر هر چیز ، توانایی» و هر چه را دوست داشتی ، دعا کن.

[93 و 94] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«خداوندا! تو را به آن نام های ستوده و ارجمندت می خوانم که اگر بر اشیا نهاده شود ، رام آنها می شوند و اگر با آن نیکی ها خواسته شوند ، بدانها می رسند و هر گاه با آن برطرف شدن بدی ها خواسته شود ، برطرف می شوند. و تو را به کلمات کامل خودت می خوانم ؛ آنها که اگر آنچه درخت در زمین است ، قلم شوند و دریا ، با مدد هفت دریای دیگر [مرکّب شوند] ، کلمات الهی پایان نمی پذیرند ، همانا خداوند ، قدرتمند حکیم است.

ای زنده ، ای برپای! ای بزرگوار ، ای والا ، ای بزرگ! ای بیناترینِ ناظران ، ای شنواترینِ شنوندگان ، ای سریع ترینِ حسابگران ، ای دادگرترینِ داوران و ای مهربانَ ترینِ مهربانان! به عزّتت از تو می خواهم و به قدرتی که بر هر چیز داری ، می طلبم و به هر چه دانش تو فراگیرنده آن است ، می خوانمت و از تو می خواهم به هر حرفی که در کتابی از کتاب هایت فرو فرستاده ای و به هر نامی که هر یک از فرشتگانت و فرستادگان و پیامبرانت تو را به آن خوانده اند ، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی» و هر چه خواستی ، دعا کن.

[95 و 96] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«منزّه است خدایی که محمّد صلی الله علیه و آله را گرامی داشت. منزّه است خدایی که محمّد صلی الله علیه و آلهرا برگزید. منزّه است خدایی که علی علیه السلام را برگزید. منزّه است خدایی که حسن و حسین علیهماالسلام را ویژه ساخت. منزّه است خدایی که به سبب فاطمه علیهاالسلامدوستداران وی را از آتش ، دور ساخت. منزّه است خدایی که با فرمانش آسمان ها و زمین را آفرید.

منزّه است خدایی که با ولایت محمّد و خاندان محمّد ، آسمانیان و زمینیان را به پرستش فرا خواند. منزّه است خدایی که بهشت را برای محمّد و خاندان محمّد آفرید. منزّه است خدایی که بهشت را برای محمّد و خاندان محمّد و پیروانشان به میراث می نهد. منزّه است آن که آتش را به خاطر دشمنان محمّد و خاندان محمّد آفرید. منزّه است آن که آن (آتش) را در اختیار محمّد و آل محمّد قرار می دهد. منزّه است خدایی که دنیا و آخرت و آنچه را در شب و روز ، ساکن است ، برای محمّد و خاندان محمّد آفرید.

خدا را سپاس ، آن گونه که شایسته خداوند است. خدا بزرگ تر است ، آن گونه که [بزرگی] سزاوار خداوند است. هیچ معبودی جز خداوند نیست ،

آن گونه که سزاوار اوست. منزّه است خدا ، آن گونه که برای خداوند ، سزاوار است. و هیچ نیرو و قوّتی جز خدا نیست ، آن گونه که سزاوار خداوند است. درود خدا بر محمّد و خاندانش و همه فرستادگان ، تا آن که خدا راضی شود.

خداوندا ! از نعمت های بی شمار تو و از نعمت های تو که فراتر از ادراک است ، آن است که دشمن من ، دشمن تو باشد. مرا بر بردباری تو شکیب نیست. پس ، هر چه زودتر آنان را هلاک و نابود و ریشه کن ساز !».

[97 و 98] سپس دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

«به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوندا ، ای پدیدآورنده آسمان ها و زمین ، ای دانای نهان و آشکار ، ای بخشاینده مهربان ! من در سرای دنیا با تو عهد می بندم که گواهی دهم: معبودی جز تو نیست؛ یکتای بی شریکی؛ محمّد بنده و فرستاده توست؛ آیین ، همان است که تو قرار دادی و اسلام ، همان گونه است که تو توصیف کردی و کتاب ، همان گونه است که تو فرو فرستادی و سخن ، همان است که تو گفتی و همانا تو ، تو ، تویی خداوند حقّ روشن و روشنگر. خداوند ، بهترین پاداش را به محمّد صلی الله علیه و آلهدهد و با سلام ، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستد !».

[99 و 100] سپس دو رکعت نماز می خوانی و آنچه را از امام صادق علیه السلامروایت شده است ، می گویی که فرمود: «هر گاه از نماز خود فارغ شدی ، این دعا را بگو:

خداوندا ! من با اطاعت تو و ولایت تو و ولایت پیامبرت و ولایت امامان ، از اوّلینشان تا آخرینشان (آنان را نام می بری) ، پذیرای آیین تو ام !»

سپس می گویی: «آمین ! پرستنده توام ، با اطاعت و ولایت آنان و رضا به آنچه آنان را به سبب آن برتری بخشیده ای ، نه مُنکِرم ، نه مستکبر ، به همان معنا که در کتابتْ نازل کرده ای ، با حدودی که از آن به ما رسیده و آنچه نرسیده است. به این عقیده ، ایمان و اقرار دارم و تسلیم و فرمان بردارم. پروردگارا ! به هر چه تو راضی باشی ، راضی ام.

با این ، رضای تو و سرای آخرت را می جویم و درباره آن ، رغبتم به تو و هراسم از توست. پس تا مرا زنده می داری ، بر این عقیده زنده بدار و هر گاه مرا میراندی ، بر آن بمیران و آن گاه که مرا برانگیختی ، بر آن برانگیز !

اگر در گذشته از سوی من کوتاهی بوده ، از آن به درگاهت توبه می کنم ، و به آمرزشی که نزد توست ، مشتاقم.

از تو می خواهم که مرا از نافرمانی هایت نگه داری و تا زنده ام داشته ای ، هرگز به اندازه یک چشم بر هم زدن و نیز کمتر و بیشتر از آن ، مرا به خودم وا نگذاری ، که نفْس ، بسیار فرمان دهنده به بدی هاست ، مگر آن که تو ترحّم کنی ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

از تو می خواهم که به طاعت خویش نگهدارم باشی تا جانم را بر همین طاعت بگیری ، در حالی که از من خرسندی ، و این که پایان عمرم را به سعادت ختم کنی و مرا از آن هرگز برنگردانی؛ و نیرویی جز به مدد تو نیست».

سپس آنچه دوست داشتی ، دعا می کنی و چون از دعا فارغ شدی ، سجده کن و در سجده ات بگو:

«چهره پوسیده فانی من برای ذات ابدیِ پایدار تو سجده کرد. چهره خوار من برای ذات ارجمند تو سجده کرد. چهره نیازمند من برای ذات بزرگ و بی نیاز و بزرگوار تو سجده کرد.

پروردگارا ! از گذشته و آینده ام از تو آمرزش می طلبم. پروردگارا ! بلایم را طاقت فرسا قرار نده. پروردگارا ! تقدیر مرا از یاد مبر. پروردگارا ! مرا به شماتت دشمنانم دچار مکن. پروردگارا ! جز تو دفع کننده و بازدارنده ای نیست. پروردگارا ! بر محمّد و خاندان محمّد با بهترین درودهایت درود فرست و با برترین برکاتت ، بر محمّد و خاندان محمّد خجسته گردان !

خداوندا ! از خشم و قهر تو ، و از انتقام هایت ، و از همه خشم و غضبت ، به تو پناه می برم . منزّهی تو ! تویی خداوند ، پروردگار جهانیان».

این دعا در سجود از امام صادق علیه السلام روایت شده است.

.

1- .می توان دعاهای بیست رکعت گذشته را در همه شب های ماه رمضان خواند؛ چون کمترین نافله ای که روزه دار در شب های این ماه می خواند ، بیست رکعت است (ر . ک : ترتیب نوافل ماه رمضان). امّا دعاهای هشتاد

رکعت دیگر (یادشده در این موضوع) مخصوص شب های قدر است ؛ چون نافله صد رکعت ، تنها از مختصّات این شب هاست؛ لیکن چون نافله دهه آخر این ماه ، سی رکعت است ، انسان اگر بخواهد ، می تواند دعاهای ده رکعتی را که پس از بیست رکعتِ سابق است ، بخواند.
2- .مقصود ، شب های سه گانه قدر (یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم) است .
3- .سیّد ابن طاووس در پایان دعا نوشته است : در دو روایت حاوی دعاهای غیر ماه رمضان دیدم چنین نوشته بود : «مالک خیر و شر» ، و نه «آفریدگار خیر و شر» .
4- .انصاف ، آن است که به دیگری نیز همان حق را بدهی که خود را شایسته آن می دانی (ر . ک : تاج العروس : 12 / 502) .
5- .تتمّه دعا ، چنین است: «و روحم را با شهیدان ، و نیکی ام را در میان بلندمرتبگان ، و گناهم را آمرزیده قرار بده؛ و می خواهم که مرا یقینی ببخشی که با آن همدم جانم شوی و ایمانی بدهی که شک را از من ببرد و مرا به آنچه روزی ام ساخته ای ، راضی گردانی. در دنیا و در آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش ، نگه دار و در این شب ، یادت ، سپاست ، اشتیاق به خودت و توبه و بازگشت [به سوی تو] و توفیق به آنچه محمّد و خاندان محمّد را بر آن موفّق داشته ای ، روزی ام کن !».
6- .در پایان دعای بعدی خواهد آمد که این دعا و دعای بعد ، از امام صادق علیه السلام روایت شده است.
7- .عافیت، به معنای«سلامت جسم و روح» و«آسایش مادّی و معنوی» است .
8- .در آغاز دعای بعدی خواهد آمد که این دعا از ائمّه علیهم السلام روایت شده است.
9- .گناهانی که جلوی بهره ها (سهم ها) را می گیرند ، عبارت اند از: اظهار تنگ دستی ، خوابیدن بدون خواندن نماز عشا و صبح ، کوچک شمردن نعمت ها ، شکایت کردن از معبود (ر . ک : مجمع البحرین : 3 / 1480) .
10- .مقصود از دریدن پرده ها: یا برداشتن حفاظت الهی از گناهان است ، یا برداشتن پرده ای که او را از فرشتگان و جِن و اِنس پوشانده است (ر. ک: مرآه العقول : 16 / 221) . گناهانی که پرده ها را می درند ، به فرموده امام صادق علیه السلام ، عبارت اند از: میخواری ، قماربازی ، شوخی ها و بازی هایی که مردم را می خنداند (دلقک بازی) ، ذکر عیب مردم ، همنشینی با ریاکاران (ر . ک : مجمع البحرین : 2 / 1226) .
11- .کنایه ازسرگردانی است، یا بلای شدیدوآشکار شدن آثارخشم خدا در فضا(ر . ک: بحارالأنوار: 58/274 وج 87/253).

12- .شاید مقصود از ارکان ، مطلق صفات خدا یا صفات ذات او باشد ، گویا که بر آنها تکیه می شود و شاید ارکان آفرینش ، از عرش و کرسی و آسمان ها مقصود باشد (ر . ک : ملاذ الأخیار : 5 / 92) .

ص: 686

..

ص: 687

..

ص: 688

..

ص: 689

. .

ص: 690

. .

ص: 691

..

ص: 692

. .

ص: 693

. .

. .

ص: 695

..

ص: 696

..

ص: 697

..

ص: 698

..

ص: 699

..

ص: 700

. .

ص: 701

. .

ص: 702

. .

ص: 703

. .

. .

ص: 705

. .

. .

ص: 707

. .

ص: 708

. .

ص: 709

. .

ص: 710

. .

ص: 711

..

ص: 712

. .

ص: 713

. .

. .

ص: 715

. .

ص: 716

. .

ص: 717

..

ص: 718

. .

. .

ص: 720

. .

ص: 721

. .

ص: 722

. .

ص: 723

. .

. .

ص: 725

. .

ص: 726

. .

ص: 727

. .

ص: 728

. .

ص: 729

. .

ص: 730

. .

. .

. .

. .

530.مسند ابن حنبل (به نقل از ابن عبّاس) الإمام الصادق عليه السلام :فَإذا رَفَعتَ رَأسَکَ مِنَ السُّجودِ فَخُذ فِی الدُّعاءِ وقِراءَهِ : «إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِی لَيْلَهِ الْقَدْرِ » وغَيرِهِ مِمّا يُستَحَبُّ أن يُقرَأ ، فَإِن لَم يَتَهَيَّأ لَکَ أن تَدعُوَ بَينَ کُلِّ رَکعَتَينِ فَادعُ فِی العَشَراتِ . (1) .

1- .تهذيب الأحكام : 3 / 100 / 260 عن مرازم عن رجل ، مصباح المتهجّد : 577 من دون إسناد إلى المعصوم .

531.صحیح البخاری (به نقل از اَنَس) امام صادق علیه السلام:پس چون سرت را از سجده برداشتی ، شروع کن به دعا و خواندنِ سوره «إنّا أنزلناه» و غیر آن ، از آنچه خواندنش مستحب است. پس اگر دعا بین هر دو رکعت برایت مهیّا نبود ، بین هر ده رکعت ، دعا بخوان. .

. .

اشاره

بخش چهارم : شب قدر

.

الفصل الأوّل : فضائلها وخصائصها1 / 1فَضائِلُ لَيلَهِ القَدرِالقرآن«إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ * وَ مَآ أَدْرَلکَ مَا لَيْلَهُ الْقَدْرِ * لَيْلَهُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنَزَّلُ الْمَلَئِکَهُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن کُلِّ أَمْرٍ * سَلَمٌ هِىَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» . (1)

«حم * وَ الْکِتَبِ الْمُبِينِ * إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِى لَيْلَهٍ مُّبَرَکَهٍ إِنَّا کُنَّا مُنذِرِينَ * فِيهَا يُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِيمٍ * أَمْرًا مِّنْ عِندِنَآ إِنَّا کُنَّا مُرْسِلِينَ» . (2)

«يُنَزِّلُ الْمَلَئِکَهَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِى عَلَى مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِى أَنْ أَنذِرُواْ أَنَّهُو لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنَا فَاتَّقُونِ» . (3)

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِى أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ» . (4)

.

1- .القدر : 1 5 .
2- .الدخان : 1 5 .
3- .النحل : 2 .
4- .البقره : 185 .

1 / 1 فضایل شب قدر

فصل اوّل : فضایل و ویژگی های شب قدر1 / 1فضایل شب قدرقرآن« ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم * و تو چه دانی که شب قدر چیست؟ * شب قدر ، بهتر از هزار ماه است * در آن شب ، فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان در پیِ هر کاری فرود می آیند * آن شب تا دمیدن سپیده ، ایمن است» .

« حم * سوگند به کتاب روشنگر * همانا ما آن را در شبی خجسته نازل کردیم و همانا ما بیم دهندگان بودیم * در آن شب ، هر کار حکمت آمیزی فیصله داده می شود * فرمانی از سوی ماست و ما فرستنده [ی فرستادگان] هستیم» .

« فرشتگان را با روح ، به فرمان خویش ، بر هر کس از بندگانش که بخواهد ، نازل می کند که: «بیم دهید ، که معبودی جز من نیست. پس ، از من پروا کنید»» .

«ماه رمضان ، ماهی که قرآن در آن نازل شده است ، تا هدایتی برای مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و جدایی حق از باطل باشد» .

.

الحديث532.صحيح البخارى عن أبى موسى الأشعرىّ :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :شَهرُ رَمَضانَ سَيِّدُ الشُّهورِ ، ولَيلَةُ القَدرِ سَيِّدَهُ اللَّيالى .

(1)533.صحيح البخارى عن ابن عبّاس :عنه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ عز و جل اختارَ مِنَ الأيّامِ الجُمُعَةَ ، ومِنَ الشُّهورِ شَهرَ رَمَضانَ ، ومِنَ اللَّيالى لَيلَةَ القَدرِ .

(2)534.سنن الترمذى عن سلمان :عنه صلى الله عليه و آله :قالَ موسى : إلهى اُريدُ قُربَکَ .

قالَ : «قُربى لِمَن يَستَيقِظُ لَيلَةَ القَدرِ» .

قالَ : إلهى اُريدُ رَحمَتَکَ .

قالَ : «رَحمَتى لِمَن رَحِمَ المَساكينَ لَيلَةَ القَدرِ» .

قالَ : إلهى اُريدُ الجَوازَ عَلَى الصِّراطِ .

قالَ : «ذلِکَ لِمَن تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فى لَيلَةِ القَدرِ» .

قالَ : إلهى اُريدُ أشجارَ الجَنَّةِ وثِمارَها .

قالَ : «ذلِکَ لِمَن سَبَّحَ تَسبيحَةً فى لَيلَةِ القَدرِ» .

قالَ : إلهى اُريدُ النَّجاةَ مِنَ النّارِ .

قالَ : «ذلِکَ لِمَن استَغفَرَ فى لَيلَةِ القَدرِ» .

قالَ : إلهى اُريدُ رِضاکَ .

(3)قالَ : «رِضاىَ لِمَن صَلّى رَكعَتَينِ فى لَيلَةِ القَدرِ» .

535.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :يُفتَحُ أبوابُ السَّماواتِ فى لَيلَةِ القَدرِ ، فَما مِن عَبدٍ يُصَلّى فيها إلاّ كَتَبَ اللّهُ تَعالى لَهُ بِكُلِّ سَجدَةٍ شَجَرَةً فِى الجَنَّةِ لَو يَسيرُ الرّاكِبُ فى ظِلِّها مِئَةَ عامٍ لا يَقطَعُها ، وبِكُلِّ رَكعَةٍ بَيتا فِى الجَنَّةِ مِن دُرٍّ وياقوتٍ وزَبَرجَدٍ ولُؤلُؤٍ ، وبِكُلِّ آيَةٍ تاجا مِن تيجانِ الجَنَّةِ . (4) .

1- .بحار الأنوار : 40 / 54 / 89 نقلاً عن كنز الفوائد عن سلمان .

2- .كمال الدين : 281 / 32 عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، الصراط المستقيم : 2 / 120 عن جابر ، بحار الأنوار : 97 / 7 / 9 نقلاً عن كتاب مقتضب الأثر .
3- .الإقبال : 1 / 345 ، بحار الأنوار : 98 / 145 / 3 .
4- .الإقبال : 1 / 345 ، بحار الأنوار : 98 / 145 / 3 .

حدیث532.صحیح البخاری (به نقل از ابو موسی اشعری) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:ماه رمضان ، سَرور ماه هاست و شب قدر ، سَرور شب ها.533.صحیح البخاری (به نقل از ابن عبّاس) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:خداوند از میان روزها جمعه ها را ، از میان ماه ها ماه رمضان را ، و از میان شب ها شب قدر را برگزید.534.سنن الترمذی (به نقل از سلمان) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:موسی گفت: خدایا ! نزدیکی به تو را می خواهم.

فرمود: «نزدیکی به من ، برای کسی است که شب قدر را بیدار می ماند».

گفت: خدایا ! رحمت تو را می خواهم.

فرمود: «رحمت من ، برای کسی است که در شب قدر بر بینوایان ترحّم کند».

گفت: خدایا ! عبور از صراط را می خواهم.

فرمود: «آن ، برای کسی است که در شب قدر ، صدقه ای بدهد».

گفت: خدایا ! درختان و میوه های بهشتی می خواهم.

فرمود: «آن ، برای کسی است که در شب قدر ، تسبیح گوید».

گفت: خدایا ! رهایی از آتش را می خواهم.

فرمود: «آن ، برای کسی است که در شب قدر ، آمرزش بخواهد و استغفار کند».

گفت: خدایا ! خرسندی تو را می خواهم.

فرمود: «خرسندی من ، برای کسی است که در شب قدر ، دو رکعت نماز بگزارد».535.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:در شب قدر ، درهای آسمان گشوده می شوند. پس ، هیچ بنده ای نیست که در آن شب ، نماز بخواند ، مگر آن که خداوند برای هر سجده

اش درختی در بهشت برای او قرار می دهد ، که اگر سواره صد سال در سایه آن راه بپیماید ، به پایانش نمی رسد ، و برای هر رکعت ، خانه ای از دُرّ و یاقوت و زبرجد و لؤلؤ قرار می دهد و برای هر آیه ، تاجی از تاج های بهشتی قرار می دهد. .

536.عنه صلى الله عليه و آله :ثواب الأعمال :عَن حُمرانَ أ نَّهُ سَأَلَ أبا جَعفَرٍ عليه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «إِنّآ أَنزَلْنَهُ فِى لَيْلَةٍ مُّبَرَكَةٍ» .

قالَ : «نَعَم ، هِىَ لَيلَةُ القَدرِ ، وهِىَ مِن كُلِّ سَنَةٍ فى شَهرِ رَمَضانَ فِى العَشرِ الأَواخِرِ ، فَلَم يُنزَلِ القُرآنُ إلاّ فى لَيلَةِ القَدرِ . قالَ اللّهُ عز و جل : « فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ » قالَ : يُقَدَّرُ فى لَيلَةِ القَدرِ كُلُّ شَىءٍ يَكونُ فى تِلكَ السَّنَةِ إلى مِثلِها مِنَ قابِلٍ مِن خَيرٍ أو شَرٍّ ، أو طاعَةٍ أو مَعصِيَةٍ ، أو مَولودٍ أو أجَلٍ أو رِزقٍ ، فَما قُدِّرَ فى تِلكَ اللَّيلَةِ وقُضِىَ فَهُوَ مِنَ المَحتومِ وللّهِ فيهِ المَشِيَّةُ» .

قالَ : قُلتُ لَهُ : « لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ» أىُّ شَىءٍ عُنِىَ بِها؟

قالَ : «العَمَلُ الصّالِحُ فيها مِنَ الصَّلاةِ وَالزَّكاةِ وأنواعِ الخَيرِ ، خَيرٌ مِنَ العَمَلِ فى ألفِ شَهرٍ لَيسَ فيها لَيلَةُ القَدرِ ، ولَولا ما يُضاعِفُ اللّهُ لِلمُؤمِنينَ ما بَلَغوا ، ولكِنَّ اللّهَ عز و جل يُضاعِفُ لَهُمُ الحَسَناتِ . (1)537.المعجم الأوسط عن عبد اللّه بن مسعود :الإمام الصادق عليه السلام لمّا سُئِلَ :كَيفَ يَكونُ لَيلَةُ القَدرِ خَيرا مِن ألفِ شَهرٍ؟ قال : العَمَلُ فيها خَيرٌ مِنَ العَمَلِ فى ألفِ شَهرٍ لَيسَ فيها لَيلَةُ القَدرِ . (2)574.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :تهذيب الأحكام عن سماعة :قالَ (3) لى : «صَلِّ فى لَيلَةِ إحدى وعِشرينَ ، ولَيلَةِ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ فى كُلِّ واحِدَةٍ مِنهُما إن قَوِيتَ عَلى ذلِكَ مِئَةَ رَكعَةٍ سِوَى الثَّلاثَ عَشرَةَ ، وَاسهَر فيهِما حَتّى تُصبِحَ ؛ فَإِنَّهُ يُستَحَبُّ أن تَكونَ فى صَلاةٍ ودُعاءٍ وتَضَرُّعٍ ؛ فَإِنَّهُ يُرجى أن تَكونَ لَيلَةُ القَدرِ فى إحداهُما ، ولَيلَةُ القَدرِ خَيرٌ مِن ألفِ شَهرٍ» .

فَقُلتُ لَهُ : كَيفَ هِىَ خَيرٌ مِن ألفِ شَهرٍ؟

قالَ : «العَمَلُ فيها خَيرٌ مِنَ العَمَلِ فى ألفِ شَهرٍ ولَيسَ فى هذِهِ الأَشهُرِ لَيلَةُ القَدرِ ، وهِىَ تَكونُ فى شَهرِ رَمَضانَ ، وفيها يُفرَقُ كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ» .

فَقُلتُ : وكَيفَ ذاكَ؟

فَقالَ : «ما يَكونُ فِى السَّنَةِ ، وفيها يُكتَبُ الوَفدُ إلى مَكَّةَ» . (4) .

1- .ثواب الأعمال : 92 / 11 ، الكافى : 4 / 157 / 6 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 158 / 2024 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 97 / 19 / 41 .
2- .الكافى : 4 / 157 / 4 عن ابن أبى عمير عن غير واحد ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 158 / 2025 ، الإقبال : 1 / 351 .
3- .كذا فى المصدر مضمرا .
4- .تهذيب الأحكام : 3 / 58 / 199 ، الأمالى للطوسى : 689 / 1465 ، بحار الأنوار : 97 / 3 / 4 .

573.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ثواب الأعمال به نقل از حُمران :از امام باقر علیه السلام درباره سخن خداوند: « همانا ما آن را در شبی خجسته نازل کردیم» پرسیدم.

فرمود: «آری. آن ، شب قدر است و آن ، در هر سال در ماه رمضان و در دهه آخر است. قرآن ، جز در شب قدر ، نازل نشده است.

خداوند فرموده است: « در آن شب ، هر کار حکمت آمیزی فیصله داده می شود» . در آن شب ، هر چیز نیک و بدی که در آن سال تا سال آینده خواهد شد و هر طاعت یا معصیتی ، یا هر نوزاد یا اَجَل یا روزی ای ، مقدّر می شود. پس ، آنچه در آن شب ، مقدّر و حتمی شود ، قطعی است و مشیّت خدا در همان است».

به امام علیه السلام گفتم: مقصود از: « شب قدر ، بهتر از هزار ماه است» چیست؟

فرمود: «در آن شب ، کار شایسته (مثل: نماز و زکات و خوبی های گوناگون) بهتر از کار در هزار ماهی است که شب قدر در آنها نباشد و اگر چنین نبود که خداوند ، بر پاداش مؤمنان می افزاید ، به آن نمی رسیدند؛ لیکن خداوند بر حسنات آنان می افزاید».572.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام در پاسخ :«چگونه شب قدر ، بهتر از هزار ماه است؟» : عمل در آن شب ، بهتر از عمل در هزار ماهی است که شب قدر در آنها نباشد.571.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تهذیب الأحکام به نقل از سَماعه :به من فرمود: «در شب بیست و یکم و بیست و سوم از ماه رمضان ، در هر یک از این دو شب ، اگر توانستی ، صد رکعت ، بجز آن سیزده رکعت ، نماز بخوان و آن دو شب را تا صبح بیدار بمان؛ چرا که مستحب است که در حال نماز و دعا و تضرّع باشی؛ چون امید است که شب قدر در یکی از این دو باشد و شب قدر ، بهتر از هزار ماه است».

به او گفتم: چگونه آن شب ، بهتر از هزار شب است؟

فرمود: «عمل در آن ، بهتر از عمل در هزار ماهی است که در آن ماه ها شب قدر نباشد و آن شب ، در ماه رمضان است و در آن شب ، هر کار حکمت آمیزی فیصله داده می شود».

گفتم: چگونه؟

فرمود: «آنچه در سال ، انجام خواهد شد. در همان شب ، [نام] حاجیانی که به مکّه می روند ، نوشته می شود». .

575.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :قَلبُ شَهرِ رَمَضانَ لَيلَةُ القَدرِ . (1)574.عنه صلى الله عليه و آله :السنن الكبرى عن مجاهد :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله ذَكَرَ رَجُلاً مِن بَنى إسرائيلَ لَبِسَ السِّلاحَ فى سَبيلِ اللّهِ ألفَ شَهرٍ .

قال : فَعَجِبَ المُسلِمونَ مِن ذلِكَ .

قالَ : فَأنزَلَ اللّهُ عز و جل «إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَ مَآ أَدْرَلكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ» الّتى لَبِسَ فيها ذلِكَ الرَّجُلُ السِّلاحَ فى سَبيلِ اللّهِ ألفَ شَهرٍ . (2) .

1- .الكافى : 4 / 66 / 1 ، تهذيب الأحكام : 4 / 192 / 546 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 87 / 66 ، الأمالى للصدوق : 118/105 كلّها عن عمرو الشامى ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2/99/1843 ، بحار الأنوار : 58/376/9 .

2- .السنن الكبرى : 4 / 505 / 8522 ، فضائل الأوقات للبيهقى : 53 / 96 ، أسباب نزول القرآن : 486 / 864 ، تفسير ابن كثير : 8 / 463 ، تفسير القرطبى : 20 / 131 عن ابن مسعود .

573.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:شب قدر ، قلب ماه رمضان است.572.عنه صلی الله علیه و آله :السنن الکبری به نقل از مجاهد :پیامبر صلی الله علیه و آله از مردی از بنی اسرائیل یاد کرد که در راه خدا ، هزار ماه سلاح به تن کرد.

مسلمانان از این سخن در شگفت شدند. پس خداوند ، این آیات را نازل فرمود: « ما آن را در شب قدر فرو فرستادیم * و تو چه دانی که شب قدر چیست؟ * شب قدر ، بهتر از هزار ماه است» .

شبی که آن مرد در آن شب در راه خدا سلاح به تن کرد ، همان شبی بود که هزار ماه است. .

571.عنه صلى الله عليه و آله :تفسير ابن كثير عن علىّ بن عروه :ذَكَرَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَوما أربَعَةً مِن بَنى إسرائيلَ عَبَدوا اللّهَ ثَمانينَ عاما ، لَم يَعصُوهُ طَرفَةَ عَينٍ ؛ فَذَكَرَ أيُّوبَ ، وَزَكَرِيّا ، وحِزقيلَ بنَ العَجوزِ ، ويوشَعَ بَنَ نونٍ .

قالَ : فَعَجِبَ أصحابُ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله مِن ذلِكَ فَأتاهُ جِبرِيلُ .

فقالَ : «يا مُحَمَّدُ ، عَجِبَت أُمَّتُکَ مِن عِبادَهِ هؤُلاءِ النَّفَرِ ثَمانينَ سَنَةً لَم يَعصُوهُ طَرفَةَ عَينٍ ؛ فَقَد أنزَلَ اللّهُ خَيرا مِن ذلِکَ فَقَرَأَ عَلَيهِ «إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ * وَ مَآ أَدْرَلکَ مَا لَيْلَهُ الْقَدْرِ * لَيْلَهُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ» ، هذا أفضَلُ مِمّا عَجِبتَ أنتَ وَ أُمَّتُکَ» .

قالَ : فَسُرَّ بِذلِکَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله وَالنّاسُ مَعَهُ . (1)1 / 2خَصائِصُ لَيلَهِ القَدرِ أ فيها تَقديرُ كُلِّ شَىءٍ يَكونُ فِى السَّنَهِ570.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام :سَلُوا اللّهَ الحَجَّ فى لَيلَهِ سَبعَ عَشرَهَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وفى تِسعَ عَشرَهَ ، وفى إحدى وعِشرينَ ، وفى ثَلاثٍ وعِشرينَ مِنهُ ؛ فَإِنَّهُ يُكتَبُ الوَفدُ فى كُلِّ عامٍ فى لَيلَهِ القَدرِ ، وفيها كَما قالَ اللّهُ عز و جل «يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ » . (2)569.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام فى قَولِ اللّهِ تَعالى : « وَ لَن يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَآءَ أَجَلُهَا» (3) : إنَّ عِندَاللّهِ كُتُبا مَرقومَهً (4) يُقَدِّمُ مِنها ما يَشاءُ ، ويُؤَخِّرُ ما يَشاءُ ، فَإِذا كانَ لَيلَهُ القَدرِ أنزَلَ اللّهُ فيها كُلَّ شَىءٍ يَكونُ إلى لَيلَهٍ مِثلِها ، فَذلِکَ قَولُهُ : «وَ لَن يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَآءَ أَجَلُهَا» إذا أنزَلَهُ وكَتَبَهُ كُتّابُ السَّماواتِ ، وهُوَ الّذى لا يُؤَخِّرُهُ . (5) .

1- .تفسير ابن كثير : 8 / 464 ، تفسير القرطبى : 20 / 132 عن الإمام علىّ عليه السلام وعروه وليس فيه «والناس معه» ، الدرّ المنثور : 8 / 568 نقلاً عن ابن أبى حاتم .
2- .دعائم الإسلام : 1 / 281 ، بحار الأنوار : 97 / 9 / 12 .
3- .المنافقون : 11.
4- .المرقوم : المكتوب (مجمع البحرين : 2 / 725) .
5- .تفسير القمّى : 2 / 371 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : 97 / 13 / 21 .

الف تقدیر هر چه در سال خواهد شد ، در آن شب است

568.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (به معاذ ، هنگامی که او را به سوی یمن فرستاد) تفسیر ابن کثیر به نقل از علی بن عُروه :روزی ، پیامبر خدا از چهار نفر از بنی اسرائیل یاد کرد که هشتاد سال خدا را پرستیدند ، بی آن که یک چشم بر هم زدنی ، او را نافرمانی کنند و از: ایّوب ، زکریّا ، حِزقیل بن عجوز و یوشَع بن نون یاد کرد.

اصحاب پیامبر خدا از آن تعجّب کردند. جبرئیل ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «ای محمّد! امّت تو از آن چند نفر که هشتاد سال خدا را پرستیدند و یک چشم بر هم زدن هم او را نافرمانی نکردند ، در شگفت شدند! خداوند ، بهتر از آن را نازل کرده است» و آن گاه ، این آیه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله تلاوت نمود : « « ما آن را در شب قدر نازل کردیم * و تو چه دانی که شب قدر چیست؟ * شب قدر ، بهتر از هزار ماه است» . این ، برتر از آن چیزی است که تو و امّت تو [از آن ،]تعجّب کردید».

پیامبر خدا و کسانی که با او بودند ، از این خبر ، خوش حال شدند.1 / 2ویژگی های شب قدرالف تقدیر هر چه در سال خواهد شد ، در آن شب است567.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:در شب هفدهم ماه رمضان و شب های: نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم از ماه رمضان ، از خداوند حج بطلبید؛ چرا که حاجیان هر سال ، در شب قدر معیّن می شوند و همان گونه که خداوند فرموده است: « در آن شب ، هر کار حکمت آمیزی فیصله داده می شود» .566.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام درباره این آیه: «وقتی اَجَل کسی فرا رسد ، خداوندْ آن را تأخیر نمی اندازد» : نزد خداوند ، نامه های نوشته شده ای است که از آنها آنچه را بخواهد ، جلو یا عقب می اندازد. چون شب قدر فرا برسد ، خداوندْ هر چه را تا شب قدر آینده خواهد شد ، نازل (مقدّر) می کند. این ، همان سخن خداست که: « وقتی اَجَل کسی فرا رسد ، خداوند ، آن را تأخیر نمی اندازد» . وقتی که اَجَل کسی را نازل کرد و نگارندگان آسمان ها آن را نگاشتند ، دیگر آن را عقب نمی اندازد.

565.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عنه علیه السلام فی قَولِ اللّهِ تعالی : «تَنَزَّلُ الْمَلَـٰئِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا » : تَنَزَّلُ فیهَا المَلائِکَهُ وَالکَتَبَهُ إلَی السَّماءِ الدُّنیا ، فَیَکتُبونَ ما یَکونُ فِی السَّنَهِ مِن اُمورِ ما یُصیبُ العِبادَ ، وَالأمرُ عِندَهُ مَوقوفٌ ، لَهُ فیهِ المَشِیَّهُ ، فَیُقَدِّمُ ما یَشاءُ ، ویُؤَخِّرُ ما یَشاءُ ، ویَمحو ما یَشاءُ ویُثبِتُ ، وعِندَهُ اُمُّ الکِتابِ . (1)570.عنه صلی الله علیه و آله :عنه علیه السلام :یُقَدَّرُ فی لَیلَهِ القَدرِ کُلُّ شَیءٍ یَکونُ فی تِلکَ السَّنَهِ إلی مِثلِها مِن قابِلٍ مِن خَیرٍ أو شَرٍّ ، أو طاعَهٍ أو مَعصِیَهٍ ، أو مَولودٍ أو أجَلٍ أو رِزقٍ ، فَما قُدِّرَ فی تِلکَ اللَّیلَهِ وقُضِیَ فَهُوَ مِنَ المَحتومِ وللّهِ فیهِ المَشِیَّهُ . (2)569.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :تفسیر القمّی عن عبد اللّه بن مسکان ، عن الإمام الصادق علیه السلام :«إذا کانَت لَیلَهُ القَدرِ نَزَلَتِ المَلائِکَهُ وَالرّوحُ وَالکَتَبَهُ إلَی السَّماءِ الدُّنیا ، فَیَکتُبونَ ما یَکونُ مِن قَضاءِ اللّهِ تَبارَکَ وتَعالی فی تِلکَ السَّنَهِ ، فَإذا أرادَ اللّهُ أن یُقَدِّمَ أو یُؤَخِّرَ ، أو یَنقُصَ شَیئا أو یَزیدَهُ ، أمَرَ اللّهُ أن یَمحُوَ ما یَشاءُ ، ثُمَّ أثبَتَ الَّذی أرادَ» .

قُلتُ : وکُلُّ شَیءٍ هُوَ عِندَهُ بِمِقدارٍ مُثبَتٍ فی کِتابِهِ؟

قالَ : «نَعَم» .

قُلتُ : فَأَیُّ شَیءٍ یَکونُ بَعدَهُ؟

قالَ : «سُبحانَ اللّهِ ! ثُمَّ یُحدِثُ اللّهُ أیضا ما یَشاءُ تَبارَکَ اللّهُ وتَعالی» . (3) .

1- .دعائم الإسلام : 1 / 281 ، الکافی : 4 / 157 / 3 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 159 / 2028 کلاهما عن محمّد بن مسلم عن أحدهما ، تفسیر العیّاشی : 2 / 215 / 58 ، الأمالی للطوسی : 60 / 89 کلاهما عن محمّد بن مسلم عن الإمام الباقر علیه السلام وکلّها نحوه ، بحار الأنوار : 97 / 9 / 12 و ص 16 / 33 .
2- .انظر تمام الحدیث وتخریجه فی العنوان السابق ص 742 ، ح 613 .
3- .تفسیر القمّی : 1 / 366 ، بحار الأنوار : 97 / 12 / 18 .

563.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام درباره آیه « در آن شب ، فرشتگان و روح ، فرود می آیند» :در آن شب ، فرشتگان و نگارندگان [اعمال] ، به آسمان دنیا فرود می آیند و کارهایی را که به بندگان در طول سال خواهد رسید ، می نویسند و کار ، بسته به فرمان خدا و خواست اوست. آنچه را بخواهد ، جلو ، و آنچه را بخواهد ، عقب می اندازد ، و آنچه را بخواهد ، محو یا ثابت می کند؛ و اُمّ الکتاب (کتاب اصلی) پیش اوست.562.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:در شب قدر ، هر چه در آن سال تا شب قدر آینده (از: خیر و شرّ یا اطاعت و معصیت ، یا مولود و مرگ و یا روزی) خواهد شد ، مقدّر می گردد. پس ، آنچه در آن شب ، مقدّر و حتمی گردد ، از امور قطعی خواهد بود و خواست خداوند ، همان است.561.عنه صلی الله علیه و آله :تفسیر القمّی به نقل از عبد اللّه بن مُسکان :امام صادق علیه السلامفرمود : «چون شب قدر شود ، فرشتگان و روح و نویسندگان [اعمال] ، به آسمان پایین تر فرود می آیند و آنچه را قضای الهی در آن سال است ، می نویسند. پس خداوند ، هر گاه بخواهد چیزی را پیش و پس کند ، یا از چیزی بکاهد و یا بر آن بیفزاید ، فرمان می دهد که آنچه را می خواهد [تغییر دهد] ، محو کنند. سپس آنچه را می خواهد ، ثبت می کند».

گفتم: آیا هر چیزی نزد او ، به اندازه ثبت شده در کتاب اوست؟

فرمود: «آری».

گفتم: پس از آن ، چه می شود؟

فرمود: «سبحان اللّه ! پس از آن ، خداوند متعال ، هر چه را می خواهد پدید می آورد». .

560.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الكافى :عَن المَسمَعىِّ أَ نَّهُ سَمِعَ أبا عَبدِاللّهِ عليه السلام يُوصِى وُلدَهُ إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ : فَاجهَدوا أنفُسَكُم فَإِنَّ فيهِ تُقسَمُ الأَرزاقُ ، وتُكتَبُ الآجالُ ، وفيهِ يُكتَبُ وَفدُ اللّهِ الَّذينَ يَفِدونَ إلَيهِ ، وفيهِ لَيلَهٌ العَمَلُ فيها خَيرٌ مِنَ العَمَلِ فى ألفِ شَهرٍ . (1)559.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :اللَّيلَهُ الَّتى يُفرَقُ فيها كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ ، يُنزَلُ فيها ما يَكونُ فى السَّنَهِ إلى مِثلِها من خَيرٍ أو شَرٍّ ، أو رِزقٍ أو أمرٍ ، أو مَوتٍ أو حَياهٍ ، ويُكتَبُ فيها وَفدُ مَكَّهَ ؛ فَمَن كانَ فى تِلكَ السَّنَهِ مَكتوبا ، لَم يَستَطِع أن يَحبِسَ وإن كانَ فَقيرا مَريضا ، ومَن لَم يَكُن فيها مَكتوبا ، لَم يَستَطِع أن يَحُجَّ وإن كانَ غَنِيّا صَحيحا . (2)558.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :تفسير العيّاشى عن إسحاق بن عمّار ، عن الإمام الصادق عليه السلام :«فى تِسعَهَ عَشَرَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، يَلتَقِى الجَمعانِ» .

قُلتُ : ما مَعنى قَولِهِ : يَلتَقِى الجَمعانِ؟

قالَ : «يَجتَمِعُ فيها ما يُريدُ مِن تَقديمِهِ وتَأخيرِهِ ، وإرادَتِهِ وقَضائِهِ» . (3)557.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إذا كانَت لَيلَهُ تِسعَ عَشرَهَ مِن شَهرِ رَمَضانَ اُنزِلَت صِكاكُ الحاجِّ ، وكُتِبَتِ الآجالُ وَالأَرزاقُ ، واطَّلَعَ اللّهُ عَلى خَلقِهِ ، فَيَغفِرُ لِكُلِّ مُؤمِنٍ ما خَلا شارِبَ مُسكِرٍ ، أو صارِمَ رَحِمٍ ماسَّهِ مُؤمِنَهِ . (4) .

1- .الكافى : 4 / 66 / 2 ، تهذيب الأحكام : 4 / 192 / 547 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 99 / 1842 وفيه «وكان الصادق عليه السلام يوصى ولده ...» ، فضائل الأشهر الثلاثه : 103 / 90 ، دعائم الإسلام : 2 / 268 وفيه «عنه عليه السلامإنّه كان يقول لبنيه» ، بحار الأنوار : 96 / 341 / 6 .
2- .الإقبال : 1 / 341 عن منصور بن حازم ، بحار الأنوار : 98 / 142 / 3 .
3- .تفسير العيّاشى : 2 / 64 / 67 ، بحارالأنوار : 97 / 1 / 1 .
4- .الإقبال : 1 / 343 عن عبد اللّه بن سنان ، بحارالأنوار : 98 / 143 / 3 .

559.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی درباره مَسمَعی :وی شنید که امام صادق علیه السلام هر گاه ماه رمضان وارد می شد ، به فرزندانش چنین سفارش می کرد:

«خود را به تلاش افکنید ، که در این ماه ، روزی ها تقسیم می شوند و اَجَل ها نوشته می شوند ، و در این ماه ، میهمانان خدا که به زیارت خانه اش می روند ، نوشته (معیّن) می شوند و در آن ، شبی است که عمل در آن بهتر از عمل در هزار ماه است».558.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:در شبی که در آن هر کار حکمت آمیزی فیصله داده می شود ، هر چه در طول سال تا شب قدر آینده خواهد شد (از: خیر و شر ، یا روزی و هر کاری ، یا مرگ و زندگی) ، فرو فرستاده می شود. در آن شب ، کاروانیان مکّه ، نوشته می شوند. پس از حاجیانِ آن سال ، هر که نوشته (تعیین) شده باشد ، نمی تواند به مکّه نرود ، هر چند تهی دست و بیمار باشد و هر که حجّ او مقدّر نباشد ، نمی تواند حج بگزارد ، هر چند ثروتمند و تن درست باشد.557.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :تفسیر العیّاشی به نقل از اسحاق بن عمّار :امام صادق علیه السلامفرمود : «در نوزدهم ماه رمضان ، دو مجموعه به هم می رسند».

گفتم: معنای این که دو مجموعه به هم می رسند ، چیست؟

فرمود: «هر آنچه را خداوند بخواهد که جلو یا عقب بیندازد و اراده کند و حتمی سازد ، در آن شب ، گِرد می آیند».556.جامع بیان العلم و فضله (به نقل از ابو هریره) امام صادق علیه السلام:چون شب نوزدهم ماه رمضان شود ، پرونده حاجیان فرود می آید و اَجَل ها و روزی ها ثبت می شوند و خداوند بر آفریدگانش اِشراف یافته ، هر مؤمنی را می آمرزد ، جز شرابخوار و کسی را که با خویشاوند مؤمن خود ، قطع رابطه کرده باشد. .

555.المراسيل (به نقل از زيد بن اسلم) علل الشرايع عن علىّ بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام :«مَن لَم يُكتَب لَهُ فِى اللَّيلَهِ الَّتى يُفرَقُ فيها كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ لَم يَحُجَّ تِلكَ السَّنَهَ ، وهِىَ لَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ؛ لِأَنَّ فيها يُكتَبُ وَفدُ الحاجِّ ، وفيها يُكتَبُ الأَرزاقُ وَالآجالُ وما يَكونُ مِنَ السَّنَهِ إلَى السَّنَهِ» .

قالَ : قُلتُ : فَمَن لَم يُكتَب فى لَيلَهِ القَدرِ لَم يَستَطِعِ الحَجَّ؟

فَقالَ : «لا» ، قُلتُ : كَيفَ يَكونُ هذا؟ !

قالَ : «لَستُ فى خُصومَتِكُم مِن شَىءٍ ، هكَذَا الأَمرُ» . (1)551.عنه صلى الله عليه و آله :عيون أخبار الرضا عليه السلام عن الحسن بن محمّد النوفلى :قالَ سُلَيمانُ [المَروَزِىُّ لِلرِّضا عليه السلام] : ألا تُخبِرُنى عَن «إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ» فى أىِّ شَىءٍ أُنزِلَت؟

قالَ : «يا سُلَيمانُ ، لَيلَهُ القَدرِ يُقَدِّرُ اللّهُ عز و جل فيها ما يَكونُ مِنَ السَّنَهِ إلَى السَّنَهِ ، مِن حَياهٍ أو مَوتٍ ، أو خَيرٍ أو شَرٍّ ، أو رِزقٍ ؛ فَما قَدَّرَهُ فى تِلكَ اللَّيلَهِ فَهُوَ مِنَ المَحتومِ» .

قالَ سُلَيمانُ : الآنَ قَد فَهِمتُ جُعِلتُ فِداكَ ! فَزِدنى .

قالَ عليه السلام : «يا سُلَيمانُ ، إنَّ مِنَ الاُمورِ اُموراً مَوقوفَهً عِندَ اللّهِ عز و جل ، يُقَدِّمُ مِنها ما يَشاءُ ، ويُؤَخِّرُ ما يَشاءُ ، ويَمحو ما يَشاءُ» . (2)550.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الرضا عليه السلام :شَهرُ رَمَضانَ ... فيهِ لَيلَهُ القَدرِ الَّتى هِىَ خَيرٌ مِن أَلفِ شَهرٍ ، وفيها يُفرَقُ كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ وهُوَ رَأسُ السَّنَهِ ، يُقَدَّرُ فيها ما يَكونُ فِى السَّنَهِ مِن خَيرٍ أو شَرٍّ ، أو مَضَرَّهٍ أو مَنفَعَهٍ ، أو رِزقٍ أو أجَلٍ ؛ ولِذلِكَ سُمِّيَت : لَيلَهَ القَدرِ . (3) .

1- .علل الشرايع : 420 / 3 ، بحارالأنوار : 97 / 17 / 37 ، وانظر المحاسن : 1 / 461 / 1067 .
2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 1 / 182 / 1 ، التوحيد : 444 / 1 ، بحارالأنوار : 97 / 14 / 24 .

3- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 116 / 1 ، علل الشرايع : 270 / 9 كلاهما عن الفضل بن شاذان ، بحارالأنوار : 6 / 80 / 1 وج 96 / 370 / 51 .

760.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :علل الشرائع به نقل از علی بن سالم :امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که در آن شب که هر کار حکمت آمیزی در آن ، فیصله داده می شود حج برایش نوشته نشود ، آن سال به حج نمی رود ، و آن شب ، شب بیست و سوم ماه رمضان است؛ چرا که در آن شب ، گروه حاجیان نوشته (معیّن) می شود ، و در آن شب ، روزی ها و اَجَل ها و آنچه از آن سال تا سال بعد رخ خواهد داد ، نوشته می شود».

گفتم: پس هر که در شب قدر برایش حج نوشته نشود، نمی تواند حج بگزارد؟

فرمود: «نه».

گفتم: این ، چگونه خواهد بود؟ !

فرمود: «من کاری به کشمکش شما ندارم. کار ، چنین است !».759.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از حسن بن محمّد نوفلی :سلیمان مَروَزی به امام رضا علیه السلام عرض کرد: آیا به من خبر نمی دهی که [سوره] « إنّا أنزلناه فی لیله القدر» درباره چه نازل شده است؟

فرمود: «ای سلیمان ! در شب قدر ، خداوندْ آنچه را از این سال تا سال آینده (از: زندگی و مرگ ، خیر و شر و یا روزی) خواهد شد ، مقدّر می کند. پس ، آنچه را خدا در آن شب مقدّر می کند ، از امور قطعی است».

سلیمان گفت: فدایت شوم ! اینک فهمیدم. بیشتر بگویید.

فرمود: «ای سلیمان ! برخی از امور نزد خدا موقوف است [تقدیر قطعی ندارد] . آنچه را بخواهد ، مقدّم می دارد و آنچه را بخواهد ، عقب می اندازد و آنچه را بخواهد ، [و آنچه را مقدر شده] محو می کند».758.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام:ماه رمضان... در آن ، شب قدر است که از هزار ماه ، بهتر است. در آن شب ، هر کار حکمت آمیزی فیصله داده می شود و آن ، آغاز سال است و هر خیر و شر ، یا

زیان و سود ، یا روزی و یا اَجَلی که در آن سال خواهد بود، در آن شب ، مقدّر می شود. از این رو ، «شب قدر» نامیده شده است. .

وانظر : ص 788 (دور ثلاث ليال فى التقدير) .

ب هِىَ أوَّلُ السَّنَهِ وآخِرُها (1)757.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :لَيلَهُ القَدرِ هِىَ أوَّلُ السَّنَهِ ، وهِىَ آخِرُها .
(2)756.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :رَأسُ السَّنَهِ لَيلَهُ القَدرِ ، يُكتَبُ فيها ما يَكونُ مِنَ السَّنَهِ إلَى السَّنَهِ . (3)وانظر : ص 42 (خصائص شهر رمضان / أوّل السنه) .

ج اِختِصاصُها بِوُلاهِ الأَمرِ760.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :آمِنوا بِلَيلَهِ القَدرِ ؛ إنَّها تَكونُ لِعَلِيِّ بنِ أبى طالِبٍ ولِوُلدِهِ الأَحَدَ عَشَرَ مِن بَعدى . (4)759.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الجواد عليه السلام :إنَّ أميرَ المُؤمِنينَ عليه السلام قالَ لِابنِ عَبّاسٍ : «إنَّ لَيلَهَ القَدرِ فى كُلِّ سَنَهٍ ، وإنَّهُ يَنزِلُ فى تِلكَ اللَّيلَهِ أمرُ السَّنَهِ ، ولِذلِكَ الأَمرِ وُلاهٌ بَعدَ رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله» .

فَقالَ ابنُ عَبَّاسٍ : مَن هُم؟

قالَ عليه السلام : «أنَا وأحَدَ عَشَرَ مِن صُلبى أئِمَّهٌ مُحَدَّثونَ» . (5) .

1- .الظاهر أنّ الأوّليه باعتبار التقدير ، أى أوّل السنه الّذى يقدّر فيه الاُمور ليله القدر ، والآخريّه باعتبار المجاوره ؛ فإنّ ما قدّر فى السنه الماضيه انتهى إليها ... (روضه المتقين : 3 / 437) .
2- .الكافى : 4 / 160 / 11 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 156 / 2021 ، الخصال : 519 / 7 كلّها عن رفاعه ، الإقبال : 1 / 33 ، روضه الواعظين : 381 ، بحار الأنوار : 97 / 16 / 31 .
3- .تهذيب الأحكام : 4 / 332 / 1042 عن رفاعه ، وانظر علل الشرايع : 270 / 7 و عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 116 / 1 .
4- .الكافى : 1 / 533 / 12 ، الخصال : 480 / 48 كلاهما عن الحسن بن العبّاس عن الإمام الجواد عليه السلام ، كمال الدين : 281 / 30 ، الإرشاد : 2 / 346 كلاهما عن الحسن بن العبّاس عن الإمام الجواد عن آبائه عن الإمام علىّ عليهم السلامعنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين : 286 ، بحارالأنوار : 97 / 15 / 26 .

5- .الكافى : 1 / 532 / 11 و ص 247 / 2 ، الإرشاد : 2 / 346 ، الغيبه للطوسى : 142 / 106 ، الخصال : 479 / 47 ، كمال الدين ، 304 / 19 ، إعلام الورى : 2 / 172 ، كفايه الأثر : 221 كلّها عن الحسن بن العبّاس ، بحارالأنوار : 97 / 15 / 25 .

ب آغاز و پایان سال است

ج اختصاص آن به پیشوایان

ر . ک : ص 789 (نقش سه شب در سرنوشت) .

ب آغاز و پایان سال است (1)758.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:شب قدر ، آغاز سال و پایان آن است.757.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:سرِ سال ، شب قدر است. در آن شب ، آنچه از این سال تا سال آینده خواهد شد ، نوشته می شود.ر . ک : ص 43 (ویژگی های ماه رمضان / آغاز سال) .

ج اختصاص آن به پیشوایان756.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:به شب قدر ایمان بیاورید. آن شب ، پس از من ، از آنِ علی بن ابی طالب و فرزندان یازده گانه اوست.755.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام جواد علیه السلام:امیر مؤمنان علیه السلام به ابن عبّاس فرمود: «شب قدر ، در هر سال هست. در آن شب ، برنامه سال ، فرود می آید و پس از پیامبر خدا ، آن برنامه را عهده دارانی است».

ابن عبّاس گفت: آنان کیان اند؟

[امیر مؤمنان علیه السلام] فرمود: «من و یازده نفر از نسل من ، پیشوایانی مُحدَّث [که از عالم غیب با آنان سخن گفته می شود] ».

.

1- .آغاز بودن ، ظاهرا به اعتبار «مقدّر شدن کارها» است ، به این معنا که در شب قدر ، کارهای آن سال ، مقدّر می شود. پایان بودن هم به اعتبار «مجاور بودن» است؛ چون آنچه در سال گذشته مقدّر شده است ، به شب قدرِ این سالْ منتهی می شود (ر . ک : روضه المتّقین : 3 / 437) .

754.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام علیّ علیه السلام :قالَ لی رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : «یا عَلِیُّ ، أتَدری ما مَعنی لَیلَهِ القَدرِ؟»

فَقُلتُ : لا ، یا رَسولَ اللّهِ .

فَقالَ صلی الله علیه و آله : «إنَّ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی قَدَّرَ فیها ما هُوَ کائِنٌ إلی یَومِ القِیامَهِ ، فَکانَ فیما قَدَّرَ عز و جل وِلایَتُکَ ووِلایَهُ الأئِمَّهِ مِن وُلدِکَ إلی یَومِ القِیامَهِ» . (1)753.پیامبر خدا صلی الله علیهِ و آله :الإمام الباقر علیه السلام :یا مَعشَرَ الشّیعَهِ ، خاصِموا بِسورَهِ «إنّآ أنزَلْنَهُ» تَفلُجوا (2) ، فَوَاللّهِ إنَّها لَحُجَّهُ اللّهِ تَبارَکَ وتَعالی عَلَی الخَلقِ بَعدَ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، وإنَّها لَسَیِّدَهُ دینِکُم ، وإنَّها لَغایَهُ عِلمِنا .

یا مَعشَرَ الشّیعَهِ ، خاصِموا ب «حم * وَ الْکِتَبِ الْمُبِینِ * إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِی لَیْلَهٍ مُّبَرَکَهٍ إِنَّا کُنَّا مُنذِرِینَ » ؛ فَإنَّها لِوُلاهِ الأمرِ خاصَّهً بَعدَ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله . (3)755.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :قالَ رَجُلٌ لِأَبی جَعفَرٍ علیه السلام ... فَهَل یَعلَمُ الأَوصِیاءُ ما لایَعلَمُ الأَنبِیاءُ؟

قالَ : «لا ، وکَیفَ یَعلَمُ وَصِیٌّ غَیرَ عِلمِ ما اُوصِیَ إلَیهِ؟»

قالَ السّائِلُ : فَهَل یَسَعُنا أن نَقولَ : إنَّ أحَداً مِنَ الوُصاهِ یَعلَمُ ما لا یَعلَمُ الآخَرُ؟ قالَ : «لا ، لَم یَمُت نَبِیٌّ إلاّ وعِلمُهُ فی جَوفِ وَصِیِّهِ ، وإنَّما تَنَزَّلَ المَلائِکَهُ وَالرّوحُ فی لَیلَهِ القَدرِ بِالحُکمِ الَّذی یَحکُمُ بِهِ بَینَ العِبادِ» .

قالَ السَّائِلُ : وما کانوا عَلِموا ذلِکَ الحُکمَ؟

قالَ : «بَلی ، قَد عَلِموهُ ، ولکِنَّهُم لا یَستَطیعونَ إمضاءَ شَیءٍ مِنهُ حَتّی یُؤمَروا فی لَیالِی القَدرِ کَیفَ یَصنَعونَ إلَی السَّنَهِ المُقبِلَهِ» .

قالَ السَّائِلُ : یا أبا جَعفَرٍ ، لا أستَطیعُ إنکارَ هذا ؟

قالَ أبو جَعفَرٍ علیه السلام : «مَن أنکَرَهُ فَلَیسَ مِنّا» .

قالَ السَّائِلُ : یا أبا جَعفَرٍ ، أرَأیتَ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله هَل کانَ یَأتیهِ فی لَیالِی القَدرِ شَیءٌ لَم یَکُن عَلِمَهُ؟

قالَ : «لا يَحِلّ لَکَ أن تَسألَ عَن هذا ، أمّا عِلمُ ما کانَ وما سَيَکونُ فَلَيسَ يَموتُ نَبِيٌّ ولا وَصِيٌّ إلاّ وَالوَصِيُّ الَّذى بَعدَهُ يَعلَمُهُ ، أمّا هذَا العِلمُ الَّذى تَسأَلُ عَنهُ فَإِنَّ اللّهَ عز و جل أبَى أن يُطلِعَ الأَوصِياءَ عَلَيهِ إلاّ أنفُسَهُم» . (4) .

1- .معانى الأخبار : 315 / 1 عن الأصبغ بن نباته ، بحارالأنوار : 97 / 18 / 38 .
2- .تَفلُجوا : أى تظفروا ، وتغلبوا من خاصمكم (مجمع البحرين : 3 / 1412) .
3- .الكافى : 1 / 249 / 6 ، تأويل الآيات الظاهره : 2 / 824 / 13 كلاهما عن الحسن بن العبّاس عن الإمام الجواد عن الإمام الصادق عليهماالسلام ، الإقبال : 1 / 151 وفيه «تفلحوا» بدل «تفلجوا» .
4- .الكافى : 1 / 251 / 8 عن الحسن بن العبّاس بن الحريش عن الإمام الجواد عليه السلام ، بحارالأنوار : 25 / 81 / 68 .

754.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:پیامبر خدا به من فرمود: «ای علی! آیا می دانی معنای شب قدر چیست؟».

گفتم: نه ، ای پیامبر خدا!

فرمود: «خداوند متعال در آن شب ، آنچه را تا روز قیامت خواهد شد ، مقدّر کرده است و از جمله آنچه مقدّر کرده ، ولایت تو و ولایت امامان از نسل تو تا روز قیامت است».753.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:ای گروه شیعه! با سوره «إنّا أنزلناه» مخاصمه و مجادله کنید تا چیره شوید. به خدا سوگند که این سوره ، پس از پیامبر خدا ، حجّت خدای متعال بر مردم است و این سوره ، سَرور آیین شما و نهایت دانش ماست.

ای گروه شیعه! با سوره «حم * وَ الْکِتَبِ الْمُبِینِ * إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِی لَیْلَةٍ مُّبَرَکَةٍ إِنَّا کُنَّا مُنذِرِینَ» مخاصمه کنید ، که این آیات ، ویژه پیشوایان الهی پس از پیامبر خداست.752.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:مردی به امام باقر علیه السلام گفت: آیا اوصیا (جانشینان پیامبران) چیزی می دانند که پیامبران ندانند؟

فرمود: «نه؛ چگونه وصی ، چیزی جز آنچه به او وصایت (آموخته) شده است ، بداند؟».

سؤال کننده پرسید: آیا می توانیم بگوییم یکی از اوصیا چیزی را می داند که دیگری نمی داند؟

فرمود: «نه؛ هیچ پیامبری از دنیا نرفته ، مگر آن که دانش او در دل وصیّ اوست. و فرشتگان و روح } در شب قدر ، حکمی را فرود می آورند که با آن ، میان بندگان داوری کند».

سؤال کننده پرسید: آیا آن حکم را نمی دانستند؟

فرمود: «چرا می دانستند؛ لیکن آنان هیچ یک از آنها را نمی توانند اجرا کنند ، تا آن که در شب های قدر به آنان دستور داده شود که تا سال بعد چگونه عمل کنند».

سؤال کننده گفت: ای ابو جعفر! من حقّ انکار این را ندارم؟

فرمود: «هر کس انکارش کند ، از ما نیست».

سؤال کننده گفت: ای ابو جعفر! به نظر شما ، آیا در شب های قدر ، چیزی بر پیامبر صلی الله علیه و آله گفته می شد که پیش تر آن را نمی دانست؟

فرمود: «بر تو روا نیست که از چنین چیزی بپرسی. امّا درباره دانش آنچه بوده و خواهد شد. هیچ پیامبری و وصی ای نمی میرد ، مگر آن که جانشینِ پس از او آن را می داند. و امّا این دانشی که از آن می پرسی: خداوند متعال نخواسته است ، مگر این که خودِ جانشینان را از آن آگاه سازد». .

751.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :معانی الأخبار عن المفضّل بن عمر :ذُکِرَ عِنَد أبی عَبدِاللّهِ علیه السلام « إِنّآ أَنزَلْنَهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ » قالَ : «ما أبیَنَ فَضلَها عَلَی السُّوَرِ» ، قالَ : قُلتُ : وأیُّ شَیءٍ فَضلُها؟

قالَ : «نَزَلَت وِلایَهُ أمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام فیها» .

قُلتُ : فی لَیلَهِ القَدرِ الَّتی نَرتَجیها فی شَهرِ رَمَضانَ؟

قالَ : «نَعَم ، هِیَ لَیلَهٌ قُدِّرَت فیهَا السَّماواتُ وَالأَرضُ ، وقُدِّرَت وِلایَهُ أمیرِالمُؤمِنینَ علیه السلام فیها» . (1) .

1- .معانی الأخبار : 316 / 2 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 119 / 116 ولیس فیه «وقدّرت ولایه أمیرالمؤمنین علیه السلامفیها» ، بحارالأنوار : 97 / 18 / 39 .

750.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :معانی الأخبار به نقل از مفضّل بن عمر :نزد امام صادق علیه السلام از سوره «إنّا أنزلناه» یاد شد. فرمود: «چه قدر روشن است فضیلت آن بر [دیگر] سوره ها !».

گفتم: فضیلت آن چیست؟

فرمود: «ولایت امیر مؤمنان علیه السلام در آن نازل شده است».

گفتم: در شب قدری که در ماه رمضان به آن امید داریم؟

فرمود: «آری. آن ، شبی است که آسمان ها و زمین در آن مقدّر شده اند و ولایت امیر مؤمنان علیه السلام نیز در آن ، مقدّر شده است». .

749.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات عن الحسن بن العباس بن حریش :عَرَضتُ هذَا الکِتابَ عَلی أبی جَعفرٍ علیه السلام فَأَقَرَّ بِهِ :

قالَ (1) : قالَ أبو عَبدِاللّهِ علیه السلام : «قالَ عَلِیٌّ علیه السلام فی صُبحِ أوَّلِ لَیلَهِ القَدرِ الَّتی کانَت بَعدَ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله : سَلونی فَوَاللّهِ لأُخبِرَنَّکُم بِما یَکونُ إلی ثَلاثِمِئَهٍ وستّینَ یَوماً ، مِنَ الذَّرِّ فَما دونَها فَما فَوقَها ، ثُمَّ لأُخبِرَنَّکُم بِشَیءٍ مِن ذلِکَ لابِتَکَلُّفٍ ولا بِرَأیٍ ولا بِادِّعاءٍ فی عِلمٍ إلاّ مِن عِلمِ اللّهِ وتَعلیمِهِ ، وَاللّهِ لایَسأَلُنی أهلُ التَّوراهِ ولاَ أهلُ الإنجیلِ ، ولا أهلُ الزَّبورِ ولا أهلُ الفُرقانِ إلاّ فَرَقتُ بَینَ کُلِّ أهلِ کِتابٍ بِحُکمِ ما فی کِتابِهِم» .

قالَ : قُلتُ لِأَبی عَبدِاللّهِ علیه السلام : أرَأَیتَ ما تَعلَمونَهُ فی لَیلَهِ القَدرِ هَل تَمضی تِلکَ السَّنَهَ ، وبَقِیَ مِنهُ شَیءٌ لَم تَتَکَلَّموا بِهِ؟

قالَ : «لا ، وَالَّذی نَفسی بِیَدِهِ ، لَو أ نَّهُ فیما عَلِمنا فی تِلکَ اللَّیلَهِ أنِ انصِتوا لِأَعدائِکُم لَنَصَتنا ، فَالنَّصتُ أشَدُّ مِنَ الکَلامِ» . (2)748.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات :عَن الحَسَنِ بنِ عَبّاسِ بنِ حَریشٍ أ نَّهُ عَرَضَهُ عَلی أبی جَعفَرٍ علیه السلامفَأَقَرَّ بِهِ قالَ :

فَقالَ أبو عَبدِاللّهِ علیه السلام : «إنَّ القَلبَ الَّذی یُعایِنُ ما یَنزِلُ فی لَیلَهِ القَدرِ لَعَظیمُ الشَّأنِ» .

قُلتُ : وکَیفَ ذاکَ یا أبا عَبدِاللّهِ؟

قالَ : «لَیُشَقُّ وَاللّهِ بَطنُ ذلِکَ الرَّجُلِ ، ثُمَّ یُؤخَذُ إلی قَلبِهِ ، ویُکتَبُ عَلَیهِ بِمِدادِ النُّورِ فَذلِکَ جَمیعُ العِلمِ ، ثُمَّ یَکونُ القَلبُ مُصحَفاً لِلبَصَرِ ، ویَکونُ اللِّسانُ مُتَرجِماً لِلأُذُنِ ، إذا أرادَ ذلِکَ الرَّجُلُ عِلمَ شَیءٍ نَظَرَ بِبَصَرِهِ وقَلبِهِ فَکَأَنَّهُ یَنظُرُ فی کِتابٍ» .

قُلتُ لَهُ بَعدَ ذلِکَ : وکَیفَ العِلمُ فی غَیرِها ، أیُشَقُّ القَلبُ فیهِ أم لا؟

قالَ : «لا یُشَقُّ ، لکِنَّ اللّهَ یُلهِمُ ذلِکَ الرَّجُلَ بِالقَذفِ فِی القَلبِ ، حَتّی یُخَیَّلَ إلی الأُذُنِ أنَّها تُکَلَّمُ بِما شاءَ اللّهُ مِن عِلمِهِ ، وَاللّهُ واسِعٌ عَلیمٌ» . (3) .

1- .أى : قال راوى الكتاب المذكور .
2- .بصائر الدرجات : 222 / 12 ، بحارالأنوار : 97 / 20 / 44 .
3- .بصائر الدرجات : 223 / 14 ، تأويل الآيات الظاهره : 2 / 827 / 16 ، بحارالأنوار : 97 / 20 / 45 .

752.عنه صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات به نقل از حسن بن عبّاس بن حَریش :این نوشته را به امام جواد علیه السلام عرضه کردم. امام علیه السلام آن را پذیرفت و به آن اقرار کرد.

راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «علی علیه السلام در سحرگاه اوّلین شب قدر پس از [رحلت] پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : از من بپرسید. به خدا به شما خبر می دهم از آنچه تا سیصد وشصت سال اتّفاق خواهد افتاد ، از: مورچه وکوچک تر و بالاتر از آن. سپس از آن به شما خبر می دهم ، نه با زحمت و نه با رأی و ادّعای دانایی ، و تنها از دانش خداوند ، که مرا آموخته است. به خدا سوگند که اهل تورات ، اهل انجیل ، اهل زبور و اهل فرقان چیزی از من نپرسند ، مگر آن که میان هر یک از اهل کتاب ، به حکمی که در کتابشان است ، داوری می کنم ».

به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا آنچه را در شب قدر می دانید ، ممکن است آن سال بگذرد و چیزی بماند که درباره آن سخن نگفته اید؟

فرمود: «نه. سوگند به آن که جانم به دست اوست ، اگر در آنچه آن شب می دانیم ، این باشد که: در برابر دشمنانتان ساکت باشید ، سکوت می کنیم ، و سکوت ، سخت تر از سخن گفتن است».751.عنه صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات به نقل از حسن بن عبّاس بن حَریش :این حدیث را بر امام صادق علیه السلام عرضه کردم. وی نیز به آن اقرار نمود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «قلبی که آنچه را در شب قدر فرود می آید ، می بیند ، جایگاه بزرگی دارد».

گفتم: این چگونه است ، ای ابو عبد اللّه ؟

فرمود: «به خدا سوگند ، دل آن فرد را می شکافند و به قلبش راه می یابند و با جوهری از نور بر آن می نویسند. این ، همه دانش است. سپس آن دل ، کتاب چشم می شود و زبان ، ترجمان گوش. هر گاه آن شخص بخواهد چیزی را بداند ، با چشم و دلش می نگرد؛ گویا که در یک نوشته نگاه می کند».

پس از آن به ایشان گفتم: در جز آن ، دانش چگونه است؟ آیا در غیر این مورد هم دل شکافته می شود یا نه؟

فرمود: «شکافته نمی شود؛ لیکن خداوند به آن شخص الهام می کند و در دلش می افکند ، تا آن که گوش می پندارد که درباره آنچه خداوند از دانش خود خواسته ، با او سخن گفته شده است ، و خداوند وسعت بخش داناست». .

750.عنه صلى الله عليه و آله :بصائر الدرجات عن عمر بن يزيد :قُلتُ لِأَبى عَبدِاللّه عليه السلام : أرَأيتَ مَن لَم يُقِرَّ بِما يَأتيكُم فى لَيلَهِ القَدرِ كَما ذُكِرَ ولَم يَجحَدهُ؟

قالَ : «أمّا إذا قامَت عَلَيهِ الحُجَّهُ مِمَّن يَثِقُ بِهِ فى عِلمِنا فَلَم يَثِق بِهِ فَهُوَ كافِرٌ ، وأمّا مَن لَم يَسمَع ذلِکَ فَهُوَ فى عُذرٍ حَتّى يَسمَعَ» ، ثُمَّ قالَ عليه السلام : «يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ» (1) . (2)د نُزولُ المَلائِکَهِ فيها إلى صاحِبِ الأَمرِ749.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :لاتَخفى عَلَينا لَيلَهُ القَدرِ ، إنَّ المَلائِکَهَ يَطوفونَ بِنا فيها . (3)748.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :تفسير القمّى :قيلَ لِأَبى جَعفَرٍ عليه السلام : تَعرِفونَ لَيلَهَ القَدرِ؟

فَقالَ : «وكَيفَ لانَعرِفُ لَيلَهَ القَدرِ وَالمَلائِکَهُ يَطوفونَ بِنا فيها» . (4)747.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در يادكرد سفارش خضر عليه السلام به موسى عليه ال) رجال الكشّى عن إسماعيل بن أبى حمزه :رَكِبَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام يَوماً إلى حائِطٍ لَهُ مِن حيطانِ المَدينَهِ ، فَرَكِبتُ مَعَهُ إلى ذلِکَ الحائِطِ ومَعَنا سُلَيمانُ بنُ خالِدٍ .

فَقالَ لَهُ سُلَيمانُ بنُ خالِدٍ : جُعِلتُ فِداکَ ! يَعلَمُ الإمامُ ما فى يَومِهِ؟

فقالَ : «يا سُلَيمانُ ، وَالَّذى بَعَثَ مُحَمَّداً بِالنُّبُوَّهِ وَاصطَفاهُ بِالرِّسالَهِ ، إنَّهُ لَيَعلَمُ ما فى يَومِهِ ، وفى شَهرِهِ ، وفى سَنَتِهِ» .

ثُمَّ قالَ : «يا سُلَيمانُ ، أما عَلِمتَ أنَّ رُوحاً تَنزِلُ عَلَيهِ فى لَيلَهِ القَدرِ فَيَعلَمُ ما فى تِلکَ السَّنَهِ إلى مِثلِها مِن قابِلٍ ، وعَلِمَ ما يَحدُثُ فَى اللَّيلِ وَالنَّهارِ» . (5) .

1- .التوبه : 61 .
2- .بصائر الدرجات : 224 / 15 ، بحارالأنوار : 97 / 21 / 46 .
3- .تفسير القمّى : 2 / 290 ، عن أبى المهاجر ، بصائر الدرجات : 221 / 5 عن أبى الهذيل ، بحار الأنوار : 97 / 13 / 19 .
4- .تفسير القمّى : 2 / 431 ، بحارالأنوار : 97 / 14 / 23 .
5- .رجال الكشّى : 2 / 646 / 664 ، بحارالأنوار : 46 / 272 / 76

د نزول فرشتگان در آن شب بر صاحب الأمر

746.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات به نقل از عمر بن یزید :به امام صادق علیه السلامگفتم: وضع کسی که به آنچه در شب قدر آن گونه که یاد شده به شما می رسد ، باور ندارد و آن را انکار هم نمی کند ، چگونه است؟

فرمود: «اگر به وسیله کسی که در دانشِ ما مورد اطمینان اوست ، حجّت بر او تمام باشد و او اطمینان نکند ، او کافر است؛ امّا اگر کسی آن را نشنیده است ، معذور است ، تا آن که بشنود».

سپس فرمود: « « به خدا ایمان دارد و از مؤمنان می پذیرد [و باور می کند]» ».د نزول فرشتگان در آن شب بر صاحب الأمر745.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:شب قدر بر ما پوشیده نمی مانَد. فرشتگان در آن شب ، گِرد ما می چرخند.747.عنه صلی الله علیه و آله (فی ذِکرِ وَصِیَّهِ الخِضْرِ لِموسی علیهماالسلام) تفسیر القمّی :به امام باقر علیه السلام گفتند: شب قدر را می شناسید؟

فرمود: «چگونه شب قدر را نشناسیم ، در حالی که فرشتگان در آن شب بر گِرد ما می چرخند؟ !».746.عنه صلی الله علیه و آله :رجال الکشّی به نقل از اسماعیل بن ابی حمزه :روزی ، امام باقر علیه السلامسوار [بر مَرکب] شد و به باغی که اطراف مدینه داشت ، رفت. من نیز سوار شدم و تا آن نخلستان همراهش بودم. سلیمان بن خالد نیز با ما بود. سلیمان بن خالد به امام علیه السلامگفت: فدایت شوم ! آیا امام می داند که در روزش چه اتّفاقی می افتد؟

فرمود: «ای سلیمان ! سوگند به آن که محمّد را به نبوّت برانگیخت و او را به رسالت برگزید ، امام می داند که در روزش ، در ماهش و در سالش چه اتّفاقی خواهد افتاد».

سپس فرمود: «ای سلیمان ! آیا نمی دانی که روح در شب قدر بر او فرود می آید و او آنچه را در این سال تا سال آینده و آنچه را در شب و روز رخ می دهد ، می داند؟».

745.عنه صلى الله عليه و آله :بصائر الدرجات عن ابن بكير عن الإمام الصادق عليه السلام :«إنَّ لَيلَةَ القَدرِ يُكتَبُ ما يَكونُ مِنها فِى السَّنَهِ إلى مِثلِها مِن خَيرٍ أو شَرٍّ ، أو مَوتٍ أو حَياهٍ ، أو مَطَرٍ ، ويُكتَبُ فيها وَفدُ الحاجِّ ، ثُمَّ يُفضى (1) ذلِكَ إلى أهلِ الأرضِ» .

فَقُلتُ : إلى مَن مِن أهلِ الأَرضِ؟

فَقالَ : «إلى مَن تَرى» . (2)744.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :بصائر الدرجات عن داوود بن فرقد :سَأَلتُهُ عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ * وَ مَآ أَدْرَلکَ مَا لَيْلَهُ الْقَدْرِ » ، قالَ : «نَزَلَ (3) فيها ما يَكونُ مِنَ السَّنَهِ إلَى السَّنَهِ مِن مَوتٍ أو مَولودٍ» .

قُلتُ لَهُ : إلى مَن؟

فَقالَ : «إلى مَن عَسى أن يَكونَ ، إنَّ النّاسَ فى تِلکَ اللَّيلَهِ فى صَلاهٍ ودُعاءٍ ومَسأَلَهٍ ، وصاحِبُ هذَا الأمرِ فى شُغُلٍ تَنزِلُ المَلائِکَهُ إليهِ بِاُمورِ السَّنَهِ مِن غُروبِ الشَّمسِ إلى طُلوعِها مِن کُلِّ أمرٍ ، سَلامٌ هِىَ لَهُ إلى أن يَطلُعَ الفَجرُ» . (4) .

1- .فى المصدر : «يقضى» ، وما أثبتناه من بحار الأنوار وبعض نسخ المصدر الخطّيه .
2- .بصائر الدرجات : 220 / 1 ، بحارالأنوار : 97 / 22 / 48 .
3- .فى مستدرک الوسائل ج 7 ص 462 ح 8663 : «يَنزِل» بدل «نَزَلَ» .
4- .بصائر الدرجات : 220 / 2 ، بحارالأنوار : 97 / 22 / 49 .

743.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات به نقل از ابن بُکَیر ، از امام صادق علیه السلام :«در شب قدر ، آنچه از: خیر و شر ، یا مرگ و زندگی و یا باران ، در آن سال تا سال بعد خواهد شد ، نوشته می شود و در آن شب ، گروه حاجیان نوشته می شود. سپس آن تقدیر به زمینیان رسانده می شود».

گفتم: چه کسی از زمینیان؟

فرمود: «به کسی که می بینی!».742.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات به نقل از داوود بن فَرقَد :امام علیه السلام درباره [سوره]«إنّا أنزلناه فی لیله القدر...» پرسیدم. فرمود: «در آن شب ، آنچه (از: مرگ و میر و زاد و ولد) تا سال آینده می شود ، فرود می آید».

گفتم: بر چه کس؟

فرمود: «به کسی که ای بسا هست! مردم ، در آن شب ، در حال نماز و دعا و خواستن اند و صاحب این امر (عهده دار مَنصب امامت) ، کاری دارد: فرشتگان بر او فرود می آیند و کارهای سال را درباره هر چیزی ، بر او از غروب آفتاب تا طلوع خورشید ، فرود می آورند. آن شب برای او ایمن است ، تا آن که سپیده بدمد». .

741.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات عن هشام:قُلتُ لِأَبی عَبدِاللّهِ علیه السلام : قَولَ اللّهَ تَعالی فی کِتابِهِ : «فِیهَا یُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ » . (1)

قالَ : «تِلکَ لَیلَهُ القَدرِ یُکتَبُ فیها وَفدُ الحاجِّ ، وما یَکونُ فیها مِن طاعَهٍ أو مَعصِیَهٍ ، أو مَوتٍ أو حَیاهٍ ، ویُحدِثُ اللّهُ فی اللَّیلِ وَالنَّهارِ ما یَشاءُ ، ثُمَّ یُلقیهِ إلی صاحِبِ الأَرضِ» .

قالَ الحارِثُ بنُ المُغیرَهِ البَصرِیُّ ، قُلتُ : ومَن صاحِبُ الأَرضِ؟

قالَ : «صاحِبُکُم» . (2)740.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات عن داود بن فرقد :سَأَلتُهُ عَن لَیلَهِ القَدرِ الَّتی تَنَزَّلُ فیهَا المَلائِکَهُ ، فَقالَ : «تَنَزَّلُ الْمَلَـٰئِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن کُلِّ أَمْرٍ * سَلَمٌ هِیَ حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ » .

قالَ : ثُمَّ قالَ لی أبو عَبدِاللّهِ علیه السلام : «مِمَّن؟ وإلی مَن؟ وما یَنزِلُ؟» (3)744.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات عن سعید بن یسار :کُنتُ عِندَ المُعَلَّی بنِ خُنَیسٍ إذ جاءَ رَسولُ أبی عَبدِاللّهِ علیه السلام .

فَقُلتُ لَهُ : سَلهُ عَن لَیلَهِ القَدرِ ، فَلَمّا رَجَعَ قُلتُ لَهُ : سَأَلتَهُ؟

قالَ : نَعَم ، فَأَخبَرَنی بِما أرَدتُ وما لَم اُرِد .

قالَ : «إنَّ اللّهَ یَقضی فیها مَقادیرَ تِلکَ السَّنَهِ ، ثُمَّ یَقذِفُ بِهِ إلَی الأَرضِ» .

فَقُلتُ : إلی مَن؟

فَقالَ : «إلی مَن تَری یا عاجِزُ أو یا ضَعیفُ » . (4) .

1- .الدخّان : 4 .
2- .بصائر الدرجات : 221 / 4 ، بحارالأنوار : 97 / 23 / 51 .
3- .بصائر الدرجات : 221 / 6 ، بحارالأنوار : 97 / 23 / 53 .
4- .بصائر الدرجات : 221 / 7 ، بحارالأنوار : 97 / 23 / 54 .

743.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات به نقل از هشام :به امام صادق علیه السلام گفتم: این سخن خداوند که « در آن شب ، هر کار حکمت آمیزی فیصله داده می شود» چیست؟

فرمود: «آن ، شب قدر است. در آن شب ، گروه حاجیان آنچه در آن سال (از: اطاعت و معصیت یا مرگ و زندگی) خواهد بود ، نوشته (مقدّر) می شود و خداوند در شب و روز ، آنچه را بخواهد ، پدید می آورد؛ سپس آن را به صاحب زمین می رساند».

حارث بن مغیره بصری گوید: گفتم: صاحب زمین کیست؟

فرمود: «پیشوای شما».742.عنه صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات به نقل از داوود بن فَرقَد :از امام صادق علیه السلامدرباره شب قدر ، که فرشتگان در آن فرود می آیند ، پرسیدم.

فرمود: « « در آن شب ، فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان در پی هر کاری فرود می آیند * آن شب تا دمیدن سپیده ، ایمن است» ».

سپس امام صادق علیه السلام به من فرمود: «از سوی چه کسی؟ و بر چه کسی؟ و چه چیزی فرود می آید؟».741.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات به نقل از سعید بن یَسار :پیش معلّی بن خُنَیس بودم که فرستاده امام صادق علیه السلام آمد.

به او گفتم: از امام علیه السلام از شب قدر بپرس. چون برگشت ، به او گفتم: از وی پرسیدی؟

گفت: آری؛ آنچه را خواستم و آنچه را نمی خواستم ، به من خبر داد.

فرمود: «خداوند در آن شب ، مقدّرات آن سال را حتمی می کند. سپس آن را به سوی زمین می افکند».

گفتم: نزد چه کسی؟

فرمود: «به کسی که می بینی ، ای ناتوان !». .

740.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :تفسير القمّى :قَولُهُ تَعالى : «تَنَزَّلُ الْمَلَئِكَهُ وَ الرُّوحُ فِيهَا» قالَ (1) : «تَنَزَّلُ المَلائِكَهُ وروحُ القُدُسِ عَلى إمامِ الزَّمانِ ، ويَدفَعونَ إلَيهِ ما قَد كَتَبوهُ مِن هذِهِ الاُمورِ» . (2)ه سَلَامٌ هِىَ حَتّى مَطلَعِ الفَجرِ739.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ الشَّيطانَ لا يَخرُجُ فى هذِهِ اللَّيلَهِ حَتّى يُضِىءُ فَجرُها وَلا يَستَطِيعُ فيها عَلى أحَدٍ بِخَبَلٍ أو داءٍ ، أو ضَربٍ مِن ضُروبِ الفَسادِ ، ولا يُنفَذُ فيهِ سِحرُ ساحِرٍ» . (3)738.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام زين العابدين عليه السلام مِن دُعائِهِ عِندَ دُخولِ شَهرِ رَمَضانَ :ثُمَّ فَضَّلَ لَيلَهً واحِدَهً من لَياليهِ عَلى لَيالى ألفِ شَهرٍ ، وسَمّاها لَيلَهَ القَدرِ ، تَنَزَّلُ المَلائِكهُ وَالرّوحُ فيها بِإذنِ رَبِّهِم مِن كُلِّ أمرٍ ، سَلامٌ دائِمُ البَرَكَهِ إلى طُلوعِ الفَجرِ عَلى مَن يَشاءُ مِن عِبادِهِ بِما أحكَمَ مِن قَضائِهِ . (4)737.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :كانَ عَلِىُّ بنُ الحُسَينِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ يَقُولُ : «إنّآ أنزَلْنَهُ فِى لَيْلَهِ الْقَدْرِ» صَدَقَ اللّهُ عز و جل ، أنزَلَ اللّهُ القُرآنَ فى لَيلَهِ القَدرِ «وَ مَآ أَدْرَلكَ مَا لَيْلَهُ الْقَدْرِ» قالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : لا أدرى ، قالَ اللّهُ عز و جل : «لَيْلَهُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ» لَيسَ فيها لَيلَهُ القَدرِ ، قالَ لِرَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «وَهَل تَدرى لِمَ هِىَ خَيرٌ مِن ألفِ شَهرٍ؟

قالَ : لا .

قالَ : «لِأنَّها تَنَزَّلُ فيهَا المَلائِكَهُ والرّوحُ بِإذنِ رَبِّهِم مِن كُلِّ أمرٍ ، وَإذا أذِنَ اللّهُ عز و جل بِشَىءٍ فَقَد رَضِيَهُ ، «سَلَمٌ هِىَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» يَقُولُ : تُسَلِّمُ عَلَيكَ يا مُحَمَّدُ مَلائكَتى وَروحى بِسَلامى مِن أوَّلِ ما يَهبِطُونَ إلى مَطلَعِ الفَجرِ» . (5) .

1- .كذا فى المصدر مُضمرا .
2- .تفسير القمّى : 2 / 431 ، بحارالأنوار : 97 / 14 / 23 .
3- .مجمع البيان : 10 / 789 ؛ تفسير القرطبى : 20 / 137 .
4- .الصحيفه السجّاديّه : 166 الدعاء 44 ، مصباح المتهجّد : 607 / 695 وفيه إلى «طلوع الفجر» ، الإقبال : 1 / 112 .
5- .الكافى : 1 / 248 / 4 عن الحسن بن العبّاس بن الحريش عن الإمام الجواد عليه السلام ، بحار الأنوار : 25 / 80 / 67 .

ه آن شب ، تا دمیدن سپیده ایمن است

736.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تفسیر القمّی:درباره این آیه که : « در آن شب ، فرشتگان و روح فرود می آیند» فرمود: «فرشتگان و روح القدس بر امام زمان فرود می آیند و آنچه را از این کارها نوشته اند ، به وی تحویل می دهند».ه آن شب ، تا دمیدن سپیده ایمن است735.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:شیطان در این شب ، بیرون نمی آید تا آن که سپیده اش تابان شود و در آن شب ، او نمی تواند کسی را فلج یا دردمند سازد ، یا فسادی بر کسی وارد آورد. و در آن ، جادوی هیچ جادوگری کارگر نمی شود.734.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام سجّاد علیه السلام در دعای خویش هنگام شروع ماه رمضان :سپس از شب های این ماه ، یک شب را بر شب های هزار ماه ، برتری داد و آن را «شب قدر» نامید. در آن شب ، فرشتگان و «روح» به فرمان پروردگارشان برای هر کاری فرود می آیند. [آن شب ،] ایمن و پیوسته خجسته است ، تا دمیدن سپیده ، بر هر کس از بندگانش که بخواهد ، طبق تقدیری که استوار داشته است.739.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:[امام] سجّاد علیه السلام می گفت: « « ما آن را در شب قدر نازل کردیم» . خداوند ، راست فرمود. خداوند ، این آیه را در شب قدر فرو فرستاد که : « تو چه دانی که شب قدر چیست؟» .

پیامبر خدا عرض کرد: نمی دانم.

خداوند فرمود: « شب قدر ، بهتر از هزار ماه است» که در آنها شب قدر نباشد.

به پیامبر خدا فرمود: آیا می دانی که چرا آن شب ، بهتر از هزار شب است؟

عرض کرد: نه.

فرمود: برای آن که «در آن شب، فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری فرود می آیند» و وقتی خداوند به چیزی اجازه دهد ، به آن راضی است.

« آن شب تا دمیدن سپیده ، ایمن است» . خداوند می فرماید: ای محمّد! فرشتگان من و روح من ، از اوّلین لحظه ای که فرود می آیند ، تا دمیدن سپیده ، سلام مرا به تو می رسانند » .

.

1 / 3اِستِمرارُ لَيلَهِ القَدرِ فى كُلِّ عام738.عنه صلى الله عليه و آله :المستدرک عن أبى ذرّ :قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، تَكُونُ [لَيلَهُ القَدرِ] مَعَ الأنبِياءِ ما كانوا فَإذا قُبِضَ الأنبِياءُ رُفِعَت أم هِىَ إلى يَومِ القيامَهِ؟

قالَ : «بَل هِىَ إلى يَومِ القيامَهِ» . (1)737.عنه صلى الله عليه و آله :المصنَّف عن مرثد بن أبى مرثد عن أبيه :كُنتُ مَعَ أبى ذَرٍّ عِندَ الجَمرَهِ الوُسطى فَسَأَلتُهُ عَن لَيلَهِ القَدرِ .

فَقالَ : كانَ أسأَلَ النّاسِ عَنها رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله [أنَا ، قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ] (2) لَيلَهُ القَدرِ كانَت تَكونُ عَلى عَهدِ الأنبِياءِ فإذا ذَهَبوا رُفِعَت؟ قالَ : «لا ، وَلكِن تَكونُ إلى يَومِ القِيامَهِ» . (3) .

1- .المستدرک على الصحيحين : 1 / 603 / 1596 وج 2 / 578 / 3960 ، صحيح ابن خزيمه : 3 / 321 / 2170 .
2- .سقط ما بين المعقوفين من المصدر هنا ، وأثبتناها من نفس المصدر ص 487 ح 5 . وانظر : ص 37 ح 28 .
3- .المصنَّف لابن أبى شيبه : 2/394/5 ، صحيح ابن خزيمه : 3 / 320 / 2169 ، مجمع الزوائد : 3/411/5053 نقلاً عن البزار عن مرثد وفيهما «قلت : يا رسول اللّه ليله القدر اُنزلت على الأنبياء بوحى إليهم فيها ثمّ ترجع (ترفع)؟ فقال : بل هى إلى يوم القيامه» ؛ مجمع البيان : 10 / 786 ، تأويل الآيات الظاهره : 2 / 819 / 5 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 25 / 97 / 72 .

1 / 3وجود شب قدر در هر سال736.عنه صلی الله علیه و آله :المستدرک به نقل از ابو ذر :گفتم: ای پیامبر خدا! تا پیامبران هستند ، شب قدر با آنان است. وقتی پیامبران می میرند ، آیا شب قدر برداشته می شود ، یا تا روز قیامت هست؟

فرمود: «آن شب ، تا روز قیامت هست».735.عنه صلی الله علیه و آله :المصنَّف به نقل از مَرثَد بن ابی مَرثَد ، از پدرش :با ابو ذر [در مِنا]کنار جمره میانی بودم. از او درباره شب قدر پرسیدم.

گفت: بیش از همه ، من درباره آن از پیامبر خدا می پرسیدم. [یک بار] گفتم: ای پیامبر خدا! آیا شب قدر در عهد و دوران پیامبران بود؟ و آن گاه که در گذشتند ، آن شب هم برداشته شد؟ فرمود: «نه؛ بلکه تا روز قیامت خواهد بود».

.

734.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :لَقَد خَلَقَ اللّهُ جَلَّ ذِكرُهُ لَيلَةَ القَدرِ أَوَّلَ ما خَلَقَ الدُّنيا ، وَلَقَد خَلَقَ فيها أَوَّلَ نَبِيٍّ يَكونُ ، وَأَوَّلَ وَصِيٍّ يَكونُ ، وَلَقَد قَضى أَن يَكونَ فى كُلِّ سَنَهٍ لَيلَةً يَهبِطُ فيها بِتَفسيرِ الاُمورِ إلى مِثلِها مِنَ السَّنَهِ المُقبِلَهِ . (1)733.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الكافى عن داود بن فرقد عن يعقوب :سَمِعتُ رَجُلاً يَسأَلُ أبا عَبدِاللّهِ عليه السلامعَن لَيلَهِ القَدرِ ، فَقالَ : أخبِرنى عَن لَيلَهِ القَدرِ ، كانَت أو تَكونُ فى كُلِّ عامٍ؟

فَقالَ لَهُ أبو عَبدِاللّهِ عليه السلام : «لَو رُفِعَت لَيلَهُ القَدرِ لَرُفِعَ القُرآنُ» . (2)وانظر : ص 46 ، ح 27 و 28 . ص 774 ، ح 661 .

.

1- .الكافى : 1 / 250 / 7 ، تأويل الآيات الظاهره : 2 / 825 / 14 ، بحار الأنوار : 25 / 73 / 63 . انظر تمام الحديث فى المصدر .
2- .الكافى : 4 / 158 / 7 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 158 / 2023 وفيه «سأل رجل الصادق عليه السلام ...» ، علل الشرايع : 388 / 1 ، بحار الأنوار : 97 / 17 / 36 .

732.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام: که یادش بزرگ باد خداوند نخستین دورانی که دنیا را آفرید ، شب قدر را هم آفرید. نیز در آن شب ، اوّلین پیامبر و اوّلین جانشین پیامبر را آفرید و مقدّر کرد که در هر سال ، شبی باشد که در آن شب ، تفسیر کارها را تا سال آینده فرود آورد.731.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از داوود بن فَرقَد ، از یعقوب :شنیدم که مردی از امام صادق علیه السلام درباره شب قدر می پرسید که: مرا خبر بده ، آیا شب قدر بوده است ، یا هر سال خواهد بود؟

امام صادق علیه السلام به او فرمود: «اگر شب قدر برداشته شود ، قرآن هم برداشته می شود».ر . ک : ص 47 ، ح 27 و 28. ص 775 ، ح 661 .

.

الفصل الثانی : أیّ لیله هی؟2 / 1فِی العَشرِ الأَواخِرِ730.پیامبر خدا صلی الله علیهِ و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :تَحَرَّوا لَیلَهَ القَدرِ فِی العَشرِ الأَواخِرِ مِن رَمَضانَ . (1)733.عنه صلی الله علیه و آله :عنه صلی الله علیه و آله :تَحَرَّوا لَیلَهَ القَدرِ فِی الوَترِ مِنَ العَشرِ الأَواخِرِ مِن رَمَضانَ . (2)732.عنه صلی الله علیه و آله :الإمام علیّ علیه السلام :سُئِلَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله عَن لَیلَهِ القَدرِ ، فَقالَ : «اِلتَمِسوها فی العَشرِ الأواخِرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ» . (3)731.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :ثواب الأعمال :عَن حُمرانَ أ نَّهُ سَأَلَ أبا جَعفَرٍ علیه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «إِنّآ أَنزَلْنَهُ فِی لَیْلَهٍ مُّبَرَکَهٍ » .

قالَ : «نَعَم ، هِیَ لَیلَهُ القَدرِ ، وهِیَ مِن کُلِّ سَنَهٍ فی شَهرِ رَمَضانَ فِی العَشرِ الأَواخِرِ» . (4) .

1- .صحیح البخاری : 2 / 710 / 1916 ، صحیح مسلم : 2 / 828 / 219 ، سنن الترمذی : 3 / 158 / 792 ، مسند ابن حنبل : 9 / 317 / 24346 و ج 10 / 17 / 25748 ، السنن الکبری : 4 / 506 / 8527 کلّها عن عائشه ، الموطّأ : 1 / 319 / 10 عن هشام بن عروه عن أبیه ، کنز العمّال : 8 / 533 / 24024 نقلاً عن الطبرانی عن ابن عبّاس .
2- .صحیح البخاری : 2 / 710 / 1913 ، مسند ابن حنبل : 9 / 348 / 24499 ، السنن الکبری : 4 / 507 / 8531 کلّها عن عائشه ، کنز العمّال : 8 / 536 / 24042 .
3- .دعائم الاسلام : 1 / 282 ، بحار الأنوار : 97 / 10 .
4- .ثواب الأعمال : 92 / 11 ، الکافی : 4 / 157 / 6 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 158 / 2024 کلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 97 / 19 / 41 .
انظر تمامه فی ص 742 ح 613 .

2 / 1 در دهه آخر

فصل دوم : شبِ قدر چه شبی است؟2 / 1در دهه آخر730.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:شب قدر را در دهه آخر ماه رمضان بجویید.729.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:شب قدر را در شبی طاق (فرد) از شب های دهه آخر ماه رمضان بجویید.728.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:از پیامبر خدا درباره شب قدر پرسیدند. فرمود: «آن را در دهه آخر ماه رمضان بجویید».727.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ثواب الأعمال :حمران از امام باقر علیه السلام درباره آیه: « همانا ، آن را در شبی خجسته نازل کردیم» پرسید.

فرمود: «آری. آن ، شب قدر است . آن شب ، در هر سال ، در ماه رمضان و در دهه آخر آن است».

.

726.پیامبر خدا صلی اللّه علیه و آله :مسند ابن حنبل عن عباده بن الصامت :أخبَرَنا رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله عَن لَیلَهِ القَدرِ فَقالَ : «هِیَ فی شَهرِ رَمَضانَ ، فَالتَمِسوها فِی العَشرِ الأَواخِرِ ؛ فَإِنَّها وَترٌ لَیلَهُ إحدی وعِشرینَ ، أو ثَلاثٍ وعِشرینَ ، أو خَمسٍ وعِشرینَ ، أو سَبعٍ وعِشرینَ ، أو آخِرُ لَیلَهٍ مِن رَمَضانَ ، مَن قامَهَا احتِساباً ، غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ» . (1)2 / 2لَیلَهُ ثَلاثٍ وعِشرینَ وإحدی وعِشرینَ وتِسعَ عَشرَهَ729.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الإمام الباقر علیه السلام :إنَّ عَلِیّاً کانَ یَتَحَرَّی لَیلَهَ القَدرِ ، لَیلَهَ تِسعَ عَشرَهَ ، وإحدی وعِشرینَ ، وثَلاثٍ وعِشرینَ . (2)728.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مجمع البیان عن حسّان بن أبی علیّ :سَأَلتُ أبا عَبدِاللّهِ علیه السلام عَن لَیلَهِ القَدرِ .

قالَ : «اُطلُبها فی تِسعَ عَشرَهَ ، وإحدی وعِشرینَ ، وثَلاثٍ وعِشرینَ» . (3) .

1- .مسند ابن حنبل : 8 / 414 / 22827 و ص 408 / 22805 و ص 402 / 22776 وزادا فیهما «أو تسع وعشرین» ، کنزالعمّال : 8 / 536 / 24040 نقلاً عن الطبرانی وص 544 / 24086 ؛ مستدرک الوسائل : 7 / 476 / 8698 نقلاً عن ابن أبی جمهور فی درر اللآلی وانظر الإقبال : 1 / 155 .
2- .المصنّف لعبد الرزاق : 4 / 251 / 7696 عن الإمام الصادق علیه السلام .
3- .مجمع البیان : 10 / 787 ؛ کنز العمّال : 8 / 539 / 24057 نقلاً عن أبی داود والبیهقی عن ابن مسعود عن رسول اللّه صلی الله علیه و آلهنحوه .

727.عنه صلی الله علیه و آله :مسند ابن حنبل به نقل از عباده بن صامت :پیامبر خدا درباره شب قدر به ما خبر داد و فرمود: «آن ، در ماه رمضان است. پس ، آن را در دهه آخر بجویید ، که شبِ طاق است: شب بیست و یکم ، یا بیست و سوم ، یا بیست و پنجم ، یا بیست وهفتم و یا شب آخر ماه رمضان. هر که به خاطر خدا آن را به عبادت زنده بدارد ، گناهان گذشته اش آمرزیده می شود».2 / 2شب های بیست و سوم و بیست و یکم و نوزدهم726.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:همانا علی علیه السلام شب قدر را در شب: نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم می جست.725.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مجمع البیان به نقل از حَسّان بن ابی علی :از امام صادق علیه السلامدرباره شب قدر پرسیدم. فرمود: «آن را در [شب :] نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم بجوی».

.

2 / 3لَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ وإحدى وعِشرينَ724.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :مجمع البيان عن عبدالواحد بن المختار :سَأَلتُ أبا جَعفَرٍ عليه السلام عَن لَيلَهِ القَدرِ؟

قالَ : «فى لَيلَتَينِ : لَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ ، وإحدى وعِشرينَ» .

فَقُلتُ : أفرِد لى إحداهُما . (1)

فَقالَ : «وما عَلَيكَ أن تَعمَلَ فى لَيلَتَينِ هِىَ إحداهُما؟ !» (2)723.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در دِعايش) تهذيب الأحكام عن زراره عن الإمام الباقر عليه السلام ، قالَ :سَأَلتُهُ عَن لَيلَهِ القَدرِ .

قالَ : «هِىَ لَيلَهُ إحدى وعِشرينَ ، أو ثَلاثٍ وعِشرينَ» .

قُلتُ : أَلَيسَ إنَّما هِىَ لَيلَهٌ؟

قالَ : «بَلى» ،

قُلتُ : فَأَخبِرنى بِها .

فَقالَ : «وما عَلَيكَ أن تَفعَلَ خَيرا فى لَيلَتَينِ؟» . (3)722.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الكافى عن حسّان بن مهران عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَن لَيلَهِ القَدرِ .

فَقالَ : «اِلتَمِسها فى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ ، أو لَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ» . (4)725.عنه صلى الله عليه و آله :مجمع البيان عن شهاب بن عبد ربّه :قُلتُ لِأَبى عَبدِاللّهِ عليه السلام أخبِرنى بِلَيلَهِ القَدرِ؟

فَقالَ : «لَيلَهُ إحدى وعِشرينَ ، ولَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ» . (5) .

1- .فى المصدر : «أحدهما» ، وما أثبتناه من مستطرفات السرائر .
2- .مجمع البيان : 10 / 787 ، الإقبال : 1 / 356 نحوه ، مستطرفات السرائر : 17 / 1 وفيه «عن حمران قال : سألت أبا عبد اللّه عليه السلام

عن ليله القدر؟ قال : هى ليله ثلاث أو أربع ، قلت : أفرد ...» ، بحار الأنوار : 97 / 24 / 58 .
3- .تهذيب الأحكام : 3 / 58 / 200 ، الأمالى للطوسى : 689 / 1466 ، بحار الأنوار : 97 / 4 / 4 .
4- .الكافى : 4 / 156 / 1 ، الخصال : 519 / 8 ، الإقبال : 1 / 356 عن حمران وفيهما «و» بدل «أو» ، بحار الأنوار : 97 / 16 / 32 .
5- .مجمع البيان : 10 / 787 .

2 / 3شب های بیست و سوم و بیست و یکم724.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مجمع البیان به نقل از عبد الواحد بن مختار :از امام باقر علیه السلامدرباره شب قدر پرسیدم. فرمود: «در دو شب است: شب بیست و سوم و بیست و یکم».

گفتم: یکی از این دو را برایم تعیین کن.

فرمود: «چه عیبی دارد که در دو شبی که قدر یکی از آن دوست ، عمل کنی؟ !».723.عنه صلی الله علیه و آله (فی دُعائِهِ) تهذیب الأحکام به نقل از زُراره :از امام باقر علیه السلام درباره شب قدر پرسیدم.

فرمود: «شب بیست و یکم یا بیست و سوم است».

گفتم: مگر نه این که شب قدر ، یک شب است؟

فرمود: «آری».

گفتم: پس ، آن را به من خبر بده.

فرمود: «چه عیبی دارد که در دو شب ، کار خیر انجام دهی؟ !».722.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از حسّان بن مهران :از امام صادق علیه السلام درباره شب قدر پرسیدم. فرمود: «آن را در شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم بجوی».721.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در آنچه هر گاه شب هنگام بیدار می شد می گفت) مجمع البیان به نقل از شهاب بن عبد ربّه :به امام صادق علیه السلامگفتم: از شب قدر به من خبر بده.

فرمود: «شب بیست و یکم و شب بیست و سوم».

.

720.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : الکافی عن علیّ بن أبی حمزه الثمالی (1) : کُنتُ عِندَ أبی عَبدِاللّهِ علیه السلام فَقالَ لَهُ أبو بَصیرٍ : جُعِلتُ فِداکَ ! اللَّیلَهُ الَّتی یُرجی فیها ما یُرجی؟

فَقالَ : «فی لَیلَهِ إحدی وعِشرینَ ، أو ثَلاثٍ وعِشرینَ» .

قالَ : فَإِن لَم أقوَ عَلی کِلتَیهِما؟

فَقالَ : «ما أیسَرَ لَیلَتَینِ فیما تَطلُبُ !»

قالَ : قُلتُ : فَرُبَّما رَأَینَا الهِلالَ عِندَنا وجاءَنا مَن یُخبِرُنا بِخِلافِ ذلِکَ مِن أرضٍ اُخری؟

فَقالَ : «ما أیسَرَ أربَعَ لَیالٍ تَطلُبُها فیها !»

قُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ ! لَیلَهُ ثَلاثٍ وعِشرینَ لَیلَهُ الجُهَنِیِّ؟

فَقالَ : «إنَّ ذلِکَ لَیُقالُ» .

قُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ ! إنَّ سُلَیمانَ بنَ خالدٍ رَوی فی تِسعَ عَشرَهَ یُکتَبُ وَفدُ الحاجِّ .

فَقالَ لی : «یا أبا مُحَمَّدٍ ، وَفدُ الحاجِّ یُکتَبُ فی لَیلَهِ القَدرِ ، وَالمَنایا وَالبَلایا وَالأَرزاقُ وما یَکونُ إلی مِثلِها فی قابِلٍ ، فَاطلُبها فی لَیلَهِ إحدی وعِشرینَ ، وثَلاثٍ وعِشرینَ» . (2) .

1- .فی أکثر النسخ : عن أبی حمزه الثمالی . وفی الفقیه والتهذیب عن علیّ بن أبی حمزه ، وهی الصواب ؛ إذ روایه الجوهری عن البطائنی أکثر من أن یحصی ، وروایته عن الثمالی غیر معهود (مرآه العقول : 16 / 381) .

2- .الکافی : 4 / 156 / 2 ، تهذیب الأحکام : 3 / 58 / 201 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 159 / 2029 ، الأمالی للطوسی : 690 / 1467 ، مجمع البیان : 10 / 788 ، بحار الأنوار : 97 / 2 / 4 .

719.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از علی بن ابی حمزه ثمالی :نزد امام صادق علیه السلامبودم. ابو بصیر به امام علیه السلام گفت: فدایت شوم! شبی که در آن شب ، امید [به آمرزش] می رود ، کدام است؟

فرمود: «در شب بیست و یکم ، یا بیست و سوم [، چنین است]» .

گفت: اگر نتوانستم هر دو شب را بیدار بمانم؟

فرمود: «در مورد آنچه می جویی ، دو شب ، بسیار آسان است».

گفتم: گاهی هِلال را پیش خودمان می بینیم. کسی هم از سرزمین دیگر می آید و خلاف آن را می گوید؟

فرمود: «در مورد آن شبی که می جویی ، چهار شب ، بسیار آسان است».

گفتم: فدایت شوم! شب بیست و سوم ، شبِ جُهَنی (1) است؟

فرمود: «چنین می گویند».

گفتم: فدایت شوم! سلیمان بن خالد روایت کرده است که گروه حاجیان در شب نوزدهم ، مقدّر (تعیین) می شوند.

به من فرمود: «ای ابو محمّد! گروه حاجیان در شب قدر نوشته می شود و نیز حوادث ومرگ ها و روزی ها

و آنچه تا سال آینده خواهد شد. پس ، آن را در شب بیست و یکم و بیست و سوم بجوی». .

1- .نام مردی است که به پیامبر خدا گفت: «راه من دور است. یک شب را تعیین کن که بیایم». پیامبر صلی الله علیه و آله هم شب بیست و سوم را فرمود (ر . ک : ح 672) .

2 / 4لَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ718.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :لَيلَهُ القَدرِ لَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ . (1)721.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فيما كانَ يَقولُهُ إذَا استَيقَظَ مِنَ اللَّيلِ) المصنّف عن عبد اللّه بن اُنيس :أمَرَنِىَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله أن أنزِلَ المَدينَهَ لَيلَهَ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن رَمَضانَ . (2)720.عنه صلى الله عليه و آله :المصنّف عن أبى النضر :إنَّ عَبدَاللّهِ بنِ اُنَيسٍ الجُهَنِىَّ قالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى رَجُلٌ شاسِعُ الدَّارِ فَأمُرنى بِلَيلَهٍ أنزِلُ فيها .

فَقالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : «اِنزِل لَيلَهَ ثَلاثٍ وعِشرينَ» . (3)719.عنه صلى الله عليه و آله :السنن الكبرى عن عبد اللّه بن اُنيس :كُنّا بِالبادِيَهِ فَقُلنا : إن قَدِمنا بِأهلينا شَقَّ عَلَينا ، وإن خَلَّفناهُم أصابَتهُم ضَيقَهٌ . فَبَعَثونى وكُنتُ أصغَرَهُم إلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله ، فَذَكَرتُ لَهُ قَولَهُم ، فَأمَرَنا بِلَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ . (4)718.عنه صلى الله عليه و آله :المصنّف عن ابن جريج :اُخبِرتُ أنَّ الجُهَنِىَّ عَبدَاللّهِ بنَ اُنَيسٍ جاءَ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آلهفَقالَ : يا رَسولَ اللّهِ ، إنّى ذو ثَقِلَهٍ وضَيعَهٍ وكانَ صاحِبَ زَرعٍ فَأمُرنى بِلَيلَهٍ ، قالَ : «أو لَيلَتَينِ؟»

قالَ : بَل لَيلَهٍ ، فَدَعاهُ فَسارَّهُ مَرَّتَينِ أو ثَلاثا ، فَأَمَرَهُ بِلَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ .

فَكانَ يُمسى تِلكَ اللَّيلَهِ فِى المَسجِدِ ، و لا يَخرُجُ مِنهُ حَتّى يُصبِحَ ، ولا يَشهَدُ شَيئا مِن رَمَضانَ قَبلَها ولا بَعدَها ، ولا يَومَ الفِطرِ . (5) .

1- .الإقبال : 1 / 375 عن ضمره الأنصارى عن أبيه ، بحار الأنوار : 98 / 160 / 4 .
2- .المصنّف لعبد الرزّاق : 4 / 251 / 7694 و ح 7692 .
3- .المصنّف لعبد الرزاق : 4 / 250 / 7691 ، سنن أبى داود : 2 / 52 / 1380 ، اُسد الغابه : 3 / 178 / 2824 كلاهما نحوه .
4- .السنن الكبرى : 4 / 509 / 8537 ، فضائل الأوقات للبيهقى : 57 / 109 .
5- .المصنّف لعبد الرزّاق : 4 / 250 / 7690 .

2 / 4شب بیست و سوم717.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:شب قدر ، شب بیست و سوم است.716.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المصنَّف به نقل از عبد اللّه بن اُ نَیس :پیامبر صلی الله علیه و آله به من دستور داد که شب بیست و سوم ماه رمضان ، به مدینه وارد شوم.715.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المصنَّف به نقل از ابو نضر :عبد اللّه بن اُ نَیس جُهَنی گفت: ای پیامبر خدا! من مردی هستم که خانه ام دور است. یک شب را دستور بده که بیایم و در مدینه بمانم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «شب بیست و سوم بیا».714.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :السنن الکبری به نقل از عبد اللّه بن اُ نَیس :در صحرا بودیم. گفتیم اگر با خانواده خود [به مدینه برای احیا] بیاییم ، بر ما سخت خواهد بود و اگر آنان را وا نهیم و خود بیاییم ، بر آنان تنگنا خواهد شد. مرا که کوچک ترینِ آنان بودم ، نزد پیامبر خدا فرستادند . سخن آنان را به ایشان باز گفتم. ما را دستور داد که شب بیست و سوم بیاییم.713.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المصنَّف به نقل از ابن جُرَیج :خبر یافتم که عبد اللّه بن اُنَیس جُهَنی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و گفته است: ای پیامبر خدا! من امانتدار کالاها و بارهای مردمم (وی خودش کشاورزی داشت). دستور بده یک یا دو شب را [برای شب قدر] بیایم. سپس گفت: بلکه یک شب را. پس ، پیامبر صلی الله علیه و آله او را فرا خواند و دو یا سه بار با او سرّی سخن گفت و به او دستور داد که شب بیست و سوم بیاید.

از این رو ، او آن شب را در مسجد می مانْد و تا صبح ، بیرون نمی رفت و پیش از آن و پس از آن ، در ماه رمضان ، و نه در روز عید فطر ، به مسجد نمی آمد.

.

712.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الباقر علیه السلام :إنَّ الجُهَنِیَّ أتی إلی رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله فَقالَ لَهُ : یا رَسولَ اللّهِ ، إنَّ لی إبِلاً وغَنَما وغِلمَةً ، فَأُحِبُّ أن تَأمُرَنی لَیلَةً أدخُلُ فیها فَأشهَدُ الصَّلاةَ وذلِکَ فی شَهرِ رَمَضانَ فَدَعاهُ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله فَسارَّهُ فی اُذُنِهِ .

قالَ : فَکانَ الجُهَنِیُّ إذا کانَت لَیلَةُ ثَلاثٍ وعِشرینَ دَخَلَ بِإبِلِهِ وغَنَمِهِ وأهلِهِ ووُلدِهِ وغِلمَتِهِ ، فَکانَ تِلکَ اللَّیلَةُ لَیلَةَ ثَلاثٍ وعِشرینَ بِالمَدینَهِ ، فَإذا أصبَحَ خَرَجَ بِأهلِهِ وغَنَمِهِ وإبِلِهِ إلی مَکانِهِ . (1)711.پیامبر خدا علیه السلام (در مناجاتش) الإمام الباقر أو الإمام الصادق علیهماالسلام :لَیلَةُ ثَلاثٍ وعِشرینَ وهِیَ لَیلَةُ الجُهَنِیِّ ، وحَدیثُهُ أنَّهُ قالَ لِرَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله : إنَّ مَنزِلی ناءٍ عَنِ المَدینَهِ ، فَمُرنی بِلَیلَهٍ أدخُلُ فیها ، فَأَمَرَهُ بِلَیلَهِ ثَلاثٍ وعِشرینَ . (2)717.عنه صلی الله علیه و آله :مستدرک الوسائل عن ضمره بن عبد اللّه :کُنتُ فی جَماعَهٍ مِن بَنی سَلَمَهَ ، فَقالُوا : مَنِ الَّذی یَذهَبُ إلی رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، فَیَسأَلُهُ عَن لَیلَهِ القَدرِ؟ فَقُلتُ : أنَا .

فَأَتَیتُ المَدینَهَ لَیلاً ، وذَهَبتُ إلی بابِ بَیتِ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، فَأَمَرَ لی بِطَعامٍ فَأَکَلتُ ، فَقالَ : «إیتِنی بِنَعلی» ، فَوَضَعتُهُ بَینَ یَدَیهِ ، وخَرَجَ وأتی إلَی المَسجِدِ ، فَقالَ : «أَلَکَ حاجَهٌ؟»

فَقُلتُ : إنَّ بَنی سَلَمَهَ أرسَلونی لِأَسأَلَکَ عَن لَیلَهِ القَدرِ ، أیُّ لَیلَهٍ هِیَ؟

فَقالَ : «أیُّ لَیلَهٍ هذِهِ اللَّیلَهُ مِنَ الشَّهرِ؟» قُلتُ : الثّانِیَهِ وَالعِشرینَ .

فَقالَ صلی الله علیه و آله : «اللَّیلَهُ الآتِیَهُ لَیلَهُ الثّالِثَهِ وَالعِشرینَ» . (3) .

1- .الإقبال : 1 / 375 ، تهذیب الأحکام : 4 / 330 / 1032 لیس فیه «وولده وغلمته ... وغنمه وإبله» و کلاهما عن محمّد بن یوسف عن أبیه ، دعائم الإسلام : 1 / 282 نحوه ، بحار الأنوار : 97 / 9 / 12 و ج 98 / 160 / 4 .

2- .تهذیب الأحکام : 4 / 196 / 561 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 161 / 2031 ، مصباح المتهجّد : 627 کلّها عن زراره ، بحار الأنوار : 81 / 16 / 23 .

3- .مستدرک الوسائل : 7 / 476 / 8697 نقلاً عن أبی الفتوح الرازی فی تفسیره .

716.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام :جُهَنی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من شتران و گوسفندان و غُلامانی دارم. دوست دارم که دستور دهی یک شب را به مسجد بیایم و در نماز ، حاضر شوم. و این ، در ماه رمضان بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله او را فرا خواند و در گوش او آهسته چیزی گفت.

از آن پس ، هر گاه شب بیست و سوم می شد ، جُهَنی با شتران و گوسفندان و خانواده و فرزندان و غلامانش وارد می شد ، آن شب (شب بیست و سوم) را در مدینه می مانْد و صبح که می شد ، با خانواده و گوسفندان و شترانش به جای خود بر می گشت.715.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام :شب بیست و سوم ، شب جُهَنی است. داستان او چنین است که وی به پیامبر خدا گفت: خانه من دور از مدینه است. مرا یک شب دستور بده که همان شب بیایم. پیامبر صلی الله علیه و آله هم به او دستور داد که شب بیست و سوم بیاید.714.عنه صلی الله علیه و آله :مستدرک الوسائل به نقل از ضَمْرَه بن عبد اللّه :با گروهی از بنی سَلَمه بودم. گفتند: کیست که نزد پیامبر خدا برود و شب قدر را از او بپرسد؟

گفتم: من.

شبانه به مدینه آمدم و به خانه پیامبر خدا رفتم. دستور داد برایم غذا آوردند. خوردم.

فرمود: «کفش مرا بیاور».

کفش او را پیش پایش نهادم. وی به سوی مسجد بیرون شد و گفت: «کاری داری؟».

گفتم: بنی سلمه مرا فرستاده اند که از شما بپرسم: شب قدر ، کدام شب است؟

فرمود: «امشب ، شب چندم از ماه است؟».

گفتم: بیست و دوم.

فرمود: «فردا شب ، شب بیست و سوم [شب قدر] است». .

713.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال عن سفيان بن السمط :قُلتُ لِأَبى عَبدِاللّهِ عليه السلام أفرِد لى لَيلَةَ القَدرِ .

712.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإقبال عن عبدالواحد بن المختار الأنصارى :سَأَلتُ أبا جَعفَرٍ عليه السلام عَن لَيلَةِ القَدرِ . (1) قالَ : «لَيلَةُ ثَلاثٍ وعِشرينَ» .

711.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فِى مُناجاةٍ لَهُ) مستطرفات السرائر عن عبدالواحد الأنصارى :سَأَلتُ أبا عَبدِاللّهِ عليه السلام عَن لَيلَةِ القَدرِ ، قالَ : «إنّى اُخبِرُكَ بِها لا اُعمى عَلَيكَ ، هِىَ لَيلَةُ أوَّلِ السَّبعِ» . وقَد كانَت تَلتَبِسُ عَلَيهِ لَيلَةُ أربَعٍ وعِشرينَ . (2) فَقالَ : «اُخبِرُكَ وَاللّهِ ، ثُمّ لا اُعمى عَلَيكَ ، هِىَ أوَّلُ لَيلَةٍ مِنَ السَّبعِ الأُخَرِ» .

710.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (به على عليه السلام) الإمام الصادق عليه السلام :لَيلَةُ ثَلاثٍ وعِشرينَ اللَّيلَةُ الَّتى يُفرَقُ فيها كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ ، وفيها يُكتَبُ وَفدُ الحاجِّ وما يَكونُ مِنَ السَّنَةِ إلَى السَّنَةِ . (3)

709.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :كتاب من لا يحضره الفقيه عن سفيان بن السمط :قُلتُ لِأَبى عَبدِاللّهِ عليه السلام : اللَّيالِى الَّتى يُرجى فيها مِن شَهرِ رَمَضانَ؟

فَقالَ : «[لَيلَةُ] (4) تِسعَ عَشرَةَ ، وإحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ» .

قُلتُ : فَإن أخَذَت إنسانا الفَترَةُ أو عِلّةٌ ، مَا المُعتَمَدُ عَلَيهِ مِن ذلِكَ؟ فَقالَ : «[لَيلَةُ] ثَلاثٍ وعِشرينَ» . (5) (6) .

1- .الإقبال : 1 / 374 ، بحار الأنوار : 8 / 159 / 5 .
2- .الإقبال : 1 / 374 ، بحار الأنوار : 98 / 159 / 5 .
3- .مستطرفات السرائر : 17 / 2 ، بحار الأنوار : 97 / 24 / 59 و انظر تاريخ دمشق : 35 / 128 و ص 129 .
4- .الهدايه : 197 ، بحار الأنوار : 97 / 9 / 11 .
5- .ما بين المعقوفين أثبتناه لاقتضاء السياق .
6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 160 / 2030 .

708.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از سفیان بن سِمْط :به امام صادق علیه السلام گفتم: شب قدر را در یک شب برایم معیّن کن. فرمود: «شب بیست و سوم».707.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از عبدالواحد بن مختار انصاری :از امام باقر علیه السلامدرباره شب قدر پرسیدم. فرمود: «به خدا سوگند ، تو را خبر می دهم و آن را بر تو پوشیده نمی گذارم. اوّلین شب از هفت شب آخر است». 1710.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (لِعَلِیٍّ علیه السلام) مستطرفات السرائر به نقل از عبد الواحد انصاری :از امام صادق علیه السلامدرباره شب قدر پرسیدم. فرمود: «تو را با خبر می کنم و بر تو پوشیده نمی دارم. شب اوّل از هفت شب است» .

گاه شب بیست و چهارم به اشتباه شب قدر تصور می شده است . (1)709.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:شب بیست و سوم ، شبی است که در آن هر کار حکمت آمیزی فیصله می یابد. در آن شب ، گروه حاجیان و آنچه از این سال تا سال آینده خواهد شد ، نوشته می شوند.708.عنه صلی الله علیه و آله :کتاب من لایحضره الفقیه به نقل از سفیان بن سِمْط :به امام صادق علیه السلامگفتم: شب هایی از ماه رمضان که امید به آنهاست ، کدام اند؟

فرمود: «[شب] نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم».

گفتم: اگر کسی را تنبلی یا بیماری بگیرد ، به کدام یک از آنها اعتماد کند؟

فرمود: «[شب] بیست و سوم». .

1- .این اشتباه ناشی از 29 روز و یا 30 روز بودن ماه رمضان است که توضیح آن در پانوشت حدیث قبلی گذشت .

707.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ لَيلَةَ الثّالِثِ وَالعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ هِيَ لَيلَةُ الجُهَنِيِّ ، فيها يُفرَقُ كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ ، وفيها تَثبُتُ البَلايا وَالمَنايا ، وَالآجالُ وَالأَرزاقُ وَالقَضايا ، وجَميعُ ما يُحدِثُ اللّهُ عز و جل فيها إلى مِثلِها مِنَ الحَولِ .

فَطوبى لِعَبدٍ أحياها راكِعا وساجِدا ، ومَثَّلَ خَطاياهُ بَينَ عَينَيهِ ويَبكى عَلَيها ، فَإِذا فَعَلَ ذلِكَ رَجَوتُ ألاّ يَخيبَ إن شاءَ اللّهُ . (1)وانظر : ص 752 ، ح628 . ص 854 (ما يختصُّ بالليلةِ الثالثه والعشرين) .

2 / 5دورُ ثَلاثِ لَيالٍ فى التَّقديرِ706.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :التَّقديرُ فى لَيلَةِ تِسعَ عَشرَةَ ، والإبرامُ فى لَيلَةِ إحدى وعِشرينَ ، وَالإمضاءُ فى لَيلَةِ ثَلاثٍ وعِشرينَ . (2)705.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :فى لَيلَةِ تِسعَ عَشرَةَ مِن شَهرِ رَمَضانَ التَّقديرُ ، وفى لَيلَةِ إحدى وعِشرينَ القَضاءُ ، وفى لَيلَةِ ثَلاثٍ وعِشرينَ إبرامُ ما يَكونُ فِى السَّنَةِ إلى مِثلِها ، للّهِ جَلَّ ثَناؤُهُ (أن) (3) يَفعَلَ ما يَشاءُ فى خَلقِهِ . (4)704.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإقبال عن عبد اللّه بن سنان :سَألتُهُ (5) عَنِ النِّصفِ مِن شَعبانَ .

فَقالَ : «ما عِندى فيهِ شَيءٌ ، ولكِن إذا كانَت لَيلَةُ تِسعَ عَشرَةَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، قُسِّمَ فيهَا (6) الأرزاقُ ، وكُتِبَ فيهَا الآجالُ ، وخَرَجَ فيها صِكاكُ الحاجِّ ، وَاطَّلَعَ اللّهُ إلى عِبادِهِ فَغَفَرَ اللّهُ لَهُم إلاّ شارِبَ مُسكِرٍ ، فَإِذا كانَت لَيلَةُ ثَلاثٍ وعِشرينَ فيها يُفرَقُ كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ ، ثُمَّ يَنتَهى ذلِكَ ويَقضى» .

قالَ : قُلتُ إلى مَن؟

قالَ : «إلى صاحِبِكُم ، ولَولا ذلِكَ لَم يَعلَم» . (7) .

1- .الدعوات : 207 / 561 ، بحار الأنوار : 97 / 4 / 5 .
2- .الكافى : 4 / 159 / 9 ، الإقبال : 1 / 150 كلاهما عن زراره .
3- .أثبنا ما بين القوسين من المصادر الأُخرى .
4- .الكافى : 4 / 160 / 12 عن ربيع المسلى وزياد بن أبى الحلال ذكراه عن رجل ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 156 / 2020 ، الإقبال : 1 / 150 .

5- .الظاهر أنّه سأل الإمام الصادق عليه السلام .
6- .فى المصدر : «قسّم فيه» والتصويب من الطبعه الحجريّه .
7- .الإقبال : 1 / 341 ، بصائر الدرجات : 220 / 3 وفيه «ينهى ذلک ويمضى» بدل «ينتهى ذلک ويقضى» ، بحار الأنوار : 97 / 22 / 50 و ج 98 / 142 / 3 .

703.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:شب بیست و سوم ماه رمضان ، شبِ جُهَنی است. در آن شب ، هر کار حکمت آمیزی فیصله می یابد و در آن شب ، بلاها و مرگ ها و اَجَل ها و روزی ها و حوادث و مقدّرات ، ثبت می شوند ونیز همه آنچه خداوند متعال در آن شب تا سال آینده پدید می آورد.

پس خوشا به حال آن که آن شب را با رکوع و سجوده زنده بدارد و گناهانش را در برابر چشمش بیاورد و بر آنها بگرید. پس هر گاه چنین کند ، امید دارم که اگر خدا بخواهد ، محروم و ناکام نگردد.ر . ک : ص 753 ، ح 628 . ص 855 (آنچه مخصوص شب بیست و سوم است).

2 / 5نقش سه شب در سرنوشت702.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:سرنوشت (مُقَدَّر شدن) ، در شب نوزدهم است و محکم ساختن ، در شب بیست و یکم و امضا (حتمی سازی) ، در شب بیست و سوم.701.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:در شب نوزدهم ماه رمضان ، سرنوشت (مُقَدَّر شدن) است و در شب بیست و یکم ، حتمی سازی است و در شب بیست و سوم ، محکم سازی آنچه در [طول] سال تا سال آینده خواهد بود. خدای متعال و ستوده ، حق دارد که درباره بندگانش هر چه بخواهد ، انجام دهد.706.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از عبد اللّه بن سنان :از امام علیه السلام درباره نیمه شعبان پرسیدم .

فرمود : «در نزد من چیزی درباره آن نیست ؛ امّا وقتی شب هفدهم ماه رمضان می شود ، روزی ها در آن تقسیم می شود ، اَجَل ها نوشته می شوند ، طومار حجّ حاجیان صادر می گردد ، خداوند بر بندگانش اشراف یافته ، آنان را می آمرزد ، بجز میخواره را . پس هر گاه شب بیست و سوم فرا می رسد ، در آن هر کار استواری فیصله می یابد ، سپس نهایی شده ، حتمی می گردد» .

گفتم : به چه کسی؟

فرمود : «به پیشوایتان . و اگر چنین نبود ، نمی دانست» .

705.عنه صلى الله عليه و آله :الكافى عن إسحاق بن عمّار[عن أبى عبد اللّه عليه السلام] (1) ، قالَ :الكافى عن إسحاق بن عمّار[عن أبى عبد اللّه عليه السلام] (2) ، قالَ : سَمِعتُهُ يَقولُ ، وناسٌ يَسأَلونَهُ يَقولونَ : الأَرزاقُ تُقسَمُ لَيلَةَ النِّصفِ مِن شَعبانَ؟

قالَ : فَقالَ : «لا ، وَاللّهِ ما ذاکَ إلاّ فى لَيلَةِ تِسعَ عَشرَةَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وإحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ ؛ فَإِنَّ فى لَيلَةِ تِسعَ عَشرَةَ يَلتَقِى الجَمعانِ ، وفى لَيلَةِ إحدى وعِشرينَ «يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ » (3) ، وفى لَيلَةِ ثَلاثٍ وعِشرينَ يُمضى ما أَرادَ اللّهُ عز و جل مِن ذلِکَ ، وهِىَ لَيلَةُ القَدرِ الَّتى قَالَ اللّهُ عز و جل : «خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ » » . (4)

قالَ : قُلتُ : ما مَعنى قَولِهِ : يَلتَقِى الجَمعانِ؟

قالَ : «يَجمَعُ اللّهُ فيها ما أَرادَ مِن تَقديمِهِ وتَأخيرِهِ ، وإرادَتِهِ وقَضائِهِ» .

قالَ : قُلتُ : فَما مَعنى يُمضيهِ فى ثَلاثٍ وعِشرينَ؟

قالَ : «إنَّهُ يَفرُقُهُ فى لَيلَةِ إحدى وعِشرينَ ، ويَكونُ لَهُ فيهِ البَداءُ ، فَإِذا كانَت لَيلَةُ ثَلاثٍ وعِشرينَ أَمضاهُ ، فَيَكونُ مِنَ المَحتومِ الَّذى لا يَبدو لَهُ فيهِ تَبارَکَ وتَعالى» . 5 .

1- .مابين المعقوفين أثبتناه من الإقبال .
2- .الدخان : 4 .
3- .القدر : 3 .
4- .الكافى : 4 / 158 / 8 ، الإقبال : 1 / 343 ، بحار الأنوار : 98 / 144 / 3 .

704.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از اسحاق بن عمّار :در حالی که مردم از امام صادق علیه السلاممی پرسیدند و می گفتند: «آیا روزی ها در شب نیمه شعبان تقسیم می شود؟» ، فرمود: «نه ، به خدا چنین نیست ، مگر در شب نوزدهم ماه رمضان و بیست و یکم و بیست و سوم. در شب نوزدهم ، دو مجموعه به هم می رسند و در شب بیست و یکم ، « هر کار حکمت آمیزی فیصله می یابد» و در شب بیست و سوم ، از آنها آنچه را اراده الهی باشد ، حتمی می شود و آن ، شب قدری است که خداوند فرموده: « بهتر از هزار ماه است» ».

گفتم: معنای این که دو مجموعه به هم می رسند ، چیست؟

فرمود: «آنچه را خداوند می خواهد که جلو یا عقب بیندازد و آن را اراده و مقدّر کند ، در آن شب ، گِرد می آورد».

گفتم: معنای این که آن را در شب بیست و سوم حتمی می سازد ، چیست؟

فرمود: «آن را در شب بیست و یکم فیصله می دهد ، و گاهی برای او بَداء (عوض شدن تصمیم) حاصل می شود ، و چون شب بیست و سوم شود ، آن را امضا می کند و آن گاه ، از مقدّرات حتمی خواهد شد که نظر خدای متعال درباره آن برنمی گردد». .

703.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :بصائر الدرجات عن محمّد بن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :قُلتُ لَهُ : إنَّ النّاسَ يَقولونَ إنَّ لَيلَةَ النِّصفِ مِن شَعبانَ تُكتَبُ فيهِ الآجالُ ، وتُقسَمُ فيهِ الأَرزاقُ ، وتَخرُجُ صِكاكُ الحاجِّ .

فَقالَ : «ما عِندَنا فى هذا شَىءٌ ولكِن إذا كانَت لَيلَةُ تِسعَ عَشرَةَ مِن شَهرِ رَمَضانَ يُكتَبُ فيهَا الآجالُ ، ويُقسَمُ فيهَا الأَرزاقُ ، ويَخرُجُ صِكاكُ الحاجِّ ، ويَطَّلِعُ اللّهُ عَلى خَلقِهِ ، فَلا يَبقى مُؤمِنٌ إلاّ غَفَرَ لَهُ إلاّ شارِبَ مُسكِرٍ ، فَإذا كانَت لَيلَةُ ثَلاثٍ وعِشرينَ فيها يُفرَقُ كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ أمضاهُ ثُمَّ أنهاهُ» ، قالَ : قُلتُ : إلى مَن جُعِلتُ فِداكَ !؟

فَقالَ : «إلى صاحِبِكُم ، ولَولا ذلِكَ لَم يَعلَم ما يَكونُ فى تِلكَ السَّنَهِ» . (1)وانظر : ص 746 (خصائص ليله القدر / فيها تقدير كلّ شىء يكون فى السنه) .

2 / 6سَتَرَها نَظَراً لَكُم702.عنه صلى الله عليه و آله :مجمع الزوائد عن عبد اللّه بن اُنيس :يا رَسولَ اللّهِ ، أخبِرنى أىُّ لَيلَةٍ تُبتَغى فيها لَيلَةُ القَدرِ؟

فَقالَ : «لَولا أن تَترُكَ النّاسُ الصَّلاةَ إلاّ تِلكَ اللَّيلَةَ لَأَخبَرتُكَ» . (2) .

1- .بصائر الدرجات : 222 / 11 ، بحار الأنوار : 97 / 19 / 43 .
2- .مجمع الزوائد : 3 / 414 / 5062 ، كنز العمّال : 8 / 543 / 24082 وزاد فيه «ولكن ابتغها فى ثلاث وعشرين من الشهر» وكلاهما نقلاً عن الطبرانى .

701.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :بصائر الدرجات به نقل از محمّد بن حُمران :به امام صادق علیه السلامگفتم: مردم می گویند: در شب نیمه شعبان ، اَجَل ها نوشته می شود ، روزی ها تقسیم می شود و طومار (فهرست) حاجیان در می آید.

فرمود: «در این باره پیش ما چیزی نیست؛ لیکن چون شب نوزدهم ماه رمضان شود ، در آن شب ، اَجَل ها نوشته می شود و روزی ها تقسیم می شود و فهرست حاجیان در می آید و خداوند بر بندگانش اِشراف می یابد ونظر می کند. پس ، هیچ مؤمنی نمی ماند ، مگر این که او را می آمرزد ، مگر شرابخوار را. پس چون شب بیست و یکم شود ، در آن شب ، هر کار حکمت آمیزی فیصله می یابد؛ آن را حتمی می سازد ، و سپس به پایان می برد».

گفتم: به که فدایت شوم ؟

فرمود: «به امامتان ، و اگر چنان نبود ، نمی دانست که در آن سال چه خواهد شد».ر . ک : ص 747 (ویژگی های شب قدر / تقدیر هر چه در سال خواهد شد ...) .

2 / 6پوشیده بودن آن ، به سود شماست700.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مجمع الزوائد به نقل از عبد اللّه بن اُ نَیس :[به پیامبر صلی الله علیه و آلهگفتم :]ای پیامبر خدا! مرا خبر بده که کدام شب است که در آن ، شب قدر را باید جست؟

فرمود : «اگر نبود بیم آن که مردم جز در آن شب ، نماز را ترک کنند ، به تو خبر می دادم».

.

699.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شرح نهج البلاغه عن ابن عراده :قیلَ [لِأَمیرِ المُؤمِنینَ علیه السلام] : أخبِرنا عَن لَیلَهِ القَدرِ؟

قالَ : «ما أخلو مِن أن أکونَ أعلَمُها فَأَستُرَ عِلمَها ، ولَستُ أشُکُّ أنَّ اللّهَ إنَّما یَستُرُها عَنکُم نَظَرا لَکُم ؛ لِأَنَّهُ لَو أعلَمَکُموها عَمِلتُم فیها وتَرَکتُم غَیرَها ، وَأرجُو أن لا تُخطِئَکُم إن شاءَ اللّهُ» . (1)وانظر : ص 796 ، ح 694 و ص 798 ، ح 699 .

2 / 7طُرُقُ مَعرِفَهِ لَیلَهِ القَدرِ أ قِراءَهُ سورَهِ الدُّخانِ کُلَّ لَیلَهٍ مِن رَمَضانَ مِئَهَ مَرَّهٍ698.پیامبر خدا صلی اللّه علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :قالَ رَجُلٌ لِأبی جَعفَرٍ علیه السلام : ... یَابنَ رَسُولِ اللّهِ ، کَیفَ أعرِفُ أنَّ لَیلَهَ القَدرِ تَکُونُ فی کُلِّ سَنَهٍ؟

قالَ : «إذا أتی شَهرُ رَمَضانَ فَاقرَأ سُورَهَ الدُّخانِ فی کُلِّ لَیلَهٍ مِئَهَ مَرَّهٍ ، فإذا أتَت لَیلَهُ ثَلاثٍ وعِشرینَ ، فَإنَّکَ ناظِرٌ إلی تَصدیقِ الَّذی سَأَلتَ عَنهُ» . (2)ب قِراءَهُ سورَهِ القَدرِ کُلَّ لَیلَهٍ مِن رَمَضانَ ألفَ مَرَّهٍ700.عنه صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :إذا أتی شَهرُ رَمَضانَ فَاقرَأ کُلَّ لَیلَهٍ «إِنَّآ أَنزَلْنَهُ» ألفَ مَرَّهٍ ، فإذا أتَت لَیلَهُ ثَلاثٍ وَعِشرینَ، فَاشدُد قَلبَکَ، وَافتَح أُذُنَیکَ بِسِماعِ العَجائِبِ مِمّا تَری. (3)وانظر : ص 860 (ما یختصّ باللیله الثالثه والعشرین / قراءه سوره القدر ألف مرّه) .

.

1- .شرح نهج البلاغه : 20 / 154 ؛ بحار الأنوار : 97 / 5 / 6 .
2- .الکافی : 1 / 251 / 8 عن الحسن بن العبّاس بن الحریش عن الإمام الجواد علیه السلام ، الأمالی للصدوق : 751 / 1008 وفیه «مرّه» بدل «مئه مرّه» ، الإقبال : 1 / 149 ، بحار الأنوار : 96 / 379 / 3 .
3- .الأمالی للصدوق : 751 / 1007 ، الإقبال : 1 / 149 ، بحار الأنوار : 96 / 379 / 3 .

2 / 7 راه های شناخت شب قدر

الف صد بار خواندن سوره دخان در هر شب ماه رمضان

ب هزار بار خواندن سوره قدر در هر شب ماه رمضان

699.عنه صلی الله علیه و آله :شرح نهج البلاغه به نقل از ابن عراده :[به امیر مؤمنان علیه السلام] گفتند: ما را از شب قدر آگاه کن. فرمود: «خالی از این نیستم که آن را بدانم و از شما پنهان کنم . شک ندارم که خداوند به خاطر کمک کردن و مهلت دادن به شما آن را از شما می پوشاند؛ چون اگر آن را به شما اعلام می کرد ، در همان شب ، عمل می کردید و در غیر آن شب ، عبادت را ترک می کردید ، و امید آن دارم که اگر خدا بخواهد ، شب قدر را به خطا نگیرید».ر . ک : ص 797 ، ح 694 و ص 783 ، ح 699 ص 807 (پژوهشی پیرامون شب قدر / تعیین شب قدر).

2 / 7راه های شناخت شب قدرالف صد بار خواندن سوره دخان در هر شب ماه رمضان698.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:مردی به امام باقر علیه السلام گفت: ... ای پسر پیامبر! از کجا بدانم که در هر سال ، شب قدر است؟

فرمود: «هر گاه ماه رمضان آمد ، هر شب سوره دخان را صد بار بخوان. پس چون شب بیست و سوم آید ، به درست بودن آنچه از آن پرسیدی ، خواهی نگریست».ب هزار بار خواندن سوره قدر در هر شب ماه رمضان697.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:چون ماه رمضان آید ، هر شب ، هزار بار سوره «إنّا أنزلناه» بخوان. پس چون شب بیست و سوم آید ، دلت را محکم کن و گوش هایت را برای شنیدن شگفتی هایی از آنچه می بینی ، بگشای.ر . ک : ص 861 (آنچه مخصوص شب بیست و سوم است / خواندن هزار بار سوره قدر).

.

2 / 8عَلامَهُ لَيلَهِ القَدرِ696.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الكافى عن محمّد بن مسلم عن أحدهما عليهماالسلام ، قال :سَألتُهُ عَن عَلامَهِ لَيلَهِ القَدرِ .

فَقالَ : «عَلامَتُها أن تَطيبَ ريحُها ، وإن كانَت فى بَردٍ دَفِئَت ، وإن كانَت فى حَرٍّ بَرَدَت فَطابَت» . (1)2 / 9مَن يُدرِكُ لَيلَهَ القَدرِ695.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله لَمَّا انصَرَفَ مِن عَرَفاتٍ وسارَ إلى مِنى ، دَخَلَ المَسجِدَ فَاجتَمَعَ إلَيهِ النّاسُ يَسأَلونَهُ عَن لَيلَهِ القَدرِ ، فَقامَ خَطيبا ، فَقالَ بَعدَ الثَّناءِ عَلَى اللّهِ عز و جل :

«أمّا بَعدُ ، فَإِنَّكُم سَأَلتُمونى عَن لَيلَهِ القَدرِ ولَم أطوِها عَنكُم لِأَنّى لَم أكُن بِها عالِما ، اِعلَموا أيُّهَا النّاسُ أ نَّهُ مَن وَرَدَ عَلَيهِ شَهرُ رَمَضانَ وهُوَ صَحيحٌ سَوِىٌّ فَصامَ نَهارَهُ ، وقامَ وِردا مِن لَيلِهِ ، وواظَبَ عَلى صَلاتِهِ وهَجَّرَ إلى جُمُعَتِهِ ، وغَدا إلى عيدِهِ ؛ فَقَد أدرَكَ لَيلَهَ القَدرِ ، وفازَ بِجائِزَهِ الرَّبِّ عز و جل » . (2)694.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى مِن أوَّلِ شَهرِ رَمَضانَ إلى آخِرِهِ فى جَماعَهٍ ، فَقَد أخَذَ بِحَظٍّ مِن لَيلَهِ القَدرِ . (3) .

1- .الكافى : 4 / 157 / 3 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 159 / 2027 ، الأُصول الستّه عشر : 155 وفيهما «وطابت» ، دعائم الإسلام : 1 / 281 عن الإمام الباقر عليه السلامنحوه ، بحار الأنوار : 97 / 9 / 12 .
2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 97 / 1834 ، ثواب الأعمال : 89 / 3 كلاهما عن زراره ، المقنعه : 307 ، روضه الواعظين : 382 ، بحار الأنوار : 97 / 18 / 40 .
3- .كنز العمّال : 8 / 545 / 24090 نقلاً عن تاريخ بغداد عن أنس .

2 / 8 نشانه شب قدر

2 / 9 آن که شب قدر را درمی یابد

2 / 8نشانه شب قدر693.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از محمّد بن مسلم :از او (امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام) درباره نشانه شب قدر پرسیدم.

فرمود: «از نشانه آن ، این است که بوی آن خوش است. اگر در فصل سرما باشد ، آن شب گرم می شود و اگر در فصل گرما باشد ، خنک و خوب و خوش می شود».2 / 9آن که شب قدر را درمی یابد692.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:پیامبر صلی الله علیه و آله ، چون از عرفات برگشت و به مِنا رفت ، وارد مسجد شد. مردم ، گِرد او جمع شدند و از شب قدر می پرسیدند. پیامبر صلی الله علیه و آله به سخن ایستاد و پس از ثنای الهی چنین فرمود:

«امّا بعد ، شما مرا از شب قدر پرسیدید ، بیان نکردن آن برای این نبود که نسبت به آن عالِم نبودم. بدانید ای مردم هر کس ماه رمضان بر او وارد شود و او صحیح و سالم باشد ، پس ، روزش را روزه بدارد و بخشی از شب آن را به عبادت برخیزد و مواظب نمازش باشد و در گرمای آن به نماز جمعه اش برود و سحرگاه به نماز عیدش برود ، به یقین ، شب قدر را دریافته و به جایزه پروردگار ، دست یافته است».697.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس از آغاز تا پایان ماه رمضان ، نماز را به جماعت بخواند ، بهره ای از شب قدر برده است.

.

696.عنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :مَن صلّى لَيلَةَ القَدرِ العِشاءَ وَالفَجرَ فى جَماعَةٍ ، فَقَد أخَذَ مِن لَيلَةِ القَدرِ بِالنَّصيبِ الوافِرِ .

695.عنه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلَّى المَغرِبَ وَالعِشاءَ فى جَماعَةٍ ، حَتّى يَنقَضِىَ شَهرُ رَمَضانَ ، فَقَد أصابَ مِن لَيلَةِ القَدرِ بِحَظٍّ وافِرٍ .(1)

694.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :مَن صَلَّى العِشاءَ الآخِرَةَ فى جَماعَةٍ فى رَمَضانَ ، فَقَد أدرَكَ لَيلَةَ القَدرِ .(2)

693.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال :فى كِتابِ عَلىِّ بنِ إسماعيلَ المِيثَمىِّ : فى كِتابٍ أصلُهُ عَن عَلىِّ بنِ الحُسَينِ عليهماالسلام : كانَ إذا دَخَلَ شَهرُ رَمَضانَ تَصَدَّقَ فى كُلِّ يَومٍ بِدِرهَمٍ ، فَيَقُولُ : «لَعَلّى أُصيبُ لَيلَةَ القَدرِ» .(3)

وانظر : ص 544 (آداب الليله السابعه والعشرين / الصلاه) .(4)

.

1- .تاريخ بغداد : 5 / 330 ، كنز العمّال : 8 / 545 / 24089 .

2- .شعب الإيمان : 3/340/3707 ، فضائل الأوقات : 67/137 كلاهما عن أنس ، كنز العمّال : 8/545/24091.

3- .صحيح ابن خزيمه : 3 / 333 / 2195 ، شعب الإيمان : 3 / 340 / 3706 ، فضائل الأوقات للبيهقى : 67 / 138 كلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 8 / 545 / 24092 .

4- .الإقبال : 1 / 150 ، بحار الأنوار : 98 / 82 / 1 .

692.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس شب قدر ، نماز عشا و صبح را به جماعت بخواند ، بهره سرشاری از شب قدر برده است.691.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس نماز مغرب و عشا را به جماعت بخواند تا آن که ماه رمضان سپری شود ، بهره سرشاری از شب قدر برده است .690.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس در ماه رمضان نماز عشا را به جماعت بخواند ، شب قدر را دریافته است.689.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال:در کتاب علی بن اسماعیل میثمی ، چنین آمده است:

در نوشته ای که اصل آن از امام سجّاد علیه السلام است ، نقل شده که آن امام ، هر گاه ماه رمضان فرا می رسید ، هر روز ، یک درهم صدقه می داد و می فرمود: «شاید شب قدر را دریابم». 1ر . ک : ص 545 (آداب شب بیست و هفتم / نماز) .

.

ص: 800

. .

پژوهشی پیرامون شب قدر

اشاره

پژوهشی پیرامون شب قدر «إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ» ؛ ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. سخن درباره شب قدر است ؛ شب شکوهمند به سبب نزول قرآن؛ شبی که والاترین و پر برکت ترینِ شب های سال به شمار می رود؛ شبی بزرگ که پیامبر خدا آن را چنین ستوده است:

688.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شَهرُ رَمَضانَ سَیِّدُ الشُّهورِ ، و لَیلَهُ القَدرِ سَیِّدَهُ اللَّیالی ؛ (1)691.عنه صلی الله علیه و آله :ماه رمضان ، سَرور ماه ها و شب قدر ، سَرور شب هاست.جایگاه والای این شب و نقش رسای آن در میهمان سرای الهی و بهره وری از برکات و دست آوردهای این ضیافت الهی ، تا آن جاست که امام صادق علیه السلام آن را «قلبِ» این ماه نامیده است:

690.عنه صلی الله علیه و آله :قَلبُ شَهرِ رَمَضانَ لَیلَهُ القَدرِ ؛ (2)689.عنه صلی الله علیه و آله :قلب ماه رمضان ، شب قدر است.کسی که بخواهد ماه رمضان برای او ماهی زنده ، با نشاط ، حیات آفرین و سرشار

.

1- .بحار الأنوار : 40 / 54 / 89 .
2- .ر . ک : الکافی : 4 / 66 / 1 .

یکم . معنای شب قدر

و پربار باشد ، باید از این قلب ، مواظبت کند. مراقبت از این قلب ، ممکن است سرنوشت ساز و بیمه کننده همه عمر انسان باشد ، که « لَیْلَهُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ؛ شب قدر ، بهتر از هزار ماه است» . برای شناخت قلب ماه رمضان و به خاطر دست یافتن به دست آوردهای خوب این شب عظیم و پرثمر ، نکاتی را که برگرفته از ره نموده های روشنگر و زندگی ساز اهل بیت علیهم السلام است ، تقدیم می داریم:

یکم . معنای شب قدرآیه شریف « وَ مَآ أَدْرَلکَ مَا لَیْلَهُ الْقَدْرِ ؛ و تو چه دانی که شب قدر چیست؟» ، به روشنی بر این نکته دلالت دارد که دست یافتن به معنای حقیقی شب قدر ، بسیار دشوار و فراتر از سطح ادراک توده های مردم است. روشن است که وقتی مخاطب این آیه ، پیامبر صلی الله علیه و آلهباشد ، پرسش موجود در آیه ، نشان دهنده عظمت و ارج شب قدر است؛ چرا که مفهوم شب قدر ، هرگز بر شخصیّتی عظیم که قرآن بر دل پاک او فرود آمده و جان او جایگاه شب قدر است ، و فرشتگان الهی در آن شب برای سامان بخشی به امور جهان و تقدیر هستی نزد او می آیند ، ناشناخته نیست . افزون بر این ، فراهم آمدن زمینه شناخت و شهود حقیقت شب قدر (هر چند اندک) برای شماری از اهل سیر و سلوک که با بهره گیری از تعالیم اهل بیت علیهم السلام (1) در این زمینه ، به آن رسیده اند گویای این حقیقت است. عالم ربّانی آیه اللّه میرزا جواد آقا ملکی تبریزی رحمه الله در پاسخ این سؤال که: «معنای دیدار شب قدر و لذّت آن چیست؟» ، می گوید: دیدار شب قدر ، عبارت است از: کشف فرود آمدن امر آسمانی به زمین در این شب ، آن گونه که برای امام زمان علیه السلام آشکار می شود . (2)

.

1- .ر . ک : ص 795 (راه های شناخت شب قدر) و ص 797 (نشانه شب قدر).
2- .المراقبات : 137 .

دوم . ویژگی های شب قدر

الف برنامه ریزی سال

دیدن آن حقیقت و توفیق یافتن به این دیدار و شهود ، کاری بس عظیم و والاست ، همان گونه که امام صادق علیه السلام آن را چنین توصیف فرموده است:

549.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :إنَّ القَلبَ الَّذی یُعاینُ ما یُنزَلُ فی لَیلَهِ القَدرِ لَعَظیمُ الشَّأنِ ؛ (1)548.سنن الترمذی (به نقل از زید بن ثابت) دلی که آنچه را در شب قدر فرود آورده می شود ، می بیند ، بسی والاست.امّا اسلام ، مردم را در همین سطح به خود وا نگذارده است و برای آن که توده مردم نیز شناختی اجمالی از معنای شب قدر دریابند ، روایات دینی ، تصویری از آن حقیقت را در ضمن بیان ویژگی ها و فضایل آن شب ارائه داده اند که به نمونه هایی از آنها در ادامه اشاره می شود.

دوم . ویژگی های شب قدرالف برنامه ریزی سالدر بسیاری از روایات ، به عنوان نخستین ویژگی شب قدر ، بر این تأکید شده است که تقدیر امور مردم و سامان بخشی اوضاع و احوال آنان در طول سال ، در این شب رقم زده می شود؛ شبی که سرنوشت و فیصله یافتن همه کارهایی که تا سال آینده پیش خواهد آمد ، در این شب فرود می آید. شاید نزول قرآن در شب قدر نیز به لحاظ همین جهت باشد؛ کتابی که برنامه زندگی انسان را ارائه می کند. از همین جاست که انسان می تواند با بهره گیری از برنامه ای که قرآن آن را ترسیم نموده ، سرنوشت خود و زندگی اش را در شب قدر عوض کند و برای سال آینده خویش ، بهترین سرنوشت و برای خویش سودمندترین کسب و کار را تحقّق بخشد. در این جا دو مطلب مهم است که شایان توجّه اند : مطلب اوّل . رقم خوردن سرنوشت انسان در شب قدر ، در چارچوب مقدّرات او در علم ازلی خداوند است. به دیگر سخن ، به گفته روایات اهل بیت علیهم السلام ، آنچه در

.

1- .برای آگاهی از متن کامل حدیث و منابع آن ، ر . ک : ص 760 ح 640 .

ب آغاز سال تقدیر

علم حضرت حق ، در طول سال برای مردمْ مقدّر است ، به صورت برنامه ای نوشته شده آشکار می شود که فرشتگان ، آن را می نویسند و به امام عصر علیه السلامتحویل می دهند. و این ، به تناسب کاری است که انسان در شب قدر انجام می دهد. مطلب دوم . بر اساس شماری از روایات ، تعیین سرنوشت انسان در شب قدر و رقم خوردن آنچه در یک سال کامل بر او خواهد گذشت ، به معنای آن نیست که او به طور کامل در برابر این سرنوشت ، بی اختیار باشد ، بدان سان که برای تغییر آن ، هیچ کاری از او بر نیاید؛ بلکه می تواند در سایه دعا و توسّل و با کارهای شایسته ، مقدّرات حتمی خود در شب قدر را نیز تغییر دهد. از این رو ، امام باقر علیه السلام فرموده است:

547.المعجم الکبیر (به نقل از زید بن ثابت) فَما قُدِّرَ فی تِلک اللَّیلَهِ وقُضِیَ فَهُوَ مِنَ المَحتُومِ وللّهِ عز و جل فیهِ المَشِیَّهُ ؛ (1)546.سنن الترمذی (به نقل از زید بن ثابت) آنچه در آن شب ، مقدّر و معیّن شده ، حتمی است و خدا می تواند در آنها ، آن گونه که بخواهد ، عمل کند.با توجّه به ساختار و مضمون این گونه روایات (2) و افزودن آن به ادلّه قطعی ، که بر «اجابت دعا در طول سال بخصوص در عرفات و حرم های مطهّر» دلالت دارند ، نمی توان ظاهر برخی روایات را پذیرفت که: مقدّرات شب قدر ، هرگز تغییریافتنی نیست. (3)

ب آغاز سال تقدیردر درآمد کتاب توضیح دادیم که آغاز سال ، به اعتبارهای مختلف ، متفاوت است. روایاتی که «شب قدر» را آغاز سال می دانند که به برخی از آنها در کتاب اشاره شد به اعتبار سال برنامه ریزی امور مردم و سامان بخشی وضع آنان و آنچه پیش خواهد آمد ، صادر شده اند. با همین اعتبار ، شب قدر ، پایان سال نیز به شمار

.

1- .برای آگاهی از متن کامل حدیث و منابع آن ، ر . ک : ص 748 ، ح 622 .

2- .ر . ک : ص 747 ، ح 620 و ص 753 ، ح 629 .

3- .ر . ک : ص 747 ، ح 619 و ص 753 ، ح 628.

ج اختصاص داشتن به امام زمان
د بهتر از هزار ماه !

می رود؛ یعنی پایان سالِ برنامه ریزی شده ای که سپری شده و اوّل سال برنامه ریزی شده نو است.

ج اختصاص داشتن به امام زمانسومین ویژگی شب قدر ، این است که خدای سبحان ، کامل ترین و شایسته ترین و برترین انسان را از برنامه ریزی و حکم خود ، آگاه می سازد. تفسیر القمّی ، در ذیل آیه « تَنَزَّلُ الْمَلَئِکَهُ وَ الرُّوحُ فِیهَا ؛ در آن شب ، فرشتگان و «روح» به فرمان پروردگارشان در پیِ هر کاری فرود می آیند» ، چنین آمده است:

545.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تَنَزَّلُ المَلائِکهُ و روحُ القُدُسِ عَلی إمامِ الزَّمانِ ، و یَدفَعونَ إلَیهِ ما قَد کَتَبوهُ مِن هذِهِ الاُمورِ ؛ (1)544.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فرشتگان و روح القُدُس بر امام زمان فرود می آیند و از این امور ، آنچه را نوشته اند ، به او تقدیم می کنند.این نکته ، هر چند که با صراحت به امام معصوم نسبت داده نشده ؛ لیکن جمع بندی مضمون همه روایاتی است که در این باب آمده است. پس می توان گفت: از ویژگی های شب قدر ، اختصاص داشتن آن به امام مهدی عجّل اللّه فرجه است. از این رو ، توسّل به آن امام در این شب خاص ، نقش مؤثّری در گشایش کارهای انسان و گشودن آفاق در پیش او دارد و می تواند سرنوشت او را در جهتی که دست آوردهای بیشتری را در سال آینده نصیب او سازد ، تنظیم کند.

د بهتر از هزار ماه !به تصریح قرآن کریم ، «لَیْلَهُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ؛ شب قدر ، بهتر از هزار ماه است» ، و این نشانگر استثنایی بودن این برهه خاصّ زمانی و برکاتی است که در بر دارد ، به نحوی که کار شایسته در آن ، با کار شایسته در عمری طولانی (بیش از هشتاد سال) برابر است. از این رو ، در تفسیر این آیه آمده است:

.

1- .برای آگاهی از منابع حدیث ، ر . ک : ص 768 ، ح 650 .

سوم . تداوم شب قدر

543.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :العَمَلُ الصّالِحُ فیها مِنَ الصَّلاهِ وَالزَّکاهِ وأنواعِ الخَیرِ ، خَیرٌ مِنَ العَمَلِ فی ألفِ شَهرٍ لَیسَ فیها لَیلَهُ القَدرِ ؛ (1)548.سنن الترمذی عن زید بن ثابت :کار شایسته در آن شب (از قبیل: نماز ، زکات و انواع نیکی ها) بهتر از عمل در هزار ماهی است که شب قدر نداشته باشد.این برکات گسترده و سرشار شب قدر ، تفسیرکننده تأکید و تشویق پیامبر صلی الله علیه و آلهو امامان علیهم السلام است که مسلمانان را بر بهره بردن از لحظه لحظه شب قدر فرا خوانده اند ، تا آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله از خوابیدن در شب بیست و سوم نهی فرموده است (2) و به همین جهت ، فاطمه زهرا علیهاالسلام ، دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله ، نمی گذاشت که در آن شب ، کسی از اهل خانه اش بخوابد. (3) آری ! کسی که از نعمت ایمان به قرآن برخوردار است و می داند که عمل در یک شب ، از نظر برکات ، برابر با حیات جاوید او و بهره مندی در طول حیات ابدی است ، نمی تواند این فرصت گران بها و موهبت بی نظیر را رایگان از دست بدهد.

سوم . تداوم شب قدربررسی آیات سوره قدر و تأمّل در روایات دینی ، نشان می دهند که شب قدر ، ویژه زمان نزول قرآن و دوران پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؛ بلکه همیشگی است و از آغاز آفرینش انسان بوده و تا پایان جهان و وجود انسان در آن نیز تداوم خواهد داشت؛ به چند دلیل : یکم . شب قدر ، ظرف نزول قرآن است و ظرف باید پیش از مظروف وجود داشته باشد. دوم . در سوره قدر ، فعل مضارع «تَنَزَّلُ (فرود می آیند)» به کار رفته و بر استمرار ، دلالت می کند. نیز جمله اسمیه: « سَلَمٌ هِیَ حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ ؛ آن شب تا دمیدن

.

1- .برای آگاهی از متن کامل حدیث و منابع آن ، ر . ک : ص 742 ، ح 613 .

2- .ر . ک : ص 821 ، ح 710 و ص 855 ، ح 742 .

3- .ر . ک : ص 857 ، ح 744 .

چهارم . تعیین شب قدر

سپیده ، ایمن است» ، مفهوم تداوم دارد. سوم . قرآن کریم بارها تأکید کرده که سنّت الهی در تدبیر جهان ، تغییرناپذیر است. (1) از این رو ، این سنّت الهی که مربوط به تدبیر امور انسان ها و سرنوشت آنان است ، همه امّت ها و اقوام گذشته و حال و آینده را در بر می گیرد. چهارم . روایات فراوان (شاید در حدّ تواتر) ، تداوم شب قدر را پس از پیامبر خدا می رسانند. (2) شماری از این روایات ، استمرار این شب را از آغاز خلقت (3) و همراه انسان تا پایان عمر جهان ، تأیید می کنند. پس ، آنچه در تفسیر الدرّ المنثور ، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که: «خداوند ، شب قدر را به امّت من بخشید و آن را به پیشینیان عطا نکرده بود» ، علاوه بر ضعف سند ، در برابر قرائن و دلایل گذشته ، قابل اعتماد نیست.

چهارم . تعیین شب قدرقرآن کریم ، از یک سو ، نزول قرآن را در ماه رمضان می داند: « شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی أُنزِلَ فِیهِ الْقُرْءَانُ ؛ ماه رمضان ، ماهی که قرآن در آن نازل شده است» و از سویی با صراحت ، نزول آن را در شب قدر می داند: « إِنَّآ أَنزَلْنَهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ ؛ آن را در شب قدر نازل کردیم» . مقتضای جمع میان این دو آیه ، آن است که شب قدر ، حتما در ماه رمضان باشد. این ، در حالی است که در روایات اهل سنّت ، در بیان این که شب قدر ، کدام شب از شب های ماه رمضان است ، اختلافات فراوانی است ، به گونه ای که جمع میان آنها ممکن نیست. (4)

.

1- .از جمله در: فاطر ، آیه 43؛ اسراء ، آیه 77؛ احزاب ، آیه 38 و 62؛ فتح ، آیه 23.
2- .ر . ک : ص 771 (وجود شب قدر در هر سال).
3- .ر . ک : ص 773 ، ح 656 .
4- .ر . ک : الدرّ المنثور : 8 / 571 583.

روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام در تعیین شب قدر نقل شده ، (1) به پنج دسته قابل تقسیم اند: دسته اوّل . روایاتی که شب قدر را در دهه آخر ماه رمضان تعیین می کنند. (2) دسته دوم . روایاتی که می گویند: شب قدر را در یکی از سه شبِ: نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم بجویید. (3) دسته سوم . روایاتی که می گویند: شب قدر ، در یکی از دو شبِ بیست و یکم و بیست و سوم است. (4) دسته چهارم . روایاتی که شب بیست و سوم را به طور معیّن ، شب قدر می دانند. (5) دسته پنجم . روایاتی که دلالت می کنند بر این که شب های: نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم ، هر کدام به گونه ای در تعیین سرنوشت انسان ها و امور آنان نقش دارد؛ ولی نقش اساسی و نهایی ، مربوط به شب بیست و سوم است. (6) تأمّل در این پنج دسته از روایات ، نشان می دهد که نه تنها میان آنها تعارضی نیست ، بلکه مؤیّد یکدیگرند. توضیح ، این که: از دید روایات اهل بیت علیهم السلام و شمار قابل توجّهی از روایات اهل سنّت ، شب قدر ، شب بیست وسوم است. از این رو ، ابن بابویه صدوق (م 381 ق) می فرماید: اتّفق مشایخنا رضی الله عنهم [فی لیله القدر] علی أنّها اللیله الثالثه والعشرون

.

1- .از روایاتی که در متن کتاب (از ص 775 793) آمده ، میان برخی روایات اهل سنّت و روایات اهل بیت علیهم السلامهماهنگی دیده می شود.
2- .ر . ک : ص 775 (شبِ قدر ، چه شبی است؟ / در دهه آخر).
3- .ر . ک : ص 777 (شبِ قدر ، چه شبی است؟ / شب های بیست و سوم و بیست و یکم و نوزدهم) .
4- .ر . ک : ص 779 (شبِ قدر ، چه شبی است؟ / شب های بیست و سوم و بیست یکم).
5- .ر . ک : ص 783 (شبِ قدر ، چه شبی است؟ / شب بیست و سوم).
6- .ر . ک : ص 789 (شبِ قدر ، چه شبی است؟ / نقش سه شب در سرنوشت).

پنجم . شب قدر در مناطق مختلف

من شهر رمضان ؛ (1) بزرگان ما درباره شب قدر ، همه یک سخن اند که: شب بیست و سوم ماه رمضان است. روایات دسته اوّل ، دوم و سوم که برای درک فضیلت شب قدر ، به احیا و کارهای خوب در دهه آخر ماه رمضان توصیه دارند ، همچنین روایاتی که به اِحیای شب های: نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم سفارش دارند ، همگی به دو نکته بر می گردند: نخست . مسلمانان از شب زنده داری شب های ماه رمضان ، بیشترین بهره را از عطایا و دستاوردهای آن داشته باشند. از این رو ، در روایتی که رازِ پوشیده بودن شب قدر را میان شب ها بیان می کند ، آمده است:

542.عنه صلی الله علیه و آله :إنَّ اللّهَ إنَّما یَستُرُها عَنکم نَظَرا لَکم ؛ (2)541.عنه صلی الله علیه و آله :خداوند ، آن را از شما پنهان داشته تا عنایت بیشتری به شما کند.دوم . گرچه شب قدر شب بیست و سوم است ، امّا به آن معنا نیست که آن دو شب ، دیگر هیچ نقشی نداشته و در تقدیر امور و سرنوشت انسان ، بی اثر باشند.

پنجم . شب قدر در مناطق مختلفیکی از مسائل مهم درباره شب قدر ، این است که : آیا شب قدر در مناطق مختلف ، یکی است یا متفاوت است؟ بررسی این موضوع ، به چند نظریّه می انجامد که به آنها اشاره می شود : 1. نظریّه منسوب به مشهور فقهای شیعه که معتقدند آغاز ماه های قمری در همه

.

1- .الخصال : 519 / 7 ، بحار الأنوار : 97 / 16 / 31 .
2- .برای آگاهی از متن کامل حدیث و منابع آن ، ر . ک : ص 794 ، ح 690.

شهرها ، یکسان نیست؛ بلکه اتّحاد اُفق ، (1) شرط ثبوت هلال است. بنا بر این نظریّه ، شب قدر ، در همه مناطق و شهرها یکی نخواهد بود. 2. شماری از محقّقان 2 بر این عقیده اند که آغاز ماه های قمری ، در همه مناطق ، یکی است و اگر در یک منطقه ، هلال ماه رمضان دیده شود ، در مناطق دیگر هم ماه رمضان آغاز می شود. 3 بر اساس این نظریّه ، شب قدر در همه مناطق ، یک شب

.

1- .مگر در مواردی که هلال با رؤیت قطعی ، ثابت می شود.

ص: 811

..

معیّن خواهد بود. 3. شب قدر ، عبارت است از: یک دوره کامل شب در همه کره زمین. پس فرقی نیست که آغاز ماه های قمری در همه مناطق و سرزمین ها ، یکی باشد یا مختلف. توضیح ، آن که: «شب ، همان سایه نیم کره زمین است که بر نیم کره دیگر می افتد و می دانیم این سایه ، همراه با گردش زمین در حرکت است و یک دوره کامل آن ، در بیست و چهار ساعت انجام می شود. بنا بر این ، ممکن است شب قدر ، یک دوره کامل شب به دور زمین باشد؛ به این معنا که مدّت بیست و چهار ساعت تاریکی (که تمام نقاط زمین را زیر پوشش خود قرار می دهد) شب قدر است که آغاز آن از یک نقطه شروع می شود و در نقطه ای دیگر پایان می گیرد». (1) بر این اساس ، جدا کردن حکم شب قدر از حکم روز اوّل ماه ، درست نیست ، که اگر استدلال نظریّه سوم را بپذیریم و شب قدر را یک «بیست و چهار ساعت» بدانیم ، با همین محاسبه می توان نسبت به روز اوّل ماه نیز برخورد کرد و آن را در همه مناطق و سرزمین ها یکی شمرد ، بخصوص که اطلاق روایات هم مؤیّد این می شود. در نتیجه ، این نظریّه با نظریّه دوم یکی می شود. باری ! به نظر ما ، نظریّه دوم ، به ظواهر قرآن و احادیث و به مقتضای عقل و اعتبار ، نزدیک تر است. و افزون بر همه استدلال هایی که برای تعیّن و وحدت لیله القدر شده ، می توان گفت که اهمّیت فوق العاده این شب بزرگ ، اقتضا می کرد که

.

1- .تفسیر نمونه : 27 / 192.

اهل بیت علیهم السلام بخصوص هنگامی که در اثر فتوحات بزرگ ، اسلام تا اقصی ممالک جهان پیشرفت کرده بود متعدّد بودن شب قدر را تذکّر دهند . لیکن با این حال ، با عنایت به نظریه مشهور ، رعایت احتیاط ، بی تردید ، موجب بهره گیری بیشتر از برکات ماه رمضان خواهد شد . و خوشا آنان که از این نعمت برخوردارند که برای شناخت و تعیین شب قدر ، نیازی به این گونه حرف ها ندارند و با چشم دل ، حقایق شب قدر و فرود فرشتگان و «روح» را می بینند و از برکات آن به بهترین شکل ، بهره های سرشار می برند. نعمتی که اینان از آن برخوردارند ، تنها شناخت شب قدر نیست؛ بلکه در تعیین اوّل ماه نیز چنین اند و نیازی به استهلال و گواهیِ شاهدان و بهره گیری از ابزار علمی و نجومی ندارند. عارف بزرگوار و فقیه وارسته ، سیّد ابن طاووس رحمه الله ، این حالت را چنین توصیف می کند: بدان که وقتی خداوند بخواهد مراد خود را به بندگانش بفهماند ، راه ، آن منحصر به ادراک عقلی یا نگاه شرعی نیست؛ چرا که خداوند ، قدرت ذاتی دارد و می تواند هر چه را هر وقت اراده کند ، به بندگانش بشناساند. من ، کسی را به یقین می شناسم که اوّل ماه ها را می داند ، بی آن که به هلال بنگرد ، یاشاهدانْ پیش او گواهی دهند ، یا به روایاتی که گذشت عمل کند ، یا به سخن منجّم یا به استخاره یا به گفته اهل عدد و یا به خواب تکیه کند؛ بلکه او بر اساس فضل پروردگار جهان که به او فروغ خرد بخشیده است ، بی آن که خواسته باشد؛ و علم به بدیهیّات را به او عطا کرده ، بی آن که آن را طلبیده باشد می داند؛ لیکن تنها خودِ او مکلّف به آن یقینی است که به نحو معیّن به آن رسیده است. (1)

.

1- .الإقبال : 1 / 61 .

ششم . بهترین اعمال در شب قدر

الف کدام علم و کدام عبادت؟

به نظر می رسد که در متن یاد شده ، اشاره سیّد ابن طاووس به خودش باشد و برای پرهیز از خودستایی ، به آن تصریح نکرده است.

ششم . بهترین اعمال در شب قدرمحدّث بزرگوار ، ابن بابویه رحمه الله در مجلس 93 از کتاب الأمالی ، پس از بیان نوافل شب های ماه رمضان و صد رکعت نماز برای هر یک از شب های بیست و یکم و بیست و سوم ، می گوید: ومن أحیا هاتین اللیلتین بمذاکره العلم فهو أفضل ؛ (1) هر کس این دو شب را با گفتگوی علمی احیا بدارد ، بهتر است. به نظر می رسد که این مطلب ، برگرفته از سخن پیامبر خدا به ابوذر است که در آن ، برتری علم را بر عبادت به تفصیل ، بیان ، و در پایان آن فرموده است:

540.عنه صلی الله علیه و آله :یا أبا ذَرٍّ الجُلوسُ ساعَةً عِندَ مُذاکرَهِ العِلمِ خَیرٌ لَک مِن عِبادَهِ سَنَهٍ صِیامِ نَهارِها وَقِیامِ لَیلِها ؛ (2)539.عنه صلی الله علیه و آله :ای ابو ذر! یک ساعت نشستن برای گفتگوی علمی برای تو ، از عبادت یک سال که روزش را روزه بداری و شبش را به نماز بِایستی ، بهتر است.افزون بر این حدیث ، منابع حدیثی ، روایات بی شماری از اهل بیت علیهم السلام را نقل کرده اند که می رساند آموختن دانش ، به مراتب ، برتر از عبادت است؛ (3) لیکن برای روشن تر شدن این موضوع ، توجّه به چند مطلب ضروری است:

الف کدام علم و کدام عبادت؟از دیدگاه فقهی ، «آموختن علم» ، احکام پنجگانه را دارد و بررسی متن احادیث

.

1- .الأمالی ، صدوق : 747 .
2- .جامع الأخبار : 109 / 195 ، بحار الأنوار : 1 / 203 / 21 .
3- .ر . ک : العلم و الحکمه فی الکتاب و السنّه : 1 / 309 (برتری دانشجویی بر عبادت).

ب نقش عبادت در پیدایش نور علم
ج سیره اهل بیت علیهم السلام

فراوانی که علم را برتر از عبادت می دانند ، به روشنی می رساند که مقصود ، برتری آموختن واجب یا مستحب بر عبادات مستحب است.

ب نقش عبادت در پیدایش نور علماز نگاه متون اسلامی ، عبادات ، نقشی بنیادی در پیدایش و تداوم فروغ علم دارند. از این رو ، هدف احادیثی که علم را برتر از عبادت می دانند ، تضعیف یا انکار نقش سازنده عبادت در کنار علم نیست؛ بلکه تأکید بر همراه ساختن عبادت با علم و برحذر داشتن از عبادتِ ناآگاهانه است که نه تنها بی ارزش ، بلکه خطرآفرین است.

ج سیره اهل بیت علیهم السلامبررسی و تأمّل در سیره عملی اهل بیت علیهم السلام درباره شب قدر و عنایت ویژه آنان به عبادت و ذکر در شب های: نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم ، و توجّه به رهنمودها و سفارش هایی که به بهره گیری بیشتر از این شب ها داشته اند ، همگی به روشنی نشان می دهند که این شب ها ، جز در موارد استثنایی ، باید صرف عبادت و ذکر و نیایش و اُنس با خدای سبحان شوند. البتّه این ، بدان معنا نیست که نتوان بخشی از شب قدر را به تألیف (1) یا بیان معارف و علومی پرداخت که سطح آگاهی و معرفت مردم را بالا می برد؛ بلکه مقصود ، هشدار دادن به این نکته است که به بهانه و به استناد روایاتی که علم را بر عبادات ترجیح می دهند ، نباید در شب قدر ، از برکات اُنس با خداوند و بهره بردن از تضرّع در پیشگاه او ، غافل شد .

.

1- .شماری از بزرگان علما ، تألیف های معروف خود را در شب قدر به پایان برده اند ، همچون شیخ محمّد حسن ، صاحب جواهر ، که این کتاب عظیم را در شب بیست و سوم ماه رمضان تمام کرده است. نیز ملاّ هادی سبزواری ، در بیست و سوم رمضان سال 1261 ق ، تألیف کتاب منظومه را به پایان رسانده است. همین نکته را درباره مفسّر برجسته قرآن ، علاّمه طباطبایی نیز می بینیم که تفسیر ارزشمند خویش المیزان را در بیست و سوم رمضان سال 1392 ق ، تمام کرده است. خودِ این خدمت گزار کوچکِ احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز کار تدوین کتاب میزان

الحکمه را در بیست و سوم ماه رمضان سال 1405 ق ، به فضل الهی به پایان رساندم.

الفصل الثالث : آداب ليله القدر المشتركه3 / 1الغُسل538.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :الغُسلُ فى سَبعَةَ عَشَرَ مَوطِنا : لَيلَهِ سَبعَ عَشرَةَ مِن شَهرِ رَمَضانَ وهِىَ لَيلَهُ التِقاءِ الجَمعَينِ لَيلَهُ بَدرٍ ، ولَيلَهِ تِسعَ عَشرَةَ وفيها يُكتَبُ الوَفدُ وَفدُ السَّنَهِ ، ولَيلَهُ إحدى وعِشرينَ وهِىَ اللَّيلَهُ الَّتى ماتَ فيها أوصِياءُ النَّبِيِّينَ عليهم السلاموفيها رُفِعَ عيسَى بنُ مَريَمَ وقُبِضَ مُوسى عليهماالسلام ، ولَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ يُرجى فيها لَيلَهُ القَدرِ . (1)537.المعجم الأوسط (به نقل از عبد اللّه بن مسعود) الكافى عن سليمان بن خالد :سَأَلتُ أبا عَبدِاللّهِ عليه السلام : كَم أغتَسِلُ فى شَهرِ رَمَضانَ لَيلَةً؟

قالَ : «لَيلَةَ تِسعَ عَشرَةَ ، ولَيلَةَ إحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ» . (2)536.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :اِغتَسِل لَيلَةَ تِسعَ عَشرَةَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وإحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ ، وَاجهَد أن تُحيِيَها (3) . (4) .

1- .الخصال : 508 / 1 عن محمّد بن مسلم ، بحار الأنوار : 97 / 15 / 28 .
2- .الكافى : 4 / 153 / 2 .
3- .فى بحار الأنوار : «تحييهما» .
4- .الهدايه : 196 ، بحار الأنوار : 97 / 8 / 11 .

فصل سوم : آداب مشترک شب قدر3 / 1غسل683.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:غسل در هفده جا [مستحب] است: شب هفدهم ماه رمضان ، که شبی است که دو گروه (مسلمانان و کفّار) در شب بَدر با هم برخورد کردند ؛ شب نوزدهم ، که در آن ، گروه حاجیان سال ، نوشته (معیّن) می شود ؛ شب بیست و یکم ، که جانشینان پیامبران علیهم السلام در آن شب از دنیا رفته اند و در آن شب ، عیسی بن مریم علیهماالسلام به آسمان رفت و موسی علیه السلام در گذشت ؛ و شب بیست و سوم ، که امید می رود شب قدر در آن باشد.682.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از سلیمان بن خالد :از امام صادق علیه السلام پرسیدم: در ماه رمضان ، چند [شب]غسل کنم؟

فرمود: «شب نوزدهم ، شب بیست و یکم و [شب]بیست و سوم».681.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:شب نوزدهم ماه رمضان و بیست و یکم و بیست و سوم ، غسل کن و بکوش که این شب ها را زنده بداری.

.

680.عنه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :غُسلُ لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ ، وغُسلُ لَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ سُنَّهٌ لا تَترُكها ؛ فَإِنَّهُ يُرجى فى إحداهُنَّ لَيلَهُ القَدرِ . (1)679.عنه صلى الله عليه و آله :فضائل الأشهر الثلاثه عن إسماعيل بن مهران عن الإمام الصادق عليه السلام :«مَن اغتَسَلَ لَيالِىَ الغُسلِ مِن شَهرِ رَمَضانَ خَرَجَ مِن ذُنوبِهِ كَهَيئَهِ يَومَ وَلَدَتهُ اُمُّهُ» .

فَقُلتُ : يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، ما لَيالِى الغُسلِ؟

قالَ : «لَيلَهُ سَبعَ عَشرَهَ ، ولَيلَهُ تِسعَ عَشرَهَ ، ولَيلَهُ إحدى وعِشرينَ ، ولَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ» . (2)678.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :تهذيب الأحكام عن بكير بن أعين :سَألتُ أبا عَبدِاللّهِ عليه السلام : فى أىِّ اللَّيالى أغتَسِلُ فى شَهرِ رَمَضانَ؟

قالَ : «فى تِسعَ عَشرَهَ ، وفى إحدى وعِشرينَ ، وفى ثَلاثٍ وعِشرينَ ، وَالغُسلُ أوَّلَ اللَّيلِ» .

قُلتُ : فَإِن نامَ بَعدَ الغُسلِ؟

قال : «هُوَ مِثلُ غُسلِ يَومِ الجُمُعَهِ ، إذَا اغتَسَلتَ بَعدَ الفَجرِ أجزَأَکَ» . (3)677.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهماالسلام :الغُسلُ فى لَيالٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ فى تِسعَ عَشرَهَ ، وإحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ ، واُصيبَ أميرُالمُؤمِنينَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ فى لَيلَهِ تِسعَ عَشرَهَ ، وقُبِضَ فى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ . قالَ : وَالغُسلُ فى أوَّلِ لَيلَهٍ وهُوَ يُجزِئُ إلى آخِرِهِ . (4) .

1- .الكافى : 3 / 40 / 2 ، تهذيب الأحكام : 1 / 104 / 270 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 79 / 176 كلّها عن سماعه بن مهران .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : 137 / 147 .
3- .تهذيب الأحكام : 1 / 373 / 1142 ، قرب الإسناد : 167 / 613 و ح 614 عن عبد اللّه بن بكير نحوه ، بحار الأنوار : 97 / 12 / 17 .
4- .الكافى : 4 / 154 / 4 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 155 / 2015 كلاهما عن محمّد بن مسلم .

676.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق:غسلِ شب بیست و یکم و شب بیست و سوم ، مستحب است و آنها را ترک نکن؛ چرا که امید است شب قدر ، در یکی از آنها باشد.675.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فضائل الأشهر الثلاثه به نقل از اسماعیل بن مهران :امام صادق علیه السلامفرمود: «هر کس شب های غسل ماه رمضان را غسل کند ، همچون روز تولّد از مادر ، از گناهانش بیرون می آید».

گفتم: ای پسر پیامبر! شب های غسل ، کدام اند؟

فرمود: «شب هفدهم ، شب نوزدهم ، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم از ماه رمضان».674.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تهذیب الأحکام به نقل از بکیر بن اعین :از امام صادق علیه السلامپرسیدم: در کدام یک از شب های ماه رمضان ، غسل کنم؟

فرمود: «در نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم. و غسل در اوّل شب باشد».

گفتم: اگر [کسی] پس از غسل بخوابد؟

فرمود: «آن ، همانند غسل روز جمعه است. اگر پس از سپیده دم غسل کنی ، برایت کافی است».677.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام :غسل ، در شب هایی از ماه رمضان [، مستحب]است: نوزدهم ، بیست و یکم و بیست و سوم. امیر مؤمنان علیه السلام ، شب نوزدهم ، ضربت خورد و شب بیست و یکم ، شهید شد . درود خدا بر او باد!

غسل در اوّلِ شب است و تا آخرِ شب ، کفایت می کند. .

3 / 2الإحياء676.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أحيا لَيلَةَ القَدرِ حُوِّلَ عَنهُ العَذابُ إلَى السَّنَهِ القابِلَهِ . (1)675.عنه صلى الله عليه و آله :مستدرک الوسائل عن رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أحيا لَيلَةَ القَدرِ فَهُوَ أكرَمُ عَلَى اللّهِ مِمَّن أحيا شَهرَ رَمَضانَ ولَم يُحيِ تِلکَ اللَّيلَةَ ، وَالَّذى بَعَثَنى بِالحَقِّ ، إنَّ أهلَهُ ووُلدَهُ يَشفَعونَ فى سَبعِمِئَهِ ألفٍ ، لِكُلِّ واحِدٍ فى سَبعِمِئَهِ ألفٍ ، إلى آخِرِ ثَلاثِ مَرّاتٍ .

وقالَ صلى الله عليه و آله : إنَّ لَيلَةَ القَدرِ تَكرِمَهُ الأَحياءِ ، وغَنيمَهُ الأَمواتِ . (2)674.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :فضائل الأشهر الثلاثه عن أبى هريره :قالَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله : «مَن قامَ لَيلَةَ القَدرِ إيمانا وَاحتِسابا غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ» .

وكانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُحييهِ ولايَختِمُهُ (3) . (4)673.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام: إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله نَهى أن يُغفَلَ عَن لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ ، وعَن لَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ ، ونَهى أن يَنامَ أحَدٌ تِلکَ اللَّيلَةَ . (5) .

1- .الإقبال : 1 / 345 ، بحار الأنوار : 98 / 145 / 3 .
2- .مستدرک الوسائل : 7 / 458 / 8652 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
3- .فى روضه الواعظين : «يحثّ عليه ولا يحتّمه» .
4- .فضائل الأشهر الثلاثه : 136 / 144 ، روضه الواعظين : 382 .
5- .دعائم الإسلام : 1 / 281 ، بحار الأنوار : 97 / 9 / 12 .

3 / 2شب زنده داری672.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس شب قدر را زنده بدارد ، تا سال آینده عذاب از او برگردانده می شود.671.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (به ابو ذر) مستدرک الوسائل به نقل از پیامبر خدا :«کسی که شب قدر را زنده بدارد ، او نزد خداوند ، گرامی تر از کسی است که همه ماه رمضان را شب زنده داری کرده ، ولی آن شب را زنده نداشته است.

سوگند به آن که مرا به حق برانگیخت ، خانواده و فرزندانش ، درباره هفتصد هزار نفر شفاعت می کنند ، که هر کدام از آنان نیز درباره هفتصد هزار نفر ، تا سه بار ، حق شفاعت دارند».

و فرمود: «شب قدر ، گرامیداشت زندگان و غنیمت [برای] مردگان است».670.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فضائل الأشهر الثلاثه به نقل از ابو هریره :پیامبر خدا فرمود: «هر کس شب قدر را از روی ایمان و برای پاداش الهی به عبادت بایستد ، گناهان گذشته اش آمرزیده می شود».

پیامبر خدا ، آن را زنده می داشت و الزام نمی کرد آن را [که دیگران هم بیدار بمانند].669.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام : پیامبر خدا نهی کرد که از شب بیست و یکم و شب بیست و سوم ، غفلت شود و نهی کرد که کسی در آن شب بخوابد.

.

668.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الباقر علیه السلام :مَن أحیا لَیلَةَ القَدرِ غُفِرَت لَهُ ذُنوبُهُ ولَو کانَت عَدَدَ نُجومِ السَّماءِ ، ومَثاقیلَ الجِبالِ ، ومَکاییلَ البِحارِ . (1)673.عنه صلی الله علیه و آله :عنه علیه السلام :مَن وافَقَ لَیلَةَ القَدرِ فَقامَها ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ وما تَأَخَّرَ . (2)672.عنه صلی الله علیه و آله :الأمالی عن یحیی بن العلاء :کانَ أبو عَبدِاللّهِ علیه السلام مَریضا دَنِفا فَأَمَرَ ، فَأُخرِجَ إلی مَسجِدِ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، فَکانَ فیهِ حَتّی أصبَحَ لَیلَةَ ثَلاثٍ وعِشرینَ مِن شَهرِ رَمَضانَ . (3)671.عنه صلی الله علیه و آله (لِأَبی ذَرٍّ) الإمام الکاظم علیه السلام :مَن اغتَسَلَ لَیلَةَ القَدرِ وأحیاها إلی طُلوعِ الفَجرِ خَرَجَ مِن ذُنوبِهِ . (4)670.عنه صلی الله علیه و آله :فضائل الأشهر الثلاثه عن صالح بن أبی حمّاد :کَتَبتُ إلی أبی مُحَمَّدٍ الحَسَنِ بنِ عَلِیِّ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عَلِیِّ بنِ مُوسَی بنِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ بنِ عَلِیِّ بنِ أبی طالِبٍ عَلَیهِمُ الصَّلاهُ وَالسَّلامُ أسأَلُهُ عَنِ الغُسلِ فی لَیالی شَهرِ رَمَضانَ .

فَکَتَبَ علیه السلام : «إنِ استَطَعتَ أن تَغتَسِلَ لَیلَةَ سَبعَ عَشرَةَ ، ولَیلَةَ تِسعَ عَشرَةَ ، ولَیلَةَ إحدی وعِشرینَ ، ولَیلَةَ ثَلاثٍ وعِشرینَ فَافعَل ، فَإِنَّ فیها تُرجی لَیلَةُ القَدرِ ، فَإِن لَم تَقدِر عَلی إحیائِها فَلا یَفوتَنَّکَ إحیاءُ لَیلَةِ ثَلاثٍ وعِشرینَ ، تُصَلّی فیها مِئَةَ رَکعَهٍ ، تَقرَأُ فی کُلِّ رَکعَهٍ : «الحَمدَ» مَرَّهً ، و « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » عَشرَ مَرّاتٍ» . (5) .

1- .فضائل الأشهر الثلاثه : 118 / 114 ، الإقبال : 1 / 385 کلاهما عن الحسن بن عبّاس عن الإمام الجواد عن آبائه علیهم السلاموص 346 ، بحار الأنوار : 98 / 146 / 3 و ص 168 / 5 .
2- .دعائم الإسلام : 1 / 281 ، بحار الأنوار : 97 / 9 / 12 .
3- .الأمالی للطوسی : 676 / 1428 ، بحار الأنوار : 97 / 4 / 4 .
4- .فضائل الأشهر الثلاثه : 137 / 146 عن ابن أبی عمیر ، الدعوات : 288 / 25 ، روضه الواعظین : 382 ، بحار الأنوار : 83 / 128 / 84 .
5- .فضائل الأشهر الثلاثه : 103 / 91 .

669.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:هر کس شب قدر را زنده بدارد ، گناهانش بخشوده می شود ، هر چند به شمار ستارگان آسمان و سنگینی کوه ها و حجم دریاها باشد.668.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:هر کس شب قدر را دریابد و آن را به عبادت زنده بدارد ، خداوند ، گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.667.المواعظ العددیّه :الأمالی به نقل از یحیی بن علاء :امام صادق علیه السلام سخت بیمار بود. دستور داد او را به مسجد پیامبر خدا بردند. آن جا بود ، تا صبح شب بیست و سوم ماه رمضان.666.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام کاظم علیه السلام:هر کس در شب قدر غسل کند و آن شب را تا سپیده دم زنده بدارد ، از گناهانش بیرون می آید.665.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فضائل الأشهر الثلاثه به نقل از صالح بن ابی حمّاد :به امام حسن عسکری علیه السلامنامه نوشتم و از وی درباره غسل در شب های ماه رمضان پرسیدم. چنین پاسخ نوشت:

«اگر بتوانی شب هفدهم ، شب نوزدهم ، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم غسل کنی ، چنان کن؛ چرا که امید است شب قدر ، در این شب ها باشد. پس اگر توانایی شب زنده داری در آنها را نداری ، زنده داشتن شب بیست و سوم را از دست مده. در آن شب ، صد رکعت نماز ، در هر رکعت: یک بار حمد } و ده بار سوره قل هو اللّه أحد } می خوانی». .

وانظر : ص 840 (آداب ليله القدر المشتركه / الصلاه / الصلاه مئه ركعه) . ص 854 (ما يختصّ بالليله الثالثه والعشرين / تأكيد الإحياء) .

3 / 3الدُّعاءأ التَّأكيدُ عَلَى الدُّعاءِ فى لَيلَهِ القَدرِ664.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الكافى عن الفضيل بن يسار :كانَ أبوجَعفَرٍ عليه السلام إذا كانَت لَيلَهُ إحدى وعِشرينَ ، ولَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ أخَذَ فِى الدُّعاءِ حَتّى يَزولَ اللَّيلُ ، فَإذا زالَ اللَّيلُ صَلّى . (1)663.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإقبال عَن حمّاد بن عثمان :دَخَلتُ عَلى أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام لَيلَهَ إحدى وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، فَقالَ لى : «يا حَمّادُ ، اغتَسَلتَ؟»

قُلتُ : نَعَم ، جُعِلتُ فِداكَ ! فَدَعا بِحَصيرٍ ، ثُمَّ قالَ : «إلى لِزقى فَصَلِّ» .

فَلَم يَزَل يُصَلِّى وأنَا اُصَلِّى إلى لِزقِهِ حَتّى فَرَغنا مِن جَميعِ صَلاتِنا ،

ثُمَّ أخَذَ يَدعو وأنَا اُؤَمِّنُ عَلى دُعائِهِ إلى أن اعتَرَضَ الفَجرُ ، فَأَذَّنَ وأقامَ ودَعا بَعضَ غِلمانِهِ ، فَقُمنا خَلفَهُ فَتَقَدَّمَ وصَلّى بِنا الغَداهَ . (2)667.المواعظ العدديّه :تهذيب الأحكام عن سماعه :قالَ (3) لى : «صَلِّ فى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ ، ولَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ فى كُلِّ واحِدَهٍ مَنهُما إن قَوِيتَ عَلى ذلِكَ مِئَهَ رَكعَهٍ سِوَى الثَّلاثَ عَشرَهَ ، وَاسهَر فيهِما حَتّى تُصبِحَ ؛ فَإنَّهُ يُستَحَبُّ أن تَكونَ فى صَلاهٍ ودُعاءٍ وتَضَرُّعٍ ؛ فَإنَّهُ يُرجى أن تَكونَ لَيلَهُ القَدرِ فى إحداهُما» . (4) .

1- .الكافى : 4 / 155 / 5 ، الخصال : 519 / 5 ، بحار الأنوار : 97 / 16 / 29 .
2- .الإقبال : 1 / 366 ، بحار الأنوار : 98 / 157 / 4 .
3- .كذا فى المصدر مضمرا .
4- .تهذيب الأحكام : 3 / 58 / 199 ، الأمالى للطوسى : 689 / 1465 ، بحار الأنوار : 97 / 3 / 4 .

3 / 3 دعا

الف تأكيد بر دعا در شب قدر

ر . ک : ص 841 (آداب مشترک شب قدر / نماز / صد رکعت نماز) . ص 855 (آنچه مخصوص شب بیست و سوم است / تأکید بر شب زنده داری) .

3 / 3دعاالف تأكيد بر دعا در شب قدر666.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الكافى به نقل از فُضَيل بن يَسار :وقتى شب بيست و يكم و شب بيست و سوم مى شد ، امام باقر عليه السلامشروع به دعا كردن مى كرد تا شب سپرى شود. چون شب مى گذشت ، نماز مى خواند.665.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال به نقل از حمّاد بن عثمان :شب بيست و يكم ماه رمضان ، خدمت امام صادق عليه السلام وارد شدم. به من فرمود: «اى حمّاد !غسل كرده اى؟».

گفتم: آرى ، فدايت شوم.

پس ، حصيرى طلبيد. سپس فرمود: «كنار من بيا و نماز بخوان».

امام عليه السلام همواره نماز مى خواند و من نيز كنار او نماز مى خواندم ، تا آن كه از همه نمازهايمان فارغ شديم. سپس شروع كرد به دعا كردن. من نيز دعاى او را آمين مى گفتم ، تا آن كه سپيده دميد. اذان و اقامه گفت و بعضى از فرزندان نوجوان خود را صدا زد. ما پشت سرش ايستاديم و او جلو رفت و براى ما نماز صبح را به جماعت خواند.664.عنه صلى الله عليه و آله :تهذيب الأحكام به نقل از سماعه :به من فرمود (1) : «در هر يک از شب هاى بيست و يكم و بيست و سوم ماه رمضان ، اگر توانستى ، صد ركعت نماز بخوان ، بجز سيزده ركعت. و در اين دو شب ، بيدار بمان تا صبح شود ، چون مستحب است در حال نماز و دعا و تضرّع باشى؛ چرا كه اميد است شب قدر ، در يكى از اين دو باشد».

.

1- .در منبع ، نام معصوم نیامده است.

وانظر : ص 348 (ما يؤكّد استحبابه من الأعمال / كثره الدعاء والذكر) .

ب أدعِيَهُ لَيلَهِ القَدر663.عنه صلى الله عليه و آله :المعجم الأوسط :عَن عَبدِ اللّهِ بنِ يَزيدَ عَن عائِشَهَ أنَّها قالَت : يا رَسولَ اللّهِ ، إن وافَقتُ لَيلَهَ القَدرِ ما أسأَلُ اللّهَ؟

قالَ [صلى الله عليه و آله] : «سَليهِ العافِيَهَ» . (1)662.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در آنچه به على عليه السلام سفارش كرده است) سنن الترمذى عن عائشه :قُلتُ : يا رَسولَ اللّهِ ، أرَأيتَ إن عَلِمتُ أىَّ لَيلَهٍ لَيلَهَ القَدرِ ما أقولُ فيها؟

قالَ : «قولى : اللّهُمَّ إنَّكَ عَفُوٌّ كَريمٌ تُحِبُّ العَفوَ ، فَاعفُ عَنّى» . (2)661.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در سفارشش به على عليه السلام) الإقبال :دُعاءُ الحَسَنِ بنِ عَلِىٍّ عليهماالسلام فى لَيلَهِ القَدرِ :

يا باطِنا فى ظُهورِهِ ويا ظاهِرا فى بُطونِهِ ، يا باطِنا لَيسَ يَخفى يا ظاهرا لَيسَ يُرى ، يا مَوصوفا لا يَبلُغُ بَكَينونِيَّتِهِ (3) مَوصوفٌ ولا حَدٌّ مَحدودٌ ، يا غائِبا غَيرَ مَفقودٍ ويا شاهِدا غَيرَ مَشهودٍ يُطلَبُ فَيُصابُ ، ولَم يَخلُ مِنهُ السَّمَاواتُ وَالأرضُ وما بَينَهُما طَرفَهَ عَينٍ ، لا يُدرَكُ بِكَيفٍ ، ولا يُؤَيَّنُ بِأينٍ ، ولا بِحَيثٍ .

أنتَ نورُ النّورِ ورَبُّ الأَربابِ ، أحَطتَ بِجَميعِ الاُمورِ ، سُبحانَ مَن لَيسَ كَمِثلِهِ شَىءٌ وهُوَ السَّميعُ البَصيرُ ، سُبحانَ مَن هُوَ هكَذا ولا هكَذا غَيرُهُ .

ثُمَّ تَدعوهُ بِما تُريدُ . (4) .

1- .المعجم الأوسط : 3 / 66 / 2500 ، المصنّف لابن أبى شيبه : 7 / 26 / 6 من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله ؛ مستدرک الوسائل : 7 / 458 / 8654 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب وكلاهما نحوه .
2- .سنن الترمذى : 5 / 534 / 3513 ، سنن ابن ماجه : 2 / 1265 / 3850 ، عمل اليوم والليله للنسائى : 499 / 872 ، مسند ابن حنبل : 9 / 526 / 25439 ، المستدرک على الصحيحين : 1 / 712 / 1942 ، الدعاء للطبرانى : 285 / 916 ، شُعب الإيمان : 3 / 338 / 3700 ، كنز العمّال : 2 / 90 / 3279 .

3- .فى المصدر : «بكينونته» ، والتصحيح من البحار .
4- .الإقبال : 1 / 382 ، بحار الأنوار : 98 / 165 / 5 وفيه «دعاء علىّ بن الحسين عليهماالسلام» .

ب دعاهای شب قدر

اشاره

ر . ک : ص 349 (کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است / زیاد دعا خواندن و ذکر گفتن).

ب دعاهای شب قدر660.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المعجم الأوسط به نقل از عبد اللّه بن یزید :عایشه گفت: ای پیامبر خدا! اگر شب قدر را درک کردم ، از خدا چه بخواهم؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «از او عافیت بخواه».659.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سنن الترمذی به نقل از عایشه :گفتم: ای پیامبر خدا! به نظر شما اگر دانستم که شب قدر ، کدام شب است ، در آن شب چه بگویم؟

فرمود: «بگو: خداوندا! تو بخشاینده و بزرگواری و گذشت را دوست می داری. پس ، از من در گذر ».658.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال در بیان دعای امام حسن مجتبی علیه السلام در شب قدر :«ای آن که در آشکاری اش پنهان است! ای آن که در نهان بودنش آشکار است! ای پنهانی که نهان نیست! ای آشکاری که دیده نمی شود! ای آن که هیچ توصیفگری به حقیقتِ هستی اش نمی رسد و به حدّی محدود نیست! ای غایبی که گم شده نیست! ای حاضری که دیده نمی شود : طلبش می کنند و به او می رسند ؛ آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست ، حتّی چشم بر هم زدنی ، تهی از او نیست ؛ نه به چگونگی ، درک می شود و نه به کجایی ، جایی برای او بیان می گردد!

تو فروغ فروغ ها و پروردگار پروردگارانی. تو بر همه چیز ، احاطه داری. منزّه است آن که چیزی همچون او نیست ، و او شنوای بیناست. منزّه است آن که این گونه است و جز او چنین نیست».

سپس هر چه خواستی دعا می کنی و از او می خواهی.

657.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المصباح :اُدعُ فی هذِهِ اللَّیلَهِ [یَعنی لَیلَهَ ثَلاثٍ وعِشرینَ] وفی لَیلَتَی تِسعَ عَشرَهَ ، وإحدی وعِشرینَ بِما کانَ یَدعو بِهِ زَینُ العِابِدینَ علیه السلام فی لَیالِی الإفرادِ قائِما [و] راکِعا وساجِدا :

اللّهُمَّ إنّی أمسَیتُ لَکَ عَبدا داخِرا لا أملِکُ لِنَفسی نَفعا ولا ضَرّا ولا أصرِفُ عَنها سُوءا ، أشهَدُ بِذلِکَ عَلی نَفسی وأعتَرِفُ لَکَ بِضَعفِ قُوَّتی وقِلَّهِ حیلَتی ، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ وأنجِز لی ما وَعَدتَنی ، وجَمیعَ المُؤمِنینَ وَالمُؤمِناتِ مِنَ المَغفِرَهِ فی هذِهِ اللَّیلَهِ ، وأتمِم عَلَیَّ ما آتَیتَنی ، فَإِنّی عَبدُکَ المِسکینُ المُستَکینُ الضَّعیفُ الفَقیرُ المَهینُ .

اللّهُمَّ لا تَجعَلنی ناسِیا لِذِکرِکَ فیما أولَیتَنی ، ولا غافِلاً لإِحسانِکَ فیما أعطَیتَنی ، ولا آیِسا مِن إجابَتِکَ وإن أبطَأَتَ عَنّی ، فی سَرّاءَ کُنتُ أو ضَرّاءَ ، أو شِدَّهٍ أو رَخاءٍ ، أو عافِیَهٍ أو بَلاءٍ ، أو بُؤسٍ أو نَعماءَ ، إنَّکَ سَمیعُ الدُّعاءِ .

656(1).پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :تَقولُ :

اللّهُمَّ اجعَل فیما تَقضی ، وفیما تُقَدِّرُ مِنَ الأمرِ المَحتومِ ، وفیما تَفرُقُ مِنَ الأمرِ الحَکیمِ فی لَیلَهِ القَدرِ ، مِنَ القَضاءِ الَّذی لا یُرَدُّ ولَا یُبَدَّلُ ، أن تَکتُبَنی مِن حُجّاجِ بَیتِکَ الحَرامِ فی عامی هذا ، المَبرورِ حَجُّهُمُ ، المَشکورِ سَعیُهُمُ ، المَغفورِ ذُنوبُهُمُ ، المُکَفَّرِ عَنهُم سَیِّئاتُهُم ، واجعَل فِیما تَقضِی ، وفِیما تُقَدِّرُ أن تُطِیلَ عُمُری ، وتُوَسِّعَ لی فی رِزقِی . 2 .

1- .المصباح للکفعمی : 779 ، البلد الأمین : 203 ، الإقبال : 1 / 348 من دون إسنادٍ إلی المعصوم وذکره فی اللیله التاسعه عشره خاصّه ، بحار الأنوار : 98 / 121 / 2 و ص 147 / 3 .

662.عنه صلی الله علیه و آله (أیضاً) المصباح:در این شب (شب بیست و سوم) و در شب نوزدهم و شب بیست و یکم ، دعایی را بخوان که امام سجّاد علیه السلام در شب های طاق ، ایستاده و در رکوع و سجود می خوانْد:

«خداوندا! بنده کوچکِ خوار توام. برای خود ، مالک [هیچ] سود و زیانی نیستم و بدی را از خود نمی توانم دفع کنم. این را بر ضدّ خودم گواهی می دهم و در پیشگاه تو به ضعف توانم و ناچاری ام اعتراف می کنم. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و به آن آمرزشی که در این شب به من و همه مردان و زنان مؤمن ، وعده داده ای ، وفا کن و آنچه را به من داده ای ، کامل ساز ، که من بنده بینوا و شکسته بال و ناتوان و نیازمند و خوار تو هستم!

خداوندا! در آنچه به من سپرده ای مرا به فراموشیِ یادت دچار مکن؛ و در آنچه عطایم کرده ای ، از احسانت غافلم مساز؛ و از اجابت خویش ، هر چند دیر ، مأیوسم مگردان ، در خوشی و رفاه باشم یا در رنج ، در سختی باشم یا آسایش ، در تن درستی باشم یا بلا ، و یا در گرفتاری باشم یا در برخورداری از نعمت! همانا تو شنوای دعایی».661.عنه صلی الله علیه و آله (مِن وَصِیَّتِهِ لعلیٍّ علیه السلام) امام صادق علیه السلام:[در شب قدر چنین] می گویی:

«خداوندا! در آنچه حکم می رانی و مقدّر می کنی از آن امر حتمی ، و در آن کار حکمت آمیزی که در شب قدر فیصله می دهی ، از آن قضایی که برنمی گردد و عوض نمی شود ، این را مقرّر فرما که مرا امسال از حاجیان خانه خودت قرار دهی؛ از آنان که حجّشان پذیرفته ، تلاششان پاداش یافته ، گناهانشان آمرزیده و خطاهایشان بخشوده است؛ و در آنچه مقدّر و حتمی می کنی ، این را قرار بده که عمرم را بلند و روزی ام را گسترده گردانی!» . .

وانظر : ص 532 (دعاء الليله التاسعه عشر) . ص 534 (دعاء الليله الحاديه والعشرين) . ص 538 (دعاء الليله الثالثه والعشرين) . ص 590 (الأعمال المختصّه بالعشر الأواخر / الدعاء) . ص 662 (أدعيه نوافل شهر رمضان) .

.

نکته ای لطیف

ر . ک : ص 533 (دعای شب نوزدهم) ص 535 (دعای شب بیست و یکم) ص 539 (دعای شب بیست و سوم) ص 591 (اعمال مخصوص دهه آخر / دعا) ص 663 (دعاهای نوافل ماه رمضان).

نکته ای لطیفمرحوم سیّد ابن طاووس رحمه الله گوید: شبی ارجمند از ماه رمضان ، پس از گذشت مدّتی از تألیف این کتاب (الإقبال) ، در سحرگاه ، مشغول دعا بودم ، برای کسی که لازم و نیکوست که پیش از همه ، دعا برای او انجام گیرد ، و برای خودم ، و برای هر که لیاقت این توفیق را داشت که دعایش کنم. به خاطرم گذشت که ابتدا سزاوار است به آنان دعا کنم که مُنکر خدایند و نعمت های او را ناسپاسی می کنند و حرمت او را سبک می شمارند و حکم او را درباره بندگان و مخلوقاتش عوض می کنند؛ دعا کنم که خداوند از این گم راهی ، هدایتشان کند؛ چرا که جنایت آنان بر ساحت ربوبی خدا و حکمت الهی و جلالت نبوی ، سخت تر از جنایت عارفان به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است. بزرگداشت و تکریم جلالت خداوند و بزرگداشت پیامبر خدا و حقّ هدایت پیامبر صلی الله علیه و آلهبا سخنان و رفتار خویش ، ایجاب می کند که ابتدا برای هدایت کسی دعا شود که ضررش بزرگ تر و خطرش شدیدتر است ، که ایشان نتوانست با جهاد ، آن را بزداید و آنان را از

.

کفر و فساد ، باز دارد. می گویم: دعا کردم که هر گم راه از خدا ، به سوی خدا هدایت شود و هر گم راه از پیامبر صلی الله علیه و آله ، به سوی او باز گردد و هر گم راه از حق ، حق را بپذیرد و بر آن تکیه کند. سپس برای اهل توفیق و پیروان حق ، دعا کردم که توفیقشان بپاید و حقجویی شان افزون شود. نیز برای خودم و کسانی که کارشان به من مربوط است ، بر اساس امیدی که داشتم و به ترتیبی که به خدا و به خواسته پیامبرش صلی الله علیه و آله نزدیک تر باشد ، دعا کردم و مهم ترین حاجت ها را طبق امیدی که داشتم به اجابت نزدیک تر است ، مقدّم داشتم. آیا نمی بینی که قرآن مقدّس ، وساطت ابراهیم علیه السلام برای ناسپاسان را بیان کرده است؟ خداوند می فرماید: « یُجَدِلُنَا فِی قَوْمِ لُوطٍ * إِنَّ إِبْرَ هِیمَ لَحَلِیمٌ أَوَّ ٰهٌ مُّنِیبٌ ؛ درباره قوم لوط با ما مجادله می کند * همانا ابراهیم ، بردبار و نرم دل و بازگشت کننده [به سوی خدا]است» . (1) خداوند ، بردباری و شفاعت و مجادله وی را درباره قوم لوط ، که کفر (ناسپاسی) آنان به آن جا رسیده بود که کیفرشان زود فرا رسید ، ستوده است. آیا ندیده ای که در میان روایات مربوط به پیامبر صلی الله علیه و آله که پیشوای اهل جلالت است ، چنین آمده که هر گاه قوم کافر ، ایشان را آزار می داد و آزار را به نهایت می رساند ، پیامبر صلی الله علیه و آلهمی گفت: «خدایا! قوم مرا ببخشای. آنان نادان اند»؟ آیا حدیث عیسی علیه السلام را ندیده ای که: «همچون خورشید باش که بر نیک و بد ، یکسان می تابد»؟ و سخن پیامبرمان را ندیده ای که: «نیکی

.

1- .هود : آیه 75 .

را هم به اهلش و هم به نااهل انجام بده؛ اگر او اهل خیر نیست ، تو اهل خیر باش»؟ این آیه شریف ، مقام آنان را که به بدکاران نیکی می کنند ، برتر می داند: « لاَّ یَنْهَکُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِینَ لَمْ یُقَتِلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَ لَمْ یُخْرِجُوکُم مِّن دِیَرِکُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُواْ إِلَیْهِمْ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِینَ ؛ خداوندْ شما را نهی نمی کند از این که به آنان بر سر دین با شما نجنگیدند و شما را از سرزمین خودتان بیرون نکردند ، نیکی و عدل و داد کنید. همانا خداوند ، دادگران را دوست می دارد» (1) و همین بس که محمّد صلی الله علیه و آله ، به عنوان «رحمت برای جهانیان» برانگیخته شده است. (2)

.

1- .ممتحنه : آیه 8 .
2- .الإقبال : 1 / 384 .

ج الاِستِشفاعُ بِالقُرآنِ660.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :تَأخُذُ المُصحَفَ فى ثَلاثِ لَيالٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، فَتَنشُرُهُ وتَضَعُهُ بَينَ يَدَيکَ وتَقولُ :

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِکِتابِکَ المُنزَلِ وما فيهِ ، وفيهِ اسمُکَ الأَکبَرُ وأسماؤُکَ الحُسنى وما يُخافُ ويُرجى ، أن تَجعَلَنى من عُتَقائِکَ مِنَ النّارِ .

وتَدعو بِما بَدا لَکَ مِن حاجَةٍ . (1)د الاِستِشفاعُ بِالقُرآنِ وأهلِ البَيتِ659.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال عن الإمام الصادق عليه السلام :خُذِ المُصحَفَ فَدَعهُ عَلى رَأسِکَ وقُل :

اللّهُمَّ بِحَقِّ هذَا القُرآنِ ، وبِحَقِّ مَن أرسَلتَهُ بِهِ ، وبِحَقِّ کُلِّ مُؤمِنٍ مَدَحتَهُ فيهِ ، وبَحَقِّکَ عَلَيهِم فَلا أحَدَ أعرَفُ بِحَقِّکَ مِنکَ ، بِکَ يا اللّهُ عَشرَ مَرّاتٍ ثُمَّ تَقولُ : بِمُحَمَّدٍ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِعَلِيٍّ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِفاطِمَةَ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِالحَسَنِ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِالحُسَينِ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِعَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِمُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عَشَرَ مَرّاتٍ ، بِموسَى بنِ جَعفَرٍ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِعَلِيِّ بنِ موسى عَشرَ مَرّاتٍ ، بِمُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِعَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِالحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ عَشرَ مَرّاتٍ ، بِالحُجَّهِ عَشرَ مَرّاتٍ وتَسأَلُ حاجَتَکَ .

وذَکَرَ فى حَديثِهِ إجابَةَ الدّاعى وقَضاءَ حَوائِجِهِ . (2) .

1- .الإقبال : 1 / 346 عن حريز بن عبد اللّه السجستانى ، الكافى : 2 / 629 / 9 عن زراره وفيه «فى الثلث الثانى» بدل «فى ثلاث ليال» ، المقنعه : 190 من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، الدعوات : 206 / 560 عن زراره عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 98 / 146 و ج 97 / 4 / 5 .
2- .الإقبال : 1 / 346 ، بحار الأنوار : 98 / 146 وانظر الأمالى للطوسى : 292 / 567 و جمال الاُسبوع : 81 .

ج واسطه قرار دادن قرآن

د واسطه قرار دادن قرآن و اهل بیت علیهم السلام

ج واسطه قرار دادن قرآن658.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:در سه شب از ماه رمضان ، قرآن را [به دست] می گیری ، باز می کنی و جلوی روی خود قرار می دهی و می گویی:

«خداوندا! تو را به کتابِ نازل شده ات می خوانم و به آنچه در آن است و نام بزرگ تر و نام های نیکوتر تو و آنچه مایه بیم و امید است ، در آن است که مرا از آزادشدگان خودت از آتش قرار دهی» و برای هر نیازی که به نظرت می رسد ، دعا می کنی.د واسطه قرار دادن قرآن و اهل بیت علیهم السلام684.عنه صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از امام صادق علیه السلام :قرآن را بگیر و آن را بر سرت بگذار و بگو :

«خداوندا! به حقّ این قرآن و به حقّ آن که او را با قرآن مبعوث کردی و به حقّ هر مؤمنی که در قرآن او را ستوده ای و به حقّی که بر آنان داری و هیچ کس به حقّ تو ، آشناتر از خودت نیست ، تو را قسم می دهم ، به خودت ، ای خداوند! (ده بار) ».

سپس می گویی :

«به حقّ محمّد (ده بار) ، به حقّ علی (ده بار) ، به حقّ فاطمه (ده بار) ، به حقّ حسن (ده بار) ، به حقّ حسین (ده بار) ، به حقّ علی بن حسین (ده بار) ، به حقّ محمّد بن علی (ده بار) ، به حقّ جعفر بن محمّد (ده بار) ، به حقّ موسی بن جعفر (ده بار) ، به حقّ علی بن موسی (ده بار) ، به حقّ محمّد بن علی (ده بار) ، به حقّ علی بن محمّد (ده بار) ، به حقّ حسن بن علی (ده بار) ، به حقّ حجّت (ده بار) » و حاجت خویش را می طلبی .

[امام علیه السلام] در حدیث خود فرموده است که دعای دعاکننده ، مستجاب و حاجت هایش برآورده می شود.

.

685.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الكاظم عليه السلام :خُذِ المُصحَفَ فى يَدِكَ وَارفَعهُ فَوقَ رَأسِكَ وقُل :

اللّهُمَّ بِحَقِّ هذَا القُرآنِ ، وبِحَقِّ مَن أرسَلتَهُ إلى خَلقِكَ ، وبِكُلِّ آيَةٍ هِىَ فيهِ ، وبِحَقِّ كُلِّ مُؤمِنٍ مَدَحتَهُ فيهِ ، وبِحَقِّهِ عَلَيكَ ولا أحَدَ أعرَفُ بِحَقِّهِ مِنكَ .

يا سَيِّدى يا سَيِّدى يا سَيِّدى ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ عَشرَ مَرّاتٍ ، وبِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَشرَ مَرّاتٍ ، و بِحَقِّ كُلِّ إمامٍ وتَعُدُّهُم حَتّى تَنتَهِىَ إلى إمامِ زَمانِكَ عَشرَ مَرّاتٍ .

فَإِنَّكَ لا تَقومُ مِن مَوضِعِكَ حَتّى يُقضى لَكَ حاجَتُكَ ، وتَيَسَّرَ لَكَ أمرُكَ . (1)3 / 4زِيارَهُ الإمام الحُسَين678.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إذا كانَ لَيلَةُ القَدرِ وفيها يُفرَقُ كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ ، نادى مُنادٍ تِلكَ اللَّيلَةَ مِن بُطنانِ العَرشِ : إنَّ اللّهَ تَعالى قَد غَفَرَ لِمَن أتى قَبرَ الحُسَينِ عليه السلامفى هذِهِ اللَّيلَةِ . (2)679.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإقبال عن زيد بن أُسامه عن الإمام الصادق عليه السلام فى قَولِهِ تَعالى : «يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» : هِىَ لَيلَةُ القَدرِ ، يُقضى فيهِ أمرُ السَّنَهِ مِن حَجٍّ وعُمرَهٍ ، أو رِزقٍ أو أجَلٍ ، أو أمرٍ أو سَفَرٍ ، أو نِكاحٍ أو وَلَدٍ ، إلى سائِرِ ما يُلاقِى ابنَ آدَمَ مِمّا يُكتَبُ لَهُ أو عَلَيهِ فى بَقِيَّهِ ذلِكَ الحَولِ مِن تَلكَ اللَّيلَهِ إلى مِثلِها مِن عامٍ قابِلٍ .

وهِىَ فِى العَشرِ الأَواخِرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ ؛ فَمَن أدرَكَها أو قالَ : شَهِدَها عِندَ قَبرِ الحُسَينِ علَيه السلام يُصَلّى عِندَهُ ركعَتَينِ أو ما تَيَسَّرَ لَهُ ، وسَأَلَ اللّهَ تَعالَى الجَنَّهَ ، وَاستَعاذَ بِهِ مِنَ النّارِ ، آتاهُ اللّهُ تَعالى ما سَأَلَ ، وأعاذَهُ مِمَّا استَعاذَ مِنهُ .

وكَذلِكَ إن سَأَلَ اللّهَ تَعالى أن يُؤتِيَهُ مِن خَيرِ ما فَرَّقَ وقَضى فى تِلكَ اللَّيلَهِ ، وأن يَقِيَهُ مِن شَرِّ ما كَتَبَ فيها ، أو دَعَا اللّهَ وسَأَلَهُ تَبارَكَ وتَعالى فى أمرٍ لا إثمَ فيهِ رَجَوتُ أن يُؤتى سُؤلَهُ ، ويوقى مَحاذيرَهُ ، ويُشَفَّعَ فى عَشرَهٍ مِن أهلِ بَيتِهِ ، كُلِّهِم قَدِ استَوجَبُوا العَذابَ ، وَاللّهُ إلى سائِلِهِ وعَبدِهِ بِالخَيرِ أسرَعُ . (3) .

1- .الإقبال : 1 / 347 عن علىّ بن يقطين ، بحار الأنوار : 98 / 146 .

2- .تهذيب الأحكام : 6 / 49 / 111 ، المزار للمفيد : 54 / 1 ، كامل الزيارات : 341 / 576 ، الإقبال : 1 / 384 كلّها عن أبى الصباح الكنانى ، بحار الأنوار : 98 / 166 / 5 .
3- .الإقبال : 1 / 383 ، بحار الأنوار : 98 / 166 و ج 101 / 99 / 30 .

680.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام کاظم علیه السلام:قرآن را در دستت بگیر و آن را بالای سرت ببر و بگو:

«خداوندا! به حقّ این قرآن ، و به حقّ آن که او را با قرآن به سوی بندگانت فرستادی ، و به هر آیه ای که در قرآن است و به حقّ هر مؤمنی که او را در قرآن ستوده ای و به حقّ او بر تو که هیچ کس به حقّ او داناتر از تو نیست ، ای سرورم ، ای سرورم ، ای سرورم! خداوندا ، خداوندا ، خداوندا! (ده بار) و به حقّ محمّد (ده بار) و به حقّ هر امام (ده بار) » و امامان را می شماری تا به امام زمانت برسی.

به یقین ، از جای خود بر نمی خیزی ، مگر آن که حاجتت برآید و کارت برایت آسان شود.3 / 4زیارت امام حسین681.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:هر گاه شب قدر شود که در آن ، هر کار حکمت آمیزی فیصله می یابد ، آن شب ، منادی از دل عرش بانگ بر می آورد که: «خداوند ، هر کس را امشب به زیارت قبر حسین علیه السلام آمد ، آمرزید».538.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از زید بن اُسامه ، از امام صادق علیه السلام درباره آیه « هر کار حکمت آمیزی فیصله داده می شود» :آن ، شب قدر است. در آن شب ، کار سال (از: حج و عمره یا روزی یا اَجَل ، یا هر کاری و مسافرتی یا ازدواج و یا تولّدی ، تا چیزهای دیگری که آدمی زاد در بقیّه سال به آن برمی خورد از آن شب تا مثل آن شب از سال آینده) ، مقدّر می شود.

شب قدر ، در دهه آخر ماه رمضان است. پس هر کس آن را درک کند و کنار قبر امام حسین علیه السلام باشد و نزد قبر او دو رکعت یا هر چه توانست ، نماز بخواند و از خداوندْ بهشت بطلبد و از آتش به او پناه ببرد ، خداوندْ آنچه را خواسته ، به او می دهد و از هر چه پناه جسته ، پناهش می دهد.

همچنین اگر از خدا بخواهد که از چیزی [نعمتی] که در آن شب ، پراکنده و مقدّر کرده است ، به او بدهد و او را از شرّ آنچه در آن شب ، حتمی ساخته ، نگاه بدارد ، یا خدا را بخواند و از او چیزی را که گناه در آن نیست ، بخواهد ، امید دارم خواسته اش را بدهند و از خطرها و بدی ها نگاهش

بدارند و شفاعت او درباره ده نفر از خانواده اش که همگی مستحقّ عذاب اند ، پذیرفته شود. خداوند به سوی سائل درگاهش و بنده اش ، نسبت به خیر ، پرشتاب تر است.

.

وانظر : ص 858 (ما يختصّ بالليله الثالثه والعشرين / تأكيد زياره الإمام الحسين) .

3 / 5الصَّلاهأ التَّأكيدُ عَلَى الصَّلاهِ فى لَيلَهِ القَدرِ539.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى لَيلَهَ القَدرِ إيمانا وَاحتِسابا غَفَرَ اللّهُ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ . (1)540.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :مَن يَقُم لَيلَهَ القَدرِ إيمانا وَاحتِسابا غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ . (2)وانظر : ص 820 (آداب ليله القدر المشتركه / الإحياء) . ص 824 (التأكيد على الدعاء فى ليله القدر) . ص 840 ، ح 733 .

.

1- .الأمالى للطوسى : 150 / 247 عن أبى هريره ، فضائل الأشهر الثلاثه : 105 / 94 عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : 97 / 17 / 35 ؛ صحيح البخارى : 2 / 672 / 1802 و ص 709 / 1910 ، صحيح مسلم : 1 / 524 / 175 ، سنن أبى داود : 2 / 49 / 1372 ، سنن الترمذى : 3 / 67 / 683 ، سنن النسائى : 4 / 157 ، السنن الكبرى : 4 / 505 / 8523 كلّها عن أبى هريره وفيها «قام» بدل «صلّى» .
2- .صحيح البخارى : 1 / 22 / 35 ، صحيح مسلم : 1 / 524 / 176 وفيه «من يقم ليله القدر فيوافقها ...» ، السنن الكبرى : 4 / 505 / 8524 وفيه «من يقم ليله القدر فيوافها ...» وكلّها عن أبى هريره ، كنز العمّال : 8 / 544 / 24087 .

اشاره

الف تأکید بر نماز خواندن در شب قدر

ر . ک : ص 859 (آنچه مخصوص شب بیست و سوم است / تأکید بر زیارت امام حسین علیه السلام) .

3 / 5نمازالف تأکید بر نماز خواندن در شب قدر541.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر که در شب قدر ، از روی ایمان و برای پاداش الهی نماز بخواند ، خداوندْ گناه گذشته او را می آمرزد.542.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس شب قدر را از روی ایمان و برای پاداش الهی به عبادت و نماز بِایستد ، گناه گذشته او آمرزیده می شود.ر . ک : ص 821 (آداب مشترک شب قدر / شب زنده داری). ص 825 (تأکید بر دعا در شب قدر). ص 841 ، ح 733.

.

ب صَلاهُ رَكعَتَين543.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى رَكعَتَينِ فِى لَيلَهِ القَدرِ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَهٍ : «فاتِحَهَ الكِتابِ» مَرَّهً و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » سَبعَ مَرّاتٍ ، فَإِذا فَرَغَ يَستَغفِرُ سَبعينَ مَرَّهً ، لا يَقومُ مِن مَقامِهِ حَتّى يَغفِرَ اللّهُ لَهُ وِلأَبَوَيهِ ، وبَعَثَ اللّهُ مَلائِكَهً يَكتُبونَ لَهُ الحَسَناتِ إلى سَنَهٍ أُخرى ، وبَعَثَ اللّهُ مَلائِكَهً إلَى الجِنانِ يَغرِسونَ لَهُ الأَشجارَ ، ويَبنونَ لَهُ القُصورَ ، ويُجرونَ لَهُ الأَنهارَ ، ولا يَخرُجُ مِنَ الدُّنيا حَتّى يَرى ذلِكَ كُلَّهُ . (1)ج صَلاهُ مِئَهِ رَكعَهٍ544.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :فضائل الأشهر الثلاثه عن إسماعيل بن مهران عن الإمام الصادق عليه السلام :«مَن اغتَسَلَ لَيالِىَ الغُسلِ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، خَرَجَ مِن ذُنوبِهِ كَهَيئَهِ يَومَ وَلَدَتهُ اُمُّهُ ...» .

فَقُلتُ : هَل فيها صَلاهٌ غَيرُ ما فى سائِرِ لَيالِى الشَّهرِ؟

قالَ : «لا ، إلاّ فى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ ؛ فَإِنَّ فيها يَرجو لَيلَهَ القَدرِ ، ويُستَحَبُّ أَن يُصَلِّىَ فى كُلِّ لَيلَهٍ مِنها مِئَهَ رَكعَهٍ ، فى كُلِّ رَكعَهٍ : «الحَمدُ» مَرَّهً ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » مِئَهً ، فَإِن فَعَلَ ذلِكَ أعتَقَهُ اللّهُ مِنَ النّارِ وأوجَبَ لَهُ الجَنَّهَ ، وشَفَّعَهُ فى مِثلِ رَبيعَهَ ومُضَرَ» . (2)545.عنه صلى الله عليه و آله :الكافى عن علىّ بن أبى حمزه الثمالى :كُنتُ عِندَ أبى عَبدِاللّهِ عليه السلام فَقالَ لَهُ أبوبَصيرٍ : جُعِلتُ فِداكَ ! اللَّيلَهُ الَّتى يُرجى فيها ما يُرجى؟

فَقالَ : «فى إحدى وعِشرينَ ، أو ثَلاثٍ وعِشرينَ ، إلى أن قالَ فَاطلُبها فى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ ، وصَلِّ فى كُلِّ واحِدَهٍ مِنهُما مِئَهَ رَكعَهٍ ، وأحيِهِما إنِ استَطَعتَ إلَى النّورِ وَاغتَسِل فيهِما» .

قُلتُ : فَإِن لَم أقدِر عَلى ذلِكَ وأنَا قائِمٌ؟

قالَ : «فَصَلِّ وأنتَ جالِسٌ» .

قُلتُ : فَإِن لَم أستَطِع؟

قالَ : «فَعَلى فِراشِكَ ، لا عَلَيكَ أن تَكتَحِلَ أوَّلَ اللَّيلِ بِشَىءٍ مِنَ النَّومِ» . (3) .

1- .الإقبال : 1 / 344 ، بحار الأنوار : 98 / 144 / 3 .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : 137 / 147 .
3- .الكافى : 4 / 156 / 2 ، تهذيب الأحكام : 3 / 58 / 201 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 159 / 2029 ، الأمالى للطوسى : 690 / 1467 ، بحار الأنوار : 97 / 2 / 4 .

ب دو رکعت نماز

ج صد رکعت نماز

ب دو رکعت نماز546.سنن الترمذی عن زید بن ثابت :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس در شب قدر دو رکعت نماز بخواند (در هر رکعت: یک بار «فاتحه الکتاب» و هفت بار سوره «قل هو اللّه أحد» بخواند) و چون فارغ شد ، هفتاد بار استغفار کند ، از جای خود بر نمی خیزد تا آن که خداوند ، او و پدر و مادرش را می آمرزد و خداوند ، فرشتگانی را بر می انگیزد که تا سال دیگر برای او حسنات می نویسند و خداوند ، فرشتگانی را به سوی بهشت می فرستد که برای او درختانی بکارند و کاخ هایی بسازند و نهرهایی جاری کنند ، و از دنیا بیرون نمی رود تا آن که همه اینها را ببیند.ج صد رکعت نماز547.المعجم الکبیر عن زید بن ثابت :فضائل الأشهر الثلاثه به نقل از اسماعیل بن مهران :امام صادق علیه السلامفرمود : «هر که در شب های غسل ماه رمضان غسل کند ، از گناهانش بیرون می آید ، همچون روزی که مادرش او را زاده است...».

گفتم : آیا در آن شب ها، نمازی جز آنچه در شب های دیگر ماه است ، وجود دارد؟

فرمود : «نه ، مگر در شب بیست و یکم و بیست و سوم که در این شب ، امید شب قدر می رود. و مستحب است در هر شب از شب های قدر ، صد رکعت نماز خوانده شود ، در هر رکعت: یک بار حمد و صد بار سوره قل هو اللّه أحد . پس اگر چنین کند ، خداوند ، او را از آتش می رهاند و بهشت را برای او حتمی می سازد و شفاعت او را درباره جماعتی به شمار قبیله ربیعه و مُضَر می پذیرد».682.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از علی بن ابی حمزه ثمالی :نزد امام صادق علیه السلامبودم. ابو بصیر به امام علیه السلام گفت: فدایت شوم! شبی که درباره آن امید است ، کدام شب است؟

فرمود: «در شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم» تا آن که فرمود: «آن را در شب بیست و یکم و بیست و سوم بطلب و در هر یک از این دو

شب ، صد رکعت نماز بخوان و اگر توانستی ، آن دو شب را تا سحرْ زنده بدار و در آن دو شب غسل کن».

گفتم : اگر توانایی نداشتم که آن را ایستاده بخوانم؟

فرمود : «نشسته نماز بخوان».

گفتم : اگر نتوانستم؟

فرمود : «در رخت خوابت بخوان. عیبی ندارد که در اوّل شب ، اندکی بخوابی».

.

683.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الکاظم علیه السلام :صَلِّ لَیلَهَ إحدی وعِشرینَ ، ولَیلَهَ ثَلاثٍ وعِشرینَ مِئَهَ رَکعَهٍ ، تَقرَأُ فی کُلِّ رَکعَهٍ : [الحَمدَ مَرَّهً و] (1) «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » عَشرَ مَرّاتٍ . (2)وانظر : ص 742 ، ح 615 . ص 822 ، ح 715 . ص 856 (تأکید الصلاه مئه رکعه) . ص 630 (نوافل شهر رمضان / ألف رکعه فی الشهر) . ص 662 (أدعیه نوافل شهر رمضان) .

.

1- .أثبتنا ما بین المعقوفین من الخصال وکتاب من لا یحضره الفقیه .
2- .الکافی : 4 / 155 / 4 ، تهذیب الأحکام : 3 / 62 / 210 ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 156 / 2019 ، الخصال : 519 / 6 کلّها عن سلیمان الجعفری ، بحار الأنوار : 97 / 16 / 30 .

684.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام کاظم علیه السلام:در شب بیست و یکم و شب بیست و سوم ، صد رکعت نماز بخوان؛ در هر رکعت ، [یک بار «حمد» و] ده بار سوره «قل هو اللّه أحد» می خوانی .ر . ک : ص 743 ، ح 615. ص 823 ، ح 715. ص 857 (تأکید بر صد رکعت نماز). ص 631 (نوافل ماه رمضان / هزار رکعت در ماه). ص 663 (دعاهای نوافل ماه رمضان).

.

الفصل الرابع : مايختصُّ بإحدى اللَّيالى4 / 1ما يَختَصُّ بِاللَّيلَهِ التّاسِعَهَ عَشرَهَ685.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإقبال :رُوىَ أ نَّهُ يُستَغفَرُ لَيلَهَ تِسعَ عَشرَهَ مِن شَهرِ رَمَضانَ مِئَهَ مَرَّهٍ ، ويُلعَنُ قاتِلُ مَولانا عَلِىٍّ عليه السلام مِئَهَ مَرَّهٍ . (1)686.عنه صلى الله عليه و آله :مسارّ الشيعه :وفى لَيلَهِ تِسعَ عَشرَهَ مِنهُ يُكتَبُ وَفدُ الحاجِّ ، وفيها ضُرِبَ مَولانا أميرُالمُؤمِنينَ عَلِىُّ بنُ أبى طالبٍ عليه السلام الضَّربَهَ الَّتى قَضى فيها نَحبَهُ عليه السلام ، وفيها غُسلٌ ... ، ويُصَلّى فيها مِنَ الأَلفِ رَكعَهٍ مِئَهَ رَكعَهٍ عَلَى التَّمامِ .

ويُستَحَبُّ فيها كَثرَهُ الاِستِغفارِ ، وَالصَّلاهُ عَلى نَبِىِّ اللّهِ مُحَمَّدِ بنِ عَبدِاللّهِ صلى الله عليه و آلِهوَالاِبتِهالُ إلَى اللّهِ تَعالى فى تَجديدِ العَذابِ عَلى ظالِمِيهِم مِن سائِرِ الأَنامِ، والإِكثارُ مِنَ اللَّعنَهِ عَلى قاتِلِ أميرِالمُؤمِنينَ عليه السلام ، وهِىَ لَيلَهٌ يَتَجَدَّدُ فيها حُزنُ أَهلِ الإِيمانِ . (2) .

1- .الإقبال : 1 / 344 ، بحارالأنوار : 98 / 144 / 3 .
2- .مسارّ الشيعه : 25 .

4 / 1 آنچه مخصوص شب نوزدهم است

فصل چهارم : آنچه مخصوص یکی از شب هاست4 / 1آنچه مخصوص شب نوزدهم است687.عنه صلی الله علیه و آله :الإقبال:روایت شده که شب نوزدهم ماه رمضان ، صد بار استغفار می شود و صد بار قاتل مولای ما علی علیه السلام ، لعنت می شود.686.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مسارّ الشیعه:در شب نوزدهم آن (ماه رمضان) ، گروه حاجیان نوشته (معیّن) می شود. در همان شب ، مولایمان امیر مؤمنان ، علی بن ابی طالب علیه السلام ، ضربتی خورد که در پیِ آن به شهادت رسید. و در آن شب ، غسل هست... و در آن شب ، صد رکعت تمام از هزار رکعت خوانده می شود.

و در آن شب ، مستحب است: بسیار استغفار کردن ، صلوات فرستادن بر پیامبر خدا محمّد بن عبد اللّه صلی الله علیه و آله ، دعا و نیایش به درگاه خدای متعال برای تجدید عذاب ستمگرانِ به دودمانِ پیامبر صلی الله علیه و آله از سایر مردم، (1) وبسیار لعنت کردن بر قاتل امیر مؤمنان علیه السلام. و آن ، شبی است که اندوه اهل ایمان ، تجدید می شود.

.

1- .مراد از «سایر مردم» که در نوشته شیخ مفید آمده ، همان است که وی در جایی دیگر نوشته است : مردمی که راه ستم را هموار کردند و بر آن رضایت دادند (ر . ک : مسارّ الشیعه : 26) .

4 / 2ما يَختَصُّ بِاللَّيلَهِ الحادِيَهِ وَالعِشرينَأ تأكيدُ الغُسل687.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :غُسلُ لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ سُنَّهٌ . (1)وانظر : ص 816 (آداب ليله القدر المشتركه / الغسل) .

ب تأكيدُ الاِهتِمامِ بِهذِهِ اللَّيلَهِ688.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :السيّد ابن طاووس قدس سره فى الإقبال :اِعلَم أنَّ لَيلَهَ الحادِيَهِ وَالعِشرينَ مِن شَهرِ الصِّيامِ ، وَرَدَ فيها أحاديثُ أنَّها أرجَحُ مِن لَيلَهِ تِسعَ عَشرَهَ مِنهُ ، وأقرَبُ إلى بُلوغِ المَرامِ .

فَمِن ذلكَ ما رَوَيناهُ بِإسنادِنا إلى زُرارَهَ عَن حُمرانَ قالَ : سَأَلتُ أبا عَبدِاللّهِ عليه السلامعَن لَيلَهِ القَدرِ .

قالَ : «هِىَ فى إحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ» .

ومِن ذلِكَ بِإسنادِنا أيضاً إلى عَبدِ الواحِدِ بنِ المُختارِ الأنصارىِّ ، قالَ : قُلتُ لِأبى جَعفَرٍ عليه السلام : أخبِرنى عَن لَيلَهِ القَدرِ .

قالَ : «اِلتَمِسها فى لَيلَهِ إحدى وعِشرينَ ، وثَلاثٍ وعِشرينَ» .

فَقُلتُ : أفرِدها لى .

فَقالَ : «وما عَلَيكَ أن تَجتَهِدَ فى لَيلَتَينِ؟» .

أقولُ : وقَد قَدَّمنا قَولَ أبى جَعفَرٍ الطوسىِّ فِى التِّبيانِ : «إنَّ لَيلَهَ القَدرِ فى مُفرَداتِ العَشرِ الأواخِرِ مِن شهرِ رَمضانَ» ، وذَكَرَ أنَّه بِلا خِلافٍ . (2) .

1- .الإقبال : 1 / 359 ، بحارالأنوار : 81 / 19 / 25 و ج 98 / 151 / 4 .
2- .الإقبال : 1 / 356 ، بحارالأنوار : 98 / 149 / 4 .

4 / 2 آنچه مخصوص شب بیست و یکم است

الف تأکید بر غسل

ب تأکید بر اهمّیت دادن به این شب

4 / 2آنچه مخصوص شب بیست و یکم استالف تأکید بر غسل761.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:غسل شب بیست و یکم ماه رمضان ، مستحب است.ر . ک : ص 817 (آداب مشترک شب قدر / غسل).

ب تأکید بر اهمّیت دادن به این شب549.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سیّد ابن طاووس در الإقبال :بدان که درباره شب بیست و یکم ماه روزه داری ، احادیثی وارد شده که آن ، برتر از شب نوزدهم این ماه ، و برای رسیدن به مقصود ، نزدیک تر است.

از جمله آنچه با سند خود به زراره از حمران روایت کرده ایم ، این است که می گوید: از امام صادق علیه السلامدرباره شب قدر پرسیدم. فرمود: «در بیست و یکم و بیست و سوم است».

و از آن جمله است ، آنچه با سند خویش به عبدالواحد بن مختار انصاری روایت کرده ایم. می گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: مرا از شب قدر ، بیاگاهان .

فرمود: «آن را در شب بیست و یکم و شب بیست و سوم بجوی».

گفتم: برایم یکی را تعیین کن.

فرمود: «چه می شود که در دو شب بکوشی؟».

می گویم: پیش تر ، سخن شیخ طوسی در التبیان را آوردیم که گفته است: «شب قدر ، در شب های فرد از دهه آخر ماه رمضان است» و گفته است که اختلافی در آن نیست.

550.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الشیخ المفید قدس سره فی مسارّ الشیعه :فی لَیلَهِ إحدی وعِشرینَ مِنهُ کانَ الإسراءُ بِرَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، وفیها رَفَعَ اللّهُ عیسَی بنَ مَریَمَ علیهماالسلام ، وفیها قُبِضُ موسَی بنُ عِمرانَ علیه السلام ، وفی مِثلِها قُبِضُ وَصِیُّهُ یوشَعُ بنُ نونٍ علیه السلام ، وفیها کانَت وَفاهُ أمیرِالمُؤمِنینَ علیه السلام سَنَهَ أربَعینَ مِنَ الهِجرَهِ ولَهُ یَومَئِذٍ ثَلاثٌ وسِتّونَ سَنَهً .

وهِیَ اللَّیلَهُ الَّتی یَتَجَدَّدُ فیها أحزانُ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام وأشیاعِهِم ، وَالغُسلُ فیها کَالَّذی ذَکَرتُهُ ، وصَلاهُ مِئَهِ رَکعَهٍ کَصَلاهِ لَیلَهِ تِسعَ عَشرَهَ حَسَبَ ما قَدَّمناهُ .

وَالإکثارُ مِنَ الصَّلاهِ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام ، وَالاِجتِهادُ فِی الدُّعاءِ عَلی ظالِمِیهِم ، ومُواصَلَهُ اللَّعنَهِ عَلی قاتِلی أمیرِالمُؤمِنینَ علیه السلام ، ومَن طَرَّقَ عَلی ذلِکَ وسَبَّبَهُ ، وآثَرَهُ ورَضِیَهُ مِن سائِرِ النّاسِ . (1)وانظر : ص 774 (أیّ لیله هی / فی العشر الأواخر) . ص 778 (لیله ثلاث وعشرین و إحدی و عشرین) . ص 788 (دور ثلاث لیال فی التقدیر) . ص 792 (سترها نظراً لکم) . ص 590 (الأعمال المختصّه بالعشر الأواخر) .

ج تأکیدُ الصَّلاهِ وَالدُّعاءِ فیها وفی یَومِها551.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال عن حمّاد بن عثمان :دَخَلتُ عَلی أبی عَبدِاللّهِ علیه السلام لَیلَهَ إحدی وعِشرینَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، فَقالَ لی : «یا حَمّادُ ، اغتَسَلتَ؟»

قُلتُ : نَعَم ،جُعِلتُ فِداکَ ! فَدَعا بِحَصیرٍ ، ثُمَّ قالَ : «إلی لِزقی فَصَلِّ» . فَلَم یَزَل یُصَلِّی وأنَا أُصَلّی إلی لِزقِهِ حَتّی فَرَغنا مِن جَمیعِ صَلاتِنا ، ثُمَّ أخَذَ یَدعو وأنَا أُؤَمِّنُ عَلی دُعائِهِ إلی أنِ اعتَرَضَ الفَجرُ ، فَأذَّنَ وأقامَ ودَعا بَعضَ غِلمانِهِ ، فَقُمنا خَلفَهُ فَتَقَدَّمَ وصَلّی بِنا الغَداهَ ، فَقَرَأَ : بِ «فاتِحَهِ الکِتابِ» ، و «إنّآ أنزَلْنَهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ» فِی الاُولی ، وفِی الرَّکعَهِ الثّانِیَهِ بِ «فاتِحَهِ الکِتابِ» ، و «قُلْ هُوَ اللّهُ أحَدٌ » .

فَلَمّا فَرَغنا مِنَ التَّسبیحِ وَالتَّحمیدِ وَالتَّقدیسِ وَالثَّناءِ عَلَی اللّهِ تَعالی ، وَالصَّلاهِ عَلی رَسولِهِ صلی الله علیه و آله وَالدُّعاءِ لِجَمیعِ المُؤمِنینَ وَالمُؤمِناتِ وَالمُسلِمینَ ، وَالمُسلِماتِ الأوَّلینَ وَالآخِرینَ ، خَرَّ ساجِداً لا أسمَعُ مِنهُ إلاَّ النَّفَسَ ساعَهً طَویلَهً ، ثُمَّ سَمِعتُهُ یَقولُ :

لا إلهَ إلاّ أنتَ مُقَلِّبُ القُلوبِ وَالأبصارِ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ خالِقُ الخَلقِ بِلا حاجَةٍ فيكَ إلَيهِم ، لا إلهَ إلاّ أنتَ مُبدِئُ الخَلقِ لا يَنقُصُ مِن مُلكِكَ شَىءٌ ، لا إلهَ إلاَّ أنتَ باعِثُ مَن فِى القُبورِ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ مُدَبِّرُ الأُمورِ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ دَيّانُ الدِّينِ ، وجَبّارُ الجَبابِرَهِ .

لا إلهَ إلاّ أنتَ مُجرِى الماءِ فِى الصَّخرَهِ الصَّمّاءِ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ مُجرِى الماءِ فِى النَّباتِ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ مُكَوِّنُ طَعمِ الثِّمارِ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ مُحصى عَدَدِ القَطرِ وما تَحمِلُهُ السَّحابُ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ مُحصى عَدَدِ ما تَجرى بِهِ الرِّياحُ فِى الهَواءِ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ مُحصى ما فِى البِحارِ مِن رَطبٍ ويابِسٍ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ مُحصى ما يَدِبُّ فى ظُلُماتِ البِحارِ وفى أطباقِ الثَّرى .

أسأَلُكَ بِاسمِكَ الَّذى سَمَّيتَ بِهِ نَفسَكَ أو استَأثَرتَ بِهِ فى عِلمِ الغَيبِ عِندَكَ ، وأسأَلُكَ بِكُلِّ اسمٍ سَمّاكَ بِهِ أَحَدٌ مِن خَلقِكَ مِن نَبِىٍّ ، أو صِدّيقٍ ، أو شَهيدٍ ، أو أَحَدٍ مِن مَلائِكَتِكَ ، وأسأَلُكَ بِاسمِكَ الَّذى إذا دُعيتَ بِهِ أَجَبتَ وإذا سُئِلتَ بِهِ أعطَيتَ .

وأسأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ صَلَواتُكَ عَلَيهِم وبَرَكاتُكَ ، وبِحَقِّهِمُ الَّذى أوجَبتَهُ عَلى نَفسِكَ وأنَلتَهُم بِهِ فَضلَكَ ، أن تُصَلِّىَ علَى مُحَمَّدٍ عَبدِكَ ورَسولِكَ الدّاعى إلَيكَ بِإذنِكَ وسِراجِكَ السّاطِعِ بَينَ عِبادِكَ فى أرضِكَ وسَمائِكَ ، وجَعَلتَهُ رَحمَةً لِلعالَمينَ ونوراً اِستَضاءَ بِهِ المُؤمِنونَ ، فَبَشَّرَنا بِجَزيلِ ثَوابِكَ وأنذَرَنَا الأَليمَ مِن عَذابِكَ .

أشهَدُ أ نَّهُ قَد جاءَ بِالحَقِّ مِن عِندِ الحَقِّ وصَدَّقَ المُرسَلينَ ، وأشهَدُ أنَّ الَّذينَ كَذَّبوهُ ذائِقُوالعَذابِ الأَليمِ .

أسأَلُكَ يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ ، يا سَيِّدى يا سَيِّدى يا سَيِّدى ، يا مَولاىَ يا مَولاىَ يا مَولاىَ ، أسأَلُكَ فى هذِهِ الغَداهِ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَجعَلَنى مِن أوفَرِ عِبادِكَ وسائِليكَ نَصيباً ، وأن تَمُنَّ عَلَىَّ بِفَكاكِ رَقَبَتى مِنَ النّارِ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ .

وأسأَلُكَ بِجَميعِ ما سَأَلتُكَ وما لَم أسأَلكَ مِن عَظيمِ جَلالِكَ ، ما لَو عَلِمتُهُ لَسَأَلتُكَ بِهِ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِهِ ، وأن تَأذَنَ لِفَرَجِ مَن بِفَرَجِهِ فَرَجُ أولِيائِكَ وأَصفيائِكَ مِن خَلقِكَ ، وبِهِ تُبيدُ الظّالِمينَ وتُهلِكُهُم ، عَجِّل ذلِكَ يا رَبَّ العالَمينَ ، وأعطِنى سُؤلى يا ذَا الجَلالِ وَالإكرامِ فى جَميعِ ما سَأَلتُكَ لِعاجِلِ الدُّنيا وآجِلِ الآخِرَهِ .

يا مَن هُوَ أقرَبُ إلَىَّ مِن حَبلِ الوَريدِ ، أقِلنى عَثرَتى وأقِلنى بِقَضاءِ حَوائِجى ، يا خالِقى ويا رازِقى ويا باعِثى ، ويا مُحيِىَ عِظامى وهِىَ رَميمٌ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ واستَجِب لى دُعائى يا أرحَمَ الرّاحِمينَ .

فَلَمّا فَرَغَ رَفَعَ رَأسَهُ ، قُلتُ : جُعِلتُ فِداکَ ! سَمِعتُکَ وأنتَ تَدعو بِفَرَجِ مَن بِفَرَجِهِ فَرَجُ أصفِياءِ اللّهِ وأولِيائِهِ ، أوَ لَستَ أنتَ هُوَ؟

قالَ : «لا ، ذاکَ قائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام» .

قُلتُ : فَهَل لِخُروجِهِ عَلامَهٌ؟

قالَ : «نَعَم ، کُسوفُ الشَّمسِ عِندَ طُلوعِها ثُلُثَى ساعَهٍ مِنَ النَّهارِ ، وخُسوفُ القَمَرِ ثَلاثٍ وعِشرينَ ، وفِتنَهٌ يَصِلُ أهلَ مِصرَ البَلاءُ وقَطعُ السَّبيلِ ، اِکتَفِ بِما بَيَّنتُ لَکَ ، وتَوَقَّع أمرَ صاحِبِکَ لَيلَکَ ونَهارَکَ ، فَإِنَّ اللّهَ کُلَّ يَومٍ هُوَ فى شَأنٍ لا يَشغَلُهُ شَأنٌ عَن شَأنٍ ، ذلِکَ اللّهُ رَبُّ العالَمينَ ، وبِهِ تَحصينُ أولِيائِهِ وهُم لَهُ خائِفونَ» . (2) .

1- .مسارّ الشيعه : 26 .
2- .الإقبال : 1 / 366 ، بحارالأنوار : 98 / 157 / 4 .

ج تأكيد بر نماز و دعا در آن شب و نيز روزِ آن

552.الدر المنثور عن جندب بن عبد اللّه البجلىّ عن رسولشيخ مفيد در مسارّ الشيعه :معراج پيامبر خدا ، در شب بيست و يكم اين ماه ، بود و در چنين شبى ، خداوندْ عيسى بن مريم عليهماالسلام را بالا برد و در چنين شبى ، موسى بن عمران عليه السلام در گذشت و در مثل چنين شبى ، جانشين او يوشع بن نون در گذشت و در چنين شبى ، رحلت امير مؤمنان عليه السلام در سال چهل هجرى در 63 سالگى اتّفاق افتاد.

و اين ، شبى است كه اندوه هاى خاندان محمد صلى الله عليه و آله و پيروانشان تجديد مى شود. و غسل در آن ، مثل همان است كه ياد كردم و نماز صد ركعت ، مثل نماز شبِ نوزدهم است ، طبق آنچه پيش تر گفتيم. و مستحب است بسيار صلوات فرستادن بر محمّد و خاندان محمّد صلى الله عليه و آله و تلاش در نفرين كردن بر ستمگرانِ بر آنان و پيوسته لعنت كردن بر قاتلان امير مؤمنان عليه السلام و بر هر كه راه را براى آن هموار كرد و سبب آن شهات شد و بر مردم ديگرى كه آن را برگزيدند و راضى به آن شدند.ر . ك : ص 775 (شبِ قدر ، چه شبى است؟ / در دهه آخر). ص 779 (شب هاى بيست و سوم و بيست و يكم). ص 789 (نقش سه شب در سرنوشت) . ص 793 (پوشيده بودن آن به خاطر شماست). ص 591 (اعمال مخصوص دهه آخر).

ج تأكيد بر نماز و دعا در آن شب و نيز روزِ آن553.الإمام علىّ عليه السلام عن رسول اللّه صلى الله علالإقبال به نقل از حمّاد بن عثمان :شب بيست و يكم ماه رمضان ، خدمت امام صادق عليه السلام رسيدم. به من فرمود: «اى حمّاد !غسل كرده اى؟».

گفتم: آرى ، فدايت شوم !

حصيرى طلبيد. سپس فرمود: «كنارم بيا و نماز بخوان». پيوسته نماز مى خواند و من نيز كنار او نماز مى خواندم تا آن كه از همه نمازهايمان فارغ شديم. شروع كرد به دعا. من نيز دعاى او را آمين مى گفتم تا آن كه سپيده دميد. اذان و اقامه گفت و بعضى فرزندان نوجوانش را صدا كرد. پشت سر او ايستاديم و وى جلو ايستاد و نمازِ صبح را براى ما به جماعت

خواند. در رکعت اوّل ، «حمد» و سوره «إنّا أنزلناه» ، و در رکعت دوم ، «حمد» و سوره «قل هو اللّه أحد» را خواند.

چون از تسبیح و حمد و ستایش و ثنای الهی فارغ شدیم و بر پیامبر خدا درود فرستادیم و برای همه زنان و مردان مؤمن و مسلمان ، از اوّلین و آخرین ، دعا کردیم ، امام علیه السلام به سجده افتاد. ساعتی ، من از او جز نَفَس نمی شنیدم. سپس شنیدم که می گفت:

«معبودی جز تو نیست ، دگرگون کننده دل ها و دیده هایی. معبودی جز تو نیست ، آفریدگار خَلقی ، بی آن که نیازمند باشی. معبودی جز تو نیست ، آغازگر آفرینشی و از فرمان روایی ات چیزی کم نمی شود. معبودی جز تو نیست ، برانگیزاننده خفتگان در گورهایی. معبودی جز تو نیست ، تدبیرکننده کارهایی. معبودی جز تو نیست ، داور روز جزایی و در هم شکننده جبّارانی.

معبودی جز تو نیست ، جاری سازنده آب در صخره سختی. معبودی جز تو نیست ، جاری کننده آب در گیاهی. معبودی جز تو نیست ، پدیدآورنده طعم میوه هایی. معبودی جز تو نیست ، شمارنده تعداد قطره ها و باران ابرهایی. معبودی جز تو نیست ، شمارنده تعداد آنچه بادها در هوا می برند ، هستی. معبودی جز تو نیست ، شمارنده آنچه از تر و خشک در دریاست ، هستی. معبودی جز تو نیست ، شمارنده هر چیزی هستی که در تاریکی دریاها و طبقات خاک می جنبد.

تو را به آن نامت می خوانم که خود را بدان نامیده ای ، یا در علم غیب نزد خودت آن را برگزیده ای و تو را به هر نامی می خوانم که هر یک از آفریدگانت ، از پیامبر یا صدّیق یا شهید ، یا یکی از فرشتگانت تو را به آن اسم نامیده اند ، و تو را به آن نامت می خوانم که هر گاه بدان خوانده شوی ، اجابت می کنی و چون به آن نام از تو چیزی بخواهند ، می دهی.

و تو را می خوانم به حقّی که بر محمّد و خاندان او داری که درود تو و برکاتت بر آنان باد و به حقّ آنان که آن را بر خود حتمی ساخته ای و از احسان خود به آنان بخشیده ای ، که بر بنده و فرستاده ات ، محمّد ، درود فرستی؛ آن که به اذن تو دعوتگر به سوی تو بود و چراغ نورافشان تو در میان بندگانت در زمین و آسمانت بود و او را رحمتی برای جهانیان و فروغی قرار دادی که همه مؤمنان از آن نور می گرفتند و او ما را به پاداش فراوان تو مژده داد و از عذاب دردناک تو بیم داد.

گواهی می دهم که او از سوی حق ، حق را آورد و فرستادگان را تصدیق کرد ، و گواهی می دهم آنان که وی را تکذیب کردند ، چشنده عذاب دردناک اند.

از تو می خواهم خداوندا ، خداوندا ! خداوندا ، پروردگارا ، پروردگارا ، پروردگارا ! سرورا ، سرورا ، سرورا ! مولای من ، مولای من ، مولای من ! از تو در این صبح دم می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و مرا از بهره مندترین بندگان و درخواست کنندگانت قرار دهی و با آزاد کردن گردنم از طوقِ عذابت ، بر من منّت نهی ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

و از تو می خواهم ، به همه آنچه از شُکوه بزرگت ، از تو خواستم و نخواستم که اگر می دانستم ، از تو می خواستم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و به فَرَج کسی رخصت دهی که با فَرَج او ، گشایشی برای دوستانت و برگزیدگان خَلقت خواهد بود؛ آن که به سبب او ستمگران را هلاک و نابود می کنی. ای پروردگار جهانیان ! آن فَرَج را نزدیک گردان و خواسته ام را ای صاحب جلالت و بزرگواری درباره همه آنچه برای دنیا و آخرت خواستم ، عطا کن !

ای آن که به من از رگ گردن نزدیک تر است ! از خطایم درگذر و با برآوردن نیازهایم عذرم را بپذیر !

ای آفریدگار من ، ای روزی دهنده من ، ای برانگیزاننده من ، ای زنده کننده استخوان های پوسیده من ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و دعایم را اجابت کن ، ای مهربان ترینِ مهربانان !».

پس امام علیه السلام چون فارغ شد، سرش را بلند کرد . گفتم: فدایت شوم ! شنیدم برای فَرَج کسی دعا می کردی که فَرَج برگزیدگان و اولیای الهی ، با فَرَج اوست . مگر تو همان نیستی؟

فرمود: «نه. او قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله است».

گفتم: آیا نشانی برای ظهور او هست؟

فرمود: «آری. گرفتن خورشید هنگام طلوعش به اندازه دو سوم ساعت از روز ، و گرفتن ماه شب بیست و سوم ، و فتنه ای که بلا به مردم مصر می رسد ، و بریده شدن راه. به آنچه برای تو گفتم ، بسنده کن ، و شب و روز

، چشم به راه امر امام خود باش؛ چرا که خداوند ، هر روز در کاری است و کاری او را از کار دیگر باز نمی دارد. این است خداوند ، پروردگار جهانیان ، و نگه داشتن دوستانش با اوست و آنان از وی بیمناک اند».

.

ص: 850

. .

..

ص: 852

. .

ص: 853

. .

4 / 3ما يَختَصُّ بِاللَّيلَهِ الثّالِثَهِ وَالعِشرينَأ تأكيدُ الغُسلِ554.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإقبال عن بريد بن معاويه عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :رَأَيتُهُ اغتَسَلَ فى لَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، مَرَّهً فى أوَّلِ اللَّيلِ ، ومَرَّهً فى آخِرِهِ . (1)وانظر : ص 816 (آداب ليله القدر المشتركه / الغسل) .

ب تأكيدُ الإحياءِ555.المراسيل عن زيد بن أسلم :الإمام علىّ عليه السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَطوى فِراشَهُ ، ويَشُدُّ مِئزَرَهُ فِى العَشرِ الأَواخِرِ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وكانَ يوقِظُ أهلَهُ لَيلَهَ ثَلاثٍ وعِشرينَ ، وكانَ يَرُشُّ وُجوهَ النِّيامِ بِالماءِ فى تِلكَ اللَّيلَهِ . (2)556.جامع بيان العلم وفضله عن أبى هريره :الإقبال :رَوى أبو نَعيم فى كِتابِ الصِّيامِ وَالقِيامِ بِإِسنادِه أنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آلهكانَ يَرُشُّ عَلى أهلِهِ الماءَ لَيلَهَ ثَلاثٍ وعِشرينَ ، يَعنى مِن شَهرِ رَمَضانَ . (3) .

1- .الإقبال : 1 / 375 ، تهذيب الأحكام : 4 / 331 / 1035 مضمراً ، بحارالأنوار : 81 / 20 / 25 و ج 98 / 160 / 5 .
2- .دعائم الإسلام : 1 / 282 ، بحارالأنوار : 97 / 10 / 12 .
3- .الإقبال : 1 / 375 ، بحارالأنوار : 98 / 160 / 5 ؛ المصنّف لابن أبى شيبه : 2 / 397 / 29 ، المصنّف لعبد الرزّاق : 4 / 249 / 7686 وفيهما «إنّ ابن عبّاس كان يرشّ ...» .

4 / 3 آنچه مخصوص شب بیست و سوم است

الف تأکید بر غسل

ب تأکید بر شب زنده داری

4 / 3آنچه مخصوص شب بیست و سوم استالف تأکید بر غسل552.الدرّ المنثور (به نقل از جندب ، پسر عبد اللّه بجلی) الإقبال به نقل از برید بن معاویه :دیدم امام صادق علیه السلام در شب بیست و سوم از ماه رمضان غسل کرد: یک بار در اوّل شب ، یک بار هم در آخر آن .ر . ک : ص 817 (آداب مشترک شب قدر / غسل) .

ب تأکید بر شب زنده داری553.امام علی علیه السلام :امام علی علیه السلام:پیامبر خدا در دهه آخر ماه رمضان ، بستر خود را جمع می کرد و کمرش را می بست و شب بیست و سوم ، خانواده خود را بیدار می کرد و در آن شب ، به صورت خفتگان ، آب می پاشید.554.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال:ابو نعیم در کتاب الصیام و القیام ، با سند خویش نقل کرده است که: پیامبر صلی الله علیه و آله شب بیست و سوم ماه رمضان ، بر [صورت] خانواده اش ، آب می پاشید.

.

762.عنه صلى الله عليه و آله :دعائم الإسلام :كانَت فاطِمَهُ عليهاالسلام لا تَدَعُ أحَداً مِن أهلِها يَنامُ تِلكَ اللَّيلَهَ [اللَّيلَهَ الثّالِثَهَ وَالعِشرينَ] وتُداوِيهِم بِقِلَّهِ الطَّعامِ ، وتَتَأهَّبُ لَها مِنَ النَّهارِ ، وتَقولُ : «مَحرومٌ مَن حُرِمَ خَيرَها» .

763.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال عن جميل وهشام وحفص :مَرِضَ أبو عَبدِاللّهِ عليه السلام مَرَضا شَديداً ، فَلَمّا كانَ لَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ أمَرَ مَوالِيَهُ فَحَمَلوهُ إلَى المَسجِدِ ، فَكانَ فيهِ لَيلَتَهُ . (2)وانظر : ص 590 (الأعمال المختصّه بالعشر الأواخر) . ص 782 (أىّ ليله هى / ليله ثلاث وعشرين) . ص 820 (آداب ليله القدر المشتركه / الإحياء) .

ج تأكيدُ الصَّلاهِ مِئَهَ رَكعَهٍ761.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :مَن أحيا لَيلَهَ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وصَلّى فيها مِئَهَ رَكعَهٍ وَسَّعَ اللّهُ عَلَيهِ مَعيشَتَهُ ، وكَفاهُ أمرَ مَن يُعادِيهِ ، وأعاذَهُ مِنَ الغَرقِ ، وَالهَدمِ ، وَالسَّرَقِ ، ومِن شَرِّ الدُّنيا ، ورَفَعَ عَنهُ هَولَ مُنكَرٍ ونَكيرٍ ، وخَرَجَ مِن قَبرِهِ ونورُهُ يَتَلَألَأُ لِأَهلِ الجَمعِ ، ويُعطى كِتابُهُ بِيَمينِهِ ، ويُكتَبُ لَهُ بَراءَهٌ مِنَ النّارِ ، وجَوازٌ عَلَى الصِّراطِ ، وأمانٌ مِنَ العَذابِ ، ويَدخُلُ الجَنَّهَ بِغَيرِ حِسابٍ ، ويُجعَلُ فيها مِن (3) رُفَقاءِ النَّبِيِّينَ وَالصِّدّيقينَ وَالشُّهَداءِ وَالصّالِحينَ وحَسُنَ أُولئِکَ رَفيقاً . (4)762.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :يُستَحَبُّ أن يُصَلّى فيها مِئَهَ رَكعَهٍ يُقرَأ فى كُلِّ رَكعَهٍ : «الحَمدُ» وعَشرَ مَرّاتٍ « قُلْ هُوَ اللّهُ أحَدٌ » . (5) .

1- .دعائم الإسلام : 1 / 282 ، بحارالأنوار : 97 / 10 / 12 .
2- .الإقبال : 1 / 386 ، بحارالأنوار : 98 / 169 / 5 .
3- .فى المصدر : «يجعل فيه رفقاء ...» ، والصواب ما أثبتناه كما فى المصادر الأُخرى .
4- .فضائل الأشهر الثلاثه : 138 / 148 ، الإقبال : 1 / 386 كلاهما عن جابربن يزيد الجعفى ، روضه الواعظين : 382 ، بحارالأنوار : 98 / 168 / 5 .
5- .الهدايه : 197 ، بحارالأنوار : 97 / 9 / 11 .

ج تأکید بر صد رکعت نماز

763.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعائم الإسلام:فاطمه علیهاالسلام نمی گذاشت که کسی از خانواده اش در آن شب (شب بیست و سوم) بخوابد و [خواب] آنان را با کم خوردن درمان می کرد و از روز برای آن شب ، آماده می شد و می فرمود: «محروم ، کسی است که از خیر آن بی بهره بماند».764.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از جمیل و هشام و حفص :امام صادق علیه السلام به سختی بیمار شد. چون شب بیست و سوم فرا رسید ، به غلامان خود دستور داد او را به مسجد بردند و آن شب را در مسجد بود.ر . ک : ص 591 (اعمال مخصوص دهه آخر). ص 783 (شبِ قدر ، چه شبی است؟ / شب بیست و سوم). ص 821 (آداب مشترک شب قدر / شب زنده داری).

ج تأکید بر صد رکعت نماز764.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:هر کس شب بیست و سوم ماه رمضان را زنده بدارد و در آن صد رکعت نماز بخواند ، خداوندْ در زندگی او گشایش می دهد و کار دشمنان او را خود بر عهده می گیرد و او را از غرق شدن ، زیر آوار ماندن ، سرقت ، و از شرّ دنیا مصون می دارد و وحشت نکیر و منکر را از او بر می دارد ، و او در حالی از گور خویش بیرون می آید که نورش بر اهل رستاخیز می تابد ، و نامه عملش را به دست راستش می دهند و رهایی از آتش و عبور بر صراط و ایمنی از عذاب را برای او می نویسند و بدون حساب وارد بهشت می شود و در بهشت ، از همنشینان پیامبران و صدّیقان و شهیدان و صالحان قرار داده می شود و آنان چه نیکو همنشینانی اند!765.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:مستحب است در آن شب صد رکعت نماز خوانده شود ، در هر رکعت: یک بار «حمد» و ده بار سوره «قل هو اللّه أحد».

.

د تأكيدُ زِيارَهِ الإمامِ الحُسَينِ766.الإمام الباقر عليه السلام :الإمام الرضا عليه السلام :وَليَحرِص مَن زارَ الحُسَينَ عليه السلام فى شَهرِ رَمَضانَ أن لايَفوتَهُ لَيلَهُ الجُهَنِيِّ عِندَهُ ، وهِىَ لَيلَهُ ثَلاثٍ وعِشرينَ ؛ فَإنَّهَا اللَّيلَهُ المَرجُوَّهُ . (1)765.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الجواد عليه السلام :مَن زارَ الحُسَينَ عليه السلام لَيلَهَ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ وهِىَ اللَّيلَهُ الَّتى يُرجى أن تَكونَ لَيلَهَ القَدرِ ، وفيها يُفرَقُ كُلُّ أمرٍ حَكيمٍ ، صافَحَهُ روحُ أربَعَهٍ وعِشرينَ ألفِ مَلَكٍ ونَبِيٍّ ، كُلُّهُم يَستَأذِنُ اللّهَ فى زِيارَهِ الحُسَينِ عليه السلامفى تِلكَ اللَّيلَهِ . (2)وانظر : ص 836 (آداب ليله القدر المشتركه / زياره الإمام الحسين) .

ه قِراءَهُ سورَهِ العَنكَبوتِ وَالرّومِ وَالدُّخانِ766.امام باقر عليه السلام :الإمام الصادق عليه السلام لِأبى بَصيرٍ :مَن قَرَأ سورَتَيِ : العَنكَبوتِ ، وَالرّوم فى شَهرِ رَمَضانَ فى لَيلَهِ ثَلاثٍ وعِشرينَ ، فَهُوَ وَاللّهِ يا أبا مُحَمَّدٍ مِن أهلِ الجَنَّهِ لا أستَثنى فيهِ أبَداً ، ولا أخافُ أن يَكتُبَ اللّهُ عَلَىَّ فى يَمينى إثماً ، وإنَّ لِهاتَينِ السّورَتَينِ مِنَ اللّهِ مَكاناً . (3)767.رسول اللّه صلى الله عليه و آله (فى صِفَهِ المثرمِ بنِ رغيبِ بنِ الشَّيقبان {-1-) الإقبال :ومِنَ الزِّياداتِ لَيلَهَ ثَلاثٍ وعِشرينَ : قِراءَهُ سورَهِ «الدُّخانِ» فيها وفى كُلِّ لَيلَهٍ ... . (4)وانظر : ص 860 ، ح 753 .

.

1- .الإقبال : 1 / 358 عن أحمد بن محمّد بن أبى نصر ، بحارالأنوار : 98 / 151 / 4 .
2- .الإقبال : 1 / 383 عن عبدالعظيم الحسنىّ ، بحارالأنوار : 98 / 166 / 4 .
3- .تهذيب الأحكام : 3 / 100 / 261 ، ثواب الأعمال : 136 / 1 ، المقنعه : 313 ، مصباح المتهجّد : 577 وص 628 كلّها عن أبى بصير ، الإقبال : 1 / 381 ، بحارالأنوار : 97 / 19 / 42 و ج 98 / 165 .
4- .الإقبال : 1 / 386 ، بحارالأنوار : 98 / 168 / 5 .

د تأکید بر زیارت امام حسین علیه السلام

ه خواندن سوره های عنکبوت ، روم و دُخان

د تأکید بر زیارت امام حسین علیه السلام564.عنه صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام:کسی که در ماه رمضان ، امام حسین علیه السلام را زیارت می کند ، مواظب باشد که نزد قبر آن امام بودن را در شب جُهَنی ، از دست ندهد ، و آن ، شب بیست و سوم است؛ شبی که امید است شب قدر باشد.560.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام جواد علیه السلام:هر کس در شب بیست و سوم ماه رمضان ، امام حسین علیه السلامرا زیارت کند همان شبی که امید است شب قدر باشد و در آن شب ، هر کار حکمت آمیزی فیصله می یابد روح های بیست و چهار هزار فرشته و پیامبر با او مصافحه می کنند ، که همگی از خداوندْ اذن می گیرند که آن شب ، حسین علیه السلامرا زیارت کنند.ر . ک : ص 837 (آداب مشترک شب قدر / زیارت امام حسین علیه السلام) .

ه خواندن سوره های عنکبوت ، روم و دُخان561.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام خطاب به ابو بصیر :هر کس دو سوره عنکبوت و روم را در ماه رمضان ، در شب بیست و سوم بخواند ، به خدا قسم ای ابو محمّد او از اهل بهشت است و هرگز در این سخن استثنا نمی کنم و نمی ترسم که خداوند ، در این سوگند گناهی بر من بنویسد. این دو سوره نزد خداوند ، جایگاهی والا دارند.562.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال:و از اعمال افزون در شب بیست و سوم ، خواندن سوره دُخان در آن شب و در هر شب است... .ر . ک : ص 861 ، ح 753 .

.

و قِراءَهُ سورَهِ القَدرِ ألفَ مَرَّهٍ563.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :السیّد ابن طاووس قدس سره فی الإقبال :ومِنَ القِراءَهِ فیها سورَهُ : «إِنّآ أَنزَلْنَهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ» ألفَ مَرَّهٍ ، وقَد تَقَدَّمَت رِوایَهٌ لِذلِکَ فی اللَّیلَهِ الأُولی عُموماً فِی الشَّهرِ کُلِّهِ .

ورُوِّینا تَخصیصَ قِراءَتِها فی هذِهِ اللَّیلَهِ بِعِدَّهِ طُرُقٍ إلی مَولانا أبی عَبدِاللّهِ علیه السلامقالَ : «لَو قَرَأَ رَجُلٌ لَیلَهَ ثَلاثٍ وعِشرینَ مِن شَهرِ رَمَضانَ : «إِنّآ أَنزَلْنَهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ» ألفَ مَرَّهٍ ، لَأَصبَحَ وهُوَ شَدیدُ الیَقینِ بِالاِعتِرافِ بِما یَختَصُّ فِینا ، وما ذاکَ إلاّ لِشَیءٍ عایَنَهُ فی نَومِهِ» . (1)564.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :إذا کانَت لَیلَهُ ثَلاثٍ وعِشرینَ فَاقرَأ : «إِنّآ أَنزَلْنَهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ» ألفَ مَرَّهٍ ، وَاقرَأ سورَهَ «العَنکَبوتِ» ، وَ«الرّومِ» مَرَّهً واحِدَهً . (2)وانظر : ص 794 (طرق معرفه لیله القدر / قراءه سوره القدر کلّ لیله من رمضان ألف مرّه) .

ز الدُّعاءُ لِصاحِبِ الأَمرِ565.عنه صلی الله علیه و آله :مصباح المتهجّد عن محمّد بن عیسی بإسناده عن الصالحین علیهم السلام: تُکَرِّرُ فی لَیلَهِ ثَلاثٍ وعِشرینَ مِن شَهرِ رَمَضانَ هذَا الدُّعاءَ ساجِداً وقائِماً وقاعِداً وعَلی کُلِّ حالٍ ، وفِی الشَّهرِ کُلِّهِ ، وکَیفَ ما أمکَنَکَ ومَتی حَضَرَ مِن دَهرِکَ . تَقولُ بَعدَ تَمجیدِ اللّهِ تَعالی وَالصَّلاهِ عَلَی النَّبِیِّ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله :

اللّهُمَّ کُن لِوَلِیِّکَ فُلانِ بنِ فُلانٍ فی هذِهِ السّاعَهِ وفی کُلِّ ساعَهٍ وَلِیّاً وحافِظاً ، وقائِداً وناصِراً ، ودَلیلاً وعَیناً حَتّی تُسکِنَهُ أرضَکَ طَوعاً ، وتُمَتِّعَهُ فیها طَویلاً . (3) .

1- .الإقبال : 1 / 382 ، مصباح المتهجّد : 628 ، تهذیب الأحکام : 3 / 100 / 262 وفیه «یخصُّ به» بدل «یختصّ» ، المقنعه : 313 والثلاثه الأخیره من «لو قرأ رجل ...» وعن أبی یحیی الصنعانی عن الإمام الصادق علیه السلام .

2- .تهذیب الأحکام : 3 / 100 / 260 عن مرازم عن رجل ، مصباح المتهجّد : 577 من دون إسناد إلی المعصوم .

3- .مصباح المتهجّد : 630 / 709 ، الکافی : 4 / 161 / 4 ، تهذیب الأحکام : 3 / 103 / 265 وفیه «الصادقین» بدل «الصالحین» وکلاهما نحوه ، المزار الکبیر : 611 ، فلاح السائل : 113 / 53 ، مختصر بصائر الدرجات :

193 ، المصباح للكفعمى : 779 وفيه «محمّد بن الحسن المهدى» بدل «فلان بن فلان» .

و خواندن هزار بار سوره قدر

ز دعا برای امام زمان علیه السلام

و خواندن هزار بار سوره قدر566.عنه صلی الله علیه و آله :سیّد ابن طاووس در الإقبال :از قرائت قرآن در این شب [قرائتِ]هزار بار سوره «إنّا أنزلناه» است. روایتی برای این ، در شب اوّل ، به صورت کلّی (برای همه ماه) گذشت.

اختصاص خواندن این سوره در این شب نیز با سندهای چندی از امام صادق علیه السلامبرای ما روایت شده است ، که فرمود: «اگر کسی در شب بیست و سوم ماه رمضان ، هزار بار سوره إنّا أنزلناه بخواند ، صبح خواهد کرد ، در حالی که یقین او ، با اعتراف به آنچه مخصوص ماست ، استوار خواهد بود و این نیست ، مگر به سبب آنچه در خواب خود می بیند».567.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:چون شب بیست و سوم شود ، هزار بار سوره «إنّا أنزلناه» بخوان و یک بار سوره عنکبوت و یک بار سوره روم را بخوان.ر . ک : ص 795 (راه های شناخت شب قدر / هزار بار خواندن سوره قدر در هر شب ماه رمضان) .

ز دعا برای امام زمان علیه السلام568.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (لِمُعاذٍ لَمّا بَعَثَهُ إلَی الیَمَنِ) مصباح المتهجّد به نقل از محمّد بن عیسی ، با سند خویش از امامان علیهم السلام : در شب بیست و سوم ماه رمضان ، این دعا در حال سجود ، ایستاده ، نشسته و در هر حال و در همه ماه و هر گونه و هر وقت از روزگارت که ممکن شود ، مکرّر خوانده می شود. پس از ستایش خدای متعال و درود بر پیامبر ، محمّد صلی الله علیه و آله ، می گویی :

«خداوندا! در این ساعت و در هر ساعت ، برای ولیّ خود ، فلانی پسر فلانی ، سرپرست و نگهبان و پیشوا و یاور و راهنما و چشم باش ، تا آن که او را در زمین خود ، با اطاعت و رغبت مردم ساکن سازی و وی را در آن به مدّت طولانی بهره مند گردانی !».

768.رسول اللّه صلى الله عليه و آله عن جَبرَئيل عليه االإقبال عن محمّد بن عيسى بن عبيد بإسناده عن الصالحين عليهم السلام: كَرِّر فى لَيلَةِ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ قائِماً وقاعِداً وعَلى كُلِّ حالٍ وَالشَّهرِ كُلِّهِ ، وكَيفَ أمكَنَكَ ، ومَتى حَضَرَكَ فى دَهرِكَ ، تَقولُ بَعدَ تَمجيدِ اللّهِ تَعالى وَالصَّلاهِ عَلَى النَّبِيِّ وآلِهِ عليهم السلام:

اللّهُمَّ كُن لِوَلِيِّكَ القائِمِ بِأَمرِكَ الحُجَّهِ مُحَمَّدِ بنِ الحَسَنِ المَهدِيِّ عَلَيهِ وعَلى آبائِهِ أفضَلُ الصَّلاهِ وَالسَّلامِ ، فى هذِهِ السّاعَهِ ، وفى كُلِّ ساعَهٍ ، وَلِيّاً وحافِظاً ، وقائِداً وناصِراً ، ودَليلاً ومُؤَيِّداً حَتّى تُسكِنَهُ أرضَكَ طَوعاً ، وتُمَتِّعَهُ فيها طولاً وعَرضا ، وتَجعَلَهُ وذُرِّيَّتَهُ مِنَ الأَئِمَّهِ الوارِثينَ .

اللّهُمَّ انصُرهُ وَانتَصِر بِهِ ، وَاجعَلِ النَّصرَ مِنكَ لَهُ وعَلى يَدِهِ ، وَالفَتحَ عَلى وَجهِهِ ، وَلا تُوَجِّهِ الأمرَ إلى غَيرِهِ .

اللّهُمَّ أظهِر بِهِ دينَكَ ، وسُنَّهَ نَبِيِّكَ حَتّى لايَستَخفِىَ بِشَىءٍ مِنَ الحَقِّ مَخافَهَ أحَدٍ مِنَ الخَلقِ .

اللّهُمَّ إنّي أرغَبُ إلَيكَ فى دَولَهٍ كَريمَهٍ تُعِزُّ بِهَا الإسلامَ وأهلَهُ ، وتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وأهلَهُ،وتَجعَلُنا فيها مِنَ الدُّعاهِ إلى طاعَتِكَ وَالقادَهِ إلى سَبيلِكَ، وآتِنا فِى الدُّنيا حَسَنَهً ، وفِى الآخِرَهِ حَسَنَهً ، وقِنا عَذابَ النّارِ . وَاجمَع لَنا خَيرَ الدّارَينِ،وَاقضِ عَنّا جَميعَ ما تُحِبُّ فيهِما ، وَاجعَل لَنا فى ذلِكَ الخِيَرَهَ بِرَحمَتِكَ ومَنِّكَ فى عافِيَهٍ ، آمينَ رَبَّ العالَمينَ ، وزِدنا مِن فَضلِكَ ويَدِكَ المَلأى ؛ فَإِنَّ كُلَّ مُعطٍ يَنقُصُ مِن مُلكِهِ ، وعَطاؤُكَ يَزيدُ فى مُلكِكَ . (1) .

1- .الإقبال : 1 / 191 ، بحارالأنوار : 97 / 349 .

767.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در توصیف مَثرم بن رغیب بن شَیقبان) الإقبال به نقل از محمّد بن عیسی بن عبید ، با سند خویش از معصومان علیهم السلام : در شب بیست و سوم ماه رمضان ، ایستاده ، نشسته و در هر حال و در همه ماه و هر گونه که بتوانی و هر وقت از عمر خویش که پیش آمد ، پس از ستایش خداوند و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او ، این دعا را مکرّر بخوان :

«خداوندا ! در این ساعت و در هر ساعت ، برای ولیّ خودت ، قیام کننده به فرمانت ، [حضرت] حجّت ، محمّد بن حسن مهدی که برترین درود و سلام بر او و پدرانش باد سرپرست و نگهبان و پیشوا و یاور و راهنما و پشتیبان باش ، تا آن که او را با اطاعت و رغبت ، ساکن زمین خودت گردانی و او را در روی زمین به درازا و پهنا بهره مند سازی و او و نسل او را از امامانِ ارث برنده (میراث دار زمین) گردانی !

خداوندا ! او را یاری کن و با او مدد برسان و یاری خود را برای او و به دست او ، و پیروزی را برابر او قرار بده و کار را به جز او بر مگردان !

خداوندا ! به سبب او ، دین خودت و سنّت پیامبرت را آشکار و چیره گردان ، تا آن که از بیم هیچ یک از مردم ، چیزی از حق را پوشیده ندارد.

خداوندا ! من به پیشگاه تو مشتاقم ، درباره دولت کریمی که با آن اسلام و مسلمانان را عزّت بخشی و نفاق و منافقان را خوار سازی و در آن دولت ، ما را از دعوتگران به فرمان بُرداری ات و پیشوایان به راهت ، قرار دهی. به ما در دنیا نیکی ، و در آخرت ، نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش ، نگه دار و خیر دو سرا را برای ما فراهم آور و از سوی ما ، هر چه را در دنیا و آخرت دوست داری ، ادا کن و بهترین برگزیده ها را با رحمت و احسانت همراه با عافیت برای ما در آن قرار بده آمین ، ای پروردگار جهانیان ! و از احسان و دست پر کَرَم خویش بر ما بیفزای؛ چرا که هر بخشنده ای از فرمان روایی اش کاسته می شود ، امّا بخشش تو فرمان روایی ات را می افزاید !». .

اشاره

4 / 4فَضلُ يَومِ القَدرِ وأدَبُهُ768.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (به نقل از جبرئيل عليه السلام) الإقبال عن هشام بن الحكم عن الإمام الصادق عليه السلام :«يَومُها مِثلُ لَيلَتِها» ، يَعنى : لَيلَةِ القَدرِ . (1)769.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :لَيلَةُ القَدرِ فى كُلِّ سَنَةٍ ، ويَومُها مِثلُ لَيلَتِها . (2)770.عنه صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :صَبيحَةُ يَومِ لَيلَةِ القَدرِ مِثلُ لَيلَةِ القَدرِ ؛ فَاعمَل وَاجتَهِد . (3)تعليققالَ السيّدُ ابنُ طاووسَ قدس سره : «وَاعلَم أنَّ الرِّوايةَ وَردت مِن عدّةِ جهاتٍ عَنِ الصّادقينَ عَنِ اللّهِ جلَّ جَلالُه عَليهم أفضلُ الصَّلواتِ أنَّ يومَ ليلةِ القَدرِ مِثلُ لَيلتهِ ؛ فإيّاكَ أن تُهَوِّنَ بنهارِ تِسعَ عَشرَةَ ، أو إحدى وعِشرينَ ، أو ثَلاثٍ وعِشرينَ ، وتَتَّكلَ على ما عَمِلتَه فى لَيلتِها وتَستَكثرَه لمولاكَ ، وأنتَ غافلٌ عَن عظيمِ نِعمتهِ ، وحقوقِ ربوبيّتهِ . وكُن فى هذهِ الأيَّامِ الثلاثهِ المعظَّماتِ على أبلغِ الغاياتِ ، فى العِباداتِ والدَّعواتِ ، واغتنامِ الحَياهِ قبلَ المَماتِ . أقولُ : والمهمُّ مِن هذهِ اللَّيالى فى ظاهرِ الرواياتِ عَن الطّاهرينَ ما قَدَّمناهُ مِن التَّصريحِ أنّ ليلَه القَدرِ لَيلهُ ثلاثٍ وعِشرينَ ؛ فلا تُهمِل يَومَها» . (4)

وانظر : ص 364 ، ح 488 .

.

1- .الإقبال : 1 / 351 عن هشام بن الحكم ، بحارالأنوار : 98 / 149 .
2- .تهذيب الأحكام : 4 / 331 / 1033 ، الإقبال : 1 / 351 كلاهما عن هشام بن الحكم ، بحارالأنوار : 98 / 121 / 1 .
3- .الأمالى للصدوق : 751 / 1009 ، بحارالأنوار : 97 / 11 / 16 .
4- .الإقبال : 1 / 350 .

بیان

4 / 4فضیلت و آداب روز قدر771.عنه صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از هشام بن حکم ، از امام صادق :روزِ شب قدر ، مثل شب قدر است.772.عنه صلی الله علیه و آله (فی وَصِیَّتِهِ لِعَبدِاللّه ِ بنِ مَسعودٍ) امام صادق علیه السلام:شب قدر ، در هر سال ، هست و روز شب قدر ، مثل شب قدر است.773.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:صبح روز شب قدر ، مثل شب قدر است. پس ، عمل و تلاش کن.بیانسیّد ابن طاووس رحمه الله گوید: بدان که روایت ، با سندهایی چند از امامان راستگو که برترینِ درودهای خداوند بر آنان باد از خدای متعال نقل شده است که: «روز شب قدر ، مثل شب قدر است». پس مبادا روز نوزدهم یا بیست و یکم یا بیست و سوم را ناچیز بشماری و به آنچه در این سه شب انجام داده ای ، بسنده کنی و آن را نزد خدای خود زیاد به حساب آوری، در حالی که از نعمت بزرگ و حقوق پروردگاری اش غافل باشی ! در این سه روز بزرگ و ارجمند ، بیشترین تلاش را در مورد: عبادت ها، دعاها و غنیمت شمردن زندگی پیش از فرا رسیدن مرگ ، داشته باش. می گویم: بنا به ظاهر روایاتی که از معصومان علیهم السلام نقل شده ، مهم در این شب ها ، همان است که به آن تصریح کردیم که: شب قدر ، شب بیست وسوم است. پس، درباره روزِ این شب، کوتاهی مکن.

ر . ک : ص 365 ، ح 488.

.

ص: 866

..

اشاره

بخش پنجم : آداب بیرون آمدن از میهمانی خدا

.

ص: 868

..

مهم ترین آداب

مهم ترین آدابمهم ترینِ آدابِ بیرون آمدن از میهمان سرای الهی در ماه رمضان ، در این جا آشکار می شود که روزه دار به خویش بنگرد و در واپسین لحظه های این ماه ، خود را ارزیابی کند که تا چه اندازه به هدف این میهمانی الهی نزدیک شده است؟ آیا احساس می کند که به یک دگرگونی معنوی دست یافته است ، یا در همان نقطه ای مانده که در آغاز ماه رمضان بوده است؟ سیّد ابن طاووس رحمه الله ، در این زمینه ، ضمن بیان اعمال روز آخر ماه رمضان ، می گوید: و از آن جمله است: ارزیابی پرونده اعمالت از اوّل ماه تا آخرین روز آن و پیش از سپری گشتن آن... . پس بنگرد که هنگام ورود به میهمان سرای الهی و حضور در پیشگاه او ، چگونه بوده است و معرفت های خویش را نسبت به خداوند متعال و پیامبرش و ویژگانِ درگاهش و نیز مهم ترین کارهایی را که از تکالیف دنیوی و بزرگداشت های اخروی اوست ، ارزیابی کند . [نیز بنگرد که] آیا شناخت او نسبت به اینها و علاقه و اشتیاق و روی آوردنش به اینها و نشاط و کشش او به سوی اینها افزوده

.

شده است ، یا حال او در کوتاهی و تدبیر ناشایست ، مثل آغاز ماه است؟ و همچنین آیا نسبت به تدبیر الهی ، در همه کارهایش حالت «رضا» داشته است؟ یا گاهی راضی بوده و گاهی از انتخاب خداوند در تدبیر کارش ، ناخرسند بوده است؟ و [بنگرد] که توکّلش بر خدای متعال چگونه بوده است؟ آیا نهایت آرامش و قرار به آستان مولای خویش را داشته ، یا در تکیه کردن به خدا ، گاهی نیازمند تکیه کردن به غیر خدا بوده و وابستگی های دنیایی اش را داشته است؟ و [بنگرد که] سپردن کارها به سررشته دار کارش چگونه بوده و چگونه به آگاهی خداوند از رازهای نهانش مراقبت داشته و در نهان و آشکارش ، چگونه با خداوند همدم بوده است؟ و نیز اطمینانش به وعده های خدای متعال و باورش به انجام گرفتن آن وعده ها چگونه بوده است؟ نیز برگزیدن خدای متعال بر غیر خدا به وسیله او چگونه بوده است؟ و [بنگرد که] محبّتش به خداوند ، خواستش برای نزدیک شدن به خداوند ، و کوششش در جلب رضای خداوند چگونه بوده است؟ و نیز اشتیاقش به رها شدن از سرای آزمون و رسیدن به منزلگاه های ایمنی از جفا ، چه سان بوده است؟ و [بنگرد که] آیا از انجام دادن تکلیف ، احساس سنگینی می کرده ، یا آن را از بزرگ ترین شرافت ها می دانسته است؟ نیز نسبت به آنچه خداوند ، ناپسند دانسته (مثل: غیبت ، دروغ ، سخن چینی ، حسد ، ریاست طلبی و هر چه او را از صاحب دنیا و آخرتش باز می دارد) ، چه حالتی داشته و چگونه آنها را ناپسند می شمرده است؟ و جز اینها [را نیز بنگرد] ، از جمله ، بیماری های دینی ای که برای

.

برخی از انسان ها، گاهی از اوقات ، پیش می آید ، چگونه برای بهبود هر یک از این بیماری ها خدا را سپاس گفته و برای ادای حقّ نعمت پروردگار متعال و خوبی و احسان او اقدام کرده است؟ و باید خوش حالی او از بهبود بیماری های دینی ، مهم تر از بهبود بیماری های بدنی باشد و شادمانی او کامل تر از شادی اش برای دست یافتن به ثروت درهم و دینار باشد تا نشان تصدیقِ وجود تفاوت بین بهره وری از دنیای ناپایدار و آخرت ماندگار باشد. می گوَیم: پس اگر دید که چیزی از بیماری ها و نیّت های بد او ، همچنان بر جای مانده و درمان این ماه با عبادتش ، سودی نکرده است ، پس بداند که گناه ، از ناحیه خود اوست و بلا از سوی خودش است. پس ، در پیشگاه خداوند که مولای اوست بگرید و برای از بین بردن آن ، از رحمت خداوند ، مدد بخواهد. (1)

.

1- .الإقبال : 1 / 448 .

الفصل الأوّل : وداع شهر رمضان1 / 1وَداعُ الشَّهرِ فى آخِرِ جُمُعَهٍ مِنهُ776.عنه صلى الله عليه و آله :فضائل الأشهر الثلاثه عن جابر بن عبد اللّه الأنصارى :دَخَلتُ عَلى رَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آلهفى آخِرِ جُمُعَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، فَلَمّا بَصُرَ بى ، قالَ لى : «يا جابِرُ ، هذا آخِرُ جُمُعَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، فَوَدِّعهُ وقُل :

اللّهُمَّ لا تَجعَلهُ آخِرَ العَهدِ مِن صِيامِنا إيّاهُ ، فَإِن جَعَلتَهُ فَاجعَلنى مَرحوماً ، ولا تَجعَلنى مَحروماً .

فَإِنَّهُ مَن قالَ ذلِكَ ظَفِرَ بِإِحدَى الحُسنَيَينِ ، إمّا بِبُلوغِ شَهرِ رَمَضانَ [مِن قابِلٍ] ، (1) وإمّا بِغُفرانِ اللّهِ ورَحمَتِهِ» . (2)1 / 2وَداعُ الشَّهرِ فى آخِرِ لَيلَهٍ مِنهُ777.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال :اِعلَم أنَّ وَقتَ الوَداعِ لِشَهرِ الصِّيامِ رَوَيناهُ عَن أحَدِ الأئِمَّهِ عَلَيهِم أفضَلُ السَّلامِ مِن كِتابٍ فيهِ مَسائِلُ جَماعَهٍ مِن أعيانِ الأصحابِ ، وقَد وَقَّعَ عليه السلامبَعدَ كُلِّ مَسأَلَهٍ بِالجَوابِ ، وهذا لَفظُ ما وَجَدناهُ :

وَداعُ (3) شَهرِ رَمَضانَ مَتى يَكونُ؟ فَقَدِ اختَلَفَ أصحابُنا فَبَعضُهُم قالَ : هُوَ فى آخِرِ لَيلَهٍ مِنهُ ، وبَعضُهُم قالَ : هُوَ فى آخِرِ يَومٍ مِنهُ ، إذا رُئِىَ هِلالُ شَوّالٍ .

الجَوابُ : «العَمَلُ فى شَهرِ رَمَضانَ فى لَياليهِ ، وَالوَداعُ يَقَعُ فى آخِرِ لَيلَهٍ مِنهُ ، فَإِن خافَ أن يَنقُصَ الشَّهرُ جَعَلَهُ فى لَيلَتَينِ» . (4) .

1- .أثبتنا ما بين المعقوفين من الإقبال .
2- .فضائل الأشهر الثلاثه : 139 / 149 ، الإقبال : 1 / 422 ، بحارالأنوار : 98 / 172 / 1 .
3- .فى المصدر : «من وداع» ، وحذفنا «من» طبقاً لبحار الأنوار .
4- .الإقبال : 1 / 421 ، الغيبه للطوسى : 377 / 345 ، الاحتجاج : 2 / 567 / 354 كلاهما عن محمّد بن عبد اللّه بن جعفر الحميرى ممّا سأله عن الإمام المهدىّ عليه السلامفيما كتب إليه نحوه ، بحارالأنوار : 98 / 171 / 1 و ج 97 / 25 / 1 .

فصل یکم : وداع با ماه رمضان

1 / 1 وداع با ماه در آخرین جمعه آن

1 / 2 وداع با ماه در آخرین شب آن

فصل اوّل : وداع با ماه رمضان1 / 1وداع با ماه در آخرین جمعه آن778.عنه صلی الله علیه و آله :فضائل الأشهر الثلاثه به نقل از جابر بن عبد اللّه انصاری :در آخرین جمعه ماه رمضان ، خدمت پیامبر خدا رسیدم. چون مرا دید ، به من فرمود: «ای جابر! این آخرین جمعه ماه رمضان است. با آن خداحافظی کن و بگو:

خداوندا! آن را آخرین روزه داریِ ما در این ماه قرار مده ، و اگر چنین قرار دادی ، مرا آمرزیده قرار بده و محرومم مگردان!.

هر کس چنین بگوید ، به یکی از دو نیکی می رسد: یا به ماه رمضان آینده می رسد ، یا به آمرزش و رحمت خدا نایل می شود».1 / 2وداع با ماه در آخرین شب آن779.عنه صلی الله علیه و آله :الإقبال:بدان که وقت وداع با ماه روزه را از یکی امامان علیهم السلام ، از کتابی که در آن سؤال های گروهی از بزرگان اصحاب است ، روایت کرده ایم. امام علیه السلام پس از سؤال ، پاسخ را نگاشته است. عین لفظ آنچه یافته ایم ، این است:

«وداع با ماه رمضان ، کِی است؟ اصحاب ما اختلاف دارند. برخی گویند: در آخرین شب این ماه است. و بعضی گویند: در آخرین روز آن ، آن گاه که هلال شوّال دیده شود.

پاسخ : عمل در ماه رمضان ، در شب های آن است. وداع هم در آخرین شب آن است. پس اگر بیم دارد که ماه کم باشد ، در دو شب ، وداع کند».

.

780.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :إذا كانَتَ آخِرُ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، فَقُل :

اللّهُمَّ هذا شَهرُ رَمَضانَ الَّذى أنزَلتَ فيهِ القُرآنَ وقَد تَصَرَّمَ ، وأعوذُ بِوَجهِكَ الكَريمِ يا رَبِّ ، أن يَطلُعَ الفَجرُ مِن لَيلَتى هذِهِ أو يَتَصَرَّمَ شَهرُ رَمَضانَ ، ولَكَ قِبَلى تَبِعَةٌ أو ذَنبٌ تُريدُ أن تُعَذِّبَنى بِهِ يَومَ ألقاكَ . (1)774.پیامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :مَن وَدَّعَ شَهرَ رَمَضانَ فى آخِرِ لَيلَةٍ مِنهُ وقالَ :

اللّهُمَّ لاتَجعَلهُ آخِرَ العَهدِ مِن صِيامى لِشَهرِ رَمَضانَ ، وأعوذُ بِكَ أن يَطلُعَ فَجرُ هذِهِ اللَّيلَةِ إلاّ وقَد غَفَرتَ لى .

غَفَرَ اللّهُ تَعالى لَهُ قَبلَ أن يُصبِحَ ورَزَقَهُ الإِنابَةَ إلَيهِ . (2)775.پیامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإقبال :رُوِىَ أَنَّهُ يَقرَأُ آخِرَ لَيلَةٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ سورَةَ «الأَنعامِ» ، و«الكَهفِ» ، و«يس» ، ويَقولُ مِئَةَ مَرَّةٍ : «أستَغفِرُ اللّهَ وأتوبُ إلَيهِ» . (3) .

1- .الكافى : 4 / 164 / 5 عن عمّار بن موسى .
2- .الإقبال : 1 / 436 ، بحارالأنوار : 98 / 181 / 2 .
3- .الإقبال : 1 / 419 ، بحارالأنوار : 98 / 74 .

776.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:چون آخرین شب ماه رمضان شود ، بگو:

«خداوندا ! این ماه رمضان که در آن قرآن را نازل کرده ای ، سپری شد . پروردگارا ! به ذات بزرگوار تو پناه می برم از این که سپیده این شب بر من بدمد یا ماه رمضان به پایان رسد و تو را پیش من ، کیفر یا گناهی مانده باشد که بخواهی مرا در روزی که تو را دیدار می کنم ، به سبب آن ، عذاب کنی».777.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:هر کس در شب آخر ماه رمضان ، با آن وداع کند و بگوید :

«خداوندا ! این ماه را آخرین روزه داریِ من در ماه رمضان قرار مده ! پناه به تو می برم از این که سپیده این شب بدمد ، مگر آن که مرا آمرزیده باشی» ، خداوند متعال پیش از صبح ، او را می آمرزد و توفیق توبه به درگاهش به او روزی می کند.778.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال:روایت شده که [روزه دار ،] در آخرین شب ماه رمضان ، سوره های «انعام» ، «کهف» و «یس» را بخواند و صد بار بگوید: «أستغفراللّه و أتوب إلیه». .

ص: 876

.

1 / 3سیره امام سجّاد در آخرین شب آن780.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:چون ماه رمضان وارد می شد ، امام علی بن الحسین علیهماالسلامغلام و کنیز خود را تنبیه نمی کرد و اگر غلام و کنیز ، خطا و نافرمانی می کردند ، پیش خود می نوشت: «فلان غلام و فلان کنیز در فلان روز و فلان وقت ، گناه کرد» و او را تنبیه نمی کرد و تنبیه آنان را نگه می داشت ، تا آن که آخرین شب ماه رمضان می شد. [پس ،] همه را صدا می کرد و دور خودش جمع می نمود. سپس آن نوشته را بیرون می آورد و می فرمود: «فلانی ! چنین و چنان کردی و من تو را تنبیه نکردم. آیا به یاد داری؟».

می گفت: آری ، ای پسر پیامبر خدا !

تا آن که به آخرین نفر می رسید و از همه اعتراف می گرفت. سپس میان آنان می ایستاد و به آنان می فرمود: «با صدای بلند بگویید: ای علی بن الحسین ! خداوند ، همه کارهایت را زیر نظر داشته است ، آن گونه که تو کارهای ما را زیر نظر داشته ای. نزد او نوشته ای است که به حق بر تو گواهی می دهد و هیچ کار کوچک و بزرگی را که کرده ای ، فروگذار نمی کند و همه را حسابرسی می کند و هر کاری را که کرده ای ، نزد او حاضر می یابی ، همان گونه که ما هر چه را کرده ایم، نزد تو حاضر یافتیم. پس ، عفو کن و درگذر ، همچنان که تو از خدای بزرگ ، انتظار عفو داری و دوست داری که آن فرمان روا از تو درگذرد. پس ، از ما درگذر تا او را بخشاینده بیابی که او به تو مهربان و آمرزنده است و پروردگارت به کسی ستم نمی کند. همان گونه که نزد تو نوشته ای است که بر ضدّ ما به حق گواهی می دهد و هر کار ریز و درشتی را که انجام داده ایم ، بر شمرده است. پس ، ای علی بن الحسین ! به یادآور خواری ایستادنت را در برابر پروردگارت ، آن داور دادگر که به اندازه سنگینیِ خردلی به کسی ظلم نمی کند و آن را روز قیامت می آورد و خداوند به عنوان حسابگر و گواه ، کافی است. پس ، عفو کن و در گذر تا خدای فرمان روا هم از تو در گذرد و ببخشاید؛ چرا که خودِ او می فرماید: « و باید عفو کنند و گذشت نمایند. آیا دوست ندارید که خداوندْ شما را بیامرزد؟» ».

امام سجّاد علیه السلام این سخنان را درباره خود بلند می گفت و به آن غلامان تلقین می کرد. آنان نیز همراه وی هم صدا می شدند ، در حالی که وی میان آنان ایستاده بود و گریه و زاری می کرد و می گفت:

«خدایا ! ما را دستور داده ای که از هر که بر ما ستم کرده ، درگذریم. ما به خودمان ستم کرده ایم. ما از آن که بر ما ستم کرده ، گذشتیم ، آن گونه که تو فرمان دادی. پس ، تو هم از ما در گذر که تو به بخشایش ، سزاوارتر از ما و فرمانبرانی. تو ما را فرمان دادی که درخواست کننده ای را از درِ خود نرانیم. اینک ، ما به درگاه تو آمده ایم و سائلانی بینواییم و در آستان تو ، به خاک افتاده ایم و خواستار بخشش و احسان و عطای توییم. پس با عطای خود بر ما منّت بگذار و محروممان مکن ، که تو بر این ، از ما و فرمانبران ، سزاوارتری !

خدایا ! تو بزرگواری ، پس مرا گرامی بدار ؛ چون از خواهندگان درگاه تو ام ، و احسان خویش را عطا می کنی ، پس مرا هم به بهره مندان از احسانت بیامیز ، ای بزرگوار !».

سپس رو به آنان می کرد و می فرمود: «من شما را بخشیدم. آیا شما هم از من و از بدرفتاری من با خودتان درگذشتید؟ من مالک بدی هستم. فرومایه و ستمگرم. برده مالکی هستم که بزرگوار و بخشنده و دادگر و نیکوکار و اهل احسان است».

می گفتند: سرورا ! از تو درگذشتیم. تو بدی نکرده ای !

پس به آنان می فرمود: «بگویید: خدایا ! از علی بن الحسین درگذر ، آن گونه که او از ما گذشت. او را از آتشْ آزاد کنْ ، آن گونه که ما را از بردگی رهانید».

آنان نیز چنین می گفتند .

پس می فرمود: «خدایا ، ای پروردگار جهانیان ! اجابت کن. بروید ، شما را بخشودم و آزادتان کردم ، به امید آن که [خداوند] از من درگذرد و آزادم کند». پس ، آنان را آزاد می کرد.

روز عید فطر که می شد ، به آنان جایزه می داد که [آبروی] آنان را نگه دارد و از آنچه در دست مردم است ، بی نیازشان کند... .

1 / 4دُعاءُ الإمامِ زَينِ العابدينَ فى وَداعِ الشَّهرِ781.عنه صلى الله عليه و آله (فى حَوابِهِ لِسَعدٍ حينَ قالَ : يا رَسولَ اللّه) الإمامِ زين العابدين عليه السلام :اللّهُمَّ يا مَن لايَرغَبُ فِي الجَزاءِ ، ويا مَن لايَندَمُ عَلَى العَطاءِ ، ويا مَن لا يُكافِئُ عَبدَهُ عَلَى السَّواءِ ، مِنَّتُکَ ابتِداءٌ ، وعَفوُکَ تَفَضُّلٌ ، وعُقوبَتُکَ عَدلٌ ، وقَضاؤُکَ خِيَرَهٌ ، إن أعطَيتَ لَم تَشُب عَطاءَکَ بِمَنٍّ ، وإن مَنَعتَ لَم يَكُن مَنعُکَ تَعَدِّياً ، تَشكُرُ مَن شَكَرَکَ وأنتَ ألهَمتَهُ شُكرَکَ ، وتُكافِئُ مِن حَمدِکَ وأنتَ عَلَّمتَهُ حَمدَکَ .

تَستُرُ عَلى مَن لَو شِئتَ فَضَحتَهُ ، وتَجودُ عَلى مَن لَو شِئتَ مَنَعتَهُ ، وكِلاهُما أهلٌ مِنکَ لِلفَضيحَهِ وَالمَنعِ ، غَيرَ أنَّکَ بَنَيتَ أفعالَکَ عَلَى التَّفَضُّلِ ، وأجرَيتَ قُدرَتَکَ عَلَى التَّجاوُزِ ، وتَلَقَّيتَ مَن عَصاکَ بِالحِلمِ ، وأمهَلتَ مَن قَصَدَ لِنَفسِهِ بِالظُّلمِ ، تَستَنظِرُهُم بِأناتِکَ إلَى الإنابَهِ ، وتَترُکُ مُعاجَلَتَهُم إلَى التَّوبَهِ لِكَيلا يَهلِکَ عَلَيکَ هالِكُهُم ، ولايَشقى بِنِعمَتِکَ شَقِيُّهُم إلاّ عَن طولِ الإعذارِ إلَيهِ ، وبَعدَ تَرادُفِ الحُجَّهِ عَلَيهِ ، كَرَماً مِن عَفوِکَ يا كَريمُ ، وعائِدَهً مِن عَطفِکَ يا حَليمُ .

أنتَ الَّذى فَتَحتَ لِعِبادِکَ باباً إلى عَفوِکَ وسَمَّيتَهُ التَّوبَهَ ، وجَعَلتَ عَلى ذلِکَ البابِ دَليلاً مِن وَحيِکَ لِئَلاّ يَضِلّوا عَنهُ ، فَقُلتَ تَبارَکَ اسمُکَ : «تُوبُواْ إِلَى اللَّهِ تَوْبَهً نَّصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنكُمْ سَيِّ?اتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَرُ يَوْمَ لاَ يُخْزِى اللَّهُ النَّبِىَّ وَ الَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُو نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَنِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَآ إِنَّکَ عَلَى كُلِّ شَىْ ءٍ قَدِيرٌ » (1) فَما عُذرُ مَن أغفَلَ دُخولَ ذلِکَ المَنزِلِ بَعدَ فَتحِ البابِ ، وإقامَهِ الدَّليلِ .

وأنتَ الَّذى زِدتَ فِي السَّومِ عَلى نَفسِکَ لِعِبادِکَ تُريدُ رِبحَهُم فى مُتاجَرَتِهِم لَکَ ، وفَوزَهُم بِالوِفادَهِ عَلَيکَ وَالزِّيادَهِ مِنکَ ، فَقُلتَ تَبارَکَ اسمُکَ وتَعالَيتَ : «مَن جَآءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُو عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَن جَآءَ بِالسَّيِّئَهِ فَلاَ يُجْزَى إِلاَّ مِثْلَهَا» (2) وقلتَ : «مَّثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَ لَهُمْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِى كُلِّ سُنبُلَهٍ مِّاْئَهُ حَبَّهٍ وَاللَّهُ يُضَعِفُ لِمَن يَشَآءُ» (3) وقُلتَ : «مَّن ذَا الَّذِى يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَعِفَهُو لَهُو أَضْعَافًا كَثِيرَهً» (4) وما أنزَلتَ مِن نظائِرِهِنَّ فِى القُرآنِ مِن تَضاعيفِ الحَسَناتِ .

وأنتَ الَّذى دَلَلتَهُم بِقَولِکَ مِن غَيبِکَ وتَرغيبِکَ الَّذى فيهِ حَظُّهُم عَلى ما لَو سَتَرتَهُ عَنهُم لَم تُدرِکهُ أبصارُهُم ، ولَم تَعِهِ أسماعُهُم ، ولَم تَلحَقهُ أوهامُهُم ،

فَقلتَ : اذكُرونى أَذكُركُم وَاشكُرُوا لى ولا تَكفُرونِ (5) وقُلتَ : «لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِى لَشَدِيدٌ » (6) وقُلتَ : «ادْعُونِى أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِى سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ » (7) فَسَمَّيتَ دُعاءَکَ عِبادَةً وتَركَهُ استِكباراً ، وتَوَعَّدتَ عَلى تَركِهِ دُخولَ جَهَنَّمَ داخِرِينَ ، فَذَكَروکَ بِمَنِّکَ ، وشَكَروکَ بِفَضلِکَ ، ودَعَوکَ بِأمرِکَ ، وتَصَدَّقوا لَکَ طَلَباً لِمَزيدِکَ ، وفيها كانَت نَجاتُهُم مِن غَضَبِکَ ، وفَوزُهِم بِرِضاکَ .

ولَو دَلَّ مَخلوقٌ مَخلوقاً مِن نَفسِهِ عَلى مِثلِ الَّذى دَلَلتَ عَلَيهِ عِبادَکَ مِنکَ ، كانَ مَوصوفاً بِالإِحسانِ ، ومَنعوتاً بِالامتِنانِ ، ومَحموداً بِكُلِّ لِسانٍ ، فَلَکَ (8) الحَمدُ ما وُجِدَ فى حَمدِکَ مَذهَبٌ ، وما بَقِىَ لِلحَمدِ لَفظٌ تُحمَدُ بِهِ ، ومَعنىً يَنصَرِفُ إلَيهِ ، يا مَن تَحَمَّدَ إلى عِبادِهِ بِالإِحسانِ وَالفَضلِ ، وغَمَرَهُم بِالمَنِّ وَالطَّولِ ، ما أفشى فينا نِعمَتَکَ ، وأسبَغَ عَلَينا مِنَّتَکَ ، وأخَصَّنا بِبِرِّکَ ، هَدَيتَنا لِدينِکَ الَّذِى اصطَفَيتَ ، ومِلَّتِکَ الَّتِى ارتَضَيتَ ، وسَبيلِکَ الَّذى سَهَّلتَ ، وبَصَّرتَنَا الزُّلفَةَ لَدَيکَ ، وَالوُصولَ إلى كَرامَتِکَ .

اللّهُمَّ وأنتَ جَعَلتَ مِن صَفايا تِلکَ الوَظائِفِ ، وخَصائِصِ تِلکَ الفُروضِ شَهرَ رَمَضانَ الَّذى اختَصَصتَهُ مِن سائِرِ الشُّهورِ ، وتَخَيَّرتَهُ مِن جَميعِ الأزمِنَهِ وَالدُّهورِ ، وآثَرتَهُ عَلى كُلِّ أوقاتِ السَّنَهِ بِما أنزَلتَ فيهِ مِنَ القُرآنِ وَالنّورِ ، وضاعَفتَ فيهِ مِنَ الإيمانِ ، وفَرَضتَ فيهِ مِنَ الصِّيامِ ، ورَغَّبتَ فيهِ مِنَ القِيامِ ، وأجلَلتَ فيهِ مِن لَيلَهِ القَدرِ الَّتى هِىَ خَيرٌ مِن ألفِ شَهرٍ .

ثُمَّ آثَرتَنا بِهِ عَلى سائِرِ الأُمَمِ ، وَاصطَفَيتَنا بِفَضلِهِ دونَ أهلِ المِلَلِ ، فَصُمنا بِأمرِکَ نَهارَهُ ، وَقُمنا بِعَونِکَ لَيلَهُ مُتَعَرِّضينَ بِصِيامِهِ وقِيامِهِ لِما عَرَّضتَنا لَهُ مِن رَحمَتِکَ ، وتَسَبَّبنا إلَيهِ مِن مَثوبَتِکَ . وأنتَ المَلِىءُ بِما رُغِبَ فيهِ إلَيکَ ، الجَوادُ بِما سُئِلَت مِن فَضلِکَ ، القَريبُ إلى مَن حاوَلَ قُربَکَ .

وقَد أقامَ فينا هذَا الشَّهرُ مُقامَ حَمدٍ ، وصَحِبَنا صُحبَةَ مَبرورٍ ، وأربَحَنا أفضَلَ أرباحِ العالَمينَ ، ثُمَّ قَد فارَقَنا عِندَ تَمامِ وَقتِهِ وانقِطاعِ مُدَّتِهِ ، ووَفاءِ عَدَدِهِ ، فَنَحنُ مُوَدِّعوهُ وَداعَ مَن عَزَّ فِراقُهُ عَلَينا ، وغَمَّنا وأوحَشَنَا انصِرافُهُ عَنّا ، ولَزِمَنا لَهُ الذِّمامُ المَحفوظُ وَالحُرمَهُ المَرعِيَّهُ ، وَالحَقُّ المَقضِىُّ ، فَنَحنُ قائِلونَ :

السَّلامُ عَلَيکَ يا شَهرَ اللّهِ الأَكبَرَ ويا عيدَ أولِيائِهِ .

السَّلامُ عَلَيکَ يا أكرَمَ مَصحوبٍ مِنَ الأَوقاتِ ، ويا خَيرَ شَهرٍ فى الأَيّامِ وَالسّاعاتِ .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن شَهرٍ قَرُبَت فيهِ الآمالُ ، ونُشِرت فيهِ الأعمالُ .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن قَرينٍ جَلَّ قَدرُهُ مَوجوداً ، وأفجَعَ فَقدُهُ مَفقوداً ومَرجُوٍّ آلَمَ فِراقُهُ .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن أليفٍ آنَسَ مُقبِلاً فَسَرَّ ، وأوحَشَ مُنقَضِياً فَمَضَّ .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن مُجاوِرٍ رَقَّت فيهِ القُلوبُ ، وقَلَّت فيهِ الذُّنوبُ .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن ناصِرٍ أعانَ عَلَى الشَّيطانِ ، وصاحِبٍ سَهَّلَ سُبَلَ الإحسانِ .

السَّلامُ عَلَيکَ ما أكثَرَ عُتَقاءَ اللّهِ فيکَ ، وما أسعَدَ مَن رَعى حُرمَتَکَ بِکَ.

السَّلامُ عَلَيکَ ما كانَ أمحاکَ لِلذُّنوبِ وأستَرَکَ لِأَنواعِ العُيوبِ .

السَّلامُ عَلَيکَ ما كانَ أطولَکَ عَلَى المُجرِمينَ ، وأهيَبَکَ فى صُدورِ المُؤمِنينَ .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن شَهرٍ لا تُنافِسُهُ الأَيّامُ .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن شَهرٍ هُوَ مِن كُلِّ أمرٍ سَلامٌ .

السَّلامُ عَلَيکَ غَيرَ كَريهِ المُصاحَبَهِ ، ولا ذَميمِ المُلابَسَهِ .

السَّلامُ عَلَيکَ كَما وَفَدتَ عَلَينا بِالبَرَكاتِ ، وغَسَلتَ عَنّا دَنَسَ الخَطيئاتِ .

السَّلامُ عَلَيکَ غَيرَ مُوَدِّعٍ بَرَما ، ولامَتروكٍ صِيامُهُ سَأَماً .

السَّلامُ عَلَيکَ مِن مَطلوبٍ قَبلَ وَقتِهِ ، ومَحزونٍ عَلَيهِ قَبلَ فَوتِهِ .

السَّلامُ عَلَيکَ كَم مِن سوءٍ صُرِفَ بِکَ عَنّا ، وكَم مِن خَيرٍ اُفيضَ بِکَ عَلَينا .

السَّلامُ عَلَيکَ وعَلى لَيلَهِ القَدرِ الَّتى هِىَ خَيرٌ مِن ألفِ شَهرٍ .

السَّلامُ عَلَيکَ ما كانَ أحرَصَنا بِالأَمسِ عَلَيکَ ، وأشَدَّ شَوقَنا غَداً إلَيکَ .

السَّلامُ عَلَيکَ وعَلى فَضلِکَ الَّذى حُرِمناهُ ، وعَلى ماضٍ مِن بَرَكاتِکَ سُلِبناهُ .

اللّهُمَّ إنّا أهلُ هذَا الشَّهرِ الَّذى شَرَّفتَنا بِهِ ، ووَفَّقتَنا بِمَنِّکَ لَهُ ، حينَ جَهِلَ الأَشقِياءُ وَقتَهُ ، وحُرموا لِشَقائِهِم فَضلَهُ . أنتَ وَلِىُّ ما آثَرتَنا بِهِ مِن مَعرفَتِهِ ،

وهَدَيتَنا لَهُ مِن سُنَّتِهِ ، وقَد تَوَلّيتَنا بِتَوفيقِكَ صِيامَهُ وقِيامَهُ عَلىَ تَقصيرٍ ، وَأدَّينا فيهِ قَليلاً مِن كَثيرٍ .

اللّهُمَّ فَلَكَ الحَمدُ إقراراً بِالإساءَةِ ، وَاعتِرافاً بِالإضاعَةِ ، ولَكَ مِن قُلوبِنا عَقدُ النَّدَمِ ، ومِن ألسِنَتِنا صِدقُ الاِعتِذارِ ، فَأجُرنا عَلى ما أصابَنا فيهِ مِنَ التَّفريطِ ، أجراً نَستَدرِكُ بِهِ الفَضلَ المَرغوبَ فيهِ ، ونَعتاضُ بِهِ مِن أنواعِ الذُّخرِ المَحروصِ عَلَيهِ ، وأوجِب لَنا عُذرَكَ عَلى ماقَصَّرنا فيهِ مِن حَقِّكَ ، وابلُغ بِأعمارِنا ما بَينَ أيدينا مِن شَهرِ رَمَضانَ المُقبِلِ ، فَإذا بَلَّغتَناهُ فَأعِنّا عَلى تَناوُلِ ما أنتَ أهلُهُ مِنَ العِبادَةِ ، وأدِّنا إلَى القِيامِ بِما يَستَحِقُّهُ مِنَ الطّاعَةِ ، وأجرِ لَنا مِن صالِحِ العَمَلِ ما يَكونُ دَرَكاً لِحَقِّكَ فِى الشَّهرَينِ مِن شُهورِ الدَّهرِ .

اللّهُمَّ وما ألمَمنا بِهِ فى شَهرِنا هذا مِن لَمَمٍ أو إثمٍ ، أو واقَعنا فيهِ مِن ذَنبٍ ، وَاكتَسَبنا فيهِ مِن خَطيئَةٍ عَلى تَعَمُّدٍ مِنّا ، أو عَلى نِسيانٍ ظَلَمنا فيهِ أنفُسَنا ، أو انتَهَكنا بِهِ حُرمَةً مِن غَيرِنا ؛ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاستُرنا بِسِترِكَ ، وَاعفُ عَنّا بِعَفوِكَ ، ولا تَنصِبنا فيهِ لِأعيُنِ الشّامِتينَ ، ولاتَبسُط عَلَينا فيهِ أَلسُنَ الطّاغينَ ، وَاستَعمِلنا بِما يَكونُ حِطَّةً وكَفّارَةً لِما أنكَرتَ مِنّا فيهِ ، بِرَأفَتِكَ الَّتى لاتَنفَدُ وفَضلِكَ الَّذى لايَنقُصُ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاجبُر مُصيبَتَنا بِشَهرِنا ، وبارِك لَنا فى يَومِ عيدِنا وفِطرِنا ، وَاجعَلهُ مِن خَيرِ يَومٍ مَرَّ عَلَينا ، أجلَبِهِ لِعَفوٍ وأمحاهُ لِذَنبٍ ، وَاغفِر لَنا ماخَفِىَ مِن ذُنوبِنا وما عَلَنَ .

اللّهُمَّ اسلَخنا بِانسِلاخِ هذَا الشَّهرِ مِن خَطايانا ، وأخرِجنا بِخُروجِهِ مِن سَيِّئاتِنا ، وَاجعَلنا مِن أسعَدِ أهلِهِ بِهِ وأجزَلِهِم قِسماً فيهِ ، وأوفَرِهِم حَظّاً مِنهُ .

اللّهُمَّ ومَن رَعى (9) هذَا الشَّهرَ حَقَّ رِعايَتِهِ ، وحَفِظَ حُرمَتَهُ حَقَّ حِفظِها ، وقامَ بِحُدودِهِ حَقَّ قِيامِها ، وَاتَّقى ذُنوبَهُ حَقَّ تُقاتِها ، أو تَقَرَّبَ إلَيكَ بِقُربَةٍ أوجَبَت رِضاكَ لَهُ ، وعَطَفَت رَحمَتَكَ عَلَيهِ ، فَهَب لَنا مِثلَهُ مِن وُجدِكَ ، وأعطِنا أضعافَهُ مِن فَضلِكَ ، فَإنَّ فَضلَكَ لايَغيضُ ، وإنَّ خَزائِنَكَ لاتَنقُصُ بَل تَفيضُ ، وإنَّ مَعادِنَ إحسانِكَ لاتَفنى ، وإنَّ عَطاءَكَ لَلعَطاءُ المُهَنَّأ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاكتُب لَنا مِثلَ أُجورِ مَن صامَهُ ، أو تَعَبَّدَ لَكَ فيهِ إلى يَومِ القِيامَهِ .

اللّهُمَّ إنّا نَتوبُ إلَيكَ فى يَومِ فِطرِنَا الَّذى جَعَلتَهُ لِلمُؤمِنينَ عيداً وسُروراً ، ولِأهلِ مِلَّتِكَ مَجمَعاً ومُحتَشَداً مِن كُلِّ ذَنبٍ أذنَبناهُ ، أو سوءٍ أسلَفناهُ ، أو

خاطِرِ شَرٍّ أضمَرناهُ ، تَوبَةَ مَن لا يَنطَوى عَلى رُجوعٍ إلى ذَنبٍ ، ولا يَعودُ بَعدَهاَ فى خَطيئَةٍ ، تَوبَةً نَصوحاً خَلَصَت مِنَ الشَّكِ وَالاِرتِيابِ ، فَتَقَبَّلها مِنّا وَارضَ عَنَّا وثَبِّتنا عَلَيها .

اللّهُمَّ ارزُقنا خَوفَ عِقابِ الوَعيدِ ، وشَوقَ ثَوابِ المَوعودِ ، حَتّى نَجِدَ لَذَّةَ ما نَدعوكَ بِهِ وكَآبَةَ ما نَستجيرُكَ مِنهُ ، وَاجعَلنا عِندَكَ مِنَ التَّوّابينَ الَّذينَ أوجَبتَ لَهُم مَحَبَّتَكَ ، وقَبِلتَ مِنهُم مُراجَعَه طاعَتِكَ ، يا أعدَلَ العادِلينَ .

اللّهُمَّ تَجاوَز عَن آبائِنا وأُمَّهاتِنا وأهلِ دينِنا جَميعاً مَن سَلَفَ مِنهُم ومَن غَبَرَ إلى يَومِ القِيامَهِ .

اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنا وآلِهِ كَما صَلَّيتَ عَلى مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ ، وصَلِّ عَلَيهِ وآلِهِ كَما صَلَّيتَ عَلى أنبِيائِكَ المُرسَلينَ ، وصَلِّ عَلَيهِ وآلِهِ كَما صَلَّيتَ عَلى عِبادِكَ الصّالِحينَ ، وأفضَلَ مِن ذلِكَ يا رَبَّ العالَمينَ ، صَلاةً تَبلُغُنا بَرَكَتُها ، ويَنالُنا نَفعُها ، ويُستَجابُ لَها دُعاؤُنا ، إنَّكَ أكرَمُ مَن رُغِبَ إلَيهِ ، وأكفى مَن تُوُكِّلَ عَلَيهِ ، وأعطى مَن سُئِلَ مِن فَضلِهِ ، وأنتَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ . (10) .

1- .التحريم : 8 .
2- .الأنعام : 160 .
3- .البقره : 261 .
4- .البقره : 245 .
5- .إشاره إلى قوله تعالى : « فَاذْكُرُونِى أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُواْ لِى وَ لاَ تَكْفُرُونِ »(البقره : 152) .
6- .إبراهيم : 7 .
7- .غافر : 60 .
8- .فى نسخه : «كان محموداً فلک الحمد ...» .
9- .فى مصباح المتهجّد : «رعى حرمه هذا الشهر» ، وفى المصادر الأُخرى : «رعى حقّ هذا الشهر» .
10- .الصحيفه السجّاديّه : 171 الدعاء 45 ، مصباح المتهجّد : 642 / 718 ، الإقبال : 1 / 422 كلاهما نحوه ، المزار الكبير : 619 ، البلد الأمين : 480 ، المصباح للكفعمى : 845 ، بحار الأنوار : 98 / 172 / 1 .

1 / 4دعای امام سجّاد در وداع با ماه782.عنه صلی الله علیه و آله :امام سجّاد علیه السلام:خداوندا! ای آن که [در برابر عطاهایت ،] چشمداشت پاداش نداری ، و ای آن که از بخششْ پشیمان نمی شوی ، و ای آن که بنده ات را برابر کرده اش پاداش نمی دهی [و بیشتر می دهی]! نعمت بخشی تو آغازگرانه است و بخشایشت ، از روی تفضّل و احسان. کیفر تو عدالت است و داوری ات بهترین. اگر عطا کنی ، آن را به منّت نمی آمیزی و اگر محروم کنی ، ندادنت از روی تجاوز نیست. هر که سپاست گوید ، پاداشش می دهی ، در حالی که شکرگزاری او نیز با الهام توست و هر که ستایشت کند ، جزایش می دهی ، با این که تو او را آموخته ای که ستایشت کند.

بر گناه کسی پرده می افکنی که اگر می خواستی ، رسوایش می کردی و بر کسی بخشش می کنی که اگر می خواستی ، محرومش می ساختی ، در حالی که هر دو از سوی تو شایسته رسوا ساختن و محروم کردن اند ، جز آن که تو کارهایت را بر تفضّل بنا نهاده ای و قدرتت را بر گذشتْ جاری ساخته ای. با هر که نافرمانی ات کند ، با بردباری برخورد کرده ای و هر که را قصد ستم بر خویشتن کند ، با بردباری ات مهلت داده ای تا باز گردد. و از کیفرشان چشم می پوشی تا توبه کنند ، تا هر کس از آنان که هلاک می شود ، با خواسته تو نباشد و هر که بدبخت می شود ، با نعمت تو شقاوت نیابد ، مگر پس از عذرآوری طولانی و تمام شدن حجّت بر وی. این ، از بزرگواری بخشایش توست ، ای کریم ، و احسانی از مهربانی توست ، ای بردبار!

تویی آن که برای بندگانت دری به سوی بخشایشت گشوده و نام آن را «توبه» گذاشته ای و بر آن در ، راهنمایی از وحی خود گمارده ای تا آن را گم نکنند و فرموده ای ای که نامت خجسته است : « به درگاه خدا توبه ای راستین کنید. باشد که پروردگارتان خطاهایتان را بپوشاند و شما را وارد بهشت هایی کند که از زیر درختانش نهرها جاری اند ، در روزی که خداوند ، پیامبر و مؤمنانِ همراهش را خوار نمی سازد. نورشان پیشاپیش آنان و از سمت راستشان جلو می رود. می گویند: پروردگارا! نور ما را برای ما کامل کن و ما را بیامرز! همانا تو بر هر چیز ، توانایی» . پس ، آن که پس

از گشوده شدن این در و با وجود راهنما ، از ورود به این خانه غافل شود ، چه عذر و بهانه ای دارد؟

تویی آن که بهای معامله با بندگانت را به سود آنان افزوده ای تا در این داد و ستد با تو ، به آنان سود برسانی و در ورود به آستان تو کامیابشان کنی و از تو افزون یابند. تو خود فرموده ای ای که نامت خجسته و ذاتت والاست : « هر کس کار نیک انجام دهد ، پاداش او ده برابر است و هر که کار بد کند ، جز همانند آن ، کیفر نیابد» و فرموده ای: « مَثَل آنان که در راه خدا داراییِ خود را انفاق می کنند ، همچون مَثَل دانه ای است که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه ، صد دانه باشد و خداوند برای هر که بخواهد ، چند برابر می کند» و فرموده ای: « کیست که به خداوند ، وام نیکو دهد تا خداوند هم آن را چند برابر بیشتر بیفزاید؟» و آیاتی از این گونه که در قرآن درباره چند برابر شدن پاداش حسنات نازل کرده ای.

تویی آن که با سخنان غیبی ات ، آنان را راهنمایی کرده ای و به آنچه بهره ایشان در آن است ، تشویق نموده ای؛ بر چیزی که اگر از آنان می پوشاندی ، دیدگانشان آن را در نمی یافت و گوش هایشان آن را درک نمی کرد و خیال هایشان به آن نمی رسید. و فرموده ای : « مرا یاد کنید تا یادتان کنم و مرا سپاس گویید و ناسپاسی ام نکنید » و فرموده ای: « اگر سپاس گویید ، بر شما می افزایم و اگر ناسپاسی کنید ، عذاب من سخت است» و فرموده ای: « مرا بخوانید تا پاسختان گویم. همانا آنان که از پرستش من سرکشی کنند ، زود است که با خواری وارد دوزخ شوند» . نیایش به درگاهت را پرستش ، و ترک آن را کبرورزی نامیده ای و بر ترک دعا وعده ورود ذلیلانه به دوزخ داده ای. پس ، تو را به نعمتت یاد کردند و با احسانت سپاس گفتند و به فرمانت دعایت کردند و برای رسیدن به پاداش افزونت برایت صدقه دادند ، که در این کارها رهایی شان از خشم تو و رسیدن به رضای تو بود.

اگر آفریده ای آفریده دیگر را از سوی خود ، آن گونه که تو بندگانت را از سوی خود راهنمایی کرده ای ، راهنمایی می کرد ، او را به نیکوکاری و احسان وصف می کردند و به هر زبانی ستوده بود. پس ، تو را ستایش ، تا آن جا که راهی برای ستایشت یافت شود و واژه ای برای ستودنت مانده باشد و معنایی که لفظ ، به آن روی آورد.

ای آن که با نیکی و تفضّل بر بندگانش و غرقه کردن آنان در دریای احسان و بزرگواری اش ، ستوده بندگانش گشته است ! چه آشکار است نعمت تو

میان ما و چه سرشار است احسان تو بر ما و چه ویژه است نیکی تو برای ما. ما را به دین برگزیده خودت و آیین پسندیده خویش و راهی که هموار ساختی ، رهنمون گشتی و برای راهی که ما را مقرَّب تو سازد و به کرامتت برساند ، بینایمان ساختی.

خداوندا! تو از جمله آن وظایفِ برگزیده و واجبات ویژه خویش ، ماه رمضان را قرار دادی ؛ ماهی که آن را از ماه های دیگر ویژه ساختی و در میان همه زمان ها و روزگاران ، آن را برگزیدی و بر همه اوقات سال ، آن را برتر ساختی ، با قرآن و نوری که در آن فرو فرستادی و ایمانی که در آن افزودی و روزه ای که در آن واجب کردی و عبادت و نمازی که بر آن تشویق فرمودی و شب قدری را (که بهتر از هزار ماه است) در آن بزرگ داشتی.

سپس ما را به وسیله آن بر امّت های دیگر و بر آیین های دیگر ، با فضل آن برگزیدی. از این رو ، روزش را به فرمانت روزه داشتیم و شبش را به یاری ات به عبادت برخاستیم ، در حالی که با این روزه داری و عبادتش ، خود را در معرض رحمتی قرار دادیم که برایمان فراهم آوردی و سببی یافتیم تا به پاداشت برسیم. تویی که بر هر چه در این ماه از آستانت بجویند ، توانایی و به هر چه از احسانت از تو بخواهند ، بخشنده ای و به هر که خواستار نزدیکی به تو باشد ، نزدیکی.

این ماه ، در میان ما ، ستوده مانْد و با ما به نیکی همنشینی کرد و برترین سودهای جهانیان را به ما رساند ، و چون وقتش پایان یافت و مدّتش سر آمد و شمارَش به آخر رسید ، از ما جدا شد. اینک از آن خداحافظی می کنیم ، همچون خداحافظی با کسی که فراقش بر ما سخت است و رخت بر بستن آن ما را اندوهگین و وحشت زده می کند و عهدی نگه داشتنی و احترامی مراعات کردنی و حقّی اداشدنی بر دوش ما می نهد. پس ، این گونه می گوییم:

بدرود ، ای برترین ماه خدا و ای عید اولیای خدا!

بدرود ، ای گرامی ترین اوقات همراه و ای بهترین ماه در میان روزها و ساعت ها!

بدرود ، ای ماهی که آرزوها در آن ، نزدیک و سفره عمل ها در آن ، گشوده شد!

بدرود ، ای همنشینی که تا بود ، ارزشمند بود و چون از دست می رود ، فقدانش غمبار است ، و ای امیدگاهی که هجرانش دردآور است !

بدرود ، ای همدمی که چون آمدی ، مایه الفت گشتی و شاد کردی و چون سپری شدی ، ما را به دردِ فراق نشاندی !

بدرود ، ای همسایه ای که با بودنت دل ها رقّت می یافت و گناهان کم می شد !

بدرود ، ای یاوری که ما را در غلبه بر شیطان یاری کردی ، و ای همنشینی که راه های نیکی را هموار ساختی !

بدرود ، که در تو آزادشدگان خدا [از آتشْ] چه بسیار بودند و چه خوش بخت اند آنان که حرمت تو را به خاطر تو نگه داشتند !

بدرود ، که چه آمرزنده گناهان و پوشاننده انواع عیب ها بودی !

بدرود ، که بر خطاکاران چه درازمدّت بودی و در سینه های مؤمنان چه شُکوهی داشتی !

بدرود ، ای ماهی که روزها [در ارزش] به پای تو نمی رسند !

بدرود ، ای ماهی که از هر امری ، ایمن بودی !

بدرود ، که نه همنشینی با تو ، ناخوشایند بود و نه همدمی با تو ، ناپسند.

بدرود ، آن گونه که چون آمدی ، برکات آوردی و گناهان را از ما شستی.

بدرود ، که خداحافظی با تو ، نه از روی خستگی بود و نه ترک روزه ، از روی ناراحتی.

بدرود ، که پیش از فرا رسیدنت تو را طلبیدیم و پیش از پایان یافتنت بر تو اندوهگین شدیم.

بدرود ، که چه بسا بدی که به خاطر تو از ما برطرف شد ، و چه بسا خیری که به سبب تو به ما رسید.

بدرود ، از تو و از شب قدر که بهتر از هزار ماه است.

بدرود ، که دیروز چه خواهانت بودیم و فردا چه شوقی به تو خواهیم داشت .

بدرود ، از تو و از فضیلت تو که از آن محروم شدیم و از برکات گذشته که از ما گرفته شد.

خداوندا ! ما اهل این ماهیم که به سبب آن ، شرافتمان دادی و با احسانت ، برای آن ، توفیقمان بخشیدی ، آن گاه که شقاوتمندان ، زمانش را نشناختند و به سبب شقاوتشان از فضیلتش محروم شدند. تو صاحب معرفت آن هستی که آن را به ما بخشیدی و به سنّت آن رهنمونمان گشتی؛ ما نیز با توفیق تو ، هر چند با تقصیر ، به روزی داری و عبادت آن پرداختیم و اندکی از حقّ بسیارِ آن را ادا کردیم.

خداوندا ! ستایشْ تو راست ، با اقراری که به بدکاریِ خود داریم و اعترافی که به تباهسازی آن می کنیم. در آستان تو ، از عمق دل هایمان پشیمانیم و صادقانه زبان به پوزش گشوده ایم. پس با همه کوتاهی ها، بر آنچه در این ماه به ما رسیده است ، پاداشمان ده؛ پاداشی که با آن به احسان مورد رغبت در این ماه ، دست یابیم و آن را عوض ذخیره های گوناگونی که مورد اشتیاق است ، قرار دهیم؛ و عذرپذیری خود را بر کوتاهی ما در ادای حقّت حتمی گردان و عمرهای ما را تا ماه رمضان آینده طولانی گردان و چون ما را به آن رساندی ، به عبادتی که شایسته توست ، یاری مان کن و به انجام دادن طاعتی در خور عظمتت توفیقمان بده و آن چنان ما را به کار شایسته بگمار که ادای حقّ تو در این دو ماه (رمضان امسال و آینده) از ماه های روزگار ، باشد.

خداوندا ! در این ماه ، به هر لغزش و گناهی که نزدیک شدیم ، یا به هر گناهی که در افتادیم و هر خطایی را که به عمد یا اشتباه مرتکب شدیم و بر خویش ستم کردیم ، یا هر حرمتی را که از دیگری شکستیم [، با این همه] خدایا بر محمّد و خاندان او درود فرست و با پوشش خود ، ما را بپوشان و با عفو خویش از ما در گذر و ما را در برابر دیدگان شماتت کنندگان قرار مده و زبان های طغیان گران را بر ما مگشای و ما را به کاری بگمار که مایه ریزش گناهان و جبران زشتکاری هایمان در این ماه باشد ، به حقّ آن مهربانی ات که بی پایان است و آن احسانت که نمی کاهد !

خداوندا! بر محمّد و خاندان او درود فرست و مصیبت ما را بر [فقدان] این ماه ، جبران کن ، و عید ما و افطار ما را بر ما مبارک گردان و آن را از بهترین روزهای گذشته ما قرار بده؛ روزهایی که عفو تو را جلب کننده تر و گناه ما را محوکننده تر باشد ، و گناهان نهان و آشکار ما را بیامرز!

خداوندا! با سپری شدن این ماه ، ما را از گناهانمان بیرون آر و با خروج این ماه ، ما را از بدی هایمان بیرون کن و ما را از کامیاب ترین و بهره مندترین مردم در این ماه ، قرار بده!

خداوندا! هر کس که حقّ این ماه را به طور شایسته رعایت کرد و حرمتش را آن گونه که باید ، نگه داشت و حدود آن را به نحو شایسته انجام داد و در آن از گناهان به نحو شایسته پرهیز کرد ، یا به سوی تو با کاری که رضای تو را فراهم می آورد ، تقرّب جست و رحمتت را بر خویش معطوف داشت ، ما را نیز چون او از خزانه جودت عطا کن و از فضل خویش چندین برابر او به ما ببخش؛ چرا که از فضل تو نمی کاهد و گنجینه هایت کاسته نمی شود بلکه افزوده می گردد و سرچشمه های احسانت پایان نمی پذیرد؛ و عطای تو ، عطای گواراست.

خداوندا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و تا قیامت برای ما ، مثل پاداش های روزه داران و عبادت کنندگانِ در این ماه را بنویس!

خداوندا! در این روز عید فطر که آن را برای مؤمنان ، عید و مایه سُرور و برای پیروان آیین خود ، مایه همایش و اجتماع قرار داده ای ، از هر گناهی که مرتکب شده ایم یا [هر] بدی که انجام داده ایم یا [هر] فکر بدی که در دل داشته ایم، به درگاهت توبه می کنیم؛ توبه کسی که در دل ، قصد گناه دوباره ندارد و پس از توبه ، به خطا روی نمی آورد ، توبه ای راستین و خالص از شک و شبهه. پس ، این توبه را از ما بپذیر و از ما خرسند باش و ما را بر این ، استوار بدار!

خداوندا! بیم از کیفر وعده داده شده و شوق به پاداش وعده داده شده را روزیِ ما کن تا لذّت آنچه تو را به آن می خوانیم و رنج آنچه را از آن به تو پناه می بریم ، دریابیم. ما را در پیشگاه خود ، از توبه کنندگانی قرار بده که محبّت خویش را برایشان حتمی ساخته ای و طاعت دوباره را از آنان پذیرفته ای ، ای دادگرترینِ دادگران!

خداوندا! از پدران و مادران و همه هم کیشان ما ، از گذشتگان و آیندگانشان تا روز قیامت در گذر!

خداوندا! بر پیامبَرمان محمّد و خاندانش درود فرست ، آن گونه که بر فرشتگان مقرَّب خود درود فرستادی؛ و بر او و خاندانش درود فرست ، آن گونه که بر پیامبران فرستاده ات درود فرستادی؛ و بر او و خاندانش درود فرست ، آن گونه که بر بندگان صالح خود درود فرستادی و برتر از آن ای پروردگار جهانیان ، درودی که برکتش و سودش به ما برسد و دعای ما برای آن مستجاب شود! همانا تو بزرگوارترین کسی هستی که به او رغبت آرند و کارسازترین کسی که بر او توکّل کنند و بخشنده ترین کسی که از فضل او بخواهند و تو بر هر چیز ، توانایی.

.

ص: 880

. .

ص: 881

..

ص: 882

. .

ص: 883

. .

. .

ص: 885

..

ص: 886

..

ص: 887

..

ص: 888

. .

ص: 889

. .

ص: 890

. .

ص: 891

..

1 / 5دُعاءُ الإمام الصّادِقِ فى وَداعِ الشَّهرِ783.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :اللّهُمَّ إنَّکَ قُلتَ فى کِتابِکَ المُنزَلِ عَلى لِسانِ نَبِيِّکَ المُرسَلِ صَلَواتُکَ عَلَيهِ وآلِهِ وقَولُکَ حَقٌّ :« شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِى أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ » وهذَا شَهرُ رَمَضانَ قَد تَصَرَّمَ ، فَأَسأَلُکَ بِوَجهِکَ الکَرِيمِ وکَلِماتِکَ التّامَّهِ ، إن کانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنبٌ لَم تَغفِرهُ لِى ، أو تُرِيدُ أن تُعَذِّبَنى عَلَيهِ أو تُقايِسَنى بِهِ ، أن يَطلُعَ (1) فَجرُ هذِهِ اللَّيلَهِ أو يَتَصَرَّمَ هذا الشَّهرُ إلاّ وقَد غَفَرتَهُ لى ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ .

اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ بِمَحامِدِکَ کُلِّها أوَّلِها وآخِرِها ، ما قُلتَ لِنَفسِکَ مِنها ، وما قالَ لَکَ الخَلائِقَ الحامِدونَ ، المُجتَهِدونَ ، المُعَدِّدونَ (2) ، المُؤثِرونَ فى ذِکرِکَ وَالشُّکرِ لَکَ ، الَّذينَ أعَنتَهُم عَلى أداءِ حَقِّکَ مِن أصنافِ خَلقِکَ ، مِنَ المَلائِکَهِ المُقَرَّبينَ وَالنَّبِيِّينَ وَالمُرسَلينَ ، وأصنافِ النّاطِقينَ المُسَبِّحينَ لَکَ مِن جَميعِ العالَمينَ ، عَلى أنَّکَ بَلَّغتَنا شَهرَ رَمَضانَ وعَلَينا مِن نِعَمِکَ ، وعِندَنا مِن قِسَمِکَ وإحسانِکَ وتَظاهُرِ امتِنانِکَ بِذلِکَ ، لَکَ مُنتَهَى الحَمدِ الخالِدِ الدّائِمِ الرّاکِدِ المُخَلَّدِ السَّرمَدِ الَّذى لا يَنفَدُ طولَ الأَبَدِ ، جَلَّ ثَناؤُکَ أعَنتَنا عَلَيهِ حَتّى قَضَيتَ عَنّا صِيامَهُ وقِيامَهُ ، مِن صَلاهٍ وما کانَ مِنّا فيهِ مِن بِرٍّ أو شُکرٍ أو ذِکرٍ .

اللّهُمَّ فَتَقَبَّلهُ مِنّا بِأَحسَنِ قَبولِکَ وتَجاوُزِکَ وعَفوِکَ ، وصَفحِکَ وغُفرانِکَ وحَقيقَهِ رِضوانِکَ،حَتّى تُظَفِرَنا فيهِ بِکُلِّ خَيرٍ مَطلوبٍ، وجَزيلِ عَطاءٍ مَوهوبٍ ، وتُؤمِنَنا فيهِ مِن کُلِّ أمرٍ مَرهوبٍ وذَنبٍ مَکسُوبٍ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِعَظيمِ ما سَأَلَکَ أحَدٌ مِن خَلقِکَ ، مِن کَريمِ أسمائِکَ وجَزيلِ ثَنائِکَ وخاصَّهِ دُعائِکَ ، أن تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَجعَلَ شَهرَنا هذا أعظَمَ شَهرٍ رَمَضانَ مَرَّ عَلَينا مُنذُ أنزَلتَنا إلَى الدُّنيا بَرَکَهً ، فى عِصمَهِ دينى وخَلاصِ نَفسى ، وقَضاءِ حاجَتى وَتَشفيعى فى مَسائِلى وتَمامِ النِّعمَهِ عَلَيَّ ، وصَرفِ السُّوءِ عَنّى ولِباسِ العافِيَهِ لى ، وأن تَجعَلَنى بِرَحمَتِکَ مِمَّن حُزتَ لَهُ لَيلَهَ القَدرِ وجَعَلتَها لَهُ خَيرا مِن ألفِ شَهرٍ ، فى أعظَمِ الأَجرِ وکَرائِمِ الذُّخرِ ، وطولِ العُمُرِ وحُسنِ الشُّکرِ ودَوامِ اليُسرِ .

اللّهُمَّ وأسأَلُکَ بِرَحمَتِکَ وطَولِکَ وعَفوِکَ ونَعمائِکَ ، وجَلالِکَ وقَديمِ إحسانِکَ وَامتِنانِکَ ، أن لا تَجعَلَهُ آخِرَ العَهدِ مِنّا بِشَهرِ رَمَضانَ حَتّى تُبَلِّغَناهُ مِن قابِلٍ عَلى أحسَنِ حالٍ ، وتُعَرِّفَنى هِلالَهُ مَعَ النّاظِرينَ إلَيهِ والمُتَعَرِّفينَ لَهُ فى أعفى عافِيَتِکَ، وأنعَم نِعمَتِکَ وأوسَع رَحمَتِکَ وأجزَل قَسمِکَ .

اللّهُمَّ يا رَبِّىَ الّذي لَيسَ لى رَبٌّ غَيرُهُ ، لا يَكونُ هذَاَ الوَداعُ مِنّي وَداعَ فَناءٍ ولا آخِرَ العَهدِ مِنَ اللِّقاءِ ، حَتّى تُرِيَنيهُ مِن قابِلٍ فى أسبَغِ النِّعَمِ وأفضَلِ الرَّجاءِ ، وأَنَا لَكَ عَلى أحسَنِ الوَفاءِ ، إنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ .

اللّهُمَّ اسمَع دُعائى وَ [ارحَم] (3) تَضَرُّعى وتَذَلُّلى لَكَ واستِكانَتى وتَوَكُّلى عَلَيكَ ، وأنَا لَكَ سِلمٌ لا أرجو نَجاحا ولا مُعافاةً ولا تَشريفا ولا تَبليغا إلاّ بِكَ ومِنكَ ، فَامنُن عَلَيَّ جَلَّ ثَناؤُكَ وتَقَدَّسَت أسماؤُكَ ، بِتَبليغى شَهرَ رَمَضانَ وأنا مُعافىً مِن كُلِّ مَكروهٍ ومَحذورٍ مِن جَميعِ البَوائِقِ ، الحَمدُ للّهِ الَّذى أعانَنا عَلى صِيامِ هذَا الشَّهرِ وقِيامِهِ حَتّى بَلَّغَنا آخِرَ لَيلَهٍ مِنهُ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ بِأَحَبِّ مادُعيتَ بِهِ وأرضى ما رَضيتَ بِهِ عَن مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، ولا تَجعَل وَداعى شَهرَ رَمَضانَ وَداعَ خُروجى مِنَ الدُّنيا ، ولا وَداعَ آخِرِ عِبادَتِكَ فيهِ ولا آخِرِ صَومى لَكَ ، وَارزُقنِى العَودَ فيهِ ثُمَّ العَودَ فيهِ بِرَحمَتِكَ يا وَلِيَّ المُؤمِنينَ ، ووَفِّقنى لِلَيلَهِ القَدرِ وَاجعَلها لى خَيرا مِن ألفِ شَهرٍ يا رَبَّ العالَمينَ .

يا رَبَّ لَيلَهِ القَدرِ وجاعِلَها خَيرا مِن ألفِ شَهرٍ ، رَبَّ اللَّيلِ وَالنَّهارِ وَالجِبالِ وَالبِحارِ وَالظُّلَمِ وَالأنوارِ وَالأَرضِ وَالسَّماءِ ، يا بارِئُ يا مُصَوِّرُ يا حَنّانُ يا مَنّانُ ، يا أللّهُ يا رَحمانُ يا رَحيمُ ، يا قَيّومُ يا بَديعَ السَّماواتِ وَالأَرضِ ، لَكَ الأَسماءُ الحُسنى وَالأَمثالُ العُليا وَالكِبرِياءُ وَالآلاءُ ، أسأَلُكَ بِاسمِكَ بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحيمِ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تَجعَلَ اسمى فى هذِهِ اللَّيلَهِ فِى السُّعَداءِ ، وروحى مَعَ الشُّهَداءِ ، وإحسانى فى عِلِّيِّينَ ، وإساءَتى مَغفورَةً ، وأن تَهَبَ لى يَقينا تُباشِرُ بِهِ قَلبى ، وإيمانا لا يَشوبُهُ شَكٌّ ، ورِضىً بِما قَسَمتَ لى ، وأن تُؤتِيَنى فِى الدُّنيا حَسَنَةً وفِى الآخِرَهِ حَسَنَةً ، وأن تَقِيَنى عَذابَ النّارِ .

اللّهُمَّ اجعَل فيما تَقضى وتُقَدِّرُ مِنَ الأَمرِ المَحتومِ ، وفيما تَفرُقُ مِنَ الأَمرِ الحَكيمِ فى لَيلَهِ القَدرِ ، فِى القَضاءِ الَّذى لايُرَدُّ ولا يُبَدَّلُ ولا يُغَيَّرُ ، أن تَكتُبَنى مِن حُجّاجِ بَيتِكَ الحَرامِ ، المَبرورِ حَجُّهُمُ المَشكورِ سَعيُهُمُ ، المَغفورِ ذَنبُهُمُ المُكَفَّرِ عَنهُم سَيِّئاتُهُم ، وَاجعَل فيما تَقضى وتُقَدِّرُ أن تُعتِقَ رَقَبَتى مِنَ النّارِ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ ولَم يَسأَلِ العِبادُ مِثلَكَ كَرَما وجودا ، وأرغَبُ إلَيكَ ولَم يُرغَبِ إلى مِثلِكَ ، أنتَ مَوضِعُ مَسأَلَهِ السّائِلينَ ، ومُنتَهى رَغبَهِ الرّاغِبينَ ، أسأَلُكَ بِأعظَمِ المَسائِلِ كُلِّها وأفضَلِها وأنجَحِهَا الّتى يَنبَغى لِلعِبادِ أن يَسأَلوكَ بِها ، يا أللّهُ يا رَحمانُ يا رَحيمُ ، وبِأسمائِكَ ما عَلِمتُ مِنها وما لَم أعلَم ،

وبِأسمائِکَ الحُسنى ، وأمثالِکَ العُليا ، وبِنِعمَتِکَ الّتى لا تُحصى ، وبِأکرَمِ أسمائِکَ عَلَيکَ وأحَبِّها إلَيکَ وأشرَفِها عِندَکَ مَنزِلَةً وأقرَبِها مِنکَ وَسيلَةً ، وأجزَلِها مِنکَ ثَوابا ، وأسرَعِها لَدَيکَ إجابَةً ، وبِاسمِکَ المَکنونِ المَخزونِ ، الحَىِّ القَيّومِ ، الأکبَرِ الأجَلِّ ، الّذى تُحِبُّهُ وتَهواهُ وتَرضى بِهِ عَمَّن دَعاکَ بِهِ ، وتَستَجيبُ لَهُ دُعاءَهُ ، وحَقٌّ عَلَيکَ ألاّ تُخَيِّبَ سائِلَکَ .

وأسأَلُکَ بِکُلِّ اسمٍ هُوَ لَکَ فِى التَّوراهِ وَالإنجيلِ وَالزَّبورِ وَالفُرقانِ ، وبِکُلِّ اسمٍ دَعاکَ بِهِ حَمَلَةُ عَرشِکَ ، ومَلائِکَةُ سَماواتِکَ وسُکّانُ أرضِکَ ، مِن نَبِىٍّ أو صِدّيقٍ أو شَهيدٍ ، وبِحَقِّ الرّاغِبينَ إلَيکَ الفَرِقينَ مِنکَ المُتَعَوِّذينَ بِکَ ، وبِحَقِّ مُجاوِرى بَيتِکَ الحَرامِ حُجّاجا ومُعتَمِرينَ ومُقَدِّسينَ ، وَالمُجاهِدينَ فى سَبيلِکَ ، وبِحَقِّ کُلِّ عَبدٍ مُتَعَبِّدٍ لَکَ فى بَرٍّ أو بَحرٍ أو سَهلٍ أو جَبَلٍ ، أدعوکَ دُعاءَ مَن قَدِ اشتَدَّت فاقَتُهُ ، وکَثُرَت ذُنوبُهُ ، وعَظُمَ جُرمُهُ ، وضَعُفَ کَدحُهُ ، دُعاءَ مَن لا يَجِدُ لِنَفسِهِ سادّا ، ولا لِضَعفِهِ مُعَوَّلاً ولا لِذَنبِهِ غافِرا غَيرَکَ ، هارِبا إلَيکَ ، مُتَعَوِّذا بِکَ ، مُتَعَبِّدا لَکَ ، غَيرَ مُستَکبِرٍ ولا مُستَنکِفٍ ، خائِفا بائِسا فَقيرا مُستَجيرا بِکَ ، أسأَلُکَ بِعِزَّتِکَ وعَظَمَتِکَ وجَبَروتِکَ وسُلطانِکَ ، وبِمُلکِکَ وبِبَهائِکَ وجودِکَ وکَرَمِکَ ، وبِآلائِکَ وحُسنِکَ وجَمالِکَ ، وبِقُوَّتِکَ عَلى ما أرَدتَ مِن خَلقِکَ .

أدعوکَ يا رَبِّ ، خَوفا وطَمَعا ، ورَهبَةً ورَغبَةً ، وتَخَشُّعا وتَمَلُّقا ، وتَضَرُّعا وإلحاحا وإلحافا ، خاضِعا لَکَ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ وَحدَکَ لا شَريکَ لَکَ ، يا قُدّوسُ يا قُدّوسُ يا قُدّوسُ ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ ، يا رَحمانُ يا رَحمانُ يا رَحمانُ ، يا رَحيمُ يا رَحيمُ يا رَحيمُ ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ ، أعوذُ بِکَ يا أللّهُ الواحِدُ الأحَدُ الصَّمَدُ ، الوَترُ المُتَکَبِّرُ المُتَعالى .

وأسأَلُکَ بِجَميعِ ما دَعَوتُکَ بِهِ ، وبِأسمائِکَ الّتى تَملَأُ أرکانَکَ کُلَّها ، أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر لى وَارحَمنى وأوسِع عَلَىَّ مِن فَضلِکَ العَظيمِ ، وتَقَبَّل مِنّى شَهرَ رَمَضانَ وصِيامَهُ وقِيامَهُ وفَرضَهُ ونَوافِلَهُ ، وَاغفِر لى وَارحَمنى وَاعفُ عَنّى ، ولا تَجعَلهُ آخِرَ شَهرِ رَمَضانَ صُمتُهُ لَکَ وعَبَدتُکَ فيهِ ، ولا تَجعَل وَداعى إيّاهُ وَداعَ خُروجى مِنَ الدُّنيا .

اللّهُمَّ أوجِب لى مِن رَحمَتِکَ ومَغفِرَتِکَ ورِضوانِکَ وخَشيَتِکَ ، أفضَلَ ما أعطَيتَ أحَدا مِمَّن عَبَدَکَ فيهِ .

اللّهُمَّ فَلا تَجعَلنى أخسَرَ مَن سَأَلَکَ فيهِ ، وَاجعَلنى مِمَّن أعتَقتَهُ فى هذَا الشَّهرِ مِنَ النّارِ وغَفَرتَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ وما تَأَخَّرَ ، وأوجَبتَ لَهُ أفضَلَ ما رَجاکَ وأمَّلَهُ مِنکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ .

اللّهُمَّ ارزُقنِی العَودَ فی صِیامِهِ لَکَ وعِبادَتِکَ فیهِ ، وَاجعَلنی مِمَّن کَتَبتَهُ فی هذَا الشَّهرِ مِن حُجّاجِ بَیتِکَ الحَرامِ ، المَبرورِ حَجُّهُمُ ، المَغفورِ لَهُم ذَنبُهُم ، المُتَقَبَّلِ عَمَلُهُم ، آمینَ آمینَ آمینَ ، رَبَّ العالَمینَ .

اللّهُمَّ لا تَدَع لی فیهِ ذَنبا إلاّ غَفَرتَهُ ، ولا خَطیئَةً إلاّ مَحَوتَها ، ولا عَثرَةً إلاّ أقَلتَها ، ولا دَینا إلاّ قَضَیتَهُ ، ولا عَیلَةً إلاّ أغنَیتَها ، ولا هَمّا إلاّ فَرَّجتَهُ ، ولا فاقَةً إلاّ سَدَدتَها ، ولا عُریانا إلاّ کَسَوتَهُ ، ولا مَرَضا إلاّ شَفَیتَهُ ، ولا داءً إلاّ أذهَبتَهُ ، ولا حاجَةً مِن حَوائِجِ الدُّنیا وَالآخِرَهِ إلاّ قَضَیتَها عَلی أفضَلِ أمَلی ورَجائی فیکَ ، یا أرحَمَ الرّاحِمینَ .

اللّهُمَّ لا تُزِغ قُلوبَنا بَعدَ إذ هَدَیتَنا ، ولا تُذِلَّنا بَعدَ إذ أعزَزتَنا ، ولا تَضَعنا بَعدَ إذ رَفَعتَنا ، ولا تُهِنّا بَعدَ إذ أکرَمتَنا ، ولا تُفقِرنا بَعدَ إذ أغنَیتَنا ، ولا تَمنَعنا بَعدَ إذ أعطَیتَنا ، ولا تَحرِمنا بَعدَ إذ رَزَقتَنا ، ولا تُغَیِّر شَیئا مِن نِعَمِکَ عَلَینا وإحسانِکَ إلَینا لِشَیءٍ کانَ مِن ذُنوبِنا ولا لِما هُوَ کائِنٌ مِنّا ؛ فَإنَّ فی کَرَمِکَ وعَفوِکَ وفَضلِکَ سَعَةً لِمَغفِرَهِ ذُنوبِنا ، فَاغفِر لَنا وتَجاوَز عَنّا ولاَ تُعاقِبنا عَلَیها ، یا أرحَمَ الرّاحِمینَ .

اللّهُمَّ أکرِمنی فی مَجلِسی هذا کَرامَةً لاتُهینُنی بَعدَها أبَدا ، وأعِزَّنی عِزّا لا تُذِلُّنی بَعدَهُ أبَدا ، وعافِنی عافِیَةً لا تَبتَلِینی بَعدَها أبَدا ، وَارفَعنی رِفعَةً لا تَضَعُنی بَعدَها أبَدا ، وَاصرِف عَنّی شَرَّ کُلِّ شَیطانٍ مَریدٍ ، وشَرَّ کُلِّ جَبّارٍ عَنیدٍ ، وشَرَّ کُلِّ قَریبٍ أو بَعیدٍ ، وشَرَّ کُلِّ صَغیرٍ أو کَبیرٍ ، وشَرَّ کُلِّ دابَّهٍ أنتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها ، إنَّ رَبّی عَلی صِراطٍ مُستَقیمٍ .

اللّهُمَّ ما کانَ فی قَلبی من شَکٍّ أو رَیبَهٍ أو جُحودٍ أو قُنوطٍ ، أو تَرَحٍ أو مَرَحٍ أو بَطَرٍ أو فَرَحٍ أو خُیَلاءَ ، أو رِیاءٍ أو سُمعَهٍ أو شِقاقٍ أو نِفاقٍ ، أو کُفرٍ أو فُسوقٍ أو مَعصِیَهٍ ، أو شَیءٍ لا تُحِبُّ عَلَیهِ وَلِیّا لَکَ ، فَأسأَلُکَ أن تَمحُوَهُ مِن قَلبی ، وتُبدِلَنی مَکانَهُ إیمانا بِکَ ورِضیً بِقَضائِکَ ووَفاءً بِعَهدِکَ ووَجَلاً مِنکَ ، وزُهدا فِی الدُّنیا ورَغبَهً فیما عِندَکَ ، وثِقَهً بِکَ وطُمَأنینَهً إلَیکَ وتَوبَهً نَصوحا إلَیکَ .

اللّهُمَّ إن کُنتَ بَلَّغتَناهُ وإلاّ فَأَخِّر آجالَنا إلی قابِلٍ حَتّی تُبَلِّغَناهُ فی یُسرٍ مِنکَ وعافِیَهٍ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ ، وصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ الأخیارِ ، وسَلَّمَ کَثیرا طَیِّبا ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَکاتُهُ . (4) .

1- .فی مصباح المتهجّد : «أن لایطلع» وهو الظاهر (مرآه العقول : 16 / 402) .

2- .لعلّ المراد : الّذين يعدّدون نعماءک (ملاذ الأخيار : 5 / 163) .
3- .أثبتنا ما بين المعقوفين من المصادر الأُخرى .
4- .تهذيب الأحكام : 3/122/267 و ح 268، الكافى : 4/165/6 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2/164/2033 وفيهما إلى « ... حتّى بلّغنا آخر ليله منه» ، الإقبال : 1 / 430 كلّها عن أبى بصير ، مصباح المتهجّد : 636 / 717 من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : 98 / 176 / 2 .

1 / 5 دعای امام صادق در وداع با ماه رمضان

اشاره

1 / 5دعای امام صادق در وداع با ماه رمضان784.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:خداوندا ! تو در کتاب خویش که بر زبان پیامبرِ فرستاده ات که درود تو بر او و خاندانش باد جاری کردی ، فرموده ای و سخن تو ، حق است که : « ماه رمضان ، ماهی است که قرآن در آن نازل شده است» . و این ، ماه رمضان است که سپری شد. از ذات بزرگوار و کلمات کامل تو می خواهم ، اگر گناهی بر من مانده که آن را برایم نیامرزیده ای و می خواهی مرا بر آن عذاب کنی و یا به سبب آن نیکی هایم را محو کنی ، سپیده این شب ندمد ، یا این ماه به پایان نرسد ، مگر این که آن را برای من آمرزیده باشی ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

خداوندا ! تو را ستایش ، با همه ستودگی هایت ، از آغاز تا پایانش ، آنچه را خودت برای خود فرموده ای و آنچه را بندگان ستایشگر ، تلاشگر ، نعمت شمار و برگزینندگان یاد و سپاس نعمت های تو گفته اند؛ آنان که از گروه های مختلف (آفریدگانت از فرشتگان مقرَّب ، پیامبران و فرستادگان) و از اصناف صاحب نطق (از همه عالَمیان که تسبیح گوی تو اند) یاری شان کردی تا حقّ تو را ادا کنند. [تو را ستایش بر این که] ما را به ماه رمضان رساندی و از نعمت هایت به ما بخشیدی و قسمت و احسان بر ما داشتی و این گونه ، نعمت هایت بر ما پیاپی گشت. نهایت ستایش ، برای توست ؛ ستایشی جاودان ، همیشگی ، ابدی ، پا بر جا و بی پایان که تا ابد پایان نپذیرد. ثنای تو شکوهمند است. ما را بر آن یاری کردی تا این که روزه و نماز آن را از جانب ما ادا کردی و نیز آنچه را (از نیکی ، شُکر یا ذکر) که در این ماه به وسیله ما انجام گرفت.

خداوندا ! با بهترین قبول و عفو و گذشت و آمرزشت و با حقیقت خرسندی ات ، از ما بپذیر تا در این ماه ، ما را بر هر خیر طلب شده و بخشش عطا شده نایل گردانی و در این ماه ، ما را از هر چیز بیمناک و گناه انجام شده ، ایمن داری !

خداوندا ! تو را به خواسته های بزرگ هر یک از بندگانت و تو را به نام های بزرگوارت و ثنای فراوانت و دعای ویژه ات می خوانم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و این ماه را ، بزرگ ترین و بابرکت ترین ماه رمضانی قرار دهی که از آغاز آفرینشمان بر ما گذشته است ، همراه با محفوظ ماندن دینم و رهایی جانم و ادای حاجتم و شفاعت پذیری در خواسته هایم و کامل شدن نعمت بر من و برگرداندن بدی از من و پوشاندن جامه عافیت بر من؛ و این که به رحمت خویش مرا از آنانی قرار دهی که شب قدر را برایشان فراهم آوردی و آن را بهتر از هزار ماه قرار دادی ، همراه با بزرگ ترین پاداش و ارزشمندترین ذخیره و عمر طولانی و سپاس شایسته و دارایی پیوسته.

خداوندا ! تو را می خوانم ، به رحمت و احسانت ، به گذشت و نعمت هایت ، به شُکوه و احسانِ دیرین و نعمت بخشی ات ، که این ماه را آخرین ماه رمضانِ ما قرار ندهی ، تا این که سال آینده ما را در بهترین حالت به آن برسانی و هلال آن را به ما بشناسانی ، همراه با آنان که به آن می نگرند و آن را می شناسند ، همراه با بهترین عافیتت و برترین نعمتت و گسترده ترین رحمتت و سرشارترین قسمتت.

خداوندا ، ای پروردگاری که مرا جز تو پروردگاری نیست ! این وداع ، وداع آخرین و آخرین دیدار من [با ماه رمضان] نباشد ، تا این که سال آینده آن را در کامل ترین نعمت ها و برترینِ امیدها به من بنمایانی ، در حالی که من بهترین وفادار به تو باشم ! همانا تو شنونده دعایی.

خداوندا ! دعایم را بشنو ، بر نالیدن و خضوع و فروتنی و توکّلم بر تو ، رحمت آور. من تسلیم تو ام. هیچ کامیابی ای ، تن درستی ای ، شرافت و نیز رسیدن به هدفی را جز با قدرت تو و از سوی تو امید ندارم. پس بر من منّت بگذار ای که ثنای تو باشُکوه و نام هایت مقدّس است و مرا به ماه رمضان برسان ، در حالی که از هر ناپسند و مشکلی سالم ، و از همه بدی ها دور باشم ! ستایش ، خدا را که یاری مان کرد تا این ماه را روزه بگیریم و عبادت کنیم تا آن که ما را به آخرین شبِ آن رساند.

خداوندا ! تو را به محبوب ترین چیزی که به آن می خوانندت و به پسندیده ترین چیزی که از محمّد صلی الله علیه و آلهپسندیده ای ، می خوانم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و وداع مرا با ماه رمضان ، وداع بیرون رفتن از دنیا و وداع آخرین پرستش تو در آن و آخرین روزه داریِ من برای تو ، قرار ندهی. مرا بار دیگر ، سپس بار دیگر ، قسمت کن که به آن

برگردم ، به رحمتت ، ای ولیّ مؤمنان ! و مرا بر شب قدر توفیق بده و آن را برایم بهتر از هزار ماه قرار بده ، ای پروردگار جهانیان !

ای پروردگار شب قدر و ای که آن را بهتر از هزار ماه ، قرار دادی ! ای پروردگار شب و روز و کوه ها و دریاها و تاریکی ها و روشنی ها و زمین و آسمان ! ای آفریننده ، ای صورت آفرین ، ای صاحب رحمت و ای صاحب نعمت ! ای خداوند ، ای بخشاینده ، ای مهربان ! ای برپای ، ای پدیدآورنده آسمان ها و زمین ! بهترین نام ها و برترین مَثَل ها و بزرگی و نعمت ها همه از آنِ توست. تو را به نامت ، به نام خداوند بخشنده مهربان ، می خوانم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و امشب ، نامم را در میان سعادتمندان ، روحم را با شهیدان ، نیکوکاری ام را در بلندمرتبگان ، و بدی ام را آمرزیده قرار دهی و مرا یقینی عطا کنی که با دلم همنشین شوی و ایمانی که شکّی به آن نیامیزد و رضا به آنچه قسمتم کرده ای، و در دنیا نیکی و در آخرت ، نیکی به من بدهی و از عذاب آتش ، نگاهم داری.

خداوندا ! در آنچه مقدّر می سازی ، از آن امر حتمی ، و در آنچه در شب قدر فیصله می دهی ، از هر کار حکمت آمیز ، در آن قضای حتمی و تغییرناپذیر ، چنان قرار ده که مرا از حُجّاج خانه خودت بنویسی؛ آنان که حجّشان پذیرفته و تلاششان پاداش یافته و گناهشان آمرزیده و بدی هایشان پوشانده شده است؛ و در آنچه حتمی و مقدّر می سازی ، چنان قرار بده که مرا از آتشْ نجات دهی ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

خداوندا ! من از تو می خواهم ، و بندگان از کسی به بزرگواری و بخشش تو نخواسته اند؛ و به سوی تو راغبم ، و [بندگان] به کسی چون تو رغبت نیافته اند. تو جای درخواستِ درخواست کنندگان و نهایت شوق خواستارانی. از تو می خواهم ، به همه بزرگ ترین و برترین و کام رواترین خواسته هایی که سزاوار است بندگانْ تو را به آنها بخوانند ، ای خداوند ، ای بخشاینده ، ای مهربان ! و [تو را می خوانم ،]به نام هایت ، آنچه را می دانم و آنچه را نمی دانم ، و به بهترین نام هایت و والاترین مَثَل هایت و به نعمت بی شمارت و به گرامی ترین نام ها در پیش تو و محبوب ترین و گرامی ترین و بلندمرتبه ترین نام هایت نزد تو و به آنچه وسیله سازترین و ثواب آورترین و زود اجابت کننده ترین نام ها نزد توست؛ و [تو را می خوانم ،] به آن نام نهفته پنهان ، زنده بر پا ، بزرگ تر والاتر ، آن که دوستش داری و به آن عشق می ورزی و به آن خرسندی ، از سوی هر که تو را بدان نام خوانَد ، که دعایش را مستجاب می کنی ، و بر توست که خواهان درگاهت را ناکام نگذاری.

و تو را می خوانم ، به هر نامی که در تورات و انجیل و زبور و قرآن داری ، و به هر نامی که حاملان عرشت و فرشتگان آسمان هایت و ساکنان زمینت ، از پیامبر یا صدّیق یا گواه ، تو را به آن نام خوانده اند ، و [تو را می خوانم ،] به حقّ مشتاقان درگاهت ، بیمناکان از تو ، و پناه آورندگان به تو؛ و به حقّ مجاوران بیت الحرام ، چه حاجیان ، چه عمره گزاران ، چه تقدیس کنندگان و چه مجاهدان در راهت؛ و به حقّ هر بنده ای که در خشکی و دریا و دشت و کوه ، تو را می پرستد. تو را می خوانم ، خواندن کسی که نیازش سخت ، گناهانش بسیار ، جرمش بزرگ و تلاشش سست است؛ خواندن کسی که برای خودش بازدارنده ای ، برای ناتوانی اش تکیه گاهی ، و برای گناهش آمرزنده ای جز تو نمی یابد ، در حالی که به سوی تو می گریزد ، به تو پناه می آورد ، تو را می پرستد ، بی آن که تکبّر بورزد یا سرپیچی کند ، ترسان ، خطاکار ، نیازمند و پناهجوی درگاهت. تو را می خوانم ، به عزّت و عظمتت ، به شُکوه و قدرتت ، به فرمان روایی و شوکتت ، به بخشش و کَرَمت ، به نعمت ها و خوبی و زیبایی ات ، و به توانت بر هر چه از بندگانت می خواهی.

تو را می خوانم ای پروردگار از روی بیم و طمع ، ترس و شوق ، خشوع و ستایشگری ، ناله و اصرار و پافشاری و فروتنی در پیشگاهت. معبودی جز تو نیست. یکتای بی شریکی ، ای پاک ، ای پاک ، ای پاک ، ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند ، ای بخشاینده ، ای بخشاینده ، ای بخشاینده ، ای مهربان ، ای مهربان ، ای مهربان ، ای پروردگار ، ای پروردگار ، ای پروردگار! به تو پناه می آورم ، ای خداوند یگانه یکتای بی نیاز بی نظیر بزرگ والا!

تو را می خوانم ، به همه آنچه تو را بدانها خواندم و به همه نام هایت که همه ارکان تو را پُر می کند ، که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی. مرا بیامرز ، بر من ترحّم کن ، از نعمت و احسان بزرگت بر من وسعت بخش و ماه رمضان و روزه و نمازش و واجب و مستحبّاتش را از من بپذیر و مرا بیامرز و بر من ترحّم کن و از من درگذر و آن را آخرین ماه رمضانی که آن را برای تو روزه گرفتم و تو را در آن پرستیدم ، قرار مده ، و وداع مرا با آن ، وداع بیرون رفتن از دنیا قرار مده!

خداوندا! از رحمت و آمرزش و رضایت و خشیت خود ، برترین چیزی را که به هر یک از پرستندگانت در این ماه عطا کردی ، برای من نیز مقرّر بدار!

خداوندا! مرا از زیانکارترین سائلانت در این ماه قرار مده و مرا از آنانی قرار بده که در این ماه ، از آتشْ آزادشان کردی و گناهان گذشته و آینده شان را بخشیدی و برترین چیزی را که از درگاهت امید و آرزو داشتند ، برایشان مقرّر داشتی!

خداوندا! دوباره روزی ام کن که این ماه را برایت روزه بگیرم و تو را در آن پرستش کنم و مرا از آنانی قرار بده که آنان را در این ماه از حاجیان بیت الحرام نوشته ای؛ آنان که حجّشان پذیرفته و گناهشان آمرزیده و عملشان مقبول است . آمین ، آمین ، آمین ، ای پروردگار جهانیان!

خداوندا! در این ماه ، برایم گناهی مگذار ، مگر آن که بخشوده باشی و نه خطایی ، مگر آن که محو کرده باشی و نه لغزشی ، مگر آن که چشم پوشیده باشی و نه قرضی ، مگر آن که ادا کرده باشی و نه نیازمندی ای ، مگر آن که برطرف ساخته باشی و نه اندوهی ، مگر آن که زدوده باشی و نه فقری ، مگر آن که برطرف کرده باشی و نه عریانی ای ، مگر آن که پوشانده باشی و نه بیماری ای ، مگر آن که شفا داده باشی و نه دردی ، مگر آن که بُرده باشی و نه حاجتی از نیازهای دنیا و آخرت ، مگر آن که به برترین صورتِ آرزو و امیدم نسبت به تو برآورده باشی ، ای مهربان ترینِ مهربانان!

خداوندا! پس از آن که هدایتمان کردی ، دل هایمان را [از حق] بر مگردان و پس از عزّتی که بخشیدی ، ذلیلمان مکن و پس از رفعتی که دادی ، پستمان مگردان و پس از اکرامی که کردی ، خوارمان مساز و پس از آن که بی نیازمان کردی ، تهی دستمان مکن و پس از عطایی که به ما دادی ، محروممان مگردان و پس از روزی ای که دادی ، بی بهره مان مساز و هیچ یک از نعمت هایی را که به ما دادی و احسانی را که بر ما نمودی ، به خاطر گناهان و کرده های ما تغییر مده؛ چرا که در بزرگواری ، بخشایش و احسان تو ، وسعتی برای آمرزش گناهانمان است؛ پس ، ما را بیامرز و از ما درگذر و بر گناهان ، کیفرمان مکن ، ای مهربان ترینِ مهربانان!

خداوندا! در این جایگاه که هستم ، مرا چنان گرامی بدار که پس از آن هرگز خوارم نسازی و چنان عزّتی بخش که پس از آن هرگز ذلیلم نکنی و چنان عافیتی عطا کن که پس از آن هرگز گرفتارم نسازی و چنان رفعتی بخش که پس از آن هرگز فرودم نیاوری و شرّ هر شیطان سرکش و شرّ هر طغیانگر ستیزه جو و شرّ هر نزدیک و دور و شرّ هر کوچک و بزرگ و

شرّ هر جنبنده ای را که اختیارش به دست توست ، از من بر گردان ! همانا پروردگارم بر راه استوار است.

خداوندا ! هر شک و تردید و انکار و ناامیدی و غم و غرور و سرمستی و خوشیِ افراطی و کبر و ریا و شهرت طلبی و دشمنی و نفاق و کفر و گناه و نافرمانی و یا هر چه را که بر دوست خود نمی پسندی ، از تو می خواهم که از دلم بزدایی و به جای آن ایمان به تو ، رضا به تقدیرت ، وفا به پیمانت ، بیم داشتن از تو ، پارسایی در دنیا ، رغبت به آنچه نزد توست ، اطمینان به تو ، تکیه بر خودت ، و توبه خالصانه به درگاهت را قرار دهی.

خداوندا ! اگر ما را به آن رساندی [، که هیچ ،] وگرنه ، اَجَل های ما را تا سال آینده به تأخیر انداز تا ما را به آن (رمضان آینده) برسانی ، در آسانی و عافیت ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

و درود خدا بر محمّد و دودمان پاک ، پاکیزه و نیک او ، و سلامی فراوان و پاک و رحمت و برکاتی الهی بر آنان باد !

.

ص: 894

. .

ص: 895

. .

ص: 896

. .

. .

ص: 898

. .

ص: 899

. .

ص: 900

. .

ص: 901

..

ص: 902

. .

ص: 903

. .

نُكتَهٌ مُهِمَّهُقالَ السيّدُ ابنُ طاووسَ قدس سره : اعلم أنّکَ تَدّعی فی بَعضِ هذهِ الوَداعاتِ أنّ شهرَ رَمضانَ أحزنَکَ فِراقُهُ وفَقدُه ، وأوجعَکَ ما فاتَکَ مِن فَضلهِ ورِفدِه (1) ، فَیرادُ مِنکَ تَصدیقَ هذهِ الدَّعوی بأن یَکونَ علی وَجهکِ أثَرُ الحزنِ والبلوی ، ولا تَختِم آخِرَ یومٍ مِنهُ بالکذبِ فی المَقالِ ، والخَلَلِ فی الفِعالِ (2) . (3)

.

1- .الرِفْد : الصِلَه والعَطِیّه (النهایه : 2 / 242) .
2- .وفی نسخه : «الأفعال» .
3- .الإقبال : 1 / 442 .

یک نکته مهم

یک نکته مهمسیّد ابن طاووس رحمه الله گوید: بدان که تو در بعضی از این وداع ها می گویی که فراق و فقدان ماه رمضان ، تو را محزون ساخته و رفتن فضیلت و عطایای آن از دستت ، ناراحتت کرده است. انتظار می رود که درستیِ این ادّعا با آثار حزن و ناراحتی در سیمایَت ، آشکار باشد و آخرین روز ماه رمضان را با گفتار دروغ و کار ناقص به پایان نبری.

.

الفصل الثاني : آداب ليله العيد2 / 1الاِهتِمامُ بِاللَّيلَهِ769.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :يَسُحُّ اللّهُ عز و جل مِنَ الخَيرِ فى أربَعِ لَيالٍ سَحّا : لَيلَهِ الأَضحى ، وَالفِطرِ... . (1)770.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الكافى عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يُقبِلُ بِوَجهِهِ إلَى النّاسِ فَيَقولُ : «يا مَعشَرَ النّاسِ ، إذا طَلَعَ هِلالُ شهَرِ رَمَضانَ غُلَّت مَرَدَهُ الشَّياطينِ و ... حَتّى إذا طَلَعَ هِلالُ شَوّالٍ نُودِيَالمُؤمِنونَ: أنِ اغدوا إلى جَوائِزِكُم فَهُوَ يَومُ الجائِزَهِ» .

ثُمَّ قالَ أبو جَعفَرٍ عليه السلام : أما وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ ، ما هِىَ بِجائِزَهِ الدَّنانيرِ ولاَ الدَّراهِمِ . (2) .

1- .كنز العمّال : 12 / 322 / 35215 نقلاً عن الديلمى ، الدرّ المنثور : 7 / 402 نقلاً عن الخطيب وفيه «يفتح اللّه الخير ...» وكلاهما عن عائشه .
2- .الكافى : 4 / 67 / 6 وص168 / 3 نحوه ، تهذيب الأحكام : 4 / 193 / 550 ، من لا يحضره الفقيه : 2 / 97 / 1833 ، ثواب الأعمال : 89 / 2 ، بحار الأنوار : 96 / 360 / 27 ؛ تاريخ دمشق : 51 / 186 / 10845 نحوه ، كنز العمّال : 8 / 590 / 24288 . انظر تمام الحديث فى ص 170 ح 222 .

فصل دوم : آداب شب عید

2 / 1 اهمّیت دادن به این شب

اشاره

فصل دوم : آداب شب عید2 / 1اهمّیت دادن به این شب771.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:خداوند در چهار شب ، پیوسته خیر فرو می ریزد: شب عید قربان و عید فطر... .772.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در سفارش به عبد اللّه بن مسعود) الکافی به نقل از جابر ، از امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا به مردم رو می کرد و می فرمود: «ای مردم! چون هلال ماه رمضان برآید ، شیطان های سرکش به بند کشیده می شوند و... تا آن گاه که هلال ماه شوّال برآید ، به مؤمنان ندا می شود: صبحگاهان به سوی جایزه های خویش بشتابید که امروز ، روز جایزه است ».

سوگند به آن که جانم به دست اوست ، آن جایزه ، دینار و درهم نیست.

.

773.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام علیّ علیه السلام :إنِ استَطَعتَ أن تُحافِظَ عَلی لَیلَهِ الفِطرِ ولَیلَهِ النَّحرِ و ... فَافعَل ، وأکثِر فیهِنَّ مِنَ الدُّعاءِ وَالصَّلاهِ وتِلاوَهِ القُرآنِ . (1)584.عنه صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :لَیلَهُ الفِطرِ اللَّیلَهُ الَّتی یَستَوفی فیهَا الأَجیرُ أجرَهُ . (2)585.عنه صلی الله علیه و آله :الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام :اِجتَهِدوا فی لَیلَهِ الفِطرِ فِی الدُّعاءِ وَالسَّهَرِ . (3)تعلیققالَ الشیخُ المفیدُ قدس سره : أوَّلُ لَیلَهٍ مِنهُ [شَهرِ شَوّالٍ] فیها غُسلٌ عِندَ وجُوبِ (4) الشَّمسِ ، کَما ذَکَرنا ذلِکَ فی أوَّلِ لَیلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، وفیها دُعاءُ الاِستِهلالِ وهُوَ عِندَ رُؤیَهِ الهِلالِ ، وفیهَا ابتِداءُ التَّکبیرِ عِندَ الفَراغِ مِن فَرضِ المَغرِبِ ، وَانتِهاؤُهُ عِندَ الفَراغِ مِن صَلاهِ العیدِ مِن یَومِ الفِطرِ ، فَیَکونُ ذلِکَ فی عَقِبِ أربَعِ صَلَواتٍ ... . وتَطابَقَتِ الآثارُ عَن أئِمَّهِ الهُدی علیهم السلام بِالحَثِّ عَلَی القِیامِ فی هذِهِ اللَّیلَهِ ، وَالاِنتِصابِ لِلمَسأَلَهِ وَالاِستغفارِ وَالدُّعاءِ . (5)

وانظر : ص 924 ، ح 790 .

.

1- .مصباح المتهجّد : 852 عن الحارث بن عبد اللّه ، بحار الأنوار : 91 / 123 / 13 و ج 97 / 88 / 14 .
2- .الهدایه : 210 ، بحار الأنوار : 91 / 124 / 15 .
3- .الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام : 206 ، بحار الأنوار : 91 / 132 / 33 .
4- .وجبت الشمس : إذا غابت وغَربَت (مجمع البحرین : 3 / 1907) .
5- .مسارّ الشیعه : 29 .

ص: 909

بیان

586.عنه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:اگر بتوانی شب عید فطر و شب عید قربان و... را مراقبت کنی ، چنان کن و در این شب ها دعا و نماز و قرآن ، بسیار بخوان.579.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:شب عید فطر ، شبی است که اجیر ، مزد کامل خود را دریافت می کند.580.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام:در شب عید فطر ، در دعا و شب زنده داری بکوشید.بیانشیخ مفید فرموده است: در شب اوّل ماه شوّال ، هنگام غروب خورشید ، غسل [، مستحب]است ، همان گونه که این را در شب اوّل ماه رمضان گفتیم. در این شب ، دعای استهلال ، هنگام دیدن هلال ماه [، مستحب] است. نیز در این شب ، آغاز تکبیر (1) پس از فراغت از نماز مغرب است و پایان آن ، فراغت از نماز عید در روز عید فطر. پس ، این تکبیرها ، پس از چهار نماز گفته می شود... . روایات امامان معصوم علیهم السلام همگی بر عبادت و نماز و پرداختن به درخواست و استغفار و توبه در این شب ، تأکید دارند.

ر . ک : ص 924 ، ح 790

.

1- .مراد ، تکبیرهایی است که در حدیث 780 می آید.

2 / 2الغُسل581.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال فیما یَختَصُّ بِلَیلَهِ عیدِ الفِطرِ :فَمِنهَا : الغُسلُ المَندوبُ المُشتَمِلُ عَلی غَسلِ الأَجسادِ بِالماءِ ، وغَسلِ القُلوبِ مِنَ الذُّنوبِ .

ورُوِیَ أ نَّهُ یُغتَسَلُ قَبلَ الغُروبِ مِن لَیلَتِهِ إذا عُلِمَ أنَّها لَیلَهُ العیدِ .

ورُوِیَ أ نَّهُ یُغتَسَلُ أواخِرَ لَیلَهِ العیدِ . (1)2 / 3الصَّلاهأ صَلاهُ رَکعَتَینِ582.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :مَن صَلّی لَیلَهَ الفِطرِ رَکعَتَینِ یَقرَأُ فی أوَّلِ رَکعَهٍ مِنهُمَا : «الحَمدَ» ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ألفَ مَرَّهٍ ، وفِی الرَّکعَهِ الثّانِیَهِ : «الحَمدَ» ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » مَرَّهً واحِدَهً ، لَم یَسأَلِ اللّهَ تَعالی شَیئا إلاّ أعطاهُ اللّهُ إیّاهُ . (2)583.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الکافی :رُوِیَ أنَّ أمیرَالمُؤمِنینَ علیه السلام کانَ یُصَلّی فیها [أی لَیلَهِ الفِطرِ] رَکعَتَینِ یَقرَأُ فِی الأُولَی : «الحَمدَ» ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ألفَ مَرَّهٍ ، وفِی الثّانِیَهِ : «الحَمدَ» ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » مَرَّهً واحِدَهً . (3)584.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال عن الحارث الأعور :إنَّ أمیرَالمُؤمِنینَ علیه السلام کانَ یُصَلّی لَیلَهَ الفِطرِ رَکعَتَینِ ، یَقرَأُ فِی الأُولی : «فاتِحَهَ الکِتابِ» مَرَّهً ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ألفَ مَرَّهٍ ، وفِی الثّانِیَهِ: «فاتِحَهَ الکِتابِ»، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » مَرَّهً واحِدَهً ، ثُمَّ یَرکَعُ (4) ویَسجُدُ. فَإذا سَلَّمَ خَرَّ ساجِدا ویَقولُ فی سُجودِهِ : «أتوبُ إلَی اللّهِ» مِئَهَ مَرَّهٍ ، ثُمَّ یَقولُ :

یا ذَا المَنِّ وَالجودِ ، یا ذَا المَنِّ وَالطَّولِ ، یا مُصطَفِیَ مُحَمَّدٍ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ وَافعَل بی کَذا وکَذا .

فَإذا رَفَعَ رَأسَهُ أقبَلَ عَلَینا بِوَجهِهِ ثُمَّ یَقولُ : «وَالَّذی نَفسی بِیَدِهِ لا یَفعَلُها أحَدٌ یَسأَلُ اللّهَ تَعالی شَیئا إلاّ أعطاهُ ، ولَو أتاهُ مِنَ الذُّنوبِ بِعَدَدِ رَملِ عالِجٍ غَفَرَ اللّهُ تَعالی لَهُ» . (5) .

1- .الإقبال : 1 / 457 ، بحار الأنوار : 91 / 115 .
2- .تهذیب الأحکام : 3 / 71 / 228 عن الإمام علیّ علیه السلام ، المقنعه : 171 وفیه «یستحبّ أن یصلّی لیله الفطر ...» .
3- .الکافی : 4 / 168 / 3 .
4- .فی المصدر : «رکع» ، وما أثبتناه من بحار الأنوار.

5- .الإقبال : 1 / 460 ، بحار الأنوار : 91 / 120 / 8 .

2 / 2 غسل

2 / 3 نماز

الف دو رکعت نماز

2 / 2غسل585.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال در بیان اعمال مخصوص شب عید فطر :از جمله آنها غسلِ مستحب است که شامل شستن بدن با آب و شستن دل ها از گناهان می شود.

و روایت شده که قبل از غروب شب عید فطر غسل شود ، آن گاه که می داند آن شب ، شب عید است.

نیز روایت شده که اواخر شب عید ، غسل شود.2 / 3نمازالف دو رکعت نماز586.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس در شب عید فطر ، دو رکعت نماز بخواند (در رکعت اوّل ، «حمد» و هزار بار سوره «قل هو اللّه أحد» و در رکعت دوم ، «حمد» و یک بار سوره «قل هو اللّه أحد») ، از خدای متعال چیزی درخواست نمی کند ، مگر آن که خداوند به او عطا می کند.587.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی:روایت شده که امیر مؤمنان علیه السلام در شب عید فطر دو رکعت نماز می خوانْد: در رکعت اوّل ، «حمد» و هزار مرتبه سوره «قل هو اللّه أحد» و در رکعت دوم ، «حمد» و یک بار سوره «قل هو اللّه أحد».588.عنه صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از حارث اَعوَر :امیر مؤمنان علیه السلام شب عید فطر ، دو رکعت نماز می خواند: در رکعت اوّل ، یک بار سوره «فاتحه» و هزار بار سوره «قل هو اللّه أحد» و در رکعت دوم ، سوره «فاتحه» و یک بار سوره «قل هو اللّه أحد». سپس رکوع و سجده می کرد و چون سلام می داد ، به سجده می افتاد و در سجده اش صد بار می گفت: «أتُوبُ إلی اللّه ؛ به درگاه خدا توبه می کنم». سپس می گفت: «ای صاحب نعمت و بخشندگی ، ای صاحب نعمت و احسان ، ای برگزیننده محمّد ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و با من چنین و چنان کن» و خواسته هایش را باز می گفت.

پس چون سر از سجده برمی داشت ، رو به ما می کرد و می فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست ، کسی نیست که چنین کند و از خدای متعال چیزی بخواهد ، مگر آن که به او عطا کند ، و اگر به بزرگی کوه های پیوسته [میان نَجْد ودَهْناء] گناه کرده باشد ، خدای متعال ، او را می آمرزد».

.

589.عنه صلى الله عليه و آله :الإقبال عن الحارث الأعور :إنَّ أميرَالمُؤمِنينَ عليه السلام كانَ يُصَلّى لَيلَةَ الفِطرِ بَعدَ المَغرِبِ ونافِلَتِها رَكعَتَينِ ، يَقرَأُ فِى الاُولى : «فاتِحَةَ الكِتابِ» ، ومِئَةَ مَرَّةٍ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ، وفِى الثّانِيَةِ : «فاتِحَةَ الكِتابِ» ، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » مَرَّةً ، ثُمَّ يَقنُتُ ويَركَعُ ويَسجُدُ ويُسَلِّمُ .

ثُمَّ يَخِرُّ للّهِ ساجِدا ويَقولُ فى سُجودِهِ : «أتوبُ إلَى اللّهِ» مِئَةَ مَرَّةٍ .

ثُمَّ يَقولُ : «وَالَّذى نَفسى بِيَدِهِ ، لا يَفعَلُها أحَدٌ فَيَسأَلُ اللّهَ تَعالى شَيئا إلاّ أعطاهُ اللّهُ تَعالى ، ولَو أتاهُ مِنَ الذُّنوبِ مِثلَ رَملِ عالِجٍ» . (1)ب صَلاةُ سِتِّ رَكَعاتٍ590.عنه صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن صَلّى لَيلَةَ العيدِ سِتَّ رَكَعاتٍ ، يَقرَأُ فى كُلِّ رَكعَةٍ خَمسَ مَرّاتٍ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » ، إلاّ شُفِّعَ فى أهلِ بَيتِهِ كُلِّهِم وإن كانوا قَد وَجَبَت لَهُمُ النّارُ . (2) .

1- .الإقبال : 1 / 459 ، بحار الأنوار : 91 / 119 / 7 .
2- .الإقبال : 1 / 459 ، ثواب الأعمال : 101 / 2 عن سلمان نحوه .

ب شش رکعت نماز

591.عنه صلی الله علیه و آله (لِعَلِیٍّ علیه السلام) الإقبال به نقل از حارث اَعوَر :امیر مؤمنان علیه السلام شب عید فطر ، پس از نماز مغرب و نافله آن ، دو رکعت نماز می خواند: در رکعت اوّل ، سوره «فاتحه» و صد بار سوره «قل هو اللّه أحد» و در رکعت دوم ، سوره «فاتحه» و یک بار سوره «قل هو اللّه أحد». سپس قنوت می گرفت و رکوع و سجود می کرد و سلام می داد. سپس در پیشگاه خدا به سجده می افتاد و در سجده اش صد بار می گفت: «أتُوبُ إلی اللّه ؛ به درگاه خدا توبه می کنم».

سپس می گفت: «سوگند به آن که جانم در دست اوست ، هیچ کس چنین نمی کند و از خداوندمتعال چیزی نمی خواهد، مگر آن که خداوند به او می دهد، هر چند به بزرگی کوه های پیوسته [میان نجد و دهناء] ، گناه کرده باشد».ب شش رکعت نماز592.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر که شب عید ، شش رکعت نماز بخواند (در هر رکعت: پنج بار سوره «قل هو اللّه أحد») ، شفاعت او را درباره همه خانواده اش می پذیرند ، هر چند اهل آتش شده باشند.

.

ج صَلاهُ عَشرِ رَكَعاتٍ587.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ثواب الأعمال :عَن عَبدِ اللّهِ بن مَسعودٍ عَنِ النَّبی صلی الله علیه و آله عَن جِبرائیلَ عَن إسرافیلَ عَن ربِّهِ تَبارَکَ وتَعالی أ نَّهُ قالَ : «مَن صَلّی لَیلَهَ الفِطرِ عَشرَ رَکَعاتٍ ، یَقرَأُ فی کُلِّ رَکعَهٍ بِ «فاتِحهِ الکِتابِ» ، و «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ » عَشرَ مَرّاتٍ ، ویَقولُ فی رُکوعِهِ وسُجودِهِ : «سُبحانَ اللّهِ وَالحَمدُ للّهِ ولا إلهَ إلاَّ اللّهُ وَاللّهُ أکبَرُ» ، ثُمَّ یَتَشَهَّدُ ویُسَلِّمُ بَینَ کُلِّ رَکعَتَینِ ؛ فَإذا فَرَغَ مِنها قالَ أَلفَ مَرَّهٍ : «أستَغفِرُ اللّهَ وأتوبُ إلَیهِ» ، ثُمَّ یَسجُدُ ویَقولُ فی سُجودِهِ :

یا حَیُّ یا قَیّومُ یا ذَا الجَلالِ وَالإکرامِ ، یا رَحمانَ الدُّنیا وَالآخِرَهِ ورَحیمَهُما ، یا أکرَمَ الأکرَمینَ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ ، یا إلهَ الأَوَّلینَ وَالآخِرینَ ، اغفِر لی ذُنوبی وتَقَبَّل صَومی وصَلاتی وقِیامی .

قالَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : وَالَّذی بَعَثَنی بِالحَقِّ نَبِیّا إنَّهُ لا یَرفَعُ رَأسَهُ مِنَ السُّجودِ حَتّی یَغفِرَ اللّهُ لَهُ ویَتَقَبَّلَ مِنهُ شَهرَ رَمَضانَ ، ویَتَجاوَزَ عَن ذُنوبِهِ» . (1)د صَلاهُ أربَعَ عَشرَهَ رَکعَهً588.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال :رُوِیَ أنَّ مَن صَلّی لَیلَهَ الفِطرِ أربَعَ عَشرَهَ رَکعَهً ، یَقرَأُ فی کُلِّ رَکعَهٍ «الحَمدَ» ، و«آیَهَ الکُرسِیِّ» ، وثَلاثَ مَرّاتٍ «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ » ، أعطاهُ اللّهُ بِکُلِّ رَکعَهٍ عِبادَهَ أربَعینَ سَنَهً ، وعِبادَهَ کُلِّ مَن صامَ وصَلّی فی هذَا الشَّهرِ ، وذَکَرَ فَضلاً عَظیما . (2) .

1- .ثواب الأعمال : 100 / 1 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 134 / 143 ، الإقبال : 1 / 418 وفیهما «من صلّی فی آخر لیله من شهر رمضان» و ص 460 ، المزار الکبیر : 628 / 1 ، بحار الأنوار : 91 / 130 / 31 و ج 98 / 73 / 1 .
2- .الإقبال : 1 / 463 ، بحار الأنوار : 91 / 122 / 9 .

ج ده رکعت نماز
د چهارده رکعت نماز

ج ده رکعت نماز589.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :ثواب الأعمال:از عبد اللّه بن مسعود ، از پیامبر صلی الله علیه و آله ، از جبرئیل ، از اسرافیل ، از پروردگار متعال چنین روایت شده که فرموده است: «هر کس شب عید فطر (1) ده رکعت نماز بخواند (در هر رکعت: سوره فاتحه و ده بار سوره قل هو اللّه أحد) ، و در رکوع و سجودش بگوید: سبحان اللّه و الحمد للّه و لا إله إلاّ اللّه و اللّه أکبر ، سپس در بین هر دو رکعت تشهّد و سلام بگوید و چون از آنها فراغت یافت ، هزار بار بگوید: أستَغْفِراللّهَ وَ أتُوبُ إلیه؛ از خدا آمرزش می طلبم و به درگاهش توبه می کنم ، سپس سجده کند و در سجده اش بگوید: ای زنده پا بر جای ، ای صاحب شُکوه و بزرگواری ، ای بخشنده و مهربان در دنیا و آخرت ، ای گرامی ترین گرامی تران ، ای مهربان ترینِ مهربانان ، ای معبود اوّلین و آخرین! گناهان مرا بیامرز و روزه و نماز و عبادتم را بپذیر!».

پیامبر خدا فرمود: «سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت ، سرش را از سجده بر نمی دارد تا آن که خداوندْ او را می آمرزد و ماه رمضان را از او می پذیرد و از گناهانش درمی گذرد».د چهارده رکعت نماز590.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال:روایت شده است که هر کس در شب عید فطر ، چهارده رکعت نماز بخواند (در هر رکعت: «حمد» و آیه الکرسی و سه بار سوره «قل هو اللّه أحد» ، خداوند در برابر هر رکعت ، [پاداشِ] عبادت چهل سال و عبادت هر که را در این ماه نماز خوانده و روزه گرفته است ، به او عطا می کند. و فضیلت بزرگی برای آن بر شمرد.

.

1- .این روایت در ثواب الأعمال ، المزار الکبیر والإقبال در مورد اعمال شب عید فطر ذکر شده؛ ولی در فضائل الأشهر الثلاثه و جایی دیگر از الإقبال ، در اعمال شب آخر ماه رمضان آمده است. و ظاهرا مخصوص شب عید فطر است؛ ولی مانعی ندارد که در یکی از دو شب یا در هر دو شب انجام شود ، آن گونه که از الإقبال برمی آید.

2 / 4التَّكبيرُ بَعدَ الصَّلَواتِ591.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در سفارش به على عليه السلام) الإقبال عن معاويه بن عمّار :سَمِعتُ أبا عَبدِاللّهِ عليه السلام يَقولُ : «إنَّ فِى الفِطرِ تَكبيرا» .

قُلتُ : مَتى؟

قالَ : «فِى المَغرِبِ لَيلَةَ الفِطرِ ، وَالعِشاءِ ، وصَلاهِ الفَجرِ ، وصَلاهِ العيدِ ثُمَّ يَنقَطِعُ ، وهُوَ قَولُ اللّهِ تَعالى : «وَلِتُكْمِلُواْ الْعِدَّهَ وَلِتُكَبِّرُواْ اللَّهَ عَلَى مَا هَدَلكُمْ» (1) وَالتَّكبيرُ أن يَقولَ :

اللّهُ أكبَرُ اللّهُ أكبَرُ اللّهُ أكبَرُ ، لا إلهَ إلاَّ اللّهُ واللّهُ أكبَرُ ، وللّهِ الحَمدُ عَلى ما هَدانا ، ولَهُ الشُّكرُ عَلى ما أولانا (2) » . (3)2 / 5زِيارَهُ الإمام الحُسيَنِ774.عنه صلى الله عليه و آله :تهذيب الأحكام عن عبدالرحمن بن الحجّاج عن الإمام الصادق عليه السلام :«مَن زارَ قَبرَ الحُسَينِ عليه السلام لَيلَهً مِن ثَلاثٍ غَفَرَ اللّهُ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ وما تَأَخَّرَ» .

قُلتُ : أىُّ اللَّيالى جُعِلتُ فِداکَ ! ؟

قالَ : «لَيلَهُ الفِطرِ ، ولَيلَهُ الأَضحى ، ولَيلَهُ النِّصفِ مِن شَعبانَ» . (4)593.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :مَن زارَ قَبرَ الحُسَينِ عليه السلام لَيلَهَ النِّصفِ مِن شَعبانَ ، ولَيلَهَ الفِطرِ ، ولَيلَهَ عَرَفَهَ فى سَنَهٍ واحِدَهٍ ، كَتَبَ اللّهُ لَهُ : ألفَ حَجَّهٍ مَبرورَهٍ وألفَ عُمرَهٍ مُتَقَبَّلَهٍ . وقُضِيَت لَهُ ألفُ حاجَهٍ مِن حَوائِجِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ . (5) .

1- .البقره : 185.
2- .وفى نسخه : «أبلانا» .
3- .الإقبال : 1/459 ، مصباح المتهجّد : 648/721 نحوه من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : 91/116/2.
4- .تهذيب الأحكام : 6/49/112 ، المزار للمفيد : 45 ، كامل الزيارات : 335 / 562 ، بحار الأنوار : 101/89/23 و ص 94 / 10 .
5- .تهذيب الأحكام : 6 / 51 / 119 ، كامل الزيارات : 319 / 541 و ص 336 / 563 ، المزار الكبير : 350 كلّها عن يونس بن ظبيان ، روضه الواعظين : 215 ، بحار الأنوار : 101 / 90 / 24 و ص 95 / 11 .

2 / 4 تکبیر پس از نمازها

2 / 5 زیارت امام حسین

2 / 4تکبیر پس از نمازها594.منیه المرید :الإقبال به نقل از معاویه بن عمّار :شنیدم که امام صادق علیه السلاممی فرمود: «در عید فطر ، تکبیر است».

گفتم: کِی؟

فرمود: «در نماز مغربِ شب عید فطر و عشا و نماز صبح و نماز عید. سپس قطع می شود. و این ، همان کلام الهی است که: « شمار را به کمال برسانید و خدا را بر این که هدایتتان کرده ، تکبیر بگویید» .و تکبیر ، آن است که بگوید:

اللّه أکبر ، اللّه أکبر ، اللّه أکبر. معبودی جز اللّه نیست. اللّه أکبر. خدا را سپاس بر این که هدایتمان کرد. خدا را سپاس بر این که نعمتمان داد ».2 / 5زیارت امام حسین595.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :تهذیب الأحکام به نقل از عبد الرحمان بن حَجّاج ، از امام صادق :«هر کس یک شب از سه شب ، قبر حسین علیه السلام را زیارت کند ، خداوندْ گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد».

گفتم: فدایت شوم ! کدام شب ها؟

فرمود: «شب عید فطر ، شب عید قربان و شب نیمه شعبان».596.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:هر کس در یک سال ، شب نیمه شعبان ، شب عید فطر و شب عرفه قبر حسین علیه السلام را زیارت کند ، خداوند برای او هزار حجّ مقبول و هزار عمره مقبول می نویسد و هزار حاجت از حاجت های دنیا و آخرت از او برآورده می شود.

.

2 / 6الإحياء593.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مَن أحيا لَيلَةَ العيدِ لَم يَمُت قَلبُهُ يَومَ تَموتُ القُلوبُ . (1)594.منيه المريد :عنه صلى الله عليه و آله :مَن قامَ لَيلَتَي العيدَينِ مُحتَسِبا للّهِ ، لَم يَمُت قَلبُهُ يَومَ تَموتُ القُلوبُ . (2)595.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الكاظم عليه السلام :كانَ عَلِيٌّ بنُ أبى طالِبٍ عليه السلام يَقولُ : «يُعجِبُنى أن يُفَرِّغَ الرَّجُلُ نَفسَهُ فِى السَّنَهِ أربَعَ لَيالٍ : لَيلَةَ الفِطرِ ، ولَيلَةَ الأضحى ، ولَيلَةَ النِّصفِ مِن شَعبانَ ، وأوَّلَ لَيلَهٍ مِن رَجَبٍ» . (3)596.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الرضا عليه السلام :كانَ أميرُالمُؤمِنينَ عليه السلام لا يَنامُ ثَلاثَ لَيالٍ : لَيلَةَ ثَلاثٍ وعِشرينَ مِن شَهرِ رَمَضانَ ، ولَيلَةَ الفِطرِ ، ولَيلَةَ النِّصفِ مِن شَعبانَ . (4)597.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :مسارّ الشيعه :رُوِىَ أنَّ أميرَالمُؤمِنينَ عليه السلام كانَ لا يَنامُ فِيها [أى لَيلَهِ الفِطرِ] ويُحييها بِالصَّلاهِ وَالدُّعاءِ وَالسُّؤالِ، ويَقولُ: «فى هذِهِ اللَّيلَهِ يُعطَى الأجيرُ أجرَهُ». (5) .

1- .ثواب الأعمال : 101 / 1 عن أنس ، الإقبال : 1 / 463 ، الدعوات : 279 / 807 ، بحار الأنوار : 91 / 132 / 32 ؛ المعجم الأوسط : 1 / 57 / 159 عن عباده بن الصامت وفيه «من صلّى ليله الفطر والأضحى ...» ، كنز العمّال : 5 / 66 / 12077 و ج 8 / 549 / 24108 .
2- .سنن ابن ماجه : 1 / 567 / 1782 عن أبى اُمامه ، كنز العمّال : 8 / 548 / 24105 .
3- .مصباح المتهجّد : 852 عن إسماعيل بن موسى بن جعفر عليهماالسلام ، الجعفريّات : 46 ، فضائل الأشهر الثلاثه : 46 / 23 ، قرب الإسناد : 54 / 177 كلاهما عن وهب بن وهب وكلّها عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهماالسلام ، دعائم الإسلام : 1 / 184 عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : 91 / 122 / 12 و ج 97 / 39 / 25 و ص 87 / 12 .
4- .مصباح المتهجّد: 853 عن سعيد بن سعد ، مسارّالشيعه : 62نحوه، بحارالأنوار : 91/123/13 وج97/88/15.
5- .مسارّ الشيعه : 30 .

2 / 6شب زنده داری598.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر که شب عید را زنده بدارد ، در آن روز که دل ها می میرند ، دل او نمی میرد.599.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:هر کس دو شب عید [فطر و قربان] را به خاطر پاداش خدا به عبادت بپردازد ، در آن روز که دل ها می میرند ، دل او نمی میرد.597.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام کاظم علیه السلام:علی ابن ابی طالب علیه السلام فرمود: «این ، مرا شادمان می سازد که هر شخص در طول سال ، خودش را در چهار شب [برای عبادت ،] فارغ سازد: شب عید فطر ، شب عید قربان ، شب نیمه شعبان و شب اوّل ماه رجب».598.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام:امیر مؤمنان علیه السلام سه شب را نمی خوابید: شب بیست و سوم ماه رمضان ، شب عید فطر و شب نیمه شعبان».599.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مسارّ الشیعه:روایت شده که امیر مؤمنان علیه السلام در شب عید فطر نمی خوابید و آن شب را با نماز و دعا و درخواست از خدا زنده می داشت و می فرمود: «در این شب ، مزدِ اجیر به او داده می شود».

.

600.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :كانَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليهماالسلام يُحيى لَيلَةَ عيدِ الفِطرِ بِصَلاهٍ حَتّى يُصبِحَ ، ويَبيتُ لَيلَةَ الفِطرِ فِى المَسجِدِ ، ويَقولُ : «يا بُنَىَّ ! ما هِىَ بِدونِ لَيلَهٍ» ، يَعنى لَيلَةَ القَدرِ . (1)2 / 7الدُّعاءُ بِالمَأثورِ601.رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :قالَ أميرُ المُؤمِنينَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ : مَن صَلَّى لَيلَةَ الفِطرِ رَكعَتَينِ يَقرَأُ فِى الأُولى : «الحَمدَ» مَرَّهً ، و «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ » أَلفَ مَرَّهٍ ، وفِى الثّانِيَهِ : «الحَمدَ» ، و «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ » مَرَّهً واحِدَهً ، لَم يَسأَلِ اللّهَ تَعالى شَيئا إلاّ أعطاهُ .

الدُّعاءُ فى دُبُرِها :

يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ ، يا رَحمانُ يا أللّهُ ، يا رَحيمُ يا أللّهُ ، يا مَلِكُ يا أللّهُ ، يا قُدّوسُ يا أللّهُ ، يا سَلامُ يا أللّهُ ، يا مُؤمِنُ يا أللّهُ ، يا مُهَيمِنُ يا أللّهُ ، يا عَزيزُ يا أللّهُ ، يا جَبّارُ يا أللّهُ (2) ، يا مُتَكَبِّرُ يا أللّهُ ، يا خالِقُ يا أللّهُ ، يا بارِئُ يا أللّهُ ، يا مُصَوِّرُ يا أللّهُ ، يا عالِمُ يا أللّهُ ، يا عَظيمُ يا أللّهُ ، يا كَريمُ يا أللّهُ ، يا حَليمُ يا أللّهُ ، يا حَكيمُ يا أللّهُ ، يا سَميعُ يا أللّهُ ، يا بَصيرُ يا أللّهُ ، يا قَريبُ يا أللّهُ ، يا مُجيبُ يا أللّهُ ، يا جَوادُ يا أللّهُ ، يا واحِدُ يا أللّهُ ، يا وَلِيُّ (3) يا أللّهُ (4) ، يا وَفِيُّ يا أللّهُ ، يا مَولى يا أللّهُ ، يا قاضى يا أللّهُ ، يا سَريعُ يا أللّهُ ، يا شَديدُ يا أللّهُ ، يا رَؤوفُ يا أللّهُ ، يا رَقيبُ يا أللّهُ ، يا مُجيبُ يا أللّهُ ، يا جَوادُ يا أللّهُ .

يا ماجِدُ يا أللّهُ ، يا عَلِيُّ يا أللّهُ ، يا حَفيظُ يا أللّهُ ، يا مُحيطُ يا أللّهُ ، يا سَيِّدَ السّاداتِ يا أللّهُ ، يا أَوَّلُ يا أللّهُ ، يا آخِرُ يا أللّهُ ، يا ظاهِرُ يا أللّهُ ، يا باطِنُ يا أللّهُ ، يا فاطِرُ يا أللّهُ ، يا قاهِرُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا وَدودُ يا أللّهُ ، يا نورُ يا أللّهُ ، يا دافِعُ يا أللّهُ ، يا مانِعُ يا أللّهُ ، [يا رافِعُ يا أللّهُ] (5) ، يا فاتِحُ يا أللّهُ ، يا نَفّاعُ يا أللّهُ ، يا جَليلُ يا أللّهُ ، يا جَميلُ يا أللّهُ ، يا شَهيدُ يا أللّهُ ، يا شاهِدُ يا أللّهُ ، يا مُغيثُ يا أللّهُ ، يا حَبيبُ يا أللّهُ ، يا فاطِرُ يا أللّهُ ، يا مَطَهِّرُ يا أللّهُ ، يا مالِكُ يا أللّهُ ، يا مُقتَدِرُ يا أللّهُ ، يا قابِضُ يا أللّهُ ، يا باسِطُ يا أللّهُ ، يا مُحيى يا أللّهُ ، يا مُميتُ يا أللّهُ ، يا مُجيبُ يا أللّهُ ، يا باعِثُ يا أللّهُ ، يا مُعطى يا أللّهُ ، يا مُفضِلُ يا أللّهُ ، يا مُنعِمُ يا أللّهُ ، يا حَقُّ يا أللّهُ ، يا مُبينُ يا أللّهُ ، يا طَبيبُ (6) يا أللّهُ ، يا مُحسِنُ يا أللّهُ ، يا مُجمِلُ يا أللّهُ ، يا مُبدِئُ يا أللّهُ ، يا مُعيدُ يا أللّهُ ، يا بارِئُ يا أللّهُ ، يا بَديعُ يا أللّهُ ، يا هادى يا أللّهُ ، يا كافى يا أللّهُ ، يا شافى يا أللّهُ ، يا عَلِيُّ يا أللّهُ (7) ، يا حَنّانُ يا أللّهُ ، يا مَنّانُ يا أللّهُ ، يا ذَا

الطّولِ يا أللّهُ ، يا مُتَعالى يا أللّهُ ، يا عَدلُ يا أللّهُ ، يا ذَا المَعارِجِ يا أللّهُ ، يا صادِقُ يا أللّهُ ، يا دَيّانُ يا أللّهُ ، يا باقى يا أللّهُ ، يا ذَا الجَلالِ يا أللّهُ ، يا ذَا الإكرامِ يا أللّهُ ، يا مَعبودُ يا أللّهُ ، يا مَحمودُ يا أللّهُ ، يا صانِعُ يا أللّهُ ، يا مُعينُ يا أللّهُ ، يا مُكَوِّنُ يا أللّهُ ، يا فَعّالُ يا أللّهُ ، يا لَطيفُ يا أللّهُ ، يا جَليلُ يا أللّهُ ، يا غَفورُ يا أللّهُ ، يا شَكورُ يا أللّهُ ، يا نورُ يا أللّهُ ، يا حَنّانُ يا أللّهُ ، يا قَديرُ يا أللّهُ ، يا ربّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ ، يا رَبّاهُ يا أللّهُ (8) ، يا أللّهُ يا أللّهُ يا أللّهُ ، أسأَلكُ أن تُصَلّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وتَمُنَّ عَلَىَّ بِرِضاكَ ، وتَعفُوَ عَنّى بِحِلمِكَ ، وتُوَسِّعَ عَلَىَّ مِن رِزقِكَ الحَلالِ الطَّيِّبِ مِن حَيثُ أحتَسِبُ ومِن حَيثُ لا أحتَسِبُ ، فَإنّى عَبدُكَ لَيسَ لى أحدٌ سِواكَ ، ولا أجِدُ أحَدا (9) أسَأَلُهُ غَيرَكَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ ، ما شاءَ اللّهُ لا قُوَّةَ إلاّ بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ .

ثُمَّ تَسجُدُ وتَقولُ : يا أللّهُ يا أللّهُ ، يا رَبُّ يا أللّهُ ، يا رَبُّ يا أللّهُ ، يا رَبُّ يا أللّهُ ، يا مُنزِلُ البَرَكاتِ ، بِكَ تُنزَلُ كُلُّ حاجَةٍ ، أسأَلُكَ بِكُلِّ اسمٍ فِى مَخزونِ الغَيبِ عِندَكَ ، وَالأَسماءِ المَشهوراتِ عِندَكَ المَكتوبَةِ عَلى سُرادِقِ عَرشِكَ ، أن تُصَلّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وأن تَقبَلَ مِنّى شَهرَ رَمَضانَ وتَكتُبَنى فِى (10) الوافِدينَ إلى بَيتِكَ الحَرامِ وتَصفَحَ لى عَنِ الذُّنوبِ العِظامِ ، وتَستَخرِجَ (لى) (11) يا رَبِّ كُنوزَكَ يا رَحمانُ . (12) .

1- .الإقبال : 1 / 463 عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : 91/119/7 وج83/115/31 .
2- .فى نسخه بزياده : «يا حنّان يا اللّه » .
3- .وفى نسخه : «ملىّ» .
4- .فى نسخه بزياده : «يا مكرم يا اللّه » .
5- .هذه الزياده من بحار الأنوار .
6- .فى نسخه : «طيّب» .
7- .فى نسخه : «يا عالى يا أللّهُ» .
8- .فى نسخه بزياده : «يا أللّهُ يا ربّاه» .
9- .فى نسخه : «ولا أحد» .
10- .فى نسخه : «من» .
11- .ما بين القوسين أثبتناه من بحار الأنوار .
12- .الإقبال : 1 / 461 عن الحسن بن راشد ، مصباح المتهجّد : 649 / 722 وفيه «يستحبّ أيضا أن يصلّى بعد الفراغ من جميع صلواته فى هذه الليله ، ركعتين يقرأ ...» ، بحار الأنوار : 91 / 120 / 8 .

602.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:امام سجّاد علیه السلام شب عید فطر را تا سپیده دم زنده می داشت و شب عید فطر را در مسجد به سر می برد و می فرمود: «پسرم! این ، کمتر از آن (شب قدر) نیست ».2 / 7خواندن دعاهای رسیده603.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:امیر مؤمنان که درود خدا بر او باد فرمود: «هر کس در شب عید فطر ، دو رکعت نماز بخواند (در رکعت اوّل ، یک بار حمد و هزار بار سوره قل هو اللّه و در رکعت دوم ، حمد و یک بار سوره قل هو اللّه أحد) ، چیزی از خدا نمی خواهد ، مگر آن که به وی عطا می کند».

دعای در پی این نماز ، این است:

«ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند! ای بخشاینده ، ای خداوند! ای مهربان ، ای خداوند! ای فرمان روا ، ای خداوند! ای پاک ، ای خداوند! ای بی عیب ، ای خداوند! ای ایمنی بخش ، ای خداوند ، ای حاکم ، ای خداوند! ای شکست ناپذیر ، ای خداوند! ای مقتدر ، ای خداوند! ای شکوهمند ، ای خداوند! ای آفریننده ، ای خداوند! ای پدیدآورنده ، ای خداوند! ای صورتگر ، ای خداوند! ای دانا ، ای خداوند! ای بزرگ ، ای خداوند! ای بزرگوار ، ای خداوند! ای بردبار ، ای خداوند! ای حکیم ، ای خداوند! ای شنوا ، ای خداوند! ای بینا ، ای خداوند! ای نزدیک ، ای خداوند! ای اجابت کننده ، ای خداوند! ای بخشنده ، ای خداوند! ای یکتا ، ای خداوند! ای سرپرست ، ای خداوند! ای وفاکننده ، ای خداوند! ای سَرور ، ای خداوند! ای داور ، ای خداوند! ای سریع ، ای خداوند! ای نیرومند ، ای خداوند! ای مهربان ، ای خداوند! ای مراقب ، ای خداوند! ای اجابت کننده ، ای خداوند! ای بخشنده ، ای خداوند!

ای شکوهمند ، ای خداوند! ای والا ، ای خداوند! ای نگهبان ، ای خداوند! ای فراگیر ، ای خداوند! ای سَرور سَروران ، ای خداوند! ای نخستین ، ای خداوند! ای واپسین ، ای خداوند! ای آشکار ، ای خداوند! ای نهان ، ای خداوند! ای شکافنده ، ای خداوند! ای غالب ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای

خداوند! ای مهرورز ، ای خداوند! ای نور ، ای خداوند! ای دفع کننده ، ای خداوند! ای بازدارنده ، ای خداوند! ای برافرازنده ، ای خداوند! ای گشاینده ، ای خداوند! ای سودرسان ، ای خداوند! ای باشُکوه ، ای خداوند! ای زیبا ، ای خداوند! ای گواه ، ای خداوند! ای شاهد ، ای خداوند! ای پناه دهنده ، ای خداوند! ای دوست ، ای خداوند! ای شکافنده ، ای خداوند! ای پاک کننده ، ای خداوند! ای صاحب ، ای خداوند! ای توانگر ، ای خداوند! ای گیرنده ، ای خداوند! ای گسترنده ، ای خداوند! ای زنده کننده ، ای خداوند! ای میراننده ، ای خداوند! ای اجابت کننده ، ای خداوند! ای برانگیزنده ، ای خداوند! ای عطاکننده ، ای خداوند! ای احسان کننده ، ای خداوند! ای نعمت بخش ، ای خداوند! ای حق ، ای خداوند! ای روشنگر ، ای خداوند! ای طبیب ، ای خداوند! ای نیکویی کننده ، ای خداوند! ای زیباساز ، ای خداوند! ای آغازگر ، ای خداوند! ای بازآفرین ، ای خداوند! ای آفریدگار ، ای خداوند! ای نوآفرین ، ای خداوند! ای راهنما ، ای خداوند! ای کفایت کننده ، ای خداوند! ای درمان کننده ، ای خداوند! ای والا ، ای خداوند! ای مهرورز ، ای خداوند! ای نعمت بخش ، ای خداوند! ای صاحب احسان ، ای خداوند! ای والاقدر ، ای خداوند! ای دادگر ، ای خداوند! ای صاحب والایی ها ، ای خداوند! ای راستگو ، ای خداوند! ای پاداش دهنده ، ای خداوند! ای ماندگار ، ای خداوند! ای شکوهمند ، ای خداوند! ای صاحب بزرگواری ، ای خداوند! ای معبود ، ای خداوند! ای ستوده ، ای خداوند! ای سازنده ، ای خداوند! ای یاور ، ای خداوند! ای هستی بخش ، ای خداوند! ای کارساز ، ای خداوند! ای صاحب لطف ، ای خداوند! ای با شکوه ، ای خداوند! ای آمرزنده ، ای خداوند! ای سپاس گزار ، ای خداوند! ای نور ، ای خداوند! ای دلسوز ، ای خداوند! ای توانا ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای خداوند ، ای خداوند ، ای خداوند! از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و با رضایت خویش بر من منّت بگذاری و با بردباری خویش از من درگذری و از روزیِ حلال و پاکیزه خودت ، از آن جا که گمان دارم و از آن جا که گمان ندارم ، بر من وسعت دهی ، که من بنده تو ام. جز تو ، کسی را ندارم و جز تو ، کسی را نمی یابم که از او بخواهم ، ای مهربان ترین مهربانان! آنچه را خداوند بخواهد ، همان خواهد شد. نیرویی جز از خدای والای بزرگ نیست».

سپس سجده می کنی و می گویی:

«ای خداوند ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای پروردگار ، ای خداوند! ای فرودآورنده برکت ها! هر نیازی بر آستان تو عرضه می شود. تو را می خوانم ، به هر نامی که در گنجینه غیبْ نزد توست و نام های مشهوری که پیش توست و سراپرده عرش ، نگاشته شده است که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و ماه رمضان را از من بپذیری و مرا در زمره میهمانان خانه خود بنویسی و از گناهان بزرگ من ، چشم بپوشی و ای خدای مهربان گنجینه های رحمتت را برای من بیرون آوری».

.

ص: 922

. .

ص: 923

. .

604.عنه صلى الله عليه و آله :الكافى عن الحسن بن راشد :قُلتُ لِأَبى عَبدِاللّهِ عليه السلام : إنَّ النّاسَ يَقولونَ : إنَّ المَغفِرَةَ تَنزِلُ عَلى مَن صامَ شَهرَ رَمَضانَ لَيلَةَ القَدرِ .

فَقالَ : «يا حَسَنُ ، إنَّ القاريجارَ (1) إنَّما يُعطى اُجرَتَهُ عِندَ فَراغِهِ ، ذلِكَ لَيلَةُ العيدِ» .

قُلتُ : جُعِلتُ فِداكَ ! فَما يَنبَغى لَنا أن نَعمَلَ فيها؟

فَقالَ : «إذا غَرَبتِ الشَّمسُ فَاغتَسِل ، وإذا صَلَّيتَ الثَّلاثَ المَغرِبَ فَارفَع يَدَيكَ وقُل :

يا ذَا المَنِّ يا ذَا الطَّولِ يا ذَا الجودِ ، يا مُصطَفِيا مُحَمَّدا وناصِرَهُ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاغفِر لى كُلَّ ذَنبٍ أذنَبتُهُ أحصَيتَهُ عَلَىَّ ونَسيتُهُ وهُوَ عِندَكَ فى كِتابِكَ .

وتَخِرُّ ساجِدا وتَقولُ مِئَةَ مَرَّةٍ : «أتوبُ إلَى اللّهِ» وأنتَ ساجِدٌ ، وتَسأَلُ حَوائِجَكَ» . (2) .

1- .معرَّب عن «كارگر» الفارسيه أى العامل أو الأجير .
2- .الكافى : 4 / 167 / 3 ، تهذيب الأحكام : 1 / 115 / 302 وفيه إلى «فارفع يديک» ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 167 / 2036 ، علل الشرايع : 388 / 1 ، الإقبال : 1 / 458 ، بحار الأنوار : 91 / 115 / 1 .

605.مسند ابن حنبل عن ابن عبّاس :الکافی به نقل از حسن بن راشد :به امام صادق علیه السلام گفتم: مردم می گویند: برای آنان که ماه رمضان را روزه گرفته اند ، در شب قدر ، آمرزش نازل می شود.

فرمود: «ای حسن ! کارگر ، مزد خودش را هنگام پایان کارش می گیرد ، و آن ، شب عید است».

گفتم: فدایت شوم ! در آن شب ، چه کاری شایسته است که انجام دهیم؟

فرمود: «چون خورشید غروب کرد ، غسل کن و چون سه رکعت نماز مغرب را به پایان بردی ، دستانت را بلند کن و بگو:

ای صاحب نعمت و احسان و بخشش ، ای برگزیننده و یاور محمّد ! بر محمّد و خاندانش درود فرست و هر گناهی را که مرتکب شده ام و تو آنها را بر من شمرده ای و من فراموش کرده ام و نزد تو در کتاب (علم) تو ثبت است ، بیامرز !

و به سجده می افتی و در حال سجده ، صدر بار می گویی: «أتُوبُ إلی اللّه ؛ به درگاه خدا توبه می کنم» و از خداوند ، حاجت های خود را می طلبی . .

606.صحيح مسلم عن معاويه بن الحكم السّلمىّ :مصباح المتهجّد :ومِنَ السُّنَّهِ أن يَقولَ عَقيبَ صَلاهَ المَغرِبِ لَيلَهَ الفِطرِ وهُوَ ساجِدٌ : يا ذَا الجَلالِ وَالإِكرامِ ، يا مُصطَفِيا مُحَمَّدا وناصِرَهُ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغفِر لى كُلَّ ذَنبٍ أذنَبتُهُ ونَسيتُهُ أنَا وهُوَ عِندَکَ فى كِتابٍ مُبينٍ .

600.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :المصباح :قُل عَشرا فى كُلِّ لَيلَهِ عيدٍ ، وكُلِّ لَيلَهِ جُمُعَهٍ أيضا : ثُمَّ يَقولُ : «أتوبُ إلَى اللّهِ» مِئَهَ مَرَّهٍ . (1)

يا دائِمَ الفَضلِ عَلَى البَرِيَّهِ ، يا باسِطَ اليَدَينِ بِالعَطِيَّهِ ، يا صاحِبَ المَواهِبِ السَّنِيَّهِ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ خَيرِ الوَرى سَجِيَّهً ، وَاغفِر لَنا يا ذَا العُلى فى هذِهِ العَشِيَّهِ . (2) .

1- .مصباح المتهجّد : 648 / 719 ، المصباح للكفعمى : 855 نحوه .
2- .المصباح للكفعمى : 855 .

601.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مصباح المتهجّد :مستحب است که شب عید فطر پس از نماز مغرب در حال سجود بگوید:

«ای صاحب شُکوه و بزرگواری ، ای برگزیننده و یاور محمّد! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و هر گناهی را که مرتکب شده ام و آن را فراموش کرده ام، امّا نزد تو در کتابی روشن ثبت است ، بیامرز!».

سپس صد بار می گوید: «أتُوبُ إلی اللّه ؛ به درگاه خدا توبه می کنم».602.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المصباح:در هر شبِ عید و نیز در هر شب جمعه ، ده بار بگو:

«ای پیوسته احسان کننده بر آفریده ها، ای گشاینده دست ها به بخشش ، ای صاحب بخشش های ارزشمند! بر محمّد و خاندان او که بهترین مردم از نظر خُلق و خویند ، درود فرست و ای صاحب والایی امشب ، ما را بیامرز!». .

الفصل الثالث : آداب يوم العيد3 / 1الاِهتِمامُ بِيَومِ العيدِ603.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الكافى عن جابر عن الإمام البَاقر عليه السلام :قالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله : «إذا كانَ أوَّلُ يَومٍ مِن شَوّالٍ نادى مُنادٍ : أيُّهَا المُؤمِنونَ ، اُغدوا إلى جَوائِزِكُم» .

ثُمَّ قالَ : يا جابِرُ جَوائِزُ اللّهِ لَيسَت بِجَوائِزِ هؤُلاءِ المُلوكِ ، ثُمَّ قالَ : هُوَ يَومُ الجَوائِزِ . (1)604.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ المَلائِكَةَ يَقومونَ يَومَ العيدِ عَلى أفواهِ السِّكَّةِ ، ويَقولونَ :

«اغدوا إلى رَبٍّ كَريمٍ يُعطِى الجَزيلَ ويَغفِرُ العَظيمَ» . (2)605.مسند ابن حنبل (به نقل از ابن عبّاس) عنه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ يَومُ الفِطرِ وَقَفَتِ المَلائِكَةُ عَلى أبوابِ الطُّرُقِ فَنادَوا : «اُغدوا يا مَعشَرَ المُسلِمينَ إلى رَبٍّ كَريمٍ ، يَمُنُّ بِالخَيرِ ، ثُمَّ يُثيبُ عَليهِ الجَزيلَ ، ولَقَد اُمِرتُم بِقِيامِ اللَّيلِ فَقُمتُم ، واُمِرتُم بِصِيامِ النَّهارِ فَصُمتُم وأطَعتُم رَبَّكُم ؛ فَاقبِضوا جَوائِزَكُم» .

فَإذا صَلَّوا نادى مُنادٍ : «ألا إنَّ رَبَّكُم قَد غَفَرَ لَكُم ، فَارجِعوا راشِدينَ إلى رِحالِكُم فَهُوَ يَومُ الجائِزَةِ ، ويُسمّى ذلِكَ اليَومُ فِى السَّماءِ يَومَ الجائِزَةِ» . (3) .

1- .الكافى : 4 / 168 / 3 و ص 68 / 6 نحوه ، الإقبال : 1 / 481 وفيه «كجوائز هؤلاء الملوك» . انظر تمام الحديث و تخريجه فى ص 170 ، ح 222 .
2- .مستدرک الوسائل : 6 / 154 / 6678 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
3- .المعجم الكبير : 1 / 226 / 617 ، اُسد الغابه : 1 / 322 / 305 كلاهما عن أوس الأنصارى ، كنز العمّال : 8 / 483 / 23740 .

3 / 1 اهمیت دادن به روز عید

فصل سوم : آداب روز عید3 / 1اهمیت دادن به روز عید606.صحیح مسلم (به نقل از معاویه بن حکَم سلمی) الکافی به نقل از جابر ، از امام باقر علیه السلام :پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چون روز اوّل ماه شوّال شود ، منادی ندا می دهد: ای مؤمنان! صبحگاهان به سوی جایزه هایتان بشتابید».

سپس فرمود: «ای جابر! جایزه های خدا ، جوایز این پادشاهان نیست». سپس فرمود: «آن روز ، روز جایزه هاست».607.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی اللّه علیه و آله:فرشتگان ، روز عید ، سرکوچه ها و گذرها می ایستند و می گویند: «بشتابید به سوی پروردگار کریم که عطای بسیار می دهد و گناه بزرگ را می آمرزد».608.عنه صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:چون روز عید فطر شود ، فرشتگان بر سر راه ها می ایستند و ندا می دهند: «ای گروه مسلمانان! بشتابید به سوی پروردگار بزرگوار ، که با نیکی منّت می نهد؛ سپس پاداش فراوان بر آن می دهد. شما را فرمان دادند که شب به عبادت بپردازید ، که عبادت کردید. شما را به روزه فرمان دادند ، که گرفتید و پروردگارتان را فرمان برداری کردید. پس جایزه هایتان را دریافت کنید».

پس چون نماز بخوانند ، منادی ندا دهد: «آگاه باشید که پروردگارتان شما را آمرزید. پس کامیاب به خانه های خود برگردید که امروز ، روز جایزه است و این روز را در آسمان ، روز جایزه می نامند».

.

775.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :عنه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ لَيلَةُ القَدرِ نَزَلَ جِبريلُ عليه السلام فى كُبكُبَهٍ مِنَ المَلائِكَهِ يُصَلّونَ عَلى كُلِّ عَبدٍ قائِمٍ أو قاعِدٍ يَذكُرُ اللّهَ عز و جل فَإذا كانَ يَومُ عيدِهِم يَعنى يومَ فِطرِهِم باهى بِهِم مَلائِكَتَهُ ، فَقالَ : «يا مَلائِكَتى ، ما جَزاءُ أجيرٍ وَفّى عَمَلَهُ؟»

قالوا : رَبَّنا جَزاؤُهُ أن يُؤتى أجرَهُ .

قالَ : «يا مَلائِكَتى ، عَبيدى وإمائى قَضَوا فَريضَتى عَلَيهِم ثُمَّ خَرَجوا يَعِجّونَ إلَىَّ بِالدُّعاءِ ، وعِزَّتى وجَلالى وكَرَمى وعُلُوّى وَارتِفاعِ مَكانى لاُجيبَنَّهُم» .

فَيَقولُ : «اِرجِعوا فَقَد غَفَرتُ لَكُم ، وبَدَّلتُ سَيِّئاتِكُم حَسَناتٍ» فَيَرجِعونَ مَغفوراً لَهُم . (1)610.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام علىّ عليه السلام فى بَعضِ الأَعيادِ :إنَّما هُوَ عيدٌ لِمَن قَبِلَ اللّهُ صِيامَهُ وشَكَرَ قِيامَهُ ، وكُلُّ يَومٍ لا يُعصَى اللّهُ فيهِ فَهُوَ عيدٌ . (2)611.عنه صلى الله عليه و آله :كتاب من لا يحضره الفقيه :نَظَرَ الحَسَنُ بنُ عَلِىٍّ عليهماالسلام إلَى النّاسِ فى يَومِ فِطرٍ يَلعَبونَ ويَضحَكونَ . فَقالَ لِأَصحابِهِ وَالتَفَتَ إلَيهِم : «إنَّ اللّهَ عز و جل خَلَقَ شَهرَ رَمَضانَ مِضماراً لِخَلقِهِ يَستَبِقونَ فيهِ بِطاعَتِهِ إلى رِضوانِهِ ، فَسَبَقَ فيهِ قَومٌ فَفازُوا وتَخَلَّفَ آخَرونَ فَخابُوا ، فَالعَجَبُ كُلُّ العَجَبِ مِنَ الضّاحِكِ اللّاعِبِ فِى اليَومِ الَّذى يُثابُ فيهِ المُحسِنونَ ، ويَخيبُ فيهِ المُقَصِّرونَ ، وَايمُ اللّهِ لَو كُشِفَ الغِطاءُ لَشَغَلَ مُحسِنٌ بِإِحسانِهِ ، ومُسىءٌ بِإِساءَتِهِ» . (3) .

1- .شعب الإيمان : 3 / 343 / 3717 ، فضائل الأوقات للبيهقى : 84 / 183 ، مشكاه المصابيح : 1 / 649 / 2096 كلّها عن أنس وانظر بحارالأنوار : 96 / 351 / 22 وكنز العمّال : 8 / 472 23710 و ص 586 / 24281 .

2- .نهج البلاغه : الحكمه 428 ، روضه الواعظين : 388 ، بحارالأنوار : 91 / 136 / 5 .

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 174 / 2057 وج 1 / 511 / 1479 ، الكافى : 4 / 181 / 5 عن أبى الصخر أحمدبن عبدالرحيم رفعه إلى أبى الحسن عليه السلام، تحف العقول:236، الإقبال: 1/467، تنبيه الخواطر: 1/78 نحوه.

607.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:چون شب قدر شود ، جبرئیل علیه السلام با انبوهی از فرشتگانْ فرود می آیند ، در حالی که بر هر بنده ایستاده یا نشسته ای که ذکر خدا می گوید ، درود می فرستند. پس چون عید فطرِ آنان فرا می رسد ، خداوند به آنان بر فرشتگانش مباهات می کند و می فرماید: «ای فرشتگان من! پاداش اجیری که کار خود را کامل انجام داده ، چیست؟».

گویند: پروردگارا! پاداش او ، آن است که مزدش داده شود.

فرماید: «ای فرشتگان من! بندگان من (از زن و مرد) ، واجب مرا انجام دادند. سپس برای دعا و نالیدن بیرون رفتند. به عزّت و جلال و بزرگواری و والایی و بلندمرتبگیِ خودم ، سوگند که دعایشان را مستجاب می کنم».

پس می فرماید: «باز گردید ، که شما را آمرزیدم و بدی های شما را به خوبی تبدیل کردم». پس ، در حالی که آمرزیده شده اند، بر می گردند.608.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام در برخی عیدها :این ، عید کسی است که خداوند ، روزه او را پذیرفته و عبادتش را قبول کرده است و هر روزی که در آن ، خدا معصیت نشود ، آن روز عید است.609.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کتاب من لایحضره الفقیه :امام حسن مجتبی علیه السلام در روز عید فطری به مردمی نگاه کرد که به بازی و خنده مشغول بودند. رو به اصحاب خود کرده ، فرمود: «خدای متعال ، ماه رمضان را به عنوان میدانی برای مسابقه آفریدگانش آفرید تا به وسیله فرمان بُرداری از خدا ، به سوی رضای الهی سبقت بگیرند. گروهی پیش افتاده ، برنده شدند و گروهی هم عقب مانده ، محروم گشتند. پس شگفت از خنده کننده بازیگر است در روزی که نیکوکاران پاداش می یابند و کوتاهی کنندگان ، ناکام می شوند. به خدا سوگند ، اگر پرده کنار رود ، نیکوکارْ سرگرم نیکوکاری خود خواهد شد و بدکار ، گرفتار بدکاری خویش!». .

610.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال عن محمّد بن یزید النحوی :خَرَجَ الحَسَنُ بنُ عَلِیٍّ علیهماالسلام فی یَومِ فِطرٍ وَالنّاسُ یَضحَکونَ ، فَقالَ : «إنَّ اللّهَ عز و جل جَعَلَ شَهرَ رَمَضانَ مِضماراً لِخَلقِهِ یَستَبِقونَ فیهِ إلی طاعَتِهِ ، فَسَبَقَ قَومٌ فَفازوا وتَخَلَّفَ آخَرونَ فَخابُوا ، وَالعَجَبُ مِنَ الضّاحِکِ فی هذا الیَومِ الَّذی یَفوزُ فیهِ المُحسِنونَ ، ویَخسَرُ فیهِ المُبطِلونَ ، وَاللّهِ لَو کُشِفَ الغِطاءُ لَشَغَلَ مُحسِنٌ بِإحسانِهِ ، ومُسیءٌ بِإساءَتِهِ عَن تَرجیلِ شَعرٍ وتَصقیلِ ثَوبٍ (1) » . (2)611.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :إذا کانَ صَبیحَهُ یَومِ الفِطرِ نادی مُنادٍ : «اُغدوا إلی جَوائِزِکُم» . (3)612.رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله :الإمام الرضا علیه السلام :إنَّما جُعِلَ یَومُ الفِطرِ العیدَ لِیَکونَ لِلمُسلِمینَ مُجتَمَعاً یَجتَمِعونَ فیهِ ، ویَبرُزونَ لِلّهِ عز و جل فَیُمَجِّدونَهُ عَلی ما مَنَّ عَلَیهِم ، فَیَکونُ یَومَ عَیدٍ ویَومَ اجتِماعٍ ، ویَومَ فِطرٍ ویَومَ زَکاهٍ ، ویَومَ رَغبَهٍ ویَومَ تَضَرُّعٍ ؛ ولِأَنَّهُ أوَّلُ یَومٍ مِنَ السَّنهِ یَحِلُّ فیهِ الأَکلُ وَالشُّربُ ؛ لِأَنَّ أوَّلَ شُهورِ السَّنَهِ عِندَ أهلِ الحَقِّ شَهرُ رَمَضانَ ، فَأَحَبَّ اللّهُ عز و جل أن یَکونَ لَهُم فی ذلِکَ مَجمَعٌ یَحمَدونَهُ فیهِ ویُقَدِّسونَهُ ، وإنَّما جُعِلَ التَّکبیرُ فیها أکثَرَ مِنهُ فی غَیرِها مِنَ الصَّلاهِ ؛ لِأَنَّ التَّکبیرَ إنَّما هُوَ تَعظیمٌ لِلّهِ وتَمجیدٌ عَلی ما هَدی وعافی ، کَما قالَ اللّهُ عز و جل : «وَلِتُکَبِّرُواْ اللَّهَ عَلَی مَا هَدَاکُمْ وَلَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ » (4) وإنَّما جُعِلَ فیهَا اثنَتا عَشرَهَ تَکبیرَهً ؛ لِأَنَّهُ یَکونُ فی کُلِّ رَکعَتَینِ اثنَتا عَشرَهَ تَکبیرَهً ، وجُعِلَ سَبعٌ فِی الاُولی ، وخَمسٌ فِی الثّانِیَهِ ، ولَم یُسَوَّ بَینَهما ؛ لِأَنَّ السُّنَّهَ فِی الصَّلاهِ الفَریضَهِ أن تُستَفتَحَ بِسَبعِ تَکبیراتٍ فَلِذلِکَ بُدِئَ هاهُنا بِسَبعِ تَکبیراتٍ ، وجُعِلَ فِی الثّانِیَهِ خَمسُ تَکبیراتٍ ؛ لِأَنَّ التَّحریمَ مِنَ التَّکبیرِ فِی الیَومِ وَاللَّیلَهِ خَمسُ تَکبیراتٍ ، ولِیَکونَ التَّکبیرُ فِی الرَّکعَتَینِ جَمیعاً وَتراً وَتراً . (5) .

1- .فی نسخه «ترجیل شعره وتصقیل ثوبه» ؛ والترجیل : تسریح الشعر وتنظیفه وتحسینه . والتصقیل : من الصَّقل وهو الجِلاء (لسان العرب : 11 / 270 و 380) .
2- .الإقبال : 1 / 468 ، بحارالأنوار : 91 / 119 / 7 .
3- .الکافی : 4 / 168 / 4 عن جمیل بن صالح .
4- .البقره : 185 .
5- .کتاب من لا یحضره الفقیه : 1 / 522 / 1485 ، علل الشرایع : 269 / 9 ، عیون أخبار الرضا علیه السلام : 2 / 115 / 1 کلاهما نحوه وکلّها عن الفضل بن شاذان .

613.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از محمّد بن یزیدِ نحوی :امام حسن مجتبی علیه السلامدر روز عید فطری بیرون آمد ، در حالی که مردم می خندیدند. پس فرمود: «خداوند متعال ، ماه رمضان را به عنوان میدانی برای مسابقه آفریدگانش قرار داد تا در آن روز (روز عید) به سوی اطاعت از او سبقت بگیرند. پس ، گروهی پیش افتاده ، برنده شدند و گروهی هم عقب مانده ، محروم گشتند. شگفت از کسی است که در چنین روزی که نیکوکارانْ کامیاب می شوند و بدکاران زیان می کنند ، می خندد. به خدا سوگند ، اگر پرده کنار رود ، نیکوکار ، سرگرم نیکوکاری خود ، و بدکار ، سرگرم بدکاری خویش و شانه کردن مو و آراستن جامه است!».614.رسول اللّه صلی الله علیه و آله (من وَصِیَّتِهِ لِأَبی ذَرٍّ) امام صادق علیه السلام:چون صبح روز عید فطر شود ، منادی ندا می دهد: «به سوی جایزه هایتان بشتابید».612.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام:روز فطر ، از آن جهت ، عید قرار داده شده است که مسلمانان ، اجتماعی داشته باشند که در آن روز گرد هم آیند و برای خدا بیرون آیند و او را بر نعمت هایی که به آنان داده است ، بستایند و روز عید ، روز تجمّع ، روز خوردن روزه ، روز زکات ، روز شوق و روز نیایش است؛ و برای آن که اوّلین روز از سال است که خوردن و آشامیدن در آن حلال است؛ چرا که ماه رمضان ، اوّلین ماه سال نزد اهل حق است. پس خداوند ، دوست داشت که در چنین روزی ، همایشی داشته باشند تا خدا را حمد و ستایش کنند و در این روز ، تکبیر در نماز ، از آن روی بیش از روزهای دیگر قرار داده شده که تکبیر ، بزرگداشت خداوند و ستایش و ثنای او بر نعمت هدایت است ، آن گونه که خداوند فرموده است: « تا خداوند را بر این که هدایتتان کرد ، بزرگ بدارید و باشد که شکر گزارید» . و در آن روز ، دوازده تکبیر قرار داده شده است؛ چون در هر دو رکعت ، دوازده تکبیر است هفت تکبیر در رکعت اوّل و پنج تکبیر در رکعت دوم قرار داده شده و آن دو ، یکسان نشده اند؛ چرا که مستحب است نماز واجب ، با هفت تکبیر آغاز شود. از این رو در این جا با هفت تکبیر آغاز شده است. و در رکعت دوم ، پنج تکبیر است؛ چرا که تکبیره الاحرام نمازها در شبانه روز ، پنج تکبیر است ، و برای این که تکبیرها در هر دو رکعت ، فردْ فردْ باشند. .

3 / 2مايَنبَغى قَبلَ الخُروجِ إلى الصَّلاهِأ الغُسل613.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :سنن ابن ماجه عن الفاكه بن سعد :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَغتَسِلُ يَومَ الفِطرِ ، ويَومَ النَّحرِ ، ويَومَ عَرَفَهَ . (1)614.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله (در سفارشش به ابو ذر) الإمام الباقر عليه السلام :إنَّ عَلِيّاً كانَ يَغتَسِلُ يَومَ الفِطرِ ، ويَومَ الأَضحى قَبلَ أن يَغدُوَ . (2)615.رسول اللّه صلى الله عليه و آله :المصنّف عن زاذان :إنَّ رَجُلاً سَأَلَ عَلِيّاً عَنِ الغُسلِ فَقالَ : «الغُسلُ يَومَ الأَضحى ، ويَومَ الفِطرِ» . (3) .

1- .سنن ابن ماجه : 1 / 417 / 1316 وح 1315 عن ابن عبّاس ، مسند ابن حنبل : 5 / 611 / 16720 ، المعجم الأوسط : 7 / 186 / 7230 ، أُسد الغابه : 4 / 333 / 4198 كلّها نحوه ، كنز العمّال : 7 / 63 / 17973 .
2- .المصنّف لعبد الرزّاق : 3 / 309 / 5751 عن رجل مِن أسلم عن الإمام الصادق عليه السلام .
3- .المصنّف لابن أبى شيبه : 2 / 86 / 2 ، كنز العمّال : 9 / 571 / 27472 .

3 / 2 آنچه پیش از رفتن به سوی نماز ، سزاوار است

الف غسل

3 / 2آنچه پیش از رفتن به سوی نماز ، سزاوار استالف غسل616.عنه صلی الله علیه و آله :سنن ابن ماجه به نقل از فاکه بن سعد :پیامبر خدا روز عید فطر ، روز عید قربان و روز عرفه ، غسل می کرد.617.عنه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:علی علیه السلام روز عید فطر و روز عید قربان ، پیش از آن که بیرون برود ، غسل می کرد.618.عنه صلی الله علیه و آله :المصنَّف به نقل از زادان :مردی از علی علیه السلام درباره غسل پرسید. فرمود: «غسل ، در روز عید قربان و عید فطر است».

.

619.عنه صلى الله عليه و آله :الإمام الباقر عليه السلام :الغُسلُ فى سَبعَةَ عَشَرَ مَوطِناً : ... وغُسلُ العيدَينِ . (1)615.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :الغُسلُ يَومَ الفِطرِ سُنَّةٌ . (2)616.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :غُسلُ يَومِ الفِطرِ ، وغُسلُ يَومِ الأَضحى سُنَّةٌ لا اُحِبُّ تَركَها . (3)617.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :عنه عليه السلام :غُسلُ الجُمُعَهِ وَالفِطرِ سُنَّةٌ فِى السَّفَرِ وَالحَضَرِ . (4)618.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الرضا عليه السلام :عِلَّهُ غُسلِ العيدَينِ وَالجُمُعَهِ وغَيرِ ذلِكَ مِنَ الأَغسالِ ، لِما فيهِ مِن تَعظيمِ العَبدِ رَبَّهُ وَاستِقبالِهِ الكَريمَ الجَليلَ وطَلَبِهِ المَغفِرَهَ لِذُنوبِهِ ، ولِيَكونَ لَهُم يَومَ عيدٍ مَعروفٍ يَجتَمِعونَ فيهِ عَلى ذِكرِ اللّهِ ، فَجُعِلَ فيهِ الغُسلُ تَعظيماً لِذاكَ اليَومِ ، وتَفضيلاً لَهُ عَلى سائِرِ الأَيّامِ ، وزِيادَهً فِى النَّوافِلِ وَالعِبادَهِ ، ولِيَكونَ ذلِكَ طَهارَهً لَهُ مِنَ الجُمُعَهِ إِلَى الجُمُعَهِ . (5)619.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :الإمام الصادق عليه السلام :صَلاهُ العيدِ يَومَ الفِطرِ أن يُغتَسَلَ مِن نَهرٍ ، فَإِن لَم يَكُن نَهرٌ وَلِّ أنتَ بِنَفسِكَ استيفاءَ الماءِ بِتَخَشُّعٍ ، وَلِيَكُن غُسلُكَ تَحتَ الظِّلالِ ، أو تَحتَ حائِطٍ وتَستَتِرُ بِجَهدِكَ ، فَإِذا هَمَمتَ بِذلِكَ فَقُل :

اللّهُمَّ إيماناً بِكَ وتَصديقاً بِكِتابِكَ وَاتِّباعَ سُنَّهِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ، ثُمَّ سَمِّ واغتَسِل ، فَإِذا فَرَغتَ مِنَ الغُسلِ فَقُل :

اللّهُمَّ اجعَلهُ كَفّارَهً لِذُنوبى وطَهِّر دينى ، اللّهُمَّ أذهِب عَنِّى الدَّنَسَ . (6) .

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 77 / 172 .
2- .الإقبال : 1 / 475 عن عبد اللّه بن سنان ، بحارالأنوار : 91 / 5 / 2 و ج 81 / 21 / 26 .
3- .الكافى : 3 / 40 / 2 ، تهذيب الأحكام : 1 / 104 / 270 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 79 / 176 وليس فيه «سنّه» وكلّها عن سماعه بن مهران .
4- .المقنعه : 158 ، بحارالأنوار : 81 / 127 / 11 .
5- .علل الشرايع : 285 / 4 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 88 / 1 كلاهما عن محمّد بن سنان ، بحارالأنوار : 81 / 3 / 3 .
6- .الإقبال : 1 / 475 عن أبى عيينه ، بحارالأنوار : 91 / 5 / 2 و ج 81 / 21 / 26 .

620.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:غسل در هفده جاست:... و غسل روز عید فطر و عید قربان.621.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:غسل روز عید فطر ، مستحب است.622.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:غسل روز عید فطر و غسل روز عید قربان ، مستحب است و دوست ندارم که آنها را ترک کنم.623.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:غسل جمعه و غسل عید فطر ، در مسافرت و محلّ سکونت ، مستحب است.624.عنه صلی الله علیه و آله :امام رضا علیه السلام:علّت غسل عید فطر و عید قربان و غسل جمعه و غسل های دیگر ، آن است که در آن ، بزرگداشت خدا از سوی بنده است و روی آوردنش به درگاه پروردگار بزرگوار و باعظمت و درخواست آمرزش برای گناهانش ؛ و برای این که برای آنان روز عیدی شناخته شده باشد. که بر محور یاد خدا گرد هم آیند. پس ، غسل برای بزرگداشت آن روز و نیز برتر دانستن آن بر روزهای دیگر و برای افزودن بر مستحبّات و عبادت ، قرار داده شده است؛ و برای این که برای بنده از این جمعه تا جمعه دیگر ، مایه پاکیزگی باشد.625.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:نماز عید در روز فطر ، آن است که (با آبِ رود) ، غسل شود. اگر رودی نبود ، خودت با فروتنی ، آب فراهم کن و غسل کردنت ، زیر سایه یا زیر سقف باشد و تا می توانی ، پوشیده باش. و چون خواستی چنین کنی ، بگو:

«خداوندا! از روی ایمان به تو و باور به کتابت و پیروی از سنّت پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله».

سپس «بسم اللّه » بگو و غسل کن و چون از غسل فارغ شدی ، بگو:

«خداوندا! این را کفّاره گناهانم قرار بده و آیینم را پاک گردان. خداوندا! آلودگی را از من ببر». .

ب التَّزَيُّن620.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام زین العابدین علیه السلام :یَتَزَیَّنُ کُلُّ مِنکُم یَومَ العیدِ إلی غُسلٍ وإلی کُحلٍ وَلیَدعُ ما بَلَغَ مَا استَطاعَ ، ولا یَکونَنَّ أحَدُکُم أحسَنَ هَیئَةً وأرذَلَکُم عَمَلاً . (1)621.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الباقر علیه السلام فی قَولِهِ تَعالی : «خُذُواْ زِینَتَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ» : أی خُذوا ثِیابَکُمُ الَّتی تَتَزَیَّنونَ بِها لِلصَّلاهِ فِی الجُمُعاتِ وَالأعیادِ . (2)622.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام فی قَولِ اللّهِ عز و جل : «خُذُواْ زِینَتَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ» (3) : فِی العیدَینِ وَالجُمُعَهِ . (4)785.عنه صلی الله علیه و آله (لِأبی ذَرٍّ) عنه علیه السلام فی قَولِ اللّهِ : «خُذُواْ زِینَتَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ» : الأردِیَهُ فِی العیدَینِ وَالجُمُعَهِ . (5)786.عنه صلی الله علیه و آله :دعائم الإسلام عن الإمام الصادق علیه السلام :«یَنبَغی لِمَن خَرَجَ إلَی العیدِ أن یَلبَسَ أحسَنَ ثِیابِهِ ، ویَتَطَیَّبَ بِأحسَنِ طیبِهِ» .

وقالَ فی قَولِ اللّهِ عز و جل : «یَبَنِیءَادَمَ خُذُواْ زِینَتَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَکُلُواْ وَاشْرَبُواْ وَلاَتُسْرِفُواْ إِنَّهُو لاَ یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ» ، قال : «ذلِکَ فِی العیدَینِ وَالجُمُعَهِ» . (6) .

1- .مستدرک الوسائل : 6 / 150 / 6670 نقلاً عن القطب الراوندی فی لبّ اللباب .
2- .مجمع البیان : 4 / 637 ، بحارالأنوار : 83 / 168 و ص 176 و ج 89 / 196 / 42 .
3- .الأعراف : 31 .
4- .الکافی : 3 / 424 / 8 ، تهذیب الأحکام : 3 / 136 / 297 وص 241 / 647 کلّها عن ابن سنان ، المقنعه : 202 ، تفسیر القمّی : 1 / 229 .
5- .تفسیر العیّاشی : 2 / 13 / 27 عن المحاملی عن بعض أصحابه ، بحارالأنوار : 83 / 168 وج 89 / 195 / 40 وج 90 / 369 / 18 .
6- .دعائم الإسلام : 1 / 185 ، بحار الأنوار : 90 / 373 / 27 .

ب آراستگی

ب آراستگی787.عنه صلی الله علیه و آله :امام سجّاد علیه السلام:هر یک از شما روز عید ، خود را با غسل و سرمه کشیدن بیاراید و تا می تواند و می رسد ، دعا کند و هیچ یک از شما در شکل ، زیباتر و در عمل ، پست تر نباشد!781.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در پاسخ به سعد ، هنگامی که گفت : ای پیامبر خدا!) امام باقر علیه السلام درباره آیه: « زینت خود را در هر سجده گاه با خود بردارید» : یعنی در روزهای جمعه و عید ، لباس هایی را که با آنْ خود را می آرایید ، برای نماز بپوشید.782.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام درباره آیه : « زینت خود را در هر سجده گاه با خود بردارید» : در عید فطر و عید قربان و جمعه است.783.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام درباره آیه : « زینت خود را در هر سجده گاه با خود بردارید» : مقصود ، رداها (لباس ها) در روز عید فطر و عید قربان و جمعه است.784.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دعائم الإسلام به نقل از امام صادق علیه السلام :«کسی که برای نماز عید بیرون می رود ، سزاوار است بهترین جامه هایش را بپوشد و خود را با بهترین عطر ، خوش بو سازد».

و درباره آیه « ای فرزندان آدم! زینت خود را در هر سجده گاه با خود بردارید و بخورید و بنوشید و اسراف نکنید ، که او اسرافکاران را دوست نمی دارد» فرمود: «این ، در روز عید فطر و عید قربان و جمعه است».

.

785.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (به ابو ذر) قرب الإسناد عن علیّ بن جعفر عن أخیه علیه السلام ، قال :سَأَلتُهُ عَنِ النِّساءِ هَل عَلَیهِنَّ مِنَ التَّطَیُّبِ وَالتَّزَیُّنِ فِی الجُمُعَهِ وَالعیدَینِ ما عَلَی الرِّجالِ؟

قالَ : «نَعَم» . (1)786.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تفسیر القمّی :قَولُهُ تَعالی : «یَبَنِیءَادَمَ خُذُواْ زِینَتَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ»

قالَ : «فِی العیدَینِ وَالجُمُعَهِ یَغتَسِلُ ویَلبَسُ ثِیابا بِیضا» . (2)ج الإفطار787.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام علیّ علیه السلام :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا أرادَ أن یَخرُجَ إلَی المُصَلّی یَومَ الفِطرِ ، کانَ یُفطِرُ عَلی تَمَراتٍ أو زَبیباتٍ . (3)788.عنه صلی الله علیه و آله :سنن الترمذی عن أنس :إنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله کانَ یُفطِرُ عَلی تَمَراتٍ یَومَ الفِطرِ قَبلَ أن یَخرُجَ إلَی المُصَلّی . (4)789.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :سنن الترمذی عن بریده :کانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله لا یَخرُجُ یَومَ الفِطرِ حَتّی یَطعَمَ ، ولا یَطعَمُ یَومَ الأَضحی حَتّی یُصَلِّیَ . (5)790.عنه صلی الله علیه و آله :المعجم الکبیر عن جابر بن سمره :کانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله لا یَغدو یَومَ الفِطرِ حَتّی یَأکُلَ سَبعَ تَمراتٍ . (6) .

1- .قرب الإسناد : 224 / 873 ، بحار الأنوار : 89 / 348 / 21 و ج 90 / 353 / 4 .
2- .تفسیر القمّی : 1 / 229 ، بحار الأنوار : 83 / 168 / 3 و ج 89 / 189 / 27 .
3- .النوادر للراوندی : 187 / 332 ، الجعفریّات : 40 کلاهما عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام ، دعائم الإسلام : 1 / 184 ، بحار الأنوار : 91 / 122 / 11 .
4- .سنن الترمذی: 2/427/543 ، سنن ابن ماجه : 1/558/1754 ، المستدرک علی الصحیحین : 1/433/1089، السنن الکبری : 3 / 399 / 6152 و ص 400 / 6156 ، المصنّف لابن أبی شیبه : 2 / 69 / 21 کلّها نحوه ، کنزالعمّال : 8 / 644 / 24542 .
5- .سنن الترمذی : 2 / 426 / 542 ، سنن ابن ماجه : 1 / 558 ، 1756 ، مسند ابن حنبل : 9 / 17 / 23044 ، المستدرک علی الصحیحین : 1 / 433 / 1088 ، صحیح ابن حبّان : 7 / 52 / 2812 ، السنن الکبری : 3 / 401 / 6159 کلّها نحوه ، کنز العمّال : 7 / 87 / 18093 .

6- .المعجم الكبير : 2 / 247 / 2039 ، كنز العمّال : 7 / 87 / 18095 .

791.عنه صلی الله علیه و آله :قرب الإسناد به نقل از علی بن جعفر :از برادرم (موسی بن جعفر علیهماالسلام) پرسیدم: آیا زنان هم در روز جمعه و نماز عید فطر و عید قربان مثل مردان ، خود را خوش بو و آراسته کنند.

فرمود: «آری» [البته در مواردی که حرمت شرعی ندارد].792.عنه صلی الله علیه و آله :تفسیر القمّی :[درباره] آیه: « ای فرزندان آدم! زینت خود را در هر سجده گاه با خود بردارید» فرمود: «در روز عید فطر و عید قربان و روز جمعه ، غسل کند و جامه سفید بپوشد».ج غذا خوردن793.عنه صلی الله علیه و آله :امام علی علیه السلام:پیامبر خدا هر گاه می خواست در روز عید فطر به مصلاّ برود ، چند خرما یا کشمش می خورد.788.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سنن الترمذی به نقل از اَنَس :[پیامبر صلی الله علیه و آله] روز عید فطر ، پیش از آن که برای نماز به مصلاّ برود ، چند خرما می خورد.789.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سنن الترمذی به نقل از بُرَیده :روز عید فطر ، پیامبر صلی الله علیه و آله[برای نماز]بیرون نمی رفت ، تا آن که چیزی می خورد و روز عید قربان ، چیزی نمی خورد ، تا آن که نماز عید را می خواند.790.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المعجم الکبیر به نقل از جابر بن سَمُره :پیامبر خدا صبح روز عید فطر ، بیرون نمی رفت ، تا آن که هفت دانه خرما می خورد.

.

791.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :صحیح البخاری عن أنس :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله لا یَغدو یَومَ الفِطرِ حَتّی یَأکُلَ تَمَراتٍ ... ویَأکُلُهُنَّ وَترا . (1)792.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :المستدرک عن أنس :ما خَرَجَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَومَ فِطرٍ حَتّی یَأکُلَ تَمَراتٍ ثَلاثا أو خَمسا أو سَبعا ، أو أقَلَّ مِن ذلِکَ ، أو أکثَرَ مِن ذلِکَ وَترا . (2)793.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کتاب من لا یحضره الفقیه :کانَ عَلِیٌّ علیه السلام یأکُلُ یَومَ الفِطرِ قَبلَ أن یَغدُوَ إلَی المُصَلّی ، ولا یَأکُلُ یَومَ الأضحی حَتّی یَذبَحَ . (3)794.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :کتاب من لا یحضره الفقیه عن زراره عن الإمام الباقر علیه السلام :کانَ أمیرُ المُؤمِنینَ علیه السلاملا یَأکُلُ یَومَ الأضحی شَیئا حَتّی یَأکُلَ مِن اُضحِیَّتِهِ ، ولا یَخرُجُ یَومَ الفِطرِ حَتّی یَطعَمَ ویُؤَدِّیَ الفِطرَهَ ، ثُمَّ قالَ علیه السلام : وکذلِکَ نَحنُ . (4)795.عنه صلی الله علیه و آله :الإمام الباقر علیه السلام :مَن استَطاعَ أن یَأکُلَ أو یَشرَبَ قَبلَ أن یَخرُجَ إلَی المُصَلّی یَومَ الفِطرِ ، فَلیَفعَل ولا یَطعَمُ یَومَ الأضحی حَتّی یُضَحِّیَ . (5)796.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :اِطعَم یَومَ الفِطرِ قَبلَ أن تَخرُجَ إلَی المُصَلّی . (6) .

1- .صحیح البخاری : 1/325/ 910 ، صحیح ابن خزیمه : 2 / 342 / 1429 ، مسند ابن حنبل : 4/252/12270 ، سنن الدارقطنی : 2 / 45 / 9 ، کنز العمّال : 8 / 644 / 24541 .
2- .المستدرک علی الصحیحین : 1 / 434 / 1090 ، صحیح ابن حبّان : 7 / 53 / 2814 ، السنن الکبری : 3 / 400 / 6155 ، فضائل الأوقات للبیهقی : 84 / 182 .
3- .کتاب من لا یحضره الفقیه : 1 / 508 / 1464 .
4- .کتاب من لا یحضره الفقیه : 1 / 508 / 1465 ، الإقبال : 1 / 478 ، بحار الأنوار : 90 / 372 / 25 .
5- .دعائم الإسلام : 1 / 185 ، بحار الأنوار : 90 / 373 / 27 .
6- .الکافی : 4 / 168 / 1 ، تهذیب الأحکام : 3 / 138 / 309 ، الإقبال : 1 / 477 کلّها عن الحلبی ؛ المصنّف لابن أبی شیبه : 2 / 67 / 2 عن الحارث عن الإمام علیّ علیه السلام .

797.عنه صلی الله علیه و آله :صحیح البخاری به نقل از اَنَس :پیامبر خدا روز عید فطر بیرون نمی رفت ، تا آن که چند خرما می خوْرد... و به شمار فرد (نه جفت) خرما می خوْرد.798.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :المستدرک به نقل از اَنَس :پیامبر خدا هرگز روز عید فطر بیرون نرفت ، مگر آن که سه ، یا پنج ، یا هفت خرما یا کمتر و بیشتر از آن (به تعداد فرد) می خوْرد.794.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کتاب من لایحضره الفقیه :علی علیه السلام روز عید فطر ، پیش از آن که به مصلاّ برود ، چیزی می خوْرد و روز عید قربان ، چیزی نمی خوْرد تا آن که قربانی کند.795.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :کتاب من لایحضره الفقیه به نقل از زُراره :امام باقر علیه السلام فرمود: «امیر مؤمنان علیه السلام روز عید قربان ، چیزی نمی خوْرد تا آن که از قربانیِ خود بخورد و روز عید فطر ، بیرون نمی رفت ، مگر آن که چیزی بخورد و زکات فطره را بپردازد». سپس فرمود: «ما نیز چنینیم».796.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام باقر علیه السلام:هر کس بتواند در روز عید فطر ، پیش از آن که به سوی مصلاّ برود ، چیزی بخورد یا بیاشامد ، چنین کند و روز عید قربان ، چیزی نخورد تا آن که قربانی کند.797.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:روز عید فطر ، پیش از آن که به سوی مصلاّ بیرون بروی ، چیزی بخور . .

798.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عنه علیه السلام :لِیَطعَم یَومَ الفِطرِ قَبلَ أن یُصَلِّیَ ، ولا یَطعَم یَومَ أضحی حَتّی یَنصَرِفَ الإِمامُ . (1)799.عنه صلی الله علیه و آله :عنه علیه السلام :الأکلُ قَبلَ الخُروجِ یَومَ العیدِ ، وإن لَم تَأکُل فَلا بَأسَ . (2)800.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی عن علی بن محمّد النوفلی :قُلتُ لِأَبِی الحَسَنِ علیه السلام : إنّی أفطَرتُ یَومَ الفِطرِ عَلی طینٍ (3) وتَمرٍ ،

فَقالَ لی : «جَمَعتَ بَرَکَةً وسُنَّةً» . (4)801.عنه صلی الله علیه و آله :الإقبال :رَوَی ابنُ أبی قُرَّةَ بِإِسنادِهِ عَنِ الرَّجُلِ علیهِ السلام قالَ : «کُل تَمَراتٍ یَومَ الفِطرِ ، فَإِن حَضَرَکَ قَومٌ مِنَ المُؤمِنینَ فَأَطعِمهُم مِثلَ ذلِکَ» . (5)د الدُّعاءُ بَعدَ صَلاهِ الفَجرِ802.عنه صلی الله علیه و آله :الإقبال عن أبی عمرو محمّد بن محمّد بن نصر السکونیّ :سَأَلتُ أبابَکرٍ أحمَدَ بنَ مُحَمَّدِ بنِ عُثمانَ البَغدادِیَّ رَحِمَهُ اللّهُ أن یُخرِجَ إلَیَّ دُعاءَ شَهرِ رَمَضانَ الَّذی کانَ عَمُّهُ الشَّیخُ أبو جَعفَرٍ مُحَمَّدُ بنُ عُثمانَ بنِ سَعیدٍ العَمرِیُّ رَضِیَ اللّهُ عَنهُ وأرضاهُ یَدعو بِهِ ، فَأَخرَجَ إلَیَّ دَفتَرا مُجَلَّداً بِأحمَرَ فیهِ أدعِیَهُ شَهرِ رَمَضانَ ، مِن جُملَتِها الدُّعاءُ بَعدَ صَلاهِ الفَجرِ یَومَ الفِطرِ :

اللّهُمَّ إنّی تَوَجَّهتُ إلَیکَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وآلِهِ أمامی ، وعَلِیٍّ مِن خَلفی وعَن یَمینی ، وأئِمَّتی عَن یَساری (6) ، أستَتِرُ بِهِم مِن عَذابِکَ وأتَقَرَّبُ إلَیکَ زُلفیً ، لا أجِدُ أحَدا أقرَبَ إلَیکَ مِنهُم ، فَهُم أئِمَّتی فَآمِن بِهِم خَوفی مِن عِقابِکَ وسَخَطِکَ ، وأدخِلنِی بِرَحمَتِکَ فی عِبادِکَ الصّالِحینَ .

أصبَحتُ بِاللّهِ مُؤمِنا (7) مُخلِصا عَلی دینِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وسُنَّتِهِ ، وَعَلی دینِ عَلِیٍّ وسُنَّتِهِ ، وعَلی دینِ الأَوصِیاءِ وسُنَّتِهِم ، آمَنتُ بِسِرِّهِم وَعَلانِیَتِهِم ، وأرغَبُ إلَی اللّهِ تَعالی فیما رَغِبَ فیهِ (8) مُحَمَّدٌ وعَلِیٌّ وَالأَوصِیاءُ (9) ، ولاحَولَ ولا قُوَّهَ إلاّ بِاللّهِ ، ولاعِزَّهَ ولامَنعَهَ ولاسُلطانَ إلاّ لِلّهِ الواحِدِ القَهّارِ العَزیزِ الجَبّارِ (10) ، تَوَکَّلتُ عَلَی اللّهِ ومَن یَتَوَکَّل عَلَی اللّهِ فَهُوَ حَسبُهُ،إنَّ اللّهَ بالِغُ أمرِهِ.

اللّهُمَّ إنّی اُریدُکَ فَأَرِدنی ، وَأطلُبُ ما عِندَکَ فَیَسِّرهُ لی ، وَاقضِ لی حَوائِجی ؛ فَإِنَّکَ قُلتَ فی کِتابِکَ وقَولُکَ الحَقُّ : «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی أُنزِلَ فِیهِ الْقُرْءَانُ هُدًی لِّلنَّاسِ وَ بَیِّنَتٍ مِّنَ الْهُدَی وَالْفُرْقَانِ» . (11) فَعَظَّمتَ حُرمَهَ شَهرِ رَمَضانَ بِما أنزَلتَ فیهِ مِنَ القُرآنِ ، وخَصَصتَهُ وعَظَّمتَهُ بِتَصییرِکَ فیهِ

لَيلَةَ القَدرِ ، فَقُلتَ : «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ* تَنَزَّلُ الْمَلَـٰئِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ * سَلَمٌ هِىَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ » . (12)

اللّهُمَّ وهذِهِ أَيّامُ شَهرِ رَمَضانَ قَدِ انقَضَت ، ولَياليهِ قَد تَصَرَّمَت ، وقَد صِرتُ مِنهُ يا إلهى إلى ما أنتَ أعلَمُ بِهِ مِنّى ، وأحصى لِعَدَدِهِ مِن عَدَدى .

فَأَسأَلُکَ يا إلهى بِما سَأَلَکَ بِهِ عِبادُکَ الصّالِحونَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وأهلِ بَيتِ مُحَمَّدٍ (13) ، وأن تَتَقَبَّلَ (14) مِنّى ما (15) تَقَرَّبتُ بِهِ إلَيکَ ، وتَتَفَضَّلَ عَلَىَّ بِتَضعيفِ عَمَلى وقَبولِ تَقَرُّبى وقُرُباتى وَاستِجابَهِ دُعائى ، وَهَب لى مِنکَ عِتقَ رَقَبَتى مِنَ النّارِ ، ومُنَّ عَلَىَّ بِالفَوزِ بِالجَنَّهِ ، وَالأَمنِ يَومَ الخَوفِ مِن كُلِّ فَزَعٍ ومِن كُلِّ هَولٍ أعدَدتَهُ لِيَومِ القِيامَهِ .

أعوذُ بِحُرمَهِ وَجهِکَ الكَريمِ ، وبِحُرمَهِ نَبِيِّکَ وحُرمَهِ الصّالِحينَ ، أن يَنصَرِمَ هذَا اليَومُ ولَکَ قِبَلى تَبِعَهٌ تُرِيدُ أن تُؤاخِذَنى بِها ، أو ذَنبٌ تُرِيدُ أن تُقايِسَنى بِهِ وتَشقِيَنى وتَفضَحَنى بِهِ ، أو خَطيئَهٌ تُرِيدُ أن تُقايِسَنى بِها وتَقتَصَّها مِنّى لَم تَغفِرها لى .

وأسأَلُکَ بِحُرمَهِ وَجهِکَ الكَرِيمِ الفَعّالِ لِما تُريدُ ، الَّذى يَقولُ لِلشَّىءِ كُن فَيَكونُ ، لا إلهَ إلاّ هُوَ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِلا إلهَ إلاّ أنتَ ، إن كُنتَ رَضيتَ عَنّى فى هذَا الشَّهرِ ، أن تَزيدَنى (16) فيما بَقِىَ مِن عُمرى رِضىً ، وإن كُنتَ لَم تَرضَ عَنّى فِى هذَا الشَّهرِ فَمِنَ الآنَ فَارضَ عَنّى ، السّاعَهَ السّاعَهَ السّاعَهَ ، وَاجعَلنى فِى هذِهِ السّاعَهِ وفى هذَا المَجلِسِ مِن عُتَقائِکَ مِنَ النّارِ ، وطُلَقائِکَ مِن جَهَنَّمَ ، وسُعَداءِ خَلقِکَ بِمَغفِرَتِکَ ورَحمَتِکَ يا أرحَمَ الرّاحِمينَ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ بِحُرمَهِ وَجهِکَ الكَريمِ ، أَن تَجعَلَ شَهرى هذا خَيرَ شَهرٍ رَمَضانَ عَبَدتُکَ فيهِ وَصُمتُهُ لَکَ وتَقَرَّبتُ بِهِ إلَيکَ مُنذُ أسكَنتَنى فيهِ ، أعظَمَهُ أجرا ، وأتَمَّهُ نِعمَهً ، وأعَمَّهُ عافِيَهً ، وأوسَعَهُ رِزقا ، وأفضَلَهُ عِتقا مِنَ النّارِ ، وأوجَبَهُ رَحمَهً ، وَأعظَمَهُ مَغفِرَهً ، وأكمَلَهُ رِضوانا ، وأقرَبَهُ إلى ما تُحِبُّ وتَرضى .

اللّهُمَّ لا تَجعَلهُ آخِرَ شَهرِ رَمَضانَ صُمتُهُ لَکَ ، وَارزُقنِى العَودَ ثُمَّ العَودَ حَتّى تَرضى وبَعدَ الرِّضا ، وحَتّى تُخرِجَنى مِنَ الدُّنيا سالِما وأنتَ عَنّى راضٍ وَأنَا لَکَ مَرضِىٌّ .

اللّهُمَّ اجعَل فيما تَقضى وتُقَدِّرُ مِنَ الأمرِ المَحتومِ الّذى لا يُرَدُّ ولايُبَدَّلُ (17) أن تَكتُبَنى مِن حُجّاجِ بَيتِكَ الحَرامِ فى هذَا العامِ وفى كُلِّ عامٍ ، المَبرورِ حَجُّهُمُ المَشكورِ سَعيُهُمُ ، المَغفورِ ذُنوبُهُمُ المُتَقَبَّلِ عَنهُم مَناسِكُهُمُ ، المُعافينَ فى (18) أسفارِهِمُ ، المُقبِلينَ عَلى نُسُكِهِمُ ، المَحفوظينَ فى أنفُسِهِم وأموالِهِم وذَراريهِم وكُلِّ ما أنعَمتَ بِهِ عَلَيهِم .

اللّهُمَّ اقلِبنى مِن مَجلِسى هذا ، فى شَهرى هذا ، فى يَومى هذا ، فى ساعَتى هذِهِ ، مُفلِحا مُنجِحا مُستَجابا لى ، مَغفورا ذَنبى ، مُعافىً مِن النّارِ ومُعتَقا مِنها عِتقا لارِقَّ بَعدَهُ أبَدا ولا رَهبَةَ ، يا رَبَّ الأَربابِ .

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُكَ أن تَجعَلَ فيما شِئتَ وأرَدتَ ، وقَضَيتَ وقَدَّرتَ وحَتَمتَ وأنفَذتَ ، أن تُطيلَ عُمُرى وأن تَنسَأنى فى أجَلى ، وأن تُقَوِّيَ ضَعفى وأن تُغنِيَ فَقرى ، وأن تُجبِرَ فاقَتى وأن تَرحَمَ مَسكَنَتى ، وأن تُعِزَّ ذُلّى وأن تَرفَعَ ضَعَتى وأن تُغنِيَ عائِلَتى ، وأن تُؤنِسَ وَحشَتى ، وأن تُكثِرَ قِلَّتى ، وأن تُدِرَّ رِزقى فى عافِيَةٍ ويُسرٍ وخَفضٍ ، وأن تَكفِيَنى ما أهَمَّنى مِن أمرِ دُنيايَ وآخِرَتى . ولا تَكِلنى إلى نَفسى فَأعجِزَ عَنها ولا إلَى النّاسِ فَيَرفُضونى ، وأن تُعافِيَنى فى دينى وبَدَنى وجَسَدى وروحى ، ووُلدى وأهلى وأهلِ مَوَدَّتى ، وإخوانى وجيرانى مِنَ المُؤمِنينَ وَالمُؤمناتِ وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ الأحياءِ مِنهُم وَالأمواتِ ، وأن تَمُنَّ عَلَىَّ بِالأَمنِ وَالإيمانِ ما أبقَيتَنى .

فَإنَّكَ وَلِيِّى ومَولاىَ وثِقَتى ورَجائى ، ومَعدِنُ مَسأَلَتى ومَوضِعُ شَكوايَ ومُنتَهى رَغبَتى ، فَلا تُخَيِّبنى فى رَجائى يا سَيِّدى ومَولاىَ ، ولا تُبطِل طَمَعى ورَجائى .

فَقَد تَوجَّهتُ إلَيكَ بِمُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وقَدَّمتُهُم إلَيكَ أمامى وأمامَ حاجَتى وطَلِبَتى وتَضَرُّعى ومَسأَلَتى ، فَاجعَلنى بِهِم وَجيها فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ومِنَ المُقَرَّبينَ ، فَإنَّكَ مَنَنتَ عَلَىَّ بِمَعرِفَتِهِم فَاختِم لى بِهِمُ السَّعادَةَ ، إنَّكَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ .

زِيادَةٌ فيهِ :

مَنَنتَ عَلَىَّ بِهِم ، فَاختِم لى بِالسَّعادَهِ وَالأَمنِ ، وَالسَّلامَهِ وَالإيمانِ وَالمَغفِرَهِ وَالرِّضوانِ ، وَالسَّعادَهِ وَالحِفظِ .

يا أللّهُ أنتَ لِكُلِّ حاجَهٍ لَنا ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ وعافِنا ، ولا تُسَلِّط عَلَينا أحَدا مِن خَلقِكَ لاطاقَةَ لَنا بِهِ ، وَاكفِنا كُلَّ أمرٍ مِن أمرِ الدُّنيا وَالآخِرَهِ يا ذَا الجَلالِ وَالإكرامِ ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وتَرَحَّم عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ

مُحَمَّدٍ ، وسَلَم عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، كَأفضَلِ ما صَلّيتَ وبارَكتَ وتَرَحَّمتَ وسَلَّمتَ وتَحَنَّنتَ عَلى إبراهيمَ وآلِ إبراهيمَ،إنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ. (19) .

1- .الكافى : 4 / 168 / 2 ، تهذيب الأحكام : 3 / 138 / 310 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 173 / 2054 كلّها عن جرّاح المدائنى ، الإقبال : 1 / 477 .
2- .تهذيب الأحكام : 3 / 137 / 303 عن سماعه .
3- .فى المصدر : «تين» وهو تصحيف ، وما أثبتناه من المصادر الأُخرى .
4- .الكافى : 4 / 170 / 4 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 174 / 2056 وفيه «طين القبر» ، الإقبال : 1 / 478 ، بحار الأنوار : 60 / 163 / 29 .
5- .الإقبال : 1 / 478 ، بحار الأنوار : 91 / 124 / 16 .
6- .فى المصادر الأُخرى : «وأئمّتى عن يمينى وشمالى» بدل «وعن يمينى وأئمّتى عن يسارى» .
7- .فى نسخه : «موقنا» .
8- .فى نسخه : «رغب إليه» .
9- .فى نسخه بزياده : «وأعوذ باللّه من شرّ ما استعاذوا منه» .
10- .فى نسخه بزياده : «المتكبّر» .
11- .البقره : 185.
12- .القدر : 3 5 .
13- .فى نسخه : «على محمّد وعلى آل محمّد وعلى أهل بيت محمّد» .
14- .فى نسخه : «تقبّل» .
15- .فى نسخه : «كلّما» .
16- .فى نسخه : «تزيد» .
17- .فى نسخه بزياده : «أن تجعلنى ممّن تثيب وتسمّى وتقضى له وتزيد وتحبّ له وترضى» .
18- .فى نسخه : «المعانين على» .
19- .الإقبال : 1 / 468 ، المقنعه : 195 ، المهذّب للقاضى ابن البرّاج : 1 / 118 ، تهذيب الأحكام : 3 / 140 / 315 ، مصباح المتهجّد : 655 / 726 ، المصباح للكفعمى : 866 ، البلد الأمين : 241 وذُكِر الدعاء فى الأربعه الأخيره بعد صلاه العيد وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : 91 / 1 / 1 و ج 98 / 1 / 203 .

نکته
د دعا پس از نماز صبح

803.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:[مسلمان ، باید] روز عید فطر ، پیش از آن که نماز بخواند ، چیزی بخورد ؛ ولی روز عید قربان ، چیزی نخورد تا آن که امام [از نماز ،] فارغ شود.804.عنه صلی الله علیه و آله (فی وَصِیَّتِهِ لِعَلِیٍّ علیه السلام) امام صادق علیه السلام:روز عید ، خوردن ، پیش از رفتن [برای نماز] است و اگر چیزی نخوری ، عیبی ندارد.805.عنه صلی الله علیه و آله :الکافی به نقل از علی بن محمّد نوفلی :به امام هادی علیه السلامگفتم: من روز عید فطر با انجیر و خرما افطار کردم. به من فرمود: «برکت و استحباب را با هم جمع کرده ای !».799.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال:ابن ابی قُرّه با سند خویش از امام علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «روز عید فطر ، چند خرما بخور . اگر جمعی از مؤمنان هم پیش تو بودند. به آنان هم آن گونه بخوران».نکتهسیّد ابن طاووس رحمه الله گوید: باید نیّت روزه دار در خوردن روز عید ، فرمان بُرداری از امر خداوند متعال باشد تا در خوردن خود نیز ، مثل روزه گرفتنش ، در حال عبادت و سعادت باشد.

د دعا پس از نماز صبح800.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از محمّد بن محمّد بن نصر سکونی :از احمد بن محمّد بن عثمان بغدادی که خدا رحمتش کند خواستم دعایی را که عمویش محمّد بن عثمان بن سعید عَمْری که خدا از او راضی باد و او را راضی کند برای ماه رمضان می خواند ، برایم بیرون آورد و نشانم دهد. برای من دفتری با جلد سرخ بیرون آورد که در آن دعاهای ماه رمضان بود . از جمله آنها دعا پیش از نماز صبح روز عید فطر بود 1

«خداوندا ! با محمّد صلی الله علیه و آله از پیش رویَم ، با علی علیه السلام از پشت سر و سمت راست ، و با پیشوایانم از سمت چپم ، به تو روی آورده ام. به سبب اینان ، خود را از عذابت می پوشانم و به درگاهت تقرّب می جویم ، [که]کسی را از اینان به تو نزدیک تر نمی یابم. آنان پیشوایان من اند. پس به سبب آنان ، هراسم را از کیفر و خشمت ، ایمن گردان و با رحمتت ، مرا در زمره بندگان شایسته ات وارد کن !

صبح کردم ، در حالی که به خدا ایمان دارم و بر دین و آیین محمّد صلی الله علیه و آلهو بر دین و آیین علی علیه السلام و بر دین و آیین جانشینان ، اخلاص دارم. به پنهان و آشکار آنان ، ایمان آورده ام و به درگاه خداوند ، درباره آنچه محمّد و علی و جانشینانْ به آن اشتیاق دارند ، مشتاقم. قدرت و نیرویی جز از خداوند نیست و شکست ناپذیری و بازدارندگی و قدرت و حکومت ، جز از آن خدای یکتای غالب مقتدر نیست. بر خداوند ، تکیه کرده ام و هر که بر خدا تکیه کند ، همو برایش بس است. خداوند ، فرمان خود را به سامان می رساند.

خداوندا ! تو را می خواهم. پس ، تو هم مرا بخواه. آنچه را نزد توست ، می طلبم. پس ، آن را برایم آسان ساز و نیازهایم را برآور؛ چون در قرآنت فرموده ای و گفته ات حق است که : « ماه رمضان که در آن قرآن را برای هدایت مردم نازل کردی و نشانه هایی از هدایت و فرقان است...» . پس با قرآنی که در ماه رمضان نازل کردی ، حرمتش را بزرگ داشتی و با قرار دادن شب قدر در آن ، ویژه و بزرگش ساختی و فرمودی: « شب قدر ، بهتر از هزار ماه است * در آن شب ، فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری فرود می آیند * آن شب تا دمیدن سپیده ، ایمن است» .

خداوندا ! اینک ، روزهای ماه رمضان و شب های آن سپری شده است و نسبت به آن ، آن گونه ام که تو از من به آن داناتر و نسبت به شمارش آن از من شمارشگرتری.

تو را خدایا به آنچه بندگان شایسته ات خواسته اند ، می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و آنچه را وسیله تقرّب به درگاهت ساختم ، از من بپذیری و بر من احسان کرده ، عملم را دو چندان کنی و آنچه را برای تقرّب به تو فراهم کرده ام و نیز قُربتم را بپذیری و دعایم را اجابت کنی. و از سوی خودت با آزاد کردنم از آتش ، بر من بخشش کن و با رساندن من به بهشت ، بر من منّت بگذار و در روز هراس ، مرا از هر رنج و وحشتی که برای روز قیامت آماده کرده ای، ایمن بدار !

به احترام ذات بزرگوارت و به احترام پیامبرت و [به] احترام شایستگان ، پناه می برم که این روز بگذرد و از من نزد تو گناهی باشد که می خواهی بر آن مؤاخذه ام کنی ، یا گناهی که می خواهی برای آن از من حساب بکشی و بدبختم کنی و با آن رسوایم سازی ، یا خطایی که آن را از من نیامرزیده ای و می خواهی از من حساب بکشی و قصاص کنی.

از تو می خواهم ، به حرمت ذات بزرگوار تو ، که هر چه را بخواهی ، انجام می دهی ، و هر چه را بخواهی ، می گویی: باش ؛ پس می شود. معبودی جز تو نیست.

خداوندا ! تو را می خوانم به این که معبودی جز تو نیست ، که اگر در این ماه از من راضی شده ای ، در باقی مانده عمرم ، از من بیشتر راضی شوی و اگر در این ماه از من راضی نشده ای ، از هم اکنون از من راضی شو ، هم اینک ، اکنون ، حالا؛ و در این ساعت و این مجلس ، مرا از آزادشدگانت از آتش ، و رستگان از دوزخ ، و از بندگان خوش بخت خویش قرار بده ، به آمرزش و رحمتت ، ای مهربان ترینِ مهربانان !

خداوندا ! تو را به حرمت ذات بزرگوارت می خوانم که از وقتی مرا در این دنیا قرار داده ای ، این ماه را بهترین ماه رمضانی قرار دهی که در آن تو را عبادت کرده ، برایت روزه گرفته و به درگاهت تقرّب جسته ام؛ رمضانی با پاداش بزرگ تر ، نعمتی تمام تر ، عافیتی فراگیرتر ، روزی ای گسترده تر ، آزاد شدن از آتشی برتر ، رحمتی حتمی تر، آمرزشی بزرگ تر ، رضایتی کامل تر و به آنچه دوست داری و می پسندی ، نزدیک تر.

خداوندا ! آن را آخرین رمضانی قرار مده که برایت روزه گرفتم. دوباره روزی ام کن باز هم دوباره ، تا آن که راضی شوی و نیز پس از رضایت ، تا آن که مرا از دنیا ببری ، در حالی که سالم باشم و تو از من راضی باشی و من مورد رضایت تو باشم.

خداوندا ! در آنچه مقدّر می کنی ، در آن امر حتمی که برگشت و تغییری ندارد ، مقرّر کن که مرا از حجّاج خانه با احترامت در این سال و همه ساله قرار دهی؛ از آنان که حجّشان مقبول ، تلاششان پاداش یافته ، گناهانشان آمرزیده و اعمالشان پذیرفته است و در سفرهایشان سالم ، در عبادت هایشان کوشا ، و در جان ها و مال ها و نسلشان و در هر چه به آنان نعمت داده ای ، محفوظ اند .

خداوندا ! مرا از این مجلس ، در این ماه و در این روز و در این ساعت ، رستگار و کامیاب و با دعای اجابت شده و گناه آمرزیده و ایمن از آتش و آزادشده از دوزخ چنان آزادی ای که پس از آن هرگز نه بردگی ای باشد و نه بیمی برگردان ، ای پروردگار همه صاحبان !

خداوندا ! از تو می خواهم در آنچه خواسته ای و اراده کرده ای و مقدّر نموده ای و حتمی ساخته ای و شدنی قرار داده ای ، چنین مقرّر داری که

عمرم را طولانی ، اَجَلم را با تأخیر گردانی؛ ناتوانی ام را قوّت ، و فقرم را بی نیازی بخشی؛ فقر مرا جبران کنی؛ بر بینوایی ام ترحّم نمایی؛ خواری ام را عزّت بخشی؛ پستی ام را رفعت دهی؛ عائله ام را بی نیاز گردانی؛ وحشتم را ایمن سازی؛ کمیِ مرا بیش کنی؛ روزیِ مرا با عافیت و آسانی و فروتنی ، سرشار سازی؛ آنچه را از کار دنیا و آخرتم مرا اندوهگین ساخته ، کفایتم کنی؛ مرا به خودم وا مگذاری تا نسبت به خودم ناتوان شوم و به مردم وا مگذاری که طردم کنند؛ در دین و بدن وجسد و روحم و فرزندان و خانواده و دوستان و برادرانم و همسایگان باایمانم و زنان و مردان مسلمان و مؤمن (زندگان و مردگان از آنان) ، عافیت دهی؛ و بر من تا زنده ام ، نعمت ایمنی و ایمان عطا کنی.

همانا تو سرپرست ، مولا ، تکیه گاه و سَرور من و سرچشمه درخواست و جایگاه شِکوه و نهایت اشتیاق منی. پس سرور و مولای من مرا در امیدم مأیوس مساز و طمع و امیدم را تباه مکن !

به درگاه تو روی آورده ام ، به [واسطه] محمّد و خاندان محمّد ، و آنان را پیش خود روی خودم و جلوی نیاز و تقاضا و خواهش و درخواستم قرار داده ام. پس ، مرا به حقّ آنان در دنیا و آخرت ، آبرومند و از مقرّبان قرار بده ! تو شناخت آنان را بر من منّت نهاده ای؛ پس ، سعادت مرا با آنان به پایان برسان ! همانا تو بر هر چیز توانایی».

افزوده ای در این دعا:

«با آنان [خاندان رسالت] بر من منّت نهاده ای. پس ، کار مرا با سعادت ، ایمنی ، تن درستی ، ایمان ، آمرزش ، رضوان ، کامیابی و نگهداری ، به آخر برسان !

خداوندا ! تو امید ما برای هر نیازی. پس بر محمّد و خاندانش درود فرست و ما را عافیت بده ، و هیچ یک از آفریدگانت را که طاقتش را نداریم ، بر ما مسلّط مکن و هر کار دنیا و آخرتمان را کفایت کن. ای صاحب شُکوه و بزگواری ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و بر محمّد و خاندان محمّد رحمت آور و بر محمّد و خاندان محمّد سلام بفرست ، مثل برترین صلوات و برکت و رحمت و سلام و اِنعامی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم داشته ای ! همانا تو ستوده باشُکوهی».

.

. .

ص: 947

. .

ص: 948

. .

ص: 949

. .

ص: 950

. .

ص: 951

..

ص: 952

. .

ص: 953

. .

801.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال عن جابر بن عبد اللّه الأنصاری :كُنتُ بِالمَدینَهِ وقَد وُلِّیَها مَروانُ بنُ الحَكَمِ مِن قِبَلِ یَزیدَ بنِ مُعاوِیَهَ ، وكانَ شَهرُ رَمَضانَ ، فَلَمّا كانَ فی آخِرِ لَیلَهٍ مِنهُ أمَرَ مُنادِیَهُ أن یُنادِیَ بِالنّاسِ فِی الخُروجِ إلَی البَقیعِ لِصَلاهِ العیدِ ، فَغَدَوتُ مِن مَنزِلی اُریدُ إلی سَیِّدی عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ علیهماالسلام غَلَسا ، فَما مَرَرتُ بِسِكَّهٍ مِن سِكَكِ المَدینَهِ إلاّ رَأیتُ أهلَها خارِجینَ إلَی البَقیعِ ، فَیَقولونَ : إلی أینَ تُریدُ یا جابِرُ؟ فَأقولُ : إلی مَسجِدِ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله ، حَتّی أتَیتُ المَسجِدَ فَدَخَلتُهُ ، فَما وَجَدتُ فیهِ إلاّ سَیِّدی عَلِیَّ بنَ الحُسَینِ علیهماالسلام قائِما (1) یُصَلِّی صَلاهَ الفَجرِ وَحدَهُ ، فَوَقَفتُ وصَلَّیتُ بِصَلاتِهِ ، فَلَمّا أن فَرَغَ مِن صَلاتِهِ سَجَدَ سَجدَهَ الشُّكرِ .

ثُمَّ إنَّهُ جَلَسَ یَدعو وجَعَلتُ اُؤَمِّنُ عَلی دُعائِهِ ، فَما أتی إلی آخِرِ دُعائِهِ حَتّی بَزَغَتِ الشَّمسُ ، فَوَثَبَ قائِما عَلی قَدَمَیهِ تُجاهَ القِبلَهِ وتُجاهَ قَبرِ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله .

ثُمَّ إنَّهُ رَفَعَ یَدَیهِ حَتّی صارَتا بِإزاءِ وَجهِهِ وقالَ :

إلهی وسَیِّدی أنتَ فَطَرتَنی وَابتَدَأتَ خَلقی لا لِحاجَهٍ مِنكَ إلَیَّ بَل تَفَضُّلاً مِنكَ عَلَیَّ ، وقَدَّرتَ لی أجَلاً ورِزقا لا أتَعَدّاهُما ولایَنقُصُنی أحَدٌ مِنهُما شَیئا ، وكَنَفتَنی مِنكَ بِأنواعِ النِّعَمِ وَالكِفایَهِ طِفلاً وناشِئا ، مِن غَیرِ عَمَلٍ عَمِلتُهُ فَعَلِمتَهُ مِنّی فَجازَیتَنی عَلَیهِ ، بَل كانَ ذلِكَ مِنكَ تَطَوُّلاً عَلَیَّ وَامتِنانا ، فَلَمّا بَلَغتَ بی أجَلَ الكِتابِ مِن عِلمِكَ بی ووَفَّقتَنی لِمَعرِفَهِ وَحدانِیَّتِكَ وَالإقرارِ بِرُبوبِیَّتِكَ ، فَوَحَّدتُكَ مُخلِصا لَم أدعُ لَكَ شَریكا فی مُلكِكَ ، ولا مُعینا عَلی قُدرَتِكَ ، ولَم أنسِب إلَیكَ صاحِبَهً ولا وَلَدا .

فَلَمّا بَلَغتَ بی تَناهِی الرَّحمَهِ مِنكَ عَلَیَّ ، مَنَنتَ بِمَن هَدَیتَنی بِهِ مِنَ الضَّلالَهِ ، وَاستَنقَذتَنی بِهِ مِنَ الهَلَكَهِ ، وَاستَخلَصتَنی بِهِ مِنَ الحَیرَهِ وفَكَكتَنی بِهِ مِنَ الجَهالَهِ ، وهُوَ حَبیبُكَ ونَبِیُّكَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله ، أزلَفُ خَلقِكَ عِندَكَ وأكرَمُهُم مَنزِلَهً لَدَیكَ ، فَشَهِدتُ مَعَهُ بِالوَحدانِیَّهِ وأقرَرتُ لَكَ بِالرُّبوبِیَّهِ وَالرِّسالَهِ ، وأوجَبتَ لَهُ عَلَیَّ الطّاعَهَ ، فَأطَعتُهُ كَما أمَرتَ وصَدَّقتُهُ فیما حَتَمتَ ، وخَصَصتَهُ بِالكِتابِ المُنزَلِ عَلَیهِ وَالسَّبعِ المَثانِی المُوحاهِ إلَیهِ ، وأسمَیتَهُ القُرآنَ وأكنَیتَهُ الفُرقانَ العَظیمَ .

فَقُلتَ جَلّ اسمُکَ : «وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَکَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِى وَ الْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ» . (2) وقُلتَ جَلَّ قَولُکَ لَهُ حينَ اختَصَصتَهُ بِما سَمَّيتَهُ بِهِ مِنَ الأَسماءِ : «طه مَآ أَنزَلْنَا عَلَيْکَ الْقُرْءَانَ لِتَشْقَى» (3) وقُلتَ عَزَّ قَولُکَ : «يس وَ الْقُرْءَانِ الْحَكِيمِ » (4) وقُلتَ تَقَدَّسَت أَسماؤُکَ : «ص وَ الْقُرْءَانِ ذِى الذِّكْرِ » (5) وقُلتَ عَظُمَت آلاؤُکَ : «ق وَ الْقُرْءَانِ الْمَجِيدِ » (6) فَخَصَصتَهُ أَن جَعَلتَهُ قَسَمَکَ حينَ أَسمَيتَهُ وقَرَنتَ القُرآنَ مَعَهُ ، فَما فى كِتابِکَ مِن شاهِدِ قَسَمٍ وَالقُرآنُ مُردَفٌ بِهِ إلاّ وهُوَ اسمُهُ ، وذلِکَ شَرَفٌ شَرَّفتَهُ بِهِ وفَضلٌ بَعَثتَهُ إلَيهِ ، تَعجِزُ الأَلسُنُ وَالأَفهامُ عَن وَصفِ مُرادِکَ بِهِ ، وتَكِلُّ عَن عِلمِ ثَنائِکَ عَلَيهِ .

فَقُلتَ عَزَّ جَلالُکَ فى تَأكيدِ الكِتابِ وقَبولِ ما جاءَ فيهِ «هَذَا كِتَبُنَا يَنطِقُ عَلَيْكُم بِالْحَقِّ» (7) وقُلتَ عَزَزتَ وجَلَلتَ : «مَّا فَرَّطْنَا فِى الْكِتَبِ مِن شَىْءٍ» (8) وقُلتَ تَبارَكتَ وتَعالَيتَ فى عامَّةِ ابتِدائِهِ : «الر تِلْکَ ءَايَتُ الْكِتَبِ الْحَكِيمِ» (9) و «الر كِتَبٌ أُحْكِمَتْ ءَايَتُهُ» (10) و «الر كِتَبٌ أَنزَلْنَهُ إِلَيْکَ» (11) و «الر تِلْکَ ءَايَتُ الْكِتَبِ الْمُبِينِ» (12) و «الم * ذَ لِکَ الْكِتَبُ لَا رَيْبَ فِيهِ» (13) وفى أمثالِها من سُوَرِ الطَّواسينِ وَالحَواميمِ . فى كُلِّ ذلِکَ نَبَّيتَ بِالكِتابِ مَعَ القَسَمِ الَّذى هُوَ اسمُ مَنِ اختَصَصتَهُ لِوَحيِکَ وَاستَودَعتَهُ سِرَّ غَيبِکَ ، فَأَوضَحَ لَنا مِنهُ شُروطَ فَرائِضِکَ وأَبانَ لَنا عَن واضِحِ سُنَّتِکَ ، وأفصَحَ لَنا عَنِ الحَلالِ وَالحَرامِ ، وأنارَ لَنا مُدلَهِمّاتِ الظَّلامِ ، وجَنَّبَنا رُكوبَ الآثامِ وألزَمَنَا الطّاعَةَ ووَعَدَنا مِن بَعدِها الشَّفاعَةَ .

فَكُنتُ مِمَّن أطاعَ أمرَهُ وأجابَ دَعوَتَهُ وَاستَمسَکَ بِحَبلِهِ ، فَأَقَمتُ الصَّلاةَ وآتَيتُ الزَّكاةَ وَالتَزَمتُ الصِّيامَ الَّذى جَعَلتَهُ حَقّا . فَقُلتَ جَلَّ اسمُکَ : «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ» . (14) ثُمَّ إنَّکَ أَبَنتَهُ فَقُلتَ عَزَزتَ وجَلَلتَ مِن قائِلٍ : «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِى أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ» (15) وقُلتَ : «فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» . (16)

ورَغَّبتَ فِى الحَجِّ بَعدَ إذ فَرَضتَهُ إلى بَيتِکَ الَّذى حَرَّمتَهُ ، فَقُلتَ جَلَّ اسمُکَ : «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً» (17) وقُلتَ عَزَزتَ وجَلَلتَ : «وَ أَذِّن فِى النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوکَ رِجَالاً وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِّيَشْهَدُواْ مَنَفِعَ لَهُمْ وَ يَذْكُرُواْ اسْمَ اللَّهِ فِى أَيَّامٍ مَّعْلُومَتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَمِ» . (18)

اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ أن تَجعَلَنى مِنَ الَّذينَ يَستَطيعونَ إلَيهِ سَبيلاً ، ومِنَ الرِّجالِ الَّذينَ يَأتونَهُ لِيَشهَدوا مَنافِعَ لَهُم وَلِيُكَبِّرُوا اللّهَ عَلى ما هَداهُم ، وأَعِنّى اللّهُمَّ عَلى جِهادِ عَدُوِّکَ فى سَبيلِکَ مَعَ وَلِيِّکَ،كما قُلتَ جَلَّ قَولُکَ: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَ أَمْوَ لَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَتِلُونَ فِى سَبِيلِ اللَّهِ» (19)

، وقُلتَ جَلّت أسماؤُکَ : «وَ لَنَبْلَوَنَّکُمْ حَتَّی نَعْلَمَ الْمُجَهِدِینَ مِنکُمْ وَالصَّبِرِینَ وَ نَبْلُوَاْ أَخْبَارَکُمْ » . (20) اللّهُمَّ فَأَرِنی ذلِکَ السَّبیلَ حَتّی اُقاتِلَ فیهِ بِنَفسی ومالی طَلَبَ رِضاکَ فَأکونَ مِنَ الفائِزینَ.

إلهی أینَ المَفَرُّ عَنکَ فَلا یَسَعُنی بَعدَ ذلِکَ إلاّ حِلمُکَ ، فَکُن لی رَؤوفاً رَحیماً وَاقبَلنی وتَقَبَّل مِنّی وأعظِم لی فیهِ بَرَکَةَ المَغفِرَهِ ومَثوبَةَ الأجرِ، وأرِنی صِحَّةَ التَّصدیقِ بِما سَأَلتُ ، وإن أنتَ عَمَّرتَنی إلی عامٍ مِثلِهِ ، ویَومٍ مِثلِهِ ، ولَم تَجعَلهُ آخِرَ العَهدَ مِنّی فَأَعِنّی بِالتَّوفیقِ عَلی بُلوغِ رِضاکَ ، وأشرِکنی یا إلهی فی هذَا الیَومِ فی جَمیعِ دُعاءِ مَن أجَبتَهُ مِنَ المُؤمِنینَ وَالمُؤمِناتِ ، وأشرِکهُم فی دُعائی إذا أجَبتَنی فی مَقامی هذا بَینَ یَدَیکَ ؛ فَإنّی راغِبٌ إلَیکَ لی ولَهُم وعائِذٌ بِکَ لی ولَهُم ، فَاستَجِب لی یا أرحَمَ الرّاحِمینَ . 21 .

1- .فی المصدر : «قائم» ، والتصحیح من بحار الأنوار .
2- .الحِجر : 87 .
3- .طه : 1 و 2 .
4- .یس : 1 و 2 .
5- .ص : 1 .
6- .ق : 1.
7- .الجاثیه : 29 .
8- .الأنعام : 38 .
9- .یونس : 1 .
10- .هود : 1 .
11- .إبراهیم : 1 .
12- .یوسف : 1 .
13- .البقره : 1 و 2 .
14- .البقره : 183 .
15- .البقره : 185 .
16- .آل عمران : 97.
17- .الحجّ 27 و 28 .
18- .التوبه : 111 .
19- .محمّد : 31 .
20- .الإقبال : 1 / 488 ، المصباح للکفعمی : 858 ، البلد الأمین : 238 ، بحارالأنوار : 91 / 7 / 3 .

802.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإقبال به نقل از جابر بن عبد اللّه انصاری :در مدینه بودم و مروان بن حَکَم ، از سوی یزید بن معاویه ، والی آن جا بود و ماه رمضان بود. در آخرین شب آن ، جارچیِ خود را فرمان داد که مردم را ندا دهد که برای نماز عید به بقیع بیایند. در تاریکی آخر شب ، از منزل خود به قصد دیدار سرورم علی بن الحسین علیهماالسلام بیرون آمدم. از هر کوچه ای از کوچه های مدینه که می گذشتم ، مردم را می دیدم که به سوی بقیع می روند. می گفتند: «جابر! کجا می روی؟». می گفتم: به مسجد پیامبر خدا.

تا آن که به مسجد آمده ، وارد آن شدم و جز سرورم علی بن الحسین علیهماالسلامکسی را ندیدم. ایستاده بود و به تنهایی ، نماز صبح می خواند. ایستادم و همراهش نماز خواندم. چون از نمازش فارغ شد ، سجده شکر کرد.

سپس نشست. دعا می کرد. من نیز دعایش را آمین می گفتم. به پایان دعایش که رسید ، خورشید دمید. رو به قبله و رو به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله روی پاهایش ایستاد. آن گاه دستانش را تا مقابل صورتش بالا آورد و گفت:

«خدایا ، سرورا ! مرا آفریدی و آفرینش مرا آغاز کردی ، نه از روی نیاز به من ؛ بلکه از روی لطف تو بر من. برایم اَجَل و روزی ، معیّن کردی که از آنها فراترِ نمی روم و کسی چیزی از آنها را نمی تواند بکاهد. مرا با نعمت های گوناگون خود فرا گرفتی و از کودکی و نورسی ، عهده دار من شدی ، بی آن که کاری کرده باشم و تو آن را دانسته باشی و بر آن پاداشم داده باشی؛ بلکه از روی احسان تو و نعمت دادنت بر من بوده است.

پس چون مرا به آن سرآمدی که در دانش و تقدیر خود از من می دانستی ، رساندی و مرا بر شناخت یگانگی تو و اقرار بر پروردگاری ات توفیق دادی ، تو را خالصانه به یکتایی شناختم و در فرمان روایی ات شریکی برایت نخواندم و در قدرتت یاوری برایت ندانستم و هیچ همسر و فرزندی را به تو نسبت ندادم.

پس چون مرا به نهایت رحمت خویش بر من رساندی ، با کسی بر من منّت نهادی که به سبب او از گم راهی هدایت کردی و از نابودی نجاتم

دادی و از سرگشتگی خلاصم کردی و از نادانی آزادم ساختی ، و او حبیب و پیامبرت محمّد صلی الله علیه و آلهبود ، مقرّب ترین و گرامی ترینِ آفریدگانت در پیشگاه تو. با او به یکتایی گواهی دادم و در آستان تو بر پروردگاری تو و رسالتش اقرار کردم. اطاعتش را بر من واجب کردی؛ پس ، آن گونه که فرمان دادی ، فرمانش بردم و در آنچه لازم کردی ، تصدیقش کردم. و او را با کتابی ویژه ساختی که بر او نازل کردی و نیز با سبع مثانی (سوره حمد) که به او وحی نمودی ، و نام آن را «قرآن» نهادی و کنیه آن را «فرقان بزرگ» قرار دادی.

پس فرمودی ای که نامت شکوهمند است « تو را سبع مثانی (سوره حمد) و قرآن بزرگ دادیم» و آن گاه که او را با نام هایی ، مخصوص گرداندی ، فرمودی ای که سخنت والاست : « طه ! قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت افکنی» و فرمودی ای که کلامت عزیز است : « یس ! سوگند به قرآن حکمت آمیز» و فرمودی ای که نام هایت مقدّس است : « ص ! سوگند به قرآن که صاحب یاد است» و فرمودی ای که نعمت هایت بزرگ است : « ق ! سوگند به قرآن مجید» و او را چنین مخصوص گرداندی که هر گاه از او نام بردی ، به او سوگند خوردی و قرآن را در کنار نامش آوردی. پس ، در کتاب تو ، هیچ شاهد سوگندی که قرآن در کنار آن آمده باشد ، جز نام او نیست و این ، شرافتی است که با آن ، شرافتش بخشیدی و نعمتی است که به سویش برانگیختی. زبان ها و فهم ها از توصیف مقصود تو از این ردیف سازی سوگندها با نام او ناتوان اند و از دانستنِ ستایش تو بر او ، الکن.

در تأکید کتاب و پذیرش آنچه در قرآن است ، چنین فرمودی ای که شُکوهت عزیز است : « این ، کتاب ماست که به حق بر شما سخن می گوید» و فرمودی ای که قدرتمند و باشُکوهی : « ما در کتاب ، چیزی را فروگذار نکردیم» و در همه آغازهای قرآن فرمودی ای که خجسته و والایی : « الر. این آیات کتاب حکمت آمیز است» و « الر. کتابی است که آیاتش استوار شده است » و « الر . کتابی است که بر تو نازل کردیم» و « الر. این ، آیات کتاب روشنگر است» و « الم * این کتاب ، تردیدی در آن نیست» و نمونه های دیگر آن ، که در سوره های «طا سین» (1) ها و «حا میم» (2) هاست. در همه اینها همراه قرآن ، سوگندی آورده ای که نام کسی است که او را ویژه وحی خود و امانتدار راز غیب خود ساخته ای. او از قرآن ، شرط های واجبات تو را برای ما توضیح داد و از سنّت روشن تو برای ما پرده برداشت و حلال و حرام را برای ما روشن کرد و برای ما

انبوه تاریکی ها را فروزان ساخت و از انجام دادن گناهان ، پرهیزمان داد و به فرمان برداری وا داشت و پس از اطاعت ، به ما وعده شفاعت داد.

من از کسانی بودم که فرمانش را اطاعت و دعوتش را اجابت کردم و به ریسمان او چنگ زدم. نماز برپا داشتم ، زکات پرداختم ، روزه ای را گرفتم که واجبش کردی و فرمودی ای که نامت شکوهمند است : « روزه بر شما واجب شده است ، آن گونه که بر پیشینیان شما واجب شده بود» . سپس آن را روشن ساختی و فرمودی ای که عزیز ، و گوینده ای باشُکوهی : « ماه رمضان ، ماهی که قرآن در آن نازل شده است» و فرمودی: « پس ، هر که آن ماه را دریافت ، آن را روزه بدارد» .

و پس از آن که حجّ خانه خود را که حرمتش بخشیده ای ، واجب ساختی ، مردم را به آن تشویق کردی و فرمودی ای که نامت باشُکوه است : « برای خداست بر عهده مردم ، حجّ خانه (کعبه) ، هر کس که قدرت و راهی به آن داشته باشد» و فرمودی ای عزیز شکوهمند : « در میان مردم ، به حج ندا بده ، تا پیاده و سواره بر هر شتر لاغری از هر راه دوری بیایند * تا شاهد منافع خویش باشند و در روزهای معیّنی نام خدا را بر دام ها و چارپایانی که خدا روزی شان کرده است ، ببرند» .

خداوندا ! از تو می خواهم مرا از آنانی قرار دهی که توان راهیابی به آن دارند و از پیادگانی قرار دهی که به حج می آیند تا شاهد منافع خود باشند و تا خدا را بر این که هدایتشان کرده ، تکبیر گویند. مرا خداوندا بر جهاد با دشمنت در راه خودت و همراه ولیّ خودت یاری کن ، آن گونه که فرموده ای و سخنت ارجمند است : « خداوند ، جان ها و مال های مؤمنان را به بهای بهشت از آنان خریده است. [آنان]در راه خدا پیکار می کنند» . و فرمودی ای که نام هایت باشُکوه است : « و تا شما را بیازماییم ، تا مجاهدان و صابران شما را بدانیم و گزارش [مربوط به] شما را بر رسیم» .

خداوندا ! آن راه را به من بنمایان تا با جان و مال در طلب رضای تو در آن پیکار کنم و از رستگاران شوم !

خدایا ! از تو کجا می توان گریخت؟ پس از آن ، جز بردباریِ تو برایم فراهم نیست. پس با من دلسوز و مهربان باش ، مرا بپذیر ، از من بپذیر و در این ماه ، برکتِ آمرزش و پاداش مرا بزرگ بدار و درستیِ پذیرش آنچه را خواستم ، به من بنمایان و اگر تا سال دیگر و روزی این چنین ، مرا عمر

دادی و این را آخرین دیدارم با این ماه و این روز قرار ندادی ، پس با توفیق بر رسیدن به رضایَت یاری ام کن و خدایا در این روز ، مرا در همه دعاهای زنان و مردان مؤمنی که دعایشان را اجابت کرده ای، شریک گردان و نیز اگر در این جایگاه که در آستان تو ام ، دعای مرا اجابت کرده ای ، آنان را در دعایم شریک کن ! من برای خودم و آنان ، به تو مشتاقم و برای خودم و آنان ، به تو پناهنده ام. پس دعایم را بپذیر ، ای مهربان ترینِ مهربانان !». .

1- .منظور ، سوره های : شعراء ، نمل و قصص است که با «طس» و «طسم» شروع می شوند .
2- .منظور ، سوره های : غافر ، فُصّلت ، شورا ، زخرف ، دُخان ، جاثیه و احقاف اند که با «حم» شروع می شوند .

ص: 956

. .

ص: 957

..

ص: 958

. .

ص: 959

. .

ص: 960

. .

..

ه إخراجُ الزَّكاهِ803.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :السنن الکبری عن عمرو بن عوف المزنی :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله سُئِلَ عَن قَولِهِ «قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَکّی * وَ ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِی فَصَلّی» (1) .

قالَ : «هِیَ زَکاهُ الفِطرِ» . (2)804.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (در سفارش به علی علیه السلام) کتاب من لا یحضره الفقیه :سُئِلَ الصّادِقُ علیه السلام عَن قَولِ اللّهِ عز و جل : «قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَکّی » .

قالَ : «مَن أخرَجَ الفِطرَهَ» ، فَقیلَ لَهُ : «وَ ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِی فَصَلّی» .

قالَ : «خَرَجَ إلَی الجَبّانَهِ فَصَلّی» . (3)805.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :الإمام الصادق علیه السلام :إنَّ مِن تَمامِ الصَّومِ إعطاءُ الزَّکاهِ یَعنِی الفِطرَهَ کَما أنَّ الصَّلاهَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله مِن تَمامِ الصَّلاهِ ؛ لِأَ نَّهُ مَن صامَ ولَم یُؤَدِّ الزَّکاهَ فَلا صَومَ لَهُ إذا تَرَکَها مُتَعَمِّدا ، ولاَ صَلاهَ لَهُ إذا تَرَکَ الصَّلاهَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله ، إنَّ اللّهَ عز و جل قَد بَدَأَ بِها قَبلَ الصَّلاهِ ، قالَ : «قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَکّی * وَ ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِی فَصَلّی» . (4)806.عنه صلی الله علیه و آله :رسول اللّه صلی الله علیه و آله :لایَزالُ صِیامُ العَبدِ مُعَلَّقا بَینَ السَّماءِ وَالأَرضِ حَتّی تُؤَدِّیَ زَکاهَ فِطرِهِ. (5) .

1- .الأعلی : 14 و 15 .
2- .السنن الکبری : 4 / 268 / 7668 ، فضائل الأوقات للبیهقی : 81 / 171 ، صحیح ابن خزیمه : 4 / 90 / 2420 نحوه .
3- .کتاب من لا یحضره الفقیه : 1 / 510 / 1474 ، دعائم الإسلام : 1 / 266 ، المقنعه : 249 نحوه ، بحار الأنوار : 90 / 348 .
4- .کتاب من لا یحضره الفقیه : 2 / 183 / 2085 ، المقنعه : 264 کلاهما عن أبی بصیر وزراره ، تهذیب الأحکام : 2 / 159 / 625 و ج 4 / 108 / 314 کلاهما عن زراره وکلّها نحوه ، الإقبال : 1 / 466 .
5- .تاریخ بغداد : 9 / 121 / 4735 ، تاریخ دمشق : 43 / 93 وفیه «ماله» بدل «فطره» ، الفردوس : 2 / 395 / 3754 نحوه وکلّها عن أنس ، کنز العمّال : 8 / 552 / 24130 .

ه پرداخت زکات807.مکارم الأخلاق عن عبد اللّه بن مسعود :السنن الکبری به نقل از عمرو بن عوف مزنی :از پیامبر خدا درباره این آیه: « رستگار شد کسی که زکات داد * و نام پروردگارش را یاد کرد ، پس نماز خواند» پرسیدند. فرمود: «آن ، زکات فطره است».808.رسول اللّه صلی الله علیه و آله :کتاب من لایحضره الفقیه:از امام صادق علیه السلام درباره آیه : « رستگار شد کسی که زکات داد» پرسیدند.

فرمود: «کسی که فطریه را بپردازد» .

گفتند: « و نام پروردگارش را یاد کرد ، پس نماز خواند» ؟

فرمود: «[کسی که] به صحرا رفت ، پس نماز خواند».809.عنه صلی الله علیه و آله :امام صادق علیه السلام:از کمال روزه ، پرداخت زکات (یعنی فطریه) است ، همان گونه که صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آلهاز کمال نماز است؛ چرا که هر کس روزه بدارد ، امّا زکات نپردازد ، اگر به عمد ترک کرده باشد ، برای او روزه ای نیست ، و نیز کسی که صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله را ترک کند ، نمازی برای او نیست. خدای متعال ، پیش از نماز ، زکات را گفته است؛ فرموده است: « رستگار شد کسی که زکات داد * و نام پروردگارش را یاد کرد ، و نماز خواند» .806.پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:روزه بنده همواره بین آسمان و زمین آویخته است ، تا آن که زکات فطره اش را بپردازد.

.

807.مكارم الأخلاق (به نقل از عبد اللّه بن مسعود) سنن الترمذى عن ابن عمر :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَأمُرُ بِإخراجِ الزَّكاهِ قَبلَ الغُدُوِّ لِلصَّلاهِ يَومَ الفِطرِ . (1)808.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :رسول اللّه صلى الله عليه و آله :أدّوا صاعا مِن قَمحٍ أو صاعا مِن بُرٍّ عَن كُلِّ اثنَينِ صَغيرٍ أو كبيرٍ ، ذَكَرٍ أو اُنثى ، حَرٍّ أو مَملوكٍ ، غَنِيٍّ أو فَقيرٍ ، أمّا غَنِيُّكُم فَيُزَكّيهِ اللّهُ ، وأمّا فَقيرُكُم فَيُرَدُّ عَلَيهِ أكثَرُ مِمّا يُعطى . (2)809.پيامبر خدا صلى الله عليه و آله :صحيح مسلم عن ابن عمر :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله فَرَضَ زَكاهَ الفِطرِ مِن رَمَضانَ عَلَى النّاسِ صاعا مِن تَمرٍ ، أو صاعا مِن شَعيرٍ ، عَلى كُلِّ حُرٍّ أو عَبدٍ ، ذَكَرٍ أو اُنثى مِنَ المُسلِمينَ . (3)سنن أبى داود عن ابن عبّاس :فَرَضَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله زَكاهَ الفِطرِ طُهرَهً لِلصّائِمِ مِنَ اللَّغوِ وَالرَّفَثِ ، وطُعمَهً لِلمَساكينِ ، مَن أدّاها قَبلَ الصَّلاهِ فَهِىَ زَكاهٌ مَقبولَهٌ ، ومَن أدّاها بَعدَ الصَّلاهِ فَهِىَ صَدَقَهٌ مِنَ الصَّدَقاتِ . (4)

الإمام علىّ عليه السلام :مَن أدّى زَكاهَ الفِطرَهِ تَمَّمَ اللّهُ بِها ما نَقَصَ مِن زَكاهِ مالِهِ . (5)

عنه عليه السلام فى خُطبَهِ عيدِ الفِطرِ :ألا وإنَّ هذَا اليَومَ يَومٌ جَعَلَهُ اللّهُ لَكُم عيدا وجَعَلَكُم لَهُ أهلاً ، فَاذكُرُوا اللّهَ يَذكُركُم وَادعوهُ يُستَجَب لَكُم ، وأدّوا فِطرَتَكُم ؛ فَإنَّها سُنَّهُ نَبِيِّكُم ، وفَريضَهٌ واجِبَهٌ مِن رَبِّكُم . (6)

.

1- .سنن الترمذى : 3 / 62 / 677 ، مسند ابن حنبل : 2 / 545 / 6476 ، مسند ابن الجعد : 408 / 2787 عن ابن شهاب وكلاهما نحوه ، كنز العمّال : 7 / 88 / 18097 .

2- .مسند ابن حنبل : 9/167/23725 ، سنن أبى داود : 2 / 114 / 1619 نحوه ، سنن الدارقطنى : 2/148/39 ، السنن الكبرى : 4 / 281 / 7709 نحوه وكلّها عن ثعلبه بن أبى صغير عن أبيه ، كنز العمّال : 8 / 550 / 24115 .

3- .صحيح مسلم : 2 / 677 / 12 ، سنن أبى داود : 2 / 112 / 1611 ، مسند ابن حنبل : 2 / 452 / 5949 نحوه ، المستدرک على الصحيحين : 1 / 569 / 1494 فيه «برّ» بدل «شعير» ، السنن الكبرى : 4 / 273 / 7688 نحوه .

4- .سنن أبى داود : 2 / 111 / 1609 ، سنن ابن ماجه : 1 / 585 / 1827 ، سنن الدارقطنى : 2 / 138 / 1 ، فضائل الأوقات للبيهقى : 82 / 179 ، كنز العمّال : 8 / 552 / 24125 و ص 554 / 24138 .
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 183 / 2084 عن السكونى بإسناده ، الجعفريّات : 54 ، النوادر للراوندى : 151 / 218 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الإقبال : 1 / 465 ، بحار الأنوار : 96 / 105 / 9 .
6- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 517 / 1482 ، مصباح المتهجّد : 661 / 728 عن جندب بن عبد اللّه الأزدى عن أبيه نحوه ، بحار الأنوار : 91 / 31 / 5 .

سنن الترمذی به نقل از ابن عمر :پیامبر خدا دستور می داد که زکات را پیش از رفتن برای نماز روز عید فطر ، بدهند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:از طرف دو نفر ، یک صاع (1) گندم پوست دار یا یک صاع گندم پوست کنده بدهید ، کوچک باشد یا بزرگ ، مرد باشد یا زن ، آزاد باشد یا برده ، توانگر باشد یا نیازمند. امّا توانگرتان ، خداوندْ او را پاک می سازد و امّا نیازمندتان ، بیش از آنچه می دهد ، به او برگردانده می شود.

صحیح مسلم به نقل از ابن عمر :پیامبر خدا زکات فطره رمضان را بر مردم واجب کرد ، به اندازه یک صاع از خرما ، یا یک صاع از جو ، بر هر آزاد یک برده ، مرد یا زن مسلمان.

سنن أبی داوود به نقل از ابن عبّاس :پیامبر خدا زکات فطره را واجب کرد تا روزه دار را از لغو و زشتی ، پاک سازد و خوراکی برای بینوایان باشد. هر که آن را پیش از نماز بپردازد ، زکاتی پذیرفته [پرداخت کرده] است و هر که آن را پس از نماز بپردازد ، صدقه ای از صدقه هاست.

امام علی علیه السلام:هر کس زکات فطره بپردازد ، خداوند به سبب آن ، آنچه را از زکات مالش کاسته است ، کامل می سازد.

امام علی علیه السلام در خطبه عید فطر :آگاه باشید ! امروز ، روزی است که خداوندْ آن را برای شما عید قرار داده و شما را شایسته آن ساخته است. پس خدا را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را بخوانید تا مستجاب کند و فطره خود را بپردازید که سنّت پیامبر شما و تکلیفی واجب از سوی پروردگارتان است.

.

1- .پیمانه ای برابر با سه کیلو.

التوحيد عن أبان وغيره عن الإمام الصادق عليه السلام :«مَن خَتَمَ صِيامَهُ بِقَولٍ صالِحٍ أو عَمَلٍ صالِحٍ تَقَبَّلَ اللّهُ مِنهُ صِيامَهُ» . فَقيلَ لَهُ : يَابنَ رَسولِ اللّهِ ، مَا القَولُ الصّالِحُ؟ قالَ : «شَهادَهُ أن لا إلهَ إلاَّ اللّهُ ، وَالعَمَلُ الصّالِحُ إخراجُ الفِطرَهِ» . (1)

الكافى عن معتّب عن الإمام الصادق عليه السلام :«اِذهَب فَأَعطِ عَن عِيالِنَا الفِطرَهَ ، وأعطِ عَنِ الرَّقيقِ وَاجمَعهُم ، ولا تَدَع مِنهُم أحَدا ؛ فَإِنَّکَ إن تَرَکتَ مِنهُم إنسانا تَخَوَّفتُ عَلَيهِ الفَوتَ» . قُلتُ : ومَا الفَوتُ؟ قالَ : «المَوتُ» . (2)

الإقبال عن أبي الحسن الأحمسى عن الإمام الصادق عليه السلام :«أدِّ الفِطرَهَ عَن کُلِّ حُرٍّ ومَملوکٍ ؛ فَإِن لَم تَفعَل خِفتُ عَلَيکَ (3) الفَوتَ» . قُلتُ : ومَا الفَوتُ؟ قالَ : «المَوتُ» . قُلتُ : اُصَلّى الصَّلاهَ أو بَعدَها؟ قالَ : «إن أخرَجتَها قَبلَ الظُّهرِ فَهِيَ فِطرَهٌ ، وإن أخرَجتَها بَعدَ الظُّهرِ فَهِيَ صَدَقَهٌ ولا يُجزيکَ» . قُلتُ : فَأُصَلّيَ الفَجرَ وأعزِلُها فَتَمکُثُ يَوما ، أو بَعضَ يَومٍ آخَرَ ، ثُمَّ أتَصَدَّقُ بِها . قال : «لا بَأسَ هِيَ فِطرَهٌ إذا أخرَجتَها قَبلَ الصَّلاهِ» . قالَ : وقالَ : «هِيَ واجِبَهٌ عَلى کُلِّ مُسلِمٍ مُحتاجٍ أو موسِرٍ يَقدِرُ عَلى فِطرَهٍ» . (4)

.

1- .التوحيد : 22/16 ، معانى الأخبار : 236 / 1 ، الأمالى للصدوق : 110 / 86 ، روضه الواعظين : 372 و ص 388، بحار الأنوار : 96 / 313 / 8 .
2- .الكافى : 4 / 174 / 21 ، کتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 181 / 2078 ، علل الشرايع : 390 / 1 ، الإقبال : 1 / 465 ، بحار الأنوار : 47 / 54 / 90 .
3- .فى نسخه : «عليه» .
4- .الإقبال : 1 / 465 .

التوحید به نقل از آبان و دیگری :امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس روزه داریِ خود را با سخن شایسته یا کار شایسته به پایان برساند ، خداوندْ روزه او را قبول می کند». گفتند: ای پسر پیامبر خدا! سخن شایسته چیست؟ فرمود: «شهادت دادن به این که جز خداوند ، معبودی نیست؛ و کار شایسته ، پرداخت زکات فطره است».

الکافی به نقل از معتّب :امام صادق علیه السلام فرمود: «برو و از سوی خانواده ما فطریّه بپرداز و از سوی بردگان هم بپرداز و همه را حساب کن و کسی از آنان را وا مگذار؛ چرا که اگر یکی از آنان را وا گذاری ، از فوت او بیمناکم». گفتم: فوت چیست؟ فرمود: «مردن».

الإقبال به نقل از ابو الحسن احمسی :امام صادق علیه السلام فرمود: «زکات فطره را از طرف هر آزاد و برده بپرداز ، که اگر چنین نکنی ، از فوت تو [او] بیمناکم». گفتم: فوت چیست؟ فرمود: «مردن». گفتم: نماز [را ابتدا] بخوانم ، یا پس از فطریه دادن؟ فرمود: «اگر آن را پیش از ظهر [از مالت] جدا کنی و بپردازی ، زکات فطره است و اگر بعد از ظهر بپردازی ، صدقه است و تو را کفایت نمی کند». گفتم: پس ، نماز صبح را می خوانم و آن را کنار می گذارم. پس ، یک روز ، یا تا بخشی از روز دیگر می ماند. سپس آن را صدقه می دهم. فرمود: «اشکالی ندارد. اگر آن را قبل از نماز جدا کرده باشی ، فطریّه است» و فرمود: «آن بر هر مسلمانی چه محتاج و چه توانگر ، که قدرت پرداخت فطریّه دارد ، واجب است».

.

الكافى عن هشام بن الحكم عن الإمام الصادق عليه السلام :التَّمرُ فِى الفِطرَهِ أفضَلُ مِن غَيرِهِ ؛ لِأَ نَّهُ أسرَعُ مَنفَعَةً ، وذلِکَ أ نَّهُ إذا وَقَعَ فى يَدِ صاحِبِهِ أكَلَ مِنهُ . وقالَ : نَزَلَتِ الزَّكاهُ ولَيسَ لِلنّاسِ أموالٌ ، وإنَّما كانَتِ الفِطرَهُ . (1)

3 / 3ما يَنبَغى فِى الخُروجِ إلَى الصَّلاهِأ الخُروجُ بَعدَ طُلوعِ الشَّمسِالإمام الصادق عليه السلام :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَخرُجُ بَعدَ طُلوعِ الشَّمسِ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام :لا تَخرُج مِن بَيتِکَ إلاّ بَعدَ طُلوعِ الشَّمسِ . (3)

تهذيب الأحكام عن سماعه :سَأَلتُهُ عَنِ الغُدُوِّ إلَى المُصَلّى فِى الفِطرِ وَالأَضحى . فَقالَ : «بَعدَ طُلوعِ الشَّمسِ» . (4)

.

1- .الكافى : 4 / 171 / 3 ، تهذيب الأحكام : 4 / 85 / 248 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 2 / 180 / 2075 ، علل الشرايع : 390 / 1 ، الإقبال : 1 / 483 ، بحار الأنوار : 96 / 106 / 8 .
2- .الإقبال : 1 / 478 عن أبى بصير ، بحار الأنوار : 90 / 371 / 23 .
3- .الإقبال : 1 / 479 عن زراره ، بحار الأنوار : 90 / 371 / 23 .
4- .تهذيب الأحكام : 3 / 287 / 859 .

3 / 3 آنچه هنگام رفتن به سوی نماز ، سزاوار است

الف رفتن پس از طلوع آفتاب

الکافی به نقل از هشام بن حکم :امام صادق علیه السلام فرمود: «در پرداخت زکاتِ فطره ، خرما از غیر آن بهتر است؛ چون سود آن ، سریع تر است؛ چون هر گاه به دستِ گیرنده اش برسد ، از آن می خورد». و فرمود: «زکات ، وقتی نازل شد که مردم اموالی نداشتند و زکاتِ فطره بود» .

3 / 3آنچه هنگام رفتن به سوی نماز ، سزاوار استالف رفتن پس از طلوع آفتابامام صادق علیه السلام:پیامبر خدا ، پس از طلوع خورشید ، بیرون می رفت.

امام باقر علیه السلام:از خانه ات بیرون نرو ، مگر پس از طلوع آفتاب.

تهذیب الأحکام به نقل از سماعه :از امام علیه السلام درباره بیرون رفتن به سوی مصلاّ در عید فطر و عید قربان پرسیدم. فرمود: «پس از طلوع آفتاب [برو] ».

.

ب الدُّعاءُ عِندَ الخُروجِالإمام الباقر عليه السلام :اُدعُ فِي العيدَينِ ويَومِ الجُمُعَهِ ، إذا تَهَيَّأتَ لِلخُروجِ بِهذَا الدُّعاءِ : اللّهُمَّ مَن تَهَيَّأَ وتَعَبَّأَ وأعَدَّ وَاستَعَدَّ لِوِفادَهٍ إلى مَخلوقٍ رَجاءَ رِفدِهِ وطَلَبَ نائِلِهِ وجَوائِزِهِ وفَواضِلِهِ ونَوافِلِهِ ، فَإلَيکَ يا سَيِّدى وِفادَتى وتَهيِئَتى وتَعبِئَتى وإعدادى وَاستِعدادى رَجاءَ رِفدِکَ وجَوائِزِکَ ونَوافِلِکَ ، فَلا تُخَيِّبِ اليَومَ رَجائى ، يا مَن لا يَخيبُ عَلَيهِ سائِلٌ ولا يَنقُصُهُ نائِلٌ ، فَإنّى لَم آتِکَ اليَومَ بِعَمَلٍ صالِحٍ قَدَّمتُهُ ولا شَفاعَهِ مَخلوقٍ رَجَوتُهُ ، ولكِن أتَيتُکَ مُقِرّا بِالظُّلمِ وَالإساءَهِ ، لا حُجَّهَ لى ولا عُذرَ ، فَأسأَلُکَ يا رَبِّ ، أن تُعطِيَنى مَسأَلَتى وتَقلِبَنى بِرَغبَتى ، ولا تَرُدَّنى مَجبوها ولا خائِبا ، يا عَظيمُ يا عَظيمُ يا عَظيمُ ، أرجوکَ لِلعَظيمِ ، أسأَلُکَ يا عَظيمُ أن تَغفِرَ لِىَ العَظيمَ ، لا إلهَ إلاّ أنتَ ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارزُقنى خَيرَ هذَا اليَومِ الَّذى شَرَّفتَهُ وعَظَّمتَهُ ، وتَغسِلُنى فيهِ مِن جَميعِ ذُنوبى وخَطاياىَ ، وزِدنى مِن فَضلِکَ إنَّکَ أنتَ الوَهّابُ . (1)

عنه عليه السلام :اُدعُ فِى الجُمُعَهِ وَالعيدَينِ ، إذا تَهَيَّأتَ لَلخُروجِ فَقُل : اللّهُمَّ مَن تَهَيَّأَ فى هذَا اليَومِ أوِ تَعَبَّأَ أو أعَدَّ وَاستَعَدَّ لِوِفادَهٍ إلى مَخلوقٍ رَجاءَ رِفدِهِ وجائِزَتِهِ ونَوافِلِهِ ، فَإلَيکَ يا سَيِّدى كانَت وِفادَتى وتَهيِئَتى وإعدادى وَاستِعدادى ، رَجاءَ رِفدِکَ وجَوائِزِکَ ونَوافِلِکَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ وخِيَرَتِکَ مِن خَلقِکَ ، وعَلى أميرِ المُؤمِنينَ ووَصِيِّ رَسولِکَ ، وصَلِّ يا رَبِّ عَلى أئِمَّهِ المُؤمِنينَ : الحَسَنِ وَالحُسَينِ وعَلِيٍّ ومُحَمَّدٍ . وتُسَمّيهِم إلى آخِرِهِم حَتّى تَنتَهِىَ إلى صاحِبِکَ عَلَيهِ السلام (2) وقُل : اللّهُمَّ افتَح لَهُ (3) فَتحا يَسيرا وَانصُرهُ نَصرا عَزيزا ، اللّهُمَّ أظهِر بِهِ دينَکَ وسُنَّهَ رَسولِکَ حَتّى لا يَستَخفِىَ بِشَىءٍ مِنَ الحَقِّ مَخافَهَ أحَدٍ مِنَ الخَلقِ . اللّهُمَّ إنّا نَرغَبُ إلَيکَ فى دَولَهٍ كَريمَهٍ تُعِزُّ بِهَا الإسلامَ وأهلَهُ ، وتُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وأهلَهُ ، وتَجعَلُنا فيها مِنَ الدُّعاهِ إلى طاعَتِکَ وَالقادَهِ إلى سَبيلِکَ ، وتَرزُقُنا بِها كَرامَهَ الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، اللّهُمَّ ما أنكَرنا مِن حَقٍّ فَعَرِّفناهُ وما قَصُرنا عَنهُ فَبَلِّغناهُ . وتَدعُو اللّهَ لَهُ وعَلى عَدُوِّهِ ، وتَسأَلُ حاجَتَکَ ويَكونُ آخِرُ كَلامِکَ : اللّهُمَّ استَجِب لَنا ، اللّهُمَّ اجعَلنا مِمَّن تَذَكَّرَ فَيُذَكَّرُ (4) . (5)

.

1- .تهذيب الأحكام : 3 / 142 / 316 ، الإقبال : 1 / 477 نحوه وكلاهما عن أبى حمزه الثمالى ، مصباح المتهجّد : 658 / 727 ، المقنعه : 199 كلاهما من دون إسنادٍ إلى المعصوم ، بحار الأنوار : 91 / 19 / 5 .

2- .فی نسخه : «صاحب الزمان» .
3- .فی نسخه : «لنا» .
4- .فی نسخه : «یذکر فیه فیذکر» .
5- .الإقبال : 1 / 476 عن أبی حمزه الثمالی ، بحار الأنوار : 91 / 6 / 2 .

ب دعا هنگام بیرون رفتن

ب دعا هنگام بیرون رفتنامام باقر علیه السلام:روز عید فطر و عید قربان و روز جمعه ، چون آماده بیرون رفتن شدی ، این دعا را بخوان: «خداوندا! هر کس که آماده و مهیّا شود و به امید عطا و بخشش و جایزه و احسانِ آفریده ای ، ساز و برگ رفتن به حضور او فراهم سازد ، پس ای سرور من باریابی و آمادگی و تهیّه ساز و برگ و آماده شدنِ من ، به درگاه توست و به امید بخشش و جایزه ها و احسان های تو. پس امروز ناامیدم مکن! ای آن که هیچ نیازمندی از درگاهش محروم نمی شود و هیچ برخورداری ، از او نمی کاهد! من امروز کار شایسته ای به درگاهت نیاورده ام و به شفاعت آفریده ای هم امید نبسته ام؛ لیکن با اعتراف به ستم و بدی ، به درگاهت آمده ام. نه دلیلی دارم و نه عذری. پروردگارا! از تو می خواهم که خواسته ام را بدهی و مرا با درخواستی برآورده برگردانی و مرا ناامید و بی بهره بر نگردانی! ای بزرگ ، ای بزرگ ، ای بزرگ! برای خواسته بزرگ به تو امیدوارم. ای بزرگ! از تو می خواهم که گناه بزرگ مرا ببخشایی. معبودی جز تو نیست. خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و نیکیِ امروز را که شرافت و عظمتش بخشیده ای ، روزی ام کن و در این روز ، مرا از همه گناهان و لغزش هایم بشوی و از احسان خود بر من بیفزای! همانا تویی تو بسیار بخشنده».

امام باقر علیه السلام:روز جمعه و روز عید فطر و عید قربان ، چون خواستی خارج شوی ، دعا کن و بگو: «خداوندا! هر کس امروز مهیّا و آماده شود و ساز و برگ ورود به بارگاه مخلوقی فراهم سازد تا از بخشش و جایزه و احسان او برخوردار شود ، سرور من بار یافتن و آماده شدن و فراهم ساختن ساز و برگ از سوی من ، به درگاه توست ، به امید بخشش و جوایز و احسان های تو. خداوندا! درود فرست بر محمّد ، بنده و فرستاده ات و برگزیده تو از میان آفریدگانت و بر امیر مؤمنان ، جانشین پیامبرت؛ و پروردگارا بر پیشوایان مؤمنان درود فرست، بر حسن و حسین و علی و محمّد...» و آنان را تا آخرشان نام می بری تا به امام زمانت برسی. و بگو: «خداوندا! برای او فتحی آسان فراهم آور و او را با نصرتی نیرومند ، یاری کن. خداوندا! با او دین خود و سنّت پیامبرت را آشکار کن تا چیزی از حق را از بیم احدی از مردم ، پنهان ندارد! خداوندا! از درگاه تو ، دولت کریمه ای را امید می بَریم که با آن ، اسلام و مسلمانان را عزّت می بخشی و با

آن ، نفاق و منافقان را خوار می سازی و در آن ، ما را از دعوتگران به طاعت خود و راهنمایان به راه خود قرار می دهی و با آن به ما کرامت دنیا و آخرت را روزی می کنی. خداوندا! آنچه را از حق نشناختیم ، به ما بشناسان و آنچه را به آن نرسیدیم ، به ما برسان!». و خدا را می خوانی برای او و بر ضدّ دشمن او و حاجت خود را می طلبی و پایان کلامت چنین باشد: «خداوندا! دعایمان را اجابت کن. خداوندا! ما را از آنانی قرار بده که یاد کردند ، پس یاد شدند».

.

الإمام الرضا عليه السلام لَمّا خَرَجَ إلى صَلاهِ العيدِ ، وَقَفَ عَلَى البابِ وَقفَةً ، ثُمَّ قالَ :اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ (اللّهُ أكبَرُ) عَلى ما هَدانا ، اللّهُ أكبَرُ عَلى ما رَزَقَنا مِن بَهيمَهِ الأنعامِ ، وَالحَمدُ للّهِ عَلى ما أبلانا نَرفَعُ بِها أصواتَنا . (1)

ج الدُّعاءُ فِى الطَّريقِالإقبال :اِستَفتِح خُروجَکَ بِهذَا الدُّعاءِ إلى أن تَدخُلَ مَعَ الإمامِ فِى الصَّلاهِ ، فَإن فاتَکَ مِنهُ شَىءٌ فَاقضِهِ بَعدَ الصَّلاهِ : اللّهُمَّ إلَيکَ وَجَّهتُ وَجهى وعَلَيکَ تَوَكَّلتُ ، اللّهُ أكبَرُ كَما هَدانا ، اللّهُ أكبَرُ إلهُنا ومَولانا ، اللّهُ أكبَرُ عَلى ما أولانا وحَسُنَ ما أبلانا ، اللّهُ أكبَرُ وَلِيُّنَا الَّذِى اجتَبانا ، اللّهُ أكبَرُ رَبُّنَا الَّذى بَرَأنا ، اللّهُ أكبَرُ الَّذى أنشَأنا . اللّهُ أكبَرُ الَّذى بِقُدرَتِهِ هَدانا ، اللّهُ أكبَرُ الَّذى خَلَقَنا فَسَوّانا ، اللّهُ أكبَرُ الَّذى بِدينِهِ حَبانا ، اللّهُ أكبَرُ الَّذى مِن فِتنَتِهِ عافانا ، اللّهُ أكبَرُ الَّذى بِالإسلامِ اصطَفانا ، اللّهُ أكبَرُ الَّذى فَضَّلَنا بِالإسلامِ عَلى مَن سِوانا ، اللّهُ أكبَرُ وأكبَرُ سُلطانا ، اللّهُ أكبَرُ وأعلى بُرهانا ، اللّهُ أكبَرُ وأجَلُّ سُبحانا . اللّهُ أكبَرُ وأقدَمُ إحسانا ، اللّهُ أكبَرُ وأعَزُّ غُفرانا ، اللّهُ أكبَرُ وأسنى شَأنا ، اللّهُ أكبَرُ ناصِرُ مَنِ استَنصَرَ ، اللّهُ أكبَرُ ذُو المَغفِرَهِ لِمَنِ استَغفَرَ ، اللّهُ أكبَرُ الَّذى خَلَقَ وصَوَّرَ . اللّهُ أكبَرُ الَّذى أماتَ وأقبَرَ ، اللّهُ أكبَرُ الَّذى إذا شاءَ أنشَرَ ، اللّهُ أكبَرُ وأعلى وأكبَرُ ، اللّهُ أكبَرُ وأقدَسُ مِن كُلِّ شَىءٍ وأطهَرُ ، اللّهُ أكبَرُ رَبُّ الخَلقِ والبَرِّ وَالبَحرِ ، اللّهُ أكبَرُ كُلَّما سَبَّحَ اللّهَ شَىءٌ وكَبَّرَ ، اللّهُ أكبَرُ كَما يُحِبُّ رَبُّنا أن يُكَبَّرَ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِکَ ورَسولِکَ ونَبِيِّکَ وصَفِيِّکَ ونَجيبِکَ (2) وأمينِکَ ، وحَبيبِکَ وصَفوَتِکَ مِن خَلقِکَ ، وخَليلِکَ وخاصَّتِکَ وخِيَرَتِکَ مِن بَرِيَّتِکَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ ، عَبدِکَ الَّذى هَدَيتَنا بِهِ مِنَ الجَهالَهِ وبَصَّرتَنا بِهِ مِنَ العَمى ، وأقَمتَنا بِهِ عَلَى المَحَجَّهِ العُظمى وسَبيلِ التُّقوى ، وكَما أرشَدتَنا وأخرَجتَنا بِهِ مِنَ الغَمَراتِ إلى جَميعِ الخَيراتِ ، وأنقَذتَنا بِهِ مِن شَفا جُرُفِ الهَلَكاتِ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، أفضَلَ وأكمَلَ وأشرَفَ وأكبَرَ ، وأطهَرَ وأطيَبَ وأتَمَّ وأعَمَّ ، وأزكى وأنمى وأحسَنَ وأجمَلَ ما صَلَّيتَ عَلى أحَدٍ مِنَ العالَمينَ . اللّهُمَّ شَرِّف بُنيانَهُ وعَظِّم بُرهانَهُ ، وأعلِ مَكانَهُ وكَرِّمِ فِى القِيامَهِ مَقامَهُ ، وعَظِّم عَلى رُؤوسِ الخَلائِقِ حالَهُ . اللّهُمَّ اجعَل مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ يَومَ القِيامَهِ أقرَبَ الخَلقِ مِنکَ مَنزِلَهً ، وأعلاهُم مِنکَ مَكاناً وأفسَحَهُم لَدَيکَ مَنزِلَهً ومَجلِساً ، وأعظَمَهُم عِندَکَ شَرَفاً وأرفَعَهُم مَنزِلاً . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ والأئِمَّهِ الهُدى المُهتَدينَ ، وَالحُجَجِ عَلى خَلقِکَ وَالأدِلاّءِ عَلى سَبيلِکَ ، وَالبابِ الَّذى مِنهُ يُؤتى وَالتَّراجِمَهِ لِوَحيِکَ ، كَما سَنّوا سُنَّتَکَ ، النّاطِقينَ بِحِكمَتِکَ وَالشُّهَداءِ عَلى خَلقِکَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلى وَلِيِّکَ المُنتَظِرِ أمرَکَ ، المُنتَظَرِ لِفَرَجِ أولِيائِکَ . اللّهُمَّ

اشعَب بِهِ الصَّدعَ وَارتُق بِهِ الفَتقَ ، وأمِت بِهِ الجَورَ وأظهِر بِهِ العَدلَ ، وزَيِّن بِطولِ بَقائِهِ الأَرضَ وأيِّدهُ بِنَصرِکَ وَانصُرهُ بِالرُّعبِ ، وقَوِّ ناصِرَهُم وَاخذُل خاذِلَهُم ، ودَمدِم عَلى مَن نَصَبَ لَهُم ، ودَمِّر عَلى مَن غَشَّهُم ، وَاقصِم بِهِم رُؤوسَ الضَّلالَهِ وشارِعَهَ البِدَعِ ومُميتَهَ السُّنَّهِ والمُتَعَزِّزينَ بِالباطِلِ ، وأعِزَّ بِهِمُ المُؤمِنينَ ، وأذِلَّ بِهِمُ الكاذِبينَ وَالمُنافِقينَ وجَميعَ المُلحِدينَ وَالمُخالِفينَ فى مَشارِقِ الأَرضِ ومَغارِبِها ، يا أرحَمَ الرّاحِمينَ . اللّهُمَّ وصَلِّ عَلى جَميعِ المُرسَلينَ وَالنَّبِيّينَ الَّذينَ بَلَّغوا عَنکَ الهُدى ، وَاعتَقَدوا لَکَ المَواثيقَ بِالطّاعَهِ ، ودَعَوُا العِبادَ إلَيکَ بِالنَّصيحَهِ ، وصَبَروا عَلى ما لَقوا مِنَ الأَذى فى جَنبِکَ . اللّهُمَّ وصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلَيهِم وعَلى ذَراريهِم وأهلِ بُيوتاتِهِم وأهلِ مَوَدّاتِهِم ، وأزواجِهِمُ الطّاهِراتِ وجَميعِ أشياعِهِم مِنَ المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ الأَحياءِ مِنهُم وَالأَمواتِ ، وَالسَّلامُ عَلَيهِم جَميعاً فى هذِهِ السّاعَهِ وفى هذَا اليَومِ ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَكاتُهُ . اللّهُمَّ اخصُص أهلَ بَيتِ نَبِيِّنا مُحَمَّدٍ المُبارَكينَ السّامِعينَ المُطيعينَ ، الَّذينَ أذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وطَهَّرتَهُم تَطهيرا بِأفضَلِ صَلَواتِکَ ونَوامى بَرَکاتِکَ ، وَالسَّلامُ عَلَيهِم ورَحمَهُ اللّهِ وبَرَکاتُهُ . (3)

.

1- .الكافى : 1 / 489 / 7 ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : 2 / 151 / 21 كلاهما عن ياسر الخادم والريّان بن الصلت وزاد فى الأخير عن محمّد بن عرفه وصالح بن سعيد الكاتب .
2- .فى نسخه : «نجيّک».
3- .الإقبال : 1 / 484 ، مصباح المتهجّد : 651 / 724 ، البلد الأمين : 239 ، بحار الأنوار : 91 / 16 / 4 .

امام رضا علیه السلام آن گاه که در هنگام بیرون رفتن برای نماز عید ، لحظه ای بر آستانه در ایستاد :اللّه أکبر ، اللّه أکبر ، اللّه أکبر ، اللّه أکبر بر آن که هدایتمان کرد. اللّه أکبر بر آن که ما را از چارپایان ، روزی داد. خدا را سپاس بر آن که ما را آزمود. صداهایمان را به این ذکر بلند می کنیم.

ج دعا در مسیرالإقبال:با این دعا از خانه بیرون برو ، تا آن که همراه امام ، وارد نماز شوی. اگر چیزی از آن از تو فوت شد ، پس از نماز ، قضایش کن: «خداوندا ! رویم را به سوی تو کردم و بر تو توکّل نمودم. اللّه أکبر ، آن گونه که هدایتمان کرد. اللّه أکبر ، خدا و مولای ما. اللّه أکبر بر آن که نعمتمان داد و آنچه آزمودمان ، نیکوست. اللّه أکبر ، برای آنچه ما را برگزید و بر عهده ما نهاد. اللّه أکبر ، پروردگار ما ، که ما را آفرید. اللّه أکبر ، که ما را هستی داد. اللّه أکبر ، آن که با قدرتش ما را هدایت کرد. اللّه أکبر ، آن که ما را آفرید و سامان بخشید. اللّه أکبر ، آن که با آیین خود به ما احسان کرد. اللّه أکبر ، آن که از فتنه اش ما را ایمن ساخت. اللّه أکبر ، آن که با اسلام ، ما را برگزید. اللّه أکبر ، آن که با اسلام ، ما را بر جز ما برتری بخشید. اللّه أکبر ، که قدرتش بزرگ تر است. اللّه أکبر ، که برهانش برتر است. اللّه أکبر ، که منزّه تر و ستوده تر است. اللّه أکبر ، که احسان او دیرین تر است. اللّه أکبر ، که آمرزش او عزیزتر است. اللّه أکبر ، که شأن او والاتر است. اللّه أکبر ، که یاور کسی است که از او یاری بخواهد. اللّه أکبر ، صاحب بخشایش برای آن که از او آمرزش بطلبد. اللّه أکبر ، آن که آفرید و صورتگری کرد. اللّه أکبر ، آن که میرانْد و به گور برد. اللّه أکبر ، آن که هر گاه بخواهد ، برمی انگیزاند. اللّه أکبر ، خداوندْ برتر و بزرگ تر است. اللّه أکبر ، خداوندْ بزرگ تر و مقدّس تر و پاک تر از هر چیز است. اللّه أکبر ، پروردگار آفریده ها و خشکی و دریا. اللّه أکبر ، تا آن گاه که چیزی خداوند را تسبیح کند و بزرگ بشمارد. اللّه أکبر ، آن گونه که پروردگارمان دوست دارد بزرگ شمرده شود. خداوندا ! بر محمّد ، بنده و فرستاده ات ، پیامبر و برگزیده ات ، بزرگوار و امینت، محبوب و برگزیده ات از میان آفریدگانت، دوست و ویژه و اختیارشده ات از میان خلایقت ، درود فرست ! خداوندا ! بر محمّد درود فرست ، آن بنده ات که به سبب او ما را از نادانی ، هدایت کردی و به سبب او از نابینایی بینایمان ساختی و به سبب او ما را بر راه روشن و بزرگ و راه تقوا استوار داشتی ، آن گونه که

با او ما را رهنمون شدی و ما را از اعماق تباهی به همه نیکی ها بیرون آوردی و با او ما را از لبه پرتگاه های نابودی رهانیدی ! خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست ؛ بهترین ، کامل ترین ، برترین ، بزرگ ترین ، پاکیزه ترین ، پاک ترین ، تمام ترین ، فراگیرترین ، بالنده ترین ، بهترین و زیباترین درودی را که بر یکی از جهانیان فرستاده ای ! خداوندا ! بنیانش را گرامی ، برهانش را بزرگ ، جایگاهش را والا ، و مقامش را در قیامت گرامی بدار و موقعیّت او را بر قلّه آفریدگان ، عظمت بخش ! خداوندا ! در روز قیامت ، محمّد و خاندان محمّد را در منزلت ، نزدیک ترینِ خَلق به خودت ؛ در مکانت ، والاترینشان ؛ در منزلت و جایگاه ، گشاده ترین ؛ در شرافت و جایگاه ، بزرگ ترین و والاترین خلق نزد خودت ، قرار بده ! خداوندا ! بر محمّد و امامان هدایت که هدایت شدگان اند و بر حجّت های خودت بر خَلقت و بر راهنمایان به راهت و دری که از آن به سوی تو می آیند و بر مفسّران وحی خود ، درود فرست ، آن گونه که آنان سنّت تو را استوار داشتند و به حکمت تو و گواهان بر خلقِ تو گویا بودند ! خداوندا ! بر ولیّ خود ، که چشم به راه فرمان تو و مورد انتظار فَرَج بر اولیای توست ، درود فرست ! خداوندا ! به سبب او پراکندگی را سامان بخش ، گسستگی را التیام ده ، ستم را بمیران و عدالت را غالب ساز و با بقای درازمدّتش ، زمین را بیارای و با یاری ات ، او را تأیید کن و با «رُعب» ، او را یاری نما و یاورشان را نیرو بخش و خوارکننده شان را خوار ساز و دشمنانشان را نابود کن و نیرنگ زنندگان به آنان را هلاک ساز و به سبب آنان ، سران گم راهی ، بدعت گذاران ، میرانندگان سنّت ، و عزّتجویان با باطل را در هم شکن و به سبب آنان ، مؤمنان را عزیز و دروغگویان و منافقان و همه کافران و مخالفان را در شرق و غرب زمین ، خوار گردان ، ای مهربان ترینِ مهربانان ! خداوندا ! بر همه فرستادگان و پیامبرانی که از سوی تو هدایت را رساندند و برای تو پیمان های طاعت بستند و با خیرخواهی ، بندگان را به سوی تو فرا خواندند و در راه تو ، بر آزارهایی که دیدند ، صبر کردند ، درود فرست ! خداوندا ! بر محمّد و بر آنان و بر نسلشان و اهل خانواده هایشان و بر خانواده دوستدارانشان و بر همسران پاک و همه پیروانشان از زنان و مردان باایمان و مسلمان ، از زنده و مردگانشان ، درود فرست ! سلام بر همه آنان در این ساعت و این روز ، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد ! خداوندا ! خاندان پیامبر ما محمّد را که خجسته ، شنوا و فرمانبرند و تو هر گونه پلیدی را از آنان طرف کردی و کاملاً پاکشان ساختی ، به بهترین درودها و بالنده ترین برکت ها ویژه ساز ! سلام و رحمت و برکات خداوند بر آنان باد !

.

ص: 974

..

ص: 975

. .

ص: 976

..

ص: 977

..

د رَفعُ الصَّوتِ بِالتَّهليلِ وَالتَّكبيرِشعب الإيمان عن ابن عمر :كانَ صلى الله عليه و آله يَخرُجُ فِى العيدَينِ رافِعا صَوتَهُ بِالتَّهليلِ وَالتَّكبيرِ . (1)

سنن الدارقطنى عن ابن عمر :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يُكَبِّرُ يَومَ الفِطرِ مِن حينِ يَخرُجُ مِن بَيتِهِ حَتّى يَأتِىَ المُصَلّى . (2)

النهايه :كانَ النَّبِىُّ صلى الله عليه و آله يَخرُجُ يَومَ الفِطرِ وَالأَضحى رافِعا صَوتَهُ بِالتَّكبيرِ . (3)

المنتهى :رُوِىَ عَن عَلِىٍّ عليه السلام أ نَّهُ خَرَجَ يَومَ العيدِ ، فَلَم يَزَل يُكَبِّرُ حَتَّى انتَهى إلَى الجَبّانَهِ . (4)

ه المَشيالإمام علىّ عليه السلام :مِنَ السُّنَّهِ أن تَخرُجَ إلَى العيدِ ماشِيا ، وأن تَأكُلَ شَيئا قَبلَ أن تَخرُجَ . (5)

.

1- .شُعب الإيمان : 3 / 342 / 3714 ، كنز العمّال : 7 / 88 / 18101 .
2- .سنن الدارقطنى : 2/44/6 ، المستدرک على الصحيحين : 1/438/1105 ، السنن الكبرى : 3/395/6131 ، كنز العمّال : 7 / 89 / 18104 و ج 8 / 642 / 24527 .
3- .النهايه للمحقّق الحلّى : 66 ، بحار الأنوار : 91 / 118 / 5 .
4- .منتهى المطلب : 1 / 348 ، بحار الأنوار : 91 / 118 / 6 .
5- .سنن الترمذى : 2/410/530 ، سنن ابن ماجه : 1/411/1296 ، السنن الكبرى : 3/398/6146 و ح6147 ، المصنّف لعبد الرزّاق : 3 / 289 / 5667 ، المصنّف لابن أبى شيبه : 2 / 69 / 2 كلّها عن الحارث نحوه وليس فيها ذيله ، كنز العمّال : 8 / 638 / 24507 .

د بلند گفتن تهلیل و تکبیر
ه پیاده رفتن

د بلند گفتن تهلیل و تکبیر (1)شعب الإیمان به نقل از ابن عمر :پیامبر صلی الله علیه و آله در روز عید فطر و عید قربان بیرون می آمد ، در حالی که صدایش را به تهلیل و تکبیر ، بلند می کرد.

سنن الدارقطنی به نقل از ابن عمر :پیامبر خدا روز عید فطر ، از لحظه ای که از خانه اش بیرون آمد تا وقتی به مصلاّ می رسید ، تکبیر می گفت.

النهایه:پیامبر صلی الله علیه و آله روز عید فطر و عید قربان بیرون می آمد ، در حالی که صدایش را به تکبیر ، بلند می کرد.

المنتهی:روایت شده است که علی علیه السلام روز عید بیرون آمد. پیوسته تکبیر گفت تا آن که به محلّ برگزاری نماز در بیرون شهر [کوفه] رسید.

ه پیاده رفتنامام علی علیه السلام:مستحب است برای نماز عید ، پیاده بیرون بروی و پیش از بیرون آمدن ، چیزی بخوری.

.

1- .تهلیل ، گفتنِ «لا إله إلاّ اللّه » و تکبیر ، گفتنِ «اللّه أکبر» است.

سنن ابن ماجه عن ابن عمر :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَخرُجُ إلَى العيدِ ماشِيا ، ويَرجِعُ ماشِيا . (1)

و الرُّجوعُ مِن غَيرِ طَريقِ الذَّهابِالإقبال :عَن أبى مُحَمَّدٍ هارونِ بنِ موسَى التَّلَّعُكبُرىِّ رضى الله عنه ، بِإسنادِهِ إلى عَلىِّ بنِ مُوسَى بنِ جَعفرِ بنِ مُحمَّدٍ عليهم السلام قالَ : قُلتُ لَهُ : يا سَيِّدى إنّا نَروى عَنِ النَّبىِّ صلى الله عليه و آلهإنَّهُ كانَ إذا أخَذَ فى طَريقٍ لَم يَرجِع فيهِ ، وأخَذَ فى غَيرِهِ؟ فَقالَ : «هكَذا كانَ نَبِىُّ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَفعَلُ ، وهكَذا أفعَلُ أنَا ، وهكَذا كانَ أبى عليه السلاميَفعَلُ ، وهكَذا فَافعَل ، فَإنَّهُ أرزَقُ لَكَ ، وكانَ نَبِىُّ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقولُ : هذا أرزَقُ لِلعِبادِ» . (2)

السنن الكبرى عن ابن عمر :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَخرُجُ فِى العيدَينِ مَعَ الفَضلِ بنِ العَبّاسِ ، وعَبدِ اللّهِ ، وَالعَبّاسِ ، وعَلِىٍّ ، وجَعفَرٍ ، وَالحَسَنِ ، وَالحُسَينِ ، وأُسامَةَ بنِ زَيدٍ ، وزَيدِ بنِ حارِثَةَ ، وأيمَنَ بنِ أُمِّ أيمَنَ رافِعا صَوتَهُ بِالتَّهليلِ وَالتَّكبيرِ ، فَيَأخُذُ طَريقَ الحَدّادينَ حَتّى يَأتِىَ المُصَلّى ، وإذا فَرَغَ رَجَعَ عَلَى الحَذّائينَ حَتّى يَأتِىَ مَنزِلَهُ . (3)

.

1- .سنن ابن ماجه : 1 / 411 / 1295 و ح 1294 ، المستدرک على الصحيحين : 3 / 703 / 6554 ، المعجم الكبير : 6 / 39 / 5448 ، تهذيب الكمال : 17 / 237 / 3875 والثلاثه الأخيره عن سعد القرظ ، كنز العمّال : 7 / 88 / 18099 .
2- .الإقبال : 1 / 483 ، الكافى : 5 / 314 / 41 و ج 8 / 147 / 124 ، تهذيب الأحكام : 7 / 226 / 987 كلّها عن موسى بن عمر بن بزيع عن الإمام الرضا عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : 90 / 372 / 25 .
3- .السنن الكبرى : 3 / 395 / 6130 ، فضائل الأوقات للبيهقى : 84 / 181 ، صحيح ابن خزيمه : 2 / 343 / 1431 .

و بازگشت از راه دیگر

سنن ابن ماجه به نقل از ابن عمر :پیامبر خدا برای نماز عید ، پیاده بیرون می رفت و پیاده برمی گشت.

و بازگشت از راه دیگرالإقبال به نقل از ابو محمّد هارون بن موسی تَلَّعُكْبَری ، با سندش به امام رضا علیه السلام :به امام علیه السلام عرض کردم: سرورم! ما روایت می کنیم که پیامبر صلی الله علیه و آلهوقتی از راهی می رفت ، از همان راه برنمی گشت؛ بلکه از راه دیگری می آمد. فرمود: «پیامبر خدا چنین می کرد. من نیز چنین می کنم. پدرم علیه السلام نیز چنین می کرد. تو نیز چنین کن که برایت روزی آورتر است. پیامبر خدا می فرمود: این ، برای بندگان ، روزی آورتر است ».

السنن الکبری به نقل از ابن عمر :پیامبر خدا در روز عید فطر و عید قربان همراه فضل بن عبّاس ، عبد اللّه ، عبّاس ، علی ، جعفر ، حسن ، حسین ، اُسامه بن زید ، زید بن حارثه و اَیمَن (پسر اُمّ اَیمَن) بیرون می رفت ، در حالی که صدایش را به تهلیل و تکبیر ، بلند می کرد و از راه آهنگران می رفت تا به مصلاّ می رسید و چون از نماز فارغ می شد ، از مسیر کفش دوزان برمی گشت تا به خانه اش برود.

.

سنن الترمذی عن أبی هریره :کانَ النَّبِیُ صلی الله علیه و آله إذا خَرَجَ یَومَ العیدِ فی طَریقٍ رَجَعَ فی غَیرِهِ . (1)

الإمام علیّ علیه السلام :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله إذا خَرَجَ إلَی المُصَلّی لَم یَرجِع فِی الطَّریقِ الَّذِی ابتَدَأَ بِهِ . (2)

تاریخ دمشق عن عبدالرحمن بن حاطب :رَأَیتُ رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَأتِی العیدَ یَذهَبُ فی طَریقٍ ، ویَرجِعُ فی طَریقٍ آخَرَ . (3)

عوالی اللآلی :کانَ صلی الله علیه و آله یَخرُجُ إلَی العیدِ مِن طَریقِ الشَّجَرَهِ ، ویَدخُلُ مِن طَریقِ المُعَرِّسِ . وکانَ صلی الله علیه و آله یَقصُدُ فِی الخُرُوجِ أبعَدَ الطَّریقَینِ،ویَقصُدُ فِی الرُّجوعِ أقرَبَهُما. (4)

3 / 4صَلاهُ العیدِ3 / 4 1فَضلُهاتاریخ دمشق عن جابر :کانَ رَسولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله لا یَکادُ یَدَعُ أحَدا مِن أهلِهِ یَومَ عیدٍ إلاّ أخرَجَهُ . (5)

.

1- .سنن الترمذی : 2/424/541 ، صحیح ابن حبّان : 7/54/2815 ، السنن الکبری : 3/431/6251 و ح 6250 و ح 6248 عن جابر وکلّها نحوه ، کنز العمّال : 7 / 89 / 18105 .
2- .الجعفریّات : 47 عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام ، کتاب من لا یحضره الفقیه : 1 / 510 / 1475 عن السکونی ، دعائم الإسلام : 1 / 186 من دون إسناد إلی الإمام علیّ علیه السلام وکلاهما نحوه ، بحار الأنوار : 90 / 374 / 27 .
3- .تاریخ دمشق : 34 / 281 ، أُسد الغابه : 3 / 430 / 3285 ، مجمع الزوائد : 2 / 435 / 3224 ، کنز العمّال : 8 / 642 / 24528 .
4- .عوالی اللآلی : 2 / 221 / 22 و 23 .
5- .تاریخ دمشق : 43 / 4 / 9068 ، کنز العمّال : 7 / 88 / 18096 و ج 8 / 641 / 24522 .

3 / 4 نماز عید

3 / 4 1 فضیلت نماز عید

سنن الترمذی به نقل از ابو هُرَیره :پیامبر خدا روز عید ، چون از راهی بیرون می رفت ، از راهی دیگر برمی گشت.

امام علی علیه السلام:پیامبر خدا ، چون به مصلاّ می رفت ، از همان راهی که رفته بود ، برنمی گشت.

تاریخ دمشق به نقل از عبد الرحمان بن حاطب :پیامبر خدا را دیدم که هنگام رفتن برای نماز عید ، از راهی می رفت و از راهی دیگر برمی گشت.

عوالی اللآلی:پیامبر صلی الله علیه و آله برای نماز عید از مسیر «شجره» بیرون می رفت و از راه «مُعرِّس» (1) برمی گشت. پیامبر هنگام رفتن ، دورترین راه ، و هنگام بازگشت ، نزدیک ترین راه را برمی گزید.

3 / 4نماز عید3 / 4 1فضیلت نماز عیدتاریخ دمشق به نقل از جابر :پیامبر خدا روز عید ، هیچ یک از خانواده اش را وا نمی نهاد ، مگر آن که او را بیرون می بُرد.

.

1- .مسیر مسجد ذی الحلیفه است که در چند مایلی مدینه بوده و پیامبر صلی الله علیه و آله به آن جا آمد و شد داشته است .

مسند ابن حنبل عن ابن عبّاس :كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَأمُرُ بَناتَهُ ونِساءَهُ أن يَخرُجنَ فِى العيدَينِ . (1)

رسول اللّه صلى الله عليه و آله :إنَّ اللّهَ تعالى يَطَّلِعُ فِى العيدَينِ إلَى الأرضِ ، فَابرُزوا مِنَ المَنازِلِ تَلحَقكُمُ الرَّحمَةُ . (2)

عنه صلى الله عليه و آله :إذا كانَ يَومُ الفِطرِ وخَرَجَ النّاسُ إلَى الجَبّانَةِ اطَّلَعَ اللّهُ عَلَيهِم ، ويَقولُ : «عِبادى لى صُمتُم ولى صَلَّيتُم عودوا مَغفوراً لَكُم» . (3)

الإمام الباقر عليه السلام :صَلاةُ العيدَينِ مَعَ الإمامِ سُنَّةٌ ، ولَيسَ قَبلَها ، ولا بَعدَها صَلاةٌ ذلِكَ اليَومَ إلَى الزَّوالِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :إذا أرَدتَ الشُّخوصَ فى يَومِ عيدٍ ، فَانفَجَرَ الصُّبحُ وأنتَ بِالبَلَدِ ، فَلا تَخرُج حَتّى تَشهَدَ ذلِكَ العيدَ . (5)

3 / 4 2آدابُهاأ الصَّلاةُ فِى الصَّحراءِ أو مَكانٍ بارِزٍالإمام الصادق عليه السلام :قيلَ لِرَسولِ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَومَ فِطرٍ أو يَومَ أضحى : لَو صَلَّيتَ فى مَسجِدِكَ . فَقالَ : «إنّى لأُحِبُّ أن أبرُزَ إلى آفاقِ السَّماءِ» . (6)

.

1- .مسند ابن حنبل : 1 / 498 / 2054 ، كنزالعمّال : 7 / 88 / 18098 .
2- .تاريخ دمشق : 55 / 161 / 11650 عن أنس ، كنز العمّال : 8 / 548 / 24104 .
3- .مستدرک الوسائل : 6 / 121 / 6587 نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .
4- .تهذيب الأحكام : 3 / 129 / 277 وص 134 / 292 ، الاستبصار : 1 / 444 / 1712 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 506 / 1454 كلّها عن زراره .
5- .تهذيب الأحكام : 3 / 286 / 853 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 510 / 1476 كلاهما عن أبى بصير ، بحار الأنوار : 83 / 115 / 30 .
6- .الكافى : 3 / 460 / 4 عن ليث المرادى .

الف نماز گزاردن در صحرا یا جای بدون سقف

مسند ابن حنبل به نقل از ابن عبّاس :پیامبر خدا به دختران و همسرانش دستور می داد که روز عید [برای نماز] بیرون بروند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:خداوند متعال در روز عید فطر و عید قربان ، به زمین با عنایت می نگرد. پس ، از خانه ها بیرون آیید تا رحمت به شما برسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:چون روز عید فطر شود و مردم به صحرا بیرون روند ، خداوند بر آنان می نگرد و می گوید: «بندگان من! برای من روزه گرفتید و برای من نماز خواندید. به خانه هایتان باز گردید که آمرزیده اید».

امام باقر علیه السلام:[خواندن] نماز عید فطر و عید قربان با امام ، مستحب است و پیش از آن و پس از آن تا ظهر ، نمازی [مستحب] نیست.

امام صادق علیه السلام:هر گاه روز عید قصد سفر داری ، اگر صبح دمید و تو در شهر بودی ، بیرون مرو تا آن که در [مراسم] آن عید ، حضور یابی.

3 / 4 2آداب نماز عید (1)الف نماز گزاردن در صحرا یا جای بدون سقفامام صادق علیه السلام:یک روز عید فطر یا عید قربان ، به پیامبر خدا گفتند: خوب بود در مسجدِ خود نماز می خواندی. فرمود: «دوست دارم که به طرف آفاق آسمان بیرون آیم».

.

1- .شیخ مفید رحمه الله گفته است: «این نماز ، برای هر که نماز جمعه بر او لازم است ، واجب است ؛ به شرط حضور امام علیه السلام. و در هنگام عدم حضور امام علیه السلام ، انفرادی خواندن آن ، مستحب است. پس

چون روز عید شد ، پس از طلوع صبح ، غسل کرده ، پاکیزه ترین جامه هایت را می پوشی ، عطر می زنی و برای نماز عید به محلّ تجمّع مردم در شهر می روی. پس چون خورشید دمید ، کمی صبر کن. سپس زیر آسمان به نماز بپرداز و سجودت ، بر خودِ زمین باشد. پس چون ایستادی ، یک تکبیر بگو» (ر . ک : المقنعه : 194).

الإقبال عن محمّد بن الحسن بن الوليد بإسناده إلى الإمام الصادق عليه السلام :إنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَخرُجُ حَتّى يَنظُرَ إلى آفاقِ السَّماءِ ، وقالَ : «لاتُصَلَّيَنَّ يَومَئِذٍ عَلى بِساطٍ ولا بارِيَةٍ» ، يَعنى : فِى العيدينِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام :لا يُصلّى فِى العيدَينِ فِى السَّقائِفِ ولا فِى البُيوتِ ؛ فَإنَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله كانَ يَخرُجُ فيها حَتّى يَبرُزَ لِأُفُقِ السَّماءِ ، ويَضَعُ جَبهَتَهُ عَلَى الأَرضِ . (2)

كتاب من لا يحضره الفقيه :عَنِ الحَلَبِىِّ عَن أبى عَبدِ اللّهِ عَن أبيهِ عليهماالسلام أ نَّهُ كانَ إذا خَرَجَ يَومَ الفِطرِ وَالأَضحى أبى أن يُؤتى بِطَنفَسَةٍ يُصَلّى عَلَيها ، يَقولُ : «هذا يَومٌ كانَ رَسولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَخرُجُ فيهِ حَتّى يَبرُزَ لِافاقِ السَّماءِ ، ثُمَّ يَضَعُ جَبهَتَهُ عَلَى الأَرضِ» . (3)

الإمام علىّ عليه السلام :الخُروجُ إلَى الجَبّانِ فِى العيدَينِ مِنَ السُّنَّةِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام :لايَنبَغى أن تُصَلّى صَلاةُ العيدَينِ فى مَسجِدٍ مُسَقَّفٍ ، ولا فى بَيتٍ ، إنَّما تُصَلّى فِى الصَّحراءِ أو فى مَكانٍ بارِزٍ . (5)

.

1- .الإقبال : 1 / 487 ، بحارالأنوار : 90 / 371 .
2- .دعائم الإسلام : 1 / 185 ، بحارالأنوار : 90 / 374 / 27 .
3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 508 / 1468 .
4- .المعجم الأوسط : 4 / 224 / 4040 عن الحارث ، كنزالعمّال : 8 / 644 / 24543 .
5- .كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 508 / 1467 عن أبى بصير .

الإقبال به نقل از محمّد بن حسن بن ولید ، با سند خویش از امام صادق علیه السلام :پیامبر خدا بیرون می رفت تا به آفاق آسمان بنگرد و فرمود: «آن روز ، روی زیرانداز یا حصیر نماز نخوان». مقصود ایشان عید فطر و عید قربان بود.

امام صادق علیه السلام:در عید فطر و عید قربان ، نماز ، زیر سایه بان ها و در خانه ها خوانده نمی شود؛ چرا که پیامبر خدا در آن روزها بیرون می رفت تا برابر افق های آسمان قرار بگیرد ، و پیشانی اش را بر زمین می گذاشت.

کتاب من لایحضره الفقیه:از حلبی ، از امام صادق علیه السلام ، درباره پدرش علیه السلامروایت شده که چون روز عید فطر و عید قربان بیرون می رفت ، نمی گذاشت زیراندازی را که روی آن نماز می خواند ، بیاورند و می فرمود: «امروز ، روزی است که پیامبر خدا بیرون می رفت تا در برابر آفاق آسمان قرار بگیرد». سپس پیشانی اش را بر زمین می نهاد.

امام علی علیه السلام:بیرون رفتن به صحرا در روز عید فطر و عید قربان ، مستحب است.

امام صادق علیه السلام:سزاوار نیست که نماز عید فطر و عید قربان ، در مسجد سقف دار خوانده شود و نه در خانه؛ بلکه در صحرا یا جای باز خوانده می شود.

.

ب الصَّلاهُ بِغَيرِ أذانٍ ولا إقامَهالمعجم الكبير عن أبى رافع :إنَّ النَّبِىَّ صلى الله عليه و آله كانَ يَخرُجُ إلَى العيدَينِ ماشِياً ، ويُصَلّى بِغَيرِ أذانٍ ولا إقامَهٍ ، ثُمَّ يَرجِعُ ماشِياً فى طَريقٍ آخَرَ . (1)

ج الدُّعاءُ عِندَ القِيامِ إلى الصَّلاهِالإمام الصادق عليه السلام :إذا قُمتَ إلَى الصَّلاهِ فَاستَقبِلِ القِبلَهَ وكَبِّر وقُل : اللّهُمَّ إنّى عَبدُكَ وابنُ عَبدَيكَ هارِبٌ مِنكَ إلَيكَ ، أتَيتُكَ وافِداً إلَيكَ تائِباً مِن ذُنوبى ، إلَيكَ زائِراً ، وحَقُّ الزّائِرِ عَلَى المَزورِ التُّحفَهُ ، فَاجعَل تُحفَتى مِنكَ وتُحفَتُكَ لى رِضاكَ وَالجَنَّهُ . اللّهُمَّ إنَّكَ عَظَّمتَ حُرمَهَ شَهرِ رَمَضانَ ، ثُمَّ أنزَلتَ فيهِ القُرآنَ ، أى رَبِّ وجَعَلتَ فيهِ لَيلَهً خَيراً مِن ألفِ شَهرٍ ، ثُمَّ مَنَنتَ عَلَىَّ بِصِيامِهِ وقِيامِهِ فيما مَنَنتَ عَلَىَّ فَتَمِّم عَلَىَّ مَنَّكَ ورَحمَتَكَ . أى رَبِّ إنَّ لَكَ فيهِ عُتَقاءَ ، فَإن كُنتَ مِمَّن أعتَقتَنى فيهِ فَتَمِّم عَلَىَّ ولا تَرُدَّنى فى ذَنبٍ ما أبقَيتَنى ، وإن لَم تَكُن فَعَلتَ يا رَبِّ لِضَعفِ عَمَلٍ أو لِعِظَمِ ذَنبٍ فَبِكَرَمِكَ وفَضلِكَ ورَحمَتِكَ (2) ، وكِتابِكَ الَّذى أنزَلتَ فى شَهرِ رَمَضانَ لَيلَهَ القَدرِ وما أنزَلتَ فيها ، وحُرمَهِ مَن عَظَّمتَ فيها وبِمُحَمَّدٍ وعَلِىٍّ عَلَيهِما سَلامُكَ (3) وصَلَواتُكَ وبِكَ يا أللّهُ أتَوَجَّهُ إلَيكَ بِمُحَمَّدٍ وبِمَن بَعدَهُ صَلَّى اَللّهُ عَلَيهِ وعَلَيهِم ، أتَوَجَّهُ بِكُم إلَى اللّهِ ، يا أللّهُ أعتِقنى فيمَن أعتَقتَ السّاعَهَ بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله . (4)

.

1- .المعجم الكبير : 1 / 318 / 943 ، كنزالعمّال : 7 / 88 / 18100 .
2- .فى نسخه : «رحماتك» .
3- .فى المصدر : «السلام» وما أثبتناه من بحار الأنوار .
4- .الإقبال : 1 / 494 ، بحارالأنوار : 91 / 20 / 6 .

ب نماز گزاردن بدون اذان و اقامه

ج دعا هنگام ایستادن برای نماز

ب نماز گزاردن بدون اذان و اقامهالمعجم الکبیر به نقل از ابو رافع :پیامبر صلی الله علیه و آله برای [خواندن] نماز عید فطر و عید قربان ، پیاده بیرون می رفت و بدون اذان و اقامه نماز می خواند و پیاده از راهی دیگر باز می گشت.

ج دعا هنگام ایستادن برای نمازامام صادق علیه السلام:هر گاه به نماز ایستادی ، رو به قبله کن ، تکبیر بگو و چنین بگو: «پروردگارا ! من بنده تو و فرزند دو بنده تو ام؛ از تو گریزان به درگاه تو ام. به درگاهت روی آورده ام و از گناهانم توبه کار. زائر تو ام و حقّ زائر بر زیارت شده ، هدیه است. پس ، هدیه مرا از سوی خود خشنودی ات و بهشت قرار بده ! خداوندا ! تو احترام ماه رمضان را بزرگ داشته و در آن قرآن را نازل کرده ای و پروردگارا در آن ، شبی قرار داده ای که بهتر از هزار ماه است. سپس روزه داری و عبادت آن را بر من منّت نهاده ای ، در آنچه بر من منّت نهاده ای. پس ، نعمت و رحمت خویش را بر من کامل کن ! پروردگارا ! تو را در این ماه ، آزادشدگانی است. پس اگر من از آنانم که در این ماه ، آزادم کرده ای ، آن را بر من تمام کن و تا زنده ام داشته ای ، مرا به گناه باز نگردان ، و اگر پروردگارا چنان نکرده ای ، به سبب سستی عمل یا بزرگی گناه ، پس به بزرگواری و فضل و رحمتت ، به کتابی که در ماه رمضان در شب قدر نازل کرده ای و به آنچه در آن فرو فرستاده ای و به حرمت آن که در این ماه ، او را بزرگ داشته ای و به محمّد و علی که سلام و درود تو بر آن دو باد و به خودت ای خداوند ، به حقّ محمّد و به حقّ آنان که پس از اویند که درود خدا بر او و آنان باد که به سبب شما روی به درگاه خدا می کنم ، خداوندا به حقّ محمّد صلی الله علیه و آله ، هم اکنون ، مرا در زمره آزادشدگانت آزاد کن !» .

.

3 / 4 3كَيفِيَّتُهامصباح المتهجّد :صِفَةُ صَلاهِ العيدِ أن يَقومَ مُستَقبِلَ القِبلَهِ فَيَستَفتِحُ الصَّلاهُ ، يَتَوَجَّهُ فيها ، ويُكَبِّرُ تَكبيرَهَ الاِستِفتاحِ فَإذا تَوَجَّهَ قَرَأَ «الحَمدَ» ، و «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَى » ثُمَّ يَرفَعُ يَدَهُ بِالتَّكبيرِ فَإذا كَبَّرَ قالَ : اللّهُمَّ أهلَ الكِبرياءِ وَالعَظَمَهِ ، وأهلَ الجودِ وَالجَبَروتِ ، وأهلَ العَفوِ وَالرَّحمَهِ ، وأهلَ التَّقوى وَالمَغفِرَهِ ، أسأَلُکَ بِحَقِّ هذَا اليَومِ الَّذى جَعَلتَهُ لِلمُسلِمينَ عيداً ، ولِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ ذُخراً ومَزيداً أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تُدخِلَنى فى كُلِّ خَيرٍ أدخَلتَ فيهِ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ ، وأن تُخرِجَنى مِن كُلِّ سُوءٍ أخرَجتَ مِنهُ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَيهِ وعَلَيهِم . اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ خَيرَ ما سَأَلَکَ بِهِ عِبادُکَ الصّالِحونَ ، وأعوذُ بِکَ مِمَّا استَعاذَ مِنهُ عِبادُکَ الصّالِحونَ . ثُمَّ يُكَبِّرُ ثالِثَهً ورابِعَهً وخامِسَهً وسادِسَهً مِثلَ ذلِکَ ، يَفصِلُ بَينَ كُلِّ تَكبيرَتَينِ بِما ذَكَرناهُ مِنَ الدُّعاءِ ، ثُمَّ يُكَبِّرُ السّابِعَهَ ويَركَعُ بِها ، فَإذا صَلّى هذِهِ الرَّكعَهَ قامَ إلَى الثّانِيَهِ فَإذَا استَوى قائِماً قَرَأَ «الحَمدَ» ، وسورَهَ «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَلهَا » ، ثُمَّ يُكَبِّرُ تَكبيرَهً ويَقولُ بَعدَهَا الدُّعاءَ الَّذى قَدَّمناهُ ، ثُمَّ يُكَبِّرُ ثانِيَهً وثالِثَهً ورابِعَهً مِثلَ ذلِکَ ، فَإذا فَرَغَ مِنَ الدُّعاءِ كَبَّرَ الخامِسَهَ ورَكَعَ بَعدَها فَيَحصُلُ لَهُ فِى الرَّكعَتَينِ اثنَتا عَشرَهَ تَكبيرَهً ، سَبعٌ فِى الأُولى ، وخَمسٌ فِى الثّانِيَهِ ، مِنها تَكبيرَهُ الاِفتِتاحِ فِى الأُولى ، وتَكبيرَهُ الرُّكوعِ فِى الرَّكعَتَينِ . فَإذا سَلَّمَ عَقَّبَ بِتَسبيحِ الزَّهراءِ عليهاالسلام وما خَفَّ عَلَيهِ مِنَ الدُّعاءِ . (1)

.

1- .مصباح المتهجّد : 654 ، الإقبال : 1 / 495 نحوه ، بحارالأنوار : 90 / 379 / 29 .

3 / 4 3چگونگی نماز عیدمصباح المتهجّد :(1) چگونگی نماز عید ، آن است که [نمازگزار ،] رو به قبله بایستد و نماز را آغاز کند و در آن ، توجّه و حضور قلب داشته باشد. تکبیر آغاز نماز را بگوید و چون توجّه یافت ، سوره «حمد» و «سبّح اسم ربّک الأعلی» را بخواند. سپس دست خود را به تکبیرْ بلند کند و چون تکبیر گفت ، بگوید: «خداوندا! ای اهل بزرگی و عظمت و ای اهل بخشندگی و قدرت و ای اهل بخشایش و رحمت و ای اهل تقوا و آمرزش! به حقّ این روز ، که آن را برای مسلمانان ، عید و برای محمّد که درود خدا بر او و خاندانش باد مایه ذخیره و افزایش قرار داده ای ، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و مرا در هر خیری که محمّد و خاندان محمّد را وارد آن کردی ، وارد کنی و از هر بدی که محمّد و خاندان محمّد را از آن بیرون آوردی ، بیرون آوری و درود تو بر او و بر آنان باد . خداوندا! از تو بهترین چیزی را که بندگان شایسته ات از تو خواسته اند ، می خواهم؛ و از هر چه بندگان شایسته ات از آن به تو پناه آورده اند ، به تو پناه می آورم». سپس تکبیر سوم ، چهارم ، پنجم و ششم را همان گونه می گوید و میان هر دو تکبیر ، دعایی را که یاد کردیم ، می خواند. سپس تکبیر هفتم را گفته ، به رکوع می رود. چون این رکعت را خواند ، به رکعت دوم می ایستد. پس چون ایستاد ، «حمد» و سوره «و الشّمس وضُحیها» را می خواند. سپس یک تکبیر گفته ، پس از آن ، دعای یادشده را می خواند. سپس تکبیر دوم ، سوم و چهارم را همان گونه می گوید. چون از دعا فارغ شد ، تکبیر پنجم را گفته ، پس از آن به رکوع می رود. پس ، در دو رکعت ، برای او دوازده تکبیر ، فراهم می آید: هفت تکبیر در رکعت اوّل و پنج تکبیر در رکعت دوم. یکی از آنها ، تکبیر آغاز در رکعت اوّل است و دو تا هم تکبیر رکوع در دو رکعت. پس چون سلام گفت ، تسبیح حضرت زهرا علیهاالسلام را در تعقیب آن می خواند و نیز هر دعایی که برایش سبُک باشد.

.

1- .سیّد ابن طاووس گوید: «بدان که ما به تعدادی روایت درباره چگونگی نماز عید دست یافتیم: برخی را با سند خود به محمّد بن ابی قرّه ، برخی را از ابو جعفر ابن بابویه ، و برخی را از شیخ طوسی روایت کرده ایم» .

ابن طاووس سپس تنها یک روایت را برای نماز عید آورده که متن آن شبیه متن گرفته شده ماست .

الإمام الصادق عليه السلام :تَقولُ بَينَ كُلِّ تَكبيرَتَينِ فى صَلاهِ العيدَينِ : اللّهُمَّ أهلَ الكِبرِياءِ وَالعَظَمَهِ ، وأهلَ الجودِ وَالجَبَروتِ ، وأهلَ العَفوِ وَالرَّحمَهِ وأهلَ التَّقوى وَالمَغفِرَهِ ، أسأَلُکَ فى هذَا اليَومِ الَّذى جَعَلتَهُ لِلمُسلِمينَ عيداً ، ولِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ ذُخراً ومَزيداً ، أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ كَأفضَلِ ما صَلَّيتَ عَلى عَبدٍ مِن عِبادِکَ ، وصَلِّ عَلى مَلائِکَتِکَ المُقَرَّبينَ ورُسُلِکَ ، وَاغفِر لِلمُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ ، وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ الأحياءِ مِنهُم وَالأمواتِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِن خَيرِ ما سَأَلَکَ عِبادُکَ المُرسَلونَ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما عاذَ بِکَ مِنهُ عِبادُکَ المُرسَلونَ . (1)

عنه عليه السلام :تَقولُ فى دُعاءِ العيدَينِ بَينَ كُلِّ تَكبيرَتَينِ : اللّهُ رَبّى أبَداً ، وَالإسلامُ دينى أبَداً ، ومُحَمَّدٌ نَبِيّى أبَداً ، وَالقُرآنُ كِتابى أبَداً ، وَالكَعبَهُ قِبلَتى أبَداً ، وعَلِىٌّ وَلِيّى أبَداً ، وَالأوصِياءُ أئِمَّتى أبَداً وتُسَمّيهِم إلى آخِرِهِم ولا أحَدَ إلاّ اللّهُ . (2)

عنه عليه السلام :صَلاهُ العيدَينِ تُكَبِّرُ فيهَا اثنَتَى عَشرَهَ تَكبيرَهً ، سَبعُ تَكبيراتٍ فِى الأُولى ، وخَمسُ تَكبيراتٍ فِى الثّانِيَه ، تُكَبِّرُ بِاستِفتاحِ الصَّلاهِ ، ثُمَّ تَقرَأُ : «الحَمدَ» ، وسورَهَ «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَى » ثُمَّ تُكَبِّرُ فَتَقولُ : اللّهُ أكبَرُ أهلُ الكِبرِياءِ وَالعَظَمَه،وَالجَلالِ وَالقُدرَهِ ، وَالسُّلطانِ وَالعِزَّهِ، وَالمَغفِرَهِ وَالرَّحمَهِ ، اللّهُ أكبَرُ أوَّلُ كُلِّ شَىءٍ وآخِرُ كُلِّ شَىءٍ ، وبَديعُ كُلِّ شَىءٍ ومُنتَهاهُ ، وعالِمُ كُلِّ شَىءٍ ومُنتَهاهُ ، واللّهُ أكبَرُ مُدَبِّرُ الاُمورِ باعِثُ مَن فِى القُبورِ ، قابِلُ الأعمالِ مُبدِى الخَفِيّاتِ مُعلِنُ السَّرائِرِ ، ومَصيرُ كُلِّ شَىءٍ ومَرَدُّهُ إلَيهِ ، اللّهُ أكبَرُ عَظيمُ المَلَكوتِ شَديدُ الجَبَروتِ حَىٌّ لايَموتُ ، اللّهُ أكبَرُ دائِمٌ لايَزولُ ، فَإذا قَضى أمراً فَإنَّما يَقولُ لَهُ : كُن فَيَكونُ . ثُمَّ تُكَبِّرُ وتَركَعُ وتَسجُدُ سَجدَتَينِ فَذَلِکَ سَبعُ تَكبيراتٍ ، أوَّلُهَا استِفتاحُ الصَّلاهِ وآخِرُها تَكبيرَهُ الرُّكوعِ ، وتَقولُ فى رُكوعِکَ : خَشَعَ قَلبى وسَمعى وبَصَرى وشَعرى وبَشَرى وما أقَلَّتِ الأرضُ مِنّى للّهِ رَبِّ العالَمينَ ، سبُحانَ رَبّىَ العَظيمِ وبِحَمدِهِ ثَلاثَ مَرّاتٍ . فَإن أحبَبتَ أن تَزيدَ فَزِد ما شِئتَ ، ثُمَّ ترَفَعُ رَأسَکَ مِنَ الرُّكوعِ وتَعتَدِلُ وتُقيمُ صُلبَکَ وتَقولُ : الحَمدُ للّهِ ، وَالحَولُ وَالعَظَمَهُ وَالقُوَّهُ وَالعِزَّهُ وَالسُّلطانُ وَالمُلکُ وَالجَبَروتُ وَالكِبرياءُ وما سَكَنَ فِى اللَّيلِ وَالنَّهارِ للّهِ رَبِّ العالَمينَ لا شَريکَ لَهُ . ثُمَّ تَسجُدُ وتَقولُ فى سُجودِکَ : سَجَدَ وَجهِىَ البالِى الفانِى الخاطِئُ المُذنِبُ لِوَجهِکَ الباقِى الدّائِمِ العَزيزِ الحَكيمِ ، غَيرُ مُستَنكِفٍ ولامُستَحسِرٍ ولا مُستَعظِمٍ ولا مُتَجَبِّرٍ ، بَل بائِسٌ فَقيرٌ خائِفٌ مُستَجيرٌ ، عَبدٌ ذَليلٌ مَهينٌ حَقيرٌ ، سُبحانَکَ وبِحَمدِکَ أستَغفِرُکَ وأتوبُ إلَيکَ . ثُمَّ تُسَبِّحُ

وتَرفَعُ رَأسَکَ وتَقولُ : اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وعَلِيٍّ وفاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَينِ وَالأَئِمَّهِ ، وَاغفِر لى وَارحَمنى ولا تَقطَع بى عَن مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ فِى الدُّنيا وَالآخِرَهِ ، وَاجعَلنى مَعَهُم وفيهِم وفى زُمرَتِهِم ومِنَ المُقَرَّبينَ ، آمينَ رَبَّ العالَمينَ . ثُمَّ تَسجُدُ الثّانِيَهَ وتَقولُ مِثلَ الَّذى قُلتَ فِى الأُولى فَإِذا نَهَضتَ فِى الثّانِيَهِ تَقولُ : بَرِئتُ إلى اللّهِ مِنَ الحَولِ وَالقُوَّهِ ، وَلا حَولَ ولا قُوَّهَ إلاّ بِاللّهِ . ثُمَّ تَقرَأُ : «فاتِحَهَ الكِتابِ» ، وسورَهَ «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَلهَا » ثُمَّ تُكَبِّرُ وتَقولُ : اللّهُ أكبَرُ ، خَشَعَت لَکَ يا رَبِّ الأَصواتُ وعَنَت لَکَ الوُجوهُ وحارَت مِن دونِکَ الأَبصارُ ، اللّهُ أكبَرُ كَلَّتِ الأَلسُنُ عَن صِفَهِ عَظَمَتِکَ ، وَالنّواصى كُلُّها بِيَدِکَ ، ومَقادِيرُ الأُمورِ كُلُّها إلَيکَ ، لايَقضى فيها غَيرُکَ ولا يَتِمُّ مِنها شَىءٌ دونَکَ (اللّهُ أكبَرُ أحاطَ بِكُلِّ شَىءٍ عِلمُکَ ، وقَهَرَ كُلَّ شَىءٍ عِزُّکَ ، ونَفَذَ فى كُلِّ شَىءٍ أمرُکَ، وقائِمٌ كُلَّ شَىءٍ بِکَ) (3) ، اللّهُ أكبَرُ تَواضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِعَظَمَتِکَ ، وذَلَّ كُلُّ شَىءٍ لِعِزَّتِکَ ، وَاستَسلَمَ كُلُّ شَىءٍ لِقُدرَتِکَ ، وخَضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِمُلكِکَ ، اللّهُ أكبَرُ . ثُمَّ تُكَبِّرُ وتَقولُ وأنتَ راكِعٌ مِثلَ ما قُلتَ فى رُكوعِکَ الأَوَّلِ ، وكَذلِکَ فِى السُّجودِ ما قُلتَ فِى الرَّكعَهِ الأُولى ، ثُمَّ تَتَشَهَّدُ بِما تَتَشَهَّدُ بِهِ فى سائِرِ الصَّلَواتِ ، فَإِذا فَرَغتَ دَعَوتَ بِما أحبَبتَ لِلدينِ وَالدُّنيا . (4)

.

1- .تهذيب الأحكام : 3 / 139 / 314 عن محمّد بن عيسى بن أبى منصور وح 315 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلامقال : «كان أميرالمؤمنين عليه السلامإذا كبّر فى العيدين قال بين كلّ تكبيرتين : أشهد أن لا إلهُ إلاّ اللّه وحده لاشريک له وأشهد أنّ محمّداً عبده ورسوله ، اللّهمّ أهل الكبرياء ...» ، المقنعه : 194 من دون إسناد إلى المعصوم ، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام : 132 كلاهما نحوه ، بحارالأنوار : 90 / 380 / 30 .

2- .تهذيب الأحكام : 3 / 286 / 856 عن بشير بن سعيد .

3- .ما بين القوسين ليس فى بعض النسخ .

4- .الإقبال : 2 / 202 عن سعد بن عبد اللّه بإسناده ، بحارالأنوار : 91 / 60 / 2 .

امام صادق علیه السلام:میان هر دو تکبیر در نماز عید فطر و عید قربان ، می گویی: «خداوندا ! ای اهل بزرگی و قدرت ، ای اهل بخشندگی و قدرت ، ای اهل بخشایش و رحمت ، ای اهل تقوا و آمرزش ! در این روز ، که آن را برای مسلمانان ، عید ، و برای محمّد صلی الله علیه و آله مایه ذخیره و افزایش قرار داده ای ، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی ، همچون برترین درودی که بر بنده ای از بندگانت فرستاده ای ؛ و بر فرشتگان مقرّب و فرستادگانت ، درود فرست و زنان و مردان مؤمن و مسلمان را ، زندگان و درگذشتگانشان را بیامرز ! خداوندا ! از تو بهترینِ آنچه را بندگان فرستاده ات خواسته اند، می خواهم و از بدیِ هر چه بندگان فرستاده ات از آن به تو پناه برده اند، به درگاهت پناه می آورم».

امام صادق علیه السلام:در دعای نماز عید فطر و عید قربان ، بین هر دو تکبیر می گویی: «خداوند تا ابد ، پروردگار من است و اسلام ، برای همیشه دین من است و محمّد ، همیشه پیامبر من است و قرآن ، همواره کتاب من است و کعبه تا ابد ، قبله من است و علی تا ابد ، سرپرست من است و اوصیا تا ابد ، پیشوایان من اند» و یکایکِ آنان را تا آخر ، نام می بری «و جز خداوند ، یکتایی نیست».

امام صادق علیه السلام:در نماز عید فطر و عید قربان ، دوازده تکبیر گفته می شود: هفت تکبیر در رکعت اوّل و پنج تکبیر در رکعت دوم. با آغاز کردن نماز ، تکبیر می گویی. سپس «حمد» و سوره «سبّح اسم ربّک الأعلی» را می خوانی. سپس تکبیر گفته ، می گویی: «اللّه أکبر ، اهلِ: بزرگی و عظمت و شُکوه و قدرت ، و حکومت و عزّت ، و آمرزش و رحمت. اللّه أکبر ، آغاز هر چیز و پایان هر چیز و پدیدآورنده هر چیز و نهایت هر چیز و دانای هر چیز و انتهای آن. اللّه أکبر ، تدبیرکننده کارها ، برانگیزنده خفتگان گورها ، پذیرنده عمل ها ، آشکارکننده نهان ها ، عیان کننده رازها. سرانجام و بازگشت هر چیز ، به سوی اوست. اللّه أکبر ، فرمان روایی اش بزرگ است ، قدرتش استوار است ، زنده ای که نمی میرد. اللّه أکبر ، همیشگیِ بی زوال. پس هر گاه کاری را حتمی کند ، به آن می گوید: باش ، پس می شود». سپس تکبیر گفته ، رکوع و دو سجده می کنی. اینها ، هفت تکبیر: اوّل آنها ، آغازگر نماز و آخر آنها ، تکبیر رکوع است. و در رکوع خود می گویی (سه بار) : «دل و گوش و چشم و موی و پوست من و هر چه زمین از من بر دوش می کشد (همه اعضایم) ، برای

خداوند که پروردگار جهانیان است خاشع اند. پروردگار بزرگ من ، منزّه است و به تسبیح او مشغولم». اگر دوست داشتی که بیش از سه بار بگویی ، بیفزای. سپس سرت را از رکوع برداشته ، راست می ایستی و پشت خود را صاف می گیری و می گویی: «ستایش ، از آنِ خداوند است ، و نیرو ، بزرگی ، قوّت ، ارجمندی ، حکومت ، فرمان روایی ، اقتدار و بزرگی و هر چه در شب و روزْ ساکن است ، از آنِ خداوند ، پروردگار جهان ، است و شریکی ندارد». سپس به سجده می روی و در سجود خویش می گویی: «چهره پوسیده فانی و خطاکار و گنهکار من ، برای ذات باقی و ابدی و همیشگی و ارجمند و حکیم تو سجود می کند. نه روی گردان است و نه خسته می شود ونه خود را بزرگ می بیند و نه گردنکشی دارد؛ بلکه بینوا ، نیازمند ، هراسان ، و پناهجو ، بنده ، خوار ، ناچیز ، و کوچک است. منزّهی تو. به ستایشت مشغولم ، از تو آمرزش می خواهم و به درگاهت توبه می کنم». سپس تسبیح گفته ، سرت را بلند می کنی و می گویی: «خداوندا ! بر محمّد ، علی ، فاطمه ، حسن ، حسین و امامان ، درود فرست و مرا بیامرز و بر من ترحّم کن و مرا در دنیا و آخرت از محمّد و خاندان محمّد جدا مکن و مرا با آنان و در جمع آنان و در گروه آنان و از نزدیکان آنان قرار بده ، آمین ، ای پروردگار جهانیان !». سپس سجده دوم را انجام داده ، همان را که در سجده اوّل گفتی ، می گویی ، و چون به رکعت دوم ایستادی ، می گویی: «به پیشگاه خداوند ، از هر قدرت و نیرویی ، بیزاری می جویم. هیچ قدرت و نیرویی ، جز به سبب خداوند نیست». سپس سوره «فاتحه» و سوره «و الشمس و ضُحیها» را می خوانی. سپس تکبیر می گویی و چنین می گویی : «اللّه أکبر. پروردگارا ! همه صداها در برابر تو خاشع اند ، همه چهره ها برای تو خاضع اند ، همه دیده ها در پیشگاه تو حیران اند. اللّه أکبر . زبان ها از توصیف عظمتت ناتوان اند ، پیشانی ها (اختیارها) همه به دست توست ، تقدیر و سامان همه کارها به سوی توست ، و جز تو کسی درباره آنها حکم نمی راند و جز با تو ، چیزی از آنها به کمال نمی رسد. اللّه أکبر. دانش تو بر همه چیز ، احاطه دارد ، قدرت تو هر چیز را مغلوب می کند ، فرمانت در هر چیز ، نافذ است ، و همه چیز به تو استوار و پابرجاست. اللّه أکبر. هر چیزی در پیشگاه عظمتت ، فروتن است و هر چیزی در برابر عزّتت خوار است ، و هر چیزی تسلیم قدرت توست ، و هر چیزی خاضع در برابر فرمان روایِ توست؛ اللّه أکبر». سپس تکبیر می گویی و در حالی که به رکوع رفته ای، آنچه را در رکوع اوّلت گفتی ، می گویی. همچنین در سجده ، آنچه را در رکعت اوّل گفتی ، می گویی. سپس تشهّد می گویی ، آن گونه که در نمازهای دیگر می گویی و چون فارغ شدی ، آنچه را برای دین و دنیا دوست داشتی ، دعا می کنی.

ص: 994

. .

ص: 995

. .

تهذيب الأحكام عن أبى الصباح :سَأَلتُ أبا عَبدِاللّهِ عليه السلام عَنِ التَّكبيرِ فِى العيدَينِ . فَقالَ : «اِثنَتا عَشرَةَ : سَبعٌ فِى الأُولى ، وخَمسٌ فِى الأَخيرَهِ ، فَإذا قُمتَ إلَى الصَّلاهِ فَكَبِّر واحِدَهً ، تَقولُ : أشهَدُ أن لا إلهَ إلاّ اللّهُ وَحدَهُ لاشَريکَ لَهُ ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ ورَسولُهُ ، اللّهُمَّ أنتَ أهلُ الكِبرياءِ وَالعَظَمَهِ ، وأهلُ الجودِ وَالجَبَروتِ وَالقُدرَهِ وَالسُّلطانِ وَالعِزَّهِ ، أسأَلُکَ فى هذَا اليَومِ الَّذى جَعَلتَهُ لِلمُسلِمينَ عيداً ولِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ ذُخراً ومَزيداً ، أسأَلُکَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأن تُصَلِّىَ عَلى مَلائِکَتِکَ المُقَرَّبينَ وأنبِيائِکَ المُرسَلينَ ، وأن تَغفِرَ لَنا ولِجَميعِ المُؤمِنينَ وَالمُؤمِناتِ ، وَالمُسلِمينَ وَالمُسلِماتِ الأحياءِ مِنهُم وَالأَمواتِ ، اللّهُمَّ إنّى أسأَلُکَ مِن خَيرِ ما سَأَلَکَ عِبادُکَ المُرسَلونَ ، وأعوذُ بِکَ مِن شَرِّ ما عاذَ بِهِ عِبادُکَ المُخلَصونَ ، اللّهُ أكبَرُ أوَّلُ كُلِّ شَىءٍ وآخِرُهُ ، وبَديعُ كُلِّ شَىءٍ ومُنتَهاهُ ، وعالِمُ كُلِّ شَىءٍ ومَعادُهُ ، ومَصيرُ كُلِّ شَىءٍ إلَيهِ ومَرَدُّهُ ، ومُدَبِّرُ الاُمورِ وباعِثُ مَن فِى القُبورِ ، قابِلُ الأعمالِ ومُبدِى الخَفِيّاتِ مُعلِنُ السَّرائِرِ ، اللّهُ أكبَرُ عَظيمُ المَلَكوتِ شَديدُ الجَبَروتِ ، حَىٌّ لا يَموتُ دائِمٌ لا يَزولُ ، إذا قَضى أمراً فَإنَّما يَقولُ لَهُ : كُن فَيَكونُ ، اللّهُ أكبَرُ خَشَعَت لَکَ الأصواتُ وعَنَت لَکَ الوُجوهُ ، وحارَت دونَکَ الأبصارُ ، وكَلَّتِ الألسُنُ عَن عَظَمَتِکَ ، وَالنّواصى كُلُّها بِيَدِکَ ، ومَقاديرُ الاُمورِ كُلُّها إلَيکَ لايَقضى فيها غَيرُکَ ولا يَتِمُّ مِنها شَىءٌ دونَکَ ، اللّهُ أكبَرُ أحاطَ بِكُلِّ شَىءٍ حِفظُکَ ، وقَهَرَ كُلَّ شَىءٍ عِزُّکَ ، ونَفَذَ كُلَّ شَىءٍ أمرُکَ ، وقامَ كُلَّ شَىءٍ بِکَ ، وتَواضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِعَظَمَتِکَ ، وذَلَّ كُلُّ شَىءٍ لِعِزَّتِکَ ، وَاستَسلَمَ كُلُّ شَىءٍ لِقُدرَتِکَ ، وخَضَعَ كُلُّ شَىءٍ لِمُلکِکَ ، اللّهُ أكبَرُ . وتَقرَأُ : «الحَمدَ» ، و «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَى » ، وتُكَبِّرُ السّابِعَهَ ، وتَركَعُ وتَسجُدُ وتَقومُ ، وتَقرَأُ : «الحَمدَ» ، «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا » ، وتَقولُ : اللّهُ أكبَرُ أشهَدُ أن لا إلهَ إلاّ اللّهُ وَحدَهُ لا شَريکَ لَهُ ، وأنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ ورَسولُهُ ، اللّهُمَّ أنتَ أهلُ الكِبرياءِ ... تُتِمُّهُ كُلَّهُ كَما قُلتَ أوَّلَ التَّكبيرِ ، يَكونُ هذَا القَولُ فى كُلِّ تَكبيرَهٍ حَتّى يَتِمَّ خَمسُ تَكبيراتٍ . (1)

.

1- .تهذيب الأحكام : 3 / 132 / 290 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 1 / 512 / 1481 وص 523 / 1487 .

تهذیب الأحکام به نقل از ابو الصباح :از امام صادق علیه السلام درباره تکبیر دو عید پرسیدم. فرمود: «دوازده تکبیر است: هفت تکبیر در رکعت اوّل و پنج تکبیر در رکعت دیگر. پس چون به نماز ایستادی ، یک تکبیر گفته ، می گویی: گواهی می دهم که معبودی جز خداوند نیست ، که یگانه ای بی شریک است؛ و گواهی می دهم که محمّد ، بنده و فرستاده اوست. خداوندا ! تو اهل بزرگی و عظمتی ، و اهلِ بخشندگی ، توانمندی ، قدرت ، حکومت ، و عزّتی. در این روز ، که آن را برای مسلمانان ، عید ، و برای محمّد صلی الله علیه و آلهمایه ذخیره و افزونی قرار داده ای ، از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و بر فرشتگان مقرّبت و پیامبرانِ فرستاده ات درود فرستی و ما و همه زنان و مردان مؤمن و مسلمان را، زندگان و درگذشتگانشان را بیامرزی. خداوندا ! از بهترینِ آنچه بندگان فرستاده ات از تو خواسته اند ، از تو می خواهم و از شرّ آنچه بندگان خالصت از آن به تو پناه برده اند ، به درگاهت پناه می برم. اللّه أکبر ، که آغاز و انجام هر چیز است و پدیدآورنده و منتهای هر چیز و دانای هر چیز و بازگشتگاه آن و سرانجام و بازگشتِ هر چیز به سوی اوست و سامان بخش کارها و برانگیزنده خفتگان در گورها و پذیرنده عمل ها و آشکارکننده نهان ها و برملاکننده رازهاست. اللّه أکبر ، که حکومتش بزرگ و قدرتش استوار است؛ زنده ای که نمی میرد ، همیشگی بی زوال؛ آن که چون چیزی را حتمی سازد ، به آن می گوید: باش} ، پس می شود. اللّه أکبر ، که صداها در برابرت خاشع ، و چهره ها برایت خاضع و چشم ها در پیشگاهت حیران و زبان ها از توصیف عظمتت ناتوان اند. پیشانی ها (اختیارها) همه به دست تو و تقدیرِ همه کارها به سوی توست و کسی جز تو در آنها حکم نمی راند و جز به تو ، چیزی از آنها به کمال نمی رسد. اللّه أکبر ، نگهداری ات بر هر چیز ، احاطه دارد و قدرتت بر هر چیز ، غالب است و فرمانت در هر چیز ، نافذ است و هر چیز در برابر عزّتت ، خوار و هر چیز در برابر قدرتت ، فرمان بردار و هر چیز در برابر فرمان روایی ات ، خاضع است؛ اللّه أکبر . و سوره حمد و سبِّح اسمَ ربِّک الأعلی را می خوانی. تکبیر هفتم را گفته ، به رکوع و سجود می روی و برمی خیزی و سوره حمد و والشمس وَ ضُحیها را می خوانی و می گویی: اللّه أکبر . گواهی می دهم که معبودی جز خداوند نیست . یکتایی است که شریک ندارد ، و [شهادت می دهم که]محمّد ، بنده و فرستاده اوست. خداوندا ! تو اهل بزرگی و... و آن را مثل آنچه در تکبیرِ آغازین گفتی ، به پایان می بری. این سخن ، در هر تکبیر هست تا پنج تکبیر به پایان برسد».

ص: 998

. .

ص: 999

. .

3 / 5خُطبَهُ أميرِالمُؤمِنينَ يَومَ الفِطرِمصباح المتهجّد عن جندب بن عبد اللّه الأزدى عن أبيه :إنَّ عَلِيّاً عليه السلام كانَ يَخطُبُ يَومَ الفِطرِ ، فَيَقولُ : «الحَمدُ للّهِ الَّذى خَلَقَ السَّماواتِ وَالأَرضَ ، وجَعَلَ الظُّلُماتِ وَالنّورَ ، ثُمَّ الَّذين كَفَروا بِرَبِّهِم يَعدِلونَ ، لا نُشرِكُ بِاللّهِ شَيئاً ، ولا نَتَّخِذُ مِن دونِهِ وَلِيّاً ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى لَهُ ما فِى السَّماواتِ وما فِى الأَرضِ ، ولَهُ الحَمدُ فِى الآخِرَهِ وهُوَ الحَكيمُ الخَبيرُ ، يَعلَمُ ما يَلِجُ فِى الأَرضِ وما يَخرُجُ مِنها ، وما يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ وما يَعرُجُ فيها وهُوَ الرَّحيمُ الغَفورُ ، كَذلِكَ رَبُّنا جَلَّ ثَناؤُهُ لا أَمَدَ ولا غايَهَ ولا نِهايَهَ ولا إلهَ إلاّ هُوَ وإلَيهِ المَصيرُ ، وَالحَمدُ للّهِ الَّذى يُمسِكُ السَّماءَ أن تَقَعَ عَلَى الأَرضِ إلاّ بِإِذنِهِ ، إنَّ اللّهَ بِالنّاسِ لَرَؤوفٌ رَحيمٌ . اللّهُمَّ ارحَمنا بِرَحمَتِكَ ، وَاعصُمنا بِعافِيَتِكَ ، وَامدُدنا بِعِصمَتِكَ ، ولا تُخلِنا مِن رَحمَتِكَ إنَّكَ أنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ ، وَالحَمدُ للّهِ لا مَقنوطاً من رَحمَتِهِ ولا مَخلُوّاً مِن نِعمَتِهِ ، ولا مُؤيِساً مِن رَوحِهِ ، ولا مُستَنكِفاً عَن عِبادَتِهِ ، الَّذى بِكَلِمَتِهِ قامَتِ السَّماواتُ السَّبعُ ، وقَرَّتِ الأَرَضونَ السَّبعُ ، وثَبَتَتِ الجِبالُ الرَّواسى ، وجَرَتِ الرِّياحُ اللَّواقِحُ ، وسارَ فى جَوِّ السَّماءِ السَّحابُ ، وقامَت عَلى حُدودِهَا البِحارُ ، فَتَبارَكَ اللّهُ رَبُّ العالَمينَ ، إلهٌ قاهِرٌ قادِرٌ ذَلَّ لَهُ المُتَعَزِّزونَ ، وتَضاءَلَ لَهُ المُتَكَبِّرونَ ، ودانَ طَوعاً وكَرهاً لَهُ العالَمونَ . نَحمَدُهُ بِما حَمِدَ نَفسَهُ وكَما هُوَ أهلُهُ ، ونَستَعينُهُ ونَستَغفِرُهُ ونَشهَدُ أن لا إلهَ إلاَّ اللّهُ وَحدَهُ لاشَريكَ لَهُ ، يَعلَمُ ما تُخفِى الصُّدورُ ، وما تَجِنُّ البِحارُ ، وما تُوارِى الأَسرابُ ، وما تَغيضُ الأَرحامُ وما تَزدادُ ، وكُلُّ شَىءٍ عِندَهُ بِمِقدارٍ ، لا تَوارى مِنهُ ظُلُماتٌ ولا تَغيبُ عَنهُ غائِبَهٌ ، وما تَسقُطُ مِن وَرَقَهٍ إلاّ يَعلَمُها ، ولا حَبَّهٍ فى ظُلُماتِ الأَرضِ ، ولا رَطبٍ ولا يابِسٍ إلاّ فى كِتابٍ مُبينٍ ، ويَعلَمُ ما يَعمَلُ العامِلونَ وإلَى أىِّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبونَ ، ونَستَهدِى اللّهَ بِالهُدى ، ونَعوذُ بِهِ مِنَ الضَّلالَهِ وَالرَّدى ، ونَشهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ ونَبِيُّهُ ورَسولُهُ إلَى النّاسِ كافَّهً ، وأمينُهُ عَلى وَحيِهِ ، وأنَّهُ بَلَّغَ رِسالَهَ رَبِّهِ ، وجاهَدَ فِى اللّهِ المُدبِرينَ عَنهُ ، وعَبَدَهُ حَتّى أتاهُ اليَقينُ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ . أُوصيكُم عِبادَ اللّهِ بِتَقوَى اللّهِ الَّذى لا تَبرَحُ مِنهُ نِعمَهٌ ، ولا تُفقَدُ لَهُ رَحمَهٌ ، ولايَستَغنى عَنهُ العِبادُ ولا تَجزى أنعُمَهُ الأَعمالُ ، الَّذى رَغَّبَ فِى الآخِرَهِ ، وزَهَّدَ فِى الدُّنيا ، وحَذَّرَ المَعاصِىَ ، وتَعَزَّزَ بِالبَقاءِ ، وتَفَرَّدَ بِالعِزِّ وَالبَهاءِ ، وجَعَلَ المَوتَ غايَهَ المَخلوقينَ وسَبيلَ الماضينَ ، فَهُوَ مَعقودٌ بِنَواصِى الخَلقِ كُلِّهِم حَتمٌ فى رِقابِهِم ، لا يُعجِزُهُ لُحوقُ الهارِبِ ولا يَفوتُهُ ناءٍ ولا آئِبٌ ، يَهدِمُ كُلَّ لَذَّهٍ ، ويُزيلُ كُلَّ بَهجَهٍ ، ويَقشَعُ كُلَّ نِعمَهٍ . عِبادَ اللّهِ ، إنَّ الدُّنيا دارٌ رَضِيَ اللّهُ لِأَهلِهَا الفَناءَ وقَدَّرَ عَلَيهِم بِهَا الجَلاءَ ، فَكُلُّ ما فيها نافِدٌ وكُلُّ مَن يَسلُكُها بائِدٌ ، وهِىَ مَعَ ذلِكَ حُلوَهٌ غَضِرَهٌ ، رائِقَهٌ نَضِرَهٌ ، قَد زُيِّنَت لِلطّالِبِ ، ولاطَت بِقَلبِ الرّاغِبِ ، يُطَيِّبُهَا الطّامِعُ، ويَجتَويهَا الوَجِلُ الخائِفُ ،

فَارتَحِلوا رَحِمَكُمُ اللّهُ مِنها بِأحسَنِ ما بِحَضرَتِكُم مِنَ الزّادِ ولا تَطلَبوا مِنها سِوَى البُلغَةَ ، وكونوا فيها كَسَفرٍ نَزَلوا مَنزِلاً فَتَمَتَّعوا مِنهُ بِأدنى ظِلٍّ،ثُمَّ ارتَحَلوا لِشَأنِهِم،ولا تَمُدّوا أعيُنَكُم فيها إلى ما مَتَّعَ بِهِ المُترَفونَ، وأضِرّوا فيها بِأنفُسِكُم ؛ فَإنَّ ذلِکَ أخَفُّ لِلحِسابِ وأقرَبُ مِنَ النَّجاهِ. ألا إنَّ الدُّنيا قَد تَنَكَّرَت وأدبَرَت وآذَنَت بِوَداعٍ ، ألا وإنَّ الآخِرَةَ قَد أقبَلَت وأشرَفَت ونادَت باطِّلاعٍ،ألا وإنَّ المِضمارَ اليَومُ وغَداً السِّباقُ ألا وإنَّ السُّبقَةَ الجَنَّةُ وَالغايَةَ النّارُ ، أفَلا تائِبٌ مِن خَطيئَتِهِ قَبلَ هُجومِ مَنِيَّتِهِ؟ أوَلا عامِلٌ لِنَفسِهِ قَبلَ يَومِ فَقرِهِ وبُؤسِهِ؟ جَعَلَنَا اللّهُ وإيّاكُم مِمَّن يَخافُهُ ويَرجو ثَوابَهُ . ألا وإنَّ هذَا اليَومَ يَومٌ جَعَلَهُ اللّهُ عيداً وجَعَلَكُم لَهُ أهلاً ، فَاذكُرُوا اللّهَ يَذكُرکُم ، وكَبِّروهُ وعَظِّموهُ وسَبِّحوهُ ومَجِّدوهُ ، وادعوهُ يَستَجِب لَكُم وَاستَغفِروهُ يَغفِر لَكُم ، وتَضَرَّعوا وَابتَهِلوا وتوبوا وأنيبوا ، وأدّوا فِطرَتَكُم ؛ فَإنَّها سُنَّةُ نَبِيِّكُم وفَريضَةٌ واجِبَةٌ مِن رَبِّكُم ، فَليُخرِجها كُلُّ امرِئٍ?مِنكُم عَن نَفسِهِ وعَن عِيالِهِ كُلِّهِم ذَكَرِهِم وانثاهُم ، صَغيرِهِم وكبيرِهِم ، حُرِّهِم ومَملوكِهِم ، يُخرِجُ كُلُّ واحِدٍ مِنهُم صاعاً مِن شَعيرٍ ، أو صاعاً مِن تَمرٍ ، أو نِصفَ صاعٍ من بُرٍّ من طيبِ كَسبِهِ ، طَيِّبَةً بِذلِکَ نَفسُهُ . عِبادَ اللّهِ ، وتَعاوَنوا عَلَى البِرِّ وَالتَّقوى ، وتَراحَموا وتَعاطَفوا وأدّوا فَرائِضَ اللّهِ عَلَيكُم فيما أمَرَكُم بِهِ ، مِن إقامَهِ الصَّلَواتِ المَكتوباتِ ، وأداءِ الزَّكَواتِ ، وصِيامِ شَهرِ رَمَضانَ ، وحَجِّ البَيتِ ، وَالأمرِ بِالمَعروفِ وَالنَّاهى عَنِ المُنكَرِ ، وَالإحسانِ إلى نِسائِكُم وما مَلَكَت أيمانُكُم ، وَاتَّقُوا اللّهَ فيما نَهاكُم عَنهُ ، وأطيعوهُ فِى اجتِنابِ قَذفِ المُحصَناتِ وإتيانِ الفَواحِشِ ، وشُربِ الخَمرِ ، وبَخسِ المِكيالِ ونَقصِ الميزانِ ، وشَهادَهِ الزّورِ ، وَالفِرارِ مِنَ الزَّحفِ ، عَصَمَنَا اللّهُ وإيّاكُم بِالتَّقوى وجَعَلَ الآخِرَةَ خَيراً لَنا ولَكُم مِن هذِهِ الدُّنيا ، إنَّ أحسَنَ الحَديثِ وأبلَغَ المَوعِظَهِ كَلامُ اللّهِ تعالى ، أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» إلى آخِرِها » . ثُمَّ جَلَسَ وقامَ ، فقالَ : «الحَمدُ لِلّهِ نَحمَدُهُ ونَستَعينُهُ ونَستَغفِرُهُ ونَستَهديهِ ونُؤمِنُ بِهِ ونَتَوَكَّلُ عَلَيهِ ، ونَعوذُ بِاللّهِ مِن شُرورِ أنفُسِنا ومِن سَيِّئاتِ أعمالِنا ، مَن يَهدِ اللّهُ فَهُوَ المُهتَدى ومَن يُضلِل فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيّاً مُرشِداً ، وأشهَدُ أن لا إلهَ إلاّ اللّهُ وَحدَهُ لاشَريکَ لَهُ ، وأشهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ ورَسولُهُ» . وذَكَرَ باقِىَ الخُطبَهِ الصَّغيرَهِ فى يَومِ الجُمُعَهِ . (1)

.

1- .مصباح المتهجّد : 659/728 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : 1/514/1482 نحوه ، بحارالأنوار : 91/29/5 .

3 / 5خطبه امیر مؤمنان در روز عید فطرمصباح المتهجّد به نقل از جندب بن عبد اللّه آزدی ، از پدرش :علی علیه السلامروز عید فطر خطبه می خواند و می فرمود: «ستایش ، خداوندی را که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنایی را پدید آورد. سپس آنان که به پروردگارشان کفر ورزیدند، از حق روی گردان می شوند. چیزی را برای خداوند ، شریک قرار نمی دهیم و جز او ، سرپرستی نمی گیریم. ستایش ، خداوندی را که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است ، برای اوست ، و نیز ستایش در آخرت ، از آن اوست و او حکیم آگاه است و آنچه را در زمین فرو می رود و آنچه را از آن برمی آید و آنچه را از آسمان فرود می آید و آنچه را در آن بالا می رود ، می داند و او مهربان آمرزنده است. چنین است پروردگار ما ، که ثنای او شکوهمند است. بی پایان و بی سرانجام و بی نهایت است و معبودی جز او نیست و سرانجام ، به سوی اوست. ستایش ، خداوندی را که آسمان را نگه می دارد تا بر زمین نیفتد ، مگر به اذن او . همانا خداوند به مردم ، دلسوز و مهربان است. خداوندا! با رحمتت ما را بیامرز و عافیتت را برای ما فراگیر ساز و با نگهداری ات ما را یاری رسان و ما را از رحمتت دور مگردان! همانا تو آمرزنده مهربانی. ستایش ، خداوندی راست که از رحمتش مأیوس نمی شوند و از نعمتش محروم نمی گردند و از رحمتش ناامید نمی شوند و از پرستش او روی برنمی تابند؛ آن که با کلمه اش ، آسمان های هفتگانه برپا شده و زمین های هفتگانه قرار یافته و کوه های بزرگ ، ثابت گشته و بادهای بارورکننده جاری شده و ابرها در فضای آسمان ، سِیر کرده و دریاها بر حدود آنها برپا شده است. پس ، خجسته است خداوند ، پروردگار جهانیان ، معبودی چیره و توانا که قدرت جویان ، در برابرش خوارند و متکبّران ، در مقابلش بی مقدارند و جهانیان ، خواهی نخواهی ، گردن به فرمان او نهاده اند. او را می ستاییم به آنچه خودش را ستوده و آن گونه که شایسته اوست؛ و از او یاری می طلبیم و آمرزش می خواهیم ؛ و گواهی می دهیم که معبودی جز خداوند نیست ، [و] شریکی ندارد. آنچه را سینه ها پنهان می دارند و آنچه را دریاها می پوشانند و آنچه را لانه ها پنهان می کنند و آنچه را رَحِم ها می کاهند و می افزایند (زمان حمل) ، می داند و هر چیزی نزد او به اندازه است. نه تاریکی ها از او پنهان است و نه چیزی از علم او نهان. هیچ برگی نمی افتد

، مگر این که آن را می داند و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین نیست و هیچ تر و خشکی نیست ، مگر آن که در کتابی روشنگر است. و می داند که عمل کنندگان چه می کنند و به چه فرجامی برمی گردند. از خداوند ، هدایت می طلبیم و از گم راهی و تباهی به او پناه می بریم و گواهی می دهیم که محمّد ، بنده و پیامبر و فرستاده او به سوی همه مردم و امین وحی اوست . [گواهی می دهیم که] او رسالت پروردگارش را رساند و در راه خدا با روی گردانان از او ، نبرد کرد و او را پرستید ، تا آن که یقین (مرگ) ، او را فرا رسید. درود خداوند بر او و خاندانش! شما را ای بندگان خدا به پروا کردن از خدایی سفارش می کنم که هیچ یک از نعمت های او زوال نمی پذیرد و هیچ یک از رحمت های او گُم نمی شود و بندگانْ از او بی نیاز نمی شوند و عمل ها پاداش نعمت های او نمی گردند؛ آن که به آخرت تشویق کرده و به دنیا بی علاقه ساخته و از نافرمانی ها برحذر داشته و با بقا ، عزّت یافته و با عزّت و شُکوه ، یکتا گشته و مرگ را فرجامِ آفریدگان و راهِ گذشتگان قرار داده است. پس ، مرگ بر پیشانی همه آفریده ها ثبت ، و بر گردنشان حتمی است. [مرگ ،] نه ناتوان از رسیدن به گریزنده است و نه هیچ دور و نزدیکی ، از چنگش می رود. هر لذّتی را در هم می ریزد و هر شادمانی ای را از بین می برد و هر نعمتی را می گیرد. بندگان خدا! دنیا ، سرایی است که خداوند برای اهل آن ، فنا را پسندیده و کوچیدن از آن را بر ایشان حتمی ساخته است. هر چه در آن است ، پایان یافتنی است و هر که در پی آن است ، نابودشدنی. امّا با این همه ، دنیا شیرین و لذیذ و جذّاب و شاداب است؛ برای جوینده ، آراسته است و به دل مشتاق ، چسبیده؛ طمعکار ، آن را نیکو می شمارد و ترسانِ هراسان ، از آن گریزان است. رحمت خدا بر شما! از آن با بهترین توشه ای که نزد خود دارید ، بکوچید و جز مقداری که شما را به مقصد برساند ، بر نگیرید . در دنیا همچون مسافرانی باشید که در منزلگاهی فرود آمده و در اندک سایه ای آرمیده اند، سپس کوچیده و به راه خود رفته اند. چشم به آنچه ثروتمندانِ خوش گذارانْ از آن بهره مندند ، ندوزید و در دنیا به خودتان زیان برسانید ، که این ، حساب شما را سبک تر می کند و برای نجات شما ، نزدیک تر است. هلا آگاه باشید که دنیا تغییر شکل داده و پشت کرده و در آستانه خدا حافظی قرار گرفته است . آگاه باشید که آخرت نزدیک شده و روی آورده و بانگ آشنایی سر داده است . بدانید که امروز روز مسابقه و فردا روز پیشی گرفتن است . گروِ این مسابقه بهشت و پایان آتش است . آیا توبه کننده ای از گناه وجود ندارد که پیش از فرا رسیدن مرگش توبه کند؟ و یا عمل کننده ای که پیش از رسیدن روز تنگدستی و بدبختی اش عمل نماید؟ خداوند ، ما و شما را از کسانی قرار دهد که از او بیم دارند و به امید پاداش اویند . آگاه باشید که امروز ، روزی

است که خداوندْ آن را عید قرار داده و شما را شایسته آن ساخته است. پس ، خدا را یاد کنید تا شما را یاد کند ، و او را بزرگ بشمارید و تسبیح و تمجید کنید و او را بخوانید تا پاسختان دهد ، و از او آمرزشی بخواهید تا شما را بیامرزد ، و در پیشگاه او ناله و نیایش و توبه کنید و به سوی او باز گردید و زکات فطره خود را بپردازید که سنّت پیامبرتان و فریضه واجب پروردگارتان است . هر کس[باید] زکات فطره را از سوی خود و همه خانواده اش (مرد یا زن ، کوچک یا بزرگ ، آزاد یا بنده) جدا کند ؛ برای هر نفر : یک صاع از جو ، یا یک صاع از خرما ، یا نیم صاع از گندم ، از درآمد پاک خود با رضامندی. بندگانِ خدا ! یکدیگر را بر نیکی و تقوا یاری کنید و به یکدیگر مهربانی و عطوفت داشته باشید؛ واجبات الهی را در آنچه به شما فرمان داده است ، ادا کنید (همچون: برپا داشتن نمازهای واجب ، پرداختن زکات ها ، گرفتن روزه ماه رمضان ، حجّ خانه خدا ، امر به معروف و نهی از منکر ، نیکی کردن به زنان و کنیزانتان) و در آنچه شما را از آن باز داشته ، از خدا پروا کنید و در پرهیز از: دادن نسبت ناروا به زنان پاک دامن ، انجام دادن زشتی ها ، شرابخواری ، کم گذاشتن در پیمانه و کاستن از وزن ، ادای گواهی دروغ ، فرار از جنگ ، [در ترک همه اینها] ، از خدا فرمان بُرداری کنید. خداوند ، ما و شما را با تقوا نگه دارد و آخرت را برای ما و شما بهتر از این دنیا قرار دهد ! همانا بهترین سخن و رساترین پند ، سخن خدای متعال است: أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم ؛ « بسم اللّه الرحمن الرحیم * قل هو اللّه أحد*...» تا آخر سوره ». سپس نشست و برخاست و فرمود: «خدا را سپاس. او را می ستاییم و از او یاری و آمرزش و هدایت می طلبیم. به او ایمان داریم و بر او تکیه می کنیم و از بدی های خودمان و بدی های کارهایمان ، به خداوند پناه می بریم. هر که را خدا هدایت کند ، هدایت یافته است و هر که را خدا گم راه کند ، هرگز برای او سرپرستِ هدایتگری نمی یابی. و گواهی می دهم که معبودی جز خداوند نیست ، یکتای بی شریک است؛ و گواهی می دهم که محمّد ، بنده و فرستاده اوست». او باقی خطبه کوتاه در روز جمعه را ذکر کرده است.

.

ص: 1002

. .

ص: 1003

. .

. .

ص: 1005

. .

3 / 6دُعاءُ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ بَعدَ الصَّلاهِمصباح المتهجّد :كانَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام إذا فَرَغَ مِن صَلاهِ العيدَينِ ، أو صَلاهِ الجُمُعَهِ استَقبَلَ القِبلَهَ وقالَ : يا مَن يَرحَمُ مَن لا يَرحَمُهُ العِبادُ ، يا مَن يَقبَلُ مَن لا تَقبَلُهُ البِلادُ ، ويا مَن لا يَحتَقِرُ أهلَ الحاجَهِ إليهِ ، ويا مَن لايُخَيِّبُ المُلِحّينَ عَلَيهِ ، ويا مَن لايَجبَهُ بِالرَّدِّ أهلَ الدّالَّهِ عَلَيهِ ، يامَن يَجتَبى صَغيرَ ما يُتحَفُ بِهِ ويَشكُرُ يَسيرَ ما يُعمَلُ لَهُ ، ويا مَن يَشكُرُ عَلَى القَليلِ ويُجازى بِالجَزيلِ ، يا مَن يَدنو إلى مَن دَنا مِنهُ ، يا مَن يَدعو إلى نَفسِهِ مَن أدبَرَ عَنهُ ، ويا مَن لا يُغَيِّرُ النِّعمَهَ ولا يُبادِرُ بِالنِّقمَهِ ، ويا مَن يُثمِرُ الحَسَنَهَ حَتّى يُنَمِّيَها ، ويا مَن يَتَجاوَزُ عَنِ السَّيِّئَهِ حَتّى يُعَفِّيَهَا ، انصَرَفَتِ الآمالُ دونَ مَدَى كَرَمِكَ بِالحاجاتِ ، وَامتَلَأَت بِفَيضِ جودِكَ أوعِيَهُ الطِّلِباتِ ، وتَقَسَّخَت دونَ بُلوغِ نَعتِكَ الصِّفاتُ . فَلَكَ العُلُوُّ الأعلى فَوقَ كُلِّ عالٍ ، وَالجَلالُ الأمجَدُ فَوقَ كُلِّ جَلالٍ ، كُلُّ جَليلٍ عِندَكَ صَغيرٌ ، وكُلُّ شَريفٍ فى جَنبِ شَرَفِكَ حَقيرٌ . خابَ الوافِدونَ عَلى غَيرِكَ ، وخَسِرَ المُتَعَرِّضونَ إلاّ لَكَ ، وضاعَ المُلِمّونَ إلاّ بِكَ ، وأجدَبَ المُنتَجِعونَ إلاّ مَنِ انتَجَعَ فَضلَكَ . بابُكَ مَفتوحٌ لِلرّاغِبينَ ، وجودُكَ مُباحٌ لِلسّائِلينَ ، وإغاثَتُكَ قَريبَهٌ مِنَ المُستَغيثينَ ، لايَخيبُ مِنكَ الآمِلونَ ، ولايَيأَسُ مِن عَطائِكَ المُتَعَرِّضونَ ، ولا يَشقى بِنِقمَتِكَ المُستَغفِرونَ ، رِزقُكَ مَبسوطٌ لِمَنِ عَصاكَ ، وحِلمُكَ مُعتَرِضٌ لِمَن ناواكَ . عَادَتُكَ الإحسانُ إلى المُسيئينَ ، وسُنَّتُكَ الإبقاءُ عَلَى المُعتَدينَ حَتّى لَقَد غَرَّتهُم أناتُكَ عَنِ النُّزوعِ ، وصَدَّهُم إمهالُكَ عَنِ الرُّجوعِ وإنَّما تَأَنَّيتَ بِهِم لِيَفيئوا إلى أمرِكَ ، وأمهَلتَهُم ثِقَهً بِدَوامِ مُلكِكَ ؛ فَمَن كانَ مِن أهلِ السَّعادَهِ خَتَمتَ لَهُ بِها ، ومَن كانَ مِن أهلِ الشَّقاوَهِ (1) خَذَلتَهُ لَها ، كُلُّهم صائِرونَ إلى ظِلِّكَ ، وأُمورُهُم آئِلَهٌ إلى أمرِكَ ، لَم يَهِن عَلى طولِ مُدَّتِهِم سُلطانُكَ ، ولَم يَدحَض لِتَركِ مُعاجَلَتِهِم بُرهانُكَ . حُجَّتُكَ قائِمَهٌ لا تَحولُ ، وسُلطانُكَ ثابِتٌ لا يَزولُ ، فَالوَيلُ الدّائِمُ لِمَن جَنَحَ عَنكَ ، وَالخَيبَهُ الخاذِلَهُ لِمَن خابَ مِنكَ ، وَالشَّقاءُ الأشقى لِمَن اغتَرَّ بِكَ ، ما أكثَرَ تَصَرُّفَهُ فى عَذابِكَ ، وما أطوَلَ تَرَدُّدَهُ فى عِقابِكَ ، وما أبعَدَ غايَتَهُ مِنَ الفَرَجِ ، وما أقنَطَهُ مِن سُهولَهِ المَخرَجِ ، عَدلاً مِن قَضائِكَ لا تَجورُ فيهِ ، وإنصافاً مِن حُكمِكَ لا تَحيفُ عَلَيهِ ، فَقَد ظاهَرتَ الحُجَجَ ، وأبلَيتَ الأعذارَ وقَد تَقَدَّمتَ بِالوَعيدِ ، وتَلَطَّفتَ فِى التَّرغيبِ ، وضَرَبتَ الأمثالَ وأطَلتَ الإمهالَ ، وأخَّرتَ وأنتَ مُستَطيعٌ لِلمُعاجَلَهِ ، وتَأَنَّيتَ وأنتَ مَلِيءٌ بِالمُبادَرَهِ . لَم تَكُن أناتُكَ عَجزاً ولا إمهالُكَ وَهناً ولا إمساكُكَ غَفلَهً ، ولا إنظارُكَ مُداراهً ، بَل لِتَكونَ حُجَّتُكَ الأبلَغَ ، وكَرَمُكَ الأكمَلَ ، وإحسانُكَ الأوفى ، ونِعمَتُكَ الأتَمَّ ، وكُلُّ ذلِكَ كانَ ولَم تَزَل ، وهُوَ كائِنٌ ولا يَزولُ . نِعمَتُكَ أجَلُّ مِن أن توصَفَ بِكُلِّها ، ومَجدُكَ أرفَعُ مِن أن يُحَدَّ بِكُنهِهِ ، ونِعمَتُكَ أكثَرُ مِن أن تُحصى بِأسرِها ، وإحسانُكَ أكثَرُ مِن أن

تُشكَرَ عَلى أقَلَهِ ، وقَد قَصَّرَ بِيَ السُّكوتُ عَن تَحمِيدِكَ ، وفَهَّهَنِى الإِمساكُ عَن تَمجِيدِكَ ، وقُصاراىَ السُّكوتُ عَن تَحميدِكَ بِما تَستَحِقُّهُ ، ونِهايَتِى الإِمساكُ عَن تَمجيدِكَ بِما أنتَ أهلُهُ ، لا رَغبَةً يا إلهى عَنكَ بَل عَجزاً ، فَهأنذا يا إلهى أؤُمُّكَ بِالوِفادَهِ ، وأسأَلُكَ حُسنَ الرِّفادَهِ . فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِهِ ، وَاسمَع نَجواىَ وَاستَجِب دُعائى ، ولاتَختِم يَومى بِخَيبَتى ولاتَجبَهنى بِالرَّدِّ فى مَسأَلَتى ، وأكرِم مِن عِندِكَ مُنصَرَفى وإِلَيكَ مُنقَلَبى ، إنَّكَ غَيرُ ضائِقٍ عَمّا تُريدُ ولا عاجِزٍ عَمّا تُسأَلُ ، وأنتَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ ، ولاحَولَ ولا قُوَّهَ إلاّ بِاللّهِ العَلِىِّ العَظيمِ . (2)

.

1- .فى المصدر : «الشَّقاء» ، وما أثبتناه من المصادر الاُخرى .
2- .مصباح المتهجّد : 369 / 500 ، الصحيفه السجّاديّه : 181 الدعاء 46 وفيه «دعاؤه للعيدين والجمعه» ، جمال الاُسبوع : 262 عن المتوكّل بن هارون عن الإمام الصادق عنه عليهماالسلام ، المصباح للكفعمى : 572 ، البلد الأمين : 490 .

3 / 6دعای امام سجّاد پس از نمازمصباح المتهجّد:امام سجّاد علیه السلام ، چون از نماز عید فطر و عید قربان یا نماز جمعه فراغت می یافت ، رو به قبله می کرد و می گفت: «ای رحمت کننده بر کسی که بندگان به او رحم نمی کنند! ای پذیرای آن که سرزمین ها پذیرایش نیستند ! ای آن که نیازمندانِ درگاهش را کوچک نمی شمارد ! ای آن که اصرارکنندگانِ به درگاهش را محروم نمی کند! ای آن که منّت نهندگان بر او را جواب رد نمی دهد! ای آن که کار کوچکی را که به درگاهش هدیه می شود ، برمی گزیند و کار اندکی را که برای او عمل می شود ، پاداش می دهد ! ای آن که کار اندک را سپاس می گوید و پاداش فراوان می دهد! ای آن که هر که به او نزدیک شود ، أو به وی نزدیک می شود! ای آن که هر که را به او پشت کند ، به سوی خود می خواند ! ای آن که نعمت را تغییر نمی دهد و در کیفرْ شتاب نمی ورزد ! ای آن که کار نیک را به ثمر می رساند تا آن را رشد دهد ! ای آن که از بدی درمی گذرد تا آن را محو کند! آرزوها از آستان کَرَم تو حاجت روا برمی گردند و ظرفِ خواسته ها لبریز از فیض بخشش تو می شود و صفت ها، پیش از آن که به کُنه وصف تو رسند ، گسسته می شوند. بالاتر از هر بالا ، بالاییِ والایی توست و بالاتر از هر شُکوه ، شُکوه والاتر توست. هر بزرگی در پیشگاه تو ، کوچک ، و هر شریفی در کنار شرافت تو ، ناچیز است. ناکام اند آنان که به غیر تو روی آورند ، و زیانکارند آنان که جز به درگاه تو آیند ، و تباه اند آنان که جز به آستان تو روی آورند و تهی دست اند جز آنان که جویای فضل و احسان تو باشند. درِ رحمتت به روی خواهندگان باز است و بخششت برای درخواست کنندگان، ارزان و رایگان ، و فریادرسی ات به پناهجویان ، نزدیک. آرزومندان ، از تو نومید نمی شوند و عطاجویان،از عطای تو مأیوس نمی گردند و آمرزش خواهان، از انتقام تو بدبخت نمی شوند. روزیِ تو برای آن که نافرمانی ات کند ، گشوده است و بردباریِ تو آن که را با تو دشمنی کند ، شامل. عادتت نیکی کردن به بدکاران است و سنّتت باقی داشتن تجاوزکاران ، تا آن جا که مدارای تو ، از ترک گناه ، غافلشان می سازد و مدارا کردنت ، از بازگشت به سوی تو ، بازشان می دارد ، با آن که مهلتشان داده ای تا به فرمانت باز گردند و چون به دوام فرمان روایی ات اطمینان داری ، فرصتشان داده ای. پس ، هر که اهل سعادت باشد ،

فرجام او را به سعادت رسانده ای و هر که از تیره بختان باشد ، او را به تیره بختی وا گذاشته ای. همه به سایه پروردگاری ات خواهند آمد و کارهایشان به فرمان تو برمی گردد. با طولانی شدن زمانشان فرمان روایی ات سست نگشته و درنگ در کیفرشان ، تو را بی برهان و دلیل ، نساخته است. برهان تو پابرجا ، و بی تغییر است و حکومت تو پایدار و بی زوال. وایِ همیشگی بر آن که از تو روی گردان شود ، و ناکامیِ ذلّت بار ، بر آن که از درگاه تو ناکام باز آید ، و نگون بختیِ بدتر ، بر آن که به تو مغرور شود. چه عذاب بسیاری که خواهد چشید و چه زمان طولانی ای که در عذابت خواهد ماند و چه دور است فرجام گشایش برای او و چه یأس آور است خروج آسان از گرفتاری ها برای او! همه اینها ، بر اساس داوریِ عادلانه توست که در حقّ او ستم نمی کنی و حکم منصفانه تو که بر او ظلم نمی کنی؛ چرا که حجّت ها را پیاپی آورده ای و بهانه ها را از بین برده ای و پیش تر وعید داده ای و از روی لطف ، ترغیب کرده ای و مثال ها زده ای و مهلت ها را طولانی کرده ای و با آن که می توانستی در کیفرْ شتاب کنی ، به تأخیر انداخته ای و با آن که قدرت بر اقدام داشتی ، مدارا کرده ای. نه درنگ و مهلت دادنت ، از روی عجز و سستی است و نه خودداری ات ، از روی غفلت ، و نه مهلت دادنت ، از روی سازش؛ بلکه تا حجّتت رساتر ، بزرگواری ات کامل تر، احسانت سرشارتر ، و نعمتت تمام تر باشد ، و همه اینها پیوسته چنین بوده است و همیشه چنین خواهد بود. نعمتت ، والاتر از آن است که تمامش توصیف شود و شُکوهت ، والاتر از آن است که به کُنهش دست یابند و نعمتت ، بیش از آن است که همه اش به شمار آید و احسانت ، بیش از آن است که به کمترینش سپاس شود. بی زبانی ، مرا از ستایشت باز داشته و جلوگیری ، زبان ستایشم را بسته است. نهایت ، آن که از سپاس شایسته تو سکوت کنم و از تمجید تو ، آن گونه که شایسته آنی ، لب فرو بندم ، نه از روی بی اعتنایی؛ بلکه از روی ناتوانی. اینک ، این منم ای خدای من که به درگاهت آمده ام و از تو پذیراییِ خوب می خواهم. پس بر محمّد و خاندان او درود فرست و نجوایم را بشنو و دعایم را بپذیر و امروزم را با نومیدی به پایان مبر و به خواسته ام دست رد مزن و بازگشتم را از پیشگاهت ، و برگشتنم را به حضرتت ، گرامی بدار! همانا تو در آنچه بخواهی ، دچار تنگنا نمی شوی و از آنچه از تو بخواهند ، ناتوان نیستی و تو بر هر چیز ، توانایی و هیچ قدرت و نیرویی ، جز از خدای والای بزرگ نیست».

.

ص: 1008

. .

ص: 1009

. .

3 / 7دُعاءُ النُّدبَهِ بَعدَ الصَّلاهِ مصباح الزائر (1): ذَكَرَ بَعضُ أصحابِنا (2) : قالَ مُحَمَّدُ بنُ علىّ بن أبى قُرَّهَ : نَقَلتُ مِن كِتابِ مُحمَّدِ بنِ الحُسَينِ بنِ سِنانٍ البَزوفَرِىِّ دُعاءَ النُّدبَهِ ، وَذَكَرَ أ نَّهُ الدُّعاءُ لِصاحِبِ الزَّمانِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ ، ويُستَحَبُّ أن يُدعى بِهِ فِى الأعيادِ الأربَعَهِ وَهُوَ : الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمينَ وصَلَّى اللّهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وآلِهِ وسَلَّمَ تَسليماً . اللّهُمَّ لَكَ الحَمدُ عَلى ما جَرى بِهِ قَضاؤُكَ فى أولِيائِكَ الَّذينَ استَخلَصتَهُم لِنَفسِكَ ودينِكَ ، إذِ اختَرتَ لَهُم جَزيلَ ما عِندَكَ مِنَ النَّعيمِ المُقيمِ الَّذى لا زَوالَ لَهُ ولاَ اضمِحلالَ ، بَعدَ أن شَرَطتَ عَلَيهِمُ الزُّهدَ فى دَرَجاتِ هذِهِ الدُّنيَا الدَّنِيَّهِ (وزُخرُفِها) (3) وزِبرِجِها ، فَشَرَطوا لَكَ ذلِكَ وعَلِمتَ مِنهُمُ الوَفاءَ بِهِ ، فَقَبِلتَهُم وقَرَّبتَهُم وقَدَّمتَ لَهُمُ الذِّكرَ العَلِىَّ وَالثَّناءَ الجَلِىَّ ، وأهبَطتَ عَلَيهِم مَلائِكَتَكَ وكَرَّمتَهُم بِوَحيِكَ ورَفَدتَهُم بِعِلمِكَ ، وجَعَلتَهُمُ الذَّرائِعَ إلَيكَ وَالوَسيلَهَ إلى رِضوانِكَ . فَبَعضٌ أسكَنتَهُ جَنَّتَكَ إلى أن أخرَجتَهُ مِنها ، وبَعضٌ حَمَلتَهُ فى فُلكِكَ ونَجَّيتَهُ ومَن آمَنَ مَعَهُ مِنَ الهَلَكَهِ بِرَحمَتِكَ ، وبَعضٌ اتَّخَذتَهُ لِنَفسِكَ خَليلاً وسَأَلَكَ لِسانَ صِدقٍ فِى الآخِرَهِ فَأَجَبتَهُ ، وجَعَلتَ ذلِكَ عَلِيّاً ، وبَعضٌ كَلَّمتَهُ مِن شَجَرَهٍ تَكليماً ، وجَعَلتَ لَهُ مِن أخيهِ رِدءاً ووَزيراً ، وبَعضٌ أوَلدتَهُ مِن غَيرِ أبٍ ، وآتَيتَهُ البَيِّناتِ وأيَّدتَهُ بِروحِ القُدُسِ . وكُلٌّ شَرَعتَ لَهُ شَريعَهً ونَهَجتَ لَهُ مِنهاجاً (4) وتَخَيَّرتَ لَهُ أوصِياءَ (5) ، مُستَحفِظاً بَعدَ مُستَحفِظٍ ، مِن مُدَّهٍ إلى مُدَّهٍ إقامَهً لِدينِكَ ، وحُجَّهً عَلى عِبادِكَ ، ولِئَلاّ يَزولَ الحَقُّ عَن مَقَرِّهِ ، ويَغلِبَ الباطِلُ عَلى أهلِهِ ، ولا يَقولَ أحَدٌ لَولا أرسَلتَ إلَينا رَسولاً مُنذِراً وأقَمتَ لَنا عَلَماً هادِياً ، فَنَتَّبِعَ آياتِكَ مِن قَبلِ أن نَذِلَّ ونَخزى . إلى أن انتَهَيتَ بِالأمرِ إلى حَبيبِكَ ونَجيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وآلِهِ ، وكانَ كَما انتَجَبتَهُ سَيِّدَ مَن خَلَقتَهُ وصَفوَهَ مَنِ اصطَفَيتَهُ ، وأفضَلَ مَنِ اجتَبَيتَهُ وأكرَمَ مَنِ اعتَمَدتَهُ ، قَدَّمتَهُ عَلى أنبِيائِكَ وبَعَثتَهُ إلى الثَّقَلَينِ مِن عِبادِكَ ، وأوطَأتَهُ مَشارِقَكَ ومَغارِبَكَ وسَخَّرتَ لَهُ البُراقَ وعَرَجتَ بِروحِهِ إلى سَمائِكَ ، وأودَعتَهُ عِلمَ ما كانَ وما يَكونُ إلى انقِضاءِ خَلقِكَ . ثُمَّ نَصَرتَهُ بِالرُّعبِ وحَفَفتَهُ بِجَبرَئِيلَ وميكائِيلَ وَالمُسَوِّمينَ مِن مَلائِكَتِكَ ، ووَعَدتَهُ أن تُظهِرَ دينَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ ولَو كَرِهَ المُشرِكونَ ، وذلِكَ بَعدَ أن بَوَّأتَهُ مُبَوَّأَ صِدقٍ مِن أهلِهِ ، وجَعَلتَ لَهُ ولِقَومِهِ أوَّلَ بَيتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذِى بِبَكَّهَ مُبَارَكًا وَهُدىً لِلعالَمينَ فيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إبراهيمَ ومَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ، وقُلتَ : «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا » . (6) ثُمَّ جَعَلتَ أجرَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيهِ وآلِهِ مَوَدَّتَهُم فى كِتابِكَ ، فَقُلتَ : «قُل لاَّ أَسْ?لُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّهَ فِى الْقُرْبَى» (7) ، وقُلتَ : «مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» (8) ، وقُلتَ : «مَآ أَسْ?لُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلاَّ مَن شَآءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِى سَبِيلاً » (9) ، وكانوا هُمُ السَّبيلَ إلَيكَ

وَالمَسلَکَ إلی رِضوانِکَ . فَلَمَّا انقَضَت أیّامُهُ أقامَ وَلِیَّهُ عَلِیَّ بنَ أبی طالِبٍ صَلَواتُ اللّهِ عَلَیهِما وآلِهِما هادِیاً إذ کانَ هُوَ المُنذِرُ ولِکُلِّ قَومٍ هادٍ ، فَقالَ وَالمَلَأُ أمامَهُ : «مَن کُنتُ مَولاهُ فَعَلِیٌّ مَولاهُ ، اللّهُمَّ والِ مَن والاهُ وعادِ مَن عاداهُ ، وَانصُر مَن نَصَرَهُ ، وَاخذُل مَن خَذَلَهُ» . وقالَ : «مَن کُنتُ نَبِیَّهُ فَعَلِیٌّ أمیرُهُ» . وقالَ : «أنَا وعَلِیٌّ مِن شَجَرَةٍ واحِدَةٍ وسائِرُ النّاسِ مِن شَجَرٍ شَتّی» . وأحَلَّهُ مَحَلَّ هارونَ مِن موسی ، فَقالَ لَهُ : «أنتَ مِنّی بِمَنزِلَةِ هارونَ مِن موسی إلاّ أ نَّهُ لانَبِیَّ بَعدی» . وزَوَّجَهُ ابنَتَهُ سَیِّدَةَ نِساءِ العالَمینَ . وأحَلَّ لَهُ مِن مَسجِدِهِ ما حَلَّ لَهُ ، وسَدَّ الأبوابَ إلاّ بابَهُ ، ثُمَّ أودَعَهُ عِلمَهُ وحِکمَتَهُ ، فَقالَ : «أنَا مَدینَةُ العِلمِ وعَلِیٌّ بابُها فَمَن أرادَ المَدینَةَ وَالحِکمَةَ فَلیَأتِها مِن بابِها» . ثُمَّ قالَ : «أنتَ أخی ووَصِیّی ووارِثی ، لَحمُکَ مِن لَحمی ، ودَمُکَ مِن دَمی ، وسِلمُکَ سِلمی ، وحَربُکَ حَربی ، وَالإیمانُ مُخالِطٌ لَحمَکَ ودَمَکَ ، کَما خالَطَ لَحمی ودَمی ، وأنتَ غَداً عَلَی الحَوضِ خَلیفَتی ، وأنتَ تَقضی دَینی وتُنجِزُ عِداتی ، وشیعَتُکَ عَلی مَنابِرَ مِن نورٍ مُبَیَضَّةً وُجوهُهُم حَولی فِی الجَنَّهِ ، وهُم جیرانی ، ولَو لا أنتَ یا عَلِیُّ لَم یُعرَفِ المُؤمِنونَ بَعدی» . وکانَ بَعدَهُ هُدیً مِنَ الضَّلالِ ونوراً مِنَ العَمی وحَبلَ اللّهِ المَتینَ وصِراطَهُ المُستَقیمَ . لا یُسبَقُ بِقَرابَةٍ فی رَحِمٍ ولا بِسابِقَةٍ فی دینٍ ، ولا یُلحَقُ فی مَنقَبَةٍ ، یَحذو حَذوَ الرَّسولِ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِما وآلِهِما ، ویُقاتِلُ عَلَی التَّأویلِ ، ولا تَأخُذُهُ فِی اللّهِ لَومَةُ لائِمٍ . قَد وَتَرَ فیهِ صَناديدَ العَرَبِ ، وقَتَلَ أبطالَهُم وناهَشَ ذُؤبانَهُم ، وأودَعَ قُلوبَهُم أحقاداً بَدریَّةً وخَیبَرِیَّةً وحُنَینِیَّةً وغَیرَهُنَّ . فَأضَبَّت عَلی عَداوَتِهِ وأکَبَّت عَلی مُنابَذَتِهِ ، حَتّی قَتَلَ النّاکِثینَ وَالقاسِطینَ وَالمارِقینَ . ولَمّا قَضی نَحبَهُ وقَتَلَهُ أشقَی الآخِرینَ یَتبَعُ أشقَی الأوَّلینَ ، لَم یُمتَثَل أمرُ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله فِی الهادینَ بَعدَ الهادینَ ، وَالأُمَّهُ مُصِرَّهٌ عَلی قَطیعَهِ رَحِمِهِ وإقصاءِ وُلدِهِ ، إلاّ القَلیلَ مِمَّن وَفی لِرِعایَتِهِ فیهم . فَقُتِلَ مَن قُتِلَ ، وسُبِیَ مَن سُبِیَ ، وأُقصِیَ مَن أُقصِیَ ، وجَرَی القَضاءُ لَهُم بِما یُرجی لَهُ حُسنُ المَثوبَهِ ، وکانَتِ الأرضُ للّهِ یورِثُها مَن یَشاءُ مِن عِبادِهِ وَالعاقِبَهُ لِلمُتَّقینَ ، وسُبحانَ رَبِّنا إن کانَ وَعدُ رَبِّنا لَمَفعولاً ، ولَن یُخلِفَ اللّهُ وَعدَهُ وهُوَ العَزیزُ الحَکیمُ . فَعَلی الأطایِبِ مِن أهلِ بَیتِ مُحَمَّدٍ وعَلِیٍّ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِما وآلِهِما فَلیَبکِ الباکونَ ، وإیّاهُم فَلیَندُبِ النّادِبونَ ، ولِمِثلِهِم فَلتُذرَفِ الدُّموعُ ، وَلیَصرُخِ الصّارِخونَ [ویَضِجَّ الضّاجّونَ] (10) ویَعِجَّ العاجّونَ . أینَ الحَسَنُ ؟ أینَ الحُسَینُ؟ أینَ أبناءُ الحُسَینِ؟ صالِحٌ بَعدَ صالِحٍ وصادِقٌ بَعدَ صادِقٍ ، أینَ السَّبیلُ بَعدَ السَّبیلِ؟ أینَ الخِیَرَهُ بَعدَ الخِیَرَهِ؟ أینَ الشُّموسُ الطّالِعَهُ ؟ أینَ الأقمارُ المُنیرَهُ ؟ أینَ الأنجُمُ الزّاهِرَهُ ؟ أینَ أعلامُ الدّینِ وقَواعِدُ العِلمِ ؟ أینَ بَقِیَّهُ اللّهِ الَّتی لاتَخلو مِنَ العِترَهِ الهادِیَهِ ؟ أینَ المُعَدُّ لِقَطعِ دابِرِ الظَّلَمَهِ ؟ أینَ المُنتَظَرُ لِإِقامَهِ الأمتِ وَالعِوَجِ؟ أینَ المُرتجی لِإِزالَهِ الجَورِ وَالعُدوانِ؟ أینَ المُدَّخَرُ لِتَجدیدِ الفَرائِضِ وَالسُّنَنِ؟ أینَ المُتَخَیَّرُ لِإِعادَهِ المِلَّهِ وَالشَّریعَهِ؟ أینَ المُؤَمَّلُ لِإِحیاءِ الکِتابِ وحُدودِهِ؟ أینَ مُحیی مَعالِمِ الدّینِ وأهلِهِ؟ أینَ

قاصِمُ شَوكَةِ المُعتَدينَ؟ أَينَ هادِمُ أَبنِيَةِ الشِّركِ وَالنِّفاقِ؟ أَينَ مُبيدُ أَهلِ الفُسوقِ وَالعِصيانِ وَالطُّغيانِ؟ أَينَ حاصِدُ فُروعِ الغَيِّ وَالشِّقاقِ؟ أَينَ طامِسُ آثارِ الزَّيغِ وَالأَهواءِ؟ أَينَ قاطِعُ حَبائِلِ الكِذبِ وَالاِفتِراءِ؟ أَينَ مُبيدُ أَهلِ العِنادِ وَالمَرَدَةِ؟ أَينَ مُستَأصِلُ أَهلِ العِنادِ وَالتَّضليلِ وَالإِلحادِ؟ أَينَ مُعِزُّ الأَولِياءِ ومُذِلُّ الأَعداءِ؟ أَينَ جامِعُ الكَلِمَةِ عَلَى التَّقوى؟ أَينَ بابُ اللّهِ الَّذى مِنهُ يُؤتى؟ أَينَ وَجهُ اللّهِ الَّذى بِهِ يَتَوَجَّهُ إِلَيهِ الأَولِياءُ؟ أَينَ السَّبَبُ المُتَّصِلُ بَينَ الأَرضِ وَالسَّماءِ؟ أَينَ صاحِبُ يَومِ الفَتحِ وناشِرُ رايَةِ الهُدى؟ أَينَ مُؤَلِّفُ شَملِ الصَّلاحِ وَالرِّضا؟ أَينَ الطّالِبُ بِذُحولِ الأَنبِياءِ؟ أَينَ المُطالِبُ بِدَمِ المَقتولِ بِكَربَلاءَ؟ أَينَ المَنصورُ عَلى مَنِ اعتَدى عَلَيهِ وَافتَرى؟أَينَ المُضطَرُّ الَّذى يُجابُ إِذا دَعا؟ أَينَ صَدرُ الخَلائِفِ ذُو البِرِّ وَالتُّقوى؟ أَينَ ابنُ النَبِيِّ المُصطَفى ، وابنُ عَلِيٍّ المُرتضى ، وَابنُ خَديجَةَ الغَرّاءِ ، وَابنُ فاطِمَةَ الكُبرى؟ بِأَبى أَنتَ وَأُمّى ونَفسى لَكَ الوِقاءُ وَالحِمى ، يَابنَ السّادَةِ المُقَرَّبينَ ، يَابنَ النُّجَباءِ الأَكرَمينَ ، يَابنَ الهُداةِ المَهدِيّينِ ، يَابنَ الخِيَرَةِ المُهَذَّبينَ (11) ، يَابنَ الغَطارِفَةِ الأَنجَبينَ ، يَابنَ الأَطايِبِ المُطَهَّرينَ ، يَابنَ الخَضارِمَةِ المُنتَجَبينَ ، يَابنَ القَماقِمَةِ الأَكبَرينَ ، يَابنَ البُدورِ المُنيرَةِ ، يَابنَ السُّرُجِ المُضيئَةِ ، يَابنَ الشُّهُبِ الثّاقِبَةِ ، يَابنَ الأَنجُمِ الزّاهِرَةِ ، يَابنَ السُّبُلِ الواضِحَةِ ، يَابنَ الأَعلامِ اللاّئِحَةِ ، يَابنَ العُلومِ الكامِلَةِ ، يَابنَ الدَّلائِلِ المَشهودَةِ ، يَابنَ السُّنَنِ المَشهورَةِ ، يَابنَ المَعالِمِ المَأثورَةِ ، يَابنَ المُعجِزاتِ المَوجودَةِ ، يَابنَ الصِّراطِ المُستَقيمِ ، يَابنَ النَّبَإِ العَظيمِ ، يَابنَ مَن هُوَ فى اُمِّ الكِتابِ لَدَى اللّهِ عَلِيٌّ حَكيمٌ ، يَابنَ الآياتِ والبَيِّناتِ ، يَابنَ الدَّلائِلِ الظّاهِراتِ ، يَابنَ البَراهينِ الباهِراتِ ، يَابنَ الحُجَجِ البالِغاتِ ، [يَابنَ النِّعَمِ السّابِغاتِ] (12) يَابنَ طه وَالمُحكَماتِ ، يَابنَ يس وَالذّارِياتِ ، يَابنَ الطّورِ وَالعادِياتِ ، يَابنَ مَن دَنا فَتَدَلّى فَكانَ قابَ قَوسَينِ أو أَدنى دُنُوّاً وَاقتِراباً مِنَ العَلِيِّ الأَعلى . لَيتَ شِعرى أَينَ استَقَرَّت بِكَ النَّوى بَل أَىُّ أَرضٍ تُقِلُّكَ أو ثَرى؟ أَبِرَضوى أو غَيرِها أم ذى طُوى؟ عَزيزٌ عَلَىَّ أن أَرَى الخَلقَ وَلا تُرى ، ولا أَسمَعَ لَكَ حَسيساً ولا نَجوى ، عَزيزٌ عَلَىَّ أن تُحيطَ بِكَ دونِىَ البَلوى ، ولا يَنالَكَ مِنّى ضَجيجٌ ولا شَكوى . بِنَفسى أَنتَ مِن مُغَيَّبٍ لَم يَخلُ مِنّا ، بِنَفسى أنتَ مِن نازِحٍ ما نَزَحَ عَنّا ، بِنَفسى أنتَ اُمنِيَّةُ شائِقٍ يَتَمَنّى مِن مُؤمِنٍ ومُؤمِنَهٍ ذَكَرا فَحَنّا ، بِنَفسى أنتَ مَن عَقيدِ عِزٍّ لا يُسامى ، بِنَفسى أنتَ مِن أثيلِ مَجدٍ لا يُجازى ، بِنَفسى أنتَ مِن تِلادِ نِعَمٍ لا تُضاهى ، بِنَفسى أنتَ مِن نَصيفِ شَرَفٍ لا يُساوى . إلى مَتى أَحارُ فيكَ يا مَولاىَ وإلى مَتى؟ وأَىُّ خِطابٍ أَصِفُ فيكَ وأَىُّ نَجوى؟ عَزيزٌ عَلَىَّ أن اُجابَ دونَكَ واُناغى ، عَزيزٌ عَلَىَّ أن أبكِيَكَ ويَخذُلَكَ الوَرى ، عَزيزٌ عَلَىَّ أن يَجرِىَ عَلَيكَ دونَهُم ما جَرى . هَل مِن مُعينٍ فَاُطيلَ مَعَهُ العَويلَ وَالبُكاءَ؟ هَل مِن جَزوعٍ فَاُساعِدَ جَزَعَهُ إذا خَلا؟ هَل قَذِيَت عَينٌ فَساعَدَتها عَينى عَلَى القَذى؟ هَل إِلَيكَ يَابنَ أَحمَدَ سَبيلٌ فَتُلقى؟ هَل يَتَّصِلُ يَومُنا بِغَدِهِ فَنَحظى؟ مَتى نَردُ مِناهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَروى؟ مَتى نَنتَفِعُ (13) مِن

عَذبِ مَائِکَ فَقَد طالَ الصَّدیَ؟ مَتی نُغادیکَ ونُراوِحُکَ فَنُقِرُّ عَیناً؟ مَتی تَرانا ونَراکَ وقَد نَشَرتَ لِواءَ النَّصرِ تُری؟ أتَرانا نَحُفُّ بِکَ وأنتَ تَؤُمُّ المَلأَ؟ وقَد مَلأتَ الأَرضَ عَدلاً وأَذَقتَ أعداءَکَ هَواناً وعِقاباً ، وأبَرتَ العُتاةَ وجَحَدَةَ الحَقِّ ، وَقَطَعتَ دابِرَ المُتَکَبِّرینَ ، وَاجتَثَثتَ اُصولَ الظّالِمینَ ، ونَحنُ نَقولُ : الحَمدُ للّهِ رَبِّ العالَمینَ . اللّهُمَّ أنتَ کَشّافُ الکُرَبِ وَالبَلوی ، وإلَیکَ أستَعدی فَعِندَکَ العُدوی ، وأنتَ رَبُّ الآخِرَهِ وَالدُّنیا ، فَأَغِث یا غِیاثَ المُستَغیثینَ عُبَیدَکَ المُبتَلی ، وأرِهِ سَیِّدَهُ یا شَدیدَ القُوی ، وأزِل عَنهُ بِهِ الأَسی وَالجَوی ، وبَرِّد غَلیلَهُ یا مَن عَلَی العَرشِ استَوی ، ومَن إلَیهِ الرُّجعی وَالمُنتَهی . اللّهُمَّ ونَحنُ عَبیدُکَ النّائِقونَ إلی وَلِیِّکَ المُذَکِّرِ بِکَ وبِنَبِیِّکَ ، خَلَقتَهُ لَنا عِصمَهً ومَلاذاً ، وأقَمتَهُ لَنا قِواماً ومَعاذاً ، وجَعَلتَهُ لِلمُؤمِنینَ مِنّا إماماً ، فَبَلِّغهُ مِنّا تَحِیَّهً وسَلاماً ، وزِدنا بِذلِکَ یا رَبِّ إکراماً ، وَاجعَل مُستَقَرَّهُ لَنا مُستَقَرّاً ومُقاماً ، وأتمِم نِعمَتَکَ بِتَقدیمِکَ إیّاهُ أمامَنا حَتّی تورِدَنا جِنانَکَ ، ومُرافَقَهَ الشُّهَداءِ مِن خُلَصائِکَ . اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وصَلِّ عَلی جَدِّهِ مُحَمَّدٍ رَسولِکَ السَّیِّدِ الأَکبَرِ ، وعَلی أبیهِ السَّیِّدِ الأَصغَرِ (14) ، وجَدَّتِهِ الصِّدّیقَهِ الکُبری فاطِمَهَ بِنتِ مُحَمَّدٍ وعَلی مَنِ اصطَفَیتَهُ مِن آبائِهِ البَرَرَهِ ، وعَلَیهِ أفضَلَ وأکمَلَ وأتَمَّ وأدوَمَ وأکبَرَ وأوفَرَ ما صَلَّیتَ عَلی أَحَدٍ مِن أصفِیائِکَ وخِیَرَتِکَ مِن خَلقِکَ ، وصَلِّ عَلَیهِ صَلاهً لا غایَهَ لِعَدَدِها ولا نِهایَهَ لِمَدَدِها . اللّهُمَّ وأقِم بِهِ الحَقَّ ، وأدحِض بِهِ الباطِلَ ، وأدِل بِهِ أولِیاءَکَ ، وأذلِل بِهِ أعداءَکَ ، وصِلِ اللّهُمَّ بَینَنا وبَینَهُ وُصلَهً تُؤَدّی إلی مُرافَقَهِ سَلَفِهِ ، وَاجعَلنا مِمَّن یَأخُذُ بِحُجزَتِهِم ویَمکُثُ فی ظِلِّهِم ، وأعِنّا عَلی تَأدِیَهِ حُقوقِهِ إلَیهِ وَالاِجتِهادِ فی طاعَتِهِ وَاجتِنابِ مَعصِیَتِهِ . وَامنُن عَلَینا بِرِضاهُ ، وهَب لَنا رَأفَتَهُ ورَحمَتَهُ ودُعاءَهُ وخَیرَهُ ما نَنالُ بِهِ سَعَهً مِن رَحمَتِکَ وفَوزاً مِن عِندِکَ ، وَاجعَل صَلاتَنا بِهِ مَقبولَهً وذُنوبَنا بِهِ مَغفورَهً ودُعاءَنا بِهِ مُستَجاباً ، وَاجعَل أرزاقَنا بِهِ مَبسوطَهً وهُمومَنا بِهِ مَکفِیَّهً وحَوائِجَنا بِهِ مَقضِیَّهً ، وَاقبَل تَقَرُّبَنا إلَیکَ ، وَانظُر إلَینا نَظرَهً رَحیمَهً نَستَکمِلُ بِها الکَرامَهَ عِندَکَ ، ثُمَّ لا تَصرِفها عَنّا بِجودِکَ ، وَاسقِنا مِن حَوضِ جَدِّهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وآلِهِ بِکَأسِهِ ویَدِهِ رَیّاً رَوِیّاً هَنیئاً سائِغاً لا ظَمَأَ بَعدَهُ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ . (15)

.

1- .وقال فی الإقبال : «دعاء آخر بعد صلاه العید ویدعی به فی الأعیاد الأربعه» .
2- .هو الشیخ أبوعبد اللّه محمّد بن جعفر المشهدی ، ذکره فی کتابه «المزار الکبیر» .
3- .مابین القوسین أثبتناه من بحار الأنوار .

4- .فی نسخه : «منهاجه» .
5- .فی نسخه : «أوصیاءه» .
6- .الأحزاب : 33 .
7- .الشوری : 23 .
8- .سبأ : 47 .
9- .الفرقان : 57 .
10- .ما بین المعقوفین أثبتناه من بعض النسخ .
11- .فی المصدر : «المهدیّین» ، وما أثبتناه من المصادر الأُخری .
12- .مابین المعقوفین أثبتناه من بحار الأنوار .
13- .فی بعض نسخ المصدر : «ننتقع» وهو الأنسب . قال ابن منظور : نقع من الماء : رَوِیَ (لسان العرب : 8 / 361)
14- .وزاد فی الإقبال : «وحامل اللواء فی المحشر ، وساقی أولیاءه من نهر الکوثر ، والأمیر علی سائر البشر ، الّذی من آمن به فقد ظفر ، ومن لم یؤمن به فقد خطر وکفر ، صلّی اللّه علیه وعلی أخیه وعلی نجلهما المیامین الغرر ، ما طلعت شمس وما أضاء قمر وعلی جدّته ...» .
15- .مصباح الزائر : 446 ، الإقبال : 1 / 504 ، المزار الکبیر : 573 / 2 ، بحارالأنوار : 102 / 104 .

3 / 7خواندن دعای ندبه پس از نمازمصباح الزائر:بعضی از اصحاب ما گفته اند (1) : محمّد بن علی بن ابی قُرّه گوید: دعای «نُدبه» را از کتاب محمّد بن حسن بن سنان بَزوفَری نقل کرده ام. او گفته است که این دعا برای صاحب الزمان علیه السلام [از آن حضرت روایت شده] است و مستحب است که آن را در عیدهای چهارگانه بخوانند. و دعا این است: «خدا را سپاس ، که پروردگار جهانیان است و درود خداوند بر سَرور ما ، محمّد که پیامبر اوست و سلام فراوان خدا بر او باد . خداوندا! تو را سپاس بر آنچه تقدیر تو درباره دوستانت جاری شده است؛ آنان که ایشان را برای خودت و آیینت ، خالص ساخته ای ؛ چرا که برای آنان نعمت فراوانی را که پیش توست ، برگزیدی؛ نعمتی همیشگی که آن را زوال و نابودی نیست ، پس از آن که پارسایی در این دنیای پست و[نیز درباره] زرق و برق آن را بر آنان شرط کردی. آنان نیز با تو چنین شرط کردند. و از آنان وفا را شناختی. پس ، آنان را پذیرفتی و مقرّب داشتی و از پیش ، بر ایشان نام بلند و ستایش آشکار روا داشتی و فرشتگانت را بر آنان فرو فرستادی و با وحی خویش ، آنان را گرامی داشتی و با علم خود از آنان پذیرایی کردی و آنان را راهی به آستانت و وسیله ای به رضوانت قرار دادی. یکی از آنان را در بهشت خود جای دادی ، تا آن که از آن برون آوردی. یکی را بر کِشتی خود سوار کردی و با رحمت خویش ، او و مؤمنان همراهش را از هلاکت رهانیدی. یکی را دوست خودت قرار دادی و از تو در میان آیندگان ، آوازه نیکو خواست. پس پذیرفتی و آن را والا قرار دادی . و با یکی از طریق درخت ، سخن گفتی و برادرش را یاور و وزیرش ساختی. یکی را نیز بدون پدر به دنیا آوردی و به او نشانه های روشن دادی و با روح القدس تأییدش کردی. و برای هر یک آیینی مقرّر داشتی و راه و روشی گشودی و جانشینانی برگزیدی که یکی پس از دیگری و از زمانی تا زمان دیگر ، نگهبان آیین باشند ، برای برپایی دینت و حجّت بودن بر بندگانت و برای آن که حق از جایگاهش نابود نشود و باطل بر اهل حق چیره نگردد ، و تا کسی نگوید: چرا به سوی ما پیامبری بیم دهنده نفرستادی ونشانه هدایتگری بر نیفراشتی تا پیش از آن که خوار و فرومایه شویم ، از نشانه های تو پیروی کنیم. تا آن که کار را به حبیب و برگزیده ات محمّد صلی الله علیه و آله رساندی و او همان گونه که وی را برگزیده بودی ، سَرور آفریدگانت و

برگزیده برگزیدگان و برترینِ انتخاب شدگانت بود و گرامی ترین کسی که بر او اعتماد کردی. او را بر پیامبرانت مقدّم داشتی و وی را به سوی بندگانت (از جنّ و انس) برانگیختی و مشرق ها و مغرب هایت را زیر پایش قرار دادی و بُراق (2) را مسخّر او ساختی و روحش را به آسمانت بالا بردی (3) و دانش گذشته و آینده تا پایان آفرینشت را ، به او سپردی. سپس او را با «رُعب» یاری کردی و با جبرئیل و میکائیل و فرشتگانِ نشان دار خود ، او را احاطه کردی و به او وعده دادی که دین او را بر همه دین ها غالب سازی ، هر چند مشرکانْ خوش نداشته باشند. و این ، پس از آن بود که او را جایگاه راستی در خانواده اش بخشیدی و نخستین خانه ای را که در مکّه ، مایه برکت و هدایت برای جهانیان بود ، برای او و آنان قرار دادی؛ خانه ای که در آن ، نشانه هایی روشن ، همچون مقام ابراهیم است و هر که در آن خانه درآید ، در امان باشد و فرمودی: « همانا خداوند خواسته است که پلیدی را از شما خاندان ببَرَد و شما را کاملاً پاک کند» . سپس در کتاب خودت ، پاداش محمّد صلی الله علیه و آله را مهرورزی با آن خاندان قرار دادی و فرمودی: «بگو : هیچ پاداشی برای این رسالت از شما نمی خواهم ، مگر مهرورزی با خویشاوندانم» و فرمودی: « هر پاداشی هم که از شما خواستم ، به سود خودتان است» و فرمودی: « بر آن رسالت ، پاداشی از شما نمی خواهم ، مگر آن کس که بخواهد راهی به سوی پروردگارش بجوید» و آنان ، راهِ رسیدن به تو و طریق دست یافتن به رضای تو بودند. پس ، پیامبر صلی الله علیه و آله چون دورانش سپری گشت ، جانشین خود علی بن ابی طالب علیه السلامرا به عنوان راهنما برگماشت؛ چرا که او بیم دهنده بود و هر قومی را هدایتگری است. پس ، در حالی که گروه مردم در غدیر خُم در برابرش بودند ، فرمود: هر که من سرپرست او بودم ، پس علی سرپرست اوست. خداوندا! با دوستدارش دوستی و با دشمنش دشمنی کن و هر که یاری اش می کند، یاورش باش و هر که خوارش می کند ، خوارش کن! . و فرمود: هر که من پیامبرش بودم ، علی امیر و فرمانده اوست و فرمود: من و علی از یک درختیم و مردم دیگر ، از درختانی پراکنده اند و او را نسبت به خود ، جایگاهی بخشید که هارون نسبت به موسی داشت و به او فرمود: تو نسبت به من ، به منزله هارون به موسی ای ، جز آن که پس از من ، پیامبری نیست . و دخترش را که سَرور زنان جهان است ، به همسریِ او درآورد و از مسجد خود ، آنچه بر خودش حلال بود، بر علی هم حلال ساخت و همه درها را بست ، مگر درِ او را. سپس دانش و حکمت خود را نزد علی به ودیعت نهاد و فرمود: من ، شهر عِلمم و علی ، درِ آن است. پس ، هر کس خواستار آن شهر باشد ، باید از درِ آن درآید . سپس فرمود: تو ، برادر و وصی و وارث منی. گوشت تو از گوشت من ، و خون تو از خون من است و صلح با تو ،

صلح با من است و جنگ کردن با تو ، جنگ کردن با من است. ایمان ، با گوشت و خونت آمیخته است ، آن گونه که با گوشت و خون من در آمیخته است و تو فردا [ی قیامت ،] کنار حوض [کوثر] ، جانشین منی و تویی که بدهیِ مرا ادا می کنی و وعده هایم را به انجام می رسانی ، و پیروان تو بر منبرهایی از نورند ، با چهره هایی سفید که در بهشت ، اطراف من و همسایگان من اند. ای علی ! اگر تو نبودی ، پس از من ، مؤمنان باز شناخته نمی شدند . و علی علیه السلام پس از پیامبر ، روشنگری از گم راهی ، و فروغی از نابینایی ، و ریسمان استوار خدا ، و راه راست پروردگار بود. نه کسی در خویشاوندی و سابقه در دین ، از او پیش تر بود و نه کسی در منقبت ، به او می رسید. پا به پای پیامبر صلی الله علیه و آلهپیش می رفت و برای تأویل قرآن ، [با مخالفان] می جنگید و در راه خدا از ملامت هیچ ملامتگری بیم نداشت. در راه خدا ، خون سران عرب را ریخت و دلاورانشان را کشت و گرگ های آنان را از هم درید و در دل هایشان کینه هایی از بدر و خیبر و حنین و جز آنها بر جای نهاد. آن گروه نیز بر دشمنی با او همدست شدند و به جنگ با او روی آوردند، تا آن که او با عهدشکنان [در جنگ جمل] و ستمگران [در صفّین] وبیرون روندگان از دین (نهروانیان) جنگید و آنان را کشت. و چون روزگارش سر آمد و شقی ترین مردم که از نگون بخت ترینِ پیشینیان ، پیروی می کرد او را به شهادت رساند ، فرمان پیامبر خدا درباره هدایتگران ، یکی پس از دیگری ، اطاعت نشد و امّت ، بر دشمنی با او و همدستی بر قطع رَحِم پیامبر صلی الله علیه و آله و دور ساختن فرزندانش اصرار داشتند ، مگر اندکی که به رعایت حقّ پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آنان ، وفا کردند. پس برخی کشته شدند ، برخی به اسارت رفتند ، و برخی ، از وطن خویش تبعید شدند ، و قلم تقدیر الهی بر آنان جاری شد ، آن گونه که امید پاداش نیکو بر آن داشتند ، که زمین ، از آنِ خداوند است و به هر کس از بندگانش که بخواهد ، به میراث می دهد و سرانجام ، از آنِ پرواپیشگان است و پروردگار ما ، منزّه است. همانا وعده پروردگارمان شدنی است و خداوند ، وعده اش را خلاف نخواهد کرد و او ارجمند و حکیم است. پس ، گریه کنندگان ، بر پاکانِ خاندان محمّد و علی که درود خدا بر آن دو و خاندانشان باد بگریند و ناله کنندگان ، بر آنان ناله کنند و برای چونان آنان ، اشک ها ریخته شود و فریادزنان و ضجّه زنان و شیون کنان ، بر آنان فریاد و ضجّه بزنند و شیون کنند که: حسن کجاست؟ حسین کجاست ، فرزندان حسین کجایند؟ شایسته ای پس از شایسته و راستگویی پس از راستگو؟ کجاست راهِ پس از راه؟ کجایند برگزیدگانِ پس از برگزیدگان؟ کجایند خورشیدهای فروزان؟ کجایند ماه های تابان؟ کجایند ستارگان درخشان؟ کجایند نشانه های دین و پایگاه های دانش؟ کجاست آن بقیّه اللّه (یادگار خدا) که جدا از

عترت هدایتگر نیست؟ کجاست آن مهیّاگشته برای ریشه کن کردن ستمگران؟ کجاست آن که انتظار می رود اختلاف ها و کجی ها را اصلاح کند؟ کجاست آن که امید است ستم و تجاوز را از بین ببرد؟ کجاست آن که برای بازسازی واجبات و مستحبّات ، ذخیره شده است؟ کجاست آن برگزیده برای بازگرداندن آیین و احکام خدا؟ کجاست آن که امید بسته ایم قرآن و حدود آن را زنده سازد؟ کجاست احیاگر نشانه های دین و دینداران؟ کجاست در هم کوبنده شوکت تجاوزکاران؟ کجاست ویران کننده بنیان های شرک و نفاق؟ کجاست ریشه کن کننده فاسقان و گنهکاران و طغیانگران؟ کجاست دروکننده شاخ و برگ گم راهی و دشمنی؟ کجاست نابودکننده نشانه های گم راهی و هواپرستی؟ کجاست قطع کننده رشته های دروغ و افترا؟ کجاست از بین برنده عنادگران و سرکشان؟ کجاست ریشه کن کننده کین توزان ، گم راهگران و ملحدان؟ کجاست عزّت بخشِ دوستان و خوارکننده دشمنان؟ کجاست وحدت آفرین بر محور تقوا؟ کجاست آن درِ خدا که از آن وارد می شوند؟ کجاست آن چهره خدا که اولیا به آن روی می آورند؟ کجاست آن وسیله پیوند زمین و آسمان؟ کجاست صاحب روز پیروزی و برافرازنده پرچم هدایت؟ کجاست آن اُلفت بخش پریشانی ها و خرسندساز دل ها؟ کجاست آن جویای خونخواهیِ پیامبران؟ کجاست آن خونخواه کشته دشت کربلا؟ کجاست آن یاری شده الهی بر ضدّ هر که بر او ستم کند و افترا بندد؟ کجاست آن ناچاری که چون دعا کند ، اجابت شود؟ کجاست آن صدرنشین خلایق ، که صاحب نیکی و تقواست؟ کجاست فرزند پیامبرِ برگزیده؟ کجاست پسر علیِ مرتضی و پسر خدیجه کبرا و فرزند فاطمه زهرا؟ پدر و مادرم به فدایت و جانم نگهدارت ، ای پسر سَروران مقرّب ، ای پسر برگزیدگانِ گرامی تر ، ای پسر هدایتگرانِ هدایت شده ، ای پسر برگزیدگان وارسته ، ای پسر سَروران برگزیده ، ای پسر پاکان پاکیزه ، ای پسر بخشندگان انتخاب شده ، ای پسر سالاران و سروران بزرگ ، ای پسر ماه های تابان ، ای پسر چراغ های فروزان ، ای پسر شهاب های درخشان ، ای پسر ستارگان نورافشان ، ای پسر راه های روشن ، ای پسر نشان های آشکار ، ای پسر دانش های کامل ، ای پسر نشانه های هویدا ، ای پسر سنّت های پرآوازه ، ای پسر نشان های یادشده ، ای پسر معجزه های موجود ، ای پسر راه راست ، ای پسر خبر بزرگ ، ای پسر آن که نزد خدا در اُمّ الکتابْ والا و فرزانه است ، ای پسر آیات و بیّنات ، ای پسر دلیل های آشکار ، ای پسر برهان های درخشان ، ای پسر حجّت های رسا ، ای پسر نعمت های سرشار ، ای پسر طاها و آیات محکمات ، ای پسر یاسین و ذاریات ، ای پسر طور و عادیات ، ای پسر آن که [به خدا] نزدیک شد و نزدیک شد تا آن که به اندازه دو کمان به قُرب خدای والای برتر رسید! کاش می

دانستم در کدام سو و ناحیه جا گرفته ای؟ بلکه در کدام سرزمین و خاک به سر می بری؟ آیا در رَضوی (4) یا جز آنی؟ یا در ذی طُوی (5) ای؟ بر من سخت و ناگوار است که مردم را ببینم و تو دیده نشوی و از تو هیچ صدا و نجوایی نشنوم. بر من ، سخت است که رنج و بلا تو را احاطه کند و من آسوده باشم و هیچ ناله و شِکوه ای از من به حضورت نرسد. جانم فدایت ، ای پنهانی که از ما دور نیستی! جانم فدایت ، ای جدایی که از ما جدا نیستی! جانم فدایت ، ای آرزوی هر مرد و زن مشتاق مؤمنی که یاد می کند و ناله شوق سر می دهد! جانم فدایت ، ای از سرشت ارجمندی که کسی برتر از آن نیست! جانم فدایت ، ای از تبار کهن و بزرگواری که کسی همانند شما نیست! جانم فدایت ، ای از نعمت های دیرینی که کسی چون آنها نیست! جانم فدایت ، ای از خاندان شرافتی که کسی با شما برابر نیست! مولای من! تا کِی سرگردان تو باشم ، تا کِی؟ و با کدام خطاب و نجوا تو را توصیف کنم؟ بر من ، بسی سخت است که از جز تو پاسخ و سخن بشنوم! بر من ، بسی ناگوار است که بر تو بگریم و مردم ، تو را وا گذارند! بر من ، بسی دشوار است که آنچه می گذرد ، بر تو بگذرد ، نه بر آنان! آیا یاوری هست که با او ناله فراق و گریه طولانی سر دهم؟ آیا بی تاب نالانی هست که چون تنها شود ، با او هم ناله شوم؟ آیا چشمی می گرید تا چشم من در یاری آن ، زار زار بگرید؟ آیا ای پسر احمد راهی برای دیدار تو هست؟ آیا امروزِ ما به فردایش متّصل می شود که بهره مند شویم؟ کِی می شود که بر جویبارهای پُرآبِ رحمتت در آییم و سیراب شویم؟ کِی از چشمه زلال آب لطفت بهره مند می شویم ، که عطشْ طولانی شده است؟! کِی می شود که صبح و شام ، با تو باشیم و چشممان روشن گردد؟ کِی می شود که تو ما را ببینی و ما تو را ببینیم ، در حالی که پرچم پیروزی را افراشته باشی ، آن سان که دیده شود؟ آیا ما را خواهی دید ، در حالی که گرداگِرد تو حلقه زده ایم و تو مردم را رهبری می کنی و جهان را پر از داد کرده ای و دشمنانت را خواری و کیفر چشانده ای و سرکشان و منکِران حق را نابود ساخته ای و متکبّران را ریشه کن کرده و ستمگران را نابود ساخته ای ، در حالی که ما لب به ثنای خدا گشوده ، می گوییم: حمد و ثنا از آنِ خداوند ، پروردگار جهانیان ، است؟ خداوندا! تویی برطرف کننده غم ها و گرفتاری ها. از تو دادخواهی می کنم ، که دادرسی ، نزد توست و تویی پروردگار آخرت و دنیا. پس ، ای فریادرس دادخواهان! به فریاد بنده کوچک و گرفتارت برس و سَرور را به او نشان بده ای خدای بسیار مقتدر و به سبب وی رنج و سوز غم و هجران را از او بزدای و آتش سوزان دلش را فرو بنشان ، ای آن که بر عرش ، استوار گشته ای و ای آن که بازگشت و فرجام ، به سوی توست! خداوندا! ما بندگان توییم که شیفته ولیّ تو هستیم؛ آن که یادآور تو و پیامبر توست. او را برای ما نگهبان

و پناهگاه آفریدی و برای ما مایه استواری و پناهندگی ساختی و وی را برای مؤمنان ما پیشوا قرار دادی. پس ، درود و سلام ما را به او برسان و بدین سبب بر کرامت ما ای پروردگار بیفزای و قرارگاه او را برای ما مایه قرار و آرامش قرار بده و نعمتت را بر ما چنین کامل کن که او را پیشاپیشِ ما قرار دهی و ما را وارد بهشت خودت سازی و همدم شهیدان از برگزیدگان خودت ، قرار دهی ! خداوندا ! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست؛ بر جدّش ، محمّد ، فرستاده تو و سَرور بزرگ تر ، و بر پدرش سَرور کوچک تر ، (6) و بر مادربزرگش صدّیقه کبرا فاطمه دختر محمّد ، و بر هر کدام از پدران نیکویش که برگزیده تو اند ، و بر خودِ او ، درود فرست ، برترین ، کامل ترین ، تمام ترین ، پیوسته ترین ، بزرگ ترین و سرشارترین درودی که بر هر یک از بندگانت برگزیده ات فرستاده ای؛ و بر او درودی فرست ، بی شمار و بی پایان ! خداوندا ! به سبب او حق را برپا بدار ، به سبب او باطل را نابود کن ، به سبب او دوستان خودت را حاکم گردان ، به سبب او دشمنانت را خوار کن و خداوندا میان ما و او پیوندی برقرار ساز که به همنشینی با نیاکانش بینجامد ، و ما را از آنانی قرار بده که به دامان آنان چنگ می زنند و در سایه لطف آنان به سر می برند ، و ما را یاری کن تا حقوقش را به او ادا کنیم و در فرمان بُرداری اش بکوشیم و از نافرمانی اش پرهیز کنیم ! و با خرسندیِ او بر ما منّت بگذار؛ و رأفت و مهربانی و دعا و خیر او را به ما ببخش ، به اندازه ای که با آن به رحمت گسترده ات و کامیابی از نزدت ، دست یابیم؛ و به سبب او نمازمان را پذیرفته ، گناهانمان را آمرزیده ، و دعاهایمان را اجابت شده قرار بده؛ و به سبب او روزی های ما را گشاده و اندوه های ما را کفایت شده و نیازهای ما را برآورده قرار بده؛ و تقرّب جویی ما را به درگاهت بپذیر و با نگاه رحمت بار ، بر ما بنگر تا با آن ، به کرامت کامل در پیشگاهت نایل آییم ، سپس به جود خود ، آن نگاه پُر مهر را از ما بر نگردان؛ و ما را از حوض جدّش صلی الله علیه و آلهبا جام او و با دست او سیراب کن ، سیرابی کامل و گوارا ، که پس از آن ، هیچ تشنگی ای نباشد ، ای مهربان ترینِ مهربانان !» .

.

1- .مقصود ، شیخ ابو عبد اللّه محمّد بن جعفر مشهدی در کتابش المزار الکبیر است.
2- .بُراق ، نام مَرکبی است که پیامبر خدا شب معراج بر آن سوار شد. به خاطر درخشندگی و برّاق بودنش ، چنین نامیده شد (ر . ک : النهایه : 1 /

120).
3- .در المزار الکبیر است: «و او را به آسمانت بالا بردی».
4- .نام کوهی در مدینه است.
5- .جایی نزدیک مکّه است.
6- .در الإقبال ، این افزوده است: «صاحب پرچم در قیامت ، و ساقی دوستانش از نهر کوثر ، و پیشوا بر همه مردم ، آن که هر کس به او ایمان آورَد ، پیروز است و هر کس به او ایمان نیاورَد ، در خطر و کفر افتاده است. درود خدا بر او و برادرش و فرزندان خجسته و نورانیِ آن دو ، تا آن گاه که خورشید بدمد و ماه ، فروغ افشاند...».

ص: 1012

. .

ص: 1013

. .

ص: 1014

. .

ص: 1015

. .

ص: 1016

. .

ص: 1017

. .

ص: 1018

. .

. .

ص: 1020

. .

ص: 1021

. .

ص: 1022

. .

ص: 1023

. .

ص: 1024

. .

ص: 1025

. .

السيّد ابن طاووس قدس سره :فَإِذا فَرَغتَ مِنَ الدُّعاءِ (1) فَتَأَهَّب لِلسُّجودِ بَينَ يَدَی مَولاکَ ، وقُل ما رَوَيناهُ بِإِسنادِنا إلی أبی عَبدِاللّهِ علیه السلام قالَ : إذا فَرَغتَ مِن دُعاءِ العيدِ المَذكورِ ، ضَع خَدَّکَ الأيمَنَ عَلَی الأرضِ وقُل : سَيِّدی سَيِّدی ، كَم مِن عَتيقٍ لَکَ فَاجعَلنی مِمَّن أعتَقتَ ، سَيِّدی سَيِّدی وكَم مِن ذنبٍ قَد غَفَرتَ فَاجعَل ذَنبی فيمَن غَفَرتَ ، سَيِّدی سَيِّدی وكَم مِن حاجَةٍ قَد قَضَيتَ فَاجعَل حاجَتی فيما قَضَيتَ ، سَيِّدی سَيِّدی وكَم مِن كُربَةٍ قَد كَشَفتَ فَاجعَل كُربَتی فيما كَشَفتَ ، سَيِّدی سَيِّدی وكَم مِن مُستَغيثٍ قَد أغَثتَ فَاجعَلنی فيمَن أغَثتَ ، سَيِّدی سَيِّدی كَم مِن دَعوَةٍ قَد أجَبتَ فَاجعَل دَعوَتی فيما أجَبتَ ، سَيِّدی سَيِّدِی ، ارحَم سُجودی فِی السّاجِدينَ ، وَارحَم عَبرَتی فِی المُستَعبِرينَ ، وَارحَم تَضَرُّعی فيمَن تَضَرَّعَ مِنَ المُتَضَرِّعينَ . سَيِّدی سَيِّدی ، كَم مِن فَقيرٍ قَد أغنَيتَ فَاجعَل فَقری فيما أغنَيتَ ، سَيِّدی سَيِّدِی ، ارحَم دَعوَتی فِی الدّاعينَ ، سَيِّدی وإلهی أسَأتُ وظَلَمتُ وعَمِلتُ سُوءاً وَاعتَرَفتُ بِذَنبی ، وبِئسَ ما عَمِلتُ فَاغفِر لی يا مَولایَ ، أی كَريمُ أی عَزيزُ أی جَميلُ . فَإِذا فَرَغتَ وَانصَرَفتَ رَفَعتَ يَدَيکَ ثُمَّ حَمِدتَ رَبَّکَ ، ثُمَّ تَقولُ ما تَقَدَّمَ عَلَيهِ ، وسَلَّمتَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وحَمِدَتَ اللّهَ تَبارَکَ وتَعالی ، وَالحَمدُللّهِ رَبِّ العالَمينَ . (2)

.

1- .أی من دعاء الندبه .
2- .الإقبال : 1 / 513 ، بحارالأنوار : 91 / 28 / 7 .

سیّد ابن طاووس:چون از دعا[ی ندبه] فارغ شدی ، آماده سجود در پیشگاه مولای خود باش و آنچه را با سند خودمان از امام صادق علیه السلام روایت کرده ایم، بگو ، که فرمود: «چون از دعای یادشده عید فارغ شدی ، گونه راست خود را بر زمین بگذار و بگو : سرورم ، سرورم ! چه بسیار آزادشده داری . مرا هم از آنانی قرار بده که آزادشان کرده ای ! سرورم ، سرورم ! چه بسیار گناه که بخشودی . گناه مرا هم در زمره بخشوده شدگان قرار بده ! سرورم ، سرورم ! چه بسیار حاجت که برآوردی. نیاز مرا هم در میان برآورده شده ها قرار بده ! سرورم ، سرورم ! چه بسیار رنج و اندوه که برطرف ساختی. اندوه مرا هم در میان برطرف شده ها قرار بده ! سرورم ، سرورم ! چه بسیار دادخواهی که به فریادش رسیدی. مرا هم از آنانی قرار بده که به دادشان رسیدی ! سرورم ، سرورم ! چه بسیار دعا که اجابت کردی. دعای مرا نیز در میان اجابت شده ها قرار بده ! سرورم ، سرورم ! سجود مرا در زمره ساجدان ، مورد رحمت قرار بده و بر سرشک من در زمره اشک ریزان ، رحمت آر و بر نالیدنم در زمره نالندگانِ به درگاهت ، ترحّم کن ! سرورم ، سرورم ! چه بسیار تهی دستی را که بی نیاز کردی. تهی دستیِ مرا هم در میان آنچه بی نیازی کردی ، قرار بده ! سرورم ، سرورم ! بر دعای من در زمره خوانندگانت ، رحمت آور ! سرورم و معبودم ! بد کردم ، ستم کردم ، کار بد انجام دادم و به گناهم اقرار کردم ؛ و چه بد عمل کردم ! پس،ای مولای من ! مرا بیامرز ، ای بزرگوار ، ای ارجمند ، ای زیبا ! . پس چون فارغ شدی و برگشتی ، دستان خود را بالا می بری و پروردگارت را می ستایی. سپس آنچه را پیش تر گفته بودی ، می گویی و بر پیامبر صلی الله علیه و آلهدرود فرستاده ، خدای متعال را می ستایی؛ و ستایش ، از آنِ خداوند ، پروردگار جهانیان ، است».

.

ص: 1028

. .

ص: 1029

. .

ص: 1030

. .

ص: 1031

. .

. .

. .

ص: 1034

. .

ص: 1035

. .

ص: 1036

. .

ص: 1037

. .

ص: 1038

. .

ص: 1039

. .

ص: 1040

. .

ص: 1041

. .

ص: 1042

. .

ص: 1043

. .

ص: 1044

. .

ص: 1045

. .

ص: 1046

. .

ص: 1047

. .

ص: 1048

. .

ص: 1049

. .

ص: 1050

. .

ص: 1051

. .

ص: 1052

. .

ص: 1053

. .

ص: 1054

. .

ص: 1055

. .

ص: 1056

. .

ص: 1057

. .

ص: 1058

. .

ص: 1059

. .

ص: 1060

. .

ص: 1061

. .

ص: 1062

. .

ص: 1063

. .

ص: 1064

. .

ص: 1065

. .

. .

ص: 1067

. .

ص: 1068

. .

فهرست منابع و مآخذ1 . القرآن الكريم . 2 . الاحتجاج على أهل اللجاج ، أبو منصور أحمد بن على بن أبى طالب الطبرسى (ت 620 ه) ، تحقيق : إبراهيم البهادرى ومحمد هادى بهْ ، دار الأُسوه طهران ، الطبعه الأُولى 1413 ه . 3 . إحياء علوم الدين ، أبو حامد محمد بن محمد الغزالى (ت 505 ه) ، دار الهادى بيروت ، الطبعه الأُولى 1412 ه . 4 . الاختصاص ، المنسوب إلى أبى عبد اللّه محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادى المعروف بالشيخ المفيد (ت 413 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الرابعه 1414 ه . 5 . اختيار معرفه الرجال (رجال الكشّى) ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسى (ت 460 ه) ، تحقيق : مهدى الرجائى ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعه الأُولى 1404 ه . 6 . الأدب المفرد ، أبو عبد اللّه محمد بن إسماعيل البخارى (ت 256 ه) ، تحقيق : محمد بن عبد القادر عطا ، دار الكتب العلميه بيروت . 7 . الاذكار المتخبه من كلام سيد الابرار صلى الله عليه و آله ، لابى زكريا يحيى بن شرف النووى (ت 676ق) ، رياض دار الهجره.

.

8 . الأربعون حديثا ، للشهيد الأوّل محمد بن مكى العاملى (ت 786ق) ، قم مدرسه الامام المهدى (ع). 9 . الإرشاد فى معرفه حجج اللّه على العباد ، أبو عبد اللّه محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادى المعروف بالشيخ المفيد (ت 413 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعه الأُولى 1413 ه . 10 . إرشاد القلوب ، أبو محمد الحسن بن أبى الحسن الديلمى (ت 711 ه) ، مؤسسه الأعلمى بيروت ، الطبعه الرابعه 1398 ه . 11 . أساس البلاغه ، لأبى القاسم محمود بن عمر الزمخشرى (ت 538 ه) ، تحقيق : عبد الرحيم محمود ، دار صادر بيروت ، 1385 ه . 12 . أسباب نزول القرآن ، لأبى الحسن علىّ بن أحمد الواحدى النيسابورى (ت 468 ه) ، تحقيق : كمال بسيونى زغلول ، دار الكتب العلميّه بيروت . 13 . الاستبصار فيما اختلف من الأخبار ، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسى (ت 460 ه) ، تحقيق : حسن الموسوى الخرسان ، دار الكتب الإسلاميه طهران ، الطبعه الأُولى . 14 . أُسد الغابه فى معرفه الصحابه ، أبو الحسن عزّ الدين على بن أبى الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم الشيبانى المعروف بابن الأثير الجزرى (ت 630 ه) ، تحقيق : على محمد معوّض وعادل أحمد عبد الموجود ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الأُولى 1415 ه . 15 . الإصابه فى تمييز الصحابه ، لأبى الفضل أحمد بن علىّ بن الحجر العسقلانى (ت 852 ه) ، تحقيق : عادل أحمد عبد الموجود وعلىّ محمّد معوّض ، دار الكتب العلميّه بيروت ، الطبعه الأُولى 1415 ه . 16 . الأُصول الستّه عشر ، عدّه من الرواه ، دار الشبسترى قم ، الطبعه الثانيه 1405 ه . 17 . أعلام الدين فى صفات المؤمنين ، أبو محمد الحسن بن محمد الديلمى (ت 711 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم .

.

18 . إعلام الورى بأعلام الهدى ، أبو على الفضل بن الحسن الطبرسى (ت 548 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعه الأُولى 1417 ه . 19 . الإقبال بالأعمال الحسنه فيما يعمل مرّه فى السنه ، أبو القاسم على بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت 664 ه) ، تحقيق : جواد القيّومى ، مكتب الإعلام الإسلامى قم ، الطبعه الأُولى 1414 ه . 20 . الأمالى للصدوق ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه البعثه قم ، الطبعه الأُولى 1407 ه . 21 . الأمالى للطوسى ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسى(ت 460 ه) ، تحقيق : مؤسسه البعثه ، دار الثقافه قم ، الطبعه الأُولى 1414 ه . 22 . الأمالى للمفيد ، أبو عبد اللّه محمد بن النعمان العكبرى البغدادى المعروف بالشيخ المفيد (ت 413 ه) ، تحقيق : حسين أُستاد ولى وعلى أكبر الغفّارى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الثانيه 1404 ه . 23 . الانتصار ، لأبى القاسم على بن الحسين ، المعروف بالسيّد المرتضى علم الهدى (م 436ه . ق) ، مطبعه الشريف الرضى ، قم ، سنه 1391ه . ق. 24 . أهل البيت فى الكتاب والسنّه ، لمحمّد المحمّدى الريشهرى ، دار الحديث قم ، 1375 ه ش . 25 . بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار عليهم السلام ، محمد باقر بن محمد تقى المجلسى (ت 1110 ه) ، مؤسسه الوفاء بيروت ، الطبعه الثانيه 1403 ه . 26 . البدايه والنهايه ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقى (ت 774 ه) ، تحقيق ونشر : مكتبه المعارف بيروت . 27 . بشاره المصطفى لشيعه المرتضى ، أبو جعفر محمد بن محمد بن على الطبرى (ت 525 ه) ، المطبعه الحيدريه النجف الأشرف ، الطبعه الثانيه 1383 ه . 28 . بصائر الدرجات ، أبو جعفر محمد بن الحسن الصفّار القمّى المعروف بابن فرّوخ (ت 290 ه) ، مكتبه آيه اللّه المرعشى قم ، الطبعه الأُولى 1404 ه .

.

29 . بغیه الباحث عن زوائد مسند الحارث ، لنورالدین علی بن ابی بکر الهیثمی (ت 807ق) ، تحقیق : مسعد عبدالحمید محمد السعدنی ، قاهره دارالطلائع. 30 . البلد الأمین والدرع الحصین ، تقی الدین إبراهیم بن زین الدین الکفعمی (ت 905 ه) . 31 . بوستان ، للشیخ مصلح بن عبدالله سعدی (ت 691ق) ، تصحیح : محمد علی فروغی ، تهران انتشارات امیر کبیر ، 1354 . 32 . تاج العروس من جواهر القاموس ، محمد بن محمد مرتضی الحسینی الزبیدی (ت 1205 ه) ، تحقیق : علی شیری ، دار الفکر بیروت ، الطبعه الأُولی 1414 ه . 33 . تاریخ أصبهان ، أبو نعیم أحمد بن عبد اللّه الأصفهانی (ت 430 ه) ، تحقیق : سید کسروی حسن ، دار الکتب العلمیه بیروت . 34 . تاریخ بغداد أو مدینه السلام ، أبو بکر أحمد بن علی الخطیب البغدادی (ت 463 ه) ، المکتبه السلفیه المدینه المنوّره . 35 . تاریخ دمشق = تاریخ مدینه دمشق «ترجمه الإمام علی علیه السلام» ، أبو القاسم علی بن الحسن بن هبه اللّه المعروف بابن عساکر الدمشقی (ت 571 ه) ، تحقیق : علی شیری ، دار الفکر بیروت ، الطبعه الأُولی 1415 ه . 36 . التاریخ الکبیر ، أبو عبد اللّه محمد بن إسماعیل البخاری (ت 256 ه) ، دار الفکر بیروت . 37 . تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره (کنز جامع الفوائد) ، لعلی الغروی الحسینی الأستر آبادی (ت 940 ه) ، تحقیق ونشر : مدرسه الإمام المهدی (عج) قم ، الطبعه الأُولی 1407 ه . 38 . التحصین فی صفات العارفین (ضمیمه مثیر الاحزان)، لاحمد بن محمد بن فهد الحلی (ت 841ق) ، تحقیق ونشر : قم مدرسه الام المهدی (عج). 39 . تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله ، أبو محمد الحسن بن علی الحرّانی المعروف بابن شعبه (ت 381 ه) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاری ، مؤسسه النشر الإسلامی قم ، الطبعه الثانیه 1404 ه .

.

40 . الترغيب والترهيب من الحديث الشريف، لزكى الدين عبدالعظيم بن عبدالقوى المنذرى (ت 656 ق) ، ضبط احاديثه وعلق عليه مصطفى محمد عماره ، بيروت دارالفكر ، 1408ق . 41 . تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم) ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير البصروى الدمشقى (ت 774 ه) ، تحقيق : عبد العزيز غنيم ومحمد أحمد عاشور ومحمد إبراهيم البنّا ، دار الشعب القاهره . تفسير أبى الفتوح الرازى = روض الجنان وروح الجنان . تفسير الطبرى = جامع البيان عن تأويل آى القرآن . 42 . تفسير العيّاشى ، أبو النضر محمد بن مسعود السلمى السمرقندى المعروف بالعيّاشى (ت 320 ه) ، تحقيق : هاشم الرسولى المحلاّتى ، المكتبه العلميه طهران ، الطبعه الأُولى 1380 ه . تفسير الفخر الرازى = التفسير الكبير ومفاتيح الغيب تفسير القرطبى = الجامع لأحكام القرآن . 43 . تفسير القمّى ، أبو الحسن على بن إبراهيم بن هاشم القمّى (ت 307 ه) ، إعداد : طيّب الموسوى الجزائرى ، مطبعه النجف الأشرف . 44 . التفسير الكبير ومفاتيح الغيب (تفسير الفخر الرازى) ، لأبى عبد اللّه محمّد بن عمر المعروف بالفخر الرازى (ت 604 ه) ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الأُولى 1410 ه . 45 . تفسير نمونه ، ناصر مكارم شيرازى (معاصر) ، دار الكتب الإسلاميه طهران . 46 . التمحيص ، أبو على محمد بن همام الإسكافى (ت 336 ه) ، تحقيق ونشر : مدرسه الإمام المهدى(عج) قم . 47 . تنبيه الخواطر ونزهه النواظر (مجموعه ورّام) ، أبو الحسين ورّام بن أبى فراس (ت 605 ه) ، دار التعارف ودار صعب بيروت . 48 . تهذيب الأحكام فى شرح المقنعه ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسى (ت 460 ه) ، دار التعارف بيروت ، الطبعه الأُولى 1401 ه .

.

49 . تهذيب الكمال فى أسماء الرجال ، ليونس بن عبد الرحمن المزّى (ت 742 ه) ، تحقيق : الدكتور بشّار عوّاد معروف ، مؤسسه الرساله بيروت ، الطبعه الأُولى 1409 ه . 50 . ثواب الأعمال وعقاب الأعمال ، أبو جعفر محمد بن على القمّى المعروف بالصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، مكتبه الصدوق طهران . 51 . جامع الأحاديث ، أبو محمد جعفر بن أحمد بن على القمّى المعروف بابن الرازى (ق 4) ، تحقيق : محمد الحسينى النيسابورى ، مؤسسه الطبع والنشر التابعه للحضره الرضويه المقدّسه مشهد ، الطبعه الأُولى 1413 ه . 52 . جامع الأخبار أو معارج اليقين فى أُصول الدين ، لمحمّد بن محمّد الشعيرى السبزوارى (القرن السابع) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت قم ، الطبعه الأُولى 1414 ه . 53 . جامع البيان عن تأويل آى القرآن (تفسير الطبرى) ، لأبى جعفر محمّد بن جرير الطبرى (310 ه) ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الأُولى 1408 ه . 54 . الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبى) ، لأبى عبد اللّه محمّد بن أحمد الأنصارى القرطبى (ت 671 ه) ، تحقيق : محمّد عبد الرحمن المرعشلى ، دار إحياء التراث العربى بيروت ، الطبعه الثانيه 1405 ه . 55 . الجامع الصغير فى أحاديث البشير النذير ، لجلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطى (ت 911 ه) ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الأُولى 1401 ه . 56 . الجعفريّات (الأشعثيّات) ، أبو الحسن محمد بن محمد بن الأشعث الكوفى (ق 4) ، مكتبه نينوى طهران ، طُبع ضمن قرب الإسناد . 57 . جمال الأُسبوع بكمال العمل المشروع ، أبو القاسم على بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت 664 ه) ، تحقيق : جواد القيّومى ، مؤسسه الآفاق قم ، الطبعه الأُولى 1371 ش . 58 . جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام ، لمحمّد حسن النجفى (ت 1266 ه) مؤسسه المرتضى العالميّه بيروت ، 1412 ه ،.

.

59 . الحدائق الناضره فى أحكام العتره الطاهره ، للشيخ يوسف بن أحمد البحرانى (ت 1186 ه) ، تحقيق : محمّد تقى الايروانى ، دار الكتب الإسلاميّه نجف ، 1377 ه . 60 . حليه الأولياء وطبقات الأصفياء ، أبو نعيم أحمد بن عبد اللّه الأصبهانى (ت 430 ه) ، دار الكتاب العربى بيروت ، الطبعه الثانيه 1387 ه . 61 . خصائص الأئمّه عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام) ، أبو الحسن الشريف الرضى محمد بن الحسين بن موسى الموسوى (ت 406 ه) ، تحقيق : محمد هادى الأمينى ، مجمع البحوث الإسلاميه التابع للحضره الرضويه المقدّسه مشهد ، 1406 ه . 62 . الخصال ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الرابعه 1414 ه . 63 . الخلاف ، لابى جعفر محمد بن الحسن الطوسى (ت 460ق) ، قم دارالكتب العلميه . 64 . درر الأحاديث النبويّه بالاسانيد اليحيويه ، ليحيى بن الحسين ، جمعها عبدالله محمد حمزه الصعدى ، تحقيق : عبدالكريم فضيل ، بيروت مؤسسه الاعلمى. 65 . الدرّ المنثور فى التفسير المأثور ، جلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطى (ت 911 ه) ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الأُولى 1414 ه . 66 . الدروع الواقيه ، لأبى القاسم علىّ بن موسى بن طاووس الحلى (ت 664 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت قم ، الطبعه الأُولى 1414 ه . 67 . دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام ، أبو حنيفه النعمان بن محمد بن منصور بن أحمد بن حيّون التميمى المغربى (ت 363 ه) ، تحقيق : آصف بن على أصغر فيضى ، دار المعارف مصر ، الطبعه الثالثه 1389 ه . 68 . الدعاء ، لأبى القاسم سليمان بن أحمد الطبرانى (ت 360 ه) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الأُولى 1413 ه . 69 . الدعوات ، أبو الحسين سعيد بن عبد اللّه الراوندى المعروف بقطب الدين الراوندى (ت 573 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه الإمام المهدى (عج) قم ، الطبعه الأُولى 1407 ه .

.

رجال الكشّى = اختيار معرفه الرجال . 70 . روض الجنان وروح الجنان (تفسير أبى الفتوح الرازى) ، لأبى الفتوح حسين بن علىّ الرازى (قرن 6 ه) ، آستانه المقدسه الرضويّه مشهد ، الطبعه الأُولى 1371 ه ش . 71 . روضه المتقين ، للعلامه محمد باقر بن محمد تقى المجلسى (ت 1111 ق ، تهران بنياد فرهنگ اسلامى كوشانپور. 72 . روضه الواعظين ، محمد بن الحسن بن على الفتّال النيسابورى (ت 508 ه) ، تحقيق : حسين الأعلمى ، مؤسسه الأعلمى بيروت ، الطبعه الأُولى 1406 ه . 73 . زاد المعاد ، للعلاّمه محمّد باقر المجلسى (م 1111ه ق .) ، الطبعه القديمه ، كتابفروشى إسلاميه ، طهران. 74 . الزهد لابن المبارک ، أبو عبد الرحمن بن عبد اللّه بن المبارک الحنظلى المروزى (ت 181 ه) ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمى ، دار الكتب العلميه بيروت . 75 . السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى ، أبو جعفر محمد بن منصور بن أحمد بن إدريس الحلّى (ت 598 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الثانيه 1410 ه . 76 . سعد السعود ، لأبى القاسم علىّ بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت 664 ه) ، مكتبه الرضى قم ، الطبعه الأُولى 1363 ه ش . 77 . سلسله الأحاديث الصحيحه ، لمحمّد ناصر الدين الألبانى (معاصر) ، المكتب الإسلامى بيروت ، الطبعه الرابعه 1405 ه . 78 . سنن ابن ماجه ، أبو عبد اللّه محمد بن يزيد بن ماجه القزوينى (ت 275 ه) ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقى ، دار إحياء التراث بيروت ، الطبعه الأُولى 1395 ه . 79 . سنن أبى داود ، أبو داود سليمان بن أشعث السجستانى الأزدى (ت 275 ه) ، تحقيق : محمد محيى الدين عبد الحميد ، دار إحياء السنّه النبويه بيروت . 80 . سنن الترمذى (الجامع الصحيح) ، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سوره الترمذى (ت 297 ه) ، تحقيق : أحمد محمد شاكر ، دار إحياء التراث بيروت .

.

81 . سنن الدارقطنى ، أبو الحسن على بن عمر البغدادى المعروف بالدارقطنى (ت 285 ه) ، تحقيق : أبو الطيّب محمد آبادى ، عالم الكتب بيروت ، الطبعه الرابعه 1406 ه . 82 . سنن الدارمى ، أبو محمد عبد اللّه بن عبد الرحمن الدارمى (ت 255 ه) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، دار القلم بيروت ، الطبعه الأُولى 1412 ه . 83 . السنن الكبرى ، أبو بكر أحمد بن الحسين بن على البيهقى (ت 458 ه) ، تحقيق : محمد عبد القادر عطا ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الأُولى 1414 ه . 84 . السنن الكبرى ، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائى ، تحقيق : عبد الغفار سليمان البندارى ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الأُولى 1411 ه . 85 . سنن النسائى (بشرح الحافظ جلال الدين السيوطى وحاشيه الإمام السندى) ، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائى (ت 303 ه) ، دار الجيل بيروت ، الطبعه الأُولى 1407 ه . 86 . سير أعلام النبلاء ، لأبى عبد اللّه محمّد بن أحمد الذهبى (ت 748 ه) ، تحقيق : شُعيب الأرنؤوط ، مؤسسه الرساله بيروت ، الطبعه العاشره 1414 ه . 87 . السيره النبويّه ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير البصروى الدمشقى (ت 747 ه) ، تحقيق : مصطفى عبد الواحد ، دار إحياء التراث العربى بيروت . 88 . شرح الأسماء الحسنى ، لملاّ هادى سبزوارى (ت 1289 ه) ، مكتبه بصيرتى قم ، الطبعه الأُولى 1267 ه . 89 . شرح نهج البلاغه ، عزّ الدين عبد الحميد بن محمد بن أبى الحديد المعتزلى المعروف بابن أبى الحديد (ت 656 ه) ، تحقيق : محمد أبو الفضل إبراهيم ، دار إحياء التراث بيروت ، الطبعه الثانيه 1387 ه . 90 . شُعب الإيمان ، أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقى (ت 458 ه) ، تحقيق : محمد السعيد بسيونى زغلول ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الأُولى 1410 ه . 91 . الصحاح تاج اللغه وصحاح العربيّه ، أبو نصر إسماعيل بن حمّاد الجوهرى (ت 398 ه)،

.

تحقيق : أحمد بن عبد الغفور عطّار ، دار العلم للملايين بيروت ، الطبعه الرابعه 1410 ه . 92 . صحيح ابن حبّان بترتيب ابن بلبان ، علاء الدين على بن بلبان الفارسى (ت 739 ه) ، تحقيق : شعيب الأرناؤوط ، مؤسسه الرساله بيروت ، الطبعه الثانيه 1414 ه . 93 . صحيح ابن خزيمه ، لأبى بكر محمّد بن إسحاق السلمى النيسابورى المعروف بابن خزيمه (ت 311 ه) ، تحقيق : محمّد مصطفى الأعظمى ، المكتب الإسلامى بيروت ، الطبعه الثالثه 1412 ه . 94 . صحيح البخارى ، أبو عبد اللّه محمد بن إسماعيل البخارى (ت 256 ه) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، دار ابن كثير بيروت ، الطبعه الرابعه 1410 ه . 95 . صحيح مسلم ، أبو الحسين مسلم بن الحجّاج القشيرى النيسابورى (ت 261 ه) ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقى ، دار الحديث القاهره ، الطبعه الأُولى 1412 ه . 96 . صحيفه الإمام الرضا عليه السلام ، المنسوبه إلى الإمام الرضا عليه السلام ، تحقيق ونشر : مؤسسه الإمام المهدى (عج) قم ، الطبعه الأُولى 1408 ه . 97 . الصحيفه السجّاديّه ، المنسوبه إلى الإمام على بن الحسين عليهماالسلام ، تصحيح : على أنصاريان ، المستشاريه الثقافيه للجمهوريه الإسلاميه الإيرانيه دمشق ، 1405 ه . 98 . الصراط المستقيم إلى مستحقّى التقديم ، للشيخ زين الدين أبى محمّد علىّ بن يونس النباطى البياضى (ت 877 ه) ، إعداد : محمّد باقر البهبودى ، المكتبه المرتضويّه طهران ، الطبعه الأُولى 1384 ه . 99 . الطبقات الكبرى ، محمد بن سعد كاتب الواقدى (ت 230 ه) ، دار صادر بيروت . 100 . طبّ النبىّ صلى الله عليه و آله ، أبو على محمود بن محمد الجغمينى (ت 618 ه) ، الطبعه الحجريه ، 1318ه . 101 . عدّه الداعى ونجاح الساعى ، أبو العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلّى الأسدى (ت 841 ه) ، تحقيق : أحمد الموحّدى ، مكتبه وجدانى طهران . 102 . علل الشرائع ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، دار إحياء التراث بيروت ، الطبعه الأُولى 1408 ه .

.

103 . العلم والحكمه فى الكتاب والسنّه ؛ محمد الريشهرى (معاصر) ، تحقيق ونشر : دار الحديث قم ، الطبعه الأُولى 1376 ش . 104 . عمل اليوم والليله ، لأبى بكر أحمد بن محمّد بن السنى الدينورى (ت 464 ه) ، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى ، مؤسسه الكتب الثقافيّه بيروت ، الطبعه الأُولى 1408 ه . 105 . عمل اليوم والليله ، لأبى عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائى (ت 303 ه) ، تحقيق : فاروق حماده ، مؤسسه الرساله بيروت ، الطبعه الثالثه 1407 ه . 106 . عوالى اللآلى العزيزيه فى الأحاديث الدينيه ، محمد بن على بن إبراهيم الأحسائى المعروف بابن أبى جمهور (ت 940 ه) ، تحقيق : مجتبى العراقى ، مطبعه سيد الشهداء عليه السلام قم ، الطبعه الأُولى 1403 ه . 107 . العين ، لأبى عبد الرحمن الخليل بن أحمد الفراهيدى (ت 175 ه) ، تحقيق : مهديالمخزومى ، دار الهجره قم ، الطبعه الأُولى 1409 ه . 108 . عيون أخبار الرضا عليه السلام ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق : مهدى الحسينى اللاجوردى ، منشورات جهان طهران . 109 . عيون الحكم والمواعظ ، أبو الحسن على بن محمد الليثى الواسطى (ق6) ، تحقيق : حسين الحسنى البيرجندى، دار الحديث قم ، الطبعه الأولى 1418 ه . 110 . الغارات ، أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن سعيد المعروف بابن هلال الثقفى (ت 283 ه) ، تحقيق : جلال الدين المحدّث الأُرموى ، منشورات أنجمن آثار ملّى طهران ، الطبعه الأُولى 1395 ه . 111 . غرر الحكم ودرر الكلم ، عبد الواحد الآمدى التميمى (ت 550 ه) ، تحقيق : جلال الدين المحدّث الأُرموى ، جامعه طهران ، الطبعه الثالثه 1360 ش . 112 . الغيبه ، أبو جعفر محمد بن الحسن بن على بن الحسن الطوسى (ت 460 ه) ، تحقيق : عباد اللّه الطهرانى وعلى أحمد ناصح ، مؤسسه المعارف الإسلاميه قم ، الطبعه الأُولى 1411 ه . 113 . الفردوس بمأثور الخطاب ، أبو شجاع شيرويه بن شهردار الديلمى الهمدانى (ت 509 ه) ،

.

تحقیق : السعید بن بسیونی زغلول ، دار الکتب العلمیه بیروت ، الطبعه الأُولی 1406 ه . 114 . الفضائل ، لأبی الفضل شاذان بن جبرئیل القمّی (ت 660 ه) ، الطبعه الحیدریّه نجف ، 1338 ه . 115 . فضائل الأشهر الثلاثه ، لأبی جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقیق : غلامرضا عرفانیان ، مکتبه الداوری قم ، الطبعه الأُولی 1396 ه . 116 . فضائل الأوقات ، لابی بکر احمد بن الحسین البیهقی (ت 458ق) ، تحقیق : عدنان عبدالرحیم مجید القیسی ، 117 . الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام ، تحقیق ونشر : مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث ، المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام مشهد . 118 . فلاح السائل ، أبو القاسم علی بن موسی الحلّی المعروف بابن طاووس (ت 664 ه) ، تحقیق : غلامْحسین مجیدی ، مکتب الإعلام الإسلامی قم ، الطبعه الأُولی 1419 ه . 119 . القاموس المحیط ، أبو طاهر مجد الدین محمد بن یعقوب الفیروزآبادی (ت 817 ه) ، دار الفکر بیروت . 120 . قرب الإسناد ، أبو العباس عبد اللّه بن جعفر الحِمْیری القمّی (ت بعد 304 ه) ، تحقیق ونشر : مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث قم ، الطبعه الأُولی 1413 ه . 121 . الکافی ، أبو جعفر ثقه الإسلام محمد بن یعقوب بن إسحاق الکلینی الرازی(ت 329 ه) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاری ، دار صعب ودار التعارف بیروت ، الطبعه الرابعه 1401 ه . 122 . کامل الزیارات ، أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (ت 367 ه) ، تحقیق : جواد القیّومی ، نشر الفقاهه قم ، الطبعه الأُولی 1417 ه . 123 . کتاب من لا یحضره الفقیه ، أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقیق : علی أکبر الغفّاری ، مؤسسه النشر الإسلامی قم ، الطبعه الثانیه .

.

124 . الكشّاف ، أبو القاسم جار اللّه محمود بن عمر الزمخشرى (ت 538 ه) ، دار المعرفه بيروت . 125 . كشف الغمّه فى معرفه الأئمّه ، على بن عيسى الإربلى (ت 687 ه) ، تصحيح : هاشم الرسولى المحلاّتى ، دار الكتاب الإسلامى بيروت ، الطبعه الأُولى 1401 ه . 126 . كفايه الأثر فى النصّ على الأئمّه الاثنى عشر ، أبو القاسم على بن محمد بن على الخزّاز القمّى (ق 4) ، تحقيق : عبد اللطيف الحسينى الكوهْكمرى ، انتشارات بيدار قم ، 1401 ه . 127 . كمال الدين وتمام النعمه ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الأُولى 1405 ه . 128 . كنز العمّال فى سنن الأقوال والأفعال ، علاء الدين على المتّقى بن حسام الدين الهندى (ت 975 ه) ، تصحيح : صفوه السقّا ، مكتبه التراث الإسلامى بيروت ، الطبعه الأُولى 1397 ه . 129 . كنز الفوائد ، أبو الفتح محمد بن على بن عثمان الكراجكى الطرابلسى (ت 449 ه) ، إعداد : عبد اللّه نعمه ، دار الذخائر قم ، الطبعه الأُولى 1410 ه . 130 . لسان العرب ، أبو الفضل جمال الدين محمد بن مكرم بن منظور المصرى (ت 711 ه) ، دار صادر بيروت ، الطبعه الأُولى 1410 ه . 131 . مجمع البحرين ، فخر الدين الطريحى (ت 1085 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه البعثه قم ، الطبعه الأولى 1414 ه . 132 . مجمع البيان فى تفسير القرآن (تفسير مجمع البيان) ، أبو على الفضل بن الحسن الطبرسى (ت 548 ه) تحقيق : هاشم الرسولى المحلاّتى وفضل اللّه اليزدى الطباطبائى ، دار المعرفه بيروت ، الطبعه الثانيه 1408 ه . 133 . مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، نور الدين على بن أبى بكر الهيثمى (ت 807 ه) ، تحقيق : عبد اللّه محمد درويش ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الأُولى 1412 ه . 134 . المحاسن ، أبو جعفر أحمد بن محمد بن خالد البرقى (ت 280 ه) ، تحقيق : مهدى الرجائى ،

.

المجمع العالمى لأهل البيت عليهم السلام قم ، الطبعه الاُولى 1413 ه . 135 . المحجّه البيضاء فى تهذيب الأحياء ، محسن الفيض الكاشانى (ت 1091 ه) ، مع حاشيه : على أكبر الغفّارى ، جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه قم ، 1383 ه . 136 . المحيط فى اللغه ، أبو القاسم إسماعيل بن عبّاد الطالقانى (ت 385 ه) ، تحقيق : محمد حسن آل ياسين ، عالم الكتب بيروت . 137 . مختصر بصائر الدرجات ، الحسن بن سليمان الحلّى (ق 9) ، انتشارات الرسول المصطفى قم . 138 . مرآه العقول فى شرح أخبار آل الرسول ، محمد باقر بن محمد تقى المجلسى (ت 1111 ه) ، تحقيق : هاشم الرسولى المحلاّتى ، دار الكتب الإسلاميه طهران ، الطبعه الثالثه 1370 ش . 139 . المراقبات اعمال السنه ، لميرزا جواد آغا الملكى التبريزى (ت 1343ق) ، تهران المطبعه الحيدرى ، 1381ق. 140 . المزار الكبير ، لأبى عبد اللّه محمّد بن جعفر المشهدي (قرن 6 ه) ، تحقيق : جواد القيّومى الاصفهانى ، نشر قيّوم قم ، الطبعه الاُولى 1419 ه . 141 . المزار ، لأبى عبد اللّه محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى الحارثى المعروف بالشيخ المفيد (ت 413 ه) ، تحقيق : محمّد باقر الأبطحى ، المؤتمر العالمى لألفيّه الشيخ المفيد قم ، الطبعه الاُولى 1413 ه . 142 . مسارّ الشيعه فى مختصر تواريخ الشريعه ، لابى عبدالله محمد بن محمد بن النعمان العكبرى المعروف بالشيخ المفيد (ت 413ق) ، تحقيق : مهدى نجف ، بيروت دارالمفيد ، 1414ق. 143 . المستدرک على الصحيحين ، أبو عبد اللّه محمد بن عبد اللّه الحاكم النيسابورى (ت 405 ه) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الاُولى 1411 ه . 144 . مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل ، حسين النورى الطبرسى (ت 1320 ه) ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعه الاُولى 1407 ه . 145 . مستطرفات السرائر (النوادر) ، أبو جعفر محمد بن منصور بن إدريس الحلّى (ت 598 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه الإمام المهدى (عج) قم .

.

146 . مستند الشیعه فی أحکام الشریعه ، لأحمد بن محمّد مهدی بن أبی ذر النراقی (م 1245ه . ق) ، تحقیق و طبع مؤسسه آل البیت : لإحیاء التراث. 147 . مستند العروه الوثقی (محاضرات آیه اللّه خوئی) ، تألیف مرتضی البروجردی، قم لطفی، 1314ه . 148 . مسند ابن الجعد ، لأبی الحسن علیّ بن الجعد بن عبید الجوهری (ت 230 ه) مؤسسه ناور بیروت . 1410 . 149 . مسند أبی داود الطیالسی ، لسلیمان بن داود بن الجارود البصری المعروف بأبی داود الطیالسی (ت 204 ه) ، دار المعرفه بیروت . 150 . مسند أبی یعلی الموصلی ، أبو یعلی أحمد بن علی بن المثنّی التمیمی الموصلی (ت 307 ه) ، تحقیق : إرشاد الحقّ الأثری ، دار القبله جدّه ، الطبعه الأُولی 1408 ه . 151 . مسند إسحاق بن راهویه ، أبو یعقوب إسحاق بن راهویه المروزی (ت 238 ه) ، تحقیق : عبد الغفور عبد الحق حسین البلوشی ، مکتبه الإیمان المدینه المنوّره ، الطبعه الأُولی 1412ه . 152 . مسند الإمام زید (مسند زید) ، المنسوب إلی زید بن علی بن الحسین علیهماالسلام(ت 122 ه) ، منشورات دار مکتبه الحیاه بیروت ، الطبعه الأُولی 1966 م . 153 . مسند الشامیّین ، أبو القاسم سلیمان بن أحمد الطبرانی (ت 360 ه) ، تحقیق : حمدی عبد المجید السلفی ، مؤسسه الرساله بیروت . 154 . مسند الشهاب ، محمد بن سلامه القضاعی (ت 454 ه) ، مؤسسه الرساله بیروت . مسند الطیالسی = مسند أبی داود الطیالسی 155 . المسند لأحمد بن حنبل ، أحمد بن محمد بن حنبل الشیبانی (ت 241 ه) ، تحقیق : عبد اللّه محمد الدرویش ، دار الفکر بیروت ، الطبعه الثانیه 1414 ه . 156 . مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار ، أبو الفضل علی الطبرسی (ق 7) ، تحقیق : مهدی هوشْمند ، دار الحدیث قم ، الطبعه الأُولی 1418 ه .

.

157 . مشكاه المصابيح ، أبو عبد اللّه محمد بن عبد اللّه بن الخطيب التبريزى (ت 776 ه) ، تحقيق : محمد ناصر الدين الألبانى ، المكتب الإسلامى دمشق . 158 . مصباح الزائر ، لأبيالقاسم علىّ بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس(ت 664 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت قم ، الطبعه الأُولى 1417 ه . 159 . مصباح الشريعه ومفتاح الحقيقه ، المنسوب إلى الإمام الصادق عليه السلام ، شرح : عبد الرزّاق الگيلانى ، نشر صدوق طهران ، الطبعه الثالثه 1407 ش . 160 . المصباح فى الأدعيه والصلوات والزيارات ، تقى الدين إبراهيم بن على بن الحسن العاملى الكفعمى (ت 900 ه) ، تحقيق: حسين الأعلمى ، مؤسسه الأعلمى ، الطبعه الأولى 1414 ه . 161 . مصباح المتهجّد ، أبو جعفر محمد بن الحسن بن على بن الحسن الطوسى (ت 460 ه) ، تحقيق : على أصغر مرواريد ، مؤسسه فقه الشيعه بيروت ، الطبعه الأُولى 1411 ه . 162 . المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى ، أبو العباس أحمد بن محمد بن على الفيّومى (ت 770 ه) ، مؤسسه دار الهجره قم ، الطبعه الثانيه 1414 ه . 163 . المصنّف فى الأحاديث والآثار ، أبو بكر عبد اللّه بن محمد بن أبى شيبه العبسى الكوفى (ت 235 ه) ، تحقيق : سعيد محمد اللحّام ، دار الفكر بيروت . 164 . المصنّف ، لأبى بكر عبد الرزّاق بن همّام الصنعانى (ت 211 ه) ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمى ، منشورات المجلس العلمى بيروت . 165 . معانى الأخبار ، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمّى المعروف بالشيخ الصدوق (ت 381 ه) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الأُولى 1361 ش . 166 . المعتبر فى شرح المختصر ، للمحقّق الحلّى نجم الدين جعفر بن حسن بن يحيى بن سعيد الهُذَلى (م 676ه . ق) ، تحقيق لجنه بإشراف الشيخ ناصر مكارم ، مؤسسه سيّد الشهداء ، 1364ه . 167 . المعجم الأوسط ، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمى الطبرانى (ت 360 ه) ، تحقيق : طارق ابن عوض اللّه وعبد الحسن بن إبراهيم الحسينى ، دار الحرمين القاهره ، الطبعه الأُولى

.

1415 ه . 168 . معجم البلدان ، أبو عبد اللّه شهاب الدين ياقوت بن عبد اللّه الحموى الرومى(ت 626 ه) ، دار إحياء التراث العربى بيروت ، الطبعه الأُولى 1399 ه . 169 . المعجم الصغير ، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخميالطبرانى (ت 360 ه) ، تحقيق : محمد عثمان ، دار الفكر بيروت ، الطبعه الثانيه 1401 ه . 170 . المعجم الكبير ، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمى الطبرانى (ت 360 ه) ، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى ، دار إحياء التراث العربى بيروت ، الطبعه الثانيه 1404 ه . 171 . معجم مقاييس اللغه ، أحمد بن فارس بن زكريا (ت 395ه) ، تحقيق: عبد السلام محمّد هارون ، شركه مكتبه مصطفى الباقى وأولاده مصر ، 1389 ه . 172 . المعجم الوسيط ، لمصطفى ابراهيم واحمد حسن الزيات وحامد عبدالقادر ومحمد على النجار ، استانبول المكتبه الاسلاميه ، 1392ق. 173 . مفردات ألفاظ القرآن ، أبو القاسم الحسين بن محمد الراغب الأصفهانى (ت 425 ه) ، تحقيق : صفوان عدنان داودى ، دار القلم بيروت ، الطبعه الأُولى 1412 ه . 174 . المقنعه ، أبو عبد اللّه محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادى المعروف بالشيخ المفيد (ت 413 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الثانيه 1410 ه . 175 . مكارم الأخلاق ، أبو على الفضل بن الحسن الطبرسى (ت 548 ه) ، تحقيق : علاء آل جعفر ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الأُولى 1414 ه . 176 . مكارم الأخلاق ، عبد اللّه بن محمد بن عبيد بن أبى الدنيا (ت 281 ه) ، تحقيق: محمّد عبد القادر عطا ، دار الكتب العلميه بيروت 1409 ه . 177 . ملاذ الأخيار فى فهم تهذيب الاخبار ، للعلامه محمد باقر بن محمد تقى المجلسى (ت 1111 ق) ، تحقيق : السيد مهدى الرجائى ، قم مكتبه آيه الله المرعشى النجفى ، 1406ق. 178 . المناقب (المناقب للخوارزمى) ، الموفّق بن أحمد البكرى المكّى الحنفى الخوارزمى (ت 568 ه) تحقيق : مالک المحمودى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الثانيه

.

1414 ه . 179 . مناقب آل أبى طالب (المناقب لابن شهرآشوب) ، أبو جعفر رشيد الدين محمد بن على بن شهرآشوب المازندرانى (ت 588 ه) ، المطبعه العلميه قم . 180 . منتهى المطلب فى تحقيق المذهب ، ابو منصور الحسن بن يوسف الحلى (ت 726 ق) ، بنياد پژوهشهاى آستان قدس رضوى مشهد 0 181 . المنجد فى اللغه ، لويس معلوف ، دار المشرق بيروت ، الطبعه الحاديه والعشرون 1973 م . 182 . منيه المريد ، زين الدين على العاملى المعروف بالشهيد الثانى (ت 965 ه)، تحقيق: رضا المختارى ، مكتب الإعلام الإسلامى قم ، 1415 ه . 183 . المواعظ العدديّه ، على المشكينى الأردبيلى (معاصر) ، تحقيق : على الأحمدى الميانجى ، دفتر نشر الهادى قم ، الطبعه الرابعه 1406 ه . 184 . الموطّأ ، مالک بن أنس (ت 158 ه) ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقى ، دار إحياء التراث العربى بيروت ، الطبعه الأُولى 1406 ه . 185 . المهذّب فى الفقه ، لابن البرّاج القاضى عبد العزيز بن أبى الكامل الطرابلسى (م 481ه . ق) ، طبع و تحقيق مؤسسه النشر الإسلامى ، قم ، 1406ه . ق. 186 . ميزان الحكمه ، محمد الريشهرى (معاصر) ، تحقيق ونشر : دار الحديث قم ، 1416 ه . 187 . الميزان فى تفسير القرآن ، محمد حسين الطباطبائى (ت 1402 ه) ، مؤسسه مطبوعاتى إسماعيليان قم ، الطبعه الثالثه 1394 ه . 188 . نثر الدرّ ، أبو سعيد منصور بن الحسين الآبى (ت 421 ه) ، تحقيق : محمد على قرنه ، الهيئه المصريه العامه مصر ، الطبعه الأُولى 1981 م . 189 . نصب الرايه ، لأبى محمّد عبد اللّه بن يوسف الحنفى الزيلعى (ت 762 ه) دار الحديث قاهره ، 1415 ه . 190 . النوادر ، لأبى جعفر أحمد بن محمّد بن عيسى الأشعرى القمى (ت قرن 3 ق) ، تحقيق و نشر : مؤسسه الامام المهدى عليه السلام ، 1408 ق .

.

191 . النوادر ، فضل اللّه بن على الحسنى الراوندى (ت 571 ه) ، تحقيق : سعيد رضا على عسكرى ، دار الحديث قم ، الطبعه الأُولى 1377 ش . 192 . نوادر الأُصول فى معرفه أحاديث الرسول ، أبو عبد اللّه محمد بن على الحكيم الترمذى (ت 320 ه) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعه الأُولى 1413 ه . 193 . النهايه فى غريب الحديث والأثر ، أبو السعادات مبارک بن مبارک الجزرى المعروف بابن الأثير (ت 606 ه) ، تحقيق : طاهر أحمد الزاوى ، مؤسسه إسماعيليان قم ، الطبعه الرابعه 1367 ش . 194 . النهايه و نكتها ، لنجم الدين جعفر بن الحسن بن يحيى بن سعيد الحلّى ، المعروف بالمحقق الحلّى (م 676ه . ق) ، تحقيق و نشر مؤسسه النشر الإسلامى ، قم ، 1412ه . ق. 195 . نهج البلاغه (من كلام أمير المؤمنين عليه السلام) ، اختيار : أبيالحسن الشريف الرضى محمد بن الحسين بن موسى الموسوى (ت 406 ه) . 196 . الوافى ، للمولى محسن الفيض الكاشانى ، تحقيق : ضياء الدين الحسينى «العلاّمه» ، منشورات مكتبه أميرالمؤمنين العامه ، إصفهان ، سنه 1406 ق 17 ج . 197 . الورع ، لأبى بكر عبد اللّه بن محمّد بن أبى الدنيا القرشى (ت 282 ه) ، تحقيق : مسعد عبد الحميد السعدى ، مكتبه القرآن قاهره . 198 . وسائل الشيعه ، محمد بن الحسن الحرّ العاملى (ت 1104 ه) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلاملإحياء التراث قم ، الطبعه الأُولى 1409 ه . 199 . الهدايه ، ابو جعفر محمد بن على القمى «الشيخ الصدوق » (ت 381 ق)، مؤسسه الامام الهادى عليه السلام قم.

.

ص: 1088

. .

ص: 1089

فهرست تفصیلی .

ص: 1090

. .

ص: 1091

. .

ص: 1092

. .

ص: 1093

. .

ص: 1094

. .

ص: 1095

. .

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 09132000109
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109